اطلاعات

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۳ – ۲۴ جمادی الاول ۱۴۳۶ – ۱۵ مارس ۲۰۱۵ – سال هشتادونهم – شماره ۲۶۱۱۷ – ۱۶ صفحه به همراه ۱۴۸ صفحه نوروزنامه – استثنائاً ۲۰۰۰ تومان

دور تازه مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب در لوزان

* مذاکرات وزیران امور خارجه ایران و آمریکا امروز آغاز می‌شود
* ظریف فردا در بروکسل با همتایان خود از آلمان، انگلیس و فرانسه دیدار می‌کند
* نشریه رسمی کنگره آمریکا: جواب ظریف درس خوبی برای سناتورهای آمریکا بود

صفحه ۲

سیا: آمریکا خواستار سقوط دولت اسد نیست

* «جان‌برنان» رئیس سیا اعلام کرد که سقوط دولت اسد، راه را برای قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی در سوریه هموار می‌کند
* داعش و القاعده در بخش‌هایی از سوریه در حال رشد هستند

صفحه ۱۶

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گفتگو با روزنامه اطلاعات:

مخالفان طرح تحولات سلامت نگران منافع خود هستند



* طرح‌های بزرگ ملی باید پیوست طرح سلامت داشته باشند
* بسیاری از بیمه‌ها، بنگاه بازرگانی و اقتصادی شده‌اند
* منابع دولت در زمینه بیمه باید تجمیع شود، نمی‌شود یک دستگاه دولتی بودجه کافی برای بیمه تکمیلی کارکنان خود داشته و دستگاه دیگر نداشته باشد
* مجلس با دریافت عوارض از کالاهای آسیب‌رسان مانند سیگار و کالاهای لوکس مانند اتومبیل مخالفت کرد
* دولت باید در زمینه تجمیع بیمه‌ها تصمیم قاطع بگیرد و با ارایه یک لایحه کار را تمام کند
* ۲ هزار میلیارد تومان برای درمان بیماران صعب‌العلاج در نظر گرفته شد
* یک یا دو درصد از پزشکان دارای درآمدهای نجومی هستند
* دولت پرداخت ۹۰ درصد هزینه داروی بیماران سرطانی را پذیرفت ولی هنوز کسانی هستند که نمی‌توانند ۱۰ درصد بقیه را هم بپردازند

صفحه ۲

یادنامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد آقا خمینی (ره)

رهبر معظم انقلاب: حاج احمد آقا عنصری خوشفکر باهوش و باتجربه بودند

صفحه ۱۰

رئیس جمهوری در مراسم افتتاح فازهای ۵ و ۶ تصفیه خانه فاضلاب جنوب تهران اعلام کرد:

آماده باش دولت برای مقابله با کم آبی

* دولت با وجود خشکسالی، تمام طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام خواهد داد تا مردم تهران در تابستان دچار مشکل نشوند
* ضروری است مردم در مصرف آب صرفه جویی کنند
* ملت ایران برای دفاع از اهداف و آرمان‌های خود همواره بهای زیادی پرداخت کرده است

* رئیس جمهوری بر ضرورت نشر و گسترش بیش از پیش فرهنگ قرآنی در کشور تاکید کرد

صفحه ۲

افتتاح خط تولید انبوه موشک کروز دریایی قدیر با حضور وزیر دفاع

* این نوع موشک کروز به نیروی دریایی سپاه پاسداران تحویل شد

صفحه ۴

اختصاص ۳۲ میلیارد دلار اعتبار صندوق توسعه ملی به طرح‌های زیربنایی

* رئیس جمهوری خواستار اصلاح نرخ سود تسهیلات صندوق توسعه در مناطق محروم شد
* صندوق توسعه یک میلیارد دلار به صورت ریالی در اختیار بخش صنعت و معدن، گردشگری، کشاورزی و بهره‌وری آب سال آینده قرار می‌دهد

صفحه ۴

به همراه «نوروزنامه» اطلاعات

نوروزنامه

یادداشت

حیف نیست؟!

فتح الله آملی

صفحه ۲

یادداشت

کوثر و عید نوروز

آیت الله یحیی عابدی

صفحه ۳

گزارش

اگر قلب سالم می‌خواهید...

صفحه ۵

نظرها و اندیشه‌ها

گفتگوی دینی با کلیسا

صفحه ۶

اقتصادی

چشم انداز صنعت گاز در کشورهای حاشیه دریای خزر

صفحه ۷

روابط بین الملل

جهان سیاست در سالی که گذشت

صفحه ۱۲

یادداشت

حیف نیست؟!

فتح الله آملی

با نگاهی به کشورهای پیرامونی، به خوبی می‌توان دریافت که ایران در دل منطقه‌ای آشـــوب‌زده، کشور امنی است. الحمدلله در هیچ‌کدام از مرزهای کشور درگیری و یا مناقشه‌ای دیده نمی‌شود.

حـــرکات ایذایی و خرابکارانه، فعالیت گروه‌های تروریســـتی، و درگیری‌های مرزی در کشور دیده نمی‌شود. در حقیقت نظام اسلامی با دفاع استراتژیک در بیرون مرزها، برای داخل امنیت قابل توجهی ایجاد کرده است که شایسته قدرشناسی است. تلاش نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نیز افزایش توان دفاعی کشور همچنین پیشرفت‌های قابل توجهی که در زمینه‌های نظامی و دفاعی علیرغم همه تحریم‌ها داشته‌ایم سبب شده تا کشورمان از قدرت قابل قبول و استحکام قابل توجهی برخوردار باشد.

در عرصه دیپلماسی نیز با وجود اشتباهاتی که در سالهای گذشته مرتکب شده و هزینه‌های بیهوده‌ای که بابت آن پرداخته‌ایم بدون تردید به موفقیت‌های خوبی رسیده‌ایم که محصول نگاه منطقی‌تر و عقلایی‌تر به جهان و نظامات جهانی است. همه آنها که گمان می‌کنند دیپلماسی خارجی کشور نمره قابل قبولی نگرفته به تحولات اخیر چشم بدوزند. شکافهایی را که جمهوری اســـلامی حتی در اردوگاه همیشه یکبارچه غرب پدید آورده و نقشی را که در حال حاضر جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی پیدا کرده به درستی و بدون حب و بغض رصد کنند تا به خودی خود به تیم مذاکره‌کننده کشورمان که در همه مراحل، هم استراتژی و هم شاید تاکتیکش را با هماهنگی رهبر انقلاب به پیش می‌برد خدا قوّت بگویند. مجموعه این نقاط قوّت باعث می‌شود تا با اطمینان بگوییم نظام جمهوری اسلامی در حال حاضر یک قدرت منطقه‌ای قابل اعتناست که با پشتوانه استحکام درونی‌اش می‌تواند هر خطر خارجی را دفع کند.

پس در حال حاضر جمهوری اسلامی از بابت تهدیدهای خارجی می‌تواند خیال آسوده‌ای داشته باشد. اما آنچه می‌توان از آن به عنوان یک خطر یا یک آسیب سخن گفت بی‌تردید مشکلاتی است که در داخل کشور سلامت انقلاب و نظام و آرامش مردم و اعتماد مردم به نظام را هدف گرفته است. باید اعتراف کرد: ما به همان میزان که در عرصه‌های دفاعی و امنیتی سپرها و جوشن‌های خوبی برای مدافعه تدارک دیده‌ایم در ایجاد بســـترهای لازم برای افزایش مقاومت درونی و داخلی غفلت کرده‌ایم. نادیده گرفتن این ضعفها و مشکلات می‌تواند در فرض تداوم آسیبی را که از بیرون قابل انجام و تحقق نیست، به درون بیاورد و خطر بیافریند. واقعاً حیف نیســـت نظامی که می‌تواند آوازه و اقتدارش را تا دوردستهای جغرافیای پیرامونش به گوش این و آن برساند خدای ناکرده نتواند در داخل کشور به اصلاح ساختار بپردازد؟

باید اعتراف کرد که کشـــور هنوز در مقابله با بوروکراســـی اداری، دیوانسالاری، توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت، رواج فساد و رانت با پیچ و خمها و گره‌های کور فراوانی روبروســـت. حیف نیست نظام اجرایی و اداری و دولتی ما نتواند ساز و کاری برای جلوگیری از فرار مالیاتی، اصلاح نظام و سیستم بانکی، و مقابله با باندهای فساد و ارتشا و رشوه در دستگاه اداری پیدا کند؟ چگونه می‌توان تحمل کرد که وضعیت اشتغال جوانان کشور و نیز اوضاع و احوال واحدهای تولیدی ما در حد و مرز نگران کننده‌ای باشد، آنگاه همچنان دروازه‌های مملکت به روی واردات و قاچاق کالا چنین باز باشد؟

این غول‌های واردات و انحصار چه کسانی هستند و به کجا وابسته‌اند که هنوز هم حتی در شرایط تحریم چنین دست بازی در واردات کالاهای خارجی دارند که هر هفته و هر ماه شاهد تعطیل و یا تعدیل نیروی چند واحد تولیدی هستیم؟

حیف نیست بخاطر ضعف در نظام اجرایی و اداری و قضایی و پلیسی شاهد چنین هجمه عظیمی به منابع ملی و محیط زیست کشور باشیم و سرمایه‌های ملّی و حیاتی این سرزمین چون منابع آب، خاک، جنگل و دشت و دریاچه و رودخانه را به چنین حال و روزی بیندازیم؟

آیا نظامی که می‌تواند چنین قدرت منطقه‌ای چشمگیری را فراهم آورد خدای ناکرده از مقابله با عده‌ای زمین‌خوار و صاحب نفوذ و صاحب ثروت و قدرت عاجز و درمانده است که عده‌ای با پول و یا رشوه و یا رانت بتوانند چنین دست گشاده‌ای در تخریب سرزمین داشته باشند؟

حیف نیست ما با بی‌توجهی به الزامات اقتصاد مقاومتی و برقراری عدالت اجتماعی و نادیده گرفتن حقوق شـــهروندی و اســـتفاده از تمام ظرفیت‌های چشمگیر ایران و ایرانی، قدرت مقاومت و چانه‌زنی و نیز بسترهای رشد و توسعه و رفاه و آرامش مردمان را از درون در معرض خطر و آسیب قرار دهیم؟

گزارش هسته ای دکتر ظریف به اعضای مجمع تشخیص مصلحت

وزیر امور خارجه کشورمان بـــا حضور در جلســـه مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارشی از آخرین تحولات و شـــرایط گفتگوهای هسته ای با کشورهای ۵+۱ را به اطلاع اعضا رساند .

به گـــزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ادامه بررسی و تدوین سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور در جلسه دیروزمجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی پیگیری شد.

علاوه بـــر اکثریت اعضا، معـــاون اول رئیس جمهوری، وزرای اطلاعات و امور خارجه و مشاور اقتصادی رئیس جمهوری نیز در جلســـه مجمع تشخیص مصلحت حضور داشتند.

در این جلسه پیش نویس سیاســـت‌های کلی برنامه ششم توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بنابر پیشنهاد محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه سه بند در بخش سیاســـت خارجی به شرح ذیل تصویب شد:

۱ـ اولویت دادن به دیپلماسی اقتصـــادی در چارچوب اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم انداز به ویژه از طریق توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فن‌آوری.

۲ـ برنامه ریزی برای خنثی کردن تلاش کشورها و گروه‌های غیرهمسو برای اجماع بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران.

۳ـ تلاش بـــرای مبارزه با تروریســـم و مهار افراط گرایی، فرقه گرایی و اختلافات مذهبی و حمایت از بیداری اسلامی.

همچنین در یک جلسه، در بخش‌های حقوقی،قضایی،علمی، فرهنگی و اجتماعی مواردی به تصویب رسید.

بنا بر این گزارش، ادامه بحث در این باره به جلســـات آینده مجمع در ســـال جدید موکول شد.

لاریجانی: ایران همواره به دنبال ایجاد آرامش در منطقه است

رئیس مجلس شورای اسلامی بـــا بیان این که ایران همیشـــه به دنبال ایجـــاد آرامش و امنیت در منطقه بوده است، گفت ما اصولا امپراتوری‌گری را کار درســـتی نمی‌دانیم و آن را موضوع امروز و معاصر نمی‌پنداریم.

علـــی لاریجانی در گفتگو با تلویزیون الرای کویت، با اشاره به این که دوره امپراتوری گری گذشته اســـت، گفت: یکی از مهم ترین اشـــتباهات رسانه ها این است که پیچیده تر از حد موضوع هسته‌ای به آن نگاه می‌کنند و گاه آن را به الفاظی که جز ســـوء تفاهم چیزی نیست وصل می‌کنند مانند این که ایران به دنبـــال نفوذ منطقه‌ای یا امپراتوری گری و این چیزهاست. در حالی کـــه پایه اصلی انقلاب اسلامی دموکراسی خواهی و اتحاد کشورهای اسلامی بود بنابراین ما روی ایـــن مبانی فکر می کنیم اگر یک کشور اسلامی در منطقه وجود دارد مـــا به عنوان این که برادارن ما هســـتند خواهان ایجاد روابط مسالمت آمیز با آن‌ها هستیم.

وی با تاکید بر این که همیشه از دموکراســـی در منطقه حمایت کرده ایـــم، گفت: ملت‌ها باید بر سرنوشـــت خودشان متکی باشند و کشورهای اسلامی احتیاجی به قیم ندارند. ملل اسلامی خودشان صاحب فکر هستند و به همین دلیل هر گونه لشگرکشـــی در منطقه را غلط می دانیم.

رئیس مجلس همچنین اسرائیل را یک غده سرطانی در منطقه نامید و گفت: ائتلاف بزرگی که با ســـر و صدا بـــرای مقابله با داعش به وجـــود آمده ظاهرا بر روی کاغذ و صفحه تلویزیون اســـت و روی زمیـــن ایران به عراق کمک کرد تا جلوی داعش گرفته شود. لاریجانی بـــا بیان این که لبنـــان و غزه با کمک ایران جلوی اسرائیل و رفتار دژخیمانه‌اش ایستادند، گفت: هدف ما این است که ملل اسلامی مقابل اسرائیل مقاومت و ایستادگی کنند و بر سرنوشتشان حاکم باشند.

رئیس مجلس با اشاره به این که داعش با دموکراســـی و دولت وحدت ملی ستیز می‌کند، گفت: پس از درخواســـت کمک دولت عراق ، به آنها کمک کردیم و مردم عراق بودنـــد که جلو داعش را گرفتند. ما به آن‌ها کمک کردیم و اگر این کار را نمی‌کردیم خیلی از کشورهای منطقه امروز می‌دانستند چه شرایطی برایشان به وجود می‌آمد. وی با تاکید بر این که نمی‌توان با حملات هوایی و گروه‌های چریکی با باندهای تروریســـتی مقابله کرد گفت: مردم عراق توانستند در برابر داعش بایستند و وارد استان تکریت شـــوند و تروریست‌ها را از آنجا بر انند. آمریکایی‌ها نمی‌توانند این واقعیت آشـــکار را نفی کنند زیرا نفی کـــردن این واقعیت به منزله همکاری با تروریست‌ها ست. شما بایـــد کمی دقیق تر این صحنه را ببینید. لاریجانی همچنین با اشاره به اختلاف های سیاسی در سوریه گفت: با اســـتفاده از آر پی جی نمی توان دموکراسی در کشوری ایجاد کرد.

باید مردم کشـــور بخواهند و ملت ها باید سرنوشتشـــان را رقم بزنند. پس از وقوع جنگ در سوریه، طرفی که بیشترین سود را به دست آورد، اسرائیل است چون کاملا این میدان مناقشـــه آمیزی را به وجود آورده و منطقه را به خود سرگرم کرد.

رئیس مجلـــس ادامه داد: ما معتقدیم که حتما دموکراســـی در منطقـــه یک امتیاز برای ملت ها و کشـــورها است اما این نباید یک شعاری برای تخریب یک کشور باشـــد و باید صادقانه صحبت کنند.

وی بـــا بیان این که ایران از دموکراسی در سوریه و تحقق آن حمایت می کند، گفت: حاضریم در ایـــن زمینه کمک کنیم اما نه از طریق نیروی نظامی و اشغال برخی کشورهای دیگر این منطقه با تانک چرا که این روش را غلط می‌دانیم یعنـــی تصور نشـــود که با تانک می‌شود کشوری را آرام کرد.

افخم: ایران به عملکرد غیر منصفانه گزارشگر ویژه حقوق بشر با تردید جدی می‌نگرد

سخنگوی وزارت خارجه گفت: روشن شـــده که اراده‌ای فراتر از سازوکارهای حقوق بشری ملل متحد در تهیه گزارش ایران دخیل اســـت و ما به عملکرد غیرمنصفانه گزارشگر ویژه به لحاظ رعایت نکردن اصول و موازین بین‌المللی با تردید جدی می‌نگریم.

مرضیه افخم درباره سخنان اخیر گزارشگر ویژه حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: سخنان وی و بخش‌هایی از گزارش که مورد اشاره قرار گرفته به صورت یکجانبه، به دور از واقعیات و بدون رعایت مقررات وظایف مربوط به ماموران از جانب شورای حقوق بشر ارائه شده است.

افخم افزود: متاســـفانه روشن شده که اراده‌ای فراتر و خارج از سازوکارهای حقوق بشری ملل متحد در تهیه گزارش ایران دخیل است و ایران به عملکرد غیرمنصفانه و غیرعلمی گزارشگر ویژه به لحاظ رعایت نکردن اصول و موازیـــن بین‌المللی با تردید جدی می‌نگرد. ســـخنگوی وزارت امور خارجه اضافه کرد: گزارشگر ویژه روش‌های نادرست و غیر قانونی و جهت دار و پیشـــداوری را پایه گذاشته که خارج از شرح وظایف ماموریت داران شورای حقوق بشر است. افخم یادآور شد: جمهوری اســـلامی ایران به خوبی به تعهدات ملی و بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر واقف و همواره همکاری‌های خوب و گســـترده‌ای را با مکانیسم‌های بین‌المللی در این زمینه انجام داده اســـت. وی تاکید کرد: دولت جمهوری اسلامی ایران به تعهد خود برای ارتقای همه جانبه حقوق شهروندان پایبند و اقدامات بسیار مهمـــی در این زمینه از جمله درباره ارتقای حقوق شـــهروندی، حقوق اقلیت‌ها و حقوق زنان انجام داده است و به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه خواهد داد. احمد شـــهید، گزارشگر حقوق بشری سازمان ملل، در گزارش جدید خود بار دیگر، ایران را به نقض حقوق زندانیان قاچاق مواد مخدر، قاتلین و مرتکبین به برخی جرائم دیگر از جمله همجنس بازان متهم کرده است.

آماده باش دولت برای مقابله با کم آبی

رئیس جمهوری افتتاح فازهای ۵ و ۶ تصفیه‌خانه فاضلاب جنوب تهران را از لحاظ زیست محیطی و تأمین آب کشاورزی اقدامی بسیار مهم و بزرگ دانست و گفت: دولت باوجود خشکسالی، تمام طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام خواهد داد تا مردم تهران در تابستان دچار مشکل نشوند، اگر چه ضرورت دارد مردم در مصرف آب صرفه‌جویی کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی دیروز در آیین افتتاح واحدهای ۵ و ۶ تصفیه‌خانه فاضلاب و آغاز عملیات اجرایی ۶ طرح بزرگ زیربنایی فاضلاب تهران، با قدردانی از همه دســـت‌اندرکاران اجرای این طرح بزرگ، اظهار داشت: واحدهای قبلی این تصفیه‌خانه با کمک خارجی‌ها به بهره‌برداری رسیده بود و اهمیت واحدهای ۵ و ۶ در این است که همه بخش‌های آن به صورت کامل و ۱۰۰ در صد توسط متخصصان و کارشناسان کشورمان ساخته شده است و این نشان می‌دهد که کشورمان گام به گام به سمت خودکفایی حرکت می‌کند.

رئیس جمهوری با اشاره به ضرورت ساخت و افتتاح تصفیه‌خانه‌های فاضلاب گفت: امروز از لحاظ محیط زیست ضرورت دارد که فاضلاب ها به مرکزی تحت عنوان تصفیه‌خانه هدایت شوند.

دکتر روحانی افزود: با افتتاح این تصفیه‌خانه ۵۵، درصد جمعیت ساکن تهران تحت پوشش خدمات آن قرار می‌گیرند و در مجموع باید تلاش شود در نهایت کل جمعیت تهران زیر پوشش این خدمات قرار بگیرد.

رئیس جمهوری خاطر نشـــان کرد: افتتاح این تصفیه‌خانه هم از لحاظ محیط زیستی و هم تأمین آب کشـــاورزی دارای اهمیت فراوانی است و این موضوع خبر خوشی هم برای مردم تهران از لحاظ زیســـت محیطی و هم خبر خوشحال‌کننده برای کشاورزان جنوب تهران و منطقه ورامین و شهری محسوب می‌شود.

دکتـــر روحانی افـــزود: از طرف دیگر در این تصفیه‌خانه لجن‌ها نیز در فرآیندی به کود کشاورزی تبدیل می‌شود و روزانه در این واحدها صد تن لجن تولید می‌شود که برای کشاورزی مفید است.

رئیـــس جمهوری اضافه کرد: دو فاز دیگر این تصفیه‌خانه باقی مانده که دولت به دنبال تأمین اعتبار و به بهره‌برداری رساندن آن است و همه تلاش خود را در این زمینه انجام خواهد داد.

دکتر روحانی در بخش دیگری از سخنان خود ضرورت صرفه‌جویی در مصرف آب را مورد تأکید قرار داد و خطاب به مردم کشـــور به ویژه ســـاکنان تهران اظهار داشت: اگر چه در روزهای اخیر نزولات آســـمانی و رحمت الهی شـــامل حال مردم کشور شده اما نسبت به روند نزولات در بلند مدت هنوز ۲۰ درصد کاهش وجود دارد، لذا همچنان در مسیر خشکسالی قرار داریم.

رئیس جمهوری گفت: امسال سالی نیست که ذخیره آبی بالایی داشته باشیم و سدهای اطراف تهران دارای ذخیره مناسبی نیستند و در مجموع ۴۰ درصد ظرفیت این سدها آب دارد، لذا ضرورت دارد مردم در زمینه مصرف آب صرفه‌جویی کنند.

دکتر روحانی گفت: اگر هر خانواده ایرانی ۱۰ درصد در مصرف آب صرفه‌جویی کنند، این امکان وجود دارد که مشکلات موجود در زمینه تأمین آب برطرف شود.

رئیس جمهوری خاطر نشان کرد: دولت از چند ماه قبل پیش‌بینی‌ها و طراحی‌های لازم را انجام داده است تا مردم تهران در تابستان امسال در زمینه آب دچار مشکل نشوند.

و ی با حضور در منطقه شهری واحدهای ۵ و ۶ تصفیه‌خانه فاضلاب جنوب تهران را به عنوان بزرگترین پروژه زیســـت محیطی کشور افتتاح و از بخش‌های مختلف آن بازدید کرد و با توضیحات وزیر نیرو و دســـت‌اندرکاران پروژه در جریان روند تکمیل و مزیت‌های این طرح بزرگ زیست‌محیطی قرار گرفت.

این پروژه یک میلیون و پنجاه هزار نفر را زیر پوشـــش قرار می‌دهد. ۸۲ میلیون متر مکعب پساَب تولیدی در ســـال و تولید سالانه ۱۶ هزار مگاوات برق، از جمله مزیت‌های این پروژه است. همزمان با افتتاح واحدهای ۵ و ۶ تصفیه‌خانه فاضلاب، ۶ پروژه بـــزرگ طـــرح فاضلاب تهران هم با اعتبار ۲ هزار میلیارد تومان آغاز شد.

طرح فاضلاب تهران برای افق ۱۴۱۰ جمعیتی بالغ بر ۱۱ میلیون نفر را زیر پوشش می‌دهد که در ۱۲ نقطه جغرافیایی شهر تهران، ۲۲ واحد تصفیه‌خانه ســـاخته خواهد شدو تصفیه‌خانه فاضلاب جنوب تهران در ۸ فاز یکی از مهم‌ترین آنها ست.

دیـــدار دیپلمات آزاده شـــده ایرانی با رئیس جمهوری

رئیس جمهوری با تأکید بر این که ملت ایران برای دفاع از اهداف و آرمان‌های خود همواره بهای زیادی پرداخت کرده است، گفت: ملت ایران ، استقلال، آزادی، انقلاب، ایمان و فرهنگ دینی را از یاد نبرده و نخواهـــد برد و همواره به عهد و پیمانش با نظام اسلامی وفادار بوده‌است.

دکتـــر روحانی در دیدار نوراحمد نیک‌بخت دیپلمات آزاد شـــده ایرانی، گفت: بهای پایبندی به آرمان‌های نظام و انقلاب، گاهی با شهادت، گاهی با جانبازی، گاهی با اسارت و تحمل فشارها و سختی‌ها پرداخت شده و خداوند، همواره به ملت ایران برای عبور از سختی‌ها کمک کرده است.

وی در ایـــن دیدار صمیمی ضمن پرس و جو در باره دوران اسارت دیپلمات کشورمان، گفت: آنچه به شما کمک کرد تا در مدت زمان طولانی اسارت روی اصول دینی و مذهبی و ملی خود مقاومت کنید، نصرت خدا و ایمان قوی بود.

دکتر روحانی خطاب به اقای نیکبخت با بیان این که خانواده شما هم در دوران اسارت سختی‌ها و مشقت‌های بسیاری متحمل شده است اظهار داشت: برای ما این روحیه قوی، ایمان بر آرمان‌ها و ایستادگی در برابر سختی‌ها و مشکلات ارزشمند است و اجر و پاداش شما و خانواده‌تان نزد خداوند محفوظ است.

رئیس جمهوری باتشکر از عملکرد دوزارتخانه‌های اطلاعات و خارجه و همه دستگاه‌های مرتبط در فراهم کردن شرایط آزادی دیپلمات کشورمان، اظهار داشت: به عنوان رئیس جمهوری شخصاً پیگیر و متأثر از موضوع اسارت شما بودم و وقتی شما آزاد و وارد کشور شدید بسیار خوشحال شدم و امیدوارم با همان روحیه به کشور و خانواده وزارت خارجه خدمت کنید.

در این دیدار که دکتر محمد نهاوندیان رئیس دفتر رئیس جمهوری، حسین فریدون دستیار ویژه رئیس جمهوری، دکتر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه و دکتر حسام الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهوری حضور داشتند، نوراحمد نیک‌بخت دیپلمات آزاد شده ایرانی شرحی از نحوه و دوران اسارت و نیز شرایط آزادی خود ارائه کرد. همچنین همسر و فرزندان وی در این دیدار با رئیس جمهوری گفتگو کردند.

دیـــدار حافـــظ کل قرآن کریـــم با رئیس جمهوری

رئیـــس جمهوری همچنین با تأکید بر این که عمل به قرآن موجب سعادت دنیا و آخرت است، بر ضرورت نشر و گسترش بیش از پیش فرهنگ قرآنی در کشور تاکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در دیدار حنانه خلفی حافظ کل قرآن کریم، با ابراز خرسندی از توانایی این دختر خردسال در قرائت قرآن کریم، گفت: وجود خانواده‌هایی در کشور که فرزندان آنها با قرآن کریم مأنوس هستند برای ما مایه افتخار است. این خانواده‌ها برای همه کشور الگو هستند تا فرهنگ قرآنی در کشور نشر و گسترش یابد.

رئیس جمهوری با تشویق این حافظ کل قرآن کریم ، اظهار داشت : این دختر ۸ ساله با لحنی زیبا، رعایت قواعد تجوید و با دقت بسیار، آیه‌ای را که من از سوره اسراء برگزیدم قرائت کرد که مایه مباهات است و خداوند او را برای خانواده وکشور حفظ کند.

دکتر روحانی در این مراســـم با اهدا کلید یک خودرو سواری پراید از تلاش های خانم حنانه خلفی و خانواده وی که سه فرزند دیگر آنها هم حافظ قران کریم هستند، تقدیر کرد.

دور تازه مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب در لوزان

محمد جـــواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان امروزدر رأس تیم مذاکره کننده هسته‌ای عازم ســـوییس خواهد شد تا دور جدیدی از گفتگوهای هسته ای را برگزار کند.

به گزارش خبرنگار مهر، بر اســـاس این گزارش علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان و همچنین سید عباس عراقچی، مجید تخت روانچی، حمید بعیدی نژاد و دیگر کارشناســـان تیم هسته ای در این سفر در کنار وزیر امور خارجه خواهند بود.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در رأس تیم هسته ای این کشور عازم لوزان خواهد شد و ایران و آمریکا مذاکرات هسته‌ای دو جانبه را از امروز آغاز می کنند.

همچنین وزیر امور خارجه کشورمان فردادر بروکسل به میزبانی" فدریکا موگرینی"، مسئول سیاســـت خارجی اتحادیه اروپا با همتایان خود از آلمان، انگلیس و فرانسه دیدار می‌کند.

طبق اعلام قبلی این مذاکرات تا ۲۹ اسفند ماه در لوزان ادامه خواهد داشت و این احتمال مطرح اســـت که در روزهـــای پایانی، ایران و کشـــورهای ۱+ ۵در شهر لوزان مذاکراتی را در ســـطح وزرا داشته باشند. جان کری وزیر امور خارجه آمریکا گفت که مذاکرات گروه ۱+۵ با ایران با پیشرفت‌هایی همراه بوده است اما وی نمی تواند بگوید توافق حاصل می‌شود.

به گزارش خبرگزاری رویترز، کری که برای شرکت در همایش توسعه اقتصادی مصر در شرم الشیخ به سر می‌برد، در مورد مذاکرات هسته‌ای ایران و توافق احتمالی افزود: نمی‌دانیم آیا در مدت باقیمانده به این توافق می رسیم یا خیر.

دویچـــه وله هم گـــزارش داد: جان مک کین، ســـناتور جمهوریخواه آمریکا انتقاد وزیر خارجه آلمان به نامه ۴۷ سناتور آمریکایی را رد کرد و سیاســـت وی در قبال ایران را مماشات گرایانه خواند.

او تاکید کرد که دیگر اعتمادی به اشتاین مایر، ندارد.

وی با توسل به یک مقایسه تاریخی تصریح کرد که سیاست مماشات گرایانه اشتاین مایر، مانند تلاش های بیهوده دولت انگلیس در دهه ۳۰ است که با دادن امتیاز به هیتلر می‌کوشید از شروع جنگ جهانی دوم جلوگیری کند.

در همین ارتباط روزنامه فرانسوی لوموند نیز با توجه به اختلاف های جدی میان دولت آمریکا و حزب جمهوریخواه در گزارشی نوشته است که حزب جمهوریخواه آمریکا درصدد اخلال در روند مذاکرات اتمی با ایران است و این حزب بـــا توجه به این کـــه دارای اکثریت در هر دو مجلس آمریکا ست می کوشد، ضربات سنگینی به سیاست خارجی اوباما وارد کند.

دراین حال "رومن نادال "سخنگوی وزارت خارجه فرانسه گفت: مواضع فرانسه در قبال مساله هسته ای ایران تغییر نکرده است و پاریس همچنان به انرژی هسته ای صلح آمیز آری می گوید.

به گزارش پایگاه اطلاع رســـانی وزارت خارجه فرانسه، نادال در کنفرانس خبری در مورد مواضع کشورش در قبال برنامه هسته ای ایران، گفت: همان گونه که لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه بارها تکرار کرده، مواضع فرانسه در این باره ثابت است. وی افزود: فرانسه برای دستیابی به توافقی کامل، معتبر و پایدار که اهدافی کاملا صلح آمیز را برای برنامه هسته ای ایران تعریف کند، مصمم است.

نادال در مورد مباحث نشست روز دوشنبه در بروکسل، گفت: این نشست با حضور مسئولان کشورهای اروپایی شامل فرانسه، آلمان و انگلیس، خانم موگرینی مســـئول سیاست خارجی ارشد اتحادیه اروپا و وزیر امور خارجه ایران به منظور بررسی پیشرفت مذاکرات برگزار می شود.

پشیمانی سناتورجمهوریخواه

یکی از سناتورهای آمریکایی که نامه ارسالی بـــه مقامات ایران را امضا کرده بود، گفت: نامه هشدار به باراک اوباما در مورد مذاکرات هسته‌ای ۴۷ سناتور کنگره نباید خطاب به مقامات ایرانی ارسال می‌شد.

به گزارش به نقل از بلومبرگ ، ران جانسون افزود: با توجه به این که این نامه سرگشاده بود، پشـــیمانی کنونی من و همکارانم این است که این نامه نباید خطاب به مقامات ایرانی ارســـال می‌شد و ما باید پیش از ارسال این نامه بیشتر گفتگو می‌کردیم.

اظهار نظر این سناتور جمهوریخواه نشان می‌دهد که برخی از سناتورهایی که این نامه را امضا کرده بودند چگونه به توفان انتقادها از سوی دموکرات‌ها و دیگر مذاکره کنندگان مثل آلمان و حتـــی برخی از هم حزبی‌های خود واکنش نشان می‌دهند.

ران جانسون درعین حال بااشاره به توافق هسته‌ای گفت که این یک توافق بسیار مهم و از چارچوب یک پیمان فراتر است و باید توسط نمایندگان مردم آمریکا در کنگره بررسی شود و این توافق برای رای‌گیری به کنگره آورده شود.

نشریه آمریکایی: ظریف درس خوبی به سناتورهای آمریکا داد

نشـــریه هیل رسانه رسمی کنگره آمریکا، نامه اخیر ۴۷ عضو سنا را ناشی از ناآگاهی آنها از حقوق بین الملل و اختیارات ســـنا و نشانه فروپاشی سیاست خارجی واشنگتن دانست و تاکیـــد کرد ایـــن وزیر خارجه ایران بود که در جواب خود موازین حقوق بین الملل را به این سناتورها درس داده است.

ســـرهنگ ریچارد ال کلاس از افســـران بازنشسته نیروی هوایی آمریکا و از کارشناسان اندیشکده پروژه امنیت آمریکا، در نوشتاری در نشریه کنگره، در نقد نامه ۴۷ سناتور جمهوریخواه آمریکایی به مقامات کشـــورمان درباره توافق هسته‌ای احتمالی بین ایران و غرب نوشت:

من نمی دانم اگر گفتگوهای هسته ای ایران شکســـت بخورد، چه کسی مسئولیت آن را بر عهده خواهد گرفت؟ آیا جان بینر، رئیس مجلس نمایندگان که در اقدامی یکجانبه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم اسرائیل را به کنگره دعوت کرد، مسئولیت این شکست را خواهد پذیرفت یا تام کاتن سناتور تازه از راه رسیده ای که آن نامه بی ربط، گســـتاخانه و پر از ایراد را نوشته است؟ آیا سناتورهای جمهوریخواه که اکنون از خوشی سر از پا نمی شناسند، متوجه هستند با اقدامات خود سیاست خارجی آمریکا را بر باد می‌دهند و به شـــدت از نفوذ آمریکا در سراسر جهان می کاهند؟

این نظامی سابق ارتش آمریکا که به خاطر حضور طولانی مدتش در جنگ ویتنام در جامعه نظامی و سیاسی شخصیتی برجسته و شناخته شده است، در انتقاد از عملکرد تام کاتن، نویسنده اصلی نامه مذکور، افزود: رویکرد سناتور کاتن در باره مذاکرات هسته‌ای ایران کاملا واضح است چرا کـــه خودش در ماه ژانویه اعلام کرد با هرگونه توافقی در این باره مخالف است، اما هدف خود از نامه اخیر را آموختن اصول قانون اساسی آمریکا به ایرانی‌ها بیان کرده ، اما او معلم بســـیار بدی است چرا که نقش سنا را در تصویب قراردادها و توافقنامه ها درست نمی‌داند.

نویسنده این یادداشت، با یادآوری استدلال حقوقی محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان مبنی بر واهی بودن ادعاهای مطرح شده در این نامه، افزود:

امـــا ظریف وزیر امور خارجه ایران، درس خوبی در زمینه حقوق بین الملل به این سناتورها داد.

او خاطر نشـــان کرد که اکثر توافقنامه‌های بین‌المللی اعتبار اجرایی دارند و معاهده نیستند و بنابراین از سوی دولت‌ها (قوه مجریه کشورها) لازم‌الاجرا هستند و اجرای آنها به تائید قانونگذاران هر کشور نیازی ندارد.

وزیـــر خارجه ایـــران همچنین به اطلاع امضاکنندگان این نامه رساند که جهان، فقط در ایالات متحده خلاصه نمی‌شـــود و این قوانین حقوق بین‌الملل اســـت که ناظر بر روابط بین کشورهاست نه قوانین داخلی آمریکا.

این نظامی بازنشسته آمریکایی همچنین تاکید کرد: اکنون اعتبار و آبروی ایالات متحده به عنوان یکی از شرکای مذاکره کننده به خطر افتاده است. اگر معلوم شود عملکرد سیاست خارجی ما نیز مثل سیاســـت داخلی ما بر اساس خواسته های یک حزب اداره می شـــود و مختل شده است، جایگاه آمریکا در جامعه بین المللی به شـــدت صدمه خواهد دید.

وی یادآور شد که تعداد زیادی از سناتورهای جمهوریخواه از جمله رئیس کمیته روابط خارجی ســـنا این نامه را امضا نکـــرده اند و در پایان نوشت:

اکنون باید آرامش خودمان را حفظ کنیم و عقلمان را به کار بیندازیم. باید صبر کنیم و ببینیم که نتیجه مذاکرات چه خواهد شد و قبل از این که اقدامی صورت دهیم، آن را بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم.

ما نباید این توافق را به عنوان یک توافق عالی و ایده آل بررسی کنیم بلکه باید آن را گزینه‌ای بدانیم که در برابر تبعات خواسته و ناخواسته عدم پذیرش آن و انتخاب سایر گزینه‌ها، پیش روی ما قرار گرفته است.

نوه گرامی امام (ره): شجاعت فرزند شهید مطهری مثال زدنی است

سرویس سیاسی – اجتماعی: حجت الاسلام والمسلمین سید یاسر خمینی درگفتگویی خواستار ورود دولت به ماجرای حمله به دکترعلی مطهری نماینده مجلس شـــورای اسلامی در شیراز شد.

به گزارش جماران، وی گفت: این اقدام ناشایست باید توسط تمامی جریان‌های داخل نظام محکوم شود؛ این روش و منش، بارها امتحان شده و متاسفانه به قدری تکرار شده که گوشمان از شنیدن این خبرها عادت کرده است.

نوه گرامی امام (ره) با بیان این مطلب که اکنون دیگر باید یک فکر اساسی نسبت به این گونه برخوردها داشته باشیم، تاکید کرد: یک دانشـــگاه از یکی از نمایندگان ملت دعوت کرده است تا ایشان در مورد مسائلی نظرات خود را مطرح کند، اما به واقع، نفس این که نماینده ای نتواند صبحت کند، اصلاً قابل دفاع نیست.

سید یاسر خمینی افزود: ایشان کسی است که پشتوانه رایِ ملت را دارد و نماینده مردم اســـت. در دانشگاهی که طبیعتاً باید محل تضارب آرا باشد و نظرات مختلف را در آن مطرح کنند تا قشر جوان و تحصیلکرده با دیدگاه های مختلف آشنا بشـــوند و صواب را از ناصواب تشخیص بدهند، به نماینده ملت اجازه سخنرانی داده نشده است. آن هم در شرایطی که همیشه تاکید رهبر معظم انقلاب بر کرسی های آزاد اندیشی است، حتی ایشان به طور ویژه گفتند که دانشگاه‌ها باید محلی برای تضارب آرا و کرسی‌های آزاد اندیشی باشد.

وی گفت: حالا کار به جایی رسیده است که با نماینده‌ای که در دیانت او هیچ شبهه ای نیست و دوست و دشمن نسبت به این موضوع و سلامت و تقوای آقای مطهری اشتراک نظر دارند، این‌گونه برخورد می شود.

فرزند مرحوم حاج سید احمد خمینی در مورد شخصیت دکتر علی مطهری گفت: در مواضع گوناگونی که از سال ها پیش تا به امروز از ایشـــان شاهد بوده ایم، همواره خصیصه «شجاعت آقای مطهری» مثال زدنی بوده است.

وی با بیان این که افکار و اندیشه‌های دکتر مطهری کاملاً مشخص است و بستگی به حوادث روز داشته و دارد، ادامه داد: آقای مطهری در حوادث مختلف شجاعانه نظرات خود را بیان کرده‌اند و بحمدلله حتی دشمنان هم هیچگونه تردیدی نسبت به شخصیت، تقوا و سلامتی ایشان، مطرح نمی کنند.

نـــوه حضرت امام (ره) اضافه کرد: حالا وقتی که چنین شخصی که از خانواده بسیار محترمی هستند و پدرشان معلم و یکی از ایدئولوگ‌های جمهوری اسلامی هستند، نتوانند در فضایی متین عقاید خود را مطرح کنند، فکر می‌کنیم آیندگان بگویند «اگر قرار نیست ایشان سخنرانی نکند، پس چه کسانی قرار بود اینجا نظرات خود را بگویند؟»

وی با اشاره به تصاویر و فیلم های منتشره از اتفاقات شیراز گفت: ظاهرا گروهی که به آقای مطهری حمله کرده اند، کاملا مشخص هستند. سید یاسر خمینی با بیان این مطلب که دولت نباید از این پرونده به راحتی بگذرد، به ماجرای ظلم به یک زن یهودی در حکومت حضرت‌امیر(ع) اشاره کرد و گفت: طبیعتا زیبنده نیست که نه به یک زن یهودی، بلکه به یک نماینده ملت با پشتوانه رای ملت توهین شود.

یـــادگار گرامی امام (ره) در ادامه به دولت توصیه کرد که به طور ویژه نسبت به این حادثه حساسیت نشان دهد و موضوع را پیگیری کند تا به گذر زمان سپرده نشود.

وی بـــا تاکیـــد بر این نکته که از دولت به عنوان حافظ امنیت کشور، تنها تقاضای محکومیت نداریم، بلکه تقاضای رسیدگی داریم، افزود: فکر می کنم آحاد جامعه و توده مردم چشمشـــان به دولت است که از حقوق اولیه جامعه و ملت دفاع کند. اکنون، دولت نباید به محکوم کردن این حادثه اکتفا کند، به خصوص آن که متاسفانه این اتفاق‌ها یکی دو بار رخ نداده و سوابق دیگری از آن‌ها شاهد بوده‌ایم.

سید یاسر خمینی در پایان ابراز امیدواری کرد که دولت موضوع را رسیدگی و مجرمان را شناسایی کند تا انشالله با معرفی شان به قوه قضائیه، این قضیه پایانی باشد برای چنین حوادث ناگواری که گاه و بیگاه، در کشور اتفاق می‌فتد.

وزیر بهداشت: مخالفان طرح تحولات سلامت نگران منافع خود هستند

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گفتگو با اطلاعات چالش‌های پیش‌روی طرح تحول سلامت، ناکارآمدی بیمه‌ها، علت پراکندگی تولیت در نظام ســـلامت، علل مخالفت با طرح تحول سلامت و دریافتی پزشکان در طرح تحول را تشریح کرد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر حســـن قاضـــی‌زاده هاشـــمی در این گفتگو اجرا نشـــدن کامل طرح تحول سلامت را باعث ناامیدی مردم دانســـت و از کمبود منابع و بـــه خصوص ناپایدار بودن آن انتقاد کرد و گفت: کمبود منابع انسانی، ناکارآمدی بیمه‌ها، نبود زیرساخت لازم از دیگر مخاطرات طرح تحول سلامت است.

متن گفتگوی خبرنگار اطلاعات با وزیر بهداشـــت، درمان و آموزش پزشکی به این شرح از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

اطلاعات: طرح تحول سلامت یکی از اقدام‌های بسیار مهم دولت تدبیر و امید است که تاکنون با موفقیت هم همراه بوده است. اگر این طرح با شکست مواجه شود، وضع سلامت قطعا به قهقرا خواهد رفت و وضع از قبل اجرای طرح هم بدتر خواهد شـــد، بفرمایید این طرح با چه مخاطراتی روبرو است؟

وزیر بهداشـــت: من کاملاً با نظر شما موافقـــم که اگر این طرح ادامه پیدا نکند یا اشـــکالات آن برطرف نشود اجرا نشدن آن خیلی بهتر از شروع شدن ناقص یا ابتر آن است که باعث ناامیدی مردم شود. این اقبال به امید این است که خدمات ارتقا پیدا کند. یکی از نگرانی‌های اجرای این طرح تأمین نیروی انســـانی است، ما با کمبود پرستار، بهیـــار، خدمه، متخصص و فوق تخصص مواجه هســـتیم، ما برنامه داریم اما مشکل نگاه دولت است که علاقه‌ای به تصدی‌گری ندارد، اما وقتی بخش خصوصی هم استقبال نمی‌کند، برای کاهش تصدی‌گری دولت، کار مردم نمی‌تواند روی زمین بماند. اگر دولت تسهیلاتی برای بخش خصوصی اختصاص دهـــد یا تعرفه‌هـــا را اصلاح کند تا بخش خصوصی اســـتقبال کند، مشکلات در این زمینه تا حدودی برطرف می‌شـــود. مشکل دوم منابع است، منابع اختصاصی به سلامت هم پایدار نیست. هم اکنون محل کمک به بخش ســـلامت از محل هدفمندی یارانه‌ها است که معلوم نیست چقدر آن اختصاص می‌یابد یا این که مجلس ســـال دیگر با آن موافقـــت یا ۵۰ درصد آن را پرداخت کند، باید منابع پایدار باشد. پیشنهاد ما این بود که مجلـــس و دولت قبول کنند که برای تأمین بودجه بخش سلامت از کالاهای آسیب‌رسان مانند ســـیگار، نوشابه و کالاهای لوکس و اتومبیل عوارض دریافت شود. این را دولت و مجلس موافقت نکردند.

پیشنهاد کردیم که پولی به ما ندهید و هر چقدر می‌خواهید به سلامت اختصاص دهید از محل عوارض افزوده پرداخت شود و بگویید مثلاً ۴ درصد از ۸ درصد عوارض افزوده اختصاص به بودجه ســـلامت داشته باشد در این صورت دیگر اطمینان داریم که بودجه‌ای را که به ما می‌دهید هر ساله استمرار دارد و با یک رشد نسبی همراه خواهد بود. مسأله سوم که خیلی مهم است بیمه‌ها است. بیمه‌ها تقریباً کمر ســـلامت را شکسته‌اند، یعنی بیمه‌ها تا درســـت نشوند، این حوزه اصلاح نمی‌شود. بیمه‌ها خودشان مشکلات زیادی دارند و معنای حرف من این نیست که آن‌ها عناد دارند و نمی‌خواهند همراهی کنند. بیمه‌ها را درست تعریف نکرده‌ایم که آن‌ها بر اساس آن به تعهداتشان عمل کنند. چهارمین مسأله زیرساخت‌ها است. از بیش از ۸۰ هزار تخت بیمارســـتانی ۶۰ هزارتای آن‌ها فرسوده است و به صورت عادلانه هم توزیع نشده است و بیشتر در شهرها متمرکز و قدیمی هستند. پدافند غیرعامل هم رعایت نشده است. در تهران اگر یک برف و باران بیاید تمامی خیابان‌ها قفل می‌شـــود و مردم پنج تا شش ساعت در خیابان‌ها در ترافیک ســـرگردان می‌شوند، حال اگر یک سیل یا زلزله بیاید اصلاً امکان خدمت‌رسانی وجود ندارد. این‌ها تهدیدهای جدی سلامت مردم اســـت که یک بخشی از آن می‌تواند تهدید طرح تحول سلامت هم باشد.

اطلاعـــات: منتقدین طرح ســـلامت معتقدند که وزارت بهداشت در طرح تحول سلامت بیشتر روی تأمین اعتبارات تأکید می‌کند و از مسائل مهم دیگری که سلامت مردم، مانند آلودگی هوا، سلامت غذا و به طور کلی پیشگیری را مورد توجه قرار نداده است، از طرف دیگر مسأله پراکندگی تولیت امر سلامت است که این مسأله هم ضربه جدی به سلامت کشور وارد می‌کند. برای حل این مشکلات چه راهکارهایی وزارت بهداشت مد نظر قرار داده است.

وزیر بهداشـــت: سئوال شما دو بخش داشـــت یک بحـــث تولیت و دیگری نقد برخی از دوســـتان است که می‌گویند اگر وزارت بهداشت به مسأله پیشگیری توجه نداشته باشد هزینه‌های سلامت کشور افزایش خواهد یافت، این مســـأله درستی است و هر کسی که ابتدایی‌ترین دانش را در حوزه سلامت داشته باشد که شرط عقل سلیم هم است می‌داند که هزینه پیشگیری در مقایسه با امور درمان خیلی کمتر است، نباید بگذاریم فشار خون کلیه را از بین ببرد تا بعد برویم پیوند کلیه کنیم، این درست است پیشگیری اولویـــت بر امر درمان دارد. این دولت هم ثابـــت خواهد کرد که اگر همتش در حوزه پیشگیری از دولت‌های قبلی بیشتر نباشد، کمتر از آن‌ها هم نیست، فکر می‌کنم کارنامه یک ســـال ما که ورود پیدا کردیم به بحث غذا، هوا، رسیدگی به جمله مناطق محروم، حوادث ترافیکی، ســـیگار خودش مدعای حرف ما است.

اما در بحث تولیت اشـــکالی که وارد می‌شود درست، مشکل ما این است که در حوزه تولیت مســـئولیت ما پخش شده و پراکنده است، یک موضوع خیلی مشخص آن بیمه‌هـــا اســـت، در عین حال صنعت، کشاورزی، راه و ترابری هم وجود دارند اما دستگاه‌هایی مانند وزارت نفت و برخی از حوزه‌های اقتصادی نیروهای مسلح هستند که در امر درمان مســـتقلا دخالت می‌کنند و خودشـــان از محل بودجه دولت درمان می‌کنند، ما قطعا دوست داریم که سیاستگزار و ناظر باشیم قایل به تصدی‌گری نیستیم اما سیاستگزاری حتما باید با محوریت وزارت بهداشت باشد. مثلا اتوبان‌های متعدد ساخته می‌شود هیچ فکری برای اورژانس‌های بین جاده‌ای نمی‌شـــود، شهرهای زیادی ساخته می‌شود نه فکر جای درمانگاه و نه ساخت بیمارستان آن را می‌کنند، اطراف تهران چقدر ساخته شده یک محل برای بیمارستان یا یک ســـایت درمانگاهی در آن‌ها دیده نمی‌شود. یک مجموعه مثل پارس جنوبی با میلیاردها دلار هزینه برای منافع کشور ایجاد می‌شود اما بحث زیســـت محیطی و بار بیماری که می‌تواند برای مردم ایجاد کند چه در منطقه و چه اطراف آن پیش‌بینی نمی‌شود.

اطلاعات: آقای دکتر مشکل کجاست؟

وزیر بهداشـــت: بحث تولیت که در ماده هفت سیاست‌های ابلاغی سلامت آمده است، بایستی هم دولت و هم مجلس این را بپذیرند و در عمل قوانینی را وضع کنند که همه دستگاه‌ها را مجبور به تبعیت از وزارت بهداشت بکنند و اگر قرار است طرحی ملی در کشـــور اجرا شود بایستی پیوست طرح ســـلامت داشته باشد و دستگاه‌هایی که در حوزه سلامت مردم خطرآفرین هستند اینها باید حتما تابع وزارت بهداشـــت و شورای عالی سلامت باشند.

اطلاعات: چرا پیشـــنهادهای اصولی شما عملی نمی‌شود؟

وزیر بهداشت: این طبیعی است موقعی کـــه ما در ابتدای راه مانده‌ایم، اگر گره اول را نتوانیم باز کنیم، چگونه می‌توانیم گره‌های دیگر را باز کنیم.

اطلاعات: موانع و مشکلات کجاست؟

شـــما هرکجا که من را رها کنید من می‌روم سراغ بیمه، مشکل بیمه است، چون ما فروشنده هستیم و خریدار بیمه است، وقتی خریدار متعهد به انجام تعهداتش نباشد به هر دلیل، من فروشنده که خدمت ارائه می‌کنم وقتی که بیمه هزینه ارائه خدمات را نمی‌دهد این چرخه دچار وقفه می‌شود.

اطلاعات: آلودگی هوا، یا نبود مواد غذایی ســـالم و به طور کلی پیشگیری که ربطی به بیمه‌ها ندارد، چرا وزارت بهداشت اقدامی برای گرفتن تولیت امر سلامت انجام نمی‌هد؟

وزیر بهداشت: یک بخشی از مسایل قبل از سیاست‌های ابلاغی روشن نبود که تولیت سلامت باید در دست کدام نهاد باشد، بعد از این که سیاست‌ها ابلاغ شد، همه موظف هستند که خود را با آن تطبیق بدهند. شما نگاه کنید در مجلس در همین مدت یکسال گذشته چه مقدار قانون تصویب شده و کجا و چه مقدار به این قانون ابلاغی توجه کرده اســـت؟ در دولت چه مقدار طرح‌های ملی شروع شد، که اگر بخواهیم بدون رودربایستی نگاه کنیم ایـــن مصوبات، مغفول مانده و کسی هم بازخواست نمی‌شود. ما کاری که باید بکنیم تدوین قانون و پیش‌نویس لایحه است که در یکی دو مورد داریم اما همچنان متوقف است و پیش نمی‌رود. یکی از آن‌ها بحث بیمه‌ها است.

اطلاعات: جناب آقای وزیر! شما چندین بار در گفته‌هایتان از مخالفین ســـازماندهی شـــده طرح تحول سلامت خبر داده‌اید و بر این موضوع هم تأکید کرده‌اید که برای انجام موفق طرح تحول سلامت دولت باید رو دربایستی‌ها را کنار بگذارد. لطفاً در این خصوص بدون رو دربایستی توضیح دهید که مخالفان طرح چه کسانی هستند و چرا دولت با آن‌ها رو دربایستی دارد و اهداف آن‌ها از این مخالفت‌ها چیست؟

وزیر بهداشـــت: آن چه که مربوط به دولت می‌شـــود تجمیع بیمه‌ها و منابعی از بیت‌المال اســـت که صرف درمان کارکنان دولت می‌شود. به علاوه ایرانیان حق مساوی در هزینه کرد منابع سلامت دارند. نمی‌شود یک دستگاهی بودجه کافی برای بیمه کارکنان خود داشـــته باشد و یک دستگاه فاقد این بودجه باشد. جالب است بدانید که در وزارت بهداشت که ارایه‌کننده تمامی خدمات درمانی هستیم، دفترچه ما همین دفترچه بیمه سلامت اســـت و هیچ گونـــه بیمه تکمیلی نداریم اما برخی دســـتگاه‌های دولتی و حاکمیتی از بیمه‌های تکمیلی با خدمات بســـیار بالا برخوردار هســـتند. منابع آن از کجا می‌آید؟ معلوم است از منابع عمومی دولت می‌آید. درعین حال ســـازمان‌های بیمه‌گر متعددی وجود دارد که بودجه آن‌ها از منابع عمومی می‌آید. همه اینها باید تجمیع شوند و منابع یک جا جمع و تبدیل به یک صندوق شود که منابع خوبی هم خواهد داشت تا ما از این منابع به صورت علی‌السویه به همه ایرانیان حداقل در بیمه پایه ســـلامت خدمات قابل قبول ارایه کنیم.

در حال حاضر تعداد زیادی بیمه داریم که تبدیل به بنگاه اقتصادی و بازرگانی شده‌اند در حالی که نباید این گونه باشد.

پول بیمه‌ها فقط باید در خدمت درمان باشد. دولت در اینجا می‌تواند قاطع تصمیم بگیرد و یک لایحه بدهد و کار را تمام کند و ایـــن بازی‌ها که بوجود می‌آید و تعدادی را وارد خیابـــان می‌کنند و جلوی مجلس می‌برند، اینها نباید مانع این شود که حاکمیت تردید بکند.

غیر از این کار هم می‌شود، هدر دادن منابع و آســـیب رساندن به مردم و دلیلش هم همین کم اهمیت بودن دفترچه‌های بیمه است. اما در غیر دولت کسانی که مخالفت می‌کنند انگیزه‌های مختلفی دارند. برخی از آن‌ها از سیاست‌های دولت آسیب می‌بینند که می‌توانند در قالب شرکت باشند یا در قالب کسانی که تجهیزات دست دوم وارد می‌کردند و جلو کار آن‌ها گرفته شـــده است. این‌ها همیشه با تابلوهای پرطمطراق وارد می‌شوند. اینها نمی‌گویند چون از سود ضرر کردیم و جلو وارد کردن دســـتگاه‌های دست دوم را گرفتید این حرف‌ها را می‌زنیم. حرف‌هایی می‌زنند که با واقعیت همخوانی ندارد.

اطلاعات: قرار شـــد که رو دربایستی را کنار بگذاریم.

وزیر بهداشت: مصداق این آدم‌ها افرادی هستند که بعضی از آنها موجهند و شاید از روی کم اطلاعی این حرف‌ها را می‌زنند.

یک گروه هم نانشان همیشه در مخالفت خوانی است و تمام کارنامه آن‌ها منفی‌گرایی اســـت و فکر می‌کنند با دادن یک ســـری شعارهای منفی که امروز در رسانه‌ها بیشتر به آن توجه می‌شود، همیشه دیده می‌شوند و لو اینکه پزشـــک باشند و در مقطعی از زندگی خود مسئولیت هم داشتند.

اما با علم به این که می‌دانند جهت‌گیری دولت در این حوزه کاهش پرداخت از جیب مردم و ارایه خدمات به مناطق محروم است، باز هم تردید آفرینی می‌کنند و علیه جامعه پزشـــکی دروغ می‌گویند. راجع به درآمد پزشکان اطلاعات دروغ می‌دهند، پرستاران و کارکنان آموزش و پرورش و سایر گروه‌ها را مقابل پزشکان قرار می‌دهند.

بقیه در صفحه ۱۴

مراسم یادبود مرحوم محمدباقر بهبودی قرآن پژوه، امروز برگزار می‌شود

به مناسبت چهلمین روز درگذشت مرحوم محمدباقر بهبودی، مفسر و محدث برجسته، مراسم وی،یادبودی با حضور شاگردان صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به حوزه مباحث قرآنی در راستای تکریم اهل نقد و نظر برگزار می‌شود.

به گزارش ایکنا، سخنرانان اصلی این برنامه عبدالهادی فقهی‌زاده، مجید معارف، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمدعلی ایازی و مژگان سرشار هستند.

محمد باقر بهبودی صاحب کتبی چون معانی القرآن و کتب حدیثی شیعه ۲۱ بهمن در تهران درگذشت. مراسم یادبود محمد باقر بهبودی به همت معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کارگروه مطالعات قرآنی خانه اندیشمندان علوم انسانی، پژوهشکده مطالعات قرآنی و حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) برگزار می‌شود.این برنامه در تاریخ ۲۴ اسفند، از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در محل تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی به نشانی خیابان نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو برگزار می‌شود.

آغاز ثبت نام سربازی دانش آموختگان برتر برای استفاده از تسهیلات

معاون برنامه‌ریزی و نظارت بنیاد ملی نخبگان از اعطای تسهیلات نظام وظیفه تخصصی به دانش‌آموختگان‌برتر دانشگاه‌ها خبر داد و گفت: ثبت نام در سامانه اطلاعاتی بنیاد ملی نخبگان از اول فروردین ۹۴ آغاز می‌شود.

دکترغلامعلی منتظر در گفتگو با مهر با اشاره به جزئیات اعطای تسهیلات نظام وظیفه تخصصی به دانش آموختگان برتر دانشگاه‌ها گفت: دانش آموختگان برتر دانشگاه‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌توانند برای ثبت نام به سامانه اطلاعاتی بنیاد ملی نخبگان به نشانی (www.soraya.bmn.ir) مراجعه کرده و مدارک درخواست شده را در سامانه بارگذاری کنند پس از بررسی نتیجه به آنها اعلام می شود.

وی در خصوص تسهیلات مذکور نیز گفت: این تسهیلات، نظام وظیفه تخصصی است که افراد واجد شرایط از سوی بنیاد ملی نخبگان به ستاد کل نیروهای مسلح معرفی می شوند با هماهنگی که با ستاد کل صورت گرفته این افراد با گذراندن یک طرح تحقیقاتی در مدت زمان، نصف زمان معمول بقیه مشمولان می توانند دوره نظام وظیفه خود را طی کنند.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت بنیاد ملی نخبگان افزود: ظرفیت خاصی برای اعطای تسهیلات نظام وظیفه تخصصی در نظر گرفته شده است که به تمام افراد واجد شرایط اعطا می شود.براساس آیین‌نامهٔ «شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان‌برتر دانشگاهی صرفاً دانش‌آموختگان دورهٔ کارشناسی‌ارشد و دکتری تخصصی و نیز دانشجویان دورهٔ دکتری تخصصی که از طرح‌نامهٔ رسالهٔ خود دفاع کرده و وارد مرحلهٔ پژوهش شده‌اند می‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند. همچنین دانش‌آموختگان براساس امتیاز حاصل از مجموع فعالیت‌های نخبگانی در زمان تحصیل (و نه صرفاً داشتن مقاله) می‌توانند از تسهیلات نظام وظیفهٔ تخصصی بهره‌مند شوند.

دریافت پول پیش ثبت نام مدارس غیر دولتی تخلف است

رییس سازمان مدارس غیر دولتی گفت: مدارس غیر دولتی تا زمانی که رسما از طرف شورای نظارت ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها اعلام نشده باشد مجاز به دریافت شهریه نیستند.

به گزارش مهر، مرضیه گرد با بیان اینکه برخی از مدارس غیردولتی به منظور ساماندهی ثبت نام سال تحصیلی آینده از هم اکنون برنامه ریزی خود را شـروع کرده‌اند، افزود: پیش ثبت نام فرایندی رسمی نیست و از ابتدای تاسیس مدارس غیردولتی تاکنون بعنوان یک رویه معمول انجام شده است اما نکته مهم این است که به ازای پیش ثبت نام مدارس نباید از اولیا وجهی دریافت نمایند. وی ادامه داد تا زمانی که رسـما از طرف شـورای نظارت ادارات کل آموزش و پرورش اسـتان‌ها اعلام نشده باشد مدارس غیر دولتی مجاز به دریافت شهریه نیستند.

وزرای فرهنگ ایران و ایتالیا تفاهم نامه همکاری فرهنگی امضا کردند

علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسـلامی و 'داریو فراچسکینی' وزیر میراث و فعالیت های فرهنگی ایتالیا، جمعه در نشستی در رم برنامه اجرایی و تفاهم نامه همکاری فرهنگی سه ساله امضا کردند.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسـانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،جنتی که روز پنجشنبه در راس هیاتی به رم سفر کرده است جمعه با همتای ایتالیایی خود در محل وزارت فرهنگ این کشـور، دیدار و گفتگو کرد. وی با اشاره به ظرفیت‌های گسـترده دو کشور ایران و ایتالیا در زمینه‌های فرهنگی و هنری در باره به مفاد این تفاهم نامه گفت:این تفاهم شـامل همکاری در زمینه ترجمه و انتشار کتاب و ادبیات ایتالیایی به فارسی و برعکس، اکران فیلم‌های سینمایی و برگزاری کنسرت‌های موسیقی در دو کشور، برگزاری آثار هنرهای تجسمی، همکاری در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی و کاوش‌های باستانشناسی و ترمیم میراث فرهنگی می‌شود.

وی افزود: همچنین تلاش برای گسترش گردشگری میان دوکشور با توجه به غنی بودن ایران و ایتالیا از آثار باستانی، همکاری دوجانبه میان مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی و فناوری دو کشور از جمله مفاد این تفاهم نامه فرهنگی است.جنتی گفت: این برنامه در واقع چراغ سـبزی برای سه سال آینده در زمینه همکاری های فرهنگی دوجانبه است که علاوه بر دستگاه های دولتی، همه بخش های غیر دولتی در دو کشور نیز باید جهت اجرای این برنامه تلاش کنند. داریو فرانچسکینی وزیـر فرهنگ ایتالیا نیز ضمن ابراز خرسـندی از امضا این تفاهم نامه گفت: ما به امضای این تفاهم نامه که منجر به تقویت همکاری‌های فرهنگی میان ایتالیا و ایران، دوتمدن هزاره که هنوز موارد زیادی برای مبادله دارند، افتخار می کنیم.

وی بـا تاکید بر کیفیت خوب روابـط میان ایران و ایتالیا افزود: این برنامه‌شامل‌بخش‌های‌مختلف‌فرهنگی و هنری (از جمله سـینما ، موسیقی) باستانشناسی ، فناوری و مبادلات میان موزه ها می شود و ما در دیدار امروز در خصوص چگونگی اجرا و تحقق آن صحبت کردیم.

فرانچسکینی گفت: ما از نظریه مشترک درخواست از جامعه بین‌المللی جهت اتخاذ ابتکارات بیشتر در زمینه حفظ میراث فرهنگی به عنوان میراث بشریت ورای مرزهای جغرافیایی که مورد حمله تروریست‌ها قرار گرفته است، بسیار خرسندیم.

علی جنتی در نخستین روز از سفر به ایتالیا با خانم 'استفانیا جانینی' وزیر آموزش عالی و دانشـگاه ها، کاردینـال 'جانفرانکو راوازی' وزیر فرهنگ واتیکان، خانم 'لائورا بولدرینی' رییس مجلس نمایندگان ایتالیا دیدار و گفتگو کرد.

دیدار با رئیس مجلس ایتالیا

رییس مجلس ایتالیا، گسترش روابط پارلمانی با جمهوری اسلامی ایران را خواستار شد. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خانم « لائورا بولدرینی»، رئیس مجلس نمایندگان ایتالیا در دیدار با «علی جنتی» ، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ، دیپلماسی پارلمانی را عامل مهمی در نزدیک کردن بیشتر دو ملت و دو کشور ایتالیا و ایران دانست.بولدرینی گفت: به اعتقاد من استفاده از ابزار دیپلماسی پارلمانی بسیار حائز اهمیت است چرا که به ما اجازه درک متقابل و شناخت بهتر با نظام‌های سیاسـی دیگر کشورها را می‌دهد به همین علت ما از گسـترش روابط پارلمانی با ایران استقبال می کنیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این دیدار با اشاره به سابقه فرهنگی بسیار کهن و روابط دوستانه دو کشور، بر ضرورت گسترش تعاملات فرهنگی و پارلمانی میان دو کشور تاکید کرد.

جنتی همچنین در این دیدار کتاب نفیسی درباره جاذبه های گردشگری ایران به خانم بولدرینی، اهدا کرد که با استقبال فراوان رئیس پارلمان ایتالیا روبرو شد.

فانی: موج بی‌سوادی در حال باز گشت است

وزیر آموزش و پرورش گفت: امروز با موضوع رجعت به بی‌سوادی مواجهیم که از سـازمان نهضت سوادآموزی می‌خواهم برنامه‌ریزی برای جلوگیری از این امر را در دستور کار قرار دهد.

به گزارش ایسـنا، علی‌اصغر فانی در نشست تخصصی سوادآموزی مشارکت محور در پرتوی اراده ملی و حمایت دولتی با اعلام ابن که باید باعزم ملی و مدیریت جهادی، آمار بی‌سوادی را کاهش دهیم گفت: بسیاری از افراد در کلاس‌های سوادآموزی آموزش می‌بینند و باسواد می‌شوند اما به دلیل عدم استفاده و فاصله گرفتن از مطالعه و عدم مراجعه به کتب و نشریات، به بی‌سوادی رجعت کرده‌اند.

لازم است سازمان نهضت سوادآموزی علاوه بر موضوع سوادآموزی، برنامه‌ریزی‌های لازم را برای جلوگیری از رجعت به بی‌سـوادی، داشـته باشد. باید توجه داشت راه اصلی مبارزه با بی‌سوادی جلوگیری از تولید بی‌سواد است.

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه موضوع انسداد مبادی بی‌سوادی را از آغاز دولت یازدهم به طور جدی در معاونت ابتدایی این وزارتخانه دنبال کردیم، گفت: در سال تحصیلی جاری، حدود ۵۰۰۰ مدرسه داریم که پنج دانش‌آموز و کمتر دارند.

همچنین بیش از ۱۰۰ مدرسه تک دانش‌آموزی در کشور داریم و این نشان‌دهنده آن است که عزم ما برای جلوگیری از بی‌سوادی و محرومیت از تحصیل کودکان بسیار بالاست، البته این سیاست برای ما پرهزینه است اما یک سـرمایه‌گذاری بزرگ برای آیندگان خواهد بود.در این نشسـت علی باقرزاده معاون وزیر آموزش و پرورش و رییس سـازمان نهضت سوادآموزی با بیان اینکه علی‌رغم تلاش‌های صورت پذیرفته، هنوز تعداد افراد بی‌سـواد و کم‌سـواد کمتر از ۵۰ سال سن در کشور بالاست، گفت: امروز امر سوادآموزی سخت‌تر و هزینه‌برتر از گذشته است.

وی با اشـاره به اینکه در حال حاضر آموزش به ۶۰۰ هزار نفر از اولیای مدارس در دست اجراست، گفت: آموزش سربازان در پادگان‌ها و زندانیان در زندان‌ها، آموزش اتباع خارجی و همچنین کودکان ۱۰ تا ۲۰ سال از جمله طرح‌هایی هستند که دنبال می‌شود. ما برنامه عمل جامعی تدوین کردیم و آن را اجرا می‌کنیم.

نکوداشت دکتر اصغر دادبه در یزد

مراسم تقدیر از فعالیت های فرهنگی دکتر اصغر دادبه پژوهشگر و ادیب ، هفته گذشته در زادگاهش یزد برگزار شد.

به گزارش کمیته برگزاری مراسم نکوداشت دکتر اصغر دادبه، دکتر مجید پویان، عضو هیات علمی دانشگاه یزد، و دبیراجرایی مراسم نکوداشت دکتر دادبه، در این باره می‌گوید:«دکتر اصغـر دادبه از برگزیدگان همایش چهره‌های ماندگار و از شخصیتهای علمی کشور است که صاحب تالیفات و مقالات بسیاری در زمینه فلسفه، عرفان، کلام اسلامی، حافظ شناسی ، سعدی پژوهی و... است.» وی افزود نکوداشت دکتر دادبه در زادروز وی و با همکاری دانشگاه یزد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد، بنیاد میبدی و گروه تعاونی پیشگامان در دو نشست صبح و بعد از ظهر برگزار شد.

بنا بر گفته دبیر اجرایی مراسم، نشست افتتاحیه در سالن آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه یزد، با خیرمقدم و سخنان دکتر اولیا، ریاست دانشگاه یزد، آغاز شد. ریاست دانشگاه یزد، ضمن خیرمقدم به مهمانان با تاکید بر اهمیت برگزاری نشستهای بزرگداشت افزود باید شرایطی فراهم آید تا زیرساخت های فرهنگی و علمی به گونه‌ای بنیان نهاده شود تا زمینه رشد و پیشرفت استعدادها در داخل استان نیز فراهم آید.

سپس دکتر مهدی ملک ثابت، رییس دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد، درباره ارتباط علمی دکتر دادبه با دانشگاه یزد و چگونگی همکاری های علمی و آموزشی ایشان با گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه سخن گفت.

دکتر فتح الله مجتبایی نخستین سخنران نشست افتتاحیه، ضمن تمجید از کوشـشـهای علمی دادبه، در خصوص چگونگی انتخاب ایشـان به مدیریت بخش ادبیات دایره المعارف بزرگ اسلامی سخن گفت.

سپس دکتر سیروس شمیسا، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در خصوص ویژگیهای علمی و اخلاقی دکتر دادبه سخن گفت و علاوه بر جایگاه علمی درباره توان مدیریتی وی توضیحاتی داد. سـومین سخنران نشست صبح، دکتر عبدالرضـا مدرس زاده، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد کاشان، بود که با عنوان«دکتر دادبه و مکتب دقت» درباره دقت و وسواس علمی دکتر دادبه در انتشار مقالات و تالیفاتش سخن گفت.

سپس علیرضا حجتی، هنرمند بنام یزدی، ابیاتی از شـاهنامه را اجرا کرد و پس از آن مراسم تجلیل با حضور ریاسـت دانشگاه یزد، دکتر مهدی ملک ثابت، رییس دانشـکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد، دکتر غلامرضا محمدی، مشاور فرهنگی استاندار یزد و جمعی از اهالی فرهنگ و اندیشه استان برگزار شد که در این بخش لوح سپاس و نشان درجه یک دانشگاه یزد بوسیله ریاست دانشگاه به دکتر دادبه تقدیم شد و لوح سپاس و هدایایی نیز از سوی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه یزد، استانداری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد ، دانش آموختگان نخسـتین دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد،گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران واحد شمال، فرمانداری و دانشگاه آزاد کاشان ، بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد سعدی شناسی شیراز و... به استاد دادبه پیشکش شد.

نخستین سخنران نشست عصر که در تالار فرهنگ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد برگزار شد، دکتر صفر عبدالله از کشور قزاقستان بود که درباره اندیشه ها و آثار دکتر دادبه سخن گفت و سپس دکتر هرمز رحیمیان، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد شمال، درباره محورهای اصلی جهان بینی و نگرش دکتر دادبه از جمله ایران دوستی، نظم و دقت و.... سخنرانی کرد.

پـس از آن علی میرانصـاری از دایره المعارف بزرگ اسلامی درباره کوشش های علمی دکتر دادبه در دانشنامه‌ها و دایره المعارف نویسی سخن گفت. سخنران بعدی حسن اسدی تبریزی، سردبیر مجله اشراق، بود که درباره ایران و ایران دوستی در شعر شهریار بر مبنای آثار دکتر دادبه سخن گفت. گفتنی است در این نشست دو شاعر غزلسرای معاصر:غلامرضا طریقی و علیرضا بدیع شـعر خواندند و نیز سید محمود الهام بخش، علیرضا احرامیان‌پور، دکتر طالبان پورو حسن قریبی (به نمایندگی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی) به قرائت اشعارشان پرداختند. هم چنین علیرضا سهیلی زاده و علی ساکت، دوهنرمند یزدی، برنامه نی نامه خوانی را اجرا کردند که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

رونمایی از جلد نخسـت فرهنگ اصطلاحات کلامی، تالیف دکتر دادبـه و «خرد ایرانی» (مجموعه مقالات)جشن نامه دکتر دادبه به کوشش مجید پویان، نمایش بخش هایی از مستند دکتر دادبه، کاری از گروه تعاونی پیشگامان(شامل گفتارهایی از دکتر مهدی محقق، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، دکتر فتح الله مجتبایی)، نماهنگ سـفر به فرارود و... از دیگر برنامه های این نشست بود.هم چنین در پایان مراسم با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر محمد علی طالبی و دکتر غلامرضا محمدی از استانداری یزد، عبدالعظیم پویا،مدیر بنیاد میبدی،دکتر مهدی ملک ثابت از دانشگاه یزد و جمعی از مسئولان فرهنگی و اصحاب قلم و اندیشه مراسم تجلیل از دکتر دادبه و مهمانان و سخنرانان انجام شد و علاوه بر لوح سپاس استاندار، هدایایی نیز از سوی استانداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد، از جمله دو تابلوی نفیس(خوشنویسی دو غزل حافظ) به خط استاد رهبران،هنرمند نامی استان یزد و لوح سپاس از سوی انجمن های ادبی یزد، شورای شعر یزد و... به دادبه تقدیم شد.

یادداشت

کوثر و عید نوروز

آیت‌الله یحیی عابدی

علامه مجلسی درکتاب بحارالانوار (ج۴۳، ص۱۰) بـه نقـل از کتابهای امالی و علل الشـرایع و خصال که هر سه از تألیفات شـیخ صدوق (ابن بابویه) است، نه اسم برای حضرت فاطمه(س) ذکر کرده است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. و درکتاب علل‌الشرایع و بعض کتب دیگر دلیل تسمیه آن حضـرت به اسـامی مذکوره از ائمه معصومین علیهم‌السلام روایت شده است. و در ص۱۶ بـه نقل از کتاب مناقب ابن شهر آشوب یک اسم دیگر اضافه شده و آن «حانیه» است. مجلسی در وجه تسمیه فرموده است: «حانیه یعنی بانویی که به همسر و فرزندانش شفقت و مهربانی زیاد داشته باشد.» متاسفانه در اداره آمار و ثبت احوال این نام مقدس را به غلط «هانیه» می‌نویسـند که معنی مستحسنی ندارد. یک بار ضمن نامه‌ای که برای رئیس اداره آمار فرستادم، این نکته را متذکر شدم؛ ولی متاسفانه تذکرات مخلصانه بلاجواب ماند و به احتمال قوی اصلاً پاکت باز نشده، به سبدیات ملحق شد! کما اینکه راجع به نماز باران علاوه بر مقاله، به مسئول سیاستگزاری ائمه جمعه نامه رسمی با پست سریع‌السیر فرستادم که اعتنا نکردند! گویا منتظر تحقق این آیه هسـتند: «**قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا**». نامه مرکز رسیدگی به امور مساجد هم، و کم له من نظیر!

دو ماه جمادی‌الاولی و جمادی الاخری به آن حضرت اختصاص دارد. فاطمیه اول بنا بر اینکه آن حضرت بعد از پدر بزرگوارش ۷۵ روز زندگی کرده باشد و فاطمیه دوم یعنی سوم جمادی الاخری۹۵ روز. میلاد مسـعود آن حضرت بیستم همین ماه، پنج سال بعد از بعثت حضرت رسول اکرم(ص) است.و در احادیث است که: «**شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا**: شیعیان ما از سرشت ما آفریده شده‌اند. در شادی ما شادمان و در اندوه ما اندوهگین می‌شوند.» امسال فاطمیه دوم با ایام عید نوروز مصادف شده است. بدیهی است کارهای نامشروع در تمام دوران سال حرام است و اختصاص به محرم و صفر و فاطمیه ندارد. و کارهای مشروع (واجبات، مستحبات، مباحات) جائز است و کل مکروه جائز. عنوان ثانویه یک مسأله فنی است و در مقاله نمی گنجد.

از محسنات عید نوروز، دیدار خویشاوندان و همسایگان و دوستان، مخصوصاً بیماران و ایتام و پیرانی است که در آسایشگاه کهریزک و سایر آسایشگاهها نفس می‌کشند و همیشه به انتظار شما گرامیان هستند که با یک شـاخه گل یا یک جعبه شـیرینی حتی یک جعبه دستمال کاغذی آنان را شاد کنید که رسول‌الله(ص) فرمود: «**انّ احبّ الاعمال علی الله ادخال السرور علی المؤمنین**: محبوب‌ترین کار نزد خدا، شاد کردن دل مؤمنان است.» در بحارالانوار راجع به ادخال سرور در قلب مؤمنین و برآوردن حاجات آنان از ص۸۳ تا ۲۴۱ صدوبیست وشش حدیث از کتب معتبره نقل شده است. اگر همه توانمندان از تشریفات عید نوروز اندکی کم کنند و محترمانه به نیازمندان برسانند و آنان را در شادی خود شریک کنند، حضرت زهرا(س) را مسرور کرده و به آن حضرت تأسی جسته‌اند: «**و یُطعمون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیرا**».

مودت به معصومین فقط روضه خواندن (که متاسفانه بعضی از آنها دروغ است) نیست.

مطلب دیگر: در فصل بهار زنده شدن خاک مرده و درخت افسرده انسان آگاه را به معاد جسمانی راهنمایی می‌کند.

این بهار نو ز بعد برگ‌ریز هست برهان بر وجود رستخیز

«**و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت و انبتت من کل زوج بهیج. ذلک بان الله هو الحق و انّه یُحیی الموتی و انّه علی کل شیء قدیر. و ان السّاعه اتیه لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور**: زمین را [در زمستان] خشک و مرده می‌بینی، اما همین که باران بر آن فرستادیم، به جنبش می‌آید و رشد و نمو می‌کند و از هرگونه گیاه می‌رویاند. این دلیل بر حقانیت خداست. و البته خدا مرده‌ها را زنده می‌کند، و او به هر چیز تواناست و رستاخیز خواهد آمد و هیچ شکی در آن نیست. خدا همه کسانی را که در قبرها هستند، زنده می‌کند.» (حج، ۵ـ۷) در قرآن مجید هر جا سخن از معاد است، منظور معاد جسمانی است. و آیات زیادی در این موضوع هست. برای اینکه مقاله طولانی نشود، قصیده بهاریه سعدی را گلچین می‌کنم. بسیاری ابیات راجع به آفریدگار و چند بیت نیز راجع به معاد جسمانی است که توضیح می‌دهم.

بقیه در صفحه ۱۴

اختصاص ۳۲ میلیارد دلار اعتبار صندوق توسعه ملی به طرح‌های زیربنایی

جلسه هیات امنای صندوق توسعه ملی دیروز به ریاست رئیس جمهوری تشکیل و مهمترین برنامه ها و اولویت‌های این صندوق در سال آینده به تصویب رسید.

به گزارش مهر، حسن روحانی رئیس جمهوری و رئیس هیات امنای صندوق توسعه ملی در این جلسه با تاکید بر رعایت توازن منطقه ای در توزیع اعتبارات صندوق در جهت کمک به رونق هر چه بیشتر تولید ملی، بر اصلاح نرخ سود تسهیلات در بخش صنعت و کشاورزی و همچنین تعدیل آن در طرح های مربوط به مناطق محروم و شرکت‌های دانش بنیان تأکید کرد.

همچنین در این جلسه صفدر حسینی رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی گزارشی از وضع صندوق توسعه ملی و پیش بینی منابع و مصارف آن در سال ۹۴ارائه کرد. بر این اساس برنامه ها و اولویت صندوق برای سرمایه گذاری در بخش های زیر بنایی طی سال ۹۴در زمینه آب ۵میلیارد و ۴۰۰میلیون دلار، نفت و گاز حدود ۱۰میلیارد دلار، پتروشیمی و پالایشگاه ۶ میلیارد و ۲۰۰میلیون دلار، کشاورزی ،تصفیه و انتقال آب یک میلیارد دلار، طرح های ریلی ۲میلیارد و ۶۰۰میلیون دلار، نیروگاه‌ها ۳ میلیارد و ۳۰۰میلیون دلار و برای چرخه فولاد هم ۳ میلیارد و ۲۰۰میلیون دلار به تصویب رسید.

همچنین یک میلیارد دلار به صورت ریالی در بخش صنعت و معدن، گردشگری، کشاورزی و بهره وری آب اختصاص یافت.

بر مبنای گزارش رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی، این صندوق در سال ۹۳جمعاً ۳۱۲۰طرح ریالی را تأمین مالی کرده که ۳۱۰۰میلیارد تومان آن پرداخت و مابقی در حال انجام است. مجموع گشایش های اعتباری صندوق از ابتدا تا پایان امسال ۱۰میلیارد و ۵۰۰میلیون دلار بوده است که ۲میلیارد و ۵۰۰میلیون دلار آن مربوط به سال ۹۳ است.

در این جلسه حداقل نرخ بازده مورد انتظار از منابع صندوق به صورت سپرده گذاری‌های ارزی و ریالی هم مورد تصویب قرار گرفت. همچنین هیات امنای صندوق توسعه ملی ضمن تعیین و تصویب طرح های اولویت دار ارزی و ریالی، برخی موارد نظامنامه ضوابط و شرایط اعطای تسهیلات ارزی را تصویب کرد. بودجه ستاد صندوق توسعه ملی هم در این جلسه مورد تصویب قرار گرفت.

کاهش فاصله نرخ دلار بانکی و آزاد

هرچند بانک مرکزی نرخ دلار بانکی را دیروز ۲۷۹۹۸ ریال و در یک قدمی مرز ۲۸۰۰ تومان تعیین کرد اما روند قیمت دلار در بازار آزاد کاهشی بود و این نرخ ۳۲۸۶ تومان تعیین شد؛ بنابراین فاصله این دو نرخ دیروز ۴۸۶ تومان بود.

به گزارش ایرنا، بانک مرکزی دیروز نرخ دلار بانکی را ۲۷۹۹۸ ریال تعیین کرد که این رقم فقط دو ریال با ۲۸۰۰ تومان فاصله دارد که البته این رقم برای دلار بانکی نوعی رکورد به حساب می آید.

نرخ دلار بانکی در حالی در روزهای پایانی سال جاری افزایش یافته که درهفته گذشته ولی الله سیف رئیس کل بانک مرکزی از آماده شدن مقدمات اجرای ارز تک نرخی در بازار در سال ۹۴ خبر داد بود.

حال با این اقدام بانک مرکزی و رشد نرخ بانکی دلار در روزهای اخیر به نظر می رسد بانک مرکزی در حال هماهنگ کردن نرخ ارز رسمی با بازار آزاد است و تلاش دارد تا فاصله قیمت های بانکی و بازار آزاد را کاهش دهد تا بتواند برنامه اقتصادی خود را در زمینه ارز در سال آینده اجرایی کند.

ناگفته نماند که رشد نرخ بانکی دلار در حالی اتفاق افتاد که نرخ ارز در بودجه سال ۹۴ رقمی معادل ۲۸۵۰ تومان تعیین شده و برهمین اساس نرخ ارز بانکی هم اکنون فقط ۵۰ تومان با نرخ ارز بودجه سال ۹۴ تفاوت دارد.

این تغییرات قیمتی در بازار بانکی و آزاد ارز در حالی رخ داد که زمزمه های تک نرخی کردن ارز در سال ۹۴ علاوه بر رئیس کل بانک مرکزی از سوی علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی هم شنیده شده بود.

کارشناسان بازار ارز معتقدند که زمزمه اجرای ارز تک نرخی در سال آتی، بازار ارز را با جنب و جوش مواجه کرده و این امر مهمترین دلیل افت قیمت ها در بازار آزاد ارز است.

با توجه به اینکه مسوولان اقتصادی کشور طی یک سال و نیم گذشته اقدامات زیادی را برای سامان بخشیدن بازار ارز و ثابت نگه داشتن قیمت ها در این بازار انجام داده اند، به نظر می رسد دولت با تغییرات قیمتی در بازار آزاد و بانکی عزم خود را برای کاهش فساد در زمینه ارز در سال ۹۴ جزم کرده باشد.

معاون وزیر راه و شهرسازی: انضباط شهری نداریم

خروجی‌های اولیه طرح جامع مسکن آماده شده است و ما نیازمند هماهنگی‌های لازم در بخش برنامه‌ریزی‌هستیم.

اطلاعات خانوارهای مشمول مسکن اجتماعی از سوی نهادهای حمایتی به وزارت راه و شهرسازی ارائه شده است و در این چارچوب تأمین مسکن ۸هزار خانواده دارای ۲معلول و بیشتر در فاز نخست این نوع مسکن در دستور کار قرار دارد.

به گزارش فارس، این مطالب از سوی پیروز حناچی معاون معماری و شهرسازی و سید محمد پژمان مدیرعامل سازمان ملی زمین و مسکن اعلام شد.

بنابر این گزارش،معاون معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی با اشاره به اینکه شهرفروشی از نظر شورای عالی معماری و شهرسازی قابل قبول نیست، گفت: خروجی‌های اولیه طرح جامع مسکن آماده شده است و ما نیازمند هماهنگی‌های لازم در بخش برنامه‌ریزی هستیم

پیروز حناچی در خصوص طرح جامع‌مسکن‌افزود:مطالعات‌کارشناسان طرح جامع مسکن نشان می‌دهد که چهار دهک ابتدایی جامعه برای تهیه مسکن خود نیازمند کمک‌های دولت هستند و تأمین مسکن دهک‌های پنجم تا دهم هم توسط خود مردم برنامه‌ریزی و تأمین می‌شود. بنابراین باید کاری کرد تا در درجه اول خط فقر جابه‌جا نشود و در درجه دوم این طرح توسط بخش خصوصی و مردم به اجرا درآید.

وی ادامه داد:دولت کمک‌های خود را بر چهار دهک اول متمرکز کرده و سیاست‌گذاری را هم در اختیار دارد تا قیمت زمین را در کلانشهرها کنترل و شرایطی را فراهم کند که با آن به عنوان یک کالای سرمایه‌ای صرف برخورد نشود، ضمن این‌که سیاست‌های کلان اقتصادی هم در اجرای طرح جامع مسکن موثر هستند.

معاون وزارت راه و شهرسازی با تأکید بر رعایت انضباط شهری به عنوان ضمانت اجرایی طرح جامع مسکن گفت: وضع قابل قبولی از نظر انضباط شهری در شهرهایمان نداریم و شهرها به گونه‌ای اداره می‌شوند که در دراز مدت عوارض نامطلوبی برای شهروندان به وجود می‌آورند.

وی در پاسخ به پرسش دیگری در خصوص زمان نهایی شدن طرح جامع مسکن گفت: خروجی‌های اولیه طرح جامع مسکن در معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی آماده شده و ما نیازمند هماهنگی‌های لازم در بخش برنامه‌ریزی هستیم.

نامبرده ادامه داد: حلقه مفقوده هماهنگی برنامه‌ریزی‌های مرتبط با طرح جامع، بخش مسکن اجتماعی و تأمین مسکن کم‌درآمدهاست که در گذشته در طرح‌های توسعه و عمران شهری به این موضوع پرداخته نمی‌شد، ولی در تلاش هستیم تا در نشست‌هایی به نقطه بهینه در این زمینه دست یابیم.

وی در پاسخ به پرسشی در خصوص ممنوعیت فروش تراکم در کلانشهرها خاطرنشان کرد: مبحث انضباط شهری با موضوع ممنوعیت فروش تراکم از سوی شهرداری‌ها در ارتباط مستقیم است و در این مبحث (انضباط شهری) شهرها بر اساس تراکم‌های مسکونی، رشد جمعیت شهر و تنظیم افق آتی در نظر گرفته می‌شوند که علی‌رغم تحقق نیافتن رشد جمعیتی در بسیاری از شهرها و نداشتن صرفه اقتصادی، همچنان تقاضای خرید و فروش تراکم وجود دارد؛ این موضوع نشان می‌دهد عوامل دیگری غیر از مسائل اقتصادی در تقاضای تراکم‌فروشی دخیل است.

حناچی با اشاره اینکه شهرفروشی برخی شهرداران برای اداره شهر از نظر شورای عالی شهرسازی و معماری قابل قبول نیست، افزود: لازمه تحقق انضباط شهری، تأمین منابع مالی پایدار برای شهرداری‌ها و کاهش هزینه‌های جاری توسط نظام مدیریت شهری برای اداره هزینه شهر است. باید شهرها به منابع مالی دست یابند تا اگر در شرایطی قرار بگیرند که یک زمان حتی یک نفر هم برای دریافت پروانه ساختمانی مراجعه نکند، اداره شهرها مختل نشود.

از سوی دیگر، مدیرعامل سازمان ملی زمین و مسکن هم از ارائه اطلاعات خانوارهای مشمول مسکن اجتماعی از سوی نهادهای حمایتی به وزارت راه و شهرسازی خبر داد و گفت: تأمین مسکن ۸هزار خانواده دارای ۲معلول و بیشتر در فاز نخست مسکن اجتماعی در دستور کار است.

سیدمحمد پژمان در خصوص نقش سازمان ملی زمین و مسکن در اجرای طرح تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد گفت: نقش این سازمان، برنامه‌ریزی برای استفاده از زمین‌های دولتی در اجرای طرح مسکن اجتماعی است؛ البته دولت در همه شهرها زمین ندارد، ولی در شهرهایی که زمین خالص در اختیار داریم، در حال آماده‌سازی برای عرضه زمین به مشمولان طرح هستیم و در شهرهایی که زمین نداریم، برای اینکه زمین برای عرضه آماده کنیم با کمک مشاوران در حال تدوین برنامه‌ای هستیم تا با کمک مدیران شهری در این زمینه به تفاهم برسیم. وی با اشاره به اینکه لازمه این موارد همکاری مدیران شهرداری‌هاست، ادامه داد: اینکه در طرح جامع مسکن گفته می‌شود باید تا سال ۱۴۰۵ بالغ بر ۱۰۰ هزار واحد مسکونی در یکی از شهرهای کشور ساخته شود ،باید مدیران آن شهر نشان دهند که کدام قسمت از شهر است که توانایی پذیرش ساخت این تعداد واحد مسکونی را دارد؟

مدیرعامل سازمان ملی زمین و مسکن افزود: باید مسائل دیگری از قبیل اینکه آیا این ساخت و ساز در زمین خالص صورت می‌گیرد یا در بافت فرسوده، زمین‌های دولتی یا جزئی از تراکم شهر؛ در حریم شهرها قرار دارد یا خیر و امثال آن پاسخ دهد.

وی با بیان اینکه در حال بررسی برنامه‌هایی هستیم که در تمام نقاط شهری قابلیت اجرای قطعی آن باشد، گفت: دولت باید برای تهیه مسکن اقشار کم‌درآمد با استفاده از زمین‌هایی که در اختیار سازمان ملی زمین و مسکن است یا تهیه زمین از طرق دیگر اقدام کند.

معاون وزیر راه و شهرسازی در خصوص روش‌های تأمین مسکن اقشار متوسط تأکید کرد: برای این دسته از اقشار، استفاده از مکانیزم‌های تشویقی و مالی در دست اقدام است، به عنوان مثال چند نفر از اقشار متوسط زمینی با هم خریداری می‌کنند و ما تنها کاری که می‌کنیم این است که با ابزارهای پولی و مالی خرید زمین مورد نظر آنها را تسهیل می‌کنیم تا در طول زمان قادر به بازپرداخت اقساط آن باشند. وی با اشاره به وظیفه دولت مبنی بر تأمین مسکن آبرومند برای اقشار کم‌درآمد گفت: بیشترین بحثی که میان دستگاه‌های متولی طرح مسکن اجتماعی با دولت در جریان است، این است که آیا باید این کالا (مسکن) به عنوان دارایی به آنها منتقل شود یا در اختیار دولت بماند؟

پژمان ادامه داد: مثلا اگر یک باره به یک خانواده دهک یک، ملکی ارزشمند که منابع مالی سرشاری را به آنها منتقل می‌کند، داده شود، نتیجه‌اش این است که این خانواده ملک دریافتی را فروخته و تبدیل به چند قلم کالای مصرفی دیگر می‌کند و مجددا به همان سکونتگاه غیر رسمی قبلی خود برای ادامه زندگی بازمی‌گردد.

وی ادامه داد: اما اگر اصل ملک در اختیار دولت بماند و با دریافت اجاره‌بهایی قابل پرداخت از سوی خانواده‌های کم‌درآمد، اجازه زندگی در این املاک به آنها داده شود، کار شایسته‌تری است که گرایش غالب در جلسات‌هماهنگی‌مسکن‌اجتماعی‌هم به سمت همین نظریه است.

مدیرعامل سازمان ملی زمین و مسکن با اشاره به همکاری وزارت راه و شهرسازی با نهادهای حمایتی مانند کمیته امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور و ... برای در اختیار گرفتن منابع مالی لازم در اجرای طرح مسکن اجتماعی افزود: وزارت راه و شهرسازی اطلاعات خانواده‌های کم‌درآمد را در اختیار گرفته و قرار است مدیریت و تأمین منابع مالی طرح در یک دستگاه متمرکز باشد، ولی دستگاه‌های مجری طرح مسکن اجتماعی متکثر باشند.

وی با اشاره به ورود بنیاد مستضعفان در اجرای طرح مسکن اجتماعی خاطرنشان کرد: قرار است در گام اول مسکن ۸ هزار خانواده شناسایی شده دارای دو معلول یا بیشتر تأمین و در فازهای بعدی، تامین مسکن سایر اقشار کم‌درآمد در دستور کار قرار گیرد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۴/۸۴ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۴/۶۷ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۵۳/۱۶ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۱۵۹/۶۰دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۲۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۰۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۱۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۲۹۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۷۸۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۷۹۹/۸ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۲۳۹تومان
یورو(نرخ بانکی)	۲۹۳۹ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۴۶۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۱۲۸/۶تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۴۹۲۵ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۶۲/۳ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۸۹۵ تومان

حجم مفید آب سد لار صفر شد

حجم آب در پشت سد لار هم اکنون به حجم مرده رسیده و اندک آب باقی مانده در پشت سد لار قابل بهره برداری نیست.

به گزارش تسنیم، سد لار که در استان مازندران در فاصله ۷۵کیلومتری از تهران و ۱۰۰کیلومتری شهر آمل احداث شده، یکی از پنج سد اصلی تأمین آب شرب تهران است. این سد با حجم مفید ۹۶۰میلیون مترمکعبی مخزن، از سدهای بزرگ آبی کشور محسوب می شود. اما هم اکنون از مجموع ۹۶۰میلیون مترمکعب حجم مخزن این سد، فقط ۱۲میلیون و ۷۰۲هزار مترمکعب آب پشت این سد وجود دارد که عملا قابل بهره برداری نیست.

به عبارتی حجم مفید آب در پشت سد لار به صفر رسیده و این ۱۲/۷ میلیون مترمکعب حجم مرده سد محسوب می شود.

روز گذشته در مجموع ۵۳۵ هزار مترمکعب آب وارد مخزن سد لار شد و در طی این روز ۵۰۴ هزار مترمکعب آب از مخزن سد خارج شد.

افزایش تولید نفت و گاز کشور در سال آینده

۹۵ میلیارد متر مکعب گاز و ۷۵ میلیون بشکه نفت به چرخه مصرف انرژی کشور در سال جدید افزوده می شود.

به گزارش روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، برای رسیدن به این میزان تولید نفت و گاز جلسه پیش بینی بهره دهی چاههای شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب و شرق در شش ماه نخست سال ۱۳۹۴ با حضور مدیران، روسا و کارشناسان ستاد شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و جلسه پیش بینی بهره دهی چاههای شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی در شیراز برگزار شد.

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران با تمرکز و اولویت تولید از میادین مشترک نفتی و گازی و تولید صیانتی در نظر دارد تعداد ۲۲ حلقه چاه جدید و ۱۰ حلقه چاه تعمیری نفت و گاز را در سال جدید وارد مدار تولید کند.در این رابطه به منظورتامین خوراک پایدار پالایشگاه فجر جم، بر اساس سرمایه گذاری های صورت گرفته با توسعه پنج میدان هالیگان ، دی ، سفیدباغون ، سفیدزاخور و فاز دوم توسعه میدان گازی آغار به مدت ۱۵ سال خوراک این پالایشگاه تامین و تضمین می شود . همچنین با ایجاد ایستگاه تقویت فشار و توسعه میادین سرخون ، خوراک پالایشگاه سرخون و قشم هم تامین خواهد شد.

بر اساس این گزارش برای صرفه جویی در هزینه‌ها و دستیابی به اهداف فوق پیشنهاد شده تا تعداد دکل‌های حفاری مناطق مرکزی ایران از ۱۶ دستگاه کنونی به ۱۲دستگاه کاهش یابد که این مهم در سال آینده بیش از ۱۰۰ میلیون یورو از اعمال هزینه‌های اضافی به شرکت جلوگیری خواهد کرد .

افتتاح خط تولید انبوه موشک کروز دریایی قدیر با حضور وزیر دفاع

خط تولید انبوه موشک کروز دریایی ضد ناو برد بلند در سازمان صنایع هوافضای وزارت دفاع با حضور سردار سرتیپ پاسدار حسین دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ، افتتاح و شماری از آن به نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحویل شد .

به گزارش اداره تبلیغات دفاعی وزارت دفاع، سردار حسین دهقان در جمع خبرنگاران اظهار داشت: پس از اتمام تحقیقات، نمونه سازی، انجام آزمایشات موفق پروازی و رونمایی از موشک کروز دریایی قدیر به مناسبت روز صنعت دفاعی سال جاری که با حضور ریاست جمهوری انجام شد، اکنون شاهد افتتاح همزمان خط تولید انبوه و تحویل دهی این موشک راهبردی و موثر در عرصه دفاع و رزم دریایی هستیم. وزیر دفاع، آماده سازی و واکنش سریع، ارتفاع پروازی پایین، دقت بالای ناوبری، اصابت دقیق به اهداف، قدرت تخریب زیاد، ضد جنگ الکترونیک بالا به واسطه مجهز بودن به رادارهای پیشرفته و قابلیت پرتاب از روی انواع شناور و بالگرد که بر افزایش برد آن نیز تاثیر بسزایی دارد را از ویژگی های این سامانه موشکی بر شمرد. سردار دهقان با بیان این که وزارت دفاع با تولید کاملا بومی انواع موشک با کاربردهای متنوع در منطقه حرف اول را می زند تصریح کرد: دقت و سرعت عمل و کیفیت بالای این محصولات مهم توان رزم نیروهای مسلح را در هوا،دریا و زمین به نحو چشمگیری افزایش داده است.

وزیر دفاع با اشاره به فرامین مقام معظم فرماندهی کل قوا و راهبرد دولت یازدهم در تقویت توان رزم نیروهای مسلح به ویژه در حوزه موشکی تاکید کرد: وزارت دفاع در دو سال گذشته بر افزایش برد، افزایش تحرک و تاکتیکی شدن موشک ها تمرکز داشته به طوری که در تصاویر مستند پرتاب و اصابت به هدف این موشک مشاهده می کنید ، موشک قدیر از فاصله ۳۰۰ کیلومتری از ساحل موفق شده است هدف دریایی خود را به دقت شناسایی و مورد اصابت قرار دهد و آن را به طورکامل منهدم کند .

سردار دهقان با قدردانی از تلاش دانشمندان، نخبگان و متخصصان سازمان صنایع هوافضای وزارت دفاع و دیگر سازمان های این وزارتخانه که در طراحی ،ساخت و تولید انبوه این موشک مشارکت داشته اند اعلام کرد: موشک های جدید ساخت وزارت دفاع با قابلیت های بسیار پیشرفته تر به یاری خداوند در سال آینده تحویل نیروهای مسلح خواهد شد.

نوسازی ناوگان خودروهای فرسوده شتاب می گیرد

دولت با هدف کاهش آلودگی هوا و حفاظت از محیط زیست سرعت نوسازی ناوگان خودروهای فرسوده را افزایش می دهد.

دکترمحمد شریعتمداری معاون اجرایی رئیس جمهوری دیروز در جشن ثبت رکورد خروج ۳۲۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده از ناوگان حمل ونقل، با بیان آنکه حدود ۷۰ درصد آلودگی هوا توسط وسایط نقلیه فرسوده و غیراستاندارد ایجاد می شود، گفت: هوای پاک نیاز هر موجود زنده است چون آلودگی هوا سبب خروج نشاط از جامعه می شود.

وی با بیان آنکه گاهی اوقات شهر تهران در جایگاه دومین شهر آلوده جهان قرار می گیرد، اظهار داشت: برخی از شهرهای بزرگ و مهم دنیا پیش از این جزو شهرهای آلوده به شمار می رفتند اما امروزه توانسته اند از این بحران خارج شوند.

معاون اجرایی رئیس جمهوری با تاکید بر لزوم معاینه فنی خودروها، گفت: تاخیر در معاینه فنی خودروها باعث افزایش ۲ میلیون لیتری مصرف سوخت می شود.

وی با اشاره به تولید بالای دی اکسیدکربن درایران تصریح کرد: قرار است درآینده برای کشورهایی که سبب افزایش نقش دی اکسید کربن و آلودگی جهان می شوند، جرایمی وضع شود که لازم است برای رفع این معضل در ایران تدابیر مناسبی اتخاذ شود.

شریعتمداری با بیان آنکه خروج خودروهای فرسوده یک حلقه زنجیره‌ای مقابله با آلودگی هوا را تشکیل می دهد، گفت: توسعه حمل و نقل عمومی، کاهش سفرهای شهری و تولید خودروهای استاندارد نقش زیادی در کاهش آلودگی هوا خواهند داشت.

وی با بیان آنکه ستاد مدیریت حمل ونقل وسوخت یک نهاد فراسازمانی در حوزه مصرف انرژی کشور به شمار می رود، اظهار داشت: عملکرد این ستاد در گذشته دچار انحراف شده و از وظایف قانونی خود فاصله گرفته بود.

معاون اجرایی رئیس جمهوری با بیان آنکه دریافت پول به ازای صدور گواهی اسقاط سبب بروز تخلفاتی در این ستاد شد، خاطرنشان کرد: حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان در حساب های ستاد انباشته شده بود که نظارتی برآنها وجود نداشت.

وی با تاکید بر بازگشت ستاد به وظیفه قانونی خود خاطرنشان کرد: از ابتدای سال جاری تاکنون ۳۲۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده اسقاط شده است که عملکرد مطلوبی به شمار می رود.

وی تاکید کرد: علاوه بر نوسازی خودروها از طریق واردات و تولید، باید از راهکارهای تشویقی وتنبیهی برای از رده خارج کردن خودروهای فرسوده استفاده شود.

شریعتمداری با اشاره به تکنولوژی قدیمی در مراکز اسقاط خودرو، اظهار داشت: در حال حاضر ازتکنولوژی قرون وسطی در مراکز اسقاط استفاده می شود که لازم است شرایط لازم برای بکارگیری تکنولوژی جدید فراهم شود.

دکترمعصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست هم در این مراسم اعلام کرد: تمامی خودروهای داخلی از این پس باید با استاندارد یورو ۴ تولید شوند. زیرا دولت اجازه شماره گذاری به خودروهای متخلف را نمی دهد.به گفته وی،براساس گزارش های منتشره در حال حاضر بالغ بر ۳۵ میلیون شهروند ایرانی در معرض خطر آلودگی هوا قرار دارند.

رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست خاطرنشان کرد: با وجودی که ساز و کارهای مدیریتی برای مقابله با آلودگی هوا از سال ۷۹ شکل گرفته بود، اما از سال ۸۴ متوقف شد و مورد غفلت قرار گرفت.

وی درباره برنامه های دولت در این زمینه خاطرنشان کرد: ازجمله اولین مصوبه های دولت یازدهم مربوط به کاهش آلودگی هوا بوده است.

نامبرده با اشاره به اقدامات انجام شده برای کاهش آلودگی هوا اظهار داشت: براساس گزارش ها تهران در سال ۹۳ حدود ۵۰ روز بیشتر نسبت به سال ۹۲ هوای سالم تر داشته است.به طوری که در سال ۹۲ حدود ۱۶۰ روز هوای ناسالم داشتیم اما میزان روزهای ناسالم امسال به ۱۱۰ روز کاهش یافته است.

وی از مهمترین اقدامات دولت را برای کاهش آلودگی هوا اسقاط خودروهای فرسوده عنوان کرد و با تاکید بر لزوم نوسازی خودروهای عمومی، گفت: بیش از ۳۰ درصد ناوگان حمل و نقل عمومی فرسوده است.

ابتکار با بیان آنکه موتورسیکلت های کاربراتوری ۵ برابر خودروها آلودگی دارند، گفت: موتورسیکلت های برقی، هیبریدی و انژکتوری باید با آنها جایگزین شود.

وی نوسازی تاکسی ها و کامیون ها را هم خواستار شد و خاطرنشان کرد: وزارت نفت همکاری خوبی را در این خصوص با حذف بنزین آلوده و عرضه بنزین یورو ۴ با ما داشته است.

رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست با بیان آنکه از سال آینده اجازه مصرف مازوت در نیروگاه ها را نخواهیم داد، افزود: خودروها باید با استاندارد یورو ۴ تولید شوند و اجازه شماره گذاری به خودرو های متخلف داده نمی شود.

مهندس علیرضا فیض بخش رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور هم در این برنامه با اشاره به اسقاط بیش از ۳۲۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده در سال ۹۳، گفت: با اسقاط خودروهای فرسوده سالانه ۴۰۰ میلیون لیتر در مصرف سوخت صرفه جویی می شود.

وی گفت: افزایش ایمنی، کاهش مصرف سوخت و کاهش آلودگی هوا از جمله اهداف طرح نوسازی خودروها است.

وی با بیان اینکه از آغاز اجرای این طرح از سالیان گذشته تاکنون یک میلیون و ۶۰۰ هزار خودرو فرسوده از رده خارج شده است، افزود: پیش از این بیشترین میزان اسقاط خودروهای فرسوده مربوط به سال ۱۳۸۹ با رقم ۲۵۰ هزار دستگاه خودرو بوده است. اما از ابتدای سال جاری تاکنون ۳۲۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده اسقاط شده که تا پایان سال این میزان به ۳۵۰ هزار دستگاه خودرو افزایش خواهد یافت.

فیض بخش اظهار داشت: برای تسریع در فرآیند نوسازی به جای الزام واردکنندگان به پرداخت وجه اسقاط خودرو فرسوده، آنها را مکلف کردیم که مستقیما این خودرو را اسقاط کنند.

وی اضافه کرد: اقدام دیگر برای بهبود فرآیند نوسازی، کنار گذاشتن کارهای اجرایی در ستاد و برون سپاری آنها بود.

وی در ادامه با تشریح دستاوردهای اسقاط خودروهای فرسوده، اظهار داشت: خودروهای فرسوده اغلب کاربراتوری هستند که ۲۲ برابر خودروهای یورو ۲ و ۵۰ برابر خودروهای یورو ۴ آلودگی ایجاد می کنند. اسقاط این خودروها نقش مهمی در بهبود کیفیت هوا داشته است.

فیض بخش با بیان اینکه با اسقاط این خودروها ۱۱/۵ درصد میزان سوانح رانندگی کاهش یافته است، افزود: بخش عمده ای از تصادفات خودروها مربوط به سواری ها و وانت های فرسوده است.

این مقام مسئول با بیان آنکه در ۹ سال گذشته تنها ۳ هزار دستگاه خودرو سنگین از رده خارج شده است، گفت: بر اساس مصوبه ای که هفته قبل از سوی دولت ابلاغ شده، برای تسریع در روند نوسازی، تعداد گواهی خودروهای سنگین افزایش می یابد. این مصوبه با استقبال ناوگان اتوبوسرانی درون شهری(شرکت واحد) روبرو شده است.

برج میلاد در ایام نوروز میزبان "عطر یاس" است

سرویس سیاسی – اجتماعی: مدیرعامل برج میلاد از اجرای ویژه برنامه عطر یاس از ۲۷ اسفندماه تا پایان نوروز خبر داد.

شریفی با اشاره به تقارن سال نو با ایام شهادت حضرت زهرا (س) گفت: رویکرد فاطمی در تمامی برنامه‌های نوروزی برج میلاد دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که غرفه‌های کتاب، نرم افزار، شناخت سیره امامان و غرفه سبک زندگی در این مدت در این برج برپا می‌شود.

وی با اشاره به راه اندازی سرای کودک در برج میلاد افزود: همچنین کارگاه سوغات و صنایع دستی در برج میلاد برگزار می‌شود که سوغات ۲۰ استان با هدف ترویج فرهنگ و سنت این استان‌ها دایر می‌شود.

مدیرعامل برج میلاد با بیان این که شش قوم در نوروز ۹۴ با برپایی سرای اقوام ایرانی در برج میلاد آداب و سنت قوم خود را در معرض نمایش قرار می‌دهند، یادآور شد: همچنین از شش استان، گروه موسیقی اقوام در زیرگذر ورودی برج به ارائه نمایش می‌پردازند.

وی همچنین از راه‌اندازی سرای گردشگری در نوروز امسال در برج میلاد خبر داد و تاکید کرد: میهمانان به گروه‌های ۵۰ نفره تقسیم و با یک راهنما از قسمت‌های مختلف برج میلاد بازدید خواهند کرد.

شریفی در تشریح برنامه‌های فرهنگی در نوروز امسال گفت: ویژه‌برنامه‌عطر یاس از ۲۷ اسفندماه تا پایان نوروز ادامه خواهد داشت و برج میلاد برنامه‌های خود را از ساعت ۱۰ تا ۲۲ برای میهمانان ارئه خواهد کرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت:نیروگاه‌اختصاصی برق برج میلاد که سوخت آن گاز است، در ضلع شرقی برج قرار دارد که آماده است چهار مگابایت برق تولید کند وامیدواریم بتوانیم در نیمه نخست سال آینده از این فاز بهره‌برداری کنیم.شریفی با اشاره به افزایش ۵۶ درصدی بازدید از برج میلاد، افزود: امسال شاهد رشد ۱۳۰ درصدی بازدید گردشگران خارجی از برج میلاد بوده‌ایم.

مدیرعامل برج میلاد درباره سرانجام برگزاری کنسرت موسیقی پاپ در این برج گفت: موسیقی‌های آیینی و سنتی در برج میلاد برگزار می‌شود و در طول جشنواره فجر هم برج میلاد میزبان کنسرت‌های موسیقی پاپ بود؛ اما اکنون در حال بررسی این موضوع هستیم که در حوزه موسیقی پاپ در سال ۹۴ برج میلاد به چه شیوه‌ای عمل کند.

وی همچنین با اشاره به ساعت خاموشی زمین در روز هشتم فروردین ماه گفت: ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه این روز چراغ‌های برج میلاد خاموش خواهد شد و همچنین برای دوازدهم فروردین ماه نیز به مناسبت روز جمهوری اسلامی ایران ویژه برنامه‌های خاصی داریم.

انتخابات ،مانور قدرت برای ناامیدی بدخواهان ایران اسلامی است

سخنگوی شورای نگهبان در آخرین نشست خبری خود در سال ۱۳۹۳ نحوه تعامل با اصحاب رسانه در سال جدید را تشریح کرد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان، دکتر نجات‌الله ابراهیمیان دراین نشست با قرائت یادداشتی به خبرنگاران توصیه کرد که با قلم خود از دستاوردها و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی حفاظت و پاسداری کنند. در بخشی از این یادداشت آمده است :هر یک از رسانه‌ها بر اساس تعلق به سلایق سیاسی مختلف، تلاش خواهند کرد تا شعارهای گروه وابسته را برجسته کرده و از جریان سیاسی منتخب خود طرفداری کنند. این اختلاف سلیقه، طبیعت فعالیت سیاسی و رسانه‌ای است. رسانه‌ها یک گروه سرود با لحن و صوت یکسان نیستند اما نباید فراموش کرد که امروزه وحدت ملی و امنیت این کشور نه تنها محتاج پاسداری مدافعان عرصه جهاد و شهادت مانند شهید تقوایی و الله دادی است که در خاکریزهای دوردست به دفاع از امنیت پرداختند؛ بلکه ثبات، امنیت، وحدت و یکپارچگی این کشور به مدافعانی هوشیار در عرصه رسانه و قلم هنر محتاج است. دشمن بدخواه ما نه تنها در قالب نیروی نظامی بلکه عمدتاً با ابزار رسانه و تأثیرگذاری بر فهم مردم به میدان تضعیف نظام اسلامی وارد شده است.دفاع از حریم این نظام به سربازانی از همین جنس نیاز دارد. از هر سلیقه که باشید اگر حفظ این آشیانه امن و پایگاه اسلام و اهل بیت پیامبر(ص) برای شما مهم باشد که هست محور اصلی تلاش‌های گروهی و حزبی شما هم سربلندی این آب و خاک و ارتقاء قدرت مقاومت کشور خواهد بود.

در ادامه این یادداشت تاکید شده است :عزیزان! انتخابات یک مانور قدرت و صلابت برای ناامید کردن بدخواهان ایران اسلامی است. شما عنصر مؤثر این مانور هستید. قلم شما، تیترها و ستون‌های رسانه‌تان و نحوه نگاه شما به وقایع و انعکاس آن سهم بی‌بدیلی در توفیق آن دارد.باید از گذشته‌ها عبرت بگیریم و فرصت‌های طلایی خود را به خطر و تهدید تبدیل نکنیم.

اما چگونه؟ قبول دارید که در منطقه پرتلاطم و آشوب خاورمیانه از نعمت امنیت و استقلال و امکان زندگی بر اساس آموزه‌ای اسلامی، شیعی برخورداریم. از وضع همسایگان دور و نزدیک ما به خوبی با خبرید. شکرنعمت امنیت و استقلال با تلاش برای حفظ آن ممکن می‌شود.کفران نعمت الهی است اگر مطبوعات و فعالان این عرصه برای نشان دادن تمایز خود از سایر گروه‌ها به جای برجسته کردن افکار نو و تعالی بخش به سراغ عادت ماجراجویانه تابو شکنی حمله به ارکان نظام اسلامی، پاشیدن بذر تردید و ابهام در ارزش‌های بنیادین مورد احترام مردم و رفتارهای از سر هیجان زدگی در رقابت‌های انتخاباتی مانند دامن زدن به قومیت گرایی و اصرار بر اختلاف موهوم بروند. این قبیل رفتارها در سرزمینی که تمام قومیت‌ها به اتکاء اسلام و آموزه‌های پیامبر و اهل بیت طاهرینش(ع) قرن‌هاست خمیرمایه لازم برای اتصال و تشکیل ملت واحد را یافته‌اند بی‌معنی است. ملتی که با وجود تنوع قومیتی اکنون در سایه رهبری فرزانه راه خود را برای آینده بهتر به سرعت می‌پیماید.وانگهی شیوه تامین و استمرار امنیت و آرامش امروزه دستخوش تغییر شده است زیرا تهدیدات امنیت هم اشکال نوین به خود گرفته است. ایجاد ناامنی روانی در اجتماع با از کار انداختن نهادهای اصلی نظام مثل نهاد نظارت یا داوری انتخاباتی و نتیجتاً تضعیف مقبولیت نظام ابزار مرجح تغییر نظام‌های مستقل شده است. التزام و انقیاد در مقابل نهادی که در فرایند انتخابات حرف آخر را می‌زند در فضاهای تردید و ابهام این فرصت را از دشمنان ملت ما خواهد گرفت.البته انتقاد و ارزیابی عملکرد نهادها از آزادی‌های مشروع ملت و رسانه‌هاست.

۲انتصاب در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب

طی حکمی از سوی مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب مدیران حراست و بازرسی این شرکت منصوب شدند.مهندس «بیژن عالی‌پور» در احکام جداگانه‌ای مهندس «مهرزاد شکیب» را به عنوان مدیر حراست شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و «خدارحم محمد رضایی» را به عنوان رئیس بازرسی این شرکت منصوب کرد.توجه به شایسته سالاری، استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی و مهندسان شرکت ملی مناطق نفت‌خیر جنوب، تأکید بر تعهد و تخصص‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکم بر روند انتصابات جدید در این شرکت نفتی است.

مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل بانک پارسیان برگزار شد

مراسم تودیع و تکریم دکتر علی دیواندری و معارفه دکتر پرویزیان با حضور دکتر سیف رئیس کل بانک مرکزی، مدیران ارشد نظام بانکی، اعضاء هیأت مدیره و مدیران بانک پارسیان در محل ساختمان مرکزی این بانک برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر عارف نوروزی، نایب‌رئیس هیأت مدیره بانک پارسیان ضمن تقدیر از زحمات دکتر دیواندری که به علت پیش‌آمدن بیماری ناچار به ترک فعالیت خود در بانک شد با اشاره به تجربیات دکتر پرویزیان و حضور چندین ساله وی در عرصه بانکداری اظهار امیدواری کرد که با کمک اعضای هیأت مدیره و مدیران و کارکنان در مسیر اعتلای بانک پارسیان گام برداشته و با کمک‌های بانک مرکزی علاوه بر حل مشکلات سیستم بانکی، شاهد روزهای درخشان در این سیستم باشیم.

بنابرهمین گزارش، دکتر دیواندری نیز ضمن تشکر از رئیس کل بانک مرکزی، دکتر پرویزیان اعضای هیأت مدیره و تمام کارکنان، خوشنامی بانک پارسیان را حاصل تلاش نیروی انسانی دلسوز خواند.

در ادامه، دکتر پرویزیان با قدردانی از زحمات دکتر دیواندری و همچنین تشکر از اعتماد اعضای هیأت مدیره بانک گفت: کار اصلی به دوش مدیران و کارکنان ارزشمند بانک است و هریک از آنها نقش برجسته و ویژه‌ای در ارتقا و جایگاه بانک دارند.

مدیرعامل بانک پارسیان ضمن تشکر از دکتر سیف رئیس کل بانک مرکزی به خاطر سیاست‌های پولی مناسبی که در حوزه کنترل تورم و ثبات بازار ارز برای شبکه بانکی در پیش گرفته است، گفت: حمایت بیشتر از بخش تولید و کاهش هزینه‌های تولیدکنندگان از موضوعات مهم دیگری است که با اقدامات شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی به ثمر خواهد نشست.

رونمایی ۱۰ عنوان جدید کتاب در حوزه روابط عمومی

۱۰ عنوان کتاب جدید حوزه روابط عمومی و ارتباطات از انتشارات کارگزار روابط عمومی با حضور نویسندگان این آثار رونمایی شد.

به گزارش شارا، مراسم رونمایی از این عناوین که اسامی آنها در ادامه می‌آید، در حاشیه نشست هم اندیشی استادان، مدیران وکارشناسان حوزه روابط عمومی و علوم ارتباطات در هتل ارم انجام شد:

دانشنامه ارتباطات نوشته حسن بشیر

درآمدی بر شناخت روابط عمومی اسلامی نوشته امیدعلی مسعودی و مریم باغبانیان

روابط عمومی اسلامی، نوشته مهدی باقریان و حسن بشیر

مسئولیت اجتماعی از زاویه روابط عمومی نوشته حسن ربیعی

افکار عمومی، نوشته میرسعید قاضی و حامد رضا اسماعیلی،

ارتباطات تصویری، نوشته قربانعلی تنگشیر

روابط عمومی اینترنتی، نوشته عادل میرشاهی

فنون روابط عمومی، نوشته مهدی باقریان

روابط عمومی دو، ترجمه مریم صالحی

خبرنگاری دو، ترجمه مریم صالحی و زهرا حداد.

آغاز طرح امداد نوروزی کرمان موتور از ۲۶ اسفند

طرح ارائه خدمات امدادی در ایام نوروز به محصولات شرکت کرمان موتور از ۲۶ اسفند آغاز می شود.

سید محمدرضا میرعلینقی مدیرعامل شرکت کرمان موتور با اعلام این خبر افزود: این طرح با مشارکت امداد خودرو رفاه ایرانیان در سراسر کشور اجرا خواهد شد و تا پایان روز ۱۴ فروردین سال ۹۴ ادامه خواهد داشت.وی با اشاره به برنامه ریزی‌های صورت گرفته برای ارائه خدمات در سریع ترین زمان ممکن، افزود: در عین حال بیش از ۸۰ نمایندگی این شرکت در سراسر کشور به صورت شبانه روزی آماده ارائه خدمات به مسافران نوروزی خواهند بود.

کامران شاکری مدیرعامل شرکت بم خودرو (عامل ارائه خدمات پس از فروش کرمان موتور)هم اعلام کرد: در تعطیلات نوروز بیش از ۱۰۰ پایگاه ثابت امداد جاده ای در معابر پرتردد برای بالا بردن سرعت ارائه خدمات به مشتریان در سراسر کشور مستقر می شوند.

ثبت جهانی ۱۰ منطقه فرش‌بافی ایران

فرش دستباف ۱۰ منطقه ایران در سازمان جهانی مالکیت فکری به ثبت جهانی رسید.

به گزارش روابط عمومی مرکز ملی فرش ایران، این مناطق شامل مشهد، کاشمر، کاشان، کرمان، نایین، ساروق، یزد، اردبیل، ترکمن، گلستان و همدان هستند که طرح و نقش قالی دستباف آنها در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) به ثبت نشان جغرافیایی رسید.این گزارش می افزاید: در سال گذشته هم پنج منطقه جغرافیایی فرشبافی کشور به ثبت جهانی رسیدند و مراحل ثبت ملی و جهانی ۱۲ منطقه دیگر در سال ۹۴ دنبال خواهد شد.

هشدار پزشکان در مورد افزایش نارسایی‌های قلبی در کشور

اگر قلب سالم می‌خواهید...

بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان بهداشت جهانی، بیماری‌های قلبی و عروقی مهم‌ترین علت مرگ و میر در جهان تا سال ۲۰۲۰ میلادی است و این در حالی است که آمارهای رسمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد مرگ و میرها در کشورما ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی و بیش از ۱۹ درصد مربوط به سکته‌های قلبی است، به طوری که ایران رکورددار بالاترین آمار مرگ‌های قلبی در جهان نامیده شده است.

در این گزارش آمده است روزانه ۳۰۰ نفر در ایران براثر عوارض قلبی فوت می‌کنند و نیز؛ امکان بروز بیماری‌های قلبی وعروقی پس از سن ۴۰ سالگی در مردان ۴۹ درصد و در زنان ۳۹ درصد است.

در شرایطی که بیماری‌های قلبی و عروقی مهم‌ترین عامل مرگ و میر در کشورمان به شمار می‌رود، شیوه زندگی و نوع تغذیه مردم، خطر بروز این بیماری را به حداکثر رسانده است، به طوری که پیش بینی می‌شود تا ۱۰ سال آینده آمار سکته‌های قلبی به اوج خود برسد.

مشکلات بیماران مبتلا به نارسایی‌های قلبی

دکتر احمد امین ـ دبیر علمی سومین کنگره مشترک قلب و عروق ایران در رابطه با مشکلات بیماران قلبی می‌گوید: به دلیل اینکه میزان قابل توجهی از مراقبت‌های درمانی مورد قبول دنیا برای بیماران دچار نارسایی‌های قلبی کشور زیرپوشش بیمه قرار ندارند، بسیاری از بیماران به دلیل هزینه‌های سنگین، در مراحل پیشرفته بیماری از درمان‌های توصیه شده سرباز می‌زنند و آن را رها می‌کنند.

وی با بیان این مطلب که نارسایی‌های قلبی مجموعه‌ای از بیماری‌های خطرناک است که در کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه در حال افزایش است یادآوری می‌کند: مرگ و میرهای ناشی از نارسای‌های قلبی بیش از بسیاری از سرطان‌هاست. نارسایی قلبی به معنی اختلال در عملکرد قلب و خونرسانی به بافت‌ها و بخش‌های مختلف بدن است که شایع‌ترین علامت‌های آن، تنگی‌نفس، خستگی و ناتوانایی است.

این فوق‌تخصص نارسایی‌های قلبی و پیوند قلب می‌افزاید: نارسایی‌های قلبی یکی از مهم‌ترین دلایل بستری شدن افراد به خصوص در سنین بالادر مراکز درمانی است و مطالعات نشان می‌دهد که در ۵۰ درصد موارد، افرادی که به دلیل نارسایی‌های قلبی در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند، پس از ۳ تا ۶ ماه یا دوباره سر و کارشان به بیمارستان‌ها می‌افتد و یا فوت می‌کنند.

وی از کنترل قند و فشارخون که عوامل خطرساز ابتلا به نارسایی‌های قلب به شمار می‌روند، به عنوان موثرترین راه‌های پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های قلبی یاد می‌کند و می‌افزاید: دارو درمانی منجر به کاهش علایم این بیماری، افزایش طول عمر و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به نارسایی‌های قلبی می‌شود.

دکتر امین می‌گوید: هر چند داروهای درمان نارسایی‌های قلب در کشور موجود است، اما به دلیل کامل نبودن این داروها، منتظر واردات داروهای جدیدی به کشور هستیم که می توانند سبب بی‌نیازی بیماران از بستری شدن شوند.

وی با اشاره به اینکه هم اینک دستگاه‌های مورد تأیید برای درمان نارسایی‌های قلبی شامل ضربان ساز و شوک دهنده در کشور موجود است که علاوه‌بر داشتن متخصصان ماهر به دلیل حمایت‌های وزارت بهداشت و درمان سازمان‌های بیمه‌گر با مشکل چندانی در این زمینه روبرو نیستیم، می‌افزاید: ورود دستگاه‌های با تکنولوژی بالا می‌تواند در کاهش مشکلات بیماران دچار نارسایی های قلبی موثر باشد.

دبیر علمی بخش داخلی سومین کنگره مشترک قلب و عروق ایران یادآوری می‌کند: اقدام‌های تهاجمی جراحی و غیرجراحی در درمان بیماران دچار نارسایی‌های قلبی به عنوان درمان‌هایی است که در مراحل پیشرفته این بیماری به کار گرفته می‌شود و خوشبختانه این خدمات زیر پوشش بیمه‌ها قرار دارند.

پیشرفت‌های خوب درمان بیماران

دکتر امین با بیان این مطلب که در بخش پیوند قلب برای بیماران دچار نارسایی‌های قلبی،پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است، می‌گوید: هم اینک مراکز مجهزی در تهران و برخی شهرها به پیوند قلب و پیوند هم زمان ارگان‌های دیگر مشغولند که موفقیت آنها با آمارهای جهانی قابل قیاس است و با حمایت وزارت بهداشت و درمان از این بیماران، هزینه‌ای برای عمل پیوند توسط بیماران پرداخت نمی‌شود.

وی می‌افزاید: با آنکه مراقبت از بیماران دچار نارسایی‌های قلبی در مراکز روزانه و در خانه به عنوان روش درمانی موثری در دنیا شناخته شده است که می تواند، افزایش کیفیت زندگی بیماران و کاهش مدت زمان بستری شدن آنان را به همراه داشته باشد، اما متاسفانه به دلیل ناشناخته بودن این نوع از خدمات در کشور ما، خدمات مورد اشاره فاقد هرگونه حمایت بیمه‌ای است.

دکتر امین با اشاره به این مطلب که هم اکنون پیشرفت‌های خوبی در مورد درمان‌های جدید و از جمله سلول‌های بنیادی حاصل شده است، یادآوری می‌کند: در آینده نزدیک نتایج پژوهش‌های مرتبط با این درمان‌ها، امیدهای جدیدی را

*** دکتر احمد امین ـ دبیر علمی سومین کنگره مشترک قلب و عروق ایران: نارسایی‌های قلبی یکی از مهم‌ترین دلایل بستری شدن افراد به خصوص در سنین بالا در مراکز درمانی است**

*** هر چند داروهای درمان نارسایی‌های قلب در کشورمان موجود است، اما به دلیل کامل نبودن این داروها منتظر ورود داروهای جدیدی هستیم که می‌توانند سبب بی‌نیاز شدن بیماران از بستری شدن در بیمارستان‌ها شوند**

*** دکتر یوسف محرابی ـ متخصص قلب و عروق: تغذیه نامناسب، آلودگی هوا، استرس، دیابت، فشارخون بالا، استعمال دخانیات، شرایط نامناسب اقتصادی و کم‌تحرکی، زمینه‌ساز شیوع بیماری‌های قلبی در کشور است**

برای درمان نارسایی های قلب ایجاد خواهد کرد. ضمن آنکه تلاش برای پیشگیری از نارسایی قلب و حتی مراقبت از یک قلب نارسا بارها آسان‌تر از مراقبت‌های پس از پیوند قلب است.

جراحی پیوند قلب

دبیر علمی بخش داخلی سومین کنگره مشترک قلب و عروق ایران در پاسخ به این پرسش که وضعیت بیمارانی که جراحی پیوند قلب را انجام داده‌اند، چگونه است می‌گوید: خوشبختانه در سال‌های گذشته تغییرات مثبت و پیشرفت‌های زیادی چه در زمینه مراقبت از بیماران دچار نارسایی‌های قلبی قبل از پیوند و چه برای مراقبت از این بیماران پس از پیوند صورت گرفته است. چگونگی مراقبت از قلب پیوندی و انجام نمونه‌برداری‌های ضروری از آن نیز برای اینکه بتوانیم به موقع احتمال رد پیوند را تشخیص دهیم و کنترل وضعیت بیمار را به عهده بگیریم، مقوله بسیار سنگینی است. علاوه بر این، علم مراقبت از بیماری‌هایی که به‌دلیل سرکوب سیستم ایمنی در افراد تحت پیوند بروز می‌کند، مانند بیماری‌های قارچی و انواع سرطان‌ها هم بسیار مهم است. به همین دلیل است که مدیریت این مشکلات در بیماری که پیوند قلب شده است و انجام آزمایش‌های تشخیصی به موقع، ضروری است و بر کیفیت زندگی و سلامت بیمار، تأثیر دارد.

دکتر امین با بیان این مطلب که اغلب بیماران فکر می‌کنند وقتی قلبشان دچار نارسایی می‌شود، کافی است تحت جراحی پیوند قلب قرار بگیرند تا همه مشکلاتشان حل شود می‌افزاید: این درحالی است که مراقبت از یک فرد با نارسایی قلبی چند برابر راحت‌تر از بیمار پیوند شده قلبی است. ضرورت مراجعه مکرر بیمار بعد از عمل و ترخیص از بیمارستان، انجام اکوها و تست‌های مختلف، بررسی و حتی بستری شدن در بیمارستان برای انجام این کارها و مصرف دقیق و منظم دارو، فقط بخشی از مشکلاتی است که بیمار بعد از پیوند دارد.

این متخصص قلب و عروق با اشاره به این مطلب که تغییر شیوه زندگی مردم و ماشینی شدن آن، تغذیه بد و ورزش نکردن از مهم‌ترین عوامل ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی است، یادآوری می‌کند: این عوامل باعث ابتلا به بیماری‌های عروق کرونری (رگ تغذیه‌دهنده قلب) می‌شود. البته در کنار این عوامل می‌توان به استرس‌های روزانه،آلودگی‌های صوتی و هوا و گرایش غیرمنطقی جوانان به سیگار و قلیان اشاره کرد، زیرا استعمال دخانیات ۲۵ تا ۵۰ برابر امکان گرفتگی رگ‌های قلبی را بالا می‌برد.

علل بیماری‌های قلبی

دکتر یوسف محرابی ـ متخصص بیماری‌های قلب و عروق در مورد علل بیماری‌های قلبی به گزارشگر روز نامه اطلاعات می‌گوید: تغذیه نامناسب، آلودگی هوا، استرس، دیابت، فشارخون بالا، استعمال دخانیات، شرایط نامناسب اقتصادی و کم‌تحرکی، زمینه‌ساز شیوع بیماری‌های قلبی در کشور است.

وی با بیان این که سن ابتلا به بیماری‌های قلبی متأسفانه کاهش یافته است و افراد بیشتری در سنین پایین‌تر دچار مرگ و میر زودرس ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی می‌شوند، می‌افزاید: بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد ۴۰درصد افرادی که به‌طور ناگهانی دچار ناراحتی‌های قلبی می‌شوند، قبل از رسیدن به مراکز درمانی، جان خود را از دست می‌دهند.

این متخصص قلب و عروق در مورد عواملی که باعث نارسایی‌های قلبی می‌شوند، یادآوری می‌کند: با افزایش سن، به‌تدریج توانایی قلب برای پمپ کردن خون کاهش می‌یابد، موارد مهم نارسایی‌های قلبی عبارتند از بیماری تنگی عروق کرونر، این بیماری به علت رسوب کلسترول و سایر مواد به جدار رگ‌ها به وجود می‌آید و باعث اختلال کار عضله قلب(ایسکمی) و یا از بین رفتن بخشی از آن (انفارکتوس) می‌شود که در نتیجه عضله سالم باقی مانده در قلب، توانایی کافی برای جبران ندارد و نارسایی قلبی ایجاد می‌شود.

افزایش فشارخون: افزایش فشار خون باعث تحمیل فشار کاری بیش از حد به قلب و در نهایت نارسایی قلبی می‌شود.

بیماری دریچه‌ای قلب: درون پمپ قلب ۴ دریچه وجود دارد که در صورت صدمه دیدن به دنبال عفونت، تب روماتیسمی و یا بیماری‌های مادرزادی، باعث تشدید کار قلب و در نهایت نارسایی قلبی می‌شود.

بیماری عضله قلب: ممکن است به صورت ارثی و یا به دنبال عفونت‌های ویروسی ساده بروز کند که با صدمه زدن به عضله قلب که بخش اصلی پمپ قلب است، باعث کاهش کارایی قلب و نارسایی قلبی می‌شود.

علایم و نشانه‌های نارسایی‌های قلبی

دکتر محرابی در پاسخ به این پرسش که شخص مبتلا به نارسایی قلبی دارای چه علایمی است، می‌افزاید: علایم شایع در بیمار مبتلابه نارسایی قلبی، عبارتند از تنگی نفس که ناشی از تجمع مایع و خون در ریه‌ها است. این حالت ابتدا در بیماری که در حال فعالیت‌های جسمی است دیده می‌شود و بتدریج این علامت در زمان استراحت بیمار و حتی خواب هم ظاهر می‌شود. سرفه‌های مزاحم و خس خس سینه (که ناشی از تجمع مایع در ریه‌ها است و گاهی با آسم نیز اشتباه می‌شود)، ورم اطراف قوزک پا و ساق‌ها و تورم شکم (که به دلیل تجمع مایع در سایر بافت‌های بدن به علت افزایش فشار در سیاه رگ‌ها و ناتوانی کلیه در دفع نمک با نارسایی قلبی است)، خستگی زودرس و ضعف ناشی از خون‌رسانی ناکافی به عضلات و بی اشتهایی (که به دلیل خون‌رسانی ناکافی به دستگاه گوارش است)، از جمله علایم نارسایی‌های قلبی محسوب می‌شود.

این متخصص قلب و عروق در مورد عوامل افزایش دهنده خطر نیزمی گوید: سیگارکشیدن، چاقی، دیابت شیرین (مرض قند)، فشارخون بالا، کلسترول بالا، خوردن زیاده از حد چربی یا نمک، بی تحرکی، خستگی، کار زیاد یا استرس، سابقه خانوادگی بیماری سرخرگ‌های قلبی و قرار گرفتن در معرض سرما یا باد، موجب افزایش احتمال ابتلا به نارسایی‌های قلبی می‌شود.

مردان بیشتر در معرض خطرند

دکتر محرابی در پاسخ به این پرسش که بیماری‌های قلبی عروقی در چه افرادی بیشتر شایع است، می‌گوید: بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیماری های قلبی عروقی در مردان میانسال شایع‌تر است و خانم‌ها تا قبل از سن یائسگی کمتر از آقایان به این بیماری مبتلامی شوند.

در مورد عوامل مستعد کننده بیماری‌های قلب و عروق هم ۲ دسته عوامل غیر قابل تغییر و قابل تغییر مطرح است. در عوامل غیر قابل تغییر، مواردی مانند سن، جنس و تا حدی توارث قرار دارند که نمی‌توان کار مثبتی برای حذف این موارد انجام داد. عوامل قابل تغییر نیز به ۲ دسته عوامل مستعد کننده اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند که با حذف و کنترل آن‌ها، می‌توان از میزان استعداد افراد به تنگی کرونر و آنژین صدری، به مقدار چشمگیری کم کرد.

این عوامل عبارتند از مصرف دخانیات، فشار خون کنترل نشده، چربی خون بیش از حد بخصوص کلسترول بالاتر از ۲۰۰ میلی گرم و دیابت، واز عوامل فرعی هم می‌توان به استرس، بی‌حرکتی و چاقی اشاره کرد.دکتر محرابی در پاسخ به این پرسش که در چه شرایطی بیماران باید به پزشک مراجعه کنند، یاد آوری می‌کند: در صورت مشاهده علایمی مانند احساس سفتی، فشرده‌شدن، فشار یا درد در قفسه صدری، بروز ناگهانی مشکل در تنفس، درد قفسه صدری مشابه حالت خفگی در گردن و گاهی هم آرواره، تیرکشیدن دندان‌ها یا گوش، سنگینی، کرختی، سوزن سوزن شدن یا درد در قفسه صدری، بازو، شانه، آرنج، یا دست و احساس درد در بین دو کتف، بیمار باید به پزشک مراجعه کند.

چه باید کرد؟

پزشکان برای پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی، توصیه‌هایی به شرح زیر دارند:

– چای سبز بنوشید.

این نوشیدنی چند آنتی‌اکسیدان قدرتمند دارد که کلسترول خون را پایین می‌آورند و حتی ممکن است به کاهش فشارخون نیز کمک‌کنند. نوشیدن ۲/۵ فنجان چای سبز در روز، به سلامت قلب‌تان کمک می‌کند.

– مواظب چربی‌های اشباع شده باشید.

به خواندن برچسب اطلاعات تغذیه‌ای برروی بسته‌بندی مواد غذایی عادت کنید. هرگز نباید اجازه دهید کالری دریافتی از چربی‌ها، بیشتر از ۳۰ درصد مقدار کالری دریافتی روزانه‌تان را تشکیل دهد.

ـ هنگام خواندن ترکیب مواد غذایی به کلمه «هیدروژنه» دقت کنید. روغن‌های هیدروژنه همان روغن اشباع شده یا جامد است که باید مصرف آن‌ها را به حداقل برسانید.

– بیشتر بخوابید.

نتایج یک پژوهش که در مجله انجمن پزشکی آمریکا منتشر شده است، نشان می‌دهد افزودن هر یک ساعت به خواب شبانه در میانسالان، می‌تواند خطر رسوب کلسیم در دیواره سرخرگ‌ها را که یکی از علل بیماری قلبی است، تا ۳۳ درصد کاهش‌دهد. محرومیت از خواب، باعث می‌شود تا بدن هورمون‌های استرس بیشتری تولید کند.

– فیبرها را در برنامه غذایی‌تان بگنجانید.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند هر چه فیبر بیشتری مصرف کنید، احتمال این‌که به حمله قلبی دچار شوید، کمتر می‌شود. برای صبحانه از نان‌های سبوس‌دار یا غلات پرک‌شده که حاوی گندم و جوی کامل هستند، استفاده کنید. سعی کنید روزانه ۲۵ تا ۳۵ گرم فیبر مصرف کنید.

– ماهی بخورید.

چربی‌های اشباع شده گوشت قرمز باعث گرفتگی سرخرگ‌ها می‌شوند، اما ماهی‌هایی مثل ماهی «آزاد» و ماهی «کولی»، سرشار از اسیدهای چرب امگا ۳ هستند که به سلامت قلب کمک می‌کنند. مصرف یک وعده ماهی سرشار از امگا۳ در هفته می‌تواند خطر مرگ ناشی از حمله قلبی را ۵۲ درصد کاهش دهد.

– روزی ۲۰دقیقه پیاده‌روی کنید.

۲ ساعت و نیم ورزش در هفته (یعنی کمی بیشتر از ۲۰ دقیقه در روز) خطر حمله‌های قلبی را به یک‌سوم می‌رساند.

– از دود و دم فرار کنید.

اگر دوستان یا همکارانتان در نزدیکی شما سیگار می‌کشند، از آنان فرار کنید! استنشاق دود سیگار یا قلیان شما را به اندازه ۸۰ تا ۹۰ درصد شخصی که سیگار یا قلیان می‌کشد، در خطر بیماری‌های قلبی قرار می‌دهد. حتی چند دقیقه یا چند ساعت مواجهه با دود سیگار دیگران، می‌تواند اثری معادل سیگار کشیدن درازمدت بر قلب شما داشته باشد.

ـ حرکات کششی انجام دهید.

انعطاف‌پذیری بدن می‌تواند کلید سلامت قلب باشد. پژوهشگران ژاپنی دریافته‌اند افراد بالای ۴۰ سال که انعطاف بدنی بیشتری دارند، ۳۰ درصد کمتر از افرادی که به بدنشان کش و قوس نمی‌دهند، دچار سخت شدن سرخرگ‌ها یا همان تصلب شرایین می‌شوند. این پژوهشگران می‌گویند انجام حرکات کششی به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در روز، می‌تواند به انعطاف‌پذیری سرخرگ‌ها کمک و آن‌ها را از سخت‌شدن محافظت کند.

بیتا مهدوی

جدول ۲۲۵۰۹

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ – شهری در خراسان رضوی – متواضع
۲ – آبرسان عهد قدیم – در آب زندگی می کند – رنگی از خانواده سبز
۳ – ضمیر غیر حضوری – مثل این که – ردیفی از پله های پشت سر هم
۴ – غذای شب – قسمت – فرومایه- چرخ تانک
۵ – قاطر – همان گیاه است – قنداق نوزاد
۶ – مسدود – لباس کهنه – جوی خون
۷ – اسطوره یونانی همسر ادیسه و مادر تلماک – کثرت آمد و شد – لباس سنگین
۸ – دریافت – خدایی – امیدوار
۹ – پرنده آش سرد کن – پیچ یا دکمه ای برای گرفتن موج مورد نظر – گیاهی از تیره نعناییان
۱۰ – نشان بیماری – از آیین های مذهبی مسیحیان- ابداع کننده
۱۱ – شکاف یا سوراخ – ضربه ای در بوکس – اظهار زبونی
۱۲ – مارکی بر خودرو – سال ترکی – کوهی در مکه – طاقت
۱۳ – ماما – تلفنی که برای برقراری تماس از هر جای کشور ، لازم نیست کد شهر مقصد گرفته شود – حرف زمین شوی !
۱۴ – روغنگیر – پیشوندی معادل یک هزارم – صباغ
۱۵ – بزرگ ترین کشور آمریکای مرکزی

عمودی:
۱ – نظر کردن به چیزی – اندام حس لامسه- نامه کوتاه
۲ – گیاه خورشتی – نصب کننده – انقلابی مصر
۳ – آغوش – مانند بلور شده – آدم آهنی
۴ – از بانک ها – نبی – داخل – همراه تب
۵ – دانه های نباتات – توپ تو خالی! – آیین ویژه ای برای سوگواری امام حسین و یارانش
۶ – مخفف گاه گاه – مصونیت – خودم
۷ – قضاوت – منسوب به ریه – صفحات داخلی روزنامه
۸ – خدای من – دارای ویژگی آموزش دادن – آسمان
۹ – پسر ناخلف معاویه – کمیاب – جمع وصیت
۱۰ – خطاب نزدیک – کارگردان فیلم دونده – کافی
۱۱ – پیشتاز و پیش گام – بیشتر سطح زمین را پوشانده – پایتخت غنا
۱۲ – سپاه – پس گردنی – سنگینی شکم بر اثر انباشتگی – وسیله ای در ورزش باستانی
۱۳ – از انواع آش – خبرهای نادرست – امر به گفتن
۱۴ – کفالت ، تاوان داری – آزردگی خاطر – پیل الکتریکی
۱۵ – نوعی شاهد ! – عروس آذری – شهری در خوزستان

حل جدول ۲۲۵۰۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ت	ق	ل	ا	ل	خ	و	ز	س	ت	ا	ن	■
۲	د	■	ا	ن	ب	ر	■	د	ا	ن	ی	ا	ل	■	ر
۳	م	ج	■	د	ا	ن	ا	■	ل	گ	ا	م	■	گ	و
۴	ح	ا	ل	■	د	س	ت	م	ا	ی	ه	■	ب	ر	ا
۵	س	ر	ا	ی	■	ت	و	س	ن	■	ه	ا	ر	و	ن
۶	ا	ی	م	ا	ن	■	پ	ر	س	ش	■	ت	ک	ی	ه
۷	ب	■	ا	د	و	ا	ر	ی	■	م	ش	ا	ه	د	■
۸	ی	م	■	د	ب	و	س	■	ک	و	ر	ک	■	ن	ا
۹	■	ه	ل	ا	ه	ل	■	ب	ا	ل	ز	ا	ک	■	پ
۱۰	م	ر	ع	ش	■	ا	ب	ی	ک	■	ه	م	ا	ن	ا
۱۱	ت	ا	ب	ت	ا	■	د	ل	ت	ا	■	ا	ن	و	ر
۱۲	م	ن	ت	■	پ	ا	ر	ه	و	ق	ت	■	ا	ب	ا
۱۳	و	ه	■	م	ی	خ	ک	■	س	م	ا	ق	■	ل	ت
۱۴	ل	■	چ	ر	ک	ت	ا	ب	■	ا	ر	ز	و	■	چ
۱۵	■	م	ل	و	ا	ن	ب	ن	د	ر	ا	ن	ز	ل	ی

با رویکردی بر نظریات امام خمینی(ره)

نقش اخلاق در فقه و حقوق

آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی بخش اول

یکی از اصول مسلّم اسلام این است که قوانین اسلام همواره در بستر تأمین و تضمین عدالت اجتماعی حرکت کند. این زیربنای فقه و حقوق ماست. غیر از عدالت اجتماعی، اخلاق نیز زیربنای فقه و حقوق اسلامی می‌باشد. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «**انّی بُعثتُ لاتمّم مکارمَ الاخلاق**: من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.» آیا پیامبری که هدف بعثتش را تکوین مکارم اخلاق می‌داند، می‌تواند پرچمدار قوانینی برخلاف اخلاق باشد؟ مسلماً خیر. یکی از امتیازات بسیار بزرگ اسلام همین اصل تابعیت قوانین از اخلاق است.

اخلاق مذهبی ژرفترین، کاملترین، بهترین و مؤثرترین نوع اخلاق است و تأثیر شگرف دستورات دینی بر اخلاق، غیرقابل انکار است. هیچ بحثی نیست که تا امروز اخلاق بسیار از دین و مذهب مایه گرفته و آن را پشتوانهٔ خود قرار داده است. پشتوانه‌ای که از دست دادن آن برای اخلاق بسی سخت و ناگوار خواهد بود. دین به دلیل نفوذ شگرف و ریشه‌های تاریخی‌اش، کار فیلسوفان اخلاق را تا حد زیادی آسان کرده است. هر نوع بحثی از اخلاق را می‌توان کاری سترگ و خطیر دانست که می‌تواند اهمیت و کارکردهای خاص خود را داشته باشد. مراد ما در این بحث تنها اخلاق دینی نیست، بلکه اخلاق اجتماعی را نیز شامل می‌شود؛ اما بدیهی است آنجا که از حقوق اسلام سخن می‌گوییم، مقصود ما از اخلاق، اخلاق دینی است.

اخلاق

واژه اخلاق از «خُلق» به معنای خوی و سرشت است، چنان‌که در مصباح‌المنیر آمده است: «الخلق بضمتین السجیه» (فیومی ۱۴۰۵: ۸۸). خُلُق (با دو ضمه) به معنی سرشت است و علمای اخلاق نیز تعریفی که در اصطلاح برای خلق و اخلاق کرده‌اند، قریب به معنایی است که اهل لغت نموده‌اند. ابوعلی مسکویه در این باره می‌گوید: «خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی برمی‌انگیزد» (ابن مسکویه ۱۳۷۵: ۵۱).

از بحث لغوی که بگذریم، اخلاق را علم دانسته‌اند. مرحوم نراقی در تعریف «علم اخلاق» می‌گوید: علم اخلاق دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد. (نراقی۱۳۶۳ج۱: ۳۵_۳۴).

به نظر می‌رسد این تعریف جامعترین تعریفی است که علمای اخلاق دربارهٔ علم اخلاق کرده‌اند؛ زیرا در آن، روش از بین بردن اخلاقیات ناپسند و کیفیت به دست آوردن صفات و ملکات خوب و زیبا، جزئی از علم اخلاق شمرده شده است. امر مهم نزد عالمان اخلاق اسلامی آراستن نفس به خلقهای پسندیده است که خود وسیله‌ای برای تحقق صفات راسخ نیکو در جان آدمی است. (ژکس: ۱۷)

ژکس، برخلاف برخی از فیلسوفان و دانشمندان غربی که علم اخلاق را مربوط به رفتار آدمی دانسته‌اند نه سجایای او، می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد.» (ژکس: ۱۸). «موضوع» علم اخلاق صفات خوب و بدی است که از طریق کارهای اختیاری و ارادی در انسان ایجاد می‌شود. (ژکس: ۱۷). به نظر می‌رسد موضوع علم اخلاق، علاوه بر صفات و ملکات، شامل اندیشه‌ها، کردارها و گفتارهای انسان نیز باشد.

علمای اخلاق مهمترین «هدف» علم اخلاق را تغییر خلق انسانها و تحول روح آدمیان دانسته‌اند. به عبارت دیگر، غایت علم اخلاق مصون داشتن سلوک و رفتار انسانها از خطا و انحراف است؛ به نحوی که افعال و مقاصد انسان، معتدل و از تقلیدهای کورکورانه و هواهای نفسانی دور باشد (مغنیه: ۱۲).

منابع علم اخلاق در اسلام را نیز عبارت دانسته‌اند از: ۱) قرآن؛ ۲) سنّت معصومان(ع)؛ ۳) عقل؛ ۴) فطرت (مغنیه: ۱۳).

«فلسفهٔ اخلاق» نیز علمی است که از مبادی تصوری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند. در فلسفهٔ اخلاق هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و گزاره‌های آن به کار می‌رود و هم مسائلی را که تصدیقات و جمله‌های اخلاقی، متوقف بر بررسی و حل آنها می‌باشد، مورد بحث قرار می‌دهند (ژکس: ۱۸).

نکتهٔ نهایی اینکه اخلاق اسلامی عبارت است از اخلاقی که بر اساس وحی الهی و تعالیم انبیا و معصومان(ع) استوار بوده و دارای ویژگیهایی از قبیل: جامعیت، مطلق بودن، ضمانت اجرایی و... است. مطالعهٔ دربارهٔ اخلاق اسلامی را علم اخلاق اسلامی بر عهده دارد.

فقه

فقه از نظر مشهور اهل لغت به معنای فهم است. برخی از دانشمندان همانند فخر رازی بر آنند که مراد از فهم، غرض متکلم است و برخی دیگر همانند محمد ابوزهره بر این عقیده‌اند که مراد از فهم، فهم دقیق و نافذ اشیاست. فقه در اصطلاح، از نظر مشهور اصولیین شیعه و اهل سنّت عبارت است از: «استنباط احکام شرعی و فرعی از راه ادله تفصیلی آن.» (شیخ حسن بن زین‌الدین: ۲۲؛ ابوزهره: ۴)

«موضوع» فقه عبارت است از افعال مکلفین و موضوعات خارجی که به نوعی با افعال مکلفین ارتباط پیدا می‌کند. همانند: نماز، روزه، حج و...(مشکینی: ۲۶۵، ۲۶۶) «هدف» فقه علاوه بر پرورش روح انسان در سایهٔ تأمین سعادت دنیا و آخرت، اصلاح فرد و جامعه، ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ حقوق امت اسلامی است. غزالی می‌گوید: «احکام فقهی برای حفظ و نگهداری از پنج مصلحت، دین، نفس، عقل، عمل و ناموس است.» (ج۱: ۲۸۶).

«منابع» فقه امر یا اموری هستند که از طریق آنها احکام و مقررات اسلامی کشف و در اختیار افراد جامعه گذاشته می‌شود. عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱) قرآن؛ ۲) سنّت معصومان(ع)؛ ۳) عقل؛ ۴) اجماع.

اندیشیدن دربارهٔ مبانی، اهداف، منابع احکام و تمهید دیدگاههای کلی در زمینهٔ شیوهٔ تحقیق و تفسیر در علم فقه را «فلسفه فقه» یا «فقه‌شناسی» می‌گویند که از خارج نگاه ثانوی به فقه داشته و به سؤال از چیستی علم فقه پاسخ می‌دهد (عابدی شاهرودی: ۵۷).

سه مسأله مهم به فلسفهٔ فقه مربوط می‌شود: ۱) موضوعات احکام فقهی؛ ۲) محمولات احکام فقهی؛ ۳) تصدیقات گزاره‌های فقهی.

حقوق

در «تعریف حقوق» آورده‌اند که واژه حقوق معانی متعددی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: جمع حق یعنی راستی‌ها، بهره‌ها، مواجب، اموال و.... همین معنای لغوی در علم حقوق و فقه کاربرد فراوان دارد (معین ج۱). یکی دیگر از معانی حقوق عبارت است از: مجموع قواعد الزامی حاکم بر روابط افراد جامعه. در تبیین این معنا از حقوق گفته‌اند: حقوق مجموع مقرراتی است که بر اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند. (کاتوزیان: ۱) حقوق مجموع قواعد زندگی ماست. «علم حقوق» قواعدی را که باید بر روابط اجتماعی مردم حکومت کند، کشف و تهیه می‌کند. فن حقوق آن قواعد را به لباس قانون درمی‌آورد و طرز به کار بستن و اجرای آنها را تعیین می‌سازد.

برای تعیین حوزهٔ «موضوع حقوق» تعریف آن مددرسان است. چنان‌که در تعریف حقوق گذشت، با کمک این عمل برای تنظیم روابط بین انسانها و جلوگیری از هرج و مرج یا رفع تنازع، قانونگذاری می‌شود. بنابراین موضوع این علم، روابط اجتماعی انسان است. در عین حال به خاطر گستردگی و پیچیدگی این روابط، موضوعاتی که حقوق در مورد آنها قانونگذاری کرده، بسیار زیاد است و گفته‌اند حقوق در همه زمینه‌های مورد نیاز انسان اجتماعی، دولتها، سازمانهای بین‌المللی و به طور کلی اشخاص حقیقی و حقوقی از جهات ملی و فراملی قانونگذاری کرده است (علومی: ۲۵).

در «فلسفهٔ حقوق» سعی می‌شود به این سؤال پاسخ دهند که: حقوق چه قواعدی را بایست بپذیرد و مستقر دارد؟ به بیان دیگر، موضوع ویژه آن مسألهٔ عدالت است. از آنجا که عدالت یکی از اصول اساسی اخلاق است، فلسفهٔ حقوق شعبه‌ای از فلسفهٔ اخلاق را تشکیل می‌دهد و شیوهٔ تحقیق در آن شیوه همین نظام است. هرگاه علم حقوق تنها به تحلیل و شناختن قواعد موجود قناعت نکند و در پی ریشه‌های واقعی آن قواعد باشد و بخواهد معیاری برای تمیز درست و نادرست فراهم سازد، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که مسائل فلسفهٔ حقوق در قلمرو این علم نیست و همچنین به اخلاق و فلسفه ارتباط ندارد.

مهمترین «منابع حقوق» در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی عبارتند از: ۱) عرف؛۲) عقل؛ ۳) رویهٔ قضایی؛ ۴) دکترین (مجموعه عقایدی که در باب آرایی که از طرف قضات صادر می‌شود و لازم‌الاجراست). توجیه و بیان و تفسیر قواعد حقوق از طرف علمای فن اظهار شده است (کاتوزیان: ۱۰۹). «هدف حقوق» نیز ایجاد نظم در جامعه و جلوگیری از هرج و مرج می‌باشد.

ادامه دارد

گفتگوی دینی با کلیسا

گفتگوی دینی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با کلیسای ارمنی لبنان بخش دوم

اشاره: ششمین دور گفتگوی اسلام و مسیحیت ارمنی حوزه سیلیسی با عنوان «همکاری مسلمانان و مسیحیان برای ایجاد صلح عادلانه در منطقه» در ماه جاری در بیروت برگزار شد و مطلب حاضر گزارشی از آن است.

بازگشت به منابع اصیل دینی

موضوع دومین جلسه علمی این نشست، «لزوم بازگشت به منابع اصیل دینی برای مقابله با سوء تفسیر و کج‌فهمی دینی» بود که **حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمد مبلغی** (رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی) و **دکتر ژان سلمانیان** (استاد دانشگاه بیروت و عضو شورای کلیساهای خاورمیانه) سخنرانان این جلسه بودند. دکتر مبلغی اظهار داشت:

انگاره‌ها و اندیشه‌ها نزد پیروان یک دین گاه تماماً نادرست است، و گاه هم اگر چه تماماً نادرست نیست، ولی به دلیل ممزوج شدن با اشتباهات و خطاها به «اندیشه‌های نیمه‌درست» تغییر یافته‌اند. این «نادرست بودن اندیشه» یا «نیمه‌درست بودن اندیشه» دارای سه نمود بیرونی است: «عوام‌اندیشی دینی» که عمدتاً از فقدان مطالعه دینی ناشی می‌شود؛ «جموداندیشی دینی» که عمدتاً از نارسایی و ضعف روش در مطالعهٔ دینی ناشی می‌شود؛ «طائفه‌ای‌اندیشی دینی» که عمدتاً از عدم رجوع به منابع اصلی دین ناشی می‌شود.

برای رهایی مطالعات دینی از این سه آفت، باید به تکثیر مطالعات دینی، تنقیح روش مطالعات دینی و تقویت رجوع به منابع اصیل و اصلی دینی دست زد. تکفیرگرایی دینی، انسان‌گریزی دینی و خشونت‌گرایی دینی. این سه، گاه هر یک به تنهایی و گاه همه با هم پدید می‌آیند.

مؤلفه‌های طائفه‌اندیشی دینی، مصادره خدا و مصادره کرامت و مصادره قداست است. خدا رب همه است؛ هر انسان با خدای خود رابطه دارد. بر اساس این حقیقت نباید پیروان هیچ دینی، خدا را مصادره کنند. پیروان هر دین می‌توانند بر درستی دین خود استدلال کنند؛ اما این پندار که غیر آنان فاقد توجه به خدا و خدا فاقد فیض به آنان است، نارواست. جالب است که موارد بسیاری از این خطابهای قرآنی متضمن توصیه‌هایی از خداوند به انسان است که بیش از آنکه رنگ دینی به خود بگیرند، رنگی خدایی ـ انسانی دارند.

نگاهی نادرست گاه در متدینان به یک دین پدید می‌آید که بر اساس آن تصور می‌کنند کرامت تنها به آنان تعلق دارد و پیروان ادیان دیگر از آن بی‌بهره‌اند. خاستگاه شکل‌گیری این نگاه، سطحی‌اندیشی دینی است. قرآن از دو نوع کرامت سخن به میان آورده است: کرامت انسانی و کرامت تقوایی.

از آیات قرآن به وضوح، قداست داشتن معابد دینی ادیان آسمانی درک می‌شود و به خوبی می‌توان جایگاه معابد دینی را دریافت. قرآن معابد مسیحیت، یهودیت و اسلام را در یک سیاق قرار داده است و از اراده خداوند برای حفظ این مکانها سخن گفته است.

محدودیت زندگی دنیوی

دکتر ژان سلمانیان دیگر سخنران این نشست اظهار داشت:

خدا انسان را با تصویر خود آفرید و قدرت تفکر و تکلم به او داد و کلیه نعمات دنیا را در اختیار او قرار داد؛ ولی انسان گمراه شد و از خالق خود دور شد. او راضی به لذتهای دنیوی نشد و منافع خویش را دنبال کرد. و هر ترفندی را جهت رفع نیازهای خود به کار برد. خدا زمانی که این را مشاهده کرد، ادیان را به وجود آورد و به وسیله آن با تمام انسانها سخن گفتن را آغاز نمود و به آنان توصیه کرد که به زندگی دنیوی مشغول نباشند؛ زیرا زندگی دنیوی محدود است و زندگی سماوی و خدایی جاودانه است.

خدا به وسیله انسان یک رشته قوانین را بنا نهاد؛ برای اینکه انسان، انسان‌وار و آزادانه زندگی کند و اسیر مادیات نشود، گناه نکند و اسیر گمراهی نگردد.

*** دکتر ژان سلمانیان: باید جوانانی را تربیت کنیم که به عقاید دیگران احترام بگذارند. تربیت سازنده با تمامی لایه‌های خود، کلید حل مشکلات خاورمیانه است. کلید اصلی ایجاد آینده‌ای متوازن و موفق در این است که پیروان ادیان مختلف در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند**

خدا با توجه به قدرت محدود درک مفاهیم سماوی انسان، این قوانین را مرحله به مرحله و در ادوار مختلف و اماکن مختلف در اختیار انسان قرار داد. مسیحیت و سپس اسلام آمدند تا انسان را به سوی خدا رهنمون شوند. عیسی مسیح به صورت انسان بر روی زمین ظاهر شد. تا انسان را خدایی گرداند و خدایی را به او ارزانی گرداند. حضرت محمد(ص) به وسیله جبرئیل کلام خدا را به انسان منتقل کرد. تا هر یک از انسانها با صرف نظر کردن از بت‌پرستی، دیدگان خود را به سوی خالق یکتا برگردانند تا از نزدیک با ۹۹ صفات یار یکتا آشنا شود.کسی که این ۹۹ صفت خدایی را به خاطر آورد، از مقربان درگاه خواهد بود؛ مثل رحمان، رحیم، خالق، جبار و غیره.

اگر اسلام و مسیحیت را با یکدیگر مقایسه کنیم، نقاط مشترک بسیاری را خواهیم یافت که همگی به ارزشهای انسانی، معنوی، از جمله بخشش، وفاداری و احترام متقابل تأکید دارند. مسلمان متعهد می‌داند که تعهد و تدین او کامل نیست اگر مسیحیت را به عنوان یک دین الهی مورد احترام قرار ندهد. در قرآن کریم بارها و بارها نام عیسی مسیح تکرار شده است. حضرت مسیح در اسلام از احترام ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان کسی است که کلام خداوند را به زمینیان منتقل کرده است. همچنین در قرآن سوره‌ای به نام «سوره مریم» و «سوره آل‌عمران» وجود دارد که در آن از بشارت جبرئیل در مورد به دنیا آمدن عیسی مسیح صحبت شده است که بیشتر اینها با آنچه در انجیل آمده، همخوانی دارد.

با توجه به این موارد، لبنانی‌های مسلمان ـ مسیحی بشارت را که مقارن با ۲۵ مارس است، به عنوان عید رسمی اعلام نمودند و به همین مناسبت جشنهای مشترک برپا می‌شود که در آن کلیه جوامع و گروهها شرکت می‌کنند.

اگر نگاهی به تاریخ عرب بیندازیم، می‌بینیم که یکی در زمان حضرت محمد مسیحیان قبطی بوده‌اند که در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند و حضرت محمد آنان را به ترک دین خود مجبور نکرده و آنان به عنوان اهل کتاب مورد احترام خاص بوده‌اند. اسلام و مسیحیت هر دو در خاورمیانه ظهور کردند و پیروان این دو دین قرنهای متمادی در کنار یکدیگر زندگی، کار، تحصیل و برنامه‌ریزی کرده‌اند. به خاطر این همزیستی از هم تأثیر هم پذیرفته‌اند، که این امر حکایت از توحیدی بودن این ادیان دارد. برای مثال مسلمانان معتقدند که حضرت مهدی همراه با مسیح ظهور خواهند کرد که در جهت برپایی صلح و عدالت در جهان خواهند آمد. ولی مسیحیان منتظر عیسی مسیح هستند برای رستاخیز مردگان و نجات مؤمنان.

اگر شیوه زندگی صوفیان را مورد بررسی قرار دهیم، بخوبی تأثیر راهبان مسیحی را در آنها خواهیم یافت. امروز سازمانهای افراطی دینی می‌خواهند قرآن را جهت نیل به اهداف خود وسیله قرار دهند. با تحریف قوانین قرآنی و تصویب قوانینی که با قوانین ناب قرآنی در تضاد است. آنها دین را وسیله قرار داده و به نام دین دست به فجایع غیر انسانی می‌زنند و کسانی را که با آنها موافق نیستند ـ خواه مسلمان، خواه مسیحی ـ مورد هدف قرار می‌دهند. آنان مساجد و کلیساها را ویران می‌کنند. اماکن مقدس را مورد بی‌احترامی قرار می‌دهند، کتابخانه‌ها را به آتش می‌کشند، موزه‌ها را ویران می‌کنند و کلیه این اعمال در برابر دیدگان دنیای متمدن طرفدار حقوق بشر است.

جای بسی خوشحالی است که برخی از سران کشورها، رهبران دینی، روشنفکران و سازمانهای مختلف این اعمال را محکوم می‌کنند و اعتقاد دارند که آنها وقایع را تحریف می‌کنند. باید به نیکی یاد کرد از اقدامات الازهر که رهبران دینی مسلمان و مسیحی مشترکاً اقدام اخیر گروههای تکفیری را محکوم کردند. وظیفه ماست که نسل جدید را با سلاح علوم دینی ـ اخلاقی مسلح کنیم که اسیر جریانات اطراف خود نشوند.

باید جوانانی را تربیت کنیم که به اعتقادات و عقاید دیگران احترام گذارند. تربیت سازنده با تمامی لایه‌های خود، کلید حل مشکلات خاورمیانه می‌باشد. کلید اصلی ایجاد آینده‌ای متوازن و موفق در آن است که در پیروان ادیان مختلف که طی قرون متمادی مجموعه سکنه این منطقه را تشکیل داده‌اند، در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

همکاری پیروان ادیان

موضوع سومین جلسه علمی این نشست «ضرورت همفکری و همکاری پیروان ادیان برای ایجاد صلح و امنیت» بود که حجت‌الاسلام والمسلمین **شفیق جرادی** رئیس معهد اسلامی لبنان و خانم دکتر **ستا خدشیان** استاد دانشگاه بیروت سخنرانان این جلسه بودند. شفیق جرادی اظهار داشت:

گفتگو بین ادیان ضروری است و اولین گام جهت نزدیک شدن و تلاقی همه ملتها و ادیان می‌باشد. شایسته است که با گفتگو گام مثبتی جهت زندگی مشترک همراه با توافق و همزیستی پیش ببریم؛ ولی همزیستی مشترک با وجود اهمیت آن بین ملتها و گروهها به دلیل اختلاف ناشی از عادات و آداب و رسوم به وجود نخواهد آمد. در نتیجه فقط به یک نوع توافق دمکراسی منجر خواهد شد. آنچه ما خواهانش هستیم این است که اسلام و مسیحیت به بنیانگذاری و ساخت یک تمدن مشترک بیندیشند. شاید سخن گفتن در این باره خصوصاً در شرایط فعلی که به نوعی درگیر تعصب و افراطگرایی در جهان هستیم، نوعی مبالغه به نظر برسد!

مسلمانانی که به غرب مهاجرت می‌کنند، با بحران هویت مواجه خواهند شد و برایشان مشکل است که خود را با دیانت غربی منسجم کنند. همین باعث می‌شود نوعی عدم اعتماد را بین مهاجران و ساکنان غرب به وجود آورد. همین مسائل تا جایی پیش می‌رود که به بی‌اعتمادی و ایجاد خشونت منجر شده و تهدید امنیتی برای جامعه غربی به وجود آورده است. همین افراد وقتی به کشورهای خود بازمی‌گردند، در آنجا هم بین افراد جامعه و همکیش خود تهدیدی به وجود می‌آورند.

در شرایط فعلی و با توجه به برداشتهای بسیار منفی درباره اسلام و مسلمانان، ضروری است موارد زیر را مورد بررسی دقیق قرار دهیم: آنچه بایست قاطعانه با آن برخورد نماییم، آسیبهای فراوانی است که اثر بسیار منفی و تلخی بر دل مسلمان برجا گذاشته است. با توجه به تنوع تمدنی و آیینی در شرق، اسلام و مسیحیت آسیب فراوانی دیده‌اند؛ ولی ما ایمان داریم که پیرو حق باشیم و در نهایت افراطگری و تعصب ریشه‌کن خواهد شد؛ و آنچه همیشه به نفع و مصلحت مردم و مایه محبت و صلح و امنیت است، باقی خواهد ماند. پیشنهاد می‌کنم دستور کاری اسلامی ـ مسیحی تدوین شود که بر امور زیر تأکید کند:

***دکتر مسجد جامعی: حضور عالمان آگاه با منطق زمان در مراکز مطالعاتی و تصمیم‌گیری یک ضرورت است. آنها به مراتب بهتر از دیگران می‌توانند توضیح دهند که افراطگرایی در تعارض با اصول و معیارهای دینی است. این سخن برای مردم آرامش‌دهنده و تعیین‌کننده است**

اولاً: چگونه بتوانیم در مشرق زمین ایمانی ترسیم نماییم که ناشی از ثبات دینی باشد و بتواند هویت دیگری را همانند هویت خویش محترم شمارد و طرف مقابل را جزء هویت خویش بداند؛ بر این مبنا که پایه ارتباط اسلامی ـ مسیحی بر ایمان به خدای یکتا استوار است. احترام ظاهری نوعی از تشریفات شکلی است که از آن جز دوستی سطحی و تشریفاتی به وجود نخواهد آمد و با اولین بحران، مجدداً احساس می‌کنیم که به تاریخ سیاه گذشته برخواهیم گشت؛ بنابراین باید عمقی اقدام نمود.

دوم: باید تاریخ خود را که از تمدن و همبستگی متنوع پر شده است، مجدداً مورد بررسی قرار دهیم. شکی نیست که ما ملتهایی هستیم که اساس زندگی‌مان بر پایه دینی است که سرلوحه آن محبت و ترحم بوده است، اگر ارزش مقدس مسیحیت آن است که «احبب الرب الهک؛ و احبب قریبک»، در مقدس‌ترین ارزشهای دینی اسلامی آمده است: «الله الرحمن الرحیم/ و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین...» این ارزشهای دینی است که ما را با هم جمع می‌کند و اگر در مواردی با اختلاف مواجه شویم، عمق عقیده ما همان رحمت الهی باید باشد.

بنابراین بایست ذهن خود همراه با ایمان به خدا را از تاریکی‌ها و کینه‌توزی‌ها و مشاجرات بیهوده پاک کنیم و به سوی تکامل انسانی که به حق مایه و اساس امن و امنیت و امیدواری در جامعه و بین هموطنان خود می‌باشد، رهنمون کنیم.

سوم: شروع به ساختار هویت ملی با حفظ انسانیت خود کنیم؛ و با همدیگر مشکلات مشترک ملی و قومی و انسانی را حل کنیم. در چارچوب تمدن شرق که آغاز آن همراه با دو آیین مسیحی و اسلامی بوده است.

اعتقادات دینی ریشه بحرانها نیست

خانم **دکتر ستا خدشیان** در این نشست گفت: در خاورمیانه که دارای فرهنگ و ادیان مختلف است باید از گفتگوی اسلام و مسیحیت و همزیستی بین آنها صحبت شود. بهار عربی موجب تغییرات زیاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در منطقه شده است و افراطی‌گری اسلامی را به دنبال داشته است. این حرکت گستردهٔ مردمی واقعاً یک انقلاب بود که موفق شد بسیاری از دیکتاتورها را به زیر بکشد. مردم به خاطر آثار به جا ماندهٔ استعمارگران انقلاب کردند. جنگ فلسطین و اسرائیل، حمله آمریکا به عراق، فقر و نکبت همه اینها دلایل اصلی قیام، اعتراض و انفجار بود؛ اما انقلاب خیلی از شکافها را بزرگتر کرد. اختلافات زیادی بین اقشار مختلف به وجود آمد. اختلاف عرب و عجم، سنی و شیعه، مسلمان و مسیحی موجب شکافهای هراس‌انگیز شده است. ما به کدام سمت می‌رویم؟ این خاورمیانه چیزی نیست که قبلاً آن را می‌شناختیم. سایه شک و تردید منطقه را فرا گرفته است. کسانی که دنبال حقیقت هستند نمی‌توانند به مقصود خود برسند. دولتها هم نمی‌توانند کاری کنند.

این انقلاب و اعتراضات، محیطی را برای گروههای مسلح شورشی فراهم کرده است تا دین را به صورت وسیله مؤثری در مقابل مردم به کار گیرند؛ اما باید دانست که اعتقادات دینی ریشه این بحرانها نیست. در منطقه‌ای که نقش کلیساها و مساجد به تدریج کم می‌شود، آیا مؤمنان می‌توانند نقشی در این بحرانها داشته باشند؟ عراقی که از مسیحیان خالی شده، اعمال خشونت در مصر نسبت به قبطی‌ها انجام شده و خالی شدن سوریه از مسیحیان، این پرسش را برای مراکز و مؤسسات مسیحی پیش آورده که: چگونه می‌توان روابط را دوباره حسنه کرد و آیا راهی برای همزیستی مسالمت‌آمیز هست؟ آیا با گفتگو می‌توان به این هدف نائل شد؟

کسانی که اعتقاد به گفتگو و همزیستی دارند، می‌توانند امیدوار باشند که این محیط برای آنها فراهم بیاید و پیروز شوند. تمام نهادهای سیاسی و اجتماعی که برای بهبود شرایط اقدام می‌کنند، باید محیطی فراهم آورند تا دانش خود را تبادل کنند و برای شرایط انسانی و مورد پسند همه جوامع راههایی را پیشنهاد دهند. همه مؤسسات دینی در قبال ارتقای این روابط مسئولیت دارند و باید شرایط پراعتمادی را فراهم کنند. حتماً روند این جریانات عوض می‌شود. دین چشمه الهام انسانهاست. عدالت، عشق، خدمت در عمق وجود انسانها است و ما را ارشاد می‌کند.

همکاری محلی، ملی، دینی و بین‌المللی از طریق سازمانهای دولتی و غیردولتی موجب می‌شود که ادیان اساساً خودشان بتوانند نقششان را از جریانات افراطی جدا کنند و از تروریستها دور شوند. آیا افراطی‌ها ابزاری در دست دولتهای استکباری هستند که به وسیله آنها به مقاصد شوم خود می‌رسند؟ قطعاً این گونه است. مفتی و رهبر داعش ضد هم هستند و این را باید همه بدانند.

مسلمانان و مسیحیان مشکلی با هم ندارند و این تفاوتها نباید وسیله‌ای برای دیگران باشد. بهترین زمینه همکاری، فعالیت در زمینه ایجاد اشتغال برای مهاجران رانده شده است و فرقی بین مسلمان و مسیحی نیست. مهاجری که از عراق می‌آید، شاید مجبور شود سالهای طولانی در کشور دیگر اقامت داشته باشد؛ بنابراین نهادهای دینی نقش مهم و پررنگی برای انجام خدمات انسانی دارند. حقوق بشر، روابط اجتماعی و پیشرفت انسانی پایه و اساس ادیان را تشکیل می‌دهند و راز بقای آنها هستند.

هر جا که تحولات مردمی روی می‌دهند و بحران ایجاد می‌شود مردم به کلیسا و مساجد پناه می‌برند و در آن حالت رهبر کلیسا یا مسجد است که وظیفه رهبری مردم را به عهده می‌گیرد. بنابراین ادیان و روحانیون با ساختار و شبکه‌هایی که دارند، می‌توانند حمایت مردم را در اختیار بگیرند. ما برای رسیدن به عدالت و حقوق انسانها و صلح فراگیر باید تمام عوامل را بکار گیریم.

حضور فعال رهبران دینی

موضوع چهارمین جلسه علمی این نشست، «اهمیت حضور فعال رهبران دینی در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی» بود که آقایان **دکتر الیپس مسیحیان** و حجت‌الاسلام و المسلمین **دکتر محمد مسجدجامعی** سخنرانان این جلسه بودند. آقای مسجدجامعی گفت:

بدون شک منطقه خاورمیانه ناآرامترین و بالقوه خطرناکترین منطقه جهان کنونی است. جریانی که در طی سالهای اخیر تشدید شده است. ناآرامی موجود صرفاً سیاسی نیست، منطقه به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و حتی دینی هم ناآرام و شکننده است. هنگامی می‌توان از صلح و ایجاد صلح سخن گفت که ریشه‌های این ناآرامی شناخته شود. دوستان ارمنی خواهند پذیرفت که در این منطقه بزرگ و پرآشوب ـ چه در گذشته و چه در آینده ـ نزدیکترین ملت بدانها ایرانیها هستند. این تأثیر و تأثر حاکی از علاقه‌مندی و اعتماد ارامنه به هموطنان مسلمانشان است.

نکته یادشده ثروتی است بزرگ حتی برای کل منطقه؛ چرا که با استفاده از این پشتوانه می‌توان به ابتکاراتی دست یازید که به آرامش منطقه کمک کند. در منطقه‌ای که آکنده از خصومت و بی‌اعتمادی است، اعتماد دو گروه پراهمیت به یکدیگر و تلاش مشترکشان می‌تواند سهمی بزرگ در آرامش عمومی داشته باشد. با توجه به اهمیت و بلکه ضرورت همکاری بین اسلام و کلیسای ارمنی،

۱ـ مشکلات کنونی خاورمیانه تا حدودی به دلیل زنده شدن خاطرات و تجربیات تلخ تاریخی و قومی و دینی و مذهبی است. متأسفانه کسانی هستند که عمدتاً به دلائل سیاسی مایلند این تجربه‌های تلخ را منفی‌تر از آنچه واقعیت داشته، نشان دهند.

۲ـ عموم کسان و رژیمهایی که به آتش خصومتهای طائفی و مذهبی دامن می‌زنند، برای انحراف افکار و مصونیت بخشیدن به خود است که چنین می‌کنند. این وسیله‌ای برای فرار از مسئله اصلی که اعتراض به ظلم و تبعیض و فساد بود. و در ماههای نخستین اهل سنتی که چنین اعتراضی داشتند نیز در جرگه معترضان بودند. اما ماشین تبلیغاتی واقعیت را به گونه‌ای دیگر نشان داد و عملاً جامعه را قطبی کرد. این قطبی شدن به نفع بسیاری از کشورهایی بود که پس از آغاز ناآرامیهای جهان عرب در موقعیتی شکننده قرار داشتند.

اما مسئله این است که این قطبی و طائفی‌شدن صرفاً در چارچوب شیعه و سنی باقی نماند و نمی‌توانست بماند، کل منطقه را فراگرفت و جامعه بزرگ خاورمیانه را بر اساس دین و مذهب تقسیم و تجزیه کرد و افراد را در مقابل یکدیگر قرار داد. حال آنکه مردمان این منطقه با ادیان و مذاهب مختلف قرنها در کنار یکدیگر زندگی کرده بودند. اگرچه در طول تاریخ طولانی نقاط تاریکی هم وجود داشت؛ اما اصل، همزیستی مسالمت‌آمیز و محترمانه بود.

۳ـ دو عامل سیاست و رسانه در این میان سهم بزرگی دارند، به ویژه رسانه‌هایی که با پشتوانه سیاسی و مالی کلان به جعل و تحریف و تحریک می‌پردازند و متأسفانه نقش بسیار مخربی در جریان ناآرامیهای اخیر ایفا کرده‌اند.

اما به جز این باید بپذیریم که کاستیهای فراوانی هم وجود دارد. یکی از مهمترین‌ها، نبود ارتباطهای اجتماعی و فرهنگی سالم مردمی است. وجود نهادها و سازمانهای غیرسیاسی و غیرانتفاعی که بتواند افراد علاقه‌مند را به یکدیگر پیوند دهد و ارتباط فکری و عملی آنان را تقویت کرده و جهت دهد، در جهان امروز یک ضرورت است.

۴ـ رویکرد عموم سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی، رویکردی است کلاسیک که مربوط به دو سه دهه گذشته است. به این معنا که با اصول و روشهای ایام گذشته می‌کوشند تا مسائل پیچیده و چند بعدی موجود را دریابند. حال آنکه ما در جهانی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل محاسبه زندگی می‌کنیم که پیوسته تحت بمباران عوامل مختلف دلهره‌آور و ناامن‌کننده است. فهم این جهان و فهم منطق تحولی آن بسیار دشوار است.

حضور عالمان دینی آگاه با منطق زمان و منطق تحولاتی دوران ما در مراکز مطالعاتی و مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی یک ضرورت است. مطمئناً عالم دینی به مراتب بهتر از دیگران می‌تواند توضیح دهد و استدلال کند که افراط‌گرایی موجود نه تنها ریشه دینی ندارد، بلکه در تعارض با اصول و معیارهای دینی است. این سخن برای متخصصان و حتی توده مردم آرامش‌دهنده و تعیین کننده است. همچنان‌که او بهتر از دیگران می‌تواند راه‌حلهای مناسب دینی برای نیل به صلح و عدالت و امنیت را عرضه دارد.

صلح مبتنی بر ایمان

*** دکتر ستا خدشیان: افراطی‌ها ابزاری در دست دولتهای استکباری هستند که به وسیله آنها به مقاصد شوم خود می‌رسند. مفتیان و رهبر داعش ضد هم هستند و این را باید همه بدانند. مسلمانان و مسیحیان نیز مشکلی با هم ندارند و تفاوتها نباید ابزاری برای دیگران باشد**

دکتر الیپس مسیحیان سخنرانی خود را در سه محور ایراد کرد:

۱ـ ایجاد برقراری صلح مبتنی بر ایمان: صلح مبتنی بر ایمان در یهودیت و مسیحیت با مفهوم انجیلی «شالوم» آغاز می‌شود و در اسلام با مفهوم مشابه آن یعنی «سلام». این واژه اشاره به مفهومی غنی‌تر و از لحاظ معانی گسترده‌تر از لغت «صلح» دارد. شالوم و سلام هر دو بیانگر میل به کمال، تمامیت، وحدت و خوبی هستند که بدان وسیله هم عدالت و هم آشتی را شامل می‌شوند. از طرفی، تمامی کسانی که در ایجاد مصالحه و آشتی دخیل هستند، به طور مداوم به خاطر تلاشهایشان در جهت کاهش سریع دشمنی به قیمت زیر پاگذاشتن عدالت مورد انتقاد قرار می‌گیرند؛ بدین ترتیب، صلح همراه با عدالت و یا صلح عادلانه تبدیل به یک نشان برجسته برای بسیاری از اقدامات مبتنی بر ایمان شده است.

در حالی که دانشمندان اجتماعی هنوز به توافق همه‌جانبه در مورد طرح طبقه‌بندی شدهٔ مراحل مختلف اختلافات و مؤثرترین اقدامات مقابله در هر مرحله نرسیده‌اند، برخی از میانجیگران صلح مبتنی بر ایمان، مدل خود را تحت عنوان «چرخهٔ زندگی اختلافات قومی ـ مذهبی» مطرح کرده‌اند؛ برای مثال، کتابچه ایجاد صلح کاریتاس، پنج مرحله را معرفی می‌کند: «اختلاف بالقوه، مواجهه، بحران، اختلاف سرکوب‌شده، احیا و اصلاح». پروفسور دیوید استیل معتقد است که برقرارکنندگان صلح مبتنی بر ایمان باید از تشدید درگیری اجتناب کنند و با کاهش اختلافات ادامه‌دار، وارد مرحله پس از اختلاف و پس از خشونت برای بازسازی و احیا شوند.

جوزف باک نیز شش مرحله زیر را برای یک چرخه درگیریهای قومی ـ مذهبی معمولی پیشنهاد می‌کند: ۱ـ روابط باثبات قبل خشونت، ۲ـ روابط بی‌ثبات، ۳ـ مهندسی خشونت/ بحران تغییریافته، ۴ـ بازسازی بعد از خشونت، ۵ ـ مصالحه قومی ـ مذهبی، و ۶ـ روابط باثبات بعد از صلح. باک مدعی است که سه جنبهٔ هدایت مذهبی است که به روحانیان این فرصت را می‌دهد که نقش کلیدی در جلوگیری از خشونت بازی کنند، عبارتند از: ۱ـ توانایی برای ترغیب پردازش اطلاعات منظم که می‌تواند تحریفات و تصورسازی دشمنی را از بین ببرد؛ ۲ـ توانایی برای ایجاد حس سالم تعلق، و ۳ ـ قدرت برای مشروع ساختن رفتارهای مخالف خشونت و از بین بردن مشروعیت رفتارهای ترویج خشونت.

در مرحله روابط باثبات قبل از خشونت، برقرارکنندگان صلح مبتنی بر ایمان باید به طور خاص در فعالیتهای ترویجی با هدف ترغیب حسن نیت قومی ـ مذهبی البته نه به صورت آشکار بپردازند. در مرحله دوم روابط بی‌ثبات، صلح طلبان مبتنی بر ایمان باید به دنبال فعالیتهای پیشگیری کننده باشند تا به طور مستقیم پل ارتباطی را دوباره ایجاد کنند. در مرحله سوم، وقتی مهندسی خشونت شروع می‌شود، رهبران مذهبی همگام با مقامات بالای دولتی باید در فعالیتهای پیشگیرانه شرکت کنند. این اقدامات در پاسخ به نزاعهای قومی ـ مذهبی، فیزیکی، شفاهی و یا نمادینی که ممکن است رخ دهد و یا در حال اتفاق افتادن است انجام می‌گیرد. و در نهایت، باک نه تنها بر روی ایدهٔ «روی پای خود ایستادن» در فعالیتهای ایجاد صلح توسط مجریان مبتنی بر ایمان تاکید دارد، بلکه آنها را ملزم به انجام فعالیتهای یکپارچه برای پروژه‌های بزرگتر می‌کند.

ادامه دارد

مصحف علی(ع)

استاد بهاءالدین خرمشاهی بخش دوم و پایانی

ویژگیهای مصحف

از ویژگیهای مصحف امیرالمؤمنین(ع) این بود که اوّلاً بر حسب نزول مرتب شده بود، نه بر حسب طول سوره‌ها. در اینجا مورخان و محدثان سه قول دارند: ۱ـ عده‌ای برآنند که چینش سوره‌ها به اشاره و تصویب خود پیامبر(ص) بوده است. ۲ـ عده‌ای آن را فرآورد اجتهاد صحابه می‌دانند. ۳ـ گروهی به آمیزه‌ای از قول اول و دوم معتقدند.

دیگر از خصوصیات مصحف امام علی(ع) این بود که ناسخ را بر منسوخ مقدم داشت. همچنین شأن یا اسباب نزول را هم در برداشت.

یک سؤال و مسئله مهم این است که: چرا گروه زید بن ثابت مصحف تدوین یافته حضرت علی(ع) را با تعجیل یا با تأنی و تأمل، در نهایت نپذیرفتند؟ آن هم با توجه به شأن قرآن‌شناسی حضرت علی(ع) که برترین حافظ و مفسّر قرآن و دانشمندترین کاتب وحی بود و مصاحبت شبانه‌روزی با حضرت ختمی مرتبت(ص) داشت. آیا می‌ترسیدند که از دستور خلیفه سرپیچی کرده باشند؟ آیا از آنکه نظم و ترتیب آن بر حسب نزول بود که هیچ مصحف دیگر با این ترتیب و توالی نبود؟

گفتار شهرستانی

چند قرن طول کشید تا این گره معما به دست یکی از بزرگترین متکلّمان جهان اسلام، یعنی عبدالکریم شهرستانی(درگذشته ۵۴۸ق) صاحب کتاب معروف «الملل و النحل» گشوده شد. و این با کشف نسخه خطی تفسیری مهم از او انجام یافت. این تفسیر «مفاتیح‌الاسرار و مصابیح‌الابرار» نام دارد. از آثار پیشین او برمی‌آید که او در کلام (اصول عقاید) اشعری یعنی مذهب رسمی اهل سنت و جماعت، و در فروع (فقه)، پیرو مذهب شافعی (فی‌المثل مانند غزّالی یا سعدی و حافظ) است؛ اما با کشف و سپس چاپ عکسی و حروفی این تفسیر شگفت‌آور به همت و تحقیق و تعلیق دکتر محمدعلی آذرشب (از سال ۱۳۷۶ و به بعد) معلوم و مسلّم شده است که گرایش جدی شیعی (احتمالاً اسماعیلی) دارد.

او در فصل دوم مقدمه که در کیفیت جمع قرآن مجید است، از اهمیت مصحفی که در دست امیرالمؤمنین علی(ع) بوده است، سخن می‌گوید و می‌نویسد که آن حضرت(ع) در آن نسخه از قرآن کامل اما تدوین نیافتهٔ خود، اسراری به اشارت حضرت رسول(ص) یعنی تفسیروار و در حاشیه متن مقدس قرآن افزوده بوده است. سپس همو (شهرستانی) صحابه‌ای را که جمع قرآن را برعهده داشتند، یعنی زید بن ثابت و چهار پنج نفر از قرآن‌شناسان گروه او را ملامت می‌کند که چرا نسخه حضرت(ع) را رها کردند و نپذیرفتند و سپس می‌نویسد:

«... او علیه‌السلام چون از کفن و دفن پیامبر(ص) فارغ شد، سوگند خورد که ردایی بر دوش نگیرد جز برای نماز جمعه، تا آنکه قرآن را جمع [و مرتب و مدوّن] کند؛ چرا که به این امر به نحو قطعی مأمور بود. سپس آن را چنان که نازل شده بود [یعنی به ترتیب نزول وحی]، بدون تحریف و زیاده و نقصان جمع کرد. پیامبر(ص) از پیش به مواضع ترتیب و وضع و تقدیم و تأخیر [سوره‌ها و حتی بعضی آیات] اشاره کرده بود ...» (مفاتیح‌الاسرار، چاپ عکسی، ص۵)

سپس نکته بی‌سابقه‌ای که شاید در هیچ منبعی اشاره نشده باشد، در میان می‌آورد و می‌نویسد: «... و گفته‌اند مصحف او دارای متن و حواشی بوده است ...»(همانجا) و به دنبال آن می‌نویسد: «و گویند چون از جمع آن فارغ شد، به کمک غلامش قنبر آن را به نزد مردم [بزرگان صحابه، زید و گروهش] بردند که در مسجد بودند. آنها این مجموعه را به دشواری حمل می‌کردند و گویند به اندازه بار شتری بود. حضرت(ع) به ایشان گفت: این کتاب‌الله است به گونه‌ای که بر حضرت محمد(ص) نازل شده است. آن را بین دو جلد (لوح) جمع آورده‌ام. آنان گفتند: مصحفت را بردار و ببر. ما به آن نیازی [برای جمع و تدوینی که خود در دست داریم،] نداریم. حضرت(ع) گفت: به خدا دیگر هرگز آن را نخواهید دید. وظیفه من این بود که چون جمعش کرده‌ام، آگاهتان سازم. و سپس در حال خواندن این آیه [قرآن، مجموع و مدون خود را برداشت و] به خانه خود بازگشت: **یا رب انّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورا**». (تفسیر شهرستانی، تحقیق دکتر آذرشب، ج۱، ص۱۲۰)

اهمیت دیگر مفاتیح‌الاسرار در این است که ترتیب مصحف حضرت علی(ع) را به نقل از **مقاتل بن سلیمان** (درگذشتهٔ ۱۵۰ق) نقل می‌کند.

چنان که پیشتر نقل شد، وجود تاریخی و واقعی داشتن مصحف امیرالمؤمنین علی(ع) از نظر تحقیق تاریخی مسلّم است، و چنین نیست که فقط در آثار نسبتاً جدید نظیر بحارالانوار مجلسی (درگذشته ۱۱۱۱ق) آمده باشد. تازه علامه مجلسی خود از چهارصد پانصد منبع کهن احادیث و روایات خود را نقل می‌کند. و امروزه در قم یکی از مؤسسات فرهنگی سالهاست که به تحقیق و نشر مصادر بحارالانوار اشتغال دارد.

بعد از مقاتل بن سلیمان، **کلینی** (اوایل قرن چهارم) و **ابن ندیم** (درگذشته ۳۸۰ق) و شاید مهمتر از آنها **یعقوبی** (اواسط قرن سوم) و شیخ مفید (درگذشته ۴۱۳ق) و دهها دانشور اعم از محدّث و مورخ قرون اولیه سرگذشت مصحف امیرالمؤمنین(ع) آورده‌اند. و بعضی منابع کهن مانند آثار مقاتل و یعقوبی خوشبختانه نام سوره‌های مصحف حضرت(ع) را ثبت کرده‌اند. برای تتمیم فایده، خوانندگانی که به منابع کهن دسترسی ندارند، می‌توانند به بخش پایانی ترجمه نگارنده این سطور از قرآن کریم (قطع رحلی، ص۶۱۱) به فهرست سوره‌ها بر حسب نزول بر وفق منابع کهنی که یاد خواهد شد، مراجعه کنند.

چنان‌که اشاره شد، ابن ندیم در کتاب یا کتاب‌شناسی و رجال‌شناسی و مجموعه‌ای از علوم و فنون اسلامی یعنی «الفهرست» به شیوه‌ای روشن و تحقیقی تجربی از مصحف حضرت علی(ع) یاد می‌کند و شرح نسبتاً مفصّلی درباره آن دارد: «.... و این مصحف نزد خانواده جعفر بوده و من خود در زمان خویش در نزد ابویعلی حمزه الحسنی رحمه‌الله مصحفی دیدم که به خط علی‌بن ابی طالب بود و صفحاتی از آن افتاده بود؛ و آن را خاندان بنی‌حسن به مرور زمان، به شیوه توارثی [نسل اندر نسل] نگاهداری می‌کردند و ترتیب سوره‌ها در این مصحف از این قرار است:...»

آری، متأسفانه دنباله مطلب مربوط به اسامی و ترتیب سوره‌ها از این کتاب معتبر ساقط شده است و معلوم نیست چه عمد و قصدی در کار بوده است. باید آرزو کنیم نسخه‌های کهن نویافته‌ای از الفهرست ابن‌ندیم به دست آید، به امید آنکه در آنها نام سوره‌ها و ترتیب آنها به نحوی که در مصحف علی(ع) روشن شود. البته غیر از کتاب مقاتل بن سلیمان، در تاریخ یعقوبی (یک قرن پس از مقاتل و بیش از یک قرن پیش از ابن ندیم)، چنین فهرستی آمده است.

سخن نهایی

سخن نهایی درباره مصحف حضرت علی(ع) این است که می‌توان از امارات تاریخی و اشارات شهرستانی دریافت که ایشان در حاشیه مصحف خود، نامهای بسیاری کسان به‌ویژه مشرکان قریش و منافقان را که بالصراحه در قرآن نیامده، آشکار کرده‌اند و گروه زید بن ثابت پس از ملاحظه آنها از بیم آشوبی که برخواهد خاست، پذیرفتن و رونویسی از آن را به صلاح ندانسته‌اند. از سوی دیگر حضرت علی(ع) که برای رعایت مصالح جامعه اسلامی، به خلفای سه‌گانه در مهمّات امور مشورت می‌داد، در این باره هم پذیرفت که مصحف خود را جزء مواریث مهم امامت در خاندان خود، نسل اندر نسل، باقی گذارد و خود دعوت گروه زین بن ثابت را برای بازنگری نهایی مصحف عثمانی، همراه با چند قرآن‌شناس برجسته دیگر پذیرفت و تا پایان کار با آنها همکاری کرد که شرحش در تواریخ قرآن و آثاری چون «اتقان» **سیوطی** آمده است.

سیوطی حتی حدیثی از ایشان نقل می‌کند که اوج مسئولیت‌شناسی حضرت(ع) را نشان می‌دهد: «**لو وُلّیتُ کما وُلّی عثمان، لفعلتُ ما فعل**: اگر سرپرستی همچون سرپرستی عثمان، به من داده می‌شد، همان کاری را می‌کردم که او کرد.» البته ضرورت و فایده دارد که حدیث‌شناسان، این حدیث را شناسایی و از حیث متن و روایت و درایت بررسی نمایند.[1]

پی‌نوشت:

۱ـ این مقاله، منقول از دایره‌المعارف تشیع، جلد پانزدهم (زیرچاپ) است. گفتنی است که این اثر مرجع به جلد ماقبل پایان رسیده و انشاءالله تا یک دو سال دیگر جلد شانزدهم/ آخر آن منتشر خواهد شد. ناشر و حامی این اثر «انتشارات حکمت» است.

چشم انداز صنعت گاز در کشورهای حاشیه دریای خزر

ایران و همسایه های آن، درمجموع بیش از ۷۰ درصد ازکل ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند، از طرفی، ایران، روسیه، قطر وترکمنستان به ترتیب چهار دارنده بزرگ گاز در جهان هستند.

با این حال، در عمل کشورهای همسایه ایران، به جزچند استثنا، تعامل چندانی در صنعت گاز ندارند و بی توجه به فرصتهای همکاری، بیشتربه عنوان رقیب در مقابل هم صف کشیده اند.

همه همسایه های آبی ایران – چه در شمال و چه درجنوب – ذخایر چشم افسای گازی دارند و از طرفی همه همسایه های زمینی ایران در شرق وغرب نیازمند گاز و برق هستند. به نظر می رسد، چه در حوزه صادرات گاز و چه حوزه برق،ایران می تواند به عنوان‌هاب در منطقه عمل کند، اما در عمل ایران تنها نقش‌واردکننده یا صادرکننده محدود گاز و برق را در منطقه داراست.

با توجه به وجود بازارهای مشترک گاز برای کشورهای همسایه ایران، احتمالا در سالهای پیش رو شاهد رقابت سختی میان کشورهای منطقه برای بالا بردن سهم خود از بازارهای جهانی گاز خواهیم بود، اما گزینه هایی برای همکاری در این حوزه نیز وجود دارد.

پنج کشور حاشیه دریای خزر (ایران، روسیه،ترکمنستان، قزاقستان وجمهوری آذربایجان) مجموعا ۸۵ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی اثبات شده دارند که ۴۵ درصد از کل ذخایر گازی متعارف جهان است.

هم اکنون روسیه قرارداد صادرات ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز را به چین دارد و در نظر دارد تا سال ۲۰۳۵ کل صادرات خود را به منطقه آسیا ـاقیانوسیه به رقم ۱۳۰ میلیارد مترمکعب در سال برساند .

در این میان، صادرات گاز جمهوری آذربایجان به روسیه طی سال۲۰۱۴ بیشتر از ۱/۱ میلیارد مترمکعب کاهش یافت. روسیه در این سال ۱۰/۵میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان را دریافت کرده بود که امسال تنها قصد واردات ۴ میلیارد مترمکعب گاز را از این کشور دارد. از طرفی، صادرات گاز ترکمنستان به ایران برخلاف قراردادصادرات ۱۴ میلیارد متر مکعب، در سال گذشته تنها ۷/۵ میلیارد متر مکعب بوده است.

آنچه که آمارها نشان می دهد، کشورهای ساحلی دریای خزر برای تامین امنیت انرژی خود، چاره ای جز نگاه به بازارهای اروپا و چین ندارند.

بازار اروپا فعلا تا سال ۲۰۱۹ برای هیچ یک ازکشورهای ساحلی خزر به غیر از روسیه بازار گاز به حساب نمی آید. هنوز ترکمنستان برای صادرات گاز از طریق پروژه خط لوله ترانس خزر مردد است و بیشتر بر بازارهای شرقی تمرکز کرده است. در این میان، صادرات گاز روسیه به اروپا پارسال بیش از ۱۴/۳میلیارد متر مکعب کاهش یافته است و اروپا در نظر دارد تا سال ۲۰۲۰ وابستگی خود رابه گاز روسیه تا ۲۵ درصد کاهش دهد.

اما چین پارسال واردات گاز را از ترکمنستان وقزاقستان به ترتیب ۵/۸ درصد و ۱۵۹ درصد افزایش داده است. این کشور که تا سال ۲۰۰۰ تنهاسالانه۲۵ میلیاردمترمکعب گاز مصرف می کرد، هم اکنون مصرف گاز را به بالای۱۸۰ میلیارد مترمکعب رسانده و تا سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ انتظار می‌رود که مصرف گاز چین به ۴۲۰ و ۵۵۵ میلیارد مترمکعب بالغ شود.

ترکمنستان باوجود کاهش ۶ میلیارد مترمکعبی برنامه ریزی شده امسال تحویل گاز به روسیه، در مجموع می خواهد صادرات گاز خود را به ۴۸میلیارد مترمکعب افزایش دهد. به عبارتی، انتظار می‌رود که صادرات گاز ترکمنستان به چین امسال دست کم با ۸ میلیارد مترمکعب افزایش به ۳۴ میلیارد مترمکعب بالغ شود.

ترکمنستان همچنین در نظر دارد امسال حدود ۳۶میلیارد مترمکعب مصرف داخلی گاز داشته باشد. این رقم در آمارهای شرکت «بی پی» برای سال ۲۰۱۳ کمی بیش از ۲۲ میلیارد مترمکعب برآورد شده بود. احتمالا ترکمنستان مصرف داخلی گاز را در خدمت افزایش هر چه بیشتر تولید برق و صادرات آن در نظر گرفته است.

در این میان، ترکمنستان برای تامین گاز همسایه های شرقی ایران در حال رقابت با تهران است و گفتگوها پیرامون احداث خط لوله گازی ترکمنستان–افغانستان–پاکستان–هند در جریان است. پاکستان قرار بود از دو ماه پیش براساس قراردادی که با ایران امضا کرده بود، گاز ایران را وارد کند، اما تاکنون هیچ اقدامی برای ساخت خط لوله گاز انجام نداده است.

از طرفی، روسیه و ایران به شدت مخالف احداث خط لوله ترانس خزر برای صادرات گاز ترکمنستان به اروپا هستند.

ترکمنستان در نظر دارد تا سال ۲۰۳۰ تولید گاز خودرا به ۲۳۰ میلیارد مترمکعب برساند. در حالی که کل حجم گاز تحویلی چین از ترکمنستان بر اساس قراردادهای موجود تا سال ۲۰۲۰ تنها ۶۵ میلیارد مترمکعب است. چین کلا در نظردارد که ۸۵ میلیارد مترمکعب گاز از کشورهای آسیای میانه دریافت کند .

از سوی دیگر،عشق آباد هم به شدت نیازمند برنامه ریزی برای تنوع بخشی به بازارهای صادرات گاز خود است، زیرا انتظار نمی رود ایران و روسیه گازبیشتری از این کشور وارد کنند.

در ایران هم برنامه ریزی شده است که تولید گازکشور تا سال ۲۰۱۸ به ۳۶۵ میلیارد مترمکعب برسد و تا سال ۲۰۲۲ صادرات گاز کشور به ۸۰میلیارد مترمکعب در سال بالغ شود.

در سند چشم انداز ایران، صادرات گاز به اروپا هم در نظر گرفته شده است. اما ایران فعلا تعهد صادرات سالانه ۵۲ میلیارد مکترمکعب گاز رادر قالب امضای تفاهم نامه و قرارداد به عراق، عمان، پاکستان و ترکیه دارد.

در این میان، جمهوری آذربایجان هم در نظر دارد تا ۵ سالآینده صادرات ۱۶ میلیارد مترمکعب گاز اضافی به ترکیه و اروپا را عملیاتی کند و دراین میان، گاز روسیه و ایران عملا رقیبی برای دولت باکوست .

البته اروپا در نظر دارد واردات گاز را از روسیه تا سال ۲۰۲۰ حدود ۲۵ درصد (۴۵ میلیارد مترمکعب) کاهش دهد تا از میزان وابستگی خودبه گاز روسیه که فعلا ۲۷ درصد است، بکاهد. اگر چنین ایده ای عملیاتی شود، فضای بازتری برای چشم انداز صادرات گاز جمهوری آذربایجان و ایران به اروپا ایجاد می شود.

با توجه به آنچه گفته شد، دوری جستن از رقابت سخت میان ایران و همسایه های این کشور بر سر بالا بردن سهم خود در صادرات گاز تقریباغیر ممکن است، اما موضوع تبدیل گاز به برق و صادرات آن گزینه ای است که در سالهای گذشته مورد توجه ایران و همسایه های شمالی خود واقع شد که البته این موضوع بعدها به فراموشی سپرده شد.

ایران پارسال ۳۷۱۸ میلیون کیلووات ساعت واردات برق‌داشت که بیش از ۶۷ درصد آن صادرات برق ترکمنستان به این کشور بود.

دسامبر سال ۲۰۰۸ کشورهای عضواکو شامل همه کشورهای آسیای مرکزی، ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه و جمهوری آذربایجان توافق کردند که موضوع تبدیل بخشی از گاز تولیدی خود به برق و ایجاد یک شبکه منطقه ای برق برای صادرات به عراق، اروپا و سوریه را مدنظر قرار دهند. اما این گزینه بعدها به فراموشی سپرده شد.

در حال حاضر ترکمنستان و ایران به صورت جداگانه برنامه ای جدی برای افزایش تولید برق دارند. ترکمنستان پارسال تولید برق خود را حدود ۱۲ درصدافزایش داد. این کشور ۲/۸ میلیارد کیلووات ساعت صادرات برق دارد، اما براساس برنامه ای که برای سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده است، عشق آباد در نظر دارد ۱۴نیروگاه برقی جدید احداث کند و تولید برق خود را به ۲۷/۴ میلیارد کیلووات ساعت افزایش دهد.

ایران هم که سالانه صادرات خالص برقش به حدود۸ میلیارد کیلووات ساعت می رسد، در نظر دارد تا سال ۲۰۱۹ با تخصیص ۶ میلیاردمترمکعب گاز بیشتر، ظرفیت صادرات ۵ هزار مگاوات برق اضافی را ایجادکند .ایران هم اکنون بیش از ۷۰ هزار مگاوات ظرفیت تولیدبرق (معادل ۲۶۳ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریسته) دارد.

از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان هم ظرفیت صادرات بیش از ۲ میلیاردکیلووات ساعت انرژی برقی را دارد.

با توجه به این که عراق و ترکیه به ترتیب ۶۸ درصد و ۲۰ درصد در صادرات برق ایران سهم دارند، ایجاد یک شبکه منطقه ای برای صادرات برق جمهوری آذربایجان به این کشورها از طریق ایران می‌تواند چشم انداز بسیار خوبی داشته باشد.

در شرق ایران، افغانستان و پاکستان هم روی هم رفته۱۰ درصد از بازار صادرات برق ایران را تشکیل می دهند و ترکمنستان می تواند از طریق ایران سهم بیشتری در بازارهای یادشده داشته باشد. هم اکنون عشق آباد حدود ۲۵۰ مگاوات برق به افغانستان تحویل می دهد.

دالغا خاتین اوغلو مدیر اخبار ایران بخش انگلیسی خبرگزاری ترند شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی

***بر اساس برنامه ریزی انجام شده تولید گازکشور تا سال ۲۰۱۸ به ۳۶۵ میلیارد مترمکعب می رسد و تا سال ۲۰۲۲ صادرات گاز کشور به ۸۰میلیارد مترمکعب در سال بالغ خواهد شد**

***پنج کشور حاشیه دریای خزر شامل ایران، روسیه،ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان مجموعا ۸۵ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی اثبات شده دارند که ۴۵ درصد از کل ذخایر گازی متعارف جهان است**

صنعت گاز کشورهای حاشیه خزر (میلیارد متر مکعب)

کشورهای حوزه خزر	تولید گاز خام در سال ۲۰۱۴*	تولید گاز بر اساس آمار شرکت بی پی برای سال ۲۰۱۳**	صادرات خالص گاز در سال ۲۰۱۴ (با احتساب گاز مایع)
ایران	۲۱۰	۱۶۶٫۳	۲٫۵
روسیه	۶۴۰٫۳	۶۰۴٫۸	۱۶۲
ترکمنستان	۷۶	۶۲٫۳	۴۴
آذربایجان	۲۹٫۵	۱۶٫۲	۸٫۵
قزاقستان	۴۳	۱۸٫۵	۱۱

* ارقام از آمارهای رسمی یا اظهارات مقامات کشورها استخراج شده است.
** بدون در نظر گرفتن اتلاف گاز در مشعلها یا گاز تزریقی به میادین نفتی.

تحولات بازار کار از نگاه آمار

جدیدترین گزارش دولت از بازار کار نشان می‌دهد بیشترین تعداد بیکاران هم اکنون لیسانس دارند، ۱۰۵هزارنفر فوق لیسانس و پزشکی خوانده‌اند ولی بیکارند و آمار غیرفعالی و سرگردانی به طرز عجیبی میلیونی شده است.

به گزارش مهر، بررسی جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور بر اساس سطح سواد افراد نشان می دهد هم اکنون ۱۲میلیون و ۱۸۰هزار و ۵۴۲نفر دارای دیپلم و پیش دانشگاهی هستند که از این تعداد ۵میلیون و ۳۰۷هزار و ۴۱۲نفر فعال، ۴میلیون و ۶۸۷هزار و ۳۹۲نفر شاغل و ۶۲۰هزار و ۱۹نفر هم بیکار هستند.

در این گروه ۶میلیون و ۸۷۳هزار و ۱۳۰نفر غیرفعال هستند که یک میلیون و ۶۵۳هزار و ۸۵۸نفر آن مرد و ۵میلیون و ۳۰۹هزار و ۲۷۲نفر زن هستند. در مقطع فوق دیپلم ۲میلیون و ۶۷۵هزار و ۲۳۶نفر داریم که از این تعداد یک میلیون و ۴۴۴هزار و ۵۸۷نفر غیرفعال و یک میلیون و ۵۰هزار و ۶۳۹نفر شاغل هستند؛ تعداد بیکاران فوق دیپلم کشور هم ۱۸۴هزار نفر اعلام شده است.

بر پایه این گزارش، تعداد کل افراد دارای لیسانس کشور در آخرین اعلام مرکز آمار ایران ۷میلیون و ۱۷۴هزارنفر است که از این تعداد ۳میلیون و ۴۰۴هزار و ۱۰۶نفر فعال، ۲میلیون و ۶۶۶هزار و ۷۶۱نفر شاغل و ۷۳۷هزار و ۳۴۵نفر بیکار هستند. مجموع افراد غیرفعال در این گروه تحصیلی ۳میلیون و ۷۶۹هزار و ۸۹۴نفر است.

در گروه افراد دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکتری حرفه ای یک میلیون و ۲۰۱هزار و ۹۵۶نفر در کشور دارای مدارک تحصیلی ارشد هستند که از این گروه ۷۰۵هزارنفر فعال هستند که چیزی حدود ۶۰درصد از کل تحصیلکرده های این بخش است و مابقی افراد غیرفعال هستند.

یکی از نکات حائز اهمیت و در عین حال قابل توجه برای برنامه ریزان و سیاست گذاران کشور این است که از ۷۰۵هزار و ۱۱۰نفر فعال تحصیل کرده ارشد و دکترای کشور ۱۰۵هزار و ۴۳۲نفر بیکار هستند. همچنین از یک میلیون و ۲۰۱هزار نفر افرادی که در این مقاطع تحصیلی قرار می گیرند، ۴۹۶هزار و ۸۴۶نفر غیرفعال هستند و ۵۹۹هزار و ۶۷۸نفر شاغل محسوب می شوند.

در بخش دکترای تخصصی هم ۱۱۲هزار و ۸۹۷نفر دارای مدرک دانشگاهی هستند که از این تعداد ۸۵هزار و ۲۰۵نفر فعال، ۸۳هزار و ۷۴۹نفر شاغل و تنها هزار و ۴۵۶نفر بیکار هستند.

با این وجود، در این بخش هم آمار غیرفعالی بالا و به میزان ۲۷هزار و ۶۹۱نفر است.

آمارهای مربوط به بخش سوادآموزی نشان می دهد با وجود اینکه سطح سواد جامعه و ورود به دانشگاه ها در یکی دو دهه اخیر به طرز چشمگیری افزایش یافته است، اما هنوز هم یک میلیون و ۳۱۰هزار و ۲۳۱نفر در سطح علمی سوادآموزی و غیررسمی هستند. با این حال، ۱۰هزار و ۶۸۴نفر از آنها بیکار محسوب می شوند و ۹۳۱هزار و ۱۲۵نفر آنان غیرفعال هستند.

طبق اعلام مرکز آمار ایران، تعداد افراد بی سواد کشور ۸میلیون و ۹۴۶هزار و ۹۴۰نفر است که از این تعداد ۲میلیون و ۱۳۰هزار و ۶۵۳نفر فعال، ۲میلیون و ۶۷هزار و ۶۲۴نفر شاغل و تنها ۶۳هزار و ۱۰نفر بیکار هستند.

طبق آمارهای موجود، غیرفعالی در بی سوادان هم بالا است و در این بخش ۶میلیون و ۹۱۶هزار و ۳۰۵نفر غیرفعال محسوب می شوند.

یکی از مهم ترین نکات حائز اهمیت درباره گزارش جدید مرکز آمار ایران از وضع تحصیلی بیکاران، شاغلان، فعالان و غیرفعالان اقتصادی در سال ۹۲این است که بیشترین بیکاران کشور دارای لیسانس هستند و این گروه تحصیلی، بالاترین تعداد متقاضیان کار کشور را در خود جای داده است.

از سویی، تعداد بیکاران در مقطع تحصیلی دکترای حرفه ای (پزشکی) بسیار بالا و جالب توجه است. تنها در دو دهه، کشور از واردات پزشکان خارجی بی نیاز شد و امروز به وضع بیکاری پزشکان داخلی و مازاد نیرو در این بخش رسیده است.در عین حال باید گفت کمترین تعداد بیکاران کشور هم اکنون در مقطع دکتری تخصصی و از آن سو در گروه بی‌سوادان هستند.

هم اکنون ۱۲میلیون و ۱۸۰هزارنفر در مقطع دیپلم و پیش دانشگاهی قرار دارند که به صورت بالقوه می توانند موجی از تقاضا برای کار در آینده نزدیک برای کشور ایجاد کنند.

با وجود اینکه یک میلیون و ۲۰۱هزارنفر در کشور دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و پزشکی هستند، اما ۴۰درصد تحصیلکرده های این بخش غیرفعال هستند و با وجود سال ها تحصیل دانشگاهی، هیچ برنامه ای برای انجام فعالیت اقتصادی یا اشتغال ندارد. آنها حتی در گروه جویندگان کار کشور هم مشاهده نمی شوند و این مسئله ای است که سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور باید آسیب شناسی کنند.

آمارها می گویند با وجود تصوراتی که در دهه‌های گذشته درباره تحصیلات دانشگاهی و هجوم جوانان به این بخش به منظور کسب فرصت های بهتر شغلی شکل گرفته است، امروز بالاترین تعداد بیکاران کشور در گروه تحصیلکرده ها ، بهترین وضع در گروه کم سوادان و حتی بی سوادان قرار دارند.

میلیون ها نفر در کشور از بی سوادی تا دیپلم و از پیش دانشگاهی تا دکترا درس خوانده اند، سال‌هایی از عمر جوانی خود را صرف تحصیل کرده اند تا غیرفعال شوند. یکی از آسیب های جدی فعلی اقتصاد ایران این است که آمار غیرفعالی به طرز عجیبی در کشور بالا بوده و این موضوع تا آنجا حائز اهمیت است که حتی در بین افراد دارای مدرک فوق لیسانس و دکترا هم ۵۰۰هزار نفر غیرفعال محسوب می شوند.

هم اکنون به صورت کلی، بیش از ۴۰میلیون نفر از جمعیت کشور غیرفعال محسوب می شوند و مانند این است که قطار توسعه کشور به جای ۱۰۰کیلومتر سرعت در ساعت در حال حرکت با سرعت ۴۰کیلومتر باشد.

تغییر مالکیت بیش از ۱۵۳ میلیارد سهم در بورس

در هفته منتهی به ۲۰ اسفند ۲ میلیارد و ۱۸ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش ۳ هزار و ۸۳۱ میلیارد ریال در بورس اوراق بهادار تهران معامله شد.

به گزارش ایسنا، در این مدت ۴۳ هزار و ۳۴۷ خریدار در ۱۶۳ هزار و ۱۹۵ دفعه به داد و ستد پرداختند. در این مدت، تمامی خرید و فروش‌ها به صورت خرد و بلوک انجام شد.

از ابتدای امسال تا کنون ۱۵۳ میلیارد و ۶۹۸ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش ۵۱۳ هزار و ۲۲۷ میلیارد ریال دادوستد شده است. در این مدت، تعداد سه میلیون و ۶۳۸ هزار و ۴۳۱ سرمایه‌گذار، در ۱۲ میلیون و ۶۴۲ هزار و ۴۴۶ دفعه این تعداد سهام را خریداری کرده اند. بازار سهام از ابتدای سال ۲۳۶ روز کاری فعالیت داشته است.

شاخص کل بورس اوراق بهادار در هفته ای که گذشت با افزایش ۰/۰۹ درصدی به ۶۴ هزار و ۷۰ واحد رسید.

در عین حال شاخص صنعت در آخر هفته، بر روی عدد ۵۳ هزار و ۶۱۲ واحد ایستاد. شاخص بازار اول به ۴۷ هزار و ۴۴۴ واحد و شاخص بازار دوم به ۱۲۴ هزار و ۳۹۳ واحد رسید.

در هفته منتهی به ۲۰ اسفند ، تعداد ۱۲۸ هزار و ۹۸۰ برگه اوراق مشارکت به ارزش ۱۲۷ میلیارد ریال در بورس اوراق بهادار معامله شد. این در حالی است که از ابتدای سال ۱۵ میلیون و ۱۵۸ هزار و ۳۴۵ برگه اوراق مشارکت به ارزش ۱۵ هزار و ۱۵۵ میلیارد ریال در بورس اوراق بهادار خریداری شده است.

خبر دیگر اینکه تعداد ۱۸ میلیون سهم شرکت فرآوری زغال‌سنگ پروده طبس، در بازار دوم فرابورس ایران عرضه‌شد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، ۱۰ درصد از سهام شرکت فرآوری زغال‌سنگ پرووده طبس برای اولین بار پس از پذیرش در بازار دوم فرابورس ایران، روز ۲۳ اسفند در نماد "کپروا"عرضه شد.

بر اساس این گزارش، از ۱۸ میلیون سهم عرضه شده در این نوبت، ۸ میلیون سهم برای کشف قیمت و ۱۰ میلیون سهم مابقی به معامله گران آنلاین اختصاص پیدا کرد، ضمن اینکه محدودیت خرید سهام در هر کارگزاری ۸۳ هزار سهم تعیین شد و صندوق‌های سرمایه گذاری اعم از مشترک و قابل معامله هیچ گونه سهمیه‌ای برای خرید سهام نداشتند.

شرکت فرآوری زغال‌سنگ پرووده طبس با سرمایه ۱۸۰ میلیارد ریال به تولید کنسانتره زغال سنگ می‌پردازد و شرکت‌های تکادو، معدنجو و معادن منگنز ایران سهامداران عمده آن هستند.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۶۴۶۱۰/۳	۶۴۶۵۲/۵	۶۴۱۰۹/۵	۵۳۹/۶	۰/۸۴
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۲۸۸۵/۷	۲۸۹۳/۶	۲۸۶۲/۷	۲۳/۵	۰/۸۲
شاخص آزادشناور	۷۳۶۲۰/۲	۷۳۶۸۱/۷	۷۲۹۶۳/۳	۷۰۸/۷	۰/۹۷
شاخص بازاراول	۴۷۶۷۶/۵	۴۷۷۵۷/۹	۴۷۴۷۵/۳	۲۳۱/۹	۰/۴۹
شاخص بازاردوم	۱۲۶۵۴۸/۵	۱۲۶۵۴۸/۵	۱۲۴۴۵۶/۳	۲۱۵۵/۵	۱/۷۳
شاخص صنعت	۵۳۸۹۵/۵	۵۳۹۵۸/۵	۵۳۶۳۹/۷	۲۸۳/۱	۰/۵۳

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (شنبه۲۳/۱۲/۹۳)

مجموع حجم معاملات	۸۸۰/۹۳۵/۴۰۹ سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۸۰۸/۱۴۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۳۹۵۵ معامله
ارزش بازار	۲/۸۸۸/۷۲۹ میلیارد ریال

بازگشایی پاکت های مزایده ۲ شرکت دولتی

سازمان خصوصی سازی اعلام کرد: پاکت های مزایده دو شرکت دولتی در مزایده اخیر سازمان خصوصی سازی بازگشایی شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان خصوصی سازی؛ پاکتهای مزایده ۷۷/۲۲ درصد سهام شرکت مجتمع آلومینیوم‌المهدی شامل یک میلیارد و ۲۵۲ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۲۰۹ سهم و دارایی‌های طرح آلومینیوم هرمزال در سازمان خصوصی سازی بازگشایی شد. بیشترین پیشنهادات برای این شرکتها به ترتیب ۳ هزار و ۵۵ میلیارد و ۷۸۲ میلیون و ۲۳۸ هزار و ۶۱۴ ریال و ۶ هزار و ۲۳۸ میلیارد و ۱۸۳ میلیون و ۱۷۴ هزار ریال بود. بر اساس این گزارش؛ قیمت کل پایه تعیین شده برای بلوک ۷۷/۲۲ درصدی سهام شرکت مجتمع آلومینیوم المهدی و دارایی‌های طرح آلومینیوم هرمزال برای این مزایده به ترتیب ۲ هزار و ۹۰۷ میلیارد و ۴۹۹ میلیون و ۷۵۱ هزار و ۲۹۸ ریال و ۵ هزار و ۹۳۵ میلیارد و ۴۷۴ میلیون ریال تعیین شده بود.

اوراق پاداش سهام وحمایت از سرمایه گذاران حقیقی

سیاست راه اندازی اوراق پاداش سهام، بیش از آنکه کلان بازار را تحت تاثیر قرار دهد می تواند با ایجاد تقاضا فشار برای فروش را کاهش دهد این اوراق عمدتا با هدف حمایت از سرمایه گذاران حقیقی اجرا می شود و عاملی برای بهبود شرایط سرمایه گذاری است.

مدیرعامل تامین سرمایه امین، معرفی شاخص های جدید به ویژه شاخص قیمتی در بازار را اقدامی مثبت و در راه تسهیل شرایط برای تصمیم گیری سرمایه گذاران و متغیری مورد استفاده در پژوهش‌های اقتصادی دانست.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سرمایه، علی سنگینیان با بیان اینکه تنوع شاخص ها در بازار سرمایه یک گام مناسب محسوب می شود، گفت: هرچه تعداد شاخص ها در بازار بیشتر شود بهره برداری و استفاده از این متغیر، امکان تصمیم‌گیری را برای سرمایه گذاران تسهیل‌تر می کند، ضمن اینکه قرار نیست همه سرمایه گذاران با دیدگاه‌های متفاوت براساس روند یک شاخص تصمیم بگیرند.

وی با تاکید بر اینکه، تنوع شاخص‌ها علاوه بر تسهیل در تصمیم‌گیری زمینه ابزاری سازی در شاخص را فراهم می کند، تصریح کرد: متاسفانه عمده تصمیم‌گیری ها براساس روند شاخص است، این درحالی است که شاخص برایند عکس العمل تصمیم سرمایه گذاران است.

سنگینیان خاطرنشان کرد: در صورتی که دیدمان به شاخص را بهتر کنیم و به دنبال کارایی اصلی باشیم؛ معرفی شاخص های جدید به ویژه شاخص قیمتی که به نوعی روند قیمت را به صورت میانگین نشان می دهد کمک زیادی به محاسبات بازار و همچنین پژوهش‌های اقتصادی خواهد کرد.

مدیرعامل تامین سرمایه امین در مورد راه اندازی اوراق پاداش سهام، گفت: این قبیل سیاست ها بیش از آنکه کلان بازار را تحت تاثیر قرار دهد می‌تواند با ایجاد تقاضا فشار برای فروش را کاهش دهد.

وی افزود: این اوراق عمدتا با هدف حمایت از سرمایه گذاران حقیقی اجرا می شود و عاملی برای بهبود شرایط سرمایه گذاری است.

سنگینیان در مورد تاثیر بودجه ۹۴ بر بازار سرمایه با تاکید بر اینکه، دولت بایستی به واسطه کاهش درآمدهای نفتی وجه بیشتری را به بخش خصوصی داشته باشد، افزود: حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت یا اتکا کمتر به نفت می تواند فرصت مناسب را به منظور ارتقا سهم تعداد بسیاری از بنگاه های بخش خصوصی فراهم کند.

مدیرعامل تامین سرمایه امین اظهار داشت: بخش خصوصی تا زمانی که سهم کمی از بازار را داشته باشد، از توان رقابت پذیری در عرصه بین المللی برخوردار نیست و نمی تواند بحران ها و شوک های احتمالی را تحمل کند.

وی تصریح کرد: اگر فرآیند سیاست خصوصی سازی که در سال اخیر از سوی دولت پیگیری شده تکمیل شود علاوه بر تقویت بخش خصوصی، باعث افزایش و رشد پتانسیل های موجود در این بخش خواهد شد.

سنگینیان برداشته شدن محدودیت‌های بین المللی را یکی از ارکان این رشد برشمرد و گفت: استراتژی کنونی دولت در بحث مذاکرات و جدیت در این موضوع نکته مهمی است که به تدریج شاهد تاثیرات مثبت آن خواهیم بود.وی با اشاره به کاهش یک درصدی رشد تولید در سال های ۹۰ تا ۹۲، تصریح کرد: با توجه به اینکه میانگین رشد اقتصادی کشور در یک دهه اخیر به چهار درصد می‌رسد اگر به گونه‌ای عمل شود که اهدافی مانند تحقق رشد ۸ درصدی در اقتصاد طبق سند چشم انداز و سایر برنامه های توسعه ای کشور دنبال شود، ظرفیت های از دست رفته در اقتصاد جبران می شود.

خبر دیگری از بازار سرمایه حاکیست که شاخص کل بورس در آخرین روز هفته گذشته به قله ۶۴ هزار واحدی برگشت در عین حال ارزش معاملات تا حدود دو برابر رشد کرد.

در جریان معاملات فوق طی ۲۸ هزارو ۸۲۵ نوبت معاملاتی بیش از ۸۳۰ میلیون و ۵۹۳ برگه سهام و حق تقدم به ارزش ۱۷۲ میلیارد و ۱۸۶ میلیون تومان شاخص کل ۲۱۷,۹۳ واحد رشد کرد.

به گزارش ایرنا، شاخص کل با رشد ۲۱۷/۹۳ واحدی به ارتفاع ۶۴ هزار و ۷۰ واحدی برگشت. شاخص قیمت (وزنی – ارزشی) هم با رشد ۹۴/۷۰ واحدی معادل ۰/۳۴ درصد رشد کرد و به ارتفاع ۲۷ هزار و ۸۳۴ واحدی رسید.

بیشترین تأثیر مثبت را برای سومین روز متوالی نماد شرکت هلدینگ خلیج فارس با رشد ۷۹/۲۶ واحدی داشت و پس از آن نماد شرکت گسترش نفت و گاز پارسیان با رشد ۵۳/۰۳ واحدی در مرتبه دوم تأثیر مثبت بر شاخص قرار گرفت اما نماد شرکت گل گهر با افت ۴۱/۰۵ واحدی بیشترین تأثیر منفی را بر شاخص کل داشت.

در این بین، گروه خودرو همچنان برترین گروه صنعت بود.این گروه طی ۶۴۰۷ نوبت معاملاتی بیش از ۶۲ میلیون و ۴۸۶ هزار برگه سهم به ارزش ۱۱۸ میلیارد و ۴۷۸ میلیون ریال در صدر فهرست برترین گروه های صنعت قرار گرفت.

بیشترین افزایش قیمت را نماد شرکت نورد آلومینیوم با رشد ۴ درصدی داشت و بیشترین کاهش قیمت با بازگشایی نماد شرکت قند نقش جهان با افت ۴/۴۶ درصدی رقم خورد.برترین تقاضا با صف خرید بیش ازیک میلیون و ۶۷۸ هزاری برای نماد تولید محور خودرو ثبت شد و مانند روزهای گذشته نماد شرکت های پتروشیمی فناوران و حفاری شمال در صدر برترین تقاضا قرار گرفتند.

بیشترین ارزش و حجم معاملات با معامله بیش از ۱۸۸ میلیون و ۳۴ هزار برگه سهم به ارزش ۲۸۵ میلیارد و ۸۱۱ میلیون ریال برای حق تقدم گسترش نفت و گاز پارسیان رقم خورد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۰۱۶	۲۶۳
ح . توکافولاد(هلدینگ	۲۷۸	۲۰
مس شهیدباهنر	۱,۵۵۹	۹۱
ح . سخت آژند	۲,۶۰۰	۱۳۳
ح . سخت آژند	۲,۵۹۰	۱۲۳
ح . پارس سرام	۱,۶۵۰	۵۸
بانک ملت	۲,۰۵۶	۷۹
گروه‌بهمن	۲,۰۹۲	۸۰
ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۱۲۰	۸۱
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۵۰۹	۹۵
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۳,۲۲۸	۱۲۴
بانک صادرات ایران	۷۶۸	۲۹
بانک صادرات ایران	۷۶۸	۲۹
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۱۴۸	۴۴
مهرکام‌پارس	۱,۸۷۲	۷۲
الکتریک خودرو شرق	۱,۶۸۵	۶۴
افست	۱۲,۸۵۱	۴۹۴
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۳۴۷	۹۰
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۹۸۴	۳۱۲
بانک تجارت	۸۴۰	۳۲
بانک انصار	۲,۲۸۸	۸۸
چرخشگر	۲,۱۶۶	۸۳
گروه‌بهمن	۲,۰۹۲	۸۰
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۵۵۳	۹۸
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۶۴۳	۶۳
چینی ایران	۲,۳۶۸	۹۱
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۲,۵۸۵	۴۸۴
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۳۴۹	۵۱
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۱۶۷	۸۳
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۸۹۹	۱۱۱
ایران خودرو	۲,۶۲۴	۱۰۰
زامیاد	۱,۵۵۸	۵۹
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۳۵	۴۳
پست بانک ایران	۱,۵۳۵	۵۹
بانک ملت	۲,۰۵۶	۷۹
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۹۹۵	۱۱۵
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۸۶۱	۷۱
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۰۹۱	۲۳۴
فراورده های نسوزایران	۹,۷۶۷	۳۷۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۸۵۱	۱۸۶
تراکتورسازی‌ایران	۴,۴۴۴	۱۷۰
صنایع لاستیکی سهند	۴,۸۸۰	۱۸۷
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۸۱۶	۱۰۸
ایرکا پارت صنعت	۵,۲۶۰	۲۰۲
بیمه دانا	۱,۴۲۶	۵۴
سرمایه‌گذاری‌ملت	۵۹۴	۲۲
لیزینگ‌ایران	۲,۳۰۰	۸۸
شیشه همدان	۵,۵۲۰	۲۰۵
سایپا دیزل	۱,۰۳۴	۳۹
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۷۳۵	۶۶
تکنوتار	۱,۷۰۶	۶۵
رادیاتور ایران	۵,۸۸۴	۲۲۶
پلاسکوکار	۱,۲۶۱	۴۸
لیزینگ رایان سایپا	۱,۹۵۶	۷۵
ح . گروه صنعتی بارز	۳,۳۴۰	۱۴۰
پلی‌اکریل	۱,۳۹۹	۴۹
ایران خودرودیزل	۷۶۹	۲۹
رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۳۷۳	۹۱
داده‌پردازی‌ایران	۱,۶۷۳	۶۴
بانک کارآفرین	۲,۲۲۳	۸۵
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۱۳۵	۴۳
قطعات اتومبیل ایران	۳,۳۸۶	۱۲۹
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۸۶۰	۹۷
بانک پاسارگاد	۱,۶۴۵	۶۳
تولیدموادا‌ولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۶۹۴	۷۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۵,۹۳۳	۲۲۸
کربن ایران	۲,۵۳۰	۱۹
ایران ترانسفو	۸,۵۵۹	۲۹۰
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۵۹۵	۶۱
صنایع آذرآب	۲,۹۷۴	۱۱۴
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۸۹۴	۷۲
شیشه و گاز	۴,۱۳۰	۱۵۴
سایپا	۱,۳۵۶	۵۲
بین المللی محصولات پارس	۶,۲۸۰	۲۴۱
صنایع کاغذسازی‌کاوه	۱۴,۵۹۹	۴۸۵
کارتن ایران	۳,۴۰۰	۱۰۸
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۳۸۹	۵۳
سامان گستراصفهان	۱,۶۵۹	۶۳
کمباین سازی ایران	۱,۰۶۰	۳۱
صنعتی بهشهر	۷,۵۰۰	۱۶۶
سرمایه گذاری شاهد	۱,۴۱۷	۵۴
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۰۷۸	۷۹
نیرو محرکه	۱,۸۹۳	۷۲
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۵۵۰	۲۳۰
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۴۰۱	۲
دوده صنعتی پارس	۲,۸۸۴	۱۱۰
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۷۴۴	۱۰۵
فنرسازی‌خاور	۲,۸۰۵	۱۰۷
لیزینگ ایرانیان	۱,۷۸۰	۱۶
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۵۸۰	۹۹
ح. گسترش نفت و گاز پارسیان	۱,۷۱۱	-۲

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
تولیدمحورخودرو	۲,۲۸۰	-۱۰
بیمه البرز	۱,۱۶۰	۱۲
بانک‌اقتصادنوین	۱,۹۸۰	۷۶
شکرشاهرود	۱,۲۳۸	۲۰
بیمه آسیا	۱,۲۸۱	۴۹
آبسال	۳,۳۱۰	۳۹
سیمان تهران	۲,۵۹۱	۴۸
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۳,۷۵۵	-۶۰
پمپ سازی ایران	۳,۰۰۲	۴۷
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۵۴۷	۱۳
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۰۱۴	۲۳
ح . سیمان کرمان	۱,۷۰۰	۲
گروه دارویی سبحان	۶,۵۰۰	۱۹۷
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۴۷۵	۲۹
سرمایه گذاری دارویی تامین	۴,۶۸۳	۱۸۰
پشم‌شیشه‌ایران	۶,۲۲۱	۶۰
شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۹,۹۹۰	۳۱۷
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۲۳۹	۲۷
سخت آژند	۴,۳۸۰	۱۵۲
بانک سینا	۱,۲۸۱	۴۹
فیبر ایران	۳,۴۸۷	۱۳۴
لبنیات پاک	۴,۵۳۰	۴۷
فنرسازی‌زر	۱,۹۸۵	-۲
گسترش نفت و گاز پارسیان	۲,۸۴۰	۹
کشت و صنعت چین چین	۵,۱۵۵	۱۹۶
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۱۹۰	-۱۷
گروه صنعتی پاکشو	۹,۶۳۰	۲۱۷
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۵,۴۴۵	۱۸۵
ایران مرینوس	۱۱,۴۵۸	۴۴۰
داروسازی ابوریحان	۲۵,۰۰۰	۲۲۱
نفت سپاهان	۹,۸۲۸	۲۴۲
لعابیران	۲,۰۶۴	۱۶
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۰۵۰	-۲
قند نیشابور	۱,۰۰۴	۷
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۳۲۰	۳۴
سیمان کارون	۵,۰۰۹	۴۲
نورد آلومینیوم	۸,۰۱۱	-۱۳۰
مخابرات ایران	۲,۵۳۵	۱۴
گروه مپنا (سهامی عام)	۷,۰۰۱	۴۲
پارس سرام	۳,۵۶۲	۱۳۷
کاشی سعدی	۲,۶۵۵	۱۰۲
سیمان فارس و خوزستان	۱,۸۶۳	۴۵
تهران شیمی	۱۹,۷۳۰	۷۵۸
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۰۱۰	۱۱
پارس دارو	۲۹,۶۵۰	۲۲۷
داروسازی سینا	۱۴,۰۰۰	۴۹
سیمان کرمان	۴,۴۶۲	-۸
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۶,۴۳۵	۹۸
داروسازی امین	۲,۸۲۰	۵۵
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۲۰۰	۳
صندوق س. پاداش سهامداری توسعه۱	۱۰,۰۳۱	۲۶
صندوق شاخص۳۰ شرکت فیروزه– سهام	۹,۸۵۰	۳۳
سازه پویش	۲۱,۷۶۹	۷۴۴
توسعه معادن روی ایران	۱,۶۰۱	۱۲
سیمان شمال	۲,۳۷۵	۹۱
قند لرستان	۱۷,۰۲۱	۱۸۴
داروسازی روزدارو	۴,۷۱۲	۱۸۱
داروسازی جابرابن‌حیان	۸,۱۸۲	۲۱
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۷۴۰	۳۶
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۱۰۹	۱۱
ملی صنایع مس ایران	۱,۷۴۰	۴۲
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۴۰۰	۲۸
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۴,۸۰۰	-۳۳
دشت مرغاب	۸,۰۵۰	۳۰۹
دارویی لقمان	۴,۲۵۰	۱۳۶
سیمان داراب	۱,۷۹۹	۴۷
ایران‌دارو	۵,۷۰۵	-۲۷
لامیران	۲,۹۰۱	-۲۰
گروه صنعتی بارز	۶,۰۲۴	-۴
داروسازی اسوه	۱۶,۴۸۵	۳۹۲
دارویی رازک	۲۸,۵۷۲	-۶۶۱
معدنی املاح ایران	۱۱,۲۴۳	۲۴۵
داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷,۷۷۰	۱۷۴
سرما آفرین	۳,۲۰۰	۳۹
خدمات‌انفورماتیک	۱۱,۵۷۰	۲۷۶
معادن‌منگنزایران	۲,۰۹۶	۸۰
قندهکمتان	۲,۲۶۳	۶۴
نیروترانس	۵,۰۹۹	۱۰۳
نساجی بروجرد	۲,۶۰۷	۱۰۰
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۸,۸۰۰	-۸۴
شهد ایران	۱,۹۶۸	-۱
سالمین	۲,۹۴۰	-۱۲۲
توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۳,۳۳۶	-۱۳۸
صنایع سیمان دشتستان	۲,۳۶۰	-۹۸
بیسکویت گرجی	۳,۴۲۰	۱۹
ح . لعابیران	۹۲۰	۰
داروپخش (هلدینگ	۱۳,۸۰۰	۱۹۱
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲,۸۳۷	۳
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۳۰۰	۶
سیمان‌سپاهان	۱,۲۰۸	-۴
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۵۰۰	۰

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
نفت بهران	۱۲,۶۲۲	۰
سیمان ایلام	۷,۰۹۹	-۲۹۵
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۶,۸۸۹	-۲۸۷
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۹۸۲	-۹۵
نفت پارس	۱۳,۱۷۳	-۵۴۸
پتروشیمی خارک	۱۶,۱۹۰	۱۰۱
سیمان قائن	۳۵,۵۴۳	-۱۴۸۰
صنایع شیمیایی فارس	۴,۷۸۸	-۱۹۹
سیمان صوفیان	۴,۱۳۱	-۱۷۲
تولیدی‌مهرام	۷,۸۵۱	-۳۱۸
پتروشیمی فناوران	۲۵,۸۱۲	-۱۰۷۵
پارس‌سویچ	۳,۶۷۹	۶۹
کابل البرز	۲,۸۲۶	-۱۱۷
تجارت الکترونیک پارسیان	۲,۹۱۰	۱۵
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین–مختلط	۱۱,۳۰۰	۴۲
داروسازی‌زهراوی	۴۶,۰۰۰	-۱۵۲۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۷۷۰	-۴۷
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۶۸۶	۰
کاشی پارس	۶,۷۲۰	۷
گلوکوزان	۴۱,۲۸۱	-۱۷۲۰
نفت بهران	۱۲,۴۹۲	-۱۳۰
پتروشیمی پردیس	۱۵,۶۰۰	-۳۱۸
کارت اعتباری ایران کیش	۲,۸۰۰	-۲۱
پتروشیمی‌فارابی	۷,۹۰۰	-۲۰۰
کارخانجات‌داروپخش	۴,۸۲۴	-۷۴
سیمان شرق	۱,۱۹۸	۶
البرزدارو	۱۱,۸۰۳	-۹۴
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۲,۲۴۴	-۹۳
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳,۳۴۷	-۱۱۹
فولاد آلیاژی ایران	۲,۱۷۶	-۳۱
درخشان تهران	۳,۱۷۶	-۱۳۲
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۰۸۰	-۱
سرمایه گذاری پردیس	۹۴۰	۶
داروسازی فارابی	۹,۴۰۱	-۳۱۸
پتروشیمی شازند	۵,۲۶۵	-۵
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۰۶	-۵۲
سیمان‌شاهرود	۳,۶۳۰	۱۰
شهد	۶,۳۰۱	-۱۳۶
صنعتی آما	۴,۴۴۶	-۱۸۵
معادن بافق	۳,۵۵۰	۳
بیمه ملت	۱,۹۲۰	-۷۳
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۰۴۵	-۲۷
پتروشیمی‌شیراز	۳,۳۰۰	-۵۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۹,۵۴۷	-۳۹۷
موتوژن	۵,۲۵۵	-۲۱۸
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۴۰۰	-۱۳
سیمان بهبهان	۳۱,۵۴۴	-۱۳۱۳
بیمه پارسیان	۱,۹۶۴	-۴۴
جام‌دارو	۱۱,۶۰۰	-۳۵۳
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳,۳۵۰	-۶۶
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۵۳۵	-۳۲
گروه‌صنعتی‌بوتان	۳,۱۴۹	۴۹
سیمان کردستان	۱,۹۲۹	-۸۰
پارس مینو	۳,۱۷۶	۵۰
معدنی و صنعتی گل گهر	۳,۶۵۵	-۱۵۱
پاکسان	۳,۲۵۰	-۶۱
فروسیلیس ایران	۲,۴۵۲	-۱۰۲
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲,۷۳۲	۵
قند ثابت خراسان	۱,۰۱۱	۱۸
شیمی دارویی داروپخش	۶,۹۴۴	۱۰۳
پتروشیمی آبادان	۳,۲۳۸	-۱۳۴
سیمان‌غرب	۴,۱۱۱	-۲۱
داروسازی اکسیر	۹,۳۳۹	-۸۰
نیروکلر	۳,۷۷۰	-۱۰۲
سیمان‌هگمتان	۴,۱۵۰	۹۳
کالسیمین	۲,۶۱۰	-۱۵
قنداصفهان	۲,۷۷۰	-۸۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۸,۰۹۰	-۱۳۱
نوردوقطعات فولادی	۳,۸۰۰	-۸۷
ایران‌ارقام	۲,۴۴۵	-۶۶
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۷,۸۶۰	-۲۳۲
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۲,۳۸۰	-۵۸
داروسازی کوثر	۴,۳۸۹	-۵۵
سیمان خزر	۴,۱۵۲	-۱۷۲
فولاد مبارکه اصفهان	۱,۸۸۰	-۴۵
آلومینیوم‌ایران	۶,۷۲۰	-۹۷
باما	۸,۰۵۱	-۱۴۴
کاشی وسرامیک حافظ	۳,۱۷۹	-۱۳۲
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۸,۱۴۴	-۳۳۹
کیمیدارو	۶,۸۳۰	-۱۲۳
قند مرودشت	۲,۱۱۶	-۷۴
بهنوش ایران	۴,۱۲۸	-۲۲۳
تایدواترخاورمیانه	۵,۰۱۰	-۷۲
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۲۰	-۳۷
کارخانجات قند قزوین	۱,۸۷۵	-۷۵
گلتاش	۹,۵۵۹	-۳۹۸
سیمان فارس نو	۵,۷۰۰	-۸
پتروشیمی‌شیراز	۳,۲۲۴	-۱۳۴
فولاد خوزستان	۴,۳۷۰	-۶۶۵
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین–مختلط	۱	-۱۱۲۵۷

اخبار کوتاه شهرستان

اهدای خون در دانشگاه آزاد واحد لنجان

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰۰ واحد خون سالم با همت کانون دانشجویی هلال‌احمر دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان و با استقرار واحد سیار سازمان انتقال خون استان اصفهان در این واحد و با کمک و حضور فرماندار، شهردار، مردم و مسئولان خیر لنجان به بیماران نیازمند اهدا شد.دکتر محسن امینی خوزانی، رئیس دانشگاه آزاد واحد لنجان و یکی از اهداکنندگان خون گفت: یکی از سیره‌های عملی زندگی حضرت زینب(س) پرستاری و دستگیری از حال بیماران و درماندگان بود که در طول حیات برکت ایشان باعث تأثیرگذاری بسیار شخصیت این بانوی بزرگ در تاریخ اسلام شد و اهمیت نقشی حضرت را در رساندن پیام حسینی و پرستاری و حمایت از امامت بی‌بدیل کرد.

پیوند سلول‌های غضروفی در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: پیوند سلول‌های غضروفی برای درمان ضایعه غضروفی زانو در کرمان انجام شد.

مدیر اجرایی آزمایشگاه پژوهش و کاربرد سلول‌های بنیادی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، گفت: برای نخستین بار این پیوند با استفاده از داربست و روکش فیبرینی استخراج شده از خون خود بیمار در کرمان انجام شد. دکتر فارسی‌نژاد افزود: این عمل جراحی با همکاری مرکز سلول‌های بنیادی گروه پاتولوژی و گروه ارتوپدی دانشگاه در بیمارستان شفا کرمان بر روی بیمار سی‌ساله‌ای انجام شد.به گفته وی، پیوند غضروف در کشور انجام می‌شود اما استفاده از تکنولوژی مهندسی بافت و کاربرد مواد زیستی تجزیه‌پذیر از خون بیمار برای نخستین بار انجام شد.

تولید خوراک کامل دام در نیشابور

نیشابور– خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره تولیدات دامی مدیریت جهاد کشاورزی نیشابور گفت: نیشابور صادرکننده بلوک خوراک کامل دام به سراسر کشور است.

مهندس جعفر مسلمی افزود: نیشابور جزو شهرستان‌های پیشتاز در تولید این محصول در استان و کشور است و هم‌اکنون خوراک کامل دام در یک شرکت تولیدی خوراک دام تهیه و توزیع می‌شود.وی با بیان این‌که پروژه بلوک خوراک دام مخصوص گوسفند و گاوهای پرواری و شیری است،گفت یک بلوک خوراک کامل دام به وزن حدود ۲۶ کیلوگرم، نیازهای غذایی روزانه یک راس دام را به خوبی تأمین می‌کند.وی افزود: این محصول، خوراک کاملی متشکل از یونجه، کاه، ذرت علوفه‌ای و کنسانتره است که به‌دلیل سهولت در حمل و نقل و انبارداری، صرفه‌جویی در نیروی کار، جلوگیری از ریخت و پاش علوفه، تامین متوازن و یکنواخت مواد غذایی موردنیاز دام با استقبال واحدهای دامداری مواجه شده است.

دستگیری سارقان احشام عشایر در پلدختر

پلدختر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس پلدختر از به دام‌افتادن سارقان احشام در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ رضا داودی گفت: سارقان که در منطقه عشایری «درّه کی» اندیمشک با یک دستگاه وانت نیسان اقدام به سرقت ۱۷ رأس احشام کرده بودند توسط مأموران انتظامی پاسگاه «پل تنگ» پلدختر به دام افتادند.وی افزود: مأموران انتظامی در این ارتباط سه سارق را دستگیر و به مرجع قضایی شهرستان معرفی کردند.وی همچنین از کشف و ضبط دو محموله قاچاق کالا در محور پلدختر ـ خرم‌آباد خبر داد و افزود: مأموران انتظامی شهرستان پلدختر در بازرسی از دو دستگاه خودرو در محور پلدختر ـ خرم‌آباد مقادیری کالای قاچاق به ارزش ۱۹۸ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال کشف و ضبط کردند.

برگزاری دوره تخصصی تربیت نخبگان فرهنگ و هنر در اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: دوره تخصصی تربیت نخبگان فرهنگ و هنر با پذیرش ۲۵۰ نفر از ۷۷۰ درخواست از ۱۶دانشگاه استان اصفهان، در مجتمع فرهنگی ـ هنری فرشچیان برگزار می‌شود.

دکتر قلمکاریان، مدیرمجتمع فرهنگی ـ هنری فرشچیان با بیان این مطلب افزود: همه ۲۵۰ نفر در گروه‌های ۱۰ نفری ساماندهی و تقسیم شده‌اند و هدف از برگزاری این دوره تعالی هنر اسلامی در جامعه است. به گفته وی پس از برگزاری این دوره همه ایده‌ها و فکرهای فاخر در شورای شهرک علمی و تحقیقاتی مصوب می‌شود تا آن را به تولید هنری تبدیل کنیم. او از تاسیس انجمن ادبی در این مرکز خبر داد و افزود: با آغاز فعالیت این انجمن شاهد انسجام و هماهنگی انجمن‌های ادبی مختلف شهر اصفهان و در کل احیای آنچه درگذشته داشته‌ایم، خواهیم بود.

تبریز؛ مقصدی مناسب برای گردشگران اروپایی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: تبریز با توجه به قرارگرفتن در مسیر جاده ریلی و ترانزیتی ایران ـ اروپا و داشتن فرودگاه بین‌المللی می‌تواند مقصد مناسبی برای گردشگران اروپایی به خصوص فرانسوی باشد.

مطلب بالا را صادق نجفی شهردار تبریز در دیدار با هیأت گردشگری فرانسه اعلام کرد و افزود: زیرساخت‌های لازم برای این اقدام آماده است و از هر گونه فعالیت برای جذب توریست حمایت می‌کنیم.

نجفی با اشاره به آب و هوای مناسب و معتدل تبریز گفت: شرایط آب و هوایی به صورتی است که در اکثر روزهای سال می‌تواند مقصد گردشگری از شهرهای ایران و حتی کشورهای خارجی باشد.

نجفی با ارائه گزارشی درباره توسعه یافتگی شهر تبریز و همچنین توسعه زیرساخت‌های شهری در این کلانشهر گفت: شهرداری تبریز و سازمان توسعه گردشگری شهرداری آماده است بر اساس برنامه‌های اعلامی تورهای خارجی تمهیدات و تسهیلات لازم برای ارائه به گردشگران در این شهر را به آنان ارائه کند.

شهردار تبریز با اشاره به وجود هتل‌های مناسب و خوب در تبریز و همچنین ساخت چندین هتل مدرن دیگر در این شهر

گفت: بر این باور هستم مجموعه تورگردانان فعال برای اعزام تور به تبریز اقدام به برگزاری تورهای گردشگری کنند.

در این نشست، مدیران عامل شرکت‌های گردشگری فرانسوی آمادگی خود را برای برگزاری تورهای گردشگری از پاریس به تبریز اعلام کردند و بر ضرورت استانداردسازی زیرساخت‌های گردشگری استان و تبریز با توجه به استانداردهای جهانی گردشگری تأکید کردند.

کشت تاغ در ۱۰ هزار هکتار نیازمند مدیریت جهادی است

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: نیاز به کاشت تاغ در ۱۰ هزار هکتار داریم تا از توسعه کریدور فرسایشی برخوار ـ تالاب گاوخونی جلوگیری شود و استان اصفهان همه منابع مالی آن را تأمین خواهد کرد و باید در یک تصمیم شجاعانه مدت ۲ سال پساب استان را به آبیاری این تاغزار اختصاص می‌دهیم در حالی که این پساب امروز در دست بسیاری از نهادهای دولتی است.

دکتر زرگرپور استاندار اصفهان با بیان این مطلب افزود: اعتبارات استانی ۹۵ درصد تخصیص یافته که این در ۱۰ سال گذشته سابقه نداشته و این در حالی است که ۷۵ درصد اعتبارات ملی ـ استانی به استان اختصاص داده شده که جمع کل این اعتبارات ۶۲۸ میلیارد تومان است.

او با اشاره به اینکه شاهد کاهش ۲۵ درصدی میزان بارش در استان هستیم، افزود: متأسفانه این رقم در مرکز و شرق اصفهان تا ۵۰ درصد می‌رسد.

به گفته وی میزان بارش برف در سرشاخه زاینده رود یک سوم میزان متوسط بوده است که این امر می‌تواند بر رژیم آبی و وضع سد زاینده رود تأثیر گذار باشد و نشان می‌دهد بر روی خط ریسک حرکت می‌کنیم.

استاندار اصفهان با تأکید برا اینکه طرح کاهش ۲۰ درصدی مصرف آب آشامیدنی را در دست اجرا داریم، اضافه کرد: برای اجرای این طرح ۲ اقدام مهم یعنی ایجاد مخازن استراتژیک و نصب سیستم کاهنده مصرف آب در نهادهای دولتی و خصوصی و اجرایی و واحدهای مسکونی را در دست انجام داریم.

دکتر زرگرپور با تأکید بر اینکه از پلمب مشعل‌های مازوت‌سوز نیروگاه‌ها یکسال گذشت و هیچ اتفاق ناگوار در مسیر خدمت‌رسانی نیفتاده است، گفت: بنا به آمار مسئولان امسال ۲ میلیارد لیتر مازوت کمتر نسبت به پارسال استفاده شده است که نشان از افزایش سلامت هوای استان دارد و مؤید آن، اینکه امسال ۵۲ روز بیشتر از پارسال روزهای سالم داشته‌ایم.

او با اشاره به اینکه در استان ۳ کریدور فرسایش خاک و باد وجود دارد، افزود: اصلی‌ترین محور از برخوار تا تالاب گاوخونی به مساحت ۲۵۰ هزار هکتار است و چاره‌ای نداریم که تا ۳ سال آینده جلو توسعه این کریدور فرسایش را بگیریم و گرنه ضرر آن نه تنها به اصفهان بلکه تا شعاع ۱۵۰ کیلومتری خواهد رسید و برای تحقق آن نیاز به کاشت تاغ داریم که برای این کار یا نیاز به آب زیاد و یا استفاده از پساب داریم.

به گفته وی برای کاشت تاغ در ۱۰ هزار هکتار نیازمند مدیریت جهادی و استفاده از ظرفیت مردم منطقه هستیم.استاندار اصفهان با بیان اینکه کوره‌های آجر فعال در این کریدور بدترین بلا را بر سر این سرزمین آورده است، افزود: این کوره‌ها خاک طلا را تبدیل به خشت بی‌ارزش می‌کنند و می‌گویند شغل ایجاد کرده‌ایم که باید از آنها پرسید، شغل برای اتباع خارجی غیرمجاز ایجاد شغل است؟

او در پاسخ به این سؤال که برخی می‌گویند بازشدن آب در بستر زاینده رود پشت پرده‌هایی دارد، افزود: بعضی با منازعات سیاسی و حاشیه‌سازی مسائل اصلی استان را به حاشیه می‌برند و حاشیه را در متن قرار می‌دهند و من همه این شایعات و حاشیه‌ها را می‌شنوم، اما هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهم چون حیف است وقتی که می‌شود به حل مشکلات اختصاص داد به این موضوع پیش پا افتاده گذراند و در ضمن من هیچ پرده‌ای نمی‌بینم که پشت آن چیزی وجود داشته باشد.

او با تأکید بر اینکه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از بدو آغاز فعالیت گفت: به دنبال فردی استخوان‌دار در شأن فرهنگ اصفهان هستم تا او را به عنوان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی کنم یادآور شد: زمان مسئولیت مدیر فعلی فرهنگ و ارشاد اسلامی استان به پایان رسیده است و گزینه‌هایی که در استان برای تصدی این مسئولیت شایعه شده است درست نیست چون هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌اند زیرا انتخاب فردی برای این مسئولیت بسیار سخت است زیرا باید فارغ از هر گونه گرایش سیاسی فردی انتخاب شود که در حد و قامت فرهنگ اصفهان باشد.

افزایش موقوفه‌ها در کردستان

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان کردستان با بیان این‌که بحث گسترش موضوع مباحث قرآنی در وقت در بسیاری از موارد مورد غفلت واقع شده است گفت: سوق‌دادن موقوفات و عواید حاصل از آن به سمت فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در کردستان از اولویت‌های کاری این اداره کل است و این درحالی است که بیش از ۹۰ درصد نیّات واقفین در این استان به مساجد اختصاص دارد.

سلمان روحی با تأکید براین‌که درحال حاضر کردستان به موقوفه‌های قرآنی نیاز دارد افزود: برنامه‌ریزی‌هایی برای این‌که نیات واقفان به سمت موقوفات قرآنی هدایت شود صورت گرفته است و به نتایج این فعالیت‌ها خوش‌بین هستیم و انتظار می‌رود در آینده شاهد تحرکات خوبی در این رابطه باشیم.

وی در ادامه از اجرای طرح «آرامش بهاری» در اماکن متبرکه کردستان در طول تعطیلات نوروز ۹۴ و آماده‌سازی این اماکن برای اسکان مسافران نوروزی خبر داد و اظهار داشت: هفت امامزاده آماده اجرای این طرح شده‌اند و باتوجه به وجود ۱۵۰۰ رقبه، ۲۰۰۰ مسجد و ۱۷۰ امامزاده و اماکن متبرکه و مذهبی در کردستان انشاءالله اجرای طرح آرامش بهاری گام مهّمی در نوروز ۹۴ برای افزایش تعداد گردشگران در کردستان باشد.

وی در ادامه به تشریح رئوس فعالیت‌های این اداره کل در بخش‌های مختلف، پرداخت

«سلمان روحی» در ادامه سخنان خود به وضع استان کردستان در حوزه وقف اشاره کرد و اظهار داشت: تعداد وقف‌های جدید در استان کردستان امسال نسبت به پارسال از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و این نشانه توجه مردم استان به بحث خیرات است.

وی با تشریح جزئیات اجرای «طرح ملی تربیت حافظان قرآن در کردستان» همزمان با سراسر کشور افزود: از ۱۸ هزار نفر که در این استان ثبت‌نام کرده‌اند حدود ۶۰۰۰ نفر توسط ۱۷۰ مربی قرآن درحال آموزش هستند.

شناسایی معلولان پلدختری در طرح CBR

پلدختر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره بهزیستی پلدختر گفت: ۱۵۰ معلول پلدختری در طرح موسوم به CBR شناسایی شده‌اند.

وی افزود: همچنین ۲۱۰۰ معلول در این شهرستان تشکیل پرونده داده و زیرپوشش این اداره قرار دارند.

فریدون شعاعی در جلسه شورای توانبخشی کمیته مناسب‌سازی، سی‌بی‌آر و ساماندهی متکدیان شهرستان پلدختر افزود: از این تعداد معلول زیرپوشش شهرستان ۱۵۰ معلول در طرح توانبخشی مبتنی‌بر جامعه CBR در اداره بهزیستی شناسایی و زیرپوشش قرار گرفته‌اند.وی گفت: توانبخشی یک سری خدمات هدفمند است که برای مدت محدودی به صورت حرفه‌ای به افراد نیازمند ارائه می‌شود و CBR از فعالیت‌های جدید و یک برنامه مشخص و منعطف و از پیش تعیین شده است که در حوزه توانبخشی تعریف و اضافه شده است.

وی هدف نهایی این طرح را ایجاد تغییر برشمرد و افزود: این طرح توسط معلولان، خانواده‌هایشان و داوطلبان جامعه محلی اجرا می‌شود.

رئیس اداره بهزیستی پلدختر گفت: توسعه یک سیستم کارآمد که بتواند همه افراد معلول را از لحاظ نیازمندی‌ها و آموزش تأمین کند از دیگر اهداف طرح CBR است.

«شعاعی» با بیان این‌که در مراکز توانبخشی ما ورود معلولان ما بالا است افزود: طرح CBR سه ماه است در این شهرستان آغاز شده است و در این‌زمینه جلساتی با دهیاران تشکیل شده و به آنان آموزش داده شده است.

وی کاهش پرونده‌ها، کمک‌های موردی نقدی و اهدا عصا را از فعالیت‌های اداره بهزیستی شهرستان پلدختر اعلام کرد و افزود: ۱۲۰ میلیون ریال اعتبار سه‌ماهه آخر امسال در بخش CBR در پلدختر جذب شده است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

دولت به فکر کارگران باشد

امیدوارم خبر مربوط به افزایش ۱۵ درصدی حقوق کارگران در سال آینده صحت نداشته باشد که اگر چنین شود، در حق این قشر عدالت رعایت نشده است. از دولت تدبیر و امید انتظار می‌رود بیش از این به فکر قشر کارگر باشد.

اسلامشهر ـ پرویز کهنسال

ضعف انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان

عملکرد ضعیف صنایع سیمان در سال ۹۳، نشانگر ناکارآمدی و ناتوانی ساختار انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان کشور است. ضرورت دارد دولت و مجلس اقدامی برای سامان دادن به وضعیت این انجمن انجام دهند.

علیرضا احمدی

بدون کارچاق کن‌ها کار پیش نمی‌رود!

متأسفانه فرایند انجام کار اداری در سازمان ثبت اسناد و املاک بسیار زمانبر است و بیشتر مراجعان در پیچ و خم امور، ناتوان می‌مانند و مجبور می‌شوند با پرداخت پول به کارچاق‌کن‌ها که اطراف سازمان پرسه می‌زنند، کار خود را پیش ببرند!

از مراجعان سازمان ثبت اسناد و املاک

شهرداری تذکر دهد

باغچه‌های مغازه‌های جلوی خیابان ملاصدرای شیرازی پر از ته سیگار و زباله‌های کوچک است. لطفاً شهرداری منطقه از مغازه‌داران بخواهد، باغچه‌ها را آب دهند و از ریختن ته‌سیگار و آشغال داخل آنها اجتناب ورزند.

از اهالی

چرا پاساژ توحید عقب‌نشینی نمی‌کند؟

۲۰ سال است که طرح عقب‌نشینی پاساژ توحید در منطقه ۱۹ تهران مطرح است، اما شهرداری اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهد. با عقب‌نشینی این پاساژ، ترافیک محل هم روان خواهد شد.

شهروند تهرانی

دلخوری از مأموران فرودگاه شیراز

به همراه ۲ خانم مهندس و پزشک که از یکی از کشورهای اروپایی به ایران آمده و میهمانمان شده بودند به شیراز سفر کردیم. همه چیز خوب بود و مردم آن شهر آنقدر میهمان‌نوازی کردندکه میهمانان‌ما متعجب شدند. فقط مأموران فرودگاه هنگام بازگشت با بازرسی چمدان‌های این دو میهمان موجب دلخوریشان شدند.

مسافر شیراز

خط ارتباطی: انجام وظیفه از سوی مأمورین قاعدتاً نباید موجب دلخوری کسی شود مگر اینکه خلاف قانونی صورت گرفته باشد

درمان من چیز دیگری بود

به دلیل درد مفاصل، به معروف‌ترین متخصصان ارتوپد، داخلی، رماتیسم و قلب مراجعه کردم که به ترتیب تشخیص بیماری نقرس، ریه، رماتیسم و آرتروز دادند و هر یک داروهایی تجویز کردند که دردم را تسکین نداد و معده‌ام را با مشکل مواجه کرد تا اینکه یک متخصص در آلمان دلیل بیماری‌ام را مصرف دارویی که سال‌ها برای قلب استفاده می‌کردم، تشخیص داد که با قطع دارو، مشکلم رفع شد. چرا علم پزشکی ایران به روز نیست و برخی متخصصان نمی‌توانند ساده‌ترین بیماری‌ها را تشخیص دهند؟

فریدون جوادی

چرا متولی سواحل مشخص نیست؟

بعد از چند سال پیگیری موضوع آزادسازی سواحل انزلی با اینکه همه ارگان‌های دولتی خواسته ما را به حق می‌دانستند، اما برای تحقق موضوع اقدامی موثر انجام ندادند تا جایی که برخی اشخاص و ارگان‌ها به خود اجازه دست درازی به سواحل را دادند. چرا دولتمردان، سیاستی برای استفاده بهینه از سواحل ندارند و اساساً چرا متولی سواحل مشخص نیست؟

هادی از بندرانزلی

پیامهای شخصی کد ۱۷۰۰

پیامهای شخصی ۲۰ گمشده

برگ سبز خودرو پراید مدل ۸۳ به رنگ مشکی به شماره شهربانی ۱۵۲ د ۸۲ ایران ۶۶ و شماره موتور ۰۰۶۴۲۸۶۹ به مالکیت محمدمهدی وکیلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز ماشین سواری سیستم پیکان به شماره انتظامی ۳۳۸ج۳۶ ایران ۷۹ به شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۵۷۷ و شماره شاسی ۸۰۴۵۸۷۰۱ بنام فیض اله کریمی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

پروانه ساختمان مسکونی آقای کیهان جوادیان فرزند عبدالحسین به شماره پروانه ۶۰۵ تاریخ صدور پروانه ۹۰/۲/۳ مفقود گردیده و اعتباری ندارد. لردگان

کارت و شناسنامه مالکیت وانت پیکان ۴۹۵ع۳۹ ایران ۳۳ موتور ۱۵۱۶۳۰۱۵۵۷ شاسی ۱۹۰۵ یوسف کریمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت و شناسنامه مالکیت وانت پیکان ۱۳۹ه۲۲ ایران ۲۲ موتور ۶۴۹۴۶۳۰۵ شاسی ۰۴۲۷۳۶ یوسف کریمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز ماشین وانت سیستم نیسان به شماره انتظامی ۶۷۹ب۲۶ ایران ۹۷ به شماره موتور ۶۵۱۰۸۶ و شماره شاسی ۰۹۹۶۰ بنام پرویز رحمانی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

برگ سبز ماشین سواری سیستم پژو به شماره انتظامی ۶۵۴ب۱۵ ایران ۷۹ به شماره موتور ۱۲۴۱۷۲۰۰۶۳۰ و شماره شاسی ۸۴۵۱ ۷۲۰۰ بنام پرویز خونینی مفقود گردیده از اعتبار ساقط است. (ابهر)

کارت و شناسنامه مالکیت رنو پلاک ۹۷۹م۹۸ ایران ۳۳ موتور ۰۰۶۷۶۰ شاسی ۲۰۶۰۴۰ یوسف کریمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه پراید هاچبک ۱۱۱ مدل ۸۹ رنگ سفید شماره انتظامی ۷۵-۷۵۶ب۱۵ موتور ۳۵۹۹۹۰۱ شاسی ۵۴۳۰۰۸۹۰۲۵۹۷۵S مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت ماشین وانت سیستم مزدا به شماره انتظامی ۱۵۹۴۹ مشهد ۷۷ به شماره موتور ۹۵۷۵۲ و شماره شاسی ۷۱۱۰۹۶۸۰ بنام مهدی خدایی مفقود گردیده از اعتبار ساقط است. (ابهر)

کارت هوشمند راننده به شماره ۲۲۶۶۰۵۲ به نام علی‌یار مظاهری چم‌چنگی مفقود گردیده اعتبار ندارد (شهرکرد)

برگ سبز ماشین سواری سیستم پیکان به شماره انتظامی ۲۳۳ب۶۵ ایران ۹۷ به شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۶۰۰۵۰ و شماره شاسی ۷۶۴۷۳۹۷۸ بنام پرویز رحمانی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

شناسنامه تویوتا استیشن مدل ۱۹۸۸ رنگ سفید شماره انتظامی ۲۷-۹۷۶ج۲۸ موتور: ۱FZ۵۰۹۲۰۳ شاسی: ۶۴۴۹۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو سواری پژو آردی به شماره انتظامی ۹۳۷ل۲۹ ایران ۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پراید مدل ۸۱ SX۸۹ به شماره موتور ۰۱ ۳۷۲۵۷ به شماره پلاک شهربانی ۸۳۵ص۴۵ ایران ۵۶ متعلق به اینجانبه مهکامه صادق‌نیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. رودسر

شناسنامه ماشین پژو سواری ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس مدل ۱۳۸۴ به شماره شهربانی ۱۱۶۹۲-۶۹۶ب۴۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۵۷۰۸۱ و به شماره شاسی ۱۴۲۵۷۶۶۱ و به نام محمد محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. سقز. محمدی

اینجانب اکرم دیباه مالک سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس مدل ۱۳۸۴ رنگ بژ متالیک به شماره انتظامی ۶۲-۸۳۲ج۶۲ ایران ۴۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۴۰۹۹۶ و شماره شاسی ۱۴۲۸۵۹۸۴ به علت فقدان اسناد فروش و سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در تهران ـ پیکان‌شهر ـ ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت و شناسنامه مالکیت پیکان ۹۷۸س۵۲ ایران ۴۷ موتور ۱۱۱۲۷۹۷۷۴۷۱ شاسی ۷۹۴۸۲۶۰۶ وحید مقدسی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب ولی‌اله انوری مالک خودرو پیکان به شماره شاسی ۷۹۴۰۸۰۵۷ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۱۰۹۸۱ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز به همراه سند کمپانی خودرو وانت نیسان مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۲۵۲ج۳۶ ایران ۹۷ با شماره موتور ۵۸۲۴۶۷ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBN۲۸۸۵۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. قزوین

برگ سبز و سند کمپانی وانت پیکان بنام علیرضا جلولی به شماره شاسی: ۱۴۱۲۱۴۰۶ و شماره پلاک ۶۱۲ع۹۵ ایران ۳۳ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز ماشین سواری سیستم پیکان به شماره انتظامی ۱۴۶ب۱۱۲ ایران ۱۲ به شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۲۷۴۷۹ و شماره شاسی ۷۶۴۲۵۶۱۴ بنام مهدی خدایی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

سند کمپانی سواری پیکان مدل ۸۰ پلاک ۴۷-۴۷۶ب۴۵ موتور ۱۱۱۲۸۰۱۶۷۹۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (اراک)

برگ سبز ماشین سواری سیستم پیکان به شماره انتظامی ۳۷۲ب۷۳ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۱۲۷۵۰۵۹۹۸ و شماره شاسی ۷۵۵۰۲۹۷۱ بنام جواد اسلام‌لو مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

رسید کارت هوشمند اینجانب ایمان زارع به کدملی ۰۰۷۰۰۱۲۰۶۷ شماره کارت ۲۵۰۱۸۰۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ و کارت خودرو و سند سمند مشکی به شماره شهربانی ۳۴۸ل۳۳- ایران ۴۴ به ش موتور ۱۲۴K۰۰۰۸۲۱۴ به مالکیت محمود حربی مهربانی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت دوم

مدرک کاردانی اینجانب پیمان سعادت اردستانی فرزند قدرت اله به شماره شناسنامه ۸۳۳۸ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته عمران (کارهای عمومی ساختمان) صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب به شماره ۲۵/۲۷۵۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش آذر، پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

پروانه سبز گمرکی به شماره سریال ۵۰۵۵۰۸۶ و کوتاژ ۵۱۸۴

پروانه سبز گمرکی به شماره سریال ۵۰۵۵۰۳۳ و کوتاژ ۴۶۰۲

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کلیه مسئولیت‌ها به عهده این شرکت می‌باشد.

با تشکر و احترام

نماینده قانونی شرکت تکلم

همت سلطان مرادی

«گمشده»

شناسنامه خودرو (برگ سبز) خودروی سواری پراید دوگانه‌سوز مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور: ۲۸۲۳۸۴۴ و به شماره شاسی: ۶۱۴۱۲۲۸۸۲۰۳۸۵۷ پلاک: ایران ۶۹-۱۸۹ج۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهرستان آق‌قلا

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت اول

مدرک فارغ‌التحصیل اینجانب خدیجه نژاد صفر گندشمین فرزند محرم به شماره شناسنامه ۴۶۸ صادره از اردبیل در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاه تبریز به شماره و تاریخ در سازمان ۱۳۸۶/۲/۱۵-۱۶۰۵۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز واقع در ۲ کیلومتری جاده تبریز ـ تهران مجتمع آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز ساختمان اداری ـ اداره امور فارغ‌التحصیلان ارسال نمایند. اردبیل

کارت کیشوند اینجانب سیاوش مظفری به شماره ۱۴۷۱۶۴/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو، سند کمپانی و برگ سبز سواری پیکان به نام محسن صادق‌پور به شماره پلاک ۳۳-۵۳۵د۳۵ ایران ۲۴ و شماره شاسی ۷۹۵۰۸۸۴۳ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

کل اسناد مالکیت پژو ۴۰۵ مدل ۸۱ به رنگ سبز یشمی به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۱۴۰۸۹ و شماره شاسی IN۸۱۰۱۰۱۵۴ مفقود از درجه اعتبار ساقط است. (سمیرم)

کل اسناد مالکیت زانتیا SX مدل ۸۴ به رنگ نقره‌ای به شماره موتور ۰۰۳۳۲۹۵۸ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۴۱۲۹۲۹۸ مفقود از درجه اعتبار ساقط است. (سمیرم)

اینجانب رضا مرادی مالک خودرو سواری پژو تیپ پارس به شماره شاسی ۸۲۸۱۶۸۵۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۲۰۱۳۱۰۹ به شماره انتظامی ایران ۱۳ـ۳۴۲ س۳۹ مدل ۱۳۸۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر منطقه‌ای شرکت ایران خودرو واقع در خیابان ارتش، کوچه آرش مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت خودرو، سند کمپانی و برگ سبز خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰OHV مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید ـ روغنی به شماره پلاک ۸۴-۵۴۴ج۷۳ شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۷۸۱۴۱ و شماره شاسی NAAA۴۶AAXAG۹۰۸۸۲ به نام فاطمه کمالی ایسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند. بندرعباس

«مفقودی برگ سبز» برگ سبز خودرو سواری پراید با شماره پلاک ایران ۱۶-۲۲۴ د۳۱ و شماره موتور ۲۴۴۰۸۲۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۴۷۸۶۴۵ به نام محمدحسین دیده‌گاه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. «قم»

دسته چک بانک پاسارگاد شعبه آفریقا کد ۲۰۵ به شماره چک‌های ۱۰۴۴/۱۵۷۹۴۰ الی ۱۰۴۴/۱۵۷۹۱۶ مفقود گردیده و بدینوسیله اعلام می‌دارد از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه و برگ سبز سواری لیفان مدل ۱۳۹۱ به شماره شهربانی ایران ۱۵-۴۷۵ق۳۱ و شماره موتور V۰۰۹۰۳۷۴۵ و شماره شاسی B۱۰۵۵۸۸ به نام لیلی قهرمانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (تبریز)

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ تیپ GLXI مدل ۱۳۹۰ دوگانه‌سوز به شماره شاسی NAAM۱۱CA۵BK۶۴۴۶۱۱ و شماره انتظامی ایران ۱۶ ـ ۱۵۵۶ ق۷۱ گمشده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (فومن)

سند فروش و شناسنامه مالکیت پژو ۲۰۶ به شماره شهربانی ۳۸۸ق۲۳- ایران ۶۸ به شماره شاسی ۱۶۰۸۱۸۱ به شماره موتور ۱۰FSE۳۳۸۴۲۱۹۱ به نام معصومه نعمتی فرد سوئیسی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و برگ سبز و برگ کمپانی پژو ۴۰۵ مدل ۸۸ و پلاک ۵۳-۶۱۴ج۳۶ ش‌ش: NAAM۰۱CAXAR۳۲۰۵۶۳ ش‌م: ۱۲۴۸۸۲۸۸۳۹۶ مفقود و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت ریو ۸۵ به نام پریسا روان‌پرور به شماره شهربانی ۲۵۲ج۷۴ ایران ۱۱ به شماره شاسی ۱۱۰۸۱۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

تسلسل اسناد رسمی کارت، سند مالکیت و شناسنامه سبز خودرو پراید ۱۴۱ مدل ۸۶ به شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۶۲۲۲۱۲۷ و شماره انتظامی ایران ۴۶-۹۵۴ق۱۹ ۳۲ گمشده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (فومن)

آگهی مفقودی

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پژو ۴۰۵

اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری سیستم پژو ۴۰۵ تیپ ۴۰۵GLX XUV به رنگ خاکستری ـ متالیک به شماره انتظامی ۶۳-۵۷۵م۶۳ مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۵۴۶۱۲ و به شماره شاسی NAAM۰۱CA۳AR۵۰۶۵۷۴ متعلق به اینجانب مهران مداح فرزند عباسعلی به ش‌ش ۳۴۹ متولد ۴۵/۱/۱۸ گچساران و به شماره ملی ۴۲۶۹۴۴۹۶۸۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (فسا)

شرکت کابل باختر مالک خودرو پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس شماره شهربانی ۳۳۴ه۳۳ ایران ۲۲ مدل ۱۳۸۷ شماره بدنه NAAM۰۱CA۱۸E۳۶۰۰۳۲ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۳۸۴۸۱ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی و شناسنامه مالکیت خودرو (برگ سبز) تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد، ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو، واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

بیمه‌نامه و کارت خودرو هیوندا اکسنت مدل ۲۰۱۴ به شماره شهربانی ۸۸۴ ط ۹۵ ایران۸۸ به رنگ سفید و به مالکیت الهه انوشیروانی و شماره موتور G۴FCDU۵۴۰۱۹۶ شماره شاسی KMHCT۴۱DBEU۶۱۶۷۳۸ و کارت ملی و گواهینامه رانندگی اینجانب الهه انوشیروانی نام پدر محمد ابراهیم شماره شناسنامه ۵۴۹ صادره از تهران متولد ۱۳۴۸ و کدملی ۰۰۴۵۲۰۲۳۵۴ همگی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت بیمارستان و زایشگاه پاسارگاد سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۸۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۴۸۶۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت برای سال مالی منتهی به ۹۲ به تصویب رسید. آقایان مصطفی انوری به شماره ملی ۲۰۹۰۱۸۶۲۷۵ و سیداحمد سیدمهدی به شماره ملی ۰۰۵۶۸۲۹۶۱۲ و حسین آرمان به شماره ملی ۱۱۸۹۷۱۶۳۴۸ و علیرضا جعفری‌زاده به شماره ملی ۰۰۴۱۰۱۴۱۹۷ و برزو قزوینیان به شماره ملی ۰۰۷۰۸۱۷۷۷۴ به سمت اعضا اصلی هیئت مدیره و محمد ملکی به شماره ملی ۱۴۶۶۰۱۷۰۶۶ به سمت عضو علی‌البدل هیئت مدیره انتخاب شدند. آقای مصطفی میرپور به شماره ملی ۰۳۸۲۷۸۵۶۸ به سمت بازرس اصلی و آقای حسن بیات ماکو به شماره ملی ۲۸۳۰۰۷۶۵۹۱ به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۲۲۵۰۵ـ۵۷۳۳۱۴۳/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت فراصنعت بسامد سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۴۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۷۹۴۲۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی آگاه اندیشان خردمند به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۸۶۰۰ به سمت بازرس اصلی و عباسعلی نیک‌نفس به شماره ملی ۲۰۶۲۷۱۲۲۶۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۲۲۵۰۴ـ۵۷۴۶۳۶۵/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی ثقات سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۱۳۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۶۳۳۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: داود رخشانپوری به شماره ملی ۰۰۴۰۵۵۶۵۰۶ ـ محمود تهرانی طریقت به شماره ملی ۰۰۴۳۳۱۷۶۲۶ ـ حسن علیون به شماره ملی ۳۸۷۴۸۴۰۳۷۹ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. هوشنگ پارسا به شماره ملی ۰۰۷۴۶۰۸۵۹۲ به سمت بازرس اصلی و مهدی جابری به شماره ملی ۰۰۴۲۱۵۹۹۵۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۲۲۴۸۷ـ۵۵۲۳۱۳۲/م الف

***

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی ثقات سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۱۳۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۶۳۳۵۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: داود رخشانپوری به شماره ملی ۰۰۴۰۵۵۶۵۰۶ به سمت رئیس هیئت مدیره محمود تهرانی طریقت به شماره ملی ۰۰۴۳۳۱۷۶۲۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره ـ حسن علیون به شماره ملی ۳۸۷۴۸۴۰۳۷۹ به سمت عضو هیئت مدیره ـ محمدمهدی مقدسی به شماره ملی ۲۲۹۶۴۸۹۴۷۸ (خارج از اعضای هیئت مدیره) به سمت مدیر عامل انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و بانکی باامضای مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای ۲ نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و نامه‌های اداری باامضای منفرد مدیرعامل یا یکی از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۲۲۴۸۶ ـ ۵۵۲۳۴۴۶/م الف

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای ایمن آسایش کوثر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۷۴۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۳۲۳۶۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۳ و مجوز شماره ۹۳/۴۰۳/۳۸۴۵۸ مورخ ۹۳/۷/۲۶ بیمه مرکزی جمهوری اسلامی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدعلی اکباتانی‌نژاد به شماره ملی ۰۰۸۱۴۲۳۳۷۳ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنایع و معادن کوثر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۰۸۴۸۰ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، آقای ابوالفضل مالی به شماره ملی ۰۵۱۹۸۵۸۴۲۵ به نمایندگی از شرکت خدمات بازرگانی تحفه به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۵۷۶۵ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای شاهرخ پورابراهیم اهوازی به شماره ملی ۱۷۵۱۶۴۱۷۴۰ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی کوثر به شناسه ۱۰۱۰۰۹۳۱۹۰۳ به سمت عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل یا یکی از اعضای هیئت مدیره خواهد رسید. که اختیارات هیأت مدیره در ماده ۲۷ اساسنامه به مدیر عامل تفویض گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۴۳ـ۶۹۰۴۸۷۴/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات سهامی عام به شماره ثبت ۱۱۹۸۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۳۴۱۵۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۷ و مجوز شماره ۱۲۱/۲۹۳۴۳۳ مورخ ۹۳/۰۹/۱۱ سازمان بورس اداره امور نهادهای مالی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حافظ کمال هدایت کدملی ۰۰۴۴۴۲۴۶۳۹ به عنوان عضو جدید هیأت مدیره به نمایندگی از طرف شرکت سرمایه‌گذاری صدر تأمین و آقای سیدعباس حسینی کدملی ۰۰۵۳۱۳۷۱۰۸ به عنوان رئیس هیأت مدیره به نمایندگی از شرکت خدمات عمومی فولاد ایران و آقای بهرام سبحانی کد ملی ۱۲۸۴۴۶۹۲۷۱ به عنوان نایب رئیس هیأت مدیره به نمایندگی از شرکت فولاد مبارکه اصفهان و آقای سید عبدالحمید ثمره هاشمی شجره کد ملی ۲۹۹۲۰۲۸۹۹۱ به عنوان مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد تجاری و اوراق بهادار شرکت بدون قید حصر از جمله چک‌ها، سفته‌ها، قراردادها و بروات و سایر اسناد تجاری و اوراق بهادار با امضاء مدیرعامل به اتفاق رئیس هیئت مدیره و در غیاب هر یک، با امضاء یکی از اعضای هیأت مدیره با مهر شرکت و مکاتبات اداری با امضاء مدیرعامل معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۴۹ـ۶۸۶۹۹۱۸/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت گسترش صنایع معدنی کاوه پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۲۸۰۸ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۳۰۵۷۷۰۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۲ به تصویب رسید .سازمان حسابرسی به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان بازرس قانونی برای مدت یکسال انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ - شرکت مادر تخصصی مالی و سرمایه‌گذاری سینا (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۳۴۰۰۵۸۹۱۷ - شرکت بازرگانی پیشگامان گسترش افق تجارت ایرانیان به شماره شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۳۸۶۰ - شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری کوثر بهمن به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۵۳۴۶ - موسسه بنیاد علوی به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۰۵۶۹۳۳ - به عنوان اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال به شرح زیر انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۴۳۲۲ ـ ۶۸۵۳۱۵۹/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت شن زار سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۷۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۹۶۵۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: انجام کلیه امور پیمانکاری و ساختمان‌سازی شامل مجتمع‌های مسکونی، تجاری، اداری، ورزشی و تفریحی، درمانی، شهر و شهرک‌سازی، توسعه شهرک‌های صنعتی، و همچنین کارهای عمرانی اعم از راهسازی، سدسازی، پل‌سازی، سیویل، محوطه و باند فرودگاه. انجام تأسیسات صنایع نفت و گاز و آب و پتروشیمی. خطوط لوله و خطوط انتقال نیرو و همچنین تهیه و تولید هر نوع مصالح ساختمانی بتنی و فلزی، واردات کلیه ماشین‌آلات و قطعات و تجهیزات مرتبط با موضوع فوق و همچنین اجاره دادن یا اجاره کردن انواع ماشین‌آلات و دستگاه‌های مختلف از قبیل سنگ شکن و کارخانه آسفالت‌سازی و غیره، مشارکت و سرمایه‌گذاری در کلیه شرکت‌های داخلی و خارجی (در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات فعالیت پس از اخذ مجوزهای لازم)

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۴۸ـ۶۸۷۵۰۷۰/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت آسیاواشر سهامی خاص به شماره ثبت ۶۴۰۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۹۰۴۲۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. رحیم محمدپور اسلامی با کدملی ۱۳۷۶۱۳۰۵۶۴ به سمت رئیس هیئت مدیره. آقای سیاوش کاویانی کوثرخیزی با کدملی ۰۰۳۱۱۷۳۱۶۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره. آقای داریوش کوهی با کدملی ۶۰۳۸۹۴۳۳۹۰ به سمت عضو هیئت مدیره. آقای علیرضا انصاری کلیبری با کدملی ۱۳۸۰۶۲۵۶۷۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادها و غیره با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقاً با مهر شرکت و یا با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقاً با مهر شرکت معتبر می‌باشد. مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی آریا به روش به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۲۱۳۷۸ به سمت بازرس اصلی و آقای فتحعلی ولایی به کدملی ۲۱۴۱۲۱۲۳۳۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۴۷ـ۶۸۹۵۵۰۱/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری پارس حافظ سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۵۷۵۶ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۹۶۰۴۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ موسسه حسابرسی و خدمات مالی آزموده‌کاران ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به عنوان بازرس اصلی و جناب آقای علی‌اصغر فرخ ش ملی ۰۰۴۸۶۵۰۰۱۳ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۲ به تصویب رسید

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۴۳۲۶ ـ ۶۸۵۵۰۶۱/م‌الف

***

آگهی تغییرات شرکت گسترش انرژی پاسارگاد شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۱۹۸۸۷ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۳۵۹۷۳۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید کاظم میرولد با ک.م ۳۹۳۲۵۱۴۳۲۷ به عنوان نماینده شرکت کاشفان نو اندیش پارس با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۲۳۲۹ برای باقی مانده مدت تصدی به سمت عضو هیات‌مدیره تعیین گردیدند

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۴۳۲۵ ـ ۶۸۵۴۸۹۴/م‌الف

داستان هجرت به پاریس از زبان حاج سید احمد خمینی

مقدمه:

بیســـت سال از رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی فرزند گرامی حضرت امام(ره) سپری شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینـــی به معنای واقعـــی محو در امام و آرمان‌های ایشـــان بود و خود را در برابر تهاجم‌ها و تیرهای دشمن علیه امام راحل، سپر بلا کرده بود.

حاج احمد خمینی که صبحگاه روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ به دلیل عارضه قلبی و تنفسی در بیمارستان بستری شد، علی‌رغم تلاش خستگی‌ناپذیر تیم پزشکی، در شامگاه ۲۵ اسـفند ۱۳۷۳ دعوت حق را لبیک گفت و به دیدار معبود شتافت.

آنچـــه در پی می‌خوانید گزیده‌ای از مطالب نشریه «حریم امام» در پاسداشت یاد و خاطره آن عزیز سفر کرده است.

***

هجرت امام به پاریس

علت هجرت امام به پاریس، به جریاناتی که چند ماهی قبل از این تصمیم روی داد، بر می‌گردد. با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران، دو دولت ایران و عراق در جلساتی متعدد که در بغداد تشکیل گردید، به این نتیجه رسیدندکه فعالیت امام نه تنها برای ایران که برای عراق هم خطرناک شده است.

توجه مردم عراق به امام، و شـــور و احساسات زائرین ایرانی چیزی نبود که عراق بتواند به آســـانی از کنار آن بگذرد و بدین جهت برادر عزیزمان آقای دعایی را خواستند تا خیلی روشن نظرات شورای انقلاب کشور عراق را به عرض امام برســـاند. آقای دعایی نظرات عراق را برای حضرت امام بیان داشت که ملخص آن عبارت است از:

۱ـ حضرتعالی چون گذشته می‌توانید در عراق به زندگی عادی خود ادامه دهید ولی از کارهای سیاسی‌ای که باعث تیرگی روابط ما با ایران می‌گردد، خودداری نمایید.

۲ـ در صورت ادامه کارهای سیاسی باید عراق را ترک کنید.

تصمیم امام، معلوم بود رو کردند به من و فرمودند: «گذرنامه من و خودت را بیاور» و مـــن چنین کردم. آقای دعایی عازم بغداد شد ولی از گذرنامه‌ها خبری نشد.

چندی بعد سعدون شاکر رئیس سازمان امنیت عراق خدمت امام رسید و مطالبی در ارتبـــاط با روابط ایران و عراق، اوضاع عراق و منطقه و گزارشـــاتی از این دســـت را به عرض امام رســـانید، ولی در خاتمه چیزی بیشـــتر از پیغام قبلشان نداشت. امام خیلی صحبت کردند که متأسفانه ضبط نشد، مثلاً فرمودند: «من هر کجا بروم و فرشم را (اشاره به زیلوی افشـــار) پهن کنم، منزلم است» و یا گفتند: «من از آن آخوندها نیســـتم که تنها به خاطر زیارت، دست از تکلیفم بردارم.» و از این قبیل...

برادرم دعایی به بغداد احضار شـــد و تصمیم آخر فرماندهی عراق مبنی بر اخراج امام به او گفته شد و در مراجعت، گذرنامه‌ها را به همراه داشت.

بـــا اجازه امام، تصمیم معظم له مبنی بر سفر به کویت، به دوستان نزدیکمان در نجف گفته شد؛ به ۷ـ۸ نفر ازخصوصی‌ترین افراد. بلافاصله دو دعوتنامه برای من و امام توسط یکی از دوســـتانمان در کویت تهیه شد. (نام فامیل ما مصطفوی اســـت. لذا دولت کویت تشخیص نداده بود.)

سه ماشـــین سواری تهیه شد و فردای آن روز بعد از نماز صبح حرکت کردیم. در یکی از ماشینها، من و امام و در دو تای دیگر دوستان نزدیک...

زمانی که می‌خواســـتیم سوار ماشین شـــویم، در تاریکی مردی غیرمعمم نظرم را جلب کرد؛ دقیق شدم، آقای دکتر یزدی بود. او برای گرفتن پیامی از امام برای انجمن‌های اسلامی ایران در کانادا و آمریکا آمده بود که مواجه با این وضع شد تا آن لحظه او به هیچ وجه از جریان مهاجرت امام اطلاع نداشت. دکتر هم ســـوار یکی از آن دو ماشین شد... صبحانه در یک قهوه‌خانه صرف شد: نان و پنیر و چای. نماز ظهر در مرز عراق به امامت امام خوانده شد...

از مرکز شخصی آمد که خلاصه صحبت یکساعته‌اش این بود که ورود ممنوع! بازگشتیم؛ عراقی‌ها منتظرمان، اهلاً و سهلاً.

از دو بعدازظهر تا ۱۱ شـــب معطلمان کردنـــد. مرحوم املایی بـــا زرنگی خاص خودش، روانهٔ بصره شدو نجفیها را از چند و چون قضیه آگاه ساخت و با مقداری نان و پنیر و کتلت و از این قبیل چیزها برگشت.

امام شدیداً خســـته شده بودند و من برای ایشـــان شدیداً متأثر بودم. امام از قیافهٔ من فهمیدند که من از این که ایشـــان را این همه معطل کردند، ناراحتم. گفتند: «تو از این قضایا ناراحت می‌شوی؟» گفتم: «برای شما شدیداً ناراحتم» گفتند: «ما هم باید مثل بقیه در مرزها بلاســـرمان بیاید تا یکی از هزارها ناراحتی‌ای که بر سر برادران‌مان می‌آید لمس کنیم؛ محکم باش.» گفتم: «چشم».

در حالـــی که ما توی اطاق کثیف [در مرز کویت و عراق] گرد امام، که دراز کشیده بودند، جمع شده بودیم. تفألی به قرآن زدم: « اذهب الی فرعون انه طغی، قال رب اشرح لی صدری و یســـرلی امری» باور کنید که نیروی تازه‌ای گرفتـــم... چهار نفری عازم بصره شدیم.

در هتلی نســـبتاً خوب و تمیز، شب را به صبح رســـاندیم. من و امام در یک اطاق، آقایان فردوســـی و املایی در اطاق دیگر. با تمام خســـتگی‌ای که امام داشتند، بعد از سه ساعت استراحت، برای نماز شب بلند شدند. نماز صبح را با امام خواندم و بعد از نماز، از تصمیمشان جویا شدم. گفتند: «سوریه» گفتم: «اگـــر راه ندادند، اگر آنها هم برخوردی مثل کویت کردند. بعد کجا؟» کشورهای همسایه یکی یکی بررسی شد، کویت که نگذاشت، شارجه و دوبی و از این قبیل به طریق اولی نمی‌گذارند، عربستان که مرتب فحش می‌داد، افغانستان و پاکســـتان که نمی‌شد، می‌ماند ســـوریه، و امام درست تصمیم گرفته بودند ولی بی‌گدار به آب نمی‌شـــد زد، می‌بایست وارد کشـــوری شدکه ویزا نخواهد و از آن جا با مقامات سوری تماس گرفته شودکه آیا حاضرند بدون هیچ شرطی ما را بپذیرند یعنی امام به هیچ وجه محدود نگردند.

چـــرا که اگر محدودیت بود، عراق که منزلمان بود. فرانســـه را پیشنهاد کردم. زیرا توقف کوتاهمان در فرانسه می‌توانست مثمر ثمر باشـــد و امام می‌توانستند بهتر مطالبشان را به دنیا برســـانند. امام پذیرفتند. خوابیدیم ســـاعت ۸ صبح به مأمـــوران عراقی گفتم: می‌خواهیم برویم بغـــداد گفتند: می‌توانید برگردید نجف، گفتم نمی‌رویم، ساعتی بعد آمدند که مرکز می‌گوید تصمیمتان چیست؟ گفتم:«پاریس»...

شـــب را در بغداد بودیم، دوستانمان را دوباره دیدیم. امام همان شب برای زیارت به کاظمین(ع) مشرف شدند؛ احساسات مردم عجیب بود؛ صبح به فرودگاه رفتیم. هواپیما را معطل کردند.

دو ســـاعت تأخیر داشت، جمبوجت بود ما پنج نفر در طبقه دوم بودیم به اضافه سه نفر که نمی‌شناختیمشان. حالت عجیبی برای دوســـتان بدرقه کننده دست داده بود؛ نمی‌دانستند به سر امام چه می‌آید. مأموران آقای دعایی را خواســـتند، با حالتی متغیر برگشت. خجالت کشید که به امام بگوید، به من گفت که گفتند امام دیگر برنگردد. (چه پررو و وقیح)...

رسیدیم پاریس... همان شب را ازکاخ الیزه آمدند پیش من که: «ما مواجه شدیم با این قضیه، چه بخواهیم و چه نخواهیم. آیت الله آمده است. اگر مطلع می‌شدیم نمی‌گذاشتیم». وقت خواســـتند. امام گفتند بیایند. آمدند و گفتند حق ندارید کوچک ترین کاری انجام دهیـــد، و امام گفتند: «ما فکر می‌کردیم این جا مثل عراق نیست، من هرکجا بروم حرفم را می‌زنـــم؛ من از فرودگاهی به فرودگاهی دیگر و از شهری به شهری دیگر سفر می‌کنم تـــا به دنیا اعلام کنـــم که تمام ظالمان دنیا، دستشـــان را در دست یکدیگر گذاشته‌اند تا مردم جهان صدای ما مظلومان را نشنوندولی من صدای مردم دلیر ایران را به دنیا خواهم رساند، من به دنیا خواهم گفت که در ایران چه می‌گذرد»

منبع: کتاب «کوثر»، شرح وقایع انقلاب اسلامی، ج ۱ ص ۴۳۶



دکتر فاطمه طباطبایی: حاج احمد آقا با تمام وجود حامی مردم بود

سرکار خانم دکتر فاطمه طباطبایی بانویی سراســـر فضیلت و صبوری و متانت است که در این گفتگو به بررســـی نقش همسر گرامی‌شان مرحوم حاج احمدآقا خمینی در همراهی با امـــام و انقلاب، کوچک‌ندیدن دیگران، باورداشـــتن کرامت انسانی، پرهیز از بدفهمی و تلاش برای ســـوتفاهم‌ها و... پرداخت.

دکتر طباطبائی ابتدا درباره نحوه حمایت و پشـــتیبانی حاج احمدآقـــا از مردم اظهار داشت:

برای جواب به این سئوال من به اولین برخورد ایشـــان در زندگی مشترکمان اشاره می‌کنم که سخن او در خاطرم نقش بسته و آن تأکید ایشـــان که مجلس جشن عروسی برای ما گرفته نشود و صدای شادی از خانه بلند نشود. حتی گوسفند هم که رسم بود دم در کشته می‌شد کشته نشود.

یعنی هیچ ظواهری از شـــادی نباشد چرا؟ چون خانواده بسیاری از عزیزان زندانی و مردم ما داغدار کسانی هستند که در زندان شاه و زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند مانند آیت‌الله ســـعیدی و معتقد بود به احترام آنان نباید جلسه شادی گرفته شود این عقیده برای من در عین آنکه مطلوب نبود ارزشمند بود. چون من در آن ســـن و سال دوست داشتم مجلسی برپا شود. ولی این نوع تفکر که ایشان این‌قدر به فکر افرادی هستند که الان گرفتار غم و اندوهند پسندیده بود می‌گفت نهایت همدردی ما با آن‌ها در این شرایط این است که حداقل شادی نکنیم.

دومین چیزی که در زندگی مشترکمان از ایشـــان دیدم ساده‌زیستی بود. آنهم بیشتر برای همدردی و همدلی با قشرهایی که در تنگنای زندگی بودند خیلی دلش می‌خواست که زندگی ما ساده باشد. البته ساده‌زیستی از نظر او یک ارزش هم بود.

ولی چون احســـاس می‌کرد مردم با مشکلات مادی مواجه‌اند باید زندگی ما نیز طوری باشد که در حد خودمان از آلام آن‌ها بکاهـــد. او معتقد بود همدلی با مردم اگر با همدردی همراه نباشد، یک لفظ بی‌معناست. لازمه همدردی، همراهی و همســـویی با آن‌هاست. از اینرو می‌گفت وقتی ما از چیزی که داریم یا می‌توانیم داشـــته باشیم به خاطر خدا بگذریم و همرنگ و همدرد آنها باشیم می‌توانیـــم حداقل یک مقدار از رنج آن‌ها را کم کنیم. یعنی تحمل سختی تا حدودی برای آن‌ها آسان می‌شود.

از این جهت ســـعی داشت از امکاناتی که در اختیارمان بود اســـتفاده نکنیم. نکته دیگری که در زندگی مشـــترک متوجه آن شدم بی‌توجهی ایشان به مال دنیا و اعتباریات بود. واقعا به مال دنیا توجه نداشـــت. موقع عروسی کادوها و سکه‌هایی به عروس و داماد می‌دهند. در عروسی ما هم سکه زیادی داده بودند. ســـکه‌هایی که به ایشان داده بودندرا خیلی راحت بدون این‌که اصلاً بشمرد و بداند چقدر است در اختیار من گذاشت. دیدم واقعاً اگر یک جاهایی سختگیری می‌کند از روی تنگ‌نظری یا خساست و یا تظاهر نیست به دلیل ارزش‌هایی است.

نکته دیگر از روی علاقه‌ای که به مردم داشـــت به من توصیه می‌کرد به درسم ادامه دهم ـ من کلاس ششم ابتدایی را خوانده بودم که ازدواج کردم و بطور متفرقه ادامه تحصیل دادم ـ او اصرار داشت طوری درس بخوانم که بتوانم پزشک شوم در این زمینه هم هر کاری می‌توانست انجام می‌داد و کمکم می‌کرد حتی در بچه‌داری و پذیرایی از مهمان تا من درس بخوانم و به موقع امتحان بدهم. او می‌گفت جامعه ما پزشک زن کم دارد و همه مردم به ویژه زنان با مشکل درمان مواجهند.

اگر تو پزشـــک شـــوی، آنهم نه از آن پزشک‌هایی که درد مردم را احساس نمی‌کنند و به نوعی تجارت می‌کنند یا به فکر کسب عنوان‌اند می‌توانی به مردم خدمت کنی. جالب این بود که می‌گفت تو پزشک می‌شوی و من هم کارهای جانبی‌اش را یاد می‌گیرم که اگر شب یا نصفه شب کسی دردمند شد به منزل ما مراجعه کند من و تو بتوانیم مشـــکلش را حل کنیم. تو ویزیتش می‌کنی و من هم اگر تزریقاتی داشته باشم، انجام می‌دهم این خیلی برای بنده جالب بود.

یک بار با یکی از دوستانم صحبت شد و این موضوع را به او گفتم. او گفت این خیلی مهم است که یک مرد به خانمش بگوید تو پزشک بشو و من تزریقات‌چی. آنهم چنین شخصیتی و در این ساحت علمی ولی این چیزها اصلاً برای او مهم نبود فقط می‌خواست خدمتی به مردم کند. یعنی برایش ایده‌آل بود که من پزشک شوم و شب و روز در خانه ما باز باشد و بیماران مراجعه کنند. یا با هم به روستاها برویم و بتوانیم به مردم کمک کنیم که حداقل درد آن‌ها کاهش پیدا کند. می‌گفت اگر در قسمت‌های دیگر نمی‌توانیم کار کنیم حداقـــل می‌توانیم این درد مردم را دوا کنیم. این نوع تفکر باعث شد احساس کنم با تمام وجود حامی مردم اســـت و دلش می‌خواهد کمک و خدمتی به مردم کند تا آلام مردم را از هر جهت کم کند.

همسر گرامی یادگار امام درباره دیدگاه و نگاه ایشان به مردم گفت: از فقر فرهنگی مـــردم به ویژه افراد تحصیلکرده رنج می‌برد از ایـــن که گاهی می‌دید بعضی‌ها با این که تحصیلکرده‌اند چه مقدار از وقایعی که دور و برشان اتفاق می‌افتد دورند و فقط به فکر خود و خانواده خودشـــان هستند ناراحت می‌شد می‌گفت: بعضی‌ها بی‌سوادند ولی بصیرند و از برخی تحصیلکرده‌ها برترند اصلاً یک ذره درد جامعه‌شان را ندارند و غرق کارهای خودشان هســـتند. از این موضوع خیلی رنج می‌برد. افرادی که دغدغه مردم و دین داشتند را خیلی محترم می‌دانست و با آن‌ها بیش‌تر ملاطفت و ارتبـــاط برقرار می‌کرد. این‌ها ویژگی‌هایی بود که باعث می‌شد حس کنم ایشان حامی مردم است.

چیز دیگری که در زندگی ایشان خیلی پررنگ بود این بود که هیچ کسی را کوچک نمی‌دید. قدر محبت مردم را می‌دانست. در رفاقت خیلی بـــر صمیمیت تأکید می‌کرد.

کرامت انســـان‌ها را باور داشت. یعنی باور داشـــت که همه کریمنـــد و با این نگاه، با آن‌ها برخورد می‌کرد. با مردم صادقانه رفتار می‌کرد مثلا حتـــی اگر حوصله ملاقات با کســـی را نداشت راحت می‌گفت حوصله ندارم. اســـتدلالش هم این بود که این‌ها باید بپذیرند که ممکن است زمانی انسان حوصله صحبت نداشـــته باشد هیچ دلیلی ندارد که یک توجیهی بیاورم و مثلاً بگویم کار دارم و ملاقات دارم و وقت ندارم. البته اول ممکن بود که بعضی‌ها از این صراحت لهجه خوششان نیاید. ولی بعد این رفتار صادقانه را تحسین می‌کردند. او دوســـت داشت که این شیوه برخورد را ترویج کند. یعنی همه بفهمند و با هم روراست حرف بزنند. می‌گفت که اگر نمی‌خواهید حرف بزنید بگویید نمی‌خواهیم حرف بزنیم. سرکار گذاشتن مردم با کرامت مردم جور درنمی‌آید. بعضی وقت‌ها صراحت او بـــا یک لطافت و طنزی هم همراه بود که نه تنها دلخوری به همراه نداشت بلکه دلنواز و شیرین هم می‌شد.

در رفتارش هم خیلی بی‌تکلف بود یعنی هیچ قیدی نداشـــت. در عین این که خیلی عزت نفس داشت شأنی برای خودش قائل نبود. گاهی می‌دیدم که این دو صفت در کنار هم خیلی جالب است؛ هم خیلی عزت نفس دارد و از آن طرف هم می‌گوید من هیچ کسی نیستم. برای خودش هیچ شأنی قائل نبود.

دکتر طباطبایی به ســـیره مرحوم حاج احمد آقا در زمینه ایجاد صلح و دوســـتی و تألیف قلوب در میان مجموعه یاران و خانواده انقلاب اشاره کرد و گفت:

ایشان اعتقاد داشت خیلی از مشکلات و اختلاف‌هایی که میان مردم و برخی از علما وجود دارد به دلیل سوءتفاهم و بدفهمی سخن همدیگر اســـت. از این جهت سعی می‌کرد با شفاف‌کردن سخن آنها کدورت میان آنها را برطرف کند. معتقد بود خیلی از این افراد ســـخن همدیگر را خوب نفهمیدند و یک عده‌ای هم که واســـطه‌اند در این بدفهمی‌ها و ایجـــاد کدورت نقش دارند. چه مغرضانه و چه از سر ساده لوحی. اگر سخن درست فهم شود خیلی از کدورت‌ها حل می‌شود. مثـــلاً قبل از انقلاب افرادی بودند که درباره انقلابیون بحث‌هایی داشتند و تصوری از آنها داشتند که نمی‌پسندیدند. ایشان سعی می‌کرد دیدارهایی فراهم کند. رودررو آنها را با هم آشـــنا کند و البته قضیه خیلی فرق می‌کرد تألیف قلوب حاصل می‌شد. بعد از انقلاب هم موارد زیادی بود.

همسر صبور حاج احمد آقا از عشق، ایثار و فنا به عنوان سه ویژگی مهم ایشان نام برد و در بیان این ویژگی‌ها اظهار داشت:

تعریف ایشـــان از این مباحثی که یاد کردیـــد را نمی‌دانم و اگر هم چیزی بدانم بحث نظری است. قطعاً مورد نظرتان مباحث نظری نیست که معنای عشق چیست و مراد ایشـــان از عشق چه بوده و عشق در عرفان و فلســـفه به چه معناست. اما این سؤال که عشق را در چه کسی دیده یا عاشق چه کسی بود و معشـــوق حقیقی‌اش که بود را هم من نمی‌دانم به درستی پاسخ بدهم اما آن چیزی که در زندگی از ایشـــان فهمیدم این بود که ارزش‌هایی را پذیرفته بود و به یک ســـری کمالات باور داشـــت. در هر کسی که این‌ها را می‌دید، او را از آن جهت که این ارزش و کمال را داشت محترم می‌شمرد.

من در محیط کار او نبودم و برخورد او را با کسانی که با او تماس داشتند نمی‌دانم. آنچه که می‌دیدم با بعضی افراد و خدمتگزارانی که شاید سواد آنچنانی نداشتند خیلی ملاطفت و مجالست می‌کرد و خیلی دوستشان داشت. به خانه‌شان می‌رفت و با آن‌ها خیلی صمیمی صحبت می‌کرد. می‌گفت وفاداری ایشـــان خیلی ارزشمند اســـت. بعد از انقلاب هم همینطور. برخی را می‌ســـتود و می‌گفت آن زمان که بردن اسم امام چوب و زندان داشت همین علاقه‌ای را داشـــتند که امروز دارند. چه وقتی که در تنگنا بودند و چه وقتی که متنعم بودند وفادار بودند. صفات ممتازی را کـــه در فردی می‌دید ارج می‌نهاد مردم را به خاطر اوصاف مثبتشان تقدیر می‌کرد چه با خط فکریش می‌خواند و چه نمی‌خواند البته منظورم این نیست که با آنان رفاقت می‌کرد بلکه منظورم این است که خوبی افراد ولو در خط مخالف را می‌دید و تمجید می‌کرد.

به پدر بنده هم خیلی علاقه داشـــت. گاهی وقت‌ها به من می‌گفت: ما باید با همه توانمان به ایشان خدمت کنیم. نه از باب این‌که پدرمان است که جایگاه خودش را دارد، بلکه از آن جهت که اکثر علمای حاضر شـــاگرد ایشان بودند. پس مقام ایشان را پاس بداریم و هر خدمتی از دستمان می‌آید انجام دهیم. یا به دلیل ویژگی‌های اخلاقی عالی که دارند بعضاً به این خلقیات اشاره می‌کرد، می‌گفت ایشان ارزشمندند.

درباره امام هم که به جای خود. گاهی که در مسئله‌ای علمی و یا سیاسی نظرش با نظر امام متفاوت بود نظر امام را برمی‌گزید و می‌گفت از باب اینکه معتقدم ایشان به دلیل صفای باطن و تزکیه نفس چیزی را می‌فهمند که من نمی‌فهمم می‌پذیرم ولو فکر کنم که فکر من درســـت است. از این جهت با اراده و اختیـــار نظر امام را برمی‌گزید. گاهی هم می‌گفت در حوزه‌هایی تخصص شماست من ســـخن شما را می‌پذیرم ولی این مطلب در حوزه تخصص من است.

دکتر طباطبایی در رابطه با امانتداری حاج احمدآقا چنین گفت: در این جهت که خیلی دقیق بود. نامه‌هایی که نوشته و به ایشان سپرده می‌شد تا به مراکز و نهادها سپرده شود را با امانتداری تمام حفظ می‌کرد. از پایین کوچه تا دفتر امام پله بود و ایشان باید آن‌ها را بالا و پایین می‌رفت. این اواخر کمرش درد گرفته بود و با عصا راه می‌رفت. با وجودی که هنوز پنجاه سالش نشده بود. روزی دیدم با عصا و به سختی بالا آمد و کاغذی را نشان امام داد و گفت که شما در این جا نقطه بگذارید. چون امام گاهی بی‌نقطه می‌نوشتند. مثلاً فرض کنید «زحمت» را «رحمت» نوشته بودند.

بعضی جاها مشخص بود ولی بعضی کلماتی که نقطه نداشت ممکن بود مشکل‌ساز شود. بعد امام گرفتند و گفتند: «دیگر احمد روی این کار وسواس دارد. معلوم است که منظورم زحمت بوده است.» بعد به احمدآقا گفتم شما که رفتید امام به من چنین گفتند.

گفت: نه، من معتقدم که در نامه امام نباید دست برده شود. چه نقطه باشد چه هر چیز دیگـــری. یعنی این دقت را دارم که در نامه امام نباید هیچ‌گونه دخل و تصرفی یا دستی برده شود دیدم واقعاً تیزهوشی خاصی داشت. چون بعداً می‌گفتند اگر نقطه را درست کرده، پس ممکن است یک حرف هم گذاشته باشد. خیلـــی به امانتداری معتقد بود و بر این باور بود او در جایگاهی قرار گرفته که وظیفه‌اش امانتداری اســـت. هرکس در شرایطی یک نوع وظیفه برایش حاکم می‌شـــود. وظیفه او امانتداری بود.

رهبر معظم انقلاب: حاج احمد آقا عنصری خوشفکر، باهوش و باتجربه بودند

حضرت آیـــت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره سابقه آشنایی‌شان با حاج احمد آقا می‌فرمایند: ابتدا که من ایشان را دیدم، حدود سال ۴۱ بود که ما به منزل امام در قم، زیاد رفت و آمد می‌کردیم. ایشان ظاهراً در آن ایام به دبیرستان می‌رفتند. من ایشان را می‌دیدم که با دوچرخه از در اندرونی بیت رفت و آمد می‌کردند؛ البته ما از در بیرونی رفت و آمد می‌کردیم. من اول ایشان را ندیدم. در جریانات سال ۴۲، من هیچ از ایشان یادم نیست و خبر ندارم که چه می‌کردند و کجا بودند، تا این که گمان می‌کنم در ســـال ۴۴ یا ۴۵ شـــنیدم ایشان طلبه خوبی شده‌اند و بسیار جدی مشغول تحصیل‌اند. گفته می‌شد که امام در آن ایام به ایشان می‌فرمودند که اگر شما می‌خواهی به دانشگاه بروی، هزینه‌هایت به عهده خودت است؛ اما اگر طلبه بشوی من شهریه‌ای به تو می‌دهم، یعنی امام به این وسیله تشـــویق می‌کردند که ایشان به سمت طلبگی بروند. بعدها کم‌کم آشنایی ما با ایشان بیشتر و از نزدیک شد. من حتی یک بار به منزل ایشان در قم رفتم که آن روزها در کوچه‌ای، عمود بر خیابان بیمارستان و موازی با صفائیه واقع شده بود؛ نام آن کوچه را نمی‌دانم، ولی بالای شهر قم می‌شد و جای خوبی بود.

زمانی که ایشان تازه ازدواج کرده بودند، من در سفری از مشهد به قم آمده بودم و گفتم بروم فرزند امام را ببینم. به دیدار ایشان رفتم و از نزدیک با هم آشنا شدیم. این اوایل آشنایی ماست، بعداً که ایشان به نجف رفتند و از نجف به قم بازگشتند، یک بار ایشان را گرفتند و به زندان انداختند. وقتی از زندان آزاد شدند ـ اتفاقاً من در تهران بودم ـ برای دیدنشـــان به منزل مرحوم آقای ثقفی رفتم. ایشان در آن جا وارد بودند و جماعتی هم از دوستان آمده بودند. بعد ایشان در بعضی از کارها ـ مثل کارهای مربوط به مبارزه ـ با ما ارتباط پیدا کردند.

مقام معظم رهبری، جمع‌بندی و برداشت کلی خودشان را از شخصیت و خصوصیات حاج سیداحمد خمینی چنین بیان می‌کنند: حاج احمد آقا عنصر قابل و لایقی بودند. اولاً ایشان خیلی باهوش بودند. به نظر من در بین خصوصیات ذاتی و صفاتی که در یک انسان، برجسته است، اگر بخواهیم یکـــی را برای حاج احمد آقا از همه برجسته‌تر حساب کنیم، آن هوش ایشان بود. بســـیار مرد باهوش و تیز و زیرکی بودند. بعضی از صفات خوب امام را هم من در ایشان دیدم. مثلاً آدم بی‌رودربایستی‌ای بودند. امام هم همین گونه بودند. مرحوم حاج‌آقا مصطفی هم همین گونه بودند. ایشان مرد عاقلی محسوب می‌شدند، به شدت به امام عشق می‌ورزیدند و علاقه‌مند ایشان بودند. علاوه بر این، از بن دندان به انقلاب اعتقاد داشـــتند و برای همین هم بود که آن هوش سرشار در خدمت انقلاب و امام به کار می‌رفت. برای ایشان در درجه اول، امام و انقلاب مطرح بود، رفاقت‌ها، دوستی‌ها، جبهه‌ها، باندها و گروه‌ها، هیچ مطرح نبود، این، جهات بسیار خوبی بود که ایشان داشتند. علاوه بر این، ایشان هم در قم و هم در نجف درس خوانده بودند. مـــن از خصوصیات و میزان معلومات ایشان مطلع نیستم، علت هم این است که در این چند سال بعد از انقلاب که ما با ایشان ارتباطات کاری مختلفی داشتیم، بحث علمی مطرح نشد تا من بتوانم بفهمم ایشان در چه حدی بودند، اما می‌دانم که حاج احمد آقا درس خوانده بودند. به هر حال ایشان شخصیت ارزنده‌ای بودند، انصافاً شخصیت مفید و باارزشی بودند.

من در پیام تسلیت ایشان هم نوشتم؛ ایشان واقعاً در کنار امام عنصری لازم و بی‌بدیل بودند. هیچ کس دیگر در کنار امام نمی‌توانســـت این نقش را ایفا کند؛ به خاطر این که خبر دادن به امام، کار آسانی نبود، گاهی خبر تلخی بود که کسی باید به امام می‌داد، نه فقط خبرهایی مانند مرگ و میر؛ بلکه حوادثی بود، اشـــکالاتی در دولت بود، در مســـئولان و در اشخاص که باید یک نفر به امام منتقل می‌کرد. همه کس نمی‌توانست این کار را بکند، چون ممکن بود بعضی منتقل کنند؛ بعد امام ندانند که این‌ها خودشان جزو چه گروه و باندی هســـتند و این خبر چقدر اتقان دارد. فـــردی باید این کار را انجام می‌داد که به امام نزدیک بود و این فرد حاج احمدآقا بودند. ایشان هم در انتقال خبرها و هم در انتقال نظرات امام به بیرون ـ چه به بنده و دو سه نفر دیگر که مسئولان سطح بالای نظام بودیم و چه به مردم یا بعضی دیگر از مسئولان ـ تبحر خاصی داشتند و نظرات امام را خوب منعکس می‌کردند. همچنین در موارد متعددی به امام مشورت می‌دادند. امام هـــم آدمی نبودند که تحت تأثیر عواطف قرار گیرند و مسأله پدر و فرزندی تأثیر ناروایی در ایشان داشته باشد.

از مشـــورت حاج احمد آقا استفاده بهینه می‌کردند. یعنی چنین نبود که هرچه حاج احمد آقا می‌گویند، گوش کنند؛ بلکه مواردی اتفاق افتاد که امام نظری داشتند و شاید خود ما هم خیال می‌کردیم این نظر را حاج احمدآقا به ایشان منعکس کرده‌اند. بعد خدای متعال مســـائل را طوری پیش می‌آورد که می‌فهمیدیم نظر امام در این مورد چیز دیگری است و نظر حاج احمد آقا به جز این بوده است. بنابراین، ایشان مشاوری امیـــن برای امام بودند. امام هم زمانی جمله‌ای بـــا این مضمون گفتند که احمد هیچ چیزی را به من نسبت نمی‌دهد که من نگفته باشم. این گواهی امام بسیار باارزش و مهم است. همین گونـــه هم بود، ما هم تا آن مقداری که دیدیم، همین حس را کردیم.

آیت‌الله العظمی خامنـــه‌ای درباره نقش مشورتی حاج احمد آقا با مسئولان فرمودند: آن هم یک مقوله است. شاید می‌دانید که ایشان در چند جلسه شرکت می‌کردند. یکی در جلسه شـــورای مصلحت بود که به نظرم خود امام فرمودند یا ما از امام خواستیم و ایشان اجابت کردند که حاج احمد آقا در جلسه باشند؛ چون مســـأله تشخیص مصلحت است، بسیار مهم اســـت. یک وقت لازم بود که مثلاً خبرهایی خدمت امام داده شود یا بالعکس. اما مهم‌تر از همه این جلســـات، جلسه روسای سه قوه بود که ایشان مرتب در آن شرکت می‌کردند. جلسه روســـای سه قوه، اوائل، هفته‌ای دو بار و بعد هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد. بعد در مقطعی من گفتم کارمان زیاد است، دفعات جلسه را زیاد کنیم؛ مجدداً هفته‌ای دو بار برگزار می‌شد. در بعضی از جلسات دیگر مثل شورای عالی دفاع هم گاهی ایشان شرکت می‌کردند، اما جلسه‌ای که ایشـــان به عنوان عضو شرکت می‌کردند، جلسه روسای سه قوه بود. جلسه مذکور سیار بود. البته اوائل، هر هفته در دفتر بنده تشـــکیل می‌شد؛ بعد برای تنوع و این که جلسه حالت خشـــک پیدا نکند، بنا گذاشتیم سیار باشد. هر چند هفته یک شـــب هم به منزل حاج احمد آقا می‌رفتیم. در آن شب ما این اقبال را داشتیم که خدمت امام هم می‌رسیدیم. همان شبی که منزل حاج احمد آقا می‌رفتیم، امام هم می‌آمدند. حتی آن وقتی که ایشان کسالت داشتند و حال نداشتند، آن جا آمدند، چند دقیقه‌ای نشستند و رفتند. یعنی آمدن ایشان به یک رسم تبدیل شده بود. در آن جلسه ما درباره مهمترین موضوعات کشور تبادل‌نظر می‌کردیم. مطالب مهم بعضی از جلسات آن شورا را من یادداشت می‌کردم. علت هم این بود که گاهی تصمیم‌گیری می‌کردیم، چون کسی یادداشت نمی‌کرد، بعد اختلاف پیدا می‌شد. برای این که دقیق باشد، من بنا گذاشتم که یادداشت کنم. اگر کسی به آن یادداشت‌ها ـ که البته بسیار کم است ـ مراجعه کند، می‌فهمد چقدر آن جلسه مهم بوده است. در آنجا حاج احمدآقا به عنوان یک عنصر خوشفکر و باهوش و باتجربه، انصافاً خیلی به درد ما می‌خوردند. وقتی در مسائل مختلف، به خصوص مسائل جهانی بحث می‌شد، ذهنشان باز بود و نظرشان در بین نظرها خوب و پخته می‌نمود و در پیش بردن جلسه ما تأثیر داشت.

رهبر معظم انقلاب به جایگاه ایشـــان در سیســـتم اداری کشور اشاره کرد و گفتند: واقعاً بسیار سخت است که آدم بخواهد جایی برای ایشان معین کند؛ چون ایشان موقعیتی رسمی نداشتند. من همین قدر می‌توانم بگویم که ایشان شخصیت ممتاز و بی‌بدیلی بودند و واقعاً جایشان خالی شد. ایشان خصوصیاتی داشتند که هیچ کس دیگر ندارد و نخواهد داشت. واقعاً چنین بود. یعنی ارتباط با امام، نزدیکی به امام، دانستن نظرات امام. ایشان چیزهایی را از امام می‌دانستند و گاهی اوقات می‌گفتند که شاید هیچ کس دیگر نمی‌دانست. قدرت بر انتقال نظرات رهبری مثل امام به مسئولین، مسأله بسیار مهمی است. گاهی اوقات است که مصلحت نیست رهبری در امری اقدام کند؛ لکن خوب است نظرش دانسته شود تا کسانی که می‌خواهند مسائلی را رعایت کنند، حواسشان باشد که نظر رهبری این است. حاج احمدآقا ناقل امین و باهوشـــی بودند که دقیق می‌فهمیدند و همان را که نظر شریف امام بود، منعکس می‌کردند با ما که این گونه بودند.

سؤال شد که بعد از رحلت امام، از جانب ایشـــان هیچ مطلبی مخالف نظرات جنابعالی اعلام نشـــد. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این باره توضیح دادند: حاج احمدآقا بعد از رحلت امام، در رابطه با مســـائل رهبری و بعد هم در درجه دوم در رابطه با مســـائل دولت، موضعی اتخاذ کردند که بسیار تحسین‌برانگیز بود. ایشان انتقادهایی هم به بعضی از امور داشتند؛ اما این انتقادها در مورد مسائل دولت منعکس نمی‌شد یا بســـیار کم منعکس می‌شد. در مورد مسائل رهبری هم، نظر ایشـــان با آنچه که از طرف رهبری ابراز می‌شد، کاملاً موافق اعلام می‌شد و موافق هم بودند.

حاج احمدآقا در برهه بعد از رحلت امام، یکی از بهترین مواضعی را که ممکن اســـت کسی مثل ایشان داشته باشد، در دفاع از اصول و موازین انقلاب و آن چهره حقیقی خط امام اتخاذ کرده بودند. ایشان واقعاً از جان و دل از آن مواضع و از جمله از رهبری، دفاع می‌کردند. دفاع بسیار جانانه‌ای که ایشان چه از اساس و اصل رهبری و چه از شخص حقیر می‌کردند، در بعضی از روحیه‌هایی که ممکن بود به گونه دیگر فکر کنند یا احساس دیگری داشته باشند، تأثیرات زیادی داشت. به هر حال، موضع بعد از رحلت امام که ایشان اتخاذ کرده بودند، بسیار موضع ارزشمندی بود.

روایت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی از مهربانی و خیرخواهی حاج احمد آقا



«ایشان مرد بسیار مهربانی بود. وقتی من گرفتار این ســـانحه سکته شدم مدت مدیدی ایشان، هر روز به منزل ما می‌آمد. این اختصاص به من نداشـــت، اگر دیگری هم بود همین کار را می‌کـــرد. حتی من یک روز از ایشـــان خواستم؛ مقید این نباشد که حالا هر روز بیاید گاه می‌آمد، می‌دید یا دکتر رفته‌ام، نیستم یا اینکه مشغول فیزیوتراپی هستم. می‌نشست تا من بیایـــم. نوعاً هم تنها نمی‌آمد. یا یک نفر، دو نفر هم با خودش می‌آورد و گاهی هم تنها می‌آمد من هر چه به ایشان می‌گفتم که مثلاً اینقدر توی زحمت نیفتد. ایشان می‌گفت که اگر آمدن من مزاحمت برای شما ایجاد می‌کند حرفی ندارم من زحمت را کم می‌کنم اما اگر به خاطر مراعات حال من می‌گویی ـ البته من هم به خاطر مراعات حال ایشان می‌گفتم ـ راحتی من در این است که شما مانع نباشید.

مردی بود بسیار مهربان و بسیار خیرخواه و همچنین ایشان ما و دیگران را هم برای خود خیرخواه می‌دانست. و گاهی اگر یک وقتی از چیزی دلتنگی و شکایتی داشت آن را می‌گفت و کمک فکری می‌گرفتند من او را یکی از افراد بسیار خوبی می‌دانم. او نگهبان و حافظ امام بود. خصوصاً این که امام مریض بود و مراقبت زیادی را می‌طلبید. ایشان هم دائماً مراقبت می‌کرد و پیش‌بینی‌های لازم را انجام می‌داد، و حتی من یک مورد هم ندیدم که ایشان بر خلاف رضای امام حرفی بزنند یا حرکتی بکنند.»

یادگار گرامی امام: بیان حاج احمد آقا تفسیر اندیشه امام است

«ایشـــان هیچ وقت در کنار امام نقش مســـتقلی برای خودشان نخواســـتند و معتقد بودند که در سایه‌سار بوستان سرسبز امام بودن از یک زندگی استقلالی و جدای از امام بهتر است. بنابراین هرچه او می‌گوید اساساً تبیان اندیشه امام است.

در بســـیاری از موارد تفسیر اندیشه امام را باید از لابلای گفتار حاج آقا درآورد. اصلاً نمی‌شود شما به یک واقعه تاریخی وارد شـــوید بـــدون اینکه حاج احمدآقا زوایای پنهان آن مســـأله را روشـــن کرده باشد.

این مســـأله را بشناســـید و بشکافید؛ به همین دلیل توجه کردن به نقش ایشـــان و معلوم کردن و واضح کردن اندیشه ایشان و چیزی که ایشان نقل می‌کند جدای از این که اندیشه کسی است که انقلاب ما به آن خیلی مدیون است؛ خودش روشن‌کننده و بیان‌کننده اندیشه امام است. بیان‌کننده تفکرات امام است. بیانگر شأن نزول بسیاری از مسائلی است که حضرت امام بیان کرده‌اند، این یک واقعیتی است، یک نمونه برای شما عرض می‌کنم. اگر وجود ایشـــان نبود یا آن سخنان را بیان نمی‌کرد که بین ایشان و امام در مود رهبری مقام معظم رهبری گذشته بـــود مبنی بر اینکه امام گفته بودند که ایشان برای رهبری لیاقت دارد، چه کسی از این مسأله خبر داشت و چه کسی می‌توانست این مطلب را بگوید؟

از همه مهمتر صداقتی که مردم در وجود ایشان مشاهده می‌کردند و صفایی که در ایشان سراغ داشتند، یعنی مردم ما هم می‌دانســـتند که ایشان آنچه را که از امام نقل می‌کند، بیراه نمی‌گوید و آنچه از جانب امام به آن‌ها نقل می‌کند، دروغ نیست و برای منافع شخصی نمی‌گوید.

شاید یکی از دلایلی که ایشان بعد از امام خودش را از مســـائل اجرایی کنار کشید بیشتر به خاطر این بود کـــه این حرکت غلط در جامعه نباشد که او برای بقای بیشتر در بدنه نظام، یک حرفی را به امام تحمیل بکند.

البته اصلاً اینجوری نبود و مردم اگر ایشان وارد هر پست و مسئولیت اجرایی هم می‌شد، هیچ نسبت به ایشان واکنش نشان نمی‌دادند و از حضور ایشان در مسئولیت‌ها استقبال می‌کردند، کما این که بعد از فوت ایشـــان مسأله بیشتر مشهود شد و محبوبیت ایشان بیشتر معلوم شد.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: احمد آقا مکمل وجود حضرت امام بود

«در دوران جنـــگ گاهـــی نیمه‌شب، صبح زود، پیش از طلوع فجر و وقت‌های خیلی ویژه اتفاقات مهمی را از طریق تلفن یا رفتن به آنجا یا آمدن حاج احمدآقا به منزل ما

پدری را داشـــت که از استعدادش خوب اســـتفاده کند. مثلاً همین مســـأله رهبری را که شما بعد از امام حساب کنید واقعاً صداقت و هوشیاری احمدآقا بسیار کمک کرد

همسر گرامی حضرت امام:

امام علاقه داشت احمد جان در عراق بماند

«تا قبل از انقلاب که ما در نجف بودیم امام از علاقه خود به احمد آقا چیز مشخصی را نشان نمی‌داد، زیرا ایشان در ایران بودند. اما در سفر آخری که همراه با خانم و حسن آقا که کوچک بود به عراق آمده بودند و می‌خواستند بعد از دو ماه برگردند امام هم علاقه داشـــتند که احمد جان در عراق بماند، ولی من بیشـــتر اصرار می‌کردم.

سرکار خانم دکتر فریده مصطفوی:

احمد آقا زندگی خود را وقف امام کرد

ماجرای ارتحال حاج احمد آقا

بازی کودکان، تمرین زندگی بزرگسالی

بهزاد آذر نیوشان کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، بابلسر

اشاره

بازی از آغاز پیدایش آدمی با او همراه بوده است؛ زیرا جزئی از حیات اوست. بنابراین، قدمت بازی با پیشینهٔ به‌وجود آمدن آدمی یکی است.

همچنان که سابقهٔ زندگی انسان به دو بخش پیش از تاریخ و دورهٔ تاریخی تقسیم می‌شود، پیشینهٔ بازی هم به پیش از تاریخ می‌رسد. از آنجا که آدمی در طول حیات خود تحولانی داشته، طبعاً بازی هم که ساخته و پرداختهٔ اوست، دگرگون شده، پاره‌ای از انواع آن به مرور زمان از میان رفته است و پاره‌ای دیگر کمال یافته و قسمتی هم در تحول ایام به‌وجود آمده است.

بی‌شک انسان نخستین با تشکیل گروه‌هایی ابتدایی بازی‌های دسته جمعی از قبیل تقلید حرکات و صداهاـ چه هنگام حمله و فرار و چه موقع برخوردهای دوستانه ـ داشته و یا تکرار اعمال خود در هنگام شکار یا جنگ با دشمن به صورت حرکات موزون در نوعی بازی نمایشی شرکت می‌کرده که ضمن سرگرم شدن برایش لذت‌بخش هم بوده است. نوع دیگری از بازی‌های مورد توجه انسان نخستین، ظاهراً بازی با سنگ، چوب و درخت و با حیوانات به عناوین گوناگون بوده است. طبعاً بازی با همین مواد او را به ساختن و تعبیهٔ وسایل زندگی رهنمون کرده است.

دادن تعریف جامع و مانعی از بازی، که مورد تأیید همهٔ نظریه‌پردازان روان شناسی باشد، ممکن نیست. هر صاحب نظری براساس تجربه‌ها، مشاهده‌ها، اعتقاد و نگرش خود بازی را به نوعی تعریف کرده و هر یک با برجسته کردن جنبه‌ای از بازی دیدگاه خاصی را نشان داده است. در میان تعاریف داده شده از بازی، اشتراک‌ها و تشابهات زیادی وجود دارد. بازی عبارت است از هر نوع فعالیتی که برای تفریح، خوشی و اغلب بدون توجه به نتیجهٔ نهایی صورت می‌گیرد. انسان داوطلبانه وارد این فعالیت می‌شود و هیچ نیروی بیرونی یا اجباری در آن دخیل نیست.

اهمیت بازی در اسلام

خداوند نخستین دورهٔ رشد انسان را با بازی همراه کرده است. در اسلام، به این موضوع توصیه شده است که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارید تا بازی کنند. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد. در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم با او مشورت کن» در روایتی آمده است، حضرت محمد(ص) با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند که کودکانی را در حال خاک بازی دیدند.

برخی از یاران خواستند آنها را از بازی باز دارند که پیامبر فرمودند: «بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است.» اسلام علاوه بر آنکه از واپس زدن این تمایل در کودکان می‌پرهیزد، توصیه می‌کند که پدران و مادران امکانات لازم را برای بازی کودک فراهم کنند و در هر موقعیت و مقام اجتماعی نیز که هستند، وقتی را به بازی با فرزندان خویش اختصاص دهند و خیال نکنند که در صورت بازی کردن با فرزندان اقتدار با متانتشان خدشه‌دار می‌شود. بازی یکی از فعالیت‌ها و اهداف مهم کودک در زندگی است.

او نمی‌تواند از راه دیگری غیر از بازی به کشف محیط پیرامون خود بپردازد. استعدادهای خود و توانایی‌هایش را شناسایی کند و آن‌ها را به کار بگیرد. کودک در حین بازی به تمرین زندگی بزرگسالی می‌پردازد.

سیرهٔ عملی پیامبر(ص)

محبت رسول خدا(ص) به کودکان به حدی بود که ایشان ضمن نادیده گرفتن موقعیت خود، با فروتنی به بازی با آن‌ها می‌پرداخت. در یکی از روزها که رسول خدا(ص) برای اقامهٔ نمازجماعت عازم مسجد بودند، در راه به گروهی از کودکان برخوردند که در حال بازی بودند. بچه‌ها با دیدن پیامبر(ص) دست از بازی کشیدند و به سوی ایشان رفتند و به پیامبر(ص) گفتند: «کن جملی!» (شتر من باش) رسول خدا(ص) درخواست کودکان را اجابت کردند و مشغول بازی با آن‌ها شدند؛ در حالی که مردم در مسجد در انتظار ایشان بودند. بلال که در مسجد همراه مردم منتظر ورود رسول خدا (ص) بود، با مشاهدهٔ تأخیر پیامبر(ص) به‌سمت خانهٔ ایشان حرکت کرد. او در راه به رسول خدا(ص) رسید و با دیدن صحنهٔ بازی کردن ایشان با کودکان خواست بچه‌ها را از اطراف ایشان دور کند. اما رسول خدا(ص) مانع شدند و از بلال خواستند تا به خانهٔ ایشان برود و برای کودکان چیزی تهیه کند تا به این ترتیب بچه‌ها حضرت را رها کنند.

بلال رفت و از منزل پیامبر(ص) تعدادی گردو پیدا کرده و به محضر ایشان بازگشت رسول خدا(ص) گردوها را از بلال گرفتند و به بچه‌ها فرمودند: «آیا شتران خود را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان نیز با دیدن گردوها، آن‌ها را از دست پیامبر گرفتند و حضرت را رها کردند.

بازی یکی از نیازهای اساسی کودک به‌شمار می‌رود که در عین سرگرم کردن کودک، کارکردهای مهم دیگری نیز دارد که هر یک از آن‌ها به جنبه‌ای از زندگی کودک مربوط می‌شود و او را برای ورود به زندگی بزرگ‌سالی آماده می‌سازد. از این لحاظ، فضا، آزادی کودک، اسباب‌بازی‌های مورد استفاده و مدت زمانی که به بازی با کودک اختصاص داده می‌شود، در خور توجه است.

انسان به حرکت و جنبش نیاز دارد و بازی بخش مهمی از این نیاز است.

فلسفهٔ بازی

هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی به اندیشه و تفکر نیاز دارد و بازی خمیر مایهٔاین تفکر و اندیشه است. آمادگی جسمی و روحی برای مقابله با مشکلات بخشی از فلسفهٔ بازی دانش‌آموزان است؛ بنابراین، بازی هرچه گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، کودک از مصونیت روانی بیشتری برخوردار می‌شود.

کشف دنیای اطراف بخش دیگری از فلسفهٔ بازی است که کودک حسن کنجکاوی خود را از این طریق ارضا می‌کند.

بازی تن و روان کودک را ایمنی می‌بخشد و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی را که در آینده باید به دوش بکشد، به او می‌آموزد کودک با بازی کردن موقعیتی به دست می‌آورد تا اعتقادات، احساسات و مشکلات خود را پیدا کند و مهارت‌های زندگی را بیاموزد.

ساعات زیادی را که کودکان صرف بازی می‌کنند، نمی‌توان به هیچ‌وجه تلف شده تلقی کرد. بازی ممکن است شادی بخش باشد ولی در دوران کودکی کاری جدی است، بدون تردید، بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود. لندرث، از نظریه پردازان بازی، در سال ۲۰۰۲ اظهار می‌دارد: «بازی کردن برای کودک مساوی است با اهمیت صحبت کردن برای یک بزرگسال. بازی و اسباب‌بازی کلمات کودکان هستند»

ویرجینیا اکسلاین، از پژوهشگران بازی درمانی، معتقد است: میل به بازی در سنین بالا کم‌کم کاهش پیدا می‌کند و کارهای مهمی جای آن را می‌گیرد، ولی تا سال‌های پایانی عمر نیز تمایل به بازی در انسان وجود دارد؛ هرچند شکل و ظاهر و هدف بازی عوض شده باشد. ممکن است کودک دلیل بازی کردن خود را نداند، یا آنکه نتواند برای آن علتی بیان کند و از بازی کردن دست بکشد. امروزه ثابت شده است کودکانی که به اندازهٔ کافی و به درستی بازی نمی‌کنند، از رشد ذهنی مناسب و اجتماعی درست بی‌بهره هستند.

بازی غریزه‌ای برای رشد و نمو استعدادها با تمرین مقدماتی برای اعمال آتی است. بازی فرایندی چند بعدی است که به نحوی چشمگیر در خدمت تکامل و رشد کودک قرار دارد و می‌تواند راهی برای تخلیهٔ این انرژی‌ها در مسیر سازنده باشد.

همچنین عاملی است برای رشد نیروهای بالقوه و آماده‌سازی آن‌ها برای استفاده در زندگی. بازی فرایند یادگیری را برای کودک، این انسان کوچک، لذت‌بخش می‌کند و همچنین به ارضای بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنایی او منجر می‌شود. اهمیت بازی در مباحث روان‌شناسی رشد تا حدی است که صاحب‌نظران آن را «تفکر کودک » نامیده‌اند. کودکان از طریق بازی ارتباط برقرار می‌کنند.

مشکلات کودکان در فرایند رشد اغلب با توانا نبودن بزرگسالان برای درک آن‌ها، پاسخگویی به آنچه کودکان احساس می‌کنند یا تلاشی که صرف ایجاد ارتباط می‌کنند، توأم است. بیشتر بزرگسالان انتظار دارند که کودکان به همان نحوی که آن‌ها (بزرگسالان) می‌پسندند، ایجاد ارتباط کنند، (یعنی ارتباط کلامی). آن‌ها به جای اینکه با کودک کودکانه رفتار کنند، انتظار دارند که او خود را به حد یک بزرگ‌سال برساند.

کودکان سعی می‌کنند خود را بفهمانند، هرچند که اغلب از طریق کلامی موفق نیستند؛ به طوری که میان آنچه از زبان آن‌ها فهمیده می‌شود و آنچه بیان می‌کنند، تفاوت وجود دارد. کودکان معمولاً بیشتر از بیان، درک می‌کنند. اکثر بزرگ‌سالان قادرند احساسات(درماندگی، اضطراب و...) و مشکلات شخصی خود را در قالب کلام اظهار دارند؛ در حالی که محدود کردن خواست کودکان به اظهاراتشان محدودیت‌هایی غیرلازم و غیر واقعی در ارتباطی که باید بین کودک و مشاور به وجود آید، تحمیل می‌کند.

به ویژه، اگر این ارتباط برای یک تجربهٔ درمانی باشد. بازی برای کودکان مساوی است با صحبت با بزرگسالان، بازی وسیله‌ای است برای بیان احساسات، کشف روابط و ارضای خود، کودکان در صورتی که مجال یابند، احساسات و نیازهای خود را از طرق بازی به همان صورت و روشی بیان می‌دارند که مشابه روش بزرگ‌سالان است.

پویایی بیان مسئله و وسیله برای ارتباط در مورد کودکان متفاوت است اما بیانات کودکان در مواردی مانند ترس، عصبانیت، شادمانی، ناکامی و غیره شبیه بزرگ‌سالان است. بازی‌ها کلمات کودکان هستند و اگر تعدادی از آن‌ها به دقت گزینش شود، می‌تواند برای کودکان فرصتی فراهم آورد تا احساسات و مشکلات خود را همان‌گونه بیان کنند که تجربه کرده‌اند.

متخصصان کودک در مطالعات انجام شده متوجه این موضوع شدند که از طریق بازی می‌توان بر احساسات منفی و فشارزا در کودک با برون‌ریزی این احساسات غلبه کرد.

اهمیت بازی در کودک تا آنجاست که می‌تواند بهنجاری یا نابهنجاری وی را در بزرگ‌سالی‌اش رقم بزند. در مورد کودکانی که قادر به بیان مشکلات و ناراحتی‌هایشان از طریق گفت‌وگو نیستند. بازی می‌تواند بهترین عامل برای شناخت و درمان اختلال‌های آنان باشد.

امروزه، در دنیا در زمینهٔ بازی درمانی اقدامات پیشرفته‌ای صورت گرفته است که تمام اشکال لازم را شامل می‌شود. در کشور ما هم اقداماتی انجام گرفته که درخور توجه است.

در مراکز درمانی خصوصی و دولتی و در مراکز توان‌بخشی و مهدهای کودک، اتاق‌های بازی به شکل ساده‌ای ایجاد شده است که در آن‌ها خدمات درمانی و تشخیص با کادر مجرب استادان این رشته انجام می‌شود. نکتهٔ مهم، تدارک دیدن این گونه اتاق‌ها در مدرسه‌هاست که می‌تواند از به وجود آمدن مشکلات جبران‌ناپذیر پیشگیری کند. به هر حال،بازی درمانی روشی است که در آن ابزارهای طبیعی بیان حالت کودک، یعنی بازی، به عنوان شیوهٔ درمانی به کار گرفته می‌شوند تا به کودک در مهار فشارهای احساسی خویش کمک کنند.

همچنین این روش در مورد کودکان سه تا هشت ساله‌ای به کار می‌رود که مشکلات خانوادگی (مانند جدایی والدین)دارند، ناخن می‌جوند، دچار شب‌ادراری هستند، اختلال رفتاری دارند، بیش‌فعال‌اند، در روابط گروهی موفق نیستند یا قربانی انواع سوء استفاده شده‌اند. این نوع درمان در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

درمانگرانی که از بازی درمانی استفاده می‌کنند، معتقدند این روش به کودک اجازه می‌دهد جهان را در مقیاسی کوچک‌تر با دستان خود بسازد و آن را تحت نفوذ خویش درآورد؛ کاری که در محیط پیرامون هر روز کودک امکان‌پذیر نیست. پیاژه معتقد است که در فعالیت‌های خودجوش کودک، باید او را آزاد گذاشت؛ زیرا دخالت نامناسب و بی‌موقع فعالیت‌های او استقلال و خودمختاری‌اش را از او سلب می‌کند.

با این همه، تأثیر بزرگ‌ترها را در بازی کودک بی‌اهمیت نمی‌شمارد و به حضور مناسب آن‌ها در بازی‌های کودکان اشاره می‌کند. مشارکت مناسب والدین در بازی‌های کودکان موجب مستحکم‌تر شدن رابطهٔ والد و فرزندی می‌شود و در عین حال موقعیتی مناسب پیش می‌آورد که والدین به تربیت کودک بپردازند و نکات تربیتی را در خلال بازی به او آموزش دهند. والدین تعیین‌کنندهٔ نوع و شیوهٔ بازی کودک نیستند و بهتر است موقعیت سالم برای بازی برای او فراهم سازند و خود به عنوان همبازی شرکت داشته باشند و اجازه دهند کودک با قدرت خلاقیت خویش بازی را اداره کند.

در این بازی‌ها والدین نباید خواست و ارادهٔ خود را به کودک تحمیل کنند، بلکه باید همپا و هم‌ردیف او قرار بگیرند و امکان بازی شادی را فراهم کنند.

پیامبر اکرم می‌فرمایند: «هرکس که کودکی نزد اوست، باید برای او کودک شود» والدین تسهیل‌کنندهٔ مسیر بازی کودک هستند. کودکان با توجه به شرایط سنی‌شان نوع بازی خود را انتخاب می‌کنند.

لازم است والدین دقت کنند مکان بازی موقعیتی سالم، امن و مناسب باشد تا مشکلی کودک را تهدید نکند. مثلاً با توجه به علاقهٔ کودکان در حضور در بازی‌های اجتماعی در پنج‌سالگی لازم است والدین با فراهم آوردن زمینه برای چنین بازی‌هایی در انتخاب هم‌بازی کودک خود دقت کنند و به صورت غیرمستقیم بر بازی‌آن‌ها نظارت داشته باشند.

همچنین، در انتخاب اسباب‌بازی نهایت دقت و تناسب را داشته باشند و اسباب‌بازی‌هایی را انتخاب کنند که برای رشد فکری و شناختی کودک مفیدند.

> **بازی درمانی، یکی از خدمات انسانی است که می‌تواند یک نسل را از وجود مشکلات روانی و اجتماعی و خانوادگی نجات بخشد و فرزندانی سالم را به جامعه تحویل دهد.**
>
> **بازی درمانی اغلب برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که در حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می‌شود.**

> **نکته‌ها و مسائل تربیتی بسیاری را می‌توان در خلال بازی‌ها به کودک آموخت و به راحتی کودک را در مسیر درست تربیت کرد. همان‌طور که می‌توان از خلال بازی‌های کودک به وضعیت و حالت عاطفی کودک، احساسات و افکار کودک پی‌برد. بنابراین بسیار لازم است که مربیان به نقش بازی در زندگی کودک توجه کنند و موقعیت مناسب را برای بازی‌های مناسب فراهم آورند.**

رشدپیش‌دبستانی،دوره پنجم شماره ۳

منابع

۱. احمدوند، محمدعلی؛ روانشناسی بازی(چ پنجم)، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۱.
۲. اسپادک، برنارد؛ آموزش در دوران کودکی (چ هشتم)، مترجم: محمدحسین نظری‌نژاد (۱۳۸۷)، به نشر، تهران، ۱۳۸۷.
۳. اکسلاین، ویرجینیا، دیبز در جستجوی خویشتن. مترجمان: سرور مزینی و مریم نوذرآدان (۱۳۶۸). روزبهان، تهران، ۱۳۶۸.
۴. جلالی، مهدی؛ روان‌شناسی کودک، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
۵. سدیدالدین محمد عوفی؛ جوامع‌الحکایات و لوامع الروایات. ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۰.
۶. محمداسماعیل، الهه؛ بازی درمانی نظریه‌ها، روش‌ها و کاربرد بالینی، دانژه، تهران، ۱۳۸۷.

۲۰۱

گزینه‌های دشوار

هیلاری کلینتون

وزیر امورخارجه ایالات متحده امریکا ۲۰۰۹-۲۰۱۳

HARD CHOICES

ترجمه: **علی اکبر عبدالرشیدی**

در اوکرایـــن جامعـــه بزرگی از روس ها و اقلیتی از روس زبان ها زندگی می کنند. انقلاب نارنجی که در ســـال ۲۰۰۴ پس از انتخابات مســـاله‌دار اوکراین رخ داد یک دولت طرفدار غرب را روی کار آورد. تلاش آن دولت برای نزدیکی به اتحاد اروپایی خشم پوتین را برانگیخت. در سال ۲۰۰۶ انتقال گاز به اوکراین را قطع کرد. این اقدام پیامی نگران کننده به رهبران کی یف ارسال کرد. در سال ۲۰۰۹ قیمت انرژی ارسالی روسیه به اوکراین را افزایش داد تا قدرت خود را به دیگران یادآوری کند. اقدام پوتین سراسر اروپا را در سرما فروبرد. بخش زیادی از قاره اروپا به گاز روسیه وابسته است. اگر می شود ارسال گاز به اوکراین را قطع کرد ارسال گاز به هر کشور دیگری را هم می توان قطع کرد. سرانجام پس از ۱۹ روز موافقتنامه جدیدی به امضا رسید. درست زمانی که رئیس جمهور اوباما مراسم آغاز ریاست جمهوری خود را برگزار می کرد گاز مجددا به اوکراین ارسال شد.

خود من هم در مراسم ادای سوگند در برابر کمیته روابط خارجی ســـنا که در همان ژانویه و در میانه بحران اوکراین برگزار شـــد در مورد اهمیت تقویت ناتو و اتحاد فراآتلانتیک صحبت کردم و قصد خود را برای دادن امنیت به بخش انرژی به عنوان "اولویت بسیار بالا در دیپلماسی امریکا" مورد تاکید قرار دادم. مسائل موجود در شرق اروپا را هم به عنوان آخرین نمونه از آسیب پذیری بخش انرژی که سیاست خارجی امریکا را در سراسر جهان در تنگنا قرار داده و موثر بودن سیاست خارجی امریکا را در برخی موارد محدود کرده و دســـت ما را به ســـمت دیگران دراز کرده است، یادآوری کردم.

در اولین تماس تلفنی که یک هفته بعد از آغاز به کارم با رادوسلاو سیکورســـکی[28] وزیر امور خارجه لهســـتان داشتم در مورد این چالش گفتگو کردیم.

سیکورسکی به من گفت:

"ما می خواهیم سیاست جدید و منبع جدیدی داشته باشیم."

او طرفدار خط لوله ای جدید از طریق بالکان و ترکیه بود که گاز طبیعی منطقه دریای خزر را به اروپای غربی برساند. این همان لوله ای است که به کریدور جنوب موسوم شده و یکی از مهمترین ابتکارات در حوزه دیپلماسی انرژی است. ریچارد مورنینگ استار[29] را به عنوان فرستاده ویژه خودم مامور مذاکره برای عقد موافقتنامه های لازم در جهت اجرایی کردن این طرح کردم.این طرح پیچیده بود چرا که [جمهوری] آذربایجان به عنوان منبع اصلی تامین گاز منطقه دریای خزر گرفتار مناقشه ای قدیمی با همسایه اش ارمنستان بود. مورنینگ استار روابط کاری سازنده ای با الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان ایجاد کرد تا آنجا که مورنینگ استار را به عنوان سفیر امریکا در باکو منصوب کردم. دو بار هم به منطقه سفر کردم تا مشوقی برای صلح ایجاد کنم، از تلاش به سمت دموکراسی حمایت کنم و اجرای طرح خط لوله را پیش ببرم. در این ســـفرها با رهبران صنایع منطقه که در سال ۲۰۱۲ در نمایشگاه سالانه نفت و گاز باکو حضور یافته بودند صحبت کردم. وقتی وزارت امورخارجه امریکا را ترک می کردم قراردادها در حال نهایی شدن بودند و انتظار می رود در سال ۲۰۱۵ کنسرسیومی تشکیل شود تا طرح در سال ۲۰۱۹ به پایان برسد و گاز دریای خزر به سمت اروپا جریان پیدا کند.در مارس ۲۰۰۹ وقتی با رهبران اتحاد اروپایی دیدار کردم از آنها خواستم موضوع انرژی را در اولویت سیاست های خود قرار دهند. بعد برای ایجاد شورای انرژی اروپا-امریکا با کتی [کاترین] اشـــتون کار کردم. تیم هایی از کارشناسان انرژی امریکا در سرتاسر اروپا به راه افتادند تا به کشورهای مختلف کمک کنند منابع جایگزینی برای گاز روسیه پیدا کنند.

ادامه دارد

پی نویس:

28-Radoslaw Sikorski

29-Richard Morningstar

جهان سیاست در سالی که گذشت

بخش سوم

اشاره: جهان در سال ۹۳ تحولات زیادی را پشت سر گذاشت. در این شماره برآنیم تا رویدادهای کشورهای لبنان ، لیبی ، آمریکا و فرانسه را مورد ارزیابی قرار دهیم.

***

*** لبنان**

لبنان در سال ۹۳ تحولات زیادی را پشت ســـر گذاشـــت اما اهم آن، شهادت چند عضو حزب‌الله در تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به منطقه قنیطره سوریه و پاسخ کوبنده حزب‌الله به آن بود. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در تجاوزی آشـــکار به منطقه قنیطره در جولان سوریه پنج عضو حزب‌الله را که برای نبرد با تروریســـت‌ها در این منطقه حضور دارند، به شهادت رساندند. یکی از شـــهدا «جهاد مغنیه» فرزند شهید «عماد مغنیه» از فرماندهان ارشد حزب‌الله بود. علاوه بر این پنج تن یک فرمانده ایرانی نیز به همراه آنها در این تجاوز صهیونیســـت‌ها به شهادت رسید. بلافاصله پس از این جنایت، سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان خطاب به اســـرائیلی‌ها گفت: پناهگاههایتان را آماده کنید. و تأکید کرد که حزب‌الله در زمان مناسب پاسخ این تجاوز را خواهد داد. در پی این تهدید، رژیم صهیونیستی به حال آماده‌باش درآمد و حتی گفته شـــد از طریق یکی از کشـــورهای خارجی به ایران هم پیام داد که در حمله قنیطره، ســـردار ایرانی به عمد هدف قرار نگرفت اما این هراس و نگرانی توفیری نداشت و حزب‌الله کمتر از ۱۰ روز بعد از تجاوز و بســـیار زودتر از انتظارات، پاسخی کوبنده به صهیونیست‌ها داد. نیروهای حزب‌الله در یک عملیات کمین در مزارع اشـــغالی شبعا واقع در جنوب لبنان ۱۷ نظامی صهیونیســـت را به هلاکت رساند که فرمانده تیپ ویژه «گولانی» ـ از زبده‌ترین یگان‌های ارتش رژیم صهیونیستی ـ هم در میان کشته‌ها بود. ارتش صهیونیستی که غافلگیر شـــده بود با دستپاچگی ادعا کرد چهار نظامی این رژیم کشته شدند و این در حالی بود که بیشتر رسانه‌های منطقه رقم ۱۵ تا ۱۷ کشته را منتشر کردند.

اما به جز این رویداد، لبنان امســـال شاهد زد و خورد گســـترده نیروهـــای امنیتی آن با تروریست‌هایی بود که عمدتاً از سوریه وارد این کشور شده‌اند. گفته شد حدود ۳۰۰۰ تروریست عضو داعش و جبهه النصره به منطقه عرســـال لبنان که هم مرز با ســـوریه است نفوذ کردند و تروریست‌ها به ویژه جبهه النصره قصد داشتند امارت ادعایی خود را در خاک لبنان تأســـیس کنند. کانون درگیری‌ها و ناآرامی‌ها شهر طرابلس در شمال لبنان بود.

تروریســـت‌ها منطقه سنی‌نشین باب‌التبانه طرابلس را علیه منطقه شیعه‌نشین جبل محسن این شهر تحریک می‌کردند و به درگیری و ناآرامی دامن می‌زدند. اگرچه ارتش لبنان بلافاصله پس از ایـــن درگیری‌ها در مناطق مختلف طرابلس مستقر می‌شدند اما دهها تن از نظامیان لبنانی در این درگیری‌ها کشـــته شدند. در همین شرایط، تروریست‌های جبهه النصره دهها سرباز و نیروی امنیتی لبنان را به گروگان گرفتند و تاکنون چهار تـــن از آنها را اعدام کرده‌اند و بقیه را همچنان در گروگان خود دارند. این اقدام تروریســـت‌ها پس از آن صورت گرفت که ارتش لبنان یکی از تروریست‌های جبهه النصره را به نام «عماد جمعه» دستگیر کردند. از طرفی خانواده‌های گروگان‌های لبنانـــی نزد جبهه النصره تاکنون چندین بار در واکنش اعتراضی، اقدام به آتش‌زدن لاســـتیک و بســـتن خیابان‌ها مقابل وزارت کشور لبنان در بیروت کرده‌اند و خواســـتار تلاش بیشتر دولت بـــرای آزادی آنها شـــده‌اند. در کنار این وقایع، تروریســـت‌ها امسال چندین بار اقدام به انفجار خودروی بمب‌گذاری شـــده از جمله در مناطق حاره حریک، شویفات و هرمل لبنان کردند که دهها فرد بی‌گناه بر اثر این جنایات تروریســـتی کشته شدند.

در تحولات سیاسی هم «تمام سلام» در پی استعفای دولت نجیب «میقاتی»، هفدهم فروردین امســـال مأمور تشکیل کابینه جدید لبنان شد اما این کابینه با چالش‌های بسیاری روبرو بود و به همین دلیل پس از چند ماه تشکیل شد. سلام، تـــلاش کرد یک توازن میان دو جریان ۸ و ۱۴ مارس ایجاد کند و سرانجام دولت وی براساس توافق موردنظر حزب‌الله یعنی ۸ ـ ۸ ـ ۸ شکل گرفت. اما صحنه سیاسی لبنان امسال با یک خلاء مهم مواجه شد.

میشل ســـلیمان رئیس‌جمهوری سابق که از ســـال ۱۳۸۷ کار خـــود را در این ســـمت آغـــاز کرده بود، در پی ناکامی پارلمان لبنان در انتخاب جانشینش تا تاریخ چهارم تیرماه امسال، ناچار به ترک کاخ ریاست‌جمهوری شد تا سایه خلاء سیاســـی بار دیگر بر این کشور بحران‌زده ســـنگینی کند. از زمان پایان ریاست‌جمهوری سلیمان، پارلمان لبنان تاکنون ۱۷ بار برای انتخاب رئیس‌جمهوری جدید، نشست برگزار کرده اما هر بار به دلیل مخالفت گروههای سیاسی و به حد نصاب نرسیدن نمایندگان، ناکام می‌ماند.

دیگر تحول سیاسی امسال لبنان، برگزاری گفتگو و نشست میان حزب‌الله و جریان المستقبل پس از ســـال‌ها مناقشه و تنش است که تاکنون شش دور آن برگزار شده است.

امســـال همچنین سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان چندین بار در مناســـبت‌های مختلف ســـخنرانی کرد که محور بیشـــتر آنها رژیم صهیونیستی و گروههای تروریستی تکفیری بودند. سیدحســـن نصرالله در انتقاد از داعش و حامیانش اعلام کرد، ما برخلاف داعش و حامیان آن، اســـلامی متمدن و مترقی ارائه می‌کنیم و به همگان می‌گوییم که داعش و حامیانش به راحتی قابل شکست هستند. وی همچنین با هشدار به آل ســـعود برای حمایت از گروههای تکفیری، تأکید کرد که هدف داعش،مکه و مدینه اســـت. دبیر کل حزب‌الله یکبار نیز در ســـخنانی برای نخســـتین بار اعلام کرد که مقاومت لبنان آماده ورود به ســـرزمین‌های اشغالی فلسطین است و هیچ مکانی در اســـرائیل از تیررس موشک‌های مقاومت در امان نیســـت. سیدحسن نصرالله در مراسم گرامیداشت شش شهید حزب‌الله و یک شهید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در تجاوز رژیم صهیونیســـتی به قنیطره سوریه به شهادت رسیدند، گفت: خون شهدای ایرانی و لبنانی بیانگر یکی‌بودن نبرد و سرنوشـــت است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود نیز تأکید کرد که بشار اسد خط قرمز حزب‌الله است.

*** لیبی**

ســـال ۹۳ تندباد تحولات در لیبی قدرتمند و پیچیده بود. رقابت‌ها و مخالفت‌های گروه‌های داخلی که به خشـــونت‌های خانگی کشیده شد، چنان این کشور را زیر و رو کرد که شاید با سال قبل آن قابل قیاس نباشد؛ اختلاف‌هایی که کم‌کم به جنگی تمام عیار تبدیل شـــد. این اختلاف‌ها همچنین پای قدرت‌های کوچک و بزرگ داخلی را به لیبی باز کرد.

اتفاقات امسال در واقع ادامه خشونت‌های سال گذشته بود که دو حادثه خونین باعث شعله‌ور شـــدن آن شد. اختلافات سال گذشته از آنجایی آغاز شد که در «بنغازی» معترضان به گروه‌های شبه‌نظامی با آنها درگیر شدند و صدها غیرنظامی در ایـــن درگیری جان باختند، پس از آن نیز در «طرابلس» این حادثه تکرار شد و گروه‌های شبه نظامی به ســـمت معترضان آتش گشودند و بار دیگر مرگ غیرنظامیان رقم خورد. این دو واقعه آغاز اختلافات سیاسی در سراسر کشور و عامل شـــکل گیری دو دولـــت و دو پارلمان متفاوت در لیبی شـــد. امسال نیز شکاف میان گروه‌های درگیر بیشـــتر شد. به علاوه، تغییر چند دولت و برگزاری انتخابات پارلمانی از جمله تحولات دیگر لیبی بود.

برگزاری انتخابات پارلمانی در ابتدای تیرماه، از دیگر رویدادهای مهم این کشور در سال ۹۳ بود. این انتخابات دومین انتخابات از زمان پیروزی انقلاب لیبی بود و ۱۶۲۸ کاندیدا برای کســـب ۲۰۰ کرسی با هم رقابت کردند. اهمیت انتخابات پارلمانی در این بود که بر اساس قانون، قرار بر این بود که پارلمان جدید این کشـــور جایگزین کنگره ملی شـــود. با پایان یافتن روند انتخابات، مشخص شد که احزاب لیبرال بیشترین کرسی‌های پارلمان را کسب کرده اند. «جریان مدنی» متشکل از لیبرال‌ها در مقایســـه با سایر گروه‌ها از جمله گروه‌های اسلام گرا، توانست کرسی‌های بیشتری را به خود اختصاص دهد. نوع تقســـیم بندی و سهم هر منطقه کشور در پارلمان به گونه‌ای بود که خود باعث بروز مشـــکلاتی شد که پس از اعلام نتایج انتخابات به شکل گیری تقابل جدید در لیبی منجر شد.

اما از آن بدتر اینکه طبق قانون، بایســـتی پس از تشکیل پارلمان جدید کنگره ملی منحل می‌شد، اما این اتفاق روی نداد. پس از تشکیل پارلمان جدیـــد، اعضای کنگره ملی حاضر به تفویض اختیارات به پارلمان نشدند و رویاروی اعضای پارلمان جدید ایستادند. در این بین شبه نظامیان مناطق مختلف لیبی به جانبداری از این دو نهاد وارد عرصه اختلافات شدند و لیبی پس از برگزاری انتخابات پارلمان وارد مرحله جدیدی از درگیری‌های داخلی شد. شبه نظامیان شرق لیبی به حمایت از کنگره ملی،علیه پارلمان جدید شورش و برای خود دولتی در طبرق ایجاد کردند. در این بین ارتش هم با حمایت از پارلمان جدید وارد معرکه درگیری‌ها در لیبی شد و جنگی خونین در لیبی در گرفت.

در چنین شـــرایطی ژنرال «خلیفه حفتر» از اردیبهشت ماه با حمایت نظامیان بازنشسته خود را به شکل جدی وارد عرصه کشمکش‌های سیاسی کـــرد. حفتر که از حمایت غرب نیز برخوردار است ضمن هشدار به دولت، مبارزه با گروه فجر لیبی و همچنین دیگر گروه‌های تروریستی را در دستور کار خود قرار داد.

در ایـــن حال، وخامت اوضاع لیبی و خلاء قدرت از یک ســـو، همپیمانی «انصار الشریعه» شریک فجر لیبی، با داعش از سوی دیگر باعث شد تا داعش، محیط را برای بسط قلمروی جنایات خود مهیا ببیند. سرکرده داعش، با انتخاب والی برای لیبی، تلاش کرد در این کشور غنی و سرشار از منابع نفتی، دست اندازی و به سرعت از میان تروریست‌ها یارگیری کند.

زمان زیادی از این واقعه نگذشـــت و ۲۸ بهمن ماه، داعش ویدئویی را منتشر کرد که در آن نشان می‌داد، اعضای این گروه، ۲۱ مسیحی قبطی مصری را که برای کار به لیبی رفته بودند، در سواحل جنوبی مدیترانه در لیبی سر بریدند. این اقدام هولناک، مصر را وادار به مداخله نظامی در لیبی کرد و جنگنده‌های این کشـــور در چند مرحله مواضع این گروه را بمباران کردند.

*** آمریکا**

سال ۹۳ در آمریکا، سالی پر تنش و مملو از اعتراضات گسترده علیه خشونت پلیس و تبعیض نژادی علیه سیاهپوســـتان بود. این اعتراضات از شهر «فرگوسن» در ایالت «میسوری» آغاز شد و سراسر آمریکا را فراگرفت.

اعتراضات در مردادماه زمانی آغاز شـــد که «دارن ویلســـون»، پلیس سفیدپوست این شهر، «مایکل براون» نوجوان سیاهپوســـت ۱۸ ساله را با شلیک گلوله از پای درآورد. در ویدئویی که از این واقعه منتشر شد، به نظر می‌رسد، مایکل براون، هنگام شـــلیک گلوله دستان خود را بالا آورده بود و تسلیم شده بود.

اعتراضات خیابانی به ســـرعت و در همان روز اول در شـــهر فرگوسن به صحنه درگیری معترضان با پلیس تبدیل شـــد. خشونت‌ها بالا گرفت و معترضان با به آتش کشیدن پمپ بنزینی در نزدیکی محل کشته شدن براون، خشم خود را نشان دادند. پلیس با ضرب و شتم معترضان و پرتاب گاز اشک آور سعی در سرکوب اعتراضات کرد. اما خشـــم معترضان نه تنها فروکش نکرد که بیشتر و اعتراضات به روزهای بعدی کشیده شـــد. همزمان در دیگر نقاط ایالت میســـوری تظاهرات‌های مشـــابه برگزار شد و پس از چند روز در این منطقه حالت فوق‌العاده اعلام شـــد. کار بـــالا گرفت و دولت محلی از دولت فدرال تقاضای کمک کرد. تنش‌ها در میسوری بیش از یک هفته ادامه داشت، و پس از آن افکار عمومی در انتظار محاکمه پلیس ماند.

اما اواخر آبان ماه، انتظار افکار عمومی به یاس بدل شد، زمانی که دادگاه محلی، ویلسون، پلیس سفیدپوســـت قاتل براون را تبرئه کرد. این خبر مثل بمبی در شهر فرگوسن صدا کرد و باردیگر مردم به خیابان‌ها آمدند. فرگوسن و «سنت لوئیس» دوبـــاره صحنه اعتراضات، آتش زدن و تخریب ساختمان‌ها و خودروها و نیز غارت فروشگاه‌ها شـــد و پلیس بار دیگر به ســـرکوب تظاهرات پرداخت. فرماندار ایالت میسوری با اعلام وضع اضطراری، در اولین اقدام، درخواست ۴۰۰ نیرو از اعضای گارد ملی را کرد.

اما این بار تظاهرات به شـــهر فرگوسن و ایالت میسوری محدود نشد. معترضان به رفتار خشونت بار پلیس به سرعت در ۹۰ شهر بزرگ آمریکا با تظاهرکنندگان فرگوسنی ابراز همدردی کردند و به خیابان‌ها آمدند.

در همیـــن میـــان، چندین مـــورد دیگر خشونت‌های منجر به مرگ توسط پلیس آمریکا در ایالت‌هـــای دیگر نیـــز روی داد. از جمله آنها، «گارنر»، دســـتفروش سیاهپوستی بود که اواخر شهریور به دلیل برخورد خشن یک افسر سفیدپوســـت هنگام بازداشت، خفه شد و در آذرماه، همزمان با بالا گرفتن اعتراضات علیه تبرئه پلیس فرگوســـن، دادگاه رأی به بی‌گناهی افسر سفیدپوست نیویورکی نیز داد. مورد سوم، «رومین بریسبون»، جوان ۳۴ ساله سیاهپوست، بود که در شهر «فینیکس»، مرکز ایالت آریزونا به دست یک افسر سفیدپوست آمریکایی کشته شد.

اعتراضـــات دولت را وادار به ایجاد طرحی برای کنترل بیشتر نیروهای پلیس کرد.

از ســـویی، اواخر بهمن ماه، سه دانشجوی مسلمان آمریکایی در نزدیکی دانشگاه «کارولینای شمالی» در «چپل هیل» به ضرب گلوله یک قاتل ۴۶ ساله کشته شدند.

این در حالی اســـت که، با پایان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا و انتخابات فرمانداری در برخی ایالت‌های این کشور در آبان ۹۳، مشخص شد برای اولین بار از سال ۲۰۰۶ به این سو، جمهوریخواهان کنترل مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا را به دست گرفتند و در نتیجه اکثریت کنگره را به خود اختصاص دادند. این اتفاق برای آمریکا چندان غریب نبود و در این کشور به طور سنتی، حزب رئیس‌جمهوری که دوره دوم ریاســـت جمهوری خود را سپری می‌کند در انتخابات میان دوره‌ای کنگره شکست می‌خـــورد و این بار نیـــز این روند برای اوباما تکرار شد.

*** فرانسه**

اقدامات تروریستی به نظر می‌رسد از مرزهای خاورمیانه فراتر رفته و به اروپا و کشورهای غربی رسیده است. فرانسه یکی از این کشورهاست که در حمله به دفتر نشـــریه طنز «شارلی ابدو» در پاریس که سابقه اهانت به مقدسات اسلامی به ویژه شخص پیامبر(ص) را در کارنامه دارد، ۱۲ تن کشته شدند. دو تن از قربانیان پلیس بودند. مهاجمان لباس و ماســـک سیاه پوشیده بودند و هنگام تیراندازی فریاد «الله‌اکبر» سر می‌دادند. در میان کشته‌ها همچنین نام «استفان شربونیه» معروف به «شارب» سردبیر مجله نیز به چشم می‌خورد. وی طراح کاریکاتور موهن به ســـاحت مقدس پیامبر(ص) بود.

در پی این حمله نیروهای امنیتی فرانسه به حال آماده‌باش درآمدند و یک نشست بحران هم در کاخ الیزه برگزار شـــد. القاعده یمن بلافاصله این حمله را برعهده گرفت و اعلام کرد جنگ علیه صلیبی‌ها تازه آغاز شـــده است. کشورهای اروپایی و آمریکا این حمله را محکوم کردند. پس از این حادثه، مسلمانان فرانسه و مراکز اسلامی این کشور هدف حملات و خشونت گروه‌های ضداسلامی قرار گرفتند.

اما یک روز پس از حمله به شـــارلی ابدو، یک حادثه گروگانگیری هم در فروشگاهی یهودی در حومه پاریس اتفاق افتاد که پلیس پس از آزاد کردن گروگان‌ها، دو گروگانگیر را که گفته شد برادر بودند، از پا درآورد. پلیس اعلام کرد علاوه بر کشتن برادران «کواچی» که مغربی‌الاصل بودند، عامل حمله به شارلی‌ابدو که یک سیاهپوست به نام «امدی کولیبالی» بود را نیز از پا در آورده اما «حیات بومدین» نامزد کولیبالی به سوریه گریخته است.

ادامه دارد

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت ایران مایه (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۳۳۸۰۱
دارای شناسه ملی شماره ۱۰۱۰۰۴۷۳۸۲۳
۱۳۹۴/۱/۲۶

بدین‌وسیله به اطلاع کلیه ســـهامداران و نمایندگان قانونی ایشان می‌رســـاند جلســـه مجمع عمومی عادی سالیانه شـــرکت در روز چهارشـــنبه ســـاعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۶ در نشانی جاده ائل گلی، جنب پارک ائل گلی، هتل پارس تبریز ... تشکیل می‌گردد. لذا به منظور اتخاذ تصمیم حضور بهم رسانند.

دستور جلسه عبارتست از:
۱ـ استماع گزارش بازرس و گزارش هیئت مدیره
۲ـ تصویب ترازنامه سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۹/۳۰ و حساب سود و زیان سالیانه
۳ـ انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل
۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه بوده حسب تصمیمات مجمع در دستور جلسه قرار گیرد.

هیئت مدیره
شرکت ایران مایه ـ سهامی خاص

آگهی مزایده

شرکت گســـترش انفورماتیک ایران قصد دارد نسبت به فروش مقداری از اقلام مازاد، فرســـوده و ضایعاتی خود اقدام نماید. (ضایعـــات از قبیل قطعات کامپیوتر، تجهیزات تأسیساتی و ساختمانی، پارتیشن، صندلی، کولر، شیشه و ...)

از متقاضیان دعوت می‌شود حداکثر تا مورخ ۹۴/۰۱/۳۱ ما بین ساعت ۱۴ الی ۱۷ جهت بازدید به محل شرکت واقع در خیابان انقلاب، حد فاصل حافظ و نجات اللهی، پلاک ۸۶۰ مراجعه و نســـبت به ارائه پیشنهاد مکتوب خود اقدام نمایند.

آگهی نوبت دوم
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت جهاد نصر ایلام(سهامی خاص)

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی ســـالیانه نوبت دوم شرکت جهاد نصر ایلام(ســـهامی خاص) به شماره ثبت ۸۱۱ که در نوبت اول به حد نصاب لازم نرسیده است. در روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱/۳۰ راس ساعت ۱۰ صبح در محل مجتمع رفاهی فرهنگیان ایلام به نشانی: بلوار مدرس بالاتر از اداره آموزش و پرورش شهرستان ایلام تشـــکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند. در ضمن هر گونه ورود به جلسه با ارائه مدارک شناسایی معتبر یا معرفی‌نامه کتبی قبل از تشکیل مجمع در محل مذکور ارائه می‌شود.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیات مدیره درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۹۳/۹/۳۰
۲ـ استماع گزارش بازرسی قانونی و حسابرس درخصوص عملکرد هیات مدیره و صورت‌های مالی منتهی به ۹۳/۹/۳۰ و تصمیم‌گیری درخصوص آن
۳ـ تصمیم‌گیری درخصوص سود قابل تقسیم
۴ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل و تعیین حق‌الزحمه بازرس
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی شرکت می‌باشد.

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی انتخابات
انجمن مرندی‌های مقیم تهران
به شماره ثبت ۱۴۱۶۵

با توجه به اتمـــام دوره تصدی اعضای هیات مدیره انجمن، به اطلاع می‌رســـاند انتخابات جدید هیات مدیره و بازرسین روز جمعه ۹۴/۲/۱۱ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل انجمن به نشـــانی خیابان کارگر، چهارراه لشگر، خیابان شهید معیری(منیریه)، کوی ارجمند، پلاک۷ برگزار می‌گردد.
لذا از کلیه اعضای محترم انجمن مرندی‌های مقیم تهران دعوت می‌شـــود تا در این جلسه حضور به هم رسانند. ضمناً از کلیه کســـانی که داوطلب عضویت در هیات مدیره و بازرس می‌باشند جهت ثبت نام تا مورخ ۹۴/۱/۳۱ به دفتر انجمن مراجعه نمایند.

دستور جلسه:
۱ـ ارائه گزارش هیئت مدیره
۲ـ ارایه تراز مالی و تصویب بودجه۹۴
۳ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی
۴ـ انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسین

هیات مدیره انجمن مرندی‌های مقیم تهران

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت گسترش انفورماتیک ایران

مجمع عمومی فوق‌العاده شـــرکت گسترش انفورماتیک ایران رأس ساعت ۱۴ بعدازظهر روز سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۹۴ ، درمحل شـــرکت واقع در خیابـــان انقلاب حدفاصل حافظ و نجات‌الهی پلاک ۸۶۰ طبقه ۴ برگزار می‌گردد.

دستور جلسه : تغییرات آدرس قانونی شرکت

هیئت مدیره

آگهی افزایش سرمایه و استفاده از حق تقدم

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت مهندسی پیوند مبتکر پارس(سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۹۸۳۷۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۱۹۴۷ می‌رساند که با توجه به عدم استفاده سهامداران محترم از حق تقدم اعلام شده به نسبت سهام خود در آگهی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۱۰/۲۳ مبنی بر افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۶/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۴۲۰/۰۰۰ سهم بی‌نام ۱۰/۰۰۰ ریالی و ۲۱۰/۰۰۰ سهم با نام ۱۰/۰۰۰ ریالی به مبلغ ۱۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۴۲۰/۰۰۰ سهم بی‌نام ۱۰/۰۰۰ ریالی و ۸۴۰/۰۰۰ سهم با نام ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد ۶۳۰/۰۰۰ سهم آن جدید و هر یک به ارزش ۱۰/۰۰۰ ریال می‌باشـــد که توسط هر یک از ســـهامداران قابل پذیره‌نویســـی می‌باشد لذا از کلیه سهامداران محترم درخواست می‌شود از تاریخ نشر آگهی به مدت ۱۵ روز مبلغ اسمی خرید هر سهم را به حساب سیبای شرکت به شماره ۱۰۱۷۶۲۴۳۱۰۰۳ نزد بانک ملی ایران خودرو واریز و فیش مربوطه را به دفتر شرکت ارسال نمایند

با تشکر ـ هیأت مدیره
شرکت مهندسی پیوند مبتکر پارس

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
گروه سرمایه‌گذاری صنایع و معادن فلات ایرانیان(سهامی عام) به شماره ثبتی ۲۴۴۲۴۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۴۹۱۰۱
عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۹/۳۰

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم می‌رســـاند که جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت رأس ساعت ۲ بعدازظهر روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱/۲۳ در سالن قصر سپهر به آدرس: تهران ـ شهرک غرب ـ بلوار فرحزادی ـ بلوار شهید دادمان ـ ابتدای خیابان درختی ـ طبقه دوم مرکز تجاری سپهر برگزار می‌شود. از سهامداران شرکت و یا وکلاء و نمایندگان قانونی ایشان تقاضا می‌شـــود جهت اخذ کارت ورود به جلسه، روزهای ۱۸ و ۹۴/۱/۱۹ از ساعت ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر، با در دست داشتن برگه یا گواهی سپرده سهام، کارت شناسایی معتبر، وکالتنامه و یا ورقه نمایندگی به امور ســـهام شرکت به آدرس: تهران ـ شهرک غرب ـ بلوار فرحزادی ـ انتهای خیابان سپهر ـ پلاک۲۰۶ ـ طبقه سوم مراجعه نمایند.

دستور جلسه:
۱ـ قرائت گزارش هیئت مدیره
۲ـ اســـتماع گزارش بازرس قانونی و بررســـی و تصویب صورت‌های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۹/۳۰
۳ـ انتخاب بازرس قانونی و علی‌البدل و تعیین حق الزحمه ایشان
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

هیئت مدیره

آگهی تغییرات
شرکت بصیر شیمی پارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۱۹۸۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۹۹۲۰۰۶

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: به موضوع شرکت عبارت انجام امور تجاری ـ صادرات ـ واردات و تشـــکیل و تأسیس واحدهای تولیدی در رشته‌های مختلف و نیز تأسیس و اداره شعب در شـــهرهای مختلف و خارج از کشور. واردات و پخش و توزیع انواع مواد و ســـموم خانگی و کشـــاورزی و دامداری و طیـــور واردات و فروش عوامل کنترل بیولوژیک و فرآورده‌ها و تجهیزات کنترل غیرشـــیمیایی اضافه گردید و ماده ۲ اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۲ـ۶۸۷۱۲۶۷/م‌الف

****

آگهی تغییرات
شرکت ارژن ارگ سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۱۳۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۴۸۹۴۹

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: محل شرکت به آدرس تهران خیابان مفتح جنوبی ـ خیابان ســـمیه ـ پلاک ۱۲۲ طبقه سوم ـ واحد۱ ـ کدپستی ۱۵۸۱۸۷۴۶۵۱ منتقل گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۳۵ـ۶۸۳۰۰۳۷/م‌الف

****

آگهی تغییرات
شرکت گروه صنعتی گل فام پاسارگاد
سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۱۲۱۰
و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۹۷۲۵۴

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مـــورخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مســـعود میرلوحی ســـید احمدیانی به شماره ملی ۰۰۶۲۵۸۴۷۲۳ و آقای مســـیح میرلوحی سید احمدیانی به شـــماره ملـــی ۰۰۶۴۷۴۸۱۹۷ و خانم مهسا سادات میرلوحی سید احمدیانی به شماره ملی ۰۰۷۹۷۵۹۲۱۱ به عنـــوان اعضای هیأت مدیره برای مدت دو ســـال انتخاب شـــدند. مریم پورجعفری به شـــماره ملی ۰۰۵۷۸۰۸۶۲۷ به عنوان بازرس اصلی و علی‌اصغر شهسواری به شماره ملی ۵۵۹۸۹۵۲۴۳۲ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک ســـال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۳ـ۶۸۷۵۵۹۲/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت بین‌المللی خدمات مسافرتی آناهیتا پرواز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۷۰۰۸ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۸۰۱۲۶۵

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۱ و مجوز شماره ۳۲۶۰۶ مورخ ۹۳/۶/۱۵ سازمان هواپیمایی کشوری تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد رضا مافی به کد ملـــی ۰۰۴۴۳۶۱۹۹۸ به عنوان رئیس هیئت‌مدیره و آقای محمد عبرت به کد ملی ۴۱۳۲۰۶۵۳۹۱ به عنوان نائب رئیس هیئت‌مدیره و آقای عبدالله عبرت به کد ملی ۴۱۳۲۰۴۹۹۰ به عنوان عضو هیئت‌مدیره و آقای علیرضا درخشان به کد ملی ۰۰۶۷۰۷۵۲۵۸ به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره انتخاب گردید کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک ـ ســـفته ـ بـــروات ـ قراردادها و اســـناد بانکی و اعتباری با ۲ امضای متفق عامل یا رئیس هیئت‌مدیره و یکی از اعضـــای هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. سایر مکاتبات عادی و نامه‌های جاری شرکت با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره یا مدیر اجرایی به تنهائی معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۴۳۲۴ـ۶۸۴۷۶۸۹/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت بین‌المللی خدمات مسافرتی آناهیتا پرواز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۷۰۰۸ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۱۸۰۱۲۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۰ و مجوز شـــماره ۳۲۶۰۶ مورخ ۹۳/۶/۱۵ سازمان هواپیمایی کشوری تصمیمات ذیل اتخاذ شد: علی اســـمعیلی مداح به کد ملی ۰۰۴۱۱۳۴۴۱۹ و مصطفی ایروانی به کد ملـــی ۰۰۴۲۳۹۰۲۰۶ به ترتیب به عنوان بازرس اصلـــی و علی‌البدل برای مدت یک ســـال مالی انتخاب شـــدند. روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شـــرکت تعیین گردید محمد رضا مافی به کد ملـــی ۰۰۴۴۳۶۱۹۹۸ محمد عبـــرت به کد ملی ۴۱۳۲۰۶۵۳۹۱، عبدالله عبرت به کد ملی ۴۱۳۲۰۴۹۹۰، علیرضا درخشـــان به کد ملی ۰۰۶۷۰۷۵۲۵۸ به عنوان اعضای هیئت‌مدیره شـــرکت برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۴۳۲۳ـ۶۸۴۷۲۷۱/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی منطقه شش تهران به شماره ثبت ۱۳۳۸۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۷۰۹۹۴

به استناد صورتجلســـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۳ و مجوز شماره ۹۳۲/۱۵/۱۴۷۹۳۱ مورخ ۹۳/۶/۱۶ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اســـتان تهـــران تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: آقـــای محمدرضا ایرانشـــاهی به ک.م ۰۳۸۰۷۹۳۷۷۶ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای ناصر حسنی یگانه به ک.م ۰۰۳۲۸۸۹۱۳۵ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و آقای کامبیز مهربانی پارسی به ک.م ۰۰۵۴۷۴۰۲۸۲ به سمت منشی هیأت مدیره تعیین سمت گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، ســـفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء ثابت مدیرعامل ناصر حســـنی یگانه و رئیس هیأت مدیره آقای محمدرضا ایرانشـــاهی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشـــد و در غیاب رئیس هیأت مدیره با امضای منشـــی هیأت مدیره آقای کامبیز مهربان پارسی همراه با مهر معتبر است. و اوراق عادی با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۱ـ۶۸۷۱۷۸۹/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت پارس خودرو سهامی عام
به شماره ثبت ۱۶۸۳۲
و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۹۹۴۴۴

به استناد صورتجلســـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سمت اعضاء هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای داود جدید بناب با کد ملـــی (۱۵۸۰۱۱۰۵۷۶) به نمایندگی از شرکت ســـرمایه‌گذاری سایپا (سهامی عام) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۱۹۸۲۱ به سمت رئیس و عضو غیر موظف هیأت مدیره. ـ آقای محمد کبریتی با کد ملی (۰۰۳۵۰۰۸۸۵۷) به نمایندگی از شـــرکت مهندسی و مشاور ســـازه گستر سایپا (ســـهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۷۶۶۳ به سمت نایب رئیس و عضو موظف هیأت مدیره. ـ آقـــای ناصر آقا محمدی با کدملی (۰۰۴۰۰۸۱۶۵۶) به نمایندگی از شـــرکت سرمایه‌گذاری و توســـعه صنعتی نیوان ابتکار (سهامی خاص) به شماره شناســـه ملی ۱۰۱۰۱۸۵۲۰۹۸ به ســـمت مدیرعامل و عضو موظف هیـــأت مدیره. ـ آقای علیرضـــا مصدقی با کدملی (۵۰۶۹۸۰۷۹۱۹) به نمایندگی از شـــرکت ایرانی تولید اتومبیل سایپا (ســـهامی عام) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۸۷۱۲ به ســـمت عضو موظف هیأت مدیره. ـ آقای محمـــود دودانگه با کدملـــی (۵۰۹۹۶۹۰۲۵۴) به نمایندگی از شـــرکت مرکز تحقیقات و نوآوری ســـایپا (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۳۱۱۰ به ســـمت عضو غیرموظف هیأت مدیـــره. هیأت مدیره اختیارات خود را در بندهای ۱، ۳ (به اســـتثناء خارج از ایران)، ۴ (در چارچوب آئین‌نامه‌های مصوب)، ۶، ۷، ۸ (به استثناء ظهر نویســـی)، ۹ (با رعایت آئین‌نامه معاملات به استثناء جدول حد نصاب خریدها موضوع بند ۱ـ۵)، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ از ماده ۳۷ اساسنامه و هم‌چنین اعزام کارکنان شـــرکت به مأموریت‌های داخلی و پرداخت پاداش نقدی و یا غیرنقدی بـــه کارکنان را وفق آئین‌نامه‌های مصوب به مدیرعامل تفویض نمود. کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و اسناد تعهدآور شرکت با امضاء متفق دو نفر، مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شـــرکت معتبر می‌باشد. ـ مکاتبات عادی اداری با امضاء مدیرعامل یا یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۳۴ـ۶۸۷۸۳۹۲/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت گسترش سرمایه‌گذاری ایران‌خودرو شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۱۳۶۹۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۰۶۸۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۲ و مجوز شماره ۱۲۱/۲۸۹۷۱۲ مورخ ۹۳/۸/۱۱ ســـازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل برای مدت ۲ ســـال انتخاب شـــدند: اعضاء اصلی هیئـــت مدیره: ـ شـــرکت ایران‌خودرو (ســـهامی عام) به شناســـه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۰۷۹۴ ـ شـــرکت تام ایران‌خودرو (ســـهامی عام) به شناســـه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۰۶۴۴ ـ شرکت تهیه و توزیع لوازم و قطعات یدکی ایران‌خودرو (ســـهامی خاص) به شناســـه ملی ۱۰۱۰۰۷۵۵۰۲۷ ـ شـــرکت مهندسی خدمات صنعتی ایران‌خودرو (ســـهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۱۵۲۹ ـ شـــرکت ایران‌خودرو خراسان (سهامی خاص) به شناســـه ملی ۱۰۳۸۰۳۱۳۸۰۰ اعضاء علی‌البدل هیئت مدیره: ـ شـــرکت سرمایه‌گذاری سمند (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۵۶۶۱ ـ شرکت تعاونـــی خاص کارکنـــان ایران‌خودرو به شناســـه ملی ۱۰۱۰۱۹۱۴۵۳۷

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۳۳ـ۶۸۷۷۱۸۰/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت توسعه صنعتی فرآور نمک
سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۱۷۵۳
و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۴۳۸۳۰

به استناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۲/۶/۳۱ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی شاهدان شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۲۵۵۰ به عنوان بازرس اصلی و مؤسســـه حسابرسی داریاروش شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۷۲۹۳۸ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۶ـ۶۸۸۳۱۷۳/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت فنی مهندسی زر فرآور خاورمیانه سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۵۴۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۸۲۷۱۰

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مـــورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت مدیره عبارتند از: آقای علی کارگر به کد ملی ۳۱۴۹۶۶۴۵۹۴ و آقـــای بهرام اجاقی به کدملی ۲۹۴۹۸۱۲۵۷۰ و آقای مهدی شـــکوریان به کدملی ۳۹۳۰۷۹۶۳۰۹ و آقای علیرضا صابر به کدملی ۰۳۲۲۰۰۳۴۲۳ برای مدت ۲ ســـال انتخاب گردیدند. خانم مهناز علـــی محمدی به کدملی ۰۰۸۴۲۵۵۱۸۸ به سمت بازرس اصلی و خانم شـــیوا شمس انصاری به کدملی ۰۰۷۰۵۰۹۳۸۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکســـال مالی انتخـــاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۵ـ۶۸۷۴۲۷۶/م‌الف

****

آگهی تغییرات
شرکت فنی مهندسی زر فراور خاورمیانه
سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۵۴۰۰
و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۸۲۷۱۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی کارگر به کدملی ۳۱۴۹۶۶۴۵۹۴ به ســـمت رئیس هیئت مدیره. آقای بهرام اجاقـــی به کدملی ۲۹۴۹۸۱۲۵۷۰ به ســـمت نائب رئیس هیئت مدیره. آقای مهدی شـــکوریان به کدملی ۳۹۳۰۷۹۶۳۰۹ به ســـمت عضو هیئت مدیره. آقای علیرضا صابر به کدملی ۰۳۲۲۰۰۳۴۲۳ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۳۴۳۵۴ـ۶۸۷۴۴۸۵/م‌الف

وزیر اطلاعات: پویایی و بالندگی فرهنگ شهادت، در جامعه عزت ملت را به دنبال دارد

سرویس شهرستانها ـ وزیر اطلاعات گفت: هر چقدر فرهنگ شهادت یاد شهدا و حرمت‌گذاری و خدمتگزاری به خانواده شهدا در جامعه زنده، پویا و بالنده باشد، عزت ملت بیشتر تضمین می‌شود.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود علوی جمعه شب در مراسم روز شهید و گرامیداشت یاد و خاطره شهدا در قم افزود: طبق فرمایش امام راحل ترس از مرگ بسترساز ذلت یک ملت است، چرا که ملتی که از مرگ بترسد، به خاک ذلت می‌نشیند.

عضو خبرگان رهبری، ترویج فرهنگ شهادت در جامعه را مهمترین عامل همه پیروزی‌های ملت ایران بیان کرد و افزود: بنیانگذار جمهوری اسلامی با جاری کردن فرهنگ ایثار و شهادت در ملت ایران خیزشی را در کشور و جهان اسلام پدید آورد، که پیروزی جانانه رزمندگان حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی تنها جزیی از ثمرات و نتایج آن به شمار می‌رود.وی یادآور شد: همه این افتخارات و عزتمندی‌ها را مدیون شهیدان و فرهنگ شهادت هستیم، تا روزی که گلبرگ سرخ لاله‌ها در کوچه‌های شهر ما بوی شهادت بدهد، غبار ذلت و مذلت بر چهره مردم ما هرگز نخواهد نشست.او در بخش دیگری از سخنان خود با گرامیداشت ۲۲ اسفند سالروز تأسیس بنیاد شهید، این اقدام را یکی از باقیات و صالحات امام راحل بیان کرد و افزود: هدف اصلی حضرت امام(ره) از تأسیس این نهاد خدمت به خانواده معظم شهیدان بود.در این مراسم قبل از سخنان وزیر اطلاعات، پیام آیت‌الله العظمی نوری همدانی از مراجع تقلید در خصوص روز شهید قرائت شد.تجلیل از خادمان و خدمتگزاران خانواده‌های معظم شهیدان و ایثارگران استان قم بخش پایانی این مراسم بود.

پلیس راهور ناجا به همیاران پلیس ۲ ماموریت محول کرد

سرویس حوادث: پلیس راهور ناجا از همیاران پلیس درسراسرکشور خواست این نیرو را در ۲ ماموریت کنترل صحبت با تلفن همراه هنگام رانندگی وبستن کمربندایمنی توسط تمامی سرنشینان خودرو یاری کنند.

سردار موسی امیری جانشین فرمانده پلیس راهور ناجا دیروز درجمع همیاران پلیس در مدرسه پسرانه سروش در شهرک غرب افزود: این گردهمایی برای اعلام آماده باش همیاران پلیس در سراسر کشور برای نوروز است و از همین جا به همه همیاران پلیس در سراسر کشور و پلیس یاران جوان و جمعیت ۱۰ میلیونی آنان آماده باش می‌دهیم که نوروز درکنار خانواده و والدین خود وقتی به سفر می‌روند مراقب باشند که آنها قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را به درستی اجرا کنند.

وی تاکید کرد: همیاران پلیس به پدر و مادری که رانندگی می‌کنند نسبت به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی توصیه کنند.

وی افزود: این باید تبدیل به فرهنگ شودکه هنگام رانندگی با وسیله ارتباطی حرف نزنیم، نه پیامک بفرستیم و نه پیامکی بخوانیم چراکه همه این موارد تمرکز راننده را از رانندگی منحرف کرده وبروز تصادف می‌شود.

او شعار نوروز امسال پلیس راهور را «گذشت، احتیاط وسلامت سفر» اعلام کرد و گفت: اگر رانندگان در سفراهل گذشت باشند و عصاره رعایت قوانین را که احتیاط است مدنظر قرار دهند، مطمئن باشندکه سفر سالمی را خواهند گذراند.

بسیج ۱۰۰۰ گروه امداد آتش نشانی برای چهارشنبه آخرسال در پایتخت

سرویس حوادث:یک هزار گروه امدادی در تهران برای امدادرسانی به حوادث و آتش‌سوزی‌های احتمالی چهارشنبه آخر سال بسیج شدند.

مهندس سعید شریف زاده مدیرعامل سازمان آتش نشانی تهران درآیین افتتاح ۳ ایستگاه جدید آتش نشانی در تهران، با اعلام این خبر افزود: این گروه‌ها بصورت سیار و ثابت به همراه آتش نشانان داوطلب و با استفاده از جدیدترین امکانات و تجهیزات آتش نشانی برای ایمنی هر چه بیشتر در این روز به شهروندان تهرانی خدمت رسانی می‌کنند.وی گفت: تمامی ۵۰۰۰ نیروی سازمان آتش نشانی در این روز با تشکیل گروه‌های مختلف امدادی درحال آماده باش کامل خواهند بود و با تمام توان در محله‌های شهر تهران حضور خواهند داشت.او تاکید کرد: آتش نشانان با همکاری شهرداری‌های مناطق ۲۲گانه تهران تلاش می‌کنند تا حوادث و تلفات در مراسم ویژه چهارشنبه آخر سال به حداقل برسد.۳ ایستگاه جدید۱۱۴ شهدای خلیج فارس، ۱۱۵ جمهوری و ۱۱۶ میرداماد سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی در آیینی با حضور معاون خدمات شهری شهرداری تهران مورد بهره برداری قرار گرفت.به گفته شریف زاده با افتتاح این ۳ پروژه آمار ایستگاه‌های آتش نشانی شهر تهران به ۱۱۶ ایستگاه افزایش یافت.

***اوج ترافیک کاری**

مدیرعامل سازمان آتش نشانی تهران ۱۵ بهمن تا ۲۰ فروردین را زمان اوج حجم کار این سازمان ذکر کرد و افزود: تمام تلاش ما بر آن است که در این ایام حوادث و تلفات ناشی از آن را به حداقل ممکن برسانیم.

شریف زاده با بیان این‌که در روز طبیعت سال آینده(۱۳فروردین) آتش نشانان در ۲۲۴ نقطه پایتخت از جمله بوستان‌ها و تفرجگاه‌ها با تجهیزات کامل حضور خواهند داشت، اضافه کرد: ۸ مسیر ورودی شهر تهران و سایر مسیرها و تفرجگاه‌های پیرامونی پایتخت از جمله مناطقی هستند که نیروهای آتش نشانی حضور فعال در آن نقاط خواهند داشت.

درگذشت امام جمعه موقت نکا

ساری: حجت الاسلام موسی عالمی نژاد امام جمعه موقت نکا، عصر جمعه بر اثر عارضه قلبی و ریوی درگذشت.

او سال ۱۳۱۴ در نکا متولد شد در حوزه‌های علمیه مازندران و قم تحصیل کرد و از شاگردان آیت آلله کوهستانی و آیت الله لیموندهی بود.

وی سال ۸۵ از سوی حجت الاسلام محمدباقر محمدی لائینی، امام جمعه نکا به عنوان امام جمعه موقت این شهر منصوب شد.

پیکر این عالم بزرگوار عصردیروز از مسجد جامع نکا به سمت گلزار شهدای این شهرستان تشییع و به خاک سپرده شد.

رئیس دفترمقام معظم رهبری در مراسم معارفه فرمانده جدید ناجا:

هدف حکومت اسلامی ارتقای روزبه روز فرهنگ اسلامی است







سرویس خبر: مسئولان شرکت‌کننده درمراسم تودیع ومعارفه فرماندهان پیشین و فعلی نیروی انتظامی که دیروز در محل ستادفرماندهی نیروی انتظامی کشوربرگزار شد برتقویت همکاری با نیروی انتظامی برای برآورده شدن منویات مقام معظم رهبری در حکم صادره برای فرمانده جدید ناجا تاکید کردند.

دراین مراسم که با حضور سردار سرلشکر فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشور، سردار سرلشکر صفوی دستیار و مشاورمقام معظم رهبری، سردار سرلشکر جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران، سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفان، وزیر کشور، وزیر دفاع، رئیس دفتر نظامی مقام معظم رهبری، نایب رئیس مجلس و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فرماندهان اسبق نیروی انتظامی و جمعی از فرماندهان این نیرو و نیروهای ارتش و سپاه برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری با بیان این که ارتقای فضای اسلامی هدف حکومت‌های اسلامی است، افزود: یکی از مهمترین نکات، ارتقای فضای اسلامی است و هدف حکومت اسلامی همین است که فرهنگ اسلامی روز به روز بالاتر رود.

وی با اشاره به متن حکم مقام معظم رهبری به سردار حسین اشتری برای انتصاب به فرماندهی نیروی انتظامی، افزود: نکات ارزشمندی در این حکم گنجانده شده که نشانگر اهمیت والایی است که مقام معظم رهبری برای نیروی انتظامی قائل هستند.

***برآوردخواست مردم**

رئیس دفتر مقام معظم رهبری اضافه کرد: این نیرو که یکی از اعضای نیروهای مسلح است به صورت مستمر و دائم با توده‌های مختلف مردم سر و کار داردو از این رو مسئولیت بیشتری دارد چرا که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه با افراد ناهنجار برخورد دارد و نظم عمومی کشور را برقرار می‌کند.

وی با اشاره به تقویت مرزها وکاهش تصادفات جاده‌ای در دوران سردار احمدی مقدم که در متن حکم مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است، گفت: باید برنامه ریزی مستمر داشت و نهادهایی که بازوی نیروی انتظامی محسوب می‌شوند با این نیرو همکاری لازم را داشته باشند.

حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی با اشاره به فتوای تاریخی آیت الله العظمی سیستانی مبنی برحضور مردم برای دفاع از کشور گفت: مردم برای اطاعت از فتوای ایشان به جنگ رفتند و پیروز شدند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری با اشاره به اسلام هراسی که دردنیا تزریق می‌شود، گفت: کسانی اسلام هراسی را تزریق می‌کنند که در تاریخشان میلیون‌ها جنایت ثبت شده است.

***دعا برای ناجا**

رئیس دفتر مقام معظم رهبری با بیان این‌که حضرت آقا فرمودند ما اسلام سکولار نداریم، افزود: این جمله یعنی همه ما در مقابل همه مردم مسئولیت داریم و نیروی انتظامی در خاکریز اول امر به معروف و نهی از منکر است زیرا آنها در بطن جامعه هستند و بدی‌ها و منکرات را می‌بینند.

وی ادامه داد: دستمایه حکم قاضی آن چیزی است که ناجا تهیه کرده است، شاید شب و روزی به حضرت آقا نمی‌گذرد که برای نیروی انتظامی دعا نکنند.

وی اضافه کرد: تا زمانی که این اتحاد بین جامعه وجود دارد آمریکا هیچ کاری نمی‌تواند بکند. هنوز عمق نامه رهبری به جوانان اروپایی را متوجه نشدیم.

او در حاشیه این مراسم با حضور در جمع خبرنگاران گفت: مسئولیت فرماندهی نیروی انتظامی بسیار سنگین است و اگر لطف خداوند نباشد، نمی‌توان از پس اینگونه مسئولیت‌ها بر آمد.

دراین مراسم سردار شیرازی رئیس دفتر نظامی مقام معظم رهبری، با قدردانی از تلاش‌های سردار احمدی مقدم، حکم انتصاب سردار حسین اشتری فرمانده جدیدناجا را قرائت کردو افزود: امیدواریم با همت همه اراده مقام معظم رهبری که همان تقویت روند رو به رشد نیروی انتظامی است، محقق شود.

***از برقراری عدالت باز نمانیم**

سردار سرلشکر فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح دراین مراسم با بیان ویژگی‌های برجسته نظم، راهکارهای تحقق اهداف انتظامی و خصوصیات فرماندهان نیروی انتظامی، افزود: ناجا باید مراقب باشد تا به خاطر سرزنش گروه‌های مختلف از برقراری عدالت باز نماند.

وی با اشاره به این‌که از شایستگی‌های سردار احمدی مقدم درستاد کل نیروهای مسلح استفاده خواهد شد افزود: نیروی انتظامی خط مقدم تامین امنیت و آسایش مردم است ورهبر معظم انقلاب فرمودند که ناجا همواره باید مظهر اقتدار و نظم و هم مظهر مهربانی، رأفت و رحمت در جامعه باشد. وی گفت: اقدامات در بخش‌های ارتقای فضای اسلامی و انقلابی، صیانت از کارمندان ناجا، تقویت مرزبانی، کاهش تخلفات جاده‌ای، رعایت‌های دقیق خدمات انتظامی، برنامه‌ریزی مستمر و ابتکار هفت عنصر برجسته دوران خدمتی دکتر احمدی مقدم بود و مقام معظم رهبری سردار اشتری را به آنها توصیه کردند. همچنین معظم له سفارش فرمودند از نیروی انتظامی حمایت‌های مادی و معنوی شود که ما نیز به ارکان و معاونان ستاد کل این را اعلام کردیم که در خدمت نیروی انتظامی هستیم.

سرلشکر فیروزآبادی ادامه داد: پنج خصوصیت برای فرماندهان انتظامی الزامی است که عبارت است از تعهد بالا در منابع انسانی، اقتدار در عمل، نگاه علمی به مهارت‌ها و تخصص‌ها، مدیریت راهبردی و حرکت تحول‌آفرین و پویا.

***فرمانده متفکر**

فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح درحاشیه این مراسم به خبرنگاران گفت: سردار اشتری اخلاقی با وقار و متین دارد و همین اخلاق سبب شده است تا مورد لطف مقام معظم رهبری قرار گیرد.

سرلشکر فیروزآبادی افزود: سردار اشتری یک فرمانده متفکر،عمیق و نیک اندیش است که از همه تجربه‌های خوب برخوردار است. فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح با بیان دیگر خصوصیات سردار اشتری گفت: فرمانده ناجا در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی نیز کارهای خوبی انجام داده و اولویت در نیروی انتظامی، فرماندهی راهبردی متناسب با نیازهای مردم است.

*** مؤلفه‌های ایجاد امنیت پایدار**

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور در این مراسم با اشاره به این مطلب که شاید هیچ دستگاهی در کشور همانند ناجا با مردم تعامل نداشته باشد، گفت: یکی از مؤلفه‌های بزرگ امنیت پایدار، حضور و مشارکت قوی مردم در صحنه‌های امنیتی است.

وزیرکشور افزود: همه ما باید با هم متحد شویم که انقلاب اسلامی را که یادگار شهدا و امام راحل است در مسیر تکامل و ترقی و پیشرفت همراهی کنیم تا همه ابعادی که مدنظر است محقق شود.

رحمانی فضلی تبعیت از رهبری را وظیفه و تکلیفی دینی و شرعی دانست و افزود: سردار اشتری نیرویی جوان، مؤمن، ولایتمدار و برای اندیشه‌های راهبردی و مورد قبول همه اعضای نیروی انتظامی، سپاه، ارتش، ستاد کل و دولت است و امیدواریم مورد حمایت و مشارکت مردم هم قرار گیرد.

رحمانی فضلی با تأکید بر این‌که همه ما باید به دنبال این باشیم که امنیت پایدار را در نظام مقدس جمهوری اسلامی نهادینه و عملیاتی کنیم، اضافه کرد: باید این کار را به نحوی انجام دهیم که هیچ دشمن خارجی، معاند داخلی، فرصت‌طلب، مجرم و قانون‌گریزی توان طمع به جمهوری اسلامی را نداشته باشد.

وزیر کشور با اشاره به این‌که ناجا حافظ آزادی‌های مشروع و قانونی است، گفت: ما می‌توانیم رشد و شکوفایی اقتصادی، بالندگی سیاسی، تحولات معقول اجتماعی و اصول و ارزش‌های فرهنگ دینی را میسر کنیم.

او با تأکید بر این‌که فرماندهی ناجا باید ضمن رعایت کامل دستورات رهبری، اولویت‌بندی دقیقی از موضوعات تحت فرماندهی خود داشته باشد، گفت: بدون شک دولت تدبیر و امید و وزارت کشور به دلیل وظیفه ذاتی خود و هم به دلیل تأکید رهبری، خود را موظف می‌داند که از فرماندهی ناجا و اقدامات پرسنل نیروی انتظامی حمایت کند.

***کشف سریع جرائم**

فرمانده جدید ناجا درمراسم معارفه خود کشف سریع وبه موقع جرائم و افزایش بهره گیری از فناوری‌ها و تجهیزات پیشرفته در کشف علمی جرم را در راس برنامه‌های ناجا بیان کرد.

سردار حسین اشتری به ویژه به کشف سریع و به موقع جرائمی تاکید کرد که موجب اغتشاش اذهان و نگرانی عمومی می‌شود.

وی افزود:کمک به اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از روش‌های مختلفی ازجمله ایجاد تحول در مبارزه با قاچاق کالا و سوخت، ارتقای امنیت، کسب وکار و سرمایه گذاری، مبارزه با مفاسد اقتصادی با همکاری قوه قضائیه و دولت از دیگر اولویت‌های ناجا است.

سردار اشتری اضافه کرد: نیروی انتظامی مصمم است با توسعه سلامت اداری و ارتقای منزلت اجتماعی در عرصه اجرای ماموریت‌ها قدردان تلاش ومجاهدت کارکنان این نیرو باشد.وی بر صیانت و بهبود معیشت کارکنان نیروی انتظامی نیز تاکید کرد.

فرمانده ناجا اظهارداشت: افزایش حضور مقتدرانه پلیس در عرصه محیط‌های عمومی، پاکسازی آن از معتادان، خرده فروشان مواد مخدر و دیگر ناامن‌کنندگان محیط، همراه با صیانت از ارزش‌ها می‌تواند موجب بالا رفتن هزینه‌های ارتکاب جرم و برخورد قاطع با قانون شکنان باشد و به تداوم بهبود چهره عمومی شهرها از مظاهر بی‌بندوباری، ناهنجاری‌های رفتاری و ناامنی منجر شود.

رئیس پلیس کشور ادامه داد: توسعه بصیرت دینی و انقلابی، تلاش برای ایجاد سازمانی متدین، ارزشی و ولایتمدار و تحکیم فرهنگ پاکدستی، پاک‌چشمی و پاکدلی در سازمان پیگیری خواهد شد تا پلیسی اخلاق‌مدار و پاسخگو، قانونمدار و منضبط برای ارائه خدمت بی منت به مردم بیش از گذشته به منصه ظهور برسد.

*** شدت بخشی به عملیات پلیسی**

وی درجمع خبرنگاران هم افزود: تلاش می‌کنیم به عملیات نیروی انتظامی شدت بیشتری بدهیم تا رضایتمندی مردم بالا برود.

سردار اشتری با اشاره به این‌که اولویت‌های کاری من برطرف کردن نیازها و دغدغه‌های مردم است، گفت: امیدوارم بتوانم پاسخگوی مردم باشم. فرمانده جدید ناجا در رابطه با تعامل خود با اصحاب رسانه گفت: تعامل با رسانه‌ها مثل گذشته است، ولی سعی می‌کنیم بیشتر از قبل با آنها ارتباط داشته باشیم.

سرداراسماعیل احمدی مقدم فرمانده سابق ناجا هم درمراسم تودیع خود گفت: تحمل بار سنگین مسئولیت این سازمان عظیم با صدها ماموریت و تهدیدات دشمن جز با مجاهدت خستگی ناپذیر پرسنل ناجا و رهنمودهای مقام معظم رهبری و همچنین حمایت بی‌دریغ ملت بزرگ ایران ممکن نبود.

وی از تمام کسانی که در این مراسم حاضر بودند تشکر کرد و حلالیت طلبید.

فرمانده سابق ناجا گفت: به دلیل غفلت‌ها و فرصت‌های از دست رفته از خدا طلب مغفرت دارم، کارکنان ناجا از پرکارترین و کم توقع‌ترین کارکنان هستند و اگر نتوانستم خدمات شایسته با تلاش آنها را فراهم کنم من را مورد بزرگواری و بخشش خود قرار دهند.

وی افزود: از پشتیبانی و حمایت‌های مراجع عظام، روسای قوا، علمای عالیقدر، استادان دانشگاه‌ها، وزرا، استانداران، فرماندهان ارتش و سپاه، مسئولان دستگاه قضایی، صدا و سیما، اصحاب رسانه و دیگر عزیزان کمال تشکر را دارم و از صبوری و تحمل همسر و خانواده‌ام در این دوره طولانی تشکر می‌کنم.

***عملکرد خوب ناجا**

سردار سرلشکر رحیم صفوی دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا درحاشیه این مراسم با بیان این‌که سردار احمدی‌مقدم در زمینه امنیت مرزها، مقابله با خلافکاران و قاچاق کالا و مواد مخدر خوب کار کرده است، افزود: امیدواریم خدمات احمدی‌مقدم در زمینه‌های دیگر به ملت ادامه داشته باشد.

وی افزود: سردار احمدی مقدم فرمانده‌ای مؤمن، رزمنده و شجاع بود و با توجه به ناامنی‌هایی که در کشور عراق داشتیم انصافاً در زمینه امنیت از مرزها موفق عمل کرد.

سردار رحیم صفوی درباره خصوصیات سردار اشتری گفت: سردار اشتری ۱۰ سال است که در ناجا حضور دارد و قبلاً معاون اطلاعات ناجا بود و تسلط کامل در این عرصه دارد.

سرداررادان جانشین سابق فرمانده ناجا هم درحاشیه این مراسم گفت: امیدوارم با تکلیفی که بر عهده سران قوا، شورای عالی امنیت و سایر دستگاه‌ها گذاشته شده است همکاری خوبی با ناجا صورت گیرد و گام‌های مثبت‌تری در اجرای فرامین رهبری برداشته شود.

*** احساس آرامش**

جانشین فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران درحاشیه این مراسم گفت: جایگاه نیروی انتظامی در زمان حاضر یک جایگاه رفیع و مردمی است چرا که مردم و شهروندان در هر جای ایران اسلامی که باشند با دیدن پرسنل نیروی انتظامی احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

امیر سرتیپ سید عبدالرحیم موسوی افزود: در زمان حاضر مهم این است که نظام با داشتن نیروی انتظامی احساس اقتدار و قدرت کند که این مهم در زمان حاضر وجود دارد، مهم این است که وقتی کشورهای دیگر به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند، این نیرو برای آنها الگو است و از توانمندی‌های ناجا برای برنامه‌های خود الگو برداری می‌کنند.

وی با بیان این‌که من با سردار سرتیپ پاسدار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی در کردستان آشنا شدم برخی از خصوصیات اخلاقی وی را یادآور شد و گفت: سردار احمدی مقدم انسانی متدین، خوشرو، خلاق، علمی، شجاع و مبتکر هستند.

وی گفت: فصل مشترکی بین ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی وجود دارد که در برنامه‌های عملیاتی تاکید شده که رده اول و تامین کننده ارتش در مرزها نیروی انتظامی است.

امیر موسوی افزود: وقتی قرار باشد یک تهدید علیه منافع نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در مرزها صورت بگیرد نیروی انتظامی در مرحله اول با این تهدید درگیر شده و سپس ارتش در مقابله و دفع آن تهدید وظیفه خود را انجام می‌دهد.

امدادگری، جسد پدرش را ازخودرو سانحه دیده بیرون کشید

زنجان: امدادگر جاده‌ای جمعیت هلال احمر زنجان بی‌آنکه متوجه شود، جسد پدرش را از خودرویی که بر اثر برخورد با تریلر به آهن پاره تبدیل شده بود، بیرون کشید.

اسماعیل خردمند مسئول روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان زنجان دراین باره گفت: حادثه بامداد پنجشنبه در کیلومتر ۲۰ محور ارتباطی بیجار – زنجان رخ داد.

وی افزود: زمانی که امدادگر فرزند به همراه سایر امدادگران این جمعیت مشغول بیرون آوردن راننده فوت شده و ۲ مصدوم حادثه بودند، به دلیل تاریکی شب و چهره خونین جسد، فرزند وی پی به موضوع نبرد.

او افزود: این امدادگر پرتلاش به منظور شناسایی و ثبت هویت فرد کشته شده مجدد به محل حادثه بازگشت و وقتی دست در جیب قربانی کرد کارت ملی پدر را در مقابل چشمان خود دید.

پیش بینی افزایش ۲۰ درصدی گردشگران داخلی در نوروز ۹۴

شهرکرد:رئیس سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری گفت: همه کمپینگ‌ها، هتل‌ها، مهمان‌سراها و مهمان پذیرها برای پذیرایی از میهمانان نوروزی در سراسر کشور آماده است و پیش بینی می‌شود امسال شاهد افزایش ۲۰ درصدی گردشگران داخلی در کشور باشیم.

سلطانی فر در شهرکرد به افزایش اشتیاق گردشگران خارجی برای سفر به ایران به ویژه گردشگرانی که با تور وارد کشور می‌شوند اشاره کرد و افزود: بیشترین گردشگران خارجی از کشورهای کانادا، استرالیا و کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس هستند.

وی گفت: ۲۰ هزار ویزا پارسال از ۴کنسولگری در آلمان صادر شد که پیش بینی می‌شود امسال به ۳۵ هزار گردشگر برسد.

معاون رئیس‌جمهوری از ساخت ۹۰۰ طرح گردشگری با ۲۰ هزار میلیارد تومان در کشور خبر داد.

اخبار حوادث

۷۸۳تهرانی قربانی قرص برنج، سلاح سرد، حوادث کار و برق گرفتگی شدند

سرویس حوادث: ۷۸۳ نفر در ۱۰ ماه گذشته بر اثر مسمومیت با قرص برنج، اصابت سلاح سرد، حوادث ناشی از کار و برق گرفتگی در استان تهران جان باختند.

دکتر بشیر نازپرور رئیس کل پزشکی قانونی استان تهران گفت: ۱۵۹ نفر از این افراد در استان تهران از فروردین تا دی امسال بر اثر مسمومیت با قرص برنج جان خود را از دست داده اند.او با بیان این‌که در ده ماهه امسال ۱۰۲ نفر بر اثر اصابت سلاح سرد به قتل رسیده‌اند و این شمار به پزشکی قانونی استان تهران ارجاع شده اند، افزود:۸۶ تن از این کشته شدگان بر اثر اصابت سلاح سرد مرد و ۱۶ تن نیز زن بودند.وی پنجمین شمار را که در ۱۰ ماه امسال در استان تهران بر اثر حوادث ناشی از کار فوت کرده اند، ۳۹۲ نفر اعلام کرد.نازپرور میزان مرگ و میر بر اثر برق گرفتگی در استان تهران را ۱۳۰ نفر اعلام کرد و گفت: ۱۲۶ تن ازجانباختگان مرد و ۴ تن نیز زن بودند.

خسارت ۳۵۰ میلیارد ریالی بارندگی و توفان به کشاورزی هرمزگان

بندرعباس: رئیس سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان گفت: بارندگی وتوفان اخیر۳۵۰ میلیارد ریال به بخش‌های زراعی، باغی، تاسیسات زیربنایی کشاورزی و آبیاری شهرستان‌های بندرعباس، خمیر، سیریک و میناب از توابع این استان خسارت وارد کرد. ناصر حیدری پور افزود: بیشترین این خسارت با رقم ۲۰۰ میلیارد ریال به بخش کشاورزی بندرعباس وارد شده است.

***تخریب ۱۵پل**

مدیرکل راه و شهرسازی جنوب کرمان هم گفت: چند محور اصلی، فرعی و روستایی مسدود بر اثر طغیان رودخانه و جاری شدن سیل در این منطقه بازگشایی شد و تلاش برای بازگشایی بقیه محورها ادامه دارد.

محمد ساردویی افزود: محور قلعه گنج – رمشک، رودبار جنوب – ایرانشهر، کهنوج به فاریاب که به علت طغیان رودخانه‌ها و جاری شدن سیل بسته شده بود، بازگشایی شده است.محور رودبار جنوب – کهنوج از مسیر آب سردوئیه و محور رودبار جنوب – قلعه گنج از مسیر بیژن آباد به علت طغیان رودخانه هلیل رود مسدود است.او گفت: ۱۵ پل در محورهای این منطقه به علت جاری شدن سیل تخریب شده است.

مخفیگاه دزد پرستار نما را اطلاع دهید

سرویس حوادث: زنی که در پوشش پرستاری از پیرزنی درخانه اش با مجروح کردن او اقدام به سرقت طلاهایش کرده است، تحت تعقیب قرار گرفته وپلیس از شهروندان می‌خواهد چنانچه اطلاعی از مخفیگاه این زن (صاحب عکس) دارند، مراتب را به ماموران اطلاع دهند.

سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ دراین باره اظهار داشت: دختراین خانم در شکایتی در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران و پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران گفت: در مترو با خانمی که مدعی بود دنبال کار می‌گردد، آشنا شدم و به او پیشنهاد دادم تا از مادرم نگهداری کند. این زن هم قبول کرد و من هر روز درتماس با مادرم و پرستارش از حال او جویا می‌شدم اما وقتی آنها به تماس تلفنی ام پاسخ ندادند، نگران ناراحتی قلبی مادرم شدم و به خانه اش رفتم، در نبود پرستارش، با پیکر مجروح او درحالی که سرش دچار شکستگی شده بود مواجه شدم و هنگام انتقال او به بیمارستان متوجه کبودی دست‌هایش و سرقت النگوها و گردنبندش شدم. سرهنگ محمدیان افزود:این پرستار با واردکردن ضربه توسط یک گلدان بلورین به سر و پیشانی پیرزن او را بیهوش کرده و بعد اقدام به سرقت کرده است.

وی اضافه کرد:کارآگاهان با شناسایی دوربین مداربسته یک مغازه تصاویر این پرستار را دریافت کردند وقاضی پرونده هم دستور انتشار تصویر را داده است و شهروندان می‌توانند هرگونه اطلاعات در خصوص هویت، محل زندگی یا محل‌های تردد او را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۱۲۳ اطلاع دهند.

برخورد قاطع قوه قضائیه با متجاوزان به حقوق بیت‌المال

سرویس خبر: معاون حقوقی و امور مجلس وزیر دادگستری گفت: ارگان‌ها، سازمان‌ها و ادارات مربوطه از هرگونه تحرکات برخلاف بیت‌المال جلوگیری کنند و موارد را فورا به دستگاه قضایی گزارش دهند تا با متجاوزان به حقوق بیت‌المال شدیداً برخورد قانونی شود.

عبدالعلی میرکوهی با اشاره به پیش‌بینی قانون برای متجاوزان به حقوق بیت‌المال افزود: برای برخورد با متجاوزان حقوق بیت‌المال و منابع طبیعی به اندازه کافی قانون وجود دارد.او گفت: باید از هرگونه تصرفات غیرقانونی جلوگیری و نتیجه برای پیگیری‌های قضایی به دادگستری گزارش شود.

معاون وزیر دادگستری افزود: مردم نیز باید نسبت به این قضیه احساس مسئولیت کنند، زیرا برخی افراد سودجو برای ثروت‌اندوزی به این ساخت و سازها و تصرف‌های غیر مجاز اقدام می‌کنند.

توفان پم در اقیانوس آرام دهها نفر را کشت

استرالیا:توفان سهمگین درجزایر جنوب اقیانوس آرام، جان دهها نفر را گرفت.

این توفان دریایی موسوم به «پم»، از نظر رده بندی شدت، در بالاترین سطح قرار گرفته است. آثار ویرانگر این توفان سهمگین دریایی بیش از همه در مجمع الجزایر وانوآتو در اقیانوس آرام مشهود است. توفان دریایی، این منطقه را با سرعت ۳۰۰ کیلومتر در ساعت درهم کوبید. جزایر کریباتی و سلیمان نیز در این توفان به شدت آسیب دیدند.۴۴ نفر بر اثر این توفان جانشان را از دست دادند.

با نزدیک شدن توفان پَم به سواحل استرالیا مقامات این کشور به مردم هشدار دادند.توفان پم با سرعت حداکثر ۲۳۰ کیلومتر در ساعت به نزدیک سواحل استرالیا رسیده است و مقامات این کشور به مردم هشدار داده‌اند از سواحل فاصله بگیرند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

مردم خرمشهر در محرومیت به سر می‌برند

خبر مربوط به پابرجا بودن بیمارستان صحرایی امام حسین در غرب شلمچه را خواندم که به عقیده من اهمیت آنچنانی ندارد. مردم خرمشهر بعد از گذشت یک ربع قرن از جنگ، هنوز در محرومیت به سر می‌برند و مسئولین باید برای رفع محرومیت از این شهر و مردم خوبش اقدامات مضاعفی انجام دهند.

خرمشهر ـ یک شهروند

فروش تراکم کی متوقف می‌شود؟

شهرداری تهران اعلام کند در حالی که پایتخت با ۲ مشکل آلودگی هوا و ترافیک دست و پنجه نرم می‌کند و به لحاظ امکانات آبی محدودیت دارد، چه زمانی می‌خواهد فروش تراکم را متوقف کند؟

شهروند تهرانی

آیا شرکت فاضلاب دولتی است؟

اگر شرکت فاضلاب تهران دولتی است و از دولت بودجه دریافت می‌کند، چرا پول اشتراک فاضلاب را از مردم می‌گیرد؟ این اقدام چگونه قابل توجیه است؟

مشترک فاضلاب خانگی

چگونه از اصل بودن دارو مطمئن شوم؟

نمونه خارجی داروی پوکی استخوان را از داروخانه خریدم. روی جعبه آن نوشته بود: «نوشته برچسب پاره نباشد» از قضا نوشته پاره بود. از فروشنده تقاضای تعویض دارو را کردم، وی خندید و گفت اشکالی ندارد، برچسب‌ها را خودمان می‌چسبانیم. لطفاً اطلاع‌رسانی شود که با چه شماره‌ای می‌توانم تماس بگیرم و از اصل بودن دارو مطمئن شوم؟

خریدار دارو

مراقب محیط زیست باشید

لطفاً شهروندان محترم از ریختن زباله در کوچه و خیابان اجتناب ورزند. متاسفانه گاهی اوقات شاهدم برخی افراد دستمال کاغذی مصرف شده، پوست تخمه و پسته و بسته‌های مصرف شده پفک و چیپس را در جوی‌های آب یا باغچه‌های جلوی منازل رها می‌کنند که کاری اشتباه است؛ زیرا هم باعث آلودگی محیط زیست می‌شود و هم مسئولیت رفتگر را سنگین‌تر می‌کند.

دوستدار محیط زیست

سخنی درباره خانه‌تکانی نوروز

دیده می‌شود بعضی از مردم وسائل زندگی نظیر پرده، کرکره، موکت، قالیچه، فرش و ظروف و میز و صندلی و هرچه در خانه هست و هر کدام بر حسب ضرورت جای معینی دارد به اسم خانه‌تکانی از جایش برداشته و در گوشه‌ای به اصطلاح تل‌انبار می‌کنند و اتاق و محل استراحت و زندگی را لوث می‌نمایند. باشد تا کی بتوان وسائل را به جای خود قرار داد.

باید گفت اگر هرچند روز یک بار وسائل خانه در جای خود گردگیری و تمیز شود دیگر احتیاجی به این بهم ریختگی و ناراحتی نخواهد بود.

تقی محتاط ـ بازنشسته کشوری

لزوم اتحاد مسلمانان علیه گروه داعش

به عنوان یکی از مهاجران افغانی معتقدم که داعش یک گروه وحشی و درنده و از خدا بی‌خبر است که مأموریت بدنام ساختن مسلمانان را دارد و از این‌رو مسلمانان و برادران شیعه و اهل تسنن در تمامی کشورهای اسلامی باید علیه داعش متحد شوند و این دشمنان فریب‌خورده خود را شکست دهند و از پای درآورند.

عبدالباسط یونسی

از پروفسور کردوانی بیشتر استفاده کنند

پروفسور کردوانی را می‌توان استاد برحق علوم جغرافیا و زمین‌شناسی در ایران دانست و از این‌رو جا دارد مسئولان کشور از ایشان بیشتر استفاده کنند و در ضمن مجریان صدا و سیما به امثال پروفسور کردوانی فرصت بدهند آرا و نظراتشان را به صورت کامل بیان کنند، نه این‌که با تذکر مکرر این که وقت برنامه تمام شده است، سخنان آنان را ناتمام بگذارند!

خانم طهماسبی

جمع‌آوری گدایان و دستفروشان

وجود تعداد قابل توجهی از گدایان و دستفروشان در مناطقی مانند از شرق به غرب بزرگراه شهید همت که حدفاصل بزرگراه‌های شهید صیاد شیرازی و شهید حقانی، مناظر زشتی را به وجود آورده است. جا دارد شهرداری و نیروی انتظامی نسبت به جمع‌آوری آنان اقدام کنند.

شهروند تهرانی

کوتاه حوادث

پاسخ‌های شهرداری منطقه ۲

احتراماً، بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۱۲/۰۲ بدینوسیله پاسخ این منطقه که براساس اداره روابط عمومی منطقه دو تهیه شده، به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

متن جوابیه

با عنایت به درخواست شهروند محترم در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۱۲/۰۲ (لزوم اتلاف موش‌های سعادت‌آباد) درخصوص پاسخ به پیام شهروند «اتلاف موش‌ها» به استحضار می‌رساند: با توجه به اینکه اتلاف موش‌ها و جانوران موذی به طور مستمر و دوره‌ای در حال انجام است و طرح ضربتی ویژه‌ای نیز در رابطه با اتلاف موش‌های سعادت‌آباد در حال اجرا می‌باشد.

احتراماً، بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۱۲/۰۴ بدینوسیله پاسخ این منطقه که براساس اداره روابط عمومی منطقه دو تهیه شده، به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

متن جوابیه

با عنایت به درخواست شهروند محترم در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۱۲/۰۴ (از شهرداری منطقه ۲ تقاضا می‌شود نسبت به مرمت آسفالت خیابان ۱۱ غربی شهید مقدس بلوار شهرداری که نشست کرده و مشکلاتی را برای رانندگان و رهگذران ایجاد کرده است اقدام کنند) درخصوص پاسخ به پیام شهروند تقاضا از شهرداری منطقه ۲ به استحضار می‌رساند: با توجه به پیام شهروند محترم به استحضار می‌رساند با توجه به مرمت آسفالت خیابان ذکر شده در دستور کار این ناحیه قرار دارد و در اسرع وقت رسیدگی می‌گردد.

فرماند ـ رئیس اداره روابط عمومی منطقه ۲

پاسخ مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت مترو:

احتراماً درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، مورخ ۱۱ اسفند ۱۳۹۳ صفحه۹ با عنوان: دردسرهای کارت منزلت، اعلام می‌شود:

ارائه اطلاعات و مسائل مربوط به قیمت، صدور و تحویل کارت بلیت‌های اعتباری اعم از مبلغ دار و تخفیف‌دار و نیز مشکلات شارژ کارت منزلت، براساس مصوبه شورای اسلامی شهر تهران بوده که از سوی کمیته بلیت الکترونیک شهرداری ابلاغ شده است. لذا پرسنل مستقر در ایستگاه‌های مترو فقط پذیرنده کارت‌های اعتباری هستند و موارد ذکر شده در پیام این مسافر گرامی برعهده و در حیطه وظایف شرکت بهره‌برداری مترو نمی‌باشد. گفتنی است که مسافران محترم می‌توانند سؤال‌های احتمالی درخصوص کارت منزلت و نیز مشکلات کارت بلیت‌های اعتباری را با سامانه ۱۸۸۸ و یا شرکت مجری طرح، تلفن ۳۵-۶۶۹۶۱۹۲۷ و پشتیبانی ۶-۸۸۶۵۳۰۰۰ در میان گذاشته و یا به سایت (www.tehran.ir www.eticket.tehran.ir www.ezpay.ir) مراجعه نمایند.

پاسخ روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ:

ضمن تشکر از آن روزنامه وزین درخصوص انعکاس درخواست‌های مردمی، در پاسخ به مطلب مورخ ۹۳/۱۲/۲، آن رسانه محترم با عنوان «عدم دریافت قبض برق» محدوده خیابان گاندی به آگاهی می‌رساند:

طی بررسی‌های انجام شده و ابراز رضایت مشترکین محدوده مورد نظر، قبوض برق به موقع بدست مشترکین می‌رسد. لکن مراتب به منظور دقت بیشتر به مأمورین ابلاغ گردید.

خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به درج پاسخ اقدام لازم معمول دارند.

بقیه در صفحه۹

اعلام فهرست نهایی بازیکنان تیم ملی فوتبال امید

اسامی ۲۷ بازیکن دعوت شده به تیم ملی فوتبال امید (زیر ۲۳ سال) ایران، برای حضور در مسابقات مقدماتی بازی های المپیک – ۲۰۱۶ برزیل، اعلام شد.

محمد خاکپور، سرمربی تیم ملی فوتبال امید ایران با توجه به اینکه مسابقات مقدماتی المپیک – ۲۰۱۶ برزیل، از سوم فروردین با حضور شش تیم در دو ورزشگاه آزادی و دستگردی تهران برگزار می‌شود، اسامی بازیکنان تیم کشورمان را برای حضور در این مسابقات اعلام کرد.

فهرست ۲۷ نفره بازیکنان تیم ملی فوتبال امید ایران در مرحله نخست رقابت های مقدماتی بازی‌های المپیک – ۲۰۱۶ برزیل به این شرح است:

محمدرضا اخباری، امیر عابدزاده، گودرز داوودی، حسین کنعانی زادگان، محمدعلی مرادمند، سید مجید حسینی، علی عبدالله زاده، صائب محبی، وحید حیدریه، میلاد محمدی، یوسف وکیا، مهدی ترابی، احمد نورالهی، روزبه چشمی، علیرضا نقی‌زاده، میلاد کمندانی، علی کریمی، علیرضا جهانبخش، شاهین ثاقبی، حسین فاضلی، بهنام برزای، احسان پهلوان، ارسلان مطهری، بهمن جهان‌تیغ، سردار آزمون، بهمن سالاری و محمدعلی فرامرزی.

بازیکنان مذکور، باید ساعت ۱۵ فردا با حضور در هتل اوین، خود را به کادرفنی تیم ملی فوتبال امید معرفی کنند؛ نخستین جلسه تمرینی این تیم، بعد از ظهر فردا برگزار خواهد شد.

با توجه به هماهنگی های انجام شده با سازمان لیگ، بازیکنان دعوت شده (به استثنای بازیکنانی که در لیگ قهرمانان آسیا، بازی می‌کنند) نمی‌توانند در هفته جاری برای تیم‌های خود در لیگ برتر و لیگ دسته یک فوتبال باشگاه های کشور به میدان روند.

همکاری کی‌روش با تیم امید

رئیس فدراسیون فوتبال، کی‌روش را موظف به همکاری با تیم ملی فوتبال امید کشورمان دانست و تاکید کرد که او باید به این تیم کمک کند.

علی کفاشیان، دیروز در حاشیه آیین نامگذاری ساختمان آکادمی تیم‌های ملی فوتبال به نام شهید رضایی مجد، گفت: پیشکسوتان فوتبال ایران، امروز اینجا جمع شدند تا یاد و خاطره شهدای عزیزمان را گرامی بدارند؛ این یک موضوع خوب و ارزشی است.

وی درباره میزبانی امارات از هفدهمین دوره جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۱۹، گفت: همانطور که ما جلساتی را در این باره داشتیم، شاید آنان نیز لابی هایی را انجام داده باشند. شاید، برای AFCارزش‌ها و معیارهای مادی، مهمتر بوده است؛ چون که اماراتی‌ها، از این نظر، شرایط بهتری را در اختیار دارند و میزبانی را گرفتند.

رئیس فدراسیون فوتبال کشورمان درباره وضع تیم ملی فوتبال امید، گفت: ما بدنبال المپیکی شدن تیم امید هستیم؛ اولویت ما، این تیم است. کی‌روش، موظف است که با تیم ملی فوتبال امید، همکاری کند و باید به این تیم، کمک کند. اگر کی‌روش حرفی زده، برای دفاع از بازیکنان تیم خود بوده است و آنان را در بهترین شرایط می‌خواهد. اما همه بازیکنان تیم ملی فوتبال امید، باید در اختیار این تیم باشند.

کفاشیان در باره برگزاری اردوی تیم ملی فوتبال بزرگسالان در اتریش، گفت: اردوی اتریش، برگزار می‌شود. البته پول آن، هنوز جور نشده است؛ قصد داریم که از کی‌روش، پول قرض بگیریم تا این اردو را برگزار کنیم.

تقدیم امید به مردم و فوتبال

باید این فرهنگ که تیم ملی فوتبال امید «وصله ناجور» نیست، بلکه پس از تیم ملی فوتبال بزرگسالان، مهمترین تیم پایه است را در کشورمان جا بیاندازیم.

هادی طباطبایی، مربی تیم ملی فوتبال امید با بیان مطلب بالا درباره اردوی کویت، گفت: اردوهای زیادی را قبل از اردوی کویت برگزار کردیم و اگر نگاه دقیقی داشته باشیم، از اردوی نخست تا کنون، شاهد پیشرفت زیادی هستیم. بازیکنان به درک بسیار خوبی از یکدیگر رسیده اند و کادرفنی با شرایط موجود،هماهنگ شده است.

وی افزود: زمانیکه بازیکنان در اردوی تیم ملی فوتبال امید نیستند و در خدمت باشگاه های خود هستند، پس از بازگشت به اردوی تیم ملی، حداقل ۲۴ساعت زمان می برد تا به شرایط عادی بازگردند. امیدوارم که این مشکلات در آینده کمتر شود. چرا که مسئولیت سنگینی برعهده بازیکنان است و آنان باید از جایگاهی که در آن قرار دارند، آگاه شوند.

مربی تیم ملی فوتبال امید درباره شرایط اردوی کویت، گفت: اردوی بسیار خوبی را قبل از آغاز مسابقات (فروردین ۹۴) برگزار کردیم و بیشتر بازیکنان در آن حضور داشتند؛ این موضوع در آستانه مسابقات رسمی، بسیار مهم و تاثیرگذار است. چون که برنامه های کادرفنی، بطور کامل اجرا می شود. حضور همه بازیکنان در اردوها، از مواردی است که به دلیل پیوسته بودن طراحی اردوها و برنامه های تمرینی، موجب پیشرفت تیم و بازیکنان می شود.

وی افزود: با توجه به زمان کمی که در اختیار داشتیم، اردوهای بسیار خوب و با کیفیتی را برگزار کردیم و به عنوان کسی که دو دوره به عنوان مربی با تیم ملی فوتبال امید همکاری کرده ام، این اردوها را فوق العاده می دانم. بهترین برنامه را اجرا کردیم و از این به بعد، تمرکز خود را روی مسابقات رسمی می‌گذاریم. چرا که هیچکدام از حریفان ما، آسان نیستند و عیار هر تیمی در زمین مسابقه، مشخص می شود. در چند سال اخیر، شاهد پیشرفت چشمگیر تیم های آسیایی بودیم. امیدوارم که این مسابقات، آغاز خوبی برای توجه بیشتر به تیم های پایه کشورمان باشد.

طباطبایی، تاکید کرد: مهمترین رقیب ما، تیم عربستان است؛ از این تیم، شناخت خوبی داریم. اما از تیم‌های دیگر – که شامل فلسطین، نپال و افغانستان می شوند – شناخت کمتری داریم.

طباطبایی درباره حضور جهانبخش و آزمون در تیم ملی فوتبال امید، گفت: هدف ما، استفاده از همه ظرفیت های بازیکنان رده سنی زیر ۲۳ سال کشور در تیم ملی فوتبال امید است. این تفکر بسیار درست است. چون به صعود از این مرحله و حضور قدرتمند در مراحل بعدی می اندیشیم و باید «تیم بودن» را تمرین کنیم؛ رسیدن به این مهم، مستلزم استفاده از همه ظرفیت های موجود است.

وی افزود: تنها خواسته من از مردم، فوتبالدوستان و همه دست اندکاران فوتبال ایران، این است که بازی های فروردین ۹۴ را جدی بگیرند و با حضور خود در ورزشگاه، بازیکنان را دلگرم کنند تا بازیکنان امید، امید را به مردم و فوتبال کشور تقدیم کنند.

سوریان و نوروزی در تورنمنت بلغارستان کشتی می گیرند

تیم منتخب کشتی فرنگی با چهره های شاخص خود در رقابت‌های بین المللی جام «نیکلا پتروف» بلغارستان شرکت می کند.

به گزارش سایت فدراسیون کشتی، رقابت های بین المللی کشتی فرنگی جام نیکولا پتروف بلغارستان، از ۴ تا ۶ اردیبهشت سال ۹۴ در شهر صوفیه پایتخت کشور بلغارستان برگزار می شود.

اسامی تیم منتخب کشتی فرنگی ایران، اعزامی به بلغارستان به این شرح است:

۵۹ کیلوگرم: حمید سوریان
۶۶ کیلوگرم: امید نوروزی
۷۱ کیلوگرم: افشین بیابانگرد
۸۵ کیلوگرم: حبیب الله اخلاقی
۹۸ کیلوگرم: مصطفی صالحی‌زاده

چهره‌های شاخص کشتی ایران در تورنمنت بلغارستان

احد پازاج، سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ایران درباره اوضاع و احوال چهره‌های شاخص کشتی فرنگی کشورمان، گفت: اردوها در حال انجام است و کشتی‌گیران با جدیت، مشغول تمرین هستند. حمید سوریان، از چهره‌های شاخصی است که در اردو به سر می‌برد و با انگیزه تمرین می‌کند. همچنین با امید نوروزی در ارتباط هستم؛ او به صورت اختصاصی در شیراز تمرین می‌کند و شرایط خوبی دارد.

وی، تصریح کرد: این کشتی‌گیران، سرمایه ما هستند و اگر حرفی می‌زنند، نباید به دل بگیریم. هدف ما این است که آنان را حفظ کنیم تا باز هم برای کشتی فرنگی ایران، افتخار آفرینی کنند.

پازاج درباره عملکرد تیم منتخب کشتی فرنگی در جام «زومباتلی» مجارستان، گفت: با پنج کشتی‌گیر در این رقابت‌ها حاضر شدیم که دو عنوان سومی و دو عنوان پنجمی بدست آوردیم. با توجه به اینکه جام زومباتلی در سطح خوبی برگزار شد و کشتی‌گیران خوبی در این رقابت‌ها حضور داشتند، کشتی‌گیران ما خوب ظاهر شدند و جوانانی نظیر طاهری و بویری، بسیار خوب کار کردند. یکی از اهداف ما از حضور در این رقابت‌ها، افزایش تجربه جوانان بود؛ خوشبختانه حضور جوانان کشتی فرنگی ایران در این تورنمنت، تاثیر زیادی در کسب تجربه آنان داشت.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی کشورمان درباره علت اعزام کریم فر به این رقابت‌ها – که البته با حذف او از دور مسابقات همراه بود – گفت: ما نفر دیگری را به غیر از او در این وزن نداشتیم. همچنین قصد داشتیم که یکبار دیگرعملکرد او را در تورنمنتی بین المللی، بررسی کنیم.

وی درباره حضور حبیب الله اخلاقی در وزن ۸۵ کیلوگرم، گفت: او، جام جهانی در وزن ۸۰ کیلوگرم کشتی گرفت و از این پس می‌تواند در وزن ۸۵ کیلوگرم به میدان برود. البته باید در چند مسابقه به او میدان دهیم و عملکرد او را بیشتر، بررسی کنیم. امیدوارم با اقداماتی که انجام می‌شود، کشتی فرنگی ما در همه اوزان، پشتوانه‌های خوبی داشته باشد و همیشه به سمت جلو حرکت کند.

نامگذاری پیراهن شماره ۲۰ تیم ملی فوتبال به نام شهید رضایی‌مجد

آیین نامگذاری مهمانسرای تیم‌های ملی فوتبال ایران به نام «شهید رضایی مجد»، صبح دیروز در آکادمی ملی فوتبال برگزار شد.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال به همراه جمعی از پیشکسوتان این رشته، از جمله مهدی مناجاتی، حسن روشن، فریدون معینی، مجید جلالی، مهدی حیدری، علی خسروی و الهه عرب‌عامری(سرپرست نایب‌رئیسی بانوان فدراسیون فوتبال)، سردار مشایخی و مسئولان بنیاد شهید در این آیین حضور داشتند.

براساس این گزارش، در آیین نامگذاری مهمانسرای تیم‌های ملی فوتبال، پس از پخش نواهای مرتبط با ایام دفاع مقدس و سخنرانی رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال، وصیت نامه شهید رضایی مجد قرائت شد.

در ادامه این آیین، از تندیس پیراهن‌های تیم ملی فوتبال ایران به نام شهید رضایی مجد، رونمایی شد. این دو پیراهن به رنگ‌های سفید و قرمز بود که روی آنها، شماره ۲۰ نقش بسته شده بود.

پیکان تهران – شهرداری تبریز مصاف ماقبل فینال لیگ برتر والیبال

تیم‌های پیکان تهران و شهرداری تبریز، امروز سومین و آخرین دیدار خود را برای تعیین دومین فینالیست لیگ برتر والیبال برگزار می‌کنند.

تیم‌های پیکان تهران و شهردار ارومیه، عصر امروز در چارچوب مرحله نیمه نهایی لیگ برتر والیبال باشگاه های کشور به مصاف هم می‌روند. این سومین مصاف دو تیم در مرحله نیمه نهایی فصل جاری لیگ برتر والیبال است. در بازی نخست که به میزبانی تیم پیکان برگزار شد، این تیم در سه ست متوالی برنده شد. اما بازی دوم در تبریز با برتری ۳ – ۲ به سود میزبان پایان یافت تا کار دو تیم به مصاف سوم، کشیده شود.

دو تیم، امروز در شرایطی به مصاف هم می‌روند که شناخت لازم را هم دارند و هر دو تیم با آنالیز تاکتیک‌های حریف، نسبت به حضور در فینال لیگ امسال امیدوارند. تیم شهرداری تبریز با اتکا به آبشارهای اکبر ولایی در دومین بازی پیروز شد، ولی امروز باید تدابیر دیگری بیاندیشد. چرا که پیکانی‌ها، برنامه ویژه‌ای برای مهار این بازیکن خواهند داشت.

برنده این بازی، جواز حضور در فینال را دریافت می‌کند و حریف تیم شهرداری ارومیه خواهد شد. تیم شهرداری ارومیه با غلبه بر تیم میزان خراسان، راهی فینال لیگ برتر والیبال شده است.

تیم نیروی زمینی، قهرمان رقابت‌های وزنه‌برداری جوانان کشور

مسابقات وزنه‌برداری جوانان کشور با قهرمانی تیم نیروی زمینی ارتش، نایب قهرمانی تیم نیروی هوایی و سومی تیم ملی حفاری پایان یافت.

به گزارش روابط عمومی باشگاه فرهنگی ـ ورزشی نیروی زمینی ارتش، رئیس هیات وزنه‌برداری نیروی زمینی ارتش در این‌باره گفت: تیم نیروی زمینی ـ که هفت نفر از اعضای آن جزو ملی‌پوشان کشور هستند ـ با کسب ۵ مدال طلا و ۳ مدال برنز از سد رقیبان خود گذشته و رکورد مسابقات را شکستند.

دکتر نراقی، تصریح کرد: تیم نیروی زمینی ارتش که قهرمان این دوره از مسابقات شد به عنوان نماینده ایران در جام باشگاه‌های آسیا حضور خواهد یافت، اردوی تمرینی تیم وزنه‌برداری نیروی زمینی ارتش برای آمادگی هر چه بیشتر پولاد مردان این تیم، برپا شده است.

برپایی اردوی تیم ملی کاراته بزرگسالان

نخستین مرحله از اردوی آماده سازی تیم ملی کاراته بزرگسالان ایران، از دیروز در مرکز آموزش شهید کبکانیان تهران آغاز شد.

به گزارش سایت فدراسیون کاراته؛ اردوی تیم ملی کاراته بزرگسالان کشورمان در حالی آغاز شد که طبق اعلام سرمربی تیم ملی کاراته، نفرات منتخب استانها که در مسابقات قهرمانی کشور سال ۹۳ صاحب عنوان شده اند، نفرات اول تا سوم مسابقات قهرمانی کشور و قهرمانان تیم ملی که در سال های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ صاحب عنوان های آسیایی و جهانی شده اند و نفراتی که به هر دلیلی در مسابقات قهرمانی کشور، غایب بودند به این اردو دعوت شده اند.

اسامی دعوت شدگان به اردوی آماده سازی تیم ملی کاراته بزرگسالان ایران – که تا ۲۷ اسفند، ادامه خواهد داشت – به این شرح است:

وزن منهای ۵۵ کیلوگرم: رضا صدیقی (قزوین)، بهروز افشاری (تهران)، مهدی یوسفی (مازندران)، فرشاد قلی زاده (خوزستان)، رضا اولاد (ایلام)، اویس سیوکی (قم)، بابک ساکی (لرستان) و مهدی کریمی

وزن منهای ۶۰ کیلوگرم: محمد آفریدون(کهگیلویه و بویراحمد)، میثم شهبازی(خوزستان)، مجتبی شکوهی(تهران)، مصطفی کاووسی(خوزستان)، مهدی حاتمیان(همدان) و محمد رضا غروبی(گیلان)

وزن منهای ۶۷ کیلوگرم: مهرداد پورشیب(ایلام)، مصطفی پورفرج(تهران)، سعید علیپور(قم)، حامد اکبری و محمدقاسمی(گیلان)

وزن منهای ۷۵ کیلوگرم: محمد کیشانی(مرکزی)، رضا بهرام پور(مازندران)، هادی صفی(تهران)، سید مرتضی هاشمیان(اصفهان) و آروین باقری(گیلان)

وزن منهای ۸۴ کیلوگرم: منصور حسن بیگی(تهران)، سجاد فرح فرخی(مازندران)، شادمان وعیدی، احسان حیدری(کرمانشاه)، احمد بالدی(اهواز) و محمد پو فرج(تهران)

وزن به اضافه ۸۴ کیلوگرم: پیمان سلطانیان، مصطفی ایلان کشکولی(فارس)، بهزاد بهرامی(مرکزی)، امید مشهدی فراهانی، مجید اکبر زاده(تهران)، حامد شقاقی و حسین رستمی.

کسب ۲ مدال از رقابت‌های بین‌المللی اسکی – لبنان

یک مدال نقره و یک برنز، حاصل تلاش ملی پوشان اسکی ایران در رقابت‌های بین‌المللی اسکی آلپاین در لبنان بود.

دیروز در نخستین روز از رقابت های بین المللی اسکی آلپاین در لبنان، محمد کیادربندسری به مدال نقره رسید و حسین ساوه شمشکی، مدال برنز را بر گردن آویخت.

«کلاسک» از کشور لهستان با رکورد یک دقیقه و ۳۷ ثانیه و ۴۷ صدم ثانیه به مدال طلا دست یافت. محمد کیادربندسری با زمان یک دقیقه و ۳۸ ثانیه و ۲۱ صدم ثانیه، مدال نقره گرفت و حسین ساوه شمشکی، دیگر اسکی باز تیم ملی اسکی آلپاین ایران با زمان یک دقیقه و ۳۸ ثانیه و ۸۴ صدم ثانیه به مدال برنز دست یافت.

۶۸ اسکی باز از کشور های، اتریش، لهستان، بلغارستان، اسلونی، صربستان، آلبانی، مجارستان، اکراین، لبنان، قبرس و ایران در این دوره از رقابت‌ها، شرکت دارند.رقابت‌های رشته مارپیچ کوچک، امروز دنبال می‌شود.

مولاوردی: ایران در پی ترویج عدالت جنسیتی به جای برابری جنسیتی است

ایرنا: معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده با اشاره به وضع زنان ایرانی در مقایسه با زنان کشورهای منطقه گفت: ایران در قیاس با سایر کشور ها در برخی شاخص ها مثل آموزش زنان، بهداشت و سلامت، کاهش نرخ مرگ و میر مادران و کودکان و افزایش سن امید به زندگی رتبه بسیار خوبی به دست آورده است.

شهیندخت مولاوردی در جمع خبرنگاران در نیویورک با بیان این که با گذشت بیست سال از کنفرانس پکن زنان هیچ یک از کشورها هنوز به اهدافی که در آن کنفرانس تعیین شده بود دست نیافته و به طور کامل به برابری جنسیتی و توانمند سازی نرسیده اند، گفت: در این ۲۰ سال ما چالش های نوظهوری را داشته ایم که به موازات چالش های سنتی و قدیمی در روند کار تاثیر داشته و دستیابی به اهداف پکن را با کندی روبرو کرده است.

وی افزود: به نظر می رسد میزان پیشرفت ما در همه حوزه ها به یک میزان نیست و به برنامه ریزی دقیقی متناسب با واقعیت های موجود نیاز داریم تا بتوانیم به هدف مطلوب خود دست پیدا کنیم.

معاون رئیس جمهوری افزود: ایران در پی ترویج عدالت جنسیتی و توانمند سازی زنان بجای برابری جنسیتی است که این برابری جنسیتی تفاوت هایی با موضوع برابری جنسی دارد و ما نباید این دو را معادل هم بگیریم. وقتی زن و مرد در شرایط برابری قرار ندارند برابری نمی تواند آن عدالت را تامین بکند و حتما باید به حقوق و مسئولیت های این دو عادلانه نگاه کنیم.

مولاوردی با اشاره به تلاش برای ارتقای آگاهی های مردان درباره نقش زن و ضرورت دگرگونی دیدگاه های مردان در جهت توانمند سازی زنان گفت: با گذشت ۳۶ سال از انقلاب در بعضی شاخص ها پیشرفت های بسیار خوبی داشته ایم اما در بعضی شاخص ها هنوز جای تلاش و کار هست و با وضعیت مطلوب فاصله داریم و باید اقدامات بیشتری در جهت رشد و توسعه متوازن در حوزه زنان و خانواده انجام دهیم.

وزیر بهداشت: مخالفان طرح تحولات سلامت نگران منافع خود هستند

بقیه از صفحه ۲

اطلاعات: چرا بیمه‌های تکمیلی برخلاف قانون برنامه پنجم از ارایه خدمات به بیمارستان‌های دولتی خودداری می‌کنند؟

وزیر بهداشت: انصافاً در این بخش بیمه‌های تکمیلی خیلی راغب هستند که به بیمارستان‌های دولتی خدمات ارایه کنند ولی می‌خواهند ارزانخری کنند و با یک کا قرارداد ببندند در حالی که در بیمارستان‌های خصوصی ۷ تا ۸ کا پرداخت می‌کنند. ما می‌گوییم بیایید حداقل در بخش‌های ویژه، با ۲/۵ تا ۳ کا قرارداد ببندید. این‌گونه مشکلات وجود دارد. آنها با نرخ فعلی علاقه‌مند به بستن قرارداد هستند اما نه با هدف کمک به دولت و طرح تحول سلامت بلکه با این انگیزه که هزینه‌هایشان کاهش یابد. چون اگر بیماری در بخش دولتی خدمت نگیرد به بخش خصوصی می‌رود.

اطلاعات: وزارت بهداشت در این زمینه تلاش نکرده است که با تصویب قوانینی بیمه‌های تکمیلی را مجبور به ارایه خدمت به بیمارستان‌های دولتی کند؟

وزیر بهداشت: ما با بیمه مرکزی جلسه داشتیم، اما با آن‌ها به نتیجه نرسیدیم. در جلسه دیگر با حضور وزیر اقتصاد و دارایی صورتجلسه امضا شد که اگر آن عملیاتی شود آن‌ها موظفند که قرارداد ببندند، اما بیمه‌های تجاری مقررات خاص خودش را دارند و دولت نمی‌تواند آن‌ها را موظف کند.

اطلاعات: اما برنامه پنجم بیمه‌ها را موظف کرده است که به بخش دولتی خدمت ارایه کنند.

وزیر بهداشت: قانون ابتدا باید خریدار را موظف کند که از بیمارستان‌های دولتی خرید خدمت کند. الان مشکل ما این است، بخش عمده‌ای از دولت، مجلس و قوه قضائیه بیمه‌هایی برای خودشان تهیه کرده‌اند و می‌روند از بخش خصوصی خرید خدمت می‌کنند، حق هم دارند من نمی‌خواهم بی‌انصافی کنم چون خدمات ما در بخش دولتی از نظر مهارت و دانشی عالی است، ولی از نظر خدمات و فضا و هتلینگ مشکل داریم.

اگر ما به جای این که بخواهیم در حوزه بیمه‌های تکمیلی هزینه کنیم یک مقدار به تعرفه‌های دولتی توجه کنیم، بخش خصوصی می‌آید در این بخش سرمایه‌گذاری می‌کند.

اطلاعات: نظام پزشکی کشور پزشک محور است به‌ویژه پزشکان متخصص خود را ملزم به پایبندی به مقررات نمی‌دانند به‌گونه‌ای جراحان ایرانی چندین برابر جراحان اروپا و آمریکا درآمد دارند شما برای حل این مشکل چه اقدامی می‌خواهید انجام دهید.

وزیر بهداشت: افراد پردرآمد در تمامی صنوف هستند، گران‌ترین اتومبیل‌ها در اختیار مهندسان است، حق‌شان هم هست.کسی که از راه مشروع درآمد کسب کند، شرع و دین و قانون قبول دارد. بگذریم از کارهای زشتی که در کشور ما شد و می‌شود، بالاخره اسلام قبول کرده است درآمدی که از مسیر مشروع فراهم می‌شود و قابل قبول کارآفرین است.

اطلاعات: در دنیا برای درآمدهای بسیار زیاد اما مشروع هم مالیات گذاشته‌اند تا از طریق این مالیات به افراد مستمند ارایه خدمت شود؟

وزیر بهداشت: در همه جای دنیا برخی از پزشکان جزو طبقه مرفه جامعه هستند و هیچ اشکالی هم ندارد و جامعه ما هم آن را پذیرفته است. جامعه پزشکی ایران چه شکلی است؟ یک درصد تا دو درصد از آنان دارای درآمدهای نجومی هستند اما ۷۰ درصد از پزشکان برای ابتدایی‌ترین احتیاجاتشان مثل بقیه مردم هستند.

در جاهایی که در آمد بالا است با مالیات کنترل می‌کنند اما درآمد آن فرد را نمی‌آیند در رسانه‌ها تقبیح کنند، چون مالیاتش را پرداخت می‌کند. ما این رفتار را با کدام قشر دیگری داشتیم؟ پزشکانی که سلامت مردم در اختیار آن‌ها است و مورد احترام مردم هستند تا کجا می‌خواهیم تخریب کنیم.

چند نفر در ایران هستند که درآمدشان ۷ برابر جراح آمریکایی است؟ این‌ها ۱۰۰ نفر نمی‌شوند. این درست است که بیاییم در تلویزیون به مردم نشان بدهیم که درآمد پزشکان ایرانی هفت برابر پزشکانِ آمریکایی است، یا در صفحه اول یک روزنامه توسط یک فرد بی‌سواد که اصلاً دست در طبابت مردم ندارد تیتر بزنیم که درآمد پزشکان ایرانی چند برابر پزشکان اروپا است؟ داریم چه چیزی را تخریب می‌کنیم؟ سرشاخه نشسته‌ایم و بن می‌بریم.

اطلاعات: بخش قابل توجهی از درآمدهای پزشکان از طریق زیرمیزی است؟

وزیر بهداشت: این اقدام برخی از پزشکان با گام سوم طرح تحول سلامت حل شده است.

دولت با افزایش تعرفه‌ها، تجدیدنظر در دریافت‌ها و با اعلام شماره ۱۶۹۰ برای برخورد با متخلفان تا جایی که ما در کشور رصد می‌کنیم تقریباً مشکل زیرمیزی گرفتن حل شده است. البته هیچ کس نمی‌تواند بگوید افراد مبرا از خلاف هستند، اما در حوزه سلامت و پزشکی همراهی خیلی خوب است. معتقدم اگر بیمه‌ها کمک کنند هیچگاه به روزهای زشت گذشته باز نمی‌گردیم. آنچه شما می‌گویید مربوط به شش‌ماه قبل است که واقعاً هم بود، اما امروز تعرفه‌ها اعلام شده و همه طبق تعرفه کار می‌کنند و اگر کسی هم تخلف کند در صورتی که شاکی داشته باشد، با آن برخورد می‌شود؛ ولی اگر دارند همراهی می‌کنند این درست نیست حرف‌هایی را بزنیم که شش ماه قبل می‌زدیم.

اطلاعات: برخی از پزشکان برای بیمار وقت نمی‌گذارند، تشخیص‌های غلط می‌دهند و بر خلاف کشورهای اروپایی و آمریکایی که برای یک بیمار ۲۰ دقیقه وقت می‌گذارند این کار را انجام نمی‌دهند و به همین خاطر گفته می‌شود که درآمد پزشکان ایران نسبت به همکاران اروپایی‌شان بیشتر است.

وزیر بهداشت: قبول دارم این به‌خاطر این است که نظام پزشکی آن جوری که وظیفه‌اش است، عمل نمی‌کند. نظام پزشکی چون برآمده از آرای پزشکان است و فکر می‌کند که به آن‌ها نیاز دارد هنوز در این خوف و رجا است که آیا منافع مردم را در نظر بگیرد یا منافع صنف را؟ فکر می‌کنم بالاخره باید به اکثریت جامعه پزشکی اعتماد کنیم. انتخابات نظام پزشکی هم انتخابات صالحی باشد و ساز و کار انتخابات را آزادانه تعریف کنیم و کار پزشکی را به خود آنان واگذار کنیم. در صورتی که پزشکان امور خودشان را اداره کنند مطمئن باشید که مقابل ملت پاسخگو خواهند بود. این درحالی است که در انتخابات نظام پزشکی شاهد حضور حتی یک بیستم پزشکان هم نیستیم، چرا؟ چون عملکرد نظام پزشکی مناسب نیست. هنگامی که می‌خواهند از حقوق پزشکان دفاع کنند، درست دفاع نمی‌کنند و موقعی که نظام پزشکی نیاز به دفاع دارد، آن‌ها دفاع نمی‌کنند. به نظر می‌رسد باید وضع نظام پزشکی درست شود تا با پزشکان متخلف برخورد کند.

اطلاعات: وضع درمان بیماران سرطانی و صعب العلاج به کجا رسیده است؟ دولت در سال آینده برای آنها چه تصمیمی دارد؟

وزیر بهداشت: سال آینده همان کارهایی که امسال انجام می‌دهیم، تداوم خواهد داشت. دولت امسال برای این بیماران کم کار نکرد بیمارانی که دارو نداشتند یا داروهای گران‌قیمت مصرف می‌کردند دولت هزینه ۹۰ درصد قیمت داروهای آن‌ها را پذیرفت و دو هزار میلیارد تومان هزینه کرد، ولی هستند کسانی که نمی‌توانند همین ۱۰ درصد را پرداخت کنند و هنوز دارویی‌هایی زیر پوشش بیمه نرفته است. اگر اعتبارات دولت اجازه دهد حداقل در سال آینده ۱۰ درصد فرانشیز بیماران تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی را پرداخت کنیم، بخشی از داروهایی که تحت پوشش بیمه نیستند یا حداقل همکاران‌مان را قانع کنیم که این داروها را نسخه نکنند یا مشابه آن را بنویسند و اگر مشابه ندارد برود در لیست بیمه. طرح مفصلی برای ایجاد ۲۱۰ مرکز جامع درمان سرطان داریم که سال آینده باید دو هزار میلیارد تومان برای ایجاد زیرساخت‌های آن سرمایه‌گذاری کنیم که در این‌ها نظام ارجاع رعایت و تمامی خدمات ارایه می‌شود. البته بودجه کافی نیست و امیدواریم در این زمینه از کمک خیرین استفاده کنیم.

رئیس شورای شهر تهران: ساخت وساز در باغات کن متوقف شد

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس شورای شهر تهران درباره ساخت وساز یک شرکت تعاونی در عرصه پائینی باغات کن گفت: با ساخت و ساز آن مخالفیم و شهردار تهران هم سه شنبه گذشته جلوی آن را گرفت.

مهندس مهدی چمران دیروز در یک نشست خبری در پاسخ به سئوال خبرنگار ما درباره ساخت وساز یک شرکت تعاونی در عرصه پایینی باغات کن، افزود: طی هماهنگی به عمل آمده با رئیس دیوان عدالت اداری، حکم توقف موقت این ساخت و ساز توسط دادگاه داده شده است و در شورا و شهرداری با انجام ساخت و ساز در این منطقه و از بین رفتن باغات مخالف هستند ضمن این که شهردار هم اعلام آمادگی کرده است زمین جایگزینی درهمان منطقه ۵ به آنها داده شود تا بدین ترتیب باغات کن حفظ شوند البته تاکید می کنم شهرداری نمی تواند همه این باغات را خریداری کند و در مجموع عزم مدیریت شهری برای حفظ باغات جدی است.

وی درباره حفظ باغات هم گفت: در حفظ باغات خلاء قانونی وجود ندارد چرا که طبق قانون اگر کسی به خاطر ساخت و ساز باغی را از بین ببرد طبق حکم قانون باید آن ملک از او گرفته شده و به شهرداری داده شود اما تا به کنون این موضوع اجرایی نشده چرا که مباحثی همچون عاملان و آمران در قانون مطرح است .

رئیس شورای شهر همچنین از توقف ساختمان سازی در داخل پادگان عشرت آباد به دلیل صادر نشدن پروانه خبر داد و با اشاره به ساخت و ساز در حریم عمارت کلاه فرنگی در میدان سپاه ،یادآور شد: مسئولان پادگان مربوطه اعلام کرده اند که آماده بازسازی این عمارت هستند، اما باید تفاهمنامه‌ای با سازمان میراث فرهنگی انجام گیرد.

وی درباره ساخت مسجد در پارک دانشجو، گفت: برای ساخت مسجد طرح دیگری پیش بینی و تصویب شد؛ اما بعد از مدتی مسئولان تئاتر شهر اعلام کردند که ساخت مسجد بر پیکره ساختمان لطمه وارد می‌کند که پس از بررسی‌های لازم مشخص شد صحبت‌هایشان صحت ندارد.طرح ساخت مسجد توسط سازمان توسعه فضاهای فرهنگی تغییرکرد و با شورا هماهنگ نکردند و من به عنوان معمار بارها از این مسجد بازدید کردم و امیدوارم با ایجاد تغییرات در داخل مسجد نقاط ضعف آن حل شود.

چمران همچنین به سخنان اخیر مقام معظم رهبری درحوزه فضای سبز و حفظ باغات اشاره کرد و افزود: هم شورا و هم شهرداری در راستای سخنان راهگشای مقام معظم رهبری دست به کار شده اند و همان روز خواسته های مقام معظم رهبری در برخی حوزه ها عملی شد و شهردار تهران قول داد در روز طبیعت منطقه درختکاری شده تلو را در اختیار مردم قرار دهد.

رئیس شورای شهر در ادامه از ورود به نحوه محاسبه عوارض به عنوان یکی ازاقدامات موثر این شورا یاد کرد و گفت: تا پیش از این عوارض در چهار پهنه محاسبه می شد اما با بازنگری انجام گرفته از نظر قیمت گذاری اکنون تهران به۱۶۴ بلوک تقسیم شده است و باتوجه به استقبال وزارت اقتصاد و دارایی از این طرح با تصویب ریز ضرایب در سال آینده این طرح به اجرا در می آید.

چمران همچنین در پاسخ به سئوالی مبنی بر نظات شورا بر تخلفات برخی شهرداران همچون شهردار منطقه ۱۱ و ۲۱ با بیان این که موضوع شهردار منطقه ۱۱ برای سال گذشته است، اظهار داشت: اکنون به طور الکترونیک و سیستماتیک نسبت به عملکرد شهرداران نظارت داریم به گونه‌ای که براساس همین نظارت‌های سیستماتیک از بروز ۲۰۰ تخلف پیش از آغاز کار جلوگیری شد، به گونه‌ای که در گذشته ساختمانی ساخته و تخلفی انجام می‌شد و بعد از آن به مساله رسیدگی می‌شد اما حالا سعی داریم با گسترش این نظارت سیستماتیک از بروز تخلفات جلوگیری کنیم که در این راستا ۲۰۰ پروژه شروع نشده، متوقف شد.

وی درباره شهردار منطقه ۲۱ هم با بیان این که موضوع این فرد ربطی به مسائل شهری و شهرداری ندارد، گفت: مساله این فرد خارج از شهرداری و موضوعات شهری بوده و نباید چنین موضوعاتی پیش می‌آمده است.

چمران در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر محقق نشدن ساخت ۳۰ کیلومتر مترو براساس برنامه توسعه اظهار داشت: ساخت مترو فقط بر عهده شهرداری نیست و حرکت شهرداری دراین حوزه حداکثری بوده که انجام شده است.

رئیس شورای شهر تهران درباره اخذ عوارض از بزرگراه های تهران که در کمیسیون حمل و نقل شورا مطرح شده است، گفت: گرفتن عوارض از آزادراه ها، تونل‌ها و پل ها طبیعی است چرا که زمانی که دو مسیر دسترسی وجود داشته باشد باید به گونه ای عمل کرد تا مسیر تونل ها و پل ها به عنوان دسترسی سریع باشد.

شهرداری برای برخی اقدامات عمرانی پول ندارد که خرج کند چرا که مثلا ساخت امتداد بزرگراه صیاد از میدان سپاه تا میدان شوش هزینه ای به اندازه نصف بودجه یک سال شهرداری را می خواهد و این مبالغ باید از طریق بخش خصوصی با پرداخت عوارض برای حق عبور تامین شود اما چون قیمت پایین است بخش خصوصی هم نمی آید.

چمران همچنین درباره موضوع موضوع دوشغله بودن رضا زاده عضو شورا گفت: طبق قانون شورا شغل نیست و عضویت در شوراهای شهر و روستا شغل محسوب نمی شود و درباره فدراسیون هم نه بودجه و نه ردیف و نه جایگاه سازمانی برای رئیس فدراسیون وجود دارد که این سمت هم شغل محسوب نمی شود.روسای فدراسیون حقوق نمی گیرد و دو شغله بودن این افراد انگ است.

وی درباره پیاده راه خیابان ۱۷ شهریور تاکید کرد: باید برای کسانی صاحب کسب و کار و یا خودرو دارند، فکری شود . در ین خیابان ما به دنبال ایجاد دسترسی سواره برای مردم منطقه از طریق اصلاح شهرسازی هستیم تا مسیر برای حرکت آمبولانس ها و آتش نشانی هم فراهم باشد.

آماده باش نیروهای هلال احمر برای حوادث چهارشنبه سوری

سرویس سیاسی– اجتماعی: دو روز تا آخرین سه شنبه سال و مراسم چهارشنبه سوری باقی مانده و یگان های امدادی خود را برای تلخ ترین حوادث سال آماده می کنند.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر از استقرار ۶۵۰ چادر و پایگاه سلامت برای پیشگیری از حوادث چهارشنبه سوری خبر داده و گفته است: این چادرها در میادین و اماکن و معابر پرتردد شهرهای سراسر کشور برپا شده و داوطلبان هلال احمر در آنها مستقر هستند تا با اطلاع رسانی مناسب مخاطرات استفاده از مواد منفجره و محترقه را به جوانان، نوجوانان و والدین آنها آموزش دهند.

فرحناز رافع درباره اجرای طرح مروجین سلامت به تسنیم گفت: گروه‌های داوطلب از ۱۰ روز قبل از چهارشنبه آخر سال در معابر پُرتردد شهرها مستقر شده اند تا با استقرار آنان طرح مروجین مهرورزی به صورت رسمی و همزمان با ایام پایانی سال و نزدیک شدن به مراسم چهارشنبه پایانی سال آغاز شود.

رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر هدف از برگزاری این طرح را آگاه سازی داوطلبانه و ارتقا سطح آگاهی و دانش عمومی شهروندان و مسئولان مراکز آموزشی در خصوص حوادث غیر قابل جبران استفاده از مواد محترقه و آتش زا، پیشگیری از ایجاد حادثه و خسارات و ایجاد حس امنیت و کوشش در جهت تامین سلامت جامعه عنوان کرد.

به گفته رافع، مراسم چارشنبه آخر سال در جامعه ما نیازمند یک مهندسی فرهنگی است. بنابراین چند روز قبل از آن، شهروندان در سطح شهر با نمادهای فرهنگی حاوی پیام‌هایی مواجه شوند که صدمات ناشی از کج رفتاری‌ها و بی‌هنجاری‌ها در این مراسم را نشان می‌دهد.

این طرح سال گذشته هم به اجرا درآمد و به گفته رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر موجب کاهش قابل توجه آمار تلفات و حوادث ناشی از سوانح سوختگی بر اثر رفتارهای پرخطر روزهای پایانی سال شد. رافع پیش بینی کرده است که با اجرای این طرح، امسال هم میزان بهره وران به بیش از یک‌صد هزار تن برسد.با این حال، بنا بر آمارهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سال گذشته حوادث چهارشنبه سوری با رشد ۳۵ درصدی نسبت به سال ۹۱، بیش از ۲۷۰۰ مصدوم برجای گذاشت که تعداد مصدومان نسبت به سال ۱۳۸۷دو و نیم برابر شده بود.

دکتر علیرضا مغیثی، رئیس گروه پیشگیری از سوانح و حوادث مرکز مدیریت بیماریهای غیرواگیر وزارت بهداشت گفته بود: استان تهران با دارا بودن ۲۸درصد از کل مواردثبت شده مصدومان چهارشنبه سوری رتبه اول را در کشور داشته است.سال گذشته همچنین یک پسربچه ۸ ساله در شهر تهران و دو مرد ۲۸ و ۲۵ ساله در نظرآباد استان البرز در اثر حوادث چهارشنبه سوری جان باختند.

ستوان دوم، هادی جوان‌دلاور، از نیروهای انتظامی تهران هم از جانباختگان این حوادث بود که حین انجام وظیفه بر اثر پرتاب نارنجک دست ساز یکی از اراذل و اوباش در ۲۹ سالگی به شهادت رسید.

کوثر و عید نوروز

بقیه از صفحه ۳

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار
کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:
آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار
هر که امروز نبیند اثر قدرت او
غالب آن است که فرداش نبیند دیدار
که تواند که دهد میوهٔ الوان از چوب؟
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟
آدمیزاده اگر در طرب آید، چه عجب؟
سرو در باغ به رقص آمده و بید و چنار
باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و بید
در دکان به چه رونق بگشاید عطار؟
ارغوان ریختهٔ بر دکّهٔ خضرای چمن
همچنان است که بر تخته دیبا دینار
این هنوز اول آذار جهان‌افروز است
باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار
شاخها دختر دوشیزه باغند هنوز
باش تا حامله گردند به الوانِ ثمار
عقل حیران شود از خوشه زرین عنب
فهم عاجز شود از حقّهٔ یاقوت انار
بندهای رطب از نخل فرو آویزند
نخلبندان قضا و قدر شیرین‌کار
تا نه تاریک بود سایهٔ انبوه درخت
زیر هر برگ چراغی بنهند از گلنار
سیب را هر طرفی داده طبیعت رنگی
هم بر آن‌گونه که گلگونه کند روی، نگار
شکل امرود تو گویی که ز شیرینی و لطف
کوزهای چند نبات است معلق بر بار
هیچ در بهْ نتوان گفت، چو گفتی که بهْ است
بهْ از این فضل و کمالش نتوان کرد اظهار
حشو انجیر چو حلواگر استاد که او
حَبّ خشخاش کند در عسل شهد به کار
گو نظر باز کن و خلقت نارنج ببین
ای که باور نکنی فی الشجر الاخضر نار[1]
پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار[2]
چشمه از سنگ برون آرد و باران از میغ
انگبین از عسل نحل و دُر از دریابار
نیک بسیار بگفتیم در این باب سخن
و اندکی بیش نگفتیم هنوز از بسیار
تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
نعمتت بارخدایا ز عدد بیرون است
شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
این همه پرده که بر کردهٔ ما می‌پوشی
گر به تقصیر بگیری، نگذاری دیّار
ناامید از در لطف تو کجا شاید رفت؟
تاب قهر تو نیاریم، خدایا، زنهار
فعلهایی که ز ما دیدی و نپسندیدی
به خداوندی خود پرده بپوش ای ستّار
سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند
راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار

پی‌نوشت:

۱ـ هفت آیه آخر سوره «یس» اثبات معاد جسمانی است که سعدی فقط به یک آیه اشاره کرده است. خوانندگان محترم با استفاده از تعطیلات نوروزی تفسیر همه سوره، مخصوصاً آیات ۷۷ تا آخر سوره را در تفسیر نمونه (ج۱۸، صص ۴۵۵ ـ ۴۹۹) مطالعه فرمایند.

۲ـ «و سخّر لکم اللیل و النهار و الشمس و القمر: او [خدا] شب و روز و خورشید و ماه را رام شما گردانید.» (نحل، ۱۱) برای تفسیر این آیه نیز به همان (صص ۱۶۶ ـ ۱۷۷) مراجعه فرمایید.

ترحیم

به نام مهربان مهربانان
هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

پرواز عارفانه انسانی وارسته، شادروان **دکتر فریدون طوسی**، وکیل برجسته دادگستری را به آگاهی می‌رسانیم. مجلس یادبود آن در گذشته روز دوشنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷/۳۰ در هتل استقلال، تالار دریای نور برگزار خواهد گردید.
همسر و همراه: هایده پرویزی
فرزندان: مهندس فرزانه طوسی - دکتر ادیب طوسی - خسرو طوسی
یگانه خواهر و برادر: پروانه طوسی - فرهاد طوسی

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود
بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

پرواز عارفانه استاد عزیزمان پیشکسوت حرفه وکالت و اسوه اخلاق و بنیانگذار مؤسسه نیکوکاران ایران شادروان وکیل **دکتر فریدون طوسی** را به خانواده محترم ایشان و جامعه شریف وکالت تسلیت عرض نموده و آرامش ابدی ایشان را آرزومندیم
به همین مناسبت مراسم یادبود در تاریخ ۹۳/۱۲/۲۵ روز دوشنبه از ساعت ۱۵/۳۰ لغایت ۱۷/۳۰ در هتل استقلال تالار دریای نور برقرار خواهد بود. حضور دوستان و آشنایان مایه تسلای بازماندگان و شادی روح آنمرحوم خواهد شد.
مؤسسه حقوقی دکتر فریدون طوسی و همکاران مؤسسه نیکوکاران ایران

بنام مهربان مهربانان
از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

پرواز هم کاروانی عزیزمان **دکتر فریدون طوسی** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رسانیم. مجلس یادبود روز دوشنبه ۹۳/۱۲/۲۵ در هتل استقلال، تالار دریای نور از ساعت ۱۵/۳۰ لغایت ۱۷/۳۰ برگزار می‌گردد.
یاران کاروان خوشبختی: خانواده‌های دکتر محمودی بختیاری - نوید - عباسی - خشایار - مرتضوی - امامی - گنجه‌ای - دکتر قاسمی - پارسا شریف - رحیمی - کبیری - قاجاردولو - غیاثی - دکتر عیسی جلالی - طیبی

رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل
از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

در غم از دست دادن شادروان **دکتر فریدون طوسی** گردهم می‌آییم و خاطره او را گرامی می‌داریم. مجلس یادبود روز دوشنبه ۹۳/۱۲/۲۵ از ساعت ۱۵/۳۰ لغایت ۱۷/۳۰ در هتل استقلال تالار دریای نور برگزار می‌گردد.
خانواده‌های وابسته: طوسی - پرویزی - غروی‌زاده - پایداری - سالارزاده امیری - طلیعه - عنایتی - صنعتکار - شاکری - برادران هروی - خسرو پرویز - درافشان - پشوتن - انصاریان - کلهرنیا - شریفی - حسینی - انجمنی - آصفی - رفعت‌خو - دلفانی - شفیعی - قاسمی - پورمکری - سهرابی - عظمتی و سایر وابستگان

بدینوسیله درگذشت نابهنگام **پروفسور دکتر علی معصومی (معصوم خانی)** را در هوستون به اطلاع کلیه فامیل و دوستان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبودی در روز دوشنبه مورخ ۹۳/۱۲/۲۵ از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در سالن آمیتیس واقع در شهرک غرب، بلوار دریا، انتهای خیابان صراف‌ها برگزار می‌شود.
خانواده‌های: معصوم خانی - مرشدزاده نائینی - علوی نائینی و سایر وابستگان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر عزیزمان **خانم بی بی مختارزاده** را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس ترحیم ایشان در روز یکشنبه ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در سالن اجتماعات ساختمانهای ASP برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح ایشان و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
مینا رستمی (شیبانی) - میترا نیکو (ثقفی) - الهه ثقفی - میلاد ثقفی و نوشین شیبانی.
و خانواده‌های:
مختارزاده - رستمی - نیکو - شیبانی - ثقفی و سیروسی.

جناب آقای اصغر زین آغاجی

دوست عزیز اصغر جان، مشیت الهی بر این قرار گرفت تا گل نوشکفته‌ات **المیرای عزیز** در عنفوان جوانی رخت از دیار باقی بربندد و در ملکوت اعلی و در جوار حق تعالی آرام گیرد.
با شنیدن این خبر ناگوار همه دوستانت با تو هم دل و در سوگ نشسته‌اند.
از خداوند متعال برای تو و همسر داغدارت صبر و شکیبایی آرزومندیم.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی در روز یکشنبه ۹۳/۱۲/۲۴ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در مسجد ابوالفضل(ع) واقع در ستارخان بعد از باقرخان نبش کوچه کوکب برقرار می‌باشد.
ساعد باقری - عظیم بینش - جهانگیر ساران - نصیر محمودی - محمد آقازاده - سعید جعفری - ابوالفضل علیجانی - رضا شاهرودی - رسول لطفی - سلیم شیرمحمدی - خسرو قره‌خانی - بیژن معصومی‌راد

دوست عزیز آقای اصغر زین آغاجی

ای کاش فاصله کم بود تا در آغوش تو با دیدگان گریان به تو تسلیت بگویم.
درگذشت **المیرای عزیزت** را به تو و مادر داغ دیده‌اش تسلیت عرض می‌نمایم.
آمریکا - ابراهیم فاتح وند

جناب آقای اصغر زین آغاجی

خبر درگذشت دختر دلبندتان باعث تأسف و تأثر گردید. از خداوند بزرگ برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانم.
سوئد - دکتر حسین عابد نظری

دوست عزیز جناب آقای اصغر زین آغاجی

درگذشت نابهنگام نوگل تازه شکفته‌ات **المیرای عزیزتان** را به شما و مادر داغدارش تسلیت عرض می‌نمایم خداوند به شما صبر و شکیبایی عنایت فرماید.
کانادا - دکتر ساعد جعفری

بازگشت همه به سوی خداست

با کمال تأسف و تألم درگذشت همسر و پدری مهربان و دلسوز شادروان **حاج فضل‌ا... خراسانی** را به اطلاع کلیه فامیل، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.
به همین مناسبت مراسم ترحیم آن مرحوم روز دوشنبه ۹۳/۱۲/۲۵ از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
همسر: حاجیه خانم فردوس بهبهانی
فرزندان: مینا، مهناز، محمدرضا و مرجان
عروس: لیلا مدنی
داماد: جعفر خراسانی
از طرف خانواده‌های: خراسانی، بهبهانی، فرجام، گمینی، مدنی، ابوالفضلی، صفوی، فاخری، دیزجی، شهیدی، حسام محسنی، هاشمی و سایر خانواده‌های وابسته

با نهایت تأسف و تألم درگذشت شادروان **ابراهیم مخلوق پور** فرزند مرحوم **حاج هادی مخلوق پور (کرمانشاهی)** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبود آن مرحوم روز یکشنبه مورخ ۹۳/۱۲/۲۴ از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجدالنبی(ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی مقابل کوی دانشگاه برگزار می‌گردد.
برادر: مهندس وحید مخلوق پور
فرزندان: مهندس فرید و مهندس علی‌اصغر مخلوق پور
خانواده‌های: مخلوق پور - برنجی و سایر وابستگان

یادبود

عروج انسان به ابدیت
تبادل ماده است به اوج معنویت
«مهدی»

روز یکشنبه مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۳ که مصادف است با نوزدهمین سالگرد عروج ملکوتی شادروان **«مهندس مهدی قدس»** را گرامی می‌داریم.
روحش شاد و یادش جاودانه باد.
«خانواده قدس»

گر به صد منزل فراق افتد میان ما و دوست
همچنانش در میان جان شیرین منزل است

یاد مادر گرانقدرمان **بانو اعظم محمودزاده** همسر زنده‌یاد **دکتر سیدعلی سعیدی** را گرامی می‌داریم.
روز یازدهم فروردین ۹۴ هفده سال از خاموشی آن نازنین می‌گذرد، ولی او همیشه با ماست.
دکتر مینو سعیدی (مهرداد) نسرین سعیدی (بقایی) - دکتر گلپیرا سعیدی (عشقی) - شایسته سعیدی (ساحلی) - مهندس سید محمد سعیدی

یادبود
دنیای با تو بودن به من نیاموخت بی تو چه کنم

دو سال از فراق شادروان **غلامعلی سیوری** گذشت.
همسرم همیشه به یادت هستم
روحت شاد و یادت گرامی باد
همسرت: پروانه مدنی

«همیشه به یادت هستیم»

پنجشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۴ مصادف با شانزدهمین سالروز درگذشت همسر و پدر عزیزمان
«سرتیپ مهندس منوچهر معینی»
می‌باشد.
یادش را همواره گرامی می‌داریم.
سیمین معینی - دکتر علی معینی - دکتر حسین معینی

تسلیت

همکاران ارجمند آقایان محمد نجفی و سیدعلی محمد هاشمی

با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
امور مالی - اداره حسابداری‌ها - بودجه و گزارشات - حقوق و دستمزد - سازمان وصول - اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ

جناب آقایان محمدنجفی و سیدعلی محمد هاشمی

باندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه احدیت برای آن مرحومه رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان ارجمند صبر و اجر مسئلت داریم.
علیزاده - رمضانی - پاشایی - بنی‌الحسینی

همکار گرامی جناب آقای دکتر سینا ایزدیار

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامی‌تان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و بردباری و برای آن مرحومه آمرزش و غفران الهی آرزومندیم.
هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان مهر

جناب آقای مهندس ایرج نوروزی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.
هیئت مدیره
و کلیه همکاران شما در تهران برکلی

با کمال تأسف و تأثر درگذشت **جناب آقای احمد خواجوی‌فر** را خدمت فرزندان ایشان و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمائیم و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر فرزین برزویه و خانواده

جناب آقای دکتر ایزدی
مدیرعامل و ریاست محترم
بیمارستان قائم (عج) کرج

با نهایت تأثر و تأسف، درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی از درگاه ایزد منان خواستاریم.
از طرف، هیئت مدیره، مدیریت، پزشکان و پرسنل بیمارستان قائم(عج) کرج

جناب آقای دکتر مهران ایزدی
مدیرعامل محترم بیمارستان قائم (عج)

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم، ما را در غم خود شریک بدانید و برای آن مرحوم مغفرت الهی و برای بازماندگان از خداوند متعال سلامتی و صبر مسئلت داریم.
گروه بیهوشی بیمارستان قائم(عج) کرج

همکاران گرامی آقایان محمدشبیر نجفی و سیدعلی محمد هاشمی

با تأثر و تأسف مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه طلب رحمت و مغفرت و برای سایر بازماندگان صبر و سلامتی را خواستاریم.
امور اداری - کارگزینی و رفاه

همکاران گرامی آقایان محمدشبیر نجفی و سیدعلی محمد هاشمی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمائیم. در این مصیبت بزرگ ما را در غم خود شریک بدانید. از خداوند برای آن فقیده سعیده رحمت و غفران و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت داریم.
همکاران شما در قسمت تصحیح روزنامه

همکاران گرامی آقایان محمد نجفی و سیدعلی محمد هاشمی

با نهایت تأسف و تأثر، مصیبت وارده را خدمت شما و سایر بازماندگان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه ایزدمنان مسئلت داریم.
روابط عمومی مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

همکاران گرامی آقایان محمد نجفی و سیدعلی محمدهاشمی

با نهایت تأسف و تأثر، مصیبت وارده را خدمت شما و سایر بازماندگان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه ایزدمنان مسئلت داریم.
همکاران شما در گرافیک تحریریه

جناب آقای مهندس بدیع

با کمال تأسف و تأثر درگذشت برادر همسر گرامیتان را تسلیت گفته، سلامتی جنابعالی و بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
هیئت مدیره مهندسین مشاور آتک

جناب آقای مهندس بدیع و سرکار خانم هما صیرفی

با کمال تأسف درگذشت **آقای امید صیرفی** را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت می گوییم.
ژیلا و عزت‌اله خواجه‌نوری

جناب آقای مهندس هادی پیشوایی

مصیبت وارده موجب کمال تأسف و تأثر گردید. ضمن عرض تسلیت، برای آن مرحوم طلب مغفرت و علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان از درگاه ایزد متعال صبر و شکیبایی و بقاء عمر خواستاریم.
مهندس محمد ایثاری - دکتر منوچهر پویا - مهندس مهدی محیط کرمانی

اوست پایدار
سرکار خانم هایده، سرکار خانم هاله
و جنابان آقایان دکتر ادیب و خسرو طوسی

درگذشت نابهنگام دوست و مشاور حقوقی و یار و یاور عزیزمان **جناب دکتر فریدون طوسی** را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، شادی روح آن مرحوم و شکیبایی و سلامتی شما و همه بازماندگان عزیز را از درگاه حضرت حق مسئلت می‌نماید.
پدر - پشوتن - درافشان
مدیران و کارکنان شرکت سی‌پی‌دی

اوست پایدار
جناب آقای دکتر ادیب طوسی
خانواده‌های محترم پرویزی و طوسی

درگذشت استاد بزرگوار **دکتر فریدون طوسی** را خدمت شما و سایر بازماندگان تسلیت می گوییم.
هیأت مدیره شرکت نیکو بتن زنگان

سرکار خانم فریده داروئیان و
خانواده محترم مرحوم استاد ارجمند دکتر حسن هاشمی

با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما و خاندان محترم تسلیت عرض نموده بقای عمر و صبر و بردباری آرزومندیم.
از طرف گروه زنان
دکتر نادر حشمتی - دکتر حسین آرمان - دکتر جمیله نصیری - دکتر فاطمه آقاخانی - دکتر فاطمه اکرم السادات شریفی - دکتر صدیقه اخوان طبیب - دکتر محمد ملکی - دکتر مصطفی میرپور - دکتر اعظم السادات بلادی مقدم - دکتر نرجس نایب هاشمی

جناب آقای مهندس ایرج فرهودی

فوت همسر عزیزتان را صمیمانه خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم.
شرکت آرمه نو
ابریشمی - ریاضی

همکاران ارجمند
آقایان محمد نجفی و سیدعلی محمد هاشمی

با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی و برای آن عزیز از دست رفته علو درجات از درگاه خداوند آرزومندیم.
سازمان آگهی‌ها

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.
هیئت مدیره و مدیرعامل بیمارستان توس

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
گروه بیهوشی بیمارستان توس

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
ما را در غم خود شریک بدانید.
دکتر علیرضا صفائی و خانواده

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر رحمانی - دکتر (محمدرضا - مهرنوش - کیانوش) نیشابوری - دکتر راستی

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.
گروه جراحی بیمارستان توس

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر سیامک شکیبی - زهرا ارباب

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با کمال تأسف و تألم مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر حسین سمیعی و بانو

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
ما را در غم خود شریک بدانید.
دکتر حسین آئینه‌چی و بانو

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر شکوه یوسفی - دکتر محمدیها

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر بهتاش و پرسنل داروخانه بیمارستان توس

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر شکوه یوسفی
و پرسنل داروخانه بیمارستان رسالت

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به آن خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر مهناز جعفری - دکتر مسعود خدیوی

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر عاطفه فخاریان - دکتر علی‌اکبر امین‌مقدسی

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر اصغر قاصدیان و خانواده

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت می‌گوییم.
دکتر مه‌سیما فردوسی - دکتر فیروز صاحبدل

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.
دکتر سعید عباس‌زاده و بانو

سرکار خانم معصوم‌خانی و جناب آقای دکتر مرشدزاده
آرزومندیم در پناه خدا بردبار باشید.
پروفسور محمود لطفی و دکتر مانی لطفی

اطلاعات

سال هشتاد ونهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۳
۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۳۶ ـ ۱۵ مارس ۲۰۱۵

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۱۱ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۲۹ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۵ دقیقه

کمک ۱۲/۵ میلیارد دلاری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به مصر

سرویس خارجی: کنفرانس اقتصادی «شرم‌الشیخ» در مصر، با تعهد کشورهای عربستان، کویت، امارات و عمان به پرداخت کمک ۱۲/۵ میلیارد دلاری به مصر برگزار شد. در این کنفرانس که با هدف حمایت از اقتصاد مصر برگزار شد، «صباح الاحمد الصباح»، امیر کویت، «مقرن بن عبدالعزیز»، ولیعهد عربستان و «محمد بن راشد آل مکتوم»، حاکم دوبی هر کدام چهار میلیارد دلار به سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مصر اختصاص دادند. «یحیی بن محفوظ»، نماینده پادشاه عمان نیز از کمک مالی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در طول پنج سال به مصر خبر داد. از سویی، «عبدالفتاح سیسی»، رئیس‌جمهوری مصر در این کنفرانس، متعهد شد تا فضای مناسبی را برای سرمایه‌گذاری فراهم کند.

جان کری، وزیر خارجه آمریکا در این کنفرانس اعلام کرد، آمریکا به حمایت از مصر پایبند است. وی افزود، مصر نقش محوری در منطقه بازی می‌کند و ما از سیسی به خاطر برخورد مناسب با مشکلات و بحران‌های منطقه قدردانی می‌کنیم. کری تاکید کرد، مصر آگاهی خوبی نسبت به تحولات منطقه دارد و کشوری سرنوشت‌ساز در جهان عرب محسوب می‌شود. وی همچنین خاطرنشان کرد، در دیدار با رئیس جمهوری مصر بر لزوم حمایت و احترام به همه گروه‌ها و جهت‌های سیاسی و فرهنگی مصری تأکید کرده است.

در همین حال فیلیپ هاموند، وزیر خارجه انگلیس در حاشیه این کنفرانس اعلام کرد، من و رئیس‌جمهوری مصر درخصوص افزایش تلاش‌های جامعه جهانی برای مقابله با تهدید داعش و همچنین اوضاع لیبی بحث و گفتگو کردیم.کنفرانس اقتصادی شرم‌الشیخ با عنوان «مصر آتی» با مشارکت هیاتی‌هایی از حدود ۹۰ کشور و ۲۵ سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار شد.

در خبری دیگر، سیسی در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست با اشاره به اینکه خصومت و دشمنی کشورش با رژیم صهیونیستی کاهش یافته است، گفت: گروه اخوان المسلمین مادر گروه‌های تروریستی در جهان است. وی افزود، اخوان المسلمین مصر را به جهنم تبدیل کرد، آیا تصور می کنید کشوری مثل مصر شبیه طالبان شود و اهرام ثلاثه را نابود کند؟ من اطمینان دارم اگر اخوان المسلمین در قدرت می ماند برای تخریب معابد فرعون تلاش می کرد. او گفت: سیسی انعکاس اراده ملی مصری‌هاست. وی همچنین با اشاره به اینکه ارتباطات مصر با واشنگتن دچار مشکل است و صدای مردم این کشور به درستی به آمریکا نمی‌رسد، اعلام کرد، آمریکا فقط به مشاهده حوادث منطقه که این روزها شاهد یک خلأ استراتژیک در کنار تهدیداتی بزرگ است، اکتفا کرده است. وی هشدار داد، شکست مصر باعث ایجاد آشوب در منطقه خواهد شد که بر اسرائیل و تمامی اروپا تاثیرگذار خواهد بود.از سوی دیگر،یک منبع نظامی مصر از کشته شدن دست کم ۱۹ تن از تکفیری‌های وابسته به گروه «انصار بیت‌المقدس» در حملات هوایی ارتش به پایگاه های این گروه در مناطق مختلف سینای شمالی خبر داد.

*** لیبی**

فرستاده سازمان ملل به لیبی اعلام کرد، مذاکرات سیاسی میان گروه‌های مختلف این کشور که مراکش میزبان آن است تا پنجشنبه به تاخیر افتاد.

«بان کی‌مون» پیگیری پرونده بازداشت دبیر کل جمعیت الوفاق بحرین را بر عهده گرفت



اعتراضات تازه مردم بحرین علیه دستگیری شیخ علی سلمان

مردم بحرین برای نود و چهارمین روز تظاهرات اعتراضی در حمایت از زندانیان سیاسی به ویژه شیخ علی سلمان در سراسر این کشور برگزار کردند. شرکت کنندگان در این تظاهرات ادامه بازداشت زندانیان سیاسی و در راس آنها دبیرکل جمعیت الوفاق و محاکمه وی را محکوم و تاکید کردند هدف حکومت از بازداشت این افراد، بحرانی کردن اوضاع است.معترضان بر اهمیت برقراری دموکراسی و عدالت در کشور و نیز ادامه جنبش مردمی تا تحقق تمامی خواسته‌های خود تاکید کردند. در همین حال، نیروهای رژیم آل خلیفه با شلیک گازهای اشک آور به تظاهرکنندگان حمله کردند.

سرویس خارجی: رئیس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، تصمیم منامه در بازداشت دبیرکل جمعیت الوفاق را اشتباه توصیف و تاکید کرد، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل شخصاً این پرونده را پیگیری می‌کند. «زید بن رعد» گفت: به مقامات بحرینی عدم رضایت خود را به عنوان رئیس کمیساریای عالی حقوق بشر از بازداشت شیخ سلمان توضیح داده ام. در این حال،معاون رئیس‌جمهوری عراق اعلام کرد، بازداشت دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین و شیخ نمر، روحانی برجسته شیعه عربستان در پی صدور فتواهای تکفیری از سوی برخی شخصیت‌های دینی و گرایش‌های طائفه‌ای و فرقه‌ای صورت گرفته است. به گفته نوری مالکی،این اقدامات هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و نظام‌های سیاسی جهان باید از هرگونه حاشیه راندن دیگران و طرد افراد خودداری کنند .

از سویی، «عبدالنبی العکری» هماهنگ کننده هیات دیدبان حقوق بشر بحرین در بیست و هشتمین نشست حقوق بشر سازمان ملل در ژنو از سازمان ملل خواست از زندانیان سیاسی این کشور حمایت به عمل آورد و رژیم آل خلیفه را برای لغو اتهامات نسبت داده شده به زندانیان سیاسی و آزادسازی فوری آنها تحت فشار قرار دهد. در تحولی دیگر، شمار زیادی از مردم بحرین در اعتراض به سهل انگاری رژیم آل‌خلیفه در بازسازی مساجد تخریب شده، در این مساجد نماز خود را اقامه کردند.

*** یمن**

جنبش انصارالله یمن برای توسعه بندر «الحدیده» در ساحل دریای سرخ، توافقنامه‌ای با ایران امضا کرد. توافق صورت گرفته شامل مدرنیزه کردن و توسعه بندر الحدیده و تقویت همکاری‌های دوجانبه در زمینه حمل و نقل دریایی نیز می‌شود. در تحولی دیگر، وزیر دفاع عربستان در پی رزمایش جنبش مردمی انصارالله که در نزدیک مرز با عربستان برگزار شد، گفت: ارتش برای حفاظت و دفاع از مرزهای این کشور، در آمادگی کامل به سر می‌برد. «محمد بن سلمان» همچنین بر اهمیت هوشیاری و آمادگی نیروهای مسلح و مجهز شدن به همه ادوات و لوازم مورد نیاز برای حفاظت از مرزها، تاکید کرد.

خبر دیگری حاکیست، رئیس جمهوری یمن طی دستور العملی دهها افسر دوره علی عبدالله صالح، دیکتاتور سابق این کشور را برای خدمت در ارتش یمن فراخواند. عبدربه منصورهادی همچنین دستور داد ۲۰ هزار تن از اهالی جنوب یمن در ارتش این کشور جذب شوند تا به زعم وی توازن در ارتش برقرار شود. این در حالی است که، شبکه تلویزیونی العربیه از تلاش‌ها و اقدامات علی عبدالله صالح برای کودتا علیه منصورهادی و لشکرکشی و حمله به جنوب این کشور خبر داد.در این حال، سخنگوی انصارالله گفت: پیش از آن که گفته شود منصور هادی پیشنهاد انتقال گفتگوها به خارج از یمن را ارائه کرده است، عربستان سعودی بارها این پیشنهاد را به ما و دیگر ارکان سیاسی یمن داده بود اما ما آن را نپذیرفتیم.

در چنین شرایطی، فرستاده سازمان ملل به یمن اعلام کرد، اوضاع سیاسی بسیار پیچیده‌ای بر کشور حاکم شده است و یمن در آستانه فروپاشی قرار دارد. در تحولی دیگر، تروریست‌های القاعده با انفجار بمب در مرکز تجمع نیروهای جنبش انصارالله در استان البیضا ۲۰ تن از حوثی ها را به شهادت رساندند.

*** اردن**

سخنگوی گروهک تروریستی داعش بار دیگر اعلام کرد که این گروه به دنبال گسترش در دیگر کشورهای عربی از جمله اردن است. روزنامه عربستانی «العرب» هم گزارش داد که داعش نه فقط به موصل، طرابلس، درنه (در لیبی) یا نیجریه چشم دوخته است بلکه پاریس و رم را از آن خود خواهد کرد و به دنبال اشغال کابل، کراچی، امان و دیگر شهرهاست.

*** امارات**

دولت امارات در اقدامی ظالمانه که نقض قوانین حقوق بشری محسوب می‌شود، طی ۴۸ ساعت ۹۰ خانواده لبنانی که بیشترشان شیعه هستند را به دلایل سیاسی از این کشور اخراج کرد.به گفته یک مقام عالیرتبه لبنانی، این اقدام ظالمانه دولت امارات در راستای اقدامات پیشین ابوظبی است که از شش سال پیش و به بهانه مقابله با نفوذ حزب‌الله در لبنان و خارج آن صورت می‌گیرد.

سیا: آمریکا خواستار سقوط دولت اسد نیست

سرویس خارجی: رئیس سازمان سیا اعلام کرد که واشنگتن خواستار سقوط دولت بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه نیست زیرا این نگرانی را دارد که بعد از او راه برای رشد گروههای تکفیری باز شود.

«جان برنان» تصریح کرد که آمریکا نمی‌خواهد شاهد سقوط دولت اسد باشد زیرا سقوط دولت اسد ممکن است راه را برای به قدرت رسیدن گروههای افراطی باز کند. وی تصریح کرد که واشنگتن نگران است با توجه به پیدایش تکفیری‌های داعش و دیگر گروههای تکفیری در سوریه، در صورت سقوط دولت اسد، چه کسی جایگزین این دولت خواهدشد.

برنان که در شورای روابط خارجی آمریکا سخن می گفت، تأکید کرد: عناصر افراطی از جمله داعش و القاعده در بخش‌هایی از سوریه در حال رشد هستند. آخرین چیزی که آنها می‌خواهند انجام دهند، ورود به دمشق است و به همین دلیل مهم است که نیروهای مخالف سوری که افراطی نیستند را تقویت کنیم. برنان گفت: موضع واشنگتن این است که اسد هیچ نقشی در آینده سوریه نداشته باشد اما دولت اوباما می‌خواهد شاهد یک راه‌حل سیاسی باشد که در نتیجه آن دولتی در سوریه به وجود آید که نماینده همه گروهها و مردم باشد. رئیس سیا تأکید کرد: هیچ کدام از ما، روسیه، ائتلاف و کشورهای منطقه نمی‌خواهند شاهد سقوط دولت سوریه و نهادهای سیاسی دمشق باشند. وی تصریح کرد که داعش در بهره‌برداری از رسانه‌های اجتماعی برای گسترش تبلیغات و عضوگیری بسیار ماهرانه عمل می‌کند و دامنه دسترسی خود را به شیوه‌ای گسترش می‌دهد که تعقیب و مهار آن دشوار است.

این در حالی است که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد، این نهاد در تلاش است با جلب نظر کنگره ۷۰ میلیون دلار کمک‌های غیر کشنده به مخالفان سوری اختصاص دهد. وزارت خارجه آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد: این کمک‌ها به سرویس‌های اجتماعی، حمایت از واحدهای مسلح مخالفان سوری، آموزش امنیت دیجیتال و ثبت اقدامات دولت فعلی سوریه اختصاص خواهد یافت.

در این حال نخست وزیر ترکیه در دیدار با اعضای شورای مخالفان سوریه گفت: تنها راه حل بحران این کشور ایجاد سوریه‌ای دموکراتیک است و آنکارا به باقی ماندن در کنار این ارگان سوری ادامه می‌دهد. احمد داود اوغلو گفت: همواره راه حل سومی برای بحران سوریه وجود دارد که داشتن یک نظام دموکراتیک است و باید سوریه‌ای نوین ایجاد شود که در آن تمامی سوری‌ها با یکدیگر در صلح زندگی کنند. از طرفی روزنامه صهیونیستی هاآرتص فاش کرد که از نظر اسرائیل امکان ساقط کردن نظام سوریه با گذشت زمان دیگر ممکن نیست و تنها یک راه باقی مانده و آن ترور بشار اسد است. بر اساس این گزارش، رژیم صهیونیستی ازنتایج نبرد در جبهه جنوبی سوریه و موفقیت های ارتش این کشور و همپیمانان آن در سیطره کامل بر مناطق جنوبی هم مرز با فلسطین اشغالی نگران و هراسان شده است.

هاآرتص افزود: اینکه طرف‌های درگیر در جنگ سوریه نمی توانند یکدیگر را فلج و از میدان خارج کنند با منافع اسرائیل بسیار سازگار است به ویژه اینکه ما نمی خواهیم ارتش سوریه قدرت سابق خود را بازیابد. در این حال روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال در گزارشی به نقل از مقام های رژیم صهیونیستی اعلام کرد که این رژیم کمک های پزشکی به تروریست‌های سوریه ارائه می‌کند. در گزارش وال استریت ژورنال آمده است: گروهک تروریستی جبهه النصره وابسته به القاعده از زمان اشغال بخش های هم مرز با فلسطین اشغالی در سوریه از جمله ارتفاعات جولان، به طور مرتب زخمی هایش را برای درمان به بیمارستان های اسرائیل فرستاده است. خبر دیگر اینکه نماینده صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در سوریه از کشورهای جهان خواست به منظور تسهیل در امر کمک‌رسانی به مردم مناطق تحت اشغال داعش و حمایت از کودکان ساکن در این مناطق، با داعش وارد مذاکره شوند. هنا سنجر گفت: دستکم برای حمایت از کودکان در مناطق تحت اشغال داعش این مذاکرات انجام شود.

ادعا درباره مرگ پسرعموی اسد

شبکه خبری العربیه مدعی شد که «محمد توفیق الأسد» پسرعموی بشار اسد کشته شده است. به ادعای این شبکه، خبرهای متناقضی درباره چگونگی کشته شدن محمد توفیق ملقب به «شیخ الجبل» وجود دارد. العربیه مدعی شد که دو داستان برای کشته شدن توفیق وجود دارد: یکی اینکه وی در پی درگیری‌های اخیر در منطقه «دورین» کشته شده در حالی که روایت دوم این است که وی در یک عملیات ترور در منطقه «قرداحه» جان باخته است. هنوز هیچ منبع رسمی سوری این خبر را تأیید یا تکذیب نکرده است.

در تحولی دیگر وزیر اطلاع رسانی سوریه از امکان گفتگو در خصوص تشکیل حکومت خودمختار در مناطق کردنشین شمال سوریه براساس قانون اساسی این کشور خبر داد. عمران الزعبی اعلام کرد: امکان بحث و گفتگو در خصوص موضوع تشکیل حکومت خودمختار در مناطق کردنشین شمال سوریه براساس قانون اساسی امکان پذیر است. وی گفت: ارتش سوریه از مبارزان کرد برای مقابله با داعش حمایت نظامی به عمل آورده است اگرچه برخی از آنها این حمایت را انکار می‌کنند.



درگیری ارتش سوریه و گروههای تروریستی در غرب حلب

منابع امنیتی از درگیری شدید میان ارتش سوریه و گروههای تروریستی در غرب استان حلب خبر می دهند. ارتش سوریه با گروههای تروریستی در منطقه «الراشدین» در غرب حلب به شدت درگیر شد که در این درگیری ها شماری از تروریست ها کشته یا زخمی شدند. در همین راستا جنگنده های ائتلاف مواضع گروه تروریستی داعش در منطقه البوکمال در حومه شرقی دیرالزور را بمباران کردند.

جان کری: منافع ایران در عراق را درک می کنیم

سرویس خارجی: وزیر امور خارجه آمریکا در حاشیه کنفرانس اقتصادی شرم‌الشیخ به بیان دیدگاه‌های آمریکا در خصوص تحولات منطقه به ویژه عراق پرداخت.

جان کری گفت: ما می‌دانیم که ایران در عراق فعال است و فعالیت‌های ایران و گروه‌های شیعه نزدیک به این کشور در شمال و شرق عراق را زیر نظر داشته و به خوبی از آنها اطلاع داریم. ما در این باره با نخست‌وزیر عراق صحبت کرده‌ایم و وی فعالیت نظامی ایران در عراق را تایید کرده است. کری ادامه داد، ایران نیز در عراق منافعی دارد و ما این مساله را درک می‌کنیم. آنها علیه داعش می‌جنگند و ما نیز علیه این گروه هستیم اما هیچگونه هماهنگی درباره پرونده عراق و مبارزه با داعش میان ایران و آمریکا انجام نشده است. هر کشوری به نحوی علیه داعش می‌جنگد. کری در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره وضعیت حقوق بشر در مناطق آزاد شده نیز گفت: ما از نزدیک اوضاع انسانی در مناطق سنی‌نشین که از دست داعش آزاد شده را زیر نظر داریم. در عملیات آزادسازی مناطق تحت کنترل داعش عشایر سنی و ساکنان محلی نیز حضور داشته‌اند که این گامی مثبت است. این در حالی است که، به گفته یکی از مقام‌های آمریکایی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا مرتبا درباره رفتار نیروهای عراقی و گروه‌های داوطلبی که در کنار آنها می‌جنگند، به رهبران عراقی هشدار داده است.

از سوی دیگر،«حیدر العبادی» نخست وزیر با «سید عمار حکیم» رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق درباره آخرین تحولات عراق به ویژه عملیات تکریت بحث و تبادل نظر کردند. از سوی دیگر،رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق از الازهر خواست هیاتی را برای تهیه گزارش میدانی از وقایع استان صلاح‌الدین به این کشور اعزام کند. سید عمار حکیم، با تاکید بر اینکه عملیات نظامی صلاح‌الدین در چارچوب اقدامات نیروهای عراقی برای پاکسازی استان از لوث وجود داعش صورت گرفته از الازهر خواست هیاتی را برای تهیه گزارش میدانی از وقایع استان صلاح‌الدین به این کشور اعزام کند. حکیم در بیانیه خود با اشاره به اینکه طرح داعش برای ایجاد تفرقه میان مذاهب مختلف اسلامی در عراق امروز باعث اتحاد همه مردم کشور شده است، گفت: دشمنان و گروه‌های کینه‌توز در گذشته و حال حاضر برای ایجاد بحران طایفه‌ای در عراق تلاش کرده‌اند. رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق در ادامه اظهار داشت: مرجعیت عالی عراق که از این کشور حفاظت و با صدور فتوای جهاد کفایی به یاری مردم شتافت، تنها به دعوت از داوطلبان و مبارزان به جهاد و نبرد اکتفا نکرد و همواره با دعوت آنان به خویشتنداری و عدم تجاوز به حقوق شهروندان و حمایت از ساکنان مناطق مختلف برای آزادی مناطقشان آنان را یاری می‌کند. خبر دیگر اینکه ارتش آمریکا قرار است از پایگاه هوایی اینجرلیک ترکیه در جریان عملیات نظامی علیه داعش استفاده کند.

تحولات میدانی

خالد العبیدی، وزیر دفاع عراق در سخنانی اعلام کرد که نیروهای عراقی و داوطلبان مردمی و همچنین نیروهای عشایر کنترل شهر تکریت مرکز استان صلاح الدین را در دست گرفته‌اند. همچنین برخی منابع عراقی اعلام کردند که اعضای داعش تدابیر امنیتی شدیدی را برای تقویت دفاع در مقابل نیروهای عراقی که در چندین محور در شهر تکریت می‌جنگند، اتخاذ کرده‌اند.اعضای داعش پل اصلی شهر تکریت در شرق این شهر را جهت متمرکز شدن بر جبهه‌های دیگر منفجر کردند. این در حالی است که نیروهای عراقی همچنان از چندین محور با اعضای داعش در حال مقابله هستند. نیروهای عراقی همچنین در شهرهای الدیوم، الصناعی و الهیاکل به منظور آمادگی برای مقابله با اعضای داعش در حالت آماده باش قرار دارند. هادی العامری، رهبر نیروهای مردمی عراق نیز اعلام کرده بود، شهر تکریت به طور کامل تحت کنترل نیروهای عراقی است اما بازپس گیری کامل آن نیاز به زمان دارد.برخی منابع عراقی نیز اعلام کردند ارتش عراق و نیروهای مردمی پایگاه‌های داعش در شهر بیجی را بمباران کردند و تیم مهندسی ارتش عراق همچنان در حال ایجاد پلی به جای پل الفتحه برای ورود به این شهر است.از سویی،ارتش و پلیس عراق حمله داعش به منطقه الحوز در مرکز رمادی را ناکام گذاشتند. نیروهای پیشمرگه اقلیم کردستان عراق نیز کنترل مجتمع یرموک و روستاهای دحار و سور در جنوب غرب کرکوک را در دست گرفتند .در چنین شرایطی،وزیر دفاع عراق برای بازدید از واحدهای نظامی در حال نبرد با تکفیری‌ها در استان «الانبار»، به این استان سفر کرد.از دیگر سو،کمیسیون امنیتی استانداری دیاله از دستگیری ۱۷تکفیری فراری دیگر با پوشش زنانه در محور دیالی – صلاح‌الدین خبر داد.در تحولی دیگر،یک منبع عراقی اعلام کرد، پمپاژ نفت عراق از طریق بندر جیهان ترکیه از سر گرفته شد.از دیگر سو، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که به زودی ۶۰ قطعه از آثار باستانی عراق را که به این کشور قاچاق شده است باز می‌گرداند.

توافق آمریکا، مصر، اردن و تشکیلات خودگردان برای از سرگیری مذاکرات صلح خاورمیانه

سرویس خارجی: مقامات مصر، اردن و آمریکا در نشستی چهارجانبه با رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، بر سر تکمیل گفتگوها در خصوص تعیین زمان برای از سرگیری مذاکرات صلح خاورمیانه توافق کردند. در این نشست چهارجانبه که میان عبدالفتاح سیسی رئیس جمهوری مصر، محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، عبدالله دوم پادشاه اردن و جان کری وزیر خارجه آمریکا در شرم الشیخ مصر برگزار شد حاضران همچنین بر لزوم ادامه روند بازسازی غزه بر اساس جدول زمانی مشخص تاکید کردند.

در این نشست، سیسی بر لزوم پایبندی رژیم صهیونیستی به تعهدات پیشین خود و تکمیل مذاکرات برای حل و فصل عادلانه مساله فلسطین و لزوم از سرگیری مذاکرات صلح تاکید کرد. وی با بیان اینکه کشورهای عربی ادامه درگیری میان فلسطین و رژیم صهیونیستی را نمی‌پذیرند بر لزوم اجرای آشتی میان فتح و حماس با هدف یکپارچه سازی تلاش‌های فلسطینی تاکید کرد.

سیسی در عین حال با بیان اینکه بحران انسانی واقعی در نوار غزه وجود دارد تاکید کرد که مقامات مصری تسهیلات لازم را برای اجرای طرح بازسازی نوار غزه در نزدیک‌ترین زمان ممکن ارائه خواهند کرد. وی از آمریکا خواست بر رژیم صهیونیستی فشار بیشتری بیاورد.

جان کری نیز مدعی شد: روند صلح به دلیل عدم جدیت طرف فلسطینی در معرض تهدید قرار دارد و عباس نیز کنترل اوضاع فلسطین را از دست داده و از عمل به تعهدات خود ناتوان است. محمود عباس نیز در کنفرانس شرم الشیخ اعلام کرد: اسرائیل یا باید صلح با ما را انتخاب کند یا به اشغالگری و اقدامات خود در تغییر ماهیت قدس ادامه بدهد. وی افزود: ما به تحقق صلح فراگیر از طریق مذاکرات و تحقق تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس پایبندیم.

از طرفی نماینده کمیته چهارجانبه بین‌المللی صلح خاورمیانه تاکید کرد که پایان منازعه فلسطینی – اسرائیلی ضرورتی اساسی در منطقه خاورمیانه است. تونی بلر تصریح کرد که قدس مساله‌ای مورد اختلاف و راهکارهای زیادی برای آن مطرح شده است اما مشکل در چگونگی فراهم کردن زمینه مذاکراتی موفقیت آمیز در مورد آن است که لازمه آن اقدام رژیم صهیونیستی در بهبود اوضاع فلسطینیان و شرایط زندگی و اقتصاد آنان و همزمان با آن اتحاد سیاستمداران فلسطینی است. بلر همچنین بر ضرورت حمایت کشورهای عربی از تحقق روند سازش بین طرفین فلسطینی و صهیونیستی به منظور تحقق صلح در سراسر خاورمیانه تاکید کرد.

در تحولی دیگر سخنگوی نظامی ارتش رژیم صهیونیستی از قصد این رژیم برای احداث دیوار امنیتی در طول مرز سرزمین‌های اشغالی با اردن خبر داد. وی افزود: مقامات نظامی اسرائیل پیشنهاد ساخت دیوار امنیتی را برای حمایت از فرودگاه تیمنا (واقع در ۲۰ کیلومتری شمال ایلات) داده‌اند.

به گفته وی اسرائیل قصد دارد یک دیوار امنیتی در مرز اردن – تنها کشوری که هنوز اسرائیل دیوار امنیتی در مرز خود با آن ندارد – برای حمایت از فرودگاه بین‌المللی جدید خود ایجاد کند.

خبر دیگر اینکه به تازگی اسنادی فاش شده که حاکی از توطئه رئیس تشکیلات خودگردان با همکاری دستگاه اطلاعات فلسطین علیه غزه و حماس است. این اسناد نشان می‌دهد که محمود عباس با توطئه دستگاه اطلاعاتی فلسطین برای انجام عملیات در نوار غزه و متشنج کردن اوضاع این منطقه موافقت کرده است. گفته می شود «ماجد الفرج» رئیس دستگاه اطلاعات فلسطین سند فاش شده را به تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۴ امضا کرده و آن را نزد محمود عباس فرستاده است.



دیدار جان‌کری، عبدالله دوم و محمودعباس با سیسی در حاشیه نشست شرم‌الشیخ

«استولتنبرگ»: ناتو مسئول تامین امنیت اوکراین نیست

سرویس خارجی: دبیرکل ناتو در پاسخ به این سوال که آیا ناتو برای متوقف کردن نیروهای روس نباید کاری انجام دهد، گفت: مسئولیت اصلی ما دفاع و حفاظت از تمامی متحدان ناتو است اما چون اوکراین عضو ناتو نیست ناتو نمی‌تواند مسئولیتی در تامین امنیت آن داشته باشد. ینس استولتنبرگ ادامه داد: درگیری‌ها در شرق اوکراین با وجود نقض مکرر قوانین بین‌الملل توسط روسیه، در حیطه کاری ناتو نیست. دبیرکل ناتو افزود: اما با تمامی این شرایط ما اقداماتی را که روسیه در اوکراین انجام می‌دهد نمی‌پذیریم و به همین دلیل است که تاکنون از اوکراین حمایت و پشتیبانی قوی سیاسی به عمل آورده‌ایم.

در همین حال، سخنگوی پنتاگون اعلام کرد، آمریکا و لهستان در اواخر ماه میلادی جاری رزمایش مشترک برگزار می‌کنند. در این رزمایش از سامانه موشکی پاتریوت آمریکا و «تیپ سوم پدافندهای موشکی ورشو» استفاده خواهد شد. وزارت خارجه آمریکا نیز از ویتنام خواست استفاده بمب افکن‌های روسی قادر به حمل سلاح اتمی از امکانات پایگاه هوایی سابق آمریکا در شهر کامرون ویتنام را منع کند که وزارت خارجه روسیه با انتشار بیانیه‌ای این درخواست آمریکا از ویتنام را تقبیح کرد و آن را غیر منطقی خواند. در بیانیه وزارت خارجه روسیه آمده است، اظهارات مقام‌های آمریکایی و ادعای اینکه چنین اقدامی منجر به تشدید تنش در منطقه می‌شود، غیرمنطقی و حیرت آور است.

خبر دیگری حاکیست، مدیراداره اطلاعات مرکزی آمریکا اعلام کرد، این سازمان همچنان خواهان ادامه همکاری با روسیه در زمینه مبارزه با تروریسم است. «جان برنان» با اشاره به سطح بالای همکاری با مقامات مسکو در تامین امنیت بازی‌های المپیک زمستانی سوچی، افزود: علاوه بر این در مساله تحقیقات مربوط به حمله تروریستی در شهر بوستون (ایالت ماساچوست) در آوریل سال ۲۰۱۳ سرویس‌های امنیتی–اطلاعاتی روسیه کمک‌های قابل توجهی به مقامات آمریکایی کردند. وی تاکید کرد، در حال حاضر نیز دو کشور تهدیدات ناشی از سوی گروه تروریستی داعش را زیر نظر دارند که برای آمریکا و همه کشورهای جهان یک تهدید جدی بشمار می‌روند و خوشبختانه دیدگاه مشترکی در زمینه مبارزه با تروریسم و مساله ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بین دو کشور وجود دارد.

هلاکت ۴۸ عضو طالبان در حمله جنگنده‌های ارتش پاکستان به «خیبر ایجنسی»

سرویس خارجی: ارتش پاکستان اعلام کرد، در حمله جنگنده های نیروی هوایی این کشور به مواضع شبه نظامیان در مناطق قبایلی «خیبر ایجنسی»، دست کم ۴۸ تن از شبه نظامیان کشته شدند. بنا به گفته ارتش پاکستان، از زمان آغاز عملیات ضرب عضب بیش از ۲۰۰۰ تن از شبه‌نظامیان کشته شده اند.در خبری دیگر، پاکستان برای اولین بار پهپاد جدید خود به نام بُراق را با موفقیت آزمایش کرد. این پهپاد می‌تواند با سیستم هدف‌گیری دقیق اهداف خود را منهدم کند. از دیگر سو، پاکستان قصد دارد، برای ایجاد توان پاتک اتمی از دریا، ناوگان زیردریایی خود را گسترش دهند.در خبری دیگر،دولت ایالتی پنجاب اعلام کرد، ۱۳ مدرسه مروج افراط‌گرایی را شناسایی کرده است و مدارکی در مورد ارتباط این مدارس با شبه نظامیان در اختیار دارد. قرار است این مدارک به دستگاهی قضایی فرستاده شود.

تلاش چین برای میانجیگری میان دولت افغانستان و طالبان

سرویس خارجی: رئیس اجرایی دولت افغانستان از تلاش‌های دولت چین برای متقاعد کردن طالبان به مذاکره مستقیم با دولت افغانستان خبر داد. به گفته «عبدالله عبدالله»، چین از گروه طالبان خواسته است که به طور مستقیم با دولت افغانستان مذاکره کند و این یک پیام مثبت است. وی افزود، افغانستان در دوران حامد کرزی بهبود روابط با پکن را آغاز کرد و امیدوار بود که چینی ها با نفوذی که روی پاکستان دارند، بتوانند به روند صلح کمک کنند. از سوی دیگر، عبدالله در دیدار با «حامد انصاری»، معاون رئیس جمهوری هند روابط دو کشور را مستحکم خواند و از کمک های آن کشور قدردانی کرد.

در خبری دیگر،«محمداشرف غنی»، رئیس جمهوری افغانستان برای دیدار رسمی با مقامات عربستان سعودی به این کشور رفت. تقویت مناسبات دو کشور و بررسی تحولات مهم منطقه‌ای، محور گفتگوهای اشرف غنی و ملک سلمان اعلام شده است.

خبر دیگر اینکه، «نذیر افریدی» یکی از سرکردگان گروه طالبان با هشت تن از افرادش در شهرستان «لعل پور» استان «ننگرهار» در حمله هوایی نظامیان خارجی کشته شد. در این حمله، ۱۲ تن دیگر نیز زخمی شدند. همچنین، اداره امنیت ملی افغانستان از بازداشت پنج تروریست با مقادیری سلاح و مهمات در استان «تخار» خبر داد.

کوتاه از سراسر جهان

قاتل بن لادن تحلیلگر شبکه فاکس نیوز شد

ابنا: شبکه تلویزیونی فاکس نیوز آمریکا با «راب اونیل» افسر سابق نیروی دریایی این کشور و قاتل اسامه بن لادن در سال ۲۰۱۱، به عنوان تحلیلگر امور نظامی قرارداد بست. اونیل که تاکنون در ۴۰۰ ماموریت جنگی برون مرزی شرکت داشته، خبر امضای قرارداد با شبکه فاکس نیوز را از طریق صفحه توئیتر خود اعلام کرد. اونیل پیشتر در یک فیلم مستند با عنوان قاتل بن لادن که از طریق شبکه فاکس نیوز به نمایش درآمد، ظاهر شد. گفته می‌شود اونیل در عملیات قتل بن لادن در ماه مه ۲۰۱۱ در منطقه ابیت آباد پاکستان، به سمت سرکرده سابق القاعده شلیک کرده بود.

مجازات ۱۹ مقام کوبایی به جرم سرقت ۸ میلیون تخم مرغ!

ایسنا: دادستان‌های کوبایی برای مقام‌هایی که به سرقت هشت میلیون تخم مرغ از شرکت‌های دولتی متهم هستند، حداکثر مجازات ۲۰ سال حبس را درخواست کردند. پرونده تخم مرغ دزدی سال ۲۰۱۲ برای این کشور کمونیستی ۳۵۶ هزار دلار هزینه داشته است و اکنون دادستان‌های کوبایی درخواست کرده‌اند افراد متهم بین هشت تا ۲۰ سال زندانی شوند چرا که اقدام آنها یک اقدام جنایی محسوب می شود. دادستان‌های کوبا ۱۹ مقام دولتی از بخش توزیع فرآورده‌های غذایی را به استفاده از هویت جعلی، رسیدهای تقلبی و استفاده از مسیرهای توزیع غیرمجاز با هدف ایجاد بازار سیاه امپراتوری تخم مرغ متهم کرده‌اند.

حمله هوایی آمریکا به مواضع «الشباب» در سومالی

فارس: وزارت دفاع آمریکا از حمله هوایی این کشور به مواضع گروه تروریستی الشباب در سومالی خبر داد و از کشته شدن یک سرکرده الشباب در جریان این حمله در ۱۵۰ مایلی غرب موگادیشو خبر داد. هدف این عملیات به هلاکت رساندن یک مقام ارشد الشباب مظنون به سازماندهی حمله سال ۲۰۱۳ به یک مرکز خرید در نایروبی بود که در جریان این حمله ۶۷ نفر کشته شدند.

شایعه استعفای زودهنگام «پاپ» قوت گرفت

مهر: رهبر کاتولیک های جهان شایعات درباره احتمال استعفای خود را تایید کرد. پاپ فرانسیس در مصاحبه ای که به مناسبت دومین سالگرد انتخابش در مقام پاپ با یکی از خبرگزاریهای مکزیک انجام داد از احتمال استعفای زودهنگام خبر داد. وی گفت که گمان می کند دوره خدمتش کوتاه باشد و ممکن است چهار تا پنج سال و شاید کمتر از آن به طول بینجامد. وی افزود: دوست دارم پاپ بمانم اما آنچه حقیقتاً از دست داده‌ام، آزادی است. تنها چیزی که دوست دارم انجام دهم این است که بتوانم یک روز بدون آنکه مرا بشناسند به خیابان بروم و یک پیتزا با خیال راحت بخورم.

بمباران اشتباهی خاک چین توسط میانمار

مهر: پرتاب اشتباهی بمب از یک فروند جنگنده میانماری در خاک چین باعث احضار سفیر میانمار در پکن شد. معاون وزیر امور خارجه چین از احضار «تبت لین اوهن» سفیر میانمار در پی زخمی شدن ۹ نفر بر اثر پرتاب بمب از یک فروند جنگنده میانماری در نزدیکی شهر «لینکانگ» در استان «یونان» چین خبر داد. گفتنی است نبرد نیروهای دولتی میانمار با شورشیان شمال شرق این کشور در مرز چین از ماه گذشته میلادی آغاز شده است.

تظاهرات مردم برزیل برای اعلام همبستگی با «دیلما روسف»

فارس: مردم ۱۳ ایالت برزیل برای حمایت از رئیس‌جمهوری خود و دولت و همچنین دفاع از دموکراسی به خیابان‌ها آمدند و خواستار مجازات مجرمان فساد اقتصادی شدند. هزاران تن از مردم برزیل در میان تنش‌های موجود میان دولت و مخالفان، با دیلما روسف رئیس‌جمهوری این کشور اعلام همبستگی کردند. این تظاهرات در حالی برگزار شد که احزاب مخالف نیز تصمیم دارند امروز در ۵۰ ایالت تظاهراتی اعتراض آمیز برگزار کنند و خواستار استعفای روسف شوند.

۱۳ سال حبس برای رئیس‌جمهوری سابق مالدیو

ایسنا: «محمد نشید» رئیس‌جمهوری سابق مالدیو به اتهام انجام اقدام تروریستی در صدور دستور بازداشت یک قاضی در دوران ریاستش در سال ۲۰۱۲ به ۱۳ سال حبس محکوم شد. قاضی پرونده محمد نشید در این باره اعلام کرد: دادستان، مدارک و شواهد موثقی ارائه داد که هرگونه تردید درباره دستور نشید برای بازداشت قاضی مذکور را از بین برد. در همین حال دفتر عبدالله یمین، رئیس‌جمهوری فعلی مالدیو با غیرسیاسی خواندن رای صادره، حکم حبس ۱۳ ساله نشید را تایید کرد. هند و آمریکا نسبت به حکم نشید ابراز نگرانی کرده‌اند. عفو بین‌الملل نیز با سیاسی خواندن این حکم، آن را زیر سوال برد.

اعتراضات ضدآمریکایی در ۲۴ ایالت ونزوئلا

ابنا: مردم ۲۴ ایالت ونزوئلا در حمایت از رئیس جمهوری خود و علیه سیاست‌های مداخله‌گر آمریکا در امور کشورشان دست به تظاهرات زدند. «نیکلاس مادورو» رئیس جمهوری ونزوئلا طی سخنانی در جمع راهپیمایان در کاراکاس، از وحدت و مقاومت مردم این کشور مقابل اقدامات خصمانه آمریکا و تحریم‌های این کشور قدردانی کرد. در خبری دیگر مقامات ونزوئلا از خودکشی یکی از مخالفان دولت این کشور در زندان خبر دادند. جسد «رودولفو گونزالس» ۶۳ ساله در سلول یکی از زندان های تشکیلات امنیتی این کشور پیدا شد و به نظر می رسد وی خود را حلق آویز کرده باشد.

کشف کارخانه بمب‌سازی بوکوحرام در نیجریه

ایسنا: ارتش نیجریه از کشف یک کارخانه تولید بمب متعلق به گروه تروریستی بوکوحرام در شهری واقع در شمال شرق این کشور و پس از بازپس گیری این منطقه از تروریست‌ها خبر داد. سخنگوی وزارت دفاع نیجریه در بیانیه‌ای اعلام کرد: سربازان ارتش نیجریه پس از بازپس‌گیری شهر "بونی یادی" این کارخانه را کشف کردند.

سفر غیرمنتظره وزیر خارجه کره‌شمالی به روسیه

ایسنا: وزیر امور خارجه کره‌شمالی در سفری از پیش اعلام نشده به مسکو سفر و با همتای روس خود دیدار کرد. وزارت خارجه روسیه اعلام کرد، «ری سویونگ» وزیر خارجه کره‌شمالی با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در خصوص مسائل زیادی از جمله مناسبات دو جانبه، شرایط در شبه جزیره کره و شمال شرق آسیا و نیز مسائل بین‌المللی دیگری که دغدغه دو طرف بود، در مسکو دیدار و گفتگو کرد. رسانه‌های رسمی کره‌شمالی گزارش دادند، سال ۲۰۱۵ سال دوستی با روسیه خواهد بود و مسکو قرار است هفتادمین سالروز پایان جنگ جهانی دوم را جشن بگیرد و کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی می‌خواهد برای حضور در این مراسم در ماه مه به مسکو سفر کند.

رئیس‌جمهوری جدید یونان سوگند یاد کرد

ایسنا: «پرکوپیس پائولوپولوس» ۶۴ ساله که یک محافظه‌کار میانه‌رو محسوب می‌شود، در جریان یک مراسم ویژه در پارلمان یونان به عنوان رئیس‌جمهوری جدید این کشور سوگند یاد کرد و گفت: من برای حفاظت از قانون اساسی و اجرای منافع مردم یونان سوگند یاد می‌کنم. پائولوپولوس در این مراسم، پست ریاست‌جمهوری را از کارلوس پاپولیاس ۸۵ ساله تحویل گرفت و به عنوان رئیس‌جمهوری جدید یونان کار خود را آغاز کرد. وی که برای یک دوره پنج ساله به عنوان رئیس‌جمهوری انتخاب شده است، هفتمین رئیس‌جمهوری یونان پس از احیای دموکراسی در ۱۹۷۴ محسوب می‌شود.

دستگیری ۳ نفر در ترکیه به اتهام توهین به اردوغان

فارس: پلیس ترکیه سه نفر را به دلیل اهانت به رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری این کشور در شبکه اجتماعی توئیتر دستگیر کرد. دستگیر شدگان دو زن و یک مرد هستند که در منازل خود دستگیر شدند. قرار است متهمان به زودی به دادگاه منتقل شوند.

توطئه حمله به کنسولگری آمریکا در کانادا خنثی شد

مهر: پلیس کانادا در عملیاتی مخفیانه توطئه یک مرد پاکستانی را برای حمله به کنسولگری آمریکا و دیگر ساختمان های دولتی در منطقه اقتصادی شهر تورنتوی کانادا خنثی کرد. گفته می شود این فرد ۳۳ ساله در سال ۲۰۰۴ به کانادا رفته و ادعا می شود که از هواداران داعش و در پی حمله تروریستی در تورنتو بوده است.

درگیری پلیس ایتالیا با معترضان در میلان

مهر: چندین شهر ایتالیا شاهد تظاهرات ضد دولتی در اعتراض به اصلاحات آموزشی بود. هزاران دانشجو در شهرهای ایتالیا از جمله میلان در اعتراض به اصلاحات آموزشی پیش از طرح این لایحه در پارلمان تظاهرات کردند که به درگیری پلیس ضدشورش با آنها منجر شد.

نوروزنامه

ویژه نامه نوروزی روزنامه اطلاعات یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۳



با آثار و گفتاری از:

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

استاد بهاءالدین خرمشاهی

دکتر هادی خانیکی

دکتر پرویز کردوانی

دکتر یونس نوربخش

دکتر غلامرضا غفاری

دکتر مهدی رجبعلی‌پور

دکتر غنچه راهب

و گفتگوی اختصاصی با:

دکتر معصومه ابتکار

دکتر علی‌اکبر صالحی

دکتر محمد نهاوندیان

دکتر محمدامین قانعی‌راد

دکتر سیدمحمد توکل

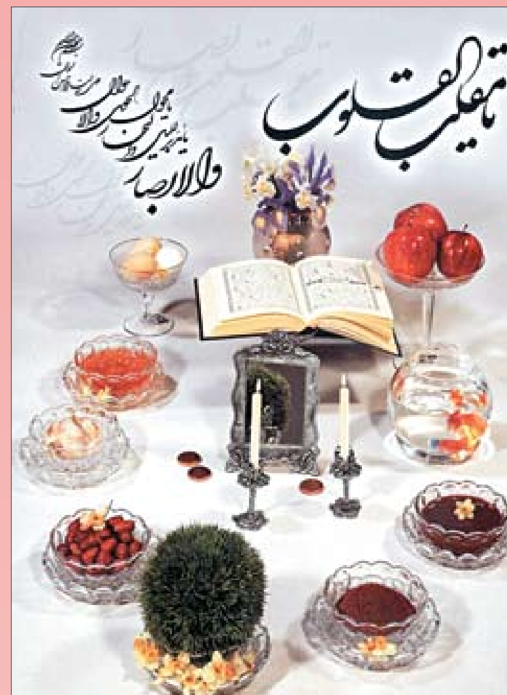
و یادی از:

استاد باستانی پاریزی

دکتر سیدصادق طباطبایی

و علامه علی اکبر دهخدا


CMBNF1800
parse

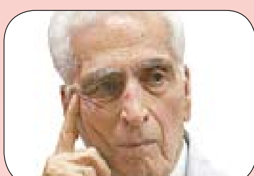




صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاعات شرکت ایرانچاپ
مدیر مسئول: سید محمود دعایی
سردبیر: علیرضا خانی
دبیر ویژه‌نامه: کریم فیضی
با همکاری همکاران تحریریه:
سید مصطفی کاظمی، آرش میر ی خانی، ارمغان زمان‌فشمی امیر طوسی نژاد، بیتا مهدوی، زهرهٔ زاهدی کرمانی، سوسن صرافی کامران نرجه، محمدرضا حیدرزاده، محمد سلیمانی، مجید اسدی مریم نظری، وجیهه تیموری، هومن ظریف، آرزو رستم‌زاد.
صفحه‌آرایی و گرافیک: علیرضا سربازوطن رشید، علیرضا کیماسی
عکس: علی آذرنیا کماری، داود قهردار، سعید نیک نژاد
سرپرست واحد حروفچینی: رحیم رمضانی
طرح جلد: شهرام شهدی
چاپ: شرکت ایرانچاپ (موسسه اطلاعات)
با تشکر از واحدهای تصحیح، لیتوگرافی، چاپ، صحافی و توزیع مؤسسه اطلاعات



فهرست

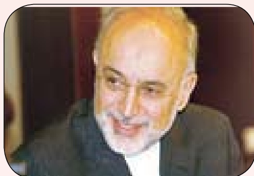






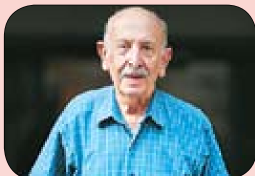


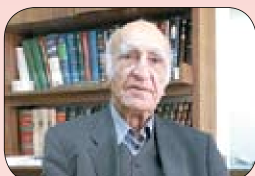






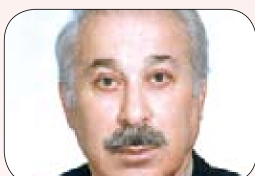
















سخن سردبیر

به قدر وُسع



از من رمقی به سعی ساقی ماندهست
از صحبت خلق بی‌وفایی ماندهست
از باده دوشین قدحی بیش نماند
از عمر ندانم که چه باقی ماندهست

● علیرضا خانی

شـــگفتی پدیده‌ی زمان از آن روست که وقتی از پیش به آن می‌نگریم و مثلاً منتظر رخدادهای خوشی در سالهای آینده هستیم، بسیار دور ودیر جلوه می‌کند و آدمی را به انتظار و خستگی می‌نشاند اما وقتی سپری شد و آن اتفاق که می‌خواستیم ـ یا نمی‌خواستیم ـ رخ داد و از آن هم روزها و سالها گذشت، در نگاهی به قبل، چنان سریع و تند و شتابان به نظر می‌آید که تو پنداری همین دیروز بود...

آغاز سالی که گذشت به چشم ما، یک سال مانده بود تا بدین جا برسیم و چقدر زیاد می‌نمود اما اکنون، به چشم برهم‌زدنی این یک سال گذشت و کسری از عمر ما سپری شد؛ عمری که اندازه‌ی فصل گذشته‌اش را خوب می‌دانیم و از میزان باقی‌مانده‌اش هیچ نمی‌دانیم...

نشستن و غم ایام گذشته خوردن و بر عمر رفته تأسف خوردن شیوهٔ خطای مخموران است و به قول سعدی نقض رأی اولوالالباب، اما غور در شتاب گذر عمر، از این منظر حائز اهمیت و بلکه موهبت است که منزلت و شأن باقیماندهٔ آن‌را نیک دریابیم و اگر آنچه گذشت را نه چندان شایسته و راضی‌کننده گذرانده‌ایم، آنچه باقی مانده است را بر باد غفلت نسپاریم.

ارزش اکسیر جادویی حیات را باید در دو حوزه خُرد و کلان نگریست. در حوزه خُرد (فردی) بهره‌مندی از عمر و قدر زمان را دانســـتن تقریباً در سخن همه بزرگان حکمت و معرفت و عرفان و دین و ادبیات آمده و هزاران بار تکرار شده و شاید چندین هزار بیت از اشعار شعرا را بتوان ردیف کرد در دقت به گذر عمر و دانستن قدر ساعتها و لحظه‌ها و هشدار نسبت به هدر دادن روز و شب و دقیقه و لحظه.

این قافله عمر عجب می‌گذرد   دریاب دمی که با طرب می‌گذرد

اما موضوع سخن اینجا، حوزه کلان (اجتماع) است. سالی که گذشت، از نظر طول زمانی، بالقوه می‌توانست گام بلندی در قامت یک جامعه باشد رو به پیش. شروع هر سال که می‌آید برنامه‌های توسعه جامعه را بلندبالا می‌بینیم و دستاوردهای پرشکوهی را برای چشم‌انداز یک‌ساله ردیف می‌کنیم اما سال که تمام می‌شود، بخشی از آن هدفها را، که در گذر شتابان یک سال رخ نداده، به «اهداف» سال بعد موکول می‌کنیم. این اتفاق، دیرگاهی است که پیشرفت ما را، به نسبت آنچه که می‌خواهیم و خود را شایسته آن می‌دانیم، کُند کرده به عقب انداخته است.

البته بخشی از این ناکامی‌ها، به خاطر جبر زمان است و قرار گرفتن حوزه سرزمینی ما در جغرافیای بلاخیز خاورمیانه. جنگ‌هایی که یکی پس از دیگری در دوسوی این دیار درمی‌گیرد تأثیرات مخربی بر احوال ما برجا می‌گذارد و البته جزیره ثبات بودن ایران، در میان فتنه‌های متنوع و مخوف اطراف، کار سترگی است که حاکمیت ایران نیک از پس آن برآمده است.

اما از آن که بگذریم، خود را نیز باید در بوته نقد بگذاریم و ببینیم به رغم این احوال و شدائد روزگار و فتنه‌های پیرامون، آیا بیش از این و به از این می‌توانستیم عمل کنیم یا نه؟ به عبارتی، فساد و اختلاس هم از تأثیرات داعش بود یا از ضعف داخل؟ رشد نابهنجاری‌های اجتماعی، اعتیاد و انواع رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه، حاصل توطئه خارجی است یا ضعف و بی‌توجهی در حوزه‌های داخلی؟ از حوزه آموزش و فرهنگ تا اقتصاد و قضا.

رشـــد واردات، لطمه به تولید داخل، آلودگی هوا و محیط، خشک شدن دریاچه‌ها و خشک کردن جنگل‌ها و تراشیدن کوه‌ها و رشد نامتوازن شهرها و خالی شدن روستاها و گسترش بی‌اخلاقی‌ها و فروپاشیدن اعتماد و... همه اینها، حاصل ضعف مدیریت‌ها و فقدان برنامه‌ریزی و ناتوانی در اجراست و نوعاً به عوامل خارجی موهوم ارتباطی ندارد.

سخن را کوتاه کنیم، یک سال دیگر هم گذشت و تکالیف انجام نداده و بر زمین مانده‌مان از امسال و سالهای قبل، دوباره به سال بعد موکول شد و چه بسا سال بعد نیز، اگر تغییری اساسی نکنیم، باز به سال بعدتر موکول می‌شود و... اینک ما مانده‌ایم با بار تکالیف انجام نشده‌ی پیشین و زمان‌هایی که زود سپری می شود و یگانه راه رها شدن از وضع موجود و گسیل به سمت مطلوب، سرعت دوچندان است تا هم بار موظف را به مقصد رسانیم و هم تکالیف مانده‌ی پیشین را به انجام.

برای طی این مســـیر، فقط یک راه وجود دارد؛ سرعتی شتابان‌تر از زمان و کوششی مجدانه‌تر و جاهدانه‌تر از آنچه تاکنون بوده و این امر نیز، برعهده متولیان امر است تا جامعه را شتاب دهند؛ از متولیان سیاسی تا متولیان فکری و فرهنگی و اقتصادی و الاّ دوباره از برنامه و برنامه‌ها عقب می‌افتیم و فاصله‌مان با نقطه مطلوب بیشتر و بیشتر می‌شود. در این یک سال ـ و نیز در سالیان ماضی ـ همه تلاش و جهد ما در رسانه بر همین محور بوده است که از یک سو، با اطلاع‌رسانی و تحلیل و تفسیر و آگاهی‌بخشی به مردم، به روند پیشرفت و تعالی جامعه به قدر وسع، خدمتی کنیم و از دیگر سو باز با اطلاع‌رسانی و هشدار و انذار به متولیان اجتماع و اقتصاد و فرهنگ و سیاست، حرکت و سرعت آنان را در برنامه‌ریزی برای اصلاح و اجرای طرح‌های توسعه انسانی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، باز به قدر وسع، افزون کنیم.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل   اگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

سال نو مبارک

یادداشت

عقل، عشق و نوروز



عید نمـــی‌دهد فرح بـــی‌نظر هلال تو
کوس و دهل نمی‌چخد بی‌شرف دوال تو
آیت هر ملاحتی ماه تـــو خواند بر جهان
مایهٔ هر خجستگی ماه تو است و سال تو
مولانا

● کریم فیضی

در دنیایی که چارسو و چارچوبش بر عقل استوار است و همه جای آن را فرامین‌عقل فرا گرفته، سخن گفتن از قلب، نه آسان است و نه مطابق عقل! عقل حکم می‌کند که از قلبمان سخن نگوییم و آنچه را که در قلب داریم، بر زبان نیاوریم، دست کم به آسانی بر زبان نیاوریم. عقل فرمان می‌راند که معکوس بگوییم. بگوییم که: جوری دیگریم. بگوییم: هستمان نیست است و نیستمان هست!

عقل از ما می‌خواهد – و برای خواسته اش دلیل دارد – که: زود و آسان اعتماد نکنیم. به سادگی نپذیریم و بترسیم. جالب است که عقل همیشه از نترسیدن سخن می‌گوید، ولی معدن ترس است. چگونه می‌توان انکار کرد که ترس از درون عقل جاری می‌شود و نمود پیدا می‌کند؟ اما در مقابل، قلب – که همان دل است – به گونه‌ای دیگر است: صادق است. صریح است. نمی‌ترسد و همچون پرنده‌ای تیزپرواز، از روی خطرها می‌پرد و به شاخسار خویش می‌نشیند. شاخسار قلب، پیش از هرچیز، دوست داشتن است و مهر ورزیدن.

قلب محاسبات خودش را دارد. اگر عقل در برابر سردی و گرمی خود را جمع و جور می‌کند و قبض و بسط می‌یابد، قلب برای سردی و گرمی به یکسان رخ می‌نماید. برای هر دو به یکسان ترانه سر می‌دهد و هر دو را به گشودگی و رقص فرا می‌خواهد. بر خلاف عقل که یا بی رنگ است یا تیره رنگ، قلب الوان است و درخشان. از تابش رنگ‌ها استقبال می‌کند و درخشندگی خویش را از آنها دریغ نمی‌دارد. سیاهی‌ها از آن عقل است و روشنایی‌ها از قلب، هرچند که زبان و سخن و حرف و منطق و معیار در چنگ عقل است و بی زبانی قلب این امکان را به عقل داده که آنگونه که می‌خواهد حکم دهد و قضاوت کند. عقل «قاضی» است و قلب «دوست». عقل مانند ریاضی عمل می‌کند و قلب مانند هنر. یکی خط کش در دست دارد و دیگری زیبایی بر لب.

نمی توان عقل را نفی کرد. عقل لازمه زندگی است، اما نه خود زندگی. عقل می‌تواند زندگی را ادامه دهد، ولی نمی‌تواند آغاز کننده زندگی باشد. اگر قرار بود زندگی با عقل شروع شود، شاید آغاز نمی‌شد، زیرا معیارهای عقل به کسی اجازه نمی‌دهد گام از گام بردارد چون شروع کردن همیشه نیاز به دلیل دارد؛ در نتیجه چیزی جز سکوت و سکون برجای نمی‌ماند، اما قلب شروع را دلیل می‌داند نه دلیلی عادی که بزرگ‌ترین دلیل. از اینجاست که شروع‌ها از قلب است و پایان‌ها از عقل. قلب شروع می‌کند و به حرکت در می‌آورد و عقل پایان می‌بخشد و متوقف می‌کند. از اینجاست که قلب در برابر عشق به اهتزار در می‌آید اما عقل فقط می‌نگرد و اشکال می‌تراشد. اگر قرار باشد روزی مجسمه عشق ساخته شود، به رنگ قلب خواهد بود: رنگ بی رنگی، رنگ شگفتن، رنگ آفرینش و رنگ خاطره‌های ازلی. چه حقیر است عقل در برابر بیکرانگی اقیانوس مانند عشق! عشق تنها یکی از فرزندان قلب است. قلب با زادن و پروردن نهال‌های جاودانه‌ای مانند عشق، هزاران سال است که عقل را به تقلا و تکاپو واداشته است. راستی اگر قلب و درخشندگی تبارش نبود، عقل به چه کاری می‌آمد؟

ریشه و نسب عقل و عشق کجاست؟ چه جای شگفت که عشق را خانه آسمان باشد و عقل را لانه زمین. عقل همواره ما را به زمین فرا می‌خواند و داشتن آن؛ اما عشق آسمان را نشان می‌دهد که فراخ است و گشوده. زمین پایان پذیر است و آسمان بی کرانه. عقل آسمان را رد می‌کند اما عشق زمین را هم می‌پذیرد. هرگاه به سخن عشق گوش می‌دهیم، آه از نهاد عقل بر می‌خیزد با نشان دادن خطرها و دردها و رنج‌ها و مشکلات . اما هزار بار هم که به حرف‌های عقل گوش می‌دهیم، عشق اندوهگین نمی‌شود. عشق، عقل را دوست دارد اما به همین مقدار بسنده نمی‌کند و نمی‌گذارد ما نیز به آن بسنده کنیم. در میان جنگ‌هایی که هزارها بار میان عشق و عقل درگرفته ، عشق حتی یکبار نیز به روی عقل خنجر نکشیده اما عقل هربار با خنجری تیز خانه عشق را سراغ گرفته است و هر بار نیز از پشت! بی‌جهت نیست که عشق هیچ وقت بی زخم و بی رنج نیست. باید پای از سرزمین عقل بیرون گذاشت و در برابر نگاه‌های تیره و خیره اش به جلگه عشق شتافت. به مدد عشق جان را به کوزه‌ای باید بدل کرد که از آبی خالی گردد و از آبی دیگر پر گردد. آب‌های کهنه و مانده و رنگ گرفته باید از کوزه جان خالی شوند و آب‌های زلال باید وجود را پرکنند. تولد واقعی تولد دوم است. ما در تولد نخست با عقل زاده شده ایم اما تولد دوم تولدی است که مادرش عشق است. هر انسانی چنین است یا می تواند چنین باشد.

جان ما را هر نفس، بستان نو   گوش ما را هر نفس دستان نو

در طلیعه نوروز و در آستانه سال جدید، برای ایران آرزوهای نیک می‌کنیم. برای این دیار کهن آرزوی روزگاری خوش و خرم داریم. به امید روزی که فقر و محرومیت از جای‌جای زمین زدوده شود و ناتوانی و ناامیدی جای خودش را به عشق و امید بدهد و زمین، منزلی توأم با امنیت باشد. به امید روزگاری که ایران و ایرانی با ناکامی و ناتوانی وداع کند و لطف و صفا و عشق و زیبایی را در جای‌جای خویش به نظاره و جشن بنشیند. از خداوند متعال می‌خواهیم که ایران و ایرانی را در سال جدید موفق بدارد.

خدایا چنان کن سرانجام کار   تو خشنود باشی و ما رستگار

«بهار» و «بی‌بهار»

● دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

دربارهٔ بهار چـــه می‌توان گفت؟ بهار خود از خود ســـخن می‌گوید. گواه خود را در خود دارد: شکوفائی، طراوت، سرسبزی... بهار فصل درخشش طبیعت است. جهان خاکی در آن به اوج می‌رسد و خوشبختانه ایران، با داشتن چهار فصل متمایز، آمادهٔ گرفتن بهترین کام از اوست.

ولی این به جای خود، بهار باید در دل باشد. اگر نبود، بهترین فصل با بدترین تفاوت چندانی نخواهد یافت. اگر بهار درونی، طبع خزان به خود بگیرد، از خزان غم‌انگیزتر می‌شود، معنا و لطافت پائیز را هم نخواهد داشت.

نمایندهٔ بهار نوروز است، نوشوندگی طبیعت، مردم به نشاط فرا خوانده می‌شوند. پنجره‌ها را باز می‌کنند، و پوشش ضخیم از خود دور می‌دارند. ولی اصل آن است که دل، بهار آگین باشد. وقتی دل خوش بود، خزان هم زیبا می‌نماید، همه چیز زیبا می‌نماید. زیبائی خزان لطیف و تأمّل برانگیز است.

در گذشته قدر بهار بهتر دریافت می‌شد، زیرا فصل به تعادل می‌رسید، نه گرما بود و نه سرما، و از جوانی و رویش در خود نشان داشت. امید را برمی‌افروخت و چون فزون‌طلبی‌ها کمتر بود، آرامش خاطر آسان‌تر فرا می‌آمد. اکنون زندگی روی دیگری دارد. اصل ســـرعت است: زودتر رسیدن، بیشتر به دست آوردن؛ و زندگی همراه شده است با سر در گریبان داشتن یا شتابزدگی، یا دلزدگی یا دلهره، از نوع نرسیدن به اتوبوس، یا نداشتن پول کافی در جیب برای خرید.

یک چیز دیگر هم هست: تنفّس، در هوای آلوده! بنابراین اگر گفته شود «زمانهٔ بی‌بهار»، تعبیر نادرستی نشده است. در گذشته فصل‌ها معنی داشتند. هر فصل موهبت خود را ارزانی می‌داشت. زمستان، آتش، حظّ خود را می‌بخشید، آتشی که زمانی قدرش تا به حدّ ستایش رسیده بود.

پائیز فصل میوه چینی بود و تابستان فصل سایه و نسیم. بهار که جای خود داشت که نشاط و رویش را می‌آورد، اکنون همهٔ اینها مقهور تصنّع گشته‌اند.

میوه محصول چهار فصل شـــده است، زمستان، وسایل گرمازای از خاصیّتی می‌کاهد. طبیعت خالص دیگر وجود ندارد و گسیختگی از طبیعت، مردم را عبوس و ملول کرده اســـت. آب از زندگی گرفته شده است. سلام‌ها، لبخندها، خوشروئی‌ها، همه مصنوعی است. پول برهمهٔ شئون سایه افکنده و دلخوشی‌ها را در گرو خود دارد. اسکناس از لب معشوق بسیار دلنوازتر است که حافظ درباره‌اش می‌گفت:

لبت می‌بوسم و در می‌کشم می
به آب زندگانی برده‌ام پی

دنیای متجدّد، به صورت یک قفس پهناور درآمده است که باشندگان خود را مطیع و سربه راه به گذران عمر سرگرم نگاه می‌دارد.

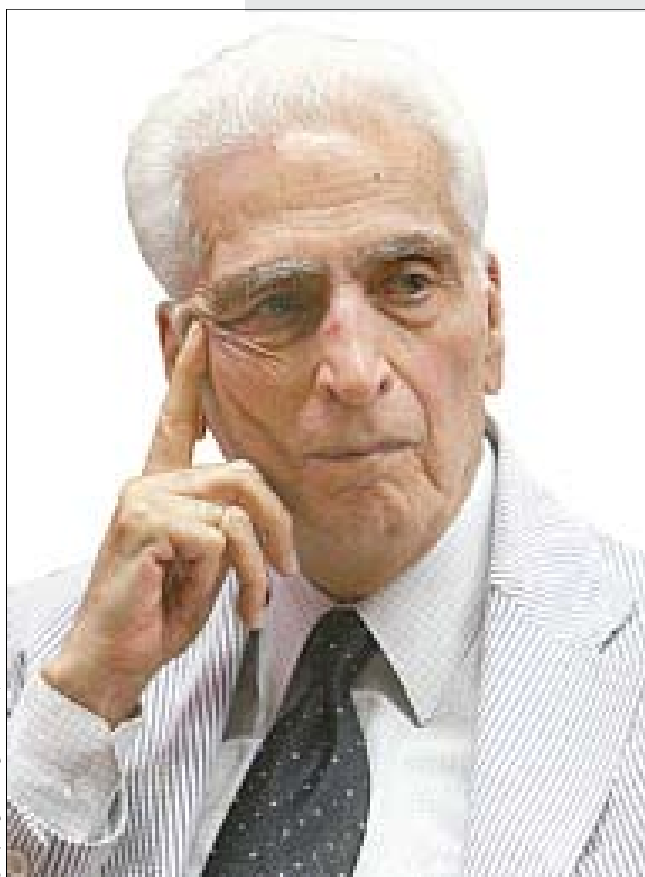
این است بهار عصر پیشرفت و علم.

اگر زمانی حافظ می‌گفت:

خوشـــتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست؟

عیش امروز آن است که صبح هنگام رفتن به مقصد، به ترافیک برنخورید.

اسفند ۹۳

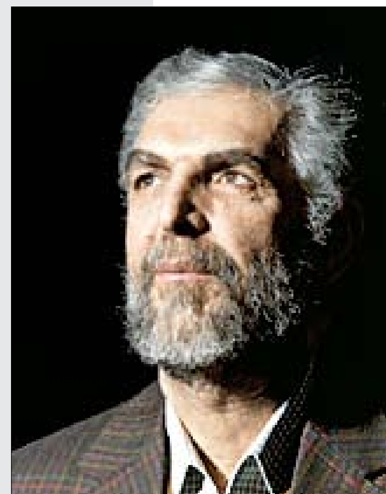


استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

نمایندهٔ بهار نوروز است، نوشوندگی طبیعت، مردم به نشاط فرا خوانده می‌شوند. پنجره‌ها را باز می‌کنند، و پوشش ضخیم از خود دور می‌دارند ولی اصل آن است که دل، بهار آگین باشد

یادداشتی از استاد دکتر حکمت‌الله ملاصالحی درباره نوروز

رستاخیزی انسانی والهی



استاد دکتر حکمت الله ملاصالحی

نوروز تمثیل قیامت کبری است و ایران به همین مناسبت با آیین نوروزی میراث دار یک سنت است که از یک سو الهی و از دیگر سو انسانی است

هر امری که با مسئولیت آدمی ارتباط تنگاتنگ داشته باشد، ماندگار خواهد شد. چه، با امری فراتاریخی و فیض الهی پیوند دارد. چه فلسفه، چه شعر و چه آیین چنانچه به سرشت بنیادین انسان بازگردد ماندگار خواهد شد.

نوروز نیز از جمله آیین‌هایی است که نه فقط یک جشن ساده بلکه رستاخیز انسانی و الهی محسوب می‌شود. همه کشورها حتی سرزمین‌هایی که به برگزاری جشن مبادرت نمی‌ورزند این رستاخیز بهاری را درک می‌کنند. چراکه آدمی در بهار برانگیخته می‌شود. نوروز تمثیل قیامت کبری است و ایران به همین مناسبت با آیین نوروزی میراث دار یک سنت است که از یک سو الهی و از دیگر سو انسانی است. این آیین بین‌المللی‌ترین جشن ما است مثل تخت جمشید به عنوان یک بنای تاریخی، عرفانی به مثابه یک نسبت حکمی و ادبیات که در قیامت ذوق ایرانی، در حقیقت جهانی است. این آیین با دعوت به دوستی و صله رحم در اسلام آمیخته می‌شود.

احساس تنهایی انسان معاصر به گسستن همین ارتباط باز می‌گردد که وی را دچار عسرت تنگی کرده است. در مقابل، نوروز آیین مودت است.

اتفاقی نیست که در زبان فارسی "صحو" هم به معنی عشق و مدت و همه به معنای ایزد نور و روشنایی است. تخت جمشید نیز بنایی آیینی بود که همه اقوام را در خود جمع می‌آورد. سهیم بودن دیگر اقوام که در کتیبه‌های مشخص شده نشان از تایید نوروز از جانب دیگر فرهنگ‌های باستانی دارد. در کتیبه‌ها ۵، ۶، و یا گاه ۸ میهمان دیده می‌شوند. شاه با لباس فاخر(مهمتر از آن) ساده با گل از آنها پذیرایی می‌کند. بعضی از میهمانان حتی مسلح هستند. این نجابت و سکنیت که از معماری و آیین‌های باستانی به مشام می‌رسد به ایمان به عالم قدس و غیب بازمی‌گردد. زیرا آنها خداوند را سرچشمه سرور و بهجت می‌دانستند.

در زبان یونانی اصطلاح «انتو تیاز موز» به معنی خدادرمانی بود. زیرا خداوند را طبیب واقعی می‌دانستند. از این رو، نوروز به اعتبار امر قدسی «و-روز» است. به همین خاطر جشن‌های باستانی اصیل بودند و اگر امروز در غرب جنس‌ها بی‌روح و بی‌معنا شـــده‌اند به خاطر جداشدن از اصل و در نتیجه متکثر شدن است.

برای مثال آتش که نماد ســـیاوش و ابراهیـــم (ع) بود ، در چهارشنبه‌سوری تبدیل به امری صوری شده است. در گذشته آیین‌ها مراسم شکرگزاری بود. ولی امروز بیشتر به کفران نعمت تبدیل شده است. زیرا نســـبتی به عالم قدس و غیب ندارد. از این رو هرچه می‌کنیم و می‌نویسیم به بی‌خویشتنی خویش دامن می‌زنیم. سر آخر اینکه نوروز در ایران هنوز همراه با نمادها و رفتارهایی است که می‌تواند ما را به مبدا هستی بازگرداند. امید که این فرصت را مغتنم شماریم.

گفتگوی اختصاصی اطلاعات با دکتر نهاوندیان

«شفاف‌سازی» و «رقابت» دو داروی فساد



اشاره: اقتصاد و توجه به زیر ساخت‌های آن در همه زمینه‌ها، موضوعی است که طی یک سال و نیم گذشته و با آغاز کار دولت یازدهم، مورد توجه ویژه دولتمردان به ویژه شخص رئیس جمهوری قرار گرفته است و تقویت اقتصاد ایران همواره جزو برنامه‌های کلیدی و اصلی این دولت به شمار می‌آید.

همچنین توجه و اهتمام به مقوله حضور اقتصاد ایران در بازار جهانی به اندازه‌ای برای دولت فعلی ارزشمند و حائز اهمیت است که رئیس جمهوری، رئیس دفتر خود را از میان برگزیدگان و متخصصان پدیده اقتصاد جهانی انتخاب کرده است.

دکتر محمد نهاوندیان متولد سال ۱۳۳۳ در تهران محله شیخ هادی و دارای مدرک دکتری اقتصاد است اما تحصیل و کار در رشته تحصیلی‌اش سبب نشده که وی علاقه‌اش را نسبت به شعر و ادبیات از دست دهد و این وادی را به فراموشی بسپارد. اهمیت مقوله جهانی شدن اقتصاد همزمان با پیشرفت ایران در مذاکرات هسته‌ای، بهانه‌ای شد تا در گفتگو با این دولتمرد خوش سخن، نظرات تخصصی و کارشناسی وی را در موضوع مورد اشاره جویا شویم.دکتر نهاوندیان در این گفتگوی اختصاصی، با تشریح معنی اقتصاد جهانی، به تبیین آثار و پیامدهای این مهم می‌پردازد.

تلاش دولت یازدهم برای مقابله با فساد اقتصادی و رانتخواری، رفع موانع سرمایه‌گذاری در کشور، توانایی ایران برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه و ارتباط و نسبت مستقیم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با پدیده اقتصاد جهانی از مهمترین موضوعاتی است که دکتر نهاوندیان به آنها اشاره می‌کند.

البته ایشان اشاره‌ای هم به عوامل وقوع فساد اقتصادی می‌کند و از شفاف‌سازی و رقابت به عنوان دو داروی درد فساد یاد و بر لزوم ارائه گزارش همه دستگاه‌ها و نهادهایی که فعالیت‌های اقتصادی دارند، تأکید می‌کند.متن گفتگو چنین است:

جناب آقای نهاوندیان باتشکرازشما که دراین گفتگو شرکت کردید .لطفاً توضیح بفرمایید جهانی شدن اقتصاد به چه معنی است؟ و اقتصاد جهانی با چه ساز و کارهایی عمل می‌کند؟

** در سال‌های نخستین ایجاد موج جهانی شدن اقتصاد در سه دهه قبل، نوعی هیجان و شگفت‌زدگی بر مباحث این موضوع حاکم شد و خوش‌بینی‌های فراوانی نسبت به آثار و تبعات توسعه‌ای جهانی شدن اقتصاد در دنیا شکل گرفت که علت اصلی پدیدار شـــدن این موج، دستاوردهای جدید در فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آنها در بازارهای مالی بود، به این ترتیب برای نخستین بار، بازار سرمایه، جهانی شدن را تجربه کرد و براساس آن یک نفر توانست در گوشه‌ای از کشور ژاپن، در بازار مالی نیویورک سهام بخرد یا بفروشد و همچنین شرکت‌های چندملیتی که سابقه حضور در بازارهای مختلف برخی کشورها را داشتند این امکان را یافتند که بیش از گذشته زنجیره تولید را جهانی کنند.

از سوی دیگر با جهانی شدن اقتصاد، آسیب‌هایی هم پدیدار و سبب شد مشکلات اقتصادی با سرعت و راحتی بیشتری از کشوری به کشور دیگر سرایت کنند که نمونه بارز آن را می‌توان در سرایت بحران مالی اروپا در سال ۲۰۰۸ میلادی به کشورهای مختلف مشاهده کرد.

البته جهانی شدن اقتصاد، یک سری برنده و یک سری بازنده هم داشـــت. برندگان این پدیده کشورهایی بودند که توانستند ضمن بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین، زمینه هرچه بیشتر صادرات و جذب سرمایه را فراهم کنند و به این ترتیب به توسعه دست یابند، از سوی دیگر، با جهانی شدن بازارها، رقابت‌ها هم تشدید شد و برخی‌ها در این مسابقه، عقب ماندند، در نتیجه به تولید آنها ضربه و آسیب وارد شد و بازندگان پدیده جهانی شدن اقتصاد نام گرفتند.

در این میان برخی دولت‌های ملی که وظایفی نسبت به مردم داشتند، از این موج عقب ماندند، یعنی در برهه جدید، بازارها و بنگاه‌های اقتصادی جهانی شدند ولی دولت‌ها تغییری نکردند و جهانی نشـــدند و به این ترتیب بخشی از وظایف عمومی دولت‌ها چه در حـــوزه نفع عمومی و چه در حوزه مشکلات اجتماعی بدون متصدی ماند، لذا بسیاری از مشکلاتی که اکنون به موضوع جهانی شـــدن منتسب می‌شود، به‌علت نبودحکمرانی جهانی است، نه به دلیل جنبه‌های مثبتی که در حوزه اقتصاد، بنگاه و بازار حاصل شده است. همچنین در این فرآیند، اقتصادهای منطقه‌ای بالاترین درصد رشد را به خود

اختصاص دادند و توانستند علاوه بر ایجاد همبستگی منطقه‌ای، اقتصادشان را هم تقویت کنند، برهمین اساس اکنون شاهد تلاش کشورهای مختلف جهان برای تقویت مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای هستیم.

موضوع جهانی شدن اقتصاد در سال‌های گذشته نمود و ظهور بسیاری در کشورهای غربی داشته است، در این میان آسیا چه جایگاهی در اقتصاد جهانی دارد؟

** براساس واقعیت‌های موجود، قرن حاضر، قرن آسیا ست. دیگر مرکز ثقل اقتصاد جهانی در آمریکا و اروپا نیست بلکه نقش و سهم آسیا به‌طور مرتب در حال افزایش است. به سبب این نقش در ترسیم آینده جهانی شدن اقتصاد، ما باید به ساختارهای موجود در اقتصادهای آسیایی توجه بیشتری کنیم، لذا برای هرگونه پیشگویی درباره جریان‌های آتی جهانی شدن، باید نقش و سهم اقتصادهای آسیایی را مورد توجه قرار داد.

ایران از چه جایگاهی در آسیا در حوزه جهانی شدن اقتصاد برخوردار است؟

** به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران حوزه اقتصاد، ایران از ظرفیت‌های بسیاری برای ورود به این عرصه برخوردار است و این تعبیر بیش از پیش شنیده می‌شود که ایران شاید مهمترین اقتصاد در حال ظهور در آسیا باشد که امیدواریم با اتخاذ تصمیم‌های کارشناسی و اجرای آنها، این موضوع تحقق یابد.

همان‌طور که اشاره فرمودید، آسیا از حالت سکون قبلی‌اش خارج شده و اکنون قدم‌های بزرگی را برای پیوستن به این موج برداشته و حتی در اختیار قرارگرفتن آن را آغاز کرده است اما اکنون شاهد برخی دولت‌های ضعیف به لحاظ ساختارهای سیاسی و نبود استانداردهای لازم در آنها هستیم، با این وجود چگونه می‌توان قرن حاضر را، قرن آسیا نامید و در حقیقت این منطقه‌گرایی به چه معنی است؟

** نکته مورد اشاره در این سئوال، بسیار حائز اهمیت است. دولت‌ها هم می‌توانند مانع توسعه و هم می‌توانند مددکار توسعه باشند. تجربه ۷۰ سال گذشته نشان می‌دهد اگر دولت‌ها خودشان را متصدی توسعه بدانند، آرام‌آرام به مانعی برای دست‌یافتن به توسعه تبدیل می‌شوند. اکنون کشورهای چین و هند به عنوان دو اقتصاد در حال ظهور، بالاترین سهم را در پیشتازکردن آسیا در پدیده جهانی شدن اقتصاد به خود اختصاص داده‌اند.

در این دو کشور، نقش دولت‌هایشان در توسعه اقتصادی، به‌طور مرتب کاهش پیدا کرده است. در حقیقت رشد اقتصادی و شتابان آنها در عرصه مورد بحث زمانی آغاز شد که آنها تصمیم گرفتند نقش دولت را از «متصدی» به «سیاستگذار» تبدیل و میدان را برای بخش خصوصی باز کنند.

چین از دو دهه قبل رشد متوسط بالای ۱۰ درصد و همچنین هند در ۱۵ سال گذشته، رشد بالای ۸ درصد را به‌طور مرتب تجربه کرده است. این هند یا چین قدیم نیست که همه کارها را دولتی کند و اجازه ورود سرمایه‌گذار خصوصی را به عرصه‌های تولید ندهد، بلکه آنها در عین حفظ نظام سیاسی خود، نظام اقتصادی‌شان را با سرعت زیادی به‌سمت یک اقتصاد بازار سوق داده‌اند.

اگر کشوری بخواهد توسعه پایدار و حضور در اقتصاد جهانی را سامان دهد و آن را تجربه کند، باید نقش دولت در اقتصاد را باز تعریف کند و این موضوع عیناً تعبیر دقیقی است که در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه پنجم و در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به آن تأکید و تصریح شده است.

راه برون رفت از مشکلات تاریخی کشورمان در موضوع اقتصاد، فقط باز تعریف وظایف دولت در اقتصاد است. باید فضای اقتصادی کشور را رقابتی کنیم و بنگاه‌های اقتصادیمان این امکان را پیدا کنند که در داخل اقتصاد ایران که بزرگ هم هست، به تمرین رقابت بپردازند تا پس از رسیدن به چالاکی بتوانند در اقتصاد جهانی حضور یابند.

دولت در شکل جدید، نه متصدی است و نه بی‌اعتنا به توسعه اقتصادی؛ بلکه وظیفه تسهیل گری رقابت و توانمندسازی بخش خصوصی را برعهده دارد که این نقش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. باید موانعی که در قوانین و مقررات کشور و همچنین در فرهنگ عمومی وجود دارد، از بین برود.

حال این سئوال مطرح می‌شود که آیا کشورما ازطریق بخش خصوصی توانایی برای حضور در این عرصه و رقابت با کشورهای دیگررا در میدان جهانی دارد؟ در واقع باید گفت گاهی لازمه رقابت این است که شما اندازه بزرگی در اختیار داشته باشید و بتوانید با پایین آوردن قیمت تمام شده، شرایط بهتری را برای خود فراهم کنید که در بحث توانمندسازی بخش خصوصی وموفقیت آن، دولت می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. البته این نگرانی هم همواره وجود داشته است که اگر بنگاهی بزرگ شود، نقش انحصاری و شبه انحصاری پیدا می‌کند و نوعی ناکارآمدی ایجاد می‌شود. در اینجاست که نقش دولت در تعریف رابطه‌ها و اصلاح نهادهای اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. این بدان معنی است که ما نباید فقط به رقم رشد حساس باشیم، بلکه باید به خود توسعه نهادی اقتصاد هم به همان اندازه علاقه‌مند و حساس باشیم که این دوموضوع، دست در دست یکدیگر جلو می‌روند.

یک نگرانی که در این میان بیشتر خود را نشان می‌دهد، موضوع منفعت طلبی‌هایی است که عمدتاً در این عرصه به‌وجود می‌آید. برای رفع این مشکل به چه طریق عمل می‌کنیم و آیا اصولاً ساز و کارهایی برای جلوگیری از پدیدار شدن این موضوع وجود دارد؟

** مساله رانت و پیدایی پدیده رفتار رانتی در بخش خصوصی، با دولت رانت‌ساز همزاد است. یعنی در قوانین و مقررات و همچنین شیوه تخصیص منابع است که امکان حصول درآمدهای کلان بدون تلاشی تولیدی و بدون ارزش افزوده، پیدا



می‌شود. شما معمولاً در ریشه‌یابی فساد اقتصادی، به ساختارهای رانت‌ساز می‌رسید که در اقتصاد ما هم همین طور بوده است. در هر جایی سیستم دو یا چند قیمتی وجود داشته باشد، رانت کوچک یا بزرگی را شاهد خواهیم بود. به‌عنوان مثال در مساله ارز وقتی شما ارز ارزان و گران داشته باشید، فاصله قیمت در نرخ ارز، درآمد قابل توجهی است که بدون زحمت ایجاد می‌شود و فقط کافی است که شما در لحظه و هنگام تصمیم، ابتدای صف باشید.

معمولاً کنترل فرآیند تولید و توزیع کالا، مشکل و گاهی محال است و شما فقط مرحله‌هایی از این فرآیند را می‌توانید کنترل کنید. به‌عنوان مثال مقداری ارز به یک کارخانه تولیدی می‌رود و آن کارخانه را به‌طور همزمان مورد کنترل قرار می‌دهد تا قیمت محصول مقابل در کارخانه فلان اندازه باشد، اما به هر حال اگر قیمت این کالا در بازار طبیعی بیش از آن قیمتی باشد که دولت بر آن اصرار دارد، آن دو قیمت با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند و در آنجاست که یک فاصله رانتی حاصل می‌شود. گاهی هم دسترسی به برخی منابع و امتیازات، یک سری رانت‌هایی را با خود ایجاد می‌کند. در واقع در نقطه توزیع امتیازات، توزیع رانت می‌شود بدون این که پولی رد و بدل شده باشد.

علاج درد این منفعت‌طلبی‌ها در اقتصاد ما چیست؟

** رقابتی کردن اقتصاد، گامی اساسی و بلند در این بحث به شمار می‌آید؛ یعنی باید به طور جدی دنبال این باشید که سهم بازار را کنترل کنید. بر اساس قوانین ضدانحصار که در کشورهای مختلف وجود دارد و به آن عمل هم می‌شود، نمی‌گذارند یک شرکت سهم بازارش از یک حدی بالاتر برود. آنها مؤسسه‌هایی شبیه شورای رقابت که در قانون برنامه پنجم ما وجود دارد، راه‌اندازی کرده‌اند تا عهده‌دار محاسبه درجه تمرکزها باشند و حتی گاهی دولت وارد عرصه می‌شود و رقیب به وجود می‌آورد؛ یعنی انتخاب اول آنها این نیست که به محض مواجهه با انحصار، قیمت‌گذاری و کنترل قیمت کنند، بلکه انتخاب نخست آنها، به وجود آوردن یک رقیب است تا رقابت، کنترل بازار را در دست بگیرد. یعنی وقتی شما کارآمدی بنگاه را از طریق رقابت بالا می‌برید، در کلان اقتصاد، کارآمدیتان را بالا برده‌اید. در حقیقت این هزینه‌ای است که در بسیاری از مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد.

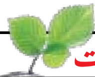
از سوی دیگر، یکی از وظایف جدی دولت، حمایت از تولید است و این حمایت باید به شکلی تعریف و اعمال شود که در طولانی مدت اقتصاد را مولد کند و نه فقط از آن یک بنگاه اقتصادی بسازد. همچنین حمایت طولانی مدت از تولیدکننده‌ای که با کالای نامرغوب به مصرف‌کننده آسیب می‌رساند، مجموع اقتصاد را به عقب نگه می‌دارد و این بدان معنی است که توان تولیدی شما، در حد توان رقابتی قرار نگرفته و قسمتی از منابع اقتصادی شما صرف ناکارآمدی شده است؛ در صورتی که اگر قیمت کمتری در فضای رقابت حاصل می‌شد، این تفاوت قیمت در جای دیگری سرمایه‌گذاری می‌شد. نباید فراموش کنیم که مصرف گرانتر، فقط به ضرر مصرف‌کننده نیست، بلکه به کل اقتصاد آسیب وارد می‌کند.

حمایت‌های دولت از بخش خصوصی باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد؟

** دولت باید حمایت هدفمند و زمان‌دار را در برنامه‌هایش قرار دهد. یکی از تئوری‌هایی که همیشه در اقتصاد از آن یاد و به آن پرداخته می‌شود، تئوری حمایت از «صنعت نوزاد» است؛ صنعتی که هنوز به تولید انبوه نرسیده‌هاست و حمایتی خوب است که هرچه زودتر این صنعت را از نوزادی خارج کند. اگر صنعتی بعد از ۴۰ سال هنوز نیازمند تعرفه حمایتی ۱۰۰درصد است، نشانه آن است که حمایت‌های بی‌ثمر از آن شده ، لذا در این میان باید به سراغ فکر و ایده جدید که همانا حضور در زنجیره تولید و عرضه جهانی است، برویم. این حضور به طور حتم به خوداتکایی عمومی اقتصاد ما منجر می‌شود. شما در اقتصاد وقتی می‌توانید روی پای خود بایستید که حضورتان در زنجیره بازار جهانی به گونه‌ای باشد که همان اندازه که به دیگران و به بازارشان نیازمند هستید، آنها هم به تولید و بازارتان نیازمند باشند؛ در این صورت این موفقیت به کلیت اقتصاد شما تبدیل می‌شود و به جای تکیه بر منابع تجدیدناپذیر نفتی، به تولید تکیه خواهید کرد. در این مدل اقتصادی، میزان مصرفی که مردم دارند، نه فقط بیش از تولید نیست، بلکه کمتر از تولیدش هم خواهد بود و با پس‌انداز مالی که حاصل می‌شود، توانایی این را پیدا می‌کند که به طور مرتب سرمایه تشکیل و رشد مستمر خود را هم سامان دهد. یکی از نکات دقیق و حساس که ما باید در تدوین استراتژی توسعه به ویژه در توسعه صنعتی مورد توجه قرار دهیم، مقوله تولید بیش از مصرف است، یعنی به نقطه‌ای در اقتصاد برسیم که تولیدمان بیشتر از مصرفمان باشد.

در این مدل، تولید نفت دیگر جایگاهی ندارد. یعنی درآمد حاصل از منابع تجدیدناپذیر را نباید در این میان مد نظر قرار دهیم و حساب کنیم، بلکه تولیدات، کالا و خدماتی را باید حساب کنیم که تجدیدپذیر باشند و برای تضمین بازار باید چنان پیوند دوسویه‌ای را با اقتصاد جهانی در شرایط برابر و رابطه عزتمندانه، شکل داده باشیم که اگر وابستگی وجود داشت، آن وابستگی متقابل باشد. ممکن است در یک زنجیره عرضه‌ای، یک یا چند قسمت از محصولی را تولید کنید که حضور در این تولید این امکان را برایتان فراهم می‌کند تا در همه بازارگشایی‌های آن محصول نهایی که شاید از هزاران قطعه تشکیل شده باشد، سهیم باشید. این همان رویکردی است که در صنعت و حتی گردشگری، کشاورزی، کشتیرانی و هواپیمایی ما می‌تواند ظهور و بروز یابد. در حقیقت دست یافتن به این مهم، همان تحقق حضور عزتمندانه در اقتصاد جهانی است که در سندهای بالادستی ما هم مورد تأکید قرار

این بار نه با یک نگاه وارداتی و تقلیدی از غرب متکی بر دو الگوی سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، بلکه با نگاه و منظرتسری منطق خود انقلاب – که همان منطق اتکای به مردم بود– باید وارد عرصه شویم



داده است.

ایران از چه ظرفیت‌هایی برای حضور در عرصه اقتصاد جهانی و تحقق موارد یادشده برخوردار است؟

** بایـــــد به این موضوع از دو منظر توان و بنیه تولیدی و همچنین روابط اقتصادی نگاه کنیم و آنها را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.از منظر توان تولیدی، کشور ما در عوامل تولید، کمی و کاستی زیادی ندارد و از ظرفیت‌های بالایی هم برخوردار است. همچنین ما در سرمایه انسانی از ظرفیت و توان بالایی بهره می‌بریم به نحوی که نیروی تحصیلکرده و جوانی که ایران در اختیار دارد، در اقتصادهای منطقه شبیه آن را نمی‌توانیم پیدا کنیم.در منابع طبیعی هم در وضع خوبی به سر می‌بریم و اقتصاد ایران با این ویژگی، غنی است. شاید کشور ما با کم‌آبی مواجه باشد، ولی با بهره‌وری آب، می‌توانیم به موفقیت‌های بیشتری در عرصه کشاورزی دست پیدا کنیم. همچنین سرمایه‌گذاری‌های بالا در بخش‌های مختلف اقتصـــــادی اعم از صنعت فولاد، مصالح ساختمانی، خودروسازی و راه، گازرسانی، برق‌رسانی و راه‌آهن، نشانگر این واقعیت انکارناپذیر است که ما در عوامل تولید کاستی نداریم اما در مورد منظر دوم که بحث مدیریت و ارتباطات اقتصادی است، در سال‌های گذشته به لحاظ اعمال تحریم‌ها و تشدید آن‌ها، با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌ایم که بخش قابل توجهی از این محدودیت‌ها، سیاسی بوده است. همین شرایط تحریم که طی سه سال گذشته تشدید شده ، نه فقط امکان صادرات نفت را با مشکلاتی مواجه کرده است، بلکه در حوزه صادرات غیرنفتی هم با اعمال محدودیت‌های بانکی، صادرکنندگان با مشـــــکلاتی برای اخذ طلب خود از خریدار مواجه شده‌اند.

درحقیقت در بازارگشایی‌ها، در یک شرایط برابر با رقبای خود نبودیم و به نوعی با تعرفه‌های بالاتر، مواجه شدیم و در مجموع ضعف در مناسبات اقتصادی و سیاسی، بنگاه‌های ما را در یـــــک رقابت نابرابر قرارداد. البته باید به این نکته مهم و اساسی توجه داشته باشیم که مدیریت بازارشناسی، بازاریابی و بازارسازی در سایه یک ارتباط بین‌المللی قوت پیدا می‌کند و در اینجا ست که نقش و جایگاه دولت به خوبی آشکار و نمایان می‌شود.

صدور خدمات فنی و مهندسی فقط متکی به توانایی آن شرکت ارائه‌کننده نیست ،بلکه رابطه مستقیمی با عملکرد دولت دارد. گاهی در سطح رئیس جمهوری یک سفر انجام می گیرد تا فقط یک قرارداد به امضا برسد، یعنی وزن سیاسی روابط دو دولت پشت یک قرارداد قرار می گیرد تا اقتصاد و تولید بتواند حضور جهانی داشته باشد؛بنابراین می توانیم این گونه نتیجه گیری کنیم که لازمه موفقیت در این عرصه، حرکت در سطح خرد و همچنین مناسبات مدیریتی است. بنگاه‌های ماهم باید با افزایش کارآمدی خود، توانشان را برای رقابت در عرصه جهانی افزایش دهند و در سطح کلان هم باید مناسبات اقتصادی ما به عنوان یک کلیت، با اقتصادهای دیگر در یک شرایط تعاملی قرار گیرد .

دولـــــت یازدهم نگاه ویژه‌ای در این بخش دارد و در یک جهت‌گیری سه‌وجهی بر آن تأکید و آن را دنبال می کند. دولت به دنبال آن اســـــت که با تعامل سازنده با جهان، هم در سطح بنگاه‌های خرد و هم در ســــــطح خود دولت و اقتصاد کشور، تعامل دوسویه عزتمندانه‌ای را شکل دهد و ما با همین رویکرد، مذاکرات هسته‌ای را ادامه داده‌ایم. در حقیقت هدف این است که ما در مناسبات به برد برد برسیم و شرایط را برای حضور عزتمندانه ایران در اقتصاد جهانی فراهم کنیم.

حضور و مشارکت در اقتصاد جهانی موضوعی است که همواره نخبگان براهمیت دست یافتن به آن تأکید کرده‌اند، اکنون آیا اجماع کلی در داخل کشور نسبت به این موضوع وجود دارد؟

** در دو دهه اول انقلاب این بحث بارها میان گروه‌های سیاسی، دانشگاهی و روشنفکری مطرح می‌شد. در سال‌های اول انقلاب کسانی از دلسوزان انقلاب بر این گمان بودند که ما هر گونه رابطه‌ای با جهان داشته باشیم، رابطه گرگ و میش خواهد بود که این نگاه با تحلیل جنگ تحمیلی و پدیدار شدن حمایت کشورهای غربی از این جنگ، تقویت شد. وقتی شما اکثر کشورهای جهان را در مقابل خود می‌بینید، حق دارید نسبت به آنها بدگمان شوید و این نگاه سیاسی، سایه خود را در روابط اقتصادی هم انداخت.

البته در کنار این نگاه به روابط خارجی، در حوزه داخلی هم کسانی طرفدار دخالت هرچه بیشتر دولت در امور اقتصادی بودند اگرچه با گذشت زمان و با نمایان شدن آثار و تبعات این نوع نگاه، بسیاری از کسانی که خودشان زمانی طرفدار دخالت و مشارکت بیشتر دولت در امور اقتصادی بودند، از این فکر دست برداشتند.همچنین در کنار این تجربه داخلی، تجربه جهانی هم با فروپاشی اردوگاه کمونیسم به این بلوغ فکری کمک کرد و سبب شـــــد طرفداران دخالت دولت در امور اقتصادی، یا از نگاه قبلی‌شان منصرف یا حداقل نسبت به پذیرش یا رد آن دچار شک و تردید شوند.

از ســــوی دیگر، گفتمـــــان ما در حوزه اقتصاد به این سمت حرکت کرد همچنانکه در حوزه دفاع مقدس به مردم اعتماد کردیم و در حوزه سیاســــــی هم قوت خـــــود را از مردم می گیریم، چرا در حوزه اقتصاد هم این رویه را دنبال نکنیم؟ یعنی این بار نه با یک نگاه وارداتی و تقلیدی از غرب متکی بر دو الگوی سرمایه‌داری یا سوسیالیست، بلکه با نگاه و منظرتسری منطق خود انقلاب که همان منطق اتکای بـــــه مردم بود، وارد عرصه شویم و به این ترتیب این نگاه به یک گفتمان مرغوب، مطلوب و غالب تبدیل شد و آثار این اجماع ملی را می‌توانیم به خوبی در سیاست‌های کلی ابلاغی مشاهده کنیم.

باید ریشه‌های اقتصادی به وجود آمدن فساد را بشناسیم و همچنین باید فضای حقوقی نامساعدی را که امکان وقوع فساد را فراهم می‌کند، شناسایی و درصدد اصلاح آن برآییم

در سیاست‌های کلی اصل ۴۴، شاهد بحث‌های زیادی برای اجرای این سیاست‌ها بودیم و تندترین جریان‌های سیاسی دنبال این بودند که با استناد به اصل ۴۴، همه انچه که در بخش دولتی اعم از بازرگانی خارجی و صنایع بزرگ بود، ۱۰۰ درصد به حالت دولتـــــی درآورند ،اما در تعریف و مصداق یابی آنها وقتی می‌پرسیدید که صنایع بزرگ چیست؟ آن وقت مصادیقی



به شما معرفی می‌شد که براساس هیچ یک از استانداردهای جهانی، صنعت بزرگ شناخته نمی‌شود.در نهایت این تجربه ، گفتمان غالب را به این سمت سوق داد که اقتصاد را برای مردم می‌خواهیم و باید فهم و درکی آگاهانه از اصل ۴۴ داشته باشیم تا بتواند رشد مستمر ایران را سامان دهد و کشورمان را به اقتصاد اول منطقه تبدیل کند، یعنی همان چیزی که در چشم‌انداز ۲۰ ساله و پس از آن هم در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آمد.

در سیاســــــت‌های کلی این اصل، شاهد تغییراتی از قبیل توانمندسازی بخش خصوصی و باز تعریف نقش دولت در اقتصاد هستیم، براساس این سیاست‌ها، دولت از تصدیگری دست برمی‌دارد و باید به سمت سیاستگذاری و نظارت حرکت کند. این یک تحول انقلابی است و همچنین انقلابی براساس «مردم باوری» در اقتصاد به شـــــمار می‌آید.به همین دلیل، این نگاه یک دستاورد بزرگ فرهنگی ـ گفتمانی است که در حوزه اقتصاد به این موضوع برسیم که لزوماً بخش خصوصی زیانکار و غارتگر نیست.زمانی از به کار بردن کلمه «سرمایه‌گذار» هم به نوعی اجتناب و به جای آن از واژه «کار آفرین» استفاده می‌شد ولی اکنون فضا به‌طور کامل متفاوت شده است .

ورود بخش خصوصی به اقتصاد آیا می‌تواند زمینه برخی فسادها را فراهم کند؟ چه ساز و کارهایی برای جلوگیری از این اتفاق احتمالی باید اندیشیده و به کار گرفته شود؟

** باید مراقب باشیم که میدان دادن به بخش خصوصی با نبود نظارت‌ها و تدوین نشدن نهادهای توازن‌ساز، به سوء استفاده‌هایی منجر نشود و مجدداً در فرهنگ عمومی بدبینی جدید یا بازگشت به بدبینی‌های گذشته نسبت به سرمایه‌گذاری رقم نخورد. لازمه میدان دادن و گسترده کردن فعالیت بخش خصوصی این اســـــت که یک دولت مقتدر همراه با انجام وظیفه لازم خود در حوزه سیاست‌گذاری و نظارت داشته باشیم. دولت باید به همان اندازه‌ای که از تصدی دست بر می‌دارد، از آن طرف هم درسیاستگذاری و نظارت، قویتر عمل کند.

متأسفانه در ســــال‌های گذشته شاهد نوع جدیدی از خصوصی‌سازی بوده‌ایم به نحوی که این فرآیند فقط اسم خصوصی‌سازی را یدک می‌کشد ولی خبری از خصوصی‌سازی به معنای واقعی آن و بروز و ظهور نشـــــانه‌های آن نیست.ادامه این روند می‌تواند چه خطراتی برای اقتصاد به دنبال داشته باشد؟

** یکـــــی از نگرانی‌هایی که در اینجا مطرح است، همین موضوع نحوه خصوصی‌سازی‌هاست. تجربه خصوصی‌سازی در کشور نشان می‌دهد مقدار زیادی از واگذاری‌هایمان نه در بخش خصوصی واقعی و در فضای رقابتی، بلکه به یک پدیده جدیـــــدی به نام «بخش عمومی غیردولتی» منتقل شده است که لزوماً از آن کارآمدی‌های بخش خصوصی و خودکنترل‌هایی که در فضای رقابتی او را کارآمد می‌کند، برخوردار نیست و از آن طرف هم چون از بخش دولتی خارج شده، از نظارت‌های دولتی هم مصون مانده است.

وقوع فسادها، ناکارآمدی‌های شبه‌انحصارها پیامدهای این وضع خواهد بود که باید مراقبت لازم انجام گیرد.

بنگاه‌های ما باید کارآمدتر شوند و همچنین مدیریت‌های روزآمدی را لازم داریم که خوشبختانه در برنامه‌های اقتصادی دولت یازدهم، به این نکات توجه ویژه‌ای شـــــده است. توجه دولت در همان ماه‌های نخست به بهبود محیط کسب و کار، کاملاً نشـــــانه روشنی از این معنی است. دولت برای توسعه و افزایش تولید، نخســـــتین تصمیم خود را برای سرمایه‌گذاری ساخت فلان کارخانه اتخاذ نکرد، بلکه نخستین تصمیم خود را اجرای مصوبه ۳۸ ماده‌ای بهبود محیط کســـــب و کار قرار داد که در این میان رقابتی کردن فضا و حذف مقررات زائد و غیرضرور و همچنین از میان برداشتن رانت‌ها از اهداف اصلی به شمار می آیند تا بتوانیم شرایط لازم را برای حضور برابر بنگاه‌ها در عرصه‌های تولید و سرمایه‌گذاری فراهم کنیم. البته اجرای این مصوبه به تحقق کامل نرسیده اما این عزم نشان داده شده است که ما باید به سمتی برویم که در مناقصه و مزایده‌ها هم دسترسی به اطلاعات را برای رقابت متقاضیان فراهم کنیم. البته بخش خصوصی هم باید به سرعت گام‌های تکامل و بلوغ خود را بردارد و تشـــــکل‌های این بخش باید از توان مشورت‌دهی برخوردار شوند و صداهای متفاوت و گاهی متناقض و معارض از بخش خصوصی برای سیاستگذاری خیلی مفید نیست و کنترل‌های درونی برای مبارزه با فساد و رانت‌خواهی می‌تواند کمک زیادی به دولت برای اصلاح فضای رقابتی کند .

چنانچه مذاکرات سیاســـــی با ۱+۵ به نتیجه برسد، آیا می‌توان انتظار داشت که کمپانی‌های جهانی به سرعت وارد ایران شوند و ایران به عنوان یک پایگاه منطقه‌ای برای تولیدات کمپانی‌های معتبر قرار گیرد؟

** حصول توافق در مذاکرات هســـــته‌ای به‌طور حتم یک گام ارزشمند و بلند در مساعدکردن مناسبات سیاسی ما با دنیا برای خیز اقتصادی و داشـــــتن رشد پایدار صادرات‌گرا به‌شمار می‌آید، اما قبل از این که چشم امید به سرمایه‌گذاری کمپانی‌های بزرگ داشته باشیم، نخستین اثر اقتصادی توافق این موضوع خواهد بود که بســـــیاری از منابع داخلی که به دلیل محدودیت‌های اقتصادی خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌شدند، به کشور بازمی‌گردد. پول ایرانی به جای این که در کشورمان سرمایه‌گذاری شود، به چین رفته و در آنجا با ساخت کارخانه، سرمایه‌گذاری شده است . علاوه بر این، تولیدات خود را هم با یک لیبل و برچسب دیگری به غیر از ساخت ایران،

عرضه می‌کرده است تا دچار محدودیت‌هایی در بازار صادرات نشود.بنابراین نخستین اثر فوری حصول توافق این خواهد بود که جریان خروج سرمایه معکوس می‌شود و به جریان علاقه سرمایه‌گذاری در ایران ابتدا توسط خود ایرانیان داخل و سپس ایرانیان خارج از کشور تبدیل می‌شود.چندی قبل کنفرانسی در لندن درباره اقتصاد ایران برگزار شدکه شرکت‌کنندگان در آن بحث‌های مهمی را در این باره ارائه و از تعابیر خاصی استفاده کردند. آنها از ایران به عنوان بکرترین و امیدبخش‌ترین اقتصاد در حال ظهور یاد کردند که دلیل آن بازار داخلی و همچنین فراهم کردن دسترسی به بازارهای منطقه از طریق کشورمان است. همچنین در اختیار داشتن بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان و مجموعه عوامل یادشده، ویژگی‌هایی است که هر سرمایه‌گذار برای دسترسی به انرژی ارزان محاسبه می‌کند ،اما نکته بسیار مهم این است که سرمایه‌گذاری یک سری لازمه‌هایی را در امنیت اقتصادی طلب می‌کند. در حقیقت امنیت اقتصادی فقط به این معنا نیست که سرمایه‌گذاری مطمئن باشد اگر طبق قانون عمل کرد، کسی کاری به کارش ندارد، بلکه باید بداند چه قانون و مقرراتی را باید رعایت کند. باید قدرت برنامه‌ریزی اقتصادی را به سرمایه‌گذار ارزانی کنیم، یعنی او بداند این قانون، قانون مالیات ما ست و تا ۲۰ سال دیگر هم همین‌گونه است، یا این که بداند قانون تجارت ما تا ۲۰ سال دیگر هم همین خواهد بود. اگر تغییرات تعرفه‌ای قرار بود اتفاق بیفتد، با پیش‌آگهی مشخص انجام شود. از سوی دیگر سرمایه‌گذار را هر لحظه در انتظار یک "سورپرایز" نگذاریم، زیرا این مدل به شما سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت نمی‌دهد بلکه فقط کارهای سوداگرانه و پرریسک را ارزانی می‌کند. از سوی دیگر یک سرمایه‌گذار یا کارآفرین بایدبداند وقتی می‌خواهد یک کار صنعتی را انجام دهد، فقط با یک دستگاه مثل وزارت اقتصاد مواجه است نه این که با انواع و اقسام دستگاه‌ها باید روبرو شود .یا این که تا وقتی که سرمایه‌گذاری نشده است برای من سرمایه‌گذار فرش قرمز پهن می‌کنند ،ولی به محض این که کارخانه ساخته شد، دستگاه‌های مختلف پیدا می‌شوند و به تعبیر عامیانه از من «شیتیله» می‌خواهند. به عبارت جامعتر،مزاحمت‌های سرمایه‌گذاری باید از اقتصاد ایران رخت بندد.سرمایه‌گذار باید با یک دستگاه و یک محل برای سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی یک واحد و کارخانه تولیدی روبرو باشد نه این که هنگام شروع به کار و ادامه فعالیتش هر لحظه با یک دستگاه مجزا مواجه شود و این همان موضوعی است که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان "پنجره واحد" یاد کرده‌اند. دولت ممکن است دستگاه‌های مختلفی داشته باشد، اما همه این‌ها باید حرف خود را از طریق یک گیشه به صنعتگر بگویند تا تولیدکننده و تاجر تکلیف خودش را بداند. در واقع هزینه بروکراسی در اقتصاد ما زیاد است و وضع خوبی در این موضوع نداریم. البته قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده و طی یک سال و نیم گذشته رتبه‌بندی کشورمان در این موزه ۲۰ رتبه بهبود پیدا کرده است، اما این شرایط هم کافی نیست، بلکه باید با ادامه فعالیت‌هایمان جزو ۲۰ رتبه اول جهانی قرار بگیریم که در این میان رسانه‌ها نقش ویژه‌ای در ارتقای فرهنگی عمومی و حمایت جامعه از کارآفرین دارند و تمام اقشار جامعه اعم از فرهنگیان، مقاله‌نویسان و فیلم‌سازان سرمایه‌گذاری را به عنوان منبع تولید شغل برای جوانان ارج نهند.همچنین در همه ارکان حیات اجتماعی از جمله مساجد، فرهنگ‌عمومی و فضای رسانه‌ای یک فضای اطمینان بخش برای حرکت سرمایه‌گذاری ایجاد کنیم که به طور حتم تلاشی برای تحقق این مهم، از توفیق و مذاکرات هسته‌ای کمتر نیست.

چه نسبتی میان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نظام اقتصاد جهانی وجود دارد؟

** فهم من از اقتصاد مقاومتی حرکتی در همین مسیر است. برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید صادرات را رشد دهیم، تعامل سازنده را مورد تاکید قرار دهیم و بتوانیم نیروی انسانی را در داخل کشور نگه داریم. نباید فراموش کنیم که یک نیروی فرهیخته که دنیا طالب او ست، زمانی قانع می‌شود در کشور بماند که زمینه بهتری برای کارکردن در اختیار داشته باشد و لازمه آن هم حضور یک سرمایه‌گذار در کشورمان است. همه اقدامات ما باید در جهت اقتصاد مقاومتی از یک همگرایی و هماهنگی برخوردار باشد و در این صورت می‌توانیم از این گامی که برداشته شده است، در مذاکرات هسته‌ای استفاده کنیم، در این صورت سرمایه‌گذار خارجی و شرکت‌های چند ملیتی وقتی می‌بینند یک ایرانی هم سرمایه‌اش را در داخل کشورش سرمایه‌گذاری می‌کند، او هم وارد این عرصه می‌شود. زمانی کارخانه تویوتا قصد داشت کارخانه تولید منطقه را در ایران بسازد که این موضوع از ظرفیت‌های بالای ایران در زمینه سرمایه‌گذاری حکایت دارد. ایران از توانایی و پتانسیل بالایی برای تبدیل‌شدن به هاب انرژی منطقه دارد. البته دولت دیگر به دنبال سرمایه‌گذاری نیست و اگر هم قصد داشته باشد نمی‌تواند، لذا لازمه ورود سرمایه‌گذار بخش خصوصی، ایجاد فضای



مطمئن است که بُعد خارجی اصلاح مناسب سیاسی و رفع تحریم‌ها و در بُعد داخلی آن، اصلاح مقررات اهمیت دارد.

اقای جهانگیری دوتعبیردرباره فساداقتصادی رخ داده دارند که سازمان یافتگی وبی سابقه بودن ویژگی آن است. شمامی دانید این واژه ها کلی است.اگربخواهیم میزان فسادرا بامعیاری قابل فهم مثال بزنیم چگونه باید بگوییم؟

**در بحث فساد باید ریشه‌های اقتصادی به وجود آمدن آن را شناخت و ریشه‌کن کرد و همچنین می‌بایست فضای حقوقی نامساعدی را که امکان وقوع فساد را ایجاد و فراهم می‌کند، شناسایی و درصدد اصلاح آن برآئیم.ما متاسفانه در بخشی از سال‌های گذشته به غیر از ریشه‌های اقتصادی و اقتصاد رانتی در جنبه حقوقی یک نوع قانون‌گریزی را شاهد بودیم. نباید فراموش کنیم که مقررات یک کشور مانع فساد و سوء استفاده از منابع ملی می‌شود. اگر حرمت قانون شکسته شود و اگر در داخل دستگاه‌هایی که خود آنها باید حامی و مجری قانون باشند تخطی از مقررات را به عنوان شجاعت یا به عنوان ارزش مدیریت تلقی کردند، این تلقی در سطح آن مدیرانی که ممکن است پاکدست هم باشند، دیگر متوقف نمی‌شود و به دیگران اجازه و تجری جسارت و قانون شکنی را می‌دهد. بسیار مهم است که فرهنگ حاکم بر مجموعه‌اقتصادودستگاه‌های‌حاکمیتی، احترام به قانون باشد یا فرهنگ قانون شکنی و قانون گریزی.آن تعابیری که به کار رفته است (تعابیر معاون اول رئیس جمهوری) شاید ناظر به این باشد که ما شاهد چنین فضایی در برخی موارد بوده‌ایم که البته از نظر رقم و عدد هم برخی از فسادها که پرونده‌شان در دستگاه قضا مورد بررسی قرار گرفته ، رقم‌های بسیار بزرگی است.ما در گذشته پس از ملی شدن نفت سابقه نداشت که به یک شخص بدون اخذ ضمانت‌های لازم نفت بدهند و آن شخص نفت را بفروشد و درآمدش را در اختیار نگه دارد و وقتی هم که سراغ او بروند، دستشان به چیزی بند نشود و حتی با انکار مواجه شوند.

سرمایه‌گذار یا کارآفرین بایدبداند وقتی می‌خواهد یک کار صنعتی را انجام دهد، فقط با یک دستگاه مثل وزارت اقتصاد مواجه است نه این که با انواع و اقسام دستگاه‌ها روبرو شود

از سوی دیگر کل این فرآیند هم مورد حمایت‌های برخی افراد و برخی دستگاه‌ها در مجموعه دولت قرار گرفته باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم از متصدیان حکومتی انتظار داشتند امانتدار باشند نه این که طعمه جو.کسی که مسئول حکومتی می‌شود، امانتی از مردم در اختیار وی قرار داده شده است، و او باید نهایت تلاش خود را در حفظ بیت‌المال به کار بندد و مردم توقع ندارند حتی یک مورد هم فساد اتفاق بیفتد.

چه عواملی زمینه ساز وقوع فساد اقتصادی در کشورما می‌شود و آیا در قوانین با نقص مواجه هستیم؟

**به‌محض شناسایی فساد، مردم و حاکمیت نگران می‌شوند و نخستین موضوعی که به ذهن می‌رسد، افزودن نظارت‌ها و اعمال مقررات بیشتر در این حوزه است، در حالی که مشکل اقتصاد ما، وجود مقررات زیاد است.ضرر و آسیب فساد، فقط آن پولی که ضایع شده است، نیست بلکه اثر منفی و مخربی در ذهنیت حاکمیتی ایجاد می‌کند. در حقیقت مسیر اصلاح اقتصاد که باید به سمت رقابتی کردن و اعتماد بیشتر حرکت می‌کرد، در مسیر عکس تحریک می‌کند و ضررهای فراوانی به سرمایه اجتماعی وارد می اورد که البته اگر این فساد در کنار دولت شکل بگیرد، ضررهای بیشتری را وارد خواهد کرد.شفاف‌سازی و رقابت دو داروی درد فساد هستند. با رقابت می‌توانیم رقیب را عهده‌دار نظارت بر بنگاه کنیم و به تعبیری یک مدل خود کنترلی اعمال می‌شود .همچنین دولت و قانون باید هر چه بیشتر به دنبال شفافیت باشند. هر چه پستو و تاریکخانه در اقتصاد بیشتر باشد، فساد هم از همان مراکز بیرون خواهد آمد. دستگاه‌هایی که در حوزه اقتصادی فعالیت می‌کنند باید از بیشترین درجه شفافیت برخوردار باشند، اما در این میان دستگاه‌هایی وجود دارند که لازمه کارشان، پنهانی است و در حقیقت دستگاه‌هایی هستند که وظایف امنیتی بر عهده دارند، به طور کلی این دستگاه‌ها باید از کار و فعالیت‌های اقتصادی به دور باشند، زیرا لازمه کار اقتصادی، شفافیت و گزارش دهی است. همچنین اگر جایی کار و فعالیت اقتصادی می‌کرد ولی نمی‌توانست تراز و گزارش مجمع را به طور شفاف در منظر عموم قرار دهد، باید نگران آنجا باشید ،ولی اگر دستگاهی با شفافیت عمل کند، احتمال وقوع فساد به کمترین میزان خواهد رسید که البته هیچ وقت و در هیچ‌جایی نمی‌توان احتمال فساد را به صفر رساند و برخورد قاطع با فساد هم در مقابل احتمال تکرار و بروز مجدد آن، تاثیر گذار خواهد بود.

باسپاس فراوان ازفرصتی که دراختیارروزنامه اطلاعات گذاشتید.





درنگی در وقایع سال ۹۳

● دکتر یونس نوربخش
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

سال ۱۳۹۳ با همه تلخی‌ها و شیرینی‌هایش سپری شد. روند تحولات، امروزه چنان سریع و برق‌آساست که وقتی انسان به گذشته بر می‌گردد از حجم اتفاقات و رخدادهایی که در مدتی چنین کوتاه شاهد آن بوده و یا از آن مطلع شده و خبرها و تصاویر آن را دیده است حیرت می‌کند و از تحلیل همه آنها به عنوان یک کلیت و ساختار محیطی باز می‌ماند.

مرور تحلیلی وقایع یک سال گذشته از آن رو حائز اهمیت است که کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی ما، زمینه زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد که لامحاله بر همه سویه‌های زندگی اجتماعی، معیشتی، سیاسی و فرهنگی ما تاثیری شگرف می‌گذارد.

از این منظر، درنگی می‌کنیم بر اهم رخدادهایی که در این یک سال اتفاق افتاد هر چند گزینش این مهم‌ها نیز خود محل تردید است اما عجالتاً در مروری گذرا میزان بازتاب رسانه‌ای و تأثیرپذیری گروه‌های مختلف اجتماعی را می‌توانیم معیاری برای اهمیت و انتخاب این موضوعات در نظر بگیریم.

کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی ما، زمینه زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد که لامحاله بر همه سویه‌های زندگی اجتماعی، معیشتی، سیاسی و فرهنگی ما تاثیری شگرف می‌گذارد

زیست‌بوم

یکی از مسائل مهم جامعه ایرانی و حتی جامعه جهانی موضوع محیط زیست است. حفظ زیستگاه و جلوگیری از نابودی اقلیم‌های زیستی از موضوعات مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر است، زیرا بهره برداری از طبیعت و حفظ محیط زیست با تحقق امنیت، عدالت، توسعه و رشد نسل‌های آینده رابطه بسیار نزدیک دارد و هرگونه آسیب و تخریب طبیعت بر زندگی سالم‌انسانی اثرگذار است. چنان که امروز همه شاهدند که تعدی به طبیعت و تخریب محیط زیست ابعاد گوناگون زندگی بشر را به خطر انداخته است. این خطر امروزه با رشد بی‌رویه شهر نشینی و بروز جنگ‌های درون شهری بویژه در خاورمیانه و آفریقا به شکل جدی‌تری مطرح است.شرایط اقلیمی مناسب از جمله داشتن آب و هوای سالم و خاک حاصلخیز، ضرورت زیستی جوامع است. با این حال موضوع ریزگردها و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه ارومیه کماکان از مسائل زیست محیطی کشور ما است که در سال گذشته با شدت بیشتری ادامه و مکرراً در رسانه‌ها بازتاب یافت. آقای دکتر روحانی در یک اقدام نمادین آن را خلاصه و با کاشتن نهال زیتون موضوع آشتی با طبیعت را مطرح کردند.

تغییرات جوی و کاهش بارندگی و نزولات آسمانی و آلودگی هوا از دیگر نگرانی‌های مردم ایران است. امروز شاهدیم که هوای پاک، این نعمت بزرگ خداوند، چگونه به دست انسان با شعار تسخیر طبیعت و بهره‌برداری از آن به نابودی کشیده می‌شود. محیط زیست نیز در مقابل علیه انسان شوریده است و او را به دلیل زیاده‌روی‌ها و بی‌توجهی‌هایش تنبیه می‌کند.

پدیده داعش

سال۹۳ با ظهور پدیده مرگبار داعش در منطقه همراه بود و داعش به عنوان مهره جدیدی در بازی‌های سیاسی و بین‌المللی هر روز با خبری از قتل و جنایت درصدر اخبار قرار گرفت. داعش با رفتاری بغایت وحشیانه و جنایت محور پدیده مرگ فجیع را که زمانی یاد و نام آن غم و اندوه را برای انسان به دنبال داشت امری عادی و روزمره کرد و به طور مستمر پروژه عادی‌سازی جنایت و سربریدن به نام ایدئولوژی را دنبال می‌کند.

شبکه‌های خبری نوجوانی را به عنوان کوچکترین داعشی نشان دادند که قبل از اقدام به جنایت آماده کشتن و قتل دسته جمعی و بی‌محابای انسانها، دستگیر شده بود. در همین سال اسرائیلی‌ها هم در حمله به فلسطینی‌های مظلوم مسابقه کودک‌کشی به راه انداختند و در جلو چشم جهانیان و دوربین‌های رسانه‌ها بی‌هیچ شرم و واهمه‌ای شهرها را به گلوله بستند. یادمان باشد همه اینها در قرن ۲۱ رخ می‌دهد و به همین دلیل سوالات بنیادینی را در حوزه سیاست و انسان و تمدن مطرح می‌سازد. جامعه جهانی و

نظم جهانی چگونه شکل گرفته است؟ به کجا می‌رود؟ چه میزان در ایجاد صلح و امنیت برای ساکنان این سیاره موفق بوده است؟ تمدن بشری با همه موفقیت‌های تکنولوژیک‌اش آیا توانسته‌است انســان را فرهنگ‌مدار و نوع‌دوست تربیت کند؟ یا اینکه اینها محصولات‌مدرنیته‌نیستند؟

تلفات جاده‌ای و ضعف آموزش همگانی

«الکلام یجر الکلام»، از کشته شدن انسان‌ها توسط داعش سخن گفتیم، اما غمگنانه باید ببینم که آمار کشته‌ها و زخمی‌های تصادفات جاده‌ای ما بیش از تلفات آن جنگ هاست. آمار داده‌اند که به طور میانگین هر هفته به اندازه مسافران یک هواپیمای ۳۵۰ نفره آمار کشته‌های تصادفات جاده‌ای داریم. خوشبختانه مسئولان بالاخره به این موضوع توجه کرده‌اند. اهمیت مسأله از این روست که تصادفات نه تنها موجب مرگ و میر انسانها می‌شوند بلکه خسارت کلان به سرمایه‌های مادی کشور وارد می‌کنند هزینه‌های گزاف درمانی و بیمارســتانی به بار می‌آورند و مهم‌تر از همه، زیان‌های ســنگین روحی و روانی به بازماندگان کشتگان وارد می‌کنند و نسل یتیمی برجا می‌گذارند که معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار شود. هر رویکردی برای حل این معضل وکاستن از شمار کشتگان در درجه نخست مستلزم پذیرش موضوع توسط مسئولان و مردم به عنوان یک «مساله اجتماعی» است

رسانه ملی و نهادهای آموزشی نیز با ایجاد حساسیت عمومی، آموزش مهارت‌های لازم و ارائه اطلاعات و دانش مورد نیاز جامعه می‌توانند برای حل این مسأله به کمک برخیزند.

گلایه جامعه‌شناسان ایرانی از رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی همیشه این بوده است که در اولویت بندی برنامه خود می‌بایست تجدید نظر کنند و بیش از آنچه که به درخواست‌های جناح‌ها و گروه‌های سیاسی توجه دارند به مسائل اجتماعی و عواملی که در امنیت و آرامش و رفاه مردم نقش دارند اهتمام داشته باشند. ایجاد جامعه سالم و توسعه روابط اجتماعی مناسب و هم چنین آموزش زندگی شهری و حقوق و وظایف شهروندی از نیازهای اجتماعی و اساسی جامعه ایرانی است که می‌تواند مثل یک عامل بازدارنده و پیشگیری کننده از بسیاری از نابهنجاری‌ها عمل کند.

موضوع هسته‌ای

چهارمین مســأله جامعه ایران در سال ۱۳۹۳ که باز سوژه روزانه رسانه‌ها نیز بود، موضوع فعالیت‌های هسته‌ای و مذاکرات ایران با گروه ۱+۵ بود. امســال بــرای دولت آقای روحانی و دستگاه دیپلماسی وزارت خارجه یک زور آزمایی به تمام معنا با پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان به شمار می‌رفت. نشست‌های فشرده گروه ۱+۵ برای حل مسائل هسته‌ای از مهمترین گزارش‌های خبری مهم جهان در سال جاری بوده است. حل این مسأله مسلماً تاثیر فراوانی بر روابط ایران با جهان غرب و منطقه خواهد داشت، ضمن اینکه از منظر اقتصادی نیز فضای کشور تغییرات مثبتی را تجربه خواهد کرد. تحریم‌های ظالمانه، حق ملت ایران را در بهره‌مندی از درآمدهای نفتی تا حد زیادی خدشه دار کرد. و البته در زمانی که این تحریم‌ها یکی پس از دیگری وضع می‌شد، از سوی کسانی که باید از حقوق ملت دفاع می‌کردند «کاغذ پاره» نام می‌گرفت و به آن اعتنا نمی‌شد، اما امروز دولت باید بیشترین وقت و انرژی خود را مصروف بیرون آوردن این ســنگ افتاده در چاه کند. چگونه است که دشمنی که ما مداوم از توطئه‌های او سخن می‌رانیم، وقتی عملی واضح در جهت تضعیف و تخریب بنیان‌های اقتصادی ما انجام می‌دهد، از آن غافل می‌شویم یا عامدانه تغافل می‌کنیم و دسیسه‌اش را کاغذ پاره می‌نامیم؟ باری، اینک مردم چشم به راه هستند که آقای ظریف فرزند هوشمند و دیپلمات برجسته کشور که در این مدت مرد شماره یک جهان نیز شده است، در آستانه حلول سال جدید خبرهای مسرت‌بخش از پایان یک تورنمنت دیپلماتیک را با خود به همراه آورد. موفقیتی که اگر حاصل شود، آسان به دست نیامده و به پشتوانه و ثمره مقاومت و ایستادگی ملت ایران بوده است.

فساد و اختلاس

مســأله پنجمی که افکار عمومی را به خود جلب و وجدان جمعی را جریحه‌دار کرد، موج پرونده‌های اختلاس بود که تا مقامات بالای کشور نیز کشیده شد. این مسأله اولین دستاورد دولت پیشــین را که مدعی دولت پاک بود، زیر سؤال برد. بعد هم در خبرها و سایت‌ها آمد که دومین وارد کننده خودرو هیچ سابقه مالیاتی ندارد، مطالبات معوقه بانک‌ها ۹۳هزار میلیارد تومان است و در پی اختلاس ۳ هزار میلیاردی تا ۱۲ هزار میلیاردی چند نفر به پای چوبه دار رفتند و چندین تن دیگر نیز به حبس رفتند.

چنین اتفاقاتی در هنگامه‌ای افشا شد که جوان ایرانــی از بیکاری رنج می‌برد و کشــور در رکود تورمی قرار دارد و آشکار شــدن این اختلاس‌ها و فسادها توسط کسانی که دستی در حاکمیت و مسئولیت داشته‌اند، به اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی ضربات تکان‌دهنده‌ای می‌زند و بخشی از اعتماد عمومی مردم را فرومی‌پاشد.

با این همه، دولــت همه تلاش خود را به کار گرفــت تا نرخ تورم ۳۵ درصدی را بــه ۱۵ درصد کاهش دهد. این هدف‌گذاری تورمی در حالی است که نرخ رشد اقتصادی کشور به کندی به سمت رشــد مثبت در حال حرکت است. رئیس جمهوری در موقع ارائه لایحه بودجه سال ۹۳ گفت: ضعف مفرط بودجه عمومی در ارائه خدمات عمومی و به ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری به همراه کسری بودجه تأمین شده از طریق بانک مرکزی، بودجه را به یکی از عوامل تعمیق رکود و تشدید تورم در شرایط اقتصادی اخیر ایران تبدیل کرده است. اما آنچه در این میان باید به آن اذعان داشت تلاش‌های موفقیت‌آمیز دولت در ایجاد آرامش و ثبات در بازار ارز و معافیت از رشد و جهش قیمت کالاهااست.

اما در عرصه ورزش در سال گذشته دو رویداد مهم ورزشی در جهان رخ داد: یکی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ برزیل و دیگری بازی‌های آسیایی اینچون که با قهرمانی چین و پنجمی ایران به پایان رسید. مسابقات فوتبال آسیایی ۲۰۱۴ با قهرمانی کره و ضعف کم سابقه عملکرد تیم ایران که منجر به حذف فوتبال ملی از ادامه رقابت‌ها شد به پایان رسید و فرصتی برای بروز احساسات ملی و غرور ملی دست نداد و این احساسات زیبا بار دیگر در سینه‌ها محبوس ماند.

> **گلایه جامعه‌شناسان از رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی همیشه این است که در اولویت بندی برنامه خود می‌بایست تجدید نظر کنند و به مسائل اجتماعی و عواملی که در امنیت و آرامش نقش دارند اهتمام داشته باشند**

امنیت عمومی

هدف این جســتار فکری و این نوشتار، بیان ناکامی‌های جامعه نیست. مسلماً در محیط پیرامون خود اگر نیک بنگریم اتفاقات میمون و مبارک هم می‌یابیم که یکی از آنها امنیت کشور است. این دستاورد کمی نیست که کشوری بتواند در منطقه‌ای پرآشوب و پرالتهاب که از هر سو امواج توطئه و تروریسم هجوم می‌آورد، نه تنها امنیت خود را حفظ کند بلکه به همسایگان نیز در جهت حفظ و تثبیت امنیت یاری رساند. امنیت، زیربنای همه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای است و خوشبختانه از این منظر، ایران تاکنون جایگاه محکم و شایسته‌ای داشته است که این امر صد البته مرهون برنامه‌ریزی و درایت متولیان این حوزه است.

کوتاه ســخن، مروری گذرا بر اهم رخدادهایی که در یک ســال گذشته در جغرافیای ایران اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که پــس از قریب چهار دهه از انقلاب اسلامی، اینک باید برای دستیابی به سطح قابل قبولی از توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گام‌های محکم‌تر و بلندتری برداریم. در حوزه اقتصاد، نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها کماکان بالاست. نرخ تورم همچنان دو رقمی و میزان رشد اقتصادی کم و ناپایدار است، قوانین حاکم بر اقتصاد پر خلل است و سطح نظارت پایین. به اذعان مســئولان اقتصادی یک چهارم فعالیت‌های اقتصادی از مالیات فرار می‌کند و ۸۰ درصد از تسهیلات بانکی توسط دویست نفر دریافت شده‌اند. واردات بی‌رحمانه تولید داخل را زیر ضربه گرفته است. اقتصاد کماکان به نفت متکی است و شعار اقتصاد بدون نفت که از زمان دکتر مصدق تاکنون مطرح است، همچنان راه به جایی نبرده اســت. کشاورزی با بحران کم آبی و ضعف تکنولوژی و اعتبار در ارائه روش‌های مدرن آبیاری روبروست.

در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی، کماکان انواع آلودگی هوا و آلودگی‌های محیطی در حال افزایش است. منابع طبیعی از جمله جنگل‌های چند صد هزار ساله شمال کشور در معرض نابودی طبیعی و به ویژه نابودی به دســت بشر است. طبق آمار بیست درصد از جنگل‌های کشور در سی سال گذشته از دست رفته است. روند زمین‌خواری و خشک کردن جنگل‌ها و تبدیل آن بــه ویلا و اماکن دیگر ادامه دارد به گونه‌ای که رهبری معظم انقلاب اخیراً نسبت به انواع زمین‌خواری و مرتع‌خواری و حتی کوه‌خواری هشدار دادند و از مسئولان خواستند قاطعانه با آن برخورد کنند. نسل برخی از حیوانات کمیاب از جمله پلنگ ایرانی در خطر انقراض است و شکارچیان و قاچاقچیان وحوش، کماکان منابع طبیعی را در خطر گذارده‌اند. شیوع فســاد و اختلاس، بنیان‌های اعتماد جامعه را لرزان کرده و سرمایه‌های اجتماعی دیگر را از جمله مشارکت و انسجام اجتماعی را در خطر قرار داده اســت. در روابط بین‌الملل همچنان چالش‌های بزرگی داریم و بخشی از ثروت مردم در تله تحریم قرار گرفته و مسدود شده است. ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، فساد و طلاق کماکان میزان بالا و رو به رشدی دارد. در حوزه رفتارهای اجتماعی و شهروندی از جمله فرهنگ مسئولیت‌پذیری و نظم مشکلات اساسی داریم. در مواجهه با دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر شده‌ایم و مسائل بشدت متنوع دیگری، چهره جامعه را خراش و خدشه داده و می‌دهد. همه این شرایط البته نمی‌تواند و نباید جامعه را به سوی ناامیدی و یأس هدایت کند. بلکه باید علما، روشــنفکران و قشر مرجع فکری و علمی کشور را به این صرافت اندازد که تازه در آغاز راهیم و اساساً علم و مهارت در حوزه‌های مختلف، برای رفع همین معضلات است. قطعاً جامعه ایران، به لحاظ قوت و غنای تاریخی، فرهنگی و دینی خود توانایی و استعداد هضم و حذف همه این تنگناها را در خود دارد به شرطی که همه قشرهای تأثیرگذار بخصوص قشر الیت و مرجعیت فکری جامعه احساس مسئولیت را در خود زنده نگه دارد و با درایت و دانش، جامعه را در سیری مستمر و محکم و در مسیری روشن به پیش براند.



گفتگوی اختصاصی با دکتر پرویز کردوانی

نوروزهای پدر جغرافی ایران

دکتر پرویز کردوانی استادی است شناخته شده و نام آور. او به پرکاری شهرت دارد. تمام روزهارا به کارو تلاش و سفر و پژوهش می گذراند. آنچه می خوانید گفتگوی اطلاعات با این استاد ارزشمند است.

دکتر پرویز کردوانی

*** آقای دکتر کردوانی از نوروزهای گذشته‌تان و نوروزهای کودکی‌تان سخن بگویید.**

تا آنجا که یادم می‌آید، نوروزهای دوران کودکی من در منزل دایی‌ام گذشت. این چیزی است که یادم می‌آید. در منزل دایی‌ام مراسم نوروزی می‌گرفتند و هر سال شخصی را به آنجا می‌بردند که قدمش خوب باشد. چون فکر می‌کردند که پای من خوب است، می‌آمدند مرا به آنجا می‌بردند و کلی عیدی و کادو به من می‌دادند.

*** یعنی خوشقدم بودید؟**

بله، سه چهار سال خوشقدم محسوب می‌شدم و هر سال نوروز مرا به خانه دایی‌ام می‌بردند ولی بعدش نمی‌دانم چه شد که دیگر مرا نمی‌بردند و خواهرم را به آنجا می‌بردند! من از این موضـــوع اوقاتم تا مدت‌ها تلخ بود و ناراحت بودم با این حال، عیدی و کادوی من محفوظ بود.

*** دربارهٔ نوروزهای ولایت‌تان بگویید.**

چون پدرم شخص اول آن منطقه بود، نوروز ما بسیار وسیع بود. همان روز اول عید، تقریباً همه به دیدن پدرم می‌آمدند و کسی نمی‌ماند برای روز دوم، تقریباً کسی نمی‌ماند. مراسم اصلی در تالار اصلی برگزار می‌شد. در آنجا که پدرم حضور داشت، با اینکه به‌طور مفصل شیرینی می گذاشتند، مردم چیزی نمی‌خوردند، به احترام پدرم که بزرگ منطقه بود، اما در اتاق‌های دیگر چیزی نمی گذاشتند و هرچه بود، می‌خوردند تمام می‌کردند! بعد افراد دســـته دسته می‌آمدند و از پدرم عیدی طلب می‌کردند. بزرگ روستای رایکان شخصی بود به نام تقی که از پدرم خجالت نمی‌کشید و قبل از همه او می‌گفت: که ارباب ما عیدی می‌خواهیم.

*** پدر هم عیدی می‌داد؟**

عیدی می‌داد، ولی نه عیدی نقدی چون در آن زمان پول فقط در دو فصل از ســـال موجود بود: بعد از کشت تابستان و بعد از کشت پاییز. در این رو موقع پول به وفور به دست پدرم می‌رسید ولی آنها را یا خرج می‌کرد، یا قرض می‌داد، یا ملک می‌خرید و تمام می‌شـــد و دیگر چیزی برای شب عید نمی‌ماند. شب عید و خود عید بی‌نقدینگی‌ترین موقع سال ما بود. به همین جهت، عیدی‌هایی که پدرم می‌داد، حواله گندم و آرد بود. حواله می‌داد که اشخاص بروند از آسیابان پنج خروار یا سه خروار آرد و گندم بگیرند. هر خروار ۳۰۰ کیلو بود و حدود ۴۰ گروه این حواله‌ها را می‌گرفتند و می‌رفتند.

*** حواله‌ها را چه کسی می‌نوشت؟**

پدرم می‌خواست که من بنویسم ولی من خجالت می‌کشیدم و خواهرم که ۱ سال از من بزرگتر است حواله‌ها را می‌نوشت. متن حواله هم این بود: عالیجاه، فلانی آسیابان کردوان! یا آسیابان قاطور: مقدار سه خروار آرد تحویل آقای تقی احدی بدهید و در حساب محسوب کنید.

اشـــخاص حواله را می‌گرفتند و می‌رفتند و غالباً آنجا سر تقسیم این چند خروار دعوایشان می‌شد. یکی می‌گفت سهم من بیشتر است، دیگری می‌گفت سهم من بیشتر است، چون من به ارباب گفتم که عیدی بدهد، پس من باید سهم بیشتری ببرم و این قبیل دعواها، گاهی سر این قبیل اختلاف‌ها سر تقسیم، حواله پاره می‌شد و از بین می‌رفت.

*** شما چه کار می‌کردید دی در عیدها؟**

روز اول که در خدمت پدرم بودیم و بعد ایشان را می‌فرستاد که دیدن افرادی بردیم که به منزلمان آمده بودند. پسر ارباب بودم و باید به دهات مختلف سر می‌زدم و بازدید پس می‌دادم. من پســـر هفتم ارباب بودم و غالباً به ره امام سرباز می‌رفتیم. چون هوا گرم بود، بعد از ظهرها به بازدید می‌رفتیم. به کل ده ســـر می‌زدیم و توی ده می‌پیچید که: پرویز آقا، پســـر ارباب آمده است. ما به مباشرمان می‌گفتم که کجا خواهم رفت، او هم به اهالی اطلاع می‌دادند که پســـر ارباب می‌آید و مردم آماده می‌شوند. چون خانه‌ها حدود ۶۰ـ ۷۰ منزل بود، وارد هر خانه‌ای که می‌شدم، دور می‌زدم و از کنار سفره رد می‌شدم و همراهان هم پشت سر من می‌آمدند و یک نخودچی برمی‌داشتیم و خارج می‌شدیم، می‌رفتیم به یک منزل دیگر.

*** چه جالب!**

آخرین جایی که می‌رفتم، خانه بزرگ آن ده بود. یکبار یادم هست هوا تاریک شده بود و رفتیم به منزل مشهدی محمد که بزرگ ده بود. وقتی رفتم، گفتم که هوا تاریک شـــده است. زود چایی بیاورید که بخوریم و برویم. کمی صبر کردم دیدم خبری نشد. یک وقت یک نفر گفت: ارباب! ما در مشهدی محمد دیده که جمعیت زیاد است. سرش را کرده توی صندوق، دارد آب نباتها را خورد می‌کند. آن موقع قند نبود. مردم شکر می‌گرفتند و خودشان آب نبات درست می‌کردند. خلاصه من همین موضوع را بهانه کردم و گفتم: خیلی کار دارم و باید بروم.

*** این وصف کلی همه عیدهای شما در روزگار اربابی است.**

بله، تقریبـــاً وضع به همین صورت بود. البته دید و بازدید مردم محلی جایی مثل جوزا خیلی گســـترده بود و فروردین تا خرداد ادامه داشـــت وزنها دسته دسته به دید و بازدید می‌رفتند. معمولاً از ۱ ظهر تا ۴ بعد از ظهر همه جا خلوت بود، چون هوا گرم بود. مجبور بودند استراحت کنند و کار دید و بازدید از ساعت ۴ و ۵ شروع می‌شد و تا شب ادامه داشت.

> **در منزل دایی‌ام مراسم نوروزی می‌گرفتند و هر سال شخصی را به آنجا می‌بردند که قدمش خوب باشد. چون فکر می‌کردند که پای من خوب است، می‌آمدند مرا به آنجا می‌بردند و کلی عیدی و کادو به من می‌دادند!**

*** در کودکی برای مراســـم عید نوروز ذوق داشتید؟**

خیلی زیاد، چون عید برای ما سمبل پول و عیدی و کادو بود و طبیعتاً خیلی ذوق داشتیم. در عید نوروز داستان مفصل بود. داستان مفصل دیگر مربوط بود به عید قربان. پدرم در عید قربان برای من و برادرم سه قربانی می‌کشت. یادم هست که از دو سالگی من، این کار انجام می‌شد و قصابی که قوچ یا بز را می‌کشت، چاقو را می‌داد دست خود من که مثلاً پرویز آقا قربانی را می‌کشد. مادرم هم می‌ایستاد نگاه می‌کرد که پسرم این کار را می‌کند. چاقو را که می‌گذاشت گردن قوچ، جایش را نشان می‌داد که یک کم که بریده می‌شد، می‌گفت شما ذبح کردید و بقیه‌اش را خودش انجام می‌داد. یکی دیگر از مواردی که یادم هســـت،

ماجراهای روز عاشوراست. در عاشوراها، در امامزاده قاطول علم‌ها حرکت می‌کرد از نقطه‌های مختلف تا می‌رسید به چار راهی که محل تلاقی بود و از آنجا دسته جات می‌رفتند به قاطور. مادرم مرا کتل می‌کرد من می‌شدم علی اصغر. قشنگ یادم است. این ماجرا از ۳ سالگی‌ام یادم مانده ولی چهرهٔ مادرم که در ۱۰ سالگی‌ام از دنیا رفت، یادم نمانده و قیافه مادرم یادم نیست و فراموش کرده‌ام.

*** مگر می‌شود که ۲ ، ۳ سالگی آن یادتان باشد ولی چهرهٔ مادر را فراموش کرده باشید؟**

معماست! علتش این است که در ۲، ۳ سالگی لباس‌های عربی تن می‌کردند و سوار اسبم می‌کردند و از این ده به این ده می‌بردند. چون بچه بودم و خوف افتادن از اسب بودم، مادرم دو نفر را مأمور کرده بود که یک نفر این طرف اسب پایم را بگیرد، یک نفر، آن طرف اسب و یک نفر هم از جلو، دهنهٔ اسب را می‌کشید. در این مراسم سرهمه کاه می‌پاشیدند و ما همین جور می‌رفتیم تا می‌رسیدیم به چهارراه که اوج ماجرا بود و قمه زنها و سینه زنها قمه می‌زدند و تا ساعت ۱۲ این مراسم ادامه داشت. تعزیه خوانی بود که از ریکا می‌آمد و یا روز تعزیه می‌خواند و می‌رفتیم منزل دوستان و خویشان برای خوردن غذا، اینجا لباس وکتل و... را برمی‌داشتند و کسی که همراه من بود، مرا سوار اسب می‌کرد و برمی‌گرداند به روستای خودمان. این ماجراها در کودکی من روی داده و من همیشه آنها را به یاد می‌آورم. ییلاق رفتن را هم فراموش نمی‌کنم که با شتر می‌رفتیم و مرا می‌بستند به شتر، شب حرکت می‌کردیم. ۳۰ کیلومتر راه می‌رفتیم و تا قبل از گرمای روز می‌رسیدیم و شب می‌ماندیم و شب دوباره به راه می‌افتادیم و ۳۰ کیلومتر دیگر می‌رفتیم تا برسیم به آنجا. این ییلاق رفتن با شتر هم داستانی دارد. مرا به شتر اول می‌بستند...

*** داستانهای شما که تمامی ندارد. از نوروز که بحث اصلی است منحرف شدیم. اجازه بدهید از نوروزهای شهری شما و ایام بعد از ازدواج سوال کنم.**

بعد از ازدواج، معمولاً ایام عید را به منزل پدر خانم می‌رفتیم. رسم بود که همه می‌آمدند و همه دامادها حاضر می‌شدند. آقای گلبو پدر همسرم به همه عیدی می‌داد و عیدی نفری یک سکه بود. ایشان همه به دخترهایش یک سکه می‌داد، هم به ما دامادها. به بچه‌ها هم پول می‌داد. روز اول عید به این صورت سپری می‌شد. روزهای دوم عید هم مراسم در منزل خواهر بزرگ من بود. فامیل هم دسته دسته از گرمسار می‌آمدند و موج آدم بود که می‌آمد و می‌رفت. ما هم باید به صورت متقابل به منزل اشخاصی که آمده بودند می‌رفتیم و بازدید پس می‌دادیم. یادم هست وقتی به بازدید می‌رفتیم، جایی که پول و عیدی‌اش خوب بود، پسرم علی حرفی نداشت ولی جایی که پول و عیدی نمی‌دادند، یا کم می‌دادند، بلافاصله می‌گفت: برویم! برویم. اینجا نمانیم. نعمت الله خان که شوهرخواهرم بود، به بچه‌ها عیدی خوبی می‌داد. بچه‌ها مشتری نعمت الله خان بودند ولی منزل شوهرخواهر دیگر را نمی‌پسندیدند!

*** ایام عید آیا همچنان به تحقیق و تألیف مشغول می‌شوید؟**

معمولاً در ایام عید هم دعوتهایی هست که به کویر و بیابان بروم. من هم از این فرصت‌ها استفاده می‌کنم و می‌روم.

*** نظر شما دربارهٔ عید نوروز چیست؟**

عید نوروز عید ما ایرانیان است. لازم است این عید را به همه ایرانیان تبریک بگویم. من الان جز بابابزرگ‌ها محسوب می‌شوم. رسیده‌ام به ۸۵ سالگی. پس باید این عید را به همه فرزندانم تبریک بگویم. بد نیست به خاطره‌ای از مرحوم دکتر باستانی پاریزی اشاره کنم. در یکی از عیدها باهم در دانشگاه ملاقات کردیم. پرسید: کجا می‌روی فلانی‌ها گفتم: می‌روم به رئیس دانشکده تبریک عید بگویم. گفت: من هم می‌آیم. باهم رفتیم. در حضور رئیس دانشگاه بجای اینکه بگوید: انشاء الله زنده باشید تا ما عید را به شما تبریک بگوییم، گفت: انشاء الله هر سال زنده باشیم تا بیاییم به شما تبریک بگوییم. گفت: دعا کنید من و دکتر کردوانی هر سال زنده باشیم تا بیاییم به شما تبریک بگوییم. من هم می‌گویم: انشاء الله ما هم زنده و سرحال باشیم تا بتوانیم عید را به همه تبریک بگوییم. من خودم را جوان می‌دانم و به‌عنوان یک جوان ۸۵ ساله عید را به همه تبریک می‌گویم و می‌گویم: سخت نگیرید و عید را به خودتان سخت نگیرید و تلخ نکنید. گذشته رفته و کاری نمی‌توان کرد. آینده هم که نامعلوم است. فعلاً عید است و در این عید مردم تا می‌توانند لذت ببرند. این تنها چیزی است که من می‌توانم بگویم.

گفتگو با خانم فریده گلبو (کردوانی)

نوروزهای داستان‌نویس

اشاره: فریبا گلبو، داستان‌نویس معاصر است. او بیش از ۲۰ کتاب داستان نوشته است و در میان آثارش، داستانی کردن سروده‌های حکیم نظامی گنجوی نیز به چشم می‌خورد.

از ویژگی‌های داستان‌های خانم فریده گلبو می‌توان به نثر زیبا و درست، فضاسازی دقیق و بطور خاص‌عنصر جذابیت اشاره کرد. آخرین اثر داستانی این نویسنده در بهمن ماه سالی که گذشت به چاپ رسید با نام: پانزده روز در پاریس. آنچه می‌خوانید بخشی از گفتگوی تفصیلی ما با این داستان‌نویس دانشور است.

*** خانم گلبو؛ از نوروزهایی که پشت سر نهاده‌اید سخن‌بگویید.**

اگر بخواهم در یک کلمه جواب شما را بدهم، باید بگویم که ما نوروزهای بی‌نظیری داشتیم. نوروزهای کودکی من و خواهرانم در منزل بزرگ پدری‌ام گذشت که برای من پر از خاطره است. آنچه از روزهای عید آن سال‌ها به خاطر می‌آورم، بوی سبزی‌پلو ماهی است و صف عیدی گرفتن. این صف عیدی حتی بعد از ازدواج ما نیز ادامه داشت و به جای ما نوه‌ها برای گرفته سکه‌های طلا از مرحوم پدرم صف می‌کشیدند. هنور سفره‌های هفت‌سین دوران کودکی‌ام در میزهای مجلل را به خاطر می‌آورم. از خلال رفت و آمدهای زیادی که داشتیم، نوروزهای پر و پیمان شاد و خاطره‌انگیزی را به خاطر می‌آورم. این نوروزها تا زمانی که پدر و مادرم از دنیا رفتند، جریان داشت و بعدها هیچ‌وقت تکرار نشد.

*** در نوروزهای سال‌های دوران کودکی چه چیزی برای شما جذاب بود؟**

در دوران کودکی، عیدی گرفتن و شیرینی خوردن و لباس نو پوشیدن خیلی جذاب بود ولی در بزرگی، جذابیت عید یک چیز دیگر است و انسان درک می‌کند که نوروز یک عنصر جذاب و محکم و ماندگار و تاریخی است که سبب پیوند یک ملت ریشه‌دار است و همین ارزش و احترام مضاعفی را برمی‌انگیزاند. تمام ویژگی‌های عید نوروز ـ که عید ملی ما ایرانیان است ـ قابل تحسین است. تا همین چند سال پیش خانه‌تکانی به مناسبت عید چنان زیاد و گسترده بود که انسان وقتی در کوچه راه می‌رفت، احساس می‌کرد که در کل شهر مراسم غبارروبی برگزار می‌شود و شمال و جنوب در این موضوع اشتراک داشتند.

خود هفت‌سین سمبل بسیاری از چیزهای خوب است که کمتر کسی آن‌ها را نمی‌داند.

سین‌های موجود در هفت‌سین، با وجود اختلاف تفسیرها، سمبل زندگی است و تداوم نسل و ماندگاری و بقای زندگی و سرشاری حیات. همه چیز نوروز خوب و قشنگ است.

*** میزان عیدی‌های دوران کودکی را به خاطر می‌آورید؟**

به یاد آوردن عیدی‌هایی که ۶۰ ـ ۶۵ سال از آن‌ها گذشته راحت نیست. حدس می‌زنم که اوایل اسکناس یک تومانی می‌گرفتیم ولی بعدها یادم هست که پدرم به همه فرزندانش سکه طلا می‌داد. از جمله من. عیدی من زیاد می‌شد ولی چون دست به باد دادنم خوب بود، همه عیدی‌هایم را خیلی زود بر باد می‌دادم و تمام می‌شد و حیف و میل می‌شد.

*** عیدهای تازه یا این سال‌های شما چگونه می‌گذرد؟**

صادقانه بگویم که حال و هوای عیدهای سابق دل نسل ما وجود ندارد. می‌دانم که خیلی‌ها عید برایشان خاص است. ما در گذشته عیدی‌های خوبی داشتیم. تماس لباس‌های ما از سر تا پا نو می‌شد و مادرم برای همه ما لباس‌های تازه


خانم فریده گلبو

تهیه می‌کرد و می‌پوشیدیم. عین این کارها را ما هم برای فرزندان خودمان انجام می‌دادیم ولی حالا دیگر سنی از ما گذشته است و جوانترها حتماً آداب و تشریفات عید را رعایت‌می‌کنند.

*** درباره نو شدن زندگی در بهار چه نظری دارید؟**

حتماً چنین است که با بهار زندگی نو می‌شود. اساساً انتخاب اول بهار برای عید، جذابیت زیادی دارد: شکفتن شکوفه‌ها و سبز شدن سبزه‌ها و درخت‌ها پر از زیبایی است و زندگی را نوید می‌دهد. نوروز، فراموشی مرگ و حرکت به طرف زندگی است. نور و خورشید در نوروز برای انسان تازگی پیدا می‌کند.

*** می‌توانید بگویید بهترین نوروز شما کدام نوروز بود، از سال ۱۳۱۹ که سال تولد شماست تا الان که وارد نوروز ۱۳۹۴ می‌شویم.**

> **تمام ویژگی‌های عید نوروز قابل تحسین است. تا همین چند سال پیش خانه‌تکانی به مناسبت عید چنان زیاد و گسترده بود که انسان وقتی در کوچه راه می‌رفت، احساس می‌کرد که در کل شهر مراسم غبارروبی برگزار می‌شود**

تفکیک این همه نوروز از هم سخت است. ما در گذشته نوروزهای خوبی داشتیم و شاید آن حال و هوا هیچ وقت برای ما تکرار نشود. هر کسی فقط یک بار فرصت دارد که از مسیر عمر عبور کند. ما در عمرمان تنها یک بار کودکی را تجربه می‌کنیم و کودکی می‌کنیم. آن شرایط قابل تکرار نیست. یادم هست که در روزهای اول عید در منزل پدرم شاهد تراکم مهمان بودم. اگر نگویم تهاجم مهمان، باید بگویم تراکم مهمان جریان داشت، اما نمی‌دانم آن تراکم در کجا قابل مشاهده است؟ در این روزگار مردم مشغول اینترنت و گوشی‌های تلفن و موبایلشان هستند و خودشان را سرگرم می‌کنند و دم به تله مهمانی و دید و بازدید کمتر می‌دهند.

*** در عین حال، زیبایی نوروز در جای خودش محفوظ است.**

زیبایی نوروز در ذات نوروز است. به لحاظ فصلی، عید نوروز موقعیت ویژه‌ای دارد.

*** بخش رنج آلود عید نوروز برای عده‌ای انجام تکالیف مدرسه و نوشتن مشق و حساب بوده. آیا شما هم چنین بودید؟**

نه! من شاگرد زرنگی بودم و اصلاً تا به الان هم این اخلاق با من است که همه کارهایم را زود انجام می‌دهم و نمی‌گذارم به آخر وقت بماند. همیشه اینگونه بوده‌ام که خودم را از فشار این احساس که کاری نکرده و بر زمین مانده دارم، آسوده می‌کنم. این اخلاق همیشه با من بوده است.

*** به عنوان یک داستان‌نویس آیا نوروز برای شما متفاوت‌تر از بقیه نیست؟**

گمان نمی‌کنم. من خودم را یک قصه نویس ساده می‌دانم. من کی هستم که ادعای نگاه ویژه داشته باشم، اما شما بهتر از من می‌دانید که هرکسی نگاه مخصوص خودش را دارد و امکان ندارد که دونفر، به یک چیز نگاه یکسانی داشته باشند. هر انسانی نگاه خودش را دارد. من در آخرین کتابم «پانزده روز در پاریس» می خواستم یک پدیده زیر دو نگاه را نشان بدهم که نمی‌دانم چقدر موفق بوده‌ام. هر پدیده‌ای زیر چند نگاه به چند صورت دیده می‌شود. نوروز هم شامل همین قاعده است. بخش زیادی از نگاه به حال درونی انسان بستگی دارد. شکل ما در آینه مقعر و محدب نشان می‌دهد که فرم آینه هم در نوع دیده‌شدن مؤثر است. من درباره نورز چیزی ننوشته‌ام جز آنچه در رمان «جادو» نوشته‌ام با عنوان: انگار نوروزی بود که در حضور جمشید برگزار می‌شد.

در گذشته بله، ولی الان نه. اصولاً من جزو طبایع خیلی شاد نیستم. البته جزو گروه غمگین هم نیستم ولی می‌دانم که زندگی را باید با خوشی گذراند. من کسانی را که الکی خوش هستند، سطحی و مبتذل نمی‌دانم. به طور کلی، زندگی را باید الکی خوش بود، والا زندگی دولکی ندارد! حق با کسانی است که الکی خوش هستند.

*** سوالاتم از نوروزهای شما تمام شد. فکر می‌کنید که آقای دکتر کردوانی نوروزهای خوبی داشته‌اند؟**

همین مقدار می‌توانم بگویم که آقای دکتر کردوانی حتما نوروزهای مفصلی داشته است. پدر ایشان بزرگترین فئودال یک منطقه بوده و برای خودش تشکیلاتی داشته است با زنان متعدد و فرزندان متعدد. شنیده‌ام میزان حضور نوه و نتیجه در دور و برش آنقدر زیاد بوده که اصلاً افراد را نمی‌شناخته است. نوع زندگی خانوادگی شوهرم با نوع زندگی ما فرق داشت. پدر من آداب و رسوم شهری را مراعات می‌کرد.

*** نوروزهای مشترک با آقای دکتر کردوانی چگونه بود؟**

اگر بخواهم صادقانه به این سؤال جواب بدهم، دکتر کردوانی همیشه کار داشت و مشغول کارهای متعدد خودش بود. البته در منزل خواهربزرگ ایشان همه ساله مراسم نوروز به طور مفصل برگزار می‌شد و به منزل پدری من هم می‌آمدند.

*** با این حساب، حساب دکتر کردوانی از نوروز جدا می‌شود.**

چرا با ایشان هم در نوروزها چند روزی را به رفت و آمد اختصاص می‌داد ولی در یک کلام دکتر کردوانی اهل رزم است، اهل بزم نیست. کاراد، کاراست وبس، به عنوان مثال، همین امروز از صبح چند دسته خبرنگار به این خانه آمده‌اند و رفته‌اند. در ایام نوروز هم کار می‌کند و حداقل سه سفره کاری در ایام نوروز انجام می‌دهد. بعد از آن هم یا می‌خواند، یا می‌نویسد یا تز دانشجویانش را بررسی می‌کند. من اگر بخواهم به کارهایی که دکتر کردوانی انجام می‌دهد، فکر کنم، باید کارهای خودم را کنار بگذارم و شغل تازه‌ای را شروع کنم و همین، یک شغل است که ببینیم ایشان چه کار می‌کند!

به همین جهت، من فقط می‌توانم کار خودم را انجام بدهم.

*** گفتگوی ما در حال اتمام است. اگر سخن پایانی دارید، بفرمایید.**

این عید را به ایرانیان عزیز تبریک می‌گویم. امیدوارم روزهای خوبی در ایام نوروز داشته باشند.

امیدوارم درد و رنج و غصه نداشته باشند. من همیشه می‌گویم: خدایا اگر غم و غصه لازمه زندگی است، آن را به گونه‌ای قرار بده که برای انسان‌ها قابل تحمل باشد. این چیزی است که من از خدای خودم می‌خواهم یا می توانم بخواهم و برای هموطنانم دعا می‌کنم.



نوروز در گستره ایران فرهنگی

• شهرداد روحانی

نوروز به عنوان یکی از جشن‌های باستانی و یکی از میراث معنوی بزرگ تاریخ بشر، هر سال در سراسر ایران فرهنگی (یعنی تا آنجا که به زبان فارسی سخن می‌گویند و فرهنگ ایرانی راه یافته و گسترده شده) جشن گرفته می‌شود. جشنی که قدمت آن به زمان هخامنشیان می‌رسد و در طول تاریخ و با وجود فراز و نشیب‌هایی که ملت ایران از سر گذرانده، همچنان استوار و پابرجا مانده است. این جشن با همین نام یا با نام‌های مشابه در کشورهای مختلف برگزار می‌شود و حضور گسترده ایرانیان در این سو و آن سوی جهان موجب شده که مردم سایر ممالک هم با این جشن و زیبایی‌های آن و با فلسفه شاد زیستی، صلح‌جویی و احترام به طبیعت، که نزد مردم ایران گرامی داشته می‌شده و می‌شود آشنایی یابند. در شاهنامه فردوسی که به نحوی راوی تاریخ و عظمت باستانی ایران زمین است، حکیم توس به نوروز و شادمانی مردم در آغاز سال، اشارات درخور توجهی دارد:

به جمشید بر، گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو، هرمز فروردین
برآسود از رنج تن، دل ز کین
به نوروز نو، شاه گیتی فروز
بر آن تخت بنشست فیروز روز
بزرگان به شادی بیاراستند
می و رود و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

موسیقی بهار و موسیقی نوروز در حقیقت مهمترین قطعه از موسیقی روح ایرانی است که درونمایه‌های آن در تازه‌شدن طبیعت و سرمستی گل و سبزه و چمنزاران نمایان می‌شود. موسیقی بهار که برآمده از شکفتگی طبیعت و زایش رود و رامش و رقص برگ‌وباران است نه تنها جلوه‌ساز درونیات روح ایرانی بلکه نقطه آغاز و عزیمتی است برای همدل‌شدن با طبیعت، و ساختن جهانی نو و این میل و آرزوی جان‌افزا را حضرت حافظ با بیان بی‌نظیر خود پیش روی ما می‌گذارد:

بیا تا گل برافشانیم و می‌در ساغر اندازیم
فلک‌را سقف بشکافیم و طرحی نودراندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

انتظار می‌رود در آستانه بهار، که وزش باد نوروزی چهره جهان را تغییر داده و طراوتی روح‌افزا زمین و زمان را در بر می‌گیرد و شکوفه‌ها خبر از رسیدن فصلی نو می‌دهند ما انسانها هم با تأمل در این تغییرات زیبا و معنادار، در باب هستی و درباره معنای زندگی بیشتر فکر کرده و برای برخورداری از جهانی بهتر و انسانی‌تر در نوع مناسبات فردی و اجتماعی خودمان بیشتر دقت کنیم. من اخیراً کتابی را مطالعه می‌کردم که معرفی آن را اینک و در چنین روزهایی بی‌مناسبت نمی‌دانم.

کتاب «رساله‌ای کوچک درباره فضیلت‌های بزرگ» نوشته آندره کنت اسپونویل یکی از کتابهای خوبی است که در ایران هم ترجمه شده و علی‌رغم اینکه نویسنده آن یک استاد فلسفه در دانشگاه سوربن است ولی برخلاف برخی از آثار فلسفی که سنگین و پیچیده نوشته می‌شوند و مطالعه آنها برای همگان سخت است، به سادگی از مفاهیم و فضیلت‌های بزرگ انسانی حرف می‌زند و دنیای زیبایی از صفات و رفتارهای انسانی را در برابر ما قرار می‌دهد. این کتاب بیشتر از اینکه مباحثی را درباره اخلاق نظری ارائه دهد، به اخلاق عملی می‌پردازد و این مهمترین ویژگی کتاب است. زیرا تا زمانی که نظریه‌پردازی‌های اخلاقی و فلسفی به صورتی که همگان متوجه آن شده و بتوانند در زندگی خود از آن بهره‌مند شوند، ارائه نشوند به تغییری که از این طریق در وضع بشر می‌تواند بوجود بیاید کمتر می‌توان امیدوار بود ولی به نظرم این کتاب، زیبایی و طراوت زندگی اخلاقی و همین طور پژمردگی و افسردگی ناشی از فقدان زندگی اخلاقی را بهتر پیش چشم ما قرار می‌دهد. می‌دانیم انسانی که اخلاقی زندگی نمی‌کند، تعادل زندگی خود را کم کم از دست خواهد داد و دچار تشویش و تنش خواهد شد اما موضوع مهم این است که اول باید پرسید که زندگی اخلاقی چیست و چرا ما باید اخلاقی زندگی کنیم و اگر اخلاقی زندگی کنیم چه پیش خواهد آمد و چه پیش نخواهد آمد؟ به نظرم جواب خیلی از این سوالات در این کتاب آمده و مطالعه آن بسیار سودمند است.

و اما سخن آخر اینکه در آستانه نوروز و بهار ۱۳۹۴ برای ملت عزیز ایران و بویژه همه کسانی که برای اعتلای فرهنگ و هنر در این سرزمین می‌کوشند تا چراغ فرهنگ، هنر و معرفت همواره روشن و درخشان باشد آرزوی توفیق دارم و با تقدیم گرم‌ترین درودها به مردم ایران با سعدی شیرازی (شاعر عشق و زندگی) هم‌سخن می‌شوم:

برآمد باد صبح و بوی نوروز
به کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز

جامعه‌شناسی سرطان‌های اجتماعی

● دکتر غلامرضا غفاری
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

جامعه شناسی به عنوان شاخه ای از علوم اجتماعی در راستای تصریح بخشی بیش تر ورفتن به سوی نگاه انضمامی تر، به رغم این که بر درک و فهم کلیت واقعیت های اجتماعی پای می فشارد، لاجرم قائل به زیر شـــاخص های تخصصی نیز برای خود شده است که صاحب نظران هر زیرشاخه اهتمام و تمرکز فکری و چه بسا سیاستی خود را مصروف کاویدن ابعاد پیدا و ناپیدای موضوعات و مسائل شاخه تخصصی مورد علاقه خود می کنند. شاخه مطالعه مسائل و مشـــکلات اجتماعی که ازقضا از قدیمی ترین شاخه های جامعه شناسی هم هست؛ یکی از این شاخه ها است که آن چنان که از نام آن برمی آید حوزه کاری خود را مسائل اجتماعی اختیار کرده است. مسائلی که از طیف نسبتا وسیع و گسترده ای هم برخوردار است. به گونه ای که حتی شاخه هایی چون: آسیب های اجتماعی، انحرافات و جرایم اجتماعی را هم تحت پوشش خود دارد. افزون بر این تجربه نشان داده با توجه به اهمیتی که برخی از مسائل در حیات و مناسبات اجتماعی و سیاسی پیدا می کنند، مسائلی که به مثابه سرطان اجتماعی تاروپود و ساختار جامعه را نابود می سازند، سرطانی که فقط یک نوع نیست بلکه انواع گوناگونی هم دارد؛تا جایی که عنوان می شود به جای سرطان اجتماعی باید از سرطان های اجتماعی یاد کرد که هر کدام می توانند خود در قامت شـــاخه ای مستقل و مورد اعتنا ظاهر شوند وچه بسا که حسب ضرورت و اهمیت در حوزه آکادمی بخش، گروه و مرکز مستقلی را هم به خود تخصیص دهند. یکی از این سرطان های اجتماعی سرطان فساد است که جامعه شناسی فساد بر مطالعه نظری و تجربی آن تمرکز می کند. شاخه ای که در نیمه دوم قرن بیستم توسط العطاس، جامعه شناس مالزیایی مطرح شد که تمرکز کار خود را بیشتر بر فساد نظام اداری وسیاسی، ناکارایی و اتلاف هایی که نظام دیوانی کشور های آسیایی داشت قرار داده بود. البته نباید فراموش کنیم که قبل از العطاس، میردال اقتصاددان در اثر معروف خود به نام درام آسیایی، فساد اداری وسیاسی را مانع اصلی توسعه نیافتگی قاره آسیا دانسته بود. در سال های آغازین بحث های مربوط به جامعه شناسی فساد، اصولا فساد به عنوان مسئله جهان



سوم به خصوص کشـــورهای آفریقایی شناخته می شود. چراکه بر اساس شاخص احساس فســـاد در سال ۲۰۰۷ تنها یک کشور غیرغربی (کشور سنگاپور) در فهرست کشورهای دارای کم ترین فساد قرار داشت و از بین ۳۰ کشوری که در قعر جدول شاخص احساس فساد قرار گرفته بودند، ۱۳کشور از قاره آفریقا بودند.

به هر حال نوشته های شاخه جامعه شناسی فساد، فساد سیاسی واداری را در معنای سوء استفاده از اختیارات و قدرت دولتی برای کسب منافع شخصی، گروهی و حزبی تعریف کرده اند. تعریفی که می تواند برای رده های میانی وکلان دستگاه های دولتی به کار گرفته شود.فساد سیاسی و اداری تعیین کننده ای کلیدی برای وقوع جرایم اقتصادی کلان است. اصولا به دلیل پیامدهای ملی آن ها بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از آن ها در حوزه های اقتصاد سیاسی بحث می شـــود. در نزد عالمان و اقتصاددانان سیاسی و نیز اخلاق تجارت، فساد به عنوان واقعیتی پیچیده و چندسطحی است. شواهد نشان از این واقعیت دارندکه سرطان فساد اداری و سیاسی در ایران در دهه اخیر تشدید شده وعلاج ودرمان آن به مسئله ای مهم برای حاکمیت تبدیل شده است.چراکه فساد نه تنها مشروعیت حکومت بـــلکه مشروعیت ومقبولیت جامعه را نیز دچار زوال و فرسایش می سازد؛ سرطانی است که به سرعت ریشه ها و تاروپود خود را در بخش های مختلف جامعه می گستراند و به تبع آن اذهان اجتماعی را به سمت بی اعتمادی، یاس وناامیـــــدی می کشاند.سرطان فساد موجب از دست رفتن جامعه می شود. استیگلیتز، اقتصاددان برنده جایزه نوبل در کتاب جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، فصلی را

تحت عنوان: «چه عواملی باعث از دست رفتن روسیه شد» نام گذاری کرده است. در این فصل عنوان می کند که به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی، فسادی فراگیر در جامعه استقرار پیدا کرده و موجب این طرز فکر شده بود که اگر من نبرم کس دیگری خواهد برد و هرکس هر چه را که به دستش می رسید می دزدید. سرمایه اجتماعی روسیه در دوران گذار بسیار تنزل کرد. ثروتمند شدن دیگر نتیجه سرمایه گزاری و سخت کارکردن نبود، بلکه از طریق پارتی بازی وسودجویی از خصوصی ساختن صنایع و دارایی دولت بود. دولتی که از یک سو ادعا می کرد دارای بودجه کافی برای پرداخت حقوق بازنشستگی کارمندان خود نیست؛ از سویی دیگر دارایی مردم را با قیمت های بسیار ناچیز به الیگارشی روسیه واگذار می کرد. همین کجروی ها باعث عدم اعتماد مردم به دولت و تضعیف قرارداد اجتماعی بین مردم و دولت شد. قراردادی که لازمه حیات و دوام هر جامعه سالم است.

عالمان اجتماعی سلامت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را در نبود فســـاد اداری جست وجو می کنند. امری که مورد اعتنای بانک جهانی و سازمان شفافیت بین الملل نیز قرار گرفته است و سازمان غیرانتفاعی شفافیت بین الملل در گزارش های سالیانه خود وضعیت سلامت اداری کشورها را گزارش می کند. در سال ۲۰۱۲ این رتبه برای ایران ۱۳۳ بوده است. بنا به برآورد این سازمان در سال ۲۰۱۳ ازبین ۱۷۷ کشور جهان، کشورهای دانمارک و نیوزلند با نمره ۹۱ از ۱۰۰، رتبه نخست سلامت اداری وکشورهای فنلاند، سوئد، نروژوسنگاپوربه ترتیب رتبه های ۲ تا۵ را از آن خود ساخته اند وکشورهای کره شمالی، سودان، لیبی، عراق، سوریه، ازبکستان و ترکمنستان در انتهای جدول قرار دارند. ایران درسال ۲۰۱۳ ازبین ۱۷۷ کشور جهان دارای رتبه ۱۴۴ است که در قیاس با رتبه سال ۲۰۱۲ نشان از تنزل دارد.لیکن در سال ۲۰۱۴ رتبه ایران عدد ۱۳۶ است که در مقایسه با سال قبل نشان از بهبود رتبه دارد هر چند که در این زمینه کشور نیازمند تلاش واهتمامی جدی است و در همین سال ایران در کنار کشورهایی چون کامرون، قرقیزستان، روسیه و نیجریه قرار دارد.

جامعه شناسی ســـرطان های اجتماعی و به صورت مشخص جامعه شناسی فساد تبیین های مختلفی را نسبت به چرایی و ریشه دواندن ســـرطان فساد ارائه داده است. تبیین هایی که ریشه در عوامل ریز و درشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارند که در سطوح خرد، میانی وکلان قابل ردیابی هستند. لیکن از بین همه عوامل مطرح شده این اجماع وجود دارد که به میزانی که قدرت صورت متمرکز پیدا می کند و دستیابی به منابع کمیاب در اختیار افراد و یا گروه های معینی قرار می گیرد احتمال بروز فساد قوت بیش تری می یابد. به گونه ای که عنوان می شـــود در غیاب پاسخ گویی، شفافیت، مطبوعات و رسانه های آزاد، استقلال قضایی، نظام بازرسی و حساب کشی کارا، پایداری قانون، فساد اداری واجتماعی تقویت می شود. در نتیجه می توان بر این نکته تأکید کرد که فرایندهایی چون: مردم سالاری، قانون گرایی، برنامه مداری و وجود نظام های نظارتی چابک و فعال می توانند فساد سیاسی و اداری را کاهش دهند.

نوروز و جهان ایرانی

● علیرضا افشاری



درباره برابری جشـــن نوروز با رویدادی کیهانی که نشانه پیشـــرفته بودن دانش گاه‌شـــماری در نزد ایرانیان است یا زیبایی‌شناسی آن که در هنگامه زایش طبیعت قرار دارد یا تفسیر و گزارش نمادهای آن که چگونه با دقت کنار هم چیده شده‌اند تا درس‌های بسیاری را برای دوستداران داشته باشند، سخن بسیار گفته شده است. اما درباره پیشینه‌اش و این‌که چگونه است که این‌چنین حوزه فرهنگی ایران را در بر گرفته کمتر خوانده‌ایم.

این روزها، به مناســـبت فرا رسیدن بهار و برگزاری جشن ایرانی نوروز، در خبرها بسیار از ۳۰۰۰ ساله بودن این جشن سخن می‌رود. نمی‌دانم این عدد از کجا آمده و آیا از همان تیره ۷۰۰۰ ساله بودن ایران، گاه‌شمار مادی، ۱۲۰۰۰ ساله بودن زرتشت و... است یا واقعاً مستند است؟ تا آنجا که خوانده‌ام، استنادی برای برپایی این جشن ـــ دست‌کم به این شکل ـــ برای پیش از هخامنشیان وجود ندارد. هر چند نشانه‌هایی از جشن‌های بومی ـــ هم‌چون جشن سالنو آکیتو در میان‌رودان ـــ را در چنین هنگامی، در مناطقی از سرزمین پهناوری که بعدها ایرانشهر را شکل دادند، می‌توان دید که به‌احتمال در شکل‌گیری نوروز امروزین مؤثر بوده‌اند. نکته مهمی که در این‌جا وجود دارد این است که در جهان باستان ـــ با توجه به نبودِ ارتباط میان مردمان دور از هم یا دست‌کم عدم ارتباط در حوزه‌ای پهناور ـــ چگونه این جشن در منطقه‌ای به این وسعت در کلیات این‌چنین مشابه برگزار می‌شود یا چه ضرورتی برای این هماهنگی وجود داشته است؟!

اگر نظر پژوهشگران جدید درباره تخت‌جمشید را مبنی بر برگزاری جشن نوروز در آن بپذیریم و با توجه به مستندات در نظر بگیریم که شاهان ـــ یا به سخن دقیق‌تر، استانداران و ساتراپ‌های جهان پهناور هخامنشی ـــ در چنین هنگامی در تخت‌جمشید گرد هم می‌آمدند تا درباره اوضاع و برنامه‌های‌شان زیر نظر شاه شاهان به رایزنی و گفتگو بنشینند (مانند یک مجمع عمومی) آن‌گاه شاید تصویر مقداری روشن شود. با توجه به آن‌که جهان هخامنشی تقریباً برابر جهانِ متمدنِ آن روزگار بود و تمام سرزمین‌های نویسا جزوی از آن به‌شمار می‌رفتند آشکار اســـت که دیوان‌سالاران آن هم از خردمندترین مردمان آن دوره جهان تشکیل شده باشد، چرا که چنین خرد و دانشی را در شیوه اداره کردنِ جهان به دست دیوان‌سالارانی که خود را پارسی ـــ بر پایه نظریه مستند دوست اندیشمندم، شروین وکیلی، در کتاب داریوش دادگر ـــ می‌نامند می‌بینیم. آنان نیاز به عنصری وحدت‌بخش در سنت‌های بومی سراسر این منطقه پهناور را درک کرده بودند و با توجه به تصویری که ما امروزه از جشنِ بزرگ نوروز می‌بینیم طبیعی است که آن را دارای پشتوانه‌ای نظریَ و متکی به تئوری‌ای دقیق بدانیم.

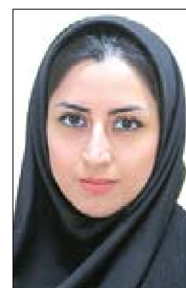
به نظر می‌رسد، شاهانِ جهانِ هخامنشی در هنگام گردهمایی سالانه‌شان با شکلی رسمی‌شده از این سنت که در آن مفاهیمی آشنا و بومی هم می‌یافتند (چرا که در نوروز، به احتمال، از آنجا که بهتر مورد پذیرش قرار گیرد از خرده‌عناصر جشن‌های بومی بسیار بهره برده باشـــد) روبه‌رو می‌شدند و با خود این شکل از اجرای سنت را به زادگاه‌شان می‌بردند و کم‌کم در جاهایی که جشن‌هایی هم‌چون نوروز وجود داشت آن جشن‌ها به شکل رسمی و مفاهیم به‌دقت اندیشیده‌شده در آن نزدیک می‌شد و در جاهایی که چنین جشنی وجود نداشت عیناً برگزار می‌شد و به این صورت در طی ۲۰۰ سال، و با وجود حکومتی مقتدر و دیوان‌سالاری منظمی که به گسترش ارتباط اهمیت می‌داد، این رسم آن‌چنان اُستوار گردید که در طی دوره‌های آشوب بسیاری که بر این سرزمین رفت شاید در بخش‌هایی دچار گوناگونی در اجرا گردید اما هم‌چنان پایدار است و یادآورِ دورانی است که مردمان این سرزمین‌ها با بودن در کنار هم توانسته بودند نه تنها بزرگترین قدرت زمان باشند بلکه گسترش‌دهنده‌نگاهی انسانی باشند...



گفتگوی اختصاصی با دکتر معصومه ابتکار

دنبال فعالیت سیاسی نیستم





● آرزو رستم زاد

قرار گفتگویی که با دکتر معصومه ابتکار، خبرسازترین زن دولت در سال ۹۳ داشتیم، مصادف با روزهایی شد که او بیشتر از همیشه در سیبل انتقادها قرار داشت. هجوم ریزگردها خوزستان را زیر لایه ای از گرد و غبار برده بود و منتقدان دولت این اتفاق را نتیجه سوء مدیریت رئیس سازمان محیط زیست می دانستند. با این حال ابتکار در این شلوغ کاری سیاسی، ساکت و بی سر و صدا جلسات کارشناسی اش را برگزار می کرد و کارها را پیش می برد تا به گفته خودش «دست پر» سراغ حل مشکل خوزستان برود.

معصومه ابتکار ، اولین زنی است که بعد ازپیروزی انقلاب به کابینه راه پیدا کرد و توانست به عنوان معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در دولت سید محمد خاتمی فعالیت کند. بعدتر، وارد شورای شهر تهران شد و به عنوان رئیس کمیته محیط زیست شورای سوم فعالیت کرد تا در دولت یازدهم دوباره راهی پارک پردیسان شود و بر صندلی ریاست سازمان محیط زیست بنشیند؛ سازمانی که در سال ۹۳ به بهانه های مختلف خبرساز شد. از حذف بنزین پتروشیمی گرفته تا مبارزه با زمینخواری در مناطق حفاظت شده و این اواخر، هجوم ریزگردها به استان های جنوبی و غربی کشور. با معصومه ابتکار درباره سالی که گذشت و اتفاقاتی که برای سازمان محیط زیست افتاد گفتگو کردیم که حاصل آن را می خوانید.

***خانم ابتکار ! در هر مسئولیتی که بوده اید مخالفان زیادی داشتید که شما را مورد هجمه قرار داده اند. چرا این قدر مخالف دارید؟**

به نظرم هر کسی که در مسیری کارش را با قاطعیت پیش می برد، یک عده مخالـــف دارد و یک عده موافق. باید صدای مخالفان را شنید. این مخالفت ها خیلی مفید است و ما باید از فرصت موجود به ویژه نظرات مخالفان منصف استفاده کنیم چون دیدگاه های آنها بخش پنهان ذهن ما را باز می کند و چیزی را که ما ندیده ایم، اشکالات کارمان و نواقص را به ما نشان می دهند. بنابراین من اغلب از انتقاداتی که مطرح می شود خیلی استقبال می کنم. حتی در شبکه های اجتماعی مرتب پیام های مخالفان را می خوانم. اما گاهی این مخالفت ها از حد انصاف و ادب خارج می شـــود که این توهین به خود آن فرد است وگرنه اثری روی من خواننده ندارد. اما در برخی موارد این مخالفت ها تبدیل به جریان های دیگری با نیت های دیگری می شود که رنگ و بوی سیاسی می گیرد و این که ما بخواهیم از آلام و دغدغه های مردم استفاده و موج سواری سیاسی کنیم تا حقانیت خود را نشان دهیم یا ایرادهای کار خود را بپوشانیم و امتیازی برای فعالیت های سیاســـی و انتخابات های بعدی بگیریم، به دور از انصاف است. فکر می کنم هیچ کدام از فعالان، نمایندگان و... این رفتار را نمی پسندند. جناح مخالف دولت سر موضوعات مختلف با سازمان زاویه پیدا کرده و منتظر فرصتی بود که این هجمه ها را وارد کند ولی ما هم باید وظایف خود را انجام دهیم. بنابراین خیلی نگران این تهمت ها نیستیم.

*** خیلی ها این مســـایل را شخصی می کنند، پای خانواده شـــما را وسط می کشند یا می گویند خانم ابتکار سیاســـی کاری می کند. شما معمولا موضع شفافی در این**



موارد اتخاذ می کنید. وقتی م. الف خطابتان می کنند شما مصاحبه می کنید که منظور از م.الف من هســـتم و درباره ادعاها پاسخ می دهید. اما درباره هجمه ها سکوت کرده اید.

نه؛ می خواهم با همان شــــفافیت بگویم که سازمان حفاظت محیط زیست اصلا جناح بندی سیاسی ندارد و خیلی از دست اندرکاران پروژه مقابله با گرد و غبار از جناح ناهمسوی دولت هستند. خیلی از نیروهایی که امروز در سازمان محیط زیســـت داریم از دوره های قبل مانده اند و هنوز همکاری می کنند. حتی با این که گرایش سیاســـی شان به اصولگرایی نزدیک تر است؛ اما من هیچ مشکلی ندارم و هم در آن دوره کار کرده ام و هم در این دوره با کمال افتخار کار می کنم. این دولت، دولت اعتدال است و با تمام جریانات همسو و همفکر که برای آرمان های مشترک –که اعتقاد داریم آرمان های اصیل انقلاب همین ها هستند– داریم کار می کنیم. بنابراین اصلا در سازمان چنین فضایی نیست. البته ما در مقابل بازی های سیاسی حتما باید با هوشمندی برخورد کنیم و واکنش مناسب نشان دهیم چون باید از خود دفاع کنیم. سازمانی که نتواند از خود دفاع کند، مورد حملات زبانی و اجرایی قرار می گیرد.

*** فکر می کنید زن بودن شما هم در این هجمه هایی که علیه تان صورت می گیرد، نقشی دارد؟**

بله؛ اتفاقا یکی از مخالفان چند وقت پیش گفته بود برو آشپزی ات را بکن. دلم می خواست بگویم اتفاقا من آشپزی هم می کنم و با کمال افتخار این کار را انجام می دهم. عقیده هم دارم که خانم ها و آقایان وقت هایی که خسته می شوند یا زمانی که می خواهند ذهنشان را کمی پرواز بدهند، یکی از لذت بخش ترین کارها برایشان آشپزی است.

*** دستپختتان هم خوب است؟**

قطعا به خوبی دســـتپخت مادرم نیست. چون آشپزی هم زمان می خواهد و هم آدم باید با عشق و علاقه آشپزی کند. اما در کل می خواهم بگویم آشپزی اصلا کار سخیفی نیست و این طور نیست که اگر بگویند برو آشپزی و خانه داری ات را بکن، من را تحقیر کرده باشند. یک بخشی از این حرف ها به خاطر نگاه جنسیتی است که وجود دارد و شاید عده ای دوست ندارند ببینند یک خانم مسئولیتی را به عهده دارد. البته این نگاه امروز خیلی محدود شده و من در دولت اصلا چنین نگاهی را نمی بینم.

***خانم ابتکار!شـــما اولین خانمی هســـتید که بعد ازپیروزی انقلاب وارد کابینه شدید. چه سقفی برای فعالیت سیاسی خودتان در نظر می گیرید؟ یعنی ممکن است یک روزی کاندیدای ریاست جمهوری هم بشوید؟**

نه من دنبال سقفی برای فعالیت سیاسی نیستم. بعد از یک دوره سخت در ۸سال گذشته، تحولات سیاسی در کشور ما شرایطی را فراهم آورد که حضور دولتی منطقی، مقتدر و خردمند را با نگاهی متعادل به زنان در کشور دیدیم. در دولت قبل حوزه زنان با فراز و نشیب هایی مواجه بود که خیلی به جایگاه زنان آسیب وارد کرد. اما خدا را شکر با حضور خانم مولاوردی و خانم امین زاده به عنوان معاونان رئیس جمهوری و حضور زنان در بسیاری از رده های دیگر ، اوضاع بهتری را تجربه می کنیم. ما دو معاون و چهار مدیرکل خانم در سازمان محیط زیست داریم که هر کدام مسئولیت های سنگینی را به عهده دارند.

*** آیا این مســـئولیت سنگینی که دارید روی زندگی شخصی تان سایه نمی اندازد؟**

چرا سایه می اندازد. سخت هم سایه می اندازد. یعنی تقریبا چیزی از وقت شخصی و خصوصی من باقی نمی ماند. خوشبختانه بچه ها بزرگ شـــــده اند، ازدواج کرده اند و دنبال زندگی خودشان هستند ولی هر فردی نیاز به اوقاتی دارد که با خانواده و همســـــرش باشد و قوای روحی و فکری خود را بازسازی کند. مستمر زیر فشار و بهره برداری فکری و ذهنی بودن ســـــخت است اما جای گلایه ندارد و انشاالله خدا کمک می کند.

*** برگردیم به فعالیت های سازمان. یکی از انتقادهایی که درباره عملکرد سازمان محیط زیست وجود دارد این است که سازمان رویه متوازنی را در پیش نگرفته. مثلا بیشتر از یک سال است که شما روی آلودگی هوای کلانشهرها متمرکز شـــده اید ولی از دریاچه ارومیه، ریزگردهای خوزستان، خشکی تالاب ها و... غافل شده اید. دلیل این فقدان توازن چیست؟**

ما از مشکلات دیگر غافل نشده ایم. در همین ۲سال گذشته همه موارد را دنبال می کردیم. مشکلات زیست محیطی خیلی متعدد است ،در حالی که سازمان کوچک است. ما سازمان عریض و طویلی نداریم اما همزمان به مسائلی پرداخته ایم که حجم و گستره زیادی دارند. از طرف دیگر سازمان تنها نیست و مثلا در بحث گرد و غبار، سازمان جنگل ها هم وظیفه تامین پوشـــــش گیاهی منطقه را دارد و خیلی خوب است که بپرسیم سازمان جنگل ها چه موانعی برای انجام وظایفش داشته است؟. در مشکل بزرگی مثل گرد و غبار کشور وسعت جغرافیایی خیلی گسترده است. ۳۵۰ تا ۴۰۰هزار هکتار فقط در یک استان داریم. ضمن این که مشکل محدود به داخل کشور نمی شود و یک مساله فراملی و منطقه ای است.

آشپزی هم زمان می خواهد و هم آدم باید با عشق و علاقه آشپزی کند. اما در کل می خواهم بگویم آشپزی اصلا کار سخیفی نیست و این طور نیست که اگر بگویند برو آشپزی و خانه داری ات را بکن من را تحقیر کرده باشند!

*** یعنی عملکرد سازمان را در دو سال گذشته متوازن می بینید؟**

ما با وجود تنوع زیاد موضوعات، به آنها پرداخته ایم اما باید اولویت بندی کنیم و فشار کار را روی موضعی بگذاریم که می دانیم سریعتر نتیجه می دهد. ما در شورای شهر به این رسیده بودیم که بنزن یک آلاینده سرطانز است و به محض این که امکان پیدا کردیم شرایط را تغییر دهیم، روی آن متمرکز شدیم. چون مشکلی بود که ۳۵میلیون شهروند را تحت تاثیر قرار می داد و ما می دانستیم که اگر روی آن کار کنیم، نتیجه می گیریم و گرفتیم. یک تغییر کوچک در عرضه سوخت نتیجه بزرگی مثل بهبود وضع هوا و سلامت مردم را در پی داشت. طبیعی است که این موضوع را در اولویت کار خود قرار دهیم. هر فرد دیگری هم بود با توجه به گستردگی مشکل و قابلیت حل آن، سراغ این مشکل می رفت تا زودتر آن را حل کند. اما فشارهای بسیار زیادی به ما وارد شد و مخالفت ها خیلی وقت ما را گرفت. عده ای در صدد بودند که کلا آلودگی و سرطانزا بودن بنزین تولیدی پتروشیمی را انکار کنند. در حالی که کاملا واضح بود، تمام مستندات سرطانزا بودن این نوع بنزین را ثابت می کرد. سازمان محیط زیست، سازمان استاندارد، وزارت بهداشت و وزارت نفت به آقای لاریجانی نامه نوشتیم که آلوده کنندگی بنزین پتروشیمی قطعی است اما باز هم مخالفان اصرار داشتند که این طور نیست. بنابراین حل مشکل بنزین از دستاوردهای بزرگ دوره دکتر روحانی است که کیفیت هوا در شهرهای آلوده از نظر آروماتیک، گوگرد و بنزن بهبود پیدا کرد.

*** اما به همان نسبت خشکی دریای ارومیه یا ریزگردها هم اهمیت دارند. این دو پدیده اقلیم منطقه را تغییر داده اند و روی الگوی ســـکونت مردم هم تاثیر گذاشته اند. با این حال حرکت سازمان محیط زیســـت در این حوزه ها کند بوده است.**

چون آن ها مسائل کند هستند و اصلا ماهیتشان با ماهیت بنزین آلوده متفاوت اســـت. زمانی که بحث بنزین آلوده را داشتیم، گفتیم که با یک کلیک تولید بنزین پتروشیمی را متوقف کردیم. یعنی این مشکل را با گرفتن یک تصمیم و اجرایی کردن آن حل کردیم. اما گرد و خاک را نمی توان با زدن یک کلید متوقف کرد. حل مشکل خشکی دریاچه ارومیه یک کار بلند مدت است. ممکن است تا ۱۰سال طول بکشد. حتی برطرف کردن ریزگردها هـــم زمانی در حد و حدود ۱۰سال می طلبد. آلودگی هوای شهر هم با وجودی که تا حدود زیادی برطرف شده اما هنوز نیازمند زمان است تا کاملا حل و فصل شـــود. می خواهم بگویم مسائل محیط زیست، زودبازده نیستند و ماهیتشان کند و طولانی است و مدیر ممکن است فکر کند حل کامل یک موضوع در دوره مدیریت خودش امکان پذیر نیست. اما مردم این نگاه را ندارند و انتظار دارند یک شبه مشکلات زیست محیطی حل شود.

*** بخشـــی از آلودگی هوا به اســـتاندارد خودروها برمی گردد ،اما سال ها ست که خودروسازها خودمختار عمل می کنند و زیر بار هیچ ضابطه ای نمی روند. فکر می کنید می توانید در این حوزه تحول ایجاد کنید؟**

یکی از دستاوردهای سازمان محیط زیست در دولت اخیر همین بوده که خودروسازها را ملزم به رعایت استانداردها بکند و این اســـتانداردها را پله به پله ارتقا می دهیم. مصوبه اردیبهشت ماه دولت برای کاهش آلودگی هوا بسیار مهم بود و وزارت صنایع را مکلف کرد خودروســـازها از ابتدای مهر ماه بعد از ۸سال تاخیر، استانداردهای یورو۴ را اجرا کنند. در زمستان امسال هم شماره گذاری ۵ خودرو را متوقف کردیم





و امیدواریم در ادامه مسیر و اجرای سایر استانداردها به همین شکل پیش برویم.

*** در ابتدای دولت یازدهم که مسئولیت سازمان محیط زیســـت را به عهده گرفته بودید، یک گوزن زرد ایرانی در پارک پردیسان مورد اصابت گلوله قرار گرفت، آن زمان گفتید که این پیامی به سازمان محیط زیست بود. از این پیام ها دیگر دریافت نکردید؟**

بالاخره این کار، کاری اســـت که همه جور مشکل دارد. ممکن است منافع عده ای به خطر بیفتد، تهمت بزنند، صحبت هایی کنند که بوی تهدید بدهد و.... ما این موضوعات را جدی نمی گیریم. کار ما برخی جاها به منافع فردی برمی خورد. مثل مقابله با زمینخواری در مناطق حفاظت شده که سال گذشته در استان ها شروع کردیم و در منطقه ورجین صدها هکتار از زمین های گرانقیمت این منطقه حفاظت شده تصرف شده بود که یک فاجعه به حساب می آید. ما داریم این صدها هکتار را ذره ذره پس می گیریم. همین اتفاق در پناهگاه حیات وحش میانکاله هم افتاد و ۱۷۰۰ هکتار از اراضی تصرف شده منطقه، باز پس گیری شد. این در حالی بود که عده ای در دولت قبل در این پناهگاه حفاظت شده ویلاسازی کرده بودند و ما همه را پس گرفتیم. مسلما عده ای از این حرکت ها ناراضی می شوند.

***خانم ابتکار! شما در شبکه های اجتماعی هم حضور فعالی دارید. چقدر برای این کار وقت می گذارید؟**

خوب نیســـت بگویم چون باید بعضی وقت ها از فیلترشکن استفاده کنم. (می خندد) ولی در طول روز آن قدر گرفتار هستم که اصلا فرصت فکر کردن به این چیزها را پیدا نمی کنم. معمولا شـــب ها وقت دارم. نیمه های شب یا ساعت چهار پنج صبح پای اینترنت می نشینم؛ صفحه ام را چک می کنم، پست می گذارم و کامنت ها را می خوانم. البته راحت نیست چون باید از خوابم بزنم که خیلی خسته ام می کند. ولی دوست دارم با کاربران ارتباط داشـــته باشم. با وجود فضاســـازی های منفی خیلی فضاسازی های مثبت هم اتفاق می افتد که به آدم انرژی می دهد. در شبکه های اجتماعی عـــده ای کاملا هدفمند کار می کنند. مثلا با پروفایل غیرواقعی که هیچ عکس و مشخصات و پستی در آن وجود ندارد، کامنت های مخرب می گذارند. انگار عده ای فقط مسئولیت دارند که با کامنت گذاشتن، علیه افراد فضاسازی کنند. در صورتی که شبکه اجتماعی فقط برای این نیست که از عضویت در آن برای کامنت گذاشتن استفاده کنیم. این شبکه ها هم آدابی دارند. باید صفحه شما هویتتان را نشان دهد و حرفی برای گفتن داشته باشد. ولی خیلی وقت ها هم کاربران خوب واقعی کلوب، فیس بوک و توییتر اطلاعات خوب و مفید به من می دهند که بر اساس اطلاعات آنها اقداماتی را در سازمان انجام می دهیم. مثلا یک کاربر روستایی درباره منطقه ای که در مجاورت روستایشان قرار دارد، اطلاعاتی را می دهد یا درباره حیات وحش منطقه، تخلفات صورت گرفته و مسائلی از این دست، مشاهداتی داشته که با ما در میان می گذارد. حتی یکی از کاربران از تالابی در نزدیکی محل سکونت خود برای من عکس گرفته بود و با استناد به عکس مشکلات تالاب را گزارش داده بود. فکر می کنم در سازمان محیط زیست مدیران آنقدر گرفتار هستند که گاهی نمی توانند شخصا مشکلات را شناسایی کنند ولی این اطلاعات می تواند خیلی کمک کننده باشد. ما بر اساس همین گزارش های کاربران، موضوعات را به استان ها اطلاع می دهیم و پیگیر حل و فصل آنها می شویم. همین که می بینم کسی به من اطلاعاتی می دهد که به درد کار ما می خورد و دلسوز محیط زیست و همراه ما ست یک دنیا به من انرژی می دهد. این البته محدود به شبکه های اجتماعی هم نیست. چند وقت پیش یک پسربچه دانش آموز خبر داده بود که در انتهای بومهن، در مسیر مدرسه او مرکز امحای غیرمجاز زباله وجود دارد که زباله ها را آتش می زنند. من این گزارش را به مدیرکل محیط زیست استان تهران دادم تا پیگیری کند. مدتی بعد، تماسی با سازمان گرفته شد و مادر این پسربچه گفت که پسرش دارد از خوشحالی گریه می کند و می گوید وقتی از مدرسه برمی گشته ماموران را دیده که در حال پلمب مرکز هستند. پاداش من همین اشک شادی این دانش آموز بود.

شبکه اجتماعی فقط برای این نیست که از عضویت در آن برای کامنت گذاشتن استفاده کنیم. باید صفحه شما هویتتان را نشان دهد خیلی وقت ها هم کاربران خوب واقعی کلوب، فیس بوک و توییتر اطلاعات خوب و مفید به من می دهند

*** اگـــر به ســـال ۵۸ برگردید، باز جزو دانشجویانی هستید که وارد سفارت امریکا می شوید؟**

من جزو دانشجویانی که سفارت را تسخیر کردند نبودم. سه روز بعد، عده ای از دانشجویان سراغ من را گرفتند و گفتند اگر ممکن است به ما بپیوندید. آن موقع کشورمان شرایط خیلی خاصی داشـــت. انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ تبلور سال ها درد و رنج و مظلومیت مردم ایـــران بود. در ســـال ۱۳۳۲ که کودتای ۲۸ مرداد اتفاق افتاد تحقیر بزرگی برای ملت ایران بود که یک دولت بیگانه بخواهد حکومتی را مستقر و سیاست های خود را دیکته کند. رژیم پهلوی سیاست هایش را مرحله به مرحله از جای دیگری دستور می گرفت. این تحقیر بزرگی برای مردم بود و مردم در شـــان خود نمی دیدند. از سوی دیگر، سال ها دیکتاتوری و خفقان حاکم بود و باعث شد که انقلاب اسلامی به رهبری امام(ره) شکل بگیرد. برای مردم امید تازه ای برای استقلال و آزادی به وجود آمده بود. مردم به بازیابی هویت ایرانی امیدوار بودند و می خواستند در قالب ارزش های دینی و اسلامی خود یک نظام دموکراتیک و کارآمد برای حل مشکلات پیش رو داشته باشند. این ها آرمان های بسیار عالی و ارزشمندی بود. حوادثی که بعد از انقلاب رخ داد و دخالت های مستمر امریکا با سابقه ای که این کشور از دخالت در امور دیگر کشورها داشت این ترس را در دانشجویان به وجود آورد که مبادا این الگو دوباره تکرار شـــود و امریکا انقـــلاب ایران را با کودتا و اقدامات پنهانی تهدید کند. جمع بندی دانشجویان در آن دوره این بود که اگر بخواهند انقلاب را از این روند حفظ کنند هیچ چاره ای وجود ندارد. مگر این که زنجیره توطئه ها را از یک جا قطع کنند. آن موقع ما فقط دولت موقت داشتیم. مجلس شورای اسلامی شکل نگرفته بود. قانون اساسی نهایی نشده بود، رئیس جمهوری نداشتیم و قوای انتظامی، اطلاعاتی و حتی نیروهای مسلح ما در شرایط فعال و متعادلی نبودند. ۸ماه از انقلاب می گذشت و کشور در شرایط متزلزلی قرار داشت. این دانشجویان را نگران کرده بود که در چنین شرایطی آشفتگی اتفاق بیفتد. بنابراین تصمیم دانشجویان مبتنی بر یک تحلیل تاریخی، احساس علاقه و مسئولیت به آینده کشورشان و جریان فکری غالب بود. دانشجویان احساس می کردند که امام کمک می طلبند و وقتی این حرکت اتفاق افتـــاد و امام (ره) آن را انقلاب دوم نامیدند، فضای همدلی و اتحادی به نفع استقلال و عزت ملی به وجود آمد و از چتر این وحدت، قانون اساسی درآمد و مجلس تاسیس شد. اما ادامه این حرکت و این که ارتباط با امریکا باید چگونه باشد، چیزی بود که دانشجویان تحلیل متفاوتی درباره آن داشتند و انتقادهایی را به بعد از آن و این که چرا رابطه با امریکا هیچ گاه منطقی نشد، ابراز می کردند و فکر می کردند که ارتباط منطقی با بحث سلطه فرق دارد. ما می توانیم سلطه نداشته باشیم و یک کشور مستقل باشیم و در کنار آن رابطه ای منطقی برقرار کنیم تا لااقل وارد این ورطه خطرناک تحریم ها و منازعات نشویم و کشور را بیش از این از فرصت هایی که دارد محروم نکنیم. البته امریکا سیاست های سلطه، دخالت و نظامیگری خود را هنوز ادامه می دهد اما نوع مناسبات ما و منافع ملی مان اقتضا می کند که به آن ارتباط منطقی برسیم. ارتباطی که ۱۰۰ در صد بر اساس منافع، مصالح و عزت ملی ما باشد اما در عین حال منطقی باشد و بسیاری از این تهدیدها و آسیب های که در سال های اخیر با آن مواجه بودیم، مهار شوند. تحلیل ما این است که مذاکراتی که در قالب ۵+۱ انجام می گیرد باید به سمت حل مسائل برود و به تعادل در روابط برسیم. گذشته را نمی توان فراموش کرد اما باید به سمت آینده برای بهبود مناسبات در جهت منافع مشترک برویم. مهم ترین منفعتی که ما را در کنار هم قرار می دهد، مقابله با خشونت و افراطی گری و ترور کور است که دارد به نام دین ترویج می یابد.

*** به عنوان آخرین سئوال، چند کلمه می گویم، اولین چیزی که به ذهنتان می رسد بگویید.**

دکتر تقی ابتکار: پدر محیط زیست و پدر قانون اساسی اصل پنجاهم. و در یک کلمه پدر... فقط پدر...

یوز ایرانی: میراث بسیار زیبایی از گربه سانان آسیا که الان حفاظت از آن بر عهده ایران قرار دارد.

خواهر مری: یکی از دانشـــجویان مسلمان پیرو خط امام.

مهندس محمد هاشمی: همسر عزیز.

دکتر محمد خاتمی: رئیس جمهوری سابق عزیز و شخصیتی بسیار دوست داشتنی برای مردم ایران.

آشـــوراده: منطقه بسیار زیبایی از پناهگاه های حیات وحش که انشالله مکان خوبی برای اجرای یک طرح طبیعت گردی با موازین زیست محیطی باشد.

*** تعریفتان درباره آشوراده کمی نگران کننده است. یعنی بعد از آن همه ایستادگی بالاخره زیر بار اجرای طرح گردشگری در این منطقه حفاظت شده رفتید؟**

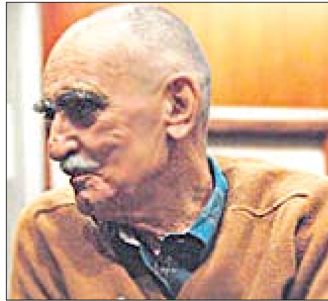
طرحی اســـت که فکر می کنیم اجرای آن ضرورت داشته باشد، یعنی گردشگری طبیعی برای حفاظت از مناطق و آشنایی بیشتر مردم لازم است و انشالله در چارچوب ادامه پیدا می کند.

نوروز محمدی(ص)

مرحوم محمدعلی ناصح

نوروز در رسید به مهمانی جهان
بادا خجسته مقدم فرخنده میهمان
زینگونه میهمان گرامی کسی که دید
کو را عزیزتر شمرد میزبان زجان
یاد سترنج سال گذارد به چند روز
با وی برسم مردم آزاده در میان
آری چسان عزیز نباشد کسی که هست
خوشخوی و نیک طبع و نکوروی و مهربان
وزدست زورمند به هم در شکست خرد
دست دراز لشگر غارتگر خزان
وانگونه زو گریخت زمستان شوم‌پی
کاندر بسیط خاک نبینی از و نشان
گیتی که بود پیر دژم روی سالخورد
نوروز چون رسید و گر باره شد جوان
اکنون گرفت پرده ز رخسار دلفریب
آن گل که پارکرد رخ از چشم ما نهان
بگشود بر سرود خوش عندلیب گوش
سرخش ز شرم رو زخوشی خنده بردهان
وان نغز گوی بلبل از باغ گشته دور
وز هجر گل بسته ز قول و غزل زبان
بازآمد و برسم رهآورد بهروی
آورد نغمه‌های دلانگیز ارمغان
فصل گلست مطرب و می خواه کاین دوهست
جان داروئی کز و رسد آسایش روان
یعنی بباغ رو که کندمست و سرخوشت
لطف نسیم و نغمه مرغان نغزخوان
بردش ز سرخماری شب هوای باغ
نرگس زخواب صبح چو برداشت سرگران
بر طرف جو بنفشه تازه ست دلفریب
مانند زلف یار برخسار دلستان
چون روی دلبری ز شراب صبوح مست
آید بدیده چهره گلگون ارغوان
یک لحظه درنگر که بدامان کوهسار
یکره ببین که برطرف دشت و بوستان
افروخت شمع لاله خودروی از نسیم
گستر دوست باد صبا سبز پرنیان
برفرق شاهدان چمن در نثار کرد
ابری که برد آب ز دریای بیکران
ماند جهان بجنبت فردوس گوئیا
رضوان در بهشت گشوده ست بر جهان
رفته نسیم باد ز صحن چمن غبار
شسته سحاب گرد ز رخسار گلستان
مناقران سعدین آمد کز اتفاق
نوروز خاص و عام بهم یافت اقتران
نوروز عام را نبود اینهمه بها
وین رو شنست نزد بزرگان خرده دان
نوروز خاص راست بلی این اثر کزو
آید برقص در تن دهر از طرب روان
روز ولادت سر و سالار انبیاست
نوروز خاص خرم و فرخنده بر جهان
دارای دین (محمد) مرسل که پیش وی
دارند راستان سرخدمت برآستان
آن امی فصیح که از بحر حکمتش
هرگوهری که زاد به از گنج شایگان
آنانکه او ستاد و خداوند دانشند
در مکتب حقایق اویند عشرخوان
وقتی که داشت تیرگی جهل چیرگی
روزی که بود شرک بر آفاق حکمران
او برافراشت رایت توحید بر سپهر
زوجان علم یافت تن مرده جهان
بروی رسیده رنج زگولان بی‌ادب
زان بیشتر که و هم تو و من برد گمان...

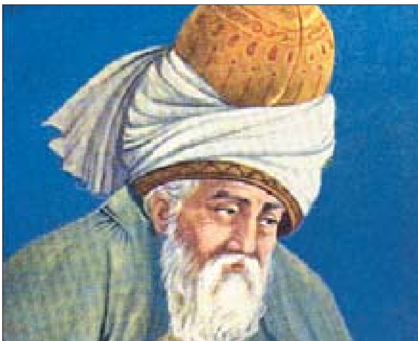
تبریکی از زنده‌یاد ایرج افشار



فرارسیدن سال نو را شادباش می‌گوییم و برای همگان شادکامی و شادمانی خواستاریم. به گفته مولانا در هفتصدسال پیش:

آمد بهار خرم، آمد نگار ما
چون صدهزار تنگ شکر در کنارما

مجله آینده سال نوزدهم شماره‌های ۱۰ـ۱۲
دی ـ اسفند ۱۳۷۲



مبارک است...

پنهان مشو که روی تو بر ما مبارک است
نظارهٔ تو بر همه جانها مبارک است
یک لحظه سایه از سر ما دورتر مکن
دانسته‌ای که سایهٔ عنقا مبارک است
ای نوبهار حسن! بیا، کان هوای خوش
بر باغ و راغ و گلشن و صحرا مبارک است
ای صدهزار جان مقدس فدای او
کآخر به کوی عشق، که آنجا مبارک است
ای بستگان تن! به تماشای جان روید
کآخر رسول گفت: تماشا مبارک است
هر برگ و هر درخت رسولی است از عدم
یعنی که کشت‌های مصفا مبارک است
چون برگ و چون درخت بگفتند بی‌زبان
بی‌گوش بشنوید که اینها مبارک است
می‌آیدم به چشم همین لحظه نقش تو
و دید خجسته آمد و حقا مبارک است
نقشی که رنگ بست از این خاک بی‌وفاست
نقشی که رنگ بست ز بالا مبارک است
بر خاکیان جمال بهاران خجسته است
بر ماهیان تپیدن دریا مبارک است
دل را مجال نیست که از ذوق دم زند
جان سجده می‌کند که: خدایا مبارک است

مولانا



درباره بهار

بهار شاد شورافکن زلقه‌ها به زیرآمد
هنوز عشق جان دارد، مگو مگو که دیر آمد
بهار شاد شورافکن به بزم دوستان، چون من
میان جامه‌ای روشن زپولک و حریر آمد
هنوز عشق جان دارد، بهار ارتوان دارد
به معجزش جوان دارد، به سال اگرچه پیرآمد

سیمین بهبهانی





گفتگو با دکتر محمد توکل، استاد دانشگاه تهران و معاون پژوهشی اسبق وزارت علوم

وقتی همه «دکتری» می گیرند

● وجیهه تیموری

پایان سال که می شود یا باید سیاهه کارهای گذشته را مقابل چشم گذاشت یا باید دریچه برنامه های پیش رو را گشود. یا باید از کرده ها و نکرده ها پند گرفت و برای اهداف و امیال در سر آمده، درست برنامه ریزی کرد یا باید سرمشق های غلط را بالکل خط زد و به سرخط درست دیگران نگاهی انداخت.

اوضاع اجتماع ایران در سالی که گذشت و وضع علم و فرهنگ در آن به طور خاص، اگرچه به دفعات در ۳۶۵ روز گذشته به بوته نقد کشیده شد و هر بار نیزدر نگاه داوران مختلف به زمین خورد ولی چه فایده که روند معیوب و نادرست آن نه متوقف شد و نه متغیر.

با این حال، چوب خط نقد سیستم آموزش عالی ایران در این سال ها پر شدنی نیست و هربار که این قصه مکرر می شود، آمار و ارقام نادرستی ها و خطاهای این روند شگفت آور و نامتوازن توسعه کمی، بیشتر و بالاتر نمود می یابد.

در جمع بندی و نگاهی کلی و دوباره به توسعه کمی سریع و نادرست آموزش عالی در ایران در ۲۰ سال گذشته، با استاد جامعه شناسی علم و تکنولوژی دانشگاه تهران به گفتگو نشستیم و با توجه به سوابق اجرایی و مدیریتی و مقام های مشورتی ایشان در وزارت علوم در دوره های گذشته، به ریشه یابی برخی از این پای بست های روبه ویرانی پرداختیم شاید این دیوار کج تا ثریا بالا نرود!

دکتر محمد توکل، مدرک کارشناسی ریاضی و علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری در رشته جامعه شناسی مدرنیسم از دانشگاه کمبریج انگلستان دارد. وی در حال حاضر استاد تمام گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و استاد جامعه شناسی علم و تکنولوژی است.

برخی از مسئولیت های اجرایی و پست های مدیریتی سابق دکتر توکل عبارتند از: دو دوره دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو ایران، عضو شورای اجرایی یونسکو در پاریس، رییس مؤسسه برنامه ریزی آموزش عالی، رییس مرکز تحقیقات علمی کشور و معاون پژوهشی وزارت علوم. وی همچنین در بیش از ۳۰ شورا و کمیته مختلف عضویت داشته است که برخی از آن ها عبارتند از: عضو شورای پژوهش های علمی کشور، عضو شورای گسترش کشور، عضو شورای عالی برنامه ریزی، عضو کمیته کنکور، عضو شوراهای علمی و فناوری داخلی و خارجی از جمله شورای تحقیقات اجتماعی آسیا و اقیانوسیه، عضو مرکز تحقیقات یونسکو در آسیای میانه، عضو شورای علوم و فناوری IDB. تا کنون بیش از ۲۰۰ مقاله علمی و ۱۰ عنوان کتاب فارسی و انگلیسی در حوزه معرفت، علوم و تکنولوژی و جامعه اطلاعاتی از وی چاپ شده است.

آقای دکتر، به عنوان یک دانشگاهی که حوزه اصلی کارش مطالعات علم و تکنولوژی است، برای نقد ساختاری و ریشـــه یابی بحران سایه انداخته بر آموزش عالی کشور، کـــدام مؤلفه ها و ویژگی ها را در اولویت قرار می دهید و بحث را از کدام زاویه شروع می کنید؟

❊ می خواهم در این گفتگو، نقد آموزش عالی و روند تحقیقات در کشور را بر اساس ۴ مؤلفه «کمیت»، «کیفیت»، «برابری و دسترســـی» و «تناسب و ضرورت» مطرح و جمع بندی کنم. در واقع موضـــــوع اصلی در این بحث، توجه به «توسعه بی رویه کمی» در آموزش عالی به ویژه در دهه اخیر است که لطمات بســـیاری به سه مؤلفه دیگر زده و آن ها را تا حدی تحت الشعاع قرار داده یا دست کم گرفته و به فراموشی کشانده اســـت. به گونه ای که این توسعه کمی نادرست، در جاهایی منجر به عقب گرد شده است.

اصولا رســـالت آموزش عالی چیست و دانشگاه باید

چگونه باشد؟

* اصولا رسالت آموزش عالی و فلسفه وجودی آموزش عالی در همه کشورها، تربیت نیروی متخصص برای جوابگویی به نیازهای توسعه ای کشور است. منظور از توسعه کشور نیز توســـعه اقتصادی و فرهنگی و معنوی با هم است. در واقع دانشگاه برای دانشگاه یا آموزش عالی برای آموزش عالی در هیچ کشوری نیست و نمی گویند ما دانشگاه درست می کنیم برای نفس دانشگاه و این که فقط دانشگاه داشته باشیم.

حتی به همین دلیل وقتی کســـی پیش از انقلاب اســـلامی ایران در سال ۱۳۵۷، گفت ما دانشگاه تأسیس می کنیم چون کشورهای پیشرفته دانشگاه دارند، نقدهای زیادی علیه وی و حرفی که زده بود، مطرح شد.

از طرف دیگر دانشـــگاه ساختن و تأسیس دانشگاه در کشورها یکی از گران ترین پروژه هاست. چرا که این کار ساختمان خوب می خواهد، امکانات خوب می خواهد، دانشجویی می خواهد که از زندگی اش ببـــرد و بیاید درس بخواند، لوازم و کتاب و آزمایشـــگاه و کارگاه می خواهد، استاد خـــــــوب می‌خواهد، فضا و فراغت می خواهد. پس پروژه سنگینی است و هیچ کشوری حتی کشورهای پیشرفته، دانشگاه را فقط برای دانشگاه داشـــتن و این که آدم ها فقط به لحاظ فردی فرهیخته شوند نمی سازد. به عبارت دیگر دانشگاه از محل بودجه عمومی و توانمندی های مالی کشور هزینه می کند تا جوابگوی توسعه کشور هم باشد.

آیا می توانید نموداری ذهنی از احداث دانشـــگاه در ایران و روند توسعه و تکثیر آن، ترسیم کنید؟

* دانشگاه و توسعه کمی آن در کشور ما طبق آمار زیر به سرعت رشد کرد: در سال تحصیلی ۵۶-۵۷ که ایران جمعیتی بیش از نصف جمعیت حال حاضر داشت، جمعا ۱۸۰ هزار نفر دانشجو داشتیم و اکنون حدود ۵ میلیون دانشجو داریم! و جا دارد بپرسیم آیا به راستی ضرورت ها و نیازهای توسعه ای همراه با این سیر صعودی ۱۸۰ هزار تا ۵ میلیون را طی کرده یم؟ آیا این تعداد دانشجو و جای خالی نیاز داشته ایم؟ آیا برای این تعداد فارغ التحصیل کار داریم؟

این در حالی است که آمارها نشان می دهند که رشد کمی آموزش عالی اساسا فقط در تعداد دانشجو بوده است و پیش نیازهای این رشد کمی را هم به لحاظ فضا و تجهیزات و امکانات و هم به لحاظ استاد تأمین نکرده ایم و این اساس مشکلات ما است.

جالب است خوانندگان بدانند که این ۵ میلیون دانشجو در ۲۵۰۰ مرکز دانشـــگاهی آموزش عالی در سراسر کشور درس می خوانند که به طور تقریبی شامل ۳۰۰ مرکز وابسته به وزارت علوم، ۶۰۰ دانشـــگاه پیام نور، ۷۵۰ دانشگاه علمی کاربردی، ۱۰۰ مؤسســـه آموزش عالی وابســـته به وزارت آموزش و پرورش، ۳۰ دانشـــگاه وابســـته به دستگاه ها و وزارتخانه های مختلف، ۴۰۰ واحددانشـــگاه آزاد و حدود ۳۵۰ دانشگاه غیرانتفاعی می شود. از کل دانشجویان شاغل به تحصیل در کشور، فقط ۱۵ درصد در دانشگاه های دولتی رایگان درس می خوانند و مابقی در انواع دوره های آموزش عالی که پولی یا شهریه دار هستند تحصیل می کنند.

با این حساب بهتر است زین پس به جای توسعه کمی آموزش عالی، بگوییم توسعه نفرات شاغل به تحصیل در آموزش عالی و نه کمیت دیگر و احتمال می رود که این توسعه نامتوازن منجر به تجمع دانشجو در برخی شاخه‌ها و رشته های تحصیلی غیر کارآمد و بدون بازار کار نیز شده باشد!

* دقیقا چنین اســـت و برای این که ببینیم این توسعه کمی تا چه میزان نامتوازن است کافی است ببینیم که این تعداد دانشجو در چه شاخه های عمده ای دارند درس می خوانند.

طبق آمار ۹۱-۹۰ حدود ۲ میلیون دانشجو در رشته های علوم انســـانی داریم که معلوم نیست برای چه کاری و کدام بازاری، علاوه بر فارغ التحصیلان قبل، ۲ میلیون نیروی علوم انسانی جدید تربیت می کنیم!

حدود ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نیروی فنی و مهندســـی و ۲۳۰ هزار دانشجوی کشاورزی داریم. ولی جالب است بدانید که فقط یک حوزه سنجیده تر عمل کرده است و به دلیل هر معیاری اعم از درآمد و بازار کار یاحفظ پرستیژ، دانشجوی کمی به نسبت گرفته است و آن حوزه رشته های پزشکی است که جمعا ۱۵ هزار دانشجوی پزشکی عمومی و تخصصی در دانشگاه های دولتی و آزاد دارد.

توجه به «توسعه بی رویه کمی» در آموزش عالی لطمات بسیاری زده ومولفه ها را تحت الشعاع قرار داده یا دست کم گرفته و به فراموشی کشانده است. این توسعه کمی نادرست، در جاهایی منجر به عقب گرد شده است

بد نیســـت تعداد اعضای هیأت علمی از مربی تا استاد تمام را هم بدانیم که جمعا ۶۰ هزار نفراست، یعنی هر ۱۲۰ دانشجو یک استاد! حال آنکه از برنامه سوم توسعه قرار بوده است که این نسبت را کم کنند تا نسبت استاد به دانشجو به ۴۰ و ۳۰ و در نهایت به نسبت خوب ۱۸ برسد!

این ۶۰ هزار استاد شامل انواع و اقسام فارغ التحصیلانی هستند که حتی برخی از آن ها توانایی و کیفیت لازم برای هیأت علمی شدن را نداشته اند ولی در طی این سال ها جذب شده اند و یا بازنشسته هـــــای جذب شده و نیمه وقت ها هستند.

توجه داشته باشید افت سازمانی و کیفی به لحاظ آموزش و پژوهش، هم دانشگاه آزاد و پیام نور و دانشگاه های غیر دولتی را به زمین زده است هم دانشگاه های دولتی را. مثلا دانشگاه یاسوج که تازه تأسیس است در رشته جامعه شناسی دانشجوی دکتری به تعداد دارد ولی تا همین اواخر حتی یک عضو هیأت علمی هم نداشته است، یا دانشگاه خرم آباد و دانشگاه های جدیدالتأسیس متعدد دیگر!

این حرف شما مرا یاد واقعیتی انداخت در چند سال پیش که یکی از واحدهای دانشگاه آزاد در استانی شمالی، به صراحت دانشجوی دوره دکتری را به صورت صوری بورس می کرد برای عضو هیأت علمی شـــدن تا مجوز تأسیس دوره ارشـــد و دکتری بگیرد و بعد از راه اندازی و کسب دانشجو، بورسیه های صوری می توانستند ادامه همکاری بدهند و یا در ازای دریافت مبلغی توافقی، از تعهد بورس آنجا راحت شوند!

*بله همین طور است. چرا که الان با مقرراتی که وزارت علوم و دانشگاه آزاد گذاشته است هر واحد دانشگاهی که بتواند یک نفر با مدرک دکتری را جذب و هیأت علمی آن واحد کند، با اسم آن فرد ولو روی کاغذ می تواند مجوز جذب دانشجو بگیرد! واحدهایی از دانشگاه آزاد هست که با عضو هیأت علمی ندارند یا یک دانشجوی دکتری عضو هیأت علمی کرده اند ولی دانشجوی ارشد و دکتری به تعداد گرفته اند! مدیریت گروه نیز قرضی و عضو هیأت علمی جای دیگری است که مسئولیت گروه در این واحد را نیز بر عهده دارد. پیام نور هم همین طور اســـت و دانشگاه علمی کاربردی بدتر؛ عدم رعایت مقررات به وضوح در آن ها دیده می شود. گزارش های همین ترم های گذشته حاکی از آن است که در برخی واحدهای دانشگاه آزاد، سه ماه از شروع سال تحصیلی گذشته، دانشجو هنوز ثبت نام و انتخاب واحد می کرده و فقط دو جلسه در سر کلاس نشسته و بعد هم امتحان داده و نمره گرفته است. یا دانشجویانی که مثلا در شمال کشور شاغل هستند، در واحدی از پیام نور یا دانشگاه آزاد یا مرکزی غیرانتفاعی در جنوب کشور درس می خوانند و کلاس‌ها را نمی روند و بعد هم برای حل مســـأله وارد معاملات و گفتگوهای شخصی با استاد و کادر آموزشی می شوند.

حتی در گروه های آموزشی مختلف، مدرسان بازنشسته بالای ۷۰ سال، چند برابر یک جوان تازه جذب هیأت علمی شـــده درس می دهند و چند برابر سقف مجاز با انواع حیل، راهنمایی و مشاوره رســـاله های ارشد و دکتری می گیرند. یعنی این افراد عملا وارد بازار مدرک سازی و مدرک فروشی شده اند.

بنابراین خیلی واضح است که در این ۸-۹ سال متأسفانه انگار برنامه بوده است که کیفیت را از آموزش عالی دور کنند.

جذب ۲۰هزار دانشـــجوی دکتری در سال تحصیلی گذشته در دانشگاه آزاد، بر اساس چه مجوزی بوده است؟ آیا شعار دانشجوی بیشتر، درآمد بیشتر یا مدرک بیشتر سرلوحه کار قرار گرفته اســـت یا اختیارات دانشگاه آزاد نامحدود است؟

*متأسفانه این روند رو به رشد درآمدسازی و مدرک فروشی ساری و جاری در آموزش عالی کشور است که به دانشگاه آزاد توانایی و اختیار این را داده است که همین امسال به تنهایی بین ۱۲ هزار تا ۲۰ هزار دانشجوی دکتری جدید جذب کند! یعنی هرکسی که فارغ التحصیل سال ها پیش بوده و مدت هاست که دنبال کار و کاسبی و زن و بچه رفته، الان به عنوان دانشجوی دکتری پذیرفته شده است و صد البته که در دانشگاه های پیام نور و دولتی هم وضع خیلی بهتر نیست!

در ۸ سال گذشـــته ۳۰۰ مجوز تأسیس و راه اندازی مرکز آموزش عالی خصوصی یا غیرانتفاعی نیز صادر شده است و کسانی مجوز گرفته اند که عموما به طریقی ذی نفوذ و ذی قدرت بوده اند و مسلم است که این مراکز نیز به کار جذب دانشجو اهتمام بسیار دارند.

این روند جذب دانشجو، علیرغم حرف رییس اجرایی کشور اســـت. آقای روحانی، رئیس جمهور محترم در نطق افتتاحیه سال تحصیلی گذشته دانشگاه شهید بهشتی بجا و درست گفتند: ما این همه مدرک دکتری برای چه می خواهیم و بعد هم اشاره کردند به برخی کشورهای دیگر که حتی به لحاظ رفاهی و مالی ثروتمند تر و صنعتی تر از ایران هستند ولی این همه دانشجو و فارغ التحصیل دکتری ندارند.

من نیز در ارتباط با همین صحبت های آقای روحانی به اوضاع آموزش عالی در دو کشور اشاره می کنم: یکی کانادا که جزو هفت کشور صنعتی جهان است و جایگاه و سهم مهمی در تولید و اقتصاد و صنعت و سیاست دنیا دارد و دیگری کشور همسایه مان، ترکیه. جمعیت کانادا کمتر از نصف جمعیت ایران است (۳۵ میلیون نفر) ولی تعداد کل دانشجویان شاغل به تحصیل در آن کشور، یک میلیون نفر است و بخش قابل توجهی از این دانشجویان خارجی هستند که پول می آورند به کانادا و پس از اتمام درس از آنجا خارج می شـــوند و به کشورشان یا جاهای دیگر می روند.

شاید بگویید کانادا کشوری پیشرفته است ولی در کشور همسایه مان ترکیه نیز اوضاع آموزش عالی بسیار بیشتر مبتنی بر استانداردها است. دانشگاه های سطح بالای متعددی دارد که یکی از آن ها دانشگاه دولتی Middle East Technical University در آنکارا است که به مخفف به آن دانشگاه متو (METU) می گویند. این دانشگاه، تنها دانشگاه از کل کشورهای اسلامی است که جزو ۳۰۰ دانشگاه برتر دنیاست.

ترکیه دانشگاه های غیر دولتی هم دارد که بر خلاف دانشگاه های خصوصی ما، مجهزترین و وسیع ترین مکان ها را دارند. ده ها هکتار فضای دانشـــگاه بوسفور دیدنی است. دانشگاهی بسیار پیشرفته و با کیفیت که در بهترین جای استانبول واقع شـــده است و چندین هکتارش ساختمان است با آزمایشگاه و امکانات بسیار پیشرفته.

در بالاخانه یک مغازه یا یک خانه مسکونی یا وسط بیابان کلاس درس دایر می کنند و اسمش را می گذارند دانشگاه!

ولی در ایران در بالاخانه یک مغازه یا آپارتمان یا وسط بیابان یا در ساختمان یک خانه مسکونی، کلاس درس دایر می کنند و اسمش را می گذارند دانشگاه!

حالا با این فضای آموزشی و این تجهیزات و این تعداد دانشجو و وضع استاد در ایران، آیا نتیجه مقایسه با یک کشور همجوار که حتی وضعیت عمومی اش از ما بهتر نیست چه قدر مایه تأسف و دریغ خواهد بود؟

از مؤلفه های ۴ گانـــه ای که برای نقد آموزش عالی یاد کردید، به ضرورت تربیت نیروی متخصص در کشور بپردازید و بگویید آیا این همه نیروی فارغ التحصیل در پاسخ به کدام ضرورت به جامعه تحمیل می شوند؟

* از برنامه دوم توسعه در زمان مرحوم دکتر حبیبی، بند ب ماده ۵۲ قانون توسعه کشور، وزارتین را تکلیف کرده است که بیایند و طرح نیازسنجی انجام دهند و بگویند که چه تعداد نیروی تحصیلکرده و در چه رده هایی از دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر لازم داریم و برای چه بخش هایی باید تربیت بکنیم. این نیازسنجی واجب و ضروری است چون وقتی شما پول بودجه عمومی را می برید برای دانشگاه صرف می کنید، یعنی از بهداشت و امنیت و جاهای دیگر بر می دارید و برای آموزش عالی هزینه می کنید؛ یعنی ممکن است بچه ای در روستایی بمیرد چون برای ساخت خانه بهداشت در آن روستا هزینه نشده است ولی برای احداث یک واحد دانشگاهی در جایی دیگر بودجه تعریف کرده اید.

اما متأسفانه این نیاز سنجی تا کنون انجام نشده است چون کار بسیار سخت و پیچیده ای است و باید اطلاعات حال و آینده بخش های مختلف کشور را داشته باشیم تا بدانیم مثلا خودرو سازی به چه تعداد نیروی متخصص احتیاج دارد. حتی تخمین زدنش هم کار آسانی نیست. خود من که مسئول مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی بودم شروع کردم به برنامه ریزی برای این کار و بعد که رفتم معاونت پژوهشی وزارتخانه، آن کار خیلی قشـــری انجام شد و جوابگوی آن نیازسنجی را نبود.

پس ضرورت توسعه آموزش عالی تا کنون در راستای پاسخگویی به تخصص های مورد نیاز کشور نبوده است و چه بسا متخصصانی نیاز داریم که نداریم و در تخصص هایی اشباع شده ایم ولی دانشگاه ها هنوز فارغ التحصیل در آن رشته ها استخراج می کنند!

* در نظر داشـــته باشید که هیچ گاه در کشور ما میان سه قطب مهم تولید و صنعت و خدمات از یک طرف و دولت که کارمند و کارشناس می گیرد از طرف دیگر و آموزش عالی، رابطه معناداری وجود نداشته است و هر کدام راه خودش را می رفته است. دولت بودجه ریزی اش را مستقل انجام می داده است، دانشگاه ها هم بر اساس رقابتی که بین خودشان داشته اند دانشجو مـــی گرفته اند و صنعت و تولید هم کار خودش را می کرده است و هرجا که به محقق و مهندس نیاز داشته، بر اساس رابطه یا ضابطه خودش نیرو می گرفته است. البته درست است که کشورهای توسعه یافته و صنعتی هم بخشنامه ای عمل نمی کنند و صنعت به دانشگاه نمی گوید که چه قدر نیرو بگیر، ولی آنجا مکانیزم بازار خودش تعدیل کننده است و خود دانشجویان موقع انتخاب رشته حساب می کنند آیا بعدش کار هست یا نه؟ آیا به این رشته نیاز هست یا نه؟

حال آن که ما در ایران نه مثل آنجا مکانیزم بازارمان درست عمل می کند و نه مثل کشورهای سوسیالیستی مثلا بخش خـــودرو یا فولاد یا صنعت می گوید که چه قدر ظرفیت یا چه برنامه هایی دارد و چه تعداد شاغل می خواهد. در نتیجه الان دو میلیون دانشجوی علوم انسانی داریم که اصلا نمی دانیم کجا می خواهند شاغل شوند. ما بیکار پـــروری می کنیم ولی بیکار مدرک دار!

برای همین دومین اصل آموزش عالی این است که آموزش عالی هم به لحاظ محتوا هم به لحاظ تعداد باید جوابگوی نیازهای کشور باشد. یعنی اول ضرورت ها را بشناســـیم بعد برایشان سرمایه گذاری سنگین کنیم.

حتی در سهمیه بورسیه های خارج از کشور هم نیازسنجی نکرده ایم.

بورس خارج یعنی در رشته هایی که نمی توانیم متخصص در داخل تربیت کنیم، آدم درست و با استعداد را پیدا کنیم که وقتی می رود آنجا زیر بار تحصیل نماند و بعد هم تخصص بگیرد و برگردد و کمبود نیروهای داخلی را برطرف کند. ولی می بینید که داستان بورسیه ها و ارتباطات و رانت ها آن هم در رشته هایی که به اندازه کافی نیروی بیکار در داخل داریم چه قدر اسفناک بر سر زبان ها افتاده است.

پس دود ایـــن آتش افتاده به جان آموزش عالی کجا می رود که چشم مسئولان را نمی سوزاند؟ نکند این بیکار پروری مدرن و مُدرَک! آتش بدون دود است؟

* البته که چنین نیســـت و این توسعه آموزش عالی به صورت نادرست و مبتنی بر افزایش تعداد دانشجو و مدرک داران از یک سو و رقابت ناسالم دانشگاه ها برای گرفتن دانشجو با یکدیگر از سوی دیگر و نبود ارتباط بین صنعت و تولید و دولت و خدمات دولتی و مراکز آموزشی، دودش به چشم کل کشور رفته است. برای مثال کشاورزی ما علیرغم حساسیتی که کشاورزی و تغذیه و تأمین منابع غذایی در دنیا و در کشور ما دارد و یکی از مقولات امنیتی جهانی است ولی کمترین جذب فارغ التحصیل را دارد و بیشترین بیکاری بین فارغ التحصیلان کشاورزی است و شاغلان بخش کشاورزی فقط ۴٪ درصد نیروی شاغل در این بخش را تشکیل می دهند. نتیجه این که ما کمترین تکنولوژی و روش های نوین را وارد بخش کشاورزی کرده ایم و کشاورزی ما هنوز سنتی و تولید و بهره وری پایین است. اولین وارد کننده گندم و دانه های روغنی در جهان هستیم



و در حالی که با بحران کم آبی مواجهیم ولی هنوز آبیاری ما سیر آبی است.

بخش کشاورزی فارغ التحصیل را جذب نمی کند ولی دانشگاه ها همچنان فارغ التحصیل کشاورزی از فوق دیپلم تا دکتری بیرون می دهند.

این واقعیت که درصد فارغ التحصیلان مدرک دار بیکار ما از بی سوادان بیکار بیشتر است، «واقعیت تلخ بازار کار» ما است و چندین سال است که وضع چنین است. در صورتی که فلسفه وجودی این دانشگاه ها این بوده است که پاسخگوی نیازها باشند و نیروی متخصص و ماهر تحویل دهند.

نیازسنجی واجب و ضروری است چون وقتی شما پول بودجه عمومی را می برید برای دانشگاه صرف می کنید، یعنی از بهداشت و امنیت و جاهای دیگر بر می دارید و برای آموزش عالی هزینه می کنید

حال که این همه بیکار تحصیلکرده و مدرک دار داریم، پس چرا هنوز دکتر یا مهندس شدن مهم است و این تب تند، فروکش نمی کند و گفتن آقا یا خانم دکتر قبـــل از نام برخی افراد از اهم واجبات است؟ آیا این تقاضامندی جامعه بـــرای دکـــتری گرفتن نباید آسیب شناسی شود؟

* خیلی دردناک است که می بینیم روند آموزش عالی در این سال ها روند توسعــــه مدرک گرایی بوده است و مدرک گرایی میان سیاســـیون، اداریون، نظامیون و روحانیون رایج شده است.

به عنـــــوان یک جامعه شناس می گویم که به کارگیری مدرک دکتری به عنوان لقب برای این افراد نشان دهنده خودباختگی است تا مدرک دکتری یا لیسانس یا فوق لیسانس را به رخ دیگران بکشند و ضعف تخصصی شان را بپوشانند. آخر مگر نه این که ما در همه سطوح آموزش عالی و مدرک و سبک زندگی از غرب تقلید می کنیم ولی در کجای دنیا هر یک از این مناصب(اداریون و سیاسیون و روحانیون و نظامیون) با پیشوند دکتر و مهندس مزین می شوند؟

نمونه اش این که خانم تاچر که کشور انگلستان را اداره می کرد و بر سیاست دنیا تأثیر و دست اندازی داشت هرگز بر مدرک لیسانس شیمی اش تکیه نکرد و نخواست آن را به رخ دنیا بکشد.

در واقع ضرورت کسب مدرک برای تأمین نیازهای علمی و حرفه ای جامعه است نه تأمین کاستی های شخصیتی. اگر ما برای توسعه به افزایش مدرک احتیاج داشتیم آیا بهتر نبود یک کشتی کاغذ گلاســـه وارد می کردیم و به تعداد افراد مدرک صادر می کردیم و به همه آن ها می دادیم و این همه هزینه و وقت ملت و دولت هدر نمی رفت.

یکی از اساتید سال ها پیش به شوخی می گفت: پیشنهاد من به وزارت علوم این است که کار خودش را راحت کند و به هرکسی که به سن ۱۸ سالگی می رسد، دیپلم بدهد و در سن ۲۲ سالگی لیسانس و ۲۴ سالگی فوق لیسانس و ۲۸ سالگی مدرک دکتری بدهد. درست مثل وضعی که کم کم دارد اتفاق می افتد. اگر چنین می شد خانواده ها هم این همه فشار کنکور و هزینه های آن را تحمل نمی کردند.

حالا حاصل این مدرک گرایی چه شده است؟ آموزش از کیفیت خالی شده است و کمیت رشد کرده است. اینجاست که انسان و دستگاه ها و نهادها نیز از فضایل یعنی سواد و علم و اخلاق خالی می شوند. بعد هم آدم ها و دستگاه هایی که خالی از فضایل شوند با رذایل پر می شوند و همه کاری می کنند و تن به همه چیزی می دهند.

متأسفانه این اتفاق در غالب بخش ها رخ داده است و پزشک و مهندس و معلم ندارد!

به طوری که شاهدیم استاد بازنشسته ای که بالای هفتاد سال دارد و قرار نبوده دیگر کار کند و باید برود استراحت کند، وارد دانشگاه آزاد و دولتی و غیر انتفاعی شده است که مدرک صادر بکند؛ حتی چند برابر فارغ التحصیل جوان تازه نفس درس می دهد و چند برابر مجاز قانونی رساله دکتری سرپرستی می کند فقط برای پول. گفته می شود که بازنشسته هایی که جذب دانشگاه های غیر دولتی شده اند به طور متوسط ماهی ۲۰ میلیون تومان درآمد دارند. یعنی به خاطر پول هم خودشان را خراب می کنند، هم سیستم آموزشی را.

همین استادانی که تا ۱۰ سال پیش از افت کیفیت شکایت می کردند، حالا خودشان مدرک فروش و مدرک ساز شده اند و اتفاق کیفیت فدای کمیت شدن در آموزش عالی به موازات بخش های دیگر جامعه رخ داده است. این نکته را هم بگویم که اگر در این ۷-۸ سال گذشته به هر دلیلی انواع تولیدات افت داشته و واردات بیشتر شده، اما به جرأت می گویم که آموزش عالی و تولید مدرک، بی وقفه و بسیار با سرعت رشد کرده است.

تأکید می کنم هدفم سیاه نمایی نیست. نمی خواهم بگویم راه چاره وجود ندارد. هدف گفتن واقعیت هاســـت و ناشی از دلسوزی. ما باید آموزش عالی مان را با توجه به توانمندی هایمان ساماندهی کنیم و از این وضعی که به سوی ورطه می رود نجات دهیم که اگر بخواهیم می توانیم.

نکته دیگر این که این اتفاق فقط در ۸ سال گذشته نیفتاده است. درست اســـت که روندی است که در این ۸ سال اوج گرفته است ولی هنوز هم متأسفانه ادامه دارد و اگر سنجیدگی و بازنگری و ساماندهی نداشته باشیم وضع خیلی بدتر از این خواهد شد.

شاید باید خیلی قبل تر می پرســـیدم که آیا توسعه آموزش عالی نیازمند تنوع در انواع مراکز آموزشی هم بوده اســـت که حالا هر کدام از این ها را در نقش بنگاه تولید مدرک و کسب درآمد نبینیم؟

* اتفاقا نیازهای خاص توسعه، تقاضای این تنوع را داشت. دانشـــگاه پیام نور که قبل از انقلاب دانشگاه مکاتبه ای بود و دانشگاه آزاد که در خارج از کشور نیز با همین نام وجود دارد فلسفه وجودیی داشته اند که حالا دیگر از آن فاصله گرفته اند. اســـاس تأسیس آن ها این بود که کسانی که شاغل هستند یا کسانی که در مناطق جغرافیایی خاصی زندگی می کنند که دسترسی به دانشگاه ندارند یا امکانات مالی کافی ندارند که



هزینه ثبت نام های گزاف را بدهند، بتوانند بیایند در دانشگاه های مکاتبه ای ثبت نام و در وقت آزاد مطالعه بکنند و بعد هم بروند رفع اشکال بکنند. دانشگاه آزاد و پیام نور با این هدف تأسیس شدند اما می بینید که پولدارها و شاغلان با مسئولیت های بالا، هزینه می کنند برای ثبت نام در رشته های کاملا بی ربط به شـــغل یا تخصص یا علاقه شان تا از این دانشگاه ها مدرک بگیرند و یا بی پول ها با قرض به چنین راهی کشیده شدند. دانشگاه آزاد هم برای این درست شد که وقتی دولت توانمندی ندارد که پاسخگوی این موج دانشجو باشد، به کمک دولت بیاید و کمبود دانشگاه دولتی را جبران کند.

دانشگاه علمی کاربردی هم برای این بود که نیروی تکنسین مورد نیاز بخش صنعت و تولید را تربیت کند و بهره وری را ارتقاء دهد و بر کیفیت تولیدات بیافزاید، چراکه تکنولوژی و صنعت با بازوی تکنسین ها می چرخد. سابچوی، پدر تکنولوژی کره جنوبی می گوید: پیشرفت کره جنوبی به دلیل تربیت کادر تکنسین در سطح وسیع است که توانست صنعت را به حرکت در آورد. ما نیز به دانشگاه های علمی کاربردی گفتیم که این ضعف را که همـــــه دانشگاه ها لیسانس تربیت می کنند و در کشور ما هم همه می خواهند لیسانس بگیرند جبران کنند و در برنامه ســـوم توسعه که من دبیر بخش آموزش عالی آن بودم به زور از دانشگاه آزاد خواستیم که به لحاظ برنامه ریزی بپذیرد که توسعه کارشناسی اش را متوقف کند و در عوض توســـعه نیروی دوساله تکنسین و کاردانی را تقویت کند. اما در عمل چه شد؟

دانشگاه آزاد نه تنها توسعه کارشناسی اش را متوقف نکرد بلکه کارشناسی ارشد و دکتری را هم توسعه داد. دانشگاه علمی کاربردی هم که قرار بود فقط نیروهای شاغل را آموزش بدهد و سطح مهارتشان را بالا ببرد، رفت به دنبال دانشجوی لیسانس و فوق لیســـانس و دکتری گرفتن و مانند سایر دانشگاه ها کسانی را جذب می کند که خارج از محیط کار هستند.

درنتیجه همه این مراکز از اهدافشان فاصله گرفتند. حتی دانشگاه غیر انتفاعی برای این بود که کسانی که پول دارند و می توانند شهریه بپردازند بیایند و پول بدهند تا دانشگاه با این پول هزینه هایش را تأمین کند و خودش را بدون اتکا به بودجه عمومی توسعه بدهد، ولی این دانشگاه ها هم از اهدافشان فاصله گرفتند و همه این نهادهای آموزش عالی که برای دانش اندوزی و کسب مهارت و خدمت به توسعه کشور بودند رفتند به سمت صدور مدرک آن هم د ر سطوح عالیه.

با این حساب آیا مؤلفه تأسیس انواع دانشگاه ها برای دسترسی همه افراد مستعد به آموزش عالی، بهانه ای نشده است برای دسترسی همان واحدهای آموزشی به دانشجوی بیشتر و درآمد بیشتر؟

* یکی از اهداف آموزش عالی و اهداف جهانی آن این است که همه آن هایی که استعداد دارند نه همه آن هایی که پول دارند در فرصت برابر بیایند و درس بخوانند و مهارت کسب کنند و آموزش عالی برای کسانی که کار دارند یا مشکلات جغرافیایی دارند یا موانع مالی دارند، با انواع آموزش ها فرصت مهارت و تخصص اندوزی و علم اندوزی فراهم کند.

ولی در ایران دانشگاه هایی که با این هدف تأسیس شدند خودشان بنگاه های کســـب درآمد و دریافت شهریه های سنگین شدند و گاه کم استعداد ترین افراد را جذب دانشگاه ها کردند. ولی آیا دانشجویی که چند جا کار می کند و استادی که ۳۰-۲۰ واحد درس می دهد و ۳۰-۲۰ رساله ارشد و دکتری راهنمایی و مشاوره می کند، توانی برای پژوهش دارد؟

حتی دانشـــگاه های دولتی مثل شریف و تهران هم که دولت بودجه کافی به آنان نمی دهند کمبود مالی شان را از نوبت دوم و شـــبانه های قدیم و پردیس ها با شهریه ها جبران می کنند.

دانشگاه ها از اهدافشان فاصله گرفته‌اند و همه این نهادهای آموزش عالی که برای دانش اندوزی و کسب مهارت و خدمت به توسعه کشور بودند رفته‌اند به سمت صدور مدرک آن هم د ر سطوح عالیه

۵۰ تا ۶۰ میلیون برای دکترا و ۱۰ تا ۱۵ میلیون برای فوق لیسانس می گیرنـــد و در بسیاری از دانشگاه ها در عمل اجازه می‌دهند دانشجو غیبت کـــند و کـــلاس نرود و یا کلاس های بی کیفیت تشکیل می دهند.

می بینیم که در این توسعه بی رویه کمی، اولین قربانی کیفیت بوده اســـت. بعد هم کارایی پایین فارغ التحصیلان در بخش صنعت و خدمات و تولید و فرهنگ به بار آمده است.

افت تولیدات علمی نیز آشکار است. ما مجلات علمی پژوهشی مان ظرف ۸ سال گذشته از ۳۰۰ تا به ۱۰۰۰ تا رسیده اســـت. در حال حاضر شما می توانید برای چاپ هر سطح مقاله ای ولو ضعیف تا ۵۰۰ هزار تومان بدهید و آن را در یکی از این ۱۰۰۰ ژورنال چاپ کنید. این مجلات چون خودگردان هســـتند باید پول کاغذ و داوری شان را دربیارند و در ازای دریافت این وجه، چه بسا هر مطلبی را چاپ می کنند. آی اس آی هم که شـــق جدیدی از چاپ در مجلات خارجی برای ارتقاء است بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار هزینه دارد. از طرفی دیگر در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی بیرون از دانشگاه هم مقاله و رساله می نویسند و پول می گیرند.

تصویب طرح های تحقیقاتی و پژوهش های کوچک هم تقریبا تمام شده یا افت شدید پیدا کرده است، چون بودجه تحقیقاتی کافی نداریم ولی در مقابلش به صورت تکان دهنده ای طرح های از بالا تعریف شده تحت عنوان طرح های ملی چند ده یا صد میلیاردی بی سرو ته و روی کاغذ داریم که عمدتا هیچ توجیهی ندارند. بودجه هایی که برای این طرح ها تعریف شده اند حتی اگر با اتمام دوره قبلی پرداخت نشده اند ولی بر ذمه دولت و دستگاه های اداری هستند.

انجمن های علمی مان هم بی خاصیت و تهی شده اند و در جلساتشان ۲۰-۳۰ نفر دور هم جمع می شوند و فقط یکدیگر را ملاقات می کنند.

حال آن که انجمن های علمی در کشـــورهای پیشرفته اعضای ده ها و صدها هزار نفری دارند و مراجع علمی غیر دولتی بی طرف و بی تعصبی هستند که کیفیت دانشگاه و رشته و مقاله را ایثارگرانه و بدون سود و منفعت و حقوق و فقط برای توسعه و بسط علم رصد می کنند و به دولت ها و دستگاه های اجرایی مشاوره می دهند.

به عنوان جمع بندی و نتیجه گیری از مباحثی که مطرح شد عرض می کنم آیا در این توسعه کمی نادرست آموزش عالی، جز توســـعه و تولید مدرک و مدرک دار و مدرک فروش، اتفاق دیگری هم افتاده است؟

* اگر بخواهم ماحصل این بحث و مهم ترین نتیجه این توسعه مبتنی بر توسعه کمی نادرست را بگویم « افت جایگاه فرهنگی علم و عالم در جامعه» را فریاد می زنم که دردناک ترین اتفاقی اســـت که در جامعه دارد می افتد. این یک زنگ خطر است که صدای آن بلند شده است ولی انگار در میان صدای زنگ خطرهای دیگر گم شده است!

حاصل این توسعه نسنجیده علمی، افت کیفیت، افت پژوهش، افزایش توقعات، هدر رفتن سرمایه های ملی، بیکاری فارغ التحصیلان و تقلب علمی و از همه مهم تر «افت جایگاه فرهنگی علم و عالم در جامعه» است.یک وقتی بود که معلم حقوقی نداشت ولی به لحاظ فرهنگی در هر کوره ده و بخش و شهری احترام داشت اما امروزه به دلیل خالی شدن درون افراد از فضایل و رشـــد مدرک گرایی، جایگاه علم و عالم و معلم و علم اندوزی تنزل کرده است و این یک خطر فرهنگی- اجتماعی برای آینده کشور است.

در پایان ایـــن گفتگو، برای آقای دکتر توکل، جامعه علمی کشور و مردمانی که به فضل و آداب در عالم شهره بوده اند، « نو» روز هایی پر از راســـتی و درستی و نیکویی آرزو می کنیم.

مقارن با هشتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران، یادی از:

علامه نامدار علی‌اکبر دهخدا

علامه دهخدا / عکس: آرشیو اختصاصی اطلاعات

همزمان با هشتادمین سالگرد تاسیس دانشگاه تهران ، بزرگداشت علامه نامدار علی اکبر دهخدا با حضور استادان و دانشوران فرهیخته برگزار شد . در این مراسم دکتر ژاله آموزگار سخن را با شرایط علمی امروز آغاز کرد.

دکتر ژاله آموزگار با اشاره به رویکرد علمی نسل امروز در مقایسه با کارنامه دهخدا گفت: با نگاهی به حال و روز تولید آثار علمی و ادبی نسل امروز پرسش‌هایی به ذهنم متبلور می‌شود که آیا دهخدا و یارانش برای ارتقاء، چنین عاشقانه قلم زدند؟ فروزانفر شاهکار خود را برای کسب رتبه استادی نوشت؟ ملک‌الشعرای بهار کتاب «سبک‌شناسی» را برای مطرح‌شدن در هیأت ممیزه به سرانجام رساند؟

دکترژاله آموزگار در این مراسم در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا با طرح پرسشی درباره نیاز پژوهشگران به لغت‌نامه گفت: اگر حاضر شدم با طیب خاطر در این مراسم با دوستانم در موسسه دهخدا هم‌نوایی کنم و در جایگاه سخنران قرار بگیرم به این دلیل است که خواستم زبان حال جمع بسیاری از مردم کشورم باشم که اگر دست‌به‌قلم شدند و پژوهشی کرده‌اند، همیشه دست نیازشان به‌سوی «لغتنامه دهخدا»؛ این خوان گسترده دانش دراز بوده است. کیست در میان ما و در این جمع فرهیخته که بارها و بارها از قفسه کتابخانه‌اش جلدی از مجلدهای ارزشمند این مجموعه را پایین نیاورده و قلم در دست و ورق کاغذی در پیش و از این صفحه به آن صفحه کتاب نرفته باشد و بدون این‌که خود بداند و به زبان بیاورد این شاهکار را تحسین نکرده باشد؟

وی با اشاره نگاه تحسین‌برانگیز پژوهشگران به لغت‌نامه دهخدا اظهار کرد: تحسین‌هایی که از دل برمی‌آیند غالباً گنگ و بی‌زبان‌اند. درست مانند این‌که ما گل‌های باغچه‌مان را هر روز می‌بینیم و از دیدن آن‌ها لذت می‌بریم و در پس ذهنمان زیبایی آن‌ها را تحسین می‌کنیم. اما خوش آمدن‌ها و تحسین‌هایمان را به زبان نمی‌آوریم. چه خوب شـــد که فرصتی پیش آمد تا این

تحسین‌ها به زبان آید.

این استاد گروه زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با اشاره به زندگی دهخدا عنوان کرد: من درباره زندگی وی از این‌که هرلحظه را برای پیشرفت علمی شکار کرد، از موقعیت سفر به خارج از کشور نهایت استفاده علمی را برد، «امثال‌وحکم» را از فراموشی نجات داد، با زبان طنزش گفته‌های ناگفته را بر زبان راند، با «چرند و پرندش» در به روی بسیاری از چرندوپرندها بست، شعرها گفت و بسیاری متون را ترجمه کرد. چیزی که می‌بینید و همین‌طور درباره تاریخچه موسسه دهخدا و مدیران دلسوز و دانشمندش که در آغاز این کار تاکنون اینجا بودند، نمی‌توانم بر دانسته‌های شما از آن‌ها چیزی بیفزایم. زیرا آگاهی من در اندازه اطلاعات همکاران دانشمندی که در این مراسم حضور دارند، نیست.



دکتر آموزگار با اشاره به زندگی ساده و امکانات اندک دهخدا بیان کرد: استادان حاضر در مراسم بسیار جامع‌تر از من درباره دهخدا و محمد پروین گنابادی سخن گفتند و سخن خواهند گفت. اما من امروز در این مراسم می‌خواهم با صدای بلند فکر کنم که چگونه می‌شود که این فرزند ایران از شهر کوچکی برمی‌خیزد و در گوشه اتاق خود با کمترین امکانات و بدون چشمداشت مستقیم و آنی از کسی یا کسانی داشته باشد با مدادی که خود سر آن را تراشیده و بر روی ارزان‌ترین نوع کاغذ و با فیش‌هایی که با دست خود بریده است، چنین شاهکاری را بنیان می‌نهد؟ وی افزود: بخت با دهخدا همراه می‌شود و قدر کار وی شناخته می‌شود و ارزش کارش چنان جلوه می‌کند که به صحن مجلس چهاردهم می‌کشد. مجلسی که نمایندگانش اهل کتاب بودند و غم فرهنگ این سرزمین را داشتند و نیاز جامعه را به این اثر سترگ درک کردند و طرح ماندگاری این اثر تقدیم آن‌ها شد و براثر کوشش آن‌ها، «لغت‌نامه دهخدا» به‌عنوان یک اثر ملی درآمد و هزینه طبع و نشر آن را دولت به عهده گرفت. تصویب «لغتنامه دهخدا»، به‌عنوان افتخاری بزرگ و برگی زرین در کارنامه چهاردهمین مجلس شورای ملی ثبت شد.

این استاد گروه زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با اشاره به دل‌بستگی فرهیختگان به ایران اظهار کرد: دهخدا به نسلی تعلق دارد که از درون تاریکی‌ها سر کشیدند و فرزندان خلف این سرزمین بودند که عشق به ایران و دل‌بستگی به فرهنگ این سرزمین را که زمانی به زیر خاکستر فرورفته بود، به دست آن‌ها زنده و در خون آن‌ها دمیده شد.دکتر آموزگار گفت: دهخدا و یاران هم‌عصرش، این شایستگان پرورش‌یافته دوران زرین ممکن‌ها، نسلی که باوجود همه کمبودها و فشارها چنان محیطی برای آن‌ها فراهم شد که توانستند به دنبال آنچه می‌خواهند بروند و همه نیرو و استعداد خود را در زمینه‌های مختلفی که دوست داشتند، به کار بگیرند و بهترین سال‌های عمر خود را باجان و دل درراه خدمت به ایران هزینه کنند. اگرچه آن‌ها تظاهری به ایران‌دوستی نمی‌کردند، شعار نمی‌دادند، اما در عرصه عمل دهخدا به همراه یاران دانشمندش بهترین سال‌های زندگی‌شان را برای اعتلای تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین با خلق شاهکاری همچون لغت‌نامه دهخدا دریغ نکرد.

دکتر آموزگار عنوان کرد: غلامحسین مصاحب دایره المعارف ماندگارش را بنیان نهاد، تقی زاده به گاه‌شماری اصالتی دیگر بخشید، گل‌گلاب سروده جاودانه «ای ایران» را سرود و ملک‌الشعرای بهار رو به دماوند بانگ «ای کوه سفید پای‌دربند» سر داد. گویی فره خفته ایرانی دوباره با این نسل جان گرفت. همان فره ایی که هرکدام از فرزندان اصیل و خلف را به پاسداری و نیکوداشت این سرزمین هدایت کرده است. مگر نه این‌که فره مترادف با خویشکاری یا انجام‌وظیفه است. همان فره‌ای که آموزگاری را در تعلیم دادن، سلحشوری را در بهتر دفاع کردن و کشاورزی را به بهترِ کشتن وامی‌دارد و دهخدا و یارانش را به خلق و تزئین این شاهکار ماندنی واداشت.

این استاد گروه زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با طرح پرسشی درباره بی‌تفاوتی نسل امروز در عرصه علم و فرهنگ اظهار کرد: باوجود امکانات اندکی که در اختیار نسل فرهیخته دهخدا بود، شاهکارهایی آفریدند که هر زمان مورداستفاده دانشمندان سخت‌کوش ایرانی قرار گرفت و آن‌ها نیز به‌اندازه خود تلاش کردند در زمین دانش ایرانی بذری بکارند و برای بارور شدن دانش و فرهنگ در این سرزمین سهمی داشته باشند. ما نیز که از تبار آن نسل فرهیخته بودیم و به‌قدر علم خود در کشتکاری خویش کوشیدم و در گوش جوانانمان پیام عاشقانه ایران‌دوستی را سر دادیم، اما چه شد که در این نسل این‌همه بی‌تفاوت وجود دارد؟ چه شد که چشمه تولید دانش و فرهنگ این مرزوبوم از فوران ایستاد؟

آموزگار با اشاره به گستردگی امکانات نسل امروز و تولید اندک دانش در ایران‌زمین افزود: چه شد که نسل امروز با این امکانات گسترده رایانه‌ای و فیش‌های براق، روان‌نویس‌ها در آثار خود بیشتر گفته‌های گذشتگان را آن‌هم به‌طور ناقص بازگو می‌کند؟ آیا این فره در لابه‌لای قوانین عجیب‌وغریب ارتقاء، فارغ‌التحصیلی و در میان مقاله‌هایی که باید به‌زور نوشته شود و در میان مجله‌های علمی و پژوهشی، علمی ـ کاربردی و علمی ـ مروری ـ که روزبه‌روز بر تعداد این مجله‌ها افزوده می‌شود ـ گم‌شده است؟ بیشتر آثار نوشته‌شده نویسندگان امروزی به‌جای این‌که از دل برآید در خدمت رتبه دانشگاهی، پایان‌نامه تشریفاتی و برای مطرح‌شدن در هیأت ممیزه هستند.

وی با انتقاد از شیوه ارزش‌گذاری مقاله‌های دانشوران ایرانی بیان کرد: مقاله‌ها و نوشته‌های علمی استادان و دانشجویان ما تنها در صورتی ارزش‌گذاری می‌شوند که دریکی از نشریه‌های ساختگی (ISI) در بنگلادش، پاکستان و هند در ازای پرداخت مبالغی از ۲۰۰ تا ۱۰۰۰دلار منتشر شوند. کسی با محتوای این مقاله‌ها کاری ندارد. اینجا پرسشی به ذهنم متبلور می‌شود که آیا دهخدا و یارانش برای ارتقاء چنین عاشقانه قلم زدند؟ فروزانفر شاهکار خود را برای کسب رتبه استادی نوشت؟ ملک‌الشعرای بهار کتاب «سبک‌شناسی» را برای مطرح‌شدن در هیأت ممیزه به سرانجام‌رساند؟

سخنان دکتر حسن انوری

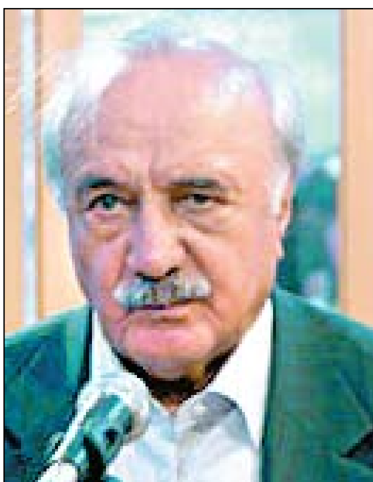
حسن انوری، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی یکی دیگر از سخنرانان این مراسم گفت: به دهخدا که فکر می‌کردم دیدم وی در تاریخ مشروطه نامش در عرصه‌های مختلف برده می‌شود. زمانی که از مبارزات سیاسی در دوران معاصر سخن گفته می‌شود، نام وی به میان می‌آید. بنابراین از دهخدا یک چهره سیاسی در تاریخ نهفته است.

وی با اشاره به عرصه سیاست بیان کرد: هنگامی که صحبت درباره سیاست به میان می‌آید، نام دهخدا مطرح می‌شود. وی در عنفوان جوانی عضو وزارت خارجه بوده و به‌عنوان معاون سفیر به بالکان می‌رود و در سفارت بالکان دستیار معاون‌الدوله غفاری را به عهده می‌گیرد. وی پس از بمباران مجلس شورای ملی و پس از شرکت فعال در مبارزات مشروطه‌طلبان از کرمان به‌عنوان نماینده آن شهر انتخاب می‌شود. به‌این‌ترتیب از وی یک پیشینه سیاسی در تاریخ به یادگار مانده است.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادامه داد: چهره دیگر دهخدا در عرصه مطبوعات است. وی به‌عنوان یک روزنامه‌نگار مبارز با همکاری میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل روزنامه «صوراسرافیل» را منتشر می‌کند. زمانی که وی به اروپا تبعید می‌شود این حرفه روزنامه‌نگاری را ادامه می‌دهد و چند شماره روزنامه در اروپا منتشر می‌کند. بنابراین از وی یک چهره مطبوعاتی در تاریخ معاصر موجود است.

انوری با اشاره به تاریخ طنز عنوان کرد: زمانی که به‌مرور تاریخ طنزنویسی در ایران می‌پردازیم، نام دهخدا در این عرصه با کتاب ارزنده «چرند و چرند» به میان می‌آید. کتابی که یکی از بهترین آثار طنز در دوره مشروطه به شمار می‌آید.

وی درباره تحول نثر دوره مشروطه اظهار کرد: دهخدا در تحول نثر دوره مشروطه سهم عمده‌ایی دارد. نثر وی، نثر فارسی را برای داستان‌نویسی آماده کرد. زمانی که سراغ پیشینه تحول نثر فارسی می‌رویم نام دهخدا مطرح می‌شود.



این استاد ادبیات و زبان فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گفت: مهم‌ترین بخش چهره دهخدا فرهنگ نامه‌نگاری است. «لغتنامه دهخدا» یکی از بهترین لغت‌نامه‌هایی است که به زبان فارسی نوشته‌شده و به‌نوعی بهترین لغتنامه‌ای است که در طول هزار سال زبان فارسی به نگارش درآمده است. این لغت‌نامه از جهات مختلف می‌تواند مورداستفاده پژوهشگران عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی قرار بگیرد. به عبارتی می‌خواهم بگویم این لغت‌نامه تنها از نظر تحقیق و پژوهش ادبی کاربرد ندارد بلکه در حوزه پژوهش‌های علوم انسانی و به‌ویژه در عرصه علوم اجتماعی اهمیت دارد. زیرا در ذیل هر لغت نزدیک به ۳۰ الی ۴۰ شاهد نقل‌شده است.

دکتر انوری با اشاره به عرصه تصحیح متون گفت: یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت دهخدا که باید مدنظر قرار گیرد در حوزه تصحیح متون است. دهخدا چند متن مهم فارسی را ازجمله «تحقیقاتی درباره دیوان ناصرخسرو»، «دیوان منوچهری»، «دیوان فرخی»، «دیوان سوزنی» و «دیوان مسعود سعد سلمان» را تصحیح کرد، که اگرچه این آثار منتشر نشد اما مورداستفاده مصححان بعد از وی قرار گرفته است. همچنان که محمد دبیرسیاقی در تصحیح «دیوان منوچهری» از تحقیقات وی بهره گرفت.

بهرام پروین گنابادی

بهرام پروین گنابادی، نوه زنده‌یاد پروین گنابادی و عضو بنیاد دایرةالمعارف اسلامی دراین مراسم گفت: زنده‌یاد گنابادی و بدیع الزمان فروزانفر با هم از طرف مادری نسبت داشتند و هردو در مکتب ادیب نیشابوری درس آموخته بودند. همچنان که ملک الشعراء بهار نیز در مکتب این استاد بی‌بدیل از ادبیات بهره‌مند شده بود.

وی با اشاره به سخنان تحسین‌آمیز بهار در کتاب «سبک شناسی» اظهار کرد: برای درک بزرگی و توانایی ادیب نیشابوری باید به این سخن بهار در این کتاب اشاره کنم. وی در مقدمه کتاب خود در جمله قابل تاملی نوشته است: «من سبک‌شناسی را از دو بزرگوار زنده‌یاد صید علی‌خان درگزی و ادیب نیشابوری آموختم.» نگاهی به کتاب‌هایی در حوزه سبک‌شناسی پنجاه سال پس از بهار حاکی از این است که ما در این حوزه حرف جدیدی نداریم و هر آنچه ارائه کردیم، خلاصه‌ای از کتاب سبک شناسی بهار بوده است.

نوه زنده‌یاد پروین گنابادی با اشاره به پایه‌گذاری دانشکده ادبیات در تهران و مشهد از سوی شاگردان ادیب نیشابوری عنوان کرد: زمانی که دانشکده ادبیات در تهران و سپس مشهد دایر شد، اگر به اساتید این دانشکده‌ها نگاه کنیم شاگردان ادیب مانند فروزانفر در تهران و پروین گنابادی در مشهد را مشاهده می‌کنیم. البته در مشهد پروین گنابادی ریاست دانشسرای عالی دختران را به عهده گرفت. این مسئولیت در آن زمان نشانه خوشنامی و اعتماد اهل فرهنگ مشهد به وی است. از جمله شاگردان پروین گنابادی در این دانشسرا، می‌توان از قمر آریان نام برد. با این سخنان قصدم اشاره به نفوذ و حضور درخشان شاگردان ادیب نیشابوری در

دانشکده ادبیات تهران است.

بهرام پروین‌گنابادی درباره نحوه آشنایی پدربزرگش با دهخدا بیان کرد: از طریق مهندس رضوی وی به علامه دهخدا معرفی شد. کسانی که دهخدا را از نزدیک دیده‌اند، در خاطراتشان آورده‌اند وی زمانی که با فردی آشنا می‌شد، اندکی با دیده تردید و سوءظن با آنها برخورد می‌کرد و برای دریافتن توانایی افراد برای کار در لغت‌نامه آنها را می‌آزمود. نخستین باری که وی با محمدپروین گنابادی دیدار کرد، از وی خواست تا فیش‌های کتاب منتهی‌الیه را تهیه و با خود بیاورد. (زمانی که دهخدا پروین گنابادی را ملاقات کرد، روز چهارشنبه بود و به وی تا شنبه فرصت داد تا فیش‌های موردنظر را تهیه کند.)

وی افزود: شنبه صبح دهخدا، پروین گنابادی را در حالی که یک گونی را حمل می‌کرد، مشاهده کرد. با مشاهده این صحنه لبخندی بر لبش نقش می‌بندد و فکر می‌کند که پدربزرگم تکلیف مشخص شده را سرهم‌بندی کرده و می‌خواهد به وی تحویل دهد. بنابراین تمام فیش‌ها را بررسی می‌کند. دهخدا هر بسته‌ایی از فیش‌ها را که بررسی می‌کند چهره‌اش باز می‌شود. بنابراین پس از بررسی فیش‌ها به پروین گنابادی می‌گوید کار شما بسیار خوب است. پدربزرگم به دهخدا می‌گوید که کتاب (منتهی‌الیه) غلط‌هایی در متن و ترجمه دارد. دهخدا ادعای وی را باور نمی‌پذیرذ تا زمانی که غلط‌های آن متن را به وی نشان می‌دهد. پس از آن پروین گنابادی در کنار دهخدا به تهیه و تدوین فیش‌های لغت‌نامه پرداخت.

این عضو بنیاد دایره معارف اسلامی با اشاره به ترجمه مقدمه ابن‌خلدون از سوی پروین‌گنابادی عنوان کرد: نخستین بار پدربزرگم بخش زبان این مقدمه را برای استفاده در فرهنگ لغت ترجمه می‌کند. پس از آن دهخدا به چند نفر ترجمه این مقدمه را پیشنهاد کرد، اما بسیاری از افراد این پیشنهاد را به دلیل دشواری زبان عربی مغربی آن (عربی شمال آفریقا) نپذیرفتند. بنابراین پروین گنابادی این ترجمه را انجام داد که حاصل کار، ترجمه خوبی می‌شود که به نظر بنده این ترجمه برآمده از مکتب دهخداست.

بهرام پروین‌گنابادی در ادامه با اشاره به انتشار کتاب «فرهنگ تاریخی زبان فارسی» افزود: جلد نخست این کتاب در سال ۱۳۵۷ منتشر و جلد دوم آن در اواخر سال همین سال آماده چاپ شد. مقدمه‌ای که استاد محسن ابوالقاسمی پس از درگذشت پدربزرگ بر این کتاب نوشته دو ویژگی دارد. وی ابتدا اشاره کرده که پروین‌گنابادی مرد فاضلی است و دیگر این‌که با وجود تلاش برخی اساتید، وی نقش پررنگتر در تدوین «فرهنگ تاریخی زبان فارسی» را از آن پدربزرگم می‌داند. اثری که آن نیز برخاسته از مکتب دهخداست.

وی با اشاره به برخی دیدگاه‌های اساتید در استفاده از لغت‌نامه در پایان‌نامه‌های دانشگاهی اظهار کرد: بعضی اساتید زمانی که پایان‌نامه دانشجویان را بررسی می‌کنند تا نام لغت‌نامه را به عنوان منبع مشاهده می‌کنند به دانشجو می‌گویند منابع شما ضعیف است. اصلا به چه دلیل از لغت‌نامه به عنوان منبع استفاده کردید؟! این بحث حتی در مقالات فرستاده شده برای انتشار در مجلات نیز پیش می‌آید. یکی از کسانی که در این میان به اظهارنظر در این امر می‌پردازد، بنده هستم و به این اساتید مدعی می‌گویم شما بفرمایید که دانشجو از چه منبعی استفاده کرده است؟ چرا می‌گویید لغت‌نامه نامعتبر است کجای آن نامعتبر است؟! این خرده‌گیری‌های اساتید دانشگاهی در حالی است که هنوز کسی یاد نگرفته از فرهنگ لغت‌ها به درستی استفاده کند.

نوه محمد پروین گنابادی با اشاره به برخی مقاله‌های لغت‌نامه دهخدا بیان کرد: وی درباره زین‌العابدین مراغه‌ای مقاله‌ای آورده که این مقاله بی‌نظیر است و همچنین مقدمه‌ای که در درباره دیوان حاج حبیب خراسانی از سوی دهخدا در لغتنامه آمده، کوششی قابل تاملی است که تاکنون کسی نتوانسته آن‌را تکمیل کند. مقاله‌ای که در لغت‌نامه درباره این فرد آمده، درهیچ منبع دیگری قابل جستجو نیست. با وجود بی‌اعتنایی برخی اساتید به لغت‌نامه، باید از نام‌آوران زبده این مجلس پرسید شما که متن‌های دشوار را تصحیح و ترجمه کردید کدامتان از لغت‌نامه بی‌نیاز بودید؟

مهدی‌ماحوزی

مهدی ماحوزی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران یکی دیگر از سخنرانان این نشست درباره جنجال تصویب «لغت‌نامه دهخدا» در مجلس شورای ملی گفت: در زمان تصویب لایحه انتشار کتاب فرهنگ لغت دهخدا در مجلس، علی دشتی، نویسنده و نماینده مجلس خطاب به شهاب فردوس که پیشنهادی برای اصلاح طرح تصویب این لغت‌نامه دارد، می‌گوید: یک اشتباهی در تصویب این لایحه صورت گرفته است. فردوس به دشتی اجازه می‌دهد که طرح اصلاحیه خوانده شود.

وی در ادامه با شرح مذکرات دشتی درباره لایحه تصویب لغتنامه دهخدا اظهار کرد: دشتی درباره پیشنهادش می‌گوید: به نظر بنده یک اشتباهی در تقدیم لایحه تصویب این لغت‌نامه رخ داده است و آن این است که دکتر زنگنه که این لایحه را به مجلس ارائه کرد این طرح، وضعیت کتاب و دهخدا را درست تشریح نکرد. در همین زمان زنگنه به دشتی توضیح می‌دهد و می‌گوید نمایندگان فرصت ندادند که وارد بحث دفاع از این دو موضوع شود. سپس دشتی در ادامه می‌گوید بنده کتابی را که دهخدا نوشته است، چندین سال پیش مشاهده کرده‌ام.

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با اشاره به سخنان تحسین‌آمیز دشتی از اثر دهخدا ادامه داد: این لغت‌نامه، کتاب بسیار مفیدی است و حقیقتا اسباب شرم و خجالت است، مملکتی که شهرت در ادبیات فارسی دارد تا به حال یک کتاب لغت صحیح و مدون نداشته است. این اسباب ننگ است و این ننگ را دهخدا با یک زحمات زیادی رفع کرده است. وی در تتبع، تحقیق و تدقیق واقعاً نظیرندارد و نمونه کار وی کتاب «امثال و حکم» است. زمانی که کتاب وی را می‌خوانیم درمی‌یابیم که اثر وی در شرق نظیر ندارد. آن‌چه برشمردم به لحاظ ویژگی‌های کتاب بود.

ماحوزی با دنبال کردن دفاعیات دشتی در مجلس شورای ملی از کتاب «لغت‌نامه دهخدا» عنوان کرد: شخصیت دهخدا نیازی به تعریف و تمجید ندارد. وی اکنون در مجلس حضور دارد. بنابراین جناب حاذقی باید به این نکته توجه داشته باشد که دهخدا یک انسان درویش وارسته‌ای است که اصلا به دنبال پول نیست. وی تنها به یک چیز که باید مدنظر همه باشد، اهمیت می‌دهد و آن این است که کتاب لغت‌نامه با کیفیت مناسب چاپ شود. بهترین نمونه‌ای که برای آن برشمردم همان کتاب «امثال و حکم» بود که قرار بر این شد که این کتاب را در نسخه‌های بسیار به دهخدا بدهند که وی همه نسخه‌های این کتاب به غیر از چند جلد را به وزارت معارف اهدا کرد. همچنین از همان چند جلدی که در نزد خود نگه داشته بود، نیز استفاده مادی نکرد.



وی با اشاره به سایر سخنان دشتی در دفاع از دهخدا در صحن مجلس شورای ملی بیان کرد: دهخدا هیچ‌گونه نفع مادی درا نتشار آثارش برای خود قائل نیست. بنابراین به نظر بنده این گونه صحبت کردن درباره دهخدا بی‌مورد است. تنها کاری که می‌توان کرد این است که مجلس رای بدهد که اثر وی برای افتخار زبان فارسی منتشر شود. به نظرم این‌جا مهم تصویب انتشار کتاب و باقی سخنان دیگر بی‌معنی است. بنابراین از آقایان نماینده مجلس تمنا می‌کنم پیشنهادهای‌شان را پس بگیرند و به طرح انتشار لغت‌نامه رای دهند تا این ماجرا پایان یابد. با این وجود دهخدا کیسه طمع برای کسب مال ندوخته است و اصلا نمی‌توان این‌گونه درباره شخصیت وی صحبت کرد.

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران ادامه داد: دشتی در پایان نطق دفاع از اثر فاخر دهخدا می‌گوید: وی ۴۰ سال برای لغت‌نامه زحمت کشیده است. برای تقدیر از زحمات وی این کتاب باید منتشر شود و دیگر هیچ. با این سخنان دشتی، انتشار «لغت‌نامه دهخدا» تصویب شد.

سخنان‌سیدمحموددعایی

از الطاف حق‌تعالی و بلندنظری دوستان و یاوری بختِ کارساز من است که امروز مجال حضور در جمعی را یافته‌ام که جز عنایت آنان و ارادت این بنده، وجه دیگری نمی‌بینم که جواز ورود به آستان بلندِ عنقای علم و دانش را به این خدمتگزار اهالی فرهنگ بدهد. مگر اینکه به پاس رأی همشهریانم در انتخاب مرحوم دهخدا به نمایندگی کرمان (در مجلس دوم)، دوستان گرامی مصلحت دیده‌اند که مرا نیز به این محفل دانشوران بپذیرند تا همچنان سخن مرحوم دکتر باستانی پاریزی بر کرسی بنشیند که عهد کرده بود: «نباشد مجمعی یا سمیناری که من در آن شرکت کنم یا مقاله‌ای بنویسم، مگر اینکه در آن، به تقریبی یا به تحقیقی، یاد کرمان به میان آید» و اکنون در آستانه سالگرد درگذشت او، من وظیفه آن عزیز را به عهده گرفته‌ام که در تنظیم لغتنامهٔ دهخدا نیز دخیل بود و خود را «همزاد اطلاعات» می‌دانست. به همین مناسبت جا دارد از بزرگان دیگری نیز یاد کنم که ضمن همکاری با لغتنامه، دیدهٔ لطف و مرحمتشان بر روزنامه اطلاعات باز بود و ما مفتخر به چاپ مطالبشان بودیم؛ کسانی چون مرحومان: استاد ایرج افشار، دکتر حسن احمدی گیوی، استاد محمد پروین گنابادی، دکتر عزیزالله جوینی، دکتر محمداسماعیل رفیعیان، دکتر محمدامین ریاحی، علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، دکتر جعفر شعار، علامه ابوالحسن شعرانی، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر سیدمنوچهر مرتضوی، دکتر محمدجواد مشکور، دکتر محمد معین و استاد جلال‌الدین همایی. از خداوند می‌خواهیم که بازماندهٔ این جمع عزیز را برای ما نگه دارد، یعنی آقایان: دکتر حسن انوری و دکتر علی‌اشرف صادقی را.

چه شد که روزنامه‌نگار سیاسی و فعال و هوشمندی چون دهخدا، پس از پیروزی جنبش مشروطیت و ریاست بر مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی، گوشهٔ انزوا گزید و از عرصهٔ سیاست به پهنهٔ فرهنگ روی آورد و به کار دشوار و خسته‌کنندهٔ لغت‌نویسی پرداخت تا به قول مرحوم علامه قزوینی: «بزرگترین و جامعترین و نفیس‌ترین فرهنگ را بعد از اسلام برای زبان فارسی فراهم آورَد که هیچ کس فرهنگی شبیه آن در بسط و وسعت لغات و هیچ مجموعه‌ای از اشعار بدین وسعت و کثرتِ عدهٔ اشعار جمع نکرده است.»

این پرسش مهمی است که پاسخش ما را از انگیزهٔ بزرگانی همچون فردوسی و در روزگار معاصر، ملک‌الشعرای بهار آگاه می‌کند. تاریخ ایران نشان داده است که مهمترین نقطهٔ قوّت ما ـ به خصوص در دوران اسلامی ـ فرهنگ غنی و پربار ماست؛ بنا بر این باید پیوستگی و استواری آن در هر زمان و مکانی، بنا به مقتضیات عصر حفظ شود و از آسیبهایی که دشمنانِ آگاه و دوستان نادان می‌رسانند، در امان بماند. این است که علامه دهخدا می‌گوید: «اگر پیوستگی تاریخ از میان برود، ملتی بی‌سابقه و بی‌مفاخر خواهیم شد و دشمنان ما همین را می‌خواهند... مواد کتاب حاضر (یعنی لغتنامه) در ظرف ۴۵ سال با مخارج گزاف تهیه شده، و اگر عشق و علاقه نبود، هرگز نوشته نمی‌شد و اگر نوشته می‌شد، این همه وقت و سعی در وی مبذول نمی‌گردید... اگر قائد و باعث من، نام و نان بود و اگر این کتاب برای پول و کسب شهرت نوشته می‌شد، این نبود.»

مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی که حدود ۵۰ سال در حیات و مماتِ دهخدا با او همکاری کرد، قائل بود که دهخدا در کارش اخلاصَ داشت؛ آری، اخلاص داشت که شخصی همچون استاد شهیدی ـ مجتهدِ نجف‌رفته ـ را که می‌توانست از فقهای طراز اول شود و به قول دهخدا اگر بی‌نظیر نبود، کم‌نظیر بود، جذب کرد و تا پایان کار اینجا نگاه داشت. اگر می‌خواهیم این بزرگان سرمشق جوانان و آینده‌سازان باشند، باید انگیزه‌هایشان را نیز درک کنیم و بشناسیم. فردوسی می‌گوید: «سخن پیش فرهنگیان، سَخته گوی»؛ پس ناگزیرم که در جمع شما عزیزانِ فرهیخته، به سخنان خود دهخدا در مقدمهٔ لغتنامه استناد کنم که انگیزه‌اش را این گونه بیان می‌کند: «مرا هیچ چیز به تحمل این تعب طویل، جز مظلومیت مشرق در مقابل ستمکاران مغربی وانداشت؛ چه، برای نان همهٔ طرق به روی من باز بود و با ابدیت زمان، نام را نیز چون جاودانی نمی‌دیدم، پایبندش نبودم. می‌دیدم که مشرق باید به هر نحو شده است، با اسلحهٔ تمدن جدید مسلح گردد. وقتی ضعف و انکسار ملت خود را دیدم، دانستم که ما ناگزیریم با سلاح وقت مسلح

شویم و آن، آموختن تمام علوم امروزی بود، و گرنه ما را جزو ملل وحشی می‌شمردند. پس بایست آن علوم و فنون را ترجمه کنیم و این میسّر نمی‌شد جز بدین که اول لغات خود را بدانیم و این کار، نوشتن لغتنامهٔ شامل و کافل و تمام لغات را لازم داشت. این بود که من به فکر تدوین لغتنامه افتادم.»

او از وضعیت ادبی کشور خشنود نبود و پیامد تداومش را اضمحلال تدریجی مملکت می‌دید و هوشمندانه می‌گفت: «بزرگترین ممیّز ما، شعر و تاریخ ماست و اگر زبان ما چنان که می‌رود، برود، تا پنجاه سال دیگر فهم شعرها و تاریخش برای ما میسر نیست. و آن ملت که ممیز و مشخصّ ملیت ندارد، ملت نیست و آن شعر و تاریخ متروک می‌ماند و یگانه ستون کاخ بلندپایهٔ ملیتِ ما از جا می‌رود و سقفش بر سر ما فرو می‌افتد.» راه چاره چیست؟ بی‌تردید نگهبانی از فرهنگ. این است که او علاوهِ بر تهیهٔ آن لغتنامهٔ عظیم و تصحیح چند لغتنامهٔ کهن، امثال و حکم فارسی را نیز در سه مجلد گرد می‌آورد و دیوان شاعرانی همچون منوچهری، سیدحسن غزنوی، مسعود سعد سلمان، سوزنی سمرقندی، فرخی سیستانی و ابن‌یمین را تصحیح می‌کند و بر دیوان ناصرخسرو تعلیقات می‌نویسد.

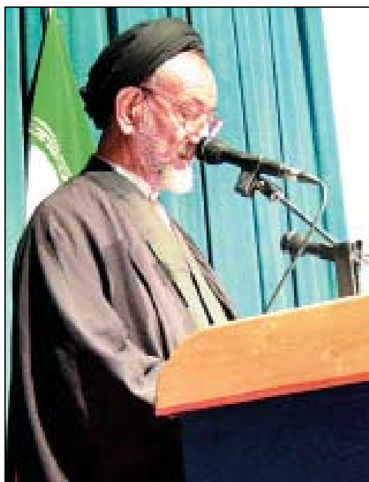
اما باز انگیزهٔ او فراتر از اینهاست. او می‌خواست از سهم ایرانیان در برپایی تمدن جهانی دفاع کند و نشان دهد ایران در طول تاریخ طولانی‌اش همواره مشعلدار دانش بوده است و آگاهی از همین سابقهٔ ممتد، رگ غیرت جوانان را بجنباند و آنها را از خواب گران بیدار کند. از این روی می‌گوید: «و دیگر که خواستم یک بار به نحو اجمال نشان بدهم که اگر علمای ایران را از صفحهٔ تاریخ دنیا برداریم، نه تنها عالَم اسلام، بلکه جامعهٔ بشریت، یا هیچ چیز ندارد و یا در نهایت فقر و بیچارگی علمی و ادبی و صنعتی و اخلاقی است، و این نه غلوّی است که من می‌کنم و نه حبّ وطن است که مرا بدین گفته می‌دارد. پنجاه سال در رجال و کتب فحص کنید، به همان می‌رسید که من رسیده‌ام.»

اکنون اجازه می‌خواهم به جوانان عزیز و دانش‌آموختگان ارجمندی که قدرِ نمی‌بینند و یا با مشاهدهٔ ناملایمات روزگار، دل از مهر میهن می کَنند و چشم به دیار بیگانه می‌دوزند، یادآور شوم که اگرَ می خواهید به دین و کشور و مردم ادای دِین کنید و نامتان به نیکی بماند، باید همچون دهخدا و مدرّس و مصدق و بهار و پیش از آنها، ملاصدرا و باز پیشتر از آنها، حافظ و فردوسی و دیگران و دیگران، صبوری پیشه کنید و با دل خونین، لب خندان بیاورید و از سختی‌هایی که بزرگان قدیم و جدید ما کشیدَند، درس بگیرید و بگیریم و برای نمونه ماجرای چاپ همین لغتنامهٔ دهخدا را در نظر بیاوریم که چگونه با محصول عمر کسی که روز و شبش را به تهیه این کتاب گذرانده، برخورد کرده‌اند. دهخدا از وزیر دلسوزی یاد می‌کند که پا پیش گذاشت تا زمینهٔ چاپ این کتاب مهم را فراهم کند؛ اما در تأمین هزینهٔ چاپ می‌مانند تا اینکه:

«شنیدم از صاحب‌منصبانِ لشکری، پاک‌نهادی پیشنهاد و تقبّل کرده است که از محلِ فروشِ پهن اسبان قشون، بودجهٔ این کار را تهیه کند! گزارش تأمین اعتبار هزینهٔ چاپ لغت به هیأت دولت رفت؛ اما نخست‌وزیر وقت به عذر اینکه، یک تن توانایی انجام این کار عظیم را ندارد، با آن همداستانی نکرد. درآمد مورد پیشنهاد را صرف کارهای دیگری کردند و کار چاپ کتاب من معوق ماند.» البته از جهتی بهتر که این کار انجام نشد؛ چون به این ترتیب خدمتی که آن اسبان به فرهنگ ایران می‌کردند، بسیاری از سوارانش به ایرانی و مردم و فرهنگش نکرده بودند!

باری، این کتاب می‌ماند و دهخدا برای تأمین مخارج خودش و دانشجویانی که یاری‌اش می‌کردند، مجبور می‌شود خانه‌اش را به گرو بگذارد؛ اما تا کی؟ رسید زمانی که به درخواست یکی از طلبکاران، اجرائیه صادر شد و نزدیک بود که خانه به همین راحتی از کف برود و او و همسر و فرزندانش (که همین آثار گرانبهاست)، به گوشه خیابان پناه ببرند.

دهخدا با آن روحیهٔ طنازش در این باره نامه‌ای نوشته که هنوز هم خواننده را متأثر می‌کند: «یکی دو تا از طلبکارها موعدشان رسیده است و اگر مهلت ندهند، باید خانه به حراج گذاشته شود. برای من آنقدرها فرقی نمی‌کند. در جوانی تعلق خاطری به این چیزها نداشتم. مثل چهل سال دیگر که در خانه‌های دیگران گذراندم، این چند روز را هم می‌گذرانِم. در آن طرف هم، در بهشت یا جهنم، گویا جا و منزل را مجاناً می‌دهند؛ یعنی تا حالا آنچه خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، همه جا عذابها را برای اهل جهنم نام برده‌اند، اما اجاره و کرایه خانه را نشنیده‌ام!»اینجا بود که وزارت فرهنگ پا پیش می‌گذارد و در خدمت‌رسانی به اهل فرهنگ، خانه را می‌خرد تا پس از اتمام کار لغتنامه، مدرسه‌ای به نام دهخدا در آنجا تأسیس شود؛ اما متأسفانه بهای این خانه در مدتی کوتاه، بیش از بیست‌برابر گران می‌شود. چرا متأسفانه؟ عرض می‌کنم. وزارتخانهٔ محترم که احتمالاً دید سزاوار نیست فضای به آن گرانی در دست یک نفر باشد، گاه با قطع برق و گاه با قطع آب و گاه با فرستادن نامه‌های تند، خواستار اخراج استاد از خانه‌اش می‌شود تا به جای آن دبستانی به نام دهخدا ساخته شود! آه از این لطفِ به انواع عِتاب آلوده!تحمل این همه سختی در هنگامی است کَه انگیسَ و فرانسه پیشنهاد می‌کنند با پرداخت حق‌التألیف و تأمین مخارج استاد، لغتنامه را در کشورشان چاپ کنند؛ اما دهخدا نه تنها نمی‌پذیرد، بلکه با ارسال نامه‌ای به مجلس شورا، «لغتنامه را به ملت ایران اهدا می‌کند» و به گفته یکی از نمایندگان وقت: به هیچ وجه حاضر نمی‌شود حق‌التألیفی قبول کند. آیا این نشانهٔ همان اخلاصی نیست که دکتر شهیدی می‌گفت؟



در عین تنگدستی، در عیش کوش و مستی
کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را

خدا رحمت کند دکترمصدق را که با جمعی از وکلا، ماده واحده‌ای در مجلس به تصویب رساندند که وزارت فرهنگ را مکلف به تأمین مخارج چاپ و نشر لغتنامه می‌کند. یک نکتهٔ جالب دیگر اینکه ابتدا در آن ماده واحده آمده بود: «پس از اتمام طبع لغتنامه، نصف مجلدات را به مؤلف بدهند»؛ اما تا دهخدا از موضوع باخبر می‌شود، می‌گوید: «انتظار استفاده‌ای از فرهنگ ندارد و از جنبه مادی به کلی دور است.» بنا می‌شود ۲۰۰ نسخه از هر مجلد را در اختیار او بگذارند که به افرادی هدیه کند؛ ولی او بعضی سالها از گرفتن آن خودداری می‌کند و تازه طی نامه‌ای می‌خواهد که اگر آن نسخه‌ها را جلد می‌کنند، جلد معمولی یا ارزان بکنند تا هزینه برندارد و یا اصلاً جلد نکنند و با همان جلد شُمیز به او بدهند. گفتنی است که در همین فاصله زمانی، برای آنکه هزینه‌ای به گردن کتابخانهٔ مجلس اضافه نشود، قرار شد کتابهای مورد نیاز لغتنامه را که مجلس می خرد، به امانت نزد دهخدا باشد و پس از آن به کتابخانهٔ مجلس برگردد. و آخرین نکته در این زمینه اینکه لغتنامه حق‌التألیف نداشت و در قیمت‌گذاری آن دهخدا مستقیماً دخالت می‌کرد تا به ارزانترین مبلغ چاپ شود و در دسترس مردم قرار بگیرد.

آیا اینها نشانه خلوص نیت این مرد نیست؟ بزرگمردی که در توجیه شرح و بسط زندگینامه مشایخ صوفیهٔ ایران می‌نویسد: «این بسط و سعه را روا شمرده‌ام؛ چه، عقیدهٔ من این است که برای اخلاق، بلندتر از افکار و اعمال متصوفهٔ ایران در همهٔ اعصار و قرون و در همه جاهای این عالم، ندیده‌ام و دنیای امروزین هر روز که بخواهد به معنی لفظِ "آدمی" آشنا شود، باید از تور این طائفه اقتباس کند و رهایی یابد.» جالب است بدانیم که چنین فردی (همچون بسیاری دیگر از دانشوران) از تهمت بددینی در امان نماند. کسی که در اواخر عمر می‌نویسد: «پس از سپاس ایزد ـ عزّ ذکره ـ و ثنا و درود بر خاتم پیامبران مصطفی(ص)، چنین گوید گردآورندهٔ این کتاب، علی‌اکبر دهخدا ـ وفقه‌الله لطلب مرضاته ـ که: ایزد تعالی در سایهٔ رفاه و آرامش صلح و امان... مرا توانایی آن داد تا زبان شیرین و توانگر و پهناور فارسی عصر را لغتنامه‌ای کنم، مزیّن به امثال و تعبیرات و تشبیهات و تراجم پاره‌ای بزرگان هر عهد و بعضی نامهای جغرافیایی هر مُلک، تا آنجا که مرا دستگاه بود، نه به اقصای حد کمال؛ چه، مطلقِ کمال مخصوص ذات او ـ تقدست اسمائه ـ است و آدمی پیوستهَ در راه کمال است و چگونه دعوی کمال زیبد کسی را؟...»

از ایمان و اخلاص و مصائب دهخدا گفتیم، از هشدارهای دلسوزانهٔ این فرهنگ‌نویس متعهد نیز بگوییم که در دوره‌ای که تلاش گسترده‌ای برای زدودن واژگان عربی و درواقع بیگانه‌نمایی فرهنگ اسلامی می‌شد، شجاعانه می‌گفت: «زبان فارسی ملکهَٔ زبانهای دنیاست و هر کس بگوید "باید فارسی خالص باشد"، اول در قیافهٔ او نظر باید؛ اگر آثار حُمق و گولی پیداست، جای ترحم است و اگر پیدا نیست، بی‌هیچ شبهه مزدور دشمنان است! بیرون ریختن عربی از زبان فارسی، بدان می‌ماند که کسی به آمریکایی پیشنهاد کند که: "معادن زر شما اصلاً مال سرخ‌پوستان بومی بوده و حالا شما با این تمدن و ترقی، سزاوار نیست که از مرده‌ریگِ آنان داشته باشید، بیایید تمام زرها و عمارات و شهرها و کارخانه‌های شما که بدان زر تهیه شده، از جا برکنیم و به دریای محیط بریزیم..." بی‌سوادی با بیرون کردن عربی پوشیده نمی‌شود، بلکه با الفاظِ موضوعه، زحمت دیگری بر خود می‌افزایند. لغتی از عرب را اگر ما نداریم، حتماً باید نگاه داریم؛ چه، ۱۳۰۰ سال استعمال، آن را مال ما کرده است.»این اندرزِ کسی است که عمرش را در خدمت به مردم و تلاش برای گسترَش فرهنگ و آزادی و آزادگی سپری کرد و آگاهانه از هر نوع امکانات متصوری که فعالیتهای سیاسی ممکن بود برایش بیاورد، گذشت و در ثبت و ضبط لغت که پایه و مایهٔ هر زبانی است، به جان کوشید و ادبیات فارسی را که رکن مهم وحدت و هویت ملی ماست، غنا بخشید و افزون بر مشارکت درِ جنبش مشروطیت، از نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز کاملاً حمایت کرد و درنتیجه، پس از کودتای خفت‌بار ۲۸ مرداد، مأموران به خانه‌اش ریختند و سخت کتکش زدند و احضار و بازجویی‌اش کردند؛ با این همه، او از پا ننشست و نامه سرگشاده علیه کنسرسیوم نفت را در سال ۱۳۳۳ امضا کرد که در پی این کار، نام پرافتخارش را از خیابان محل زندگی‌اش برداشتند. هیچ یک از این امور در ارادهٔ مردانه‌اش خللی وارد نکرد و او را از انجام وظیفه دینی و میهنی‌اش، بازنداشت؛ زیرا از کودکی درس وطن‌داری آموخته بود؛ چنان که در شعری می گوید:

هنوزم ز خُردی به خاطر در است
که در لانهِٔ ماکیان بُرده دست
به منقارم آن‌سان به سختی گَزید
که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر خنده بر گریه‌ام زد که: هان!
وطن‌داری آموز از ماکیان

فرصت را مغتنم می‌شمرم و یاد مرحوم استاد پروین گنابادی را نیز گرامی می‌دارم که به قول شادروان دکتر زرین‌کوب، «کارهای پهلوانی می‌کرد»، از جمله ترجمه استادانهٔ «مقدمه ابن‌خلدون»، ضمن اینکه از همکاران کوشای مرحوم دهخدا هم بود و تا سالها پس از او نیز با سازمان لغتنامه دهخدا همکاری داشت و در زندگینامهٔ خودنوشتش می گوید: «به علت وجود همکارانی مانند مرحوم دکتر معین و دکتر شهیدی و دکتر دبیرسیاقی و دیگران، می‌توان گفت این سازمان یکی از سازمانهایی است که افرادْ باایمان و با دلبستگی به اصل کار، وظایف خود را انجام می‌دهند و از هرگونه هدفهای مادی و جاه‌طلبی و برخی از ستیزه‌گریهای ناشی از حسادت و نفاق برکنار است.» همچنان که خود هم این گونه بود و تا آخر عمر با تنگدستی زیست، اما مناعت طبع و علم‌دوستی و پرکاری را کنار ننهاد.

در پایان سخن، نیمهٔ یزدی وجودم می گوید: چگونه از کرمان و کرمانیان و خراسانیها یاد کردی و یزد و یزدیان را به خاطر نیاوردی؟ در حالی که سازمان لغتنامه از موقوفات مرحوم دکتر محمود افشار یزدی است که به دانشگاه تهران سپرد. اکنون بر من واجب است که افزون بر مرحوم علامه دهخدا و پروین گنابادی، به روح دوست تازه‌درگذشتهٔ هنرمندم، استاد خسرو افشار درود بفرستم که عنایت خاصی به روزنامه اطلاعات داشت و در ماههای پایانی عمر شریفش، گنجینه‌ای ارزشمند از تصاویر و نشریات بسیار قدیمی به آرشیو مؤسسه اطلاعات بخشید. بر پدر بزرگوار و برادر پرکارش مرحوم ایرج افشار نیز درود می‌فرستیم. روانشان در بهشت برین شاد باد که همگی گویی این بیت حکیم فرزانهٔ طوس را به کار بسته بودند که:

جز از نیکنامی و فرهنگ و داد
ز کردار گیتی مگیرید یاد

گفتگوی اختصاصی اطلاعات با دکتر صالحی

دنیا چاره‌ای جز کنار آمدن با پیشرفت هسته‌ای ما ندارد

دکتر علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی در گفتگو با روزنامه اطلاعات با بیان این که طرف‌های مذاکرات هسته‌ای با ایران چاره‌ای جز کنار آمدن با واقعیت پیشرفت‌های هسته‌ای کشورمان ندارند، حضور قدرتمندانه کارشناسان سازمان انرژی اتمی را در عرصه ارائه استدلال‌های فنی عاملی برای دشوارشدن ادامه بهانه‌جویی‌های غرب به ویژه آمریکا دانست.

وی افزود: ما برای بسیاری از نگرانی‌های البته بی‌مورد طرف مقابل، راه‌حل‌هایی فنی را که همزمان متضمن حفظ حقوق کشورمان باشد، یافته‌ایم و این زمینه خوبی برای موفقیت در مذاکرات ایجاد می‌کند.

سرویس سیاسی ـ اجتماعی



دکتر علی اکبر صالحی

۱ـ شما همواره امیدوارانه از سرنوشت مذاکرات هسته‌ای سخن می‌گویید بفرمایید این امیدواری ناشی از چه علائم و مؤلفه‌هایی است؟

ما بر این باوریم که خداوند پیروزی حق بر باطل را تضمین نموده است، جلوه‌ها و نمادهای این پیروزی در مراحل مختلف انقلاب اسلامی مشهود بوده است و امروز نیز می‌بینیم که سلطه‌گران در تلاش چندین ده ساله خود در ترویج ایران‌هراسی ناکام مانده‌اند. ضمن اینکه درک دقیق‌تر طرف مقابل از توانائی‌های متخصصان صنعت هسته‌ای آنان را به این نتیجه رسانده که چاره‌ای جز کنار آمدن با واقعیت پیشرفت‌های هسته‌ای کشورمان برای آنان باقی نمانده است.

نکته مهم دیگر، حضور قدرتمندانه همکاران سازمان در عرصهٔ ارائه استدلال‌های فنّی است که باعث شده کار بهانه‌جوئی برای طرف‌های غربی به ویژه آمریکا دشوارتر شود. اتکا به خداوند بزرگ و اطمینان از توانائی‌های بالای تلاشگران صنعت کشورمان، آرامش و امیدواری بالائی را به ما می‌دهد.

ما برای بسیاری از نگرانی‌های البته بی‌مورد طرف مقابل، راه‌حل‌های فنّی که همزمان متضمن حفظ حقوق کشورمان می‌باشد را یافته‌ایم که زمینه خوبی برای موفقیّت در مذاکرات ایجادمی‌نماید.

۲ـ آیا موضوع هسته‌ای ایران به فاز فنّی و حقوقی بازگشته‌است؟

بخش مهمی از مباحث فنی بررسی شده است و شاید بتوان گفت در حال حاضر تقریباً مباحث فنی به انتهای خود رسیده و وقت آن است که طرف مقابل در صورت وجود اراده لازم با تصمیم سیاسی، منطق و استدلال محکم حقوقی ـ فنی کشورمان را بپذیرد.

۳ـ به نظر شما آیا آژانس تحت تأثیر گروه ۱+۵ است یا برعکس؟ به طور کلی میزان تأثیر و تأثر هر کدام بر دیگری به چه میزان است؟

طبیعتاً اعضای منتقد آژانس به ویژه کشورهای غربی گروه ۱+۵ از طریق ساز و کارهای آژانس به ویژه، شورای حکام اهداف خود را دنبال می‌نمایند. بنابر این بهتر و درست‌تر است که بگوییم این کشورها بر آژانس تأثیر می‌گذارند تا آژانس بر این کشورها. البته این واقعیتی تلخ است که باید کشورهای همفکر جمهوری اسلامی ایران در آژانس که تعداد آنها نیز کم نیست تلاش نمایند تا در ساختار و روش کار آژانس، تغییراتی ایجادنمایند.

۴ـ ایران در دیپلماسی خود تا چه اندازه موفق شده است این نقیصه آژانس را که در موضوع هسته‌ای (به طور عام) وارد فاز سیاسی نشود برطرف کند؟

ما تاکنون دیپلماسی و روش کار موفقی برای کار با

آژانس داشته‌ایم بطوریکه علاوه بر همکاری نزدیک با آژانس و پاسخگویی به سؤالات و ابهامات متعدد مطرح شده و گرفتن بهانه برای وارد آوردن فشارهای بیشتر سیاسی در مواردی با علنی نمودن تناقضات و اشتباهات آژانس، اشکالات قانونی و حقوقی پیگیری موضوعات ارائه شده توسط سرویس‌های امنیّتی کشورهای غربی بخصوص رژیم صهیونیستی را برجسته و نمایان نموده‌ایم. البته موفقیّت بیشتر در این راستا مستلزم بسیج نمودن کشورهای همفکر جهت اعمال تغییرات لازم در روش‌های رسیدگی آژانس بخصوص در حوزۀ اتهامات بی‌پایه و اساس این سرویس‌ها که با اهداف سیاسی دنبال می‌گردد،می‌باشد.

۵ـ ایران در مذاکرات هسته‌ای جاری تا چه حد توانسته است موضوع بازگشت پرونده از شورای امنیّت به آژانس، لغو قطعنامه‌ها و حذف تحریم‌ها به سود خود پیش ببرد؟

هنوز زمان نتیجه‌گیری در این خصوص فرا نرسیده است، مذاکرات به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود و طرف مقابل در طول این مذاکرات متوجه شده است که ادامه فشارها در قالب‌های مختلف از جمله اِعمال تحریم راه به جائی نخواهد برد. به عِبارت دیگر، ارجاع به ناحق پروندۀ هسته‌ای کشورمان به شورای حکام و شورای امنیت با اهداف سیاسی و به منظور ایجاد فشار بر ایران دنبال می‌شد. ناموفق بودن این تجربه برای تغییر در روش چند سال گذشته آنان به نظر ما کفایت می‌کند. آنها بدون اینکه انحراف و یا عدم متابعت کشورمان از معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی (NPT) و تعهّدات پادمانی (شرط ارجاع پرونده به شورای حکام و شورای امنیت) به اثبات برسد، با اهداف سیاسی پرونده ایران را به این دو شورا ارجاع دادند؛ اما به نظر می‌رسد حال دیگر باید به این نتیجه رسیده باشند که این فشارها آنها را به جایی نرسانده و لذا می‌بایست در سیاست‌های خود تجدیدنظر نمایند.

۶ـ یکی از مشکلات ایران با آژانس درز اطلاعات ارائه شده است. این رویکرد آژانس در مورد دیگر اعضاء چگونه است و چنین روشی چه تأثیری در انجام وظایف این نهاد بین‌المللی دارد؟

آژانس در قراردادهای پادمانی خود با آژانس متعهّد می‌گردد که اطلاعات طبقه‌بندی دریافت شده از آنان را محفوظ نگاه دارد. در عین حال بخش‌های مهمی از این اطلاعات را در مراحل مختلف به‌خصوص قبل از جمع‌بندی نهایی مدیرکل در اختیار اعضاء قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد بخش مهمی از اطلاعات از طریق همین اعضاء به بیرون راه پیدا می‌کند. متأسفانه آژانس در چنین مواقعی، حساسیت لازم را از خود نشان نمی‌دهد و در واقع به‌گونه‌ای رفتار می‌نماید که جسارت برخی از اعضا در عدم رعایت موازین حقوقی، بیشتر می‌شود. این در حالی است که آژانس حاضر نیست مدارک اتهامی را در اختیار کشوری که به آن اتهام وارد نموده است (به بهانه مسئولیت حفاظت از اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده) قرار دهد. حتی بعد از رفع ابهام و اتهام متأسفانه، هیچگونه مکانیسم جبرانی به ویژه برای جلوگیری از تکرار اتهامات نداشته و لازم است کشورهای عضو تلاش نمایند تا تغییرات مورد نظر را ایجادنمایند.

به نظر می‌رسد کشورهای منطقه برای ما از اولویت بیشتری برخوردار می‌باشد. ما آمادگی داریم تجربیات خود را به‌ویژه در حوزه‌های مختلف ایمنی، امنیت و ظرفیت‌سازی در اختیار کشورهای دوست قرار دهیم

۷ ـ به روشنی اعلام شد که آمریکا و اسرائیل در طراحی استاکس نت علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نقش داشته‌اند. آیا ایران با تهدیدات دیگری مواجه بوده و برای مقابله با این‌گونه خطرات در آینده چه آمادگی دارد؟

با توجه به تجربیات گذشته، ما همواره خود را برای اجرای کار توأم با تهدیدات گوناگون و خرابکاری‌های احتمالی آماده نموده‌ایم و بحمدالله تاکنون نیز تا اندازه بسیار زیادی موفق بوده‌ایم. نمایشگاه موجود خراب کاری در صنعت هسته‌ای کشورمان که هم‌اکنون نیز برقرار است به خوبی نشان می‌دهد که در این حوزه نیز با عنایت به الطاف الهی و تلاش‌های مستمر و شبانه‌روزی متخصصان کشورمان موفق بوده‌ایم.

۸ ـ مجلس طرح را برای اجرای غنی‌سازی ۶۰ درصدی با شرایطی اعلام کرده است. آمادگی سازمان در اجرای احتمالی این خواست چه میزان است؟

سازمان انرژی اتمی ایران در چارچوب سیاست‌های دولت تدبیر و امید ضمن تعامل سازنده با مجلس خود را مجری قوانین و مقررات کشور می‌داند و در صورت لزوم بر اساس دستورات و رهنمودهای بزرگان و مقامات ارشد کشور، وظایف خود را به بهترین نحو ممکن انجام خواهد داد.

۹ ـ تاکنون چه کشورهایی برای استفاده از دانش فنی هسته‌ای ایران درخواست داده‌اند؟

ما آماده همکاری با کشورهای دنیا در چارچوب قوانین و مقررات بین‌المللی در راستای کمک به فرآیند توسعه بهره‌مندی از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در کشورهای دوست هستیم. البته اینگونه همکاری‌ها می‌بایست به صورت روشن و شفاف با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گیرد.

به نظر می‌رسد کشورهای منطقه برای ما از اولویت بیشتری برخوردار می‌باشد. ما آمادگی داریم تجربیات خود را بویژه در حوزه‌های مختلف ایمنی، امنیت و ظرفیت‌سازی در اختیار کشورهای دوست قرار دهیم.

۱۰ ـ دستاوردها و طرح‌های سازمان برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی چندان بازتاب داخلی نداشته است. فکر می‌کنید تبلیغات در این زمینه ضعیف نیست؟

تلقی ما این است که مردم شریف کشورمان به خوبی از پیشرفت‌ها و دستاوردهای فرزندان خود در صنعت هسته‌ای مطلع بوده و به آن افتخار می‌کنند. البته ضرورت دارد در خصوص کاربردهای مختلف این صنعت علاوه بر حوزه انرژی و برق به‌خصوص در حوزه‌های پزشکی و بهداشت، کشاورزی و دامداری و نیز صنعت اطلاعات بیشتری به ملت شریف داده شود، در عین حال فکر می‌کنیم کار فشرده و گسترده‌ای نیز می‌بایست برای اطلاع‌رسانی به خارج از مرزها به‌خصوص در منطقه صورت گیرد چه اینکه طرف مقابل در راستای طرح‌های ایران هراسی خود تلاش نموده است اطلاعات غلطی در خصوص پیشرفت‌های کشورمان در حوزه صنعت هسته‌ای منتشر نماید. در این میانه، رسانه‌ها بویژه، رسانه‌های برون مرزی بسیار مهم و حائز اهمیت است.

۱۱ ـ برای روز فناوری هسته‌ای چه دستاوردی را آماده ارائه کرده‌اید یا تا آن زمان به نتیجه می‌رسانید؟

انشاءا... بیستم فروردین ماه ۱۳۹۴ چندین دستاورد جدید صنعت هسته‌ای رونمایی خواهد شد.

امیدواریم با رونمایی از این پیشرفت‌ها باعث خوشحالی ملت و مقام معظم رهبری و شادی ارواح شهدا به ویژه شهدای هسته‌ای کشورمان شویم.



دکتر صالحی در موسسه اطلاعات

داعش

از دیروز تا امروز



● آرش میری خانی

خاورمیانه در تب بحران می‌سوزد، انسانیت زیر چکمه سیاه تروریسم لگدمال می‌شود و ضجه‌های کودکان معصوم دل آسمان را می‌لرزاند. در این برهه، دهشت افکنان سوار بر دلیجان مرگ از شهری به شهر دیگر می‌روند و سبعیت غیرقابل وصف خود را بر سینه غیر نظامیان داغ می‌کنند. طلایه‌داران دموکراسی غربی نیز اکنون موج کشتارهای بی‌هدف را به نظاره نشسته‌اند و حداکثر تحرک آنها تصویب قطعه‌نامه علیه گروهی است که به هیچ آرمانی پایبند نیست. شاید اکنون از خود بپرسی که پس تکلیف انسانیت در قرن ۲۱ چه می‌شود؟ ای کاش می‌شد جوابی متقن به این سؤال داد. ای کاش می‌شد دیگر ناله‌های مادران فرزند از دست داده را نشنید و غبار خاکستری دهشت را با اشارتی زدود.

مدت زمان زیادی از ظهور گروه تروریستی داعش ـ نمی‌گذرد؛ گروهی بی‌هویت، بی‌ملیت و فاقد هر آرمان و باوری که غیر خود را انسان نمی‌پندارد و سرمست از شعف مصنوعی درنده‌خویی خود گلوی بی‌گناهان را با چاقویی کند، آرام، آرام می‌برد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که داعش چیست، از کجا آمده و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

برای یافتن جواب این سؤالات باید در وهله اول به چند نکته کلیدی اشاره شود:

۱ـ پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، شاخه‌ای از القاعده مادر در این کشور اعلام وجود کرد. القاعده‌ای که به دنبال جنگ افغانستان و عراق قدرت خود را تا حدی از دست داده بود، تلاش کرد با جذب برخی عراقی‌های ناراضی و فریب آنها از یک سو و از سوی دیگر، استفاده از عناصر حزب منحله بعث عراق، گروهی نوپا را سازماندهی کند که هدفش چیزی جز کشتار نباشد. به باور آگاهان داعش کنونی مولود اشغال عراق است و اگر غرب به این کشور لشکر نمی‌کشید، القاعده قطعا افولی سهمگین را تجربه می‌کرد. اما متاسفانه آشوب در عراق این فرصت را برای القاعده فراهم کرد تا بتواند دست به تجدید قوا بزند و گروهی خشن را که نام «دولت اسلامی عراق» بر خود نهاده بود، تشکیل دهد. این گروه فرزند خلفی برای مادر خود یعنی القاعده نبود و پس از گذشت چند سال شاهد تکروی‌های مستمر «دولت اسلامی عراق» بودیم.

۲ـ «دولت اسلامی عراق» پس از رسیدن دومینوی بهار عربی به سوریه و با سوء استفاده از برخی ناآرامی‌ها و اعتراضاتی

که بخشی از آنها حتی از سوی دولت دمشق مشروع و حقیقی خوانده شد، به این کشور لشکر کشید و بخش‌هایی را به اشغال خود درآورد. در آن زمان بشـــار اسد، رئیس جمهوری سوریه ضمن هشدار نسبت به دامنه‌دار شدن فعالیت‌های تروریستی در کشـــورش به جنگ با «القاعده عراق» رفت. اما متاسفانه غرب با حمایت از تروریست‌ها فقط به دنبال سرنگونی دولت مشروع دمشق بود و این شد که «دولت اسلامی عراق» پر و بال گرفت و چندین شهر و استان را در سوریه تصرف کرد. اکنون فرزند ناخلف القاعده ضمن اعلام برائت از رویکرد و سیاست‌های منحوس مادر خود نام «دولت اسلامی عراق و شام» یا به اختصار داعش را برای خود برگزید و فعالیت‌های آن وارد مرحله‌ای تازه شد.

۳ـ داعش با انتخاب راهبردی جدید که ناظران از آن با عنوان «النصر فی الرعب» یاد می‌کنند، دست به جنایاتی بی‌سابقه زد و هزاران انســـان بی‌گناه را کشت. دامنه جنایات داعش آن‌قدر گســـترش یافت که صدای ســـر کرده القاعده یمن ایمن الظواهری نیز بلند شد. در این میان بود که القاعده به فرزند خود یعنی داعش اعلان جنگ کرد و جبهه النصره تروریستی با داعش دست به گریبان شد. جنگ غیر رسمی داعش و جبهه النصره نیز به نوبه خود موجبات کشته و زخمی شدن هزاران شهروند سوری و آوارگی میلیون‌ها تن را به دنبال داشت.

۴ـ آگاهان ابراز عقیده می‌کنند که اکنون «اتاق فکر» داعش مستقیما توسط سران حزب منحله بعث هدایت می‌شود و آنها به اســـتراتژی‌های جنگ‌های نامتقارن کاملا آگاهند، از این رو این گروه تروریستی در نبرد با مادر خود توانست دست بالا را داشته باشد و به نوعی جبهه النصره را در برخی جبهه‌ها مجبور به سازش یا تسلیم کند. از طرفی همزمان با افول قدرت جبهه النصره هزاران تروریست عضو این گروه به داعش پیوستند و از این رو قدرت نظامی دولت اسلامی عراق و شام بیش از پیش افزایش یافت.

همچنین استفاده سران گروه تروریستی داعش از تبلیغات موجبات جذب هزاران تروریست را از دیگر کشورها فراهم آورد. در حقیقت دستگاه تبلیغاتی داعش دست راست بازوی نظامی آن شده و شاهدیم که سرکردگان این گروه تروریستی چگونه از استفاده همزمان از این دو اهرم بهره می‌جویند.

۵ـ پس از اعتراضات برخی قبایل ســـنی در شمال عراق و علی‌الخصوص اســـتان الانبار، داعش فضا را برای گسترش فعالیت خود در این کشور مناسب دید. داعش که پیشتر استان رقه سوریه را به اشغال خود در آورده بود، با کمک برخی قبایل عراقی از یک ســـو و استفاده از اوضاع آشفته عراق از سوی دیگر، گذرگاهی امن برای خود ایجاد کرد و مجددا به عراق لشکرکشید.

موصل به عنوان دومین شـــهر بزرگ عراق به دست داعش سقوط کرد و به دنبال آن دهها شهر دیگر به تصرف تروریست‌ها درآمد. تحلیلگران اشغال بخش‌هایی از عراق را نقطه عطف فعالیت‌های تروریستی داعش می‌دانند.

۶ـ پرواضح است که هر نبردی نیاز تغذیه مالی و لجستیکی دارد. داعش نیز با علم به این موضوع دست به دامان برخی حکام عرب منطقه شد و آنها هم انصافاً برای این گروه تروریستی سنگ تمام گذاشتند. طولی نکشید که داعش با غارت انبارهای تسلیحاتی عراق و سوریه توان رزمی خود را دوچندان و بلافاصله تهدید کرد که بغداد نیز به زودی سقوط خواهد کرد. از دیگر سو، داعش با غارت منابع نفتی عراق و سوریه دست به صادرات غیرقانونی طلای سیاه زد و از این طریق بودجه‌ای مشخص و البته هنگفت برای خود تدارک دید.

۷ـ ارتـــش عـــراق در روزهای اول لشکرکشـــی داعش به اســـتان الانبار و صلاح‌الدیـــن از هم پاشـــید و ایـــن راه را برای پیشروی‌های این گروه تروریستی هموار کرد. ناظران ابراز عقیده می‌کنند که ارتش عراق بزرگترین ضربه را از اشغال کشور توسط عراق خورد و پس از آن دیگر نتوانست حتی به مدد جدیدترین تسلیحات غربی روی پای خود بایستد.

تغییر معادلات به ضرر داعش

اوضاع امنیتی در عراق رو به وخامت نهاده بود و محافل سیاسی این کشور خبر از سقوط قریب‌الوقوع بغداد به دست تروریست‌های داعش می‌دادند. در این میان غرب نیز که مسئول اوضاع فاجعه‌بار عراق بود، خود را کنار کشیده و تنها نظاره‌گر سقوط شهرها به دست دهشت‌افکنان داعشی بود.

همه به یاد داریم که هزاران شیعه چگونه در محاصره شدید داعش در آمرلی قرار داشتند و آمریکا هم در شکستن این محاصره اعلام عجز کرد. اخباری پراکنده از برخی تحرکات نظامی در اطراف این شهر شیعه‌نشین منتشر شد، اما ناگهان محاصره آمرلی شکست

برخی ژنرال‌هـــای ارتش عراق از ترس جان خود متواری شـــده بودند و بالطبع نظامیان انگیزه‌ای برای نبرد نداشتند. در این میان ناگهان اوضاع با سخنرانی آیت‌الله العظمی سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان عراق به نفع ارتش این کشور تغییر کرد.

معظم‌له در شرایط پیچیده عراق حکم جهادکفایی علیه دهشت‌افکنان داعشـــی را صادر کردند و به دنبال آن شاهد خروش عراقی‌ها به میادین جنگ با داعش بودیم. نیروهای داوطلب به فاصله چند ساعت پس از صدور فتوای جهاد مرجع تقلید بزرگوارشان فوج فوج خود را به مراکز آموزشی ارتش معرفی کردند و ظرف چند روز هزاران نیروی تازه نفس و با انگیزه به جبهه‌های جنگ وارد شدند که این مهم داعش را بر لبه تیغ قرار داد. ارتش از هم گسسته عراق هم با فرصت ایجاد شده دست به تجدید قوا و سازماندهی مجدد زد و در این برهه بود که پیشروی‌های داعش متوقف شد و شهرهای عراق یکی یکی از اشغال تروریست‌ها آزاد شدند.

کمک‌های ایران

کارشناسان بر این باورند که ایران یگانه کشوری بود که در روزهای سیاه، به داد ملت عراق رسید و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» عراقی‌ها پاسخ مثبت داد. در این میان مقامات عراقی نیز بارها و بارها و از تریبون‌های مختلف داخلی و خارجی از اقدام به موضع ایران قدردانی کرده‌اند و اظهار داشتند که اگر کمک‌های جمهوری اسلامی ایران و فتوای آیت‌الله العظمی سیستانی نبود، به طور قطع بغداد به دســـت داعش سقوط می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران حتی به فرستادن محموله‌های نظامی برای نیروهای عراقی و پیشمرگه بسنده نکرد و چندین مستشار نظامی ایرانی برای آموزش نیروهای دولتی عراقی و مبارزان کرد این کشور عازم عراق شدند.

در این میان آمریکا، اروپا و ناتو همچنان منفعلانه فقط به محکوم کردن اقدامات داعش می‌پرداختند.

همه به یاد داریم که هزاران شیعه چگونه در محاصره شدید داعش در آمرلی قرار داشتند و آمریکا هم در شکستن این محاصره اعلام عجز کرد. در آن روزهای دشوار اخباری پراکنده از برخی تحرکات نظامی در اطراف این شهر شیعه‌نشین منتشر شد، اما ناگهان خبرگزاری‌های داخلی و بین‌المللی خبر از شکسته شدن محاصره آمرلی و آزادسازی این شهر دادند. هیچ کس نمی‌دانست که آمرلی چگونه آزاد شد. حتی ارتش عراق هم در ساعات اولیه این عملیات موفق از چگونگی انجام آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد. برخی خبرگزاری‌های غربی نیز آزادسازی آمرلی را یک بلوف نظامی قلمداد می‌کردند تا اینکه تصاویری زنده از این شهر در فضای مجازی منتشر شد. خبرنگاران عراقی به آمرلی رفتند و همگان به چشم خود آزادسازی این منطقه راهبردی را دیدند. در این میان بود که تصویری از سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران در کنار نیروهای شرکت‌کننده در عملیات آزادسازی آمرلی منتشر شد. عملیات موفق آمرلی بار دیگر عزم ایران به مبارزه با تروریسم را ثابت کرد و نشان داد که پروژه صهیونیستی ایران هراسی دیگر رنگ باخته است.

اربعین حسینی نزدیک بود. مقامات نظامی عراق با توجه به سنگربندی‌های داعش عملاً نمی‌توانستند امنیت زائران حرم سیدالشهدا(ع)را تأمین کنند. موضوع بلافاصله با مقامات نظامی ایران در میان گذاشته شد.

حاج قاســـم مأموریتی تازه داشـــت. این بار باید مثلث استراتژیک جرف‌الصخر که در میان شهرهای راهبردی کربلا، نجف و بغداد قرار داشت از چنگ داعش آزاد می‌شد؛ منطقه‌ای که حتی آمریکا و همپیمانان او در سال‌های پس از اشغال عراق نیز قادر به پاکسازی آن از لوث وجود تروریست‌ها نشده بودند.

عملیات نیروهای مردمی عراق با حمایت ارتش این کشور در جرف‌الصخر آغاز و در کمتر از ۱۲ ساعت این منطقه فوق راهبردی آزاد شد. اربعین حسینی فرا رسید و برای اولین بار در تاریخ ۱۵ میلیون زائر حسینی بزرگترین گردهمایی جهان را در کربلا تشکیل دادند.

آگاهان ابراز عقیده می‌کنند که اکنون ورق به نفع ملت عراق برگشته و داعش رو به افول نهاده است.

اکنون می‌طلبد که ملت عراق زیر چتر وحدت گردهم آیند و کشورشان را از شر داعش و داعشیان نجات دهند.



مرگ اعتماد

والری تریرویلر و معرفی منصفانه بعضی از مردان قدرت

● مصطفی صادق وفایی

والری تریرویلر بانوی اول سابق فرانسه بعد از جدایی از فرانسوا اولاند، با نوشتن کتاب «برای این لحظه متشکرم»، در ساحت کنت مونت کریستوی زن، از رئیس جمهور فرانسه انتقام سختی گرفت.

«برای این لحظه متشکرم» نام کتابی است که والری تریرویلر بانوی اول سابق کاخ الیزه، بعد از جدایی اش از فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه، آن را نوشت. این کتاب چند ماه بعد از نوشته شدنش توسط ابوالفضل الله دادی به فارسی ترجمه شده و با همین عنوان توسط نشر به نگار در ۲۸۸ صفحه و شمارگان هزار نسخه به چاپ رسید. این کتاب از جهات مختلف جای بررسی دارد که در ادامه این نوشتار به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

تریرویلر بعد از جدایی اش از اولاند در مصاحبه‌ها ظاهر نشـــد، به پیام‌های اولاند نیز پاسخ نداد (مگر چند مورد) و در خلوت و سکوت به نوشتن کتابی پرداخت که در حکم سلاحی ســـنگین برای ضربه زدن به پیکره حقیقی و حقوقی فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فعلی فرانسه است. او با نوشتن این کتاب کاملا خود را به شخصیت داستانی کنت مونت کریستو (خلق شده توسط الکساندر دوما) نزدیک کرده است.

ادموند دانتس یا همان کونت مونت کریستو بعد از ظلم و ستمهایی که در حقش روا داشتند، ۲۰ سال برای گرفتن انتقام صبر کرد و نقشه و طرح مناسبی کشید تا همه مسببان ظلم و ستم را به جان هم بیاندازد و آن‌ها را تسلیم عدالت کند. تریرویلر نه به طور کامل اما با صبر و استقامتی که به خرج داد، توانست با وجود فشارهای روانی، نوشتن کتابش را به پایان رسانده و ضربه محکمی به اولاند وارد کند. او هم مانند ادموند دانتس که مورد بی مهـــری روزگار قرار می‌گیرد، بعد از رسوایی ارتباط مخفیانه اولاند با هنرپیشه زن مشهور ژولی گیه، در کتابش می‌نویسد: «منطق دنیا را نمیفهمم. مچ او را گرفته‌انـــد اما من باید تاوان آن را پس بدهم.» یا در جای دیگری می‌گوید: «من یک آزمون را پشت سر می‌گذارم نه یک فاجعه را.»

والری تریرویلر بانوی اول سابق فرانسه بعد از جدایی از فرانسوا اولاند، با نوشتن کتاب «برای این لحظه متشکرم»، در ساحت کنت مونت کریستوی زن، از رئیس جمهور فرانسه انتقام سختی گرفت

البته تریرویلر که خود روزی بر زن دیگری ترجیح داده شده، ناچار در چرخه‌ای به نام چرخه خیانت قرار می‌گیرد و زن دیگری را بر او ترجیح می‌دهند. بنابراین او هم با ۲ مفهوم مهم روبرو است: «خودکرده را تدبیر نیست» و همان طور که در ادامه اشاره خواهیم کرد: «با هر دستی بدهی، با همان دست می‌گیری».

برای مخاطبی که از کلیت ماجـــرا اطلاع ندارد باید به طور گذرا اشاره کنیم که فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانســـه چند ماه بعد از رئیس‌جمهور شدنش، متهم به داشتن رابطه به ژولی گیه هنرپیشه زن مشهور فرانسوی شد و این اتهام پس از مدتی اثبات شـــد که موجب به هم خوردن زندگی مشـــترک او و والری تریرویلر شـــد(در ادامه متن نیز از لفظ زندگی مشترک استفاده می‌شود چون اولاند و تریرویلر ازدواج رسمی نکرده بودند).

بهتر است در ابتدای این نوشتار به یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که نویسنده اش به ما می‌دهد، با نقل قول از او استفاده کنیم: «به خوبی می‌توانم شهادت دهم که قدرت، انسان‌ها را تغییر می‌دهد.»

به هر حال، ورود به نقد و بررسی این کتاب، باعث ورود به مسائل اخلاقی، انسانی و سیاسی می‌شود که ناچار به پرداخت به آن‌ها هستیم.

علل نگارش این کتاب

در وهله اول، قصد و غرض والری تریرویلر از نوشـــتن کتاب، انتقامی زنانه از مردی به نظر می‌رسد که زندگی‌اش را تباه کرده اســـت. اما موضوع می‌تواند فراتر از این‌ها هم باشد. «تنها راه در دست گرفتن دوباره کنترل زندگی ام این است که





آن را روایت کنم.» (جمله‌ای اســـت که در ابتدای کتاب آورده شده است.)

«این کتاب همچون بطری‌ای اســـت که به دریا انداخته شده و داستان گذشته‌ام با او را شامل می‌شود.» والری تریرویلر مدت‌ها تحت فشار شدید رسانه‌ها و افکار عمومی بوده است. بسیار از این فشارها به دلیل عدم تکذیب‌های رئیس‌جمهور و کادر کاخ الیزه بوده‌اند که موجب شده مطالبی غیرواقع و ناروا به بانوی اول فرانسه نسبت داده شود. «همسران روسای دولت‌ها تقریبا همواره مظنون هستند.» (یکی از جملات والری در کتاب) بنابراین، بانوی سابق اول فرانسه، یکی از انگیزه‌هایش از نوشتن کتاب را چنین بیان می‌کند: «رئیس‌جمهور داســـتان ما را در هجده کلمه بی‌روح که خودش برای خبرگزاری فرانسه خواند، خلاصه کرد. این کتاب پاسخ آن هجده کلمه است» او یک جمله دیگر هم آورده و درباره مخاطبان کتابش گفته: «تنها کسانی که می‌خواهند از داستان ما سر در بیاورند آن را خواهند خواند. بقیه



راه را خودشان خواهند رفت و این گونه بهتر است.»

این کتاب برای مطالعه چند گروه مناسب است که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: مردان سیاست، خبرنگاران، علاقه مندان به جهان سیاست و رسانه و در نهایت مخاطبان عام و کتابخوان.

«برای این لحظه متشکرم» از این جهت برای مردان سیاست مناسب اســـت که عبرت آموز است و می‌تواند به آنها راه و رسم درست رفتار کردن در زندگی شخصی و زندگی سیاسی شان را به آنها گوشزد کند. یعنی مانند همان ضرب المثل «ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان» موید این نکته باشـــد که هرکاری فرانسوا اولاند در کتاب کرده، شما نکنید!

اما کتاب از منظر دیگر برای خبرنگاران و اهالی رســـانه آموزنده است که محتاط باشند در دامی که والری تریرویلر افتاد، نیافتند. علاقه مندان به سیاست و رسانه و همچنین مخاطبان عام هم با خواندن این کتاب، به مطالب بسیار آموزنده و عبرت آموزی درباره زندگی خواهند رسید.

مظلومیت‌های یک شهرستانی

«برای این لحظه متشکرم» روایت مظلومیت‌های والری تریرویلر اســـت که در ابتدا دختری شهرستانی و متعلق به خانواده‌ای از طبقه واقعی کارگر بوده است؛ بنابراین به درستی از خبرنگاران و طرفداران حزب چپ و سوسیالیست فرانسه بوده و با دغدغه‌های این حزب کار خبرنگاری خود را آغاز کرده و پله‌های ترقی را یکی یکی بالا رفته تا توانسته کاری برای خود در مجله پاری مچ، دست و پا کند.

او چندین بار به این مساله اشاره می‌کند که شهرستانی بودن خود و این را که دچار روحیه خودگم گشتگی نشده و اصلیتش را فراموش نکرده، نشده است. در این مطلب، به جنبه‌های کار خبرنگاری این زن نیز خواهیم پرداخت. اما با قرار گرفتن در مسیر اصلی این مقاله، والری با نوشتن این کتاب کاملاً موفق بوده است. نوشتن کتاب را با موفقیت به پایان برده و این بحث دیگری است ولی چاپ و توزیع کتاب موجب موفقیت او در مجادله‌ای شده که با رئیس‌جمهور فرانسه داشته است و همان طور که اشاره شد، انتقامی جانانه اما به جا و درست از اولاند گرفته است. با این حال، جمله‌ای که او کتابش را با آن به پایان برده، همان طور که توقعش می‌رفت و می‌رود (حتی اگر کتاب حاوی این جمله نبود)، موجب همدردی شدید مخاطب با او می‌شود: «فقط می‌خواستم به همان اندازه‌ای که دوست داشتم، دوست داشته شوم.»

معرفی منصفانه مردان قدرت

راوی کتاب، توانسته هنگام نگارش وقایع و روایت آنها، بر خود مسلط بوده و سطور منسجمی خلق کند. یکی از وجوهی که کتاب او دارد، توصیفاتی است که از اخلاق و رفتار شریک سابق زندگی اش آورده است. البته در مقاطع پایانی کتاب الفاظی در توصیف بدی و پلید بودن فرانسوا اولاند آورده اما از دایره ادب خارج نشده و سعی کرده منصفانه این مرد را هم در جایگاه مرد زندگی اش و هم رئیس‌جمهور فرانسه توصیف کند. البته همه جملات مربوط به این مفهوم، متعلق به خودش نیستند. مثلا در جایی از کتاب، وقتـــی که روزهای مربوط به افسردگی بعد از اعلام جدایی از اولاند را روایت می‌کند، اشاره به بستری شدنش کرده و می‌گوید که روانشناســـی که او نزدش درمان می‌شد، گفته است: «مردان قدرتمند خیلی زود معنای حد و مرزها را از یاد می‌برند و او از این مورد با نام سندروم فتح کردن یاد می‌کند.»

البته همان طور که اشـــاره شـــد تریرویلر بی انصاف نیست و ویژگی‌های مثبت فرانسوا اولاند را هم برشمرده است:

«این یکی از حُسن‌های اوست که به هیاهوهای ناخوشایندی که در شـــهر می‌پیچد ــ به ویژه وقتی هدف آن بی آبرو کردن کسی باشد ــ توجه نمی‌کند.» یکی از جملات تند و طوفانی راوی هم در فرازهای پایانی کتاب به این ترتیب است: «در زمینه پستی، مردان بی وفا همه شبیه همدیگر هستند و مردان قدرتمند پست‌ترهستند.»

جمله دیگری هم در کتاب وجود دارد که لایه‌های زیرین شخصیت اولاند را بهتر نشان می‌دهد. والری از ابتدا تا انتهای کتاب به روحیه شوخ طبعی اولاند و سرزندگی اولاند معترف است اما در جایی وقتی که واقعا از دست او و عدم حمایت‌هایش کلافه شده، می‌آورد: «واقعا باید او را بشناسید تا بدانید هرچه بیشتر شوخی می‌کند، بیشتر می‌کوشد ناراحتی‌هایش را پنهان کند.» یا جمله دیگری را در فرازهای دیگری می‌آورد؛ وقتی که اولاند بین همسر سابق و فرزندانش و، والری تریرویلر به عنوان شریک فعلی زندگی اش گیر افتاده است و نمی‌تواند از شریک فعلی اش، حمایت کند: «بی‌شک نمی‌تواند موقعیت بین مادر بچه‌هایش و مرا مدیریت کند و هیچ کاری انجام نمی‌دهد که خاطرجمع شوم.»

«دوگانگی ویژگی همیشگی اوست.» این هم از جملاتی است که والری تریرویلر در توصیف مردی می‌آورد که مدت زیادی را عاشقش و مدتی را شریکش بوده است. بد نیست به یکی از جملاتی که یکی از کارکنان الیزه در مقام دلداری (بعد از جدایی اش از اولاند) به تریرویلر داده، این چنین است: «در دنیای سیاست بودن در کنار بازنده‌ها هیچ سودی ندارد.»

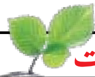
یکی از دوستان والری چند ماه بعد از جدایی او از اولاند، بعد از دریافت پیام‌های درخواست برگشت والری که اولاند آنها را می‌فرستد، درباره شخصیت رئیس‌جمهور، خطاب به بانوی سابق اول فرانسه چنین می‌گوید: «احساس می‌کنم اندازه عشقش به میزان محبوبیتش بستگی دارد.» والری در پایان کتاب اشاره می‌کند که بعد از گذر از همه این مسائل و مشکلات به چه برداشتی رسیده است: «به خوبی می‌توانم شهادت دهم که قدرت، انسان‌ها را تغییر می‌دهد.»

احساس می‌کنم اندازه عشقش به میزان محبوبیتش بستگی دارد.» والری اشاره می‌کند که بعد از گذر از همه این مسائل و مشکلات به چه برداشتی رسیده است: «به خوبی می‌توانم شهادت دهم که قدرت، انسان‌ها را تغییر می‌دهد

درسی برای خبرنگاران

این کتاب حاوی ۲ نکته درس آموز برای خبرنگاران است؛ یکی حرفه‌ای و دیگری اخلاقی. درس اول را سردبیر مجله پاری مـــچ وقتی والری روزهای ابتدایی کارش را می‌گذراند، گفته است: «فراموش نکنید که شما فقط به خاطر نوشته‌هاتون وجود دارید و نه به خاطر خودتون.» اما حضور والری تریرویلر در شبکه اجتماعی توئیتر و تاثیر گذاری اش در آن، از دیگر مطالبی است که می‌تواند مورد توجه خبرنگاران قرار بگیرد. اما درس دوم درباره رعایت اخلاق و حریم شخصی افراد حقیقی و حقوقی است.

چون عدم رعایت اخلاق در این حوزه و داشتن روحیه پاپاراتزی موجب به تنگ آمدن و عصبی شدن تریرویلر که خودش از صنف خبرنگاران بوده، شده است. نمونه جملات مربوط را در



زیر می‌خوانیم: «تجربه عجیبی است که ببینید زندگی تان تحریف و در مورد آن قصه پردازی می‌شود. من شاهد تولد شخصیتی هستم که اسم، چهره و زندگی مرا دارد اما هیچ ربطی به من ندارد و نسخه خیالی ام است.» و «جوامعی که با اینترنت مانوس هستند ابتلا به چیزی را که محققان آمریکایی «اپیدمی بدگویی» یا «فرهنگ بدگویی» می‌نامند، تسهیل می‌کنند.»

چرخه خیانت

اما یکی از ویژگی‌های این کتاب، آموزنده بودنش است. این ویژگی کتاب، البته به دور از شعار و اغراق است. کتاب به خوبی حامل مفاهیم و ضرب المثل‌هایی چون «از همان دست که بدهی از همان دست هم می‌گیری» و «بازی چرخ و فلک» است. وضعیتی که با خیانت اولاند به تریرویلر، برای این زن به وجود می‌آید، چند سال قبل توسط تریرویلر برای سگولن رویال همسر سابق اولاند به وجود آمده است. البته این چرخه یک بازیگر ثابت دارد و آن اولاند است. یعنی در زندگی اش ابتدا با سگولن رویال ازدواج کرده و صاحب چند فرزند می‌شود. بعد از آن زندگی مشترکش را بدون ازدواج رسمی با والری تریرویلر خبرنگار سیاسی همراهش آغاز می‌کند و رویال را جا می‌گذارد. بعد از چند سال هم تریرویلر راوی این کتاب را قال گذاشته و به سراغ بازیگر معروف ژولیه گیه می‌رود.

چند جمله نمونه برای این مفهوم، به این ترتیب هستند: «این زن نام و چهره مرا با خود داشت اما من او را نمی‌شناختم.» (جمله‌ای که تریرویلر در ابتدای کتاب می‌آورد وقتی که متوجه خیانت اولاند و رابطه‌اش با ژولی گیه می‌شود.) «چندین پیام روی منشی تلفن ژولی گیه می‌گذارم و از او می‌خواهم با من تماس بگیرد. هرگز به من تلفن نمی‌زند. وقتی در سال ۲۰۰۶ سگولن رویال برایم پیام گذاشت که با او تماس بگیرم، من هیچ وقت به او تلفن نزدم. این طنز ناخوشایند چرخه خیانت است...» و «امروز حال آن روز سگولن رویال را درک می‌کنم. غریزه او متوجه خطری شده بود که من در قضیه گیه احساس نکردم.»

نقد مفهوم دروغگویی در این کتاب، ۲ وجه دارد. اول مساله دروغگویی فرانسوا اولاند به عنوان مرد زندگی والری تریرویلر و وجه دوم دروغگویی او به عنوان یک مرد سیاستمدار و دروغگویی مردان سیاست. تریرویلر هم در ۲ جایگاه این رفتار مذموم را نقد و تقبیح می‌کند؛ اول در جایگاه شریک زندگی اولاند و به عنوان یک زن و دوم در جایگاه یک خبرنگار سیاسی که رفتار سیاستمداران، رئیس جمهورهای مختلف و فرانسوا اولاند را به عنوان رئیس جمهوری پنجم فرانسه شاهد بوده است.

«او به جان پسرم قسم می‌خورد.» این جمله‌ای است که تریرویلر در فرازی که مربوط به جر و بحث‌هایش با اولاند درباره رابطه با ژولی گیه است، آورده است. اولاند با قسم خوردن به جان پسر تریرویلر به او اطمینان می‌دهد که با هنرپیشه مشهور رابطه نداشته و ندارد ولی این دروغ چندی بعد آشکار می‌شود. «اما باز هم به من دروغ می‌گوید» این هم یکی از جملاتی است که به مراتب در کتاب تکرار شده است. هم زمانی که اولاند و تریرویلر زیر یک سقف زندگی می‌کردند و هم زمانی که از هم جدا شدند و اولاند بارها و بارها از تریرویلر درخواست بازگشت کرد.



اما دروغ‌هایی هم که نه تنها به زندگی خصوصی اولاند و تریرویلر، بلکه به شخصیت حقیقی و حقوقی رئیس جمهور فرانسه مربوط می‌شوند، حضور پررنگی در داستانی دارند که بانوی اول سابق فرانسه روایت می‌کند. در یکی از بخش‌های پایانی کتاب، بعد از فراز و فرودهای مربوط به جدایی شان و درخواست‌های اولاند برای بازگشت تریرویلر، چنین آورده است: «مطمئن هستم فرانسوا هرگز تغییر نخواهد کرد و دروغ در وجود او، مثل پیچکی که از تنه درختی بالا می‌رود، ریشه دوانده است.» در بخش دیگری، وقتی تریرویلر درباره کتابی که اولاند بیرون داده می‌گوید، این جمله را به نقل از اولاند یادآوری می‌کند: «من هیچ وقت مسائل خصوصی مون رو برای هیچ کس تعریف نمی‌کنم.» این هم یکی دیگر از دروغ‌هایش است و البته یکی از آزاردهنده‌ترینشان.»

تریرویلر در فرازهای پایانی کتاب هم، درباره انگیزه اش از نگارش کتاب گفته و اشاره‌ای به مساله دروغ دارد: «من می‌خواهم خودم را از هرگونه دروغی پاک کنم و این کتاب را بدون این که بار ناگفته‌ها را روی دوشم حس کنم، به دست چاپ بسپارم.»

> **همه این فداکاری‌ها را انجام دادم تا در یک لحظه و با هجده کلمه، مثل یک دستمال کاغذی کثیف دور انداخته شوم؟ آیا انتخابم درست بود؟» و «مردان به مسائل نظامی می‌پردازند و زنان به مسائل انسانی**

دوست داشتن‌ها و حسادت‌ها

روایت کتاب از دیدگاهی زنانه انجام می‌شود. نویسنده درون و بیرون روحیه زنانه اش را بارها در کتاب روایت کرده است؛ خواسته اش نیز این بوده که به عنوان یک زن و شریک زندگی اولاند، دوست داشته شود و در جایگاهی که باید باشد، قرارش بدهند نه این که مرتب مورد توهین و تحقیر قرار بگیرد. با مقیاس و معیاری که از روحیه و غرور زنانه سراغ داریم، تریرویلر در دوران زندگی مشترکش با اولاند، زیادتر از چیزی که توقع می‌رود، رفتارهای دوگانه و تحقیرآمیز اولاند و تیمش در الیزه را تحمل کرده است. او در صفحات ابتدایی کتاب می‌گوید: «عبارت درست همین است: من فقط یک سایه هستم.»

چند جمله نمونه از این مفهوم، هم به این ترتیب هستند: «یکی از کارکنان اقامتگاه بسته‌ای دستمال به سمتم می‌گیرد. اما من خودم دستمال کاغذی‌ای هستم که همین الان دور انداخته شده.» این جمله مربوط به روز انتشار بیانیه جدایی شان توسط اولاند و رفتن والری از کاخ الیزه است. «همه این فداکاری‌ها را انجام دادم تا در یک لحظه و با هجده کلمه، مثل یک دستمال کاغذی کثیف دور انداخته شوم؟ آیا انتخابم درست بود؟» و «مردان به مسائل نظامی می‌پردازند و زنان به مسائل انسانی.»

یکی از مسائل مهم و بدیهی هم که ظاهراً در جامعه امروز ما فراموش شده، وجود حسادت در همه انسان‌ها از جمله جامعه زنان است. این مفهوم کاملاً صحیح است که هر زن و مردی می‌خواهد همسرش به طور کامل برای او باشد. اما این مهم گاهی به اسم مفاهیمی چون راحت یا باز بودن افراد، فراموش می‌شود. اما والری تریرویلر در کتابش به طور صریح به حسادتش و همچنین تمامیت خواهی مردش، اشاره می‌کند. یکی از مسائلی هم که باعث شد او از فرانسوا اولاند متنفر شود، همین است: «تحمل نمی‌کنم که زنان بیایند سرشان را روی شانه او بگذارند و کنارش قرار بگیرند تا عکسی بیاندازند. نه، من چنین چیزی را دوست ندارم. حتی پیش آمده است که خودم را از شر چند نفر از این زن‌ها خلاص کرده ام. آیا این زن‌ها دوست دارند که من به شوهرهایشان بچسبم؟»

مرگ اعتماد

تریرویلر طبق مطالبی که در کتاب آورده، بارها تلاش کرده به اولاند فرصت بدهد تا رفتارش را اصلاح کرده و علاقه اش را ابراز کند. اما اولاند از این فرصت‌ها استفاده نکرده است. او حتی از فرصت‌هایی که تریرویلر در آن‌ها خود را به نفهمیدن زده و سعی کرده مثبت بین باشد، نیز بهره‌ای نبرده و کار را خراب‌تر کرده است. با در نظر گرفتن مجموع عواملی که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم، به جایی می‌رسیم که دیگر اعتماد بین این زوج می‌میرد و هیچ عامل وصل کننده ای، توانایی جوش دادن این رابطه بگسسته را ندارد. «او حرف‌های همیشگی خیانتکاران را به زبان می‌آورد.» یا «حتی یک لحظه هم تصور نمی‌کنم که او از آزادی اش استفاده کند تا زن دیگری را ببیند... این ساده لوحی ابدی زنان وفادار است.» این‌ها نمونه‌ای از جملات حاوی مفهوم مرگ اعتماد بین دو نفر هستند. کامل‌ترین جمله کتاب در این زمینه، این جمله است: «از این به بعد می‌دانم که بدون اعتماد هر رابطه‌ای با دیگری به بن بست خواهد رسید.»

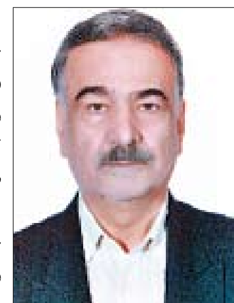
با توجه به این که می‌توان جملات و سطرهای بسیار دیگری درباره این کتاب و مفاهیم بین کلمات آن نوشت، در همین جا، این نوشتار را با جمله‌ای به پایان می‌بریم که کتاب «برای این لحظه متشکرم» با آن شروع می‌شود؛ جمله‌ای از طاهر بن جلون است و مشخص است که ضمیر مورد نظرش هم فرانسوا اولاند است: «سکوت کسی که دوستش داریم، جنایتی بی سر و صداست.»



عکس: ایفل

سفر به سلامت

● احمد نساجی/ کارشناس بهداشت



بار دیگـــر بهار، بار دیگر خرمی و نشاط، بار دیگر طراوت و شـــادابی، بار دیگر رویش و زندگی و بار دیگر سلامتی و تندرستی و یک بار دیگر ما و شما و سلامت سفر.

سفر به معنی حرکت و از جاکنده شدن به منظور انجام کار، زیارت، سیاحت دید و بازدید و گردش در مکانهاییست که حضور در آنها به انسان نشاط، شادی و سرزندگی و آرامش خاطر می‌دهد.

پس لازم است در این زمینه به گونه‌ای عمل کنیم که سفرهای خود را با سلامتی آغاز کرده و با سلامت به پایان برسانیم تا بتوانیم از تمامی ساعات و دقایق سفرمان به خوبی استفاده کرده و از آن لذت ببریم.سفرهای زیارتی، سیاحتی، گردشی و تفریحی ما معمولا در دو فصل جداگانه انجام می‌شوند

فصل بهار که شامل سفرهای نوروزیست و فصل تابستان که سفرهای تابستانی در آن ایام صورت می گیرد، این فصول و سفرهای آن ویژگی‌هایی خاص خـــود را دارند که هر کدام به نوبه خود با اهمیت بوده و لذت‌بخش هستند.

سفرهای نوروزی کوتاه مدت بوده و با شتاب بیشتری صورت می گیرند و سفرهای تابستانی بلند مدت می‌باشند که قدری آرام‌تر و با فرصت زیاد و زمان طولانی‌تری انجام می‌شوند سفرهای نوروزی تقریباً از اواخر اسفند شروع شده و نهایتاً تا ۱۵ فروردین هر سال به پایان می‌رسند و آنچه که موضوع بحث ما را به خود اختصاص داده همانا سفرهای نوروزیست که بدان خواهیم پرداخت.

این سفرها همانطوری که از نامشان پیداست بیشتر در فصل بهار و ایام نوروز صورت می گیرند که بخاطر مدت زمان کوتاهی که دارند شتاب خاص خود را داشته که حتما باید در چند روزه تعطیلات عید انجام شوند به خاطر این شتاب است که می طلبد این سفرها با آرامش. احتیاط، مراقبت و تسلط بر اعصاب صورت پذیرند تا بتوان با خیالی راحت و آسوده به سفر رفته و از زیبایی‌های طبیعت زیبای کشورمان به نحو مطلوب استفاده کنیم.

پس حالا که چنین قصدی داریم به یاد داشته باشیم که به یمن صبر و شکیبایی از زمستان سرد گذشته و با کوله باری از خاطرات خوش سفرهای بهاری بار دیگر قصد سفر کرده تا کاروان عمر را به آستان سال نو و نوروز برسانیم و برویم تا مخمل سبز گسترده در دامنه دشت و دمن را نگریسته و بیداری شکوفه‌ها را بر شاخه‌های خشک درختان به نظارت بنشینیم و برویم تا در سفرهای نوروزی بهترین‌های بهار را در نقاط دیدنی کشـــور عزیزمان شاهد باشیم، مناطقی چون خراسان، خوزستان، هرمزگان، بوشهر، فارس، گیلان، مازندران، گلستان، ایلام کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، چهار محال و بختیاری و دیگر شهرها و روستاهای زیبای مهمان‌پذیر نوروزی که همه و همه ما را به سوی خود می‌خوانند تا میهمان قلوب مهربان هموطنان عزیزمان در جای جای این سرزمین پهناور باشیم.

به همین خاطر هست که چشم می گشاییم و رها شدن آب‌های محبوس در زیر یخ‌های سرد زمستانی را نظاره کرده که شتابان در سینه کهســـاران جاری شده و راهی دشت‌ها و مرغزارهای سبز و خرم می‌شوند و با صدای پر نشاط حرکت خود ما را به نظاره فرا می‌خوانند. پرندگان سبک بال بهاری با آواهای دل انگیز خود ما را به صحرا و دشت‌های زیبای کشورمان دعوت می‌کنند تا به دیدار آن‌ها رفته و شنونده نواهای بهاری آنها باشیم که شادمانه به پرواز درآمده و آواز بهاری سر می‌دهند.

بله برای رسیدن به این همه زیبایی و دیدن طراوت بهاری لازم هست که به نقاط مختلف ایران اسلامی با احتیاطات همه جانبه سفر کرده تا در یک سفر سالم بتوانیم از زیبایی‌های طبیعت بهاری سرزمین خود لذت ببریم، پس برای اینکه سفری خوب و سالم داشته باشیم لازم است به نکاتی چند در این زمینه توجه کرده تا سفری ایمن، مطمئن و سرشار از شادی و سلامتی داشته باشیم.

در سفرهای خود همواره باید به نکات مهم در رابطه با سلامتی ســـفر توجه داشته باشیم تا با مشکلات ناشی از بروز بیماری‌ها و حوادث مواجه نشویم.

اولین موردی که برای سفر بایدٍ به آن توجه داشته باشیم وسیله نقلیه سالم و مطمئن است. معمولاً سفرها یا با وسایل نقلیه عمومی انجام می‌شوند یا با وسیله نقلیه شخصی، چنانچه قصد سفر با وسایلِ نقلیه عمومی مانند اتوبوس، مینی‌بوس، قطار یا هواپیما را دارید حتماً باید با مطالعه‌ای دقیق بهترین آنها را با توجه به فعالیت شرکت‌های مربوطه انتخاب و با آن ســـفر کنید و در طول سفر همواره نکات بهداشتی از قبیل بهداشت فردی، بهداشت مواد غذایی و بهداشت اماکن عمومی را برای حفظ سلامتی خود و دیگران رعایت نمایید، اما اگر می‌خواهید ازٍ اتومبیل شخصی خود برای سفر استفاده کنید توصیه می‌شود حتماً چند روز قبل از سفر با مراجعه به تعمیرگاه‌های مجاز و معتبر نسبت به آماده‌سازی اتومبیل خود اقدام نمایید، بدین ترتیبٍ که بازدید چرخ‌ها انجام و از سلامت سیستم ترمز اتومبیل خود کاملاً مطمئن شوید، وضعیت سلامت لاستیک‌ها به خوبی بررسی و وضعیت برق و بنزینٍ اتومبیل با دقت بازدید شوند چون سفرهای نوروزی در ایام تقریباً متغییر آب و هوا انجام می‌شود حتماً سیستم گرمایش اتومبیل مانند بخاری و شیلنگ‌های مربوطه به خوبی کنترل و در صورت وجود نقص رفع عیب گردند با توجه به بارش باران‌های بهاری از سلامت کامل برف‌پاک‌کن‌ها به خوبی مطمئن شوید و نور چراغ‌ها و سیم‌کشی‌های مربوطه به خوبی بازدید و کنترل شوند، هم‌چنین از کارکرد خوب موتور اتومبیل و سلامت آن مطلع شوید و پس از این اقدامات و مطمئن بودن از عملکرد کمربند ایمنی به خوبی و خوشی و در کمال اطمینان و با نام خداوند متعال سفر خود را آغاز نمایید.سعی کنید به هنگام آغاز سفر برنامه سفر را به خوبی مدیریت کرده و در کمال آرامش به سفر بروید به گونه‌ای که برای سفرتان از مبداء برنامه‌ای تنظیم شده داشته ولی برای رسیدن به مقصد برنامه یا ساعت خاصی را در نظر نگیرید و برای رسیدن به مقصد عجله‌نکنید.

در طول سفر استفاده از آب سالم نقش مهمی در حفظ سلامتی مسافران دارد و اگر به آن توجه نشود ممکن است مشکلاتی را به بار آورده و باعث ناراحتی شود بنابراین چه بهتر که از آب سالم در طول سفر استفاده شود. حتی‌الامکان سعی کنید آب مورد نیاز خود را از محل‌های مطمئن و بهداشتی برداشت نمایید و بخاطر داشته باشید که بهترین آب برای طول سفر بُطری‌های آب آشامیدنی هستند که در سوپر مارکت‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی در شهرها و مسیر جاده‌ها به فروش می‌رسند، یادآوری این نکته لازم است که از شیرهای آب پارک‌ها و گردشگاه‌ها برای نوشیدن استفاده نکنید مگر این‌که تابلوی آب آشامیدنی را بر بالای شیرهای برداشت مشاهده نمایید.

چنانچه در مسیرهای طولانی سفر می کنید و مایل هستید غذای مورد نیازتان را خودتان تهیه و به همراه داشته باشید توجه کنید غذا را برای یک وعده تهیه کردهٍ و تازه مصرف نمایید و از نگهداری غذا برای وعده‌های دیگر جداً خودداری نمایید، مواد غذایی را به هیچ وجه پشت شیشه عقب اتومبیل و در قسمت داخلی اطاق اتومبیل قرار ندهید زیرا تابش آفتاب و گرما باعث فســـاد در غذا شده و مصرف‌کننده را با مشکل مواجه خواهد کرد، حتی‌الامکان سعی کنید مواد غذایی طول سفر را در یخ‌دان‌های مسافرتی و در مجاروت یخ نگهداری‌نمایید.

نکته مهم دیگر این‌که رستوران‌های مسیر جاده‌ها و شهرها همواره تحت نظارت، مراقبت و کنترل کارشناسان بهداشتی بوده و کلیه کارکنان آن‌ها دارای کارت بهداشتی می‌باشند به طوری که این کنترل و نظارت باعث می‌شود تا غذای تهیه شده در این رستوران‌ها سالم و قابل اطمینان باشـــند، چنانچه مایل بودید از غذاهای این رستوران‌ها استفاده کنید با مشاهده کارت‌های بهداشتی کارکنان این مراکز می‌توانید از غذاهای ارائه شده با اطمینان کامل مصرف نمایید.

پس از پرداختن به موضوع اتومبیل، آب و غذا در سفر توجه داشـــتن به امر استراحت و رفع خســـتگی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا خستگی و خواب‌آلودگی در طول سفر همیشه مشکلاتی را به بار آورده که کم و بیش همه از آن آگاهی داریم.

حال به خاطر پیشگیری از این مشکلات و اتفاقات باید توجه داشته باشید چنانچه در طول سفر احساس خستگی و خواب‌آلودگی کردید بلافاصله اتومبیل خود را به جایی امن و آرام و به دور از مسیر جاده هدایت کرده و دقایقی را به استراحت بپردازید.

بعد از استراحت و رفع خستگی و برای ادامه رانندگی قدری آب به صورت خود زده و صورتتان را شستشـــو دهید تا شادابی و تازگی به وجود آمده رانندگی را برایتان آســـان‌تر نماید بار دیگر یادآوری این نکته ضروری است که برای رسیدن به مقصد ساعت تعیین نکرده و عجله نکنید، با توجه به تردد اتومبیل‌ها و شلوغی جاده‌ها در سفرهای نوروزی، طول سفر را به آرامی رانندگی کنید و رسیدن به مقصد را بگذارید به عهده دقایق خوش سفر که به خودی خود پیش آمده، طی شده و به پایان می‌رسند، به همین خاطر هست که همیشه یادآوری می‌شود برای رسیدن به محل مورد نظر عجله نکنید و این پیام مهم را هم به خاطر بسپارید که اتومبیل برای زود رسیدن است برای زودتر رسیدن نیست، پس به پدال گاز اتومبیل خود فشار نیاورده و اجازه دهید اتومبیل شما آرام و با سرعت مجاز به مقصد برسد و نکته دیگر از مجموعه نکات سلامت سفر این‌که به هنگام رسیدن به مقصد چنانچه مکانی برای استقرار و استراحت دارید چه بهتر که در آنجا مستقر شده، به استراحت بپرازید و بعد با خیالی آسوده به بقیه امور برسید، در غیر این صورت اگر خواستید از هتل‌ها مهمان‌خانه‌ها یا مهمان‌سراها استفاده کنید، محل‌هایی را انتخاب نمایید که کاملاً تمیز و بهداشتی بوده و از نظارت واحدهای بهداشتی برآنها اطمینان حاصل کرده باشید در ضمن سعی کنید در سفر از وسایل شخصی خود مانند حوله، مسواک، خمیردندان، بُرس، شانه، صابون، دم‌پایی و وسایل حمام که مربوط به خودتان هستند استفاده کنید.

در طول سفر، دوش گرفتن و استحمام را فراموش نکنید زیرا به شادابی، رفع خستگی و سلامتی شما کمک مؤثری خواهد کرد و باعث آرامش شما می‌شود.

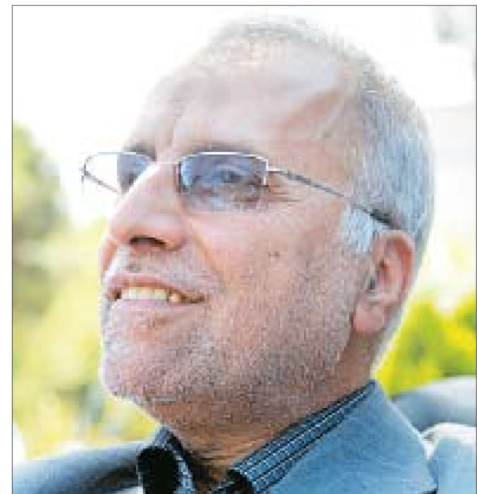
و نکته پایانی این‌که در ایام نوروز و ســـفرهای نوروزی از شیرینی‌جات، آجیل و تنقلات مربوط به این روزها در حد تعادل اســـتفاده کنید و به خصوص در این زمینه مراقب بچه‌ها باشید که زیاده‌روی‌نکنند.

انشاءا... با توجه به نکات مطرح شده و توجه شما عزیزان به آن‌ها سفری خوش توأم با سلامتی و تندرستی را همراه با خانواده و دیگر همسفران خود داشته باشید و با خاطراتی خوش و به سلامت به شهر و دیار و خانه‌های خود بازگردید. انشاءا...

هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز




قونیه، مزار مولانا


• دکتر هادی خانیکی

«نو»شوندگی نوروز و
اندیشهٔ گفتگویی مولانا

نوروز شادترین لحظه‌های زندگی ایرانیان و زیباترین آیین ایرانی است که در تاریخ با پسندیدگی به میان فرهنگ‌ها و تمدّن‌های گوناگون رفته و از مقبولیت و مشروعیت در دامان اسلام و ادیان دیگر الهی برخوردار بوده است. امروز نیز سخن از جهانی شدن نوروز و «نوروز جهانی شده» سخنی نابجا و ناروا نیست.

نوروز ما ایرانیان از آن‌رو که اسطوره را با واقعیت پیوند می‌دهد و با تکیه برتاریخ و طبیعت همگان را به «نوشوندگی» فرامی‌خواند، جشن زندگی است. «زمان» و «زمین» و «روان» همزمان و همزبان نو می‌شوند و بهار نه تنها به طبیعت که به ذهن و زبان انسان و اجتماع رسوخ می‌کند.

از نوروز و در نوروز می‌توان به عدد همین نوشوندگی راه‌هایی برای چیرگی برفروبستگی‌های محیطی، احساسی و ادراکی یافت. نوروز روز آشتی، روز گفت‌وگو، روز آمد و رفت، روز ارتباط و روز اعتدال نیز هست.

نوروز بهانه‌ای برای شستن سینه‌ها از کینه‌ها و گشودن دست‌ها به دعاست، از این‌رو روزهایی را درپی می‌آورد که «شنیدن» و «گفتن» آسان‌تر می‌شود سخن از «گفت و گو» نوروز شنیدنی‌تر و گفتنی‌تر است.

سال‌های پیش نه به تناسب بضاعت، بلکه به اعتبار عشق دیرینی که به مولانا دارم در این ایّام در جستجوی ربط میان جهان بهاری شده و انسان نوروزی از اندیشه و زبان مولانا بهره گرفته‌ام و امسال در همان سو بی‌مناسب نمی‌دانم که برای فهم «گفت‌وگو» که نیاز زمانه و سرزمین ماست دست به دامان او همو برم.

در ذهن و زبان مولانا که بی‌تردید در صدر متفکّران «گفت‌وگو»ست، «گفت‌وگو» معانی و اقتضائات، گوناگونی دارد. صورت ظاهر آن نسبتی با «دیالوگ» که نوعی سیلان و جریان معناعیان شماری از افراد است و از رهگذر آن نوعی فهم و درک نو پدیدار می‌شود نیست:

گفت‌وگوی ظاهر آمد چون غبار
خاموش خوکن هوش‌دار

(مثنوی دفتر اول ۵۷۷)

«دل»، نباشد، «تن» چه داند گفت‌وگو
«دل» نجوید، «تن» چه داند جستجو؟

(دفتر دوم ۸۳۷)

البته ذکر این نکته سودمند است که اساساً گفت‌وگو در ادبیات عرفانی ایران معنای چندان مثبتی نداشته است، چنانچه حافظ نیز در غزل معروف «صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت» آورده است:

سخن عشق نه آن است که آید به زبان
ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

حافظ در غزل «هزار شکر دیدم به کام خویشت»، هم به همین مضمون با صراحت اشاره دارد:

گفت‌وگو آیین درویشی نبود
ورنه باتو ماجراها داشتیم

به روشنی آشکار است که گفت‌وگو در این منظومه فکری از آن‌رو جایگاه مطلوبی ندارد، که سنت گفت‌وگو را تحت‌تأثیر فضای عمومی تک‌صدایی در جامعه اساساً فاقد زمینه فعلیت و بروز اجتماعی می‌داند. از این‌رو به لحاظ زبانی آن را فاقد ارزش‌های مثبت دیده و با چنین اسناد زبانی واژه «گفت‌وگو»، را گاه دارای معنایی همسنگ «جنگ»، آن هم جنگ شیطانی می‌داند.

گفتهٔ مولانا در این‌زمینه گویاست:

همچو آن ابلیس و ذریات او
ندا در جنگ و اندر گفت‌وگو

(دفتر چهارم ۱۳۹۵)

تحول مفهوم گفت‌وگو و کاربردهای جدید آن را باید محصول فرایندی اجتماعی دانست که بر چیستی و چگونگی انتقال معنا از ذهنی به ذهن دیگر در جامعه استوار است. فهم و معرفت، آن هم در صورت مشترک خود چگونه ممکن است، از کجا آغاز می‌شود، چه سازوکارهایی می‌خواهد و به کجا می‌انجامد؟

سقراط پدر گفتگو این فرایند را از آن لحظه ممکن می‌دانست که انسان به جهل خویش وقوف یابد. گفتگو از نظر سقراط محصول توجه آدمی به این نکته است که نمی‌داند، همین معرفت یعنی «علم به جهل» محرک برای رشد معرفت فردی از طریق گفتگو با دیگران می‌شود و به دیگران نیز کمک می‌کند تا در مسیر بسط معرفت قرار گیرند. در دیالوگ‌های سقراطی او از مخاطب خویش همان اندازه می‌آموزد که آنان از وی، چون به اعتقاد او معرفت در ژرفای جان انسان‌ها نهفته است و شخص باید بتواند این دغدغه را در وجود آدمی کشف، بیدار و آشکار کند. نقش سقراط در فرایند گفتگو برای دستیابی به حقیقت به تعبیر خود او مامایی اندیشه است:

«من تا آن اندازه به قابله‌ها شبیه هستم که خودم نمی‌توانم حکمتی به دنیا آورم و خورده‌گیری عمدی در این مورد درست است، من سوالاتی می‌پرسم ولی خودم نمی‌توان پاسخ بدهم زیرا حکمتی در من وجود ندارد ... اگرچه در این بی‌تردید هیچ چیزی از من یاد نمی‌گیرند. آن‌ها حقایق ارزشمند بی‌شماری را که بر ایشان حاصل شده است، خودشان از اندرون خود به دست آورده‌اند.»

این طرز تلقی سقراطی که در اندیشه مولانا نیز شواهد فراوان دارد، در مطالعات جدید ارتباطی جایگاه ممتازی یافته است. امروز فرایند انتقال پیام، درک معنا و پیشرفت معرفت بیشتر از مدار مخاطب و فهم نقادانه و فعال او می‌گذرد.

ارتباط عبارت‌است از «انتقال یا اشتراک اطلاعات و معرفت در میان اشخاص با حداکثر دقت و امانت ممکن. میان این مقوله با مفهوم دیالوگ تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. دیالوگ فرایندی است که در ارتباط با خود، با افراد دیگر و یا محیط او شکل می‌گیرد و حاصل آن درک و فهم تازه برای همه کسانی است که در جریان آن قرار می‌گیرند.

دیالوگ جریانی از معناست که در جمع «ما»، در بین «ما» و در درون «ما» جاری می‌شود. مفهوم آن این است که سیر و جریانی از معنا در همه اجزای ارتباطی روان می‌شود و نوعی فهم تازه به وجود می‌آورد.

در طرح‌های جدید گفتگو به تعبیر مارتین بوبر «انسان‌ها باید از این که یکدیگر را صرفاً «شیئی» تلقی کنند، دست بردارند و با پذیرش متقابل همدیگر به عنوان انسان‌هایی همنوع رابطه «من ـ آن» را به رابطه «من ـ تو» تبدیل کنند. کنش‌ها و واکنش‌های گفتگویی باید از فاعلان آنان انسان‌هایی متفاوت با آنان قبل از این همکنشی بسازد که لازمه تحقق آن نفی هر گونه استفاده یا سوءاستفاده در ارتباط است. گفتگو فرایندی منتهی به فهم و فعل مشترک است. مشارکت در گفتگو «بازی کردن با هم» است، نه «بازی در برابر هم»، پس هر کس بتواند در آن شرکت کند، برنده به حساب می‌آید.«ارتباط» زمینه‌ای برای تحقق گفتگوست، هر ارتباطی به گفتگو نمی‌انجامد، در حالی که هر «گفتگویی» «ارتباط» است.فهم نظر مولانا به سبب نگاه ویژه عرفانی او به انسان و جهان از سویی و معطوف بودن این نگاه به انسان و جامعه و نوشوندگی آنها حائز اهمیت است. او در شکل‌گیری جریان ارتباط از صورت‌بندی‌های کلامی و زبانی متعارف فراتر می‌رود تا بتواند به عرصه «گفت و گو» وارد شود:

حرف و صوت و گفت را برهم زنم
بی این هر سه با تو دم زنم

(دفتر اول ۱۷۳۰)

از نظام ارتباطی مولانا که در قالب گفت‌وشنودها، پرسش و پاسخ‌ها، تمثیل‌ها و حکایت‌ها توصیف شده است می‌توان پررنگی و کم‌رنگی برخی عناصر متعارف ارتباط را استخراج کرد:

۱ـ زبان گفتاری در نگاه مولانا هم ابزاری ارتباطی و هم ضد ارتباطی است:

ای زبان تو بس زیانی مرمرا
چون تویی گویا، چو گویم مرترا

(دفتر اول ۱۶۹۹)

ای زبان هم آتش و هم خرمنی
چند این آتش در این خرمن زنی
(دفتر اول ۱۷۰۰)

زبان در تمثیل مولانا به منزله «جاروب» اســت که هم می‌تواند خس و خاشاک از چهره «دیگری» بزداید و هم گرد در چشم او بیفشاند:

یار چشم توست ای مرد شکار
از خس و خاشــــاک او را پاک‌دار
(دفتر دوم ۲۸)

هین به «جاروب» زبان گردی مکن
چشم را از خس ره آوردی مکن
(دفتر دوم ۲۹)

زبان و دهان که ابزارهای تفاهیم و انتقال معنا هستند در تمثیل‌های دیگر مولانا «سنگ آتش‌زنه» و «آهن» به شمار می‌آیند. ابزارهایی که می‌توانند پنبه‌زار حساسیت‌های انسانی و اجتماعی را به آتش نسنجیدگی و نابجایی و ناروایی خود گرفتار کنند:

این زبان چون سنگ و فم، آهن وش است
تله بجهد از زبان چون آتش است
(دفتر اول ۱۵۹۳)

سنگ و آهن را مزن بر هم گزاف
زروی نقــــل و گاه از روی لاف
(دفتر اول ۱۵۹۴)

زانکه تاریک است و هر سو پنبه‌زار
در میان پنبه چون باشــــد شرار
(دفتر اول ۱۵۹۵)

ظالم آن قومی که «چشمان» دوختند
«ســـخن‌ها» عالمی را سوختند
(دفتر اول ۱۵۹۶)

۲ـ «زبان» پرده «وجود» است از این رو باید بتواند رازگشا و دال بر حقیقت باشد:

آدمی مخفی است در زیر زبان
این زبان پرده است بر درگاه جان
(دفتر دوم ۸۴۵)

چون که بادی پرده را درهم کشید
سرصحن خانه شـــد بر ما پدید
(دفتر دوم ۸۴۶)

کاندر آن خانه گهر یا گندم است
گنج زر یا جمله مار و کژدم است
(دفتر دوم ۸۴۷)

این زبان در نـــگاه مولانا مفهومی فراتر از ابزار ارتباطات انسانی دارد. در داستان معروف درخت دانایی و جستجو برای یافتن آن در هند می‌توان صورت سبز این زبان را در هستی نیز یافت:

این درختانند همچون خاکیان
دســـت‌ها برکرده‌اند از خاکدان
(دفتر اول ۲۰۱۴)

سوی خلقان صد اشارت می‌کنند
وانکه گوش استش عبارت می‌کنند
(دفقتر اول ۲۰۱۵)

تیزگوشـــان را ز ایشان بشنوند
غافلان آواز ایشــان نشــــنوند
با زبان ســـبز و با دســـت دراز
از ضمیر خـــاک می‌گویند راز
(دفتر اول۲۰۱۶)

به کار گرفتن زبان رمز در بیان مولانا برای گفتگو با مخاطب امری رایج و عادی است و در سراسر مثنوی به تواتر دیده می‌شود، در واقع رمز و تمثیل جان کلام مولانا در بیان سخن است و این خود بیان کننده این معناست که مولانا برای ارتباط با مخاطب در طلب راهی است که از جهان عادی سخن عبور کند و به زبانی دیگر راه پیدا کند، این زبان گاه زبان رمز و تمثیل است و گاه زبان بی‌زبانی و سکوت.

۳ـ صـــورت زبانی مطلوب از نظر مولانا برای قالب‌های گفتگویی، چنان که گفته شد «تمثیل»، «قصه» و «طنز» است:

گفتمش پوشیده خوشتر سر یار
خودتو در ضمن «حکایت» گوش دار
(دفتر اول ۱۳۵)

خوشـــتر آن باشد که سر دلبران
گفته آیــــد در «حدیث» دیگران
(دفتر اول ۱۳۶)

ای برادر «قصه» چون «پیمانه» است
معنی اندروی به سان «دانه» است
(دفتر دوم ۳۶۲۲)

دانـــه معنی بگیـــــرد مرد عقل
ننگر و پیمانه را گر گشـــت نقل
(دفتر دوم ۳۶۲۳)

ماجرای شــــمع بـــا پروانه نیز
بشنو و معنی گزین کن ای عزیز
(دفتر دوم ۳۶۲۵)

گرچه گفتی نیست، سر گفت هست
هین به بالا پر، مپر چون جغد پست
(دفتر دوم ۳۶۲۶)

«هزل» تعلیم است، آن را جد شنو
تو نشـــو بر ظاهر هزلش گرو
(دفتر چهارم ۳۵۵۸)

هر جدی هزل است پیش هازلان
«هزل» ما «جد» است پیش عاقلان
(دفتر چهارم ۳۵۵۹)

به این ترتیب در گفت و شـــنودهای تمثیلی مولانا که بر تلاش برای انتقال معنا و شکل یافتن فهم مشترک یا نشان دادن موانع تحقق گفتگو مبتنی است می‌توان صورت‌های مختلفی از



فرهنگ و توان گفتگو را در میان افراد و گروه‌های اجتماعی باز شناخت:

گفتگو با ناشنوا، کودک، زورمند، دیوانه، متعصب، عاشق و نظایر آنها از این جمله‌اند.

۴ـ گفتگوهای مولوی «مخاطب محور» است از این رو با فرار از «گفتن» بیشتر بر «شنیدن» استوار است و برای طی این فرایند به سکوت توصیه می‌کند:

آدمی فربه شـــود از راه گوش
جانور فربه شود از حلق و نوش
(دفتر ششم ۲۹۱)

گوش بگشا، لب فروبند و منال
هفته هفته، ماه ماه و ســـال سال
صمت عادت کن که از یک گفتنک
می‌شـــود زنار این تحت الحنک

البته این لب فروبستن و نالیدن به معنای دوری از جمع گفتگو نیست......عزلت و گوشه‌نشینی گر چه در زمره اصلی‌ترین شیوه‌های تربیت اهل خانقاه بوده اما مولانا زندگی را در جمع بر عزلت و گوشه‌نشینی ترجیح می‌دهد، هر چند خود نیز این تجربه را در دوره‌های جوانی در جبل تاسیون درک کرده است اما صحبت را وسیله‌ای می‌داند که حتی از طریق آن می‌توان به کشف و شهود رسید و به مثابه دفتر کتابی است که امکان دریافت و کشف حقیقت به واسطه آن فراهم می‌آید. از همین روست که زندگی مولانا زندگی کسی نیست که گلیم خویش را از جمع دشواری‌های زمانه به در برد، بلکه از طریق تعلیم می‌کوشد غریق را برهاند.

۵ـ مولانا در ورای زبان گفتاری به دنبال یافتن زبانی مشترک است که بتواند مشترکات معانی را در برابر تفاوت‌های زبانی برجسته کند. اوج این تلاش او در داستان‌های چهار ترک، عرب، رومی و فارس و موسی و شبان متجلی است:

اختــــلاف خلق از نــــام اوفتاد
چون به معنی رفـــت آرام اوفتاد
(دفتر دوم ۳۶۸۰)

در تنازع مشـــت بر هم می‌زند
که ز ســـرنام‌ها غافـــل بدند
(دفتر دوم ۳۶۸۵)

در این نگاه مولانا، حتی از صورت‌بندی‌های شرع مدارانه نیز فراتر می‌رود، چنانکه این مهم را در داستان موسی و شبان مورد تأکید قرار داده است.

هر کسی را ســـیرتی بنهاده‌ام
هر کســـی را اصطلاحی داده‌ام
(دفتر دوم ۱۷۵۳)

درحـــق او مدح و در حق تو ذم
در حق او شهد و در حق تو سم
(دفتر دوم ۱۷۵۴)

هنــــدوان را اصطلاح هند مدح
ســـندیان را اصطلاح سند مدح
(دفتر دوم ۱۷۵۷)

ما زبـــان را ننگریـــم و قال را
مـــا روان را بنگریـــم و حال را
(دفتر دوم ۱۷۵۹)

چند از این الفاظ و اضمار و مجاز
سوز خواهم سوز، با آن سوز ساز
(دفتر دوم ۱۷۶۲)

ای بســـا هندو و ترک همزبان
ای بســـا دو ترک چون بیگانگان
(دفتر اول ۱۲۰۶)

پس زبان محرمی خود دیگر است
همدلی از همزبانی بهتر اســـت
(دفتر اول ۱۲۰۷)

غیر نطق و غیر ایما و ســـجل
صد هزاران ترجمان خیزد ز دل
(دفتر اول ۱۲۰۸)

اکنون می‌توان پرســـید چه کنیم تا معانی مشترک انسانی را که زبان «تفاهم» اســـت در ورای صورت‌های تمایزبخش و شکاف‌انداز زبان‌های گفتاری بیابیم؟ شاید این آخرین وصیت مولاناست که «کم گفتن» را برای تمام کردن جهان ناتمام لازم می‌داند. کشف زبان گفتگو یکی از دغدغه‌های اصلی مولاناست. شاید اگر بخواهیم از ذهن و ضمیر مولانا در پی پیدا کردن، عناصر گفتگو باشیم، مولانا را بیش و پیش از هر زبانی در پی پیدا کردن زبان گفتگو بیابیم.

زبانی که شکل گرفته از «حرف و صوت و گفت» نیست و در تجربه انسانی او چندان کارآمدی ندارد. مولانا به دنبال پیدا کردن زبانی است ورای آنچه در تجربه انسانی مجال کشف و بروز و ظهور پیدا کرده است.

به همین سبب است که تجربه زبانی مولانا نیازمند نگاهی پژوهشگرانه است: وجود مختصات نادر دستوری، تعبیرات و الفاظ حتی تند و نامأنوس، لغات محاوره‌ای و عامیانه و در عین حال وجود ارزشهای درخشان شعری همه و همه نشان‌دهنده این اســـت که مولانا از همه عناصر زبانی بهره می‌گیرد تا با مخاطب به زبان گفتگوی مشترک برسد.

اینکه مولانا که در حوزه ادب پارسی در زمره پرکارترین شاعران است و مثنوی و غزلیات شمس او در زمره گنجینه‌های پر برگ و بار میراث معنوی ماست، با این همه گفتار و سخن نیز تخلص شعری «خمش» یا «خاموش» را برای خود برگزیده است، در خور تأمل است.

شاید این انتخاب قبل از اینکه ناظر به تواضع و فروتنی مولانا باشد، ناشی از کوششهای او برای کشف ساحتی متفاوت از زبان باشد که امکان گفتگو و انتقال تجربه‌های عظیم انسانی را بتواند بیان کند.

این تجربهٔ زبانی مولانا که به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی زبان «بدطیقای خاموش» است در توصیف خود او سخن را چون «تیر» و زبان را چون «کمان خوارزمی» می‌داند که دیر و دوردست می‌دهد، پس بهتر آنکه هدف «حرف و صوت» را نشستن به «منطق» جان بداند. این منطق گفتگویی مولانا گمشدهٔ امروز ما هم هست، در نوروز و در هر روز دیگر، پس چه بهتر که به گفتگو و اقتضائات آن در این ایام دوباره بنگریم.

دلتنگی برای آسمان آبی فردا

● دکتر علی فردوسی

مدیر گروه تاریخ در دانشگاه نتردام، سانفرانسیسکو

در نوروز همه چیز با حدّت بیشتری تجربه می‌شود. آن که تنها است در نوروز تنهاترین است، و آن که عاشق در نوروز عاشق‌ترین. تجربه نوروز به ما می‌آموزاند که زمان، که غلظتِ آن، یکنواخت نیست. زمان گاهی کمتر و گاهی بیشتر «زمانیدن» می‌کند. زمانیدنِ زمان در نوروز از هر زمانی در گردش سال بیشتر است.

در نوروز حتّی دیوانِ حافظ نمی‌تواند، مگر شاید به طول یکی دو بیت یا دست بالا یک غزل، جلوی غلظت زمان را بگیرد. این درست که دیوان با تمامی جلال و جمالش آنجا روی سفره هفت سین متمکن شده تا به شکلی موضعی و مکرّر «محور جهانی» بسازد که «شش جهت» در آن به گونه‌ای تجمیع شوند که از پراکندگی چیزهای سفره، که «خوبان» هستی را نیابت می‌کنند، جهانی برقرار شود. امّا دریغا که این جهان‌گری دیوان حافظ حریف زمان نمی‌شود. در واقع کاری که حافظ تَردست می‌کند این است که از طریقِ متممی در تجربه ما حلول کند و به آن بُعدی استعلایی در راستای حقیقت دهد. امّا به هیچ روی نه از غلظت زمان می‌کاهد، و نه از نظر کمّی در ساختار جهان تغییری می‌دهد. بعد از غزل، جهان باز به وضعیّت پیشین خود باز می‌گردد؛ گرچه این بار با مکمّلی از حقیقت، و پس با تجربه تتمیمی سوژه و این البته کاری کم یا ناضرور نیست.

برای ما که از وطن دور افتاده‌ایم، آنچه زمان را در نوروز غلیظ‌تر می‌کند از جنس خاطره است، چون آنچه تجربه غربت است، در نهایت خاطره‌ای است که با اکنون از یک جنس نیست. خاطره غربت به غریب نشان می‌دهد که در نشانی خود نیست.

وقتی من برای غربت از ایران آمدم بیرون جمعیّت ایران کمتر از نصف این بود و آسمانش چنان آبی بود که شاعرانش می‌توانستند از درون این زلال که در آن همه چیز خود را در دَسترس نشان می‌داد با اعتماد بگویند که خدا همین نزدیکی‌ها است.باورش سخت است، امّا روزگاری بود که می‌شد دست دراز کرد و آرمان را چید، چون آسمانش چنان آبی بود، و تا آغاز فصل کدورت که نبیّه‌ای آن را پیشگویی کرده بود هنوز سالیانی راه بود.

و چه بگویم از شب‌ها، از شب‌های تربت جام به ویژه که با این همه تاراج و تطاول که بر آن گذشته بود به یمن مزار شیخ چنان با آسودگی خاطر در دامنه بزْد غنوده بود که انگار خود حضرت شیخ ضمانت کرده است که جنس حقیقی زمان از صلح و اعتماد است. غروب که می‌شد آن آبیِ زلال در آنجا که بزْد دست به عرش می‌کشید گُر می‌گرفت، و بعد شب آرام و پاورچین چنانکه جای هیچ نگرانی‌ای نگذارد از مشرق می‌آمد و در آن امن و آسایش، آبی آسمان چنان از شعفِ تجربه خود سرشار می‌شد که می‌شد بافت مخملی سرمه‌ایِ رنگش را در چنگ گرفت.

آخرهای بهار وقتی با همسایه و همکلاسیم احمد روی پشت بام خانه می‌خوابیدم و خاطره کوچه باغ‌های مزار را که در آن حفظی‌هایمان را از بَر کرده بودیم در سکوتِ شبانه مرور می‌کردیم ستارگان که در غیبتِ خورشید و چراغ‌هایِ خاموشیده برق با لمس مخمل شبانه شیطنتشان گُل می‌کرد چنان نزدیک می‌شدند که آدم قلقلکش می‌شد. کهکشان راه شیری درست از بالای سرما رد می‌شد، همچنانکه در سخاوت کهکشانی‌اش از بالای سر همه وقتی کدورتی نباشد، و من که مرتّب مجله دانشمند می‌خواندم و تازه کتاب فرد هویل را خوانده بودم (یادم نیست، شاید ترجمه مرزهای نجوم) در خیال خود بر جادّه نرم و حریریش مثل پسرکی که در آشنایی و امنیت کوچه خودش دوچرخه سواری کند می‌گشتم و برای ستارگان دست تکان می‌دادم.

پدرم «عشق کتاب» بود، و ولعی برای خواندن همه چیزداشت، از مفاتیح‌الجنان گرفته که صبح‌ها پس از نماز و تلاوت قرآنش با صدای بلند و نه چندان به قاعده‌ای می‌خواند تا تاریخ علوم پی یر روسو، و آن وسط بینوایان هوگو و مجلّه خواندنیها به خصوص کارگاه نمدمالی‌اش را که خسرو شاهانی می‌نوشت. این آخری را با صدای بلند می‌خواند و پدر که همیشه مرد سنگین و با وقاری بود در این مورد با صدای بلند می‌خندید.خنده‌پدر برعکس آواز خواندنش موزون بود، و در کلید ماژور. در این میان شاید غیر از شاهنامه که آن را نیز باز هم با آواز خارج از دستگاه (هر دستگاهی که حتّی بشود پس از شوئنبرگ از کار درآورد) بلند بلند بر ما فرو می‌خواند، عشق پدر بیشتر به کتاب‌های عرفانی بود،چنانچه عادت زمانه و نسلش بود. شاهنامه‌خوانی پدر ما را آزار نمی‌داد چون ما به خاطر یک سنّت قدیمی خانوادگی (که نام خانوادگی ما را هنگام شناسنامه دادن زمان رضاشاه به ما داده است) خود را مکلّف به شنیدن آن می‌دانستیم. در میان متون عرفانی مثنوی کبیر را خیلی دوست می‌داشت، و طبیعی است که کتاب‌های ژنده پیل خودمان را می‌خواند. در همه این‌ها پدر کسی بود که در انگلیسی به آن‌ها می‌گویند «اسْتْرانگ ریدِر»، کسانی که هر چیزی را که می‌خوانند وامی دارند تا آن چیزی را که در خودش هست، چیزی را که نوک زبانش بوده است، ولی خودش نمی‌توانسته است در زمان و مکان خودش به صراحت بفهمد و بگوید به اصطلاح بر زبان آورد.قوی خواندن، البته، با تحمیل عقیده خواننده به متن یکی نیست. قوی خواندن استخراج قوی است از متن، و نه فرصت‌طلبی از فرصتِ

> **برای ما که از وطن دور افتاده‌ایم، آنچه زمان را در نوروز غلیظ‌تر می‌کند از جنس خاطره است، چون آنچه تجربه غربت است، در نهایت خاطره‌ای است که با اکنون از یک جنس نیست. خاطره غربت به غریب نشان می‌دهد که در نشانی خود نیست**

خواندن برای ورود چیزی به متن که ذاتاً به آن تعلّق ندارد. این دوّمی با اخلاق خوانش مغایر است.

مدّتی هم پدر هفته‌ای یکبار به یک دوره عرفانی می‌رفت. یادم نیست از کدام سلسله، گنابادی یا نقشبندیه، یا گرایشی دیگر، آن‌وقت‌ها این چیزها کمتر از الآن حالیم بود. دوست داشت مرا با خودش ببرد. چند بار هم همراهش برد، که مرا در جذبه خود جذب نکرد. چون برایم دشوار بود، و هنوز هم هست، که خودم را به امور آیینی بسپارم. آن جامعه‌شناسی که در من است، و حالا می‌دانم که از بچّگی در من بوده است، درست آنجا که حضّار به ضرب‌آهنگ تجمیعی آیین تسلیم می‌شوند، به جای آنکه در جمع فنا شود، مثل مرغَک غریبه‌ای می‌پرد لب تاقچه و از بیرون به مراسم و به اهتزاز تن‌ها به چپ و راست و به جلو و عقب می‌نگرد، و به نوعی مراقبت از آن مشغول می‌شود. مراسم آیینی می‌توانند برای برخی جان‌ها گاهی زمخت و از اندازه بیرون به نظر رسند، که واژه فنّی آن گروتسک است، و در میان اصحاب آن دوره کسی بود که اغلب میدان‌داری می‌کرد، و وقتی نوبت به او می‌رسید تا شعری عرفانی بخواند چنان صناعتی از خود به خرج می‌داد و بادی به دماغ می‌انداخت، و چه دماغی هم، و چنان شوری در خواندنش می‌ریخت که مجلس در نظر من به نمایشی مضحک تبدیل می‌شد. و من به رغم احترامی که برای پدر و دوستانش داشتم به خنده می‌افتادم، و گرچه هرگز بلند نخندیدم، خنده‌گرفتنم چنان بود که پدر متوجه آن می‌شد، و شاید دیگران هم، گرچه بزرگوارانی که ایشان بودند هرگز به روی آن پسرک نیاوردند.

اصحابِ دوره، پیشِ خودشان اسم تجمّعشان را گذاشته بودند خانقاه و طوری از آن حرف می‌زدند که انگار دارند یک کار زیرزمینی می‌کنند. ولی خانقاهی در کار نبود، و مجالسشان در خانه یکی از آنان برگزار می‌شد، اغلب همان آقای دماغ که فکر کنم یک جوری پیرشان بود. خانقاهشان، که پدر نه به مانند اسم مکان بلکه نوعی صفت فعلی به کار می‌برد، اگر یادم مانده باشد شامگاه‌های دوشنبه بود، و نمی‌دانم از چه رو آن روز به خصوص. پدر اصرار داشت بر آنکه من با او به خانقاه بروم. می‌گفت: «یادت نرود دوشـــنبه خانقاه داریم». این اصرار پدر عجیب بود، چون پدر اصلاً اهل اصرار نبود. چندان به کار ما کار نداشت، پدریش بیشتر از جنس امکانسازی بود تا قیمومت. همین که می‌دید به کاری علاقه نشان می‌دهیم، بی‌آنکه حرفی بزند امکان آن کار را برایمان فراهم می‌کرد. اگر چند بار می‌دید داریم نقّاشی می‌کنیم یکهو غروبی که به خانه می‌آمد می‌دیدیم یک عالمه وسایل نقّاشی با خودش آورده است. هیچ هم نمی‌گفت چرا و برای چه. وســـایل را می‌گذاشت روی تاقچه، همین و همین

یکبار که خانقاه را تمام کرده بودیم و داشتیم برمی‌گشتیم خانه (آن وقت از یک انتها تا انتهای دیگر تربت جام بیست دقیقه بیشتر نبود)، پدر با همان ادب و ملایمتی که عادتش بود صحبت را کشاند به خنده من. جوابش را آماده کرده بودم. گفتم: «آقاجون، اصلاً میشه من خانقاه نیام. همه‌اش فناء در این یا فناء در آن.» پدر توضیحی داد که از همان زمان مثل دانه‌ای که در من کاشته باشند در من مانده است، ریشه دوانده است، و حالا دیگر نمی‌دانم که این همان توضیح پدر است یا چیزی که از آن و از درون من در من بار آمده است. ولی شکّی ندارم که یک مورد از همان قوی خواندن‌هایش بود، احتمالاً یکی از قوی‌ترین‌هایش. گفت: «اصل عرفان فنا شدن نیست. اصل عرفان آن است که آدم در ارتباط با حضرت باری نشانی خودش را پیدا کند.» آن روزها پدر حضرت باری را زیاد به کار می‌برد.

ســـال‌ها از آن مکالمه سپری شده است. و من اکنون آن حرف را یا دنباله آن را بـــه زبان مدرن خودم می‌فهمم، و شاید در نهایت با قرائتی قوی در درون تعقّلی وجودشناختی، از آنجا که وجود است به سوی هستی، یا شاید از سمتِ وجود به سمت حقایق، که بنابه تعریفَ از وجود فراتر می‌روند و نسبت به آن در وضعیّت استعلایی قرار می‌گیرند. وجود اگر نسبتی با نامتناهی حقیقت‌هابرقرار نکند، نمی‌تواند نشانی خودش را آنچنان که هست پیدا کند. آن چیز که کجابودگی ندارد سوژه نیست. انسان حتّی اگر چنانکه رژیم حاکم این جهان می‌گوید به تن و زبان فروکاستنی باشد، حتّی اگر استثنای حقیقت در کار نباشد، بازهم باید به مثابه کمترین شرطش برای سوژه بودن نشانی خودش را در وضعیّت عمومی بداند. چون تنها تازه آن وقت است که آدم می‌فهمد که کجابودگیش کجا است، حتّی اگر هم نداند و نتواند بداند که از کجا آمده اســـت و به کجا می‌رود. امّا این کجابودگی فقط یک کجابودگی جغرافیایی نیست، موضعی بر یک صفحه هندسی دو بُعدی، یا حتّی سه یا (بعد از انیشتن) چهار بُعدی. فقط یک کجابودگی نیست در محور مختصّات چندین‌بُعدی دهر، یا به گفته حکیم عبری دهرها، بلکه نقطه‌ای است وجودشناختی. لازم نیست، دستکم در اینجا، که بیش از اندازه فلسفی شویم. کافی است در گذر و به سادگی بگوییم که آدم باید بداند که نسبت به حقایق و اکاذیب جهانش کجای کار است. تا آدم خود نداند کجا است نه جای دوستش را می‌داند و نه جای دشمنش را.

و این مرا برمی‌گرداند به غربت. نه پرســـش عام غربت، چنانچه از حرف‌های بالا ممکن اســـت استنباطَ شوَد، بلکه پرسش جزیی‌تر جنس غربتِ این «غریب عن‌الاوطان»، چنانچه آن یـــار عزیزِ عین‌القُضات می‌گوید، آن هم بعد از این مقدّمه چینی، و صرفاً در رابطه با نوروز. چون آن پرســـش عام‌تر که می‌شود با قرائتی قوی گفت که منظور نظر پدرم بود، بی‌شک پرسشی است پُرمخاطره که نمی‌شود در این مختصر به آن جـــواب داد. این غربتی که مورد نظر من است وضعیّت گمشدگی نیست، گرچه به آن شباهت‌هایی دارد. وضعیّت سرگردانی هم نیست، گرچه به آن هم بی‌شباهت نیست. این غربت بیش از آنکه عاطفه‌ای باشد نسبت به آنجا که هستم، عاطفه‌ای است نسبت به آنجا که نیستم. این غربت تجربه کسی است که از نشـــانی‌اش بیرون افتاده است، یا نشانی‌اش از دسترسش خارج شده است. این نیست که کجابودگیش را نمی‌داند، آن است که ناچار است از بیرون به آن بنگرد. از منظر پدیدارشناسی این غربت عاطفه‌انضمامی هرگونه‌وضعیّت تبعیدی اســـت، دوری اجباری، وضعیّتی که مولوی آن را وضعیت «ببریدگی» می‌خواند، که با وضعیّت «بریدگی» یکی نیست، بلکه به معنایی عکس آن است. سال‌ها پیش وقتی بار اوّل کوشیدم تا پدیدارشناسی این وضعیّت را بفهمم به نظرم رسید که امروزه، برای نسل من، و کمی قبل و پس از آن، امّا نه نسل‌های بعدی، این وضعیّت به بُعد جغرافیایی‌اش فروکاستنی نیست. همان موقع نوشتم موقعیّت ما ماندن در وضعیّت بازگشتگی است. رسیدن به گذشته‌ای که در پیشاروی ما است، چون ما آن را از پیش آرزو کرده‌ایم، و نسل ما باری به هرجهت برای لحظه‌ای هرچند گذرا آن را به شکل درخشان و شکوهمند یک امکان به چشم دیده است. در آن لحظه، و فقط برای یک لحظه، دلی نبود که در نشانی خود نباشد. در آن لحظه ما جاودانه را دیدیم که رنگ بال‌هایش آبی بود درست مثل آسمان تربت جام. غربت من در این نوروز یک غربت جغرافیایی ســـاده نیست، یک غربتِ تاریخی نیز هست. من دلم برای فردا تنگ شده است.

موقعیّت ما ماندن در وضعیّت بازگشتگی است. رسیدن به گذشته‌ای که در پیشاروی ما است، چون ما آن را از پیش آرزو کرده‌ایم، و نسل ما باری به هرجهت برای لحظه‌ای هرچند گذرا آن را به شکل درخشان و شکوهمند یک امکان به چشم دیده است



گفتگو با دکتر محمدامین قانعی‌راد

جامعه‌شناسی

دانش نجات بخش امروز

● ارمغان زمان فشمی

*** جناب آقای دکتر قانعی، با سلام و سپاس بابت وقتی که در اختیار ما گذاشـــته اید، لطفا در ابتدا درباره این که آیا اصولا دانشی با عنوان «جامعه‌شناسی بومی» وجود دارد یا خیر، توضیح‌بدهید.**

ـ جامعه شناسی، برخلاف علومی مانند فیزیک که مبتنی بر قوانین مشخصی هستند و در همه جای دنیا کاربرد یکسانی دارند، تنها بر پایه قوانین عمل نمی‌کند، بلکه مانند علوم روان شناسی و پزشکی، به گفتگو با سوژه مورد مطالعه نیاز دارد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر می تواند کاملا متفاوت باشد.

روش متن گرایی، به معنای اســـتفاده از یک نظریه جهانی جامعه شناسی و تلاش برای انطباق آن با یک جامعه بومی (مثلا ایرانی) نمی‌تواند نتایج درستی راجع به مختصات معنوی آن جامعه بومی به دست بدهد. بنابراین اگرچه ممکن است ابعاد عمومی جامعه ایرانی را که با دنیا مشابهت دارد و به حوزه فیزیک جامعه نزدیک است، بتوان با جامعه شناسی غربی بررسی کرد، اما شناخت ذهنیت و فرهنگ و داشته‌های اختصاصی هر جامعه، به ارتباط کلامی با افراد آن جامعه نیازمند است.

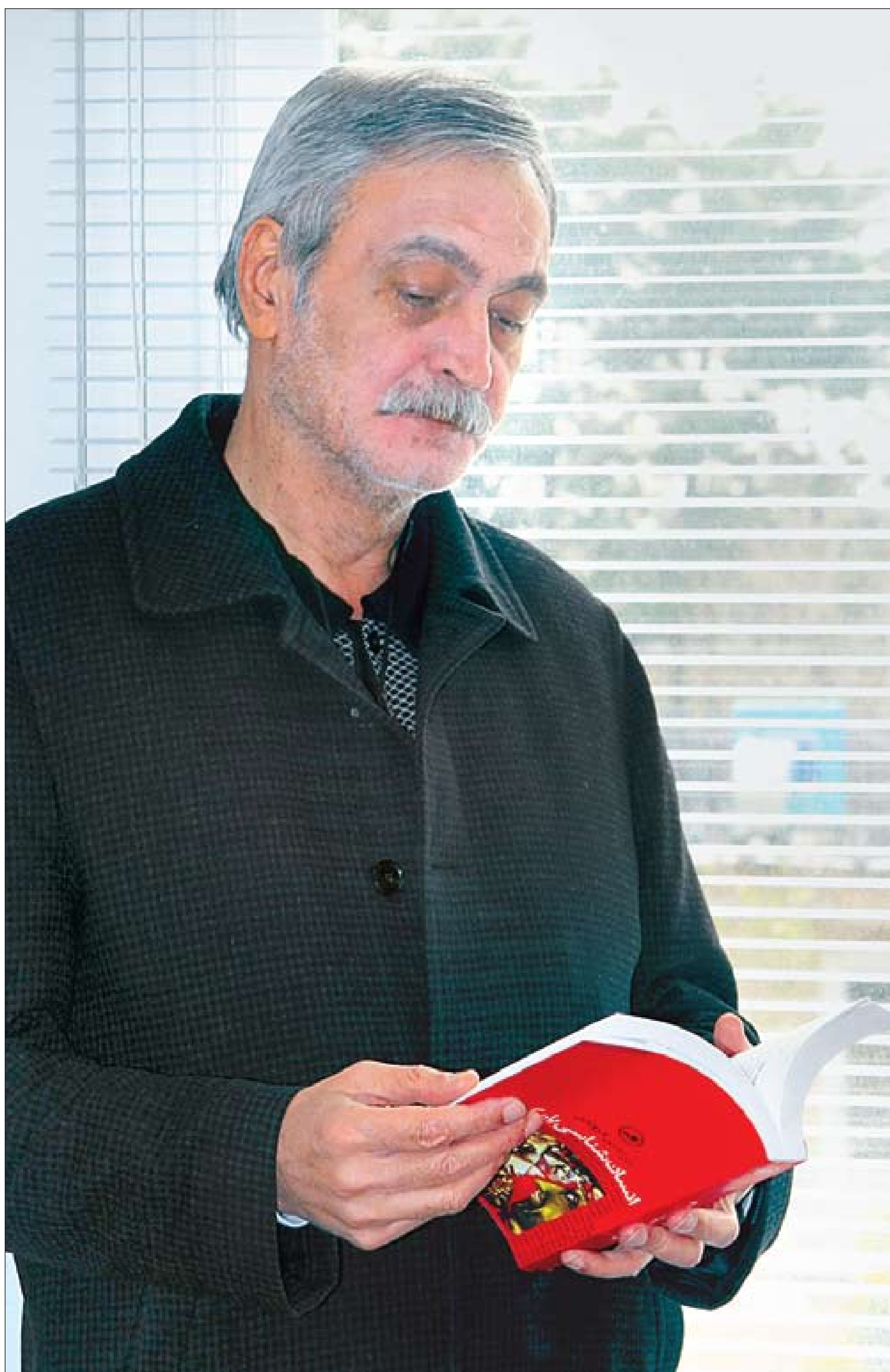
در این میان انتظار رسیدن به یک چارچوب واحد برای تبیین و فهم جامعه ایرانی وجود ندارد، زیرا سرشـــت جامعه شناسی چندالگویی است و این شاید تفاوت دانش جامعه شناسی با علوم طبیعی باشد که می‌تواند هر مساله‌ای را از چشم اندازهای مختلف مورد مطالعه قرار دهد و هر یک، بخشی از واقعیت پیچیده جامعه را به ما نشان می‌دهد.

*** با این حساب و با این فرض که جامعه شناسی ایرانی، مفهومی معنادار اســـت، وضعیت آن را در کشورمان چگونه می‌بینید؟**

– در ایران به دلیل ضعف فرآیندهای آموزشی، بسیاری از تحصیلکرده‌های رشته جامعه‌شناسی، نگاه‌عمیقی به مسایل ندارند، از طرفی این رشـــته هنوز در کشور ما جا نیفتاده است، زیرا باید مجموعه‌ای از دانش، بینش، روش و کردار به دانشجویان ارائه شود تا بتوان گفت آنها جامعه پذیری علمی خوبی دارند. حال آن که تنها به انتقال محفوظات و گفته‌های کتاب‌های جامعه شناسی اکتفا شده و حتی بینش یا تخیل جامعه شناسی آموزش داده نمی‌شود. بینش جامعه شناسانه، لایه عمیقی از این دانش است که از طریق زندگی جامعه شناختی در اجتماع علمی شامل جامعه شناسان، استادان و دانشجویان دیگر کسب می‌شود.

در دوران پیش از انقلاب، بیشـــتر استادان جامعه شناس، در دانشـــگاه‌های خارج از کشور تحصیل کرده بودند که دانش آنهـــا به کار جامعه امروز ایران نمی‌آید. پس از انقلاب نیز نوعی بی‌اعتمادی نسبت به این رشته در میان مسئولان وجود داشت و از آنجا که جامعه شناسی را دانشی غربی می‌دانستند، مشروعیت چندانی برای آن قائل نشدند. از طرفی، جامعه شناسان را درگیر دغدغه‌های معرفت شناختی و مفاهیم شبه فلسفی کردند. مدتی بعد، مشکل افزایش پذیرش دانشـــگاه‌ها نیز به این مشکلات افزوده شد، به طوری که گاهی ۵۰ دانشجوی دکترا در یک واحد دانشگاهی پذیرفته می‌شدند و این تصور وجود داشت که تنها با یک کلاس بزرگ‌تر می توان تعداد دانشجویان مقاطع تحصیلی بالا را افزایش داد.

با توجه به مجموعه این شرایط، در حال حاضر می‌توان از «جریان در حال تکوین جامعه شناسی ایرانی» صحبت کرد، چرا



سید محمد امین قانعی راد، متولد ۱۳۳۴ شهر ری، از جامعه‌شناسان ایرانی، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور است. وی مدرک کارشناسی پژوهشگری اجتماعی و کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران را دارد.
گفتگوی ما درباره دانش جامعه شناسی در جایگاه‌های جهانی و بومی اش، صبح یک روز زمستانی در دفتر ایشان انجام شد.

که علی رغم آشفتگی های موجود، یک جریان خلاق حاشیه‌ای در حال رشد است و برخی ثمرات آن نیز آشکار شده است. جامعه شناسانی وجود دارند که به حرف آمده و این توانایی را پیدا کرده‌اند که مسائل جامعه خود را ببینند و تحلیل کنند و اگرچه از نظریات متعدد به عنوان منبع فکری استفاده می‌کنند، ولی نمی‌خواهند آنها را عینا بر جامعه ایرانی منطبق سازند. یعنی از نظریات موجود آگاه‌اند اما با درک عمیقی که از این نظریات دارند، از آنها به شیوه‌ای خلاق و انتقادی استفاده می‌کنند که نتیجه اش تولید دانش بومی‌تر و مناسب‌تر است. اگرچه این جریان آغاز شده است اما در میان انبوه فارغ التحصیلان و مقالات و جامعه شناسان ایرانی، همچنان مجموعه‌ای حاشیه‌ای به شمار می‌رود.

*** در این میان جایگاه جامعه شناسی اسلامی کجاست و آیا اصولا مفهومی با این عنوان وجود دارد یا خیر؟**

– جامعه شناسی اسلامی به مفهومی که الان وجود دارد، بر مبنای متون اسلامی بنا شده، یعنی دچار همان اشکالاتی است که متن گرایی ایجاد می‌کند و از آنجا که منبع متن یکی است، نمی‌تواند در کشورهایی با آیین و آداب متفاوت، موفق باشد. اشکالات دیگر این مفهوم، انتزاعی بودن، داشتن فاصله یا واقعیت‌های ملموس جامعه و دینی کردن علم است. علم قرار نیست دینی شود. علم، علم است و از ویژگی‌های آن، چند منبع داشتن است. اسلامی بودن جامعه شناسی، آن را به یک منبع محدود می‌کند و جنبه جهانی بودنش را از بین می‌برد، زیرا نمی‌تواند مورد توافق جوامع دیگر قرار بگیرد.

وقتی بین دانش جامعه شناسی و یک دین پیوند می‌زنید، اعتبار آن را به اعتبار درون دینی محدود می‌کنید و افرادی که خارج از آن دین هستند، نمی‌توانند حرفتان را بپذیرند. اگر از جامعه شناسی اسلامی سخن بگویید، از شما می‌پرسند منظورتان اسلام سنی است یا اسلام شیعی؟ اگر بگویید شیعی، می‌پرسند شیعه‌ای که ولایت فقیه را قبول دارد یا شیعه‌ای که ولایت فقیه را قبول ندارد؟ پس در عمل به جای آن که بتوانید الگوی واحدی برای اجماع ایجاد کنید، نظریه شما چنان متکثر می‌شود که نمی‌تواند مبنای وحدت قرار بگیرد.

جامعه شناس مسلمان باید بتواند فارغ از مسأله دین، با جامعه شناسان خارجی ارتباط برقرار کند تا ضمن تبادلات پژوهشی، بر مبنای معیارهای علمی راجع به کار یکدیگر قضاوت کنند، همان طور که در کنفرانس‌های جهانی علوم دیگر می‌بینیم.

*** اما به هرحال جامعه شناس برای بررسی مشکلات جوامع مسلمان، باید به دینی بودن آنها توجه کند.**

– قطعا همین طور است. برای انجام اقدامات جامعه شناختی، باید به نحوی کار کرد که با توجه به ویژگی‌های جامعه، برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی، موثر باشد. مشکل رضاشاه این بود که در الگوی توسعه خود، توجهی به ویژگی‌های دینی جامعه ایران نکرد؛ همان طور که اگر الگوی توسعه دیگری داشته باشیم که تنها بر دینی بودن جامعه تاکید کند، آن الگو نیز دچار مشکل خواهد شد.

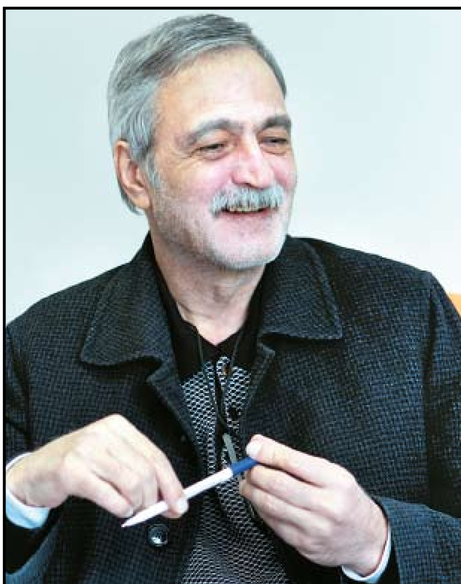
اگرچه دین، عنصری قوی در جامعه ایرانی است اما عناصر دیگری هم وجود دارند که باید در نظر گرفته شوند، ضمن آن که تفاسیر و ذهنیت‌ها راجع به دین متنوع‌اند و نمی‌شود صرفا به یک تفسیر از آن توجه داشت.

*** هدف از آنچه جامعه شناسی اسلامی خوانده می‌شود چیست؟**

– اصولا آنچه به عنوان جامعه شناسی اسلامی مطرح می‌شود، برای شناخت و تبیین جامعه کاری نمی‌کند، بلکه قصد «جامعه سازی» دارد که این هدف، در مقوله فلسفه اجتماعی قرار می‌گیرد، نه جامعه شناسی. من کل کارهای فارابی را از همین مقوله می‌دانم و او را یک فیلسوف اجتماعی می‌شمارم، نه جزو پایه گذاران علوم اجتماعی؛ آن طور که در کتب دبیرستانی نوشته اند.

فارابی یک فیلسوف اجتماعی است، زیرا مدینه فاضله‌ای دارد که ویژگی‌های آن را بیان می‌کند و می‌گوید همه آدم‌ها باید این طور باشند. او یک دستورالعمل دارد که آن را برای اهالی همه کشورها و پیروان همه مذاهب توصیه می‌کند، اما جامعه شناس می‌خواهد ویژگی‌ها و شخصیت جمعی ایرانی و حتی ناخودآگاه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را بشناسد و رفتارهای ویژه مردم را در موقعیت‌های خاصی مانند موقعیت‌های انتخاباتی یا شرایط بحرانی و جنگ و مانند آن بررسی کند.

*** هدف جامعه شناس از این شناخت چیست؟ آیا او با شناخت مسایل مبتلا به جامعه، قادر است برای آنها نسخه بپیچد و در نهایت جامعه ساز باشد؟**



– دانش جامعه شناسی در وهله اول به صورت آکادمیک، دست به شناخت جامعه می‌زند اما گام بعدی آن، مباحث بالینی و کاربردی است که می‌توانند برای حل مسایل و آسیب‌های اجتماعی و حتی جامعه سازی به کار بروند.

مایکل بوروی، رئیس انجمن بین المللی جامعه شناسی، این دانش را به شاخه‌های جامعه شناسی حرفه ای، سیاستی، انتقادی و حوزه عمومی تقسیم می‌کند. جامعه شناسی حرفه‌ای یعنی آموزش، پژوهش و شناخت جامعه در دانشگاه. جامعه شناسی انتقادی یعنی نقد طرح‌های پژوهشی جامعه شناسی حرفه ای. اما حوزه‌های سیاستی و عمومی در بیرون از دانشگاه و در عرصه‌های عمومی و خصوصی به کار بسته می‌شوند. جامعه شناسی سیاستی، بخشی از این دانش است که وارد عرصه دولت می‌شود و در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها کمک می‌کند. جامعه شناسی عمومی نیز با مردم و در بطن جامعه فعالیت دارد.

جامعه شناس ایرانی باید ابتدا وضعیت جامعه را بشناسد و سپس با راهکارهای مبتنی بر دانش خود – و نه با آرمان پردازی– به جامعه سازی کمک کند. متاسفانه علاوه بر آن که در ایران، افرادی مخالف جامعه شناسی هستند، برخی از جامعه شناسان نیز به مثابه فیلسوف اجتماعی کار می‌کنند.

*** نتایجی که تا کنون توسط جامعه شناسی ایرانی به دست آمده اند، ما را چگونه جامعه ای تعریف می کنند؟**

– اگر برای شناخت جامعه آمریکایی، به هوشمندی اجتماعی نیاز داریم، برای شناخت جامعه ایرانی، هوشمندی مضاعفی لازم است، زیرا در جوامع پیشرفته، نظم و نسق‌هایی شکل گرفته است که مطالعه آنها را ساده‌تر می‌کند اما جامعه ما جامعه‌ای پیچیده است، ضمن آن که دانش جامعه شناسی هم به درستی در آن وجود ندارد.

*** جامعه ما به سرعت و دائما در حال تغییر است و لحظه‌ای تامل نمی کند تا بتوان آن را شناخت. در این میان چگونه می توان از بررسی جامعه ایرانی و مشکلات و راهکارها سخن گفت؟**

– برخی معتقدند این وضعیت، به دلیل قرار گرفتن ما در دوران گذار است. گیدنز که بزرگ‌ترین جامعه شناس معاصر است، می‌گوید ما در دوران مدرنیته متاخر به سر می‌بریم که ویژگی آن سرعت گرفتن تحولات در همه جای جهان است. به همین ترتیب در ایران به سرعت و با شدت داریم از جامعه سنتی فاصله می‌گیریم، بدون آن که جامعه مدرن سازمان یافته‌ای شکل داده باشیم. بنابراین این نگرانی عمیقا وجود دارد که وارد وضعیت آنومیک (نابهنجار) شویم. البته الگوهای تغییر در ایران را علی الاصول می‌توان شناسایی کرد اما همان طور که گفتم، به هوشمندی مضاعف نیاز دارد. چارلز رایت میلز، جامعه شناس آمریکایی، نیم قرن پیش از این گفته است ما وارد عصر چهارم شده ایم. تعریف او از عصر سوم، دوره‌ای است که الگوی تفکر، فیزیک و فیزیکالیسم بود و مسایل با توجه به این الگو حل می‌شد. اما در عصر چهارم بدون بینش جامعه شناسی که شاخص فرهنگی این عصر به حساب می‌آید، قادر به درک و حل مشکلاتمان نخواهیم بود. دستیابی به چنین بینشی، نیاز به ایجاد پیش نگرش جامعه شناسی در ذهنیت عموم مردم دارد، زیرا من به عنوان یک جامعه شناس نمی‌توانم جامعه شناسی را از بالا برای مردم به ارمغان بیاورم.

*** منظور شما از ایجاد پیش نگرش جامعه شناسی چیست؟**

– باید گرایشات جامعه شناختی به تدریج در تفکر اجتماعی مردم شکل پیدا کند. همان طور که اگر مردم به سینما نگرش مثبتی پیدا کنند، سینما پیشرفته می‌شود و علاقه مردم برزیل به فوتبال، اسباب پیشرفت تیم ملی آن کشور شده است، پیشرفت جامعه شناختی نیز حتما به زمینه اجتماعی نیاز دارد، کما این که این اتفاق در جامعه ما در حال افتادن است و می‌بینیم که کم کم همه بدون دانستن آکادمیک جامعه شناسی، مسایل را تحلیل می‌کنند و به فاکتورهای اجتماعی توجه دارند. پیش نگرش‌های اجتماعی علاوه بر آن که در میان هنرمندان، روزنامه نگاران و تحصیلکرده‌ها در حال شکل گرفتن است، در میان اقشار دیگر نیز وجود دارد و مشاهده می‌کنیم که راننده تاکسی یا فروشنده مواد غذایی نیز درباره مسایل نظرات خودشان را دارند و به عنوان مثال در مورد تورم، مثل گذشته نمی‌گویند قسمت و تقدیر ما همین بود، بلکه آن را به قیمت نفت مرتبط می‌سازند و درباره اش بحث می‌کنند. اگر دخترشان فوق لیسانس دارد و بی کار است، نمی‌گویند قسمتش نبود، بلکه می‌گویند در کشوری که رانت و فساد و فقدان شایسته سالاری وجود دارد، امثال دختر من باید خانه نشین باشند.

سی رایت میلز می‌گوید بینش جامعه شناسی زمانی به دست می‌آید که شما بتوانید مسایل فردی خودتان را با امور عمومی پیوندبدهید.

*** آینده جامعه شناسی در ایران را چگونه می‌بینید و آیا این علم قادر به نجات ایران از بحران دوران گذار خواهد بود؟**

– ایجاد پیش نگرش جامعه شناسی در میان اقشار مختلف مردم، در لایه‌های بعدی باعث می‌شود فارغ التحصیلان خوبی در رشته جامعه شناسی داشته باشیم. جریان خلاق حاشیه‌ای نیز باید کنشگری کند و کارهای خوب ارائه دهد تا ارتباط آن با جریان بیرون از دانشگاه، به شکل گیری جامعه شناسی ایرانی بینجامد؛ جامعه شناسی که نگاه انضمامی – و نه انتزاعی– دارد، به ویژگی‌های فرهنگی توجه می‌کند و هدفش شناخت آنهاست و به واقعیت جامعه نزدیک است. چنین جامعه شناسی می‌تواند در وهله بعدی به بهبود زندگی مردم و ارائه راهکار برای تقویت بنیان‌های جامعه و دولت در ایران کمک کند.

در دوران گذار از سنت به مدرنیته، با خطر فروپاشی بسیاری از ویژگی‌های مثبت از جمله اخلاق اجتماعی مواجه هستیم، افراد فاقد ارتباطات انسانی مناسب هستند، حس اعتمادشان تخریب می‌شود و دشمنی، رقابت ویرانگر و فردگرایی خودخواهانه گسترش پیدا می‌کند.

جامعه شناسی ایرانی، هم باید جامعه را تقویت کند و مدل‌ها و راهکارهایی برای حل مسایلش ارائه دهد و هم بنیان نهاد دولت را تقویت کند. نهاد دولت به معنای کلان آن، باید به عنوان نهادی قدرتمند، اثربخش و مشروع شکل بگیرد. باید دید نهادهای دولتی در بین عموم مردم مشروعیت دارند یا خیر و آیا می‌توانند وظایف محوله خود را به درستی انجام بدهند یا خیر. به عنوان مثال ما قوه قضاییه داریم اما آیا این سیستم قادر به داوری در میان مردم و حل و فصل مشکلات آنها هست یا نه؟

سیستم باید اجازه ورود جامعه شناسی به این عرصه‌ها را بدهد، زیرا اگرچه مثلا در قوه قضاییه، بحث حقوق و قضا و وکلاست، اما این مجموعه، یک نهاد اجتماعی است. جامعه شناسی است که می‌تواند بگوید چرا این حجم پرونده قضایی در دادگاه‌ها وجود دارد.

*** به جز این‌ها، کدام یک از بخش‌های فرهنگی و اجتماعی ما در معرض خطر هستند؟**

– یکی دیگر از مباحثی که جامعه شناسی باید در آن ورود کند، محیط زیست است که وضعیت آن در ایران فوق العاده بحرانی شده است. جامعه شناسی زیست محیطی لازم است، همان طور که تقویت انواع جامعه شناسی حقوقی، جامعه شناسی پزشکی، صنعتی و غیره لازم است. من دیدم که یک مقاله با عنوان «جامعه شناسی تغییرات آب و هوایی» به یک نشریه علوم اجتماعی رسید و اعضای هیأت تحریریه که همه جامعه شناس بودند، گفتند خیلی مسخره است که جامعه شناسی را به همه چیز می‌چسبانند. حال آن که جامعه شناسان باید بیایند و در ایجاد نگرش‌های اجتماعی و توجه به این پدیده تاثیر بگذارند.

یادی از سیمین دانشور

«دانشور» در نام و صفت

این یادنامه ی کوتاه قامت و کم حجم اینک که بپاس زحمات قامت بلند آموزگاری توانا و نویسنده ای صاحب نام و سبک در عرصه ی ادب و ذوق و هنرو دانش زیبایی شناختی به رشته تحریر در می آید، خود در میان ما نیست. لیکن آثار اندیشه و عمل و قلمش همچنان در جامعه معاصر ما حضور تاثیر گذار داشته و خواهد داشـــت. انسان تنها هستنده ای است که از خود برای نسل هایی که از پی می رسند میراث بجای می نهد. تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما در بستر همین مواریث مدنی و معنوی به حرکت در آمده و ره می سپارد. در سنتهای معنوی و ادیان متعالی مفهوم میراث همواره از بار معنوی و هستی شناختی و زنده و باطنی تری برخوردار بوده است. در فرصت اندک و زمان کوتاه حضور و درنگ آدمی در جهان که به تعبیر قرآن ساعتی بیش نیست اینکه چه میراثی از اعمال و افکار خویش بـــه جای می نهیم آنقدر مهم، جدی و مسئولیتی است سنگین و خطیر که اگر به همه ابعاد و اضلاع و اثرات و تبعات آن می توانستیم وقوف یابیم وآن را بشناسیم و بفهمیم آنچنان ارض هستی ما به لرزه در می آمد که سر به بیابان می زدیم.

این قلم علی رغـــم مواضع فکری و زمینه های اعتقادی متفاوت و ناهم زبانی که در برخی موارد با این استاد به نام عرصه ذوق و هنر و دانش زیبایی شناختی احساس می کرده لیکن هیچگاه شیرینی و شهد بادههای دانش و دانایی را که در آن سالهای ملتهب و منقلب و عطشناک دانشجویی زیر سقف دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با گشاده رویی و گشاده دستی و سخاوت و کرامت و مهر مادرانه اش و یا حتی در هر فرصتی و دیداری که دست می داد و همیشه میزبان ایشان بودند و این طلبه تشنه معرفت میهمان، بر کامم ریختند و رفتند از یاد نبرده و گمان نمی رود هیچگاه از یاد خواهد رفت.

قدر شناســـی و محترم داشتن میراث زحمات دیگران فضیلت کوچکی نیســـت. در فراز و فرود و

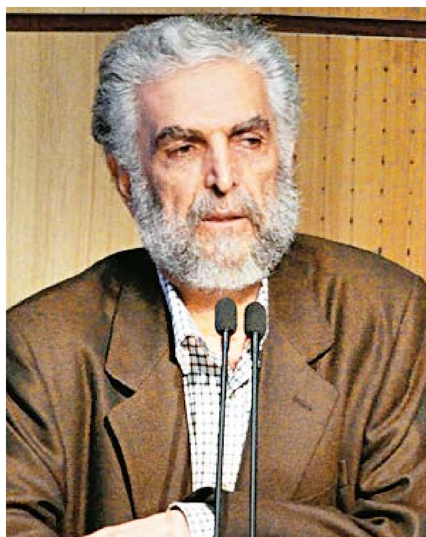
سیمین دانشور در منزل شخصی

پیچ و خم مسیر های حادثه خیز زندگی ما آدمیان هر گاه و هرجا شکســـــتی و ناکامی ای و یا پای حادثه غم انگیز و ملال آوری در میان بوده اغلب در افکندن بار تقصیر نا مرادی ها و ناکامی ها بر شانه این و آن و تراشیدن دلیل ها و جستن و یافتن حتی خرد و حاشیه ای ترین علتها با ذهنیتی حساس تر واراده و عزمی جدی تر گام در میدان عمل نهاده و انگشت اتهام را حواله و نشانه دیگران کرده یم تا در قدر شناسی و بخاطر سپردن زنجیره ای از زحمات و کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه و کریمانه انسانهای شریف و کریم و فاضلی که در موفقیتهای ما دخیل بوده و با دانش و دانایی و فضل و تجربه و توصیه های مشفقانه شان ما را از افتادن در چاله و چاه انحرافها و ناکامی ها برحذر داشته و راه را در فراز آمدن بر دشواری ها هموار کرده اند.

اینک که این یادنامه ساده و صریح و سریع و کوتاه به صفحه تحریر در می آید چهار دهه از آن سالهای دانشجویی و دوران تحصیل و طلبگی و حضور عطشناک در به کف آوردن جرعه‌ای از دانش و دانایی در کلاسهای درس آن بانوی فقید قلم میهن ما گذشته است. آن زمان هنوز شیطان سود و ســـــودا آنچنان که اکنون به حریم دانشگاه های ما رخنه نکرده بود و تجارت بر دانش و دانایی سروری نمی کرد و بازار مکاره کاسبکاران و سوداگران و فرصت طلبان و زراندوزان در میان جامعه دانشگاهیان چندان رنگ و رمق و رونقی نداشت. مناعت طبع معلمی بر دنائت سودو سودا چیره بود و ســـــروری می کرد. زر دانش و دانایی با مس منفعت طلبی معامله نمی شد .معضلات پر شمار بود اما از جنسی دیگر. در آن سالهای سرد و سخت و منجمد استبداد شاهانه زیر ســـــقف بلند دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشـــــگاه تهران ستون های استوار فکر و فلسفه و دانش و معرفت که در گروه ها و رشـــــته های مختلف تدریس می کردند و جوانان میهمن ما را تعلیم می دادند کم نبودند.

اساتیدی که نبوغ، نفس گرم و وسعت معلومات و روش و منش تدریس و تعلیمشان شانه به شانه آثار و اندیشه و دانش و معرفتشان نقش موثر و سهم غیر قابل انکار در پرورش و تعلیم نسلهایی از دانشجویان و جوانان این مرزو بوم داشته اند. در این میان مرحومه مکرمه سیمین دانشور هم در نحوه تدریس و تعلیم و هم در عرصه نویسندگی شخصیت و ویژگیهای ممتاز خود را داشتند. حضور ایشان در گروه باســـــتان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بر رفعت و اعتبار و اقتدار و حیثیت و انسجام گروه تاثیر مثبت و چشم گیر داشت. آموزگاری بود سخت منضبط و منظم در عرصه تدریس و تعلیم .

اگر کلاسهای درس و بحث «اسطوره شناسی ایران» زنده یاد استاد مهرداد بهار را در گروه زبان شناسی که برای دوره های کارشناسی ارشد و دکترا ارائه می شد و رشته فرعی بنده نیز در همین گروه انتخاب شده بود مستثنی کنیم هیچ کلاس درس دیگری برایم گرم و دلنشین و آموزنده و پرمایه تر از کلاسهای درس «تاریخ هنرهند و خاور دور» زنده یاد سیمین دانشـــــور نبود. ایشان هنر و ذائقه زیبایی شناختی و سبکهای هنر هند و آسیایی دور را هیچگاه جدای از سنت و دیانت و معنویت و آداب معنوی و حکمت و عرفان و بستر تاریخ و فرهنگ کهن و پر مایه و غنی ایکه آن همه آثار بی بدیـــــع و جاودانه را در دامن خود آفریده و پرورانده بود ارائه نمی داد. خانم دانشـــــور هم سبکها و ادوار هنری هند و آسیایی دور را خوب می شناخت هم


دکتر ملا صالحی

با نظام‌های فکری و اعتقادی و ارزشی هندیان و چینیان و مردمان آسیایی دور آشنا و مأنوس بود. سؤال های پرت و بی ربط را در کلاس درس بر نمی تابید از سؤالهای بجا و مرتبط با موضوع درس ابراز خرسندی و استقبال می کرد و پاسخ ها را صریح و کوتاه و روشن و بی حاشیه می داد. نرم و آرام و ملیح و مسلط و بی هیجان و با ته لهجه شیرین شیرازی سخن می گفت و مطالب را طرح می کرد و ارائه می داد. تا آنجا که بازیگوش ترین دانشجویان را نیوشای نفس گرم و لحن نرم و آرام سخن خود می کرد. حاشیه های گفتارش اغلب مسائل جاری روز بود .اما با مراعات جانب احتیاط و دقت و مراقبت بسیار. خنده هایش شیرین بود و دلنشین و ملیح و قهر و غضبش تلخ و سنگین و در مواردی آزار دهنده. آن بود که بود هنرپیشه نبود و نقش بازی نمی کرد آنگونه زیست و نوشت که باور داشت.

خاطرات فراوان از ایشان در حافظه این قلم در خاطر مانده و به میراث رسیده است از نقل و روایت شان پرهیز می شود که مبادا حمل بر خودستایی شود و به شهرت طلبی آلوده گردد که حجاب اکبر است در طریقت حق طلبی و آزادگی و مانعی عظیم بر سر راه سالکان. از نام بنده حکمت صالحان را خذف کرده بود و ساده و روان «ملّایم» می خواند اساتید دیگر نیز به تبعیت از ایشان ملّا را بر حکمت صالحان مقدم داشته و به عواقب ملای بی حکمت نیز چندان التفاتی نداشتند و بنده را به همین نام می خواندند هر چند که این قلم حکمت الهی را با هیچ ملای صالحی معامله نکرده و نخواهد کرد.

اینک چهار دهه از آن دوران دانشجویی بسر آمده و گروه باستان شناسی همچنان زیر سقف دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود لنگ و لوک ادامه می دهد. و حفره های پر ناشـــــده درســـــهای هنر هند و خاور دور مرحومه مکرمه سیمین دانشـــــور به قوت خود باقی است. هر جا و هر گاه گوهر اصالت و فرزانگی را که در ســـــنت های معنوی به تقوی و حکمت و فرزانگی تعبیر شده نا دسترس و نایاب تر و نادرتر یافته ایم بازار مکاره صدفها و سکه ها و سنگهای تقلبی را پر رونق تر زیسته ایم معضلی که جامعه اکنون ما با آن دســـــت و پنجه می فشارد. اهل هنر علی الاغلب شیفته شهرتند و اهل سیاست علی القاعده تشنهی قدرت و صاحبان ثروت و مکنت نیز فریفته شهوت. حجاب انانیت و انحانیت نیز در این میانه کاروان سالار و میداندار تحقق آمال و امیال شیطانی.

بیاد دارم در سالهای تحصیل و اقامت در یونان بانوی قلم و اســـــتاد تاریخ هنر و زیبایی شناختی ما که به همراه خواهرزاده یشان مرحومه لیلی زیبا روی و گرم و صمیمی به آتن تشریف آورده بودند در میدان«سینتاکما» یا مجلس یونان که همچنان قلب تپنده شـــــهر آتن است و کانون تجمعات و تظاهرات و اعتراضهای سیاسی و اجتماعی شهروندان آتنی از شفافیت هوا و بارش نور خورشید بهاری و نیلی زلال آسمان و نسیم جان بخش مدیترانه ای که دم به دم اکسیژن در کام ما می ریخت ایشان آنچنان غرقه در سرور شده بودند که گفتند اگر من هم در آتن عصر پریکلیس زندگی می کردم فیلسوف می شدم. به اتفاق که به سمت پارک ملی که در جوار مجلس یونان واقع شـــــده و زمانی کاخ شاه سابق یونان بوده گام بر می گرفتیم و به حرکت ادامه می دادیم، ایشان از بنده پرسیدند دلیل شهرت جهانی «کازانتزاکیس» چه بوده است؟ آن زمان دانش و آگاهی من درباره این نویسنده بنام و توانای معاصر یونان در آن حد نبود که بتوانم پاسخی قانع کننده به ایشان بدهم اما بعدها که با آثار کازانتزاکیس مأنوس تر شده و از شخصیت او شناخت عمیق تری یافتم چیزی که سخت ذهن و فکر و بنده را به محتوای آثار کازانتزاکیس و شخصیت او مرحله به مرحله حساس تر می کرد جستجوگری و حقیت جویی آتشناک و عطشناک او بود.

برای شهرت قلم نمی زد. تشنه حقیقت بود بی آنکه به کف اش آورد. کفرش کفر روز بود و ایمانش ایمان شب و تاروتیره. همه عمر چنین زیست و نوشت. با دیانت و سنت و معنویت آباء و اجدادی شده منجمد کلیشه ای و کلیسایی سر سازش نداشت و در ستیز بود و به ستوه آمده بود. در جستجوی حقیقت بود و دیانت و معنویتی اصیل نه مصلحتی و مستقر و مسلط و سازشکار و قسیّسی و کلیسایی .کازانتزاکیس کرتی بود و با کوله باری سنگین از میراث مصری و شرقی و ملتقای میان سه قاره آفریقا و آسیا و اروپا .اساساً فرهنگ مدیترانه ای چنین فرهنگی است باز و جهانی. زنده و شاداب و بانشاط در کفرش نیز همواره بارقه هایی از ایمان را می توان یافت. کازانتزاکیس فرزند چنین عالمی است حساسیت بانوی فقید قلم میهن ما به این نویسنده توانا چندان بی دلیل نبوده است.

دکتر حکمت الله ملا صالحی

گرد غفلت در پستوهای قدیمی

● نوشته: وحید حاج سعیدی

چند قطعه عکس سیاه ســـفید، دو جلد کتاب دست نویس، تعدادی سند خطی و قدیمی، محتویات صندوقچه رنگ و رو رفته‌ای هستند که در یک زیر زمین نمناک به همنشینی با جعبه‌های خالی نوشابه، مجلات قدیمی، تلویزیون سیاه و سفید، بشکه خالی نفت، بانکه‌های سیر ترشی، دیگ‌ها و پاتیل‌های خاک گرفته و... دل خوش کرده اند. هیچ کس از آینده این اسناد خبر ندارد. آینده مبهمی که شاید سمساری یا نان خشکی و یا برج ساز و بساز بفروش در رقم زدن آن سهیم باشند!

این سرگذشت بسیاری از اسناد و مدارک تاریخی کشور است که این روزها در زیر زمین‌های نمناک یا کتابخانه‌های منازل تعدادی از هموطنان ما در شـــرایط غیر علمی و بسیار نامطلوب نگه داری می‌شوند و در حالی که مالکان آنها به هیچ عنوان از ارزش تاریخی، ملی، معنوی و حتی مادی آنها اطلاع چندانی ندارند، در حال تخریب و نابودی هستند.

ایران مهد فرهنگ و تمدن

کشور باستانی ایران به سبب قدمت و موقعیت تاریخی جزو کشورهایی محسوب می‌شود که از منظر علوم مختلف دارای ارزش مطالعاتی و تاریخی فراوان است. گواه این مدعا نیز وجود ابنیه تاریخی بی شمار، مقبره و آرامگاه شعرا، شخصیت‌ها، دانشمندان و بزرگان در جای جای این کشور می‌باشد که هر کدام از آنها صاحب سبک در علوم مختلف بوده‌اند و اشعار، متون و محتوای علمی تولید شده توسط آنها[با گذشت سالیان متمادی] هنوز قابل اعتنا و استناد نزد دانشمندان و محققان سراسر دنیا می‌باشند. بدون شک در سرزمینی که زیستگاه بزرگان و دانشمندان بوده است، مردم عادی نیز از علم و دانش آنها بی بهره نبوده‌اند و این رویکرد در مراودات، مناسبات، تجارت، خرید و فروش و سایر امورات زندگی آنها نمود داشته است و محتویات بسیاری از این مراودات، مناسبات، تعاملات، اختلافات، اتفاقات، مراسمات، و... در قالب‌ها و فرمت‌های مختلف رایج در آن دوران، ثبت و ضبط شده اند.

اسناد تاریخی به چه اسنادی اطلاق می‌شود؟

بر اساس تعریف دهخدا واژه سند از «مسند» مشتق شده است و معنای لغوی آن «تکیه گاه» است. یعنی هر آنچه که انسان مانند یک بالـــش یا دیوار و... به آن تکیه می‌کند که با مفهوم امروزی آن نیز تا حدود زیادی مشابهت و قرابت دارد. در واقع به اعتبار سند می‌توان حقانیت موضوع یا مطلبی را در جامعه به اثبات رساند. اسناد تاریخی نیز اسنادی هستند که به اعتبار آنها می‌توان سیر تحولات تاریخی، فرهنگ، آداب و سنن و... یک قوم یا یک منطقه را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. عکس‌ها، دستنوشته‌ها، کتب قدیمی، نقاشی‌ها، نسخ خطی، روزنامه‌ها و نشریات قدیمی و... از جمله این اسناد تاریخی محسوب می‌شوند. از منظر تاریخ شناسی اسناد به چند دسته تقسیم می‌شوند:

اســـناد تاریخی: کلیه پرونده‌ها و سوابق پس از طی مرحله جاری و نیمه جاری چنانچه دارای یکی از ارزشهای پیش گفته باشند اسناد تاریخی محســـوب می‌گردند. این اسناد عمدتاً مورد مراجعه پژوهشگران قرار می‌گیرند مانند عهدنامه ترکمنچای، فرمان صدور مشروطیت، نامه‌ها و دستنوشته‌های بزرگان و...

اسناد فرهنگی: اســـنادی که حاوی نکات فرهنگی بوده و یا ایجادکننده این اسناد از چهره‌ها و شخصیت‌های فرهنگی باشد. این اسناد عرصه‌های متنوع هنر از شعر، موسیقی، ادبیات گرفته تا سینما، تئاتر، معماری و غیره را در بر می‌گیرند.

اسناد سیاسی: اسنادی هستند که توسط مراجع ذی صلاح در کشور نگارش شده و حاوی سیاستها و خط و مشی‌های سیاسی یک کشور از نظر داخلی و خارجی می‌باشند. نظیر پروتکلها، معاهدات، قراردادهای بین‌المللی، یادداشتهای سیاسی، اولتیماتوم، اعلام جنگ و غیره که بیانگر نحوه برقراری روابط بین کشورها و استراتژی‌های سیاسی دولت می‌باشند. اسناد سیاسی از نظر ماهوی ممکن است یک طرفه باشد مانند اولتیماتوم و اعلام جنگ و یا چند جانبه باشد مانند قراردادها و معاهدات بین‌المللی و...

اســـناد نظامی: اسنادی هســـتند که حاوی جهت‌گیریها و سیاست‌گذاریهای نظامی کشـــورها در راستای تأمین امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و مبتنی بر اصول قانون اساسی آن کشورها می‌باشند. این اســـناد از آنجایی که در برگیرنده معاهدات نظامی بین‌المللی نیز هستند لذا می‌توانند جزو اسناد سیاسی نیز محسوب شوند مانند اسناد همکاریها و مشارکتهای نظامی و دفاعی کشورها.

اســـناد اقتصادی، عمرانی: اسنادی که دارای ارزش اقتصادی می‌باشند و فعالیتهای کشور را در امر توسعه اقتصادی بیان می‌کنند.

از برآیند مطالب بالا چنین بر می‌آید که اسناد تاریخی بیان کننده سیر تحوالات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... یک کشور می‌باشند جزء آثار ملی محسوب می‌شوند و هرگونه سهل انگاری در نگهداری این اســـناد خیانتی بزرگ به نسل‌های بعدی می‌باشـــد. به علاوه اینکه این اسناد بازگو حقایق دقیقی از فرهنگ و تاریخ ملل گذشته می‌باشند و به استناد آنها می‌توان از بسیاری از ابهامات تاریخی پرده برداشت.

شرایط علمی نگهداری اسناد تاریخی

نگهداری از اسناد قدیمی با نگهداری یک جلد کتاب که از آن صدها یا هزاران جلد دیگر موجود اســـت تفاوت دارد. چرا که در صورت از بین رفتن یک جلد کتاب، اتفاق خاصی نمی‌افتد و هزاران



جلد مشابه با آن در دسترس است. اما در بسیاری موارد از این دست اسناد تاریخی، کتب خطی و دستنویس و یا عکس‌های قدیمی تنها یک نسخه یا یک جلد وجود دارد و در صورت از بین رفتن آنها، قطعاً بخشی از تاریخ نابود می‌شود. هر چند نوع مواد و به اصطلاح متریال به کار رفته در یک سند در نوع نگهداری آن تاثیر دارد و نحوه نگهداری اسناد با یکدیگر متفاوت است و یک کار تخصصی محسوب می‌شود، ولی آنچه که مسلم است این است که بسیاری از هموطنان ما حتی از شرایط عمومی نگهداری اسناد تاریخی هم اطلاعی ندارند. به عنوان مثال در عصر حاضر ماندگاری عکس‌های چاپ شده جدید با کاغذ و جوهر مناسب در محیط تاریک، ۳۰۰ سال، در قاب عکس، ۱۰۸ سال و در برابر نور ۵۷ سال تخمین زده می‌شود.

اینجاست که در می‌یابیم که نگهداری از نگاتیوها، عکس‌ها و اسناد قدیمی چندان آسان نیست و نیاز به یک دانش و تبحر خاص دارد و این اسناد باید در شرایط ویژه نگه داری شوند. در واقع آشنایی با نحوه نگهداری نسخ خطی در دما و رطوبت مناسب، دسته بندی و ارزش شناسی نسخ خطی از لحاظ مادی و معنوی، از مهمترین مباحث مطرح شده در سمینارها و جلسات تخصصی مراکز نگهداری اسناد می‌باشد و کارشناسان روی این مورد حساسیت خاصی دارند.

تهیه کپی یا اسکن کردن اسناد تاریخی

ذکر این نکته ضروری است که گاهی اوقات ارزش اطلاعاتی و تاریخی محتویات یک سند، از ارزش باستانی آن بیشتر است و حتی می‌تواند منجر به حل برخی مناقشات بین‌المللی شود. به عنوان مثال وجود اسناد تاریخی که اثبات کننده نام «خلیج همیشگی فارس» است، علاوه بر ارزش باستانی دارای ارزش ملی و تاریخی نیز هست که مسلماً ارزش چنین اسنادی با اسناد معمولی مربوط به معامله قدیمی یا عکس‌های مراسم ازدواج یک خان تفاوت بسیار دارد! این جاست که ضرورت ثبت برخی اسناد و حتی تصویر برداری یا اسکن آنها نیز اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

ضرورت احداث مرکز جمع آوری یا نگهداری اسناد تاریخی

صرف نظر از اسنادی که در شرایط نا مطلوب در منازل شخصی افراد نگهداری می‌شوند، به دلایل پیش گفته اسناد تاریخی که در منزل افراد آگاه و دلسوز نیز نگه داری می‌شوند، حال و روز مناسبی ندارند. چرا که اولا این یک کار تخصصی اســـت و از سویی هر چه زمان بیشتری سپری می‌شود، شکنندگی و قدمت این آثار، نگه داری آنها را دشوارتر خواهد ساخت.

دردمندانه اینکه بسیاری از اسنادی هم که در ادارات مختلف نگه داری می‌شوند شرایط مناسبی ندارند و در نگه داری علمی از آنها یا حتی فراهم کردن تجهیزات ایمنی در صورت بروز حادثه، تلاش خاصی صورت نمی‌گیرد.

در حقیقت راه‌اندازی یک مرکز جمع آوری اســـناد و اوراق تاریخی در موزه‌ها، کتابخانه‌ها یا فرمانداری هر شهرستان و خرید این اسناد یا تلاش در جهت وقف یا هدیه دادن آنها بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در صورتی هم که افراد تمایلی به اهدا یا فروش اسناد قدیمی نداشته باشند، دست کم می‌توان از آنها خواست عکس‌ها یا مدارک خود را به صورت امانت تحویل داده تا اسکن شوند و از روی آنها کپی تهیه شده تا محتوی تاریخی آنها جمع آوری و ثبت شود و در اختیار پژوهشگران و مورخان قرار گیرد.

اسکنر «حفیظ» در خدمت حفاظت از اسناد تاریخی

در همین راستا طراحان جوان ایرانی، دو سال قبل اسکنری تولید کردند که نسخ خطی و اسناد قدیمی را به خوبی محافظت می‌کند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، «سیامک جدیدی» از طراحان این دســـتگاه گفت: اسکنر «حفیـظ»، شامل دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری است که به کمک بخش سخت افزاری آن، اســـکن کتاب و اسناد صورت می‌گیرد و بخش نرم افزاری آن، امـــکان ورود کتاب‌ها به کتابخانه‌های دیجیتالی و برش و ویرایش متن کتاب‌ها را فراهم می‌کند. وی افزود: در طراحی این اسکنر، از حسگرهای ویژه‌ای برای تنظیم فشار و سرعت اسکن کتاب‌ها و نیز نورهای ANTI UV برای حفظ و سلامت نسخ خطی استفاده شده است.جدیدی گفت: در این اسکنر برای جلوگیری از آسیب دیدن شیرازه کتاب، اسکن در زاویه ۱۲۰ درجه صورت می‌گیرد.

نقش آموزش در حفاظت از اسناد ملی و تاریخی

فقدان آموزش و آگاهی بخشی در زمینه اهمیت اسناد تاریخی از مهمترین دلایل نابودی یا ایراد خسارات به این اسناد می‌باشد. آموزش از طریق ادارات و نهادهای وابســـته نظیر آموزش و پرورش، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و... می‌تواند در حفظ و نگهداری این اسناد موثر باشد.رسانه ملی نیز می‌تواند در آگاهی بخشی در این مورد و تشویق مردم به حفاظت بیشتر از اسناد تاریخی نقش مهمی ایفا کند و با ساخت برنامه‌های آموزشی علاوه بر ترغیب مردم به اهدا اسناد تاریخی به موزه‌هایی همچون موزه امام رضا(ع) یا سایر موزه‌ها، در حفظ تاریخ چند هزار ساله این مملکت گام‌های جدی بردارد.

تاریخ را به آیندگان هدیه کنیم

تاریخ یک سرزمین را می‌توان شناسنامه و سند هویت و ملیت افراد آن سرزمین نامید. بدون ثبت دقیق تاریخ و وقایع تاریخی قطع به یقین پاسخ بسیاری از سوالات در آینده مبهم خواهند ماند و این سرآغاز تحریف‌ها، تهمت‌ها و سرقت‌های تاریخی و ادبی خواهد بود. در حال حاضر بســـیاری از کشورها که قدمت شان از درختان برخی باغات تاریخی ما کمتر است، به تاریخ نداشته و هویت چند ده ساله شان افتخار می‌کنند و از سویی نیز در حال تاراج و به غنیمت بردن تاریخ سایر کشورها هستند.

جا دارد در گذر پرشتاب و سریع جامعه از سنت به مدرنیته، از ثبت و نجات وقایع تاریخی غافل نشویم و با ثبت، جمع آوری و نگهداری اصولی اسناد تاریخی کشور، تاریخ را به آیندگان هدیه کنیم و نسل بعدی را در مقابل تهدیدهای هویتی، تاریخی، ملی و بین‌المللی کشورهای نوظهور بیمه سازیم.

به بهانه هفتادمین سالگرد سرایش ای ایران

مرز پرگهر را عشق سرود



● هومن ظریف

شاید نخستین حملات موشکی به تهران در ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ خورشیدی، توسط عراق به محاق خاطرات خزیده باشد، اما خیابان‌های خلوت روزهای آخر اسفند ۱۳۶۶، از ذهن کسانی که آن روزها را درک کرده‌اند، نمی‌رود.

بسیاری از اهالی تهران به مناطق کوهستانی شمال کوچ کرده بودند و بسیاری نیز ترجیح دادند تا برگشت امنیت به شهر، در شهرهای اطراف، اقامت کنند. اما برخی که دل به خشت این خاک بسته بودند و سرمست پیک و قاصد پیروزی، آذین سور و جشن به رغم فردوران بعثی زدند. سور میهن‌پرستی و سور پایمردی را در زیر آتش باران و موشک باران برپا کردند و آتش عشق را در شهر تهران برپا ساختند و موشک باران و قایم موشک با پرنده‌های آهنین صدام را ناچیز گرفتند.

در آن روزها، به تعبیر استاد آیدین آغداشلو: «بقیه خیلی شجاع بودند و می‌ماندند. یک روز یکی از شاگردهایم که خانمی بود، پوست سر آدمی را که توی پاکت بود به کلاس آورد و گفت که موشک به خانه بغل دستی ما افتاده است و این افتاده بود روی پشت بام ما و من دیدم، نه واقعاً جدی است. خدا لعنت کند کسی را که به این مملکت تجاوز کرد و به لعنت خدا هم گرفتار شد ولی من آن موقع فکر می‌کردم حس بدی را دارم تجربه می‌کنم. حس این که شکر خدا که موشک خورد خانه همسایه، حس عمومی بود. اول آدم احساس آسودگی می‌کرد و این حس را داد و این حس ماند.

خوشحال شدن از بدبختی دیگران! همه اینها کنار هم جمع شد که برای تحصیل پسرم، خانواده رفتند تورنتو و من ماندم اینجا. من ماندم چون باید می‌ماندم. به دلایل مختلف.

ولی مهم‌ترین آن، این بود که من به اشتباه یا با خود بزرگ‌بینی و جهل فکر می‌کردم که ماندن من حراست از ارزشی است که من برایش بزرگ شدم... آدم باید برای خودش بیش از حدّ، جایگاه، قائل باشد که چنین فکری بکند. نه فکر اصلی که بود این بود، در همان روزهای موشک باران، همین فکر بود که تسلا می‌داد، اینکه در تذکرةالاولیا می‌خوانیم وقتی مغولان می‌خواستند به جایی حمله کنند به متفکران آنجا خبر می‌دادند که از آن شهر بروند بیرون و طبیعتاً نجم‌الدین کبرا هم جزو اینها بوده. وقتی به نجم‌الدین کبرا، آن متفکر بزرگ، می‌گویند که بیا برو، در جواب می‌گوید: «من نمی‌روم».

من نجم‌الدین کبرا نیستم ولی او الگویی است برای هر کسی. نجم‌الدین کبرا می‌گوید؛ من نمی‌روم و وقتی می‌پرسند چرا، جواب می‌دهد که من ایام خوشم را با همین مردم گذرانده‌ام، در خوشی‌ها با آنها بودم. نمی‌توانم حالا در سختی‌ها، آنها را تنها بگذارم. می‌ماند و طبیعتاً کشته می‌شود و قصّهٔ خیلی قشنگی هم درباره کشته شدن نجم‌الدین کبرا وجود دارد. مغولی یقه او را می‌گیرد که بکشد او را. و این دستش را می‌گیرد به پرچم مغول. مغولان موهایشان را بالای سرشان مثل پرچم رها می‌کردند و به آن هم پرچم می‌گفتند. و نجم‌الدین کبرا پرچم را می‌گیرد. بعد از کشته شدنش ناچار می‌شوند، این پرچم(موها) را قیچی کنند تا او از قاتل خودش جدا شود. بقیه آن پرچم همچنان دست نجم‌الدین کبرا می‌ماند. این موشک باران یک آزمونی بود. آدم دوران خوشش را با مردمش گذرانده، خوشی داشته، نوازش شده، مراقبت شده، همه اینها، زمنیه بود برای اینکه این قصه‌ها جا بیافتند در ذهن من.[1]

و چنین است که بزرگ مردان و رادزنان ایران، پرچم را رها نکردند. در کوران همین بی‌امنی است که روایت نخستین دیدار علی دهباشی با دکتر حسین گل گلاب شنیدنی می‌شود:

«در همان روزهای موشک باران تهران، من کلیددار چند خانه بودم و هر شب به این خانه‌ها سرکشی می‌کردم. یک شب پائیز، در انتهای کوچه‌ای، زیر نور مهتابی، روی یک صندلی، پیرمردی سپیدپوش در قاب چشمانم ظاهر شد. نشسته بود و کتابی می‌خواند. این منظره، در آن خلوتی تهران، برایم باورکردنی نبود. جلو رفتم، خودم را معرفی کردم. او نیز خود را معرفی کرد. گفتم: «استاد، شما چرا از تهران نمی‌روید. بسیار خطرناک است. گفت: کجا بروم؟ شهر من، خانه من، اینجاست.»[2]

و این خاطره پرمعنا، از سراینده سرود ای ایران و آن عقیده استاد آغداشلو، دلیل‌هایی برای مدلول دلتنگی بزرگ انسان‌هایی است که، جایگاه خود را باور کرده‌اند.

اعتراف می‌کنم که خاطره علی دهباشی از نخستین دیدارش با دکتر حسین گل گلاب را نشد که در مستند مرزپرگهر به تصویر بکشم و دریغ فقدان این تصویر در این مستند، همچنان برایم آزاردهنده است.

دکتر حسین گل گلاب

سالی که پشت سر گذاشتیم، هفتاد سالگی سرایش سرود ای ایران بود. «می‌دانید؟ سال ۱۳۲۳ بود، میهن ما را، ارتش‌های متفقین یعنی، روس و انگلیس و آمریکا، اشغال کرده بودند، همه ما، شاهد رفتار ناشایست سربازان آمریکایی بودیم و به طور کلی هر فرد ایران دوستی از آنچه بر سر ایران آمده، ناراحت و عصبانی بود... (استاد) خالقی وقتی علت ناراحتی من را دانست، گفت: حالا ناراحتی شما چه تأثیری دارد؟ بیا کاری بکنیم. گفتم:

چه کاری؟ گفت: بیا یک سرود بسازیم، سرود برای ایران.»[3]

این روایت مستقیم از استاد گل گلاب است به روایت نواب صفا در کتاب «قصه شمع»، که دکتر هما گل گلاب درباره آن چنین اظهارنظر کرده است: «پدر گفتند یک روز بعد از ظهر مهرماه، به انجمن موسیقی ملی می‌رفته است تا با جناب روح‌الله خالقی دیدار کند.

سر راه، یک افسر خارجی که معلوم نبود متعلق به کدام کشور خارجی بود، به سبزی فروش یا بقالی بی‌احترامی می‌کند. پدر ناراحت می‌شود. می‌آید پیش خالقی و صحبت می‌کنند و این شعر را می‌گویند.

اینکه کسی در گوش کسی زده باشد و تعرضّی به نوامیس بوده باشد، صرفاً تحریف شده اشخاص است.»[4]

اما گلنوش خالقی در کل این داستان را رد می‌کند و روایتی جدید و مستقل از چگونگی شکل‌گیری سرود ارائه می‌کند: «اصلاً مسأله متأثر شدن در کار نبود. یک آقایی بود به نام مفخم پایان. او با پدرم بسیار دوست بود و تعدادی از قطعات پدر را نیز او می‌نوشت و پدرم همیشه صحبت این می‌شد که سرود ای ایران چگونه بوجود آمد، می‌گفت که بحثی داشتند با آقای مفخم پایان راجع به اینکه دستگاه‌های ایرانی هر کدام یک حالتی دارد. مثلاً ماهور خیلی شاد است، خیلی هیجان‌انگیز است، دشتی خیلی غمگین است و از این جور مباحث.

پدرم می‌گفت که نه من اصلاً موافق نیستم با این مسأله، من معتقدم در هر دستگاهی هر قطعه‌ای که بنویسید، می‌تواند شاد باشد می‌تواند غمگین باشد و ربطی به این دستگاه ندارد. بستگی به حالت آن قطعه دارد و اینکه ملودی چگونه ساخته شده باشد. او می‌گوید: که مثلاً شما فکر می‌کنید در دشتی می‌توان قطعه‌ای ساخت که هیجان‌انگیز باشد؟ و تحرک ایجاد کند؟ پدرم می‌گوید: چرا که نه؟! صحبت از این مسأله بوده.

بعد از اینکه صحبتشان تمام می‌شود. پدرم می‌آید و در این فکر بوده و ملودی ای ایران را می‌نویسد. سپس می‌برد به آقای گل گلاب می‌دهد و می‌گوید: که این را من ساختم و احساس می‌کنم یک سرود باشد. یک شعر مناسبی بر روی آن بگذار که مربوط به ایران باشد و نمی‌خواهم صحبتی از حکومت و شاه و دولت و این چیزها در آن باشد. چیزی باشد که صرفاً ایران باشد. و او هم چنین کاری می‌کند و شعر ای ایران را می‌سازد. و بعد اینها می‌آیند مفخم پایان را صدا می‌کنند و می‌گویند که بیا، این هم که تو می‌گفتی دشتی، باید حزین باشد و غمگین باشد، ما یک سرود ساختیم که توی دشتی است و خیلی هم می‌تواند تحرک‌آور باشد و هیجان‌آمیز.

بعدها بعد از انقلاب، این اواخر، چند سال اخیر شنیدم یک کسی رفته و این شایعه را ایجاد کرده است که اینها توی خیابون راه می‌رفتند و یک سرباز خارجی می‌آید و به یک ایرانی توهین می‌کند و غمگین می‌شوند و فلان و عصبانی می‌شوند و می‌روند سرود ای ایران را می‌سازند.

این جریان را هالیوودی کردند. وقتی خودم این قطعه را برای نوار می‌ناب تنظیم کردم، از آقای وطن‌دوست درخواست کردم که در ورژن کُر چهار صدایی بخوانند و سولوی آن را به جناب رشید وطن‌دوست دادم تا بخوانند.»[5]

صرف‌نظر از خاستگاه این سرود و نحوه پیدایش آن، نمی‌توان حوادث جنگ جهانی دوم، ورود به اشغالگران ثلاثه به خاک ایران را در ایجاد این اثر مردود دانست. نقطه ثقل این سرود «مرز» است که به تعبیر استاد علامه دهخدا، مرز به مجاز می‌تواند «خاک» یک قوم و ملت را نیز تداعی کند. همه جانبه بودن و فراجناحی بودن مضامین شعر این سرود نیز نشانگر خاستگاه روحیّات ملی آن است. «اندیشه بدان» در بند «دور از تو اندیشه بدان»، به راستی جز تلمیح زیبا به فروش غلّات و دسیسه‌های متفقین و ایرانیان سودجویی که از بیگانگان، بیگانه‌تر شده بودند، چه می‌تواند باشد؟ ذکر «اندیشه» در کنار «بدان» نشانگر این است که گل گلاب، اتفاقاً متأثرتر از آنی است که در داستان‌ها روایت شده است. کافی است کتاب سرگذشت موسیقی استاد فرزانه روح‌الله خالقی را نیز تورقی کوتاه کنیم تا متوجه شویم، تنگ‌نظری دولت وقت و نوع نگاه مطرب‌پرور حاکمان چگونه استاد خالقی را دل خون می‌کرد. یادمان باشد که هم موسیقی به عنوان کالبد مفهوم میهن‌پرستی در سرود ای ایران و هم محتوای ایده‌آل و ملی‌گرای آن، هنوز هم مورد غفلت است.

گل گلاب می‌تواند دغدغه سرایش این شعر را داشته باشد چون هنوز هم در دانشگاه تهران، بخش گیاه پزشکی، نمونه‌های گیاهی را که با موتور از تپه‌ماهورهای ایران جمع‌آوری کرده است را به یادگار دارد. «سنگ و کوهست، بهتر از زر است» در جان و دل گل گلاب شعار نیست. شعوری آهنین است. «ای دشمن ازتو سنگ خاره‌ای من آهنم» ، دعوت به مبارزه‌ای مدّت‌دار است با متجاوزانی که سنگدلانه، به اعلام بی‌طرفی ایران وقعی ننهاده بودند. همین روند نیز در شکل‌گیری و ساخت سرود آذرآبادگان دیده می‌شود. سرودی که به خاطر عملکرد ناصواب جعفر پیشه‌وری در آذربایجان، ساخته شد و سپس با آزادسازی آذربایجان، به سرودی خاطره‌انگیز تبدیل شد.

کوتاه سخن اینکه سرود ای‌ایران، جدای مباحث تاریخی، نقطه تقاطع میمون و خجسته موسیقی، شعر، ادبیات همدلی ذوق و تعهد اجتماعی هنرمندان و استقلال رأی است که این مورد نادر در ساحت هنر، شوربختانه کمتر جامه عمل هارمونیک و ماندگار بر خود دیده است.

شاید نشانهٔ همدلی دو هنرمند اصلی سازنده سرود ای‌ایران، یعنی زنده‌یادان، دکتر حسین گل‌گلاب و روح‌الله خالقی در فرزندان آنان به یادگار مانده باشد. «فرخ» گل‌گلاب و «فرخ» خالقی.

فرخ خالقی درباره پدر می‌گوید: پدر من اصولاً تا آنجایی که به خاطر می‌آورم ـ چون در سال ۱۳۶۴ فوت کردند و من در آن سال ۱۳ سال بیشتر نداشتم. بسیار روحیه حساسی داشتند در حین اینکه در کنار این روحیه حساس، بسیار در کار خود جدی بودند، بسیار منظم بودند و همین مسائل را در خاطراتی که بعضی اوقات در حین تمرین موسیقی از ایشان می‌شنیدم در ارکستر شماره یک رادیو ایران، که اکثراً در میدان ارگ در آن زمان اجرایی و ضبط می‌شد، به یاد دارم. تمرین‌های ایشان را شاهد بودم و ضبط قطعات و آثاری که ساخته بودند که توسط در ارکستر گلهای رنگارنگ اجرا می‌شد، را می‌دیدم. در نتیجه می‌توانم بگویم پدرم عاشق مملکتش بود و ایران را خیلی دوست داشت و به همین جهت، به دلیل این عشق، تصمیم گرفت این سرود را بسازد روی اشعار یکی از دوستان خیلی صمیمی‌اش، آقای دکتر حسین گل گلاب و نتیجه آن هم با صدای زیبا و ماندگار استاد غلامحسین بنان، تکمیل شد.[6]

منابع:
۱ ـ سخنان آیدین آغداشلو، ۱۹ دی ۹۳ در کتابفروشی آینده.
۲ـ گفتگوی نگارنده با علی دهباشی. نقل به مضمون.
۳ ـ کتاب قصه شمع. به کوشش نواب صفا.
۴ ـ مستند مرز پر گهر.
۵ ـ مستند مرز پر گهر.
۶ ـ از اسناد مستند مرز پر گهر.


از راست: فرخ خالقی هما گل گلاب و فرخ گل گلاب





نگاهی به سینمای ایران در سال ۹۳

پدیده‌ای ناخوش احوال



● سید محمد سلیمانی

سینمای ایران، در سالی که آخرین روزهای آن را پشت سر می‌گذاریم، حال و روز چندان مساعدی نداشت و سینماگران ایران، همچنان با دغدغه‌های مادی و معنوی بسیاری دست و پنجه نرم می‌کردند. سینماگرانی که امیدوار بودند از بازگشایی خانه سینما در سال ۹۲ پس از یک سال و نیم تعطیلی اجباری و پایان تنش‌ها، درگیری‌ها، قهرها، کینه‌ها و حسادت‌ها، هوای تازه‌ای در سینمای ایران وزیدن بگیرد.

در سال ۹۳، نشانه‌هایی از تغییر و تلاش برای به سامان شدن وضع سینما را به چشم دیدیم، ولی حجم این تغییرات به حدی نبود که بتوان آن را نقطه عطفی در تاریخ سینمای دهه اخیر به شمار آورد در صورتی که بازگشایی خانه سینما این انتظار را در همگان به وجود آورده بود که راه پیش رو از این پس روشن‌تر و هموارتر باشد.

تنگناهای مالی سازمان سینمایی، به‌رغم اراده مسئولان و مدیران آن برای تغییر وضع موجود، باعث شد که اغلب طرح‌ها و برنامه‌هایی که بسیار از آن‌ها سخن گفته شده بود، به‌طور کامل اجرایی نشود.

تغییر نگاه به ورود فیلمسازان جوان به عرصه سینمای حرفه‌ای، جدی گرفته شدن سینمای مستقل، ارتقای سطح کیفی سینمای مستند ایران و برنامه‌ریزی‌های اصولی برای گسترش فعالیت سینمای جوان، از جمله اتفاقات خوب سینمای ایران در سال ۹۳ بود ولی در عرصه سینمای حرفه‌ای و به ویژه در زمینه اکران هنوز راهی طولانی در پیش است.

کمبود سالن‌های نمایش

همزمان با افزایش تولید در سینمای ایران، کوشش چندانی برای افزایش سالن‌های نمایش فیلم به ویژه در شهرستان‌ها به چشم نمی‌خورد و کمبود سالن‌های نمایش، همچنان به عنوان معضلی که حل آن به سرمایه‌گذاری‌های اساسی نیاز دارد، بر جای خودش باقی است.

تلاش‌های صورت‌گرفته در سال‌های اخیر از سوی مؤسسه سینما شهر، بدون تأمین اعتبارات مورد نیاز راه به جایی نخواهد برد. ضمن این که بخش خصوصی هم به دلیل مبهم بودن چشم‌انداز موفقیت تجارت سینمای ایران در طول سال به دلیل تولید اندک فیلم‌های پرمخاطب، رغبت چندانی برای ورود به این عرصه ندارد. همچنان که تهیه‌کننده بخش خصوصی هم به دلیل ضعف‌هایی که در سیستم تولید و به ویژه پخش و نمایش فیلم‌ها وجود دارد از سرمایه‌گذاری‌های اساسی در تولید فیلم استقبال نمی‌کند و تکلیف سینمایی هم که صرفاً تکیه بر کمک‌های دولتی شکل گیرد، مشخص است؛ انبوهی از فیلم‌های به‌اصطلاح فاخر که در سال‌های گذشته تولید شده‌اند و بودجه‌ها و اعتبارهایی را که باید صرف ایجاد زیرساخت‌ها در عرصه پخش و نمایش فیلم می‌شدند، بلعیده‌اند و هیچگاه در نمایش عمومی و حتی بین منتقدان و صاحبنظران جایگاه ویژه‌ای پیدا نکرده‌اند، محصول تفکر غلطی بود که سینما را پدیده‌ای می‌دانست که در همه زمینه‌ها حتی سرمایه‌گذاری و تولید باید زیر چتر حمایت‌های دولتی قرار می‌گرفت که خروجی کار، کاملاً هدایت‌شده و مطلوب باشد در حالی که رواج چنین سینمایی راه را بر هرگونه خلاقیتی می‌بست و سینماگران تنبل و پرمدعایی را بار می‌آورد که به‌رغم شکست تجاری اغلب آثارشان، همچنان با اتکا به همان حمایت‌های ریز و درشت دولتی، فیلم پشت فیلم می‌ساختند، بدون دغدغه بازگشت سرمایه بدون تلاش برای جذب اصولی مخاطب.

در فرهنگ چنین سینما و سینماگرانی انگار مخاطب پدیده‌ای غریبه و غیرخودی بود که قرار نبود برای جلب‌نظر او تلاش خاصی صورت گیرد. گروهی موظف بودند فیلم‌هایی را با عنوان فاخر و با صرف بودجه‌های میلیاردی تولید کنند. حالا اگر فیلم توان بازگرداندن هزینه‌های اولیه تولید را هم نداشت-سودآوری پیشکش-مسأله مهمی نبود و به حساب پایین بودن سطح سلیقه مخاطب گذاشته می‌شد. این در حالی بود که اغلب فیلم‌های تولیدشده در این عرصه با ضعف‌های اساسی به‌ویژه در عرصه فیلمنامه مواجه بودند و به همین دلیل هم در جلب نگاه مخاطبان به توفیق چندانی نمی‌رسیدند.

گروه هنر و تجربه

اما امسال در سینمای ایران با همه مشکلات و معضلاتی که با آن‌ها دست به گریبان است اتفاق مهمی رخ داد که بی‌تفاوت گذشتن از کنار آن دور از انصاف است.

تشکیل گروه هنر و تجربه برای نمایش فیلم‌های خاص و متفاوت سینمای ایران که بالتبع همیشه مخاطبان ویژه خود را داشته است، باعث شد بسیاری از فیلمسازان مستقلی که خارج از قواعد آشنای سینمای حرفه‌ای فیلم می‌ساختند به نمایش آثارشان روی پرده سینما و برای مخاطبان واقعی‌شان امیدوار شوند. اگرچه این فیلم‌ها به صورتی بسیار محدود و اغلب تک‌سانس در سینماهای مختلف روی پرده می‌روند ولی از آنجا که مخاطبان این قبیل فیلم‌ها هم می‌دانند که باید برای تماشای آن‌ها تلاش کنند و وقت بگذارند، نمایش فیلم در این گروه، تاکنون رضایتبخش و امیدوارکننده بوده است.

این گروه در حال حاضر نیازمند تبلیغ و اطلاع‌رسانی بیشتر است تا مخاطبان واقعی این قبیل آثار از نمایش فیلم در این گروه مطلع و برای تماشای آن برنامه‌ریزی کنند. ضمن این که قرار هم نیست این گروه جایی برای نمایش هر نوع فیلم کم‌مخاطبی به عنوان فیلم مستقل و تجربی باشد. فیلم‌های ضعیفی که به دلیل مشکلات ساختاری و ضعف مفرط، امکان نمایش در سینماها را پیدا نکرده‌اند، آثار مناسبی برای نمایش در گروه هنر و تجربه نیستند.فیلم‌های این گروه، آثار مستقلی هستند که هرکدام می‌خواهند اصول ویژه خودشان را با پشتوانه خرد واقعی بنا کنند. نمونه‌های موفق این سینما توانسته‌اند تماشاگرانی فراتر از حد انتظار داشته باشند. به یاد بیاوریم نمایش موفق «ماهی و گربه» را در گروه هنر و تجربه که تا مدت‌ها موضوع مورد علاقه سینمایی‌نویسان‌وطنی‌بود.

سینمای ایران به طرحهایی مشابه این طرح که قابلیت اجرا با بودجه‌های محدود را داشته باشند نیازمند است. در اینجا، نیاز اصلی ایده‌هایی است که باید به کمک نیروهای جوان و مستعد پرورش‌یافته و راه را برای ارتقای سطح کیفی سینمای ایران هموار سازد، سینمایی ناخوش‌احوال که می‌دانیم درمانش زمان می‌برد.

نمایی از فیلم «ماهی و گربه» در گروه هنر و تجربه با استقبال چشمگیر علاقه مندان سینما رو برو شد





درباره اوضاع تئاتر ایران در سال ۹۳

صد زمستان بی بار، به از بهار بی حال



● زهره زاهدی کرمانی

اگر صد زمســـــتان بی برف و بار هم از سر این مملکت بگذرد و صد هزار ریزگرد و بیماری و بلا بر سرمان آوار شود، اگر تمام جهان در جنگ و آشوب فرو برود و امید از سراسر کره زمین رخت بربندد، لحظه تحویل سال نو برای ما ایرانیان حال و هوای دیگرِی دارد:

یا مُحوّلَ الحَول و الأحوال
حوّل حَالَنا إلی أحسنِ الحال

سالَ هاست که وقتی َنفس‌های زمستان به شماره‌های آخر می‌افتد، در آستانه تحویل سال نو، به امید استجابت دعاهایمان، سالی نو و پر نعمت برای تئاتر کشور آرزو می‌کنیم. امسال که زمستان هم نعمت برف و بارانش را از ما دریغ کرد چه کنیم با امید بهار.

در تئاتر ایران یک ســـال می‌کاریم و آب و دانه می‌دهیم و رسیدگی می‌کنیم تا نتیجه را هرچه باشکوه‌تر در زمستان و در جشنواره‌های بین‌المللی تئاتر فجر درو کنیم. امسال که برای دومین سال پیاپی با استعفای مدیر مرکز هنرهای نمایشی در آستانه برگزاری جشنواره و قبول سریع این استعفا از سوی وزیر محترم ارشاد روبرو شدیم و انتخاب شتابزده دبیر جشنواره را به عنوان سرپرست موقت مرکز هنرهای نمایشی شاهد بودیم، فهمیدنش ســـخت نبود که آنچه انتظارش را می‌کشیم بهار بی حالی خواهد بود.

تا اینکه چندی پیش مهدی شفیعی به عنوان مدیر جدید مرکز هنرهای نمایشی معرفی شد و هنرمندان در کمال تعجب شاهد بودند که پس از سال‌ها مدیری بر این مسند می‌نشیند که حداقل درس این کار را خوانده است و لزومی ندارد بدیهیات این هنر را برای هم توضیح دهند.

مهدی شفیعی را از ســـال‌هایی که در دانشکده هنر و معماری، فوق لیسانس کارگردانی تئاتر می‌خواند می‌شناسم و با خلاقیت و میل‌اش به نوآوری آشنایی دارم. همین امر موجب می‌شود تا گمان کنم این بهار هم چندان بی حال نخواهد بود و می‌توان انتظار شـــکوفایی از آن داشت. اما از سویی دیگر با آشـــفتگی که این فضا دچار آن شده و مسئول مستقیم آن هم مدیرانی هستند که بدون هیچ علمی نسبت به این هنر بر مسند قدرت نشستند و شعار دادند و راه را بی راهه کشاندند و در نهایت همه چیز را نیمه کاره رها کردند و استعفایی نوشتند و رفتند... آیا رئیس جدید مرکز هنرهای نمایشی از پس این دریای خروشان برخواهد آمد؟

برای بازسازی این جاده مخروبه باید دست از بلندپروازی‌ها برداشت. واقع‌بینانه نگاه کرد و در فضایی به دور از شتاب‌زدگی و بی مسئولیتی تصمیم گرفت. تخریبی که نسبت به تئاتر کشور در سال‌های اخیر صورت گرفته است به این دلیل بود که از آغاز کار را به دست کسانی سپردند که نمی‌دانستند در کجا هستند، با چه کسانی برخورد دارند، برای چه کسانی قرار است کار انجام دهنـــد و صندلی که برای مدیریت روی آن قرار گرفته‌اند چه پیشینه‌ای داشته‌است.

تئاتر هنری است که همزمان با علومی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی پیشـــرفت کرده و یاری‌رسان دولتمردان در ایجاد نظم و آرامش در جامعه اســـت. هنر تئاتر آیینه‌ای است که در مقابل چشمان تماشاگر قرار می‌گیرد تا او که خود و کردارش را تاکنون ندیده به نظاره خویش بنشیند و بر خود قضاوت کند.

چنین آیینه‌ای امروز به دست نااهلان چنان مکدر شده که نسیم‌های خنک بهاری هم از پس غبار روبی آن برنمی‌آیند.

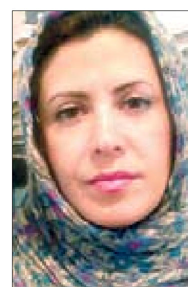
پس از جشنواره سی و سوم تئاتر فجر، به وضوح دیدیم که آسمان امروز تئاتر ایران از این تیره‌تر نمی‌شود و دیگر خبری از ستارگان پُر فروغش نیســـت. عده‌ای از دست درآمدهای ناچیز و دستمزدهایی که بسیار دیر پرداخت می‌شدند به دامان سینما فرار کردند و آن‌هایی هم که خواستند بمانند و با چنگ و دندان هنرشان را حفظ کنند مجبور شدند سالن‌های خود را در اختیار هنرمندان سینما قرار دهند که برای وقت گذرانی سری به هنر تئاتر زده بودند. بگذریم از آن‌هایی که بار ســـفر بستند و دارایی‌هایی بودند که رفتند و دیگر دستمان به گردشان هم نمی‌رسد.بر پیکر این هنر نوری لازم است که از جان برآید و بر جان نشیند.





نگاهی به هنرهای تجسمی در سالی که گذشت

این قصه سر دراز دارد...



● مریم نظری

روزهای نه چندان رنگین هنرهای تجسمی در سال ۱۳۹۳ با تمامی افت و خیزهایش چون برق و باد به پایان رسید اما نقبی که هنرمندان تجسمی و علاقه مندان این هنر با روی کار آمدن دولت یازدهم به سوی امید زده بودند به پایان و سرانجام خودنرسید!

مهمترین دغدغهٔ هنرمندان تجسمی کشور در طول سالها همواره رونق اقتصاد هنر و به بیان ساده تر جریان سیال خرید و فروش آثار تجسمی بوده است ؛ دغدغه ای که با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید ، به نظر می رسید نسیم گشایشی بر در همیشه بستهٔ آن وزیده شود و نقش حمایتی دولت یازدهم در این زمینه خودی نشان دهد. اما به نظر می رسد کوفتن بر این در آهنین نیازمند عزمی راسخ تر ازسوی معاونت هنری وزارت ارشـــاد در توجیه بخش قانونگذاری کشور برای ملزم کردن دستگاه های اجرایی ، وزارتخانه ها و نهادها به خرید آثار هنری باشد. بدون تردید رونق اقتصاد هنر خود باعث رونق هنر در میان هنرمندان تجسمی ، بهبود کیفیت آثار ، ارتقاء سطح فرهنگ جامعه و ایجاد تمایل عموم جامعه در توجه بیشتر به هنرهای تجسمی خواهد شد.

اما متاسفانه قانونی که ۱۲ سال پیش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و دستگاه های دولتی را ملزم به اختصاص بخشی ناچیز از بودجه عمرانی شان برای خرید آثار تجسمی می کرد، پس از گذشت این سالها همواره مورد مناقشهٔ دولت و مجلس قرار داشت و با وجود تغییرات پی در پی در کاهش بیش از پیش میزان اعتبارات عمرانی دستگاه های دولتی برای خرید آثار از نیم درصد اولیه به یک دهم درصد در سالهای اخیر و همچنین تغییر واژهٔ «الزام» به «مجاز» در این آئین نامه برای ترغیب نهادها و ســـازمانهای دولتی به خرید آثار ، همهٔ این تلاش ها در جلب نظر مساعد دستگاه های دولتی به خرید آثار بی ثمر بود و در واقع این آئین نامه درمسیر نزولی خود قرار گرفت ، به طوری که تا به اکنون نیز به نتیجهٔ مورد نظردر بخش اجرائی آن نرسیده است.

البته با وجود موفق نبودن اجرای این قانون در دو ســـال آغازین فعالیت دولت یازدهم، معاونت هنری وزارت ارشـــاد همواره سعی در پیاده کردن سیاست های فضای باز خود داشته است؛ مواردی چون «کاهش تصدی‌گری دولتی»، «واگذاری امور به هنرمندان»، «تاکید بر اقتصاد هنر»، «تاکید بر اهمیت بخش خصوصی»، «تقویت دیپلماسی فرهنگی» و «تعامل با هنرمندان سایرکشورها». در همین راستا ، معاونت هنری وزارت ارشاد برگزاری رویدادهای هنری همچون دوسالانه ها و جشنواره ها و نظـــارت بر آنها را با حمایت های مادی و معنوی خود در بعضـــی بخش ها و البته با ورود ، همکاری و حمایت های مادی بخش خصوصی به انجمن های مختلف هنرهای تجسمی محوّل کرده است. در زمینهٔ اقتصاد هنر نیز با وجودی که معاونت هنری در اجرای آن در بخش دولتی موفق نبوده ، اما در برگزاری نشست های تخصصی مربوط به اقتصاد هنر همکاری کرده و علاوه بر آن ، با ایجاد فضای باز برای برخی حراجی های هنری مانند « حراج تهـــران » ، بخش خصوصی را در رونق اقتصاد هنر یاری رسانده است. همچنین در جهت تقویت دیپلماسی فرهنگی مبادرت به برگزاری نمایشگاه های هنرمندان مطرح خارجی در ایران کرده اســـت کـــه از جمله آنها می توان به نمایشگاه آثار «اُتوپینه» هنرمند آلمانی اشاره کرد که هم اکنون نیز در موزه هنرهای معاصر تهران در حال برگزاری است و از سویی دیگر، تورهای نمایشگاهی از هنر ایران را هم در خارج از کشور بر پا کرده است .

اما با تمامی این اوصاف، پرسشی ذهن را درگیر می کند که چرا با وجود همهٔ این تلاش ها ، امسال وضعیت هنرهای تجسمی ایران به جای ارتقاء رو به افول گذاشته است؟ شاید تنها پاسخ این مسأله را بتوان در افزایش نیافتن بودجه معاونت هنری وزارت ارشـــاد در سال ۹۳ یافت. در سالی که گذشت بودجه تعیین شـــده برای معاونت هنری همان میزان بودجه سال پیشترش یعنی حدود ۴ میلیارد تومان بود و این مبلغ در حالی برای معاونت هنری تعیین شد که اولاً چنانکه ذکر شده قـــرار بود بدهی های معوقهٔ از قبل مانده را صاف کند و هم اینکه میان سه شاخهٔ هنری تئاتر ، موسیقی و هنرهای تجسمی تقسیم شود تا مشکلات هر یک از این هنرها با وجود بحران اقتصادی و افزایش قیمت هایی که در سال گذشته دست به گریبانشان بودیم با این مبلغ رفع شود. ناگفته پیداست که با این وضعیت،مظلومترین هنرها در این میان هنرهای تجسمی در تقسیم مبالغ بودجه خواهد بود. چون تمامی شاخه های هنرهای تجسمی ، هنری فردی هستند اما دو هنر دیگر گروهی خلق می شوند و برای گرداندن چرخ هنر موسیقی و تئاتر و برگزاری رویدادهایشان نیاز به صرف مبالغ بیشتری خواهد بود.

این چنین اســـت که در ســـال ۹۳ فقط سه دوسالانه خوشنویسی ، نگارگری و عکس برگزار می شود که به یقین برگزاری بعضی از آنها با حمایت بخش خصوصی هم حتی میسر نمی شد و جوایز برگزیدگان این دوسالانه ها نیز با توجه به تورم اقتصادی سال در حداقل خود تعیین می شود و حتی در دوسالانه عکس به جای اهدای جوایز مبادرت به خرید آثار برگزیدگان می کنند و باز با حداقل قیمت ها. جشنواره تجسمی فجرسال گذشته نیز احتمالاً به همین دلیل ، چرخشی متفاوت از دوره های قبل به خود می گیرد و برای اینکه جوایزی به سه برگزیدهٔ نخست هر یک از ۹ رشته این رویداد داده نشود، از انجمن های هنرهای تجسمی دعوت می شود که آثار اعضای خود را در آن به نمایش بگذارند و این جشـــنواره نیز به بهانهٔ حرفه ای بودن هنرمندان آن از معرفی بهترین ها و اهداء جوایز اینچنین مبرا می شود.

البته شکی نیست که در این شرایط کمبود بودجه و برای جبران مافات، معاونت هنری و مرکز هنرهای تجسمی ، حمایت معنوی خود را از بخش خصوصی دریغ نکردند و حضور علی مراد خانی و مجید ملانوروزی در بسیاری از نمایشگاه های گالرهای خصوصی، حراجی های هنری و اکسپوهای بخش خصوصی این امر را به اثبات می رساند. اما به نظر می رسد بخش خصوصی هنرهای تجسمی با وجود استقلال مادی که به زحمت آنرا بدست می آورند و سعی در حفظ آن دارند، نیازمند حمایتی بیشتر از حضور معاون هنری و رئیس مرکز هنرهای تجسمی در رویدادهای هنری شان باشند.

حذف قانون اخذ مالیات از گالری داران ، تســـهیل در هزینه‌های گمرکی جابجایی آثار هنری به خارج از کشور و برطرف سازی موانع اخذ مجوز برای برگزاری اکسپوها وخرید و فروش آثار هنری از تمامی گالریهای بخش خصوصی بدون استثنا ، ازجمله مواردی است که دولت می تواند نقش حمایتی پررنگ و تأثیر گذاری را در بخش خصوصی و به تبع آن ، رونق اقتصادهنرایفاکند.

گشتی در موزه عروسک‌های ملل

عروسک‌های بومی ما از بین رفته‌اند



موزه عروسک‌های ملل با وجود آنکه چند ماهی بیشتر از افتتاح آن نمی‌گذرد، اما توانسته علاقه‌مندان و محققین بسیاری را به سوی خود جلب کند. چراکه این موزه فقط به نگهداری از عروسک‌ها اختصاص ندارد، بلکه به حفظ داستان‌های آن‌ها می‌پردازد. داستان‌هایی که بخشی از فرهنگ و میراث مردم ایران و جهان به شمار می‌آیند. شاید زیباترین این قصه‌ها مربوط به عروسک‌های بسیار کوچکی باشد که به عروسک غم و غصه شهرت داشتند. مادران این عروسک‌ها را به کودکانشان می‌دادند تا غم‌هایشان را برای عروسک بگویند و بعد آن را زیر بالشت پنهان کنند. مادران، پنهانی و شبانه عروسک‌ها را از زیر بالشت برمی‌داشتند و وقتی صبح فردا کودک از مادر می‌پرسید عروسکم کجاست؟ مادر پاسخ می‌داد که غم و غصه‌هایت را برداشت و فرار کرد...به بهانه تاسیس این موزه با علی گلشن، یکی از مدیران موزه عروسک‌های ملل، به گفتگویی نشستیم که می‌خوانید:

● **زهره زاهدی کرمانی**

ایده اولیه تاسیس چنین موزه‌ای با این موضوع خاص از کجا شکل گرفت؟

جمع‌آوری این مجموعه حدود بیست و پنج سال طول کشید که حاصل کار مسعود ناصری از دیگر مدیران این موزه است. ایشـــان به واسطه اینکه همیشه تجربه کار با کودکان را داشتند و در شورای کتاب کودک جزو هیأت مدیره هستند و رشته تحصیلی ایشان هم روان‌شناسی کودکان است، همیشه به عروسک‌ها به عنوان ابزار بسیار مناسبی برای آموزش به کودکان نگاه‌می‌کردند.

علاوه‌بر این، ایشان از آنجایی که در دانشگاه رشته ادبیات کودک را تدریس می‌کنند، همیشه به ادبیاتی که در پشت این عروسک‌ها وجود داشت، توجه داشتند و بنابراین عروسک برای ایشان بسیار معنادار است.

تعدادی از عروسک‌ها را از طریق سفر به کشورهای مختلف تهیه کردیم، از جمله کشور گرجستان، ارمنستان و هندوستان. مجموعه ما از این کشورها بسیار کامل و متنوع است، چراکه تلاش کردیم عروسک‌های مربوط به فرهنگ‌های مختلف‌شان را خریداری کنیم و به ایران بیاوریم. بقیه عروسک‌های مجموعه ملل را آقای ناصری یا از تهران خریداری کردند یا از دوستانی که به کشورهای دیگر سفر داشتند، خواهش کردند تا عروسک ملی آن کشور را برای ایشان بیاورند.

در مجموعه ایران هم عروسک‌هایی مردم‌ساخت و محلی داریم که حاصل سفرهای ما به مناطق مختلف ایران است. در هر منطقه‌ای که می‌رویم با عروسک‌سازان بومی آن مناطق دیدار می‌کنیم و از آن‌ها درباره اطلاعات و داستان‌ها و قصه‌هایی که پشت این عروسک‌ها هست، می‌پرسیم. ما از آن‌ها می‌خواهیم این عروسک‌ها را برایمان بســـازند و همان جا با استفاده از فیلم‌برداری و عکاسی شیوه ساخت را هم یاد می‌گیریم. سپس اصل عروســـک را به عنوان یک شیء موزه‌ای در ویترین قرار می‌دهیم و در عین حال کارگاه‌های ساخت عروسک را نیز در موزه برگزار می‌کنیم تا علاقه‌مندان یاد بگیرند که چگونه می‌توان آن عروسک‌ها را ساخت.

آیا همه این عروسک‌ها خریداری شده هستند؟

ما از ۵۲ کشور جهان عروســـک داریم و بعد از افتتاح موزه تعدادی عروسک هم به ما اهدا شده است. در عین حال بخشی از عروسک‌ها به شـــکل امانی و برای مدتی خاص (از شش ماه تا یکسال) در اینجا نگهداری می‌شوند. بعضی از عروسک‌ها را مردم در خانه‌هایشان نگهداری می‌کنند و وقتی می‌بینند موزه‌ای برای نگهداری از این عروسک‌ها احداث شده که همه آن‌ها را با حفظ داستان‌هایشان در اینجا نگهداری می‌کند، عروسک‌های خود را از انبارها، کمدها و خانه‌هایشان به اینجا می‌آورند و به موزه اهدا می کنند تا در کنار بقیه این مجموعه‌باشند.

در مجموعه ایران هم عروسک‌هایی مردم‌ساخت و محلی داریم که حاصل سفرهای ما به مناطق مختلف ایران است. در هر منطقه‌ای که می‌رویم با عروسک‌سازان بومی آن مناطق دیدار می‌کنیم و از آن‌ها درباره اطلاعات و داستان‌ها و قصه‌هایی که پشت این عروسک‌ها هست، می‌پرسیم

با توجه به موضوعی که برای این موزه انتخاب کرده‌اید، به طور معمول پذیرای چه گروه سنی از علاقه‌مندان هستید؟

ما بازدید کنندهای بســـیاری از مدارس داریم و بچه‌های بســـیاری این عروسک‌ها را می‌بینند و طبق آماری که من از بازدیدهای مدارس داشتم، از اول مهر تا نیمه بهمن، حدود ۳ هزار و ۲۰۰ نفر بازدید کننده داشتیم که فکر می‌کنیم با وجود اینکه تنها چند ماه از افتتاح این موزه می‌گذرد، این آمار برایمان راضی کننده است.

ما تبلیغات چندانی برای این موزه نداشتیم و مدارس درواقع خودشـــان برای ما تبلیغ می‌کنند. یعنی هر مدرسه‌ای که برای بازدید به این موزه می‌آید، به دیگر مدارس اطلاع می‌دهد و به این ترتیب آن‌ها به بازدید از این موزه می‌آیند. بیشتر روزهای ما خصوصا صبح‌ها از ساعت ۱۰ تا ۲ بعداز ظهر که به بازدید مدارس اختصاص دارد، پر است.

واکنش این کودکان به عروسک‌هایی که در این موزه می‌بینند چگونه اســـت؟ آیا آن‌ها می‌توانند به راحتی با این عروسک‌ها که هر کدام نمایندگان فرهنگ کشور خود هستند ارتباط برقرار کنند؟

بچه‌ها زمانی که وارد موزه می‌شوند، تصور ذهنی اولیه‌شان این است که در این موزه اسباب‌بازی و عروسک‌هایی همچون باربی و غیره نگهداری می‌شوند. اما وقتی که وارد بخش سمعی و بصری می‌شوند، در جاهای مخصوص مستقر می‌شـــوند و ما برای آن‌ها حداقل سه انیمیشن از ملل گوناگون را از طریق پرده پروجکشن پخش می‌کنیم و توجه بچه‌ها را نسبت به آیتم‌های فرهنگی و تفاوت فرهنگی بخش‌های مختلف جهان جلب می‌کنیم.

وقتی بچه‌ها به این موزه می‌آیند ما بیشتر درباره تنوع فرهنگی ملل با آن‌ها صحبت می‌کنیم تا ذهن آنان را نسبت به این مجموعه آماده کنیم. اینکه افراد مختلف جهان کجا و چگونه و در چه خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟ رنگ پوست آن‌ها چگونه اســـت و چه آداب و رسومی دارند؟ ما از بچه‌ها می‌پرسیم که





به چه کشورهایی سفر کرده‌اند و چه عروسک‌هایی دارند. در بخشی دیگر هم درباره ایران و تنوع اقوام ایران صحبت می‌کنیم و اینکه هر قومی برای خود عروسک مخصوص به خود را دارد که لباس محلی و قصه‌های خاص خودشان را با آن عروسک‌ها نشان می‌دهند. بسیاری از بچه‌ها و به ویژه پسر بچه‌ها وقتی به این موزه می‌آیند اولین چیزی که از ما می‌پرسند این است که آیا عروسک‌های ایرانی هم در اینجا نگهداری می‌شود؟ برایم خیلی جالب است چراکه این بچه‌ها با توجه به رشد سریع تکنولوژی و ارتباط با جهان غرب، اما انگار به دنبال هویت خودشان می‌گردند. آنها می‌خواهند بدانند که اگر هر کشوری عروسک ملی خود را دارد، پس آیا ایران هم چنین عروسک‌هایی برای خود دارد؟ و من به آنها این خبر خوب را می‌دهم که ما برای مجموعه عروسک‌های ایرانی یک اتاق داریم. البته با توجه به نیازی که برای بچه‌ها احساس کردیم و براساس خواسته مدارس، تصمیم گرفتیم تاکید خود را در موزه روی عروسک‌های ایرانی بگذاریم. به همین دلیل طبقه دوم موزه را تبدیل به عروسک‌های ایران خواهیم کرد و به این شکل موزه ما تبدیل به دو بخش می‌شود. بخش ملل در طبقه اول موزه و بخش ایران در طبقه دوم. به بهانه این عروسک‌ها بچه‌هایی که وارد آن طبقه می‌شوند با فرهنگ و قومیت‌های مختلف ایرانی آشنا می‌شوند.

پس آن بخش از عروسک‌های ملل که در طبقه دوم قرار دارند را کاملا از مجموعه موزه حذف خواهید کرد؟

خیر. عروسک‌های مللی که در طبقه دوم قرار دارند به طبقه اول منتقل می‌شوند و در وسط سالن ویترین‌هایی نصب می‌کنیم تا بتوانیم آنان را هم در مجموعه موزه داشته باشیم. ما در طبقه بالا هشت ویترین داریم که مربوط به گرجستان است. در حالی که ما می‌توانیم با کم کردن تعداد آنها آن بخش را هم حفظ کنیم.

به بخش آموزش ساخت عروسک‌ها اشاره کردید. لطفا درباره این بخش بیشتر توضیح دهید.

ما دو بخش اصلی در این موزه داریم که بخش آموزش و پژوهش را شامل می‌شود. تیم ما در حال حاضر روی شناسایی عروسک‌های مختلف مناطق بومی ایران کار می‌کند. شاید بدانید، عروسک‌های بومی ما در روستاهایمان از بین رفته‌اند. زمانی که ما به این روستاهای بومی سفر می‌کنیم و از آنها درباره عروسک‌هایشان می‌پرسیم، می‌گویند ما دیگر آن عروسک‌ها را یادمان رفته و برای مدت‌ها پیش و متعلق به مادربزرگ‌هایمان بوده است. همچون لالایی‌ها و قصه‌های محلی‌مان که در حال فراموشی است، عروسک‌ها هم به مرور زمان فراموش می‌شوند. ما به دنبال این هستیم که جلوی این فراموشی را بگیریم.

وقتی برای اولین‌بار به این مناطق می‌رویم و به زنان مسن آنجا می‌گوییم که برای یادگیری ساخت عروسک‌هایشان به آنجا آمده‌ایم، به ما می‌خندند و فکر می‌کنند مسخره‌شان کرده‌ایم. بعدا که خودمان به عنوان نمونه یکی برای آنها درست می‌کنیم، می‌فهمند که ما واقعا به دنبال این کار هستیم و برایمان مهم است. با این کار خود آنها هم سر ذوق می‌آیند و شروع به ساخت نمونه‌هایی می‌کنند. ما اصل نمونه‌ها را به ثبت می‌رسانیم و اطلاعات آن را در کتابی که در بخش پژوهش مشغول کار روی آن هستیم و به معرفی عروسک‌های بومی ایرانی و مواد سازنده آن اختصاص دارد، وارد می‌کنیم.

فعالیت بخش آموزش در این موزه به چه صورتی است؟

ما از ماه اولی که این موزه را افتتاح کردیم، برگزاری کارگاه‌های ساخت عروسک‌های این موزه را شروع کردیم. اولین برنامه ما هم به مناسبت روز جهانی کودک بود و کارگاهی داشتیم برای معرفی لالایی‌های کودکان ایران و جهان و در کنار این کارگاه نمایشگاهی از لباس‌های کودکان دوره قاجار را برگزار کردیم.

ما در هر ماه دو برنامه آموزشی داریم. یک برنامه برای معرفی فرهنگ یکی از مناطق ایران و ساخت عروسک آن منطقه است. برنامه دوم هم مربوط به معرفی یکی از مناطق جهان و ساخت عروسکی مربوط به آن کشور می‌شود. به عنوان مثال برنامه اول ما به معرفی فرهنگ قوم بلوچ اختصاص داشت و ساخت عروسکی بلوچی که جزو قدیمی‌ترین عروسک‌های این قوم به شمار می‌آید. ساختار اصلی این عروسک با برگ درختان نخل بود که برای این کارگاه تعدادی از برگ‌ها را از همان منطقه آوردیم. علاقه‌مندان، دانشجویان هنر، تصویرگران و تعدادی از مادران آمدند و ساخت این عروسک را یاد گرفتند و خود آنها هم مروج ساخت این عروسک در مراکز دیگر خواهند بود.

برنامه دوم ما هم در بخش ملل، جشن مردگان مکزیک بود که جشن بسیار شادی است که توسط مردم مکزیک برگزار می‌شود تا بتوانند ترس کودکان از مرگ را از بین ببرند. این کارگاه با همکاری بخش فرهنگی سفارت مکزیک برگزار شد. آنها میزی از عروسک‌های مکزیک را در اینجا گذاشتند که مربوط به جشن مردگان بود.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این موزه اتاق نمایش سایه است. بچه‌ها می‌توانند خودشان با کمک عروسک‌ها و نور و سایه، نمایش‌های خود را براساس قصه‌هایی که از پیش برای آنها روایت شده است برای دوستانشان اجرا کنند. تعدادی از عروسک‌های نمایشی را هم در این اتاق قرار دادیم که آنها می‌توانند از نزدیک با این عروسک‌ها ارتباط برقرار کنند.

علاوه براین ما در بخش پژوهش عروسک‌های خاصی را برای نابینایان طراحی کرده‌ایم. عروسک‌هایی که برای نابینایان همراه با تجربه حس لمسی و بویایی خواهند بود. این عروسک‌ها به نوعی ساخته می‌شوند که صورت عروسک برجسته است و بوهای مختلفی همچون بوی میخک و گل محمدی و زیره و غیره دارد. در کنار هر یک از این عروسک‌ها یک لالایی با خط بریل دوخته می‌شود و به این شیوه ادبیاتی را هم به این عروسک‌ها اضافه کرده‌ایم. این عروسک‌ها را به زودی به ثبت خواهیم رساند و اولین گروه را از کودکان نابینا در موزه خواهیم داشت که به تجربه ساخت عروسک بپردازند.



آیا غیر از این برنامه‌ها، برنامه ویژه دیگری هم دارید که گروه‌های خاص‌تری از بازدیدکنندگانتان را در بر بگیرد؟

ما یک روز از ماه را به بازدید کسانی اختصاص دادیم که با نیازهای ویژه هستند. اولین گروه ما انجمن سپاس بودند و حدود چهل نفر از خانم‌هایی که مشکل سرطان داشتند به اینجا آمدند. بازدید آنها حدود سه تا چهار ساعت طول کشید و بسیار از این بازدید رضایت داشتند.

با توجه به نزدیک شدن ایام نوروز برنامه شما برای این ایام چیست؟

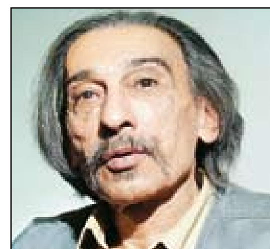
ما از اول تا سوم فروردین تعطیل خواهیم بود و بعد از آن یک بازارچه نوروزی خواهیم داشت و علاوه بر این علاقه‌مند هستیم بخشی را به کشورهایی همچون افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و احتمالا آذربایجان و ترکمنستان اختصاص دهیم که همراه با ایران ایام نوروز را جشن می‌گیرند. علاقه‌مندان می‌توانند با هماهنگی از طریق شماره تلفن ۲۲۸۸۹۴۰۱ برای بازدید از موزه به آدرس خیابان پاسداران، نگارستان پنجم (حاج هادی)، پلاک ۴، مراجعه کنند

هنرمندان درگذشته ۹۳

مسافران

در می گذرد هرسال زمستان وبهاری می آید تا مگر فراموش کنیم لحظه وداع را،اما آنچه برای غنی وفقیرو هنرمند وبی هنر،همیشه به صورت مساوی وعادلانه تقسیم شده است،نوشیدن شراب مرگ است.اما یادگارهایی از هنر،می توانند در برابر فراموشی،نسیان و یاد یاران،مقاومت کنند.سال ۹۳ نیز،برخی از هنرمندان درگذشتند و این چند جمله ،بخشی از زندگی اجتماعی وهنری آنها را بیان می کند.شاید،بتوانیم،معنای زندگی خود را با زندگی آنها ،مقایسه کنیم و برای آنها،نیایشی در آغاز سال نو داشته باشیم.

انوشیروان ارجمند



انوشیروان ارجمند،هنرمند تئاتر،سینما و تلویزیون،متولد ۲۷ مهر ۱۳۲۰ در زاهدان در ۲۳ آذر ۱۳۹۳ درگذشت.

سریال امام علی(ع) ، روزی روزگاری، مختارنامه و فیلم سینمائی دوئل از مهمترین مجموعه‌هایی بودند که او در آنها ایفای نقش کرد.

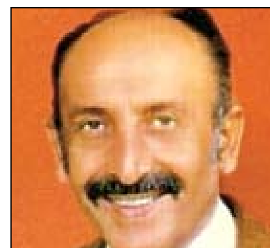
او برادر بزرگتـــر داریوش ارجمند و همچنین پدر برزو ارجمند و بهار ارجمند است.

انوشیروان ارجمند از اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به عنوان بازیگر و کارگردان تئاتر در مشهد فعالیت خود را آغاز کرد.

او در فیلم هایی چون:یتیم خانـــه ایران (۱۳۹۳)،عقاب صحرا (۱۳۹۱)،نیـــکان و بچه غـــول (۱۳۹۱)،چراغ قرمز (۱۳۸۸)،کیفر (۱۳۸۸)،تردید (۱۳۸۷)،دوشیزه باران (۱۳۸۶)،محیا (۱۳۸۶)،قاعده بـــازی (۱۳۸۵)،دوئل (۱۳۸۲)،صبحانه‌ای برای دو نفر (۱۳۸۲)،قارچ ســـمی (۱۳۸۰)،دل نمک (۱۳۶۸)،گنج (۱۳۶۳)،گفت زیرسلطه من آیید (۱۳۶۲) وسریال های:سقوط آزاد(۱۳۹۰)،پنجمیـــن خورشـــید (۱۳۸۸)،جابر بن حیان (۱۳۸۵)،مختارنامه (۱۳۸۹–۱۳۸۱) در نقش رفاعهٔ بن شداد،تفنگ سرپر (۱۳۷۷–۱۳۸۱) در نقش اسماعیل آقا،امام علی (۱۳۷۶) در نقش اشعث بن قیس،عیاران (۱۳۷۴)،روزی روزگاری (۱۳۷۰) در نقش رفعت‌خان (خان خله)،کمند خاطرات (۱۳۶۹)،روایت عشق (۱۳۶۴) حضور داشت.

انوشیروان ارجمند مدتی به دلیل بیماری قلبی در بیمارستان پارسیان تهران بستری بود و ظهر روز ۲۳ آذر ۱۳۹۳ درگذشت. مراسم خاکســـپاری پیکر وی در روز ۲۵ آذر از مقابل تالار وحدت برگزارو در قطعه هنرمندان بهشت زهرا تدفین شد. در مراسم خاکسپاری وی، جمعی از دولتمردان و هنرمندان ایرانی نیز حضور داشتند.

مرتضی احمدی



مرتضی احمدی،در سال ۱۳۰۳ در جنوب تهران به دنیا آمد. برای تحصیل ابتدا به مکتب و سپس به دبستان منوچهری در میدان گمرک رفت و بعد از آن به دبیرستان شرف و دبیرستان روشن رفت.

در شانزده سالگی ورزش باستانی و فوتبال را شروع کرد و به همراه تیم فوتبال دبیرستانش در مسابقات آموزشگاه‌های تهران رتبه‌هایی به دســـت آورد. بعدها در تیم فوتبال راه‌آهن تهران و پس از آن در باشگاه راه‌آهن بازیکن و مربی (تا سال ۱۳۲۵) شد.

پس از چند تـــلاش آماتوری در تئاتر در ۱۳۲۱ با کمک عده‌ای از دوستانش «تماشاخانه ماه» را روبه‌روی باغ فردوس دایر کرد اما پس از چند هفته مجبور به ترک آنجا شد. در اوایل پاییز ۱۳۲۲ در تئاتر فرهنگ برای اولین بار پیش پرده‌خوانی کرد و در نتیجه آن بازیگر تئاتر هم شد. مدتی بعد پدرش از فعالیت او در تئاتر مطلع شد و او را از خانه بیرون کرد. مرتضی احمدی پس از مدتی همزمان با هنرپیشگی در راه‌آهن تهران به‌عنوان تعمیرکار استخدام شد.

مرتضی احمدی برای اولین بار به سبک بیات تهران در پیش پرده‌ها آواز خواند. احمدی در سال ۱۳۲۳ به رادیو تهران (چندی بعـــد در رادیو ایران و بعد از آن در رادیو و تلویزیون ایران) به کار کردن پرداخت تا برنامه‌های کمدی اجرا کند. در دوره‌های مختلفی در رادیو کار کرد و از جمله تیپی به نام «بابا جاهل گریان» اجرا کرد و به ســـبک‌های مختلف ترانه و آواز خواند. در فروردین ۱۳۵۳ نقش اول سریال پربیننده «هردمبیل»، نوشته پرویز خطیبی را بازی کرد. در نظرخواهی از مردم در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان محبوب‌ترین هنرپیشه رادیو انتخاب شد.

وی در ۱۳۲۶ گوینده فیلم‌های خارجی شد و از اعضای اولیه انجمن گویندگان و سرپرســـتان گفتار فیلم (تأسیس در ۱۳۴۲) بود.

پس از کودتای ۲۸ مـــرداد ۱۳۳۲ احمدی بازیگری را کنار گذاشـــت و به مدت هفت سال به اهواز رفت اما پس از بازگشت به تهران از نو کار بازیگری را در سریالی تلویزیونی به نام «تک‌مضراب» از ســـر گرفت. از سریال‌های تلویزیونی دیگری که بازی کرده اســـت می‌توان از «سلطان صاحبقران»، «هفت شهر عشق» (۱۳۵۶)، «آئینه و زیر بازارچه (۱۳۷۷، رضا ژیان)» نام برد.

در فروردیـــن ۱۳۴۹ نیز احمدی به دعوت علی حاتمی ترانه عنوان‌بندی فیلم «حسن کچل» را، ضربی خوانی کرد (که به نام روحوضی نیز شناخته می‌شود). در همین سبک در ۱۳۲۸ پنج صفحه موسیقی برای یک شرکت انگلیسی ضبط کرد. مرتضی احمدی بیش از چهارصد ترانه ضربی و صد و پنجاه ترانه فکاهی خوانده است، این ترانه هااز نوشته‌های نصیری‌فر، نویسنده کتابی است به نام مردان موسیقی سنتی و نوین ایران که بیشتر کارهای موزیکال مرتضی احمدی از آن کتاب گرفته شده است.

از ماندگارترین آثار احمدی می‌توان به کار صدایی (نوعی دوبله) وی در مجموعه «پینوکیو» اشـــاره کـــرد که در آن در نقش «روباه مکار» صداپیشـــگی کرده است.«آرایشگاه زیبا»، «کت‌وشلوار خواستگاری»، «دانی‌ومن» و... از کارهای تلویزیونی وی به‌دلیل مشکلات ریوی، در ۳۰ آذر ۱۳۹۳ در ۹۰ سالگی در منزلش درگذشت.

مجید بهرامی

در اواخر سال ۱۳۸۹، شیرینی تماشای نمایش «عجایب المخلوقات» به کارگردانی رضا ثروتی هنوز بر دل تماشاگران کامل ننشسته بود که شنیدن خبری ناگوار تلخی بزرگی را بر جان تئاتر ایران نشاند. مجید بهرامی، بازیگری که تئاتر ایران به تازگی او را کشف کرده و به استعداد بی نظیرش پی برده بود و در آن روزها با بازی درخشانش در نمایش موفق «عجایب‌المخلوقات» همه نگاه‌ها را به خود جلب کرده بود، اعلام کرد به دلیل ابتلا به بیماری سرطان خون و شروع روند درمان، دیگر قادر نیست گروه نمایشی را همراهی کند.



این نمایش که شروع بسیار موفقی داشت و تازه به فروش قابل ملاحظه‌ای دست یافته بود، ناگهان در دوراهی تصمیم‌گیری مهمی قرار گرفت. تصمیمی که به ظاهر سخت می‌آمد اما رضا ثروتی، کارگردان این نمایش اعلام کرد که کار را با مجید بهرامی شروع کرده ایم و صبر می‌کنیم تا حالش خوب شود و در ادامه اجرای «عجایب‌المخلوقات» در کنار ما باشد.

گذشت رضا ثروتی باعث ایجاد یک از خود گذشتگی و شوری در هنرمندان کشور شد که با راه اندازی «اولین اکسپو عکس تئاتر ایران» و اختصاص تمامی درآمد حاصل از فروش آن به درمان مجیـــد بهرامی و اعزام او به آلمان برای گذراندن روند درمانی، او را در پیمودن این راه ســـخت و طاقت فرسا یاری کردند.

این هنرمندان کـــه در فیلمهایی همچون «بدرود بغداد»، «گیلانه»، «دانه‌های ریز برف» و در نمایش‌هایی همچون «سیاه‌ها»، «خانه‌ای در گذشته ما»، «عشق آباد» و «عجایب المخلوقات» ایفای نقش کرده بود، در طول این مدت بارها از بیماری سرطان خداحافظی کرد و دوباره سلامش را پاسخ گفت.

این هنرمند، ۲۴ آبان امسال در سی و هفت سالگی پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری دار فانی را وداع گفت.

علی هاشمی

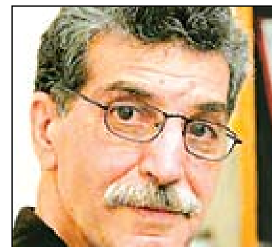
علی هاشمی نویسنده، روزنامه نگار و پژوهشگر عرصه موسیقی صبح روز ۶ خرداد در بیمارستان شهید رجایی تهران دار فانی را وداع گفت.علی هاشمی از فعالان قدیمی عرصه فرهنگ و هنر بخصوص موســـیقی بود که به نوعی حلقه وصل میان هنرمندان و موسیقی دانان به شمار می آمد.



وی در اکثر محافل هنری حضور پر رنگ داشـــت و با هنرمندانی همچون فریدون مشیری، فرهاد فخرالدینی، محمدرضا شجریان، محمد سریر و دیگر هنرمندان فعال حوزه موسیقی دوستی نزدیک و دیرینه داشت.پیکر زنده یاد علی هاشمی روز

پنجشنبه ۸ خرداد ماه ساعت ۹ صبح از مقابل تالار وحدت با حضور هنرمندان و یاران دیرینه وی تشییع شد.

حسین پرتوی



حسین پرتوی عکاس معروف عکس «دیدار همافران با امام خمینی» ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ پس از یک دوره بیماری طولانی در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

این عکاس پیشکسوت و تأثیرگذار در انقلاب اسلامی ایران که از سال ۱۳۸۵ از بیماری ALS رنج می‌برد و با شرایط ویژه تحت درمان و نگهداری بود.

حسین پرتوی متولد سال ۱۳۲۱ در اردبیل است. وی کودکی خود را در جنوب تهران گذراند. از کودکی عاشق عکاسی بود و بعد از پایان دوره سیکل، تحصیل را رها کرد و برای کار به روزنامه کیهان رفت. ابتدا در انبار روزنامه و بعد در آرشیو آن و سپس در لابراتوار این روزنامه مشغول به کار شد. شور و شوقی که او برای فراگیری داشت مسئولین روزنامه را ترغیب می کرد که به او کار های مهم تر بدهند و بالاخره در سن هفده سالگی عکاس بخش ورزشی روزنامه شد.

در سال ۱۳۳۸ به صورت حرفه‌ای با عکاسی ورزشی کار خود را شروع کرد. در سال ۱۳۵۶ از انقلاب ایران عکس های منحصربه فردی تهیه کرد.

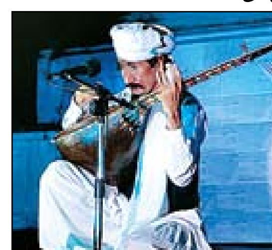
تعدادی از عکس‌های معروف پرتوی عبارتند از : عکس «بسته شدن فرودگاه توسط نظامیان به فرمان بختیار در ۴ بهمن ۱۳۵۷»، عکس «اعدام سران حکومت پهلوی در دبیرستان‌های علوی و رفاه» ،عکس« ورود سید روح‌الله خمینی به ایران در فرودگاه مهرآباد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷» و بالاخره ،عکس « بیعت همافران ارتش شاهنشاهی با سید روح‌الله خمینی در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷».

اوطی سال‌های جنگ ایران و عراق به عنوان دبیر سرویس عکس روزنامه کیهان برگزیده شد. پس از ۳۱ سال خدمت در روزنامه کیهان در ۲۷ شهریور ۱۳۶۸ بازنشسته شد و به دلیل دوستی و علاقه‌ای که به پروفسور حسابی داشت همکاری خود را با بخش فرهنگی بنیاد حسابی آغاز کرد.

غلامعلی پورعطایی

غلامعلی پورعطایی زاده ۱۳۲۰ نوازنده دوتار و سرآوازهای عارفانه و عاشقانه خراسان و پیشکسوت موسیقی نواحی خراسان بود.

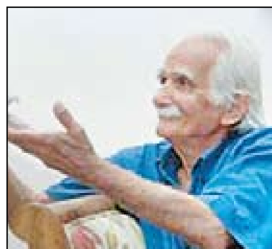
تارزنی غلامعلی عطایی در چند مراسم شاهنامه خوانی از اجراهای به یادماندنی اش بود.در اوان جوانی و در سال ۱۳۴۴ به سبب شهرت در نوازندگی و خوانندگی به تهران دعوت می‌گردد تا در تالار رودکی، مجامع هنری و سفارتخانه‌های اروپایی و رادیو و تلویزیون، همراه با گروه هنرهای آیینی، سنتی و حرکات موزون به سرپرستی هنرمند برجسته هنرهای آیینی «آقای محمدفاروق کیانی‌پور» و دیگر هنرآفرینان میراث کهنسال به اجرای برنامه بپردازد که بسیار مورد اقبال واقع می‌گردد. شهرت وی در این زمان تا بدانجا می‌رسید که ضمن سفر به سراسر ایران، برای اجرای برنامه در کشورهای گوناگون از وی دعوت به عمل می‌آید.



او در ماه‌های آخر عمرش مبتلا به عفونت ریه و دردهای شدید کمر و گردن شده بود و سرانجام روز شنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۳، در ۷۳ سالگی درگذشت.

عطایی برای خواندن «نوایی نوایی» و دیگر عاشقانه‌های خراسانی شهرت و محبوبیتی فراوان داشت.

حسن حاضرمشار



حسن حاضرمشار؛ هنرمند خودآموخته در مجسمه‌سازی و نقاشی در ۱۴ دی۱۳۹۳ بر اثر ایست قلبی درگذشت.

حسن حاضر مشار متولد اول مهر ۱۳۰۲ در رشت بود. این هنرمند گیلانی که سالها به نجاری و ساختن مجسمه‌های چوبی مشغول بود، پس از تصادف توان کار نجاری را ازدست داد و به آموختن نقاشی از دختر نقاشش پرداخت.

او آثار خود را که بیشتر شامل مجسمه‌ها و نقاشی‌های چوبی حیوانات بود، کنار خیابان برای فروش عرضه می‌کرد که توسط کامبیزدرم‌بخش–کاریکاتوریست پیشکسوت – کشف و در اوایل دهه ۸۰ به جامعه هنری معرفی شد و در پی آن نمایشگاه های متعددی را در گالری های گلستان، هما، محجوبی، دی و ... برپا کرد.

او همچنین در نمایشگاه گروهی هنرمندان خودآموخته در خانه هنرمندان ایران، گالری لاله و موزه هنرهای زیبای کاخ سعدآباد شرکت داشت. این هنرمند در سال‌های اخیر، آثار خود را در موسسه فرهنگی – هنری صبا فرهنگستان هنر خلق و عرضه می‌کرد.

عبدالمجیدحسینی‌راد



عبدالمجید حسینی راد نقاش و دانشیار پردیس هنرهای زیبا صبح ۱۸ خرداد ۱۳۹۳ براثر ایست قلبی در ۵۵ سالگی از دنیارفت.

پیکر او ۱۹ خرداد از مقابل دانشگاه تهران تشیع و در زادگاهش بهبهان به خاک سپرده شد.

این نقاش و پژوهشگر متولد سال ۱۳۳۸ در بهبهان بود. حسینی راد مدرک کارشناسی نقاشی خود را از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و مدرک کارشناسی ارشد هنرهای تجسمی را از دانشگاه رن ۲ فرانسه و دکترای هنرهای تجسمی را از همین دانشگاه دریافت کرد.

عضویت در هیأت علمی دانشکده هنرهای زیبا، تدریس در دانشگاه‌های مختلف، عضویت در شورای سیاست‌گذاری و هیات انتخاب دومین نمایشگاه طراحی تهران، عضویت در شورای سیاست‌گذاری و هیات انتخاب پنجمین دوسالانه نقاشی ایران، دبیری همایش و عضویت در شورای سیاست‌گذاری و انتخاب نمایشگاه نگاه معنوی، دبیری اولین و دومین نمایشگاه هنر مفهومی ایران و عضویت در شورای سیاست‌گذاری و هیأت انتخاب سومین نمایشگاه هنر جدید، از دیگر فعالیت‌های این هنرمند فقید بود.

حسینی راد سال ۱۳۸۴ نیزبه مدت چند ماه مدیر کل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران بود.

«خط و سایه‌ها» (مجموعه داستان)، «منظر نقاشی معاصر»، «از باروک تا سوررئالیسم»، «مبانی هنرهای تجسمی» و «یادنامه کمال‌الدین بهزاد» از تالیفات حسینی‌راد است.

زنده یاد مرتضی احمدی

عظیم‌جوانروح



عظیم جوانروح سال ۱۳۲۴ در اردبیل متولد شد، او از سال ۱۳۵۲ به عنوان فیلمبردار در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول بکار شد. جوانروح به مدت ۲ سال (حدود سال‌های ۱۳۵۴ و ۵۵) در دفتر سازمان رادیو تلویزیون در پاریس به فعالیت پرداخت.او در این دوره تعدادی مستند گزارشی و خبری ساخت که به موضوع مراحل ساخت نیروگاه اتمی ایران در فرانسه، زندگی مارک شاگال (مصاحبه اختصاصی با این نقاش فرانسوی) زندگی و آثار ویکتور وازارلی، برنامه تئاترهای پاریس و دیگر موضوعات سیاسی، اجتماعی و هنری ... اختصاص داشت. عظیم جوانروح پس از مدت‌ها ابتلا به سرطان روده در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۳در بیمارستان لاله تهران درگذشت.

اکبرخواجویی



اکبر خواجویی،متولد ۲۴ مرداد ۱۳۲۶ در اصفهان که در

۳۱ مرداد ۱۳۹۳ درگذشت. وی کارگردان و فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون اهل ایران بود.او پیش و پس از انقلاب ایران چند سریال را برای تلویزیون ایران کارگردانی کرد.

سریال «پدرسالار» یکی از پرمخاطبترین کارهای اکبر خواجویی بود. این سریال در دهه ۷۰ از شبکه دوم تلویزیون ایران پخش می‌شد و داستان یک پدر سنتی و مواجهه‌های او با فرزندانش را روایت می‌کرد. اکبر خواجویی از یک هفته پیش از درگذشتش در بیمارستان بستری بود. او در سال‌های پایانی عمرش مشکلات جسمی جدی داشت.

برخی از آثاراو:محیا (۱۳۸۶)،سیرک بزرگ (۱۳۷۰)،خانه ابری (۱۳۶۵) و بازیگری در : شهر بزرگ (۱۳۴۴)،همه سر حریف (۱۳۴۴) وساخت مجموعه تلویزیونی آقای مطالعه (۱۳۵۲)،عکاس‌باشی (۱۳۵۶)،هشت‌بهشت (۱۳۶۷)،با سلسله حکمت (۱۳۶۸-۱۳۶۶)،پدرسالار (۱۳۷۲)،دبیرستان خضراء (۱۳۷۵)،کهنه‌سوار (۱۳۷۶)،برگبار (۱۳۸۰)،رسم شیدایی (۱۳۸۳)،پس از سال‌ها (۱۳۸۷) و پیک راستان (۱۳۹۰).

علیرضا خورشیدفر



علیرضا خورشیدفر،زاده ۱۳۲۶ از قدیمی ترین نوازندگان ساز کنترباس در ارکستر سمفونیک تهران بودواو متولد سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران بود.از نه سالگی شروع به یادگیری ساز آکاردئون کرد و در ۱۲ سالگی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و سپس برای ادامه تحصیلات خود ساز کنترباس را انتخاب کرد و تحت تعلیم استادانی چون نعمت‌الله مجید، خواهر و برادران پورتراب، کنستانتین و نیکلا نیکولف قرار گرفت و در سال ۱۳۵۱ بادرجه لیسانس فارغ‌التحصیل شد.

او اولین تجربه‌های حرفه‌ای خود را در سال ۱۳۴۶ با فعالیت در ارکسترهای رادیو از جمله ارکستر بزرگ، ارکستر گل‌ها و ارکستر دانشگاه تهران آغازکرد و در سال ۱۳۴۸ به طور رسمی وارد ارکستر سمفونیک تهران شد؛ و با این ارکستر به همکاری ادامه داد که این همکاری تا آخرین روزهای حیاتش ادامه داشت.

او از سال ۱۳۵۱ نیز به عنوان معاون گروه کنترباس و از اوایل سال ۱۳۵۷ به عنوان مایستر گروه کنترباس تا قبل از درگذشتش در ارکستر سمفونیک تهران همکاری داشت.

وی از سال ۱۳۶۷ به‌عنوان استاد کنترباس در هنرستان موسیقی پسران مشغول تدریس و خدمات فرهنگی هنری بود. وی، همچنین در طرح ارزشیابی هنرمندان کشور که در سال ۱۳۶۷ به عنوان هنرمند درجه یک شناخته شد.علیرضا خورشیدفر علاوه بر نوازندگی کنترباس در اجرای سوت با بسیاری از آهنگسازان همکاری داشته است.

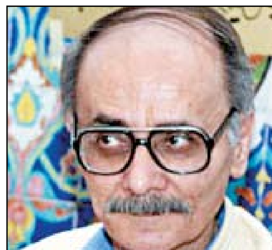
سوت فیلم معروف از کرخه تا راین ساخته مجید انتظامی را او در استودیو با دهانش نواخت. علیرضا خورشیدفر بیش از پنج دهه سرگروه باس‌های ایران بود و در خلق و انتشار آلبوم‌های زیادی به عنوان نوازنده حضور داشت.

بسیاری از هنرمندان و صاحب‌نظران حوزه موسیقی از او به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار و پایه‌های اصلی ارکستر سمفونیک تهران یاد می‌کنند.

علیرضا خورشیدفر صبح روز چهارشنبه پنجم آذرماه ۱۳۹۳، به دلیل سکته قلبی در تهران درگذشت وی روز شنبه از مقابل تالار وحدت تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.


زنده یاد حسن حاضر مشار

منوچهر درفشه

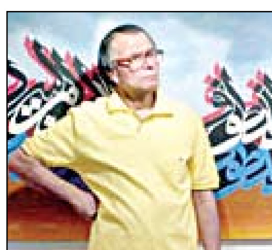


منوچهر درفشه از تصویرسازان پیشکسوت که مدت‌ها به دلیل بیماری سرطان در خانه بستری بود، عصر جمعه ۲۷ تیرسال ۹۳ درگذشت.

منوچهر درفشه از تصویرگران باسابقه کشور به شمار می‌رفت که پس از نورالدین زرین‌کلک و پرویز کلانتری مسئولیت تصویرسازی کتاب‌های درسی را به عهده داشت. از جمله تصویرسازی های او می‌توان به روایت منظوم «روباه وخروس» اشاره کرد.

درفشه سال‌های جوانی و تلاش‌های هنری‌اش را در کنار محمد بهرامی در آتلیه پارس سپری کرد، آتلیه‌ای که تصویرگران و گرافیست‌های توانمندی چون علی اکبر صادقی، محمد تجویدی، پرویز کلانتری، مرتضی ممیز، آیدین آغداشلو، علی اصغر معصومی و محمد احصایی در آن کار می‌کردند. او همچنین در مراکزی چون «گالری آپادانا»، «آتلیه پارس»، «کارگاه تبلیغاتی»، «آگهی زیبا»، «انتشارات فرانکلین» و بعدها «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و «سازمان کتاب‌های درسی» حضوری فعال داشت.ششمین دوسالانه تصویرگری در سال ۱۳۹۲ بزرگداشتی را برای منوچهر درفشه به خاطر یک عمر فعالیت هنری در عرصه تصویرسازی برگزار کرد که درفشه به دلیل کسالت جسمی دراین مراسم حضور پیدا نکرد.

یوسف رضایی



«یوسف رضایی» هنرمند نقاشی‌خط درنهم آذر۱۳۹۳ و در سن ۶۲ سالگی در خانه‌اش دچار عارضه سکته قلبی شد و در بیمارستان امام خمینی از دنیا رفت. یوسف رضایی متولد سال ۱۳۳۱ بود که تا به حال نمایشگاه‌های انفرادی متعددی در حوزه نقاشی‌خط برگزار کرده بود.

او در اولین نمایشگاه انفرادی‌اش جملاتی از زرتشت را نوشته بود و کسی بود که برای اولین‌بار اصطلاحات عامیانه را وارد نقاشی‌خط کرد. از جمله دیگر نمایشگاه‌های رضایی «الله» و «هفت گناه کبیره» بود.

علی‌اکبر زرین‌مهر

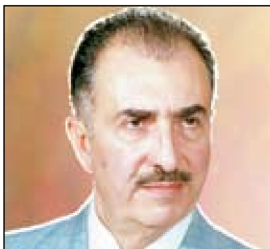


علی اکبر زرین مهر، هنرمند پیشکسوت نقاشی و مجسمه‌سازی مشهدی، پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری ۲۷ شهریور ۱۳۹۳ در مشهد به دیار باقی شتافت.

علی اکبر زرین مهر، متولد ۱۳۴۰ از مشهد مقدس بود و در کارنامه هنری این هنرمند نامی عضویت در خانه هنرمندان ایران، عضویت در خانه هنرمندان پاریس، عضویت در انجمن خبرنگاران بدون مرز، مؤسس نگارستان توس مشهد و مؤسس انجمن هنرمندان بدون مرز پاریس دیده می شود. نقاشی دیوارهای داخلی بازار فردوسی مشهد از آثار این هنرمند است.

پیکر این هنرمند در قطعه هنرمندان بهشت رضای مشهد به خاک سپرده شده است.

ساسان سپنتا



ساسان سپنتا متولد۱۳۱۳ استاد دانشگاه، پژوهنده و مؤلف در زمینه زبانشناسی، ادبیات و موسیقی ایرانی بود.

وی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی متولد شد ساسان سپنتا، فرزند عبدالحسین سپنتا کارگردان فیلم دختر لر، نخستین فیلم تاریخ سینمای ایران بود. وی تحصیلات خود را در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبانشناسی در دانشگاه تهران به انجام رسانید.

او در سال ۱۳۴۸ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «کاربرد دستگاه‌های الکترونیک در بررسی فیزیکی (آکوستیکی) آواهای زبان و اندازه‌گیری فرکانس صدای خوانندگان نیم قرن اخیر در ایران» به راهنمایی هرمز میلانیان دفاع کرد و در سال ۱۳۵۱ با دفاع از پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی» به راهنمایی ماهیار نوابی از دوره دکتری فارغ‌التحصیل شد.

او در مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه تهران و دانشگاه دورهم (انگلستان) تدریس کرد و سپس تدریس را با مرتبه استادی در دانشگاه اصفهان ادامه داد. علاوه بر زبانشناسی وی در رشته الکترونیک و موسیقی نیز تحصیل کرده و صاحب تالیفاتی نیز است.

وی در تاریخ ۳ آبان ۱۳۹۳ در هشتاد سالگی در خانه‌اش در اصفهان درگذشت. وی در قطعه هنرمندان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

وی نواختن ویلن را نزد آرمیک گورگین (تحصیل کرده موسیقی در روسیه) آغاز کرد و سپس نزد علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا و محمود تاج بخش ادامه داد.

یوسف سلیمی



یوسف سلیمی ،برادر شهید بزرگوار عبدالله سلیمی است و یکی از ۳۶استاد بزرگ موسیقی نواحی کشور محسوب می شود که بارها در جشـــــنواره های نواحی به عنوان بهترین خواننده نواحی از وی تجلیل شده است.

چهار آلبوم کویرانه،آلبوم حیرت آهنگ،خوانندگی موسیقی فیلم بانوی گل سرخ با آهنگسازی محمد رضا درویشی و فیلم سینمایی پهلوان با آهنگسازی فواد توحیدی از آثار این هنرمند موسیقی نواحی کشور است.

فیلمی به نام «راست پنجگاه»به کارگردانی امیر عابدین پور از زندگی این هنرمند پیشکسوت ساخته و اکران شده است.او شب جمعه (سوم بهمن ماه) چشم از این جهان فروبست.

هوشنگ سیحون

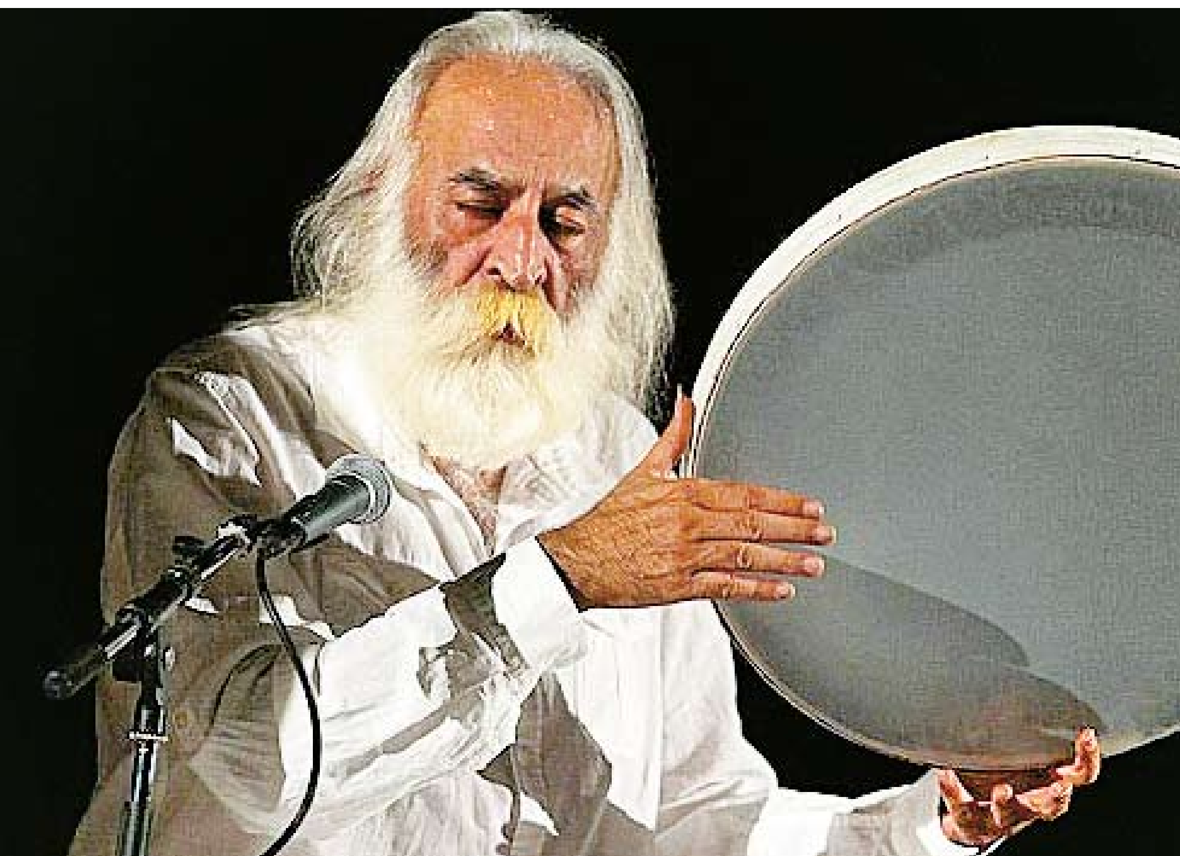


هوشنگ سیحون، یکی از مهم ترین معماران ایرانی، در۹۳ سالگی و در ۵ خرداد ســـال۱۳۹۳ به دلیل کهولت سن در ونکوور کانادا درگذشت. از او به عنوان بنیان‌گذار معماری پست مدرنیسم ایران یاد می‌کنند و شاگردانش جزو بهترین معماران ایران‌هستند.

سیحون، که از او به عنوان «پدر معماری نوین ایران» یاد می‌شود ،خالق بناهای ارزشمند بسیاری است که از آن جمله می‌توان به آرامگاه بزرگانی چون خیام ، کمال الملک، بوعلی سینا، نادرشاه افشار، کلنل محمدتقی خان پسیان و ده ها مقبره و آرامگاه دیگر و نیز طراحی بنای «موزه توس» در سال ۱۳۴۷ و همچنین ساختمان بانک سپه در میدان امام‌خمینی تهران اشاره کرد. او همچنین طراحی ساختمان‌های سازمان نقشه‌برداری کل کشور، کارخانه نخ‌ریسی کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی یاغچی‌آباد، سینما آسیا، سینما سانترال، کارخانه کانادادرای (زمزم فعلی) در تهران و اهواز، کارخانه یخ‌سازی کورس اخوان و طراحی حدود ۱۵۰ پروژه مســـکونی را به عهده داشته است.سیحون در ۳۱ مرداد سال ۱۲۹۹ در تهران، در خانواده‌ای موسیقی‌دان چشم بر جهان گشود. پدربزرگش میرزا عبدالله فراهانی از پیشگامان موسیقی سنتی و معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بود. مادرش، از نوازندگان تار و سه‌تار، و نیز دایی او مرحوم احمد عبادی، استاد سه‌تار بود.

او ابتدا در دانشکده هنرهای زیبا به تحصیل نقاشی پرداخت، اما به‌زودی از نقاشی دل کند و برای تحصیل معماری، به دعوت آندره گدار، رییس اداره باستان‌شناســـی وقت ایران به پاریس رفت و در دانشکده هنرهای زیبای این شهر تحصیلاتش در زمینه معماری را به پایان رساند. او در بازگشت به ایران در سن ۲۳ سالگی نخستین اثر معماری خود، یعنی بنای یادبود آرامگاه بوعلی سینا را طراحی می‌کند.

ســـیحون در اوایل دهـــه ۱۳۳۰ با معصومه نوشـــین (سیحون)،هنرمند نقاش ازدواج کرد. او در سال ۱۳۵۹ ایران را برای همیشه ترک کرد. او در سال‌های پایانی عمرش در کانادا و آمریکا اقامت داشـــت. هوشنگ سیحون بیش از دو دهه در ونکوور کانادا زندگی می‌کرد. وی شهروند افتخاری فرانسه هم بود.هوشنگ سیحون در کنار معماری،نقاشی هم می‌کرد.طبیعت و روستاهای ایران از مهم‌ترین مضامین نقاشی های اوست. برخی از این آثار در دانشگاه‌های آمریکا نگهداری می‌شوند.



استاد محمدرضا لطفی

علی اکبر صابونچی‌راد،خوشنویس

علی اکبر صابونچی راد،از استادان خوشنویسی، نقاشی و نقاشی خط در ۷۲ سالگی و در ۲۰ دی ۱۳۹۳ درگذشت.

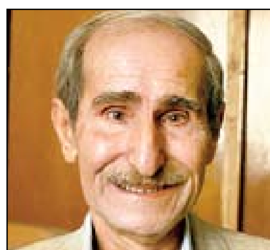
اکبر صابونچی راد متولد سال ۱۳۲۱ در اراک و فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا ، ازاستادان پیشکسوت و معاصر عرصه های خوشنویسی، نقاشی و نقاشی خط کشوربود که پس از ســـفری به آمریکا در ۲۰ دی در این کشور دار فانی را وداع گفت.



این هنرمند نزد علی اکبر کاوه و غلامحســـین امیرخانی شاگردی کرد و از ویژگی های او نوشتن خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق با هر دو دست و همچنین آینه نویسی بود. او پس از حادثه ای که منجر به شکسته شدن دست راستش شده بود، تا سالها با دست چپ خوشنویسی کرد و در آینه نویسی که نوعی خط تزیینی است و از چپ به راست نوشته می شود، مهارت داشت.

این هنرمند در طول حیات خود نمایشگاه های بسیاری از آثارش را برپا کرد و به مدت ۲۰ سال با انجمن خوشنویسان ایران همکاری داشت.

باقر صحرارودی

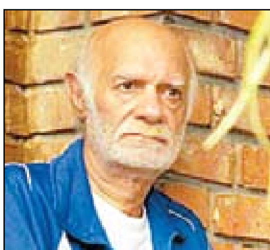


باقر صحرارودی متولد ۲۶ خرداد ۱۳۲۱ فسا ،تحصیلات خود را در دانشکده ادبیات فسا و شیراز و دانشکده ادبیات و دانشکده هنرهای زیبای تهران به انجام رسانید. وی از سال ۱۳۳۴ فعالیت هنری خود را آغاز کرد و از آن هنگام در حرفه هنری خود که بخش اعظم آن شامل کارهای تلویزیونی بود در مقام بازیگر، تهیه کننده، نویسنده و کارگردان به ایفای نقش پرداخت. نخستین حضور او در سینما در نقش معلم صمد بود.

فیلم‌های گیرنده(۱۳۹۰)،کلانتری‌غیرانتفاعی(۱۳۸۷)،ملک ســـلیمان (۱۳۸۷)،ازدواج به ســـبک ایرانی (۱۳۸۳)،صنوبر (۱۳۸۰)،سگ‌کشـــی (۱۳۷۹)،شـــهر زنان (۱۳۷۷)،تابلویی برای عشق (۱۳۷۶)،عاشـــق فقیر (۱۳۷۴)،کودکانی از آب و گل (۱۳۷۲)،آبادانی‌ها (۱۳۷۱)،عیالوار (۱۳۷۱)،آقای بخشدار (۱۳۷۰)،جیب‌برها به بهشـــت نمی‌روند (۱۳۷۰)،دندان طلا (۱۳۷۰)،مسافران (۱۳۷۰)،در آرزوی ازدواج (۱۳۶۹)،زنبورک (۱۳۵۴)،اســـرار گنج دره جنی (۱۳۵۳)،صمد آرتیســـت می‌شود (۱۳۵۳)،صمد به مدرسه می‌رود (۱۳۵۲)،خواستگار (۱۳۵۱)،ستارخان (۱۳۵۱)،صادق کرده (۱۳۵۱)،صمد و سامی، لیلا و لیلی (۱۳۵۱)،صمد و قالیچه حضرت سلیمان (۱۳۵۰) وبسیاری از سریال های تلویزیون ایران بازی کرده است:

سیر و ســـرکه،راه در رو،بچه‌های بهشت،حکایت نی،ترش و شیرین،کوچه‌اقاقیا،خورشید شـــب،داروخانه پرماجرا،دردسر بزرگ،روزهای زندگی،گم‌شده،دل‌های‌شاد،چشم گربه‌ای،تاجر ونیزی،تهران ۱۱–۵۹۵ج۴۸،ضیافت،پرده‌عجایب،بی‌بی‌یون،یک حرف‌ازهزاران،قصه‌های‌زندگی،امام‌علی،سایه‌همسایه،گلدان‌ها و آفتاب،تله‌تئاتر «ماجراهای رونالد و مادرش».

ناصر گیتی‌جاه



ناصر گیتی‌جاه متولد ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران ،بازیگر ایرانی و برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در سی‌امین جشنواره فیلم فجر بود.

گیتی‌جـــاه دارای مدرک آموزش بازیگری زیر نظر رفیع حالتی، مهدی نامدار و اسماعیل مهرتاش بود و سال ۱۳۳۷ با فعالیت در «جامعه باربد» و تلویزیون خصوصی و اجرای نمایش زنده، کار هنری‌اش را آغاز کرد.از سال ۱۳۳۴ بازی در تئاتر را شروع کرد و از سال ۱۳۵۲ شروع به بازی در سینما کرد.

او اولین کسی بود که پس از انقلاب نقش شاه سابق را در سریال «طبل توخالی» بازی کرد و پس از آن در تله‌فیلم «سقوط» به کارگردانی محمدرضا ورزی بار دیگر این نقش را تکرار کرد.

فرزند چهارم (۱۳۹۱)،جابه‌جا (۱۳۹۰)،خوابم می آد (۱۳۹۰)،گشت ارشاد (۱۳۹۰)،دو برادر (۱۳۸۹)،شب بی پایان (۱۳۷۸)

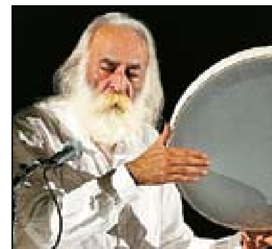
قافله (۱۳۷۱)،پنجاه و سه نفر (۱۳۶۸)،خواستگاری (۱۳۶۸)،مکافات (۱۳۶۶)،تنوره دیو (۱۳۶۴)،خط پایان (۱۳۶۴)،مدرک جرم (۱۳۶۴)،یوزپلنگ (۱۳۶۴)،راه دوم (۱۳۶۳)،میهمان (۱۳۵۵)،نقص فنی (۱۳۵۵)،،گدای میلیونر (۱۳۵۲) (۱۳۴۷) از جمله فیلم های سینمایی است که او در آنها نقش آفرینی کرده است.

محمدرضا لطفی

محمدرضا لطفی متولد ۱۷ دی ۱۳۲۵ گرگان نوازنده برجسته و سرشناس تار، سه‌تار و ردیف‌دان، موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز، همچنین پژوهشگر و مدرس موسیقی سنتی ایرانی بود.

وی در بداهه‌نوازی بسیار چیره‌دست بود. لطفی در کنار تار و سه‌تار،کمانچه، دف و نی نیز می‌نواخت.او به مدت پنج سال در هنرستان موسیقی به آموختن موسیقی پرداخت و موسیقی را نزد اشخاصی چون علی اکبر شهنازی، حبیب‌الله صالحی فرا گرفت. پس از پایان هنرستان به دانشکده موسیقی راه یافت و به تکمیل آموخته‌هایش پرداخت. در این زمان از اشخاصی مانند نورعلی برومند، عبدالله دوامی، سعید هرمزی نیز بهره جست. در سال ۱۳۴۳ جایزه نخست موسیقی‌دانان جوان را نیز کسب کرد.

در سال ۱۳۵۳ به عضویت گروه علمی دانشکده موسیقی درآمد و در همین سال همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. به مدت یک سال و نیم به عنوان مدیر گروه موسیقی دانشکده موسیقی هنرهای زیبای تهران به کار مشغول شد و پس از آن از این سمت استعفا کرد. در سال ۱۳۵۴ گروه شیدا را راه‌اندازی کرد و به همراه گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده به بازخوانی و اجرای دوباره آثار گذشتگان پرداخت.



کانون چاووش را با همکاری هنرمندانی مثل حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و علی اکبر شکارچی راه‌اندازی کرد و در طی یک فعالیت چشمگیر آثاری از این گروه به جای ماند که به گفته بسیاری از اساتید از بهترین کارهای موسیقی ایران به شمار می‌روند. مجموعه آلبوم‌های چاووش از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل در جهت حرکت رو به جلو در موسیقی سنتی ایرانی به حساب می‌آید

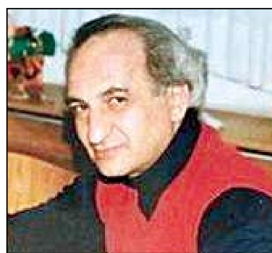
پس از انحلال چاووش بعد از سفرهای زیادی که برای کنسرت به ایتالیا، فرانسه و آلمان کرد. در سال ۱۳۶۵ به آمریکا رفت. علاوه بر کنسرت‌های متعدد در سراسر آمریکا، مرکز فرهنگی هنری شیدا را در واشنگتن بنیان گذاشت.

محمدرضا لطفی در سال ۱۳۸۵ به ایران بازگشت.از خوانندگانی که در سال‌های فعالیت‌هنری با او همکاری کرده‌اند می‌توان به عبدالله دوامی، مرضیه، نصرالله ناصح‌پور، محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، هنگامه اخوان، صدیق تعریف، زویا ثابت،علیرضاشاه‌محمدی،علیرضافریدون‌پور،محمدمعتمدی، سجاد مهربانی و امیر اثنی‌عشری اشاره کرد.

موسیقی متن فیلم حاجی واشنگتن به کارگردانی علی حاتمی ساخته محمدرضا لطفی است، این فیلم در سال ۱۳۶۱ ساخته شد.

گروه‌های بانوان شیدا، بازسازی شیدا و همنوازان شیدا سه گروهی بودند که با سرپرستی و زیر نظر محمدرضا لطفی به خلق آثار جدید و اجرای دوباره آثار قدما می‌پرداختند.

گورگن موسسیان



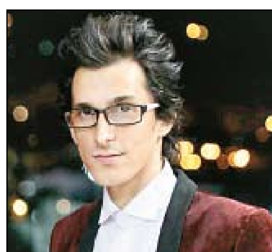
گورگن موسسیان، (زاده ۱۳۲۱ – درگذشته ۱۳۹۳) رهبر سابق گروه کر ارکستر سمفونیک تهران بود.گورگن موسسیان در سال ۱۳۲۱ خورشیدی شهر همدان متولد شد. از کودکی به یادگیری ویلن نزد «مارتیک آوادیسیان» پرداخت و سپس به عنوان معلم موسیقی در مدارس ارامنه مشغول به کار شد.

پس از تاسیس تالار وحدت (رودکی) و بخش اپرای تالار به عنوان خواننده گروه کر و پس از آن دستیار رهبر گروه به کار پرداخت. وی پس از انقلاب اسلامی نزدیک به ۲۰ سال گروه کر ارکستر سمفونیک تهران را رهبری و در هنرستان موسیقی دختران و پسران تدریس کرد. رهبری گروه کر «سوان» از دیگر فعالیت‌های موسسیان بود که به گفته هنرمندان کر ایران، در دوران او یکی از حرفه‌ای‌ترین گروه‌های کر تشکیل شده بود. وی در سال ۱۳۷۸ به پاس تلاش‌های ارزنده و خدمات شایسته‌ای که در بیش از دو دهه فعالیت برای اعتلای موسیقی ایران داشت، موفق به دریافت لوح تقدیر از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گشت.لوریس هویان، رهبر کر که مدتی شاگرد موسسیان بوده است، در این‌باره توضیح داد: گورگن موسسیان که در آمریکا زندگی می‌کرد، حدود دو هفته در بخش CCU بستری بود و پس از چهار روز اعلام شد که کلیه‌های این هنرمند از کار افتاده است.شامگاه ۱۷ مهرماه ۱۳۹۳ به‌دلیل نارسایی کبد در هفتاد سالگی در آمریکا درگذشت.

علی واشقانی فراهانی

استاد علی واشقانی فراهانی در اول فروردین ۱۳۹۳ بعد از یک دوره بیماری درگذشت. استاد علی واشقانی فراهانی که دارای درجه استادی از انجمن خوشنویسان ایران و از استادانی چون اخوین و خروش بود ، در طول حیاتش آثاری چون«قطره ای از دریا» (مجموعه اشعار عماد خراسانی) و «فیض جنون» (مجموعه اشعار محمد علی واشقانی فراهانی) و «صد آهنگ» (مجموعه تصنیف های استاد جواد لشگری) را به رشته تحریر در آورده است. او خوشنویسی را از کودکی شروع کرد و به دلیل نبود حضور استاد ، به صورت مکاتبه ای از شهرستان تفرش با انجمن خوشنویسان ایران تماس داشت و از محضر استاد مسلم این هنرزنده یاد سید حسن میرخانی و گاهی از راهنمایی های حضوری استاد فتحعلی واشقانی فراهانی بهره می برد.بعد از گذراندن دوره خوش در سال ۵۶ به دلایلی تا سال ۶۴ نتوانست خوشنویسی را ادامه دهد اما در همین سال مجددا با راهنمایی استاد واشقانی فراهانی در کلاس های ایشان ثبت نام کرد و در سال ۶۵ پس از اخذ مدرک ممتاز در امتحانات دوره مدرسی شرکت کرد و از طرف استادان بزرگی چون آقایان امیرخانی،اخوین، مرحوم فرادی و خروش پس از مصاحبه به عنوان مدرس رشته نستعلیق انتخاب شد و در سال ۸۹ از طرف شورای ارزشیابی هنری انجمن خوشنویسان ایران به درجه استادی نایل آمد.هم اکنون تعدادی از شاگردان استاد واشقانی به عنوان مدرس انجمن خوشنویسان در حال تدریس هستند.

مرتضی پاشایی



مرتضی پاشایی متولد ۲۰ مرداد ۱۳۶۳ خواننده، نوازنده و آهنگساز پاپ ایرانی بود. پاشایی در سال ۱۳۸۹ با قرار دادن ترانه‌هایش در اینترنت به شهرت رسید. او نخستین آلبوم رسمی خود، «یکی هست» را در سال ۱۳۹۱ منتشر کرد. آلبوم‌های «گل بیتا» و «اسمش عشقه» دو آلبوم دیگر او هستند که تا پیش از درگذشتش به‌صورت رسمی منتشر نشده‌بودند.وی از آذر ۱۳۹۲ به تشخیص پزشکان به سرطان معده مبتلا شد و در ۲۳ آبان ۱۳۹۳ در ۳۰سالگی درگذشت.او دانشجوی رشتهٔ گرافیک بوده و از کودکی به موسیقی علاقه داشته‌است. موسیقی را از چهارده‌سالگی با نواختن گیتار آغاز کرد.

مرتضی پاشایی از دوران کودکی همیشه نسبت به موسیقی حس خاص و مبهمی داشت. او از سال ۱۳۸۹ با انتشار اینترنتی قطعات خود شروع به کار کرد. او با قطعهٔ «یکی هست» به شهرت رسید. کارشناسان، او را از پیروان سبک شادمهر عقیلی و محسن یگانه می‌دانند. مرتضی پاشایی در پاییز سال ۱۳۹۱ باانتشار آلبوم یکی هست به جمع خوانندگان آلبوم‌دار پاپ ایران پیوست.او همچنین ترانه «نگران منی» را به‌عنوان تیتراژ برنامه تلویزیونی ماه عسل اجرا کرده‌بود.

مراسم تشییع و خاکسپاری وی در روز یک‌شنبه ۲۵ آبان از مقابل تالار وحدت تهران برگزار شد. با وجود قرار داشتن تهران در وضعیت بحرانی ناشی از آلودگی هوا و اینورژن، جمعیت کثیری از مردم شرکت کردند. یکی از مسئولان راهنمایی و رانندگی تهران، با اشاره به انسداد مسیر پل حافظ تا خیابان جمهوری اسلامی به‌دلیل حضور گستردهٔ مردم، اظهار داشت: طول خیابان ولیعصر (عج) و حافظ با بار ترافیکی سنگین مواجه شده‌است. جمعی از مردم از استان‌های همجوار تهران خود را به مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر وی رسانده‌بودند. برای بهبود ترافیک، پلیس راهنمایی و رانندگی در بهشت زهرا و تالار وحدت حضور یافت. همچنین، به‌دلیل ازدحام در بهشت زهرا، دفن پیکر وی در قطعهٔ هنرمندان بهشت زهرا، با تأخیر، شبانه انجام شد.

یکی هست (۲۰۱۲)، گل بیتا (۱۳۸۹) واسمش عشقه ،آلبوم های او هستند.

سرویس فرهنگی هنری



گفتگو با شاهرخ نادری، پیشکسوت رادیو

«دقت» و «دل» سرلوحه برنامه «گلها» بود

خاطراتی از پیشگامان رادیو

● هومن ظریف

شـــاهرخ نادری در آستانه ۸۲ سالگی، خاطرات قابل تاملی از حال و هوای برنامه گلهای رادیو، هنرمندان نام آشنا یا کســـانی که کمتر از آنها می‌دانیم، در دل دارد. یکی از روزهای آخر زمستان پای صحبت او نشستم. او تهیه‌کننده برنامه رادیو دریا بود. برنامه‌ای که منوچهر نوذری، ژاله علو، زینت مودب و مولود ذهتاب، از جمله گویندگان آن بودند.

نادری همچنین، بعد از رادیـــو دریا، با اقتباس از آن، رادیو تعطیلی را در ۱۳۵۶ پایه‌گذاری کرد، که از ساعت ۶ و سی دقیقه صبح پنجشنبه تا ۱۲ شب جمعه از فرستنده رادیو ایران جام جم پخش می‌شد.

مولود ذهتاب، عطا بهمنش، فریدون توفیقی و فرهنگ فرّهی، ۴۸ ساعت برنامه زنده را اجرا می‌کردند.

به گفته وی؛ عمر رادیو تعطیلی کم بود چون او دوبار به تعبیری بند را آب داده بود! ماجرای یکی از این اشتباهات که در روزنامه کیهان پیش از انقلاب با تیتر: «رادیو تعطیلی، تعطیل شد» منعکس شده است از این قرار بود که؛ تهران در زمستان، سرد و نفت کمیاب می‌شود. گروهی گزارشگر به انبار نفت می‌روند تا رپرتاژ تهیه کنند. آنها مشاهده می‌کنند که کامیون‌های حمل نفت، به‌جای اینکه نفت را در شهر توزیع کنند، به هتلی به نام پارک هتل می‌روند و نفت را با قیمت بالامی‌فروشند.»

نادری می‌گوید: این بهانه‌ای شـــد که آقای فرازمند، مسئول وقت رادیو و تلویزیون در نامه‌ای بنویسد که چون ماه محرم در پیش است، رادیو تعطیل شد.»

گفتگوی ما با این پیشکســـوت رادیو ایران را پذیرا باشید:

عکس ها: داوود قهردار



لطفاً از حال و هوای روزگاری که با اهل فرهنگ و هنر رادیو حشرونشر داشتید بفرمائید:

یاعلی! همیشه من با این ذکر سخنم را آغاز می‌کنم. امروز خوشحالم که میزبان شما از روزنامه اطلاعات هستم. از من درباره بزرگانی پرسیدید که نیاز هست در مقدمه از چند محل نام ببرم. با منطقه‌ای از تهران ۶۰ سال پیش. خیابان فردوسی، خیابان سعدی، یک خیابان وسط این دو خیابان دست به نام منوچهری و خیابانی هم این‌ها را قطع می‌کرد و به نام لاله زار و چهارراهی داشت به نام چهارراه کنت. املاک فوق‌العاده زیادی در این محدوده وجود داشت به خصوص بیشتر این املاک متعلق به یک نفر بود، به نام مشیرالدوله. مشیرالدوله در زمان شروع کار رضاشاه، رئیس الوزراء بود و فرزندش داوود پیرنیا بود که خود داوود پیرنیا مدت زمانی در کابینه قوام السلطنه معاون نخست وزیر بود. حالا چرا من به این منطقه اشاره کردم؟ بیشتر املاکی که در این منطقه وجود داشته متعلق به مشیرالدوله و خانواده پیرنیا بود. اما من هم متولد خیابان خانقاه، چهارراه سید علی هستم و همسایه پیرنیا بودم، شخصیت پیرنیا را خوب می‌شناسم.

برنامه گلهای جاویدان و گلهای رنگارنگ را همه مردم دنیا و به خصوص مردم هموطن می‌دانند ولی کسی نمی‌داند که پیرنیا که بود، چه می‌کرد و چه خصوصیات اخلاقی داشت و چه سجایای بارزی داشت. مخصوصاً که در رادیو استودیوی کوچک و محقر گلها، جنب اتاق ادیت و مونتاژ بچه‌های رادیو بود.

آن محل ضمن اینکه افتخار محل سکونت داوود پیرنیا را داشت، هنر مملکت ما در آنجا رشد کرد. اسم می‌برم؛ ابوالحسن صبا، خیابان ظهیر الدوله، غلامحسین بنیان، مستاجر خودم بودم در خانقاه، حسین یاحقی، پرویز یاحقی، خانم عفت روحبخش، روح انگیز، پروانه، مصطفی پایان و پوران و از همه مهمتر هنرستان موسیقی ملی، در مجموعه‌ای بود که خدمت شما عرض شد.

لطفاً خصوصیات و دغدغه‌های جناب پیرنیا را توضیح دهید:

ج ـ دلم می‌خواهد که یک نگاهی هم از دور خیابان فردوسی داشته باشیم. خیابانی در آنجا بود یک طرف میدان فردوسی و یک طرف چهارراه استانبول ـ یک ساختمان بسیار زیبا و قدمی داشت به‌نام ساختمان شرکت فرش، مالک این ساختمان مشیرالدوله و از لحاظ توارث، داوود پیرنیا بود. بخشی از ساختمان پیرنیا اکنون به‌عنوان موزه وجود دارد. خاطرم هست، هر روز از منزلشان یک قابلمه دو چند طبقه می‌آمد و امکان اینکه ایشان غذا را تنها میل بکند وجود نداشت. اگر از همکاران گلها کسی بود با آنها غذا می‌خورد و گرنه با من و دیگران هم غذا می‌شد.

برای جلب نظر و هنرمندان موسیقیدان، چه شیوه‌ای داشت؟

ج ـ یکی از قشنگ‌ترین خاطراتی که به یاد دارم این بود که در یک روز بارانی که آن وقت‌ها ماشین‌هایی در تهران بود به نام اُپن که دو دَر داشت. گفت ماشین را بردار تا باهم برویم. قسمت‌های آخر تهران هم تخت جمشید و تخت طاووس بود. من با ماشین ایشان را آوردم خیابان تخت جمشید روبروی سفارت امریکای سابق برادرانی بودند به نام برادران شیرازی که پارچه‌های گران قیمت داشتند رفتیم آنجا، یک قواره پارچه خیلی گرانقیمت خرید. سوار شدیم و گفت بریم جلوتر. یک گل فروشی خیلی معروفی بود به نام آتلانتیک . گفت صبر کن. رفت و یک گل فوق‌العاده گرانقیمت خرید. گذاشتیم داخل ماشین و سپس رفتیم در خیابان ولیعصر، یک جواهر فروشی باز شده بود به نام اگر سیو که روی آن هتلی بود. رفتیم آنجا و یک جواهر گرانقیمت زنانه خرید. این گل و جواهر و پارچه را برداشتیم و به سوی پل تجریش رفتیم.

آن وقت‌ها تهران کوچک بود. جاده‌ها خلوت بود. در این باران شدند رفتیم و به بلوار ناهید رسیدیم. در آنجا خانه‌ای بود به سبک زورخانه ساخته شده بود که خانه خانم الهه بود. نگهداشتیم و تمام هدایا را برداشتیم و رفتیم منزل خانم الهه به ایشان تقدیم کرد. از پول کجا؟ از پول خودش! چون همان روز پرداخت حقوق برنامه گلها انجام شده بود و هرچه اضافه آمده بود، برای این هنرمند خرید کرده بود! در هنگام برگشتن پرسیدم که آقای پیرنیا به چه مناسبت این کار را کردید؟ گفت: یک آهنگ ارمنی بود که ما تمرین کردیم با جواد معروفی و این خانم به قدری این آهنگ را با شعرهای ارجمند خوب اجرا کرد که من مدیون شدم. اگر امروز این هدایا را برای ایشان بردم لیاقت این را داشت که چنین کاری را بکنم. شما فکر کنید که کسی مسئولیت گلها را داشته باشد و این همه هنر و ذوق داشته باشد ولی در مقابل یک کار خوب، تعظیم و تکریم کند. او داوود پیرنیا بود کسی نمی‌تواند داوود پیرنیا را فراموش کند.

شما فکر کنید که کسی مسئولیت گلها را داشته باشد و این همه هنر و ذوق داشته باشد ولی در مقابل یک کار خوب، تعظیم و تکریم کند. او داوود پیرنیا بود کسی نمی‌تواند داوود پیرنیا را فراموش کند

آیا ایشان سخت‌گیر نبودند؟

ج ـ کسانی که با ایشان کار می‌کردند، باید صبر ایوب می‌داشتند. برای اجرای یک آهنگ شاید ۳ روز ارکستر باید تمرین می‌کرد تا اجرای تمرینی آن ضبط شود. آهنگ شتابزده تولید نمی‌شد. در تمام برنامه‌های گل‌های جاویدان، برگ سبز، شاخه گل، گل‌های صحرایی، یک برنامه با صدای خانم دلکش نیست. با اینکه یکی از بهترین صداهای آن زمان، صدای بانو دلکش بود. خیلی از خواننده‌های مرد معتقدند که آواز خوان یعنی خانم دلکش. ایشان چون صبر و حوصله داوود پیرنیا را نداشت هیچ موقع نمی‌توانست در ارکستر گل‌ها، هنر نمایی کند.

دلیل کیفیت خوب آثاری که با مدیریت پیرنیا انجام شد، چه اشخاصی بودند؟

ج ـ من یک مصاحبه با جناب پیرنیا در سی و هفتمین سال تأسیس رادیو داشتم که آقای بنان در آنجا خیلی صحبت کردند. همیشه آقای پیرنیایی گفت: از جواد معروفی، احمد عبادی، علی تجویدی، نهایت سپاس و تشکر را دارم که این دوستان در شروع کار، مرا کمک کردند و این کار رونق پیدا کرد و امروز یاری می‌کنیم از همه آن هنرمندان که در آن عصر و زمان به جناب پیرنیا کمک کردند.

یادم می‌آید که برای برنامه گل‌های صحرایی، ترانه‌ای شیرازی ساخته شد. دکتر عفیفی با اسم مستعار انوشه آن ترانه را خواندند. ایشان این ترانه زیبای شیرازی را اجرا کرد و پیدا کردن دکتر عفیفی و راضی کردن ایشان کار بسیار مشکلی بود. چون سالها ایشان پزشک بودند. به توصیه داوود پیرنیا، من رفتم در ده ونک، دکتر را پیدا کردم. ایشان گفت: شاهرخ از من دیگر گذشته



است و من پزشک هستم. گفتم: بیائید با اسم مستعار بخوانید. دکتر عفیفی با اسم فرزندش این ترانه را اجرا کرد.

مردآواز ایران چگونه به برنامه گلها راه پیدا کرد؟

ج ـ یک صدابرداری داشتیم در رادیو به نام حسین محبی که مشهدی بود و با آقای شجریان همشهری بود. آقای شجریان آرزو داشت که صدایش را آقای پیرنیا بشنود. از طریق مرحوم حسین محبی، صدای آقای شجریان توسط کاستی به گوش آقای پیرنیا می‌رسد و بعدها چه شاهکارهایی که اجرا کردند و شاهد هستید و بعدها با آقای ابتهاج کار کردند.

آقای اکبر گلپایگانی در سال ۱۳۴۶، با پیانوی مرتضی‌خان محجوبی و شعر بیژن ترقی، مست مستم ساقیا، دستم بگیر را اجرا کردند که برای اولین‌بار در رادیو صدایشان ضبط شد و به گوش آقای پیرنیا رسید. ایرج نیز افسر ارتش بود و به قدری صدای او وسعت و گیرایی داشت که خیلی زود به برنامه گلها راه پیدا کرد. آقای پیرنیا گلچین می‌کردند افراد را، بهترین‌ها را انتخاب می‌کردند.

در یکی از برنامه‌ها، قرار بود که حبیب‌الله بدیعی نوازندگی کند و ایرج بخواند. آقای بدیعی گرفتار شدند و آقای فرهنگ شریف در مایه چهار گاه، قطعه‌ای اجرا کردند که به نظرم برنامه ۵۴۹ بود.

آرزو دارم آن روی زیبا را ببینم
آن سرو و آن سینه و آن بالای رعنا را ببینم
نقش رویای مرا، در چشم مشتاقم بخوانی
تا در آن چشمان جادو، نقش رویا را ببینم
پیش پای خویش را آسان نمی‌بینم، کجایی!
ای چراغ زندگی، تا عرش اعلی را ببینم

* با اجرا شدن این شعر پژمان بختیاری، تا مدتها برنامه گلها رفت زیر سایه این برنامه. بنابراین روز به روز، نوآوری پیشرفت بود. بعد از اینکه آقای پیرنیا به خاطر مشکلات اداری از ماجرا باخبر شد، مدتی آقای محمد میرنقیبی، سرپرستی گلها را بدست گرفت و بعد در سال ۱۳۵۰ با تلویزیون ادغام شدیم، آقای ابتهاج (سایه)، سرپرستی برنامه را برعهده گرفت و برنامه گلهای تازه را بوجود آورد. گلهای تازه به آن صورت عظمت گلهای جاویدان و گلهای رنگارنگ را نداشت. یک مقدمه و تکنوازی و یک آواز داشت اما همایون خرم یکی از نوابغ آهنگسازی ما بود که کارهای زیبایی در همین گل‌های تازه اجرا کرد. نمی‌توان از اینها گذشت. صدای قوامی را کسی مگر می‌تواند فراموش کند؟

بخشی از خانه آقای پیرنیا، بعدها تبدیل شد به دبیرستان دخترانه شمس در لاله زارنو. یک بن بستی بود که دو در داشت و دری از آن به خیابان منوچهری باز می‌شد. باغ بسیار بزرگی بود در آنجا که خانواده پیرنیا آنجا بودند. قسمتی دیگر از این خانه، کاشی‌های عتیقه داشت. آقای پیرنیا گهگاه، برای اینکه بتواند برنامه گلها را اداره کند، این کاشی‌ها را با دستگاه‌های مخصوص عتیقه فروشان، جدا می‌کرد و هزینه برنامه گلها می‌کرد.

جریان خروج پیرنیا از برنامه گلها چه بود؟

وقتی که سرلشگر پا کروان، به جای آقای معینیان به رادیو آمد و سپهبدی به نام سعادتمند را نیز با خود آورد. چون از ارتش به رادیو آمده بودند، خیلی دنبال استیلای نظم و یکپارچگی بودند. آقای پیرنیا که مسئولیت گلها را داشتند، استقلال مالی داشتند. همه کارها را خودشان انجام می‌دادند. حتی دستمزدها را خودشان تعیین می‌کردند اصلاً برخی اوقات بنابر لیاقت پاداش می‌دادند. بنابراین حسابداری این مدیران ارتشی، توقع داشتند، امورات آقای پیرنیا را تحت نظر بگیرند. این بود که جناب پیرنیا زیر بار نرفتند و کار را قبول نکردند و مدتی با اکراه بودند و بعد استعفا کردند و گفتند که دیگر خسته شدم.

البته کهولت سن هم داشتند. سالهای سال معاون قوام السلطنه بودند. او آدم منضبط و مستقلی بود.

شیوه ضبط و تمرین یک برنامه گلها چگونه بود؟

ج ـ گلها در ابتدا استودیو نداشت. چون در سال ۱۳۴۲، استودیو کم بود هر استودیویی ساعت داشت و برنامه گلها به



صورت چرخشی در استودیو شماره ۲ یا ۴ می‌رفت. حالا شما فکر کنید در یک ساعت محدود باید چه فشاری را نوازنده‌ها تحمل می‌کردند. هر برنامه گلها در آن زمان ۱۵۰ هزار تومان هزینه زا بود! حداقل ۲۰ نوازنده داشت. تا اینکه ارکستر کوک شود و تمرین بکند، کلی وقت گیر بود. تازه، یکبارو دو بار هم نبود. این قدر تمرین‌ها زیاد بود که آقای پیرنیا همه را خسته می‌کرد! گهگاه تمرین قطع می‌شد و به روز دیگری می‌افتاد. بنابراین بی‌خودی نیست که آهنگ‌های گلها شکل می‌گیرد. بی‌دلیل نیست که از گلها کمتر می‌توان ایراد گرفت. نه سازی ناکوک بود و نه کوچکترین ناهماهنگی سازها. بنابراین کار خیلی سخت بود. یادم می‌آید که این قدر در استودیو کوچک شماره۲، تمرین کرده بودند که وقتی آمدند استودیو بزرگ، همه مشکل داشتند! گویا عادت کرده بودند. اصلاً خود استعداد خواننده در طول ضبط برنامه‌ها شرط بود. یعنی اگر خواننده‌ای، آهنگی را از حفظ بود، می‌توانستند حتی در ضبط اول، کار را تمام کنند. برخی خواننده‌ها، مانند پوران در یک بار تمرین، ضبط اصلی انجام می‌شد. برخی هم اگر ده بار تمرین می‌شد، خود خواننده معتقد بود که بد خوانده است!

نقش رهی معیری در برنامه گلها چگونه بود؟

بدون شک رهی معیری، در رونق برنامه گلها نقش اساسی داشت. اشعار ایشان خیلی شنیدنی بود. نمی‌دانم گلستان ظهیر الدوله را رفتید یا نه، بروید ببینید چه کسانی آنجا خفته‌اند و به امامزاده طاهر کرج بروید و به یادگار غلامحسین کرباسچی بروید در قطعه هنرمندان که از سال ۱۳۷۲ شکل گرفته بروید. رهی معیری، یکی از خوش قیافه‌ترین پیرمردهای زمان خودش بود! تمام بچه‌های رادیو هر روز می‌ایستادیم که رهی معیری ساعت ۱۰ و نیم بیاید استودیو گلها و ما از بذله گویی‌های او لذت ببرم. همیشه یک تسبیح عقیق در دستش بود و پالتوی بلندی می‌پوشید. البته بعد از سال ۱۳۵۰، توسط رضا قطبی، استودیوی بزرگی برای گلها ساخته شد که در آنجا مستقر شدیم. یکی از روزها هرچه منتظر ماندیم، رهی‌معیری نیامد. سه روز گذشت. به آقای پیرنیا مراجعه کردیم. پیرنیا گفت: به من زنگ زده است و گفته است، نه زنگ بزنید و نه به‌دنبال من بیایید. چون تنها زندگی می‌کرد. او سرطان فک گرفته بود و از قیافه افتاده بود. حتی به خدمتکارش گفته بود که وقتی من می‌خواهم بروم دستشویی، تو باید بروی جائی که من را نبینی. شعری را از قول پیرنیا، از او به یاد دارم؛

نفت چراغ نفتی ماهم تمام شد.
اکنون فتیله سوزد و این روشنی از دست!

هر برنامه گلها در آن زمان ۱۵۰ هزار تومان هزینه زا بود! حداقل ۲۰ نوازنده داشت. تا اینکه ارکستر کوک شود و تمرین بکند، کلی وقت گیر بود. تازه، یکبارو دو بار هم نبود. این قدر تمرین‌ها زیاد بود که آقای پیرنیا همه را خسته می‌کرد!

شیوه انتخاب اشعار و سرایش آنها چگونه بود؟

همه چیز دلی بود. بگذارید خاطره‌ای مهم بگویم. روزی فردی به نام رضا جنتی نه آن جنتی عطایی، از یکی از آهنگسازان بزرگ لشگری درخواست کرد، شعری را برپایه یکی از آهنگ‌های او بسراید. رضا جنتی اهل سیستان و بلوچستان ساکن تهران بود. مضمون آهنگ این است:

هر که دیدم یاری داده من ندارم
شب که میشه خونه‌ای روشن ندارم
من از کسی کمترم یاری ندارم؟!

این شعر از رضا جنتی بود براساس آهنگی از بزرگ لشگری و با صدای یاسمین (پری سلامی) بعد از او پرسیدند چرا این شعر را گفتی؟ جنتی گفت: من با یک دخترخانم نیوزلندی ازدواج کردم، این خانم رفت اقوامش را ببیند ولی دیگر برنگشته است! بعد از ۶ ماه، رضاجنتی مراجعه می‌کند که من شعری ساخته‌ام که:

دو سه شبه که چشمام به دره
خدا کنه که خوابم نبره....

گویا بازهم از آن دختر خانم نیوزلندی خبری نشده است! بعد از مدتی باز بزرگ لشگری به او مراجعه می کند و می گوید آهنگی دارم، ترانه‌ای داری! رضا جنتی می‌گوید: من مضمونی برای فرار همسرم دارم می‌گوید:

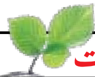
به دل اینجا، یه دل اونجا
اشک حسرت توی چشمام
دل تابیتاب نشده
اشکا سیلاب نشده (خداحافظ)
وقتی دل بد میاره
گریه حاصل نداره (خداحافظ)

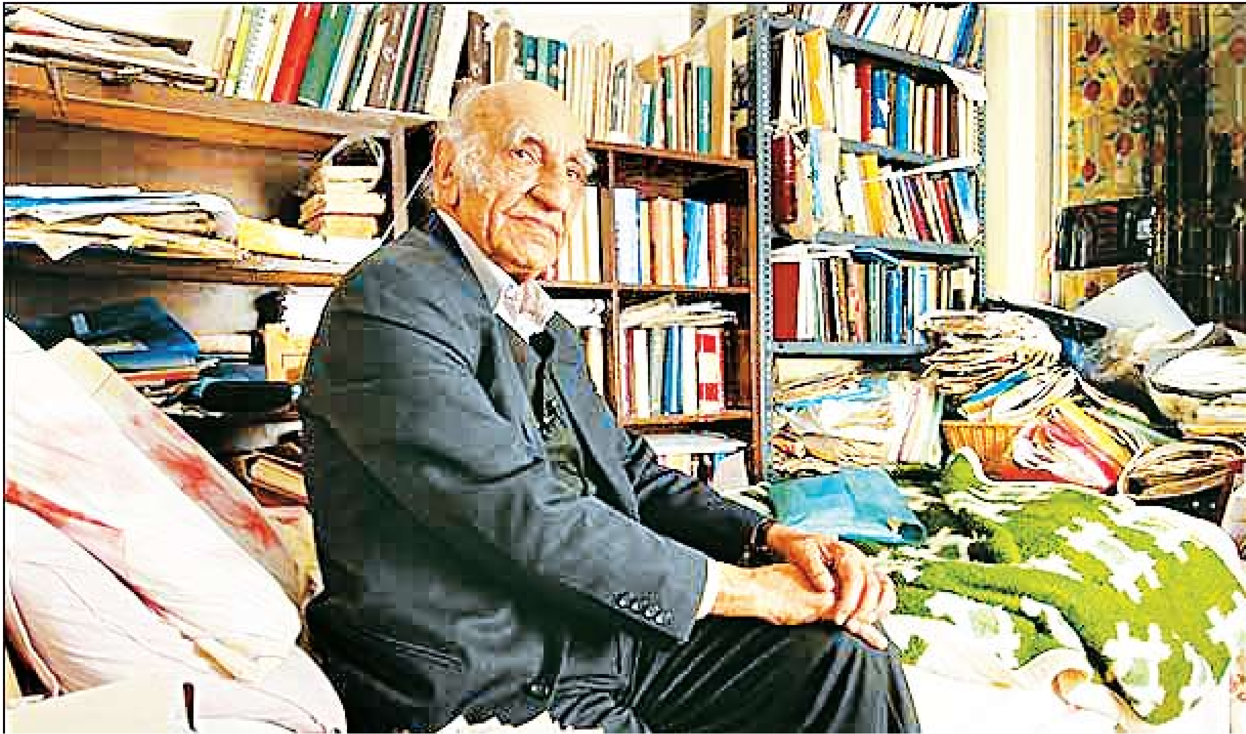
آهنگ چهارم شعری است از همین پسر که آهنگ مال بزرگ لشگری است ضمناً در این فاصله، این جوان معتاد می‌شود، اما بازهم از آن دخترخانم خبری نیست. شعر ترانه‌ای با آهنگ بزرگ لشگری سروده می‌شود:

خدایا خدایا چرا از من او را گرفتی که ماتم بگیرم
من از این سوی دنیا تو آن سوی دنیا، چرا درد خود کم بگیرم؟

شما فکر کنید چقدر این مضمون‌ها قشنگ است در مورد عشق. خلاصه همه کارهایی که در رادیو انجام می‌شد، سوژه‌ای ملموس داشت و برای همین بردل می‌نشست.



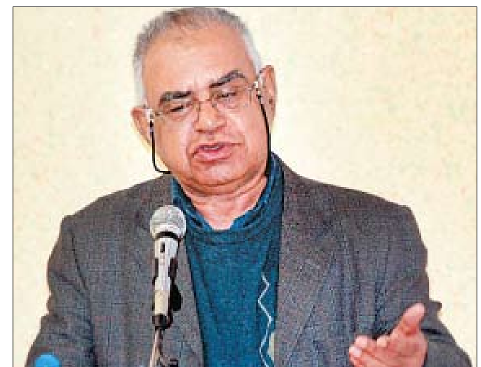




استاد باستانی پاریزی در کتابخانه‌اش

خاطرات پروفسور مهدی رجبعلی‌پور از استاد دکتر باستانی پاریزی

از ملک ادب حکم گذاران همه رفتند



● **پروفسور مهدی رجبعلی‌پور**
عضو پیوسته فرهنگستان علوم

استاد باستانی پاریزی به رحمت ایزدی پیوست و با شکوهی که شایسته او بود تا جوار همسرش در بهشت زهرای تهران تشییع شد. از شرکت در این مراسم محروم بودم و آن چه فعلاً از دست من برمی‌آید همین دلنوشته است و فکر این که چه چیزی بر سنگ قبر این بزرگوار نوشته شود. دلم می‌خواست در کرمان به خاک سپرده می‌شد ولی افسوس که نشد. عنوان این مقاله یا مرثیه نامه من با هدف خاصی انتخاب شده که مقدمه دلنوشته‌ام را به آن اختصاص می‌دهم. عارف قزوینی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی درگذشت، وطن‌پرستان پرشور از غمش در ماتم عمیقی فرو رفتند و ملک‌الشعرای بهار هم از آن مستثنی نبود؛ بهار در غربت تبعید، بر مرگ عارف گریست و برای تسکین دل خودش، شعری با مطلع «دعوی چه کنی داعیه‌داران همه رفتند» در رثای او سرود. اما بهار و عده دیگری از بزرگان سیاست و ادب آن روز به قول استاد باستانی پاریزی از عارف «حسود بد دهن بی‌انصاف» دل آزرده بودند و بهار به هر دلیل، حاضر نشد این اثر بدیع خود را علنی سازد. ملک‌الشعراء بهار که اندکی قبل از سال ۱۳۲۸ خورشیدی خود را اسیر پنجه بیماری سل می‌دید، کلیه اشعار منتشر نشده‌اش را که استاد باستانی پاریزی حجمشان را با شاهنامه فردوسی برابر می‌دید، به دفتر مجله یغما سپرد تا حبیب یغمایی گزیده‌هائی را به مرور ایام و به صلاح دید خود در مجله‌اش چاپ کند. در ماموریت صد روزه یغمایی به کرمان، مسئولیت دفتر مجله بر عهده شاگرد ۲۴ ساله‌اش باستانی پاریزی بود که در همین دوره کوتاه، علامه محمد قزوینی به رحمت ایزدی پیوست. حبیب یغمائی با تلگراف پیغام فرستاد که شماره بعدی را به یادبود علامه قزوینی اختصاص دهند. باستانی که به قول خودش دوران «نادانی و جهالت جوانی» را می گذراند، کاغذ پاره‌های بهار را زیر و رو کرد و بی‌خبر از اختلافات بین بهار و مرحوم علامه قزوینی (و به زعم خود معصومانه)، مطلع مرثیه مرگ عارف قزوینی را تغییر داد و شعر را در رثای همشهری او علامه قزوینی قالب کرد.(این حس همشهری گری، مشخصه بارز باستانی پاریزی بود و در این داد و ستد بین ارواح عارف و علامه هم خود باستانی معصومانه اعتراف می کند که دیدم این دو مرحوم همشهریند و با هم کنار می آیند؛ روح عارف هم با این دستکاری در مطلع شعر دیگر نمی تواند مدعی مالکیت صددرصد آن باشد!) بعد از چاپ هم که بهار به یغمائی اعتراض کرد، خود یغمائی تمام گناه را به گردن گرفت و آبروی شاگرد محبوبش را خرید. حتی یکبار هم استاد پاریزی در مجله دیگری به گناه خود اعتراف کرد، ولی یغمائی فورا به سردبیر آن مجله نامه فرستاد و باستانی را مبری و خود را مسئول دانست. فقط بعد از رحلت یغمائی بودکه استاد پاریزی توانست با خیال راحت اعتراف کند و همه گناهان را به تنهائی به گردن بگیرد. (مردان بزرگ را مردان بزرگ شناسائی می‌کنند؛ همین باستانی که خودش را در۲۴ سالگی جوانی جاهل می‌دانست، چهار سال قبل از آن، اولین تحقیق خود را با عنوان پیغمبر دزدان از دید یغمائی گذرانده بود. چه بسا اگر یغمائی آبروی شاگرد جوانش را نمی‌خرید، این استعداد در همانجا می‌خشکید.) ببخشید که من همه بزرگان را بدون القاب اسم می‌برم ولی چون به نام باستانی می‌رسم بی‌اختیار لقب استاد بر قلمم جاری می‌شود؛ این بدان جهت است که من هنوز مرگش را باور ندارم و خود را در حضورش احساس می‌کنم؛ همین سه ماه پیش بود که دو ساعت چشم در چشمان بی‌رمقش دوخته بودم و دور از اغیار، هر معمائی را که در ذهن داشتم(بجز دو راز مهم) از او می‌پرسیدم.

به عنوان دلنوشته‌ام برگردم؛ در مطلع دستکاری شده استاد یعنی همین عنوان مرثیه ما، واژه «حکم‌گذار» به معنای حاکم و حکم دهنده است. مطلع زیبای مرثیه بهار فقط برازنده «داعیه‌داری» همچون خود عارف بود و دستکاری لطیف پاریزی جوان، مرثیه را به شان دانشمندی همچون علامه قزوینی ارتقاء داد که اینک هم بدون شک زیبنده مقام خود استاد باستانی پاریزی است. آرزویم اینست که این سکه بدل استاد پاریزی که در مقام خود با هزار سکه طلا برابری می‌کند، چشم‌نواز سنگ قبر خود آن بزرگوار گردد. این را هم اضافه کنم که برخی این سکه بدل را با «حکم‌گزار» نوشته‌اند که معنایش مطیع و فرمان‌بردار است. طبیعی است که بزرگان ادب ما که هنوز هم در میان ما کم نیستند، سنت‌هایشان قانون و چراغ راه دانش پژوهان و طالبان علم است و اگر به رسم تواضع خود را حکم‌گزار ملک ادب بخوانند، ما آنان را در مقام حکم‌گذار می‌بینیم.

قبل از این که به شاخه دیگر بپرم، تاملی رادر این مثلث «بازیگوشی ـ از خودگذشتگی ـ پشیمانی» را لازم می‌بینیم.

این مثلث با بازیگوشی یک جوان کم‌تجربه شروع می‌شود و چون هیچ سودی برایش نداشته، هیچ تهمت سوء استفاده‌ای بر آن وارد نیست؛ بوده‌اند شاعرانی که اشعار خود را به بزرگان منتسب می‌کردند فقط به این امید که موسایشان غرقابه نیل را بگذراند و در مأمن شاهان بالنده شود. حبیب یغمائی هم قلبا از این بازیگوشی بدیع لذت برد و آب به جوی رفته را به فال نیک گرفت و همین که با اعتراض بهار روبرو شد، آتیه درخشان دانشجوی جوانش را به خطر نینداخت و بار گناه را یک تنه به دوش گرفت. دانشجوی باوجدان هم حاضر نبود شخصیت پیشکسوتی همچون یغمائی خدشه‌دار شود. این را مقایسه می‌کنم با رئیس جمهوری که مدارک علمی دانشگاه‌های کشورش را در حد کاغذ پاره پائین می‌آورد، استاد تابعش با شراکت دانشجویش مقاله علمی دیگران را سرقت می‌کند و آنگاه که لو می‌روند، پشت دانشجو را خالی می‌گذارد و همه گناهان را به گردن آن جوان ناشی تازه‌کار می‌اندازد. چه کسانی در این

مملکت حکم‌گذار ملک ادب می‌توانند باشند؟ اَینَ تذهبون؟

به نوشـــتن مرثیه خود برگردم؛ به لطف دوستان و بخت و اقبال، قرعه چنین تکلیف شریفی به نام من هم اصابت کرد. ظلمی از این بالاتر نیست که باستانی پاریزی ۷۰ سال «یک کول» درباره ایران و کرمان قلم زده باشد و من بی‌مایه، دریای عمیق غم دل را از نوک باریک و عاجز قلمم خالی کنم. البته جویای نامم و فرصت را غنیمت می‌شمرم؛ اما چه بنویسم از طناز لطیفی که عندلیبان و هزاران را در شاخسارهای هزارستان طبعش به نغمه‌سرائی واداشت، از زبان فصیحی که مرزهای هفت اقلیم فارس و عرب را به فراسوی هفت دریای روم و فرنگ کشاند، و از خبیری که تشنگان را در خنکای آب قنات از مادرچاه تا مظهرش همراهی کرد، مشتاقان طبیعت را با گل و گیاه و وحش کویر آشنا ساخت، و نظریه نسبیت اینشتین، مبانی اقتصاد، حل معادلات چند مجهولی و صدها نکته ظریف علمی دیگر را به فهم عوام بیان کرد. زبانی شیرین لازمست تا حلاوت و ملاحت کلامش را بازگو کند. زبان من قاصر اســـت مگر آن که پند هوشنگ، همکلاس ششم دبستانم را گوش کنم که با زبان حال می‌گفت: «این بر ما دانش آموزان واضح و مبرهن است را اول کنید و خودمانی بنویسید.» که شنیدن پندش به گوش جان، کشاندن کوله بار اجباری درس انشاء را بسی آسان‌تر ساخت.

تکلیف را سبک می‌کنم و از جریان ساده آشنایی‌ام با استاد پاریزی می‌نویسم. تمام تلاش من این است که تصویر ایشان را آن طور که خود دیدم ترسیم کنم ولی چکنم که نقاش خوبی نیستم و آن چه آخر سر به دست شما می‌رسد کاریکاتوری بیش نیست. هر کلمه‌ای که در این مقاله می‌نویسم به خاطر آن مرحوم است ولو به ظاهر از خط خارج شوم. سال ۱۳۴۹ من تازه داماد و همسرم پس از دیدار مختصری از اقوام کرمانی، با اتوبوس عازم تهران بودیم که از آن جا برای ادامه تحصیل به کانادا برویم. در ردیف جلوی من خانمی نشسته بود که با آقای کناری گرم صحبت بود و من نیمرخ آقا را به خوبی می‌دیدم؛ لابد به دلیل قرینه خانمم نیز نیمرخ آن خانم را می‌دید. ساعتی نگذشت که آن خانم بدون مقدمه سرش را به سوی همسرم چرخاند و با خیره شدن در چشمان او گفت: «چشم‌های تو به خانواده مومنائی‌های چترودی رفته است» و البته کاملاً درست می‌گفت؛ چون صورت من را هم دیده بود، اضافه کرد: «تو هم شـــاگرد من بوده‌ای». خود را معرفی کرد و من با شگفتی و خوشحالی جواب دادم که بله ۱۹ ســـال پیش در کلاس اول ابتدایی شاگردش بودم. پس از معرفی خودم، ادامه دادم که مربی ریاضی دانشگاه پهلوی هستم. خانمم نیز پس از شنیدن نام آن خانم، به من خاطر نشان ساخت که مادرش و این خانم از نوادگان ملامومنای چترودی هستند. آنگاه معلم دیرینه‌ام با اشاره به صندلی کناری‌اش، آقای دکتر باستانی پاریزی را معرفی کرد. من با شرمندگی باید اعتراف کنم که نام استاد را فقط در رابطه با قصیده طویل طنزی شنیده بودم که هیچکس مسئولیت آن را نمی‌پذیرفت ولی نام باستانی پاریزی پچ پچ می‌شد. این شعر بین دانشجویان دانشگاه تهران دست به دست می‌گشت و خیلی‌ها دستنویس آن را داشتند. یکی از همکلاسی‌های دانشگاهی من این شعر را به مقتضای جوانی چنانکه افتد و دانی در جیب بغلش نگه می‌داشت و هر وقت از بار سنگین درس‌ها خسته می‌شـــد، آن را بیرون می‌آورد و برایمان می‌خواند. به هر حال این اولین باری بود که چهره استاد پاریزی ۴۵ ساله را می‌دیدم و هیچ ارتباط فی‌البداهه‌ای هم بین آن طنز طویل و چهره او برقرار نکردم؛ شاید در کنار همسر دلبندم، فارغ از آن عوالم نوجوانی، به کارهای مهم‌تری می‌اندیشیدم. این خاطره همیشه در ذهن من باقی ماند، گرچه تا سال‌ها بعد همچنان از کارهای اســـتاد پاریزی بی‌اطلاع بودم و این را هم نمی‌دانستم که زاده شدن من با آفریده شدن اولین اثر تحقیقی دکتر باستانی پاریزی با عنوان پیغمبر دزدان همزمان بوده است.

سال ۱۳۶۲ که پس از یک خانه به دوشی ۲۰ ساله، برای کار دائمی به زادگاهم برگشته بودم، مرحوم مهندس علیرضا افضلی‌پور (بنیانگذار دانشگاه کرمان) در میان درد دل‌ها و خاطرات خود، جذابیت توصیف‌های باستانی پاریزی را یکی از عوامل موثر در انتخاب محل دانشـــگاهش بر می‌شمرد. باز هم دلیل دیگری بر شرمندگی من که هنوز در سن ۳۸ سالگی نمی‌دانستم دکتر باستانی پاریزی چه چیزهایی در مورد کرمان و کرمانیان نوشته بود. گذشت و گذشت تا من به دلایلی علاقمند به سیر دانش ریاضی در ایالت کرمان شدم و می‌خواستم مرکز پژوهشی



تازه تاسیسمان را به نام یک ریاضیدان کرمانی بکنم؛ اسم مرکز را خوارزمی گذاشته بودند ولی من با همه احترامم به خوارزمی، با انحصار نام‌گذاری نهادها و انجمن‌ها به تعداد معدودی از بزرگان علم و ادب کشـــورمان مانند فردوسی و خوارزمی و سعدی و غیره مخالف بودم و آن را توطئه‌ای بر ضد شـــکوه و غنای چندین هزارساله فرهنگ کشورمان می‌دانستم. خوشبختانه به نام ریاضیدان توانمند، ابو عبدالله محمدبن عیسی ماهانی برخوردم و با دفاعی که از او به عمل آوردم، همکاران کرمانی و مسئولان وزارتی را با نام پیشنهادی «مرکز پژوهشی ریاضی ماهانی» موافق خود ساختم. یک روز هم استاد باستانی پاریزی در تالار وحدت دانشگاه کرمان سخنرانی داشت و برای این که برنامه را مفصل‌تر کنند به من هم گفتند از ماهانی صحبت کنم؛ با ترس و لرز در کنار استاد نشستم و طبق برنامه پیش رفتم. ترس و لرزم از اشتباه کردن در تاریخ‌ها و نام‌های شاهان و مکان‌ها و ناهمزمانی ادعاهایم بود وگرنه استاد پاریزی را چه کار با جذر اصم و یا کسر مسلسل! در همین تحقیقات مثلا متوجه شـــده بودم که تا اوایل دوران سلجوقی، اصلا شهری به اسم کرمان وجود نداشته است بلکه به مرور زمان نام ایالت کرمان با نام گواشیر (پایتخت سلجوقیان کرمان) مترادف شد و واژه «گواشیر» از زبان‌ها افتاد.

اما آشـــنایی جدی من با کتاب‌های استاد، از اواسط دهه ۱۳۷۰ با علاقمندی به سرگذشت ترکان خاتون (حاکم محبوب کرمان در عصر مغول) شروع شد و با تاسیس انجمن دوستداران قبه سبز، با همت و ابتکار همکار عزیزم سیدعباس ضیایی، اوج گرفت. (اول قرار بود نامش را انجمن دوستداران ترکان خاتون بگذاریم ولی از ترس همسرانمان جرات نکردیم. پانزده سال بعد پی بردم که ترکان خاتون همسر جد مادری‌ام بوده و لذا طبق قانون شرع و به عنوان مادربزرگ به من محرم بوده است و از آن پس بود که با خیال راحت اسمش را جلوی همسرم می‌بردم؛ نمی‌دانم آن سید عباس ضیایی شیفته ترکان خاتون که همچنان برای محبوبش قلم می‌زند، چگونه با همسرش ژاله خانم کنار آمده اســـت! لابد او هم از سوی مادرش نواده اتابکان سلغری فارس درآمده که با اولاد ترکان خاتون ازدواج کرده بودند و از این راه خود را به ترکان خاتون محرم کرده است.)

داستان ترکان خاتون از اینجا شروع شد که ریاضیدان بزرگی به نام ابوالعلاء قوشچی علیرغم مخالفت ولی نعمتش الغ‌بیگ، نوه امیرتیمور گورکانی، با چشم‌پوشی از تصدی رصدخانه سمرقند و همدمی ریاضیدانان بزرگی، همچون غیاث‌الدین جمشید کاشانی، قاضـــی‌زاده رومی و خود میرزا الغ‌بیگ، تصمیم می‌گیرد برای تکمیل تحصیلات خود، یک سالی مقیم کرمان شود. در نظر من این بدان می‌مانست که عضوی از انجمن سلطنتی انگلیس به شوق آموختن فیزیک ذرات بنیادی از تمامی مزایای خود چشم بپوشد و به دانشگاه تهران بیاید! (چرا روزی نه؟) در جستجوی مدرســـه معتبری در کرمان و آن هم در عصر پر آشوب مغول و تاتار برآمدم تا بتواند میزبان مهمان عالیقدری همچون ابوالعلاء باشد. با معمای سختی رو به رو بودم که با یافتن سرنخ‌های آن در مقالات و کتاب‌های استاد پاریزی به نتیجه‌های تاریخی جالبی رســـیدم. تحقیقات مفصل‌تر در این موضوع و بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کرمان در آن عصر، من را به مدرسه ترکان خاتون هدایت کرد که تا دو قرن قبله‌گاه دانشمندان سراسر عالم اسلام بود. از همین ممر با شخصیت چند بعدی استاد باستانی پاریزی و کار سترگ او در آشکار ساختن میراث معنوی ایرانیان و به ویژه کرمانیان از زوایای تاریک کتاب‌ها، اسناد و مدارک خطی نهفته در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور پی بردم.

در ماه ۱۳۸۳ که با چندلر دیویس، استاد راهنمای رساله‌ام، در پیاده روهای جلوی دانشگاه تهران قدم می‌زدیم به استاد پاریزی برخوردیم و من با خوشحالی او را با چندلر آشنا ساختم زیرا میدانستم که همسر تاریخدانش، ناتالی دیویس از آشنائی با یکی از تاریخدانان برجسته ایرانی قدردان من خواهد شد. بعدا از هر دو طرف شنیدم که با هم رفت و آمدهائی داشته‌اند.

سال ۱۳۸۹ که مادرم درگذشت، احساس کردم در سن ۶۵ سالگی یتیم شده‌ام، احساسی که ۶۰ سال پیش با فوت پدرم به من دست نداده بود. چون از غیبت بر بالین مادرم رنج می‌بردم، بر آن شدم که برای تسکین خاطر، در داستانها و روایت‌هائی که سینه به ســـینه از اجدادش به او منتقل شده و برایم مکررا بازگو کرده بود، تحقیق کنم. تحقیق مزبور، مرا به جستجوی در لابه‌لای کتاب‌های استاد، نه به صورت قرائت صفحه به صفحه، بلکه با مراجعه به واژه‌یاب‌ها واداشت. در تابستان ۱۳۹۰ که با همسرم، به خانه دختر استاد پاریزی در تورونتو رفتیم سوالات بسیار ابتدائیم را که مربوط به مدارک مورد استفاده استاد پاریزی در معرفی خانواده احمد علی خان وزیری می‌شد مطرح کردم (زیرا اطلاعات مادرم از طریق خاله وزیری که جده اعلای مادرم می‌شد به او رسیده بود). استاد، افرادی را در کرمان معرفی کرد و من در بازگشت به کرمان علاوه بر کسب مدارک مورد نظر و ایجاد ارتباط بین عموزادگان و خاله زادگانی که از خویشاوندی با یکدیگر خبری نداشتند، مدارک تازه‌ای هم از میان قبالجات میرزاحسین وزیر و سایر اجداد مشترکمان که در پستوها خاک می‌خوردند کشف کردم. (یک نفر هم مطلبی به من گفت که عقیده داشت استاد پاریزی نیم قرن است آن را می‌داند ولی در زمان حیاتش آنها را منتشر نمی‌کند. این تکلیف بر عهده هر کس هست بداند که ما منتظریم!)

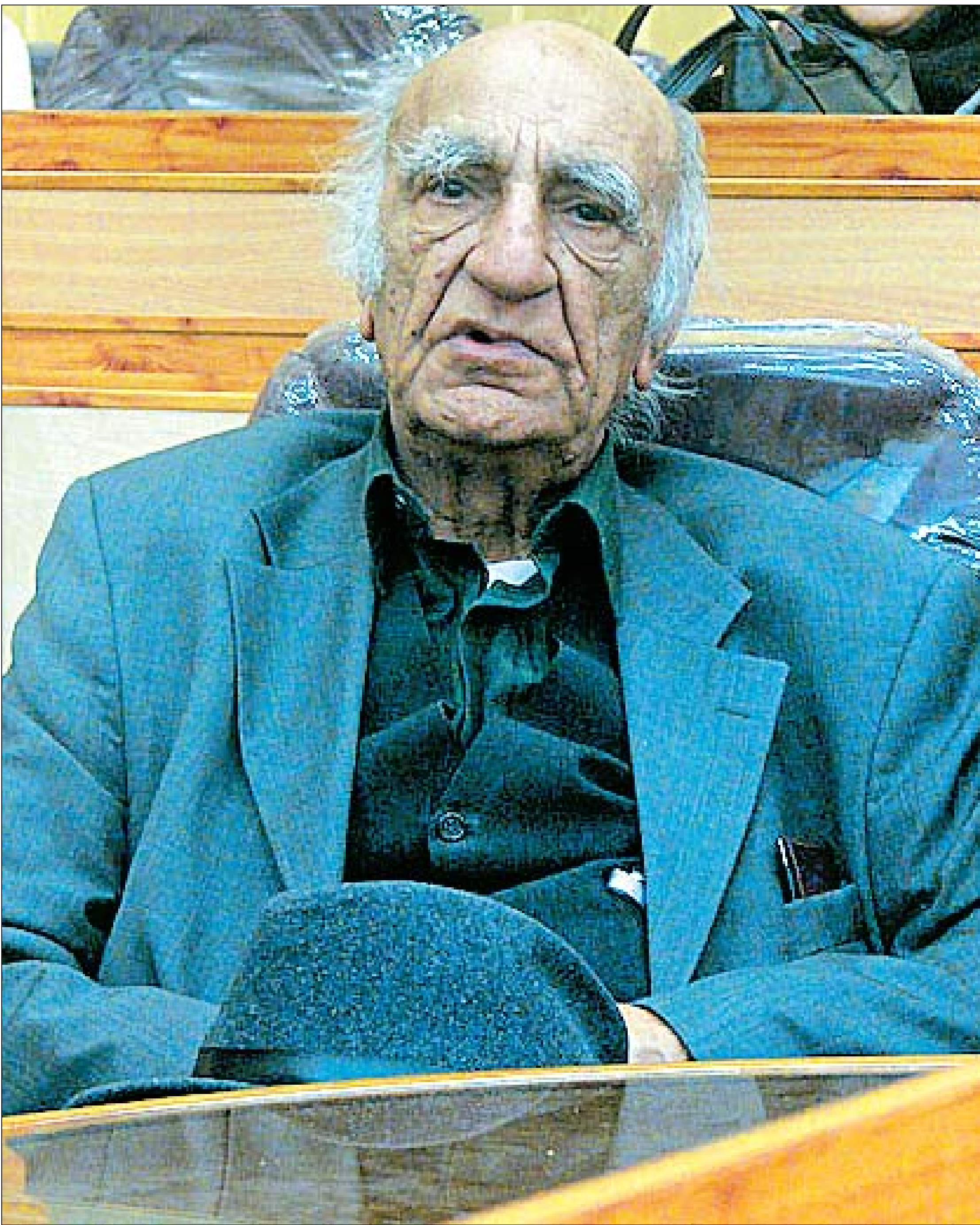
از تابســـتان ۱۳۹۰ تا سه ماه قبل از رحلت استاد به علت نامساعد بودن وضع جسمانی وی توفیق زیارتشان نصیبم نشد و دوســـتان دلخوری را که از طریق من اصرار بر زیارت استاد داشتند ولی رخصتی نمی‌یافتند دلداری می‌دادم که تندرستی و استراحت استاد بر اشتیاق و عواطف ما تقدم دارد. همه تحقیقاتی که برشمردم به دهی به نام گلوسالار در نزدیکی خنامان مربوط می‌شد که دختر بزرگ میرزا حسین وزیر به عشق کلانتر آن ده برخلاف میل پدر ولی با میانجیگری عمو به خانه شوهر رفته بود. مادرم از معمای تاریخی دیگری هم صحبت می‌کرد که به ده چشمه‌گز (نزدیک بی‌بی حیات) مربوط می‌شد و خانواده پدریم همیشه کنجکاو حقایق آن بودند و البته سرنخی پیدا نمی‌شد. در حین مطالعات گلوسالاریم، به مطلبی در کتاب صحیفه الارشاد (تصحیح و تحشیه استاد پاریزی) برخوردم که پس از بررسی و کنکاش فراوان سرنخ‌هایی احتمالی از معمای دوم به دست می‌داد. مشکل این بود که جای برخی از تاریخ‌های این کتاب، در نسخه خطی خالی گذاشته شده بود و استاد پاریزی بعضی از آنها را به قرینه حدس زده بود. این حدسیات با سرنخ‌های من همخوانی نداشتند و من به فکر افتادم با استفاده از نرم‌افزارهای

تطبیق تقویم‌های قمری به خورشیدی، بعضی از آن تاریخ‌ها را تصحیح کنم. مقاله‌ای با بیش از ۲۰ صفحه تهیه شد و تصمیم گرفتم قبل از ارسال به چا پ، نظر استاد پاریزی را داشته باشم. تابستان گذشته (۱۳۹۲) مقاله را به دخترشان در تورونتو ایمیل کردم تا به دید استاد برساند. با پذیرفتن خواسته من یادآوری کردند که استاد پاریزی به علت تزریقاتی که در چشمشان می‌شود به کندی مطالعه می‌کنند؛ من هم که نه ارتقایم به تاخیر می‌افتاد و نه از حقوق بازنشستگیم کم می‌شد، صبورانه منتظر نظر استاد نشستم

در پاییز که من به کرمان و استاد به تهران قشلاق کرده بودیم، دوستم آقای دقاقی، خواهرزاده خانم اســــتاد، به من اطلاع داد که استاد مایل به دیدار با من است. با اشتیاق در آخرین روز آذرماه به تهران رفتم و در تاکسی بودم که همکارم آقای دکتر عباس سالمی پاریزی به من زنگ زد و گفت پاریزی‌های تهران امشب به مناسبت شب یلدا دور هم جمعند و تو هم که می‌دانیم به زودی به خانه استاد باستانی پاریزی می‌رسی، ایشان را بردار و به جمع پاریزی‌ها بیاور زیرا دعوت ما را به علت ملاقات با تو رد کرده است. برای من بدیهـــی بود که ملاقات با من بهانه است چون من دعوت به شام نبودم و ساعت ۷ کارم تمام می‌شد. در هر حال قول همکاری دادم و تاکســـی هم مرا حوالی خانه استاد پیاده کرد. با کمی وقت کشی در پاساژ گلستان، درست سر ساعت ۴ بعدازظهر زنگ منزلش را زدم. استاد، عصازنان پشت در آمد و آن را باز کرد. پس از طی چند پله وارد ساختمانش شدم که فکر می‌کنم به تنهائی در آن زندگی می‌کرد. هرجا نگاه می‌کردم قفسه کتاب بود و روی صندلیی همان نزدیک در ورودی نشستم تا استاد چایش را دم کرد. بحثمان را با معرفی مختصری شروع کردیم و کلیاتی از مقاله را به خواهش او شفاها توضیح دادم. گرچه از نظر بدنی نحیف به نظر می‌رسید اما عصازنان کارهای شخصی دور خانه را انجام می‌داد؛ به نظرم رسید که پسرش طبقه بالای همان ساختمان یا جائی در آن نزدیکی‌ها زندگی می‌کند ولی من هیچ کس را در خانه‌اش ندیدم. از ناراحتی چشم می‌نالید و از این که نمی‌توانست مقاله را آن طور که باید و شاید بخواند عذرخواهی می‌کرد. برایم کاملا معلوم بود که این تن رنجور قادر به شـــرکت در یک مراسم طولانی شب یلدا نیست و لذا اصراری به شرکت در جمع پاریزی‌ها نکردم. استاد پرسید چرا در این مدت مقاله را برای چاپ نفرستادی، جواب دادم ممکن بود با برخی از نظرات من مخالف باشید، منتظر اعلام نظرتان مانده‌ام. با شکسته نفسی جواب داد که من همیشه در ریاضیات ضعیف بوده‌ام و وقتی که شما با حساب و منطق چیزی را رد کنید من چه مخالفتی می‌توانم داشته باشم؛ به خصوص وقتی که پای ریاضیات در میان باشد، در پایان از انگیزه‌ام در ورود به این مبحث پرسید که دلیلش را یافتن شجره پدرم و حل یکی از معماهای تاریخی چشمه‌گز برشمردم. دوباره اصرار کرد هم این روایات محلی را اضافه کنم و هم هر چه زودتر چاپش کنم که با خواهش اولشان مخالفت کردم. دلیلم این بود که اگر مستندات مکتوب با روایات شفاهی مخلوط شود، به سادگی نمی‌توانم از دست داوران جان سالم به در ببرم. استاد سری تکان داد و بحث را ادامه نداد. به خوبی دانســـتم که این شیر غران میدان تاریخ، همچون ملک‌الشعراء بهار تن به رفتن داده و دیگر آن حرارت و توان خواندن و نقد کردن را در خود نمی‌بیند. شنیده و خوانده بودم که صابون استاد به رخت بعضی‌ها خورده بود؛ کسی که یک عمر بدون چشمداشت سکه و جایزه‌ای، حرف‌های خود را زد و نوشت و چون متوجه اشتباهش می‌شد، در اولین فرصت مناسب «خودمشتمالی» می‌کرد و عذر می‌خواست، بدهکار کسی نبود تا به خاطرش حقیقتی را پایمال و خطایی را چشم پوشی کند. البته، از مطالعه رساله کاتب کرمانی او متوجه شدم به حدس و گمان‌هائی که موجب هتک حرمت خانواده یا شخصیتی گردد، ترتیب اثر نمی‌دهد. کتاب‌های استاد چندان فصلبندی معینی ندارند و این می‌تواند بهانه‌ای به دیگران دهد که در ارجاع به او ویا رعایت حق تقدمش کاهلی و سوء استفاده کنند؛ اما الحق که کتاب‌های استاد از واژه یاب‌هایی کاملا منطقی برخوردارند و پژوهشگرر را با تفکیک فهرست اعلام به مکان‌ها، اشخاص، و حتی گاهی حیوانات و گیاهان و غیره شکنجه نمی‌دهند. ای کاش استاد پاورقی‌هایش را هم مانند ما ریاضیدانان ، به صورت فصل جداگانه‌ای در انتهای کتاب جا می‌داد تا خواننده مبتدی بهتر بفهمد چه حجم عظیمی از کتابی مثل تاریخ وزیری، حاصل تحقیقات خود ویراشگر است. در هر حال جای بسی تأسف است که ضعف جسمانی و ناراحتی‌های چشمی استاد مانع از یک داوری و نقد جدی مقاله من شد؛ نقدی که در این آغاز کار شدیدا به آن نیاز داشتم.

با ترس و لرز در کنار استاد نشستم و طبق برنامه پیش رفتم. ترس و لرزم از اشتباه کردن در تاریخ‌ها و نام‌های شاهان و مکان‌ها و ناهمزمانی ادعاهایم بود وگرنه استاد پاریزی را چه کار با جذر اصم و یا کسر مسلسل!

با تأثر و اندوه از استاد خداحافظی می‌کردم در حالی که وسوسه می‌شدم از راز مهمی که برخی از خواص منتظر بروزش هستند سر در بیاورم. فکرتان به سمت آن طنز طویلی که اول داستانم به آن اشاره شـــد نرود که خودم هم چنان شعرهائی در عنفوان جوانی با شراکت همان یاران محفلی سروده بودم و امروز هیچ رغبتی به شنیدن آن‌ها ندارم و هیچ یک از هم محفلی‌ها هم نسخه‌ای از آن را نگه نداشته است مگر چند بیت مانده در حافظه‌ها که چون به هم می‌رسیم بر سبیل مزاح برای هم می‌خوانیم. باید راجع به این محفل‌ها توضیحی بدهم چون اگر این قلم به دست استاد پاریزی بود به این سادگی از آن نمی‌گذشت پس من هم نمی‌گذرم. در دانشگاه تهران که ریاضی می‌خواندیم یک دوست کرمانی داشتیم که هیچ شعری ساخته او دیده نشد و تا امروز هم دیده نشده است ولی ذوق عجیبی در حفظ اشعار نو و کهنه داشت و هرگاه دلمان و در حقیقت دلش می‌گرفت شعری به مناسبت می‌خواند و همکلاسی‌ها نام او را شاعر گذاشته بودند. یک دوست دیگر هم داشتیم با همین روحیات ولی حافظه آن چنان خوبی نداشت؛ هر شعری که نظرش را جلب می‌کرد، با خودنویس جوهر آبی روی یک ورقه کاغذ می‌نوشت و چارتا می‌کرد و می‌گذاشـــت توی جیب بغلش. حالا این برگه‌ها را چطور توی خانه‌اش بایگانی می‌کرد و چطور تصمیم می‌گرفت امروز صبح کدامشان را همراه بردارد من خبر ندارم و اصلا آن روزها برایم مهم نبود که بدانم. مهم این بود که وقتی که خسته می‌شدیم یک نفر می‌بایست یک چیزی بگوید. بعضی شعرها مثل شعر کوچه فریدونی مشیری خیلی لطیف بودند و بعضی هم پندآمیز و یکی هم مثل آن طنز طویل بی‌تربیتی. البته هر چند بود از سطح کتاب زهرالربیع پائین‌تر نمی‌رفت و وسطش پند و اندرز و چیزهای خوب هم گنجانده شده بود. ضمنا تفاوت بود بین محاوره‌ای که در این محافل بود و محاوره روزمره در کلاس و خیابان و غیره. مثلا یک روز با همکلاسی اهل بروجردمان قدم می‌زدیم که رفیق شاعرمان چیزی گفت و از نظر من خطوط قرمز را رعایت کرده بود؛ ولی ناگهان دیدم چاقوی ضامندار در دست رفیق لرم برق زد و برای اولین بار (و انشـــالله آخرین بار) بود که بازشدن برق‌آسای چنین چاقوئی را تجربه می‌کردم؛ خودم را نباختم و گفتم فلانی تو و چاقو. رفیق لر سرش را پائین انداخت و چاقو را فورا توی جیبش برگرداند. خدا رحمتش کند بعدها در تصادف درگذشت ولی خیلی از ظهرها به مسجد تازه تاسیس دانشگاه می‌رفتیم و نمازمان را فرادی می‌خواندیم و ماه رمضان هم اگر مجبور می‌شدیم بعد از افطار در کتابخانه بمانیم با گوشت‌های کوبیده‌ای که مادرم پیش‌بینی کرده بود روزه را با هم می‌شکستیم. دانشگاه شیراز که رفتیم محفلمان کوچکتر شد ولی گرمتر. چند



نفری کم و دو سه نفر اضافه شد. این رفیق لر هم چند ماهی از خدمت سربازیش به شیراز افتاد که من از هم اطاقی‌هایم خواهش کردم او را به جمعمان بپذیرند؛ به آن‌ها هشـــدار هم دادم که بچه‌های خوبی باشند و با او شوخی نکنند. یکی از دوستان گفت کارت نباشد کاری می‌کنم که برای یک ذره شوخی ما هلهل کند و موفق هم شد. برای این که بدانید زبان محفلی با زبان روزمره کاملا از هم تفکیک شده بود، یک نکته را یادآور شوم: زمانی در منتهای بی‌پولی در کنکور مدرسه شبانه‌روزی نظام قبول شدم و قرار بود در آسایشگاه کنار دیگر پذیرفته‌شدگان بنشینم تا لباس و کفش و کلاهمان برسد، ولی من بی‌خیال توی حیاط ایستاده بودم و آگهی‌های توی تابلو را می‌خواندم. سرگروهبان که من را بیرون دید با فحش رکیکی دستور بازگشت به آسایشگاه داد. با این که به آن شبانه‌روزی نیاز مبرم داشتم، تحمل نکردم، سرم را پائین انداختم و یک راست به خیابان آمدم و دیگر برنگشتم؛ اگر برمی‌گشتم، امروز مرا به صورت یک استاد ریاضی بذله‌گو نمی‌شناختید؛ اگر هم تصادفا می‌شناختید می‌گفتید افسری بود که تا آخرین قطره خونش سنگر را رها نکرد!

در همین بخش ریاضی شیراز بود که محفلی‌ها برای هم هجویه می‌ســـرودند و عین بازار عکاظ آن را در مقابل دیگران قرائت می‌کردند. آن کاتب هم با خودنویس آبی به کارش مشغول بود. او یک دوربین عکاسی روسی هم داشت که چلپ چلپ عکس می‌گرفت. در حین خدمت سه ماهه سربازی، وسط آفتاب داغ تابستان رفته بودیم بیابان‌های چیتگر تا ۶۴ گلوله موظفی را درکنیم. در حالی که همه نگران ساندویچ و نوشابه توی راهمان بودیم این آقا فقط به فکر دوربین منحصر به فردش بود. گلوله‌ها را که انداختیم، از شدت گرما درخت دوردستی را نشانه گرفتیم و شتابانه خود را به آن رساندیم. لباس‌های رو را درآوردیم و همان طور با کلاه خود و تفنگ و شورت و زیرپوش پریدیم توی چشمه زیـــر درخت. او هم چلپ چلپ عکس می‌گرفت و به این کار مثلا غیربهداشتی ما ریشخند می‌زند؛ خودش خیلی وسواسی بود. بعدها همیشه می‌گفت شما به لباس مقدس سربازی توهین کردید و من عکس‌هایتان را به ساواک نشان می‌دهم. سال آخری که دیگر آماده رفتن به کانادا شده بودیم و برای حفظ دین و دیانتمان به فاصله چند ماهی داماد شده بودیم، یک روز من و خانمم میهمان او و خانمش شدیم، او با ذوق و شوق آلبوم‌هایش را بیرون آورد و جلوی خانمم گذاشت و لابد تلویحا می‌خواست به خانمم و خانمش هشدار بدهد که فراموش نکنید دوستی ما دیرینه‌تر از ازدواج با شماست. همین که رفت چای بیاورد و سر خانم‌ها هم به چیز دیگری مشغول شد، یواشکی عکس‌های سربازیم را از آلبومش دزدیده در جیبم پنهان کردم تا در فرصت مناسبی معدومشان کنم. دفعه دیگر که منزلش بودیم عمدا صحبت را به چشمه آب چیتگر کشاندم و او هم رفت که عکس‌ها را بیاورد با خنده مسخره‌آمیز من روبه‌رو شد. من از کاتب نمی‌ترسیدم ولی از این که آلبوم‌هایش به دست هرکسی می‌افتاد اکراه داشتم.

یک اســـتاد داشتیم که هر حرفی را می‌توانستیم جلویش بزنیم ولی به ازای هر کلمه ناجور ۵ ریال جریمه می‌دادیم. هر دقیقه از تاخیر در کلاس و یا خلف وعده هم همین نرخ را داشت ولذا ما خیلی مواظب بودیم که این هجویات به دست او نرسد. محفل شیراز هم با عزیمت اعضای آن به کشورهای خارج عملا بسته شد. در تورونتو هم من رئیس انجمن اسلامی بودم و کاتب خزانه‌دار، علی‌الاصول فکر می‌کردم که آن کاغذهای تا شده نیز مثل عکس‌های سربازی به زباله‌دان رفته باشند. چند سال بعد در تهران به افتخار همان استاد جریمه‌گر به شامی مردانه دعوت بودیم. شام که خوردیم، بگو مگوی خاطرات آغاز شد؛ عکاس کاتب، در مقابل چشمان حیرت زده ما، ناگهان یک کاغذ تا شده پوسیده را از جیبش درآورد و به دست استاد جریمه‌گر داد که بله این آقا و آن آقا این قصیده را ساخته‌اند. این کاغذ پوسیده از آن چاقوی ضامندار وحشتناک‌تر بود. من فکر می‌کردم که این کاتب آدم شده بود و گرنه کجا منصب خزانه‌داری خود را به او می‌دادم. هرچه از من انکار، از استاد ابرام که باید خودت بخوانیش. گفتم من اگر بخوانم با جریمه‌ای که می‌کنی ورشکست می‌شوم. گفت امان نامه می‌دهم که از خطاهایت بگذرم؛ و من ساده لوح کرمانی فریب خوردم و آن را خواندم. قصیده که تمام شد دقیقا تعداد حرف‌های خارج از خط را اعلام و جریمه را مطالبه کرد. هرچه گفتم امان نامه داده‌ای، گفت فکر نمی‌کردم این قدر باشد. به هر حال با این که شریک جرم داشتم همه پول را از من گرفت



و گفت هر وقت شریکت را دیدی نصفش را از او بگیر. شریک را که بعدا در آمریکا دیدم بجز نیشخند، چیز دیگری تحویلم نداد. چند ماهی قبل از فوت همسرم با کاتب هجویات قرار گذاشتیم که اول مهر ۱۳۹۲ پنجاهمین سال دوستیمان را در آمریکا جشن بگیریم. همسرم که درگذشت به کاتب گفتم دیگر دل و دماغ این کار نیست ولی کاتب اصرار کرد که مجلس را اصولا به یاد خانم مرحوم برگزار کنیم. هشت ماه است تقاضای ویزای آمریکا کرده‌ام و هنوز جوابی نداده‌اند.

برگردیم به رمزی که من انتظار دارم بعد از فوت اســـتاد پاریزی افشا شود. می‌گویند روزی که میرزا یحیی صبح ازل فوت کرد، پیروانش به خانه یحیی دولت‌آبادی (نویسنده حیات یحیی) آمدند و نامه‌ای به او دادند مبنی بر این که از سوی صبح ازل به جانشینی او منصوب شده است. هر چه یحیی بابی بودن خود را انکار می‌کند، نمی‌پذیرند و ناچار آن‌ها را به خانه راه می‌دهد. در حالی که دور یک چراغ روشنائی نشسته بودند آن را برمی‌دارد و در طاقچه می‌گذارد و می‌گوید اگر من پیشوای شما هستم امر می‌کنم همین طور که این چراغ را از میان شما برداشتم، شما هم صحبت بابیگری را از میان خود بردارید، تا روزی که من دوباره چراغ را به میان شما بیاورم، البته یحیی دولت‌آبادی تا مرگ خود چراغ را سرجایش برنگرداند و بوده‌اند پیروانی که در واپسین دم خود گریه می‌کردند که دولت‌آبادی رفت و امام مـــا را معرفی نکرد. بدین ترتیب ازلی‌گری به کلی فراموش شـــد. ظاهراً فردی جزئیات این داســـتان را شفاها به اطلاع استاد پاریزی رسانده و از او خواسته است که در یکی از کتاب‌هایش بگنجاند ولی استاد افشای آن را به بعد از مرگ خود موکول کرده است.

دو سه بار وسوسه شدم که استاد را به گفتن این راز بر سر ذوق بیاورم ولی کنایات و اشارات من اثری نکرد؛ انگار نه انگار چیزی می‌داند. هنگام خداحافظی نسخه‌ای از کتاب رساله کاتب کرمانی خود را امضا و به من هدیه کرد. کتاب را نرسیده به کرمان تمام کردم و با خود گفتم علیرغم شکسته نفسی‌اش در مورد ریاضیات، با چنان منطقی هویت نویسنده مجهول کتاب را در مقدمه روشن کرده است که با متخصصان منطق ریاضی رقابت می‌کند. همین امروز نیز تصادفا چند صفحه اول کتاب هزارستانش را در فضای مجازی ورق می‌زدم؛ تجسم و درکش از نظریه نسبیت اینشتین چنان به دلم نشست که غرق لذت شدم. این ملاقات با استاد در شب یلدا، تداعی هفته آخر عمر همسرم بود؛ وی ۸ سال تمام با سرطان سینه و متاستاز آن دست و پنجه نرم کرد و چنان زندگی را با صلابت در کمند خود گرفته بود که من هیچ گاه اندیشه مرگ همسرم را به سر راه نمی‌دادم. هنوز از بی‌حالی ناشی از شیمی درمانی و یا پرتو درمانی فراغت نیافته بود، از همان بستر بیمارستان با بچه‌های خانه ریاضیات و با رئیس آموزش و پرورش کرمان و افراد دیگر تماس می‌گرفت و آنان را به اداره صحیح خانه و یا مساعدت به برنامه‌های علمی آن تشـــویق می‌کرد؛ یک روز هم که همه معالجات را بی‌نتیجه یافته و سلول‌های سرطانی را بر همه اعضای بدنش مســـلط دیده بود، دست من را گرفت و با گریه گفت دیگر این زندگی به درد من نمی‌خورد. چهار روزی در بی‌حالی به سر برد و ســـرانجام، دست در دست من در هواپیمای بین فرانکفورت و تورنتو با شوق دیدار بچه‌های منتظر در فرودگاه، به خواب عمیقی فرو رفت و دیگر بیدار نشد. در تمامی مدتی که در صورت استاد نگاه می‌کردم و به حرف‌هایش گوش می‌دادم، ناخودآگاه وضع خانمم در آخرین هفته عمرش تداعی می‌شد.

انگیزه اولیه من در مطالعه کتاب صحیفه الارشاد، ادعای استاد بر چترودی بودن مؤلف کتاب بود که در صورت صحت این ادعا جد مادرخانمم می‌شد. من برای این که به همسرم روحیه بدهم و میزان علاقه خودم را به او نمایش دهم، این کتاب را برایش خریدم تا در مورد جدش با او صحبت کنم و فکر نکند که من فقط به شجره نامه خودم دل بسته‌ام. گرچه با تحقیقات محلی ثابت کردم که نویسنده این کتاب جد خانمم نیست اما از کتاب دیگر اســـتاد یعنی تذکره صفویه و نیز بر مبنای دو سند وقف خانوادگی، شجره کامل مومنائی‌های چترود را تا اوایل سلسله صفویه اســـتخراج کردم و در آن مقاله ۲۰ صفحه‌ای گنجاندم؛ افسوس که همسرم نتیجه این تحقیق را ندید.

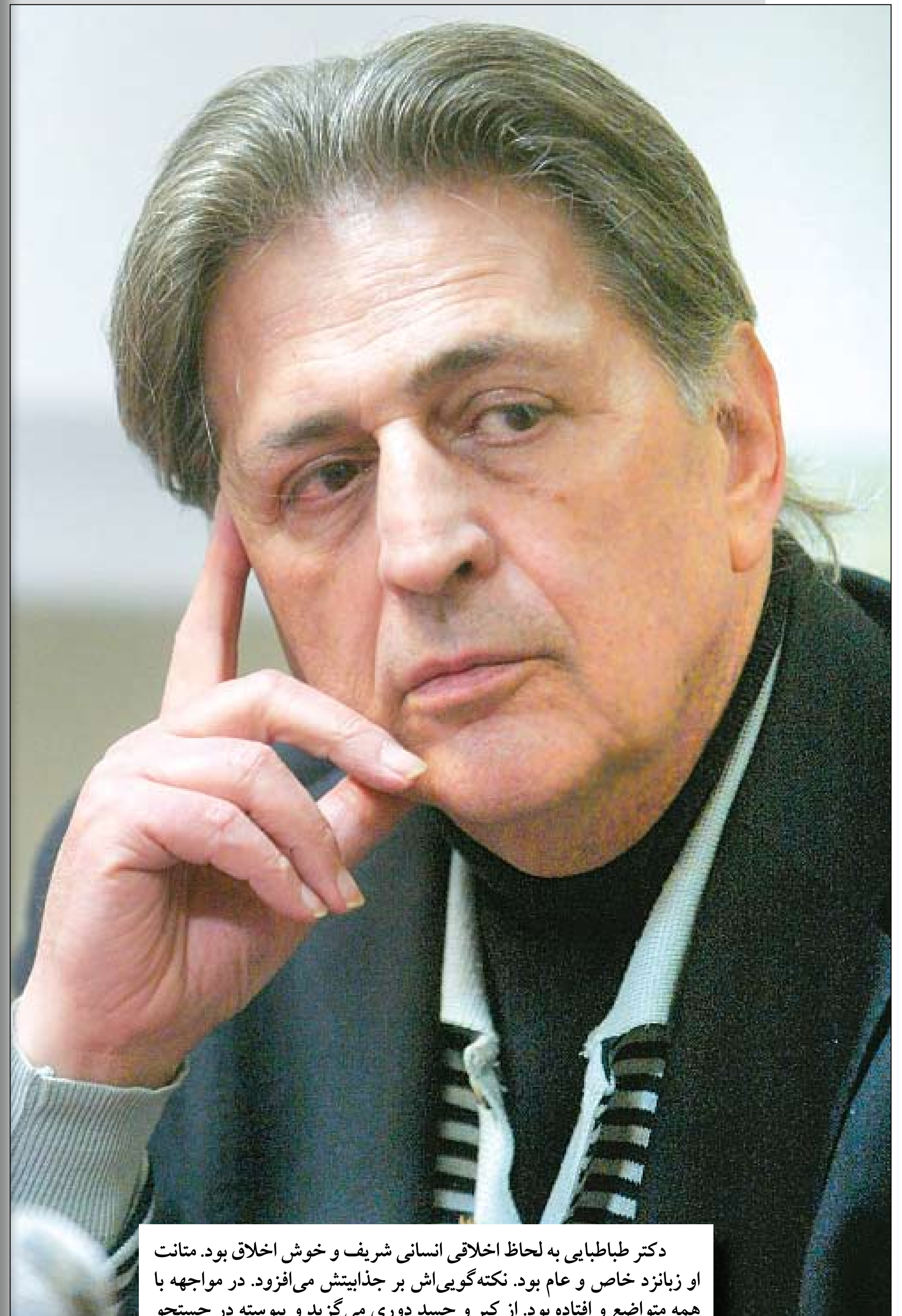
فوت برادرم در مشـــهد و مشغله‌های دیگر، مجالی برای احوال‌پرسی مجدد استاد برایم نگذاشت. در جلسه هفتم اسفند مجمع عمومی فرهنگستان علوم، موضوع عضویت افتخاری استاد باستانی پاریزی در دستور بود. هر کس در ستایش استاد سخنانی گفت؛ نوبت که به من رسید، گفتم اگر استاد پاریزی، ریاضیات را هم می‌دانست من او را ابوریحان بیرونی ثانی لقب می‌دادم. بعضی‌ها عضویت افتخاری را دون‌شان استاد می‌دانستند و عقیده داشتند که باید به عضویت پیوسته انتخاب شود و بعضی هم عضویت افتخاری را بالاتر می‌گرفتند. به هر حال مجمع، نظر دوم را پذیرفت و عضویت افتخاری استاد به تصویب رسید. من در تمام این مدت به این فکر بودم که آیا اصولاً استاد پیشنهاد ما را به هر صورتش می‌پذیرد یا نه. یادم می‌آمد که در یکی از ادوار معرفی چهره‌های ماندگار پس از آن که اسامی انتخاب شدگان را قرائت کردند، از بلندگو اعلام شد که استاد باستانی پاریزی هم جزو منتخبین بوده ولی به دلیل این که حکمت این کار را نمی‌فهمند از پذیرش آن معذورند! حافظه من چندان قوی نیست و ممکن است جمله بندی آن اندکی متفاوت باشد ولی مفهوم همین است که به عرض رساندم.

کسی که یک عمر بدون چشمداشت سکه و جایزه‌ای، حرف‌های خود را زد و نوشت و چون متوجه اشتباهش می‌شد، در اولین فرصت مناسب «خودمشتمالی» می‌کرد و عذر می‌خواست، بدهکار کسی نبود تا حقیقتی را پایمال کند

در عکســـی که روابط عمومی فرهنگستان منتشر کرده، ریاست محترم فرهنگســـتان را در منزل استاد نشان می‌دهد که در معیـــت آقایان آیت‌الله محقق داماد و حجه‌الاسلام دعائی برای اعلام عضویت افتخاری به حضورشان رسیده‌اند. اواسط اسفند از یک دوست پاریزی جویای حال استاد شدم؛ با کمال تأسف شنیدم که شیمی بدن استاد به کلی درهم ریخته و در بیمارستان بستری است. نخواســـتم باور کنم و به فرض هم که می‌کـــردم مجالی برای آمدن به تهران نداشتم. دخترم ناگهان بلیطی برایم خریده و گفته بود اگر این بلیط را استفاده نکنم هر تاریخی بعد از آن لااقل سیصد دلار گرانتر است. با عجله چمدان‌ها را بستم و عازم کانادا شدم. چنین به نظر می‌رسد که استاد دیگر به منزل برنگشت و روز پنجم فروردین در بیمارستان به رحمت حق پیوست. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

در فقد دکتر صادق طباطبایی که پیش از بهار رفت

بهاری مرد صادق



دکتر طباطبایی به لحاظ اخلاقی انسانی شریف و خوش اخلاق بود. متانت او زبانزد خاص و عام بود. نکته‌گویی‌اش بر جذابیتش می‌افزود. در مواجهه با همه متواضع و افتاده بود. از کبر و حسد دوری می‌گزید و پیوسته در جستجو بود. آخرین ملاقات اعضای هیأت تحریریه اطلاعات با دکتر طباطبایی چند ماه قبل از ارتحالش بود که در وسط درمان و مداوا در آلمان، به ایران آمده بود تا ایام عزاداری امام حسین(ع) در روزهای عاشورا و تاسوعا را در کشورش ایران و در کنار خانواده اش سپری کند. او آن روز با اینکه دستگاه کپسول تنفس خود را با خود حمل می‌کرد و به دلیل شیمی درمانی، موهای سر وصورتش را از دست داده بود، با ما از خاطرات خوب و زیبایی سخن گفت که شاید هیچگاه فراموش نکنیم. روحیه گرم و لطیف او مصداقی از روحیه یک انسان مؤمن بود که به مرگ لبخند می‌زند.

دکتر سید صادق طباطبایی سیاستمدار، استاد دانشگاه و نویسنده بود. وی سخنگویی دولت موقت ایران در دوره مهدی بازرگان را در کارنامه خود داشت و به عنوان معاون وزیر کشور مجری برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی بود.

دکتر سید صادق طباطبایی متولد پنجم فروردین ماه ۱۳۲۲ در شهر قم بود. او فرزند آیت‌الله سید محمد باقر سلطانی بروجردی و برادر همسر سیّد احمد خمینی و خواهرزاده امام موسی صدر بود. او پس از گذراندن دوران دبیرستان در شهر قم و اقامت کوتاهی نزد دایی اش آقا موسی صدر برای ادامه تحصیل راهی آلمان شد و ابتدا در رشته شیمی (با گرایش شیمی آلی) در دانشگاه آخن و سپس در دانشگاه بوخوم به تحصیل در رشته بیوشیمی پرداخت و سرانجام موفق به اخذ درجه دکتری در رشته بیوشیمی، در شاخه آنزیمولوژی و ژنتیک گردید و در سن ۳۲ سالگی استاد دانشگاه بوخوم شد. وی همچنین در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) به عضویت جامعه پژوهش گران آلمان DFG در آمده و نتایج پژوهش‌های او در مجله علمی FEBC، ارگان فدراسیون اروپایی بیوشیمیست‌ها منتشر می‌شده‌است.

صادق طباطبایی به موازات تحصیل سردبیر نشریه «دانشجوی مسلمان» بود که به مدت پنج سال (تا انقلاب ایران) در آلمان منتشر و در سراسر جهان توزیع می‌شد. این نشریه به نقد فلسفی رژیم شاه و اهمیت استراتژیک دموکراسی اسلامی و اسلام میانه‌رو در ایران و خاورمیانه می‌پرداخت. دکتر طباطبایی علاوه بر عضویت در سازمان کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی، بنیان‌گذار و عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، آمریکا و کانادا و چند دوره دبیر روابط بین‌الملل آن سازمان نیز بود. فصلنامه اسلام مکتب مبارز؛ ارگان انتشاراتی این اتحادیه نیز با سردبیری او منتشر می‌شد.

وی در سال ۱۳۴۴ با دخترخاله خود «فاطمه صدرعاملی» (فارغ‌التحصیل روان‌شناسی و نیز جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت) ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک دختر و پسر به نام‌های غزاله (پزشک و متخصص مغز و اعصاب، متولد ۱۳۵۲) و عدنان (دانشجوی حقوق و اقتصاد سیاسی، متولد ۱۳۵۷) می‌باشد.

دکتر صادق طباطبایی در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ همراه امام با پرواز معروف به «پرواز انقلاب» به ایران آمد. پس از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن دولت موقت، ابتدا در وزارت کشور، معاونت سیاسی و اجتماعی آن وزارتخانه و نیز برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در ایران را عهده‌دار شد. دکتر صادق طباطبایی سپس در دولت مهدی بازرگان معاونت سیاسی نخست وزیر و سخنگویی دولت را بر عهده گرفت و به عنوان وزیر مشاور این دولت، انجام وظیفه کرد. بعد از استعفای بازرگان و تا شروع نخست وزیری رجایی؛ وی با حکم آیت‌الله خمینی، سمت سرپرستی نخست وزیری و نهادهای وابسته را عهده دار شد. وی در اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران در بهمن ۱۳۵۸ نامزد رئیس‌جمهوری شد که به گفته خودش: اقبال با او یار نبود.

از مسایل جالب زندگی دکتر صادق طباطبایی علاقه او به موسیقی است. نوشته اند: در دوران تحصیل در دبیرستان در قم با تاکید دایی‌اش سید موسی صدر به فراگیری موسیقی ایرانی روی آورد و در آلمان نیز با موسیقی کلاسیک غربی آشنا شد. او با کمرنگ شدن نقش‌های سیاسی اش در دهه ۱۳۶۰ به معاشرت و دوستی با موسیقیدانانی چون علی تجویدی، شجریان، پرویز مشکاتیان، محمد موسوی، پرویز یاحقی، فرهنگ شریف، احمد عبادی و حبیب‌الله بدیعی پرداخت. او که در آلمان به صورت خودآموز نوازندگی پیانو را فراگرفته بود به توصیه احمد عبادی نزد فخری ملک پور نواختن پیانو در کوک‌های چپ و راست ایرانی را تکمیل کرد. دکتر طباطبایی در مصاحبه‌ای عنوان کرده بود که اجراهایش با برخی از موسیقیدانان از جمله پرویز یاحقی را به سمع حضرت امام نیز رسانده است هر چند که این آثار تا کنون منتشر نشده‌اند.

دکتر صادق طباطبایی در عرصه ترجمه و تحقیق بسیار فعال بود. او که پیوسته با قلم مانوس بود، موفق شد چندین جلد کتاب خوب و ارزشمند را ترجمه و تالیف کند که در نوع خود ارزشمند و منحصر بفردند. از آثار چاپ شده دکتر طباطبایی می‌توان به: ۱. خاطرات سیاسی‌اجتماعی دکتر صادق طباطبایی در سه جلد ۲. طلوع ماهواره و افول فرهنگ ۳.تکنوپولی ۴. زندگی در عیش مردن در خوشی ۵. نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی اشاره کرد. یک بار دیدن

روایت تصویر


در بازگشت از سفر سوریه ۱۳۵۸


در کنار امام موسی صدر


دکتر طباطبایی در مرکز ایرانشناسی


در کنار مرحوم دکتر حبیبی


با حضرت امام(ره)


در موسسه اطلاعات/ آبان ۱۳۹۲


مصاحبه تلویزیونی پیش از رفراندوم


در تشییع دکتر شریعتی ـ ۱۳۵۶


رونمایی از تمبر امام موسی صدر

یار صادق امام

محسن صادقی

در بین یاران و نزدیکان امام راحل (ره) برخی چهره‌ها از محبوبیت خاصّی بین مردم برخوردارند؛ مرحوم دکتر سیّدصادق طباطبایی یکی از این شخصیّت‌ها بود که بی‌تردید، محبوبیّتش تا آخر عمر باقی ماند. طبعاً کسانی که حال و هوای سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب را به خاطر دارند، نوستالوژی بی همتای آن روزهای بیادماندنی و البته نقش و جایگاه آن «یار صادق امام و انقلاب» را بهتر و بیشتر حسّ می کنند.شخصیت محبوب و دوست داشتنی «صادق طباطبایی» در میان نزدیکان امام و شخصیت‌های سیاسی مطرح آن دوران از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار بود که به راستی زبان قلم از بیان آن ناتوان است.

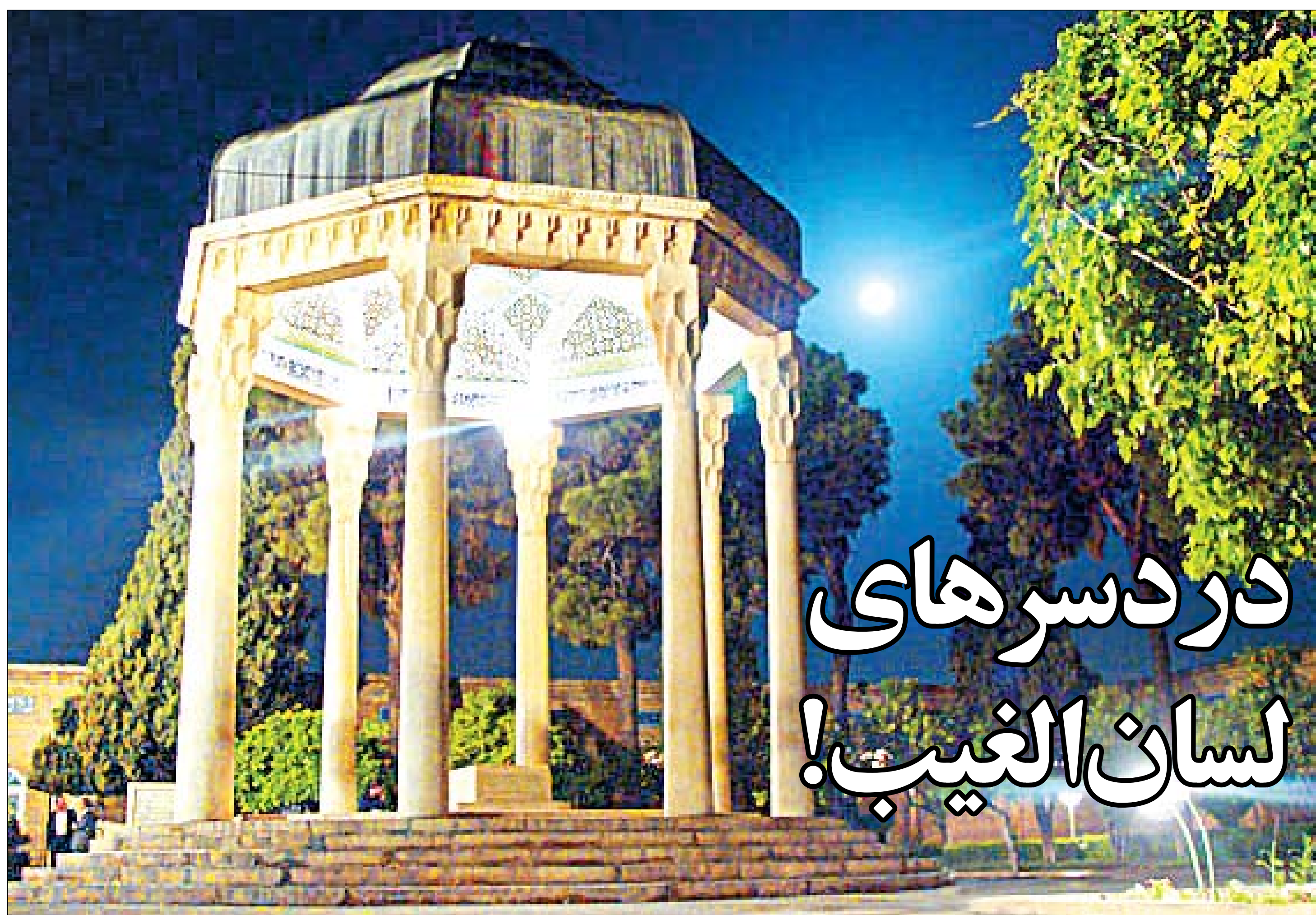
پرکشیدن ناباورانه او در آخرین ماه زمستان که رحلت جانسوز مرحوم حاج سیداحمدآقا و همسر مکرّمه ی امام راحل را تداعی کرد، آنهم در شرایطی که پزشکان معالج، خبر از بهبود بیماری یکساله وی داده بودند، همه دوستان و علاقمندانش را در شوک عجیبی فرو برد.هرچند او نیز چون دیگر مردان خدا همانطورکه همسر و فرزندان داغدیده اش در اطلاعیه خود به آن اشاره کرده‌اند ؛ صبورانه و با توکل به خداوند متعال دوران معالجه و نقاهت را سپری می‌کرد و با باوری عمیق، تسلیم رضای حضرت حق بود.سید صادق طباطبایی فرزند آیت‌الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی (پدرخانم حاج سیداحمدخمینی) و از ناحیه مادر، نواده مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر بود. وی در شهر قم متولد شد و پس از اتمام دبیرستان مدتی نزد دایی خود در لبنان و سپس به قصد ادامه تحصیلات راهی آلمان شد و تا اخذ درجه دکتری و مقام استادی در رشته بیوشیمی در دانشگاه‌های آخن و بوخوم آلمان به تحصیل ادامه داد.در دوران مبارزه علیه استبداد ستمشاهی و استیلای بیگانگان؛ به حق سرآمد دانشجویان مسلمان در خارج از کشور بود و مسئولیت حساس او در «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان اروپا، امریکا و کانادا» نشان از مراتب شایستگی و توانایی او در اداره چنین نهاد مؤثری داشت.او به درستی از ارتباط با دایی خود «امام موسی صدر» که محوریت شیعیان لبنان را عهده دار بود و «حضرت امام خمینی» که در نجف و سپس نوفل لوشاتو، پرچم رهبری نهضت عظیم اسلامی مردم ایران را به دوش می‌کشید، استفاده کرد و بمنزله‌ی پل ارتباطی بین دانشجویان و آن دو شخصیت برجسته آنروز جهان اسلام، خلإ ایدئولوژیکی حرکت‌های دانشجویی را جبران و به آن جنبش هویّتی شاخص بخشید.

وی در حالی که در سن سی و دوسالگی با اتمام مقطع دکتری در رشته بیوشیمی به عنوان استاد دانشگاه بوخوم آلمان و عضویت در انجمن‌های علمی معتبر از جایگاه ممتازی در جامعه علمی آن کشور برخوردار بود، به محض ورود امام به پاریس با جمعی از دانشجویان اتحادیه به استقبال ایشان آمد و تا آخر همچون سربازی گوش بفرمان، در رکاب امام ماند. او در دوران اقامت امام در روستای نوفل لوشاتو، از ارتباطات مؤثر خود برای پوشش درست و بهنگام رسانه‌ای مواضع رهبری نهضت بخوبی بهره جست و نقش بی بدیلی در این زمینه ایفا کرد.صداقت و امانتداری‌اش موجب شد تا در بازگشت پیروزمندانه امام به وطن جزء مسافران اصلی پرواز تاریخی ۱۲بهمن ۵۷ باشد و بلافاصله پس از تعیین مرحوم مهندس بازرگان بعنوان نخست وزیر دولت موقت، مسئولیت سخنگویی دولت و معاونت سیاسی نخست وزیر را عهده‌دار گردد.مرحوم سیدصادق طباطبایی پس از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی امریکا و استعفای دولت موقت، تا زمان انتخاب شهید رجایی، از جانب امام عهده دار مسئولیت خطیر سرپرستی نخست وزیری و نهادهای وابسته به آن بود.

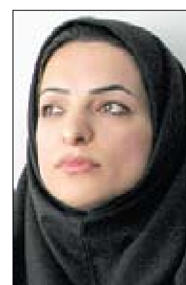
دکتر صادق طباطبایی یا شنیدن گفتارش کافی بود که آدم احساس کند سالها با او آشناست و عمیقاً دوستش دارد و می‌تواند به او اطمینان کند. خوشرویی و مهربانی را با دانش و احترام و فروتنی آمیخته بود و بیان استوار و ادیبانه را با منطق و استدلال، و اخلاق و دینداری را با علم و آگاهی و پایبندی به سنتها و آیین را با روزآمدی و درک مقتضیات زمانه. هرچند از دور، آنچه در او نمود داشت، جمال ظاهری و آراستگی بود، اما حقیقت آن است که کمالاتش به مراتب بیشتر بود.

وجه غالب شخصیتی‌اش صمیمیت، فروتنی، خوشرویی و انصاف بود. هیچ اصراری بر قبولاندن نظرش نداشت و آماده شنیدن هر گونه انتقادی بود. لحن گرم و رسایش طنینی در گوش می‌افکند که بر گیرایی سخنش می‌افزود؛ اما این ویژگی او را بر آن نمی‌داشت که از کفهٔ منطق و استدلال در گفتار بکاهد و با افزایش جوّ عاطفی، حرفش را بر کرسی بنشاند. صداقت و صراحت جزئی از مرامش بود. حتی در یادکرد مکرر از دایی بسیار عزیز و تأثیرگذاری چون امام موسی صدر، هیجان‌زده نمی‌شد و انصاف را به یک سو نمی‌نهاد. برخوردش آمیزه‌ای از گرمی و وقار و تواضع بود. با تازه‌واردِ ناآشنا یا نوآشنا چنان رفتار می‌کرد که با دوست یکدلِ دیرینه وَ همین به سرعت از فاصله‌ها می‌کاست. با دقت وَ علاقه به ساده‌ترین حرفها و نظرها گوش می‌سپرد و بی هیچ گونه تصنعی، به مخاطبش اعتماد به نفس می‌بخشید. کسی را خوار نمی‌شمرد، نمی‌آزرد، نمی‌رنجاند و نمی‌گذاشت متأثر از جایگاه اجتماعی و علمی او، خود را ببازد. حتی در بیماری جانکاهی که بی‌گمان با درد ورنج فراوان همراه بود، خنده از لبش کنار نرفت و شادمانی از چهره‌اش. حافظه شگرف و هوشمندی‌اش به جا بود و جزئیات امور را هم به خاطر داشت. با اینکه شیمیدان برجسته‌ای بود و سمت استادی دانشگاه آلمان را داشت و تحقیقات شایان توجهی کرده بود، از علوم انسانی غافل نبود و کتابها و مقالات متعددی در این حوزه نگاشته بود.

وقتی می‌آمد، نگران این بودم که کی می‌رود و چون سخن می‌گفت، بیمناک بودم که کی خاموش می‌شود. در حضورش با اطمینان می‌شد شعر سعدی را زمزمه کرد که: جانا بهشت صحبت یاران همدم است. بودنش مغتنم بود، دیدنش نعمت و رفتنش خسارت. تا آخر پیگیر سرنوشت امام صدر بود. اینک او باخبرتر از همیشه است. خاک با او نرمتر از پرنیان باشد و خداوند با او مهربانتر از هر کس و هر حال!



دردسرهای لسان‌الغیب!



● ارمغان زمان فشمی

این که دیوان اشعار یک نفر، پس از قرآن، پرفروش ترین کتاب در میان مسلمانان فارسی زبان باشد و یک جلد از آن را در کتابخانه یا روی تاقچه هر خانه ای بتوان پیدا کرد، افتخار کمی نیست. با توجه به این اقبال گسترده، زندگی چنین شاعری می تواند آمیخته با افسانه های شگفت آوری شود که دهان به دهان و نسل به نسل نقل می شود و هرکسی از ظن خود با آنها همراهی می کند. حافظ شیرازی نه تنها در طول حیات، با مشکلات ناشی از شهرت و محبوبیت خود مواجه بود، بلکه هنوز پس از چند قرن، جزییات زندگی اش مورد توجه علاقه مندان به اوست، جزییاتی از اعتقادات شخصی اش گرفته تا راستی و ناراستی تفال به دیوانش. به راستی که حافظ بودن دشوار است!

مسلمانی از نوع حافظ

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

اگرچه غزلسرای برجسته تاریخ ادبیات ایران، چنین مشی زیبایی را سرلوحه زندگی می شمارد، اما کیست که نداند بزرگانی مانند او همواره در معرض کینه ورزی دشمنان تنگ نظر و کج اندیش بوده اند؟ شاید درسی که لسان الغیب در این بیت می دهد، نتیجه تجربه رویارویی اش با چنان دشمنانی باشد، آنها که به هر شیوه می خواستند او را زیر سوال ببرند و از چشم بزرگان و مردم بیندازند.

می گویند روزی شاه شجاع – از سلاطین آل مظفر و همدوره با حافظ– با اعتراض به شاعر بزرگ گفت: ابیات غزلیات شما یکنواخت نیست، بلکه از هر غزل، چهار بیت در تعریف شراب است، دو بیت در تعریف عشق و دو بیت در صفات محبوب و دیگر چیزها. حافظ پاسخ داد: فرمایش سلطان درست است، ولی با وجود اینها شعر حافظ در همه آفاق شهرت دارد و نظم حریفان را پای از دروازه شیراز بیرون نیست.

شاه شجاع از این کنایه دلگیر شد و در صدد آزار وی برآمد. اتفاقا در آن ایام، حافظ غزلی سروده بود که یک بیت از آن این بود:

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فردایی

شاه شجاع این بیت را مطرح کرد و از فقهای عصر خواست از آنجا که حافظ با آوردن «اگر» در این بیت، نشان داده است که به قیامت اعتقادی ندارد، حکم قتل او را صادر کنند!

حافظ مضطرب شد و به نزد «زین الدین ابوبکر تایبادی» رفت و از او چاره خواست. تایبادی گفت: باید بیت دیگری مقدم بر این بیت بیاوری، به این معنی که کسی چنین گفت. در این صورت به مقتضای این که نقل کفر، کفر نیست، از تهمت نجات پیدا می کنی.

حافظ بیتی سرود و جلوتر از بیت مورد اعتراض جای داد و از تهمت رست:

این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می گفت
بر در میکده ها با دف و نی، ترسایی:
گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
وای اگر از پس امروز بود فردایی!

داستان حافظ و یزید

شاید شنیده باشید که می گویند مصرع « الایا ایهاالساقی ادر کاسا و ناولها» که حافظ در تضمین آن، غزل زیبایی سروده، از یزید بن معاویه است. در طول تاریخ، بسیاری از شعرا و تذکره نویسان بر حافظ خرده گرفته اند که مسلمانی چون وی نباید به استقبال غزلی از یزید می رفت، از جمله اهلی شیرازی، همشهری حافظ و شاعر معروف قرن دهم هجری قمری (متوفی به سال ۹۴۲). می گویند اهلی شیرازی، شبی حافظ را در خواب دیده و پاسخ اعتراض خود را از او شنیده است، زیرا خودش ضمن قطعه ای می گوید:

خواجه حافظ را شبی دیدم به خواب
گفتم ای در فضل و دانش بی همال
از چه بستی بر خود این شعر یزید
با وجود آن همه فضل و کمال؟
گفت: واقف نیستی زین مساله
مال کافر هست بر مومن حلال!

با وجود این، کاتبی نیشابوری، شاعر قرن نهم که معاصر بایسنقر میرزای تیموری بوده و تذکره نویسان، وفاتش را بین سال های ۸۳۸ تا ۸۵۰ قمری ثبت کرده اند، قطعه ای دارد که گرچه سال ها قبل از شعر اهلی شیرازی سروده شده است، اما پاسخ مناسبی برای استدلال وی به حساب می آید. کاتبی نیشابوری گفته است:

عجب در حیرتم از خواجه حافظ
به نحوی کش خرد زان عاجز آید
چه حکمت دید در شعر یزید او
که در دیوان نخست از وی سراید؟
اگرچه مال کافر بر مسلمان
حلال است و درآن شکی نشاید
ولی از شیر عیبی بس عظیم است
که لقمه از دهان سگ رباید!

وقتی حافظ از کیسه خلیفه می بخشد!

شاعران نکته سنج در طول تاریخ، بسیار به تضمین و تلمیح اشعار حافظ پرداخته اند و این کار را نه از روی دشمنی و تنگ نظری، که تنها برای مطایبه و شوخی یا به منظور یاد کردن از او انجام داده اند، مثلا خواجه حافظ غزلی با این مطلع دارد:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

مرحوم میرزا جواد دماوندی که از شاعران دماوند بود، در پاسخ به این بیت سروده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به‌خال‌هندویش‌بخشم‌سروجان‌ودل‌وپارا
اگرمن‌چیزمی‌بخشم‌زمال‌خویش‌می‌بخشم
نه‌چون‌حافظ‌که‌می‌بخشدسمرقندوبخارارا

می گویند شهریار نیز در پاسخ به هردوی آنهااین ابیات را نوشته‌است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم تمام روح و اجزا را
اگر من چیز می بخشم به سان مرد می بخشم
نه‌چون‌صائب‌که‌می‌بخشدسرودست‌وتن‌وپارا
سرو دست و تن و پا را به خاک گور می بخشند
نه بر آن ترک شیرازی که برده جمله دل ها را!

این مطایبات تا امروز همچنان ادامه پیدا کرده اســـت و نمونه‌های فـــراوان دارد اما به نقل یکی دیگر از آنها اکتفا می کنیم. مهرانگیز رساپور (م. پگاه)، شاعر و منتقد ادبی،شوخ طبعانه می‌سراید:

چنان بخشیده حافظ جان، سمرقند و بخارا را
که نتوانسته تا اکنون، کسی پس گیرد آنها را!
از آن پس برسر پاسخ به این ولخرجی حافظ
میان شـــاعران بنگر فغان و جیغ و دعوا را
وجودِ او معمایی است پر افسانه و افسون
ببین خود با چنین بخشش، معما در معما را
بیا حافظ که پنهانی، من و تو دور از این غوغا
به خلوت با هم اندازیم این دل‌های شیدا را
رها کن ترکِ شـــیرازی! بیا و دختر لر بین
که بریک طره مویش، ببخشی هردو دنیا را
فزون برچشم و بر ابرو، فزون بر قامت و گیسو
نگر بر دلبر جـــادو، که تا ته خوانده دریا را
شنیدم خواجه شیراز، میان جمع میفرمود:
«پگاه» است آنکه پس گیرد سمرقند و بخارا را
بدین فرمایش نیکو که حافظ کرد می‌دانم
مگر دیگر به آسانی کسی ول می‌کند ما را؟!

ای خواجه شیرازی، تو کاشف هر رازی!

شاید نخستین چیزی که اغلب مردم با شنیدن نام حافظ به یاد می آورند، تفال زدن به دیوان او باشد، چرا که آنها حافظ را «لسان الغیب» و واقف بر اسرار پنهان می دانند،اما درباره درستی و نادرستی این اعتقاد، سخن و اختلاف نظر فراوان است.

استاد ابوالقاسم فقیری، مردم پژوه، درباره تفال ایرانیان به حافظ بر این باور است که حتی در زمان حافظ هم تفأل زدن مرسوم بوده و بیت «از غم هجر مکن ناله و فریاد که من/ زده ام فالی و فریاد رسی می آید» حکایت از همین موضوع دارد.

وی درباره فال حافظی که درشـــب هـــای یلداگرفته می‌شود،می گوید:یک نفردیوان حافظ رابه دست می گیردوبه ترتیب برای همه مجلسیان فال می گیردکه به فال دوره معروف است. گروه طالب فال با خلوص نیت به روح حافظ صلوات می فرستند و برای آمرزش روح خواجه فاتحه می خوانند و نیت می کنند و می گویند «ای خواجه حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، من طالب یک فالم، بر من نظر اندازی» و «یا خواجه حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، تو را به حق خرقه ای که پوشیدی، به شراب آن طهوری که نوشیدی، تو را به شاخه نباتت قسم می دهم که بگویی نیت من خیر است انشاء الله یا نه؟». [به طور کلی برای دریافت پاسخ، حافظ را به عزیزترین معشوقش، شاخ نبات و گرامی ترین چیزها به نزدش، مانند آب رکن آباد و مصلی و اشخاص و چیزهای دیگری مانند شاهچراغ، سر پیر مغان، سر شاه غازی، روز روشن و به مقدسات مذهبی، چون محمد و آل محمد، مولا علی، دوازده امام، چهارده معصوم و حضرت عباس قسم می دهند]آنگاه دیوان را باز می کنند و غزل بالای سمت راست جواب تفأل است، منتها اگر وسط غزل باشد، از ابتدای غزل که در صفحه پشت است، خوانده می شود و سه بیت از غزل بعدی نیز شاهد فال خواهد بود.

دکتر منصور رستگار فسایی، یکی دیگر از حافظ پژوهان، بر این باور است که حافظ بازتاب همه احساسات نیک و بدی است که بسیاری از مردم ایران حس می کنند ولی نمی توانند بیان کنند. به همین دلیل است که ایرانیان با دیوان او فال می گیرند.

درمقابل کسانی مانند استـــادفرزانه،زنده یادعبدالحسین



زرین کوب، معتقدندند حافظ انسانی است معمولی وقصه تفأل به حافظ وجهه درستی از نظر علمی ندارد.عبدالکریم سروش، نظریه پرداز و مولوی شناس، می گوید: اگر در جایی ثبت کرده بودند که چه بسیار فال ها از دیوان حافظ و مثنوی و غیره گرفته اند و درست در نیامده است، دیگر کسی برای این فال ها سر و دست نمی شکست و به عبارت دیگر، حکم به اعتبار تفال، حکمی است ابطال ناپذیر و لذا اعتماد ناپذیر اما مگر مشی مردم همواره علمی و سنجیده است؟ سائق های بسیاری در کارند که مردم را به رفتارهای خاص وا می دارند که یکی از آنها اشباع نیاز آینده دانی است.

واقعیت این است که رد یا اثبات درستی تفال به دیوان خواجه تغییری درنظر علاقه‌مندان ومشتاقان به حضرت حافظ نمی دهد ودیری است که وی هم نشین محفل ایرانیان است.

نخستین فال حافظ

به گفته محمدرضا جلایی نایینی، محقق و زبانشناس، در اوایل سده نهم هجری که دیوان حافظ گردآوری شد، فال گرفتن از آن مرسوم نبود. وی می گوید: هیچ مرده و زنده ای علم غیب ندارد و ظاهرا فال گرفتن با دیوان حافظ از آنجا ناشی شد که در مقدمه دیوان جمع آوری شده توسط سخندانان سنه ۹۰۷ هجری به سرپرستی شاهزاده ابوالفتح فریدون بهادر پسر سلطان بایقرا،او را «لسان الغیب» لقب دادند. حافظ در بیتی خطاب به یک زاهد ریایی می گوید:

ناامیدم مـــکن از ســـــابقه روز ازل
تو چه دانی که پس پرده که خوب است و که زشت

اما به گفته ادوارد براون، ایران‌شـــناس مشهور بریتانیایی، نخستین فال حافظ دقیقاً ساعاتی پس از مرگ خواجه شیراز گرفته شد. وی در جلد سوم «تاریخ ادبیات ایران» اشاره می کند که پس از فوت حافظ، مخالفانش او را تکفیر و از دفن او در گورستان مصلی جلوگیری کردند.

برای حل مشکل تصمیم گرفتند با تفأل از کلام خود حافظ راهنمایی بگیرند و پس از آنکه کلیه غزلهای او را نوشته و در سبدی ریختند، کودکی تفأل می زند و غزل شماره ۸۲ می آید که به طرز عجیب و باور نکردنی پاسخ آن جماعت ریاکار را می دهد و گفته اند که از آن روز به وی لقب لسان الغیب داده اند. غزل شگفت انگیز چنین است:

کنون که می دمد از بوســـتان نسیم بهشت
من و شراب فرح بخش و یار حورسرشت
مکن به نامه ســـیاهی ملامت من مست
که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟
قـــدم دریـــغ مـــدار از جنـــازه حافظ
که گرچه غرق گناه‌است،می رود به بهشت

پس همه مطابق این فتوا عمل کردند و جنازه با احترام، تشییع و دفن شد.

از نگاه برخی از پژوهشگران، این روایت نمی تواند بنیان چندان درستی داشته باشد،زیرا حافظ اشعارش را به هنگام حیات خود تدوین نکرده بود و جمع آوری اشعار پراکندهٔ او در زمانی کوتاه و به هنگامی که هنوز جنازهٔ حافظ روی زمین بوده، به آسانی امکان نداشته است.

نخستین کسی که به تفأل زدن به دیوان حافظ اشاره می کند، مؤلف کتاب دیاربکریه، ابوبکر طهرانی اســـت که در سال ۸۶۷ هجری قمری، ۷۵ سال پس از مرگ حافظ، به شیراز رفته بود. نمونه های تاریخی و معاصر فراوانی از تفال به دیوان حافظ وجود دارد که خواندن برخی از آنها خالی از لطف نیست.

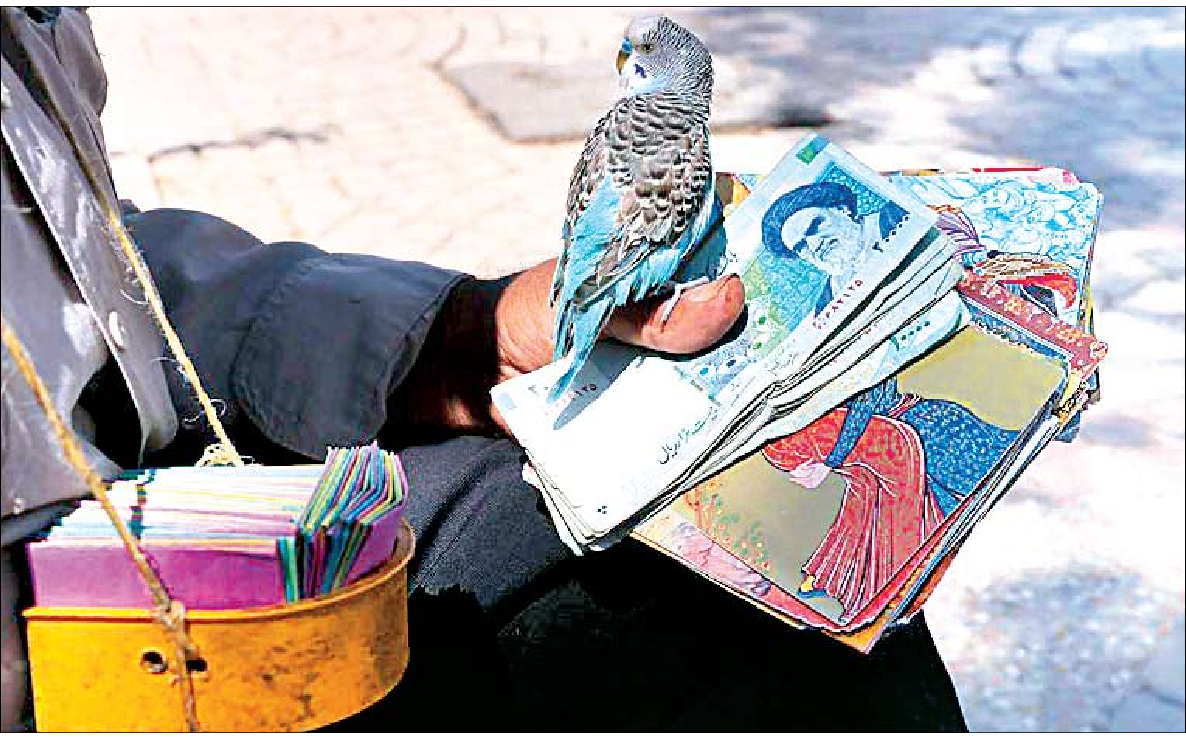
ای خوشا سرو که از بند غم آزاد آمد

کریم خان زند، غلامی به نام «سرو» داشت که او را به خاطر امانتداری و درستکاری اش بسیار دوست می داشت. سرو به همه علایق دنیوی پشت پا زده بود و هرچه به دستش می رسید، به فقرا انفاق می کرد. دوستانش ازاین رو او را انتقاد میکردند و می گفتند چرا برای روز مبادا و ایام پیری ات چیزی ذخیره نمی کنی؟ ولی گوش سرو به این حرف ها بدهکار نبود.

روزی کریم خان در جمع، ســـرو را ملامت کرد و به او دستور داد پس از این اموالش را برای خودش نگه دارد. سرو با آن که غلامی مودب بود، بی اختیار خنده اش گرفت و گفت: رویه من تغییری نخواهد کرد. من به چیزی ازدنیا دلبســـتگی ندارم، به جز دیوان حافظی که هر شب انیس من است و آن را می خوانم.کریم خان که خود به خواجه و دیوانش معتقد بود، گفت: پس برو همان دیوان خودت را بیاور تا در اینجا برای تو فالی بگیریم. خواهی دید که حافظ هم تو را نصیحت می کند و خیر تو را می خواهد؛ به شرطی که به گفته اش عمل کنی.

سرو رفت و دیوان حافظ را آورد. در آن باب فالی گرفتند. این غزل آمد:

در نمازم خم ابـــروی تو در یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آود
زیر بارند درختان که تـــعلق دارند
ای خوشا سرو که از بند غم آزاد آمد



نوروز
اسطوره‌ها آیین‌ها

● محسن حسن پور

همان طور که غربیها عادت دارند ریشـــۀ هر کاری را به عهد یونان باستان برسانند و در تأیید یا تکذیب هر چیزی، نقل قولی از افلاطون و ارسطو بیاورند، ما ایرانیها نیز عادت داریم در مورد بسیاری از موضوعات تاریخی و باستانی سراغ شاهنامه برویم و شـــاهد مثالی از آنجا بیاوریم و البته که این کار هیچ اشکالی ندارد.

یکی از موضوعاتی که معمولاً ما در مورد تاریخچه‌اش سراغ شاهنامه می‌رویم، جشن نوروز است. در شاهنامه بنیان این آیین به «جمشید» پادشاه اسطوره‌ای ایران (که در هند در شمار خدایان است) نسبت داده می‌شود و فردوسی چنین می‌گوید که جمشید تختی مزین به انواع جواهر داشت که همچون خورشید می‌درخشید و یک‌بار که سر سال نو بر آن نشسته بود، بزرگان جمع شدند...

جهان انجمن شـــد بـــرِ تخت اوی
از آنَ بـــر شـــده فرّه بخـــت اوی
به جمشـــید بر، گوهر افشـــاندند
مـــر آن روز را «روزِ نـــو» خواندند
ســـرِ ســـالِ نـــو، هرمـــز فروَدین
بـــر آســـوده از رنج تـــن دل ز کین
به نـــوروزِ نو شـــاه گیتـــی فروز
بر آن تخت بنشســـت فیـــروز روز
چنین جشـــن فـــرخ از آن روزگار
بمانـــده از آن خســـروان یـــادگار

حکیم توس بیش از این، چیزی نمی‌گوید و دیگران نیز به همین متن استناد می‌کنند و نوروز را یکی از کارهای جمشید به شمار می‌آورند؛ همچنان که ساختن گرمابه، کاخهای نیکو، طبقه‌بندی جامعه به گروههای مختلف، پزشکی، حکمرانی آسمانیِ و... را نیز به او نسبت می‌دهند و این خود دلایلی دارد که بعداً خواهیم گفت.

ایرانیان باستان(همچون زرتشتیان معاصر) ماه را به سی روز تقسیم می‌کردند و هر روز را به فرشته یا ایزدی نسبت می‌دادند؛ مثلاً دوم هر ماه را به فرشته بهمن، روز سوم را به اردیبهشت، روز پنجم را به اسفند، دهم را به آبان و شانزدهم را به فرشته یا ایزد مهر و... نسبت می‌دادند و هرگاه که روزی در ماه همنامش می‌افتاد، آن را جشن می‌گرفتند؛ مثلاً دومین روز ماه بهمن را بهمنگان یا بهمنجه، دهم ماه آبان را آبانگان، سیزدهم ماه تیر را تیرگان، شانزدهم ماه مهر را مهرگان و... می‌نامیدند و جشن می‌گرفتند و از یاد مبریم که جشن یا «یزشن» به معنای نیایش و عبادت است.

یکی از مهمترین جشنهای ایرانیان، جشن فروردینگان بود و این به آنجا بر می‌گشت که اعتقاد داشتند خداوند جهان را در شش مرحله آفرید؛ بدین ترتیب که نخست دست به خلقت آسمان زد، آنگاه آب را آفرید و بعد به ترتیب زمین، گیاهان و جانوران و آخر سر مردمان را خلق کرد. مؤمنان نیز به مناسبت هر یک از این مراحل جشنهایی را در طول سال برگزار می‌کردند که «گاهنبار» نامیده می‌شد. گاهنبارِ آفرینش آدمیان، در پنج روز حد فاصل سال کهنه تا آغاز سال نو جَشن گرفته می‌شد که در تقویم کنونی ۲۵ تا ۲۹ اسفند محاسبه می‌شود. آنان چنین اعتقاد داشتند که در این روزها ارواح مردگان به صورت دسته جمعی از جهان بالا به دنیا فرود می‌آیند و به سراغ خانواده و کسان خود می‌روند و اگر کسی برایشان دعا یا خیرات و مبرات کند، شاد می‌شوند و بر او درود می‌فرستند و در غیر این صورت اندوهگین و شاید هم ناسزاگویان به جایگاه خود باز می‌گردند. از آنجا که این ارواح را نیاکان ما «فَرَوَشی» (زرتشتیان کنونی فَروَهَر) می‌نامیدند، ماه نخست سال، «فروردین» نامیده شده است. از این آیین آشکارا در اوســـتا یاد و در ترویج آن، تلاش شده است؛ اما هیچ نام و نشانی از نوروز در اوستای کنونی نمی‌یابیم، چرا؟ آیا ممکن است مراسم نوروز مختص اقوام هندو ایرانی نبوده و در حدی گسترده‌تر به اقوام آسیای غربی بر می‌گردد؟ آثار به جا مانده از تمدنهای همسایۀ آریایی(همچون سومر، بابِل و آشور) در این زمینه آنقدر هست که راه را برای ارزیابی وسیِعتر این آیین کهن باز می‌کند. به همین جهت رواست که به سراغ آثار بازماندۀ یکی از قدیمی‌ترین فرهنگهای منطقه برویم، یعنی مردم سومر.

نوروز سومری

سومریان کسانی بودند که توانستند با ساختن کانالهای آبی و شبکه‌های مناســـب آبیاری، منطقه خشک و سوزان بین‌النهرین(نواحی میان دو رود دجله و فرات در عراق امروز) را به محلی خرم و آباد تبدیل نمایند و تمدنی را پی‌ریزی نمایند که تا پیش از کشفیات تمدن جیرفت، «مادر تمدنها» خوانده می‌شد؛ اما هم‌اینان از نظر اعتقادات دینی در وضعی بودند که برای مردم عصر ما موجب شـــگفتی است؛ چه، آنان به خدایان متعددی

عقیده داشتند و هر بخش از امور جهان را تحت مسئولیت یکی از ایزدان می‌دانستند.

خدای آب، خدای هوا، خدای زمین، خدای زیر زمین و... برخی از آنها نرینه بودند و برخی دیگر مادینه و جالب اینکه آنها با یکدیگر ازدواج می‌کردند، بچه‌دار می‌شدند، می‌خوردند، بیمار می‌شدند و... انگار که انسانهایی هستند با قدرت بیشتر و عمر بسیارطولانی‌تر.

از جملـــه این ایزدان که فعلاً با آنها ســـر و کار داریم، دموزی(ایزد گیاهان) و اینین(الهه مادری و باروری) هســـتند. خلاصهٔ ماجرایی که به موضوع گفتار ما بر می‌گردد، این است که اینینِ در جوانی عاشق دموزی می‌شود و با او ازدواج می‌کند؛ اما بعداً طمع می‌ورزد و به قلمرو خواهرش که الههٔ جهان زیرین و مردگان بود، چشم می‌دوزد و به آنجا می‌رود تا بر متصرفات خود بیفزاید؛ اما دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. با رفتن او جهان با مشکل بسیار بزرگی روبرو می‌شود و آن اینکه دیگر کسی ازدواج نمی‌کند (چون اینین الهه یا ایزد بانوی ازدواج و عشـــق‌ورزی بود) و زنی نمی‌زاید (چون باروری هم زیر نظر او بود) و در میان جانوران نیز همین مشـــکل به وجود می‌آید و در نتیجه جهان غرق ســـکوت و خاموشی می‌شود و دیگر قربانیی تقدیم خدایان نمی‌شود و آنها به سرعت وخامت اوضاع را محاسبه می‌کنند! پس چاره‌ای می‌اندیشند تا «اینین» آزاد شود و دوباره به جهان برگردد؛ ولی قانون جهان زیرین این اســـت که کسی آزاد نمی‌شود، مگر اینکه شخص دیگری را به جای خود معرفی کند. به این ترتیب اینین آزاد می‌شود و بنا به دلایلی چون از شوهرش خشمگین می‌گردد، او را به جای خود معرفی می‌کند و در نتیجه «دموزی» به جهان مردگان برده می‌شـــود! اما پس از مدتی «اینین» که عاشـــق شوهرش بود، خشمش فروکش می‌کند و می‌فهمد چه کرده. آن وقت در سوگ شوهر محبوبش نالان و گریان می‌شود و به شدت بی‌تابی می‌کند و اشک می‌ریزد و همراه خواهر و مادر دموزی چندان نوحه‌گری می‌کند که پس از چندی، «دموزی» آزاد می‌شود و آنها دوباره شاد و خرم، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و شادمانی و نشاط را به جهان بر می‌گردانند. در نتیجه گیاهان رشد می‌کنند و شکوفا می‌شوند و میوه می‌دهند، حیوانـــات زاد و ولد می‌کنند و بسیار می‌شوند و انسانها نیز ازدواج می‌کنند و بچه‌دار می‌شوند و جهان نظم خود را باز می‌یابد و بر همه جا آرامش و آسایش حکمفرما می‌گردد؛ اما قرار بر این می‌شود که دموزی نیمی از سال را در جهان خاکی و نیمی دیگر از سال را در جهان زیرین بسر ببرد.

این عقیده امروزه برای ما بســـیار خنده‌دار و بلکه تعجب‌برانگیز است؛ اما اگر از دیدگاه اســـطوره‌ای به معتقدات سومریان در هزاران سال پیش بنگریم، می‌توانیم تا حدودی به ریشه‌یابی موضوع بپردازیم و دریابیم که چگونه آنان به این ورطه کشـــیده شدند و آنگاه تأثیر طرز نگرشی و پیامد آن را تا عصر حاضر بررسی کنیم.

ما در طول حیات خود بارها گلها و گیاهان بســـیاری را دیده‌ایم که با همه زیبایی و سرسبزی، با فرا رسیدن پاییز، زرد و خشک می‌شوند و می‌میرند و در فصل سرمای زمستان به کلی اثری از آنها نمی‌ماند، اما همین که ابرهای بهاری شروع به باریدن و نسیم روحبخش بهاری شروع به وزیدن می‌کند، کم‌کم جنب و جوشی در گیاهان مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه از تخم همان گیاهان پژمرده سال قبل، گل و گیاهان تازه‌ای ســـر بر می‌آورند و درختان بی‌برگ و بار زمستانی، جوانه می‌زنند و به قول سعدی: دایه ابر بهاری فرش زمردین می‌گســـتراند و اطفال شاخ، کلاه شکوفه برِ سر می‌نهند... این موضوع برای ما کاملاً حل شده است؛ ولی انســـان‌های عهد باستان برداشت دیگری داشتند. آنها گمان می‌کردند در دوره‌ای که گیاهان می‌میرند و ســـر در خاک فرو می‌کنند، مشکلی گریبانگیر «ایزد گیاهان» شده و زمانی که گیاهان سر از خاک درِ می‌آورند و حیات دوباره می‌یابند، حتماً آن مشکل از «ایزد گیاهان» دور شده است. آن وقت افسانه‌هایی در این مورد می‌ساختندکه یک نمونه‌اش را دیدیم. و چون می‌خواستند کارهایشان را با خدایانشان تطبیق دهند و در واقع همچون آنان رفتار کنند، خود را در غم و شادی آنان شریک می‌کردند، یعنی آن زمان که «اینین» بر شوهرش می‌گریست، آنها هم گریه و زاری راه می‌انداختند و در دسته‌های بزرگ عزاداری در خیابانها راه می‌افتادند و سوگواری می‌کردند و زمانی هم که «دموزی» از جهان زیرین آزاد می‌شد و دوباره با زنش ازدواج می‌کرد، آنان نیز مراسم شادی و پایکوبی برپا می‌کردند و جشن می‌گرفتند.

این طرز عقاید در دوران پس از سومری، یعنی آشوری و بابلی با مختصری تغییر و تبدیل در نامها و آیینها، همچنان پا بر جا بود و اجرا می‌گشت و مشابه آن در یونان و مصر و لبنان هم رواج داشت و ایرانیان کهن نیز آن را با تغییرات متعددی تا امروز

یکی از مهمترین جشنهای ایرانیان، جشن فروردینگان بود و این به آنجا بر می‌گشت که اعتقاد داشتند خداوند جهان را در شش مرحله آفرید؛ بدین ترتیب که نخست دست به خلقت آسمان زد، آنگاه آب را آفرید و بعد زمین، گیاهان و ...









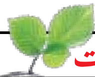














برای فرزندان و جانشینان‌شان که ما باشیم، به یادگار گذاشتند!

مراسم مربوط به اسطوره «دموزی ـ اینین» به طور کلی شامل دو بخش می‌شد: الف) عزاداری بر مرگ دموزی، ب) شادمانی در بازگشت دموزی و ازدواج او با اینین. در بخش اول که معمولاً ده روز پیش از پایان سال برپا می‌شد، مردم در دسته‌های بزرگی گریان و بر سر و سینه زنان به سوی بیابان‌ها و کشتزارهای اطراف شهر به راه می‌افتادند و سوگواری می‌کردند و بر سرنوشت تلخ «دموزی» جوان و زیبا می‌گریستند و عزاداری می‌کردند. و چند روز بعد که «دموزی» از جهان مردگان خلاص می‌شد و زندگی دوباره می‌یافت و با همسرش ازدواج می‌کرد، آنان نیز شادان و پایکوبان به ازدواج‌های دسته‌جمعی (که اُرجی نامیده می‌شد) دست می‌زدند و خود را شریک سرور ایزدانشان می‌کردند.

رمز اسطوره دموزی

از دیدگاه اسطوره‌شناسان همان‌طور که مرگ «دموزی» نشانه مرگ گیاهان و فرا رسیدن فصل سرماست، عزاداری بر او نیز نشانه نگرانی مردم عهد باستان از طولانی شدن فصل سرما و تعطیلی کار و بار کشاورزی و در نتیجه حیات موجودات و از جمله آدمیان است؛ ترسی که هنوز بشر را ترک نکرده و در مواقع خشکسالی و کمبود آب به وضوح هر چه بیشتر خودنمایی می‌کند. با این حساب گریه و زاری و فریاد مادر و خواهر و همسر دموزی ما را به یاد باران‌ها و رعد و برق‌های معمول اواخر زمستان و اوایل بهار می‌اندازد. گریه و زاری مردم را نیز علاوه بر همدردی آنها با ایزدانشان، می‌توانیم نماد نوعی باران خواهی به شمار بیاوریم. این گونه اعمال جادو مانند به «تشویق طبیعت» تعبیر می‌شود؛ یعنی مردم با گریستن خود، آسمان را تشویق به باریدن می‌کنند. به این ترتیب آمیزش گروهی آنان پس از حیات مجدد دموزی و ازدواجش با اینین را، می‌توانیم تشویق آن دو ایزد به ازدواج و کامورزی معنی کنیم که نتیجه‌اش تقویت کامجویی و برکت‌بخشی در جهان گیاهی، حیوانی و انسانی بود!

شگفت و خنده‌دار است، نه؟ اما اگر در جزئیات اعمالشان دقیق شویم، بسیاری از آنها را تا امروز در میان آیین‌های مختلف‌مان آشکارا می‌بینیم. پس بقیه داستان را بشنوید. از آنجا که مردمان باستان عقیده داشتند اعمال و رفتار پهلوانان و بزرگان می‌بایست مطابق الگویی خدایی صورت گیرد (همچنان که امروزه مؤمنان دینهای مختلف معتقدند باید مقدسان را سرمشق خود قرار دهند)، شاه سومری در نقش «دموزی» و کاهنهٔ معبد بزرگ شهر در نقش «اینین» عهده‌دار دو نقش کلیدی آیین سرور می‌شدند. به این ترتیب که شاه با قایقی به معبد می‌رفت و هدیه‌ای هم با خود می‌برد. مردم نیز با فریادهای شادی او را همراهی می‌کردند. از آن طرف، کاهنه معبد شستشو می‌کرد و جامه‌های فاخر می‌پوشید و منتظر ورود شاه می‌ماند تا شاه می‌رسید، کاهنه به یاد عشق فراوان اینین به دموزی، سرودی عاشقانه برای او می‌خواند و آنگاه در حرمسرای معبد ازدواج می‌کردند و سپس او سرنوشت شاه را در طی سال آینده تعیین می‌کرد و آنگاه جشنی عمومی برپا می‌گشت، نوای موسیقی برمی‌خاست، ازدواجهای آیینی (اُرجی) انجام می‌پذیرفت و نیز بازی‌های ورزشی آغاز می‌شد که شاه می‌بایست در آنها شرکت جوید و قدرت و پهلوانی خویش را به اثبات برساند.

در دوران کهن‌تر از این، که در نواحی مورد بحث ما «مادرسالاری» وجودداشت، رسم بود ملکه هر سال با پهلوان شهر ازدواج کند و در پایان سال همان طور که دموزی به دست اینین به دژخیمان جهان زیرین سپرده می‌شد و جان می‌سپرد، شوهر ملکه را به قتل برسانند و خونش را بر گیاهان بپاشند تا بهتر رشد کنند و بارور شوند؛ اما در زمانهای بعد که «پدرسالاری» حاکم گشت، شاه دیگر راضی به مرگ نمی‌شد، بلکه پس از مدتی از سلطنت کنار می‌رفت؛ اما بعدها که باز بر قدرت شاه افزوده شد، او برای چند روز کنار می‌رفت و شخصی بزهکار یا محکوم به اعدام را به جایش بر تخت می‌نشاندند و در پایان، او را می‌کشتند و خونش را بر گیاهان می‌ریختند. با گذشت زمان از کشتن او نیز دست کشیدند و به کتک زدن و ریشخند کردنش بسنده کردند.

این مراسم با تفاوتهایی چند در مناطق مختلف همجوار بین‌النهرین یعنی مصر (با نام اُزیس و اُزیریس)، یونان (با نام آدونیس و آفرودیت)، روم (با نام آدونس و ونوس)، لبنان با نام (آدونیس و عشتروت)، ایران (با نام سیاوش و سودابه) و هند (با نام رامایانا و سیتا) برگزار می‌شد. البته در خود بین‌النهرین پس از سقوط سومریان و روی کار آمدن بابلیها، این دو ایزد تحت عنوان «تموز» و «ایشتر» مورد پرستش قرار می‌گرفتند. از آن میان، ما تنها به سراغ آیین ایرانی می‌رویم و بازتاب آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سنتهای نوروزی ایران

گفتیم که آریاییها عقیده داشتند در چند روز پایان سال، ارواح به جهان مادی باز می‌گردند و به سراغ خانه و کاشانه سابقشان می‌روند و برای کسانی که خیرات و مبرات می‌کنند، دعای خیر می‌کنند و از بسامان دیدن آنان خوشحال می‌شوند. این کار به دو صورت در حال حاضر نمود پیدا کرده است: نخست «زیارت اهل قبور» در آخرین پنج‌شنبه سال که به شکل سنتی کاملاً همه‌گیر و عام درآمده است و تقریباًتمام مردم در این روز به گورستانها می‌روند و به درگذشتگان خود سر می‌زنند و برایشان دعا و قرآن می‌خوانند و خیرات می‌کنند. دوم این که یکی از مراسم دیدنی شب چهارشنبه‌سوری، «قاشق‌زنی» است که بچه‌ها یا نوجوانها (البته فقط پسرها) پارچه یا چادر بر سر می‌اندازند و دم در خانه‌ها می‌روند و با قاشق بر کاسه مسی می‌کوبند. صاحب‌خانه هم با خنده و شادی پول یا شیرینی یا نقل و شکلات در کاسه او می‌ریزد و روانه‌شان می‌کند.

از دیگر سنت‌های این ایام، مراسم «چهارشنبه‌سوری» است که شامل آتشبازی، پریدن از آتش، قاشق‌زنی، فالگوش ایستادن، بخت‌گشایی و ... می‌شود و هر کدام از اینها دارای معنا و مفهومی است که ذکر برخیشان گذشت.

این کار به چند دلیل یادآور نزول‌فروشی‌ها (ارواح) است: یکی این که تنها در شب چهارشنبه‌سوری اجرا می‌شود، دیگر این که خواهندگان روی خود را می‌پوشانند و باز این که نه قاشق‌زن و نه صاحب‌خانه و نه دیگران، هیچ کدام احساس گدایی کردن و گدا بودن قاشق‌زن را ندارند؛ در حالی که در سایر اوقات سال چنین‌نیست.

سنت دیگر این ایام «سبزه سبز کردن» است. دیدیم که چگونه دور مکرر خشک شدن گیاهان در فصل سرما و جوانه زدنشان در بهار، مردم اعصار کهن را به این گمان انداخت که خدای جهان نباتی می‌میرد و پس از چند ماه دوباره زنده می‌شود و حیات گیاهان را باعث می‌گردد. این را هم گفتیم که این اسطوره در هر کجا به نام و شکلی خود را نمایاند؛ مثلاً در بین‌النهرین دموزی به شکل انگور یا ذرت سبز می‌شد، در یونان می‌گفتند از خون آدونیس گل سرخ به وجود آمد، در هند نیز معتقد بودند که «سیتا» به صورت سبزه پس از خیش از زمین بیرون می‌آید، در ایران هم عقیده داشتند که از خون سیاوش «پرسیاوشان» روییده است. به همین جهت در جاهای مختلف رسم شد که پیش از شروع سال، در ظرفی سبزه‌سبز کنند تا هم یاد آن ایزد شهید شونده را گرامی بدارند و هم طبیعت را به گرم شدن هر چه سریعتر و رویاندن گل و گیاه بیشتر تشویق کنند؛ اگرچه اکنون تنها به صورت سرگرمی و زینت و سنتی رایج، عمل می‌شود.

موضوع دیگری که تنها در ایام نوروز شاهدش هستیم و از این رو باید آن را سنتی مرتبط و بلکه مختص نوروز بدانیم، «حاجی فیروز» است؛ مردانی که با لباس و کلاه سرخ و صورتی سیاه، دایره در دست، می‌زنند و می‌خوانند و می‌رقصند و مردم پول می‌دهند و تشویقشان می‌کنند. مرحوم دکتر مهرداد سهار بر آن است که حاجی‌فیروز نمادی دیگر از «سیاوش» است که به جهان مردگان رفته و در این ایام دوباره برمی‌گردد. پس، به این دلیل صورتش سیاه است که از جهان تیرگی و تاریکی می‌آید و به این علت لباس قرمز در تن دارد که سرخی علامت خون و زندگی است و او با رقص و آواز و دایره زدن می‌خواهد شور و شوق زندگی را در مردم زنده کند.

از دیگر سنت‌های این ایام، مراسم «چهارشنبه‌سوری» است که شامل آتشبازی، پریدن از آتش، قاشق‌زنی، فالگوش ایستادن، بخت‌گشایی و ... می‌شود و هر کدام از اینها دارای معنا و مفهومی است که ذکر برخیشان گذشت. آتشبازی و پریدن از آتش، از کارهای بسیار فراگیری است که تقریباً در همه جا به چشم می‌خورد و حتی به بعضی از جشن‌های دیگر هم سرایت کرده است. مرد و زن و پیر و جوان از روی آتش می‌پرند و می‌گویند: «زردی من از تو، سرخی تو از من» و این کار را چند

بار تکرار می‌کنند. این عمل سرگرمی و تفریحی بیش نیست (هرچند برخی پیرترها بر خواص مختلف آن تأکید می‌ورزند)، اما در گذشته مقصود دیگری داشتند و آن تشویق طبیعت به گرم شدن و دور راندن سرما و شروع فصل رویش و زندگی بود. فشفشه‌بازی و فانوس هوا کردن و کوزه هفت‌رنگ روشن کردن و ... همه و همه برای تشویق خورشید به گرم شدن و سرغیرت آوردن او بود.

کار دیگر شب چهارشنبه سوری، «فالگوش ایستادن» است و آن به این صورت است که فرد نیتی می‌کند و کلیدی زیرپا می‌گذارد و سپس به حرفهای مردم گوش می‌سپارد و آن را با نیت خود تطبیق می‌دهد؛ مثلاً اگر دختری بخواهد بداند که امسال بختش باز می‌شود یا نه، همین که بشنود رهگذری به همراهش می‌گوید: «درست می‌شود» یا «غصه‌نخور» یا هر حرف دیگری بزند که شنونده برداشت خوبی از آن بکند، شاد می‌شود و یقین می‌کند که بختش باز می‌شود. خواندیم که یکی از کارهایی که در بین‌النهرین، شاه سومر یا بابل در این ایام می‌کرد، رفتن به نزد کاهنه معبد بزرگ بود تا ضمن کارهای دیگر، او برایش آینده‌بینی کند و سرنوشتش را در طول سال بعد تعیین نماید. با توجه به تغییر و تحولاتی که زمان و مکان در اسطوره‌ها و آیینها ایجاد می‌کند، به نظر می‌رسد که فالگوش ایستادن، تغییر شکل یافته همان آینده‌بینی باشد!

به همین حساب می‌توانیم سراغ سایر رسومات عید برویم و آنها را معنی کنیم، که از آن جمله «سفره هفت‌سین» که بی‌گمان با «هفت امشاسپند» به عقیده ایرانیان باستان ارتباط دارد. امشاسپند به معنی «جاودانه‌های نیکوکار» ایزدان بزرگ یا فرشتگان مقرب هستند که اصلی‌ترین وظیفه در آفرینش و نگاهبانی آفریدگان و نمایش جنبه‌های گوناگون منش اهورمزدا را به عهده دارد و شامل بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفند، خرداد و مرداد و سپندمینو یا سروش می‌شوند. ضمن این که خود عدد هفت از دیرباز در میان اقوام و ملل مختلف مقدس و مورد توجه بوده است.

سایر محتویات سفره را نیز می‌توان نماد حقایقی دیگر به شمار آورد؛ مثلاً آب را نماد روشنایی گرفت، شمع و چراغ را مظهری از آرزوی طول عمر به حساب آورد، سکه را نشانه جلب نعمت و برکت معنی کرد، تخم‌مرغ را نماد پیدایش حیات و آغاز تکوین موجودات و سبزه را علاوه بر تعابیری که ذکرش گذشت، نشان خرمی و طراوت دانست. به این ترتیب قرآن کریم و شمایل حضرت علی(ع) را هم باید عنوان عوامل متبرک‌کننده و روحانیت بخش این سفره و بلکه آیین به شمار آورد. این سفره معمولاً از روز اول عید و حتی یکی، دو روز پیش از آن پهن می‌گردد و روز سیزده‌بدر برچیده می‌شود. روز «سیزده» را مردم عقیده دارند که باید در کرد. از این رو سبزه‌ها را برمی‌دارند و خانوادگی به بیرون شهر می‌روند، به گونه‌ای که شهر تقریباً خالی می‌شود. از کارهای مرسوم این روز، سبزه گره زدن و کاهو با سرکه یا سکنجبین خوردن است. عصر که شد، به خانه‌ها برمی‌گردند و بعد از چند روز شاد و فرحبخش از فردا سر کار و زندگی‌شان می‌روند. تا سال بعد و شروع مجدد آنچه گذشت.

در مورد سیزده و نحسی آن توجیهات و توضیحات بسیاری شده است. یک نمونه آن که منطقی‌تر به نظر می‌رسد، این است که ما می‌توانیم هر یک از دوازده روز نخست سال جدید را به عنوان نماد دوازده ماه سال حساب کنیم که مردم به دید و بازدید و عیدی دادن و عیدی گرفتن و شادمانی می‌گذرانند، به این امید که کل دوازده ماه را به شادی و سرزندگی سپری سازند و اما روز سیزدهم مظهر پیش از آفرینش است که جهان هنوز نظم و انتظامی نداشت و از آنجا که در قدیم سال را ۳۶۰ روز محاسبه می‌کردند و برای جبرانش، در آخر هر سال پنج روز دیگر بدان می‌افزودند که آن را «پنجهٔ دزدیده» (خمسه مسترقه) می‌نامیدند و معتقد بودند در این روزها ارواح مردگان به زمین باز می‌گردند، شاید بتوانیم این چند روز را نشانه‌ای از همان وضعیت به شمار آوریم.

به همین جهت در روز سیزده که نماد آن دوره بی‌نظم است، معیارهای پذیرفته شدهٔ اجتماعی کنار گذاشته می‌شود و مردم از خانه و زندگی‌شان دست می‌کشند؛ هر چند که امروزه بیشتر جنبه تفریح و گردش به خود گرفته است.

عقیده دیگر اینکه حتماً باید سبزه را در این روز بیرون ببرند و در آب روان بیندازند. چرا؟ اگر یادتان باشد، گفتیم مردمان اعصار پیشین برای این سبزه سبز می‌کردند که طبیعت را به گرمی و رویاندن گل و گیاه تشویق کنند و در ضمن سبزه نمادی از ایزد شهیدشونده (در بین‌النهرین: دموزی یا تموز، در یونان و لبنان: آدونیس، در ایران: سیاوش) بود.

به این ترتیب اگر سبزه مظهر «سیاوش» در ایران باشد، بی‌شک «آب» یادآور ایزد بانوی آب و باروری خواهد بود که در بین‌النهرین «اینین» بود و در اساطیر ایران هر چند به طور کلی «آناهیتا» عهده‌دار این نقش بود، اما به جهاتی در تغییر و تحول شکل اسطوره و به دلیل مناسبت‌های دیگر، دست کم در این افسانه، جای خود را به «سودابه» داده است و به حق او را می‌توان معادل «اینین» به شمار آورد؛ چه، سودابه نیز دلباخته سیاوش می‌شود و به نحوی متفاوت او را به کشتن می‌دهد.

موضوع دیگری که به تأیید این برداشت یاری می‌رساند، معنای لغوی سودابه (در اوستایی: سوته آپکه) است که «آب روشنی بخش» یا «آب سودبخش» می‌شود. بنابر این با انداختن سبزه (یعنی سیاوش) در آبِ روان (یعنی سودابه) در واقع سعی می‌شود در کار وصلت ایزد نباتی با الهه آب به نحوی تشویق و همراهی و هماهنگی صورت پذیرد!

سخن آخر اینکه اسطوره‌های مردمی در طول زمان و مکان پایدار می‌مانند، هر چند ممکن است نامشان و برخی رسمهایشان دگرگون شود و از جهات گوناگون با مخالفت و دشمنی مواجه گردند. آیین نوروز نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیست؛ باید آن را غنیمت شمرد، دوست داشت و پاسداری کرد؛ به ویژه اکنون که حلقه اتصال بسیاری از اقوام است. چنان که سوای ایران، در افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، کردستان ترکیه و عراق، ازبکستان و تاجیکستان و... نیز به رسمیت شناخته شده و همچون گذشته گرامی داشته می‌شود و از یاد مبریم که این مناطق همان جاهایی هستند که روزگاری شوم دست استعمار از میهن عزیزمان جدا کرد.

۱ـ این نوشتار تلخیص فشرده از مقاله مفصل «اسطوره‌های سنت نوروزی» است و به همین جهت مأخذ متعدد آن حذف شد.

شعر بهاری

• استاد جلال رفیع

*** اشـــاره: چند غزل هم از جلال رفیع می‌خوانید، که در سال‌ها و ماه‌های متفاوت و در اوضاع و احوال گوناگون سروده است. برای بهار یا به یاد زنده یاد بهار!**

باغ سپیده

مرا دوباره به باغ سپیده مهمان کن
شب جهنّمی‌ام را بهشت باران کن
دودست تا برسانم به میوهٔ ممنوع
ز چاکِ سینهٔ شب، صبح را نمایان کن
گناهِ آدم و حوّا مرا هوایی کَرد
اگر ثواب کنی با گناهکاران کن
اگر زحلقهٔ فرمان تو بپیچم سر
مرا به رشتهٔ گیسو کمند پیچان کن
بریز شبنم می بر تن برهنهٔ باغ
یکی دو جرعه نصیبِ هزار دستان کن
به رقصِ نور در آیینه‌های قطره چکان
شکوه را تو ببین، قطره را تو باران کن
به هر نظر دل من چاک چاک خواهد شد
بیا و دامن خود چاک تا گریبان کن
هزار حلقهٔ موی مرا به شانهٔ باد
چو زلف خویشتن افشان کن و پریشان کن
بگیر معدن الماسِ قلب را از من
به سینه‌های کبوتر نشان، برلیان کن
ستاره‌های بلند آسمانِ بختم را
هزار تکّه کن و چلچراغِ ایوان کن
دل تو مدرسهٔ مهرِ ما است در بگشای
مرا به مهر بخوان، طفلِ این دبستان کن
دو باغ معرفت و عشق در بغل داری
به فصل میوه‌خوران، سیرم از دو بستان کن
نشست جفت کبوتر به بام سینهٔ صبح
ز بام مرمری‌اش مرمرا دل افشان کن
شکنجِ زلف تو ما را شکَنجَه‌گاهِ دل است
شکنجه خانه براندار و خانه ویران کن
خوش است سوختن اندر تبِ فراق و وصال
به هر دو حال، شبستانِ من تبستان کن
مگو برون، همه از ظلم ظلمت آباد است
تو، عدل، جان مرا در درون چراغان کن
خرداد ۱۳۷۶

مگر باد بهارانم....

قضا را خواستم از دل، که ارباب قَدَر باشم
ولی این بود تقدیرم، که صبر بی‌ظفر باشم
مگر باد بهارانم برویاند چوگل وَرنه
زسنگِ روی یخ افسرده‌تر در رهگذر باشم
اگر از خویش می‌کاهم، وگر خورشید می‌خواهم
سزا این است کاندر حلقهٔ حیرت قمر باشم
به محراب ازل، مست نماز عشق خواهم شد
اگر چون آسمان من هم رداپوش سحر باشم
منم سیمرغِ سی‌مرغِ شکسته پر شکسته پا
کَه باید بهر مرغان دگر هم پا و پر باشم
چه سود از گردش پی‌درپی روز و شبم وقتی
که هر شب ظلمتی را چشم برشام دگر باشم
چو پیچک، عاشقانه بر در و دیوار می‌پیچد
چرا من عمر را زندانی دیوار و در باشم
مرا حُسنِ نظر آموخت باغ سیمْ اندامت
دعا کن تا که در تفسیر تو صاحبنظر باشم
چو لعل و سنگ، یکسان است در بازار مَکّاری
همان بهتر که در جام بلاَ خونِ جگر باشم
نشانِ بی‌نشانِ منزل لیلی نمی‌جویم
مَن آن مجنونِ مجنونم که دائم در سفر باشم
دل من چون نماز من، اگر بشکست باکی نیست
شکسته دل منم، اهل نمازِ مختصر باشم
مرا افکند در راهّی و خود را در رهی دیگرَ
مسلمانان، چگونه از دل خود باخبر باشم
مکن در واپسین روز عیادت، غیبت از عاشق
سفر کن در تن و جانم، اگر چه محتضر باشم
«براندازم ره و رسم سفر را از جهان»، حافظ!
مگر در این براندازی، ز تو استادتر باشم!
آذر ۱۳۷۴

بهار بی تو

خاکستر خزان است، خاکِ بهار بی‌تو
بی‌آفَتاب و ماه است، لیل و نهار بی‌تو
بزم بهار و نوروز، باغ بهشت و فردوس
چون دوزخ است با من، این هر چهار بی‌تو
بی ابر گریه کردم، بی رعد ضجّه کردم
رفتّی و رفت یکسر، از کف مهار بی‌تو
ای جان آسمانی، با من اگر نمانی
هرگز نمی‌شود رام، این گرگ هار بی‌تو
بعد از تو ای مسافر، این جسم را چه حاصل
افتاده در سمرقند، یا قندهار بی‌تو
با یک نوا دل من، سرمست می‌شد امّا
دیگر اثر ندارد صوت هزار بی‌تو
«رفتّی و رفتن تو»، خاکسترم به سر کرد
«از کاروان چه ماند؟»، گرد و غبار بی‌تو
برگرد ای سواره، برگرد کن نظاره
زین گرد بر نگردد، دیگر سوار بی‌تو
هان ای غرور خسته، ای عشق دلشکسته
برگرد تا نمیرد، امّیدوار بی‌تو
ای یار یاری‌ام کن، عیّار داری‌ام کن
شبگردِ خانه دارد، برروی دار بی‌تو
عیّار سرشکسته‌ست، دل داده اَست از دست
این سکّهٔ محبّت، شد بی‌عیار بی‌تو
اسم شبم تو بودی، شب بر لبم تو بودی
با دل قرار بگذار، شد بیقرار بی‌تو
بهمن ۱۳۸۱



خانه تکانی اقتصاد از غبارِ تورم و رکود



● کامران نرجه

مقدمه: بیم و امید در اقتصاد ۹۳

اقتصاد ایران درسال ۱۳۹۳ مواجه با رویدادهای فراوانی بود که تأثیرات مختلفی روی برنامه های توسعه صنعتی، کشاورزی، معدنی، تجاری، گردشگری و خدماتی کشور داشت. با این حال بیشترین سهم تأثیرگذاری در برنامه های توسعه اقتصادی ۹۳ متعلق به تصمیم دولت برای کاهش شتاب صعودی نرخ تورم و مبارزه با رکود اقتصادی بود.

دولت با درک این واقعیت که توسعه اقتصادی نیازمند ثبات و آرامش در فضای سیاسی و اجتماعی است، از ابتدای سال ۱۳۹۳ تصمیم گرفت هیجانات تاثیرگذار بر محیط کسب و کار را به حداقل ممکن کاهش دهد و از هرگونه رفتار تنش آفرین برای تولید کالا و خدمات که تنظیم بازار را برهم زند، جلوگیری کند. این تدبیر اساسی برای مبارزه با رشد تورم در اقتصاد ملّی که شالودهٔ اصلی آن مدیریت صحیح منابع بانکی بود، سبب شد تا از تزریق بی رویه نقدینگی به حوزه های مختلف اقتصادی کاسته شود و انگیزه های رشد پایه پولی از بین برود.

به سبب این تصمیم اقتصادی در سالی که گذشت، شاهد کمترین تغییرات قیمت در حوزه های بزرگی نظیر انرژی، مسکن، ارز، تولید کالاهای اساسی، مواد اوّلیه صنعتی و خدمات بانکی بودیم؛ ضمن آنکه حجم زیادی از نقدینگی انباشته شده سال های قبل در فعالیت های دلالی، مجدداً از کانال سرمایه گذاری در بورس و سیستم بانکی به بخش تولید گرایش پیدا کرد.

در حوزه سرمایه گذاری و بهره برداری ازطرح های عمرانی هم ظرف سالی که پشت سرگذاشتیم، پروژه های بزرگی نظیراتصال راه آهن ایران به ترکمنستان و قزاقستان(گلستان)، بیمارستان ۳۰۰ تخت خوابی پیامبر اعظم(کرمان)، معدن طلای زرشوران(آذربایجان شرقی)، سد ایوشان و سد مروک (لرستان)، کارخانه کک شویی زرند و کارخانه آهن اسفنجی بردسیر(کرمان)، سد آیت اله بهجت و فاز دوم کارخانه چوب فومنات(گیلان)، بزرگترین نیروگاه خورشیدی کشور(ملارد البرز)،فاز نخست پتروشیمی ایلام، فاز قطار شهری شیراز و تصفیه خانه بزرگ فاضلاب (شهرقدس) به بهره برداری رسید. علاوه بر این دولت موفق به تکمیل و تحویل حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی مهر در سطح کشور و بهره برداری از صدها کیلومتر جاده کمربندی و مسیرهای دسترسی استاندارد در استانهای مختلف شد.

در نظام تجارت خارجی هم مدیریت بکارگرفته شده باعث شد تا ضمن رشد صادرات غیرنفتی از ولع واردات کالاهای غیرضروری کاسته شده و تراز منفی تجارت خارجی کشوربه کمترین سطح پس از پیروزی انقلاب اسلامی برسد.

این شرایط امیدهای زیادی برای ایجاد رونق دوباره در تولید ملی ایجاد کرد و بخش از نگرانی ها در سال های اخیر را از بین بُرد. با این وجود سالی که گذشت بیم های جدیدی در اقتصاد کشور به جا گذاشت که رهایی از آنها به برنامه ریزی در سال های آتی نیاز دارد؛ مشکلاتی نظیر خشکسالی و کمبود منابع آبی، سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی، تداوم تحریم های تجاری، ناامنی سیاسی در بازارهای اطراف، کاهش بنیه مالی سیستم بانکی برای حمایت از تولید ملّی و بالاخره رشد بیکاری، در زمرّه نگرانی های اقتصادی سال ۹۳ هستند که برای آنها باید از سال جدید چاره جویی کرد.

این روزها اغلب مردم به فکر خانه تکانی وغبارروبی از منازل خود هستند تا خورده ریزهای بی فایده و مشکل ساز را به دور انداخته و شرایط را برای ورود هوای تازه بهاری در محیط زندگی خود فراهم کنند.

محیط اقتصادی ما هم مملّو از خورده ریزهای دردسرساز و دست وپا گیری است که رهایی از آنها به یک رُفت و روب حسابی نیاز دارد. برخی از این خرده ریزهای چالش زا در اقتصاد ناشی از رفتارهای غلط مدیریتی درحوزه سیاسی و گروهی دیگر محصول دیدگاه های غیرواقعی و بعضاً عوام فریبانه در نظام اقتصادی است.

هرچه هست، غبار بیماری زای اقتصاد ما بدون خانه تکانی در سیاست ها و عملکرَدهای کلان برطرف نمی شود و دولت با آگاهی از این مساله، غبارروبی اقتصادی را از ابتدای سال آغاز کرده است؛ همان زمان که وعده داد تدبیر برای کاهش نرخ تورم وامید برای ایجاد رونق در تولیدرا سرلوحه برنامه های اقتصادی خود قرار داده است.

این غبار سنگین یا تورم همراه با رکود که از دوره مدیریت دولت قبل به اقتصاد کشور تحَمیل شد، فعالیت تولیدی وخدماتی در بنگاه های کوچک و متوسط را ظرف دو سال اخیر تحت الشعاع خود قرار داد و نامدیریتی ها در فضای سیاسی و اقتصادی سبب شد تا نرخ تورم کشور به ۳۵/۱ درصد، تورم نقطه به نقطه ۳۸/۴ درصد و نرخ رشد اقتصادی به (۱/۱-) درصد برسد.

از طرف دیگر تشدید تحریم های بین المللی به همراه افزایش بدهی دولت به خزانه ملت و کاهش بنیه سیستم بانکی برای حمایت از تولید ملی باعث شد تا قدرت هرگونه تحرک از فعالان اقتصادی سلب شود و نرخ بیکاری در جامعه به بالاترین سطح خود در دو دهه اخیر برسد.

مقابله با این مشکل چندوجهی برای کابینهٔ تازه به قدرت رسیده دولت یازدهم به حدّی سخت و پیچیده بود که هر حرکت اشتباهی می توانست به تقویت یکی از وجوه رکودی یا تورمی آن بیانجامد.

دولت از یک طرف می خواست با ایجاد تحریک تقاضا در بازاربه رونق تولید داخلی کمک کند و از طرف دیگر فشار تورم را از روی دوش جامعه و به ویژه اقشار کم درآمد بردارد. این دو هدف پیامدهایی متفاوت داشتند که ممکن بود دولت را وارد یک چرخه انفعالی کند و موجب تشدید رکودتورمی در اقتصاد شود؛ به همین دلیل برنامه ریزان اقتصاد ناچار بودند با مطالعه دقیق شرایط اقتصادی کم خطرترین مسیر را برای عبور از این گردنه خطرناک در ابتدای مدیریت خود انتخاب کنند.

این بررسی کارشناسی از ابتدای مدیریت دولت در پاییز ۱۳۹۲ آغاز شد و درنهایت به تدوین گزارشی دقیق از کمبودها و چالش

های رونق تولید ملی انجامید که نمایی شفاف از مشکلات اقتصادی کشور ارائه می داد.

با شروع سال ۱۳۹۳ زمان مناسب برای ارائه راهکارهای برون رفت از این شرایط رکودِ تورمی فرا رسید؛ بنابر این در نخستین گام مجموعه ای از چالش های اقتصادی و راهکارهای رفع آنها را به یک نظر سنجی عمومی گذاشت تا با استفاده از آرای کارشناسی در سطح جامعه، برنامه جامع برون رفت از چرخهٔ رکودِ تورمی را تدوین کند.

در قالب گزارش مشکلات اقتصادی، دولت اعلام کرد که کمبود نقدینگی بانک ها برای حمایت از تولید و استفاده بیش از حد ذخایر بانکی در طرح مسکن مهر به عنوان مهمترین عوامل رکود و تورم کشور هستند و اصلاح این مشکل نیازمند ایجاد تحرک در بخش‌های پیشران اقتصادی، تاکید بر افزایش بهره‌وری منابع وعبور از تنگناهای مالی در یک فرآیند تدریجی‌است.بنابر این با ارائه حدود ۱۰۰ راهکار اجرایی دستگاه های تحت امر خود را به اصلاح رویه ها و بهبود فرآیند ها مجاب ساخت تا سرعت و کیفیت ارائه خدمت به فعالان اقتصادی افزایش یابد.

می توان ادعا کرد بخش اعظم خانه تکانی اقتصادی دولت از اواسط تابستان ۹۳ و با تکلیف وزارت امور اقتصادی و دارایی به تنظیم جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکتهای دولتی و همچنین تعهد به بازپرداخت فوری این بدهی ها آغاز شد.دولت همچنین به طلبکاران خود اختیارداد تا مطالبات خود را با بدهی به شرکتهای دولتی تهاتر کنند. شرکت های دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار شدند، وظیفه یافتند مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه داری کل کشور واریز کنند.

اقدام اصلاحی دیگر، دستور دولت به سیستم بانکی برای فروش سالانه حداقل ۳۳درصد ازاموال منقول، غیرمنقول و سرقفلی های آنان بود که ضمن خروج بانک ها از چرخه بنگاه داری، منابع مالی آنها را افزایش می دهد.

از سوی دیگر دولت دست بورس را برای تامین منابع مالی بنگاه های تولیدی بازتر کرد و تعهد داد سهام بیشتر از شرکت های تحت مدیریت خود را در این بازار عرضه کند.

همزمان با این اقـــدام ، دولت با ارائه یک لایحه به مجلس شورای اســـلامی درخواست کرد تا نمایندگان ملت، مشکلات خروج غیرتورمی از شرایط رکود اقتصادی را برطرف و راه را برای اصلاحات اقتصادی دولت هموار کنند.

اگرچه این لایحه هنوز از تصویب قطعی مجلس شورای اسلامی عبور نکرده اســـت، ولی اصلاحات صورت گرفته در مدیریت اقتصاد کلان کشور باعث شد تا به تدریج ورق برگردد و شتاب صعودی نرخ تورم در کشور کمتر شود، بطوری که در پایان بهمن ۹۳ نرخ تورم به کمتر از ۱۶ درصد رسید. این عملکرد نشان داد دولت در رکود زدایی از اقتصاد ملی موفق عمل کرده و ادامه تلاشهای آن می تواند زمینه رونق تولید ملی را فراهم آورد.

حجت الاسلام والمســـلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اواخر تابســـتان امسال در همایش بزرگی که با هدف بررسی راههای خروج غیرتورمی از رکود اقتصادی برگزار شد، با اشـــاره به این روند موفقیت زا اعلام کرد که دولت از ابتدای مدیریت خود، تورم ماهانـــه ۵ درصد را به ماهانه ۱/۱۴ درصد رسانده و تعهد می کند که کشور در سال ۱۳۹۶ تورمی یک رقمی خواهد داشت.

وی ۴ ماه بعد در نخســـتین کنفرانس اقتصاد ایران اعلام کرد: دولت در این مدت توانســـته تورم را مهار و همزمان رشد اقتصادی هم ایجاد کند، به گونه ای که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در نیمه سال ۹۳ به ۳ درصد رسیده است.

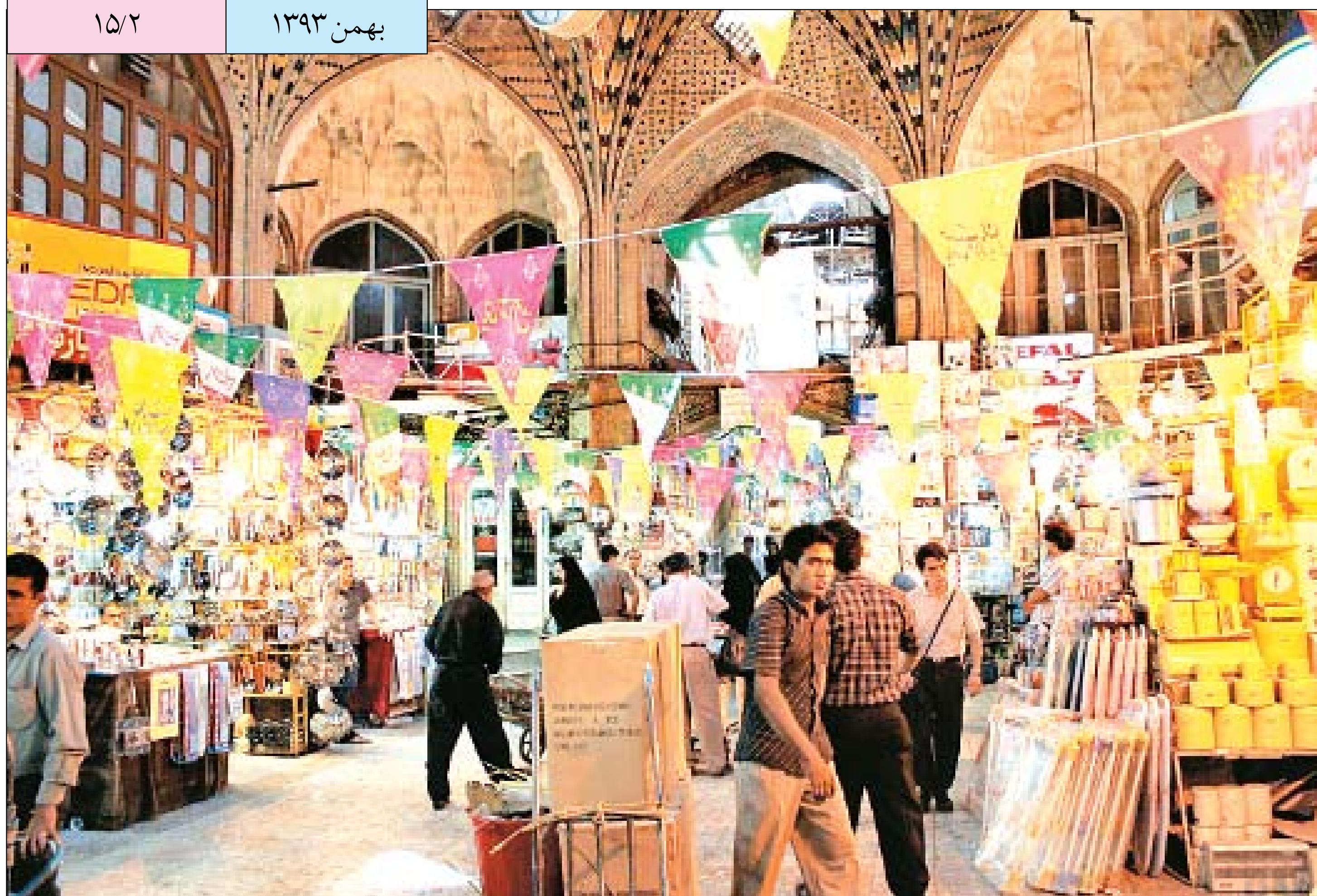
این روند حتی با وجود ســـقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی که به مثابهٔ کاهش درآمدهای ارزی ماســـت، در زمستان امسال کُند یا متوقف نشد و هنوز با همان آهنگ ادامه دارد.

در شـــرایط فعلی دولت تاحدودی از تداوم برنامه مبارزه با رکود و تورم مطمئن شده ودر گام دوم از این خانه تکانی اقتصادی، سراغ فساد زدایی و از بین بردن منافذ رانتی رفته است.

شفاف سازی اطلاعات اقتصادی، مکانیزه کردن ارائه خدمات و کاهش ایســـتگاه ها در فرآیند اجرای وظایف دولتی در زمره مهمترین برنامه های دولت برای مبارزه با فساد در کشور است.دکتر نهاوندیان رئیس دفتررئیس جمهوری چندی قبل با اشاره به این برنامه دولت که در واقع گام دوم طرح های ایجاد رونق و شکوفایی به اقتصاد ملی است، گفت: در سال‌های گذشته قبح فساد در جامعه ریخته شد و وظیفه دولت فعلی این است که با فساد اداری و مالی در همه وجوه مبارزه و برخورد کند.وی لازمه مقابله با فساد اداری در کشور را تشویق سلامت اداری دانست و افزود: نظام ارزیابی کارکنان و مدیران باید هر چه سریع تر عملیاتی شود و همه نهادهای اجرایی و دولتی ملزم و متعهد به اجرای منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید هستند. به هر حال به نظر می رسد این خانه تکانی اقتصادی، عزم دولت را برای بازکردن پنجره ها و دمیدن هوای تازه رونق و شکوفایی به اقتصاد ملی قوی تر کرده است.

جدول تغییرات نرخ تورم کشور از ابتدای مدیریت دولت یازدهم

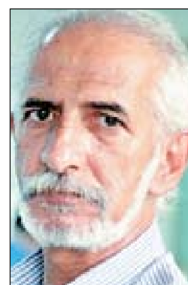
دوره	نرخ تورم (درصد)
شهریور۱۳۹۲	۳۶
مهر ۱۳۹۲	۳۶/۲
آبان ۱۳۹۲	۳۵/۹
آذر۱۳۹۲	۳۵/۵
دی ۱۳۹۲	۳۵
بهمن ۱۳۹۲	۳۳/۷
اسفند۱۳۹۲	۳۲/۱
فروردین۱۳۹۳	۳۰/۲
اردیبهشت۱۳۹۳	۲۸/۴
خرداد۱۳۹۳	۲۶/۲
تیر۱۳۹۳	۲۴/۲
مرداد۱۳۹۳	۲۲/۳
شهریور۱۳۹۳	۲۰/۶
مهر۱۳۹۳	۱۹/۱
آبان ۱۳۹۳	۱۷/۸
آذر۱۳۹۳	۱۶/۸
دی ۱۳۹۳	۱۵/۸
بهمن ۱۳۹۳	۱۵/۲







به سوی رونق



محمدرضا حیدرزاده

پس از اینکه اقتصاد ایران به مدت هشت فصل متوالی (از بهار ۱۳۹۱ تا زمستان ۱۳۹۲) وارد دوره رکود و رشد منفی شد ، در بهار سال جاری توانست از رکود خارج شود و در تابستان هم به روند رشد مثبت خود (البته با نرخی کمتر از نرخ رشد بهار) ادامه داده تا امیدواری ها برای خروج اقتصاد از رکود، همچنان پابرجا بماند. اما با وجود این رشدها برخی معتقدند رشد اقتصادی ملموس نیست.بانک مرکزی چندی پیش از دومین رشد اقتصادی مثبت پس از هشت فصل رکود خبر داد و رشد اقتصادی کشور را در بهار سال جاری ۷/۳درصد و در نیمه نخست سال جاری ۴ درصد اعلام کرد.مطابق این آمارها، در تابستان سال جاری رشد همه بخش ها و گروه های عمده مثبت بوده؛ اما رشد بخش های کشاورزی، خدمات و اکثر اجزای صنایع و معادن نسبتا کمتر شده است.در مقابل، رشد بخش نفت و گروه ساختمان با افزایش قابل توجهی روبه رو بوده است.

در این میان بخش نفت بیشترین سهم را در رشد اقتصادی تابستان داشته است. نکته قابل توجه در رشد بالای بخش ساختمان هم افزایش چشمگیر سرمایه گذاری دولتی در این بخش (با وجود کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی) است که تحت تاثیر بودجه عمرانی دولت قرار داشته است.

مخارج مصرفی دولتی که نمایی از بودجه جاری دولت را نشان می دهد، برخلاف فصل بهار با کاهش مواجه بوده که به دلیل رشد کمتر هزینه های این بخش در مقابل تورم بوده است.

نکته مثبت گزارش بانک مرکزی، رشد ۳/۲۶ درصدی هزینه های واقعی سرمایه گذاری در این مقطع است که در صورت تداوم، می تواند به بهبود رشد فصول بعد هم کمک کند. هرچند همان طور که اجزای سرمایه گذاری نشان می دهد تداوم چنین امری به چگونگی تامین و تخصیص بودجه دولتی و عملکرد بخش نفت بستگی خواهد داشت.

مطابق گزارش بانک مرکزی، تولید ناخالص داخلی در نیمه نخست سال جاری (به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳) حدود ۱۰۲ هزار و ۲۸۱ میلیارد تومان بوده که در مقایسه با رقم مشابه پارسال (۹۸ هزار و ۳۲۵ میلیارد تومان)، حدود ۴ درصد رشد داشته است.

هرچند رشد اقتصادی در دو فصل اول و دوم سال مثبت شد، اما علیرضا مقتدایی مدیرکل آمارهای اقتصادی بانک مرکزی پیش بینی کرد این روند درفصل سوم سال جاری هم ادامه یابد و این امر نشان می دهد از رکود خارج شده ایم.

اما با وجود اعلام نرخ رشد اقتصادی برای فصول بهار و تابستان و پیش بینی ادامه این روند برای فصل سوم سال بسیاری معتقدند که این رشد محسوس نیست و مشکلات اقتصادی برای خانوارها همچنان وجود دارد.

در این زمینه مشاور رئیس جمهوری در امور اقتصادی معتقد است: اگر رشد اقتصادی قابل مشاهده بود، دیگر محاسبه نمی شد و لازم نبود برای محاسبه آن صدها هزار برگ اطلاعات را با یکدیگر تلفیق کرد تا عدد تولید ناخالص داخلی بدست آید.

به گفته وی، وقتی رشد اقتصادی پس از یک دوره منفی، مثبت می شود، این امر به این معنا نیست که تمام فعالیت های اقتصادی مثبت شده، بلکه این به آن معناست که تعدادی از فعالیت ها مثبت و تعدادی دیگر منفی هستند که برآیند آنها به صورت مثبت ارزیابی شده است.هم اکنون فصول اول و دوم سال جاری را با رشد اقتصادی ملایم سپری کرده ایم و به همین دلیل تبعات مثبت آن هنوز در بازار ملموس نیست. زیرا مشاهده تاثیر آن در بازار طبیعتا زمان بر است و مفهوم این رشد این است که روند اقتصاد کشور نسبت به روند نزولی گذشته ملایم تر شده است.

اقتصاد ایران که به مدت هشت فصل متوالی (از بهار ۱۳۹۱ تا زمستان ۱۳۹۲) وارد دوره رکود و رشد منفی شد ، در بهار ۹۳توانست از رکود خارج شود و در تابستان هم به روند رشد مثبت خود ادامه دهد

اکبر کمیجانی قائم مقام بانک مرکزی هم در این باره معتقد است: مشاهده تبعات مثبت نرخ چهار درصدی رشد اقتصادی در زندگی مردم زمان بر است و اگر این روند تا پایان سال ادامه یابد، از سال ۹۴ شاهد بهبود در شرایط زندگی مردم و فعالان عرصه های مختلف اقتصادی خواهیم بود.

یک اقتصاددان هم معتقد است: اگر رشد اقتصادی اخیر را مردم لمس نکردند به این دلیل است که رشد اقتصادی در بخش هایی صورت گرفته که با زندگی مردم ارتباط مستقیم نداشته است، به همین دلیل است مردم این رشد را احساس نمی کنند.

علیرضا شکیبایی با تشریح دو تئوری رشد متوازن و نامتوازن در بحث رشد اقتصادی می گوید: رشد متوازن، رشدی است که همه بخش ها با یک نگاه حرکت و رشد می کنند. تغییراتی که در این رشد اتفاق می افتد، ملموس و همه مردم درکش می کنند. اما در رشد نامتوازن، یک حوزه ای از اقتصاد به حرکت در می آید و انتظار می رود در آینده،بخش های دیگر را بطور غیرمستقیم به حرکت درآورد و رونق ایجاد کند.وی با بیان اینکه هنوز زود و سخت است در زمینه رشد اقتصادی ایجاد شده از سوی دولت قضاوت کرد، می گوید: دولت گذشته برای رشد اقتصادی، دست به یکسری اصلاح ساختارها زد. چون اصلاح، ساختاری بود، آن تغییرات در همه بخش ها احساس می شد و همه مردم آن را درک می کردند. اما دولت جدید، بیشتر روی صنایع بزرگ مثل پتروشیمی ها و خودروسازی ها تمرکز کرده و از طریق آنها می خواهد رشد اقتصادی را به سایر بخش ها سرایت دهد، پس از آنجا که به طور



غیرمستقیم خواستار تاثیرگذاری این بخش بر دیگر بخش ها هستیم، خیلی زود این تغییرات احساس نخواهد شد.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان معتقد است: بخش مسکن در دولت گذشـــته به عنوان یک بخش پیشرو انتخاب شد و در کنار سایر بخش های اقتصادی وظیفه بهبود رشد اقتصادی را برعهده گرفت، اما دولت جدید اعلام کرد آن روش، شیوه مناسبی نبوده و باید تجدیدنظر شود.

دولت تدبیر و امید معتقد است: با تجدیدنظر در این بخش، سبب شد بطور طبیعی یک رکودی به بخش مسکن وارد شود. از طرفی چون این بخش با سایر بخش ها ارتباط دارد، شاید نزدیک به هزار فعالیت اقتصادی را درگیر خود کرده، وقتی چشم انداز رکود در بخش مسکن پدیدار شد، بخش های مرتبط با مسکن، خود به خود وارد رکود شدند و به همین علت این تغییرات رشد اقتصادی برای مردم ملموس نیست.

شـــکیبایی تصریح می کند: بخش هایی هستند که تاثیر اقتصادی زیادی دارند، ولی اشتغالزا نیستند. اما در مقابل بخش هایی وجود دارند که می توانند تاثیر کمی در رشـــد اقتصادی داشته باشند، ولی اشتغالزا هستند. دولت گذشته و دولت جدید، دو راهبرد متفاوت انتخاب کردند. به همین علت این رشد اقتصادی برای مردم محسوس نیست و مردم آن را لمس نمی کنند.

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان با اشاره به اینکه عرضه، تولید و تقاضا از عوامل رشد اقتصادی است، می گوید: اگر توان تولید بالا رود، اما تقاضا بالا نرود، رشد اتفاق نمی افتد. با توجه به مجموعه سیاست‌هایی از جمله هدفمندی یارانه ها، بیمه، مالیات، قیمت آب، برق، تلفن و غیره که در کشور اتفاق افتاد، متاسفانه دولت متوجه آن نیســـت که درآمد قابل تصرف مردم(یعنی درآمدی که مردم خودشـــان اختیار دارند در موردش تصمیم بگیرند و خرید بکنند) به شـــدت کاهش پیدا کرده است، لذا ممکن است درآمد مردم کاهش پیدا نکرده باشد، ولی درآمد قابل تصرف مردم کاهش پیدا کرده است و دولت باید به این موضوع توجه ویژه کند.شکیبایی می افزاید: متاسفانه هنوز بخش‌هایی از اقتصاد که رشد و رونقشان وابسته به طرف تقاضاست، (یعنی باید تقاضا ایجاد شود تا رونق ایجاد کند) اتفاق نیفتاده و مردم آن را لمس نمی کنند. از این رو دولت باید برنامه ریزی کند تا این درآمد قابل تصرف که به شدت کاهش پیدا کرده را جبران و تقاضا ایجاد کند.این اقتصاددان با بیان اینکه در دنیا این تئوری وجود دارد که مشکل رشد اقتصادی طرف عرضه اقتصاد نیست، تصریح می کند: در ایران ظرفیت های زیادی در زمینه اقتصادی بوجود آمده که نشـــان می دهد مشکل، طرف عرضه اقتصاد نیست، بلکه مشکل، طرف تقاضای اقتصاد است. در هر کشوری، تقاضا کاهش پیدا یابد، رشد و رونق هم کاهش پیدا می کند.



جدول رونق تولید مواد صنعتی، معدنی و پتروشیمی

نام محصول	واحد سنجش	۹ ماهه ۹۳	۹ ماهه ۹۲	درصد تغییر
انواع سواری	هزار دستگاه	۷۰۰/۸۳	۴۲۶/۶۸	۶۴/۳
وانت	هزار دستگاه	۱۱۱/۳۶	۷۰/۲۱	۵۸/۶
اتوبوس و مینی‌بوس	هزار دستگاه	۰/۴۷	۰/۳۷	۲۶/۱
کامیون‌کشنده	هزار دستگاه	۱۲/۷۳	۵/۲۰	۱۴۴/۹
کمباین	دستگاه	۳۵۳	۱۴۲	۱۴۸/۶
تراکتور	دستگاه	۱۷۴۱۲	۱۷۰۰۲	۲/۴
روغن‌نباتی	هزار تن	۱۰۹۳/۵۶	۱۰۶۲/۷۳	۲/۹
دارو	میلیارد عدد	۲۷/۶۴	۲۵/۳۲	۹/۲
لاستیک خودرو	هزار تن	۱۶۸/۲۶	۱۵۷/۶۴	۶/۷
کاغذ	هزار تن	۴۳۸/۱۵	۴۱۸/۴۱	۴/۷
نئوپان	هزار متر مکعب	۷۱۶/۵۳	۶۹۳/۵	۳/۳
الیاف اکریلیک	هزار تن	۱۹/۹۲	۱۴/۰۸	۴۱/۵
فرش ماشینی	هزار متر مربع	۶۲۶۱۰	۵۹۱۸۱	۵/۸
LCD+LED	هزار دستگاه	۱۲۷۶/۸	۱۰۷۱/۶	۱۹/۱
یخچال و فریزر	هزار دستگاه	۹۷۴/۵	۷۵۱/۶	۲۹/۷
ماشین‌لباسشویی	هزار دستگاه	۶۲۵/۶	۵۶۳/۱	۱۱/۱
الکتروموتور	هزار دستگاه	۵۷۳۹	۵۴۳۵	۵/۶
فولاد خام	هزار تن	۱۲۶۳۳/۳	۱۱۹۰۶/۵	۶/۱
محصولات فولادی	هزار تن	۱۳۰۱۸/۴	۱۲۵۸۰/۱	۳/۵
کاتد مس	هزار تن	۷/۱۴۵	۱۳۸/۴	۵/۳
آلومینا	هزار تن	۱۸۹	۱۸۵/۹	۱/۷
کاشی و سرامیک	هزار متر مربع	۲۸۶۰۰۰	۲۲۰۳۴۳	۲۹/۸
شیشه جام	هزار تن	۹۰۲	۸۸۵	۱/۹
ظروف شیشه‌ای	هزار تن	۳۹۰/۵	۳۷۹	۲/۹
ظروف چینی	هزار تن	۳۸	۳۵	۸/۶
چینی‌بهداشتی	هزار تن	۷۰۶	۶۷/۲	۵/۱
پلی‌اتیلن	هزار تن	۲۴۷۵	۲۳۶۵	۴/۷
پلی‌پروپیلن	هزار تن	۵۴۹	۴۹۰	۱۲
پلی‌استایرن	هزار تن	۹۹	۹۱	۸/۸
اکریلونیتریل‌بوتادین‌استایرن	هزار تن	۴۱	۳۸	۷/۹
پلی وینیل کلراید	هزار تن	۴۰۴	۳۶۰	۱۲/۲
اپوکسی رزین	هزار تن	۹	۸/۵	۵/۹
پلی کربنات	هزار تن	۸/۸	۸/۷	۱/۱
آمونیاک	هزار تن	۲۴۶۰	۲۲۶۴	۸/۷
سایر فرآورده‌های پتروشیمی	هزار تن	۲۵۹۷۰	۲۳۷۵۶	۹/۳
موادشیمیایی	هزار تن	۳۱۴۵۰	۲۹۰۹۷	۸/۱



«راه»؛ زیرساخت توسعه



● سوسن صرافی

هر چند تصور می شود جامعه بشری اهمیت راه را برای توسعه و رونق بعد از انقلاب صنعتی و پیدایش ماشین شناخته است ،ولی در عهد باســـتان در امپراتوری های ایران وروم هم اهمیت راه به عنوان زیر ساخت توسعه و مدیریت سیاسی مناطق تحت نفوذ این امپراتوری ها از نظرها پنهان نبوده است.

یکی از مشهورترین راههای قدیمی، جاده ابریشم یا جاده کهن تجارت چین است که بیش از دو هزار سال پیش مورد استفاده بود. این جاده به عنوان پلی بین چین و کشورهای اروپا، آسیا و آفریقا برای تبادلات تجاری و تمدنی شرق و غرب سهم مهمی ایفا کرده است؛این در حالی است که هم اکنون هم برای رسیدن به اقتصادی پویا و بهره ور و متکی به کارایی و نو آوری و به منظور دستیابی به رشدی مستمر در درآمد ملی و افزایش ثروت سرانه جامعه ، ایجاد زیر ساختهای بنیادی لازم وضروری است.

در این میان راه به عنوان یکی از ضروری ترین زیرساخت های توسعه محسوب می شود.به عبارت بهتر، راه کریدور توسعه و رونق اقتصادی به شمار می آید و گزاف نیست اگر بگوییم دیگر نمی توان تصوری از توسعه بدون راه داشت .

در کشور ما هم مسئولان بر ایجاد و احداث انواع راه بویژه بزرگراه و آزاد راه بــــا در نظر گرفتن تکنولوژی روز جهان و مدرن سازی آن تاکید دارند. چنانکه در حال حاضر بیش از ۲۲۹ هزار کیلومتر راه اعم از آزادراه ،بزرگراه،راه اصلی ،راه فرعی و راه روستایی در کشور وجود دارد.

در این خصوص همچنین دربخش راه آهن هم اکنون تعداد ۲۱ طرح راه‌آهن در قالب ۹۱ قطعه وجود دارد؛ طول این خطوط ریلی ۱۰ هزار و ۴۰ کیلومتر است که از این میزان ۱۸۶۸ کیلومتر خاتمه یافته، ۳۹۸۰ کیلومتر در دست اجرا و ۴۱۹۲ کیلومتر هنوز شروع نشده است.

در بخش آزادراهی تعداد ۳۳ طرح در قالب ۸۵ قطعه وجود دارد؛ طول این آزادراه‌ها براساس موافقت‌نامه ها ۳۴۵۴ کیلومتر است که از این میزان ۳۲۱ کیلومتر آن خاتمه یافته، ۱۱۹۹ کیلومتر در دست اجرا و احداث ۱۹۳۴ کیلومتر آزاد راه هنوز آغاز نشده است.

در بخش بزرگراه‌ها هم راه اصلی و بهسازی شده تعداد ۶۲ طرح در قالب ۴۲۴ قطعه وجود دارد؛ طول این پروژه‌ها ۱۷ هزار و ۴۳۲ کیلومتر است که ۸ هزار و ۲۴۳ کیلومتر خاتمه یافته، ۳ هزار و ۷۹۱ کیلومتر هنوز شروع نشده و ۵ هزار و ۳۹۸ کیلومتر از این پروژه‌ها در دست اجرا است.

در مجموع در بخش راه‌آهن، بزرگراه، آزادراه، راه اصلی و بهسازی راه‌ها ۱۱۶ طرح در قالب ۶۰۰ قطعه وجود دارد که طول این پروژه‌ها ۳۰ هزار و ۹۲۶ کیلومتر است که از این میزان ۹ هزار و ۹۱۷ کیلومتر هنوز شروع نشده، ۱۰ هزار و ۴۳۲ کیلومتر خاتمه یافته و ۱۰ هزار و ۵۷۷ کیلومتر در دست اجرا است.

در این میان یکی از آزاد راه هایی که طی ســـال های بعد از انقلاب تا کنون سرانجامی نیافته، احداث آزادراه تهران شمال اســـت.این آزاد راه که حدود ۱۲۴ کیلومتر طول دارد، ســـبب کوتاه تر شدن ۶۷ کیلومتری مسیر فعلی می شود. همچنین زمان سفر نسبت به مسیر موجود سه ساعت کاهش می یابد و میانگین سرعت سیر هم حدود ۸۰ کیلومتر پیش بینی شده است.

مطالعات اولیه طرح آزادراه تهران – چالوس در ســـال ۵۳ آغاز شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطالعات مسیر آزادراه از سوی وزارت راه و ترابری وقت به مسابقه گذاشته شده و بهترین طرح توسط هیاتی متشکل از این وزارتخانه ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت و نهاد ریاست جمهوری کشور انتخاب شد . ضمناً در طرح کالبدی منطقه گیلان و مازندران و مجموعه راهبردها و سیاست ها که در سال ۷۳ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسید ، بر ساخت یک راه ارتباطی سریع میان تهران و غرب مازندران تأکید شده است.

این آزادراه بخشی از آزادراه سراسری شمال جنوب است که کوتاهترین مسیر ارتباطی دریای خزر با خلیج فارس بوده و در ترانزیت منطقه نقش عمده ای را بر عهده خواهد داشـــت. طبق اعلام شرکت آزادراه راه تهران شمال، سیرمسیر این آزادراه از تقاطع غیر همسطح با بزرگراه شهید همت و بزرگراه آزادگان شــــروع و در امتداد دره کن پس از گذشتن از حاشیه روستای سولقان به تدریج از منطقه کوهستانی توچال عبور کرده و سپس توسط تونل بلند تالون به طول ۴۹۰۰متر این رشته کوه را قطع کرده و در دامنه های شمالی آن در منطقه دو آب شهرستانک قرار می گیرد.(اجرای این قسمت که طول تقریبی آن ۳۲ کیلومتر است، باعث می شود مسیر فعلی حدود ۶۰ کیلومتر کوتاهتر شود).

از آن پس، مســـیر به موازات جاده قدیم کرج – چالوس امتداد می یابد و در دره سرهنگ وارد تونل البرز بطول ۶۴۰۰ متر شده و در پل زنگوله خارج می شود، سپس با عبور از ارتفاعات البرز به موازات جاده موجود کرج- چالوس تا شــــهر چالوس ادامه یافته و در نهایت با یک تقاطع غیر همسطح به کمربندی چالوس – تنکابن متصل می شود.

طول این آزادراه ۱۲۴کیلومتر بــــوده و دارای ۲ خط (در فرازهای تند ۳ خط) در هر باند است.

حداکثر شیب طولی مسیر ۶درصد، حداقل شعاع قوس ها ۴۰۰ متر و میانگین سرعت سیر ۸۰ کیلومتر در ساعت است.

تعداد تونل ها (در باند رفت و برگشت) ۱۴۶ دستگاه جمعاً به طول تقریبی ۸۸ کیلومتر است که بلندترین آنها تونل های بلند تالون و البرز به ترتیب به طول تقریبی ۴۹۰۰ متر و ۶۴۰۰ متر (در هر باند) است.

تعداد پلهای بزرگ (درباند رفت و برگشت) هم جمعا ۸۱ دستگاه و طول کل آن حدود ۱۱ کیلومتر است .

حجم عملیات خاکی (مجمـــــوع عملیات خاکبرداری و خاکریزی) هم حدود ۴۰ میلیون متر مکعب پیش‌بینی می‌شود.

صرفه جویی های ملی و عمومی شامل سوخت، استهلاک، زمان، تصادفات و اشتغال زایی از جمله مزیت های این طرح عنوان شده اســـت. از دیگر مزایای طرح می توان به ایجاد راه ارتباطی سریع و ایمن برای چهار فصل سال،کوتاه شدن مسیر عبوری در مقایسه با جاده موجود،افزایش ظرفیت عبور نسبت به راه فعلی،کاهش زمان سفر وکاهش آلودگی ناشی از بهبود وضع ترافیک اشاره کرد.

باید خاطر نشان کرد:با هدف بهره‌برداری سریع‌تر و به منظور بهینه‌سازی زمان بهره‌برداری و هزینه‌های احداث، مسیر آزادراه به چهار قطعه تقسیم شده که احداث هر یک از مناطق بصورت مستقل و در ترکیب با راه موجود بخشی از مشکلات ترافیکی و ترددی مسیر را حل می کند.

قطعه یک

قطعه یک شامل حدفاصل تهران– دوآب شهرستانک به طول تقریبی ۳۲کیلومتراست.این منطقه از تقاطع بزرگراه آزادگان و بزرگراه شهید همت شروع و با عبور از مناطق کن، سولقان و امام زاده عقیل و تونل تالون و دره لانیز به سه راهی شهرستانک می رسد.

اجرای این قســـــمت که طول آن تقریباً ۳۲ کیلومتر بوده و ساخت آن در اولویت است، باعث می شود قسمتی از راه فعلی که از طریق کرج می گذرد، حذف شده و مسیر فعلی حدود ۶۰ کیلومترکوتاهتر شود.

پیشرفت کل این منطقه حدود ۵۱ درصد است.به طوری که حفاری تمام مقطع تونل های بلند تالون بطول تقریبی ۴۹۰۰ متر به صورت سه قلو (رفت، برگشت و اکتشافی) انجام شده است و عملیات لاینینگ در حال انجام است.

از مجموع حدود ۲۸/۵کیلومتر تونل های منطقه یک حدود ۲۵/۷کیلومتر تونل بصورت تمام مقطع حفاری و تثبیت موقت شـــــده است .همچنین از مجموع حدود ۱۱ میلیون متر مکعب عملیات خاکی، حدود ۶ میلیون متر مکعب انجام شده است و عملیات پل سازی ، احداث آبروها و دیوارسازی در حال انجام است .

قطعه ۲

این منطقه حدفاصل دوآب شهرستانک ـ پل زنگوله به طول تقریبی ۲۵ کیلومتر است که تونل های بلند البرز هریک بطول ۶۴۰۰ متر در این منطقه قرار مــــی گیرد. با اجرای این قسمت، طول مسیر جاده فعلی کرج–چالوس حدود ۵ کیلومتر کوتاه شده و گردنه های برف گیر حذف می شود.

در این قطعه با توجه به ویژگیهای خاص ساختار زمین شناسی رشته کوه البرز، ضرورت داشت حفاری تونل اکتشافی با دقت و شناسایی کافی انجام گیرد که این حفاری به طول تقریبی ۶۴۰۰ متر در بهمن ۸۷ به پایان رسید.

حفاری باند شرقی تونل اصلی البرز به طول تقریبی ۶۴۰۰ متر هم در حال انجام است و تاکنون، حفاری حدود ۲ کیلومتر آن از دهانه های شمالی و جنوبی انجام شده است .

قطعه ۳ و ۴

این قطعه حد فاصل پل زنگوله ســــه راهی دشت نظیر به طول ۴۶ کیلومتر است و قطعه چهار هم در حد فاصل سه راهی دشت نظیر چالوس به طول حدود ۲۱ کیلومتر انجام می شود. بهره برداری از این قطعه در پایان اسفند ۹۱ انجام شد ودر حال حاضر عملیات تکمیلی و رفع نقص در حال انجام است.



کاهش بوی نفت در هوای اقتصاد



● **سرویس اقتصادی**

در این میان باید گفت یکی از شاخص های مهم اقتصاد که در حقیقت نقش اصلی را در اقتصاد بازی می کند، صنعت نفت کشور اســـت ؛ چنانکه به اذعان وزیر صنعت هم اینک بالغ بر ۹۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را معتاد خود کرده و قدرت توسعه را از آن سلب کرده است.

از قدیم الایام رسم بر این است که وقتی یک جسم آغشته به نفت می شـــود و بوی بد می گیرد، آن را در هوای آزاد قرار می دهند تا بتدریج بوی آن بپرد و دوباره قابل استفاده شود؛ ولی گاهی شدت آلودگی به نفت به حدی بالاست که تاثیر آن سالهای سال از کالبدِ آغشـــته شده خارج نمی شود. درست مثل نفت زدگی اقتصاد ایران که از حدود یک قرن پیش(همزمان با اکتشاف چاه های مسجدسلیمان) آغاز شده و در طول سالیان بعد بر شدّت آن افزوده شده است. وابستگی اقتصاد ما به فروش نفت خام و استفاده بی دردسر از درآمدهای صادراتی آن برای تأمین مخارج کشور، ظرف یک قرن گذشته، هیچ گاه بطور جدی دولت ها را به استفاده از ظرفیت تولیدی سایر کالاها و خدمات مجاب نکرده و به همین دلیل زمینه شکوفایی استعدادهای بالقوه اقتصادی ایران فراهم نشده است و حتی آن بخش از اقتصاد ملی که جنبه صنعتی، کشاورزی یا خدماتی دارد هم به شکل غیر قابل انکاری به کمک های دولتی و درآمدهای نفتی وابستگی دارد.

بدتر اینکه در سالهای اخیر به موازات افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، آن زمان که درآمدهای صادراتی ما به رکوردی باورنکردنی دســـت یافت، حتی یک دلار از این درآمدها برای رهایی از اقتصاد تک محصولی هزینه نشد و زیرساخت های لازم برای توسعه اقتصادغیرنفتی به وجود نیامد.

۴ سال قبل وقتی بهای نفت دراوج تقاضای خرید از سوی بزرگترین بازار مصرفی دنیا یعنی آمریکا به بشکه ای ۱۴۷ دلار رســـید و به بالاترین رکورد قیمتی خود در طول تاریخ دست یافت، طلای سیاه ایران در آسیا بشکه ای ۱۳۲ دلار معامله شد و بیشترین درآمد نفتی کشور به دست آمد، اما به تبع آن وابستگی بودجه ایران به درآمدهای نفتی در این دوره افزایش یافت و به حدود ۸۰ درصد رسید. در آن روزها کسی تصور نمی کرد که این رویای شیرین پایان خواهد یافت و حرکت نزولی قیمت نفت در بازارها بزودی آغاز خواهد شد؛

تا اینکه سال ۱۳۹۳ با شبح رکود اقتصاد جهانی از راه رسید و تقاضای خرید نفت در بازارهای مصرف روز به روز کاهش یافت.

چند هفته قبل از تعطیلات نوروز ۱۳۹۳(ابتدای فوریـــه ۲۰۱۴ میلادی) زنگ خطر برخی از بنگاه های تحلیلگر بین المللی به صدا درآمد که جهت حرکت قیمت نفت در ماه های آینده نزولی است. اما برای ما که در آن روزها نفت خود را بشکه ای ۱۰۶ دلار می فروختیم و بودجه سال جدید را با فرض کسب ۵۱ میلیارد دلار درآمـــد از محل صدور روزانه یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه به قیمت ۱۰۰ دلار بسته بودیم، چنین هشدارهایی چندان نگران کننده نبود.

وزارت نفت که قانوناً مسئول پایش نوسانات بازارهای نفتی اســـت ، در این دوره از برنامه ریزان و تدوین کنندگان لایحه بودجه ۹۳ درخواست کرد انتظارات درآمدی از فروش نفت را برای سال آینده تعدیل کنند. ولی تعداد مخالفان این پیشنهاد در دولت بیشتر از موافقان بود و به همین سبب بودجه سال۱۳۹۳ کل کشور بر مبنای فروش نفت به قیمت بشکه ای ۱۰۰ دلار بسته شد.

با شروع سال ۱۳۹۳ عامل سیاسی برای نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی از طریق تشدید مناقشه شرق اوکراین و ورود روسیه به شبه جزیره کریمه فراهم شد. این مساله بهانه خوبی به آمریکا و هواداران آن داد تا با مداخله تدریجی در بازار نفت و تحریم اقتصادی مسکو به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در دنیا، فشار غرب به روسیه را افزایش دهند. از طرف دیگر در منطقه نفت خیز خاورمیانه، پیشروی گروهک داعش تا عمق استان های شمالی عراق و اســـتیلای نیروهای تروریســـتی بر پالایشگاه های این مناطق، بستر لازم برای افزایش عرضه نفت به قیمت ارزان در بازارهای جهانی را فراهم ساخت.

وابستگی اقتصاد ما به فروش نفت خام برای تأمین مخارج کشور، ظرف یک قرن گذشته، هیچ گاه بطور جدی دولت ها را به استفاده از ظرفیت تولیدی سایر کالاها و خدمات مجاب نکرده است

درکنار این عوامل سیاسی، افزایش برداشت غیرمتعارف نفت از لایه های سطحی زمین (شیل اویل) در آمریکا و کانادا و مجاورت این بازار جدید تولیدی به بزرگترین صنایع مصرف کننده نفت دنیا سبب شد تا آهنگ کاهش تقاضای خرید و افت بهای نفت تشدید شود، اما تقریباً تا اواسط تابستان ۹۳ انعکاس این عوامل در بازارهای بین المللی قابل مشاهده نبود.

وقتی هفته سوم مرداد ۹۳ آغاز شد، کاهش ۵ دلاری نفت در بازارهای آمریکا، کارشناســـان بین المللی را برآن داشت تا

تحولات این حوزه را با وسواس بیشتری پیگیری و هشدارهای قبلی نسبت به سقوط قیمت ها در ماههای آتی را تکرار کنند. اما همچنان تولیدکنندگان نفت در سازمان اوپک نسبت به این هشدارها واکنشی نداشتند و نوسانات اخیر را جزو رفتارهای طبیعی بازار نفت تعبیر می کردند. در این زمان بهای سبد نفتی کشورهای عضو اوپک به ۱۰۳ دلار در هر بشکه رسید که فقط ۲/۵ دلار از بهای مشـــابه این نوع نفت در ابتدای سال ۱۳۹۳ کمتر بود.

شیب سقوط بهای نفت همزمان با افزایش عرضه از سوی برخی تولید کنندگان عمده اوپک نظیرعربستان، عراق، امارات و لیبی درانتهای تابستان ۹۳ و برداشت های مکرر شیل اویل در آمریکا تندتر شد و از این به بعد هر هفته ارزش طلای سیاه در بازارهای جهانی تنزل یافت.

فصل پاییز برای تولیدکنندگان نفتی دنیا با رسیدن شاخص وست تگزاس به بشـــکه ای ۹۲ دلار، شاخص برنت دریای شـــمال به بشکه ای ۹۸ دلار و شـــاخص سبد نفتی اوپک به ۹۵ دلار شروع شد. حالا دیگر می شد اضطراب از ادامه روند نزولی نفت را در بیانات مسئولان برخی کشورهای عضو اوپک نظیر ونزوئلا، الجزایر و اکوادور مشـــاهده کرد. آنها که بودجه کشورشان کاملاً در اختیار درآمدهای نفتی قرار داشت، ادامه این روند را به ورشکستگی کامل و بحران اقتصادی تعبیر می کردند و خواستار تشکیل جلسه فوری اوپک برای اقدام تقابلی در برابر کاهش قیمت ها بودند، اما عربستان سعودی به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت در این سازمان به همراه شیخ نشین های هم پیمان آن در حاشـــیه خلیج فارس تمایلی به برپایی اجلاس اضطراری اوپک نداشتند.

اختلاف اعضای اوپک برای تشکیل جلسه اضطراری در میانه پاییز (وقتی که بهای نفت به بشکه ای ۷۷ دلار رسید) به حدی بالا گرفت که برخی تحلیلگران نفتی امکان انحلال این سازمان را بعید ندانستند؛ نتیجه ای که قطعاً به سود کشورهای مصرف کننده نفت در آمریکا، اروپا و آســـیا بود و تلاش های ۵۵ سال گذشته برای همگرایی میان تولید کنندگان را به هدر می داد.

روسیه هم اگرچه در زمره کشورهای اوپک نیست، ولی به دلیل فشار ناشی از تحریم های اقتصادی غرب اعلام کرد در صورت موافقت اوپک با کاهش سهمیه های تولید، از صادرات نفت خود خواهد کاست تا بهای نفت در بازارها افزایش یابد.

در داخل کشـــور هم جریان های سیاسی غیرهمسو با دولت، چه از طریق تریبون مجلس شورای اسلامی و چه از طریق میزگردهای دانشگاهی خواستار فشار ایران به سایر اعضا برای تشکیل اجلاس اضطراری اوپک و دفاع از کاهش سهمیه تولید این سازمان بودند. ایـــن قبیل صاحب نظران داخلی می گفتند که تداوم روند نزولی نفت برای کشوری که بودجه ســـنواتی خود را با نفت ۱۰۰ دلاری بســـته است و حالا محصول تولیدی خود را ۲۳ دلار ارزانتر به دنیا صادر می کند، عواقب ناگواری نظیر کسری بودجه و رشد تورم به همراه دارد.

شیب سقوط بهای نفت همزمان با افزایش عرضه از سوی برخی تولیدکنندگان عمده اوپک نظیرعربستان عراق، امارات و لیبی درانتهای تابستان ۹۳ و برداشت های مکرر شیل اویل در آمریکا تندتر شد

اما دولت معتقد بود که در این شرایط اهرم کاهش سقف تولید اعضای اوپک به نفع کشورمان نیست، زیرا در سالهای اخیر به دلیل تحریم نفتی کشور ما همواره کمتر از سقف سهمیه خود تولید کرده ایم و اگر قرار باشد در اجلاس اوپک سهمیه های تولید اعضا کاهش یابد، این تغییر سهمیه نباید شامل ایران شود.

بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت کشورمان که از سالهای پیش با ادبیات سیاسی سازمان اوپک کاملاً آشنایی دارد، در این برهه بارها اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران هرگز حاضر به کاهش تولید نفت نیست و محدودیت صادرات خود را نمی پذیرد.

او می دانســـت که همنوایی با خواستاران برپایی اجلاس اضطراری و تن دادن به کاهش ســـهمیه، شاید در کوتاه مدت بخش ناچیزی از سقوط بهای جهانی نفت را جبران کند، ولی بطور قطـــع در میان مدت ، ایران را به یکی از اعضای ضعیف اوپک مبدل خواهد ساخت و از قدرت تولید آن در این سازمان می کاهد. ضمن آنکه ایران اعتقاد داشت لابی برخی از اعضای اوپک نظیرعربستان و همراهان شیخ نشین آن در حاشیه خلیج فارس با سیاست های استکباری آمریکا(برای مقابله سیاسی با ایران و روسیه)، عامل اصلی سقوط قیمت نفت در ماههای اخیر است و کاهش سهمیه تولید اوپک نمی تواند نفت را به قیمت قبلی خود در دنیا بازگرداند.

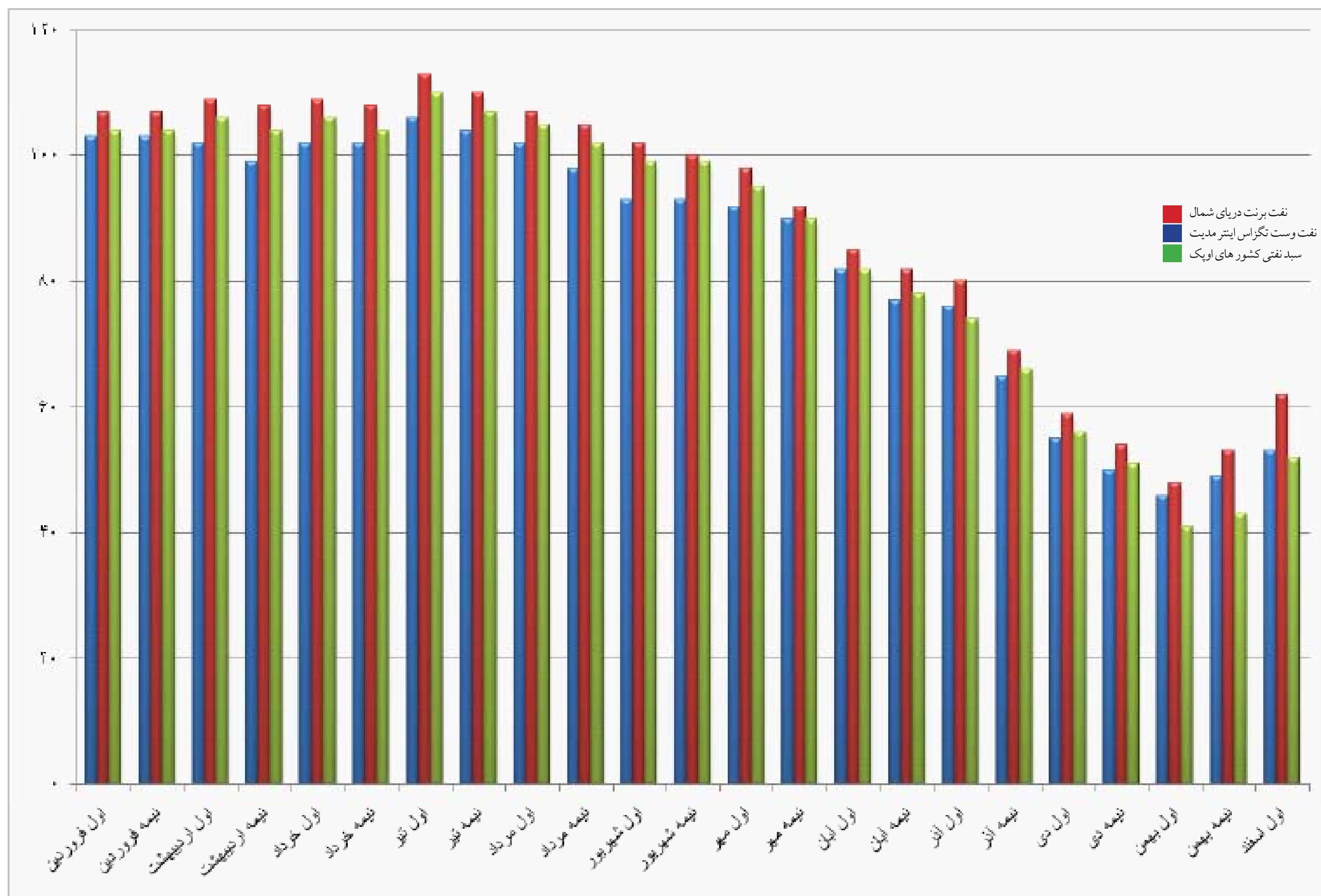
دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران همزمان با این تحولات در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد:عربســـتان سعودی و آمریکا عامل کاهش قیمت نفت هستند.

وی فروپاشـــی بازار نفت را یک بحث سیاسی خواند و تاکید کرد: آنهایی که نقشه دارند تا قیمت‌ها را کاهش دهند، از تصمیم خود پشیمان خواهند شد. زیرا اگرچه کاهـــش قیمت نفت برای ایران مشکل‌ساز است، اما در این شرایط سایر کشورها مانند عربستان و کویت بیشتر از ایران آسیب می‌بینند.

مقامات سعودی هم اعلام کردند که می‌خواهند بازار به صورت خود تنظیم، قیمت نفت را اصلاح کند و حاضر به فشار بازار از طریق کاهش سهمیه اعضای اوپک نیستند. این تصمیمی بود که سایر شیوخ عرب منطقه نظیر کویت،امارات متحده عربی و قطر از آن حمایت می کردند.

با این وجود ایران بیم آن را داشت که تشدید اختلاف بین اعضای اوپک، وحدت این ســـازمان را متزلزل کند که در این صورت هزینه ای گرانتر از کاهش مقطعی بهای نفت به دنبال داشـــت. اما به موازات این مواضع اصولی، رایزنی خود را با اعضای اوپک برای اتخاذ یک تصمیم منطقی و مشـــترک در بازارجهانی آغاز کرد؛ تا اینکه پنجشنبه ششم آذر۹۳ (مطابق با ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴) اجلاس عادی وزرای نفت اوپک در مقر این سازمان یعنی وین اتریش برگزار شد و برخلاف انتظار بسیاری از

نمودار تغییرات قیمت جهانی نفت در سال ۱۳۹۳





تحلیلگران بین المللی، اجماع اعضای اوپک با تثبیت سقف سهمیه تولید این سازمان موافقت کرد.

تصمیم تعجب برانگیز اوپک بلافاصله قیمت نفت را در بازارهای جهانی ۳ دلار در هر بشـــکه کاهش داد و به بشکه ای ۷۴ دلار رساند. از این پس می شد تصور کرد که شتاب سقوط قیمت نفت در دنیا به مثابه کالسکه ای که بدون ترمز در سراشیب جاده افتاده است، دائماً افزایش خواهد یافت، بطوری که ظرف یک ماه ونیم بعد، بهای نفت به پائین ترین ســـطح خود در ۶ سال اخیر رسید و بشکه ای ۴۵ دلار معامله شد. بنگاه های تحلیلگر بین المللی وقتی رسیدن متوسط قیمت سبد نفتی اوپک به بشکه ای ۴۱ دلار را مشاهده کردند، کاهش قیمت به بشکه ای ۲۰ دلار را دور از ذهن ندانستند و همین مساله آینده توسعه اقتصادی کشورهای نفت زده را بیشتر در ابهام فروبرد. سایهٔ ناامیدی در بین تولیدکنندگان نفت چنان گسترش یافت که برخی از حکام سیاسی این کشورها نظیر «نیکلاس مادورو» رئیس جمهوری ونزوئلا را از رایزنی با سایر کشورهای نفت خیز برای کمک به بهبود قیمت ها دلسرد کرد.

در این شرایط ، شـــاید فقط یک شوک بزرگ می توانست افت سنگین قیمت نفت در بازارهای جهانی را جبران کند، بطوری که برخی از تحلیگران می پنداشتند وخامت وضع جســـمی عبدالله بن عبدالعزیز پادشـــاه فقیدعربستان سعودی و نگرانی از آینده اوضاع سیاسی در بزرگترین تولیدکننده نفت دنیا می تواند جهش لازم را در بورس های بین المللی ایجاد کند، اما مرگ سلطان نفت در شروع بهمن امسال، فقط روند سقوط قیمت طلای سیاه را متوقف کرد و نتوانست جهش مورد نظر را در بازارها به وجود آورد.

در هفته هـــای بعد اگرچه بهبود ناچیزی در قیمت ها ایجاد شـــد، ولی این نظریه که دیگر بهای نفت به ســـطح بشکه ای ۱۰۰ دلار باز نمی گردد، همچنان پابرجا ماند.از این رو سال ۹۳ را باید سال بد بیاری اقتصادی برای اغلب کشـــورهای تولید کننده نفت دانست. سالی که درآمدهای بی دردسر فروش نفت خام در دنیا کاهش یافت و رویای توسعهٔ متکی به نفت در این ممالک به کابوس رکود و تورم مبدل شد. اما این سرنوشت محتوم برای تمامی تولیدکنندگان طلای سیاه نبود. در میان این گروه از کشورها حداقل جمهوری اسلامی ایران نشان داد که تصمیم دارد به تهدیدهای نفتی ۹۳ از دریچه فرصت نگاه کند.

دولت که از سالها پیش دشواری تحریم بین المللی فروش نفت را تحمل کرده بود، همزمان با تشدید سقوط بورس های جهانی به این باور رسید که شرایط به وجود آمده بهترین فرصت برای کاهش اتکای اقتصاد به درآمدهای پُرنوسان نفتی است. این نکته به طور رسمی در بیانات دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری هنگام ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

اواســـط آذر ۹۳ هنگامی که روحانی بودجه سال جدید را بر اساس میانگین قیمت نفت ۷۲ دلار در بشکه به مجلس ارائه کرد، بسیاری از صاحب نظران سیاسی و اقتصادی به این تصمیـــم دولت انتقاد کردند. زیرا در آن زمان قیمت پیشنهادی بودجه حداقل ۱۰ دلار کمتر از بهای واقعی نفت در بازارهای جهانی بود. این تفاوت قیمت در ماههای بعد به ۳۰ دلار در هر بشکه رسید و نگرانی از ایجاد کسری بودجه را در بین منتقدان برنامه های اقتصادی دولت تشدید کرد؛ تا اینکه رئیس جمهوری در پاسخ به نقدهای وارده اعلام کرد: قصد داریم وابستگی کشور به نفت را به کمتر از ۴۵ درصد برسانیم وعمده هزینه های جاری وعمرانی را از محل درآمدهای غیرنفتی تأمین کنیم.

این سخن نشان داد که دولت از وابستگی به درآمدهای متزلزل نفتی خسته شده است و به جبر یا اختیار تصمیم گرفته تا اقتصاد نفت زده خود را در هوای آزاد قرار دهد تا بوی نفتِ آن بتدریج بپرد؛ کاری که در یک قرن اخیر بی سابقه بوده و مطمئناً توفیق آغاز آن به نام این دولت ثبت خواهد شد.

شرایط فعلی بهترین فرصت برای کاهش اتکای اقتصاد به درآمدهای پُرنوسان نفتی است

از این پس توسعه صادرات غیرنفتی، اصلاح نظـــام مالیاتی، توجه به ظرفیـــت های ترانزیتی و گردشـــگری و تبدیل نفت به محصولات صادراتـــی با ارزش افزودهٔ بیشتر که همگی دریچه های دمیدن هـــوای آزاد به اقتصاد ملی هستند، جزو مهمترین برنامه های دولت برای نفت زدایی از اقتصاد ملی است. بنابر این می توان سال ۹۳ را برای ایران به عنوان سال کاهش بوی نفت در هوای اقتصاد تلقی کرد.این سیاست اگر در سالهای آینده ادامه یابد و اتکای بودجه به درآمدهای نفتی کمتر شود، می توان امیدوار بود که فضای مناسب برای رونق اقتصاد غیر نفتی فراهم شده است.

نوسان قیمت جهانی انواع نفت در سال ۱۳۹۳
(هر بشکه بر حسب دلار آمریکا)

دوره تحلیلی	نفت وست تگزاس در بازار نیویورک	نفت برنت دریای شمال در بازار لندن	سبد نفتی اوپک
اول فروردین	۱۰۳	۱۰۷	۱۰۴
نیمه فروردین	۱۰۳	۱۰۷	۱۰۴
اول اردیبهشت	۱۰۲	۱۰۹	۱۰۶
نیمه اردیبهشت	۹۹	۱۰۸	۱۰۴
اول خرداد	۱۰۲	۱۰۹	۱۰۶
نیمه خرداد	۱۰۲	۱۰۸	۱۰۴
اول تیر	۱۰۶	۱۱۳	۱۱۰
نیمه تیر	۱۰۴	۱۱۰	۱۰۷
اول مرداد	۱۰۲	۱۰۷	۱۰۵
نیمه مرداد	۹۸	۱۰۵	۱۰۲
اول شهریور	۹۳	۱۰۲	۹۹
نیمه شهریور	۹۳	۱۰۰	۹۹
اول مهر	۹۲	۹۸	۹۵
نیمه مهر	۹۰	۹۲	۹۰
اول آبان	۸۲	۸۵	۸۲
نیمه آبان	۷۷	۸۲	۷۸
اول آذر	۷۶	۸۰	۷۴
نیمه آذر	۶۵	۶۹	۶۶
اول دی	۵۵	۵۹	۵۶
نیمه دی	۵۰	۵۴	۵۱
اول بهمن	۴۶	۴۸	۴۱
نیمه بهمن	۴۹	۵۳	۴۳
اول اسفند	۵۳	۶۲	۵۶



اشک‌ها و لبخندها، زیر سقف بورس

• سرویس اقتصادی

بازار سرمایه ایران بازاری متشکل از بورس تهران، فرابورس ایران، بورس کالا و بورس انرژی است، چهار بازاری که وظیفه هدایت نقدینگی های سرگردان و همچنین جذب دوستداران سرمایه گذاری در بورس را بر عهده دارند.

فلسفه وجودی بورس، ایجاد بازاری منصفانه، کاراً و شفاف با ابزارهای متنوع و دسترسی آسان به‌منظور ایجاد ارزش افزوده برای ذی‌نفعان است تا از این طریق به بورس برتر منطقه و موتور محرک رشد اقتصادی کشور تبدیل شود.

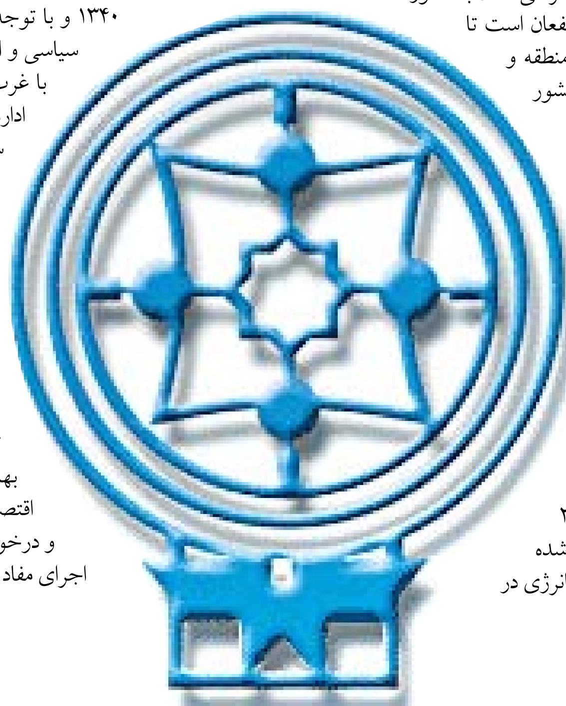
در حال حاضر ارزش بورس و فرابورس به ۳۸۵ هزار میلیارد تومان رسیده و حجم معاملات از ابتدای سال تا نیمه بهمن امسال از ۷۷ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. در بورس کالا هم در معاملات آتی ۱۴ هزار میلیارد تومان از ابتدای سال معامله شده و در بخش بورس کالا ۳۴ هزار میلیارد تومان معامله انجام شده است .همچنین در بورس انرژی در بخش محصولات فیزیکی ۱۲۰۰ میلیارد تومان و در بازار مشتقه ۲۵۰ میلیارد تومان معامله صورت گرفته است.

دیروز بورس

ایده اولیه ایجاد بورس اوراق بهادار در ایران به سال ۱۳۱۵ بازمی‌گردد که به درخواست دولت ایران، یک کارشناس بلژیکی به نام "وان لوترفلد" درباره تشکیل بورس اوراق بهادار در ایران بررسی‌هایی انجام داد و یک طرح قانونی تأسیس بورس و اساسنامه آن را تهیه کرد.

هر چند که در همان زمان بانک ملی ایران هم به عنوان سازمان متولی امور پولی کشور، مطالعاتی در این زمینه انجام داد، اما به علت نامساعد بودن شرایط برای ایجاد بورس اوراق بهادار و وقوع جنگ جهانی دوم تمام کارهای انجام شده متوقف شد.

به دنبال تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۳۴۰ و با توجه به ارتباط گسترده سیاسی و اقتصادی ایران آن دوره با غرب، نحوه تأسیس و اداره بورس، تشکیلات و سازمان آن و کیفیت تصدی دولت، کم و بیش مشخص شد و در اردیبهشت ۱۳۴۵ لایحه قانون بورس اوراق بهادار در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. به دنبال آن، قانون تأسیس بورس اوراق بهادار از سوی وزارت اقتصاد به بانک مرکزی ابلاغ و درخواست شد که نسبت به اجرای مفاد قانون مزبور اقدام کند، اما در عمل به دلیل آماده نبودن بخش صنعتی و بازرگانی، اجرای این قانون تا بهمن ۱۳۴۶ به تعویق افتاد.



بورس اوراق بهادار تهران از پانزدهم بهمن ۱۳۴۶، فعالیت خود را به طور رسمی با پذیرش سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران به عنوان بزرگترین مجتمع واحدهای تولیدی و اقتصادی آن زمان و سپس سهام شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه و اوراق قرضه عباس‌آباد آغاز کرد.

در آن زمان برقراری معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌ها و مؤسسات پذیرفته شده در بورس، عامل مهمی در جهت تشویق شرکت‌ها به عرضه سهام خود در بورس اوراق بهادار تهران بود. حجم معاملات در بورس اوراق بهادار تهران تا سال ۱۳۵۷ به دلیل تبعیت از افزایش آهنگ رشد محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده حاصل در بخش صنعت و همچنین به دلیل پذیرش و دادوستد اوراق قرضه، از ۸۳ میلیارد ریال به ۱۵۰ میلیارد ریال افزایش یافت و طی پانزده سال فعالیت آغازین بورس، در مجموع سهام ۱۰۵ شرکت در بورس پذیرفته شد.

از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ با بروز اعتصاب و تعطیلی واحدهای تولیدی و بازرگانی در جریان انقلاب اسلامی، بورس اوراق بهادار تهران به‌دلیل بی‌اعتمادی به دولت و وضع مالی شرکت‌ها و فرار سرمایه با سقوط سهام و کاهش معاملات روبه‌رو شد و به حالت نیمه‌تعطیل درآمد. همچنین تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در تیر ۱۳۵۸ باعث دسته‌بندی صنایع در چهار گروه شد که به موجب آن سازمان صنایع ملی ایران برای اداره امور آن‌ها پدید آمد. بدین‌ترتیب بر اثر ملی شدن بانک‌ها، بیمه‌ها و صنایع کشور تعداد زیادی از بنگاه‌های اقتصادی پذیرفته‌شده در بورس از آن خارج شدند؛ ضمن آن که دادوستد اوراق قرضه هم به دلیل داشتن بهره مشخص، ربوی تشخیص داده شد؛ بنابراین به‌دلیل عوامل فوق و وقوع جنگ تحمیلی عراق، دادوستد سهام و اوراق قرضه در بورس اوراق بهادار تهران تا سال ۱۳۶۱ تقریباً متوقف شد.

در سال ۱۳۶۲ تا حدودی تقاضا برای سهام وجود داشت،

ولی به دلیل پایین‌بودن قیمت‌های پیشنهادی خریداران، عرضه‌کنندگان چندان زیاد نبودند. در سال ۱۳۶۳ به دنبال تصمیم دولت مبنی بر واگذاری تعدادی از کارخانه‌های دولتی به کارگران و سایر افراد بخش خصوصی، مبادلات سهام اندکی افزایش یافت و تا سال ۱۳۶۷ افزایش حجم معاملات با نرخ کاهشی ادامه یافت.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد در تابستان ۱۳۶۷ و همچنین تصویب قانون جدید مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات تعاون ملی برای بازسازی در اواخر سال ۱۳۶۷ و مهم‌تر از همه تصویب قانون برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در همین سال، باعث رونق بورس اوراق بهادار تهران و رشد حجم معاملات شد.



لوگوی بورس تهران برگرفته از یک نشان برنجی مربوط به دوره هخامنشیان است که در استان لرستان کشف شده است. در این لوگو چهار انسان دست در دست یکدیگر (اتحاد و همکاری) در درون دایره‌ای قرار دارند که نشان گر دنیا است. دنیایی که بر اساس افسانه‌های قدیمی ایران بر روی شاخ دو گاو قرار دارد؛ که خود نشانه ثروت و بهره‌وری هستند. این نشان هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.

بررسی روند فعالیت بورس در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که روند یکنواختی بر فعالیت بورس حاکم نبوده‌است.

بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۷۶ دوره تازه‌ای از فعالیت خود را تجربه کرد و زمینه‌های تحولات بعدی بازار سرمایه با اعمال برنامه‌های اصلاحی از این سال پایه‌ریزی شده‌است. ایجاد فضای رقابتی سالم، افزایش علاقمندی و اعتبار فعالیت‌ها و به کارگیری شیوه‌های مؤثر تنظیم و نظارت از سال ۱۳۷۷ به طور نسبی ایجاد شد و بورس نشانه‌های مثبتی مبنی بر بازگشت رونق را تجربه کرد.

ناگفته نماند:بی‌سابقه‌ترین سقوط شاخص بورس در تاریخ ۴۷ ساله این بازار که با افت شدید ۲۳۸۸ واحدی دماسنج بازار سرمایه در روز یکشنبه ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ به ثبت رسید و موجب بازگشت بازار به محدوده ۸۵ هزار واحدی شد که به یکشنبه سیاه معروف شد.

گمانه‌های مختلفی در مورد علل واکنش منفی بازار سرمایه وجود داشت. دلایلی همچون تصمیم دولت در زمینه مهار نقدینگی، افزایش نرخ سود بانکی، افزایش نرخ خوراک واحدهای پتروشیمی و دستور رئیس جمهوری برای مبارزه با مفاسد اقتصادی مهمترین این حدسیات بود.

پس از یکشنبه سیاه، شاخص کل بورس تهران سیر نزولی گرفت و سرانجام به ۷۰ هزار واحد سقوط کرد. در حالی که شاخص کل افت حدود ۱۰ درصدی را تجربه می کرد، سهامداران در بسیاری از نمادها تا ۵۰ درصد سقوط را تجربه کردند.

معاملات بورس از طریق تالارهای مربوطه انجام می‌شود. معاملات سهام فقط از طریق سامانه معاملات بورس که یک سیستم کاملاً مکانیزه است، قابل انجام است و دارندگان سهام نمی‌توانند خارج از سامانه معاملاتی اقدام به خرید و فروش اوراق بهادار کنند و معاملات باید از طریق کارگزاران و طی نشست معاملاتی انجام شود. در حال حاضر علاوه بر تالار حافظ که تالار اصلی معاملات است، تالارهای دیگری توسط بورس یا شرکت‌های کارگزاری در شهرهای دیگر دایر شده‌اند که سهامداران می‌توانند با مراجعه به آنان از تسهیلات مستقر در این تالارها از جمله سیستم‌های نمایش‌گر قیمت و سفارش‌ها، بروشورهای اطلاع‌رسانی و دوره‌های آموزشی پیش‌بینی شده استفاده کنند

یادآوری می‌شود که خرید و فروش اوراق بهادار مستلزم حضور سهامداران در تالارها نیست و سهامداران می‌توانند با دریافت مجوز معاملات آن لاین (برخط) از شرکت‌های کارگزاری، بدون دخالت مستقیم کارگزار و از طریق اینترنت برای خرید و فروش اوراق بهادار اقدام کنند.

تشکیل سازمان بورس

بعد از تصویب مجلس و منفک شدن سازمان بورس از شرکت بورس، تغییرات عمده ای در بازار ایجاد شد و سازمان به دنبال مدیر جدیدی برای شرکت بورس بود و عملا کارکنان تفاوت میان سازمان بورس و شرکت بورس را درک نکرده بودند و کارگزاران هم درک درستی از این تفاوت نداشتند؛در عین حال کسی در مورد تشکیل شرکت سپرده گذاری مرکزی و فعالیت های آن هم چیزی نمی دانست.هر چند کارگزارانی که سفرهای خارجی داشتند و از نزدیک با بورس های جهانی آشنا بودند کم و بیش در جریان بودند .

روزی که اساسنامه سازمان بورس منتشر شد و همه آن را مطالعه کردند معتقد بودند که فاصله زیادی تا رسیدن به آن چیزی که در اساسنامه گفته شده است، وجود خواهد داشت اما همدلی و صمیمیتی که بین کارکنان سازمان بورس و شرکت بورس وجود داشت این کار را راحت کرد و به سرعت هر دو نهاد جان گرفت.

ناگفته نماند در آن روزها معامله گرها حرف اول را در بازار می زدند و سیستم معاملات هم قدیمی بود و هر کس که وارد تالار می شد، فقط چهار یا پنج کارگزار تأثیرگذار را در بازار می دید.

در عین حال حجم معاملات بسیار کم و سیستم معاملات خیلی قدیمی بود و برخی اوقات هنگ می کرد و وقتی سیستم جدید از فرانسه به بازار وارد شد، همه کارگزاران نگران تطبیق آن بودند، اما راه اندازی این سیستم هم با موفقیت انجام شد.

بورس امروز

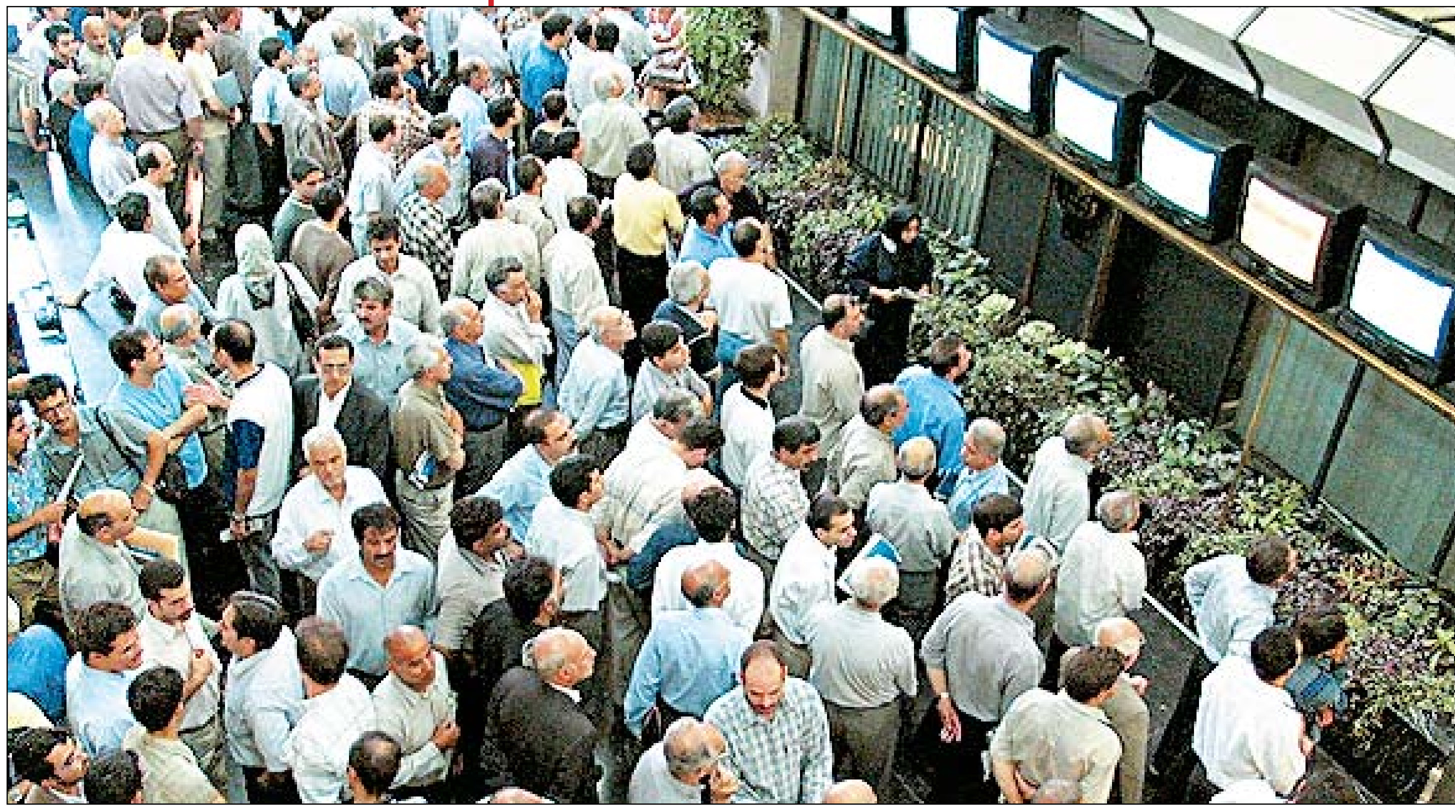
به طور میانگین در ۱۳ ماه اخیر هر ماه یک خبر ناخوشایند به گوش سهامداران رسیده و آنها را نگران کرده است؛ نخستین عامل افت بازار طی ۱۳ ماه اخیر شوک ناشی از افزایش قیمت خوراک گاز پتروشیمی ها بود،افزایش بیش از چهار برابری قیمت خوراک گاز پتروشیمی ها و وضع عوارض ۳۰ درصدی برای برخی شرکت های معدنی را می توان دلیل دیگری برای ادامه کاهش قیمت های به شمار آورد.

با این قوانین سرمایه گذاران نه فقط نگران کاهش سودآوری شرکت های پتروشیمی و معدنی شدند، بلکه احتمال تسری این گونه تصمیم گیری ها به سایر صنایع کشور خروج بخشی از منابع سرمایه گذاران از بازار بورس را سرعت بخشید.

بی‌سابقه‌ترین سقوط شاخص بورس در تاریخ ۴۷ ساله این بازار در ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ به ثبت رسید و موجب بازگشت بازار به محدوده ۸۵ هزار واحدی شد که به «یکشنبه سیاه» معروف شد

دومین عامل اثرگذار بر افت بازار ،نگرش نادرست برخی تحلیلگران درمورد روند رشد قیمت ها بود. شاخص از ابتدای سال ۹۲ تا نیمه دی حدود ۱۳۷ درصد رشد نشان داد، درحالیکه رشد اقتصاد کشور منفی بود و همین امر نگرشی بین کارشناسان و تحلیلگرهای بازار ایجاد کرد که این قیمت ها غیر منطقی است و حتی این نگرش را به معامله گران و سرمایه گذاران دیگر انتقال دادند، درحالیکه به این واقعیت چندان توجه نشد که ارزش پول ملی طی چهار سال گذشته حدود سه و نیم برابر ارزش خود را از دست داده بود.

باید توجه داشت درحالیکه متوسط نسبت قیمت به درآمد





شـــرکت ها (P/E) در ابتدای سال ۹۰ با شاخص کل ۲۳۷۵۶ واحدی ۷/۷ مرتبه بود، این نسبت در پایان آذر سال جاری با شـــاخص ۶۹۵۰۰ واحد به ۵/۳ بار کاهش یافت که نشان از منطقی بودن قیمت سهام در مقایسه با سال ۹۰ دارد.

اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها ، عامل ســـوم رکود بازار سرمایه است. اخبار مربوط به قریب الوقوع بودن اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه ها در سال ۹۲ از یک طرف و اعمال سیاست های انقباضی برای مهار تورم بر بازار سرمایه تأثیر گذار بود.

رقابت بازار پول با بازار سرمایه چهارمین عامل اثرگذار بر بازار ســـرمایه بود، در این موضوع شکی نیست که سطح ریسک پذیری همه سرمایه گذاران یکسان نیست و خیلی از مردم تمایل سرمایه گذاری در بازار سرمایه را ندارند و نظام مالی باید برای این دسته از سرمایه گذاران راهکار داشته باشد. اما نرخ بهره ای که منجر به بی منطق جلوه کردن تولید شود، هیچ توجیه منطقی و اقتصادی برای هیچ اقتصادی ندارد.

در این شرایط، موسسات مالی و اعتباری و برخی بانک ها برای جذب نقدینگی آنهم بدون هیچ نظارتی به مســـابقه با یکدیگر افتادند، رقابت فشرده نظام بانکی و موسسات مالی اعتباری از نیمه دوم سال ۹۲ برای جذب هرچه بیشتر نقدینگی با افزایش نرخ سود سپرده ها تا میزان سالانه ۳۰ درصد، در عین کاهش سودآوری بانک ها، خروج بخش دیگری از نقدینگی بازار سرمایه را رقم زد.

پنجمین عامل رکود در بورس، نبود شفافیت اطلاعات مالی مجموعه شرکت های پذیرفته شده صنعت پالایشگاهی نفت بود. شرکت های پالایشی که جزو صنایع بزرگ و اثرگذار بر بازار هســـتند، مدت زیادی در پیچ و خم سیاســـت ها و برنامه ریزی های در زمینه کیفی سازی، تولید و قیمت گذاری مواد اولیه (نفت خام) و محصولات قرار گرفتند که همین امر، شفافیت در این صنعت را تحت تأثیر قرار داد.

ششمین عامل، حضور و نقش پر رنگ معامله گران روزانه در چند سال اخیر بوده اســـت. با این شرایط و به دلیل نبود شفافیت کافی اطلاعات در بازار، آن گروه از سرمایه گذاران تازه وارد که به دلیل رشد سریع شاخص ها و بازدهی بالای بازار اقدام به سرمایه گذاری در بازار کردند، در زمان ریزش بازار با تحمل زیان از بازار خارج می شوند یا اینکه افرادی با سودهای حداقلی به معاملات روزانه می پردازند.

هفتمین عامل اثر گذار در کاهش شاخص کل هم افت شدید قیمت نفت است، کاهش قیمت نفت خام، مشتقات نفتی و گاز عامل دیگری است که بر تداوم شرایط کنونی بازار تاثیر با اهمیتی به جا گذاشته و اثرات منفی و مستقیم آن متوجه کلان اقتصاد و تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی و بطور غیر مستقیم بر بازار سرمایه کشور شده است.

باید توجه داشت که فضای کلی اقتصاد به دلیل مجموعه ای از ریسک های سیستماتیک با مشکلاتی مواجه شده بود که اثر آن بورس را هم تحت شعاع قرار داد. اما با کمرنگ شدن این ریسک ها نسبت به آینده، بازار امید مثبت داشت.

رســـیدن به دوره پایداری بعد از هر دوره نوسان زمان بر است. اما با توجه به اینکه در شرایط فعلی ریسک های بازار کمرنگ و تا حد زیادی از بین رفته می توان نوید رســـیدن به دوران پایداری را به فعالان بازار داد.

بازار طی ماه های اخیر، شاهد اقدامات مثبت برای رفع ابهامات صنایع بزرگ و لیدر بازار بود؛ به طوریکه در همین مدت اندک تدابیر ویـــژه ای با همکاری دولت و مجلس برای رفع ابهامات صنایع پتروپالایشی و سنگ آهنی صورت گرفته شد و در نتیجه به چشم انداز بازار می توان امیدوار بود که سال ۹۴ یک سال نسبتاً معقول برای سرمایه گذاران بورسی باشد و حداقل تورم در این سال را پوشش دهند.

باید توجه داشـــت که حمایت از بازار سرمایه در گرو حمایت از بازار اولیه است، به این ترتیب بانک ها در چارچوب وظایف خود می توانند به بازار سرمایه کمک کنند.نقش اصلی بانک ها تأمین سرمایه در گردش است . اگر به مقوله اقتصاد و مدیریت اقتصاد به شکل کلان نگاه شود با رعایت این اصل، بانک ها به طور غیر مستقیم به بازار سرمایه کمک می کنند.

رسیدن به دوره پایداری بعد از هر دوره نوسان زمان بر است. اما با توجه به اینکه در شرایط فعلی ریسک های بازار کمرنگ و تا حد زیادی از بین رفته می توان نوید رسیدن به دوران پایداری را به فعالان بازار داد

ایجاد تحرک در بورس

یکـــی از راهکار های مناســـب برای ایجاد تحرک در بورس، توجه به شرکت‌های تامین سرمایه است.بر اساس قانون بازار اوراق بهادار، شـــرکت های تأمین سرمایه به عنوان واسطه بین ناشر اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران هستند و می‌توانند فعالیت‌های تعهد پذیره نویسی، بازارگردانی، مشاوره مالی، سبدگردانی و فعالیت‌های مشابه را با دریافت مجوز از نهاد ناظر بازار سرمایه انجام دهند.

با توجه به چشـــم‌انداز توسعه و پیشرفت‌اقتصادی، این‌شرکت‌ها‌می‌توانند در کشور ما نقش محوری در زمینه تامین مالی ایفا کنند و به دلیل فعالیت این نهادها در زمینه انتشار اوراق مشارکت، اوراق اجاره و سایر ابزارهای نوین تامین مالی ، رشد قابل توجهی در زمینه استفاده از این ابزارها در بازار سرمایه به وجود آمده است. به همین خاطر حضور فعال شرکت‌های تأمین سرمایه می‌تواند نوید بخش شرایط مساعد برای رشد و توسعه روش‌های تأمین مالی از طریق بازار سرمایه باشد.

اگرچه بازار پول و بازار ســـرمایه دارای اشتراکات زیاد و ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند،اما با این حال تقسیم نظام تأمین مالی به دو بخش بازار پول و بازار سرمایه درک بهتری از کارکردهای این دو حوزه ارائه می دهد.

بخش مالی در هر کشـــور به عنوان زیرمجموعه نظام اقتصادی بوده که در آن وجوه یا اعتبارات و سرمایه در چارچوب قوانین و مقررات مشخص از طرف پس‌انداز کنندگان و صاحبان پول و سرمایه به طرف متقاضیان جریان می‌یابد.

بازارهای مالی به عنوان بازارهایی که در آنها دارایی‌های مالی شامل سهام، اوراق قرضه و ابزارهای مشتقه مبادله می شوند، بوده و ارزش هر یک از این موارد به ارزش تولیدات وخدمات ارایه شده توسط شرکت‌های منتشر کننده آنها وابسته است.

شرکت های تامین سرمایه، نهادهایی قدرتمند و تأثیرگذار و به عنوان بـــازوی تامین مالی صنایع از طریق بورس مطرح هستند و ضرورت ایجاد انسجام و تعادل در ساختار نظام تأمین مالی نیازمند همکاری این شرکت‌ها با بازیگر اصلی بازار پول یعنی بانک ها است.

با توجه به تازه تأسیس بودن شرکت‌های تامین سرمایه، آن‌ها مهم‌ترین عامل در انتشـــار انواع صکوک یا اوراق بهادار اجاره در سال های اخیر بوده اند که با تعهد پذیره‌نویسی اوراق بهادار در عرضه‌های عمومی و تامیـــن مالی، ارزش گذاری سهام و مشاوره‌های مالی و تخصصی، نقش مؤثری در تســـهیل فرآیند تأمین مالی شرکت‌ها دارند و با بهره‌گیری از ابزارهای مورد استفاده می‌توان تخصیص بهینه منابع نقدینگی را در بخش تولید از آنها انتظار داشت.

از سوی دیگر، ریسک‌های اعتباری که به دلیل ایفا نکردن به موقع تعهدات از طرف مشتریان شرکت در حوزه تامین مالی پدید می‌آید،ریسک بازار که به دلیل تغییرات نامطلوب در قیمت بازار برخی از دارایی‌های مالی نظیر سهام، نرخ سود بانکی یا نرخ ارز ایجاد می‌شود،ریسک عملیاتی که به دلیل نقصان در فرآیندها، عملکرد افراد و سیســـتم های فناوری اطلاعات، تامین سرمایه را در معرض خطر قرار می‌دهد، به عنوان مهم‌ترین ریسک هایی است که نهادهای تامین سرمایه با آن مواجه هستند. فرهنگ‌سازی نشدن مناسب، ریسک کشوری، ریسک قوانین و مقررات و ریسک نقدینگی ،از مخاطرات دیگری است که شرکت های تامین ســـرمایه در ایفای نقش خود با آن مواجه هستند. در مجموع باید گفت که شرکت‌های تامین سرمایه در بازار ســـرمایه ایران ،نیازمند فعالیت و تلاش بیشتر در جهت گسترش فرهنگ تأمین مالی بازار هستند و در صورت استقبال بیشتر شرکت‌ها و سازمان‌ها به این بازار و توأم شدن آن با حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شاهد جهشی عظیم در بخش تأمین مالی شرکت‌ها و طرح‌های بزرگ و ثروت آفرین در کشور خواهیم‌بود.

مسکن

در چارچوب ثبات قیمت

● سرویس اقتصادی

بخش مسکن موتور محرکه اقتصاد است و علاوه بر آن مسکن به عنوان یکی از اساسی ترین نیازهای انسان برای زندگی معرفی شده که در زمره حساس ترین بخش ها در برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ به نحوی که از آن به عنوان عاملی برای توسعه یاد می شود.

تقاضای رو به رشد مسکن در کشور ،توجه اغلب مسئولان و برنامه ریزان را برای رفع نیاز مسکن شهروندان جلب کرده است و دولت ها با سیاست های مختلف در صدد رفع نسبی این مشکل بر آمده اند.با توجه به اینکه مسکن یکی از نیازهای اولیه هر خانواده ومهمترین منبع صرف هزینه بودجه خانوار است ،تا جایی که بر اساس آمار بانک مرکزی خانوارهای کم در آمد نزدیک به نیمی از کل بودجه سالانه خود را در بخش مسکن هزینه می کنند. به همین دلیل توجه به مسکن محرومین و راهکارهای حمایت از تامین مسکن محرومین در اکثر کشورهای جهان از جمله ا یران مورد توجه دولتها بوده است .

در راستای تحقق همین سیاست بود که دولت قبل طرح مسکن مهر را عملی کرد.طرحی که داعیه تامین مسکن دهک های پایین درآمدی جامعه را داشت و گرچه این طرح مورد انتقاد دولت یازدهم قرار گرفت، ولی وعده انجام آن از سوی مسئولین فعلی به مردم ومتقاضیان داده شد.

بازار مسکن در کشور ما همواره با حرکت های سینوسی با فراز ونشیب و رونق ورکود مواجه بوده است و هم اکنون هم این بازار دوران رکود را در معاملات خرید وفروش طی می کند ،ولی به نظر می رسد با توجه به ثبات قیمت ها و اطمینان خریداران ، نشانه هایی از رونق در بازار دیده می شود .

همچنین بخش مسکن قادر است سایر بخش های اقتصادی را هم فعال کند ،زیرا با بیش از یکصد صنعت مرتبط بوده و در امر اشتغال زایی هم بسیار موثر است ، به طوریکه گفته می شود رونق صنعت مسکن می تواند سایر بخش های اقتصادی را از رکود خارج کند و ظرفیت خالی کارخانه ها را به جریان بیندازد .

آمارها در گذشته همواره حکایت از این داشت که ۴۰ درصد نیاز بازار مسکن واقعی وبه عنوان سر پناه است و ۶۰ در صد بقیه به تقاضا های سوداگرانه و بورس بازی ارتباط دارد. یعنی عده ای فقط به امید کسب سود و حتی احتکار مسکن بدون داشتن هیچ تخصصی در این زمینه سرمایه های خود را وارد این بخش می کردند وبا کسب سودهای بالا واحد های خود را به فروش میرساندند.

به نظر میرسد در حال حاضر به دلیل ثبات قیمت ها و به طور کلی رکود بازار این نوع تقاضای سوداگرانه در بخش مسکن تقلیل یافته است؛ در عین حال برخی اعتقاد دارند با توجه به اینکه صدور پروانه های ساختمانی کاهش پیدا کرده،ممکن است به دلیل بر هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا و تمایل اندک سرمایه گذاران به دلیل نداشتن سود مناسب، قیمت مسکن در آینده افزایش یابد که ممانعت از این مسئله سیاستگذاری های خاصی را می طلبد که امید است مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

یکی دیگر از بخش هایی که بی تردید ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد دارد ، مسکن است که بازار آن امسال را با رکود آغاز کرد. این رکود که از اوایل سال ۹۲ بر این بازار سایه افکنده بود، در دهه اخیر بی سابقه بوده است.

پیش‌بینی غالب کارشناسان بخش مسکن آغاز سالی آرام با ثبات قیمت‌ها برای امسال بود و بر اساس این پیش‌بینی‌ها مسکن رشد قیمتی خود را داشته و اکنون زمان حرکت در مسیر ثبات قیمت‌هاست. در حالی که رکود، بیشترین تاثیر را بر بازار مسکن امسال گذاشت، اغلب صاحب‌نظران این بخش معتقدند این رکود تا پایان امسال ادامه داشته و قصد رفتن ندارد؛در عین حال که دیگر افزایش قیمتی پیش‌بینی نمی‌شود و فقط حباب قیمت‌ها شکسته می‌شود. با وجودی که هنوز قیمت مسکن به کف بازار نرسیده، انتظارها برای ثبات قیمت‌ها همچنان پابرجاست که برخی نجات مسکن از وضع رکودی را رونق ساخت و ساز و برخی دیگر فعال‌سازی صنعت اجاره‌نشینی و عرضه مسکن می‌دانند. گروهی می‌گویند بازار مسکن با فعال‌سازی صنعت اجاره و انبوه‌سازی آرام می‌شود و این برابری عرضه و تقاضا کمک‌کننده بازار خواهد بود. برخی دیگر از دست‌اندرکاران بخش مسکن هم معتقدند خانه به عنوان یکی از بزرگترین صنایع اقتصادی که حداقل ۱۲۰ رشته شغلی را به خود مشغول کرده، نیازمند برنامه‌های کلانی است که یا باید از سوی دولت رسیدگی شود یا بخش خصوصی بتواند همه جوانب را در نظر گیرد. با وجود همه این پیش بینی ها نشانه هایی از رونق نسبی خرید وفروش در زمستان امسال مشاهده شده است به طوری که در ۶ ماهه دوم امسال حجم معاملات افزایش یافت، اما نمی توان گفت که بازار مسکن از رکود خارج شده است.

مسئولان امیدوارند این سیر صعودی در جهت افزایش حجم معاملات تا پایان سال ۹۳ ادامه داشته باشد. بویژه که آمارها در دی و آذر امسال نسبت به آبان و مدت مشابه سال قبل رشد ۲۰ درصدی را در حجم معاملات نشان میدهد و تا پایان سال شاهد ثبات نسبی قیمت در خرید و فروش و اجاره بها خواهیم بود.

خوشبختانه در سال ۹۳ دولت تلاشی را برای کنترل تورم داشته است وپیش بینی نمی‌شود که در بهار سال آینده حتی به اندازه تورم هم رشد قیمت داشته باشیم.البته آمارها بیانگر کاهش پرونده های ساختمانی‌است که این موضوع می‌تواند دغدغه متقاضیان باشد. اما با توجه به اینکه پروسه تولید مسکن بین ۱۲ تا ۱۸ ماه است، بنابراین در کوتاه مدت، کاهش پروانه‌های ساختمانی تاثیری بر قیمت ندارد.

آمار معاملات‌نشان میدهد که حجم معاملات در دی ۹۳ در کل کشور ۱۶۰ هزار و ۸۶۶ قرارداد بوده که از این تعداد ۱۰۰هزار و ۹۴۳ قرارداد مبایعه نامه و ۵۲ هزار و ۸۵۴ اجاره نامه به ثبت رسیده است.در دی امسال همچنین در تهران هم ۱۶ هزار و ۴۲۲ مبایعه نامه‌و۱۴هزارو۶۸۰قرارداداجاره‌به‌ثبت‌رسید.

از سوی دیگر، در دهه ۹۰ نسبت به دهه‌های قبل سیر صعودی در اجاره نشینی داشتیم که این موضوع

نشان میدهد قدرت خرید مردم در دهه ۹۰ کاهش یافته و قیمت مسکن از آن پیشی گرفته است.

به نظر می رسد یکی از سیاست هایی که می‌تواند طرف تقاضا را تحریک کند، افزایش وام مسکن است که بحث افزایش آن تا سقف ۸۰ میلیون تومان مطرح شده، ولی هنوز نهایی نشده است .

گرچه برخی کارشناسان می‌گویند این اقدام تورم زاست، ولی‌در ۸ سال گذشته که افزایش تسهیلات بانکی نداشتیم، باز هم قیمت مسکن ۴ برابر شده است.بنابراین افزایش وام بانکی تاثیر مستقیمی در قیمت مسکن ندارد و دیگر سیاست‌های بانکی و پولی در این موضوع موثر است.

در این خصوص رئیس اتحادیه صنف مشاوران املاک تهران با اشاره به اینکه بیش از ۵۰ درصد از افزایش قیمت مسکن ناشی از سیاست‌های بانکی و پولی بوده است، گفت: بانک ها در سال‌های گذشته وارد ساخت آپارتمان های لوکس شدند و قیمت های پایه در مناطق مختلف را افزایش دادند.

معاون وزیر راه و شهرسازی در امور مسکن و ساختمان هم روند آرام خروج از رکود بازار مسکن از بهمن را پیش بینی کرده و گفته که در سال آینده این روند ادامه خواهد داشت. به گفته حامد مظاهریان، رصد معاملات مسکن نشان می‌دهد با توجه به بازارهای اقتصاد کلان کشور وشرایط تولید به تدریج از بهمن شاهد خروج آرام از رکود در بازار مسکن هستیم.این وضع در سال آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد و پیش بینی رشد قیمت ها در این حوزه وجود ندارد و افزایش قیمت در این حوزه بیش از تورم عمومی در کشور نخواهد بود.

مسکن‌مهر

در اینجا باید به مسکن مهر هم اشاره داشت ،طرحی که در ابتدا در قالب بند د تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ به اجرا درآمد و سپس بر مبنای قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به صورت پیوسته در دستور کار قرار گرفت.

مبنای اصلی‌این طرح که در حقیقت شامل اجاره بلند مدت زمین برای احداث مسکن است،بر این امر مبتنی است که ارزش زمین، بخش قابل توجهی از هزینه تمام شده مسکن را به خود اختصاص می‌دهد. این سهم در کل کشور در دوره ۳۵ ساله برابر ۴۰ درصد و در دهه اخیر برابر ۴۵ درصد بوده است. همچنین در استان تهران این سهم به حدود ۶۰ درصد بالغ می‌شود. بنابراین با حذف یا کاهش ارزش زمین از هزینه تمام شده مسکن، می‌توان تا حدود زیادی هزینه مسکن را کاهش داد.

بند «د» ذیل تبصره ۶ بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور بر تأمین مسکن مناسب برای آحاد ملت به خصوص اقشار کم درآمد تأکید جدی داشته و برای نیل به اهداف تعیین شده راهکارهای متعددی مانند اجاره بلند مدت زمین در چارچوب حق بهره‌برداری از زمین‌های دولتی به منظور کاهش قیمت واحدهای مسکونی و حذف قیمت زمین از قیمت تمام شده واحد مسکونی را پیشنهاد کرده است .



این طرح که در دولت دهم با هدف تامین مسکن اقشار پایین درآمدی در دستور کار قرار گرفت ، در دولت تدبیر و امید با انتقادهای فراوانی مواجه شد .

حسن روحانی رئیس جمهوری نتوانست مشکلات مسکن مهر را نادیده بگیرد. وی تاکید کرد چاپ پول در دولت گذشته تا حدی پیش رفت که فقط برای مسکن مهر به میزان چهل و چند درصد کل تاریخ،پول چاپ شده است.

وی گفت: ۴۵ هزار میلیارد تومان پول برای مسکن مهر در اختیار بانک مسکن قرار دادند که این پول از پول توجیبی مردم برداشته شد و کار بی‌نظیری از نظر بی‌انضباطی مالی انجام شد و دولت بعدی هم مجبور شد که این راه را ادامه دهد.

عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی هم سیاست های مسکن دولت گذشته را به هرج و مرج تعبیر کرد و گفت: با مسکن مهر، موضوع مسکن تنها به یک چاردیواری تقلیل پیدا کرد. به مردم گفتند که برای شما در بیابان خانه می سازیم. نه تنها به فرهنگ و تاریخ توجهی نشد که در مورد زیرساخت ها، مدرسه، محیط فرهنگی و ورزشی هم فکر نشد.

وزیر راه و شهرسازی به تناقض سیاستگذاری ها اشاره کرد و گفت: ۴۰۰ هزار مسکن مهر در اطراف تهران طراحی شد. در حالی که این شهر از نظر تراکم در حال انفجار است. از طرف دیگر شعار تمرکززدایی داده شد و گفتند که چند کارمند را از تهران به شهرستان ها منتقل خواهند کرد. این دو سیاست چگونه در کنار هم قابل تحلیل است؟

کار تا آنجا پیش رفت که مشکلات مسکن مهر انتقادهای لاریجانی رئیس مجلس و طیب نیا وزیر اقتصاد را هم بر انگیخت . با تمام این احوال دولتمردان تاکید کردند که مسکن مهر را تا اتمام آن ادامه میدهند و به تعهدات دولت در قبال مردم پایبند هستند.

مهرآبادی قائم مقام ومجری ویژه وزیر راه وشهرسازی در طرح مسکن مهر در این زمینه اعلام کرد از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکن مهر که قرارداد انها تنظیم شده، کار ساخت یک میلیون و ۶۸۰ هزار واحد به اتمام رسیده است. دولت بنا دارد کار ساخت بیش از ۹۰ درصد واحدها را تا پایان سال ۹۴ به اتمام برساند.

اما نکته مهم اینجاست که پایان کار ساخت یک مرحله است و تحویل آن با زیرساخت‌های ضروری از جمله آب ،برق وگاز به متقاضیانی که از سالها قبل سرمایه گذاری کرده اند، یک مسئله دیگر.

مسئولین مدام تاکید می‌کنند که واحدها را بدون تاسیسات زیربنایی و روبنایی تحویل نمی‌دهند و این در حالیست که اعتبار مورد نیاز برای خدمات زیر بنایی واحدهای مسکن مهر معادل ۵۶۰۰ میلیارد تومان وخدمات روبنایی مانند مدرسه ،مسجد و کلانتری حدود ۵ هزار میلیارد تومان براورد شده است که با تامین آن پرونده مسکن مهر در سال آتی بسته شود.





تورم در سراشیبی سقوط

● سرویس اقتصادی

یکی دیگر از مســـائلی که اقتصاد ایران امسال همچون سال های گذشته با آن روبرو بوده است و ریشه ها و علت های بسیاری داردکه برخی از آنها ناشی از شوک های نفتی و رشد نقدینگی،بودجه عمومی و اتکا به درآمدهای نفت، کســـری بودجه، سیاســـت کاهش ارزش پول ملی و سیاست های حمایتی، قیمت گذاری نامناسب تولید کنندگان ورشد حجم پول و نقدینگی است،پدیده ای به نام تورم است.

نرخ تورم در اصطلاح قدیمی ها به «گوسفندی که گاو می شود» تعبیر شده اما در علم اقتصاد، تورم (Inflation) اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، در آمدهای پولی یا قیمت است و نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف کننده است.

تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود. تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است ؛هر چند بر پایه نظریه‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از تورم ارائه می‌شود،اما تمامی آنها به روند فزآینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند.

مفهوم امروزی تورم در سده نوزدهم میلادی رواج یافت. پیش از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که برای نشان دادن افزایش حجم اسکناس‌های غیرقابل تبدیل به طلا به کار برده می‌شد.

محاسبات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یک فرآیند بسیار پیچیده دارد. فرض کنید ۳۸۵ قلم کالا به عنوان نماینده اقلام سبد مصرفی خانوارهای کشور در سال پایه تعیین شده است. ضریب اهمیت هرکدام از این اقلام در سطح کل کشور از میانگین موزون ضرایب اهمیت در کل استان ها به دست می آید. یعنی به عبارت دیگر، ما ۳۱ سبد استانی داریم که با توجه به ملاحظات تکنیکی، این ۳۸۵ قلم کالا یا خدمت در همه استانها به عنوان اقلام سبد حضور دارند ولی ضریب اهمیت آنها می تواند از عدد صفر تا ۱۰۰ باشد.

وزن هر قلم در ســـال پایه در هر شهر و استان مشخص



شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی درمناطق شهری ایران
اعداد شاخص کل به تفکیک ماه و درصد تغییر سالانه آن (نرخ تورم) در سال‌های مختلف
(۱۰۰=۱۳۹۰)

ماه / سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	متوسط سال	درصد تغییر* سالانه (نرخ تورم)
۱۳۶۹	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۳	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۵	۲/۵	۲/۶	۲/۶	۲/۵	۹/۰
۱۳۷۰	۲/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۸	۲/۹	۲/۹	۳/۰	۳/۰	۳/۰	۳/۱	۳/۲	۳/۴	۳/۰	۲۰/۷
۱۳۷۱	۳/۵	۳/۵	۳/۵	۳/۵	۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۷	۳/۸	۳/۹	۴/۰	۳/۷	۲۴/۴
۱۳۷۲	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۲	۴/۳	۴/۴	۴/۵	۴/۵	۴/۷	۴/۸	۴/۹	۵/۲	۴/۵	۲۲/۹
۱۳۷۳	۵/۳	۵/۴	۵/۵	۵/۶	۵/۷	۵/۹	۶/۲	۶/۲	۶/۳	۶/۵	۷/۰	۷/۵	۶/۱	۳۵/۲
۱۳۷۴	۸/۰	۸/۶	۸/۶	۸/۶	۸/۶	۸/۸	۹/۰	۹/۲	۹/۵	۹/۸	۱۰/۰	۱۰/۲	۹/۱	۴۹/۴
۱۳۷۵	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۱/۰	۱۱/۱	۱۱/۳	۱۱/۵	۱۱/۷	۱۱/۸	۱۲/۰	۱۱/۲	۲۳/۲
۱۳۷۶	۱۲/۴	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۲/۹	۱۳/۰	۱۳/۰	۱۳/۱	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۴/۰	۱۴/۲	۱۳/۱	۱۷/۳
۱۳۷۷	۱۴/۸	۱۴/۸	۱۴/۸	۱۵/۰	۱۵/۰	۱۵/۲	۱۵/۴	۱۵/۶	۱۶/۰	۱۶/۲	۱۶/۵	۱۶/۹	۱۵/۵	۱۸/۱
۱۳۷۸	۱۷/۹	۱۸/۰	۱۸/۱	۱۸/۰	۱۸/۱	۱۸/۳	۱۸/۵	۱۸/۶	۱۹/۱	۱۹/۴	۱۹/۷	۲۰/۰	۱۸/۶	۲۰/۱
۱۳۷۹	۲۰/۲	۲۰/۲	۲۰/۵	۲۰/۳	۲۰/۶	۲۰/۷	۲۰/۹	۲۱/۱	۲۱/۵	۲۱/۶	۲۱/۸	۲۲/۲	۲۱/۰	۱۲/۶
۱۳۸۰	۲۲/۶	۲۲/۶	۲۲/۷	۲۲/۸	۲۳/۰	۲۳/۱	۲۳/۲	۲۳/۲	۲۳/۸	۲۴/۱	۲۴/۴	۲۴/۸	۲۳/۴	۱۱/۴
۱۳۸۱	۲۵/۲	۲۵/۹	۲۶/۲	۲۶/۳	۲۶/۴	۲۶/۸	۲۶/۸	۲۷/۲	۲۷/۲	۲۸/۲	۲۸/۸	۲۹/۲	۲۷/۱	۱۵/۸
۱۳۸۲	۲۹/۸	۳۰/۱	۳۰/۵	۳۰/۷	۳۰/۸	۳۰/۸	۳۱/۰	۳۱/۴	۳۲/۱	۳۲/۵	۳۲/۷	۳۳/۲	۳۱/۲	۱۵/۶
۱۳۸۳	۳۴/۱	۳۴/۵	۳۵/۰	۳۵/۴	۳۵/۶	۳۵/۷	۳۶/۱	۳۶/۴	۳۶/۸	۳۷/۳	۳۷/۷	۳۸/۴	۳۶/۱	۱۵/۷
۱۳۸۴	۳۹/۷	۳۹/۴	۳۹/۲	۳۹/۰	۳۹/۰	۳۹/۱	۳۹/۴	۳۹/۸	۴۰/۲	۴۰/۵	۴۰/۹	۴۱/۵	۳۹/۸	۱۰/۴
۱۳۸۵	۴۱/۸	۴۲/۲	۴۲/۹	۴۲/۹	۴۳/۱	۴۳/۹	۴۴/۵	۴۴/۹	۴۶/۰	۴۶/۹	۴۷/۵	۴۸/۰	۴۴/۶	۱۱/۹
۱۳۸۶	۴۸/۸	۴۹/۲	۴۹/۸	۵۰/۲	۵۰/۵	۵۱/۸	۵۲/۶	۵۳/۵	۵۵/۰	۵۵/۹	۵۷/۱	۵۸/۸	۵۲/۷	۱۸/۴
۱۳۸۷	۶۰/۶	۶۱/۶	۶۳/۰	۶۳/۳	۶۴/۵	۶۷/۰	۶۸/۱	۶۸/۶	۶۹/۵	۶۹/۲	۶۸/۹	۶۹/۲	۶۶/۱	۲۵/۴
۱۳۸۸	۷۰/۰	۷۰/۹	۷۲/۱	۷۲/۲	۷۲/۹	۷۲/۲	۷۳/۳	۷۳/۷	۷۴/۶	۷۴/۶	۷۵/۱	۷۶/۵	۷۲/۲	۱۰/۸
۱۳۸۹	۷۷/۲	۷۷/۵	۷۸/۱	۷۸/۹	۷۹/۹	۸۰/۵	۸۲/۰	۸۲/۹	۸۴/۲	۸۶/۴	۸۸/۶	۹۱/۶	۸۲/۲	۱۲/۴
۱۳۹۰	۹۲/۱	۹۴/۵	۹۵/۷	۹۶/۰	۹۶/۹	۹۸/۶	۹۹/۸	۱۰۱/۳	۱۰۲/۸	۱۰۴/۱	۱۰۶/۹	۱۱۰/۴	۱۰۰/۰	۲۱/۵
۱۳۹۱	۱۱۲/۹	۱۱۵/۵	۱۱۶/۷	۱۱۹/۲	۱۲۱/۴	۱۲۴/۷	۱۳۰/۸	۱۳۶/۸	۱۴۰/۰	۱۴۳/۵	۱۵۰/۱	۱۵۵/۹	۱۳۰/۵	۳۰/۵
۱۳۹۲	۱۶۰/۵	۱۶۳/۷	۱۶۹/۳	۱۷۱/۷	۱۷۳/۷	۱۷۶/۶	۱۷۸/۷	۱۸۰/۵	۱۸۱/۴	۱۸۳/۵	۱۸۴/۳	۱۸۶/۶	۱۷۵/۹	۳۴/۷
۱۳۹۳	۱۸۸/۵	۱۹۰/۸	۱۹۴/۰	۱۹۶/۸	۱۹۹/۳	۲۰۲/۰	۲۰۴/۸	۲۰۷/۸	۲۱۱/۷					

* درصد تغییر از اعداد کامل محاسبه شده است.

است . پس با انجام قیمت گیری در هر شهر می‌توان شاخص قیمت را برای آن شهر هم محاسبه کرد. اما از آن جا که تعداد نمونه های بودجه خانوار براساس استان بهینه شده است، ارجح آن است که شاخص را در استان محاسبه کنیم. یعنی در ابتدا جمع موزون شاخص در هر قلم برای هر استان محاسبه می شود و پس از آن سرگروه مربوطه و درنهایت شاخص کل قیمت استان محاسبه خواهد شد. ولی اگر بخواهیم شاخص قیمت یک قلم کالا را محاسبه کنیم، ابتدا همان قلم را در استان محاسبه می کنیم و با به دست آوردن جمع موزون در استان ها به جمع موزون کل کشور می رسیم و درنهایت به شاخص قیمت در یک ماه منجر خواهد شد.

چنانچه این شاخص قیمت کل را بر همین مقدار در ماه قبل تقسیم کنیم، درصد تغییر شاخص نسبت به ماه قبل به دست می آید و چنانچه این عدد را بر عدد شاخص ماه مشابه سال قبل تقسیم کنیم، درصد تغییر نسبت به ماه مشابه سال قبل یا همان درصد تغییر نقطه به نقطه به دست می آید.

همچنین چنانچه عدد شاخص را در ۱۲ ماه متوالی جمع کرده و بر مقدار مشابه آن در ۱۲ ماه متوالی قبل آن تقسیم کنیم، نرخ تورم حاصل می شود.

۳سال تاریخی

بررسی تاریخ نرخ تورم در ایران در فاصله سال های ۱۳۱۵ تا ۱۳۹۲ یعنی در یک دوره ۷۷ ساله نشان می دهد که نرخ تورم در تاریخ کشورمان سه بار طی سال‌های ۱۳۲۴، ۱۳۲۵ و ۱۳۲۹ به ترتیب با ثبت رکوردهای منفی ۱۴/۴ درصد، منفی ۱۵/۵ درصد و منفی ۱۷/۲ درصد مواجه بوده است.

در نقطه مقابل هم بیشترین نرخ تورم برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۴ با ثبت رکورد ۴۹/۴ درصدی رقم خورده و از آن تاریخ تاکنون فراز و فرودهای زیادی برای شاخص تورم در بانک مرکزی ثبت شده و آخرین نرخ تورم سالانه اعلامی از سوی این بانک مربوط به سال ۱۳۹۲ با تورم ۳۲/۵ درصدی است.

بررسی نرخ تورم در دولت های پنجم و ششم نشان می‌دهد که درسال ۱۳۶۸ نرخ تورم سالانه ۱۷/۴ درصد، سال ۱۳۶۹ نرخ تورم سالانه ۹ درصد، سال ۱۳۷۰ نرخ تورم سالانه ۲۰/۷ درصد، سال ۱۳۷۱ نرخ تورم ۲۴/۴ درصد، سال ۱۳۷۲ نرخ تورم ۲۲/۹ درصد، سال ۱۳۷۳ نرخ تورم ۳۵/۲ درصد، سال ۱۳۷۴ نرخ تورم ۴۹/۹ درصد و سال ۱۳۷۵ نرخ تورم ۲۳/۲ درصد بوده است.

نرخ تورم در دولت های هفتم و هشتم هم شامل سال ۱۳۷۶ نرخ تورم ۱۷/۳ درصد، سال ۱۳۷۷ نرخ تورم ۱۸/۱ درصد، سال ۱۳۷۸ نرخ تورم ۲۰/۱ درصد، سال ۱۳۷۹ نرخ تورم ۱۲/۶ درصد، سال ۱۳۸۰ نرخ تورم ۱۱/۴ درصد، سال ۱۳۸۱ نرخ تورم ۱۵/۸ درصد، سال ۱۳۸۲ نرخ تورم ۱۵/۶ درصد و سال ۱۳۸۳ نرخ تورم ۱۵/۲ درصد شده است.

نرخ تورم در دولت‌های نهم و دهم هم به این شرح بوده است:

سال ۱۳۸۴ نرخ تورم ۱۰/۴ درصد،سال ۱۳۸۵ نرخ تورم ۱۱/۹ درصد، سال ۱۳۸۶ نرخ تورم ۱۸/۴درصد، سال ۱۳۸۷ نرخ تورم ۲۵/۴ درصد، سال ۱۳۸۸ نرخ تورم ۱۰/۸ درصد، سال ۱۳۸۹ نرخ تورم ۱۲/۴ درصد، سال ۱۳۹۰ نرخ تورم ۲۱/۵ درصد و سال ۱۳۹۱ نرخ تورم ۳۰/۵ درصد بود.اما در سال ۱۳۹۲نرخ تورم در فروردین معادل ۳۲/۲ درصد، در اردیبهشت معادل ۳۴ درصد و در خرداد ۳۵/۹ درصد شد.

از مرداد ۱۳۹۲ دولت دکتر حسن روحانی به عنوان یازدهمین دولت، امور اجرایی را عهده دار شد. در این ماهنرخ تورم ۳۹ درصد بود که در شهریور ۹۲ این نرخ به ۴۰/۱ درصد و در شهریور همان سال به مرز ۴۰/۴ درصد رسید.

اما از آبان ۹۲ با اقدامات دولت، نرخ تورم روند نزولی پیدا کرد و به ۴۰ درصد کاهش یافت ، در آذر به ۳۹/۳ درصد، در دی به ۳۸/۴ درصد، در بهمن به ۳۶/۷ درصد و در اسفند به ۳۳/۴کاهش یافت.

با آغاز سال ۱۳۹۳ عزم دولت برای کنترل نرخ تورم و کاهش آن بیشتر شد. به طوری که نرخ تورم که در فروردین امسال ۳۲/۵ درصد بود، در اردیبهشت به ۳۰/۳ درصد، در خرداد به ۲۷/۷ درصد، در تیر به ۲۵/۳ درصد،در مرداد به ۲۳/۲ درصد و در شهریور به ۲۱/۲ درصد رسید. در مهر امسال هم برای نخستین بار نرخ تورم از ۲۰ درصد هم کمتر و ۱۹/۴ درصد شد که این روند نزولی در ماه های بعد هم تداوم یافت و در آبان امسال به ۱۸/۲ درصد، در آذر امسال به ۱۷/۲ درصد و سرانجام در دی گذشته به ۱۶/۳ درصد رسید.

بررسی تاریخ نرخ تورم ایران نشان می‌دهد که نرخ تورم سه بار طی‌سال‌های۱۳۲۴، ۱۳۲۵ و ۱۳۲۹ به ترتیب با ثبت رکوردهای منفی ۱۴/۴ درصد، منفی ۱۵/۵ درصد و منفی ۱۷/۲ درصد مواجه بوده است

ایران‌ازنگاه‌جهانی

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۱۳۹۲ در سطح خاورمیانه بالاترین نرخ تورم را دارا بوده است. در حالی که میانگین نرخ تورم در کشورهای خاورمیانه برابر با ۳/۳ درصد است.ایران همچنین دومین نرخ بالای تورم را در سطح جهان دارد.

این در حالی است که ژاپن با تورم منفی ۲ درصد، صاحب پایین‌ترین نرخ تورم در سطح جهان است. این گزارش حاکی است در سطح جهان، ۲۶ کشور دارای نرخ تورم دو رقمی، یک کشور دارای نرخ تورم سه رقمی، ۱۵۲ کشور دارای نرخ تورم یک رقمی و یک کشور (ژاپن) دارای نرخ تورم منفی هستند

صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود از وضع شاخص‌های اقتصادی منطقه خاورمیانه، نرخ تورم سال ۱۳۹۲ ایران را معادل ۲۶ درصد پیش‌بینی کرد که براساس آمار این نهاد بین‌المللی، بالاترین میزان تورم ایران در سال‌های اخیر بوده و تا پایان سال ۱۳۹۲ هم بالاترین نرخ تورم خواهد بود.

مجارستان رکوردار تورم در جهان است. این کشور در سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ تورم نقطه ای ۱۲۹۵۰ تریلیون درصدی را تجربه کرد که بالاترین تورم ثبت شده در جهان به حساب می آید.

پس از این کشور، صربستان در رده دوم قرار دارد که طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ تورم نقطه ای در این کشور به ۳۰۹ میلیون درصد رسید. آلمان که اکنون تورم زیر ۵ درصد دارد، مقام سوم در میان رکورداران تورم در جهان را به خود اختصاص داده است. تورم نقطه ای آلمان در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ به عنوان یکی از تبعات جنگ جهانی اول به ۲۹۵۲۵ درصدرسید.

نام ۲ کشور غربی دیگرهم در فهرست رکورداران تورم مشاهده می شود.همچنین فرانسه در فاصله سال های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۶ نرخ تورم بالای ۱۴۳/۲۶ درصدی را تجربه کرده است. نرخ تورم اتریش در سال های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۲ بالغ بر ۱۲۴/۲۷ درصد بوده است.

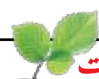
شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران(شاخص تورم)

اعداد سالانه شاخص و نرخ تورم در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۱۵

(۱۰۰=۱۳۹۰)

سال	عدد شاخص	نرخ تورم * (درصد)	سال	عدد شاخص	نرخ تورم * (درصد)	سال	عدد شاخص	نرخ تورم * (درصد)
۱۳۱۵	۰/۰۱	----	۱۳۴۱	۰/۱۲	۰/۹	۱۳۶۷	۱/۹۱	۲۸/۹
۱۳۱۶	۰/۰۱	۲۱/۲	۱۳۴۲	۰/۱۲	۱/۰	۱۳۶۸	۲/۲۴	۱۷/۴
۱۳۱۷	۰/۰۱	۸/۸	۱۳۴۳	۰/۱۳	۴/۵	۱۳۶۹	۲/۴۴	۹/۰
۱۳۱۸	۰/۰۱	۸/۰	۱۳۴۴	۰/۱۳	۰/۳	۱۳۷۰	۲/۹۵	۲۰/۷
۱۳۱۹	۰/۰۱	۱۲/۸	۱۳۴۵	۰/۱۳	۰/۸	۱۳۷۱	۳/۶۷	۲۴/۴
۱۳۲۰	۰/۰۲	۴۹/۵	۱۳۴۶	۰/۱۳	۰/۸	۱۳۷۲	۴/۵۰	۲۲/۹
۱۳۲۱	۰/۰۳	۹۶/۲	۱۳۴۷	۰/۱۳	۱/۵	۱۳۷۳	۶/۰۹	۳۵/۲
۱۳۲۲	۰/۰۷	۱۱۰/۵	۱۳۴۸	۰/۱۳	۳/۶	۱۳۷۴	۹/۰۹	۴۹/۴
۱۳۲۳	۰/۰۷	۲/۷	۱۳۴۹	۰/۱۴	۱/۵	۱۳۷۵	۱۱/۳۱	۲۳/۲
۱۳۲۴	۰/۰۶	-۱۴/۴	۱۳۵۰	۰/۱۴	۵/۵	۱۳۷۶	۱۳/۱۴	۱۷/۳
۱۳۲۵	۰/۰۵	-۱۱/۵	۱۳۵۱	۰/۱۵	۶/۳	۱۳۷۷	۱۵/۵۲	۱۸/۱
۱۳۲۶	۰/۰۶	۶/۶	۱۳۵۲	۰/۱۷	۱۱/۲	۱۳۷۸	۱۸/۶۴	۲۰/۱
۱۳۲۷	۰/۰۶	۱۱/۱	۱۳۵۳	۰/۱۹	۱۵/۵	۱۳۷۹	۲۰/۹۹	۱۲/۶
۱۳۲۸	۰/۰۷	۲/۳	۱۳۵۴	۰/۲۱	۹/۹	۱۳۸۰	۲۳/۳۸	۱۱/۴
۱۳۲۹	۰/۰۵	-۱۷/۲	۱۳۵۵	۰/۲۵	۱۶/۶	۱۳۸۱	۲۷/۰۷	۱۵/۸
۱۳۳۰	۰/۰۶	۸/۳	۱۳۵۶	۰/۳۱	۲۵/۱	۱۳۸۲	۳۱/۳۱	۱۵/۶
۱۳۳۱	۰/۰۶	۷/۳	۱۳۵۷	۰/۳۴	۱۰/۰	۱۳۸۳	۳۶/۰۷	۱۵/۲
۱۳۳۲	۰/۰۷	۹/۳	۱۳۵۸	۰/۳۸	۱۱/۴	۱۳۸۴	۳۹/۸۰	۱۰/۴
۱۳۳۳	۰/۰۸	۱۵/۹	۱۳۵۹	۰/۴۷	۲۳/۵	۱۳۸۵	۴۴/۵۳	۱۱/۹
۱۳۳۴	۰/۰۸	۱/۷	۱۳۶۰	۰/۵۸	۲۲/۸	۱۳۸۶	۵۲/۷۴	۱۸/۴
۱۳۳۵	۰/۰۹	۸/۸	۱۳۶۱	۰/۶۹	۱۹/۲	۱۳۸۷	۶۶/۱۲	۲۵/۴
۱۳۳۶	۰/۰۹	۴/۴	۱۳۶۲	۰/۷۹	۱۴/۸	۱۳۸۸	۷۳/۲۳	۱۰/۸
۱۳۳۷	۰/۰۹	۱/۰	۱۳۶۳	۰/۸۸	۱۰/۴	۱۳۸۹	۸۲/۳۱	۱۲/۴
۱۳۳۸	۰/۱۱	۱۲/۰	۱۳۶۴	۰/۹۴	۶/۹	۱۳۹۰	۱۰۰/۰۰	۲۱/۵
۱۳۳۹	۰/۱۲	۷/۹	۱۳۶۵	۱/۱۶	۲۳/۷	۱۳۹۱	۱۳۰/۵۴	۳۰/۵
۱۳۴۰	۰/۱۲	۱/۶	۱۳۶۶	۱/۴۸	۲۷/۷	۱۳۹۲	۱۷۵/۸۸	۳۴/۷

* نرخ تورم براساس اعداد کامل محاسبه شده است.

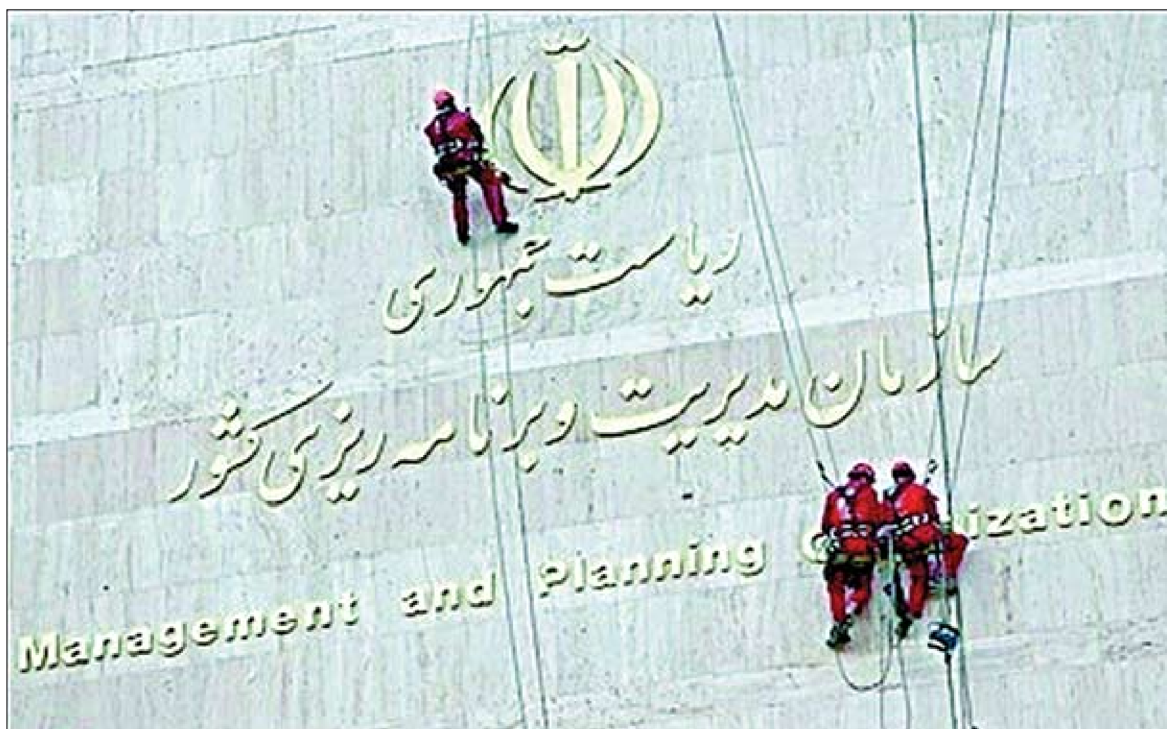


احیای برنامه ریزی

نقطه عطف

مدیریت توسعه

● سرویس اقتصادی



یکی از مهمترین اقدامات زیر بنایی دولت که می توان از آن به عنوان نقطه عطفی در نظام تصمیم گیری کشورنام برد ، احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی است

باید خاطرنشان کرد:در دومین سال کاری دولت نهم بود که شورایعالی اداری در اقدامی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را منحل کرد و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی جایگزین آن شد.

اگر چه این امر باعث انتقاد کارشناسان برنامه ریزی شد، اما در داخل بدنه دولت این اقدام تلاشی در جهت تحکیم پایه های برنامه ریزی و توسعه کشور قلمداد شد.

یک سال پس از انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، روند کاهشی تحقق برنامه های دولت آغاز شد و این شیب تا آنجا ادامه یافت که آمار تعداد طرح های عمرانی نیمه تمام کشور اضافه شد؛ رکود به بخش های تولیدی سرک کشید و در نهایت هم شاخص های رشد اقتصادی به سمت صفر و در ادامه هم به سمت دریافت نمره منفی حرکت کرد...

این در حالی است که آبان امسال و هشت سال پس از انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، با حکم دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری دوباره این سازمان احیا شد تا غول خفته برنامه ریزی دوباره بیدار شده و نقش حیاتی و زیربنایی خود را در توسعه برنامه ریزی کشور آغاز کند...

نگاه به گذشته

با تصمیم هیات دولت درپنجم مهر ۱۳۲۷ برای تهیه آمار و اطلاعات و سرعت بخشیدن به امور تهیه برنامه‌های عمرانی، نهادی به نام «سازمان موقت برنامه» تاسیس شد. برای ریاست این سازمان، حسن مشرف نفیسی انتخاب و مسئول تهیه برنامه مقدماتی هفت ساله عمرانی شد.

در متن اولیه برنامه هفت‌ساله عمرانی که به دولت ارائه شد و مبنای برنامه مصوب قرار گرفت،ضمن اشاره به جایگاه سازمان برنامه، در مورد لزوم ایجاد نهادی مستقل برای ابتکار و سرپرستی و نظارت در برنامه اشاره شد.

در ادامه این روند، تغییرات پی‌درپی دولت‌ها (شش دولت در طول سه سال: دولت‌های رجبعلی منصور، حسین علاء، محمد مصدق، احمد قوام، محمد مصدق و زاهدی) منجر به تغییرات متعددی در سازمان برنامه شد؛ به‌طوری‌که پس از مدتی سجادی مدیر عامل منصوب دولت منصور، جای خود را به شریف امامی مدیرعامل سازمان در دولت حسین علاء داد و پس از روی کارآمدن دولت اول محمد مصدق، احمد زنگنه از خرداد ۱۳۳۰ به سمت مدیر عامل سازمان برنامه منصوب شد و تا اواسط دولت زاهدی به‌کار خود ادامه داد.

زنگنه در اوایل سال ۱۳۳۳ جای خود را به حسین عدل وزیر کشاورزی وقت داد که با حفظ سمت، سرپرست سازمان برنامه شد. در این دوره بنا به دلایل و شرایط ناپایدار سیاسی- اجتماعی وقت، تامین اعتبارات سازمان برنامه از محل‌های اصلی آن یعنی فروش نفت و استقراض خارجی و بخش خصوصی داخلی با مشکل روبرو شد و عملاً سازمان از انجام وظایف خود بازماند.

بر اساس قانون برنامه هفت‌ساله اول با پایان برنامه، دوران فعالیت این سازمان هم به اتمام می‌رسید، ولی برای ادامه فعالیت آن،پیش‌بینی لازم در برنامه دوم صورت گرفت. بر اساس موادی در قانون برنامه هفت‌ساله دوم، سازمان برنامه مسئول اجرا و نظارت بر پیشرفت برنامه دوم شد و تشکیلات و موقعیت آن به شکل سابق باقی ماند و به‌طور مستقل و زیر نظر مدیرعامل به فعالیت خود ادامه داد. سازمان برنامه در آن زمان از نظر ساختار سازمانی، مدیران متخصص و تیم کارشناسی ضعیف بود و در انجام ماموریت خود توانمندی لازم را نشان نمی‌داد.

تا تیر ۱۳۴۵ فعالیت‌های سازمان برنامه به اجرای برنامه‌های هفت ساله محدود می‌شد که با تصویب یک لایحه قانونی در مجلسین، تهیه و تنظیم بودجه عمرانی و جاری کشور و تخصیص اعتبارات به سازمان برنامه سپرده شد و حوزه فعالیت سازمان برنامه گسترش یافت.

در اسفند ۱۳۵۱ به منظور هماهنگ کردن برنامه و بودجه و هدایت بهتر اقتصاد کشور، قانون برنامه و بودجه کشور به تصویب مجلسین رسید. قانون برنامه و بودجه کشور دو رکن داشت. رکن اول آن شورای اقتصاد بود که از وزرای دارایی، اقتصاد، کار، کشاورزی، تعاون و وزیر مشاور تشکیل می‌شد. رکن دوم آن، سازمان برنامه و بودجه بود که موسسه‌ای دولتی و رئیس آن توسط نخست‌وزیر انتخاب شده و سمت وزیر مشاور داشت.

در این قانون پیش‌بینی شده بود سازمان برنامه و بودجه زیر نظر نخست‌وزیر فعالیت کند و وظایف آن تهیه برنامه‌های عمرانی و تهیه و تنظیم بودجه کل کشور تعیین شد. بدین ترتیب سازمان برنامه از یک سازمان موقتی که برای نظارت

بر اجرای اولین برنامه عمرانی ایجاد شده بود، به یک سازمان دائمی در امور اقتصادی کشور تبدیل شد.

در سال ۱۳۵۱ دفاتر برنامه‌ریزی در مرکز ۱۴ استان و فرمانداری کل دایر و در سال ۱۳۵۲ دفاتر برنامه‌ریزی در تمامی استان‌های کشور (۲۳ استان) تاسیس شد. از ابتدای شروع برنامه پنجم عمرانی با تغییر نام سازمان برنامه به سازمان برنامه و بودجه، دفاتر برنامه‌ریزی استان‌ها، شعب سازمان برنامه و بودجه در مراکز استانی شدند و وظایف سازمان را در استان‌ها برعهده گرفتند.

وقایع مربوط به آغاز انقلاب اسلامی باعث تغییرات پیاپی دولت‌ها (پنج دولت در مدت ۱۷ ماه: هویدا، آموزگار، شریف امامی، اظهاری و بختیار) به تغییر پیاپی روسای سازمان برنامه انجامید و حسنعلی مهران آخرین رئیس سازمان برنامه قبل از انقلاب بود.

برنامه صفر توسعه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ با تغییر رژیم سیاسی ایران و تشکیل اولین دولت بعد از انقلاب، بنا به تغییر و تحولات و هیجانات پس از پیروزی انقلاب، زمینه برای فعالیت سازمان برنامه جهت تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی، مدیریت و هدایت اقتصاد ایران مهیا نبود و تغییر پی‌درپی دولت‌ها در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب به تغییر روسای سازمان برنامه انجامید.

در سال ۱۳۶۰ در دوران مدیریت محمدتقی بانکی، تشکیلات سازمان برنامه کمی انسجام خود را بازیافت و فعالیت‌های آن گسترش یافت. در همین دوران سازمان اقدام به تهیه اولین برنامه توسعه پس از انقلاب کرد. این برنامه در سال ۱۳۶۱ برای اجرا در دوره پنج‌ساله ۶۶–۱۳۶۲ تهیه و به تایید شورای اقتصاد و به دنبال آن در تیر سال ۱۳۶۲ به تصویب هیات دولت رسید.

این برنامه پس از طرح در مجلس شورای اسلامی و انجام بررسی‌های مقدماتی بنا به مجموعه شرایط کشور در آن دوران متوقف ماند و به تصویب مجلس نرسید و امکان اجرا نیافت. این برنامه، بعدها به برنامه صفر توسعه معروف شد.

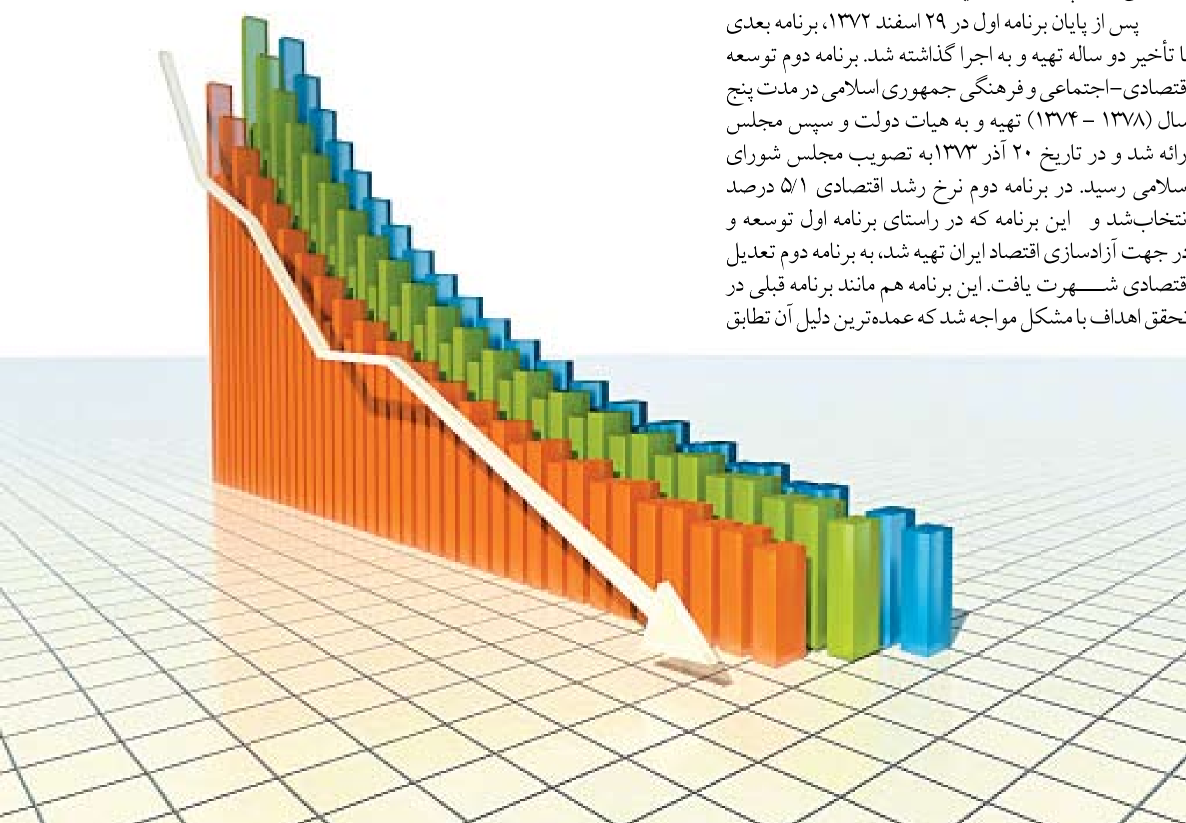
در تاریخ ۲۷ دی سال ۱۳۶۳ سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه تغییر وضع داد. در ۱۳ اسفند سال ۱۳۶۳ مسعود روغنی زنجانی توسط نخست‌وزیر وقت به سمت قائم‌مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه و بودجه منصوب شد.

انتصابی که به‌رغم ایجاد تغییر و تحولات گسترده در سازمان برنامه و تغییر دولت‌ها، بیش از ۱۳ سال دوام آورد. در دوران وزارت روغنی زنجانی یک تیم اقتصادی منسجم از هواداران اقتصاد سرمایه‌داری در برنامه و بودجه شکل گرفت. با تشکیل این حلقه از اقتصاددانان، این وزارتخانه توانست شرایط و زمینه تغییر وزارت برنامه و بودجه به سازمان برنامه و بودجه و خیزش آن به راس اقتصاد ایران را هموار کند. با یک‌دست کردن تیم رهبری سازمان برنامه و بودجه و هماهنگ شدن تیم اقتصادی دولت اول سازندگی با آن، مقدمات و شرایط لازم برای تئوریزه کردن نظرات اقتصاددانان طرفداران بازار آزاد در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی مهیا شد؛ تیمی که بعدها به تیم تعدیل اقتصادی معروف شد.

اولین تولید سازمان احیا شده برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اقتصادی–اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. برنامه‌ای که به برنامه اول تعدیل اقتصادی شهرت یافت. این برنامه برای اجرا در مدت پنج سال (۱۳۷۲–۱۳۶۸) تهیه و به هیات دولت ارائه شد.

در سند برنامه اول توسعه، متوسط رشد اقتصادی سالانه ۸/۱ درصد در سال و تولید سرانه با توجه به رشد جمعیت (۳/۲ درصد در سال) سالانه ۴/۹ درصد انتخاب شد. اما این برنامه در اجرا با مشکل روبرو شد و به اهداف خود از جمله رشد اقتصادی انتخاب شده دست نیافت.

پس از پایان برنامه اول در ۲۹ اسفند ۱۳۷۲، برنامه بعدی با تأخیر دو ساله تهیه و به اجرا گذاشته شد. برنامه دوم توسعه اقتصادی–اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در مدت پنج سال (۱۳۷۸ – ۱۳۷۴) تهیه و به هیات دولت و سپس مجلس ارائه شد و در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در برنامه دوم نرخ رشد اقتصادی ۵/۱ درصد انتخاب شد و این برنامه که در راستای برنامه اول توسعه و در جهت آزادسازی اقتصاد ایران تهیه شد، به برنامه دوم تعدیل اقتصادی شهرت یافت. این برنامه هم مانند برنامه قبلی در تحقق اهداف با مشکل مواجه شد که عمده‌ترین دلیل آن تطابق



نداشتن تئوری‌های مبتنی بر تدوین برنامه‌های توسعه با حقیقت موجود در اقتصاد بود.

پس از خاتمه دوره دولت سازندگی، در دولت اصلاحات محمد علی نجفی در شهریور ۱۳۷۶ به سمت رئیس سازمان برنامه و بودجه انتخاب شد. در دوران ریاست محمد علی نجفی برنامه سوم توسعه اقتصادی–اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی توسط کارشناسان سازمان برنامه تهیه شد و تغییری در راهبردها و مبنای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در سازمان به وجود نیامد.

در اسفند ۱۳۷۸ سازمان برنامه و بودجه مهمترین تغییر در ساختار خود را تجربه کرد و با ادغام در سازمان امور استخدامی کشور، «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» ایجاد شد و در خرداد سال ۱۳۷۹ محمدرضا عارف توسط رئیس دولت اصلاحات به ریاست سازمان فوق منصوب شد که تا پایان دولت اول اصلاحات در این سمت باقی ماند. پس از استقرار دولت نهم، مجموعه اظهارنظرهای اقتصادی اعضای دولت و عملکردشان نشان از آن داشت که چارچوب‌های برنامه چهارم توسعه و سازمان مدیریت و برنامه ریزی را هماهنگ و همراه با ایده‌های اقتصادی خود نمی‌دیدند. از این رو دولت نهم برای کمرنگ کردن نقش سازمان فوق، ابتدا در آبان ۱۳۸۶ شعب استانی سازمان را از آن جدا کرد و به استانداران سپرد و در ۱۸ تیر ۱۳۸۶ تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه ریزی را منحل کرد و به فعالیت آن خاتمه داده شد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی در شرایط جدید به عنوان مغزمتفکر نظام برنامه ریزی مجددا جان تازه ای گرفته است و قطعا این احیا، موافق مصالح و منافع کشور خواهد بود

مهمترین دلایل انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی توسط دولت نهم را می‌توان ساختار غیرکارآمد، نفوذ اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد و نبود تعریف روشن وظایف سازمان فوق ذکر کرد. به همین علت دولت، سازمان فوق را به عنوان یک نهاد مقاوم در برابر تصمیمات خود می‌دید.

به این ترتیب اشتباه دولت گذشته در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ادغام آن در استانداری ها به بهانه های واهی باعث شد قدرت برنامه ریزی و تصمیم گیری مستقل در استان ها و همچنین در مرکز مختل شود.

همچنین قدرت کارشناسی کشور در ابعاد مختلف خصوصا درمورد بودجه نویسی و برنامه نویسی به شدت تضعیف شده و تصمیمات غیرکارشناسی و غیرعلمی در سطح استان ها، در تمامی سطوح کشور و همچنین هزاران تصمیم ناپخته درحد تصمیماتی که برای عملی کردن آنها یکی دو ساعت در جلسات هیات دولت وقت گذاشته می شد، نتیجه ای اشتباه بود.

احیای دوباره

دولت آقای روحانی این تصمیم نادرست را با احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی منتفی کرد. سازمان مدیریت و برنامه ریزی در شرایط جدید به عنوان مغزمتفکر نظام برنامه ریزی مجددا جان تازه ای گرفته است و قطعا این احیا، موافق مصالح و منافع کشور و نقطه عطفی در نظام تصمیم گیری کشور خواهد بود. تصور می شود که با احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی از تصمیم گیری های سیاسی و غیرعلمی و غیرکارشناسی فاصله گرفته شود و براساس مصالح و منافع هر منطقه و با توجه به پتانسیل و ظرفیت های استان ها تصمیمات حساب شده ای اتخاذ کنیم.

قطعا منافع و آثارمثبت این تصمیم گیری در اجرای پروژه های مهم اقتصادی دربحث های بودجه نویسی و برنامه نویسی درآینده نزدیک خودش را نشان خواهد داد. این تصمیم گیری مورد وفاق همه کارشناسان و محققین و اساتید دانشگاه ها خواهد بود و مزایای بسیار ارزشمندی برای آینده کشور خواهد داشت.

تصمیم غیرعالمانه وغیرمنطقی انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی موجب خروج نیروهای کارشناسی و نیروهای فکری و ارزشمند از بدنه استان ها شد که بسیاری ازاین نیروها یا بازنشسته شدند یا اینکه در جاهای دیگر مشغول به کار شدند که به نظر می رسد سازمان مدیریت و برنامه ریزی باید با گزینش منطقی از نیروهای نابغه و توانمند دانشگاه ها و مرتبط با امر برنامه ریزی آینده، این سازمان را دوباره درجهت توسعه و اهداف انقلاب اسلامی تضمین کند.به این ترتیب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با تصویب شورای عالی اداری پس از هفت سال انحلال،در آبان امسال با حکم رئیس جمهوری دوباره احیا و سکان مدیریت آن به دکتر محمد باقر نوبخت سپرده شد.

بیکاری؛ چالش بزرگ

● **سرویس اقتصادی**

ایجاد اشـــتغال ورفع بیکاری یکـــی از اصلی ترین و محوری ترین شعارهای انتخاباتی دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری بود.

واقعیت این اســـت که در حال حاضر یافتن شغل برای جوانان به یکی از مهمترین دغدغه های خانواده ها تبدیل شده است، بویژه آنکه اکثر جوانان اکنون دارای تحصیلات دانشگاهی و به دنبال یافتن شغل مناسب با شرایط خود هستند.همه اذعان دارند که بیکاری علاوه بر اینکه بـــه خودی خود پدیده ای مذموم و نامطلوب است، از سوی دیگر سبب بسیاری از تبعات اجتماعی می شود که مسائلی مانند اعتیاد ، طلاق، بزهکاری وبرخی عوامل دیگر را به دنبال دارد.

اقتصاد ایران با مشکل بیکاری روبروست و این بر کسی پوشیده نیســـت ، اما عنصری که باعث شده این بیکاری از پیچیدگی خاصی برخوردار باشد، به بالا بودن نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و دارای تحصیلات عالیه باز می گردد.

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز امسال که توسط مرکز آمار منتشر شد ،نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر نشان میدهد ۳۷/۳ درصد جمعیت در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی کمتر بوده است.

بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور حاکی از افزایش ۰/۶درصدی این نرخ نسبت به فصل مشابه پارسال (پاییز ۱۳۹۳) و ۰/۱درصدی آن نسبت به فصل گذشته است.

بررســـی نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر نشان می‌دهد ۱۰/۵ درصد از جمعیت فعال بیکار بوده‌اند، براساس این نتایج ،نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری کل کشور نشان می‌دهد که این شاخص نسبت به فصل مشابه در سال قبل ۰/۲درصد و نسبت به فصل گذشته یک درصد افزایش داشته است.

نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر هم حاکی است ۱۰/۵درصد جمعیت فعال بیکار هستند و همچنین نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

از سوی دیگر، ۹/۵درصد از جمعیت شاغل دارای اشتغال ناقص بوده‌اند. این شاخص در بین مردان بیشتر از زنان و در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است.

اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی بیانگر آن است که بخش خدمات با ۴۸/۸ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۴/۴و کشاورزی با ۱۶/۸درصد قرار دارند.

نرخ بیکاری حکایت از این دارد که اگر چه ۱۰/۵ درصد از جمعیت فعال بیکار هستند، اما امر نگران کننده این است که نرخ بیکاری تحصیل کردگان بیش از دو برابر این میزان است

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله هم نشان می‌دهد ۲۵/۷درصد از جمعیت فعال این گروه ســـنی بیکار بودند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر است. این شـــاخص نسبت به فصل مشابه پارسال ۱/۴درصد و نسبت به فصل قبل ۲/۸درصد رشد داشته است.

همچنین نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله حاکی است که ۲۱/۸درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۲۹ ســـاله بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شـــهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر است. این شاخص نسبت به فصل مشابه پارسال ۰/۲درصد و نسبت به فصل قبل ۱/۶درصد افزایش پیدا کرده است.

بررسی سهم شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بیشتر نشان می‌دهد ۳۸/۲ درصد شاغلان به طور معمول بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار می‌کنند. این شاخص که یکی از نماگرهای کار شایسته است، نشان می‌دهد که در کشور بخش زیادی از شاغلان بیشتر از استاندارد کار می کنند.

بر اساس این گزارش، ۱۶ استان نرخ بیکاری تک‌رقمی داشته و ۱۵ استان نرخ بیکاری دو رقمی دارند. استان کرمانشاه با ۱۵/۳درصد بالاترین نرخ بیکاری را در تمامی ۳۱ استان کشور داراست.همچنین استان‌های لرستان با ۱۴/۹ درصد، چهارمحال و بختیاری ۱۴/۱ درصد، خراسان شمالی ۱۳/۵ درصد، قزوین ۱۴ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۱۳/۷ درصد بالاترین نرخ بیکاری را در بین استان‌های ایران دارند.

باید اشاره داشـــت:نرخ بیکاری حکایت از این دارد که اگرچه ۱۰/۵ درصد از جمعیت فعال بیکار هستند، اما امر نگران کننده این اســـت که نرخ بیکاری تحصیل کردگان بیش از دو برابر این میزان است.چنین شرایطی علاوه بر اینکه جامعه را ناامن ومستعد انواع و اقسام مخاطرات و احتمالا بزه وخلاف می کند، به ما یادآور می شود که نتوانستیم از نیروی انسانی جوان وآموزش دیده خود بهره وری و کارایی لازم را اخذ کنیم.

به عبارت دیگر تمامی ســـرمایه گذاری ها وتـــلاش هایی که صرف آموزش نیروی انسانی شده به هدر رفته است. در مورد نرخ بیکاری اعلام شده از سوی مرکز آمار که متولی انجام این کار اســـت برخی اعتقاد دارند که با در نظر گرفتن تعریف شاغل، نرخ بیکاری کمتر از میزان واقعی آن سنجیده و اعلام می شود.اما مرکز آمار اعتقاد دارد تعریف شاغل که بر اساس حداقل یک ساعت کار در هفته محاسبه می شود، از سال ۸۴ طبق تعریف سازمان بین المللی کار انجام شده وکشورهای عضو این سازمان از تعریف فوق برای سنجش میزان شاغلان خود استفاده می کنند.

همانگونه که در ابتدا اعلام شد،دولت یازدهم بر رفع مشکل بیکاری وایجاد اشـــتغال برای جوانان تاکید ویژه داشته است. مخالفان دولت می گویند هیچ برنامه منسجم ومدونی و هیچ بسته خاص اشتغالی هنوز از سوی دولت ارائه نشده است.

آنان معتقدند در یک ســـال ونیم گذشته دولت نتوانسته تحرک خاصی در بازار کار ایجاد کند .اجرای طرحهای خود



اشتغالی در دولت های هفتم وهشتم و اجرای صرح بنگاههای کوچک وزود بازده در دولت های نهم ودهم نشان داد که صرفا با تزریق و توزیع مستقیم پول نمی توان با بحران بیکاری جوانان مقابله کرد. در دولت فعلی به نظر میرسد که سیاست اشتغال بزرگ از طریق کسب وکارهای کوچک دنبال می شود.

علی ربیعی وزیرتعاون،کارورفاه اجتماعی می گوید: یکی از تجارب جهانی دردهه گذشته این بود که با استفاده ازابزارهای اقتصاد کلان نمی توان امید داشت که مشکلات اشتغال و فقر از بین رفته یا کاهش یابد؛ بلکه باید اشتغال درلایه های پایین تر وعینی ترجامعه دنبال شود.

بررسی ها نشان می دهد که درسال های اخیر هرقدر فشار اقتصادی بیشتر شده است ، سهم بنگاه های خرد و کوچک و غیررسمی دراشتغال کشور بیشتر شده است . بنابراین نگاه کلی ما به مساله اشتغال با رویکرد اشتغال بزرگ از طریق کسب و کارهای کوچک است .

همه رشته های کسب و کاردرایجاد رشد اقتصادی منفی یامثبت تاثیردارند . دردوره ای که کشور رشد اقتصادی منفی یا پایین را تجربه می کند ، به این معنا نیست که درهمه کسب و کارها رشد منفی را تجربه می کنیم .

درهمین دوره هم تعداد قابل توجهی از رشــــته ها رشد مناسبی داشــــته اند . حمایت از این دسته فعالیت ها به عنوان نیروی محرک می تواند وضع اشتغال را بهبود داده و درعین حال زمینه رونق سایر رشته ها راهم فراهم آورد .

به گفته وزیرتعاون،کارورفاه اجتماعی مواجهه با امر اشتغال در کشــــور ما موضوع تازه ای نیســــت و این یعنی این که می بایســــت ازتجارب و دانش انباشته کشور استفاده کنیم . بنابراین ضروریست درفرآیند سیاست گذاری از همه مطالعات، مستندات و تجارب گذشته استفاده شود .

یکی از دستاوردهای دانش جهانی و همین طور تجارب گذشــــته درکشور آن است که اشــــتغال ایجاد شده از طریق تخصیص وام و منابع مالی نه تنها پایدارنیست، بلکه می تواند فساد آورهم باشد .

اقتصاد یک فرآیند چند لایه سیاستی است که تامین مالی آخرین گام آن است .برنامه های اشتغال محوردرقالب طرح تکاپو از دیگر طرحهای مسئولان برای ایجاد اشتغال است.بخشی از مطالعاتی که در دولت انجام شد، نشان داد که چگونه تحرک بیشتری به موضوع اشتغال داده شود و این امر درقالب طرحی به نام تکاپو شکل گرفت .

درطرح تکاپو، استان ها از بنگاه های خرد و کوچک و کارآفرینی در این حوزه حمایت می کنند و اعتبار ازصندوقی به نام کارآفرینی امید مختص کارآفرینان تامین می شود .

ربیعی در این زمینه معتقد است: برای توانمندسازی افراد راهی جزآموزش مهارتی به آن ها نداریم و با پشت میزنشینی به تنهایی راه به جایی نخواهیم برد . بنابراین برای دستیابی به طرح تکاپو باید این گام در آموزش هم برداشته شود تابتوانیم بندی از قانون اساسی را که به اشتغال مرتبط است، اجرایی کنیم . قانون اساسی دولت را مکلف کرده تا برای مردم شغل ایجاد کند و اگر فردی در مجموعه و نهادی مشغول فعالیت نیست، دولت باید ابزار تولید را به دست او دهد.

طرح تکاپو ارجاع به قانون اساسی است. یعنی ما در قالب این طرح افراد را توانمند و مهارت لازم را به آنها می‌آموزیم. به عبارت بهتر ابزار تولید را به دست شان می‌دهیم.

وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی با اشاره به دو مشکل عمده در بحث اشتغال می افزاید: فرهنگ نادرست اشتغال یکی از مسئله‌های مهم در بازار اشتغال است. درحال حاضر مفهوم شغل دچار آفت زدگی است و جوانان اشتغال را به معنی استخدام می‌دانند و برهمین اساس به فعالیت در بسیاری از شغل‌ها تمایلی ندارند.

همچنین عده‌ای تصور می‌کنند که شــــغل باید در بنگاه بزرگ ایجاد شود، در حالی که سیاست اشتغال بزرگ در بنگاه کوچک سیاست درستی است که در دستور کار قرار داده‌ایم.

همیشه اشتغال بزرگ در کارخانه با تندیس بزرگ ایجاد نمی‌شــــود، بلکه با توانمند کردن افراد می‌توانیم با استفاده از ظرفیت بنگاه‌های خرد و کوچک اشتغال‌هایی در تعداد گسترده ایجادکنیم.

در حال حاضر ایجاد شغل در پتروشیمی ۲میلیارد تومان و سایر صنایع ۱۵۰ میلیارد تومان هزینه لازم دارد وطرح تکاپو می‌تواند با شناسایی ظرفیت‌های استانی فرآیند ایجاد یک شغل را آسان کند.

وی پیشنهاد بخشــــودگی جرایم کارفرمایان را یکی از سیاست‌های اشتغالزایی دولت برای سال آینده میداند و با تأکید بر اینکه اشتغال ناشی از تحرک بالا است، می گوید: برای سال آینده رشد ۳ درصدی خواهیم داشت. اما نباید منتظر افزایش رشد بالا برای ایجاد اشتغال باشیم، بلکه باید توانمند کردن افراد و ارائه آموزش های فنی حرفه ای را در دستور کار قرار دهیم.

سلامت؛ بیمه‌ای که فراگیر شد

یکی از مهمترین اقداماتی که در سال ۹۳ در حوزه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اتفاق افتاد را شاید بتوان در حیطه اجرای طرح بیمه سلامت همگانی دانست.

اصولا دولت تدبیــــر و امید یکی از اهداف کلی خود را ارتقاء شاخص‌های سلامت در جامعه، توسعه کمی و کیفی بیمه‌های بهداشتی و درمانی با هدف کاستن پرداخت از جیب مردم عنوان کرده اســــت؛ چنانکه چندی پیش دولت یازدهم با شــــعار «بیمه سلامت همگانی، حق هر ایرانی» جشن بیمه سلامت همگانی را با بیمه کردن» ۸ میلیون نفر از افراد کم‌درآمد و حاشیه‌نشینان شهری که به درمان مناسب دسترسی نداشتند، برگزار کرد.

براســــاس اصل ۲۹ قانون اساسی، قانون بیمه همگانی خدمات درمانی مصوب آبان ۷۳ و قانون برنامه چهارم و پنجم، دولت مکلف شده تا تمامی آحاد بیمه نشده کشور را تحت پوشش بیمه درمان پایه سلامت قرار دهد. در این راستا سازمان بیمه سلامت در مرداد ۹۱ تشکیل شد و در اردیبهشت ۹۳ فرایند اجرای پوشــــش فراگیر بیمه همگانی و اجباری سلامت را با ثبت‌نام از متقاضیان فاقد پوشش بیمه آغاز کرد و اینک سازمان بیمه سلامت ۸ میلیون نفر فاقد بیمه سلامت را در مدت ۸ ماه تحت پوشش خود قرار داده است.

اصولاً گسترش پوشش بیمه‌ای به اقشار غیر برخوردار به ویژه شاغلین بخش غیررسمی اقتصاد از چالش‌های جدی جامعه بین‌المللی است که کشور ما ایران هم جدا از این جامعه نیست. با این وجود دولت یازدهم به این مهم پرداخت که گرچه در دولتهای قبل هم دغدغه مسئولان بوده است، ولی هیچگاه این امر به منصه ظهور نرسیده بود، تا جایی که به گفته ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ابتدای شروع طرح، بسیاری می گفتند این کار را برای ۲۰ هزار نفر هم نمی‌توان انجام داد.»

از نگاه سازمانهای بین‌المللی فعال در عرصه سلامت از جمله سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی، رسالت اصلی ســــازمانهای بیمه‌ای در رویکردهای مدرن، حفاظت مردم در مقابل بار مالی ناشی از بیماریهاست و نظام‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که محل وقوع ریسک از دوش بیمار برداشته شده و بر عهده سازمان بیمه‌ای و فراهم‌کننده خدمت قرار گیرد.

در این زمینه اگرچه افزایش سهم سلامت از منابع عمومی پدیده‌ای قابل قبول و مبارک است، ولی تأمین آن بدون تدوین و تمهید سیاست‌های پشتیبان و بدون استفاده از اهرم‌های کنترل نظام سلامت، سازماندهی، تأمین مالی، نظام پرداخت و تغییر در رفتار فراهم‌کننده و مصرف‌کننده سلامت، هرز رفتن منابع را به دنبال دارد.



نرخ سود بانکی

آغاز یک پایان



● سرویس اقتصادی

نیمه های آبان امسال در پی کاهش قیمت ها در بازارهای ارز و سکه، نقدینگی بالایی آزاد شده و حرکت به سمت بازارهای موازی همچون بانکها را آغاز کرد. در این میان بانکها به ویژه بانکهای خصوصی و نیمه دولتی و در بخش کوچکی هم برخی بانکهای دولتی در صدد جذب این نقدینگی آزادشده که مکان مشخصی را برای خود انتخاب نکرده بودند، برآمدند و طرحی را برای جذب نقدینگی در قالب سپرده های مختلف به ویژه کوتاه مدت طراحی کردند تا سپرده گذاری در نظام بانکی جاذبه پیداکند.

در طی یکی، دو سال اخیر با جذاب شدن نرخ ها در بازارهای سکه و ارز و کاهش جذابیت نرخ سود سپرده های بانکی در مقابل آن، بر اساس شرایط ویژه ای که بانک مرکزی برای نرخ سود سپرده ها طبق بسته سیاستی – نظارتی تعریف کرده بود، نقدینگی از بانکها خارج و باعث بر هم ریختن تعادل بین منابع و مصارف بانکها شده بود.

در حالی این اتفاقات در بازارهای اقتصادی کشور رخ داد که برخی بانکها اقدام به اعلام ویژگی های طرح های جدید خود کرده و از آنها در قالب طرح های ویژه جدید یاد می کردند، این طرح ها با افزایش نرخ سود سپرده ها سعی در جذب نقدینگی داشت.

بانکهایی که اجرای این طرح ها را در دستور کار خود قرار داده بودند هم سپرده های کوتاه مدت وهم سپرده های بلندمدت را مد نظر داشتند و برای آنها نرخ های جذابی را اعلام می کردند، به طوریکه برای نرخ سود سپرده های بلندمدت پنج ساله تا ۳۲ درصد هم در نظر گرفته شده بود.

وقتی بانک‌ها، صداوسیما، مطبوعات و بیلبوردها وعده سودهای آنچنانی به سپرده‌گذاران می‌دهند، کمتر کسی سود معاف از مالیات و تضمین‌شده بانکی را رها می‌کند و وارد وادی پرخطر و پراسترس تولید و صنعت می‌شود.

در این رقابت فشرده بانک ها برای جاذبه سازی و دادن سود بالاتر به سپرده ها، یکباره بانک مرکزی وارد عمل شد و در اطلاعیه ای اعلام کرد که بانک ها اگر از نرخ های مصوب سود بانکی عدول کنند طبق قوانین با آنها برخورد خواهد شد.

سپس مدیران بانک ها و مسئولان بانک مرکزی در جلسه مشترکی که در روز ۱۹ آذر امسال برگزار شد، برای تعیین نرخ سود جدید بانکی به تفاهم رسیدند.

در پایان این جلسه مدیران بانکی با هماهنگی های صورت داده بین خود و تعیین کف و سقف برای نرخ سود سپرده های بانکی، خود را ملزم به رعایت این نرخ های تعیین شده کردند. این در حالی بود که بسته سیاستی– نظارتی بانک مرکزی که پیش از این نرخ سود مشخصی را برای سپرده ها برای بانکهای دولتی و خصوصی تعیین کرده بود، در آخرین تغییرات اعمال شده دست بانکها را در این زمینه باز گذاشته بود.این بسته سیاستی اواسط اردیبهشت امسال به سیستم بانکی ابلاغ شده بود.

براساس برنامه پنجم توسعه، بانک مرکزی مکلف است سالانه نرخ سود بانکی را متناسب با نرخ تورم تعیین کند و عدم افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی موضوعی است که اخیراً به عنوان یکی از چالش های اساسی نظام بانکی مطرح شده است. برنامه پنجم توسعه بانک مرکزی را مکلف کرده است که هر ساله متناسب با نرخ تورم نرخ سود سپرده‌های بانکی را تعیین کند.

در دی سال ۹۰ هم با توجه به نرخ تورم۲۰/۶ درصدی، نرخ سود سپرده‌های بانکی ۲۰ درصد تعیین شد که البته رئیس کل وقت بانک مرکزی در همان زمان تلاش زیادی برای تغییر آن انجام داد

مقام پنجم جهان

نرخ سود بانکی طی سال های اخیر با تغییری از سوی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار مواجه نبود، اما بانکها بدون سرو صدا نرخ های سود خود را تغییر دادند و بانک مرکزی هم نسبت به عملکرد آنها واکنشی نشان نداد.

پرداخت نرخ سود به یکباره در ابتدای سپرده گذاری با نرخ های سود بالا، پرداخت نرخ های سود روزشمار، تمرکز بر روی سپرده گیری های کوتاه مدت و حتی یک روزه و سپرده گذاری های ویژه بلندمدت از جمله تدابیری بود که بانکها می خواستند از این فرصت ایجاد شده نهایت استفاده را ببرند.

ایران یکی از کشورهایی است که بالاترین نرخ سود به سپرده ها را در بین کشورهای دنیا می پردازد، به طوریکه ایران در سال ۲۰۱۲ میلادی در بین ۱۳۸ کشور جهان پنجمین کشوری بود که بالاترین نرخ سود را به سپرده های مردم می پرداخت

ناگفته نماند ایران براساس اعلام بانک جهانی یکی از کشورهایی است که بالاترین نرخ سود به سپرده ها را در بین کشورهای دنیا می پردازد، به طوریکه ایران در سال ۲۰۱۲ میلادی در بین ۱۳۸ کشور جهان پنجمین کشوری بود که بالاترین نرخ سود را به سپرده های مردم می پرداخت، متوسط نرخ سود سپرده در ایران در همین سال ۱۴/۸ درصد اعلام شد. با این وجود نرخ تورم ۲۷/۳ درصدی اعلام شده از سوی بانک جهانی در همین گزارش، پاسخگوی خواسته های سپرده گذاران از بانکها در قبال سپرده های خود نبود.

بانک مرکزی که هر ساله بسته‌ای در قالب سیاست‌های

نرخ سود جدید (از اول دی)	نرخ سود قبلی (مصوب اردیبهشت)	عنوان
۲۲	۲۲	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار یک ساله
۲۰	۱۸	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۹ ماه تا یک سال
۱۸	۱۶	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۶ماه تا نه ماه
۱۴	۱۴	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار سه ماه تا شش ماه
۱۰	۱۰	نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی

پولی و بانکی طراحی می‌کرد، گویا در ســال جاری چندان تمایلی به انجام و اجرای چنین بسته ای نداشت، شاید یکی از دلایل آن هم افزایش بی‌سابقه نرخ تورم و رشد یک باره آن باشد.یک مقام مسئول بانکی در آبان امسال گفت: نظام بانکی کشور به ویژه بانکهای خصوصی خواستار افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی هستند و این تکلیفی است که بانک مرکزی باید آن را اجرا کند. بانکها معتقدند که اگر بانک مرکزی نسبت به این موضوع چاره اندیشی نکند، ممکن است دوباره نقدینگی سر از بازارهای سودآگرانه‌ای مثل مسکن، طلا، سکه و ارز در بیاورد. محمود بهمنی رئیس کل وقت بانک مرکزی در اواخر سال گذشــته در همایش سیاستهای پولی و چالش های بانکداری و تولید در تهران نسبت به عواقب عدم تغییر نرخ سود بانکی هشدار داده بود.

وی با بیان اینکه باید تغییراتی در نرخ سود بانکی ایجاد شود، گفته بود: اگر نرخ سود سپرده‌ها تغییر نکند با کاهش ارزش پول نباید انتظار داشته باشیم که مسایلی مانند بازار ارز و سکه شکل نگیرد.

برخی کارشناسان معتقدند افزایش نرخ سود سپرده بانکی به کنترل تورم از طریق جمع آوری ســـرمایه‌های سرگردان از بازارهای دلالی ارز و ســـکه کمک می کند و عده ای هم معتقدند تکلیف سرمایه‌هایی که با این تصمیم روانه بانک‌ها می‌شود، مشخص نیست. آنها می گویند مشخص نیست این سرمایه‌ها چقدر در افزایش تولید نقش دارند و چقدر به وام‌هایی تبدیل می‌شوند که در نهایت به لیست معوقات بانکی اضافه‌می‌شوند.

آخرین تصمیـــم بانک مرکزی در مورد نرخ ســـود سپرده‌های بانکی برای سپرده‌های روزشمار ۱۰ درصد و برای سپرده‌های یکساله و بیشتر ۲۲ درصد اعلام شده است که البته این ارقام افزایش چندانی نسبت به پارسال نشان نمی‌دهد.یک کارشناس اقتصادی معتقد است: دولت باید در تعیین نرخ سود دخالت کند و آن را به بانک ها واگذار نکند. او مطرح می کند که مهم تر از کاهش یا افزایش سود بانکی، نحوه سرمایه گذاری بانک ها با سپرده های مردم است.وی اضافه کرد: این موضوع که تعیین نرخ سود بانکی بر عهده بانک ها گذاشته شود، کار اشتباهی است. این کارسودآوری وفعالیت غیر تولیدی بانک ها را تشــدید می کند. ممکن است بانک هایی چند درصدی بیشتر پول بدهند و سرمایه ها را به سمت خود بکشانند.اما این سرمایه ها همه به همان بانک های مشخص منتقل می شود و سوال این جا است که حالا بانک ها با این سرمایه چکار می کنند؟ آن هم بانک هایی که چون مطمئن هستند اگر اصول بانک داری را رعایت نکنند، هیچ مشکلی برایشان پیش نمی آید. مثل الان که رقم معوقات بانک ها به شدت بالا است . این معوقات هم به اندازه ای هست که برای ورشکستگی آن‌ها کافی باشد.بانک ها به فکر سود بیشتر هستند. به همین دلیل باید دولت در این رابطه مداخله کند. واین کارشناس با اشاره به اینکه افزایش نرخ سود بانکی باید متناسب با نرخ تورم باشد، گفت: این نرخ باید متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا کند چه دلیلی دارد کسانی که در بانک ها سرمایه گذاری می کنند، کمتر از تورم سود دریافت کنند. این سپرده گذار ممکن است درآمد کم یا زیاد داشته باشد. اما مسئول تورم نیست. بهتر است این سود بانکی مثل مزد و حقوق با تورم سنخیت داشته باشد. البته که باید تدابیری هم در نظر گرفته شود.باید مشخص باشد که با این سپرده ها چه کاری انجام می شود.

آغاز یک پایان

در روز ۱۹ آذر امسال سرانجام بانک مرکزی اعلام کرد نرخ‌های ســـود سپرده‌های بانکی در نشست بانک مرکزی و شبکه بانکی تعیین شد که بر اساس آن نرخ سود سپرده یک ساله بانکی ۲۲ درصد تعیین شد.در نشست یادشده مدیران عامل بانک‌های حاضر در جلسه با ابراز نارضایتی از عدم رعایت نرخ سود سپرده‌های بانکی از سوی برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و اشاره به تبعات منفی ناشی از این امر، بر لزوم رعایت دقیق ضوابط مربوط تأکید کرده و پیشنهاداتی چند در مورد نرخ سود سپرده‌های مختلف مطرح کردند که پس از انجام مباحثات و گفتگوهای فراوان در خصوص پیشنهادات مطروحه، در نهایت بر روی نرخ‌های زیر توافق حاصل شد:

۱ ـ نرخ سود ســـپرده‌های بانکی به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

– نرخ سود ســـپرده‌های سرمایه گـــذاری مدت دار یک ســـاله ۲۲ درصد.

–نرخ سود ســـپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار ۹ ماه تا یک ســـال ۲۰ درصد.

–نـــرخ ســـود ســـپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۶ ماه تا نه ماه ۱۸ درصد.

– نـــرخ ســـود ســـپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار سه ماه تا شش ماه ۱۴ درصد.

– نـــرخ ســـود ســـپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی ۱۰ درصد.

حداقل مدت برای تعلق سود به سپرده‌های فوق یک ماه است و پرداخت سود به سپرده های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عـــادی بر مبنای حداقل مانده طی ماه و در پایان ماه صورت می پذیرد.

۲ ـ در صورت کاهش یا برداشت پیش از موعد سپرده‌ها، نیم درصد از نرخ متناظر دوره مربوط کاسته می‌شود.

۳ ـ در اجرای اثربخش این مقررات، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی باید نرخ مؤثر هرگونه محصول سپرده‌ای خود را در چارچوب ضوابط فوق تنظیم نمایند و هر گونه ابتکار و ارائه محصولات جدید مستلزم کسب مجوز قبلی از بانک مرکزی است.

۴ ـ سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌داری که قبل از اول دی سال‌جاری گشایش شده(به جز سپرده‌های‌سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی) تا تاریخ انقضای مدت سپرده با همان شرایط توافق شده با سپرده‌گذار ادامه یافته و در تاریخ انقضاء بلافاصله با ضوابط حاکم در آن تاریخ تطبیق داده می‌شود. بدیهی است در این موارد لازم اســـت مستندات و مدارک لازم در شعبه وجود داشته باشد تا در حین مراجعه بازرسان در اختیار آنان قرار گیرد.

۵ ـ سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی و تمام سپرده‌هایی که تحت هر عنوان به صورت روزشمار مشمول دریافت سود می شوند، بلافاصله با نرخ‌های مذکور در این بخشنامه تطبیق داده‌می‌شوند.

همچنین مقرر شـــد با آن گروه از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی که نرخ‌های مذکور را رعایت نکنند، با شدت و قاطعیت برخورد شود.برخورد با بانک‌ها و مؤسسات متخلف حسب مورد شامل یک یا چند مورد از موارد زیر است:

۱ ـ تذکـــر کتبی بــــه مدیران یا متصدیان‌متخلف.

۲ ـ محکومیـــت متخلفین به پرداخت‌جریمه.

۳ـ ممنوع ساختن نهاد متخلف از انجام بعضی امور بانکی به طور موقت یا دائم.

۴ـ عدم صدور هرگونه مجوز برای نهادمتخلف.

۵ـ قطع برخی سامانه‌ها و خدمات نهادمتخلف.

۶ ـ ســـلب صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل نهاد متخلف به طور موقت یا دائم.

۷ـ ممنوع ســـاختن پرداخت سود ســـهام یا تقسیم اندوخته‌ها.

افزون بر موارد فوق، اسامی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری متخلف که با عدم رعایت ضوابط فوق، زمینه اخلال در نظام پولی و بانکی کشـــور را فراهم می‌کنند، از طریق رسانه‌های عمومی اعلام شده و متخلفین حسب مورد به هیأت انتظامی بانک‌ها معرفی می‌شوند.

برخی کارشناسان معتقدند افزایش نرخ سود سپرده بانکی به کنترل تورم از طریق جمع آوری سرمایه‌های سرگردان از بازارهای دلالی ارز و سکه کمک می کند

نام بانک	سپرده کوتاه‌مدت	سپرده ویژه	سپرده یک‌ساله	سپرده ۵ساله
بانک‌پاسارگاد	۱۰ درصد	ـ	۱۷درصد	۲۰درصد
بانک‌ملی	۷ درصد	۱۰ درصد (سه‌ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک‌پارسیان	۷ درصد	۱۰ درصد (سه ماهه) زرین	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک‌ملت	۷ درصد	۱۰ درصد (سه ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک‌سامان	۱۱ درصد	۱۳ درصد (سه ماهه)	۱۸/۲۱ درصد	۲۱/۴۳ درصد
بانک‌کشاورزی	۷ درصد	۱۰ درصد (سه ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک‌اقتصادنوین	۲۲ درصد	۲۳ درصد (سه ماهه) ـنسیم	۲۲/۵ درصد ـ یاقوت	۲۰ درصد (سه ماهه به بعد) مروارید
بانک‌سپه	۷ درصد	۱۰ درصد (چهار ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک تجارت	۷ درصد	۱۰ درصد (سه ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
بانک‌مسکن	۸ درصد	۱۰ درصد (سه ماهه)	۱۷ درصد	۲۰ درصد
موسسه‌عسگریه	۲۰ درصد	۲۲ درصد	۲۵ درصد	۲۵ درصد
بانک‌مهراقتصاد	ـ	۱۹ درصد (چهار ماهه) سما	۲۳/۳۳ درصد	۳۲ درصد (در سررسید)

گذر و نظری اجمالی به ورزش در سال ۹۳

پا در رکاب ورزش قهرمانی



● علی(مجید)اسدی

«کار کشته‌ای پرسابقه و آشنا با فوت و فن‌های روزنامه و روزنامه‌نگاری ـ که تحصیلات آکادمیک داشت و این تخصص را فقط تجربی نیاموخته بود و با همه زوایای پیدا و پنهان فعالیت در عرصه مطبوعات، بخوبی آشنایی داشت و سلیقه مخاطب ایرانی مطبوعات را می‌شناخت ـ راز موفقیت یک مطبوعه ورزشی در جلب‌نظر مخاطبان و افزایش شمارگان (تیراژ) آن را در پرداختن به موضوع «فوتبال» می‌دانست.

او تأکید می‌کرد که ورزش در مطبوعات، یعنی پرداختن به اخبار ریز و درشت و تحلیل و تفسیر رویدادها و بالا و پائین‌فوتبال.»

مطلع مطلب را با این مقدمه گشودم تا جدای از نظریه مذکور، این نکته را یادآور شوم که «ورزش در ایران» فقط با «فوتبال»، ظهور و بروز می‌یابد. چه درست و چه غلط، این راه و روش فعلی ورزش ماست.

ورزش و متولیان و کارگزاران و مدیران ورزشی ما، هنگامی در توسعه و گسترش و اداره کلی امور ورزش کشور، موفق و لایق می‌نمایند که به نتیجه دلخواه خود و موردنظر مشتاقان و دوستداران فوتبال کشور، دست یافته باشند؛ حتی اگر آن نتیجه موقت، مقطعی و زودگذر باشد!

فقط نتیجه مهم است و بس. این‌که در عمل و اجرای تاکتیک‌های تیمی و تکنیک‌های انفرادی، بازی را باخته باشند، اصلاً و ابداً، مهم و تأثیرگذار نیست؛ مهم این است که از مرحله «حال» به مرحله «آینده» برسند. مرحله «ماضی» اهمیت و ارزشی ندارد!

نوشتن مطالب موضوعی و تحلیل و تفسیر یکایک ورزش‌ها با عنوان «ورزش در سالی که گذشت»، آنهم باتوجه به ضیق جا و کثرت مطالب، قطعاً کاری دشوار و ناشدنی است. مگر آن‌که به روزشمار و اشاره‌ای صرف به اتفاقات و نتایج حاصله ورزش در سال ۹۳ اکتفا شود.

اما واقعیت آن است که سال رو به پایان، سالی شلوغ و پرترافیک برای ورزش ما بود. برگزاری بیستمین دوره جام‌جهانی ـ ۲۰۱۴ برزیل و شانزدهمین دوره جام ملت‌های آسیا ـ ۲۰۱۵ استرالیا، باعث شد تا ملی‌پوشان فوتبال کشورمان، بیش از پیش مورد توجه دوستداران و علاقه‌مندان به این ورزش جهان شمول، قرار گیرند و بیش از ۹ ماه از ۱۲ ماه سال، تیتر یک رسانه‌های مکتوب و خبر نخست رسانه‌های دیداری و شنیداری را به خود اختصاص دهند.

تیم‌ملی فوتبال ایران در شرایطی در مرحله یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های آسیا ـ ۲۰۱۵ استرالیا، مغلوب عراق شد و وداع زود هنگامی با جام شانزدهم داشت که اشتباهات تکراری در مدیریت «درون» و «بیرون» زمین، عامل اصلی این شکست و حذف ناباورانه بود.

> **بازی‌های درخشان و هماهنگ تیم ملی والیبال در لیگ جهانی سال ۲۰۱۴ میلادی و موفقیت سروقامتان والیبال ایران در رقابت‌های جهانی ۲۰۱۴ لهستان و قهرمانی بی‌چون و چرای آنان در بازی‌های اینچئون کره‌جنوبی، خط بطلانی بر فرضیه عدم همکاری تیمی بود**

اگرچه شکست از تیم‌ملی فوتبال عراق، آنهم در ضربات پنالتی، تلخ و غیرمنتظره بود، ولی باخت در بیرون از مستطیل سبز نیز اتفاقی ناگوار بود که ناراحتی باخت را بیش از پیش کرد.

ایران ـ که می‌توانست پیروز این بازی باشد ـ به دلیل اشتباهات انفرادی، تیمی، بدشانسی، داوری و صدالبته بی‌دقتی در ضربات پنالتی، فرصت صعود به مرحله نیمه‌نهایی جام شانزدهم را از دست داد.

شکست و حذف زود هنگام تیم فوتبال ایران از گردونه جام ملت‌ها، تیم کشورمان را در دور باطل گرفتار کرد تا بازهم اسیر اشتباهات تکراری و اتفاقات خودساخته در تورنمنت‌های معتبر بین‌المللی شود.

اتفاقاتی که پیش از این، بارها و بارها روی‌داده بود و با



درس نگرفتن از آنها، دوباره از چاله به چاه افتادیم!

جام ملت‌های آسـیا ـ ۲۰۰۴ چین را هرگز فراموش نخواهیم کرد. چرا که تیم قدرتمند آن سال با هدایت «برانکو ایوانکوویچ» که از نظر تکنیکی و تاکتیکی یک سر و گردن از همه تیم‌ها، بالاتر بود در دیدار نیمه‌نهایی مقابل تیم میزبان، از دقیقه ۴۸ با اشـتباه بچه‌گانه ستار زارع ۱۰ نفره شد و در حالی که فرصت پیروزی را در جریان بازی داشت، بازهم در ضربات پنالتی مغلوب شد و از صعود به دیدار پایانی بازماند. ۱۱ سال بعد از آن اتفاق ناگوار، تیم ایران این‌بار توسط مهرداد پولادی، مرتکب اشتباهی بچه‌گانه شد و با وجودی که تیم برتر میدان بود تا مرز شکست در وقت‌های قانونی و اضافه بازی پیش رفت و دست آخر، اسیر ضربات پنالتی شد و خداحافظی تلخی با جام شانزدهم داشت. این‌که فوتبال ایران تا چه زمانی می‌خواهد اسـیر اشتباهات فردی بازیکنان شود – که یقیناً حاصل اشتباهات بیرون زمین مسابقه است ـ پرسشی بی‌پاسخ و معمای حل ناشدنی فوتبال ماست.

یکی از اشتباهات مهم بیرون از زمین مسابقه، مربوط به از دست‌دادن کرسی‌های مهم بین‌المللی و پست‌های کلیدی در کنفدراسیون فوتبال آسیا(AFC) می‌شود. اشتباه استراتژیک علی سعیدلو، رئیس وقت سـازمان تربیت بدنی، هنوز از یادها نرفته است. اشتباهی که باعث شد تا علاوه‌بر این‌که در نامزدی یکی از پست‌های AFC رأی نیاوریم، کرسی مهم دیگری را نیز از دست بدهیم؛ نداشتن کرسی آسیایی، بیش از همیشه در جام شانزدهم به فوتبال ملی ما، ضربه زد. این‌که داور استرالیایی (ویلیامز) در بازی نخست ایران، مشکلاتی را ایجاد کـرده و با کی‌روش، درگیری لفظی پیدا می‌کند و دوباره برای قضاوت بازی ایران و عراق، انتخاب می‌شود و در جریان بازی، اشتباهات تأثیرگذاری را مرتکب می‌شود –که اوج آن، اخراج مهرداد پولادی بود– دقیقاً به اشتباهات ایران در بیرون از زمین مسابقه و نداشتن نماینده‌ای صاحب رأی در کنفدراسیون فوتبال آسیا، باز می‌گردد. اگر توان اجرایی فوتبال ایـران در AFC، صاحب قدرت و نفوذ بود، یقیناً شرایط بهتری را در قبل و بعداز بازی، برای تیم ملی فوتبال ایران رقم می‌زد.

هرچه بود گذشت. مهم این است که این مورد و موارد مشابه، تکرار نشود و از اشتباهات امروز خود، برای ساختن فردایی بهتردرس بگیریم. درسی که در آینده به قدرت فوتبال ما بیافزاید و ضریب نفوذ ما را در کنفدراسیون فوتبال آسیا، بالا ببرد.

رویدادهای ورزشی، مانند دومینو، کنار هم قرار دارند. زمانی‌که نخستین دومینو می‌افتد، باقی آنها نیز در زمانی کوتاه، سقوط خواهند کرد.

تکرار افتخارآفرینی مدال‌آوران

سـوای هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آوری که صرف آماده‌سازی و تدارک بازیکنان، برای حضور در جام جهانی و جام ملت‌های آسیا (قبل از آغاز جام بیستم، مابین جام جهانی و جام ملت‌ها) و قرارداد ده‌ها میلیاردی کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم‌ملی فوتبال کشورمان شد و حاصلی نداشت، لیکن رشـته‌های مدال‌آور ورزش ما ـ که همیشه در جهان افتخارآفرینی می‌کنند و در داخل، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و مظلوم واقع می‌شـوند ـ بازهم در میدان‌های بین‌المللی، افتخارآفرینی کردند و چشم بدخواهان سربلندی و سرافرازی جوانان غیور این خاک پرگهر را تیره و تار کردند

کشتی و وزنه‌برداری و والیبال، رشته‌هایی بودند که امسال، بیشتر از سال‌های قبل در کسب افتخار همت گماردند.

برگزاری هفدهمین دوره بازی‌های آسـیایی ـ ۲۰۱۴ اینچئون کره‌جنوبی، دلیلی بود تا قهرمانان و مدال‌آوران ورزش ایران، باردیگر پا در رکاب افتخارآفرینی گذاشته و برسکوهای برتر آسیا، جلوس کنند و سر به آسمان افتخار بسایند.

کاروان ورزشـی ایران، اعزامی به بازی‌های آسیایی ـ ۲۰۱۴ اینچئون کره‌جنوبی، رکورد کسب مدال‌های زرین را پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شکست و به دریافت ۲۱ مدال طلا، ۱۸ نقره و ۱۸ برنز(مجموع ۵۷ مدال رنگارنگ) نائل آمد. بعداز بازی‌های آسیایی ـ ۱۹۷۴ تهران که ورزشکاران کشورمان به لطف میزبانی، موفق به کسب بیش از ۲۰ مدال طلا شده بودند، کاروان ورزشی ایران در اینچئون رکورد مدالی تاریخ ورزش ایران در بازی‌های آسیایی را شکست.

سال پرکار کشتی ایران

کشتی ایران در هر دو رشته آزاد و فرنگی، سال پرکار و پرمدالی را پشت‌سر گذاشت. حضور قدرتمندانه در جام‌جهانی و کسب عناوین قهرمانی در اوایل سال، نخستین قهرمانی تیم ملی کشـتی فرنگی ایران در پیکارهای جهانی ـ ۲۰۱۴ ازبکستان، حضور در بازی‌های آسیایی اینچئون به فاصله ۱۰ روز با مسابقات جهانی و میزبانی از جام‌جهانی کشتی فرنگی در تهران در اواخر سال.

کشتی ایران، سال ۹۳ را با قهرمانی در جام‌جهانی آغاز کرد و با میزبانی جام‌جهانی کشتی فرنگی در تهران و کسب عنوان سوم به پایان رساند.

این‌که کشتی فرنگی ایران، برای نخستین‌بار در تاریخ، قهرمان رقابت‌های جهانی می‌شود و ورق زرینی بر اوراق پیکارهای جهانی کشتی می‌افزاید، به قدری مهم و قابل توجه است که هرچه از آن بگوئیم و بنویسیم و بشنوید و بخوانید؛ کم است و ناچیز.

البته این قهرمانی، آن‌طور که باید و شاید به چشم نیامد؛ تلالؤ جام قهرمانی به حدی خیره‌کننده بود که مانع از بازکردن چشم خودمان شد. شاید باور نداشتیم که دلاوران جوان ما می‌توانند به این مهم، جامه عمل بپوشانند. چراکه در ادوار پیشین و تاریخ ۶۰ ساله رقابت‌های قهرمانی جهان، کسب چنین عنوانی، سابقه نداشته است و جوانان کشتی فرنگی ما، همان‌طور که برای نخستین‌بار سه مدال طلای المپیک را صاحب شدند، برای نخستین‌بار از سکوی قهرمانی جهان بالا رفتند و به دریافت جام قهرمانی نائل آمدند. این یعنی همه چیز؛ یعنی آقایی کشتی فرنگی ایران در المپیک و جهان؛ یعنی تغییر تاریخ و تغییر نگاه جهانیان به ما. یعنی ...

اگر تا چند سـال قبل، گرفتن مدال جهانی افتخار بود و کسب مدال المپیک، دست‌نیافتنی؛ امروز این افتخارات و مدال‌های انفرادی، تبدیل به جام قهرمانی شده است. جامی که به تیم می‌دهند و نه به شـخص. پس این قهرمانی باید تداوم یابد. قهرمانی تیم ایران در کشتی فرنگی جهان؛ همچون کشتی آزاد.

موفقیت‌های تیمی

خیلی سال است که می‌گویند، ایرانی‌ها در ورزش‌های تیمی، موفق نبوده و درخشش ندارند. دلیل آن را نیز فقدان کار جمعی در بین ایرانیان قلمداد کرده‌اند و برای اثبات مدعای خود، موفقیت‌های انفرادی را شاهد مثال آورده‌اند.

اگر تا نیمه نخست امسال، پاسخی درخور به این ادعا و گزافه نداشـتیم، ولی بازی‌های درخشان و هماهنگ تیم ملی والیبال در لیگ جهانی سال ۲۰۱۴ میلادی و موفقیت سروقامتان والیبال ایران در رقابت‌های جهانی ۲۰۱۴ لهستان و قهرمانی بی‌چون و چرای آنان در بازی‌های آسیایی اینچئون کره‌جنوبی، خط بطلانی براین فرضیه بود.

درست است که بلندقامتان بسکتبال ایران در مسابقات جهانی امسـال، موفقیت درخوری نداشتند و نتیجه فینال بازی‌های آسیایی را نیز واگذار کردند، لیکن آنان نیز در رد آن فرضیه و اثبات این واقعیت «داشتن روحیه تیمی و کار جمعی در بین ایرانیان»، کمک شایان توجهی به ورزش ایران کردند.

... و اما معلولان

آنچه مسلم و مبرهن اسـت این‌که ورزش معلولان در سـایه مدیریت هنرمندانه و برنامه‌ریزی اصولی مدیران توانمند فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان با ریاست حاج‌محمود خسروی‌وفا در جاده پیشرفت و در مسیر توسعه پایدار حرکت می‌کند.

قهرمانی‌های مکرر در رشته‌های مختلف ورزش معلولان و ارتقاء رتبـه و افزایش مدال‌های دریافتی در دومین دوره بازی‌های پاراآسیایی ـ ۲۰۱۴ اینچئون، نشان‌دهنده، مدیریت درست و برنامه‌ریزی اصولی در این فدراسیون است.

کار سیاست‌گذاری، نظارت و هدایت انجمن‌های ورزشی (نظیر همه رشته‌های ورزشی افراد سالم) و همه امور مربوط به ورزشکاران، مربیان، داوران و عوامل تیم‌های ورزشی جانبازان و معلولان، برعهده این فدراسیون است. فدراسیونی که به مثابه وزارت ورزش است و چه‌بسا، کاری مهمتر و تأثیرگذارتر از این وزارتخانه را به سرانجام می‌رساند. چراکه وزارت ورزش با ورزشکاران سالم، سر و کار دارد و فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان با افراد دارای معلولیت. افرادی که به تبع معلولیت، روح لطیف و شکننده‌ای دارند و به سختی از خانه و خانواده جدا شده و به محیط امن ورزش می‌آیند. جلب و جذب معلولان به فعالیت‌های ورزشی، یکطرف قضیه است. روی دیگر سکه ورزش معلولان، حمایت و هدایت آنان به سمت و سوی ورزش قهرمانی است. همان ورزشی که ۱۲۰ مدال رنگارنگ را در بازی‌های پاراآسیایی ـ ۲۰۱۴ اینچئون به ارمغان آورد. همان ورزشی که سیامند رحمان‌ها، جلیل باقری‌ها، ساره جوانمردی‌های و زهرا نعمتی‌ها را به ورزش جهان معرفی کرده و سرافرازان تیم‌های ملی والیبال نشسته، ملی‌پوشان گلبال، فوتبال پنج نفره و هفت نفره، بسکتبال با ویلچر، تیراندازی و تیراندازی با کمان را به میدان رقابت با حریفان جهانی و پارالمپیک کشانده است.





این‌همه، گوشه‌ای از درخشش و افتخارآفرینی جانبازان و معلولان کشورمان است که به همت مدیران آگاه و دردآشنا ـ که خود در زمره جانبازان جنگ تحمیلی هستند ـ بدست آمده است. اگر ملی‌پوشان والیبال ایران، امسال شگفتی‌آفرینی کردند و با حرکت هماهنگ تیمی در میدان جهانی، درخشیدند و چشم‌ها را خیره کردند، تیم والیبال نشسته جانبازان و معلولان کشورمان ، دیرزمانی است که به چنین موفقیتی نائل گشته است. کسب عنوان‌های پیاپی قهرمانی جهان، دلیلی براین مدعاست.

آرزوی بهروزی

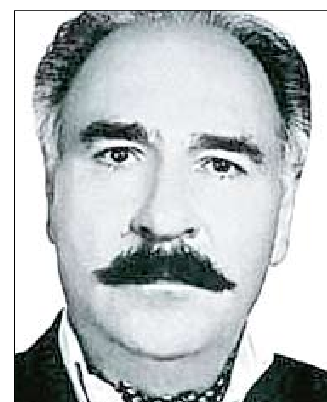
آرزوی موفقیت بیش از پیش برای همه ورزشـکاران کشورمان در عرصه پیکارهای جهانی، یکی از آرزوهای مردم ایران در هنگام تحویل سـال نو است. ما نیز به سهم خود، برای همه ایرانیان در همه گیتی و سراسر عالم هستی، از درگاه ایزد یکتا، آرزوی سلامتی و تندرستی و سرسبزی و نشاط و موفقیت روزافزون داریم.

همچنین امیدواریم که در همه ارکان ورزش کشـور، همدلی و اتحاد، ایجاد شـود و با از بین بردن حواشی ـ که گاهی پررنگتر از متن می‌شوند ـ و ترویج علم مرتبط با توسعه ورزش به پیشرفت‌های بیشتر نائل آئیم.

هرروزتان نوروز، نوروزتان پیروز



نگاهی دیگر به نوروز باستانی


● انوشیروان منشی‌زاده

بر چهـــرهٔ گل نســـیم نوروز خوش اســـت
در صحن چمن روی دل افروز خوش اســـت
از دی که گذشـــت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است [۱]

نوروز و مهرگان کهن‌ترین اعیاد ایرانیان، ریشه در تاریخ هفت هزار ساله دارد. جشن مهرگان پس از حملهٔ تازیان رفته رفته رو به فراموشـــی نهاد و در گذر زمان نام و خاطرهٔ آن در کتاب‌ها و قصاید شعرا باقی ماند.

نوروز برخلاف جشن مهرگان نه تنها پس از حملهٔ اعراب، از سوی ایرانیان فراموش نگشت بلکه هم چون نمادی از فرهنگ و تمدن ایرانیان در مبارزه‌ای خاموش ادامه زندگی داد. در دو قرن ســـکوت که گروهی از فرزانگان به آن باور دارند، نوروز در ســـکوت خود نوزایی و حیات خود را در میان توده مردم ادامه می‌دهد و ســـرانجام حکام عرب که فاتحین ایران بودند نوروز را پذیرفته و شگفت آن‌که در برگزاری و بزرگداشت آن کوشیدند. امویان باور به برتری عرب بر عجم داشتند و پس از سرنگونی حکومت امویان به دست ایرانیان و به سرداری ابومسلم خراسانی و نفوذ فرهنگی و سیاسی ایرانیان نزد خلفای عباسی، خلفای بنی‌عباس کوشش داشتند که نوروز را براساس شنیده‌ها همان‌گونه که در دربار پادشاهان ساسانی برگزار می‌شد آن را برپا دارند. نوروز هم زمان با بهار است آن دم که گام‌های نخست بهار آغاز می‌شود، نوروز نیز می‌آغازد. گزافه نیست که گفته شود نوروز زیباترین، فرهنگی‌ترین و ریشه‌دارترین اعیاد بشری است که در خاطره تاریخ مانده اســـت. کدام ملت را می‌توان سراغ گرفت که جشن آنان به پیری و کهنگی نوروز باشد ولی هر باره این جشن پیر، جوان گردیده، زایش دیگری داشته و هم‌چون بهار زیبا و دلنشین در تن و روان ایرانیان زندگی بخش دیگری باشد. نوروز پیری کهن سال است چندین هزار ساله که عمری جاودانه دارد گویی از چشمه آب حیات سیراب گشته، میرایی و نابودی در آن وجود ندارد، هستی است و هستی‌بخش است.

ایران‌زمین در گذر تاریخ تهاجم‌های فراوان دیده است. اسکندر مقدونی و سپاهیان او، اعراب، مغول همگی بر ایران زمین یورش آورده‌اند. کوشش بر چیرگی فرهنگی داشته‌اند ولی همان زمان که سپاهیان اسکندر فاتحان ایران زمین بوده‌اند، توده‌های مردم در خانه و کاشـــانه خود نوروز را زنده و بزرگ داشته‌اند مگر نه این است که پس از سرنگونی سپاهیان اسکندر و سلوکیان، اشکانیان که خود را فرزندان و بازماندگان هخامنشیان می‌دانستند بمانند هخامنشیان نوروز را برگزار کردند. مغولان بخارا، سمرقند، نیشابور و بیشتر شهرهای بزرگ ایران را به آتش کشیدند و نابود کردند ولی همین مردمان که از تیغ وحشیانه مغول جان سالم به در برده‌اند نوروز را با همان آداب و سنن نیاکان خود جشن می‌گرفتند. راز این ماندگاری چیست که در رگ و خون ایرانیان جای گرفته؟ آیا این راز، رمز پایندگی ایرانیان و رسالت تاریخی آنان نیست که رفته رفته به بار می‌نشیند.

به گمان شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری (نوروز اگرچه روز نو سال است، روز کهنه قرن‌هاست، پیری فرتوت است که سالی یک بار جامهٔ جوانی می‌پوشد تا به شکرانه آن‌که روزگاری چنین دراز به سر برده و با این همه دم سردی زمانه تاب آورده اســـت، چند روز شادی کند، از این جاست که شکوه پیران و نشاط جوانان در اوست). [۲]

نگارنده باور دارد که راز ماندگاری نوروز آن بوده که در تار و پود مردمان فرودســـت جامهٔ ایرانیان جای گرفته است. فرودستان آن چنان پای‌بند و باورمند به نوروز و سنت‌های آن بوده‌اند که در میان فرادستان کمتر می‌توان نشانی از آن یافت. یادگارهای آیینی نوروز هنوز که هنوز است به دقت و پایبندی مردمان ایران به ویژه فرودستان رعایت می‌شود.

در همهٔ تهاجمات نظامی و فرهنگی همین فرودســـتان بوده‌اند که در میهن و زادگاه خویش مانده‌اند، کشته‌اند و کشته

شده‌اند، ترک مرز و بوم را گناه دانسته‌اند. بنگرید که کدام یک از مردمان ایران زمین در حمله تازیان گریز از وطن داشته‌اند و به دور دست‌های دور جهت حفظ جان و مال خود رفته‌اند. همین امروز نیز همین توده مردم گمان دارند که آغاز سال نو را می‌بایست در خانه و کاشانه خود بمانند و جشن نوروز را در خانه خود برپا دارند و فرخندگی نوروز را نیز همین می‌دانند.

***

درباره آن که نوروز چیست و از چه زمان آغاز گردیده، گفته‌ها و نوشته‌ها فراوان است که همگی این گفتارها و نوشته‌ها فاخر و ارزشمند و گران‌بها می‌باشد. ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه، پیدایش نوروز را بر آن می‌داند که جمشید شاه گردونه‌ای بساخته و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و مردمان به دیدن آنان شادمان گردیده و در شگفتی آمده و آن روز را نوروز نامیدند.

محمدبن جریر طبری در تاریخ طبری آورده است: (نوروز سرآغاز داد و دادگری جمشید است و می‌گوید جمشید دانایان را فرمود که آن روز که من بنشستم به مظالم، شما نزد من باشید تا هر چه در او داد و عدل باشد، بنمایید تا من آن کنم و آن روز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین بود پس آن روز رسم کردند. حکیم توس در کتاب گران سنگ و جاودانه خود شاهنامه، نوروز را به جمشید شاه نسبت می‌دهد. می‌فرماید آن‌گاه که جمشید در گذر از آذربایجان، فرمان داد تا در آن‌جا برای او تختی بنهند، با تاجی زرین، بر روی تخت بنشست، با تابش نور خورشید به تاج او، جهانی نورانی گشت، مردمان شادمان شدند و آن روز را «نوروز» نامیدند.

جهان انجمن شد بر تخت اوی
از آن بر شده فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
سرسال نو، هرمز فرودین
برآسود از رنج تن، دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و رود و رامشگری خواستند

عمر خیام در رسالهٔ نوروزنامه که منسوب به وی است می‌گوید: (اما سبب نهادن نوروز آن بوده که چون بدانستند که آفتاب را در دو دور بُوَد یکی آن که هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانروز، به اول دقیقه حَمَل بازآید، به همان وقت که روز رفته بود، بدین دقیقه نتواند آمدن، چه هر سال از مدت همی کم شود و چون جمشید آن روز دریافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد).(۳)

در باب، اندر آیین پادشاهان عجم در همان کتاب آمده است: (ملوک عجم ترتیبی را داشته‌اند در خوان نیکو نهادن، هر چه تمام‌تر به همه روزگار، و چون نوبت به خلفاء او رسید در معنی خوان نهادن نه آن تکلف کردند که وصف توان کرد، خاصه خلفای عباس از اباها و فلیها و حلواهای گوناگون و فقاع نهادند و پیش از ایشان نبودند).(۴)

نوروزنامه کتابی است درباره نوروز و آداب و رسوم پادشاهان ایرانی و هدایایی که نزد آنان در این روز برده می‌شد (آیین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدجرد شهریار که آخر ملوک عجم بود، چنان بوده است که روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه، موبد موبدان پیش مَلَک آمدی با جام زرین پُر می، و انگشتری، و درمی، و دیناری خسروانی، و یک دسته خوید سبز رُسته، و شمشیری، و تیر و کمان، و دوات و قلم، و استر، و بازی، و غلامی خوب روی، و ستایش نمودی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عبارت ایشان. چون موبد موبدان از آفرین بپرداختی، پس بزرگان دولت درآمدندی و خدمت‌ها پیش آوردندی).(۵)

در همین کتاب ارزشمند «نوروزنامه» سپس آن چه آفرین و درود موبد موبدان است خطاب به پادشاه می‌آید (شها به جشن فروردین به ماه فروردین، آزادی گزین یزدان و دین کیان، سروش آورد ترا دانایی و بینایی به کاردانی، و دیر زیو با خوی هژبر و شادباش بر تخت زرین، و انوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاهدار، سرت سبز باد و جوانی چون خوید، اسبت کامگار و پیروز و تیغت روشن و کاری به دشمن، بازت گیرا و خجسته به شکار، و کارت راست چون تیر، و هم کشوری بگیر نو، بر تخت با درم و دینار، به پیشت هنری و دانا گرامی و درم خوار، و سرایت آباد و زندگی بسیار).(۶)

نوروزنامه کتابی است درباره نوروز و آداب و رسوم پادشاهان ایرانی و هدایایی که نزد آنان در این روز برده می‌شد (آیین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدجرد شهریار که آخر ملوک عجم بود...

از سوی دگر همان گونه که آمد روشن است اعیاد ایرانی منسوب به شاهان بوده‌اند، شاهان که به گمان ایرانیان فره ایزدی داشته‌اند.

از دگر سو باور گروهی از خردمندان و اندیشه‌وران آن بوده است که اعیاد ایرانی رنگ و بوی آیینی داشته‌اند با نگاهی به سنن گذشتگان و نیاکان دریافت می‌شود که هنوز هم همین آداب و سنن در میان ایرانیان حکم‌فرما است. هنوز ایرانیان باورمندند که در آغاز نوروز و فرارسیدن بهار، روان نیاکان در گذشته از آسمان به زمین می‌آیند، اگر آراستگی و خردمندی و داد در خانه و کاشانه بازماندگان باشد شادمان می‌گردند و خیر و نیکی از درگاه خداوند برای آنان می‌خواهند، قبور درگذشتگان رُفته و با آب شسته می‌گردد و گل و سبزه و شیرینی بر آن گذاشته می‌شود. شمعی و چراغی بر آن نهاده می‌گردد، عود و اسپند در آتش ریخته می‌شود.

شادروان دکتر مهرداد بهار با اشاره به همین مطلب و بازگشت روان‌های درگذشتگان در آغاز بهار به جاهایی که در آن زندگی کرده‌اند و اعتقاد مردمان به احترام ارواح رفتگان، آن را ریشه‌ای اوستایی می‌داند و می‌گوید: (اما مطالب فروردین یشت اوستایی که به آغاز سال و وقایع قبل از آن مربوط است در آن نقش فَرَوَشی در گذشتگان را نسبت به خویشاوندان و وظایف بازماندگان را نسبت به آنان نشان می‌دهد، می‌توانیم با نکته‌هایی تازه روبه‌رو شویم: اورمزد به زردتشت می‌گوید که از فر و فروغ فروشی‌های (که به نوعی جایگزین ارواح متقی‌اند) متقیان است که قدرت وی پابرجاست و اگرنه چنین بود، دروغ نیرو می‌گرفت و فرمانروایی می‌کرد. این فروشی‌ها، یا به معنای دیگر، ارواح ازلی نیاکان ما، در آغاز بهار به هنگام هَمَسپندم از نزد خداوند به سوی جاهای قبلی خویش بر زمین می‌شتابند و ده شب پیاپی در این جاها به سر می‌برند و می‌گویند: کدامین کس ما را ستاید؟ کدامین کس سرود ستایش ما را بخواند و ما را خشنود کند؟)(۷)

در همین کتاب سپس دعای فروشی‌ها را می‌آورد (این خانه از انبوه ستوران و مردان بهره‌مند باد. این خانه از اسب تیزتک و گردونهٔ استوار بهره‌ور باد. این خانه از مرد پایدار انجمنی برخوردار باد).(۸)

درست است که مراسم آیینی نوروز به شرح آن‌گونه که در زمان ساسانیان بود کم کم به فراموشی سپرده شد ولی بنیان نوروز پابرجا و استوار باقی ماند با همان آداب و رسوم که شرح آن رفت. با ورود دین اسلام و نفوذ مذهب شیعه نه تنها نوروز از بین نرفت بلکه فقهای شیعه با گردآوری روایات و احادیث، نوروز با مذهب همراه گشت. گفته‌اند روز عید غدیرخم هم زمان با نوروز بوده است، گفته شده که روز ظهور ناجی بزرگ بشریت همراه با نوروز است، این نیز از شگفتی‌های نوروز است که جاودانگی و نامیرایی آن در طول روزگارها استوار و پابرجا نموده است. اکنون پس از گذشت هزاره‌ها و آمدن بی‌شمار بهارها و نوروزها باید باور آوریم که نیاکان ما با چه رنج، کوشش، کام‌ها و ناکامی‌ها نوروز را هم چون جان شیرین گرامی داشته‌اند و برای ما به میراث نهاده‌اند. این میراث، میراث فرهنگ و تمدنی چندین هزار ساله است که به آسانی به دست نیامده تا به آسانی از دست رود.

درود و آفرین و نیایش نیاکان ما در آغازین هر سال و فرارسیدن نوروز بالاترین نیایش نزد پروردگار است. نیایش آنان پایندگی و جاودانگی ایران و ایرانیان است نیایشی که هم‌چون نسیم بهاری از باغ و چمن گذشته، پرچین‌های خاطره را نوردیده و به ملکوت و آسمان می‌پیوندد.

سرودم را هر که نگه داشت
و (آن) که نوشت از خویش
دیر زیاد به هر سرود
سر دشمن مرده بنیاد
(آن) که نهاد و (آن) که نوشت
او نیز به همین آیین / به گیتی تن خسرو
و به مینو بُخته روان (باد) ـ درخت آسوریگ / بر گردان شادروان ماهیار نوابی (۹)

پای‌نوشت:

۱ـرباعی منسوب به عمر خیام نیشابوری
۲ـنقل از مجله سخن دوره هفتم، سال ۱۳۳۶
۳ و ۴ و ۵ و ۶ـکتاب نوروزنامه به تصحیح علی حصوری، چاپ دوم، نشر کتابخانهٔ طهوری، ۱۳۵۷
۷ و ۸ـ مقاله تخت جمشید: باغی مقدس، کتاب از اسطوره تا تاریخ، دکتر مهرداد بهار، چاپ هشتم، نشر چشمه، سال ۱۳۹۳
۹ـدرخت اسوری یا درخت آسوریگ، برگردان دکتر یحیی ماهیار نوابی، کتابی است نوشته شده به زبان پارسی اشکانی که در زمان ساسانیان به زبان پهلوی ساسانی یا فارسی میانه برگردانده شد. از این کتاب ترجمه‌های متعدد چاپ شده از جمله توسط دکتر ماهیار نوابی، احسان طبری، این کتاب منظومه‌ای بین درخت آسوریگ با بُز و گفت و گو و مناظره بین آن‌هاست.





عشق و سلطه



● دکتر غنچه راهب

تنهایی و ترس از تنها ماندن یکی از دغدغه‌های بشر امروز است، همه شواهد رفتاری و آمارهای فروپاشی روابط انسانی،گواه آن است که انسانهای امروز نیاموخته‌اند که چگونه می‌توان در پیوند با دیگران بر هم‌افزایی و برآیند بهتر زندگی دست یافت.

در این میانه، حتی دوستی‌ها و پیوندهای فردی نیز بسیار کوتاه و پرآشوب شده است. ارتباط میان انسانها دچار چه گونه آسیب هایی شده است؟ این آسیب ها از کدام خاستگاه بر میخیزد؟

یکی از عوامل ریشه ای بروز اختلال وبلکه بحران در روابط بین فردی ، ناتوانی انسان‌ها در مهارت عشق‌ورزی است. عشق ، در معنای عرفانی، محو و مستحیل شدن در معشوق است اما از نظرگاه اجتماعی کنشی معطوف به از خود گذشتن برای دیگری، و دیگری را بر خود مقدم دانستن است.

بسیاری از انسانها وقتی سخن از عشق به میان می‌آید روابط عاطفی دو فرد از دو جنس را تصور می‌کنند، اما اگر مفهوم عشق چنین محدود و در تنگنا بود، بشر هرگزبه پیشرفتی در بقیه حوزه های روابط انسانی دست نمی‌یافت، خوب که بنگریم بسیاری از کارهای ماندگار انسان های بزرگ که منافع عام و عظیم بر جا گذارده، از عشق نشأت گرفته است؛ از عشقی که به ذات دانستن و مکاشفه است تا عشقی که از تنگنای تفرد گذشته و نوع انسان را معشوق گرفته است. اما در این نوشته صرفا به تشریح الفبای ارتباطی میان انسان ها تمر کز می کنیم که با عشق و دوست داشتن آغاز می شود و معنا می گیرد.

پیش نیاز ارتباط بهینه آدم ها، توانایی درک و همدلی است، فرد باید به حدی از توانایی ادراکی برسد که بتواند هستی را از روزنه نگاه و دریچه ادراک طرف مقابل ببیند؛شادی ها ، لذت ها، رنج ها و مرارت های زندگی را از منظرهستی شناسانه ی او «بفهمد» و به جای تلاش برای ساختن او، بر گونه ی خود، خویش را از نگاه او مرور کند و بدین گونه هستی خویش را با او به اشتراک گذارَد.

طفل خرد سال صرفاً می‌تواند دنیا را از دریچه چشم خود ببیند، اما انسان بالغ بایدبه حدی از ادراک و توانایی ذهنی رسیده باشد که بپذیرد فرد دیگر، لاجَرَم به گونه دیگری می‌اندیشد و فکر او هم می‌تواند ـ دست کم ـ به اندازه فکر خود صحیح و قابل احترام باشد.

به رسمیت شناختن اندیشه‌های گوناگون و رفتارهای برگرفته از آن، نخستین گام در مقابل خشونت در روابط بین فردی است. بسیاری از ارتباطات میان‌فردی زمانی به قهقهرا می روند و به نفرت بدل می‌شوند که روابط به سوی یکسویه شدن و سلطه‌گری پیش می‌روند، فرد سلطه‌گر که به دنبال تحمیل افکار خود به دیگری است، این گونه می‌اندیشد که در این دنیا صرفاً یک فکر و یک حرف صحیح است و آن فکر و حرف اوست. او در خودمحوری و تفکر یکسویه خود غرق است و به این دلیل توانایی درک و همدل شدن با دیگری را ندارد.

انسانها وقتی به عشق و عشق‌ورزی در روابط بین فردی دست می‌یابند که به باور برابری و همسانی دست یابند، عشق زنده از رابطه‌ای پایاست که هیچ فردی سعی در طلب و اثبات برتری خویش نداشته باشد و از بالا به پایین ننگرد. از منظری، زیباترین جلوه همسانی انسانها ـ نماد تحقق عشق راستین ـ مراسم حج است که آدم ها با لباس‌هایی همگون و به دور از هرگونه برتری‌جویی، به دور خانه خدا طواف می‌کنند.

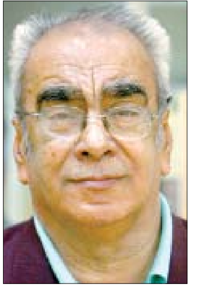
لازمه عشق‌ورزی در روابط بین فردی،خودشناسی و تسلط بر نفسانیات خویش است، اگر آدم ها در روابط بین فردی و اجتماعی خود، محور را برآوردن نیازها و نفسانیات و تخلیه هیجانات و عقده‌های خودبگذارند، آن گاه آشفتگی و گسست در پیوندهای بین فردی و روابط اجتماعی نمایان می‌شود ...

یک ارتباط بهینه توأم با عشق و دوستی، ارتباطی است که در آن به نیازهای فردی احترام گذاشته شود و سعی در برآورده ساختن این نیازها باشد. مهمترین نیاز انسان، نیاز به شایستگی است؛احساس شایستگی در روابط بین فردی از احترام و ایجاد زمینه رشد و شکوفایی توانمندی‌ها حاصل می‌شود، احساس شایستگی حاصل پذیرش بی‌قید و شرط و تمرکز بر نکات مثبت فرد است. در رابطه‌ای که به احساس شایستگی می‌انجامد هر فرد با هویت وشخصیت متمایزو جدای از دیگران دیده می‌شود؛ هیچ فردی در قیاس با فرد دیگر ارزیابی نمی‌شود.بنابراین هیچ قالب کلیشه واری برای خوب بودن وجود ندارد و هر انسانی در اختیار و آزادی خود می‌تواند نقشی از یک انسان شایسته ترسیم کند که قابل احترام و پذیرش است.

کسانی که از دریچه تنگ تعصب و نقش‌های ساختاری معین برای سایر انسانها تعیین وظیفه می‌کنند و معیارشان برای عشق‌ورزی ،عکس‌برگردانی از نقش‌های از پیش تعریف شده است، بر آزادی دیگری پای می‌گذارند و پایان حرمت گذاری بر حریم آزادی های فردی، آغاز شکستن عشق و دوستی در هوای تنگ و دودسان اسارت است. عشق‌ورزی، چه در عرصه روابط بین فردی و چه در عرصه روابط اجتماعی فقط در زیستگاه آزادی، اختیار، احترام، همدلی و شایسته‌پنداری، برابری و خودشانسی ممکن می شود نه سلطه یک سویه و جباریت محض.



اخبار جهان علم



● ترجمه: شهرام تقی‌زاده انصاری

ریشه کلمه جبر

اصطلاح جبر را اولین بار، ریاضی دان مســـلمان محمدابن موسی خوارزمی در کتاب ارزشمندش بنام «الجبر» که در سال ۱۱۵۰ میلادی نوشت، به کار برد. خوارزمی برای حل یک معادله، این فن را به کار برد. طبق این روش می‌توان در معادلات عواملی را که علامت منفی دارند، به طرف دیگر معادلات برد و علامت آن را تغییر داده و به شکل مثبت نوشت. از این روش امروزه به خوبی در مدارس استفاده می‌شـــود. عنوان کامل این کتاب خوارزمی «کتاب روش حساب کردن با استفاده از معادل و تکمیل کردن» می‌باشد. طبق نظر مؤلف، این کتاب حاوی مطالبی است که همه در موقع حساب و کتاب ارث و میراث، معاملات و تجارت و محاکمه در دادگاه به آن احتیاج دارند. این کتاب قرن‌ها چه در شـــرق و چه در غرب، مهمترین کتاب حساب و جبر بود که تدریس می‌شد، بر خلاف امروز که در کتاب‌های درسی از X و Y و اعداد استفاده می‌شود، در کتاب خوارزمی، مسائل به صورت مسئله گفته می‌شوند مثلاً: چه عددی است که ۱/۳ نصف آن ۳ می‌شود. یعنی باید ۳ را ضرب در دو کرده و بعداً ضرب در ۳ کنیم تا عدد مربوطه به دست آید. ۱۸=۳×۲×۳ البته خوارزمی در بعضی از کتاب‌هایش از عدد استفاده کرده است و کتابی نیز درباره اعداد هندی نوشته است. اعداد هندی پیشرو اعداد صفر و یک تا ۹ بودند. شهرت خوارزمی به قدری زیاد بود که این اعداد، اعداد عربی نامیده می‌شدند. ریشه لغت لگاریتم که امروز در حل مسائل ریاضی استفاده زیادی دارد، از لغت الگوریتم مشتق شده است که مربوط به خوارزمی می‌باشد.

قدرت طوفان گردبادهای آمریکای شمالی

نیروی طوفان گردبادهای آمریکای شمالی باعث آزاد شدن طوفان می‌شود، اما این بادها مسئول یک قسمت خسارات می‌باشند، چون بادهای شدید باعث ایجاد فشار فوق‌العاده‌ای می‌شوند که منجر به انفجار ساختمان‌ها می‌شود.

برای این که بفهمیم که چگونه باد چنین فشاری را به وجود می‌آورد، باید اصل برنولی را به خاطر بیاوریم. طبق این اصل یک طوفان سریع هوا، فشار کمتری دارد تا طوفان آهسته هوا یا هوای ساکن.

بنابراین اگر بادهای خیلی شدید گردبادهای آمریکای شمالی از روی خانه‌ها رد شوند، فشار را طوری کاهش می‌دهند که خیلی کمتر از فشار هوای ساکن در داخل منازل می‌باشد. بعضی اوقات، پشتبام خانه به خاطر اختلاف فشار به طرف بالا پرتاب می‌شود. به محض این که پشتبام به طرف بالا پرتاب شد، جذب طوفان گردبادهای آمریکای شمالی شده و با سرعت شدید به سمت جلو می‌رود. با آزمایش ساده زیر می‌توانید پی به این مسله ببرید: یک اسکناس را روی پشت دست خود قرار دهید و با دست دیگر خود انتهای آن را که به شما دورتر است، محکم نگهدارید تا پائین نیافتد حال روی سطح اسکناس را فوت کنید. باید اسکناس مقداری بالا رود. اگر از بالا به اسکناس فوت کنید، این اتفاق نمی‌افتد. اما اگر جریان نفس شما به موازات سطح اسکناس قرار گیرد، می‌بایست بتوانید فشار هوا را در بالای اسکناس آنقدر کاهش دهید که بلند شود. به محض این که اتفاق افتاد، هوای نفس شما به طرف زیر اسکناس می‌رود و آنرا در مقابل دستتان فشار می‌دهد.

وقتی که در طوفان گردبادهای آمریکای شمالی شیشه پنجره تکه‌تکه شود، معمولاً به خارج از منزل پرتاب می‌شود. یعنی نیرو از منطقه فشار زیاد در داخل منزل به منطقه فشار کم اثر می‌کند.

نانی که از دانه‌های غلات تشکیل شده است

علاقه مردم به تغذیه طبیعی از این مسئله ناشی می‌شود که ما در هنگام تغذیه طبیعی یعنی خوردن سبزیجات، میوه‌جات و گیاهان خوردنی، ویتامین بیشتری میل می‌کنیم. برای مثال وقتی که ما گندم و جو را آسیاب می‌کنیم، پوســـت آن یعنی سبوس آن از دست می‌رود، با این که میدانیم سبوس مقدار زیادی ویتامین B و آهن دارد، معذالک تحت شرایطی ممکن است، موارد ارزشمند غذائی دیگری از بین رود، اگر پوسته دانه گندم و جو بماند. تحقیقات جدید نشان داده است که بدن انسان مهمترین ماده معدنی یعنی کلسیم را توسط آرد سفید کسب می‌کند تا از گندم آرد نشده، آرد گندم نسبت به آرد سفید مقدار بسیار کمی کلسیم دارد، اما در عوض دارای اسیدی است که کلسیم می‌سازد. کلسیم به این شکل توسط بدن انسان به مشکلی جذب می‌شود.

اگر شـــما به شکل دیگر، کلسیم وارد بدن خود کنید مثلاً به شکل شیر، دیگر آنقدر احتیاج به کلسیم نان ندارید. اما برای افرادی که بی نظم غذا می‌خورند و برای بچه‌هائی که هنوز، رشد می‌کنند، نقص کلسیم می‌تواند باعث ناراحتی شود. در جنگ جهانی دوم در شهر دوبلین، فقط نان سفید گندم مصرف می‌شد، به این دلیل، بیماری استخوانی واگیردار راشیتیسم شیوع پیدا کرد. امتیاز اصلی نان گندم این است که خیلی برای هضم خوب است، چون دارای الیاف گیاهی است. محصولات دانه‌های غلات به هضم کمک کرده و از بروز بیماری‌های التهاب روده کور، سنگ مثانه، سخت شدن رگ‌های خونی و بعضی از انواع سرطان‌ها جلوگیری می‌کند. گندم کامل هم مثل بقیه مواد غذائی هم محاسنی دارد و هم اثر منفی‌ای. ارزش مواد غذائی فقط بستگی به خصوصیات شیمیائی آن ندارد، بلکه به همان اندازه تابع مواد غذائی دیگری است که میل می‌کنید.

پدر، جنسیت را تعیین می‌کند

تحقیقات ژنتیکی نشان داده است که هر سلول انسان دارای ۴۶ کروموزم است که حامل اطلاعات ژنتیکی می‌باشند. اطلاعات ژنتیکی خصوصیت‌های سطحی مثل رنگ چشم و خصوصیت‌های اصلی مثل جنســـیت را تعیین می‌کنند. ۴۶ کروموزم به ۲۳ جفت تقسیم شده‌اند. یک کروموزوم هر جفت را توسط پدر و دیگری را توسط مادر دریافت می‌کنیم. در تمام جفت‌ها به جز یک جفت، هر دو کروموزوم دارای ساختار مساوی و اندازه مساوی هستند.

فقط در یک جفت، نباید این تطابق وجود داشته باشد. شما دارای یک کروموزوم X هستید که به عنوان یک قسمت از جفت مادرتان به ارث برده‌اید. اگر مرد هستید، شما یک کروموزوم Y از پدرتان به ارث برده‌اید که کروموزوم X مادرتان را تکمیل می‌کند. اگر زن هستید، از پدرتان کروموزوم X و نه Y به ارث برده‌اید به طوری که حالا شما در این آخرین جفت ۲ کروموزوم X دارید. کروموزوم در لغت به معنی جســـم رنگی است. صد سال پیش زیست‌شناسان با کمک میکروسکوپ توانستند با رنگ کردن سلول ذرات داخل سلول را ببینند. کروموزوم‌ها به راحتی رنگ‌های معینی را جذب می‌کنند و در زیر میکروسکپ به شکل کالباس دیده می‌شوند. زنان در بیست و سومین جفت کروموزوم خود دارای ترکیب XX و مردان XY می‌باشند که مسئولیت جنسیت را در بردارند. شما از مادر فقط می‌توانید یک کروموزم X داشته باشید، چون سلول‌های تخمک انسان فقط کروموزوم X دارد. برعکس از پدر می‌توانید یا کروموزوم‌های X یا Y به ارث ببرید، چون سلول‌های تخمک هر دو نوع را می‌تواند نشان دهد. پس جنسیت شما بستگی به این دارد که آیا شما از پدرتان کروموزوم X به ارث برده‌اید یا Y.

حیوان یا گیاه؟

تا اواخر قرن بیستم، تعریف حیوان عبارت بود از: موجوداتی که حرکت می‌کنند، غذا می‌خورند و تا اندازه معینی رشد می‌کنند. و گیاهان، بر عکس دارای خصوصیاتی متضاد آنها بودند. گیاهان غذا نمی‌خورند، چون غذای خود را توسط پدیده فتوسنتز، و نور آفتاب تهیه می‌کنند، چون توسط پدیده فتوسنتز آب، املاح معدنی و گاز کربنیک به وجود می‌آید. اما این تعاریف در قرن اخیر به زیر سئوال رفت. برای مثال میکروسکپ‌های قوی نشان داد که قارچ ساختار مخصوصی به خود دارد که نه می‌توان آنها را جزو حیوانات به حساب آورد و نه گیاهان. بعضی از تک‌سلولی‌ها غذای خود را مثل گیاهان می‌سازند، اما مثل حیوانات شنا می‌کنند. بر اثر تحقیقات جدید، اختلاف آنها با گیاهان روشن شده است. بعضی از سلول‌های زنده دارای یک هسته و یک بدن هستند که به موقع تقسیم سلولی آنها نیز تقسیم می‌شوند و اطلاعات ژنتیکی در آنها قرار دارند: بقیه سلول‌ها، برعکس هسته ندارند و اطلاعات ژنتیکی نیز در داخل سلول پخش شده است.

سلول بدن انســـان دارای هسته است. سلول‌های حیوانی و گیاهی نیز دارای یک هسته هستند. باکتری‌ها دارای هسته نیستند. امروزه دیگر سئوال نمی‌کنند که موجود زنده حیوان است یا گیاه، بلکه می‌پرسند سلول آن هسته دارد یا نه؟ بسیاری از زیست‌شناسان مواد حیاتی را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:

۱ ـ محصولات لبنی که طبیعتاً همه آنها دارای منشاء حیوانی هســـتند و جانداران دریائی جزء این دســـته‌اند. ۲ ـ میوه‌جات و سبزیجات مثل کرفس، گوجه‌فرنگی و سیب ۳ ـ قارچ و قارچ‌های خیلی ریز روی پنیر و مایه خمیر جزء این دسته هستند. قارچ از اکسیدکربن و نور خورشید تغذیه نمی‌کند، بلکه از مواد دیگری که روی زمین وجود دارند، تغذیه می‌کند. دیواره‌های سلول‌های سلول آن از چیتین (chitin) و یک ماده‌ای که سطح خارجی حشرات را تشکیل می‌دهد ساخته شده است. ۴ ـ اسیدهائی که برای انعقاد پروتئین شیر بالنتیجه برای تهیه ماست و پنیر استفاده می‌شوند از باکتری‌هائی تشکیل شـــده‌اند که نه گیاه هستند و نه حیوان و نه قارچ، بلکه خود این دسته را تشکیل داده‌اند و دارای هسته نیستند و ابتدائی‌ترین جاندار هستند که به‌وجود آمده‌اند. ۵ ـ این دسته شامل زیبائی و بهداشت می‌شـــود که ما خمیردندان تهیه می‌کنیم. ماده سوزنده خمیردندان احتمالاً از موادمعدنی دیاتومن (Diatomeen) تشکیل شده است که ارگانیسمی است که اختلاف زیاد با باکتری دارد. دیاتومن در دریـــا زندگی می‌کند. دیاتومن جزو پروتوزن‌ها (Protozen) است که شاید گیاهان و حیوانات امروزی مدت‌ها پیش از آن نشأت گرفته باشند.

چرا حجامت مفید است؟

دویست سال پیش، پزشکان حجامت را تجویز می‌کردند ولی بیشـــتر از صد سال است که در اروپا دیگر این عمل مد نیست و پزشکان آنرا تجویز نمی‌کنند. ولی اخیراً پزشکان در اثر تحقیقات جدید به ارزش این عمل پی‌برده‌اند.

تمام سلول‌های زنده چه مربوط به انسان باشد و چه مربوط به باکتری، برای ادامه حیاتشان احتیاج به آهن دارند. امروزه برای تأمین آهن، از مواد غذائی متنوعی استفاده می‌شود که سرشار از آهن است. به عبارت دیگر امروزه ما بیشتر از مصرف طبیعی خود آهن به بدن خود می‌رسانیم.

اما باکتری‌ها هم احتیاج به آهن دارند. باکتری انسان را مریض می‌کند و ضمناً بدن انسان به کمک آن در برابر امراض از خود دفاع می‌کند و می‌توان با کاهش آهن باکتری را گرسنه نگه‌داشت.

بعد از عمل جراحی یا رشد سلول‌های سرطانی یا هنگام خطر بروز بیماری و عفونت، مقدار آهن بدن کاهش پیدا می‌کند. تحقیقات پزشکی ثابت کرده است که انسان‌هائی که در چنین وضعیتی، آهن بسیار همراه غذا میل می‌کنند، امکان مریض شدن یا ظهور عفونت افزایش پیدا می‌کند، چون باکتری‌ها قوی می‌شوند.

قبلاً منظور پزشکان از تجویز حجامت این بود که این باکتری‌ها را از سم خون خارج کنند. موفقیت آنها در این روش بخاطر این بود که به این طریق از بدن، ماده‌های غذائی‌ای که باعث بوجود آمدن میکروارگانیسم می‌شوند، دفع می‌کردند، چون این میکروارگانیسم‌ها باعث به‌وجودآمدن امراض می‌شوند.

معذالک نباید فراموش کرد که کمبود آهن در بدن انسان نیز خطرناک است و نباید بیش از حد حجامت کرد. امّا بنظر می‌رسد که این عمل حجامتی را که قبلاً به چشم عملی خشن نگاه می‌کردیم، دوباره جایگاه صحیح خود را پیدا کرده است.

ماخذ: مجله Medical Hypothese شماره ۲۱ سال ۱۹۸۶

گفتگوی اختصاصی با دکتر ایرج ملک‌پور

۱۳۹۴ سالی که نوروزش «شنبه» است



● بیتا مهدوی

درباره وجه تســـمیه این ضرب المثل آمده،ایرانیان باستان مردمی علاقمند به شادی جمعی و مشتاق نشاط بودند و برای هر تغییری حتی کوچک و پیش پا افتاده بهانه‌ای می‌ساختند برای برگزاری جشن و شادی،هدیه دادن، هدیه گرفتن، مهر ورزیدن و مورد مهرورزی واقع شدن به همین دلیل ایرانیان در سال بیش از پنجاه جشن بزرگ و کوچک برگزار می‌کردند که در میان این جشـــن‌ها نوروز از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار بود که از جمله قواعد غیر قابل گریز آن می‌توان به هدیه دادن و هدیه گرفتن از بالا دســـت تا پایین دست اشاره کرد از این رو هر ساله از سوی رجال،بزرگان،تجار،اقوام مختلف،نمایندگان کشورهای دیگر و..... به تناسب شغلشان به پادشاه هدیه تقدیم می‌کردند. در میان اقوام ایرانی قومی حسابگر و مشت سخت بودند که مشت سختی شان سبب شده بود تا هدیه نوروزی برخی سالهای شان تابع قاعده خاصی شود بدین ترتیب هر سال که نوروزش به شنبه می‌افتاد این قوم می‌بایست هدیه نوروزی چندین برابر هدیه دیگران پرداخت کنند از این رو هر آنچه که سال قبل اندوخته می‌کردند یک جا می‌پرداختند و نوروز نه تنها برایشان شادی آور نبود بلکه تلخی زهر هلال داشت.

هر سال با فرا رســـیدن فصل نو ایرانیان پاک نیت با تهیه تقویم روزهای ســـال را از نظر می گذرانند و ایام رابدنبال سالی پر از نیکبختی و شـــادی ورق می‌زنند. درکشور ما، تقویم دارای پیشینه‌ای بسیار طولانی است که در تدوین تقویم هجری شمسی از ویژگیهای تقویم‌های گذشته ایران استفاده شده است فرا رسیدن سال نو ما را بر آن داشت تا گفتگویی داشته باشیم با دکتر ایرج ملک پور منجم و استاد بازنشسته دانشگاه تهران که سالهای سال با عشقی وافر تقویم این مرز و بوم را استخراج کرد.

دکتر ایرج ملک پور منجم در مورد تعریف تقویم و تاریخچه آن به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: در اندازه گیری فواصل زمانی از مرزبندی خاصی استفاده می‌شود به طوری که برای فواصل زمانی کوچک شبانه روز از ساعت و اجزای آن و برای فواصل زمانی بزرگ از تقویم استفاده می‌شود. از این رو تقویم سامانه اندازه گیری فواصل زمانی طولانی‌تر از شبانه روز است.

در ازمنه باستان انســـان‌ها برای تعیین واحدهای زمان از پدیده‌های طبیعی با تکرار در فواصل زمانی منظم و قابل مشاهده استفاده می‌کردند. اولین پدیده با دوره زمانی بزرگ‌تر ازشبانه روز که نظر انسان را به خود جلب کرد تغییر شکل تناوبی بخش روشن روبه زمین کره ماه (اهله قمر)بود از این رو تقویم‌های اولیه اکثرا قمری بودند و واحد زمانی آن مدت یک ماه قمری (فاصله زمانی بین دو اهله مشابه متوالی ماه بود). انسانها بعد از استفاده از تقویم قمری متوجه شدند که این تقویم قادر به پیش بینی درست آغاز فصول طبیعی نیست زیرا در کشاورزی دانستن زمان آغاز فصول بسیار مهم و حیاتی بود چون فصول طبیعی بر پایه حرکت ظاهری خورشید بدور زمین مشخص می‌شود.

تاریخ استفاده انسان از تقویم شمسی به ۶تا ۷ هزار سال قبل بر می‌گردد که واحد زمانی آن سال شمسی و برابر با دوره مداری حرکت ظاهری خورشید بدور زمین است. در تعیین سال شمسی از نقطه اعتدال بهاری نیمکره شمالی زمین به عنوان مبدا حرکت خورشید در مدارش استفاده می‌شد بنا براین با رسیدن خورشید به نقطه اعتدال بهاری،یک سال شمسی پایان و سال جدید آغاز می‌شد. ایرانیان لحظه رسیدن خورشید به نقطه اعتدال بهاری را لحظه تحویل سال نام نهادند.لحظه تحویل سال ۱۳۹۴ هجری شمســـی ســـاعت ۲ و ۱۵ دقیقه و ۸ ثانیه بامداد روز شنبه اول فروردین ماه ۹۴ است.

وی در مورد قدیمی‌ترین تقویم ایرانیان می‌افزاید: قدیمی‌ترین تقویم شناخته شـــده ایرانیان تقویم فرس قدیم (تقویم یزدگردی باستانی) است که یزدگردی به معنای الهی و ایزدی است زیرا هر روز ماه این تقویم به ایزدی تعلق داشت و در آن مراسم ویژه مذهبی اجرا می‌شد مورخان ابداع این تقویم را به دوره جمشید (چهرمین شاه سلسله پیشدادی) نسبت می‌دهند. مبدا تقویم فرس قدیم به ۷۰۵۰ سال قبل بر می گردد سال تقویم شمسی دارای ۳۶۵ شبانه روز با ۱۲ ماه ۳۰ شـــبانه روزی و ۵ شبانه روز اضافه بود که با آغاز بهار شروع می‌شد و روزهای ماه با اعداد یک تا ۳۰ مشخص می‌شد از لحظه طلوع خورشید آغاز و در لحظه طلوع خورشید روز بعد پایان می‌یافت. این در حالی است که ایرانیان در آن ایام از کسر شبانه روز در طول مدت سال آگاهی داشتند از این رو اقدام به اجرای کبیسه در تقویم کردند ولی به منظور حفظ ترتیب توالی روزهای ماه،از دوره کبیسه طولانی مدت استفاده می‌کردند بدین ترتیب در مدت ۱۵۰۸ سال تعداد ۳۶۵ شبانه روز کبیسه،به صورت ۱۲ ماه ۳۰ شبانه روزی و ۵ شبانه روز اجرا می‌کردند. روش اجرای آن هم بدین ترتیب بود که مدت ۱۵۰۸ ســـال به ۱۳ دوره ۱۱۶ سالی تقسیم و در ۱۲ دوره ۱۱۶ سالی ۱۱۵ سال آن ۱۲ماهه و سال آخر دوره ۱۳ ماهه و در پایان ۱۱۶ سیزدهم کبیسه ۵ شبانه روزی اجرا می‌کردند باید یاد آوری کنم که مدت متوسط سال تقویم فرس قدیم با اجرای کامل این کبیسه‌ها حدود ۳۵ ثانیه کوچکتر از مدت سال شمسی آن ایام بود.

این استاد بازنشسته دانشگاه تهران در پاسخ به این پرسش که در تقویم امروزی ما سال جدید از چه زمانی آغاز می‌شود یاد آوری می‌کند: جشن‌های سال نو از لحظه تحویل سال آغاز می‌شود ولی از لحظه تحویل سال نمی‌توان به عنوان آغاز سال استفاده کرد زیرا مدت سال شمسی دارای تغییرات نامنظم،حداکثر حدود نیم ساعت و مدت متوسط آن ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه است بنا براین لحظه تحویل سال به طور متوسط هر سال حدود ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه دیرتر اتفاق می‌افتد و در نتیجه لحظه تحویل ســـال در سال مختلف در اوقات مختلف شبانه روز واقع می‌شود و این امر سبب می‌شود تا در زندگی روزمره به مشکلاتی مانند دو تاریخه شدن روزهای سال (تاریخ قبل از لحظه تحویل سال و تاریخ بعد از ساعت لحظه تحویل) روبرو شویم از این رو در تقویم‌ها از نوعی سال موسوم به سال تقویمی استفاده می‌شود که از ساعت صفر (یا لحظه نیمه شـــب) آغاز و دارای تعداد درستی از شبانه روز (۳۶۵ شبانه روز) است. آنگاه از قاعده‌ای استفاده می‌شود که قادر است هر گاه کسرهای شبانه روز صرفنظر شده چند سال متوالی بالغ بر یک شـــبانه روز شد شبانه روز اضافی را در سال تقویمی اضافه و سال را ۳۶۶ شـــبانه روز کند. در تقویم نگاری سال ۳۶۵ شبانه روزی را سال عادی سال ۳۶۶شبانه روزی را سال کبیسه و قاعده مورد اشاره را قاعده کبیسه می گویند.

وی در مورد تعداد ماهها،اســـامی و تعداد شبانه روز ماه‌ها می گوید: تقویم امروزی ما مانند همه تقویم‌ها ی متداول در گذشته و حال،دارای ۱۲ ماه است که اسم آنها با کمی تغییر در ماه دوازدهم (اسفند ارمذ)همان اسامی ماه‌های تقویم اوستایی (تقویم رایج در ایران در ســـال ۱۱۴۵ هجری شمسی قبل از هجرت)است. تعداد شبانه روز ماههای تقویم بجز در یک قرن اخیر همواره ۳۰ شبانه روز بود و در ۵ تا ۶ شبانه روز اضافی سال معمولا جشن‌های نوروزی بر پا می‌شد و در روز اول فروردین کارها از سر گرفته می‌شد. انتخاب تعداد شبانه روز یکسان برای ماه‌های سال سبب می‌شد تا آغاز فصول به دلیل متفاوت بودن مدت آنها با آغاز ماههای همزمان نشود بنابراین نیاز است که از ماه‌های با تعداد شبانه روز متفاوت استفاده شود. این مهم در تعیین تعداد شبانه روز ماه‌های تقویم هجری شمسی رعایت شد. زیرا، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، که با تصویب دوره پنجم مجلس شورای ملی، تقویم هجری شمسی تقویم رسمی ایران شد، مدت گردشده به شبانه روز فصول گرم (شامل بهار و تابستان) برابر ۱۸۶ شبانه روز و فصول سرد (شامل پاییز و زمستان) برابر ۱۷۹ شبانه‌روز بود. در این صورت، با انتخاب ۶ ماه ۳۱ شبانه‌روز برای فصول گرم و ۵ ماه ۳۰ شبانه‌روزی و یک ماه ۲۹ شبانه‌روزی برای فصول ســـرد سال‌های عادی (و ۶ ماه ۳۰ شبانه‌روزی در سال‌های کبیسه)، انطباق آغاز فصول با آغاز ماه‌ها حاصل می‌شود.

دکتر ملک‌پور در مورد قاعده کبیســـه تقویم می گوید: در تقویم‌ها، بجز تقویم ما، به کمک قاعده‌ای سال کبیسه را مشخص می‌کردند زیرا، در تقویم ایرانی‌ها از قاعده‌ای برای مشخص کردن سال کبیسه استفاده نمی‌شود. بلکه، سال کبیسه تقویم ما به کمک تعیین نخســـتین روز سال (یا اول فروردین) پیدا می‌شود. قاعده تعیین نخستین روز سال تقویم هجری شمسی همان قاعده تعیین نوروز تقویم جلالی (متداول در سال ۴۵۸ هجری شمسی) است. در این قاعده، لحظه تحویل سال با لحظه ظهر روزتحویل سال مقایسه می‌شود. اگر لحظه تحویل قبل از لحظه ظهر (مانند لحظه تحویل سال ۱۳۹۴ هجری شمسی) باشد، روز لحظه تحویل روز اول فروردین است. ولی، اگر لحظه تحویل منطبق بر لحظه ظهر یا بعداز آن باشـــد فردای روز تحویل روز اول فروردین است. حال، روز اول فروردین به دســـت آمده با روز ۲۹ اسفند سال سپری شده مقایسه می‌شود. دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد، در حالت اول، اول فروردین فردای روز ۲۹ اسفند واقع شود. در این صورت، سال سپری شده با ۶ ماه ۳۱ شبانه‌روزی، ۵ ماه ۳۰ شبانه‌روزی و یک ماه ۲۹ شبانه‌روزی، یا ۳۶۵ شبانه‌روزی، یک سال عادی است. در حالت دوم، ممکن است بین روز اول فروردین و روز ۲۹ اسفند یک شبانه‌روز فاصله باشد. در این حالت، برای پرکردن فاصله مورد اشاره، تنها، می‌توان اسفند سال سپری شده را ۳۰ شبانه روز در نظر گرفت. در این صورت، سال سپری شده با ۶ ماه ۳۱ شبانه‌روزی و ۶ ماه ۳۰ شبانه‌روزی، یا با ۳۶۶ شبانه‌روز، یک سال کبیسه اســـت. بررسی‌ها نشان می‌دهند که کبیسه‌های تقویم هجری شمسی هر ۴ سال (شامل ۳ سال عادی و یک سال کبیسه) یا ۵ سال (شامل ۴ سال عادی و یک سال کبیسه) اتفاق می‌افتند. به‌علاوه، ترتیب و توالی کبیسه‌ها و همچنین فاصله زمانی میان کبیسه‌های ۵ سالی نامنظم هستند و از قاعده مشخصی پیروی نمی‌کنند.وی در مورد مبدا تاریخ‌گذاری تقویم هجری شمسی می‌افزاید: مبدا تاریخ گذاری تقویم هجری شمسی از تقویم اسلامی گرفته شده است و در تعیین آن از هجرت تاریخی حضرت رسول اکرم(ص) از مکه به مدینه استفاده شده. بنابر نظر اکثر پژوهشگران، در روز دوشنبه اول ربیع‌الاول یک هجری قمری اتفاق افتاد که مطابق ۲۴ شـــهریور یک هجری شمسی است. بدیهی است که مبدای تاریخ‌گذاری، به دلیل قرار گرفتن واقعه هجرت در میانه



دکتر ایرج ملک پور

سال، باید از آغاز سال تقویمی واقع در سال هجرت در نظر گرفته شود. از این رو، مبدا تاریخ‌گذاری تقویم هجری شمسی آغاز بهار سال هجرت حضرت رسول اکرم(ص) است که مطابق جمعه اول فروردین یک هجری شمسی و ۳۰ شعبان سال یک هجری قمری پیش از هجرت است.

۷ـ در مورد استفاده از هفته در تقویم‌ها نظرتان را بیان کنید

این استاد دانشـــگاه تهران در مورد لزوم استفاده از هفته در تقویم یاد آوری می‌کند: در تقویم‌ها از واحدهای زمانی کوچک‌تر از ماه نیز استفاده می‌شـــود، که در حال حاضر، متداول‌ترین آن هفته است. ضمناً، در گذشـــته در ایران، مصر، چین و یونان از دوره‌های کوتاه‌مدت ۵ یا ۱۰ شـــبانه‌روزی (که کسری از ماه ۳۰ شبانه‌روزی است) استفاده می‌شد. ولی، امروزه همه ملل هفته را پذیرفتند. درباره پیدایش هفته نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است که این نظریه بیشتر پذیرفته‌شده که منشا آن را به وجود فاصله زمانی حدود ۷ شبانه‌روزی بین اهله چهارگانه ماه (یعنی از مقارنه تا تربیـــع اول، از تربیع اول تا بدر، از بدر تا تربیع دوم و از تربیع دوم تا مقارنه) مرتبط می‌دانند. بعد از متداول شدن هفته، کلدانی‌ها روزهای آن را با نام ۷ جرم سماوی متحرک (یعنی ماه، خورشید، عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل) نامگذاری کردند. دلیل استفاده از این اجرام این بود که کلدانی‌ها معتقد بودند این اجرام را خدایان هدایت می‌کنند. ترتیب اختصاص نام این اجرام به روزهای هفته بـــر پایه فاصله‌ای که در آن ایام برای هریک از این اجرام متصور بود، صورت گرفت. در آن ایام، ترتیب فاصله متصور این اجرام از زمین عبارت بود: ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل، از سوی دیگر، بابلی‌ها عدد ۷ و مضربی از آن را نحس می‌پنداشـــتند. از این رو، در روزهای هفتم، چهاردهم، بیست و یکم و بیست و هشتم ماه دست از کار می‌کشیدند و به استراحت می‌پرداختند (یعنی تعطیل می‌کردند). از قراین چنین بر می‌آید که در ابتدا، همواره، شنبه روز تعطیلی هفتگی بود و هفته از روز یکشنبه آغاز می‌شد. امروزه، برای کلیمی‌ها (نخستین ملتی که از هفته استفاده کرده‌اند) روز شنبه روز تعطیلی هفتگی است. بعد از کلیمیان، مسیحیان روز یکشنبه و سرانجام مسلمانان روز جمعه را روز تعطیل هفتگی تعیین نموده‌اند.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا برای سالها نام حیوانی انتخاب می‌شد می گوید: انتخاب نام حیوانی برای سال جزء تقویم ما نیست و از گذشته بجا مانده است انتخاب نام حیوان برای سال هجری شمسی جزء ویژگی‌های تقویم ترکی ـ مغولی است که از قرن هفتم هجری، پس از استیلای مغول‌ها بر ایران به تقویم ایرانیان راه یافت. در این تقویم از یک دوره ۱۲ سالی حیوانی، به ترتیب خاصی، برای نامگذاری سال‌ها استفاده می‌شود. هرچند استفاده از این تقویم از سال ۱۲۸۹ هجری شمسی منسوخ شد. معذلک، در تقویم‌های امروزی ایرانیان از آن استفاده می‌شود. برای نمونه سال ۱۳۹۴ هجری شمسی سال «گوسفند» است.در پایان، از فرصت استفاده می‌کنم فرا رسیدن نوروزباستانی را به هموطنان تبریک و شادباش می گویم و در سال نو، برای همه آنها سالی همراه با آرامش و پربرکت (که از خصایص گوسفند است)، البته همراه با سلامتی آرزو دارم.

دست‌های کودکی و اندیشه تقویم

من از کودکی دلبســـته بهار بودم و رسیدن عید. مثل همه بچه‌های ایران سفره هفت سین برایم پر از رنگ بود و شادی. بوی اسکناس نو و گرفتن عیدی از بزرگترها نشانه آمدن سال نو بود.

در کنار همه اینها طبیعت خیره ام می‌کرد. جوانه زدن آرام آرام یک گیاه و شکوفه کردن درخت‌های میوه با نفس گرم زمین و بهار به ذهنم تلنگر می‌زد. من عاشـــق ریاضیات بودم و این تصویرها را با دنیای ریاضی مقایسه می‌کردم. می‌خواستم حیرتم را از واکنش زمین به مدد اعداد و ارقام آرام کنم. خیلی از دوستان و همکلاسی‌های آن روزگارم می‌خواستند دکتر شوند، مهندس شوند یا خلبان. من به دنبال هیچ کدام از این شغل‌های طلایی نبودم. اما دوست داشتم آسمان را بشناسم و زمین را. دوست داشتم بدانم دنیای ریاضی در این میانه چه کاری از دستش ساخته است و بعد زمان گذشت. زمان گذشت تا تقویم را شناختم و فهمیدم سامان دادن به همین دفترچه کوچک و به ظاهر دم دست حاصل مطالعات بسیار و دقیق شدن بر حرکت خورشید است. در همین روزها بود که به یاد کودکی ام افتادم و حیرتم از طبیعت و مدد از ابزار ریاضی. به نظرم رسید من از همان کودکی با تقویم و آسمان تنیده شده‌ام.





● وجیهه تیموری

فاتحان شهرهای رفته بر بادیم
راویان قصه‌های رفته از یادیم
هان! کجاست
پایتخت قرن؟
ما برای فتح می‌آییم
تا که هیچستانش بگشاییم. (م. امید)

آن روزهای دور، آن روزهای دیر، آن روزگاران نخستین، عصر اساطیر است. عصری که نمی‌توانیم دقیقاً بگوییم چه قدر از ما دور است و فقط می‌توانیم از روی نشانه‌های باقی مانده از آن دوران، مفاهیم و تعابیری را برداشت و توجیه کنیم.

«عصر اساطیر»، عصر تولد بشر و سرآغاز شناخت او از هستی اســـت که بیانی رمز گونه دارد و با اسطوره سازی و خلق مفاهیم اساطیری برای ما مشخص می‌شود.

انسان آغازین، تاریخ اولیه خود را از طریق اسطوره‌پردازی رقم زد، بنابراین در شناخت فرهنگ و تمدن یک قوم، قبل از خواندن تاریخ، دانســـتن فراتاریخ آن قوم ضروری است. انسان بدوی در ســـپیده دم مه‌آلود زندگی، با جهانی پررمز و راز رویاروی بود. به گونه‌ای که خود را در محاصره نیروهایی فراتر از آنچه آشکار است می‌دید. از این‌رو در پی چاره‌اندیشی‌های مقدس برآمد، چه بسا که آن‌ها را بر سر مهر آورد و یا از خشمشان بکاهد. در نتیجه این کردار قدسی، اسطوره‌ها زاده شدند.«اسطوره»، نماد زندگی دوران پیش از دانش و صفت و نشان مشخّص روزگاران باستان است. تحوّل اساطیر هر قوم، معرّف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. در واقع، اسطوره، نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پویش بالا رونده ذهن بشری است.

میرچا الیاده ـ دین‌شناس رومانیایی اسطوره را چنین تعریف می‌کند: اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای اســـت که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده اســـت. به بیان دیگر، اسطوره حکایت می‌کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات فراطبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت، یا تنها جزیی از آن پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین، اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می گوید چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده‌است. اسطوره فقط از چیزی که به راستی روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید. شخصیت‌های اسطوره موجودات فراطبیعی‌اند و تنها به دلیل کارهایی که در زمان سرآغاز همه چیز انجام داده‌اند، شهرت دارند. اساطیر کار خلاق آنان را باز می‌نمایانند و قداست یا فراطبیعی بودن اعمالشان را عیان می‌سازند.

به‌عبارت دیگر، اسطوره تلاشی برای بیان واقعیت‌های پیرامونی با امور فراطبیعی است. انسان در تبیین پدیده‌هایی که به علتشان واقف نبوده به تعبیرات فراطبیعی روی آورده و این زمانی است که هنوز دانش بشری توجیه کننده حوادث پیرامونی‌اش نیست. به عبارت دیگر، انسان در تلاش ایجاد صلحی روحی میان طبیعت و خودش، اسطوره‌ها را خلق کرده است.

ریشه‌های اسطوره در واقعیت

انسان دوره نخستین، شروع می‌کند به کشف هستی پیرامونش، اما با ذهن و زبانی که بســـیار خام است و باید در طول زمان و در نتیجه شناخت و معرفت، هم کلمه بیابد و هم مراحل درک و شناخت را طی کند.

انسان عصر اساطیر درست مانند نوزادی است که دارد رشد می‌کند و تنها چیزهایی را درک می‌کند که حواسش درمی یابند. ذهن او عینیات را درک می‌کند نه ذهنیات را و توضیحی که برای پدیده‌ها ارائه می‌دهد، کاملاً عینی و شبیه درک یک کودک است. راهکارها و جهان‌بینی‌اش کاملاً حسی و عینی است.

مثلاً از نگاه اساطیری نقطه ضعف هر انسان حتی رویین تنان، یک نقطه فیزیکی در بدن است (چشم اسفندیار یا پاشنه پای آشیل) اما در عصر علم نقطه ضعف می‌تواند ذهنی و مثلاً یک خصلت اخلاقی باشد و به دژ شخصیت افراد از همین طریق وارد شد!

بنابراین اسطوره، مانند افسانه، مبتنی بر کذب و دروغ نیست، بلکه درک ناقص و عینی بشر از هستی و پدیده‌هاست و ریشه در حقیقت دارد. پدیده‌های طبیعی و واقعی در نگاه اساطیری، توجیه خاص دارند و در عصر دین و پس از آن در عصر علم توجیهات کامل‌تری می‌یابند.

کارکرد جادو در عصر اساطیر

هر چیزی در عصر اساطیر تحت کنترل یک نیروی ماورایی است و از نگاه اساطیری آن نیروی ماورایی «جادو» نام دارد و واسطه



بشر با ماوراء «جادوگر» است که اعمالی را برای رفع شر یا جذب نیروها توصیه می‌کند و به آن‌ها اوراد و اعمال جادویی می‌گوید.

«جادو» باور و اعتقاد و جهان بینی و آئین انسان نخستین است. وی، آن نیروی فرابشـــری را که درک می‌کند «جادو» می‌نامد و خود را مقهور آن می‌بیند و کارکرد آن را بر دو اساس «سرایت» و «تقلید» در می‌یابد. یعنی نیروی جادو، یا با تقلید یک کار اثر می‌کند یا با سرایت از چیزی که جادو شده است به چیزی دیگر، آن را نیز جادویی می‌کند.

به اعتقاد جادوگران، اصل تقلید و اصل سرایت، نه تنها در مورد آدمیان، بلکه درمورد طبیعت بی جان نیز صدق می‌کند.

جیمز جرج فریزر ـ منتقد اسطوره‌گرای انگلیسی در کتاب شاخه زرین می‌گوید:

«شاید آشناترین نمونه از جادوی تقلیدی، کوششی باشد که اقوام مختلف در طول اعصار و قرون به آن دســـت یازیده‌اند تا با صدمه زدن و نابود کردن تصویر دشمنان خود، به این دشمنان صدمه وارد آورند و آن‌ها را از میان بردارند. این عمل بر این اعتقاد استوار است که همانطور که تصویر زجر می‌کشد، دشمن نیز باید زجر بکشد و همانطور که تصویر نابود می‌شود، دشمن نیز باید نابود شود. زیرا شبیه، تقلید می‌کند. آشناترین مثال برای جادوی سرایتی نیز، اعتقاد به نوعی ارتباط بین شخص و بعضی از اعضای بدن او مانند ناخن و مو می‌باشد. به این نحو که اگر کسی به ناخن و یا موی کسی دسترسی یابد می‌تواند اراده خود را، از راه دور، بر صاحب ناخن و یا مو اعمال کند. این اعتقاد در سرتاسر دنیا رواج دارد و یک پدیده جهانی به شمار می‌رود. به غیر از ناخن و مو، سایر اعضای بدن مانند دندان و بند ناف نیز همین خاصیت را دارد.»

تداوم اسطوره

از نگاه بسیاری از اسطوره شناسان همچون میرچا الیاده، رولان بارت و یا کارل گوستاو یونگ، اساطیر نه پدیده‌هایی متعلق به زمان گذشته هستند و نه هرگز می‌میرند و از صحنه زندگی بشر حذف می‌شوند، بلکه با تغییر شکل در زندگی انسان امروزی تداوم یافته و تأثیری شگرف بر آن می‌گذارند. الیاده تحول اساطیر را در فرهنگ و ادبیات عامه پی گرفته، بارت آن را در رفتارهای روزمره زندگی انسان تشریح کرده و یونگ به تأثیر اساطیر در روان و ناخودآگاه آدمی پرداخته است.

اساطیر در زمان خود، جهان بینی و ایدئولوژی و باور آمیخته با جادو هستند که در زندگی انسان عصر نخستین پرتوان و نیرومند، نقش ایفا می‌کنند. پس از آن در زندگی اقوام و کسانی که بدان‌ها باورمند همچنان تأثیر دارند و به تدریج که خرد می‌شـــوند، در سنت‌های اجتماعی باقی و رایج و زنده می‌مانند.

امروزه بسیاری از کارهایی که سنت می‌نامیم را بدون توجه به زیرساخت کهن اساطیری آن انجام می‌دهیم و چه بسا به دنبال توجیه منطقی آن‌ها نیز نیستیم، ولی کشف ردپای اسطوره در بنیان آن‌ها، هم جالب اســـت، هم قدمت آن‌ها را مشخص کند و هم اشتراکات میان اقوام بدوی در نقاط مختلف جهان با مردم هم عصر خودمان در ایران و سایر جهان، را بیشتر می‌نمایاند.

توجه به زیرســـاخت اساطیری در بسیاری از آداب، آیین‌ها و مناسک از جمله شـــب یلدا، چهارشنبه سوری، جشن نوروز، میرنوروزی، سیزده بدر، ســـبزه گره زدن، اسپند دودکردن، آب پشت سر کسی ریختن، دسته گل به آب انداختن، قربانی کردن و خون کردن پیش پای مسافر یا عروس و داماد، مراسم عزاداری و تدفین، اهمیت زیر خاک کردن مو و دندان و بند ناف و جفت، کتمان نام زنان و دختران و بی شمار نمونه‌های دیگر، مبین تداوم اسطوره‌ها در زندگی معاصر است.حتی ضرب المثل‌ها نیز گاهی نشان دهنده این باورها و عقاید زنده سنتی و اجتماعی و هدایتگر ما به زیرساخت‌های فکری اساطیری هستند. در این راستا بد نیست نمونه‌هایی را با یکدیگر بخوانیم:

آب

اسطوره آب و در آمیخت هستی و زندگی و آفرینش با آب و رد شدن از آب، از جمله آرکی تایپ‌ها یا کهن الگوهای مشترک میان تمام اقوام بشری است که هم قدمت این اسطوره و هم اهمیت آن را نشان می‌دهد.

آفرینش آب نیز از اشک است و همین تصور خیال انگیز اسطوره‌ای، الهام بخش بسیاری از داستان‌ها و تصورات شاعرانه در باب هستی انسان و طبیعت شده اســـت. در واقع آب، مبدا





جهان، آفرینش و مبنای باروری و عشق است.

در عهد عتیق می‌خوانیم که موســـی، زن خویش را در کنار چاهی ملاقات می‌کند و نزدیک آب، عشق متولد می‌شود!

نظامی گنجوی نیز در داستان خسرو و شیرین، می‌گوید که خسرو پادشاه ساسانی، شیرین را در چشمه آب می‌بیند:

ز هر ســـو کرد بر عـــادت نگاهی
نظر ناگه بـــر افتادش بـــه ماهی
نـــه مـــاه آیینـــه ســـیماب داده
چو ماه نخشـــب از ســـیماب زاده
در آب نیلگون چون گل نشســـته
پرنـــدی نیلگـــون تا ناف بســـته

در ایران باستان نیز، ایزد بانوی آب ـ آناهیتا ـ ایزدی قدرتمند، برازنده و محبوب بوده است و پرستش این ایزد مربوط به هزاره نخست پیش از میلاد است و آیین این ایزد بانو به عنوان «ننه‌ی» (Nanai) تا دوران پارت‌ها ادامه یافته است. ننه‌ی نام سامی مادر ایزد بزرگ Magna mata است که در روزگار باستان آیینش از کرانه‌های مدیترانه تا سواحل دجله و فرات و دره سند و مرزهای خاوری ایران بزرگ گســـترده بود و با نام‌های آرتمیس، آناهید، ایشتر و ننه‌ی در میان یونانیان، بابلیان، لودی‌ها و مردم آسیای صغیر پرستیده می‌شد و بعدها به اوســـتا نیز راه یافت و آبان یشت در ستایش اوست.از این رو تشبیه زن و معشوق به چشمه و آب روان که در متون نظم دیده می‌شود برخاسته از این باور کهن است.

پری دریایی یا حوری دریایی که در کنار دریاها، جویبارها و چشمه ساران دیده می‌شـــود و عروسان آب‌ها هستند نیز در ادبیات فارسی، بسیارند. این همه نشان می‌دهد که «آب» و ایزد آب «آناهیتا» یکی از مقدس‌ترین عناصر طبیعی نزد ایرانیان باستان به شمار می‌رفته است.

ایرانیان باستان، آب جاری را مقدس می‌شمردند و به هیچ وجه آن را نمی‌آلودند و در تمیز نگاه داشـــتن آن دقت و توجه خاصی به کار می‌بردند. هم‌چنین با انجام مراسم ویژه‌ای، به مناسبت‌های خاص، برای آب قربانی می‌کرده و نثار می‌داده‌اند.

آناهیتا ـ ایزد بانوی محبوب بسیاری از سرزمین‌ها از غرب ایران باســـتان تا ارمنستان و آناتولی، و از بابل و دمشق تا سارد و شوش، بوده و در سراسر این مناطق معبدهای بسیاری برای نیایش و عبادت او برپا بوده است.

آناهیتا ـ حامی عشق پاک و بی پیرایه است و مراقب و نگهبان پیمان همسری و خانواده و سرچشمه و مایه همه ثمربخشی‌ها و باروری‌هاست که هر روز صبح، سوار بر گردونه‌ای زرین می‌شود و از آسمان، روان‌های ایرانیان و پاکی و وفای به عهد آنان را مشاهده و پیمان شکنان را مجازات می‌کند.

سنت‌ها و باورهای مربوط به تقدس و ارجمندی آب هنوز هم میان ایرانیان وجود دارد و در آداب و رسوم و اعتقادات آن‌ها پابرجاست. در مراسم عروسی، رسم بوده که بر سر عروس آب می‌ریخته اند، هم چنین پیش از پیمان زناشویی بستن رسم بوده که عروس و داماد به یکدیگر در کاسه‌ای آب نگاه کنند و سپس هر دو از آن بنوشند. آب ریختن پشت پای مسافران و در ظرف آب به دنبال گمشده‌ها گشتن از دیگر رسوم مربوط به تقدس و کرامت آب است. همچنین وقتی به ناگاه ظرف آبی بریزد و حتی اگر جایی خیس شود، چون آب است آن را به فال نیک می‌گیرند و می‌گویند: آب روشنایی است. دیگر این که حتی اگر کسی آب به کس دیگری تعارف کند، آن قدر مهم است که می‌گویند آب نطلبیده مراد است و نشانه کامروایی می‌باشد.

تقدس اساطیر آب

روان شناسی اسطوره‌ها، سرشت آدمی را روشن می‌سازد و همه نیازها و آرزوها و بیم‌های انسان را برملا می‌کند. اسطوره‌ها با نظام شناختی انسان پیوند می‌یابند و با شکل زندگی انسان در دوره‌های مختلف، زندگی و محیط جغرافیایی او ارتباط دارند. چنین است که مثلاً اسطوره آب در برخی تمدن‌ها، عامل مقدس است و در برخی دیگر، عامل طغیان و در جایی دیگر عامل حاصلخیزی می‌باشد.

در ایران به لحاظ خشکسالی و کمبود شدید آب، اسطورهٔ آناهیتا تقدس و اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و باعث می‌شود که آب در ایران مظهر تقدس و پاکی شود و مورد پرستش قرار گیرد. اما این تقدس در تمدن‌های شرق مانند چین دیده نمی‌شود به لحاظ این که کمتر دچار خشکسالی می‌شدند و به دلیل وجود رودهای متعدد برای هر رود خدایی وجود داشتند.

اساطیر آب در مصر نشأت گرفته از رود نیل می‌باشند. نیل به لحاظ تأثیری که بر حاصلخیزی منطقه می‌گذارد طغیان آن مورد توجه است و مردم و تکریم و تقدیس بسیار به آن می‌دادند. همان تقدس و تکریم را در هند برای اسطورهٔ رود گنگ می‌بینیم ولی این رود علاوه بر تقدسش به دلیل طغیان‌های زیاد باعث ترس و وحشت مردمان هند می‌شد که دلیل آن را به علت ناپاکی و گناه مردمان کنار ساحل می‌دانستند که باعث خشم اساطیر رود گنگ می‌شد.

در ایران هیچ رودی مقاوم ارزش رود زرد یا گنگ و یا نیل را ندارد و عامل تقدس، اهمیت دارد؛ به گونه‌ای که غوطه ور شدن در آب و خروج از آب، به نوعی تکرار عمل تجلی صورت در آفرینش کیهانی، پیوند با آب اســـت که همواره متضمن تجدید حیات و ولادتی نوست.

از دیگر سو، معانی و مفاهیمی که در مورد تقدس اساطیر آب در ادیان شرق و بین النهرین می‌باشد نشان می‌دهد که در هر دوی این ادیان، آب به معنی اسطوره مقدس، تطهیرکننده و پاک کننده می‌باشند یعنی عامل تجدید حیات (شستن گناهان) و نشانه باروری است. به طور مثال هر کسی در آب فرو رود، می‌میرد و مانند یک کودک بی گناه دوباره به دنیا برمی گردد ولی شکل این پاک بودن در این دو ادیان متفاوت است مثلاً در مورد اساطیر شرق با غسل (فرو رفتن در آب) و یا پاک کردن تخمه مردان و زهدان زنان در هنگام تولد این تطهیر پاکی صورت می‌گیرد، یعنی ذاتا آب عامل تطهیر و پاکی است و اکتسابی نیست ولی در چین این مواهب و پاکی‌ها را به آسمان نسبت می‌دهند که از طریق ابرهایی که در بالای منطقه رودها و دریاها متمرکز شده‌اند به دریاها و رودها منتقل می‌شود.

تفاوت دیگر این دو ادیان این است که اسطوره آب مقدس در بین النهرین نمادی از زن می‌باشد مانند آناهیتا در ایران، گنگا در هند و یا نیل در مصر ولی در شرق (چین) این اسطوره نمادی از یک موجود افسانه‌ای نر (اژدها) مورد توجه می‌باشد.

ناخن، مو، دندان و ناف

پیشتر اشـــاره کردیم که اسطوره در عصر نخستین اقتدار و تقدس بسیاری در زندگی مردم دارد و بسیاری از باورهای آن دوران در آمیخته با جادو و اعتقاد به تأثیر نیروهای جادویی است.

به تدریج که نظام شناختی انسان از عینیت به سمت ذهنیت

می‌رود، باورهای اساطیری و جادویی خرد می‌شوند و به صورت سنت‌ها در زندگی مردم زنده می‌مانند. از این میان برخی باورها زنده‌تر و پررنگ‌تر می‌نمایند که مراقبت از ناخن، مو، دندان و ناف برای جلوگیری از جادو شدن و آسیب دیدن بسیار ویژه می‌نماید. چرا که بزرگترین ترس انسان اساطیری، ترس از جادو شدن و ناشناخته‌ترین ترس، مردن بوده است. اعضای بدن و وسایلی که مدام با شخص در ارتباط‌اند نیز می‌توانند بنابر قانون سرایت، نیروهای شر را منتقل کنند یا برخی حالات را در صاحب آن چیزها، به وجود بیاورند.

صادق هدایت در کتاب نیرنگستان می‌نویسد: موی سر را اگر در سر راه بریزند، گنجشک برده و با آن لانه می‌سازد و صاحب مو سرگیجه می‌گیرد/ناخن گرفته شده را اگر زیر دست و پا بریزند، فقر می‌آورد/ دندان افتاده را باید سه بار کر داد و سپس دفن کرد و در سوراخ دیوار گذاشت/ یا اگر ناف بچه تازه به دنیا آمده را در سوراخ موش بگذارید، آن بچه موذی خواهد شد!

به طور کلی نیز در تربیت سنتی به ما می‌گویند شب‌ها، ناخن نگیرید یا مو شانه نکنید و در روز نیز آنها را مدفون کنید و رها نکنید. حتی به بچه‌ها می‌گویند: دندان شیری تان که افتاد آن پای گلدان یا در باغچه، خاک و سپس آرزو کنید.

اگرچه در عصر علم توجیه بهداشتی این کارها برای همه ما مشخص است ولی این باورها مربوط به امروز نیستند. از دیروزهای بسیار دور در ذهن و زبان مردم بوده‌اند.

دلیل اساطیری آن با توجه به باور قوی که نسبت به نیرو و تأثیر جادو در عصر اساطیر وجود داشته چنین است: مو و ناخن یا دندان یا بند ناف، بخشی از وجود افراد هستند که اگر بلایی سر آنها بیاید بر اساس سرایت یا تقلید، نیرویشان منتقل می‌شود و صاحب آن دندان یا مو نیز به آن بلا دچار می‌شود.به قسمی که اگر موی سر کسی را گنجشگ ببرد و با آن لانه بسازد، صاحب موی سر، با هر تکان و حرکت و پرواز گنجشک دچار سرگیجه خواهد شد.(جادوی سرایتی)ناخن یا دندان یا بندناف را اگر دفن نکنند و زیر دست و پا بیفتند و لگد شوند، صاحب آنها نیز به خاک سیاه می‌نشیند و زیر پاله می‌شود(جادوی سرایتی).

شبیه به این اعتقادات در بین قبایل استرالیایی نیز رواج دارد. فریزر در کتاب شاخه زرین می‌نویسد:اعضای قبیله، دندان‌های پسر جوان را در زیر پوست تنه درختی در کنار رودخانه دفن می‌کنند. اگر پوست درخت، روی دندان را بپوشاند و یا دندان درون آب رودخانه بیافتد، همه چیز به خیر و خوشی تمام خواهد شد، اما اگر مورچه‌ها به دندان دست پیدا کنند، به اعتقاد عوام، صاحب دندان، دچار بیماری دهان خواهد شد یا بعضی از قبایل غرب استرالیا معتقدند که کسانی که شناگران خوبی هستند، آنهایی هستند که پس از تولد، مادرشان بند نافشان را داخل رودخانه انداخته است و به همین دلیل این اشخاص می‌توانند به خوبی در آب شنا کنند. افرادی که شنا بلد نیستند، آنهایی هستند که مادرشان بند نافشان را داخل رودخانه نینداخته است (جادوی تقلید).

اعتقاد به مواظبت از موی سر و ناخن، در دوران باستان نیز رواج داشته است. در اوستا، کتاب دینی زردشتیان تأکید شده است که در مواظبت موی سر و خرده ناخن بکوشند تا به دست جادوگر نیافتد. آنها معتقد بودند اگر کسی از موی سر و ناخن خود مواظبت نکند، ممکن است به دست افراد غریبه بیافتد و آنها از طریق آزار رساندن به موی سر و ناخن آن شخص، به او آزار برسانند.

بعدها در عصر دین، دستورات دینی به آداب خاصی برای کوتاه کردن مو یا ناخن اشاره کردند و دستورات بهداشتی عصر علم نیز افراد را از ریختن مو، ناخن در هرجایی، پرهیز دادند.

گره‌زدن

بسیاری وقت‌ها، چیزی که گم می‌شود، می‌گویند اگر دُم شیطان یا دختر شاه پریان را گره بزنید، زود پیدا می‌شود و چه بسا که بلافاصله گوشه چارقدی یا کنار دامنی گره زده و گمشده به سرعت پیدا شود.

خیلی وقت‌ها، کسی که در کارش یا بختش مشکل پیش می‌آید، می‌گویند او را بسته‌اند!

کسی که در برابر یک نفر مسخ است و هرچه بگوید می‌پذیرد، از نظر بقیه زبان بند دارد یا زبانش را بسته‌اند!

در سر سفره عقد نیز بعضی‌ها با نیت سوء، بخت عروس را با سنجاقی می‌بندند و بعضی‌ها به زبان مادرشوهر قفل می‌زنند.

موقع زایمان به ویژه اگر زایمان سخت می‌شده است، قفل‌های درها و پنجره‌ها حتی صندوقچه‌ها را باز می‌کردند تا زایمان به سهولت و سلامت انجام شود.

از آن طرف، بیمارانی با طناب فیزیکی خود را به مکانی مقدس گره می‌زنند تا شفا یابند یا حاجتشان را با قفل یا بندی پارچه‌ای به میله‌های یک نیایشگاه قفل می‌کنند تا زودتر به اجابت برسند.

در روز «جشن بهاران» مراسم دفع شر و جادو شروع می‌شود. مردها و پسرها با شلاق و زنگوله سر و صدا و بازی راه می‌اندازند. زنان سینی‌های بخور می‌گردانند و زنگ کلیساها و تمام خانه‌ها به صدا در می‌آیند

در سیزده بدر نیز خیلی‌ها سبزه گره می‌زنند و هزار آرزوی خیر و خوش برای خود می‌کنند.این مثال‌ها خیلی آشنا هستند. چون بسیار رایج و فراگیر می‌نمایند. زیر ساخت اساطیری این رفتارها نیز مبتنی بر تأثیر نیروی جادو از راه سرایت یا تقلید است.در همه این موارد چه گره مثبت باشد چه گره منفی، با تقلید عمل گره زدن، چیزی را می‌بندند یا با عمل گره زدن خود را به منبع نیروی جادویی یا مثبت، متصل می‌کنند تا آن نیرو به آنها سرایت و اثر کند.حالا دیگر درک زیرساخت سبزه عید گره زدن، دشوار نیست. چرا که طبیعت همواره منبع حیات و انرژی و زندگی بوده است و آب و سبزه و سبزی و گیاه نیز همین تأثیر و خاصیت را دارد. وقتی رشته‌های سبزه را گره می‌زنیم و آرزویمان را به آن می‌گوییم و بعد سبزه را در آب رها می‌کنیم، بر این باوریم که آرزو و خواهش ما با این سبزه و آب و جریان هستی گره می‌خورد و نیروی حیات و توان زندگی و زایش از طریق تماس این گره‌ها با آب به ما منتقل و آرزوی ما برآورده می‌شود!

فریزر در کتاب شاخه زرین مثال‌های متفاوتی از کارکرد گره‌زدن میان اقوام و ادیان و فرهنگ‌های مختلف می‌زند و می‌نویسد: «طبق اصول جادوی تقلیدی، مانع فیزیکی گره در طناب یا لباس، مانع همانندی در بدن یا زندگی و کار طرف ایجاد می‌کند. برای همین زایران مسلمان که در وضعیت احرام یا تابو قرار دارند نه در لباس‌شان گرهی باید باشد و نه حلقه‌ای به دست»

وی به مثال‌های جالب دیگری از کاربرد گره زدن اشاره می‌کند و می‌گوید: «گره‌های سحرآمیز را می‌توان برای جلوگیری از فراق به کار برد. در سوئیس، غالبا در کناره گذرگاه‌ها، سبزه‌هایی را می‌توان دید که گره خورده اند. هریک از این گره‌ها حاکی از غم فراق است. زنی شوهرش را رها کرده و رفته است و خود و یارانش به دنبال همسر فراری، روان شده‌اند و در سر راه سبزه‌ها را گره زده‌اند تا بلکه در رفتن او گره ایجاد کنند و از دَور شدنش جلوگیری کنند.



تور را به دلیل گره‌های فراوانی که دارد، همواره در روسیه در برابر جادو و جادوگران بسیار مؤثر می‌دانند. از این رو در بعضی جاها وقتی عروس، لباس عروسی به تن می‌کند، یک تور روی سر او می‌اندازند تا از خطر و آسیب مصون شود. به همین نیت داماد و یارانش را نیز با تکه‌ای تور یا کمربندی ریزبافت به هم می‌بندند تا پیش از آن که جادوگری بتواند آسیبی به آنان برساند، داماد باید همه گره‌های تور را باز کند یا کمربند را بگشاید.»

راندنِ شر یا بلاگردان

دور کسی گشتن و بلاگردان شدن و اسپند دور کسی دودکردن برای دفع شر یا بیماری با انرژی منفی و چشم زخم و خلاصه این راندنِ شر به وسیله گردیدن و دایره زدن دور چیزی، از جمله رسوم مبتنی بر جادوی سرایت است.

شر یا نیروی منفی، لزوما از انسان به انسان سرایت نمی‌کند. می‌تواند از انسان به حیوان یا شیء هم انتقال یابد فقط به اولین کسی یا چیزی منتقل می‌شود که با او تماس بگیرد. حال با گردیدن دور چیزی یا با برخورد با آن بلا از یکی به دیگری منتقل می‌شود. بلای مریض به دانه‌های اسپند می‌رود و در آتش سوزانده و دور و پاک می‌شود. حتی وقتی کسی سکه صدقه را دور سر کسی می‌چرخاند و بعد آن را به کسی می‌دهد، همین زیرساخت را رعایت می‌کند ولو ناخودآگاه!

همچنین شاید شنیده باشید که در یک جمع وقتی شیئی را به ناگاه می‌شکند یا حیوانی می‌میرد می‌گویند خیر است، قضا و بلا بوده است که به آن خورده است و دفع و دور شده است!

یا در مراسم چهارشنبه سوری، کنار آتش می‌ایستند یا از روی آن می‌پرند یا دور آن می‌گردند و می‌گویند که زردی من از تو، سرخی تو از من! باز هم از زیرساخت جادوی مسری استفاده می‌شود. بیماری و مریضی و زردی، از شخص به آتش رانده می‌شود و سرخی و سلامت و سرزندگی از مرکز دایره که آتش باشد، به شخصی که دور آن می‌گردد یا کنار آن است منتقل می‌شود.

بر همین اساس و به گزارش فریزر، در بعضی از جزایر هندشرقی فکر می‌کنند که صرع را می‌توان با زدن برگ درختان خاصی به صورت بیمار و سپس دورانداختن آن درمان کرد. گمان می‌رود که بیماری با برگ از بدن بیمار بیرون می‌رود و زایل می‌شود.در قبایل وارامونگا و تیجینگلی مرکز استرالیا، آنهایی که سردرد داشتند غالبا دیده شده است که حلقه سر زنان را به سر می‌گذاشتند تا درد به حلقه منتقل شود و بعد آن را دور بیاندازند. بومیان به کارایی این درمان سخت معتقدند. به همین نحو، وقتی کسی شکم درد از سر پرخوری دارد، حلقه سر زنش را روی شکمش می‌گذارد تا جادوی شومی که موجب درد است به آن منتقل و سپس به میان بوته‌ها افکنده شود!

در اروپای مرکزی، در جشن بهاران، مردم از چند روز قبل خانه تکانی می‌کنند و نیروهای شر را از خانه بیرون می‌رانند. بر همین اساس، در یک سه شنبه، نیمه شب بافه‌هایی از صمغ و شوکران خالدار و اکلیل کوهی و شاخه‌های آلوچه گرد می‌آورند تا افرادی از طرف کلیسا، آنها را در روز جشن، در آتش بسوزانند. در سه روز آخر آوریل نیز، همه خانه تکانی می‌کنند و با میوه اردج و سُداب، دود می‌دهند. در روز «جشن بهاران» مراسم دفع شر و جادو شروع می‌شود. مردها و پسرها با شلاق و زنگوله سر و صدا و بازی راه می‌اندازند. زنان سینی‌های بخور می‌گردانند و زنگ کلیساها و تمام خانه‌ها به صدا در می‌آیند و خلاصه باید با هر وسیله‌ای غوغا به پا کنند و هفت بار دور خانه‌ها، میدان‌ها و دهکده بدوند تا جادوها و جادوگران و نیروهای شر، متواری شوند!

جمع‌بندی

آداب اجتماعی و باورهای فرهنگی هر قومی نشان دهنده ترس‌ها و حسرت‌ها و باورها و آرزوهای جمعی آن ملت است.

این که برخی چیزها ناخودآگاه در فرهنگی تابو هستند و برخی چیزها، مقدس و مکرم، ریشه در ناخودآگاه جمعی آن ملت و زیرساخت‌های اساطیری آنها دارد.علم و منطق اگر با این آداب هماهنگ نباشد، سعی می‌کند آنها را کمرنگ نماید و با توجیهات منطقی، از شدت و قوت آنها بکاهد و چه بسا توجیهات قانع کننده‌ای برای همه آنها نتواند ارائه دهد.به نظر می‌رسد روانشناسی اساطیر و جامعه شناسی هریک از سنت‌های رایج و زنده کاری در همین راستا است تا ضمن محکم‌تر کردن زیرساخت‌های فرهنگی، به پیرایش و آرایش آنها نیز پرداخته شود.



شاخه‌ها پر از بهار

ونوس جامی‌پور (انیس)

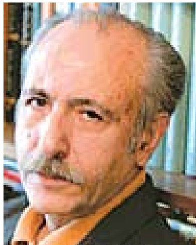
نگاه من چه عاشقانه بیقرار می‌شود
دوباره خاک غمزده بنفشه زار می‌شود
در این شب سیاه دل، ستاره‌های زندگی
به کاغذ سپید من چه بیشمار می‌شود
غبار سرد خستگی، از این دیار می‌رود
و جای جای آسمان پر از شرار می‌شود
کرانه های مهر را به غنچه ها سپرده‌ای
تمام باغها ببین، که گل حصار می‌شود
«انیس» عشق می رسد به جشنواره‌ی زمین
زلال جاری غزل چو آبشار می شود
دوباره خنده‌های ما پر از گل محمدی
دوباره روی شاخه‌ها پر از بهار می‌شود



نوروز نو

هما ارژنگی

دوش دیدم مام میهن را به خواب
چهره‌َ پر آژنگ و چشمانش پر آب
در نگاهش حسرت و غم بسته تار
دل پر آشوب و روانش پر شرار
سر به دامانش نهادم بی قرار
بی بهانه، گریه کردم زار زار
گفتم: ای نام من ای ناموسِ من
واژه مهرت همه قاموسِ من
باز گو آخر چرا افسرده ای ؟
این چنین سر در گریبان برده ای؟
داد پاسخ مام مهر آیینِ من
دردمندَم، با که گویم اَین سخن ؟
من فلاتِ پاکِ ایران بوده ام
مهدِ گُردان و دلیران بوده ام
سر زمینِ مهر و داد و راستی
دشمنِ جور و دروغ و کاستی
خاستگاهِ بخردی ، دانشوری
مردمی، یزدان پرستی،سروری
دینِ من وجدان و نیکی پرورید
در جهان، آیینِ رادی گسترید
روزگاری دامنِ این سرزمین
میگذشت ازمصرویونان تا به چین
بر جبینم چون نشانِ داد بود
مردمان را دل ز غَم آزاد بود
لیک چون توفانِ خودکامی وزید
روزگارِ جهل و نادانی رسید
برد از منَ نام نیک و آبرو
شیوهِ ناَ بخردانِ زشت خو
سینه ام درچنگِ اهریمن شکست
پاره پاره پیکرم از هم گسست
دشمن از هر سو به کرداری پلید
ساخت ترفندی و نقشی آفرید
تا که طفلانم ز من سازد جدا
نام ها بنهادشان نا آشنا
یا که تا مرزی ز نو آرد پدید
هر کجا تازید آنجا خط کشید
وین ندانستی که این نجدِ سپند
در جهان پاینده ماند بی گزند
مرز ها زاییدهِ ی پندار ماست
خط کشیدن های دشمن بی بهاست
اینک ای فرزندِ ایرانی من
چون شنیدی دردِ پنهانیِ من
با همه اندوه و ناخشنودی ام
می رسد پیکی پیِ بهبودی ام
می رسد پیکِ بهار از آسمان
همرهِ نوروزِ زرین پرنیان
از سمنگان، تا بخاراَ، تاشکند
چاچ ومرو وآن سمرقند وخجند
شکی و شروان و قفقاز و آران
کابل و بلخ و هرات و بامیان
تیسفون و خانقین و بارزان
تا حلبچه ، مدفنِ آزادگان
هند و پاکستان و بحرین و ختنَ
با بلوچ و ترک و کرد و ترکمن
از چکادِ زاگرس وکوهِ سهند
بیستون و قاف و البرزِبلند
سیر دریا ، زرفشان، اروند رود
سند و آمو و ارس آرد درود
خوزی و پشتون و مازی همنوا
ازبک وتاجیک وافغان یک صدا
جمله با آواز و در خنیاگری
باز می خوانند با لفظِ دری
شادی نوروز بر تو ارمغان
شاد بادا جشن و آیینِ مهان
ما همه فرزندِ دلبندِ توایم
تا جهان بر جاست همونِدِ توایم
وارثانِ دانش و اندیشه ایم
بخت یارانیم کز یک ریشه ایم
غم مبادت ای سترگِ بی خزان
با شکوه و فرِ یزدانی بمان
ای بلند آوازه مام مهرَبان
جاودانی، جاَودانی، جاودان



بهشتِ لقا

بهاءالدّین خُرمشاهی

مَنش شناخته از ابتدا چه خوشبختم
خدا اگر بشناسد مرا چه خوشبختم
بگوید ار نشناسم تو را چه بدبختی است
بگوید ار بشناسم تو را چه خوشبختم
اگرچه نیست مرا نفسِ مطمئنّه ولی
بگوید ارکه به سَویم بیا چه خوشبختم
بغیر یاد وی از خاطرم گریزد و غیر
همین که هست به یادم خدا چه خوشبختم
برای یافتن او شکسته دل گشتم
به یک خطابِ شکسته دلا چه خوشبختم
برفت قافلهٔ عمر و غَافلم از خویش
به یک ترنّمِ بانگِ درا چه خوشبختم
چو گنج در دلِ ویَرانه می‌شود پیدا
از اینکه دَل شده ویران سرا چه خوشبختم
به کیمیای سعادت رسیدم از ایمان
بدون سیم و زر و کیمیا چه خوشبختم
مراست سلطنتِ فقرِ حافظانه و شکر
به کبریایَ خدَا، بی‌ریا چه خوشبختم
ز دور شعلهٔ طورم به خویش می‌خوانَد
وگر عصا نشود اژدها چه خوشبختم
هرآنچه خانه ز خورشید نور می‌گیرد
به سهم خویش بدادم رضا چه خوشبختم
پس از خدا بَه دلم مهر اولیا افتاد
اگرچه نیستم اَز اولیا چه خوشبختم
مرا بس است بهشتِ لقا برو زاهد
ببین بدونِ بهشَت شما چه خوشبختم
خدا شناسم و درَ دل یکَ آرزو دارم
که‌گر خدا بشناسد مرا چه خوشبختم

گفتگوی اختصاصی با امیر پوردستان فرمانده نزاجا

سال تحویل را با سربازانم خواهم بود

اشاره: متولد ۴ آذر ماه ۱۳۴۰ است و به عنوان فرمانده یکی از نیروهای کلیدی ارتش جمهوری اسلامی ایران، علاقه خاص و ویژه‌ای به نیروهای تحت امرش دارد. همواره ترجیح می‌دهد در کنار همکارانش و در محل کارش حضور داشته باشد. دوبار سابقه مجروحیت در جبهه‌های حق علیه باطل دارد، در نخستین بار توانست پس از مداوای جراحتش بلافاصله در صحنه نبرد حضور یابد ولی در دفعه دوم به لحاظ عمق جراحت، عصب دست راستش آسیب جدی دید و پس از درمان‌های پیاپی و پیوند عصب، حالا می‌تواند دستش را حرکت دهد، البته هنوز هم با دردهای گاه و بی‌گاه آن، یاد دوران مجروحیتش در جزیره مجنون می‌افتد. بسکتبال و فوتبال، جزو رشته‌های ورزشی مورد علاقه‌اش است، در دوران جوانی به طور حرفه‌ای بسکتبال بازی می‌کرده است و اکنون هم به بازی در این ورزش علاقه‌مند و برخی مواقع همراه همرزمان قدیمی‌اش و پیشکسوتان، بسکتبال‌بازی می‌کند.

در همان دقایق اولیه صحبت با این امیر ارتش، متوجه خونگرمی وی می‌شوی، ویژگی که آن را فقط می‌توان در هموطنان در جنوب کشور به ویژه خوزستان پیدا کنی.



● **گفتگو: امیر طوسی‌نژاد**

در اهواز به دنیا آمده و در دبیرستان «مصطفی خمینی» (شاهپور سابق) فعالیت‌های انقلابی خود را همزمان با آغاز نهضت امام خمینی(ره) قبل از انقلاب آغاز کرده است.

امیر احمدرضا پوردستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که از ۶ سال قبل عهده‌دار این وظیفه خطیر است، درباره نحوه ورودش به ارتش می‌گوید: پس از انقلاب اسلامی در باشگاه پاس، بسکتبال بازی می‌کردم، این باشگاه یک سرپرست داشت که ستوان بود و بسیار خوش‌تیپ. او در بازی یاری‌مان می‌کرد، از آن زمان ورود به نیروی نظامی، به فکرم خطور کرد و پس از آن وارد دانشگاه افسری شدم.

فرماندهی گروهان پیاده مکانیزه در لشکر ۹۲ زرهی، فرمانده تیپ ۲۵ تکاور، فرماندهی لشکر ۸۴ خرم‌آباد، فرماندهی لشکر ۷۷ مشهد، فرماندهی دانشگاه افسری امام علی(ع)، فرماندهی ارشد استان فارس و جانشین نیرو، از جمله مسئولیت‌هایی است که امیر ورزشکار نیروی زمینی آن‌ها را تجربه کرده است و اکنون با کوله‌باری از دانش و تجربه، در سمت فرماندهی نزاجا مشغول انجام وظیفه است.فرمانده پنجاه و سه ساله نیروی زمینی در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه دفاعی «اطلاعات»، در کمال حوصله و دقت، سئوالات مطرح شده را پاسخ می‌دهد، پاسخ‌هایی که فقط از یک فرمانده متواضع و با روحیه والای ارتشی باید انتظار شنیدن آن‌ها را داشت.

شکل‌گیری ۲۹ فروردین

امیر پوردستان در ابتدای این مصاحبه با اشاره به علت نامگذاری ۲۹ فروردین به عنوان روز ارتش، به تشریح عوامل پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: عوامل متعددی در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۵۷ نقش داشتند که برخی از آن‌ها به عنوان عوامل شاخص، تأثیر بیشتری در روند سقوط رژیم منحوس پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی داشتند.

وی از حضور روحانیت، در رأس آنها، هدایت‌ها و تدابیر امام خمینی(ره) به عنوان نخستین عامل پیروزی انقلاب اسلامی یاد می‌کند و می‌افزاید: هدایت‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی سبب شد کشتی انقلاب به ساحل پیروزی برسد و در حقیقت تدابیر ایشان و انتقال آن از طریق روحانیت، در پایین‌ترین لایه‌های اجتماع جاری و ساری شد که به طور حتم اگر این رهنمودها نبود، انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. پوردستان از حضور پرشور مردم در راهپیمایی و تظاهرات به عنوان دومین عامل نام می‌برد و می‌گوید: پس از این عامل مؤثر، پیوستن بدنه ارتش به صفوف انقلابیون سبب شد رژیم پهلوی سرنگون شودو انقلاب اسلامی به پیروزی برسد. در آن زمان، ارتش از دو قسمت ژنرال‌ها و سران خودفروخته و همچنین بدنه واقعی‌اش تشکیل می‌شد. ژنرال‌ها فقط به دنبال ثروت‌اندوزی بودند ولی دسته دوم که بدنه ارتش بود و درجه‌داران و سربازان متعهد دیندار آن را تشکیل می‌دادند، با مردم ارتباط داشتند و حتی اعلامیه‌های حضرت امام را می‌گرفتند و در پادگان‌ها توزیع می‌کردند.

وی با تأکید بر این که پیوستن بدنه ارتش به صفوف انقلاب، یک امر اتفاقی نبود بلکه ریشه در باورها و اعتقادات این بدنه داشت، یادآور شد: شهدایی همچون صیادشیرازی، بابایی، کلاهدوز و امثال آن‌ها از جمله افرادی بودند که جزو همین بدنه بودند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاکله سپاه را شکل دادند و خودشان هم در کنار همرزمانشان، حماسه‌های متعددی را در دفاع مقدس آفریدند و در حقیقت با انبوهی از تجهیزات در خدمت نظام نوپای جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

پوردستان در ادامه می‌گوید: این بدنه سالم در سال ۵۷ دو کار عمده را انجام داد، نخست این که جوانان مشتاقی که می‌خواستند وارد سپاه شوند، تحت آموزش قرار داد و آن‌ها را در پادگان‌های ارتش آموزش و به بدنه سپاه پاسداران تزریق کرد.

در چنین وضعی، ضدانقلاب که از غرس نهال جمهوری اسلامی ایران ناخرسند بود، شعار انحلال ارتش را سر داد اما امام راحل که ارتش را می‌شناختند، دستور نامگذاری ۲۹ فروردین به عنوان روز ارتش را صادر کردند، در حقیقت ایشان با دستورشان، توطئه انحلال ارتش توسط ضدانقلاب را خنثی فرمودند.

فرمانده نیروی زمینی با تأکید بر این که نخستین نیرویی که به طور منسجم در شمال غرب کشور در کردستان و آذربایجان با ضدانقلاب مقابله کرد، ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، می‌افزاید: در آن زمان در خیلی از استان‌ها، سپاه تشکیل شده بود ولی سازمان و نفرات عمده‌ای نداشت و فقط اسم آن وجود داشت. در این شرایط ارتش با حضور مقتدرانه‌اش، به دفاع از انقلاب و مقابله با ضد انقلاب و دشمن پرداخت و اکنون هم ارتش در جایگاه خدمتگزاری به نظام، یک نیروی آماده است که به عنوان شمشیر ولایت انجام وظیفه می‌کند.

ویژگی‌های ارتش قبل از انقلاب اسلامی

پوردستان در ادامه این مصاحبه از حفظ تاج و تخت شاه خائن، مسئولیت ژاندارم بودن منطقه و همچنین مسئولیت فرامنطقه‌ای و کمک احتمالی به نیروهای ناتو هنگام تجاوز شوروی سابق، به عنوان سه وظیفه اصلی ارتش در دوران ستم‌شاهی یاد می‌کند و می‌افزاید: در آن زمان ارتش ابتدا مسئولیت داشت از تاج و تخت محافظت کند و همچنین موظف بود به عنوان ژاندارم منطقه، به عنوان چماقی در دست آمریکا باشد تا اگر احیاناً کشورهای منطقه



برخلاف تدابیر آمریکا عمل کنند، بر سر او وارد شوند و آن کشور را به مسیر قبلی‌اش با پیشبرد اهداف آمریکا بازگردانند.

همچنین ارتش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک مسئولیت فرامنطقه‌ای داشت و موظف بود جبهه جلویی ناتو در مقابل ورشو باشد، یعنی اگر روزی شوروی تصمیم گرفت از طریق ایران خود را به آب‌های آزاد برساند، این وظیفه ارتش ایران بود که در مقابل آنها تا حضور نیروهای آمریکایی و ناتو ایستادگی کند تا به این ترتیب نیروهای ناتو از راه برسند و پس از استقرار در سواحل چابهار و کنارک، ایران به صحنه درگیری میان ناتو و ورشو تبدیل شود. در حقیقت ارتش ایران یک ارتش ۱۰۰ درصد وابسته مانند ارتش کنونی کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که فقط پازل آمریکا را تکمیل می‌کنند، اما انقلاب اسلامی ایران به ارتش، هویت و شخصیت داد و فاصله و دره‌ای که میان ارتش و مردم ا یجاد شده بود، پر شد و به این ترتیب ارتش ما به یک ارتش مردمی تبدیل شد، به همین دلیل ۲۹ فروردین یک روز تاریخی است.

پوردستان از دیدار با خانواده‌های معظم شهدا، برگزاری جشن‌ها و اعزام سخنرانان به مناطق مختلف و همچنین اجرای رژه در شهرهای مختلف کشور به عنوان عمده برنامه‌های ۲۹ فروردین سال ۹۴ یاد می‌کند می‌گوید: در رژه ارتش در ۲۹ فروردین علاوه بر نمایش بخشی از توانمندی‌های نیروهای مختلف ارتش جمهوری اسلامی ایران اعم از دریایی، هوایی و قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء، نیروی زمینی دستاوردهای جدید خود را به نمایش می‌گذارد.

تجهیزات جدید نزاجا

وی با بیان این که بخش تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی زمینی ارتش با ارتباط مؤثر خود با مراکز دانشگاهی و همچنین متخصصان خود، فاصله ایده تا محصول را کم کرده است، می‌افزاید: یک زمان فاصله ایده تا محصول بسیار زیاد بود، یعنی وقتی در

صحنه رزم در زمینه تجهیزات احساس نیازی پیدا می‌کردیم، برای طراحی و ساخت سلاح مورد نیازمان زمان زیادی لازم داشتیم ولی امروز متخصصان نزاجا توانسته‌اند این فاصله را کاهش دهند و در کوتاهترین زمان ممکن با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی، تجهیزات مورد نیاز را طراحی و تولید کنند.

پوردستان با تأکید بر این که نزاجا امروز براساس نیاز خود و تهدید در فضای ناهمتـــراز، ادوات نظامی خود را طراحی و تولید می‌کند، می‌افزاید: امروز چهره تهدید تغییر یافته اســـت و ما با جنگ‌های نیابتی و مشارکتی روبرو هستیم، بر همین اساس سعی می‌کنیم ظرفیت‌های خود را با بهره‌گیری از تجهیزات جدید، افزایش دهیم که ساخت سلاح تک‌تیرانداز «شاهر» با کالیبر ۱۴/۵ و برد ۳ کیلومتر و همچنین ساخت و ارتقای تانک ذوالفقار، یکی از مجموعه اقدامات در حوزه ساخت است که طی ماه‌های گذشته به سرانجام رسیده است.

پوردســـتان در ادامه به معرفی چهار دستاورد جدید نزاجا در حوزه تجهیزات می‌پردازد و می‌گوید: طی ماه و ســـال‌های گذشته شاهد بهره‌گیری گروه‌های تروریستی و تکفیری از انواع ســـلاح‌های تک‌تیرانداز بوده‌ایم که بر همین اساس، ما وارد این حوزه شدیم و به تازگی سلاح تک‌تیرانداز ۲۳ میلیمتری را طراحی کردیم. این سلاح در گذشته علیه پدافند هوایی استفاده می‌شد ولی ما با بهره‌گیری از علم و تکنولوژی آن را به سلاح تک‌تیرانداز تبدیل کردیم. البته باید توجه داشت در این طراحی جدید توانستیم به این موفقیت دست یابیم که وقتی استفاده‌کننده از سلاح، تیری را شلیک می‌کند، به لحاظ قدرت سلاح، کتف او کنده نشود و در حقیقت عقب‌نشینی آن گرفته شود.

همچنین در حوزه نفربر، توانستیم یک نفربر توپدار را طراحی کنیم، در گذشته عمده نفربرهای ما که از کشورهای شرقی دریافت کرده بودیم، فقط مجهز به مسلسل بود و نفربر توپدار نداشتیم، بر همین اساس و با احساس نیازمان در این حوزه، به سمت طراحی نفربر توپدار رفتیم و توانستیم نفربر توپدار با کالیبر ۹۰ میلیمتری را طراحی کنیم و اکنون مراحل ساخت آن را می‌گذرانیم و قصد داریم با یاری خداوند، این نفربر را که برای نخستین بار توسط کشورمان در خاورمیانه ساخته می‌شود، در رژه ۲۹ فروردین به نمایش بگذاریم.

طراحی و ســـاخت خودروهای تاکتیکی ۲/۵ تنی مین‌ریز، دستاورد دیگری اســـت که فرمانده اهوازی نیروی زمینی به آن اشـــاره می‌کند و یادآور می‌شود: یکی از فعالیت‌هایی که نیروی زمینی در سال‌های گذشـــته با تولید و ساخت یک نمونه از آن آغاز کرده، تجهیزات رباتیک و کنترلی است. پس از پایان جنگ نیروی زمینی مأموریت یافت با حضور در مناطق جنگی، مین‌های باقیمانده از دوران جنگ را خنثی کند. پس از گذشت مدتی از انجام این کار وقتی با افزایش شمار شهدا در این عرصه مواجه شدیم، خودروهای مین کوب را طراحی و تولید کردیم و اکنون توانسته‌ایم بر اساس نیازمان، نفربر رباتیک طراحی کنیم.

پوردستان در توضیح ویژگی‌های این نفربر، تأکید می‌کند: این نفربر این قابلیت را دارد که از راه دور کنترل شود و سلاح‌هایی همچون محرم و موشـــک ضدزره از آن بیرون بیاید و به سمت هدف نشانه‌گیری و شلیک کند. همچنین وزن سبک و سرعت مناسب از ویژگی‌های این نفربر است که قصد داریم این کار را در آینده به تجهیزات خاص نزاجا از جمله تانک و انواع نفربرهای دیگر تعمیم دهیم.به گفته پوردستان این نفربر رباتیک در کنار ۳ دستاورد یاد شده در روز ۲۹ فروردین ۹۴ رونمایی می‌شود.

جایگاه سرباز در حوزه اقتدار ارتش

توجه به سربازان و اهمیت و جایگاه والای آنها در نیروی زمینی، موضوعی است که پوردستان بخش زیادی از این مصاحبه را به تبیین آن اختصاص می‌دهد.

وی که قصد دارد لحظه تحویل سال ۹۴ را مانند سال‌های گذشته در کنار سربازان سپری کند، می‌گوید: نیروی زمینی یک نیروی انسان محور است و سربازان در این نیرو از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نگاه ما هم به آنها، به عنوان یک امانت است.

ما وظیفه داریم با شناســـایی ظرفیت‌ها و استعدادهای این عزیزان، آنها را برای رسیدن به اعتماد به نفس کامل کمک کنیم تا بتوانند در طول زندگیشان برای نظام مقدس جمهوری اسلامی نقش‌آفرینی کنند.

فرمانده نیروی زمینی با تأکید بر این که ســـربازان در زمان جنگ در عمده عملیات، نیروی اصلی بودند و از ۴۶ هزار شهید نزاجا، نزدیک به ۴۰ هزار نفر آنها، شهدای سرباز بودند، تأکید می‌کند: یکی از رســـالت‌ها و مسئولیت‌های اصلی ما، رسیدگی به وضع سربازان است و باید کاری انجام دهیم که خروجی آن نقش‌آفرینی سرباز در زنجیره دفاعی و امنیتی نیروهای مسلح باشد.

وی با اشاره به نگاه ویژه رهبر معظم انقلاب به سربازان، به بیان خاطره‌ای از نخستین دیدارش با ایشان اشاره می‌کند و می‌گوید: در نخستین دیدار با معظم‌له پس از پایان ارائه گزارش، صدای اذان به گوش رسید. در این هنگام ایشان فرمودند: «من عادت ندارم زمان اذان چیزی بگویم اما باید این موضوع را بگویم که ....»

پوردســـتان در ادامه گفت: ایشان سپس با اشاره به شمار زیاد سربازان نیروی زمینی، فرمودنـــد: «عملکرد نزاجا باید به گونه‌ای باشد که سربازان در پایان خدمت، خوش‌بین، متدیـــن و انقلابی بروند.» این تاکیدات سرفصلی شد تا ما فعالیت‌هایی را در دستور کار قرار دهیم که امروز توانسته‌ایم با عمل به دســـتورات معظم‌له، فضای پادگان‌ها را به حالت خوبی تبدیل کنیم و در کنار سختی‌های دوران سربازی برای سربازان تلاش کنیم حرمت آنها حفظ شود و شخصی کلمه سنگینی به آنها نگوید.

> **انقلاب اسلامی ایران به ارتش، هویت و شخصیت داد و فاصله و دره‌ای که میان ارتش و مردم ا یجاد شده بود، پر شد و به این ترتیب ارتش ما به یک ارتش مردمی تبدیل شد، به همین دلیل ۲۹ فروردین یک روز تاریخی است**

پوردستان از خوشایندسازی محیط پادگان‌ها با ایجاد امکانات رفاهی و فرهنگی و بومی‌ســـازی در به کارگیری سربازان در منطقه سکونتشان یا نزدیکترین پادگان به آن محل، به عنوان بخشی از فعالیت‌ها در این زمینه یاد می‌کند.

وی همچنین می‌گوید: امسال هم قصد دارم لحظه تحویل سال را در کنار فرزندان سربازم در مرزهای غرب یا جنوب کشور حضور داشته باشم.

مقابله با داعش

پوردســـتان در بخشی دیگری از این مصاحبه، از مجموعه اقدامات نزاجا برای جلوگیری از پیشروی داعش به سمت مرزهای کشورمان سخن می‌گوید، اقداماتی که سبب شد داعش به رغم تصمیم قبلی‌اش، از حرکت به ســـمت مرزهای ایران، منصرف شود و فکر باطل خود را برای ورود به کشورمان را هم از سرش بیرون کند.

وی دراین‌باره می‌گوید: نزاجا به لحاظ آمادگی رزمی، یک نیروی آماده است و هیچ نیرویی در نیروهای مسلح به اندازه نیروی زمینی، تحت آموزش‌های تیراندازی با کالیبر سبک و سنگین قرار نمی‌گیرد، همچنین نزاجا متناسب با تهدیدها، ظرفیت‌های دفاعی لازم را در خود ایجاد کرده است.

پوردستان با تشریح اقدامات این نیرو در تابستان ۹۳ و هنگام حرکت داعش به ســـمت مرزهای کشورمان از سمت جنوب، می‌افزاید: در تیـــر و مردادماه، داعش حرکت خود را از مرزهای شـــرقی عراق به داخل این کشور آغاز کرد و توانست در مدت کمتر از یک ماه، خود را به استان «دیالی» برساند و پنج استان را پشت سربگذارد. داعش در آن زمان یک کاری مشابه کار صدام انجام داد. این گروه تروریستی در فضای مجازی نقشه‌ای از عراق را منتشر کرد که کشور ما هم به آن ملحق شده بود، در حقیقت صدام هم براساس خیال باطل خود، هنگام جنگ با ایران، استان خوزستان را در نقشه به کشورش ملحق کرده بود. داعش نیامده بود در «جلولا» متوقف شود و بیایستد، این گروه تروریستی آمده بود وارد قصرشیرین و سومار شود و باکسی تعارف نداشت. فرمانده نیروی زمینی تأکید می‌کند: وقتی این اتفاق افتاد، نیروی زمینی براســـاس مأموریت محوله، وارد میدان شد و با پنج تیپ در مرزها استقرار یافت. ما ابتدا اعلام کردیم ۴۰ کیلومتری عمق عراق، خط قرمز ما است، سپس با هماهنگی دولت عراق، نفرات شناسایی و بالگردها را تا فاصله ۴۰ کیلومتر داخل عراق اعزام و تأکید کردیم هر شخصی وارد این منطقه شود، شلیک می‌کنیم. همین اقدام و اقتدار نزاجا سبب ترس و وحشت داعش شد و سرجایش نشست اگرچه اقدام نزاجا رسانه‌ای نشد ولی آمادگی نزاجا در آن موقع به نمایش گذاشته شد. وی همچنین یادآور می‌شود:

از سویی دیگر نیروی زمینی ارتش در بحث امدادرسانی در مواقع لزوم و وقوع حوادث غیرمترقبه از قبیل سیل و زلزله پیشتاز بوده است و همواره نخستین نیرویی است که با بهره‌گیری از امکانات خود، به یاری هموطنانمان در اقصی نقاط کشور می‌شتابد.

تفریح امیر

بخش پایانی مصاحبه با امیر پوردستان در اتاق کارش، به سخنان ایشـــان درباره زندگی شخصی‌اش و علاقه او به ورزش به ویژه بسکتبال و فوتبال اختصاص می‌یابد. وی از حضور در محل کارش و کنار همکارانش به عنوان بهترین و ارزشمندترین تفریحش یاد می‌کند و می‌گوید: به خاطر همین موضوع برخی مواقع بـــا اعتراض اعضای خانواده‌ام مواجه می‌شـــوم که در جواب به آنها می‌گویم: فرض کنید من در دوران دفاع مقدس و هنگام مجروحیت‌ها، شهید شده‌ام، لذا می‌خواهید چه کار کنید؟

وی در ادامه، رسیدگی به امور خانواده را جزو اساسی‌ترین کارها می‌داند.پوردستان در ادامه از لذت حضور درکنار اعضای خانواده سخن می‌گوید و می‌افزاید: صبح‌های جمعه، صبحانه را در کنار خانواده‌ام هستم و از آن لذت می‌برم و فقط این روز است که می‌توانم صبحانه را در کنار خانواده‌ام باشم که پس از صرف صبحانه در روز جمعه، در محل کارم حضور می‌یابم.



امنیت اجتماعی



● سیدمصطفی کاظمی

دیر زمانی نیست در مناطقی از این سرزمین بودند مردمانی که ایام عید به قصد زیارت حرم حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) یا جاهای سیاحتی و زیارتی دیگر خانه و کاشانه‌شان را به همسایه می‌سپردند، یا اگر دو سه همسایه، هم کاروان می‌شدند، مراقبت از مایملک خود را به عهده اهالی محل می گذاشتند و خود فارغ از هر نوع دلواپسی لذت سفر می‌بردند. این حس امنیت داشتن و اعتماد ایجاد شده سرمایه بزرگ جامعه‌ای بود که خیلی با آن دوران فاصله نداریم، اما آیا اکنون این گونه است؟ آیا همچنان به همسایه‌هایمان، هم محلی‌هایمان و همشهریانمان اعتماد می‌کنیم و به قولشان دل می‌بندیم؟ یا آن که هر روز بر تعداد قفل‌های خانه، ماشین و مغازه‌مان اضافه می‌کنیم و در روزهای پایانی سال، توصیه‌های مأموران امنیت شهرها به اصطلاح به روزتر می‌شود و سفارشات محکم‌تر؟ این اتفاق اسف انگیز یعنی نبود حس امنیت و اعتماد از کجا آمده است؟ پرداختن به این موضوع مهم و راهکارهای آن نیازمند ساعت‌ها تحقیق و بررسی‌های کارشناسی است؛ امامختصراً این که اگر به این موضوع از منظر علمی و آکادمیک بنگریم، جامعه شناسان زایل شدن «سرمایه اجتماعی» را عاملی برای از هم گسیختگی ارتباطات اجتماعی افراد نام می‌برند؛ عاملی که در ذات خود مقوم پیوندهای درونی افراد جامعه است و اعتماد هم روح اصلی سرمایه اجتماعی، را تشکیل می‌دهد.

به زبان ساده‌تر اگر امروز همسایه به همسایه اعتماد ندارد یا افراد از گسترده کردن مناسبات خود با دیگران ولو همسایه پرهیز دارند، به دلیل وجود این احساس ناخوشایند استکه شاید بر اثر این ارتباطات صمیمانه، اسرار زندگیشان هویدا و از این ناحیه متضرر مالی و معنوی شوند.

این ترس و اضطراب ناظر به وجود شواهدی فراوان ازعاقبت فاجعه بار روابط نزدیک همسایگان است که امروزه به واسطه وجود وسایل ارتباطات جمعی و اجتماعی، در شکل وسیع منتشر می‌شود و همگان از آن آگاهی می‌یابند. بنابراین گمشده ما در این میانه «سرمایه اجتماعی» و احساس امنیت اجتماعی و روانی شهروندان است.

سرمایه اجتماعی کارکرد مهم دیگری هم دارد وان این که تمایلات داوطلبانه افراد را برای کمک به همنوعان و مشارکت در امور عمومی مدیریت و سازماندهی می‌کند ؛ همچنان که به واسطه ایجاد همبستگی اجتماعی مانع از هم گسیختگی اجتماعی می‌شود.

گفتیم اعتماد نتیجه طبیعی وجود سرمایه اجتماعی است و در صورت از بین رفتن آن، نظم اجتماعی مختل می‌شود و به این ترتیب که افراد نمی‌توانند در هیچ یک از ابعاد زندگی، کنش یا عمل دیگران را پیش‌بینی کنند و به طور مداوم نگران نوع واکنش افراد هنگام تعامل با آنان هستند. وجود چنین زمینه‌ای ریسک مشارکت در امور داوطلبانه افراد جامعه را هم از بین می‌برد و در پی آن سطح کنترل اجتماعی به شدت رو به افول می‌گذارد. بارها خوانده‌ایم یا شنیده‌ایم که فلان کشور ریختن آب دهان رادر محیط های عمومی ممنوع کرده است ومرتکبان این عمل بی‌ادبانه باید جریمه شوند ، اما نشنیده‌ایم مامورانی برای اجرای درست این قاعده در خیابان‌ها ظاهر شوند. در اینجا نگاه سرزنشگر شهروندان خودبه خود پاسخ مجرم را می‌دهد. در واقع مشارکت داوطلبانه مردم در اجرای قانون باعث پالایش جامعه از زشتی می‌شود.یامی‌شنویم در کشوری، حضور مأموران در سطوح شهر باعث اعتراض شهروندان می‌شود. آنها این کار را توهین به شعور خود می‌دانند، لذا با فرض بر هم خوردن حس امنیت روانی، مخالفت خود را آشکارا اعلام می‌کنند! این همان عامل خود کنترلی است که در این گونه جوامع چنان قدرتمند ظاهر می‌شود و مجریان قانون هم مجالی برای اعمال مقررات نمی‌یابند.

حال این خصلت اجتماعی منحصر به فرد را با جامعه‌ای مقایسه کنید که در آن قتل، تجاوز، سرقت، کلاهبرداری و سایر اقسام ناهنجاری به امری روزمره و عادی تبدیل شده و مجریان قانون نه ابزار کافی و نه فرصت زمانی لازم برای جلوگیری از هنجار شکنی‌ها دارند و نه دستگاه قضایی امکان رسیدگی به شکایات شهروندان زیان دیده دارد و نه مراکز نگهداری از بزهکاران ظرفیت کافی برای نگهداری، اصلاح و هدایت مجرمان به سمت جامعه دارند. وقتی چنین شرایطی حاکم شد، حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها امنیت فیزیولوژیک ـ آزادی از آزارهای جسمی و فیزیکی و امنیت روانی یعنی داشتن حس مکان و حس تسلط بر فضا از بین می‌رودواحساس ناامنی



اجتماعی غالب می شود.

«احساس امنیت» یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی و آسیب‌های اجتماعی هم از مهمترین پیامد نبود امنیت به شمار می‌رودالبته بایدبه یک نکته اساسی توجه داشت وان این که مقوله امنیت با احساس امنیت متفاوت است. این که در جامعه‌ای امنیت باشد اما مردم احساس امنیت نکنند ،می‌تواند خطرات روحی و روانی فراوان به جای بگذارد.احساس امنیت از خود امنیت بالاتر است و بسیاری از کشورهای غربی و توسعه یافته توانسته‌اند به این وضع مطلوب دست پیدا کنند، اما در کشورهای جهان سوم احساس امنیت از خود امنیت پایین‌تر است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، احساس امنیت یک تولید اجتماعی است، یعنی همه نهادهای اجتماعی از جمله مردم، حاکمیت و پلیس در شکل گیری آن ایفای نقش می‌کنند.

احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تأمین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام‌اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و ... تأمین می‌شود. بنابراین درجه اعتمادورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌شود.شخصی که دائما احساس عدم‌امنیت، ترس و خطر از بیرون و درون خود می‌کند، نمی‌تواند انسان سالمی باشد. او با پرخاشگری یا اضطراب واکنش نشان داده و در دنیای ذهنی خود مدام در حال دفع کردن خطرات احتمالی است. روابط توأم با اعتماد، احساس امنیت را بالا می‌برد. تأثیری که احساس ناامنی برانسان دارد ایجاد حالت تنش و برانگیختگی و عدم‌تعادل است. بعضی از روانشناسان معتقدند که احساس ناامنی یک احساس خالص، مجرد و محدود نیست، بلکه احساس پیچیده و مرکبی است که باید به عنوان یکی از صفات اصلی کل شخصیت انسان به حساب آید.»[۱]

ازاین گفتارچنین برمی آیدکه مهم‌ترین پیامد نبود امنیت رابایدآسیب‌های اجتماعی قلمدادکرد. افزایش جرائمی چون قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیادمنشائی جز فقر امنیت، ندارد. به همان نسبت کاهش کارایی نهادهایی‌چون خانواده و تضعیف وابستگی های خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی شهرها در بروز پدیده‌های یاد شده دارای بیشترین اثر است.علاوه براین ، «نظریه‌پردازان براین عقیده‌اند که فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی راه به همراه خواهد داشت. دورکیم ـ یکی از نظریه‌پردازان اجتماعی ، جامعه آنومیک را آن می‌داند که «مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های متضاد با یکدیگر در خود دارد و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست.» دورکیم، آنومی و اقتصاد آسیبی را از خصوصیات ویژه جوامع صنعتی و رو به صنعتی شدن می‌داند. هنگامی که یک جامعه دچار بحران اقتصادی می‌شود (که ایران همواره دچار این مشکل بوده است) این بحران برروی کارکردهای جامعه هم تأثیر می‌گذارد و نمی‌تواند نقش خود را در تنظیم فعالیت‌های انسانی انجام دهد؛ در نتیجه، جامعه دچار بی‌سازمانی می‌شود و حکومت که نقش تنظیم اقتصاد را برعهده دارد، در خدمت اقتصاد قرار می گیرد. درپی آن چون افراد در حالتی از رقابت شدید با یکدیگر قرار دارند و دیگر خود را موظف به رعایت نظم و قوانین نمی‌دانند، رفتارهای خودخواهانه در جامعه توسعه می‌یابد. در این حالت مرزهای رفتار درست و نادرست از بین می‌رود و جرم و بزهکاری افزایش می‌یابد.»[۲]

باتوجه به آنچه گفته شد، ضرورت و اهمیت امنیت در حوزه‌های مختلف برکسی پوشیده نیست، از آن‌رو که امکانات زندگی در صورت نداشتن امنیت می‌تواند تحت‌الشعاع قرار گیرد.

«یکی از شرایط وجودی امنیت ،نظم اجتماعی است و در صورت وجود آن ، می‌توان امنیت اجتماعی را تصور کرد. اگر جامعه‌ای دارای نظم اجتماعی باشد ثبات اجتماعی هم خواهد داشت زیراکه در سطح کلان در چنین جامعه‌ای امنیت اجتماعی وجود دارد و برای نظام سیاسی و سازمان حکومتی آن نیز خطر و تهدیدی مشاهده نمی‌شود. اگر افراد جامعه نظام ارزشی مشترک را عادلانه تصور کنند، وفاق و ثبات اجتماعی افزایش خواهد یافت، در غیراین صورت امنیت اجتماعی نیز در خطر است.در دوران جدید، عنصر اصلی ثبات و نظم و امنیت به مقدار سرمایه اجتماعی، میزان پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای جمعی و به فضایل اخلاقی باز می‌گردد. براثر تداوم اینچنین شرایطی و افزایش ناامنی اجتماعی، سرمایه اجتماعی در جامعه رو به زوال می‌رود و در درازمدت پیامدهای منفی بی‌شماری برجامعه انسانی می‌گذارد. به عبارت دیگر در این چنین شرایطی زندگی اجتماعی برای انسان‌ها دردناک می‌شود و روابط اجتماعی کم‌کم دچار فرسایش می‌شود، چراکه در صورت فقدان امنیت اجتماعی، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند و این موضوع می‌تواند در کاهش اعتماد هرچه بیشتر مردم به نهادهای دولتی نیز مؤثر واقع می‌شود که در صورت بروز این رویداد سرمایه دولت که همان اعتماد مردم است، از دست می‌رود.»[۳]

پی‌نویس:
۱ـ آمنه صارمی ـ تحلیلگر مسائل اجتماعی
۲ـ علی کاملی ـ تحلیلگر مسائل اجتماعی
۳ـ حمیدرضا جلالی‌پور ـ جامعه شناس

مؤسسه درمانی خیریه جوادالائمه (ع) کرمان در یک نگاه

تاریخ تأسیس: ۱۳۶۴/۸/۲ـ **شماره ثبت:** ۵۰ـ **سرمایه اولیه:** ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ـ **سرمایه اهدایی تسعیر شده تا پایان بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳ پس از وضع هزینه‌های انجام شده:** به‌مبلغ ۲۶/۷۳۶/۷۳۶/۰۰۰ ریال

منابع تأمین اعتبار: کمک‌های مردمی ـ عواید حاصل از املاک و مستغلات ـ عواید حاصل از سرمایه‌گذاری در سایر واحدها ـ کمک‌های دولتی و استفاده از منابع و تسهیلات بانکی

هدف: ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی به‌صورت غیر انتفاعی

ارکان موسسه: هیأت موسس ـ هیأت امناء ـ هیأت مدیره ـ مدیرعامل و بازرسان

اسامی خیرینی که با کمک‌های نقدی خود موسسه را یاری نموده‌اند: آقایان حاج محمد نظری ـ حاج ماشاءاله ساعدی ـ امان‌اله عامری ـ محمد عامری ـ حاج حسین جلالپور ـ مهندس هوشنگ ارجمند ـ حاج اکبر عرب‌نژاد ـ حاج حسین انجم شعاع و سید حسین ترابی ـ سرهنگ بهره‌مند ـ شاپور کیانیان ـ حاج محمد صادق علمدار ـ حاج جواد رنجبر ـ حاج عباس کهنوجی ـ حاج حسن بیگ‌زاده ـ سهامداران اولیه شرکت‌های گچ پاکتی ـ شرکت خوراک دام کرمان علیق ـ شرکت جوراب بافی کرمان پیروز.

واحدهای صنعتی و کشاورزی که جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز موسسه در آنها سرمایه‌گذاری شده است: مجتمع صنایع دارویی کرمان ـ شرکت گچ پاکتی کرمان ـ شرکت خوراک دام کرمان علیق ـ شرکت جوراب بافی کرمان پیروز ـ مزرعه جوادیه رفسنجان ـ شرکت عمران علوی ماهان ـ شرکت سفال مینا ـ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه و عمران استان کرمان و توزیع بیش از ۶۰ عدد صندوق نذورات به متقاضیان خیر (این اقدام همچنان ادامه دارد)

املاک و مستغلات اهدائی و خریداری شده: ساختمان دفتر مرکزی چهارراه طهماسب‌آباد اهدایی جناب آقای حاج علی حجت ـ باغ اهدایی وراث مرحومین حاج فتح‌اله کشتکار و حاج محمد شیخ علی بابایی که به بیمارستان ۲۵۶ تختخوابی در دست احداث اختصاص یافته و ۸ سهم از مزرعه باقر آباد ـ اهداء شش قطعه زمین محل مجتمع تخصصی درمانی جوادالائمه(ع) واقع در حد فاصل میدان مالک اشتر و خیابان ابوذر جمعاً به مساحت ۲۲۵۰ متر توسط مرحوم حاج محمد نیکپور و چهار قطعه نیز به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع توسط موسسه خریداری شده و جمعاً به مجتمع تخصصی درمانی جوادالائمه(ع) اختصاص یافته ـ باغات و اراضی اهدایی در راور توسط مرحوم حاج عبدالکریم اسماعیلی اصطهباناتی و خانم‌ها مریم استوار ـ درخشنده هدایت و خانم طاهره نیک اختر ـ اراضی سرآسیاب فرسنگی، اهدایی مرحوم حاج علی علی احمدی ـ مزرعه عبدل‌آباد نگار و کارخانه خوارک دام کرمان علیق (۲۵٪ سهام اهدایی تعدادی از سهامداران و بیش از ۵۰٪ نیز سهام خریداری شده است) ـ واگذاری ۵۰ سهم از یک‌هزار سهم کارخانه سفال مینا توسط خانم فریده زند ـ یک باب خانه در کرمان اهدائی خانم حاجیه کبری صومعه ـ چهار دانگ مشاع از مزرعه فردوس سیرچ با سند رسمی و ۸ سهم از اراضی دره گز سیرچ با سند عادی اهدائی مرحوم آقای حاج اصغر ایرانمنش ـ یک باب مغازه کوچک در بازار میدان قلعه اهدایی مرحوم حاج محمدعلی نعمتی‌پور، یک قطعه زمین به‌مساحت ۴۰۰ متر مربع در چهارراه بهار اهدائی مرحوم آقای حاج اکبر عرب‌نژاد خانوکی با هفتاد میلیون ریال وجه نقد یک قطعه زمین به‌مساحت ۴۰۰ متر در شهرک سازمان کشاورزی واقع در کوهپایه درختنگان توسط خانم حاجیه فاطمه موسوی و یک قطعه دیگر نیز به متراژ ۴۰۰ متر توسط موسسه خریداری شده است ـ یک باب خانه در کوچه شمالی خیابان خواجو اهدائی مرحومه نیره جمشیدی ـ یک باب خانه در خیابان ایرانشهر توسط مرحومه حاجیه خانم صدیقه نادرنژاد ـ خرید یک باب خانه واقع در محوطه جنوبی محل بیمارستان ۲۵۶ تختخوابی خریداری از ورثه مرحوم خسروی ـ واگذاری مزرعه ریگ آباد توسط هیأت اجرای فرمان امام(ره) از اموال مصادره شده مرحوم آقای امان‌اله عامری به ازاء تعهد کمک نقدی نامبرده ـ اهداء پنجاه هکتار زمین از اراضی مزرعه مرحوم حاج مهدی مهدوی توسط نامبرده که متاسفانه تاکنون از طرف ورثه آن مرحوم به موسسه تحویل نشده است ـ یک باب خانه در محل شورخانه کرمان توسط مرحوم ماشاءاله درانی.

مراکز درمانی مورد بهره‌برداری: مجتمع تخصصی درمانی جوادالائمه(ع) واقع در حدفاصل میدان مالک‌اشتر و خیابان ابوذر که به‌طور رایگان و رسماً به دانشگاه علوم پزشکی واگذار شد و به دیالیز و سرطان اختصاص یافته و تحت نظر هیأت امناء دانشگاه و موسسه با تعرفه دولتی به استان‌های کرمان ـ بندر عباس و سیستان و بلوچستان سرویس‌دهی دارد اداره می‌شود.

پروژه‌های در دست اقدام: ساختمان بیمارستان ۲۵۶ تختخوابی در باغ اهدایی خیابان شهید مصطفی خمینی ـ پروژه در دست اجرای مرکز فوریت‌های پزشکی و مراقبت‌های ویژه با ۱۴۰۰ متر مربع زیربنا در محل بیمارستان راور ـ تحویل سیلندرهای گاز اکسیژن با وسائل مربوطه به‌طور امانت به بیمارانی که مشکل تنفسی دارند و از طرف پزشک یا سازمان بهزیستی معرفی می‌شوند بطور رایگان.

ضمناً موسسه، همواره همکاری لازم را در امور عام‌المنفعه با سایر ارگان‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی دارد از جمله اجرای طرح خانه بیمه همگانی خدمات درمانی که به پیشنهاد و همکاری موثر موسسه در شهر کرمان انجام شد ـ مساعدت و همکاری با انجمن نارانان (بخش بانوان) جهت تأمین محل برای تشکیل جلسات انجمن.

همشهریان عزیز:

خدای را سپاسگزاریم که توفیق خدمتگزاری در سال ۱۳۹۳ را نیز به ما ارزانی داشت و این افتخار نصیب‌مان گردید که اجمالی از خدمات و کارهای انجام شده تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۹۳ را تحت عنوان: «موسسه درمانی خیریه جوادالائمه(ع) در یک نگاه» بشرح فوق را به استحضار برساند.

امید دارد که همچون گذشته با اعلام نظرات صائب و سازنده و کمک‌های مالی خود هر چند ناچیز، ما را در نیل به اهداف مقدس موسسه مددکار و یاور باشید.

حساب‌های ذیل جهت دریافت کمک‌های نقدی افراد خیر مفتوح است:

حساب جاری ۰۱۰۱۲۳۱۳۱۵۰۰۵ بانک صادرات شعبه مرکزی کرمان

حساب جاری ۰۱۰۰۲۲۵۴۸۵۰۰۶ بانک ملی شعبه کرمان

حساب جاری ۶۱۲۱۱۷۸۲/۳۵ بانک ملت شعبه طهماسب آباد کرمان

حساب سپرده کوتاه‌مدت (پشتیبان) ۴۰۰۰۰۰۳۲۵۶۵ بانک مسکن شعبه شریعتی

حساب سپرده کوتاه‌مدت (پشتیبان) ۰۲۰۰۸۶۴۶۰۰۰۴ بانک کارآفرین شعبه کرمان (بلوار جمهوری اسلامی)

حساب جاری ۰۱۰۱۲۹۴۰۶۱۰۰۶ بانک صادرات راور

توضیح: لازم به ذکر است که واریز وجه به حسابهای فوق در کلیه شعب بانک‌های مذکور قابل پرداخت است.

مسئولین موسسه در اوقات اداری آماده ادای هر گونه توضیح و پذیرای مراجعین خواهند بود.

موسسه درمانی خیریه جوادالائمه(ع) کرمان



پروژه ساماندهی شبکه برق بازار کرمان

گزارش یک اقدام مهم در شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان

بازارهای سنتی پر اهمیت‌ترین فضای عمومی شهری در گذشته محسوب می‌شده و نه تنها تأمین نیازهای معیشتی مردم را برعهده داشته، بلکه مکانی جهت دید و بازدیدها و گرد آمدن مردم و به گفتگو نشستن آنها در مسایل سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شده است. علاوه بر آن قرار گیری فضاهای دیگری چون حمام ها، کاروانسراها، مساجد و تکایا، مدرسه‌ها، آب انبارها و زورخانه‌ها همگی نشان از برآوردن نیازهای مردم در یک فضای وسیع و منسجم به نام بازار دارد. قدمت یک شهر را می توان از بازار آن مشخص کرد و نقش و نگارهای حک شده در دل بازار می تواند سند محکمی بر فرهنگ و اندیشه یک ملت باشد.



بازدید مهندس حائری (مدیر عامل شرکت توانیر)



بازدید مهندس خوش خلق (معاون هماهنگی شرکت توانیر)

بازار کرمان، طولانی ترین راسته بازار شناخته شده دنیا

بازارهای کرمان از جمله بناهای یادبود کرمان است و معماری آن نوع تکامل یافته معماری ساسانی است. بنیاد بازار کرمان قبل از دوره صفویه بنا گذاشته می شود (نزدیک به ۵۰۰ سال پیش). در دوره صفویه، گنجعلیخان در ادامه آن بازار که بازار بسیار کوچکی بود، بازار گنجعلیخان را بنا می کند و چون نوع و فرم بازار کرمان به گونه ای بوده که قابلیت ادامه دادن را داشته، در ادوار بعدی تاریخ، بازارهایی به این بازار اضافه می شود و از بازار کرمان طولانی ترین راسته بازار شناخته شده جهان به طول تقریبی ۱۲۰۰ متر را می سازد. بازار کرمان در امتداد دروازه های ورودی شهر کرمان و در ارتباط مستقیم با چهار دروازه از شش دروازه شهر، با دو راسته اصلی شرقی-غربی و شمالی-جنوبی شکل گرفته و از همان آغاز به عنوان مرکزیت شهر، نقش اصلی و عمده خود را در ساختار فضایی و کالبدی شهر سنتی نشان می دهد.

قدرت بازار کرمان در جذب گردشگران و مسافران

بازار کرمان با دارا بودن دو راسته بازار اصلی شرقی-غربی و شمالی-جنوبی و ۵ مجموعه بی نظیر حاج آقاعلی، ابراهیم خان، گنجعلیخان، وکیل و مظفری، کارکردهای عمده ای را هم چون کارکرد تجاری، تولیدی، حکومتی، اداری، فرهنگی، تفریحی و از همه مهم تر کارکرد اجتماعی و سیاسی را بر عهده داشته است.

با بزرگ شدن شهر و گسترش دامنه خدمات دهی شهری در جایی غیر از بازار، کم کم از رونق بازار سنتی کاسته شد و مردم را به بیرون از فضای بازار برای برآوردن نیازهایشان کشاند و بازار از تب و تاب همیشگی افتاد. بازار کرمان به عنوان مجموعه عظیمی از هنر و معماری کهن، می تواند علاوه بر توانمند بودنش در جذب گردشگران، مکان مناسبی برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم باشد. نکته نگران کننده در خصوص بازار کرمان، رهاسازی این مجموعه عظیم تاریخی در طول سالیان گذشته است. از رونق افتادن بازار در جذب مردم و همزمان با آن رو به زوال بودنش به عنوان یک مجموعه عظیم تاریخی و فرهنگی، مردم و مسئولین را بر آن داشت تا به فکر راه چاره ای باشند و با بازسازی بنای بازار، آنرا به عنوان میراثی ارزشمند به نسل های پس از خود هدیه دهند.

تکاپوی بازار کرمان برای رونق و سرزندگی

اوایل خردادماه ۹۳، به همت استانداری کرمان و با همفکری و همراهی سازمان هایی هم چون میراث فرهنگی، شهرداری، نیروی انتظامی و شرکت های آب، برق و مخابرات پروژه بهینه سازی بازار کرمان به منظور زیباسازی و بازسازی فضای بازار تاریخی کرمان آغاز شد.

در این میان شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان، عهده دار بهسازی و اصلاح آرایش شبکه برق بازار کرمان شد. با توجه به عدم بازسازی و بهینه سازی شبکه برق از ۲۰ سال گذشته تاکنون، تلفات برق در مجموعه بازار به شکل چشمگیری افزایش داشت که با



قرارگیری تابلوهای توزیع در زیرگذر بازار

ساماندهی شبکه برق بازار علاوه بر زیباسازی و مرمت بنای تاریخی آن و حفظ ایمنی عمومی بازار، موجبات کاهش تلفات ناشی از اتصالات سست، فرسودگی شبکه و افت ولتاژهای منطقه بازار گردید.

اصلاح شبکه برق بازار در ۵ فاز

اصلاح شبکه برق بازار کرمان با هزینه ای بالغ بر ۱۳ میلیارد و ۲۹۰ میلیون ریال و در ۵ فاز (فاز اول: ابتدای بازار سرپوشیده تا چهارسوق و میدان ارگ، فاز دوم: از چهارسوق تا انتهای میدان گنجعلیخان، فاز سوم: از انتهای میدان گنجعلیخان تا انتهای بازار سرپوشیده، فاز چهارم: قدمگاه و بازار مظفری، فاز پنجم: اصلاح روشنایی بازار سرپوشیده) اجرایی شد.

مهندس سید جواد حسینی، مدیر برق شرق کرمان در خصوص ساماندهی شبکه برق بازار کرمان گفت: اصلاح شبکه برق بازار با نصب دو دستگاه پست ۳۱۵ کاوآ در مرکز بار، تعویض ۵۵۵ دستگاه کنتور مکانیکی تکفاز و سه فاز، تعویض ۸۹ عدد جعبه انشعاب به منظور اصلاح اتصالات سست، تعویض ۳۵۰ فقره جعبه انشعاب و تبدیل شبکه هوایی به زمینی به منظور ایمنی بهتر و حفظ زیبایی بازار، نصب ۳۶ دستگاه تابلو توزیع به منظور تقسیم بار و اصلاح اتصالات سست، احداث ۳۹۵ متر کابل فشار ضعیف زمینی با مقطع های ۱۲۰، احداث ۹۵ متر کابل ۲۵*۱، تعویض ۳۷۰۰ متر کابل ۵۰+۹۵*۳، تبدیل ۴۸۴ متر شبکه سیمی هوایی فرسوده به شبکه زمینی و احداث ۱۸۸۵ متر کابل ۲۰ کیلوولت زمینی انجام شده است.

اصلاح بیش از ۴۱۰۰ متر شبکه برق فشار ضعیف بازار کرمان

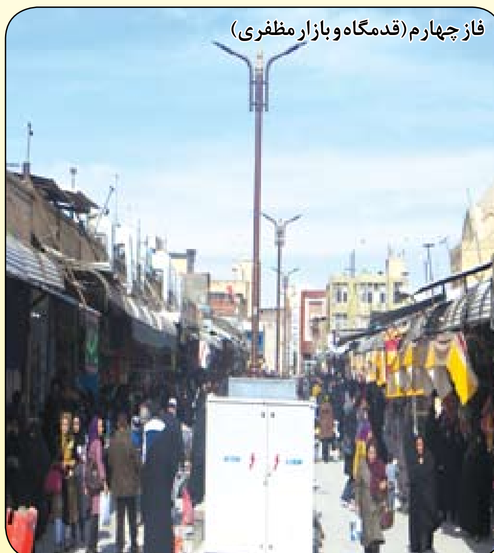
مهندس محمود شهبا، مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان، در خصوص عملیات بهینه سازی شبکه برق بازار کرمان گفت: ۸ ماه کار مداوم و شبانه روزی بیش از ۳ گروه کاری ۱۲ نفره منجر به آن شده است که بیش از ۴۱۰۰ متر از شبکه برق فشار ضعیف بازار کرمان اصلاح و بهینه سازی شود.


تعویض تابلوهای توزیع فرسوده در بازار قدمگاه


اصلاح شبکه روشنایی معابر بازار قدمگاه


فاز پنجم (اصلاح روشنایی معابر بازار سرپوشیده)


نصب پست در میدان ارگ (مرکز بار)


فاز چهارم (قدمگاه و بازار مظفری)

شهبا در ادامه خاطر نشان کرد: جای بسی خرسندی است که به همت سازمان میراث فرهنگی کرمان، زیرگذری به طول ۲۷۸ متر، عرض ۱۵۰ و ارتفاع ۲۲۰ سانتی متر از ابتدای میدان ارگ تا انتهای میدان گنجعلیخان حفر شده و تمامی تاسیسات برق اعم از ۹۶۵ متر کابل کشی فشار ضعیف، ۱۴ دستگاه تابلو توزیع و ۱۹ دستگاه تابلو کنتوری، درون آن جای داده شده است. علاوه بر آن در طول مسیر زیرگذر، تابلوها و نقشه هایی به منظور راهنمایی همکاران صنعت برق در مواقع بروز بحران ها نصب شده است.

زیباسازی بازار با اصلاح شبکه روشنایی معابر

وی هم چنین به شبکه روشنایی معابر تعویض شده اشاره کرد و گفت: به منظور زیباسازی و حفظ هماهنگی در فضای کالبدی بازار، تمامی شبکه و پایه های روشنایی معابر قدیمی موجود در بازار جمع آوری و به جای آن تعداد ۱۳ پایه روشنایی معابر در محل های قدمگاه و بازار مظفری نصب شدند که از نظر رنگ و معماری با فضای سنتی بازار هم خوان می باشد. علاوه بر آن شبکه روشنایی معابر منصوبه در بازار سرپوشیده جمع آوری و به جای آن ۸۰ عدد چراغ روشنایی معابر با احداث ۶۷۰ متر سیم کشی جدید و غیر قابل دید از محل پشت بام نصب گردید.

مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان، در خصوص مقایسه مصرف ده ماهه مشترکین برق بازار کرمان گفت: تعداد اشتراکهای برق مجموعه بازار کرمان ۵۵۵ مشترک است که مقایسه مصرف ۱۰ ماهه اول سال ۹۲ به نسبت سال ۹۳، نشان از افزایش ۶ درصدی در مصرف انرژی دارد. این در حالی است که علی رغم افزایش مصرف انرژی، ۴ هزار کیلووات ساعت از تلفات شبکه برق منطقه بازار کرمان در سال کاسته می شود و ۶ میلیارد ریال در مصرف انرژی صرفه جویی خواهد شد.

الگو بودن ساماندهی شبکه برق بازار کرمان برای سایر شرکت‌های توزیع

مهندس محمود شهبا، مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان گفت: در مراحل مختلف انجام پروژه، مدیر عامل و معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر از پروژه بهسازی شبکه برق بازار کرمان بازدید و ابراز رضایت نمودند. به عنوان مثال: در آخرین بازدید مهندس حائری از پروژه بهسازی شبکه برق بازار کرمان، از ساماندهی منسجم و منظم شبکه برق آن ابراز رضایت کرد و گفت: امیدواریم ساماندهی شبکه برق بازار کرمان الگویی برای سایر شرکت های توزیع در بازسازی و بهسازی شبکه برق مکانهای تاریخی و مجموعه هایی نظیر بازار باشد.

مهندس شهبا در پایان خاطر نشان کرد: از ابتدای سال تا کنون بهسازی شبکه برق بازار کرمان در ۵ فاز انجام شده است که این ۵ فاز، همان راسته شرقی - غربی و بازار شناخته شده کرمان را شامل می شود و برنامه ریزی های لازم صورت پذیرفته تا بهسازی شبکه برق بازارهای فرعی و راسته شمالی - جنوبی بازار کرمان که از قدمت بیشتری نیز برخوردار است، انجام پذیرد.

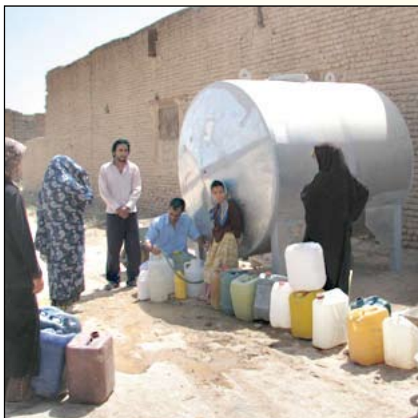
اهم فعالیت‌ها و افتخارات شرکت آب و فاضلاب روستایی استان کرمان در سال ۹۳

مهندس چیت چیان وزیر محترم نیرو: فعالیت‌های شرکت آبفار کرمان بسیار خوب و قابل تحسین است











۱-افتتاح وکلنگ زنی بیش از ۴۰ طرح در سطح استان

۲-آبرسانی به بیش از ۱۳۰روستا در سال ۹۳

۳-افتتاح پروژه آبرسانی به حومه شرقی زرند توسط وزیر نیرو و استاندار

۴-افتتاح پروژه آبرسانی به مجتمع کوه بادامونیه کرمان توسط وزیر نیرو و نمایندگان مجلس

۵-آبرسانی سیار به بیش از ۹۰۰ روستا

۶-کسب رتبه سوم در ارزیابی عملکرد شرکت‌های آب و فاضلاب کشور

۷-کسب رتبه سوم اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف انرژی در سطح کشور

۸-کسب رتبه برتر شاخص‌های اختصاصی در جشنواره شهید رجایی

۹-کسب رتبه برتر وشایسته تقدیر ویژه در امور فرهنگی از سوی وزارت نیرو

۱۰-تقدیر از شرکت آبفار توسط وزیر نیرو به جهت اجرای سریع طرح‌های آبرسانی به روستاها با توجه به شرایط خشکسالی شدید







اجرای موفق طرح تحول نظام سلامت در کرمان



طرح تحول نظام سلامت که از ۱۵ اردیبهشت ۹۳ در کرمان آغاز شده موفقیت‌های چشمگیری را به دنبال داشته است.

دکتر علی‌اکبر حق‌دوست رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان در این باره گفت: هدف اصلی که در پیاده کردن بسته‌های طرح تحول نظام سلامت دنبال می‌شود ارتقا کیفیت خدمات، افزایش رضایت‌مندی مردم و جامعه پزشکی و همچنین ارتقا زیرساخت‌ها است.

وی با اشاره به وضعیت سلامت استان، قبل از اجرای این طرح افزود: در دو دهه گذشته منابع مالی که به حوزه سلامت کشور تزریق می‌شد بسیار کم و غیرمستمر بود و باعث شد که در زمینه زیرساخت‌های سلامت کشور حتی از کشورهای ضعیف منطقه عقب‌تر باشیم؛ به عنوان مثال سرانه تخت بستری در کشور ما به ازای جمعیت، نسبت به کشورهای اردن و لبنان هم پایین‌تر است.

دکتر حق‌دوست، کرمان را نیز از این مسأله مستثنی ندانست و اظهار داشت: تعداد تخت‌های بیمارستان‌های این استان ۷۰ درصد از متوسط کشور کمتر است. وی همچنین به جدیدترین بیمارستان استان اشاره کرد و گفت: در حال حاضر بیمارستان افضلی‌پور جدیدترین بیمارستان کرمان در حوزه دانشگاه علوم پزشکی است که دو دهه از ساخت آن می‌گذرد.

وی تأکید کرد: در خارج از حوزه دانشگاه علوم پزشکی کرمان بیمارستان پیامبر اعظم که به تازگی افتتاح شده، تنها بیمارستان بزرگ و جامع این منطقه است که پس از یک دهه تلاش به بهره‌برداری رسیده است.

دکتر حق‌دوست در ادامه به تشریح بسته‌های اجرا شده طرح تحول نظام سلامت در استان کرمان پرداخت و افزود: یکی از این بسته‌ها مربوط به حل مشکلات بیماران در تأمین هزینه‌ها و تجهیزات دارویی و بیمارستانی است که بر اساس آن هیچ بیماری برای تهیه دارو، تجهیزات پزشکی و مواد اولیه بهداشتی به بیرون از بیمارستان ارجاع داده نمی‌شود.

وی همچنین به برخی استثناهای این حوزه نیز اشاره و تصریح کرد: طبق قانون برخی اتباع، بعضی مجروحین درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی و اعمال زیبایی و چاقی (اگر بیمار گونه نباشد) از دایره خدمات و درمان رایگان خارج هستند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ترویج زایمان طبیعی را موضوع اصلی بسته دوم طرح تحول نظام سلامت دانست و بیان کرد: در اجرای این بسته در استان، زایمان طبیعی در بیمارستان‌های دولتی به صورت رایگان انجام و دستمزد پزشکان معادل عمل سزارین پرداخت می‌شود که این کار انگیزه مادران را برای زایمان طبیعی بالا می‌برد و از طرفی باعث می‌شود پزشکان و پرسنل بیمارستانی برای انجام سزارین انگیزه مادی نداشته باشند.

وی همچنین از مقیم شدن پزشکان متخصص در تمام مناطق استان خبر داد و گفت: قبلاً تعداد متخصصین ما در شهرستان‌های کرمان کم بود در حالی که الان نوع تقاضا برای پزشک کاملاً عوض شده و با وجود متخصص کودکان، زنان، داخلی، بیهوشی و جراحی در تمام شهرستان‌ها، تنها تخصص‌های لوکس درخواست می‌شود.

حق دوست به کاهش هزینه‌ها و از بین بردن زحمت سفر برای بیماران را از فواید این طرح دانست و گفت: به عنوان مثال در بیمارستان امام رضای شهرستان سیرجان تعداد جراحی‌ها نسبت به قبل تا دو برابر افزایش یافته است. رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان اصلاح و پرداخت تعرفه‌ها به پزشکان را که از ۱۵ آبان ۹۳ آغاز شده است به عنوان بسته سوم طرح تحول نظام سلامت معرفی و خاطرنشان کرد: اجرای این بسته اقدامات مثبتی به همراه داشت که از بین رفتن پدیده زشت زیرمیزی مهمترین آن است.

وی اذعان داشت: قبلاً تعرفه‌های نامعقول و غیرمتعارفی برای پزشکان در نظر گرفته می‌شد که باعث رواج پدیده زیرمیزی و پرداخت هزینه‌های گزاف درمانی از سوی بیماران شده بود که با اجرای طرح تحول سلامت این پدیده به حداقل رسیده و امید است در آینده نزدیک ریشه‌کن شود. وی تعیین هزینه جراحی آپاندیس به مبلغ ۳۰ هزار تومان و جراحی‌های قلب با مبالغ زیر ۲۰۰ هزار تومان را از موارد تعرفه پزشکی قبل از اجرای بسته سوم ذکر کرد و گفت: کم کم مردم پذیرفته بودند دولت بیشتر از این مبلغ را به عهده نمی‌گیرد و سهم عمده آن را خودشان باید بپردازند.

دکتر حق‌دوست به برخی سختی‌ها و دشواری‌های اجرای این طرح نیز اشاره کرد و گفت: پیاده‌سازی این برنامه‌ها و اجرای بسته‌ها، حجم کاری را به شدت افزایش داده است به طوری که ۲۵ درصد ضریب اشغال تخت‌های بیمارستانی بالا رفته و مراجعات به شدت زیاد شده است.

وی ابراز امیدواری کرد: سال آینده با دادن مجوز به وزارت بهداشت نیروی جدید استخدام شود.

دکتر حق‌دوست در ادامه به شیوع سرطان در کشور اشاره کرد و گفت: «سرطان» به عنوان یکی از بیماری‌های جامعه جهانی مورد توجه خاصی قرار گرفته و در کشور و استان کرمان به عنوان سومین و گاهی دومین علت مرگ افراد به شمار می‌رود.

وی بالا رفتن میانگین سن جامعه، ناسالم بودن سبک زندگی مردم (تغذیه، فعالیت کم‌بدنی و استرس) و مصرف انواع دخانیات به ویژه قلیان را از مهم‌ترین عامل روند افزایش سرطان برشمرد.

وی با بیان این که تعداد مبتلایان به این بیماری در استان کرمان از متوسط کشور کمتر است، افزود: برخی سرطان‌هایی مانند سرطان مثانه، حنجره و کبد در کرمان بیشتر از سایر مناطق کشور دیده می‌شود و سرطان دستگاه گوارش در شمال استان و سرطان خون در جنوب و سرطان پستان در شهرهای غربی استان کرمان شیوع بیشتری دارد.

حق‌دوست همچنین به تأثیرات مواد شیمیایی بر سلامت جامعه تأکید کرد و گفت: استفاده از کودها و سموم شیمیایی در مواد غذایی باید معقول، سنجیده و از نوع کم‌خطر باشد که متأسفانه در جامعه ما به دلیل قاچاق، عدم آگاهی کشاورزان و سودجویی برخی افراد، از سموم غیراستاندارد استفاده می‌شود و این خود باعث افزایش خطر می‌شود.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمان به برخی اولویت‌های این نهاد در سال ۹۴ اشاره کرد و گفت: مهم‌ترین برنامه دانشگاه در سال آینده، اتمام ساخت بیمارستان شهید باهنر کرمان است که ۴۵ میلیارد تومان برای این منظور و ۶۰ میلیارد تومان نیز برای تجهیز آن نیاز است.

حق‌دوست اصلاح و تغییر کاربری بیمارستان شهید بهشتی کرمان و نیز ساخت بیمارستان مشارکتی بخش خصوصی و دولتی در بیمارستان شفا، راه‌اندازی درمانگاه و بلوک زایمانی بیمارستان افضلی‌پور، تکمیل و ایجاد ۱۰۰ تخت روانی در بیمارستان افضلی‌پور و بازسازی ساختمان بیمارستان کرمان، درمان برای امور درمانی سرپایی را از دیگر برنامه‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمان برای سال آینده برشمرد.

وی همچنین راه‌اندازی مجدد بیمارستان نوریه کرمان پس از ۷۰ سال، توسعه کلینیک‌های ویژه کرمان به ۴ کلینیک، اجرای طرح پزشک خانواده در شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر استان، تعمیر و بهسازی خانه‌های بهداشت سراسر استان و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از جمله مکمل‌های غذایی و داروهای مکمل به خانم‌های باردار و کودکان در روستاها و نیز تزریق واکسن پنتاوالان به نوزادان را از جمله فعالیت‌های انجام شده دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۹۳ عنوان کرد.

دکتر حق‌دوست در پایان نقش رسانه‌ها را در حوزه سلامت و افزایش سطح آگاهی مردم بسیار مهم و تاثیرگذار دانست و گفت: آن‌ها با توجه به وظیفه حرفه‌ای که دارند می‌توانند نقاط کور و مبهم را برای مردم روشن کنند و حتی به شیوه منطقی مطالبه‌گری داشته باشند.

وی از رسانه‌ها خواست تا با اطلاع‌رسانی شفاف به مردم اعلام کنند که ما نیز مانند آن‌ها از کمبودها رنج می‌بریم و علاقمندیم بهترین رفاه را در این بخش برای مردم فراهم کنیم اما هزینه‌های بخش سلامت بسیار سنگین و عقب‌افتادگی‌ها بسیار زیاد است که برای تأمین هزینه‌ها و جبران عقب‌ماندگی‌ها نیاز به عزم ملی و استانی دارد.

مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان زنجان خبر داد

اجرای طرح آرامش بهاری در امامزادگان استان زنجان



مدیـــر کل اوقاف و امـــور خیریه اســـتان زنجان از برگـــزاری طرح آرامش بهاری در ۴۰ امامـــزاده و بقاع متبرکه ایام نوروز امســـال در اســـتان خبر داد و گفت: طـــرح آرامش بهاری در راســـتای فرمایـــش حضرت امـــام (ره) که فرموده‌اند ما می‌خواهیم مـــردم در کنار بقاع با آرامش زندگی کنند امسال از ۲۸ اسفندماه تا ۱۵ فروردین به مدت ۱۷ روز در امامزادگان و بقاع متبرکه استان برگزار خواهد شد.

حجت‌الاســـلام والمســـلمین باقـــری با تأکیـــد بـــر این که در ایـــن طرح امامـــزادگان آماده پذیرش زائران و گردشگران از استان‌ها و شهرســـتان‌ها و یا از کشـــورهای خارجی که به استان ســـفر می کنند خواهند بود افزود: در این راستا براســـاس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته امامـــزادگان از هر لحاظ آماده‌ســـازی شـــده و هیأت امنا و خادمین این اماکن توجیه شده‌اند تا به نحو مطلوب از گردشگران و زائران استقبال صورت بگیرد.

وی برپایـــی خیمه‌هـــای معرفـــت در ۱۲ امامزاده با حضـــور روحانیون و کارشناســـان متخصص را از برنامه‌های جنبی طرح آرامش بهاری عنوان کرد و گفـــت: در این خیمه‌های معرفت ۲۷ نفـــر از روحانیون و کارشناســـان مجرب برادر و ۳ کارشـــناس خواهر مســـتقر خواهند شد که تعداد خیمه‌های معرفت در ۴ امامزاده به صورت ثابت با سه نفر روحانی برادر و یک کارشناس خواهر طلبه و بقیه به صورت موقتی در ایام نوروز برپا خواهند شد.

مدیر کل اوقاف و امور خیریه غرفه کودک و نوجوان، غرفه پاســـخگویی به مسائل دینی، غرفه ترویج فرهنگ وقف (همه واقف باشـــیم) و غرفه قرآن بخوانیم جایزه بگیریم را از جمله غرفه‌های خیمه‌های معرفت برشمرد و یادآور شـــد: امســـال دهه اول محرم ۳۰ گردشگر از کشـــور چین از خیمه‌های معرفت مستقر در امامزاده ســـید ابراهیم (ع) بازدید کردند و این افراد تاکنـــون چندین مورد نامه به ســـازمان اوقاف ارســـال کرده و از برپایی و خدمات ارائه شده این خیمه‌ها قدردانی کرده‌اند.

اسکان گردشگران نوروزی در امامزادگان

حجت‌الاســـلام والمســـلمین باقری بیان کرد: در طرح آرامش بهـــاری علاوه بر پذیرایی از زائـــران و گردشـــگران امکان اســـکان موقت تا ۲۴ ســـاعت نیز در ۱۲ امامزاده اســـتان مهیا شـــده و زائران می‌توانند از امکانات فراهم شده در امامـــزادگان به صورت شـــبانه‌روز بهره‌مند شـــوند. این مقام مســـئول به امنیـــت و آرامش خاص امامزادگان اشاره کرد و گفت: این تعداد امامـــزاده ۲۴ ســـاعته آماده پذیـــرش زائرین و گردشگران نوروزی هستند و زائران می‌توانند از امنیت و فضای معنـــوی امامزادگان در مدت اقامت‌شان بهره‌مند شوند.

این مقام مســـئول با اعـــلام این که در این امامزادگان نماز جماعت در سه وقت دایر است و نمایشـــگاهی تحت عنوان آرامـــش بهاری، نمایشـــگاه حجاب و عفاف و برپایی هفت‌سین ســـنتی نیز خواهیم داشت بیان کرد: برگزاری ویژه برنامه تحویل ســـال، تلاوت قرآن کریم، تلاوت دعای تحویل ســـال و چهل یاســـین در چهار امامـــزاده از دیگر برنامه‌هـــای اداره کل اوقاف و امور خیریه اســـتان در نوروز امســـال است.

برگزاری سوگواره یاس نبوی

مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان زنجان برگـــزاری طرح ســـوگواره یاس نبـــوی در ۴۰ امامزاده اســـتان را از دیگر برنامه‌های این اداره کل در ایام نـــوروز ۹۴ اعلام کـــرد و افزود: این طرح از دوم تا ششـــم فروردین ماه ۹۴ به مدت ۵ روز در ۴۰ امامزاده اســـتان برگزار می‌شود و در این ایام پرچم عزای شـــهادت بانوی بزرگوار حضرت فاطمـــه الزهـــرا (س) در امامزادگان استان برافراشته خواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین باقری برپایی خیمه‌های معرفـــت، برپایی نمایشـــگاه ویژه آشـــنایی با ســـیره و ســـبک زندگی این بانوی گرانقدر اســـلام، برگزاری مسابقه‌ای از خطبه فدکیـــه با جوایز بســـیار ارزنده شـــامل کمک هزینه عتبـــات عالیـــات را از برنامه‌های طرح سوگواره یاس نبوی برشمرد.

وی از برگـــزاری ویـــژه برنامه‌هایـــی در روز شـــهادت در چهار شهر اســـتان خبر داد و گفت: برپایی دســـته عزاداری رهروان فاطمی ویـــژه بانوان بعدازظهر چهـــارم فروردین ماه و تجمع و حرکت دســـته عزاداری ویژه برادران از ساعت ۱۰:۳۰ صبح از مقابل مسجد سید تا امامزاده ســـید ابراهیم (ع) زنجـــان و در پایان مراســـم قرائت زیارت حضـــرت فاطمه الزهرا (س)، روضه خوانی، ســـخنرانی نماینده ولی فقیه و امام جمعـــه زنجان آیت الـــه خاتمی و برپایی نماز جماعـــت از دیگر برنامه‌های طرح سوگواره یاس نبوی در استان است.

وی در پایـــان بـــه تربیت حافظـــان قرآن کریم در استان اشاره کرد و گفت: ما یک تعهد ۱۳ هزار نفری برای آموزش حافظان و قاریان قرآن کریم در استان داشتیم که خوشبختانه موفق شـــدیم این رقم را تاکنـــون به ۱۳۳۵۴ نفر افزایش دهیم و انشاالله این طرح همچنان ادامه خواهد داشت.

توصیه‌های بهداشتی در سفر:



فرا رسیدن نوروز و بهار طبیعت، فرصت مغتنمی برای ایرانیان است که ضمن بهره بردن از تعطیلات نوروزی، از زیبایی‌های خدادادی طبیعت در زیباترین فصل الهی بهره برده و اندکی از روزمرگی‌های زندگی فاصله بگیرند که همین امر موجب افزایش قابل توجهی در تعداد سفرهای بین شهری و درون شهری می‌شود.

اما آنچه که می‌تواند خاطره این سفرها را برای خانواده‌های ایرانی شیرین‌تر کند، حفظ سلامت مسافران در طول سفر است که بخش عمده‌ای از آن مستلزم رعایت نکات بهداشتی در سفر است.

آنچه در ادامه می‌آید، چند نکته بهداشتی برای تامین امنیت و سلامت شما هم میهنان عزیز در طول سفر و تعطیلات نوروز است:

- ✓ در هنگام خرید مواد غذایی بسته بندی شده به مشخصات درج شده بر روی آن شامل نام محصول، ترکیبات محصول، نشانی کارخانه سازنده، شماره پروانه ساخت از وزارت بهداشتی و تاریخ تولید و انقضاء توجه داشته باشید.
- ✓ در صورت امکان از رستوران‌های معتبر بین راهی استفاده کنید. برای ارزیابی سطح بهداشت در این گونه واحدها باید به وضعیت دستشوییها، لباس کارگران، نظافت میزها، عدم وجود حشراتی مانند مگس، وسایل صرف غذا مانند چنگال، قاشق، لیوان، پارچ آب و غیره توجه کرد.
- ✓ در صورتی که تمایل به تهیه غذا دارید، از مواد اولیه با کیفیت مناسب استفاده کنید. به عنوان مثال: گوشتی که خریداری می کنید باید کاملاً تازه باشد و هیچ گونه بوی ماندگی ندهد. شیر یا تخم مرغ مورد استفاده شما باید تازه و بهداشتی باشد و از خریداری مواد غذایی درکنار جاده پرهیز کنید.





- ✓ هنگام مصرف قارچ‌های خوراکی طبیعی، از راهنمایی افراد بومی مجرب استفاده کنید و در غیر این صورت از خوردن قارچ جدا خودداری نمایید.
- ✓ قبل از صرف غذا، آن را به طور کامل حرارت دهید، زیرا در زمان نگهداری غذا در سفر(فاصله بین زمان پختن و خوردن) میکروب‌ها در مواد غذایی رشد می کنند. بنابراین باید هنگام استفاده از غذا آن را تا دمای ۷۰ درجه سانتیگراد حرارت داد تا به طور کامل داغ شود. بنابراین از خوردن غذاهایی که به شکل سطحی گرم یا تفت داده شده، خودداری کنید.
- ✓ غذا را درطول سفر در دمای بالاتر از ۶۵ درجه سانتیگراد یا پایین تر از ۵ درجه سانتیگراد نگه داری کنید. این مطلب اصل بسیار مهمی در نگهداری مواد غذایی است و اگر قصد دارید غذای خود را بیشتر از ۲ ساعت نگه داری کنید، حتما آن را رعایت کنید. همچنین به دلیل حساسیت کودکان، از این اصل برای نگهداری غذای کودک استفاده نکرده و به کودکان غذای تازه بخورانید. اگر در طول سفر، امکان تامین دمای بالای ۶۵ درجه سانتیگراد وجود ندارد، می توان با استفاده از یخدان دمای ۵ درجه سانتیگراد یا کمتر را مهیا نمود.
- ✓ از خوردن غذاهای نیمه پخته و خام به طور جدی خودداری کنید: در حین سفر ممکن است در یک منطقه روستایی توقف کنید و شما را به خوردن شیر تازه دوشیده شده از دام و پنیر محلی دعوت کنند(تحت عنوان این که غذاها در روستا طبیعی هستند) که در این گونه موارد باید از خوردن آنها خودداری کنید. هم چنین از خوردن تخم مرغ نیم پز (عسلی) نیز به طور جدی بپرهیزید.
- ✓ از خریداری مواد غذایی کنار جاده و دستفروش‌ها مانند حبوبات پخته، لوبیا و باقالی، لواشک‌ها، فلافل، سمبوسه‌ها و پیراشکی‌ها خودداری کنید.






توصیه‌های بهداشتی:

- ✓ از شست و شوی لباس و ظروف در آب نهرهای عمومی خودداری نمایید، یخ مصرفی را از محل‌های بهداشتی و مطمئن تهیه نمایید، در هنگام مسافرت، آب آشامیدنی مورد نیاز را از آب‌های بسته بندی شده تهیه و مصرف نمایید. چنانچه از سلامت آب اطمینان ندارید به منظور سالم سازی آب از طریق جوشانیدن، آب را حداقل به مدت ۱ دقیقه (از زمان جوش آمدن) بجوشانید و پس از سرد شدن استفاده نمایید.
- ✓ از نوشیدن آب‌های مشکوک در مسیر جاده‌ها، پارک‌ها، تفریح گاه‌ها و باغ‌ها اجتناب نمایید.
- ✓ از آب رودخانه‌ها و جویبارها برای نوشیدن، پخت غذا و شست و شوی سبزی، میوه و ظروف استفاده نکنید.
- ✓ بعد از توالت و قبل از دست زدن به مواد غذایی، دست‌ها را با آب تمیز و صابون شست و شو دهید.
- ✓ برای استراحت و خوابیدن در طبیعت محلی را انتخاب کنید که کنار جاده (محل عبور خودروها) و در معرض حمله حیوانات نباشد.
- ✓ از ریختن زباله در گذرگاه‌های عمومی خودداری و آنها را در کیسه زباله جمع آوری کنید.
- ✓ با کشیدن سیگار به ویژه در اماکن سرپوشیده سلامتی خود و سایرین به خصوص کودکان را به خطر نیندازید.






پیشگیری از گاز گرفتگی با گاز مونوکسید کربن (co)

- ✓ استفاده از وسایل گرمایشی استاندارد در پیشگیری از این مسمومیت از اهمیت بالایی برخوردار است و بخاری‌های بدون دودکش به هیچ عنوان از تولید گاز CO جلوگیری نمی‌کنند.
- ✓ دقت و توجه به داغ بودن دودکش نیز بهترین آزمایش سلامت دودکش است. اگر لوله دودکش بخاری سرد است، دلیل آن خارج نشدن محصولات احتراق و گازهای سمی‌ازدودکش است که در این صورت باید سریعا رفع نقص شود.
- ✓ نصب کلاهک مخصوص برای دودکش در پشت بام‌ها در جلوگیری از انتشار و برگشت گاز co در محیط منزل نقش مهمی‌دارد.
- ✓ رنگ شعله بخاری و وسایل پخت و پز باید آبی باشد، چنانچه رنگ شعله قرمز، زرد و یا نارنجی باشد، حتما نقص در سوخت رسانی و کمبود اکسیژن در محیط است که سریعا باید تعمیر شود.
- ✓ در صورت استفاده از وسایل گرمایشی مانند بخاری و شومینه، نباید تمامی‌روزنه‌های جریان هوا در منزل و به ویژه اتاق خواب مسدود شود.
- ✓ از نصب آبگرمکن در حمام، روشن کردن شعله‌های اجاق گاز در آشپزخانه برای گرم نگه داشتن محیط داخل خانه جدا خودداری شود.




مسافرین محترم نوروزی

۱- در ایام نوروز(تا ۱۵ فروردین) همه درمانگاهها اعم از درمانگاههای اورژانس ۲۴ساعته یا غیر ۲۴ ساعته در طول شبانه روز بصورت ۳۰ به ۷۰ برای تمامی مسافرین استانی و غیر استانی و مراجعین ارائه خدمت می‌نمایند.

۲- در تعطیلات رسمی نوروز همه پزشکان خانواده تعطیل می باشند وهمه مراجعین دارای پزشک خانواده توسط تمامی درمانگاهها بصورت ۳۰-۷۰ ویزیت خواهند شد.

۳- در مابقی ایام غیرتعطیل نوروز، یا پزشک خانواده یا جانشین ایشان بایستی حضور داشته باشند و بیماران خود را ویزیت نمایند.

تبصره: در روزهای ۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۱ فروردین ماه سال ۹۴ هرپزشک خانواده حداقل سه روز خود در محل کار حضور داشته باشد .

با توجه به اجرای برنامه پزشک خانواده در استان فارس، ضمن خوش آمد گویی به شما و آرزوی سفری خوش همراه با سلامتی برای شما و خانواده محترم، در صورت نیاز به خدمات پزشکی می‌توانید در تمامی‌ساعات شبانه روز به درمانگاه‌های اورژانس شیراز و در شهرستان‌ها به درمانگاه‌های شبانه روزی و بیمارستان‌ها مراجعه نمایید.

همچنین در صورت داشتن هرگونه سوال، می‌توانید با شماره تلفن ۱۵۹۰ (مرکز پاسخگویی پزشک خانواده) تماس حاصل فرمائید.




در ایام نوروز(تا ۱۵ فروردین) همه درمانگاهها اعم از درمانگاههای اورژانس ۲۴ساعته یا غیر ۲۴ ساعته در طول شبانه روز بصورت ۳۰ به ۷۰ برای تمامی مسافرین استانی و غیر استانی و مراجعین ارائه خدمت می‌نمایند

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

درمانگاههایی که در طول تعطیلات نوروز ۲۴ ساعته خدمات درمانی ارائه می‌دهند

نام درمانگاه	آدرس	تلفن درمانگاه
ابوتراب	شاهزاده قاسم ،کوچه جنب حمام نیمروزی	۳۷۳۸۳۳۸۰
ابا عبد اله (ع)	بلوار مدرس،نبش بنیاد جانبازان،پودونک	۳۷۳۵۱۵۰۱
ارژن	بلوار عدالت،نرسیده به زندان عادل آباد	۳۸۲۴۷۱۰۸-۳۸۳۵۳۰۰۳
اقبال	میدان پاسارگاد	۳۸۲۴۴۱۸۴
اکبر آباد	اکبرآباد	۳۲۴۲۶۶۵۲
توحید	بیست متری امام خمینی	۳۸۲۵۱۳۸۸
المهدی(عج)	آرامگاه سعدی	۳۷۳۰۵۸۵۷
امام جعفر صادق(ع)	بلوار رحمت ،سر سپاه،	۳۸۲۴۶۰۲۱-۳۸۲۶۳۳۰۰
امام حسن مجتبی(ع)	شهرک والفجر	۳۸۲۲۳۶۲۸
امام حسین(ع)	شهرک جوادیه	۳۶۳۷۳۷۸۸
امام رضا (ع)	بلواررحمت	۳۷۳۹۹۰۹۷
امام رضا (ع)	خ کشن،گلشن	۳۸۲۲۹۲۲۶
امام علی(ع)	خ شمس،خ نادر	۳۸۳۰۸۳۶۳ -۳۸۲۰۱۲۱۳
امیر المومنین (ع)	خ یقطین	۳۸۲۲۸۰۵۶-۳۸۳۲۵۴۰۰
ایران زمین	شهرک گلستان	۳۶۲۱۴۷۷۰
آریا	معالی آباد	۳۶۳۴۱۵۶۹
آستانه حسینی،سینا	سینا، آستانه	۳۷۲۸۰۵۱۰
بقیه اله (عج)	دروازه کازرون	۳۷۳۹۹۰۲۸
بوعلی سینا	گویم	۳۶۷۶۴۹۰۵
بوستان	شهرک گلستان،خ صبا	۳۶۲۲۰۶۰۱
بهار	بلوار رحمت ،خ ابوذر غفاری	۳۷۵۰۳۰۷۰
پارسه (صدرا ۱)	صدرا	۳۶۴۱۷۲۱۰
پردیس	چهارراه باهنر،اول رحمت	۳۸۲۶۴۴۰۱
توحید	بیست متری امام خمینی	۳۸۲۵۳۱۱۷
ثامن الائمه(ع)	بلوار نصر ،جنب پمپ بنزین	۳۷۳۱۹۹۱۱
حرریاحی	ده پیاله ،بلوار ابوذر غفاری	۳۷۵۰۷۷۵۰
حکیم	میدان معلم،ابتدای فرهنگ شهر	۳۶۳۰۲۷۰۶
خاتم الانبیاء(ص)	نبش جانبازان	۳۷۲۳۳۳۰۱
فاطمه الزهرا(س)	همت جنوبی	۳۶۳۲۱۵۱۰
خیام	بلوارتخت جمشید	۳۷۴۰۶۰۷۷
خورشید	فاز ۲ میانرود	۳۸۴۰۶۶۲۶
دی	نرسیده به کوزه گری،	۳۷۵۳۵۳۳۲

نام درمانگاه	آدرس	تلفن درمانگاه
رازی	بلوار میثم شمالی ،ابتدای والفجر	۳۸۴۲۸۱۹۱
رضوان	خ مطهری،تلخداش	۳۶۲۹۰۶۵۵
رضوی	بلوار فرصت شیرازی ، خ رضوی	۳۷۴۰۱۰۰۷
سپهر	تاچارا،جنب پارک علوی	۳۶۲۴۷۵۱۸-۳۶۲۵۱۹۳۷
سروش	خ آبیاری	۳۸۲۱۹۹۳۷-۳۸۳۰۷۰۸۵
سهامی	فلکه دوم ابیوردی،	۳۲۶۶۹۱۲۱
شفا	خ بعثت	۳۶۲۷۸۸۸۸
شاهچراغ	شاهچراغ	۳۲۲۲۴۱۷۹
صبا	تاچارا،نرسیده به پل معالی آباد	۳۶۲۳۳۷۷۳
عرفان قائم	گلدشت معالی آباد	۳۶۲۴۲۵۹۳
علی بن ابی طالب(ع)	بلوار رحمت ،پانصد دستگاه ارتش	۳۷۵۱۲۰۴۰
علی بن ابی طالب(صدرا ۲)	صدرا	۳۶۴۱۶۷۰۴
فارابی	چهارراه سرداران	۳۷۳۰۲۷۷۷
فاطمیه	مهدی آباد	۳۷۵۲۱۰۲۰
فردوس	اول خ سهل آباد	۳۷۲۲۰۹۰۲-۳۷۲۲۴۳۱۰
فرهنگیان	خ هجرت پل پارکینگ	۳۲۲۸۲۰۹۶
کما	خ آزادگان	۳۷۱۴۴۴۱۲-۳۷۲۶۹۷۰۰
کیمیا	چهارراه بنفشه	۳۲۳۴۸۷۹۲،۳
گلستان میانرود	میانرود	۳۸۴۰۶۶۶۱
میلاد	قدوسی غربی	۳۶۳۰۲۰۶۵
ماهان	میانرود	۳۸۴۱۱۳۱۱-۳۸۴۱۰۱۴۸
محمد رسول اله (ص)	زرهی	۳۸۲۲۰۷۵۷
مسجد الرسول	قصرالدشت ،طبقه فوقانی مسجد الرسول(س)	۳۶۳۱۵۴۵۵
مهر	بلوار نصر	۳۷۳۰۴۸۳۲
میرزایی	شهرک بهشتی،ورودی دوم میدان اول	۳۶۲۲۴۳۳۰
نادر کاظمی	میدان ولیعصر (فقط صبح)	۳۷۲۶۱۱۹۵
نبی اکرم(ص)	بلوار عدالت،چهارراه فرگاز،جنب مسجدنبی اکرم	۳۸۲۶۱۳۰۲
نشاط	خ بریجستون ،۲۰ متری سفیر	۳۷۲۴۱۱۱۹-۳۷۲۰۹۷۵۳ ۳۷۲۰۹۴۴۵
نرجس	بلوار امیر کبیر،شهرک والفجر، بلوار فجر	۳۸۲۲۳۰۶۵
نور	بلوار تخت جمشید ،تقاطع	۳۷۴۰۶۱۸۱
هخامنش	میدان پاسارگاد	۳۸۳۴۶۴۶۷

در تعطیلات رسمی نوروز همه پزشکان خانواده تعطیل می باشند و همه مراجعین دارای پزشک خانواده توسط تمامی درمانگاهها بصورت ۳۰ به ۷۰ ویزیت خواهند شد

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شیراز



بهار را با یاد او آغاز می‌کنیم، چرا که تمام هستی تصویری از دریای بیکران عطوفت فاطمه است.
شاخه ای از گل یاس مهمان سفره هفت سین امسال است تا یادی از یادگار رسول خدا را زنده کند.

سازمان پایانه‌های مسافربری شیراز

پایانه‌های مسافربری راهکاریست که جوامع برای رهایی از؛ پراکندگی بنگاه‌های مسافربری در سطح شهرها که باعث آلودگی هوا می‌شدند، تداخل ترافیک درون و برون شهری، آلودگیهای زیست محیطی،افزایش تقاضای سفرهای درون شهری، نداشتن امکانات رفاهی لازم،نبود نظارت مستمر و ایجاد اتلاف وقت عمومی، ایجاد کردند.
از همین رو شهرداری شیراز در سال ۱۳۶۳ بر اساس قانون مصوب ۱۳۵۹اولین پایانه متمرکز خود به نام شهید کاراندیش را مطالعه و طراحی و به اجرا در آورد که در دی ماه ۱۳۶۶ به بهره برداری رسید. پایانه‌های شهید مدرس در شرق و پایانه امیرکبیر در جنوب غربی شهر شیراز نیز پس از احداث و تجهیز در اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ همزمان به بهره برداری رسیدند. همچنین پایانه غیر متمرکز سپیدان نیزجهت سرویس دهی به بخش‌های شمال غربی شهر شیراز فعالیت دارد که این فعالیت از سال ۱۳۷۵ آغاز گردیده است.
سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز با هدف سازماندهی فعالیتهای حمل و نقل مسافر برون شهری در شهر شیراز فعالیت دارد که حوزه فعالیت آن شامل : مطالعه طراحی و احداث پایانه‌های مسافربری مورد نیاز تعمیر و نگهداری و خدمات رسانی روزانه آنها جمع آوری اطلاعات و آمار تخصصی کردن فعالیت‌ها آموزش عمومی اطلاع رسانی مدیریت عمومی پایانه‌ها حفاظت از اموال عمومی ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی جهت ارتقاء سطح کیفی و خدمات و... می‌باشد.
سازمان برای نیل به رسالت خود با رعایت مقررات موضوعه اقدام به اجرای موضوعات ذیل می‌نماید:
ب- جذب نیروهای متعهد و متخصص و اقدام لازم در زمینه ارتقاء سطح دانش و اطلاعات آنان و ایجاد ارتباط با مراکز علمی و فنی و دانشگاهی داخل و خارج کشور
ج- ایجاد ارتباط با پایانه‌های داخل و خارج کشور به منظور تبادل اطلاعات و استفاده از دانش و تجربیات آنها در راستای تأمین و تکمیل خدمات و حفظ بهداشت محیط و ارائه خدمات مطلوب به شهروندان
د- تکمیل و احداث غرفه‌های خدماتی و بهداشتی مجهز جهت تأمین نیازهای مراجعین و مسافرین شرکتهای مسافربری و واگذاری آن‌ها به بهره برداران با رعایت مقررات مربوطه.
از اهم فعالیتهای انجام شده توسط این سازمان : احداث پایانه‌های شهید مدرس – احداث پایانه مسافربری امیرکبیر – انجام مطالعات پایانه‌های مسافربری پنج قاره جهان – احداث پل هوایی عابر پیاده در مقابل پایانه شهید مدرس – احداث مجتمع فنی و تعمیراتی – احداث جایگاه سوخت و تعویض روغن – احداث کارواش- احداث دفاتر جدید فروش بلیط در پایانه شهید مدرس – احداث سه آبنما در پایانه شهید کاراندیش – احداث و تجهیز پارک کودک – احداث انبار امانات و انبارهای توش مسافر- تهیه و نصب برجهای نور در کلیه پایانه‌ها – واگذاری کلیه امور اجرایی سازمان به بخش خصوصی – احداث غرفه‌های خدماتی مورد نیاز در کلیه پایانه‌ها – احداث دروازه ورودی مخصوص عابر پیاده در پایانه شهید کاراندیش بوده است.
همچنین جهت رفاه رانندگان زحمتکش ناوگان‌های مسافربری امکاناتی به شرح زیر ایجاد شده است: راه اندازی دفتر صدور دفترچه با همکاری پلیس راه، خوابگاه رانندگان و تجهیز آن، مجتمع فنی و تعمیراتی، جایگاه سوخت، جایگاه تعویض روغن، کارواش، جایگاه تخلیه مسافر و سالن مستقبلین و قهوه خانه.
در همین راستا جهت تأمین نیازمندی‌های مسافرین و رانندگان غرفه‌های خدماتی موجود در پایانه‌ها به شرح زیر فعالیت دارند: رستوران، ساندویچی و پیتزا، خشکبار، چایسرا، آرایشگاه، تریا و قنادی، مطبوعات، گلهای زینتی، کیف و کفش و پوشاک،عکاسی رایانه ای، محصولات صوتی و تصویری، کافی نت، صنایع دستی و خرازی، قهوه خانه، عطرواسانس و تاکسی ویژه.

آمادگی صددرصد سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز جهت ارائه خدمات در ایام پایان سال و نوروز ۱۳۹۴

سعید دبیری مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری از آمادگی کامل این سازمان جهت ارائه خدمات به مسافرین و زائران محترم سومین حرم اهل بیت (ع) در روزهای پایانی سال و همچنین ایام عید نوروز در پایانه‌های شهید کاراندیش، شهید مدرس، علی ابن حمزه (ع)، امیرکبیر و پایانه قصردشت خبر داد.
وی با اشاره به حضور حداکثری مسافرین در پایانه‌ها از اهمیت نظافت و آراستگی، نظارت بر فروش مواد غذایی در پایانه‌ها، حضور مستمر نگهبانان و پرسنل خدمات، نظافت و رنگ آمیزی قسمتهای مختلف پایانه‌ها، بازدید و بررسی دستگاههای خودپرداز مستقر در پایانه‌ها، بازدید و بررسی خوابگاه رانندگان و خانه مادر و کودک، سرویس دوربین‌های مداربسته و آمادگی همه بخشهای سازمان در طول سال، خاصه ایام نوروز برنامه کشیک دائم و فصلی مسئولین سازمان و مدیران پایانه‌ها به منظور ارتقاء ارائه خدمات را بخشی از فعالیت‌های سازمان در روزهای پایانی سال دانست. دبیری با اشاره به آمار بالای جابجایی مسافر در اواخر سال گذشته از پایانه‌های شهر شیراز، تلاش برای بهبود وضعیت خدمت به زائران حرم احمدی و محمدی (ع)، مسافرین و مهمانان نوروزی را یکی از اساسی ترین وظیفه سازمان تحت مدیریت خود دانست.
در ادامه مدیر عامل سازمان پایانه‌ها از زائران و مسافرین گرامی خواست که با خرید اینترنتی بلیط در وقت و هزینه خود صرفه جویی کنند و در صورت مراجعه حضوری به پایانه‌ها به منظور تهیه بلیط، بلیط را تنها از گیشه‌های فروش تهیه نمایند. وی افزود: باتوجه به اینکه هنگام خرید بلیط از دفاتر فروش مشخصات مسافر ثبت می‌گردد ضمن پرداخت قیمت واقعی بلیط از مزایای بیمه سفر هم بهره مند می‌گردند.
در پایان سعید دبیری با آرزوی گذران اوقاتی خوش برای هم میهنان عزیز در شهر سومین حرم اهل بیت (ع) و پایتخت فرهنگی ایران اسلامی افزود که تمامی همکاران در ایام نوروز به صورت ۲۴ ساعته در محل کار خود حاضر و تلفن‌های گویای سازمان با شماره‌های ۵۱-۰۷۱۷۳۲۷۶۵۰ - ۳۶- ۰۷۱۳۷۳۱۴۳۳۵ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۴۰۰۳۷ همواره به منظور تامین آرامش و آسایش و امنیت مسافرین پاسخگوی هرگونه پیشنهاد و انتقاد و شکایت میهمانان و همشهریان عزیز می‌باشند.



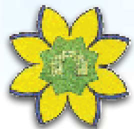
شرکت	تلفن یا فکس	مقصد
ایمن سفر ایرانیان	۳۷۳۰۳۸۸۵	لامرد – عسلویه – پارسیان – کنگان – لنگه – لایزنگان – فراشبند – رفسنجان – تهران بندر عباس – اوز –لار – شهر کرد – اصفهان – کرج – دیر – گراش – خورموج – دیلم
تک سفر	۳۷۳۰۳۱۳۲	قشم – بندر عباس – یاسوج
پیک صبا شیراز	۳۷۳۰۴۵۶۳	بهبهان– تهران – دزفول – اهواز
جوان سیر ایثار	۳۷۳۰۳۱۸۷	دربستی
رویا سفر شیراز	۳۷۳۰۹۳۵۳	ارسنجان
رویال سفر ایرانیان	۸–۳۷۳۱۱۰۲۶	تهران – اصفهان – مشهد – رشت – کرج
سیر و سفر جنوب	۳۷۳۰۹۵۱۲	تهران – بندر عباس – کرمانشاه – کرج – مشهد – تبریز – دزفول – آبادان – اراک– اهواز – یزد –کازرون – گناوه – جهرم – فسا – نی ریز
آسیا سفر پاسارگاد	۳۷۳۰۴۶۵۰	کرج – فیروز آباد
ش۱۵–ترابر بیتا فارس	۳۷۳۰۷۲۲۴	ایرانشهر – زاهدان – تهران جنوب – بندرعباس – مشهد – فسا – جهرم – فراشبند – حاجی آباد – زاهد شهر
ش۱۱–آریا سفرآسیا شیراز	۳۷۳۰۶۵۵۴	سسندج – رشت – کرمانشاه –خرمشهر – آبادان – زاهدان – داراب
ش۲–پیک معتمد شیراز	۳۷۳۲۱۲۱۲	مشهد – تبریز –ساری – تهران – اصفهان – اقلید –اهواز – فسا – جهرم
ش۸–لوان نور شیراز	۳۷۳۰۴۷۱۳	اهواز – قشم – تبریز – مشهد – زنجان – تهران – بندر عباس – رشت – بروجرد – آبادان – دهدشت – اصفهان – کرمان – ایزه – نی ریز – فسا
شاهین رعد شیراز	۳۷۳۰۷۸۵۹	–––

شرکت	تلفن یا فکس	مقصد
شاهین گشت فارس	۳۷۳۰۲۹۱۸	لارستان – نجف آباد – مشهد – قیر
ش ۱۳–آسیا سفر شیراز	۳۷۳۰۹۸۵۷	تهران – بندر لنگه – میناب – بندر عباس – اهواز – آبادان – قشم – کرج
ش ۱۶–جهان گشت مهر شیراز	۳۷۳۱۷۰۰۰	لارستان – اشکنان – بیرم – خنج – اوز – تهران – اصفهان – قم – مشهد – استهبان – نی ریز
سفر سیر آریا	۳۷۳۱۷۸۰۲	زاهدان – بم – کرمان – سیرجان – همدان –اراک– ملایر – بندر عباس– تهران– اصفهان – قم – کاشان – مشهد – طبس – قزوین – ساوه
قاصد سیر	۳۷۳۲۳۷۸۶	سعادتشهر – قادر آباد – صفا شهر
گشت و گذر شیراز	۳۷۳۰۴۴۲۹	ارسنجان – خرامه – آباده طشک – سوریان – مزایجان – بوانات
گیتی پیما فارس	۳۷۳۱۱۶۶۳	مشهد – تبریز گرگان – عسلویه –یزد – زاهدان – چابهار – تهران جنوب – تهران آزادی – لامرد – میبد – اصفهان – پارسیان –خرم آباد – کرج –ابرکوه –قشم – استهبان – فسا – حاجی آباد
گیتی نورد شیراز	۳۷۳۰۲۹۳۹	تهران – کازرون
میهن نور فارس	۳۷۳۰۹۳۶۵	چابهار – ایرانشهر – زاهدان – لامرد – لنگه
میهن نور آریا	۳۷۳۰۹۶۴۳	آباده – اقلید –ساری – گرگان – بندر عباس – بیرجند – کرج – یزد – زاهدان – قشم – تهران – اصفهان
همسفر چابکسواران پاسارگاد	۳۷۳۱۷۷۱۱	شهرکرد – اصهان –کرج – تهران – یزد
عدل فارس	۳۷۳۰۱۰۲۹	تهران–اصفهان – مشهد –کرمانشاه – همدان –رشت – تبریز –کرمان – اندیمشک –اقلید – زاهدان
ایران پیما	۳۷۳۰۱۳۸۳	آبادان – آباده –اراک – اصفهان کاوه – اهواز – بندر عباس – تهران آرژانتین – تهران جنوب – خرم آباد –خرمشهر – دزفول – شاهین شهر – شهرکرد – میناب – نجف آباد – کرج – کرمان – فولادشهر

سامانه پیام کوتاه سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز به منظور رسیدگی به شکایات، پیشنهادات و انتقادات مسافرین و زائرین گرامی

۳۰۰۰۲۴۰۰۳۷

روابط عمومی سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز



مشخصات پایانه علی بن حمزه (ع)

نام پایانه: علی بن حمزه (ع)
مکان: ضلع جنوبی پایانه شهیدکاراندیش
وسعت: ۸۴۰۰ مترمربع
سطح زیربنا: ۲۰۰۰ مترمربع با احتساب سایبان جایگاه سوار
مسیر سرویس دهی: مرودشت – بیضا – خرامه – زرقان و...



شرکت	تلفن یا فکس
سمند سیر فارس	۳۷۳۱۱۵۱۵



مشخصات پایانه موقت شهیدشیرودی

جایگزین پایانه مسافربری شهیدمدرس



نام پایانه: شهید شیرودی
مکان: تقاطع بلوار ولایت و بلوار شهید شیرودی
هدف از اجرا: رفع مشکلات ترافیکی بلوار مدرس و کاهش آلودگی هوا و تکمیل لوپ پایانه‌های سطح شهر و ارتباط آن‌ها با هم
وسعت: ۳۱۵۰۰ مترمربع
سطح زیربنا: ۱۸۰۰ مترمربع
عملکرد استانی: شهرهای جنوبی و شرقی استان
عملکرد کشوری: تمام نقاط کشور

ردیف	شرکت	تلفن یا فکس	مقصد
۱	ارم سیر شیراز	۳۷۲۲۰۴۱۳	---
۲	پویا سفر	۳۷۲۶۷۶۷۳	---
۳	پیکان رعد	۳۷۲۶۴۲۲۱	---
۴	سیاحتگران فارس	۳۷۲۷۶۱۵۱	فسا

مشخصات پایانه امیرکبیر



نام پایانه: امیرکبیر، مکان: بلوار امیرکبیر – ابتدای خیابان توانیر
وسعت: ۳/۳ هکتار، سطح زیربنا: ۵۲۰۰ مترمربع
هدف از اجرا: کاهش بار ترافیکی شهری، کاهش آلودگی محیط زیست و ارائه خدمات بهینه به هموطنان و مشهریان عزیز
عملکرد استانی: شهرهای جنوبی و غربی استان،
عملکرد کشوری: استان های جنوبی کشور

ردیف	شرکت	تلفن یا فکس	مقصد
۱	آسیا سفر فارس	۳۸۳۰۶۱۹۳	آبادان –ماهشهر – اهواز – دهدشت – نور آباد – بوشهر
۲	خوشسفران	۳۸۲۱۱۶۴۳	بوشهر – آبادان – اهواز
۳	سمند همسفر	۳۸۲۰۰۰۳۰	---
۴	شقایق سیر شیراز	۳۸۲۰۰۰۳۰	---
۵	گیتی نورد شیراز	۳۷۳۰۲۹۳۹	تهران – کازرون
۶	سواری فرودگاه	۳۷۲۱۰۲۹۴	---

مشخصات پایانه سعدی



نام پایانه: سعدی
مکان: ابتدای جاده شیراز-خرامه
وسعت: ۵/۷ هکتار
سطح زیربنا: ۲۲۰۰۰ مترمربع
هدف از اجرا: کاهش آلودگی هوا و رفع مشکلات ترافیکی بلوار سلمان فارسی
مسیر سرویس دهی: داریون – لپویی-زرقان-خرامه-ارسنجان

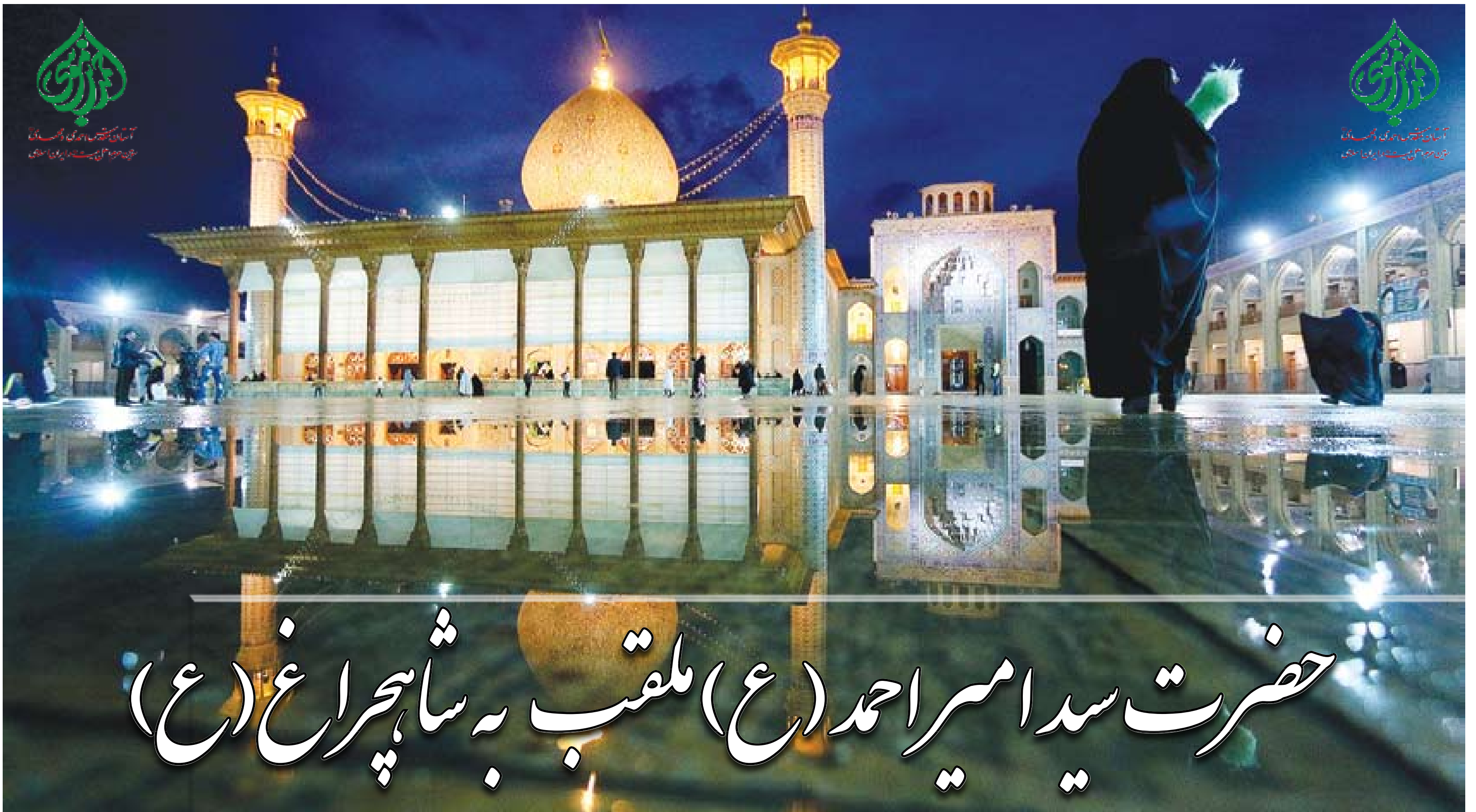
پایانه قصردشت

ردیف	شرکت	تلفن یا فکس	مقصد
۱	سپهر نورد شیراز	۳۶۳۱۸۰۸۹	---

تلفن دفتر مدیریت پایانه شهید کاراندیش ۳۷۳۰۹۱۳
تلفن دفتر مدیریت پایانه شهید مدرس ۳۷۲۵۴۴۱۱
تلفن دفتر مدیریت پایانه امیرکبیر ۳۸۳۳۲۲۹۵
تلفن دفتر مدیریت پایانه علی بن حمزه(ع) ۳۷۳۱۸۸۰۲
تلفن دفتر مدیریت پایانه قصردشت ۳۶۳۰۹۴۹۳

شماره تلفن‌های گویای سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز ۳۷۳۱۴۳۳۶-۳۶ و ۳۷۳۲۲۷۵۱-۵۰

روابط عمومی سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری شیراز



حضرت سید امیر احمد(ع) ملقب به شاهچراغ(ع)

حضرت سید امیر احمد ملقب به شاهچراغ (ع)

حضرت سید امیر احمد (ع) ملقب به شاهچراغ(ع) و سیدالسادات الاعاظم، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم (ع) و برادر بزرگ امام رضا (ع) است. حضرت احمد بن موسی(ع) و حضرت محمد بن موسی(ع) ازیک مادر که «ام احمد» خوانده میشد متولد گردیدند.

فضائل مادر حضرت شاهچراغ (ع)

در کتاب اصول کافی در باب «امام در چه زمانی می‌داند امام است» آمده است که حضرت امام موسی (ع) امانت سر به مهری به «ام احمد» سپردند و فرمودند بعد از شهادت من هر کس از اولاد من در طلب این امانت آمد خلیفه و جانشین من است، با او بیعت نما که جز خدا کسی خبر از این امانت ندارد. بعد از شهادت امام موسی(ع) حضرت امام رضا(ع) به نزد ام احمد آمدند و امانت پدر را طلبیدند. ام احمد بگریه افتاد و دانست که امام (ع) شهید شده اند. پس آن بانوی محترمه امانت را بر حسب وصیت آنحضرت به امام رضا(ع) تقدیم نمود و با ایشان بعنوان امام هشتم شیعیان بیعت کرد.

بیعت حضرت احمد بن موسی(ع) و مردم مدینه با علی بن موسی الرضا(ع)

هنگامی که خبر شهادت حضرت امام موسی کاظم(ع) در مدینه منتشر شد، مردم بر در خانه «ام احمد» جمع شدند. آن گاه همراه با احمد بن موسی(ع) به مسجد آمدند و به سبب شخصیت والای احمد بن موسی(ع) گمان کردند که پس از شهادت امام موسی کاظم (ع) وی جانشین و امام است. به همین سبب، با وی بیعت کردند و او نیز از آنها بیعت گرفت، پس بر بالای منبر رفت و خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت بیان کرد و فرمود:« ای مردم، هم چنان که اکنون تمامی شما با من بیعت کرده اید، بدانید که من خود، در بیعت برادرم علی بن موسی(ع) هستم. او پس از پدرم، امام و خلیفه بحق و ولی خداست. از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم.»

آن گاه خدمت امام رضا (ع) رسیدند و به امامت آن بزرگوار اعتراف کردند. سپس همگی با حضرت امام رضا(ع) بیعت کردند.

عزیمت از مدینه به طوس

در زمان خلافت مامون عباسی لعنه الله علیه که قیام و نهضت سادات‌هاشمی و علوی به اوج خود رسیده بود و با زعامت و هدایت حضرت امام رضا(ع) اسلام راستین و حاکمیت الهی ترویج می‌شد و حقیقت چهره کریه خلفای عباسی و حکومت غاصبین روشن می‌گشت، مامون به منظور فرو نشاندن مبارزات انقلابی شیعیان و تحکیم خلافت متزلزل عباسی ولایتعهدی خود را به حضرت امام رضا(ع) واگذار می کند و علیرغم میل باطنی امام(ع)، مامون حضرتش را از مدینه به طوس انتقال می‌دهد و ولایتعهدی را به ایشان تحمیل می‌نماید.

حضور با برکت امام هشتم(ع) در خراسان باعث می‌شود که شیعیان و محبان اهل بیت رسالت با اشتیاق زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف بسوی ایران حرکت کنند.

حضرت احمد بن موسی(ع) نیز در همین سنوات (۱۹۸ تا ۲۰۳ ه.ق) به همراه دو تن از برادرانش به نامهای محمد و حسین و گروه زیادی از برادرزادگان، خویشان و شیعیان، بالغ بر دویا سه هزار نفر از طریق بصره عازم خراسان شدند و از هر شهر و دیاری که می‌گذشتند، بر تعداد همراهانشان افزوده می‌شد، به طوری که برخی از مورخان تعدادیاران احمد بن موسی(ع) را نزدیک به پانزده هزار نفر ذکر کرده اند.

در همین احوال، علیرغم خدعه و نیرنگ‌های مامون عباسی برای مخدوش ساختن مقام ولایت و چهره علمی حضرت رضا(ع)، برتری حجت خدا و پیروزی‌های حضرتش کینه‌ی مامون عباسی را بیشتر و سرانجام در سال ۲۰۲ ه.ق امام معصوم را مسموم و به شهادت می‌رساند. سپس در سوگ ایشان، با ریا کاری به عزاداری می‌پردازد و جسد مطهر حضرت رضا (ع) را با احترام در کنار مدفن هارون الرشید قاتل امام موسی الکاظم(ع) دفن می‌نماید.

مامون ملعون که از جنایات خویش بسیار متوحش، و خبث سریره و دشمنی آل ابیطالب را از اسلاف خویش کمال و تمام به ارث برده بود، با اطلاع از حرکت حضرت احمد بن موسی(ع) برادر بزرگوار امام رضا ویارانش به قصد خراسان، به جمیع حکام و عمال خود دستور داد هر کجا از بنی فاطمه و اولاد پیغمبر بیایند مقتول سازند و پیروان سادات بنی‌هاشم را با آزار و شکنجه مرعوب و مقهور حکومت غاصب نمایند.

این دستور به هر شهری که می‌رسید، کاروان از آنجا گذشته بود، مگر در شیراز که پیش از رسیدن کاروان احمد بن موسی(ع)، حکم به حاکم وقت رسید. حاکم فارس «قتلغ خان» مردی سفاک و خونریز بود. وی با لشکری انبوه از شهر خارج شد و در برابر کاروان احمد بن موسی(ع) اردو زد. احمد بن موسی(ع) در دو فرسنگی شیراز با قتلغ خان روبرو شد. در آن جا خبر شهادت برادرش علی بن موسی الرضا (ع) انتشاریافت، و به احمد بن موسی (ع) خبر دادند که اگر قصد دیدن برادر خود علی بن موسی الرضا (ع) را دارید، بدانید که وی فوت شده است.

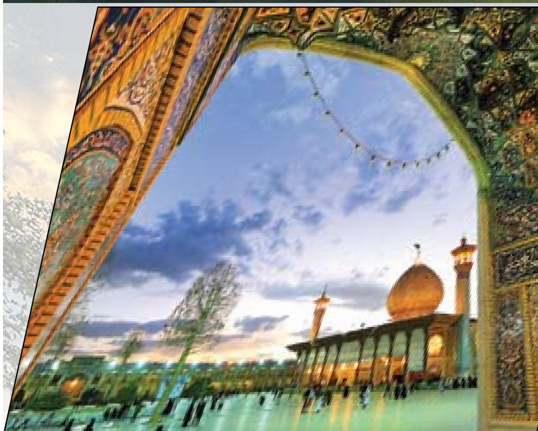
حضرت احمد بن موسی(ع) که وضع را چنین دید، اصحاب و یاران خود را خواست و جریان را به آگاهی همه رساند و افزود: قصد این‌ها ریختن خون فرزندان علی بن ابی طالب(ع) است، هر کس از شما مایل به بازگشت باشدیا راه فراری بداند، می‌تواند جان از مهلکه به سلامت برد که من چاره ای جز جهاد با این اشرار ندارم. تمامی‌برادران ویاران احمد بن موسی(ع) عرض کردند که مایل اند در رکاب وی جهاد کنند.

جدال و پیکار

سپاه قتلغ خان در برابریاران احمد بن موسی(ع) صف‌های خود را آراستند، و جنگ نابرابری آغاز شد. در نتیجه‌ی رشادت و فداکاری‌یاران احمد بن موسی(ع)، دشمن شکست خورد و عقب نشینی کرد. این جدال در سه نوبت و به مدت چند روز ادامه یافت. در پیکار سوم، سپاهیان قتلغ خان شکست خوردند و ناچار از محل درگیری، قریه کشن تا نزدیک برج و باروی شهر شیراز به مسافت سه فرسخ عقب نشستند و از ترس به درون حصار شهر پناه بردند و دروازه‌های شهر را محکم بستند. احمد بن موسی (ع) به اردوگاه خویش، در قریه کشن، نزدیک‌یاران خویش بازگشت. در این نبرد، عده ای از امامزادگان و اصحاب احمد بن موسی(ع) زخمی‌و تعدادی نزدیک به سیصد نفر به شهادت رسیدند.

نیرنگ دشمن

روز دیگر، احمد بن موسی(ع) یاران خود را به پشت دروازه شهر شیراز منتقل کرد و همان جا خیمه زد. قتلغ خان که دریافت قادر به پیکار با احمد بن موسی(ع) نیست با عده ای از فرماندهان سپاه خود، طرح نیرنگی را ریخت که بر اساس نیرنگ و توطئه طراحی شده، جمعی از سپاهیان جنگ آزموده‌ی خود را با شیوه جنگ و گریز به صفوف‌یاران احمد بن موسی(ع) گسیل داشت و به آن‌ها دستور داد در اولین درگیری وانمود به عقب نشینی و شکست کنند و به سوی دروازه‌های شهر بازگردند. یاران و برادران احمد بن موسی(ع) با این خدعه وارد شهر شدند، دشمن مکار، دروازه‌های شهر را بست. سپاهیان قتلغ خان که از پیش در گذرگاههای شهر کمین کرده بودند، یاران احمد بن موسی(ع) را هر کدام به وضعی و در موضعی به شهادت رساندند.



شهادت احمد بن موسی(ع)

در نتیجه توطئه دشمن بسیاری ازیاران احمد بن موسی(ع) به شهادت رسیدند و عده ای نیز که از نیرنگ دشمن به سلامت گریخته بودند، در اطراف پراکنده شدند. مورخان اتفاق نظر دارند که غالب امامزادگان در فارس و دیگر شهرهای ایران، از پراکنده شدگان این نهضت هستند.

حضرت احمد بن موسی(ع) نیز مورد تعقیب دشمن قرار گرفت و قتلغ خان با شمار زیادی از سپاهیان خود به آنها هجوم برد. احمد بن موسی(ع) شجاعانه در مقابل دشمن پایداری کرد و به دفاع از خود پرداخت. دشمن چون دید از عهده او برنمی‌آید، شکافی در جایگاه استراحت وی ایجاد کرد و از پشت بر سرش شمشیر زد؛ سپس خانه را خراب کرد، و بدن او در زیر توده‌های خاک، در محلی که هم اکنون مرقد و بارگاه اوست، پنهان شد.

پیدایش قبر احمد بن موسی(ع) در زمان اتابکان

بیشترین و معتبرترین منابع متقدم و متاخر که به شرح حال و زندگانی احمد بن موسی(ع) پرداخته اند، آشکار شدن مدفن احمد بن موسی(ع) را در عهد امیر مقرّب الدین مسعود بن بدر بین سال‌های (۶۵۸-۶۲۳) می‌دانند.

شیراز نامه زرکوب شیرازی(تالیف به سال ۷۶۴ ه.ق) از قدیمی‌ترین ماخذهایی است که می‌نویسد:

قبر امامزاده معصوم، امیر احمد بن موسی(ع) در میان شهر، قریب مسجد نو افتاده، امیر مقرّب الدین مسعود بن بدر

اینجا (حرم مطهر حضرت احمد بن موسی علیه‌السلام) بعد از مشهد و قم در واقع سومین حرم اهل بیت در سراسر ایران است

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

که از خاصان و مقربان اتابک بن ابوبکر سعد بن زنگی بن مودود بوده، عمارتی در خاطر داشت و در آن جایگاه قبری یافته اند، مکشوف گشته، شخص مبارک او همچنان در حال اعتدال، تغییر و تبدیل در وی تاثیر نکرده، خاتمی که در انگشت مبارکش بود، احتیاط فرمودند، منقّش بوده به نام احمد بن موسی، ائمه و افاضل و عقلا و اعیان شیراز جمع گشته اند و تحقیق کرده، صورت در حضرت اتابک معروض داشته اند. اتابک ابوبکر، مشهدی بر آن جا ساخته و عمارتی فرموده که به مرور زمان اشتهاریافته است و خلق شیراز بعد از آن که به کرات و صرّات در حالت فروماندگی و حیرت، التجا بدان جناب کرده اند و استمداد نموده اند و مقاصد و مطالب ایشان محصل آمده، بدین منوال آن مشهد مبارک اشتهار یافته.

معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی که دو سال بعد از درگذشت زرکوب،یعنی در سال ۷۹۱ ه.ق به کتاب خود، شد الازار فی حط الاوزار عن زوّار المزار، پرداخت و فرزندش عیسی بن جنید، آن را از زبان عربی به فارسی به نام هزار مزار ترجمه کرده است و بر آنچه که زرکوب در شیرازنامه آورده است، تاکید دارند. مولف شد الازار ضمن شرح مختصری از نسب، فضایل و شهادت احمد بن موسی(ع)، کشف مرقد آن حضرت را در عهد امیر مقرّب الدین مسعود بن بدر ذکر می کند.

بنا به گفته جنید شیرازی، هیچ کس از محل شهادت احمد بن موسی(ع) آگاه نبود تا زمان مقرّب الدین مسعود بن بدر که وی قبر آن حضرت را یافت و بر آن گنبدی ساخت. درباره‌ی اینکه چگونه مشهد احمد بن موسی(ع) کشف شده، جنید هیچ گونه آگاهی نمی‌دهد.

وی در توصیف جسد مبارک آن حضرت می‌افزاید، هنگامی که حضرت را رویت کردند، رنگ مبارک وی برنگشته و هیچ تغییری در بدن آن حضرت دیده نشده و کفن وی همچنان تازه مانده و از روی انگشتری وی که عبارت «العزّة لله احمد بن موسی» بر آن نقش بود، وی را شناختند.

علاوه بر این چند ماخذ، که از نزدیک ترین منابع تاریخ محلی عصر اتابکان است، منابع دیگری نیز در دست است که آشکار شدن مشهد احمد بن موسی(ع) را به عصر امیر مقرّب الدین نسبت می‌دهند.

گوشه ای از کرامات حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (ع) ـ شفایافتگان

ـ رویای شگفت انگیز

یکی از رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل با توسل به حضرت احمدبن موسی شاهچراغ (ع) بهبودی خود را بدست آورد.

رزمنده اسلام منصور قاضی زاده در گفتگو با خبرنگاران رسانه‌های گروهی اظهار داشت:

در عملیات والفجر یک، بر اثر اصابت گلوله کاتیوشا و موج انفجاری که نزدیکی من صورت گرفت ابتدا ذات الریه گرفتم و بعد دردی کشنده سراسر کمر و پایم را فرا گرفت تا اینکه به کرمان برای معالجه انتقال‌یافتم. در این شهر بعد از اینکه پزشکان مرا جواب کردند، گفتند امکان دارد در تهران معالجه شوم. پایم دیگر حرکت نمی کرد، دردم به قدری بود که نمی‌توانستم به تهران بروم. از طرفی از معالجه خود ناامید بودم. چون پزشکان گفته بودند بر اثر صدمات وارده به رگ کمر و نخاع امکان دارد دیگر نتوانم فعالیت بدنی داشته باشم. شب را با دعای کمیل و توسل به امامان آغاز کردم، نیمه‌های شب وقتی که در میان درد جانفرسا به خواب رفتم، در رویا منظره ای عجیب دیدم. توی خواب، صحرائی در نظرم مجسم شد، لبانم خشک بود و دنبال نجات دهنده ای می گشتم. در همین حال آقایی به من نزدیک شد، خوب که دقت کردم دیدم آن آقا شهید آیت الله دستغیب است. ایشان جلو آمدند و با همان لهجه شیرازی از من سوال کردند: «به دنبال چه می‌گردی؟» من جریان را گفتم ایشان گفتند: «آن چیزی که که تو دنبال آن هستی در این بیابان پیدا نخواهی کرد، تو باید از احمد بن موسی یاری طلبی». در میان درد و ناله صبح از خواب برخاستم و به نزد سیدی بنام «خوشرو» رفته، جریان ماوقع و آنچه را که در خواب دیده بودم با ایشان در میان گذاشتم. وی توصیه نمود که هرچه زودتر به شیراز بروم. بعد از وضو وارد حرم مطهر شدم. در کنار حرم پاهایم لیز خورد و ضعفی سراسر بدنم را فرا گرفت. دوباره دست به ضریح گرفتم و تضرع و زاری را آغاز نمودم که از حال رفتم. بخود که آمدم احساس کردم دیگر دردی در پاها و کمرم نیست. بلند شدم و راه رفتم و از حرم بیرون آمدم. در آستانه صحن مطهر عصایم را به‌یکی از خدام آستان دادم و گفتم دیگر به این نیازی ندارم. خرداد ماه ۶۴

ـ عنایت به خانواده شهداء

بانو تقی زاده خواهر یکی از شهداء که از چهار سال قبل دچار بیماری شده و از دو هفته پیش دچار اختلال حواس، لالی زبان و فلج قسمتی از بدن شده بود در حرم مطهر احمدبن موسی(ع) شفایافت. در پی شفای این خواهر که ظرف چهار سال بیشتر تلاشهای گروهی از پزشکان برای معالجه وی مثمر ثمر واقع نشده بود، مراسم دعا و نیایش با حضور سید محمد مهدی دستغیب تولیت آستان مقدس احمدی و محمدی(ع) برگزار شد. ۱۳۶۵/۴/۱۸

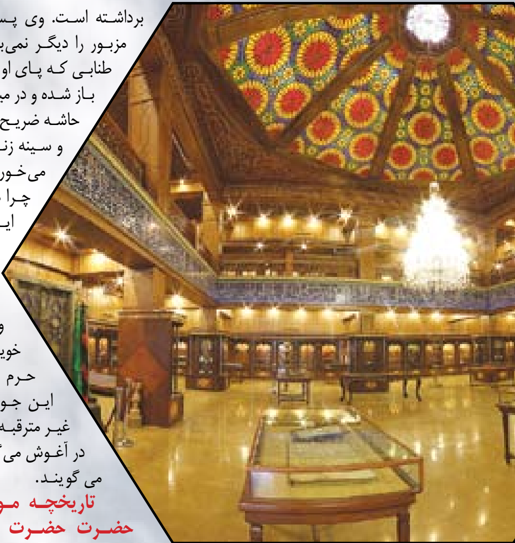
ـ اولین دیدار خرداد ۱۳٦٦

خواهر پوران قاسمی فرزند گرگعلی که چند روز قبل در زادگاه خود سیرجان بر اثر یک سلسله مسائل خانوادگی و تاثرات روحی قوه ناطقه خود را از دست داده بود، از مراجعت مکرر به مراکز درمانی نتیجه ای نگرفته و بعضی از پزشکان مداوای وی را غیر ممکن دانسته بودند. این خواهر متوسل به هنگام شب و در عالم خواب به محضر مبارک آقائی بزرگوار شرفیاب می‌شود و ایشان وی را در توسل به حرم مطهر حضرت احمدبن موسی شاهچراغ(ع) ذکر می‌فرمایند. خواهر قاسمی‌سیرجانی عصر روز عید سعید فطر برای اولین بار وارد شیراز می‌شود و پس از تشرف به حرم مطهر حضرت احمدبن موسی(ع) مدتی در کنار ضریح مقدس در حال تضرع و توسل بسر برده تا اینکه پس از ساعاتی با فریادهای«شاهچراغ» زبان وی مجددا گویا و قوه تکلم خود را باز می‌یابد.

بدنبال بهبود و شفایافتن خواهر قاسمی نقاره خانه حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) بصدا درآمد. خرداد ۱۳۶۶

ـ با هزاران امید

جابر خالدی فرزند عزیز قلی ۲۴ ساله و اهل روستای علیا خفرک سفلی از توابع مرودشت می‌باشد. در دوران سلامت چندین بار به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافته و همراه با سایر رزمندگان اسلام در جنگ حق علیه باطل شرکت نموده و علیرغم شهادت برادرانش به اسامی‌حمید و مسعود خالدی یکدم از مبارزه با صدامیان کافر دست برنداشته بود. نامبرده به دنبال شهادت برادرانش و دیگر ناراحتی‌ها و مصیبت‌های خانوادگی سرانجام در شب دهم ماه رمضان پس از افطار دچار سکته می‌شود و طرف چپ بدن بخصوص پای چپش بطور کامل لج می‌گردد. وی بلافاصله به وسیله نزدیکان و همسایگانش به بیمارستان مرودشت منتقل شده و سپس به دو تن از پزشکان خصوصی مراجعه می‌کند که نتیجه ای نمی‌بخشد. وی آنگاه به توصیه پزشکان مرودشت به بیمارستان شهید فقیهی شیراز اعزام می‌شود، ولی پس از آزمایشات مختلف و عکسبرداری از همه جا ناامید شده بالاخره در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان بر اساس خوابی که‌یکی از نزدیکانش می‌بینند که وی در حرم حضرت شاهچراغ (ع) شفا یافته است بوسیله چند نفر از بستگانش با هزاران امید به پابوس فرزند هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت حضرت احمدبن موسی(ع) می‌شتابد و با قرائت قرآن و دعا از آن بزرگوار طلب شفا می‌نماید. دقایقی پس از نیمه شب ملاحظه می کند که‌یک روحانی بالای سر او ایستاده و همراه با او دست به دعا برداشته است. وی پس از لحظاتی روحانی مزبور را دیگر نمی‌بیند و متوجه می‌شود طنابی که پای او را به ضریح بسته است باز شده و در میان هلهله زائرینی که در حاشه ضریح مقدس به نوحه خوانی و سینه زنی مشغولند او افسوس می‌خورد و با خود می‌گوید که چرا من نمی‌توانم همدوش این برادران به سینه زنی بپردازم. در همین لحظات بناگاه از خود بیخود می‌شود و به‌یک باره روی پای خویش می‌ایستد. زائرین حرم با مشاهده وضعیت این جوان افلیج که بصورتی غیر مترقبه شفایافته بلافاصله او را در آغوش می‌گیرند و شکر و سپاس می گویند.









تاریخچه موزه آستان مقدس حضرت حضرت شاهچراغ (ع)

شکل گیری موزه آستان مقدس به سال ۱۳۴۴ هجری شمسی باز می‌گردد. در آن سال با توجه به آثار و اشیاء موجود که بیشتر شامل نسخ خطی و اسناد و مدارک مربوط به آستان مقدس می‌شود، موزه ای هر چند کوچک در زاویه ای از حرم مطهر ایجاد گردید.

در حال حاضر این موزه در دو طبقه و با وسعت ۱۱۰۰ متر مربع مطابق با استاندارهای موزه ای در حال خدمت رسانی به علاقه مندان است.

آثار موزه حرم مطهر

سنت حسنه اهدا اشیاء و آثار به موزه که در فرهنگ مردم جاری است سبب شده تا هم اکنون در موزه و خزانه این مجموعه فرهنگی بالغ بر ۴۰۰۰ شی با ارزش تاریخی و فرهنگی نگهداری شود که در وسعت موجود نزدیک به ششصد اثر در معرض دید و پژوهش علاقه مندان، محققان و دانشجویان قرار دارد،چرا که‌یکی از اهداف این موزه افزایش میزان تعاملات با ارگان‌ها ،سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در مسیر فعالیت‌های علمی و آموزشی بوده است.

این اشیاء که همگی بصورت وقف،اهدا و نذر بوده،به لحاظ قدمت از دوران‌های بسیار کهن تاریخی، شروع و تا زمان معاصر (قاجار و پهلوی) ادامه می‌یابد.

مجموعه اشیاء سفالی این مجموعه ارزشمند قدیمی‌شامل حدود ۶۰۰ قطعه می‌باشد که تقریباً ۱۰۰ قطعه از آنها در معرض نمایش قرار دارد.

شاخص‌ترین آنها ۱۲ قطعه پیکرک سفالی،۳۰۰ قطعه سفال موسوم به کوزه مخروطی شکل در ابعاد مختلف از مناطق جنوبی کشور، قمقمه اشکانی، پیه سوز، خمره‌های لبه دار و ... می‌باشد.

مجموعه اشیاء فلزی

این مجموعه شامل سلاح‌های جنگی و شمشیرهایی مربوط به دوران ولایت شاه عباس صفوی و سلسله قاجار، گلدان‌های فلزی و مینا کاری(مسطح و برجسته) عموماً مربوط به دوران قاجاریه، سقاخانه برنجی قاجار، چاقوهای طلاکوب، شمعدان، زیورآلات و ... می باشد.

مجموعه مسکوکات این مجموعه بسیار ارزشمند شامل چهارصد عدد سکه، از دوران‌های اشکانی و ساسانی به بعد می‌باشد.

مجموعه نسخ خطی و اسناد موقوفات حرم مطهر

این مجموعه تاریخی با موضوعات قرآن،ادعیه، کتب ادبی و علمی، وقف نامه‌ها ،دیگر آثار موجود در موزه حرم مطهر را تشکیل می دهد.

آثار شهید دستغیب

بخشی از فضای موزه به آثاری از شهید محراب، حضرت آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اختصاص یافته که مبین مبارزات سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن شهید بزرگوار است که در معرض دید عموم قرار گرفته است.

معرفی برخی دیگر از اشیاء ارزشمند موزه

دو لنگه درب نقره ای اهدایی توسط یمین الدوله فرزند ناصرالدین شاه قاجار به آستان مقدس که از چوب گردو و روکش نقره با ارتفاع سه متر و عرض دومتر ساخته شده و در حاشیه هریک از لنگه‌های دو درب دوازده بیت اشعار مرحوم احمد وصال متخلص به وقار شیرازی «پسر ارشد وصال شیرازی» با خط نستعلیق به رنگ آبی مینا کاری شده است.

معجر قدیمی مرقد مطهر حضرت سید میر محمد بن موسی الکاظم (ع) که جنس آن از چوب و در ابعادی حدود ۸۰ سانتی متر در ۲ متر ساخته شده است که علاوه بر اسامی دوازده امام(ع)، نام تنی چند از اولیاء، با خط ثلث روی سطوح چهارگانه با مشبک‌های چوبی شش ضلعی آراسته شده است که از این فهرست می‌توان به بایزید بسطامی، ابراهیم ادهم، شاه شجاع کرمانی، عمار یاسر و ... اشاره کرد.

درب خاتم حرم مطهر حضرت احمد بن موسی به ابعاد ۲۰۳۰ * ۱۰۴۰ که هر لنگه دارای ۳ قاب می‌باشد – دو قاب مربع و یک قاب مربع مستطیل – که با رنگ‌های زیبای فیروزه ای و مخلوطی از استخوانی، سیم و فویل تزیین گردیده است. این درب، قبل از درب مینا و درب طلای کنونی، در قسمت ورودی حرم مطهر حضرت شاهچراغ نصب بوده و مربوط به حدود ۱۵۰ سال پیش است.

دو جلد قرآن که هر کدام حاوی ۱۵ جزء آیات الهی است و با خط نسخ و بر روی کاغذ خان بالغ به رشته تحریر درآمده و از قدمتی ۸۰۰ ساله برخوردار است، نیز در زمره آثار گرانبهایی می‌باشد که در موزه حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) نگهداری می‌شود.

صحن و رواق جدید حرم احمدبن موسی(ع)

پروژه صحن و رواق جدید حرم احمدبن موسی(ع) بازیربنای ۱۵ هزار مترمربع دارای شبستانهای بزرگ مسقف، بالکن ویژه بانوان،بالکنvip، صحن روباز، ۲۵۰۰ مترمربع سرویس و رواقها که با معماری اصیل اسلامی ایرانی طراحی و با هنر آیینه کاری، نازک کاری، کاشی کاری و چوب کاری توسط هنرمندان برتر کشور به اجرا درآمده است.

افتتاح بزرگترین شبستان جنوب کشور با ۱۲ هزار نفر ظرفیت در حرم شاهچراغ(ع)

با گذشت کمتر از پنج ماه از حکم رهبر معظم انقلاب که در پایان سال گذشته صورت گرفت اقدامات موثری در توسعه حرم شاهچراغ(ع) صورت گرفته است. در گام نخست هماهنگی و وحدت بین همه دستگاه‌های اجرایی که سطح استان و جنوب کشور فعالیت می‌کردند به محوریت استانداری، شوراها و ستادهای متعدد در جهت توسعه حرم مطهر شکل گرفت.

فراتر از تزریق اعتبار ، انضباط مالی برای افزایش بهره‌وری و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مختلف در توسعه برنامه‌های مختلف حرم مورد توجه قرار گرفته و در پی آن نیز شوراهای حقوقی و موقوفات شکل گرفت و نمودار و چارت سازمانی نیز با بهره‌گیری از سایرحرم‌های مطهر طراحی شد.

تشکیل حوزه معاونت عمرانی نیز اقدامات دیگر تولیت جدید آستان احمدی و محمدی در راستای سرعت و دقت در امور عمرانی بود و در این زمینه شبستان بزرگ امام خمینی(ره) با ظرفیت و قابلیت اقامه نماز در حد ۱۲ هزار نمازگزار در طبقه همکف آماده بهره برداری است و به عنوان بزرگترین شبستان جنوب کشور به همراه صحن ولی عصر(عج) در ضلع غربی کشور در دو ماه آینده افتتاح می‌شود.

آزادسازی صحن شرقی و محمدی در کمتر از سه ماه انجام شد که در ادامه آن صحن جامع احمدی به عنوان مرکز اجتماع بزرگ شیعی در ضلع شرقی حرم حدفاصل حرم مطهر شاهچراغ(ع) و سیدعلاالدین حسین(ع) ساخته می‌شود.

تکمیل برخی اماکن حرم، تکمیل و توسعه دارالضیافه و دارالشفا، ساخت بیمارستان تخصصی در ضلع شمالی حرم،احداث پارکینگ‌ها در ضلع شمال و جنوب غربی حرم، ساماندهی فضای اداری، اتوماسیون و یکسان‌سازی و اجرای نظام بودجه‌گیری و بهره گیری از نیروهای جوان از دیگر فعالیت‌های تولیت شاهچراغ (ع) است.

مرکزیت و محوریت حرم مطهر حضرت احمد بن موسی علیه‌السلام در شیراز باید مورد توجه قرار بگیرد

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)



۱-احداث و بهره برداری از خط تفکیک صنعتی پسماندها در مقصد (کارخانه سورتینگ)



خط ۲۵۰ تنی تفکیک صنعتی پسماندها در مقصد در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ با اهدافی چون تفکیک پسماندهای خشک از تر و بازیافت آن، کاهش دفن پسماند، کاهش تولید شیرابه، حفاظت از محیط زیست، صرفه جویی در هزینه و افزایش درآمددر وسعت ۹۰۰۰ مترمربع و با میزان اعتبار ۱۵ میلیارد ریال توسط شهرداری شیراز در سایت دفن پسماند شهر شیراز احداث و در سال ۱۳۹۲ نیز به بهره برداری رسید. شایان ذکر است، در حال حاضر خط دوم تفکیک ۲۵۰ تنی نیز در دست احداث می باشد و مراحل مقدماتی جهت احداث خط سوم پردازش نیز در دست بررسی است.

۲-تولید کودآلی بیوکمپوست و ورمی کمپوست

طرح تولید بیوکمپوست، از اسفند ماه سال ۱۳۹۲ در مساحتی حدود شش هکتار در سایت دفن پسماندها و با اهدافی چون تولید کود غنی شده بیولوژیکی، کاهش حجم پسماندهای دفنی و کاهش میزان تولید شیرابه در سایت دفن پسماند و با اعتبار ۱۵ میلیارد ریال توسط شهرداری شیراز به اجرا درآمده است. شایان ذکر است طرح تولید ورمی کمپوست از سال ۱۳۸۳ در مساحتی حدود ۲ هکتار در سایت دفن پسماند با اهداف کاهش پسماندهای دفنی و جلوگیری از انتشار آلودگی‌های ناشی از آن، تولید کود آلی غنی شده بیولوژیکی، کاهش استفاده از کود شیمیایی و افزایش حاصلخیزی خاک، توسط بخش خصوصی به اجرا درآمده است. از خواص کود ورمی‌کمپوست می توان به سبک و فاقد بو بودن، اصلاح کننده خصوصیات فیزیکو شیمیایی و بیولوژیکی خاک، قابلیت بالای نگهداری آب و مواد غذایی و بالا بودن میزان عناصر اصلی غذایی در مقایسه با سایر کودهای آلی اشاره نمود.

خوشبخت:

با دیدن جلوه های خداوند در فصل بهار، بیش از پیش به عظمت و مهر خداوندی پی می بریم. بیایید در سال جدید با نگاهی نو از محیط زیست مان محافظت نماییم.

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز

۳-بزرگترین نیروگاه بیوگاز سوز در شیراز

نیروگاه بیوگازسوز شیراز در سال ۱۳۷۶ با هدف کنترل گازهای حاصل از لندفیل، پیشگیری از آتش سوزی و انفجار، بازیابی انرژی، درآمدزایی، کاهش انتشار گازهای گلخانه ای حاصل از دفن پسماندها در مساحتی به وسعت یک هکتار با میزان اعتبار ۲۵ میلیارد ریال و با مشارکت بخش خصوصی توسط شهرداری شیراز در سایت دفن پسماند احداث و در سال ۱۳۸۸ به بهره برداری رسید. این نیروگاه شامل دو واحد موتور ژنراتور بیوگازسوز به ظرفیت ۶۱۰ کیلووات ساعت بوده که از طریق پست اصلی به شبکه ۲۰ کیلو ولت توزیع برق شیراز متصل شده است. گاز مصرفی دو نیروگاه ۷۴۰ مترمکعب در ساعت می‌باشد. ظرفیت اسمی نیروگاه ۱ مگا وات ساعت می باشد که تا ۲ مگاوات ساعت نیز قابل توسعه است. نیروگاه بیوگاز سوز شیراز اولین نیروگاه بیوگاز سوز خاورمیانه می باشد و به دلیل سامان‌دهی و جمع‌آوری گازهای تولیدی و تبدیل آن به انرژی برق و در نتیجه کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، گواهی مکانیسم توسعه پاک را دریافت نمود.

۴-احداث سلول های دفن مهندسی - بهداشتی

احداث سلول اول و دوم دفن مهندسی بهداشتی به مساحت ۷ هکتار و عایق بندی آن با مصالح ژئوممبرین با هدف کاهش اثرات زیست محیطی پسماند و شیرابه، عدم نفوذ پذیری آن به داخل زمین و جلوگیری از آلودگی آب و خاک انجام شده است. همچنین در طراحی این سلول ها، ایجاد چاه های مهندسی عمودی و لوله گذاری مشبک جهت تسهیل در جمع آوری بیوگاز و افزایش راندمان نیروگاه بیوگاز سوز در نظر گرفته شده است.

امروز با کاهش تولید و تفکیک از مبدأ پسماند ها همه با هم در حفظ منابع، سرمایه ها و محیط زیست کوشا باشیم.

سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز

بسته‌های سرمایه‌گذاری سازمان سرمایه‌گذاری و مدیریت پروژه‌های مشارکتی شهرداری شیراز

معاونت اقتصادی شهرداری شیراز

مجموعه تفریحی- گردشگری و باغ شهر بام شیراز : (فرصت)

این مجموعه با مساحت عرصه حدوداً ۴۰۰ هکتار واقع در منطقه یک شهرداری و در ارتفاعات شمالی شهر شیراز موسوم به منصورآباد می‌باشد وجود رشته ای از تپه‌های کم ارتفاع مشرف بر منطقه باغات تاریخی وزیبای شهر که از قدیم محل تفریح و گذران اوقات فراغت ساکنان و مهمانان و مسافران شهرشیراز بوده است، امروزه محلی برای تبدیل به برترین جاذبه توریستی وتفریحی و گردشگری شده است. واقع شدن در مجاورت بافت شهری و چشم انداز بر کل پهنه شهر شیراز بویژه باغات قصردشت امکان سرمایه گذاری سودمندی جهت سرمایه گذاران فراهم نموده که در مرحله مطالعات و طراحی جهت تهیه بسته سرمایه گذاری می‌باشد.



پروژه گردشگری ارتفاعات جبل دراک (دهکده آرامش) : (فرصت)

این پروژه با مساحت عرصه ۱۶۰۰ هکتار واقع در محدوده شهرداری منطقه ٦ و در ارتفاعات موسوم به جبل دراک می‌باشد عملکرد گردشگری کلان این پروژه در بخش‌های اقامتی- گردشگری تفریحی- تجاری رفاهی می‌باشد که هر کدام از پهنه‌های مذکور به ترتیب شامل زیر پهنه‌های هتل و مهمانسراها با مساحت ۴۲۰ هکتار و زیر پهنه‌های باغ وحش و پارک تمدن و پارک صخره ای با مساحت ۳۸۵ هکتار و زیر پهنه‌های تجاری- هتل ۵ ستاره- رستوران سنتی- کافی شاپ- بیمارستان و ... با مساحت ۲۴۹ هکتار می‌باشد. این مجتمع به واسطه محل قرارگیری و دسترسی شهری و توپوگرافی طبیعی از ویژگی‌های عملکردی مناسبی برخوردار می‌باشد و در دست طراحی جهت تهیه بسته سرمایه گذاری و ارائه به سرمایه گذاران می‌باشد.



پروژه کوه نور : (بسته)

مجموعه گردشگری ارتفاعات کوه نور با مساحت تقریبی ۱۳۹ هکتار واقع در منطقه ۳ شهرداری در ارتفاعات شمالی شهر شیراز موسوم به گهواره دید می‌باشد با توجه قرارگیری مجموعه موصوف در مجاورت دروازه قرآن ورودی محور شیراز- تهران و همچنین مجموعه گردشگری و تاریخی مقبره خواجوی کرمانی و هتل بزرگ شیراز و محور دسترسی به باغ جهان نما و حافظیه از موقعیت خاصی برخوردار می‌باشد. این پروژه به صورت تفکیکی دارای تعداد ١٦ بسته سرمایه گذاری با کاربری‌های مختلف-اقامتی- تفریحی- تله کابین- پذیرایی- تجاری- ورزشی- نمایشگاهی و فرهنگی هنری و ... می‌باشد. با توجه به شرایط موصوف دارای ویژگی‌های خاصی جهت ارائه به سرمایه گذاران است که با زیر بنای حدوداً ١٦٣٠٠٠ متر مربع مکانیابی و طراحی گردیده است. ارزش سرمایه گذاری این پروژه بصورت تقریبی مبلغ ۴۵۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است.



پروژه تفریحی- گردشگری (۱۲۰ هکتاری) : (فرصت)

مجموعه تفریحی- گردشگری و اقامتی انجیره با مساحت عرصه ۱۲۰ هکتار واقع در منطقه ده شهرداری و درناحیه شمال غرب کلان شهر شیراز واقع شده و دارای محیطی همراه با جاذبه‌های طبیعی شامل تپه‌های کم ارتفاع و دشتهای مسطح جهت ایجاد فضاهایی با کاربری‌های ورزشی- تفرجگاهی و اقامتی موقت و سایر خدمات جاذب توریستی و طبیعت گردی می‌باشد. این مجتمع بواسطه مجاورت با بدنه اصلی شهر و دسترسی‌های خاص در میان سایر پروژه‌های گردشگری مطلوب و مورد توجه برای ارائه به سرمایه گذاران می‌باشد.



شیراز، بولوار چمران، بین خیابان ابیوردی 2 و 3 ،جنب بانک تجارت، سازمان سرمایه‌گذاری و مدیریت پروژه‌های شهرداری شیراز

www.eshiraz.ir/investment , info@shirazinvestment.ir

شماره تلفن: ۰۷۱۳۶۲۸۶۸۵۲ ، ۰۷۱۳۶۲۸۶۸۹۷

مدیر کل حمل‌ونقل و پایانه‌های استان یزد:

جایگاه حمل و نقل جاده‌ای استان یزد و اتخاذ تدابیر لازم در طرح نوروزی سال ۹۴



سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای
اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان یزد



اشـــاره...

استان یزد با جمعیتی بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر و بیش از ۳۴۹۴ کیلومتر راه اصلی وفرعی وبزرگراه با ۱۰ شهرستان بعنوان یکی از استانهای پیشرو درامر توسعه اقتصادی واجتماعی در مرکز ایران واقع گردیده است. استان یزد در بخش حمل ونقل جاده ای علیرغم گستردگی مناسب شبکه ریلی بلحاظ قرارگیری در کنار محورهای ترانزیتی و کریدور شمال جنوب و شرق و غرب از موقعیت خاصی برخوردار میباشد وجود بیش از ۱۸۰۰۰ نفر راننده شاغل در بخش حمل و نقل جاده ای استان و سرمایه گذاری تعداد ۱۴۰۰۰ دستگاه کامیون توسط بخش خصوصی در این زمینه و تردد روزانه ۱۷۵۴۲۶ دستگاه خودرو در محورهای مواصلاتی استان از جمله شاخصهای مثبت حمل ونقلی استان بشمار می رود.





عملکرد حمل‌ونقل جاده‌ای استان در بخش مسافر

دریازده ماهه سالجاری بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر مسافر از مبدا استان یزد به سایر نقاط کشور جابجا گردیده است. این در حالی است که مسافر جابجا شده طی سال گذشته بیش از ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر بوده است. درحال حاضر تعداد ۳۷ شرکت وموسسه ودفتر نمایندگی با تعداد ۷۵۵ دستگاه ناوگان اعم از اتوبوس، مینی بوس و سواری کرایه در بخش حمل و نقل مسافری استان (سهم اتوبوس ۵۳ درصد، سهم مینی بوس ۱۱ درصد، سهم سواری کرایه ۳۶ درصد) مشغول به فعالیت می‌باشند. شایان ذکر است فروش بیش از ۴۲درصد از بلیت‌های مسافری در خارج از پایانه مسافربری و از طریق فروش بلیت اینترنتی در سایت های اختصاصی و مشترک شرکتهای مسافربری، دفاتر سطح شهرو وب کیوسک ها صورت می گیرد. ضمنا در سال گذشته اجرای طرح صدور صورت وضعیت مسافری (برخط). تشکیل جلسات کارگروه ارتقاء سطح خدمات مسافربری. همنامی شرکت‌های مسافربری، ایجاد و توسعه دفاتر فروش بلیت درسطح شهر، ایجاد وب سایت اختصاصی و مشترک شرکت مسافربری، نوسازی ناوگان برونشهری، فروش بلیت از طریق وب کیوسک و اجرای طرح همنامی شرکت‌های مسافربری به مقصد تهران، در دستور کار این اداره کل قرار داشته که این روند در سالجاری نیز در حال پیگیری می باشد.



اهم اقدامات اداره کل حمل ونقل و پایانه های استان یزد در ایام نوروز ۹۴

۱-اجرای طرح نوروزی از تاریخ ۹۳/۱۲/۲۵ لغایت ۹۴/۱/۱۵

۲- هماهنگی با تشکلهای صنفی ذیربط استان برای پیش پیش فروش بلیت از تاریخ ۹۳/۱۲/۱۰ به صورت اینترنتی و از تاریخ ۹۳/۱۲/۱۷ به صورت توامان (اینترنتی و حضوری) در پایانه های عمومی مسافر و همچنین دفاتر مرکزی و دفتر فروش بلیت در سطح شهر شرکت‌های مسافربری.

۳- هماهنگی با تشکل‌های صنفی و شرکتهای های مسافربری سطح استان به منظور عدم ارائه سرویس دربستی در روزهای ۹۳/۱۲/۲۴ لغایت ۹۳/۱۲/۲۹ و همچنین ۹۴/۱/۱۲ لغایت ۹۴/۱/۱۵

۴- پیگیری و نظارت مستمر بر پیش فروش بلیت با تاکید بر این نکته که شرکت‌ها و موسسات حمل ونقل مسافر مکلف شوند حداکثر ظرفیت ناوگان تحت پوشش خود (بویژه سرویس های ویژه و vip) را برای ایام اوج تقاضا و همچنین مسیرهایی که حجم بالایی از جابجائی مسافر را به خود اختصاص می دهند پیش فروش نمایند.

۵- هماهنگی با مراکز آموزشی و نظامی (نظیر دانشگاه‌ها و پادگان‌ها) در خصوص تعیین زمان مناسب بمنظور تعطیل نمودن مراکز تحت پوشش و پیش فروش بلیت مورد نیاز آنها.

۶- هماهنگی با کلیه دستگاههای مرتبط استانی در ارتباط با توزیع به موقع صورت وضعیت -تامین سوخت ناوگان مسافربری-کنترل و نظارت بر نرخ و همچنین کنترل و نظارت بر ترمینال از نظر بهداشتی

۷- برگزاری همایش تجلیل از رانندگان و خانواده های آنان وهمچنین مدیران شرکتهای بخش حمل ونقل مسافربری برون استانی با حضور مسؤلین ذیربط استانی.

۸-نظارت بر عملکرد شرکتهای حمل ونقل با تاکید بر توقف ناوگان تحت پوشش آنها در زمان و مکان مناسب برای ادای فریضه نماز و صرف غذای مسافرین و همچنین هماهنگی با تشکل های صنفی در جهت تامین ناوگان کشیک در صورت لزوم.

۹-هماهنگی با شرکتها و موسسات مسافربری و تشکلهای صنفی در خصوص انجام نظارتهای لازم بمنظور بکارگیری ناوگان دارای استاندارد فنی و ایمنی خصوصا بکارگیری ناوگان دارای عمر ۵ سال و کمتر در ارتباط با بازدید از مناطق جنگی در قالب کاروانهای راهیان نور و اعزام دانشجویان جهت اردوهای زیارتی و سیاحتی

۱۰- نظارت مضاعف بر میزان، نحوه و کیفیت ارائه خدمات به مسافرین با تاکید بر سرویس های ویژه و vip (اعم از اتوبوس ومینی بوس) با هدف افزایش رضایتمندی خدمات گیرندگان بخش.

۱۱- هماهنگی با کلیه ادارات سراسر کشور بمنظور تامین ناوگان جایگزین و دارای استاندارد.

۱۲-تشکیل جلسه با کلیه شرکتهای مسافربری سطح استان و با حضور نماینده محترم قرارگاه پلیس راه استان بمنظور برنامه ریزی و هماهنگی های لازم و ایجاد تمهیدات در خصوص سرویس دهی مناسب و ارائه خدمات و تسهیلات هر چه مطلوبتر به مسافرین محترم

۱۳- تشکیل جلسه با اعضاء کمیته حمل و نقل استان (اعم از راه و شهرسازی، میراث فرهنگی، شورای ترافیک، راهنمائی و رانندگی، فرودگاه، صنعت، معدن تجارت، سازمان پایانه مسافربری، تاکسیرانی، قطارهای مسافربری رجاء نمایندگی یزد و اتوبوسرانی) بمنظور برنامه ریزی و هماهنگی های لازم در خصوص ارائه خدمات مطلوب به مسافرین

۱۴- تامین پوشش مناسب بمنظور برقراری ارتباط با مسافرین و پاسخگوئی و راهنمائی مسافرین از طریق نمایندگیهای سازمان، تلفن، اینترنت و ..... بویژه تدارک و توزیع فرمهای نظرسنجی پست جواب قبول فرمهای نظر سنجی سازمان و سامانه پیام کوتاه (sms) به شماره ۳۰۰۰۱۴۳.

۱۵- با توجه به اعلام انجمن صنفی کارفرمائی شرکتهای مسافربری مبنی بر معرفی سایت فروش و رزرو بلیت اطلاع رسانی لازم در ارتباط با معرفی سایت: www.yazdmosafer.ir جهت انجام خدمات لازم در جهت رزرو بلیت اینترنتی به تعداد ۱۷ شرکت مسافربری

۱۶- ابلاغ دستورالعمل ۳۲ ماده ای جهت کلیه شرکتها وموسسات مسافربری و تشکل های صنفی

۱۷- تعیین بیش از ۳۵ دفتر فروش بلیت در سطح شهر جهت ارائه خدمات رزرو بلیت به صورت حضوری

۱۸- تعداد کل ناوگان (۷۵۵ دستگاه) به تفکیک: اتوبوس ۴۰۰ دستگاه-مینی بوس ۸۰ دستگاه و سواری کرایه ۲۷۵ دستگاه

۱۹- اعمال نظارت مضاعف بر وضعیت مجتمع های خدماتی رفاهی بین راهی و نماز خانه ها و آمادگی برای ارائه خدمات به مسافرین در قالب گروه بازدید مشترک با دستگاههای ذیربط

۲۰- تکثیر و توزیع لوح های فشرده در داخل ناوگان اتوبوس تحت پوشش شرکتهای مسافربری برون استانی در راستای ساماندهی نمایش فیلم در داخل اتوبوسها و همچنین راه اندازی lcd در پایانه مسافربری به منظور اطلاع رسانی به مسافرین در خصوص ساعات حرکت و آشنا شدن مسافرین به حقوق اولیه خود.

عملکرد حمل ونقل جاده ای استان در بخش مرکز مدیریت راهها

مدیر کل حمل و نقل و پایانه های استان یزد افزود بمنظور کنترل ترافیک جاده ها تعداد ۱۳ دستگاه دوربینهای نظارت تصویری و ۱۰ دستگاه دوربینهای پیشرفته کنترل سرعت در محورهای مواصلاتی استان نصب گردیده همچنین بمنظور کنترل رفتار ترافیکی و برآورد میزان تردد، تعداد ۵۰ دستگاه ترافیک شمار الکترونیکی در سطح محورهای استان نصب شده است. شایان ذکر است تعداد ۱۰ دستگاه دوربین نظارت تصویری دیگر نیز در محورهای مواصلاتی استان در دست نصب می باشد. مهندس بشیری در پایان افزود ضمنا روابط عمومی این اداره کل نیز آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات هموطنان محترم با سامانه پیام کوتاه به شماره ۳۰۰۰۱۴۳ و پایگاه اطلاع رسانی www.yazdrmto.ir به صورت شبانه روزی می باشد.

فرم نظر سنجی مسافرین

کد رهگیری: ۴۹۹۵۰۰۱

[illegible]

تأمین امنیت سفرهای نوروزی به همت راهداران استان یزد



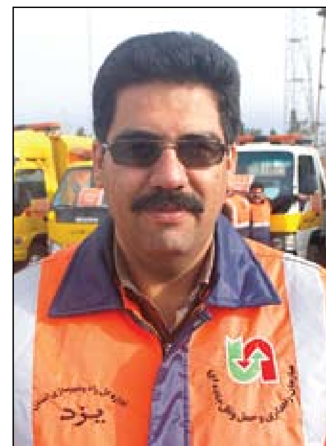
غلامرضا رضایی
مدیر کل راه و شهرسازی استان یزد

پیام مدیر کل:

عرض سلام و ادب دارم خدمت شما هموطنان عزیزی که استان یزد را به عنوان یکی از مقاصد سفرهای نوروزی خود برگزیده اید.در ابتدای عرایضم ضمن گرامیداشت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) پیشاپیش فرارسیدن نوروز این عید فرخنده و باستانی را به شما میهمانان عزیز نوروزی تبریک و تهنیت عرض نموده و امید وارم این ایام با تاسی به سیره ائمه اطهار بویژه ام الائمه حضرت فاطمه زهرا (س) روزهایی پر خیرو برکت برای شما و خانواده محترمتان باشد. سفر از طریق جاده هرچند از کهن ترین روشهای مسافرت بوده اما هم اکنون نیز در مقایسه با سایر روشهای حمل و نقل بنا به دلایل متعددی نظیر انعطاف پذیری،هزینه مناسب، سهولت دسترسی به وسیله نقلیه، امکان بهره مندی مستقیم و غیر مستقیم از جاذبه های موجود در طول سفر از جذابیت بسیاری برخوردار بوده و محبوب ترین شیوه مسافرت برای بسیاری از مردم است. استان یزد در طول تاریخ به علتهای گوناگون همواره مقصد و معبر مسافران بسیاری بوده است . قرارگیری در مرکز جغرافیایی ایران؛امنیت پایدار و کم نظیر؛سخت کوشی درستکاری و اعتقادات عمیق مذهبی مردمانش رامی توان از این دلایل برشمرد. گذر زمان و ابداع شیوه های نوین سفر نه تنها از اهمیت جایگاه این استان نکاسته بلکه قدمت و سابقه تاریخی افزون شده به آن ،در کنار شاهکارهای حیرت انگیز نیاکان خیر اندیشمان چون کاریز، بادگیر و آب انبار و ..... بر ارزش آن صد چندان افزوده است.دارالعباده؛شهر بادگیرها؛ عروس کویر و نگین کویر القابیست که صاحبدلان اندیشمند از دیرباز با مشاهده این شهر باستانی که عنوان نخستین شهر خشتی جهان و دومین شهر تاریخی دنیا را به خود اختصاص داده بدان نسبت داده اند..به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات امدادی برای ایجاد سفری امن و ایمن برای تمامی مسافران نوروزی در شبکه راه های استان، تمامی دستگاه های ذیربط در ایام تعطیلات نوروزی بسیج میشوند تا به مبارزه ای قاطع با حوادث رانندگی بپردازند. اما به نظر میرسد کاستن از آمار حوادث رانندگی و در نتیجه کاهش تلفات و مصدومان این حوادث جز در سایه همت ملی و عزم عمومی میسر نیست. به مسافران گرامی توصیه میکنم قبل از سفر ودر طول مسافرت خود همواره نکات ایمنی و قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمایند.در پایان برای همه شما عزیزان صحت؛سلامت و شادمانی آرزو نموده؛امیدوارم در سایه الطاف بیکران پرورردگار متعال همواره موفق و منصور باشید.

مهمترین ویژگی های استان یزد

* سهم بالای ترافیک سنگین از کل ترافیک عبوری (حدود ۵۰ درصد) و اختلاف بسیار زیاد با میانگین کشوری (۲۵ درصد)
*موقعیت ممتاز حمل و نقلی استان به جهت مرکزیت جغرافیایی استان در کشور و تلاقی کریدورهای حمل و نقلی شمال-جنوب و شرق-غرب در استان و نیز وجود پنج راه عظیم ریلی در بافق
*دارا بودن انواع اقلیم های متفاوت (کویری، کوهستانی، تهدید شنهای روان، برف گیر و ....)
* خستگی و خواب آلودگی رانندگان به سبب ورود به استان پس از ساعتها رانندگی و در نتیجه سهم بالای تلفات واژگونی در استان



جواد ذاکر
مدیر راهداری

پیام مدیر راهداری:

فرارسیدن بهار و عید باستانی و فرخنده نوروز را که سرآغاز حیات مجدد، زندگی دوباره طبیعت و آئینه قدرت بی انتهای الهیست و امسال با ایام شهادت سرور زنان جهان حضرت فاطمه زهرا(س) قرین گردیده را به همه شما میهمانان و مسافران بزرگوار نوروزی تهنیت عرض نموده سالی آکنده از موفقیت و شادکامی را برایتان از درگاه کارساز بنده نواز آرزو می کنم.
تعطیلات نوروزی فرصتی مغتنم است تا همراه با خانواده به مسافرت رفته و در کنار تماشای طبیعت زیبای بهاری فارغ از همه دغدغه های روزمره کاری لحظاتی آسوده و خود را برای روزهای کار و تلاش در سال نو آماده و توانمند تر ساخت.بی گمان سفر آنگاه لذت بخش و طرب افزاست که بی سانحه و حادثه بوده و در ایمنی و امنیت سپری گردد.به سلامت رسیدن مسافران به مقصد، منتهای آرزوی همه دست اندر کاران سفرهای نوروزی بویژه راهداران پر تلاش و سخت کوش است.امیدوارم شما نیز تجربه سفری ایمن، زیبا و آسوده را در شبکه راه های تحت پوشش این اداره کل داشته و با سکنی و بازدید از کهن ترین شهر خشت خام جهان و دومین شهر تاریخی دنیا لحظاتی به یاد ماندنی و خاطره انگیزی داشته باشید.

گزارش عملیات نگهداری و ایمن سازی راه های شریانی قبل از سفرهای نوروزی سال ۹۳

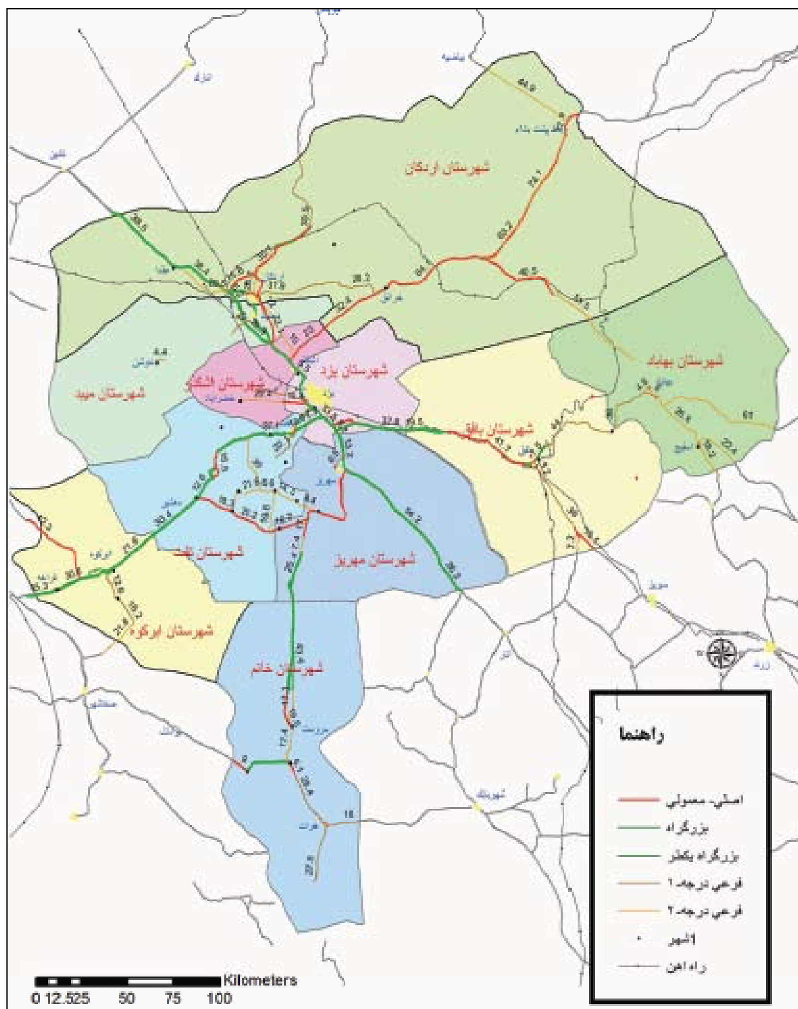
مقدار عملیات	واحد	عنوان فعالیت	*
۸۸۰	کیلومتر	خط کشی	۱
۱۷۱۸۰	تابلو	نصب و ساماندهی علائم و مسیر نما و جناغی	۲
۲۰۴۷۰	تابلو	شستشوی علائم	۳
۹۹۴۸	پایه	رنگ آمیزی پایه علائم	۴
۱۳۹۰۰	عدد	نصب چشم گربه ای	۵
۷۱۴۷۲	کیلوگرم	مرمت و نصب گارد ریل	۶
۱۵۰	کیلومتر	بوته کنی و منظر آرایی حریم راه	۷
۴۷۰۰۰	مترمربع	لکه گیری راههای شریانی	۸
۶۲۰۰۰۰	متر مربع	روکش آسفالت حفاظتی	۹

خلاصه اقدامات نوروزی اداره کل راه و شهرسازی استان یزد. نوروز ۹۳ مهمترین اقدامات طرح نوروزی سال ۹۴

*مشخص نمودن کشیک در سطح مدیریت، مرکز مدیریت راهها و ادارات تابعه شهرستانها در ایام نوروزی
*تشکیل و آماده باش ۱۲۶ اکیپ راهداری در ایام نوروز با ۳۲۵ نفر پرسنل و ۲۳۹ دستگاه ماشین آلات راهداری
*تشکیل و فعال نمودن ۲۱ اکیپ امدادی و تعمیراتی
*مجهز نمودن ۶۹ گشت راهداری به جی پی اس
*تحت پوشش قرار دادن ۳۱ محور بین شهری با ۲۲۸۹ کیلومتر طول
*تجهیز و آماده سازی ۱۴ راهدارخانه در سطح استان
*تکمیل عملیات راهداری در دست اجرا تا ۲۰ اسفند سال جاری و تعطیلی کارگاه‌های عملیات پروژه های راهداری و راهسازی در ایام مسافرتهای نوروزی

مرکز مدیریت راهها

این واحد با استفاده از امکانات مخابراتی تلفن، بیسیم، دور نویس و دوربینهای نظارتی و تردد شمارهای برخط وضعیت هوا و راههای حوزه استحفاظی را روزانه سه نوبت به مرکز مدیریت راه های کشور منعکس
می نماید که شماره تماس ۳۸۲۸۶۹۶۰ و دورنگار ۳۸۲۸۶۹۶۲ با پیش شماره ۰۳۵ و تلفن گویای ۱۴۱ بصورت شبانه روزی پاسخگوی آخرین وضعیت راههای استان به کلیه هموطنان می باشد.



پیام نوروزی



مهندس عادل کاظمی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل
شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

نوروز فرخنده سال ۱۳۹۴ را به کارکنان صنعت برق ایران و استان زنجان و آندسته از همکارانم که اکنون بدلیل خدمت بـه مردم عزیز در کنار خانواده و سـفره نوروزی حضور ندارند خسـته نباشید گفته و سال نو و بهار پر طراوت را تبریک عرض می گویم.
تبریک ویژه اینجانب به خانواده محترم عزیزانی که در سـنگر کار صنعت برق بر اثر حادثه جان خود را از دسـت داده اند دارم. امیدوارم سال نو پر از مهـر و محبت بوده و مهرورزی را جایگزین کدورت هـا نمائیـم و در کنار هـم و برای هم زندگی شیرینی را رقم بزنیم، از خداوند متعال توفیق روزافزون برای همکارانم در صنعت برق زنجان مسـئلت دارم. و به نمایندگی از شرکت توزیع نیروی برق استان، نوروز و بهار پر طراوت را به کلیه همشـهریان و میهمانـان عزیز که به این استان سفر میکنند تبریک و تهنیت عرض نموده و سـالی پربرکت و سرشـار از معنویت و سلامتی برایتان آرزومندم.







مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان تشریح کرد:

موفقیت‌های شرکت‌توزیع نیروی برق استان زنجان در سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

مدیر عامل شـرکت توزیع نیروی برق اسـتان زنجان گفت: این شرکت در سـال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی با همت پرسنل خدوم و ایثارگر خود توانسـته اسـت بیـش از ۲۱۰۰ پروژه بـا اعتباری بالـغ بر ۳۰۰ میلیارد ریال تاکنون اجرا و به بهره برداری رسـاند که از این میزان حجم پـروژه ۴۰۰ پروژه مربوط به فاصله زمانی هفته دولت تا دهه مبارک فجر سـال جاری اسـت که با اعتباری بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال افتتاح شد.

مهنـدس عادل کاظمی این پروژه ها را شـامل پروژه های سـاختمانی، کاهش تلفات و بهینـه سـازی شـبکـه های توزیع برق روستایی، تامین برق ۱۸۰ واحد مسـکن مهر خاتم و ۱۱۷۰ واحدی مجتمع پونک، پروژه تامین برق متقاضیان روستاها، نصب ۱۹ سایت پنل های خورشیدی در مدارس و مساجد استان، توسعه و گسترش اتوماسیون شبکه های توزیع برق، هوشمندسـازی چاه های کشـاورزی، پروژه های روشنایی معابر و دهها طرح تامین برق مراکز درمانی، آموزشی و ... برشمرد.

پروژه‌هـای کاهش تلفات و بهینه سـازی شـبکه های توزیع برق روستایی

مدیر عامل شـرکت توزیع نیـروی برق اسـتان با بیان اینکه همسـو با اهداف عالـی وزارت نیرو در بحث کاهش تلفـات انرژی در تمامی بخش ها و دستورالعمل شـرکت مادر تخصصی توانیر به شرکتهای توزیع برق سراسـر کشـور مبنی بر کاهش تلفات انرژی برق به میزان ۵ درصد، این شـرکت نیز موظف اسـت امسـال اقدامات مناسـبی انجام داده و طبق دستورالعمل ۱۰,۸ درصد تلفات انرژی در استان را به ۸,۵ درصد کاهش دهد افزود: در این راسـتا کمیته کاهش تلفات شرکت فعالیت های خود را به طور جدی در سـه سـطح راهبـردی، اجرایی و فرعی آغـاز کرده و با انجـام مطالعات کارشناسـی و فنی از بین محورهای ابلاغی شـرکت مادر تخصصی توانیر، تغییر نگرش در طراحی شـبکه - کنترل و نظارت مضاعـف بر روی لوازم اندازه گیری و ترانسـفورمرهای جریان – تعویض سـیم با کابل خودنگهدار و سـاماندهی برق های غیر مجاز را در اولویت فعالیت های خود قرار داده است.

ساختمان فهام

ایـن مقام مسـئول بیان کرد: سـاختمان مرکز کنترل، دیسـپاچینگ ((طرح فهام)) انقلابی ترین طرح وزارت نیرو (فراسامانه هوشمند اندازه گیری و مدیریت انرژی) در محل سـتاد شرکت توزیع نیروی برق استان زنجـان همزمان با ایـام الله دهه مبارک فجـر ۱۳۹۳ با حضور جمعی از مسئولین دولت تدبیر و امید افتتاح و به بهره برداری رسید.

مهندس کاظمی با تاکید بر اینکه رشـد روز افزون جمعیت شـهری و به تبع آن، گسـترش بیش از پیش مناطق شهری توزیع انرژی الکتریکی را با اهمیت تر و به همان نسـبت مشکل تر سـاخته و تداوم انرژی رسانی و کیفیت مطلوب انرژی تحویلی در مناطق شـهری با تراکـم بار بالا نیز با دشواریهای خاص خود روبروست، که شـرکت توزیع برق استان زنجان بـا ۱۳۰۰۰ کیلومتر شـبکه توزیع برق و دارا بودن ۴۰۰۰۰۰ مشـترک نیز از این قاعده مسـتثنی نیسـت اظهار داشـت: در این میان وضعیت خاص اسـتان زنجان بـه دلیل قرار گیری در شـاهراه های قطب صنعت بـرق و الکترونیک کشـور از اهمیت بالایی برخوردار اسـت که تمام این مسائل، تدابیر و راهکارهای پیشرفته را جهت پایش و مانیتورینگ دقیق و هوشمندانه نظام توزیع برق ضروری ساخته است.

وی افـزود: اتوماسـیون شـبکه، فرمانبری، پایـش و مانیتوریـنـگ شـبکه های توزیـع برق اسـتان زنجان با توجـه به برخـورداری از فن آوری مـدرن و بـه روز جایـگاه خاصی را در سیسـتم مدیریـت توزیع (Distribution Management System) دارا است.

مدیر عامل شـرکت توزیع نیروی برق با اشـاره به اینکه در فاز نخسـت طرح اتوماسـیون شبکه کنتور ۲۰۰,۰۰۰ مشترک برق در استان زنجان از طریق این سـاختمان کنترل و مدیریت خواهد شـد خاطر نشان کرد: طرح فهام سیسـتم یکپارچه ای شـامل سـخت افزار، نرم افزار، شبکه و بسـتر مخابراتی اسـت و اطلاعاتی نظیر مصرف، دیمانـد، ولتاژ، جریان و اطلاعات دیگر مشـترکین بـرق را بصورت نزدیک بـه Real Time از سـمت مصرف کننده دریافت می کند و این سیسـتم با ایجاد بسـتر مخابراتی دو طرفه قابلیت قرائـت، پیکربندی، نظارت و کنترل از راه دور کنتورها، جمـع آوری، مدیریت، پردازش و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده را داشته و گزارشهای لازم را تولید میکند.

تابلو و کنتورهای هوشمند آب و برق

طرح هوشمند سـازی کنتورهای آب و برق از سال ۱۳۸۹ در این استان شروع شـد و این پروژه برای اولین بار در حوزه برق شهرستان ابهر اجرا و بعد از آن در خرمدره، خدابنده، سـلطانیه، طـارم و زنجان در حال اجرا می باشـد. از سـال ۱۳۸۹ تا کنون تعداد قریب به ۱۰۰۰ چاه کشاورزی هوشمند سازی گردیده و در حال استفاده و بهره برداری می باشند.

تعداد مشترکین کشاورزی

وی مجموع مشترکین دارای انشعاب استان زنجان را تا کنون ۳۹۲۷۳۱ مشـترک اعلام کرد و گفت: از این تعداد ۷۰۸۱ مشترک دارای انشعاب کشـاورزی بوده کـه حدود ۸۹/۱ درصد کل مشـترکین این اسـتان را تشکیل میدهد.

این مقام مسئول یادآور شـد: کنتور هوشمند طوری طراحی شده است که مـی توان با یک کارت هوشـمند که در اختیار بهره بـردار از چاه قرار می گیرد میزان برداشـت آب را کنترل کرد بدین صورت که میزان مجاز آب قابل برداشـت در کارت ثبت می گردد و بهره بردار قادر به برداشـت غیر مجاز آب نخواهد بود و در طول سال نیز میزان برداشت آب به صورت اتوماتیک توسـط کنتور کنترل شده و در صورت مشاهده هر گونه تجاوز از میزان مصرف یا سـاعت کارکرد منـدرج در پروانه بهره برداری جریان برق قطع می شود.

مهندس کاظمی بیان کرد: گروه نظارت بر لوازم اندازه گیری این شرکت با همکاری یک شـرکت مشـاور توانمند با انجام مطالعات گسـترده در راسـتای قابلیت قرائت از راه دور و همچنین صـدور فرمان قطع و وصل به مشـترکین کشـاورزی (اجرای طرح کاهش پیک بار تابستان) اقدام کرده و در آینده نزدیک بدون نیاز به کنتور هوشمند و تحمیل هزینه های مضاعف به مشـترکین، صرفا با استفاده از یکدسـتگاه مودم پیشرفته با قابلیتهای فوق، نسبت به رفع مشکلات فعلی کنتورهای هوشمند اقدام و حداکثر بهره برداری از تابلوهای موجود میسر میگردد.

سامانه صدور و پرداخت الکترونیکی قبوض برق

در این سـامانه مشترکین طی تماس تلفنی (با شماره گیری عدد ۱۵۲۱) توسط تلفن ثابت شهری و یا تلفن همراه (باسیم کارت همراه اول) تنها با داشـتن کارت بانکی عضو شتاب از یکی از بانکهای سراسر کشور و وارد نمودن شناسه قبض اولاً موفق به اسـتماع آخرین بدهی بهای برق خود



شده و در صورت تمایل قادر خواهند بود با وارد کردن شماره کارت بانکی طرح شتاب و سپس رمز دوم کارت خود به پرداخت مبلغ قبض اقدام نمایند. قابل ذکر است سامانه پس از اولین تماس، شماره تماس مشترک را ذخیره نموده و در دومین تماس مشترک (البته با همان شماره تلفن)، شناسه قبض به طور خودکار شناسایی خواهد شد و نیاز به ثبت مجدد شناسه قبض نخواهد بود. در صورت پرداخت قبض و ورود شماره کارت، شماره کارت نیز در صورت تمایل ذخیره شده و در تماسهای بعدی نیاز به وارد کردن مجدد شماره کارت نیز نخواهد بود. در آینده ای نزدیک امکان اعلام بدهی (قبض جدید صادر شده) برای شماره تلفنهایی که یکبار با این سامانه ارتباط برقرار نموده باشند و یا اعلام وصول بهای برق پرداخت شده توسط مشترک و یا اطلاعیه بدهی پرداخت نشده در موعد مقرر و شمول قطع و سایر اطلاع رسانی های ضروری نیز فراهم خواهد شد. با این سامانه در هر نقطه کشور که باشید قبض خود را دریافت نموده و قادر خواهید بود در موعد مقرر بدهی خود را پرداخت نمایید.

مزایای استفاده از سامانه EBPP

-فراهم شدن زمینه حذف خدمات چاپ و توزیع قبوض کاغذی و صرفه جویی چشمگیر در هزینه ها

صفر شدن کارمزدهای بانکی - تسریع در وصول مطالبات از مشترکین و شفافیت در تعامل با بانکهای عامل و تسریع در فرآیند تسویه حساب با بانک - امکان ذخیره سازی شناسه قبض و شماره کارت شتاب - عدم نیاز به وارد نمودن شناسه پرداخت - اعلام وضعیت صورتحساب به مشترکین در صورتیکه صورتحساب قبلاً پرداخت شده باشد.

سیستم جامع فروش و خدمات مشترکین در توزیع برق زنجان

در صنعت برق، مقوله فعالیت در زمینه فروش انرژی برق، از اهمیتی اساسی برخوردار است به همین دلیل، این شرکت، با بهره گیری از یک شرکت مشاور، اقدام به تهیه روایت توسعه یافته سیستم جامع فروش تحت عنوان «سیستم جامع خدمات مشترکین برق» متشکل بر فروش انرژی، فروش انشعاب، خدمات پس از فروش و...، تحت وب و پایگاه اطلاعاتی Oracle گرفته که این نرم افزار جامع را تولید و پیاده سازی نمود.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان به تغییر سیستم خدمات مشترکین به سیستم جامع اشاره کرد و گفت: براساس انجام مطالعات استراتژیک که توسط مشاور در سال های قبل بعمل آمده پیشنهاد استقرار سیستم جامع خدمات مشترکین گردید تا بتوان ارتقا کیفی و کمی خدمات رضایت مشترکین را جلب نمود و با توجه به گسترش روزافزون فن آوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش چشمگیر زمینه کاربردی فن آوری ICT در صنعت برق استقرار سیستم جامع خدمات مشترکین را اجتناب ناپذیر می نمود.

وی استفاده از محیط وب برای توسعه و راه اندازی آن و امکان ایجاد دسترسی برای تمام قسمت های نرم افزار را از مهمترین ویژگی های این سیستم اعلام کرد و افزود: ماموریت این سیستم شامل جمع آوری، تحلیل، تفکیک، نگهداری، یکسان سازی و اصلاح داده های ناشی از فعالیت های حاصل از فروش انشعاب، فروش انرژی و خدمات پس از فروش است که الزاماً طبق ضوابط و استانداردهای مشخص و با حفظ و برنامه زمان بندی اجرا خواهد شد.

مهندس کاظمی توانایی نگهداری و مدیریت اطلاعات در حجم فوق بالا، کیفیت و سرعت بالا در سرویس دهی موازی تراکنش های اطلاعاتی در حجم بالا بدون افت کیفیت و زمان پاسخگویی، توانایی آرشیوسازی، بازیابی آرشیوها و مدیریت زمانی آنها به صورت دقیق تر و منظم تر، زمان پردازش کمتر برای تراکنش های محاسباتی و در نتیجه سرعت پاسخ گویی بیشتر در گزارش ها و روالهای محاسبه گر را از جمله قابلیت ها و برخی مزایای نسبی بانک اطلاعاتی اوراکل نسبت به سایر سیستم های مدیریت اطلاعات برشمرد و یادآور شد: امکان توسعه، اجرای موازی سیستم های اطلاعاتی در نرم افزارهای مبتنی بر اوراکل؛ امکان تغییر و توسعه همزمان با اجرای عملیاتی، بدون ایجاد اختلال در روال عادی و جریان اطلاعاتی در سیستم؛ از ویژگی و مزایای منحصر به فرد اوراکل است.

مدیریت ناوگان خودرویی (AVL)

پروژه مطالعات و پیاده سازی سامانه مدیریت ناوگان واحدهای سیار (Automatic Vehicle Location-AVL) در شرکت های توزیع برق، تحت نظارت عالیه دفتر نظارت بر توزیع شرکت توانیر، توسط شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان و با همکاری شرکت فناوری اطلاعات پردازشگر کیش در تابستان سال ۹۰ آغاز گردید. پیشنویس دستورالعمل AVL توسط شرکت توزیع زنجان تدوین شده است که پس از تصویب نهایی در کمیته عالی بهبود قابلیت اطمینان شبکه های توزیع، برای اجرا به کلیه شرکت های توزیع ابلاغ خواهد شد.





این دستورالعمل بمنظور ارزیابی دقیق تر از عملکرد ناوگان حوادث، امکان نظارت جامع بر روی فعالیت تمام خودروها و ذخیره سازی اطلاعات مکانی، امکان ایجاد گزارش های جامع آماری از عملکرد خودروها، افزایش کارایی عملیاتی، صرفه جویی در هزینه ها، کاهش شکایات، افزایش ایمنی کاربرد داشته و هدف نهایی آن ارائه خدمات هر چه مطلوب تر به مشترکین می باشد.

این پروژه در سه سطح مانیتورینگ، اسکادا و اتوماسیون بر روی خودروهای حوادث شرکت توزیع برق زنجان اجرا می شود که مرحله اجرایی آن در سطوح مانیتورینگ و اسکادا بر روی ۱۵ دستگاه خودرو در سال ۹۰ به اتمام رسید. فاز اتوماسیون اولیه آن نیز بر روی ۱۵ دستگاه



خودرو دیگر با نصب مانیتور در داخل خودروها و امکان ایجاد ارتباط دو طرفه در سال ۹۱ تکمیل گردید و فاز اتوماسیون نهایی در مرحله مطالعه و پیگیری می باشد. نرم افزار ارائه شده در سه نسخه ویندوز، وب و موبایل بوده که امکان ردیابی و کنترل خودروهای حوادث را تحت بستر ارتباطی GPRS ممکن میسازد.

پروژه GIS

با توجه به اهمیت راه اندازی سیستم اطلاعات مکانی و توصیفی شبکه های توزیع برق در بستر GIS این شرکت در سال ۸۷ پروژه برداشت و ورود اطلاعات GIS شبکه فشار متوسط کل استان را شروع و توانست اطلاعات کامل شبکه فشار متوسط بطول حدود ۶۰۰۰ کیلومتر را در سال ۸۹ در بستر نرم افزار Gedat راه اندازی نماید. از سال ۸۹ تا اواخر سال ۹۰ فاز اول برداشت شبکه فشار ضعیف و مشترکین به تعداد ۶۰۰۰۰ مشترک شروع و عملیاتی گردیده و فاز دوم برداشت GIS شبکه فشار ضعیف و ۴۰۰۰۰ مشترک باقیمانده از حوزه عملیاتی شهر زنجان در سال ۹۲ کلید خورده و در حال اجرا است.

فروش نیروگاه های خورشیدی در استان زنجان

در راستای اجرای بند (ز) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ از محل منابع حاصل از عوارض برق پرداختی مشترکان، به دستور وزارت نیرو و تاکید شرکت مادر تخصصی توانیر از ابتدای آذرماه سال جاری فروش نیروگاه های خورشیدی به منظور نصب در بام منازل در استان زنجان آغاز شده است.

با تمهیدات بعمل آمده در قانون بودجه سال جاری و ارائه تخفیف ۵۰ درصدی برای متقاضیان بهره مندی از انرژی خورشیدی، فرصت مناسبی برای مشترکین برق پیش آمده است تا ضمن استفاده از انرژی های تجدید پذیر، مدیریت بهینه مصرف انرژی برق نیز در سطح کشور عملیاتی گردد.

شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با اطلاع رسانی های مستمر در سطح استان از متقاضیان برق خواسته تا به نزدیکترین مدیریت توزیع برق و یا به پرتال این شرکت به آدرس WWW.ZEDC.IR مراجعه نموده و به ازای هر مشترک یک کیلووات انرژی برق خورشیدی با نصف قیمت خریداری نمایند.

گفتنی است جزئیات فراخوان ثبت نام نصب سامانه یک کیلوواتی خورشیدی برای مشترکین خانگی در پرتال این شرکت شامل فرآیند کار، شرایط عمومی اجرا، وظایف دستگاه اجرایی، وظایف و تعهدات پیمانکار و شرایط و وظایف مشترک متقاضی و مراحل ثبت نام در دسترس مراجعین می باشد.

سیستم نشت یاب به روش اولتراسونیک

دستگاه نشت یاب اولتراسونیک و آشکار ساز کرونا دستگاهی قابل حمل بوده و با دریافت امواج اولتراسونیک آنها را به امواج صوتی شنوایی تبدیل می کند. این امواج توسط بلندگو و یا گوشی شنیده شده و همچنین میزان دامنه این امواج در صفحه نمایشگر قابل مشاهده می باشد. این دستگاه برای مکان یابی نشتی های منابع کرونا طراحی شده است که این اعمال را با دریافت امواج اولتراسونیک انجام می دهد. با استفاده از جهت دهنده مخروطی شکل امواج و متمرکز کننده بشقابی، می توان در یک فاصله مطمئن از تجهیزات فشار قوی به سرعت منابع نشت اولتراسونیک را تشخیص داد. سیستم آشکار ساز اولتراسونیک طراحی شده، شامل صفحه نمایش شدت موج، بلندگو، پروب اولتراسونیک، جهت دهنده مخروطی شکل امواج، متمرکز کننده بشقابی و گوشی می باشد.

این دستگاه توسط شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان به منظور افزایش پایداری شبکه های توزیع برق و کاهش میزان خاموشی های بی برنامه و انرژی توزیع نشده خریداری شده و به تجهیزات شبکه های توزیع نیروی برق استان زنجان افزوده شده است.

نقش موثر شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان در کاهش پیک بار انرژی برق کشور

در راستای اجرای پروژه های کاهش پیک بار سال جاری که منجر به کاهش ۱۹۳۰ مگاوات از نیاز مصرف برق در روز اوج بار شبکه سراسری گردید، این شرکت حائز رتبه دوم کشوری در کاهش پیک بار تابستان امسال شد و مورد تقدیر معاون هماهنگی توزیع شرکت مادر توانیر قرار گرفت.

به منظور مدیریت مصرف انرژی برق و کاهش پیک بار سال جاری فعالیتهای فنی - مهندسی و فرهنگی گسترده ای از سوی شرکت های توزیع برق سراسر کشور صورت می گیرد تا بسلامت بحران اوج مصرف بار برق را در فصل گرم تابستان گذراند که در نهایت شرکت های برتر در حوزه کاهش پیک بار که کمک شایسته ای در صرفه جویی ارزی و ریالی در کشور را منجر شده اند انجام شد و شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان در گروه سوم شرکت های توزیع برق موفق به کسب امتیاز ۸۸،۶۷ و رتبه دوم کشوری گردید.

تهیه و تنظیم:

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان



فرصتی برای نیک اندیشی شما



از خیرین و نیکوکاران گرامی برای سپرده‌گذاری در کلیه شعب این بانک جهت بهره‌مندی هموطنان عزیز از تسهیلات قرض الحسنه دعوت بعمل می آید.

اولین بانک تخصصی قرض‌الحسنه
با بیش از ۵۴۰ شعبه در سراسر کشور

برخی از خدمات بانک

- افتتاح حساب قرض‌الحسنه جاری و صدور دسته چک
- انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان‌ها و صندوق‌ها
- راه‌اندازی باشگاه خیرین قرض‌الحسنه ایران
- انواع کارت‌نقدی، کارت‌هدیه، بن کارت، کارت‌خانواده
- پرداخت انواع تسهیلات با کارمزد ۴ در صد
  (ازدواج، اشتغال، دانشجویی، ودیعه مسکن، درمان و...)

- اینترنت بانک
- تلفن‌بانک، همراه بانک
- پایانه‌های فروشگاهی
- ارائه خدمات پایا، شبا، ساتنا
- عضویت در شبکه شتاب



تلفن گویا: ۸۹۵۹۰

www.qmb.ir



اللهم صل علی محمد و آل محمد

۱۳۹۴
2015-2016

ماه فرو ماند از جمال محمد
سرو نباشد به اعتدال محمد



فروردین
جمادی‌الاولی / جمادی‌الثانیه ۱۴۳۶ — March - April 2015

شنبه	۱ (21/۳۰)	۸ (28/۷)	۱۵ (4/۱۴)	۲۲ (11/۲۱)	۲۹ (18/۲۸)
۱شنبه	۲ (22/۱)	۹ (29/۸)	۱۶ (5/۱۵)	۲۳ (12/۲۲)	۳۰ (19/۲۹)
۲شنبه	۳ (23/۲)	۱۰ (30/۹)	۱۷ (6/۱۶)	۲۴ (13/۲۳)	۳۱ (20/۱)
۳شنبه	۴ (24/۳)	۱۱ (31/۱۰)	۱۸ (7/۱۷)	۲۵ (14/۲۴)	
۴شنبه	۵ (25/۴)	۱۲ (1/۱۱)	۱۹ (8/۱۸)	۲۶ (15/۲۵)	
۵شنبه	۶ (26/۵)	۱۳ (2/۱۲)	۲۰ (9/۱۹)	۲۷ (16/۲۶)	
جمعه	۷ (27/۶)	۱۴ (3/۱۳)	۲۱ (10/۲۰)	۲۸ (17/۲۷)	

۱ – آغاز نوروز (تعطیل) ۲ – عید نوروز (تعطیل) ۳– عید نوروز (تعطیل) ۴– عید نوروز (تعطیل) شهادت حضرت فاطمه‌زهرا (س) (تعطیل) ۱۲ – روز جمهوری اسلامی ایران (تعطیل) ۱۳ – روز طبیعت (تعطیل)

اردیبهشت
رجب / شعبان ۱۴۳۶ — April - May 2015

شنبه		۵ (25/۶)	۱۲ (2/۱۳)	۱۹ (9/۲۰)	۲۶ (16/۲۷)
۱شنبه		۶ (26/۷)	۱۳ (3/۱۴)	۲۰ (10/۲۱)	۲۷ (17/۲۸)
۲شنبه		۷ (27/۸)	۱۴ (4/۱۵)	۲۱ (11/۲۲)	۲۸ (18/۲۹)
۳شنبه	۱ (21/۲)	۸ (28/۹)	۱۵ (5/۱۶)	۲۲ (12/۲۳)	۲۹ (19/۳۰)
۴شنبه	۲ (22/۳)	۹ (29/۱۰)	۱۶ (6/۱۷)	۲۳ (13/۲۴)	۳۰ (20/۱)
۵شنبه	۳ (23/۴)	۱۰ (30/۱۱)	۱۷ (7/۱۸)	۲۴ (14/۲۵)	۳۱ (21/۲)
جمعه	۴ (24/۵)	۱۱ (1/۱۲)	۱۸ (8/۱۹)	۲۵ (15/۲۶)	

۱۲ – ولادت حضرت امام علی علیه‌السلام (تعطیل) ۲۶– مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (تعطیل)

خرداد
شعبان / رمضان ۱۴۳۶ — May - June 2015

شنبه	۳۰ (20/۳)	۲ (23/۴)	۹ (30/۱۱)	۱۶ (6/۱۸)	۲۳ (13/۲۵)
۱شنبه	۳۱ (21/۴)	۳ (24/۵)	۱۰ (31/۱۲)	۱۷ (7/۱۹)	۲۴ (14/۲۶)
۲شنبه		۴ (25/۶)	۱۱ (1/۱۳)	۱۸ (8/۲۰)	۲۵ (15/۲۷)
۳شنبه		۵ (26/۷)	۱۲ (2/۱۴)	۱۹ (9/۲۱)	۲۶ (16/۲۸)
۴شنبه		۶ (27/۸)	۱۳ (3/۱۵)	۲۰ (10/۲۲)	۲۷ (17/۲۹)
۵شنبه		۷ (28/۹)	۱۴ (4/۱۶)	۲۱ (11/۲۳)	۲۸ (18/۱)
جمعه	۱ (22/۳)	۸ (29/۱۰)	۱۵ (5/۱۷)	۲۲ (12/۲۴)	۲۹ (19/۲)

۱۳ – ولادت حضرت قائم (عج) (تعطیل) ۱۴ – رحلت حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (تعطیل) ۱۵ – قیام خونین ۱۵ خرداد (تعطیل)

تیر
رمضان / شوال ۱۴۳۶ — June - July 2015

شنبه		۶ (27/۱۰)	۱۳ (4/۱۷)	۲۰ (11/۲۴)	۲۷ (18/۱)
۱شنبه		۷ (28/۱۱)	۱۴ (5/۱۸)	۲۱ (12/۲۵)	۲۸ (19/۲)
۲شنبه	۱ (22/۵)	۸ (29/۱۲)	۱۵ (6/۱۹)	۲۲ (13/۲۶)	۲۹ (20/۳)
۳شنبه	۲ (23/۶)	۹ (30/۱۳)	۱۶ (7/۲۰)	۲۳ (14/۲۷)	۳۰ (21/۴)
۴شنبه	۳ (24/۷)	۱۰ (1/۱۴)	۱۷ (8/۲۱)	۲۴ (15/۲۸)	۳۱ (22/۵)
۵شنبه	۴ (25/۸)	۱۱ (2/۱۵)	۱۸ (9/۲۲)	۲۵ (16/۲۹)	
جمعه	۵ (26/۹)	۱۲ (3/۱۶)	۱۹ (10/۲۳)	۲۶ (17/۳۰)	

۱۷ – شهادت حضرت علی (ع) (تعطیل) ۲۷– عید سعید فطر (تعطیل) ۲۸– تعطیل به مناسبت عید سعید فطر

مرداد
شوال / ذی‌القعده ۱۴۳۶ — July - August 2015

شنبه	۳۱ (22/۷)	۳ (25/۸)	۱۰ (1/۱۵)	۱۷ (8/۲۲)	۲۴ (15/۲۹)
۱شنبه		۴ (26/۹)	۱۱ (2/۱۶)	۱۸ (9/۲۳)	۲۵ (16/۱)
۲شنبه		۵ (27/۱۰)	۱۲ (3/۱۷)	۱۹ (10/۲۴)	۲۶ (17/۲)
۳شنبه		۶ (28/۱۱)	۱۳ (4/۱۸)	۲۰ (11/۲۵)	۲۷ (18/۳)
۴شنبه		۷ (29/۱۲)	۱۴ (5/۱۹)	۲۱ (12/۲۶)	۲۸ (19/۴)
۵شنبه	۱ (23/۶)	۸ (30/۱۳)	۱۵ (6/۲۰)	۲۲ (13/۲۷)	۲۹ (20/۵)
جمعه	۲ (24/۷)	۹ (31/۱۴)	۱۶ (7/۲۱)	۲۳ (14/۲۸)	۳۰ (21/۶)

۲۰– شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (تعطیل)

شهریور
ذی‌القعده / ذی‌الحجه ۱۴۳۶ — August - September 015

شنبه		۷ (29/۱۴)	۱۴ (5/۲۱)	۲۱ (12/۲۸)	۲۸ (19/۵)
۱شنبه	۱ (23/۸)	۸ (30/۱۵)	۱۵ (6/۲۲)	۲۲ (13/۲۹)	۲۹ (20/۶)
۲شنبه	۲ (24/۹)	۹ (31/۱۶)	۱۶ (7/۲۳)	۲۳ (14/۳۰)	۳۰ (21/۷)
۳شنبه	۳ (25/۱۰)	۱۰ (1/۱۷)	۱۷ (8/۲۴)	۲۴ (15/۱)	۳۱ (22/۸)
۴شنبه	۴ (26/۱۱)	۱۱ (2/۱۸)	۱۸ (9/۲۵)	۲۵ (16/۲)	
۵شنبه	۵ (27/۱۲)	۱۲ (3/۱۹)	۱۹ (10/۲۶)	۲۶ (17/۳)	
جمعه	۶ (28/۱۳)	۱۳ (4/۲۰)	۲۰ (11/۲۷)	۲۷ (18/۴)	

مهر
ذی‌الحجه / محرم ۱۴۳۶ – ۱۴۳۷ — September - October 2015

شنبه		۴ (26/۱۲)	۱۱ (3/۱۹)	۱۸ (10/۲۶)	۲۵ (17/۳)
۱شنبه		۵ (27/۱۳)	۱۲ (4/۲۰)	۱۹ (11/۲۷)	۲۶ (18/۴)
۲شنبه		۶ (28/۱۴)	۱۳ (5/۲۱)	۲۰ (12/۲۸)	۲۷ (19/۵)
۳شنبه		۷ (29/۱۵)	۱۴ (6/۲۲)	۲۱ (13/۲۹)	۲۸ (20/۶)
۴شنبه	۱ (23/۹)	۸ (30/۱۶)	۱۵ (7/۲۳)	۲۲ (14/۳۰)	۲۹ (21/۷)
۵شنبه	۲ (24/۱۰)	۹ (1/۱۷)	۱۶ (8/۲۴)	۲۳ (15/۱)	۳۰ (22/۸)
جمعه	۳ (25/۱۱)	۱۰ (2/۱۸)	۱۷ (9/۲۵)	۲۴ (16/۲)	

۲– عید سعید قربان (تعطیل) ۱۰ – عید سعید غدیر خم (تعطیل)

آبان
محرم / صفر ۱۴۳۷ — October - November 2015

شنبه	۳۰ (21/۹)	۲ (24/۱۰)	۹ (31/۱۷)	۱۵ (7/۲۴)	۲۳ (14/۲)
۱شنبه		۳ (25/۱۱)	۱۰ (1/۱۸)	۱۷ (8/۲۵)	۲۴ (15/۳)
۲شنبه		۴ (26/۱۲)	۱۱ (2/۱۹)	۱۸ (9/۲۶)	۲۵ (16/۴)
۳شنبه		۵ (27/۱۳)	۱۲ (3/۲۰)	۱۹ (10/۲۷)	۲۶ (17/۵)
۴شنبه		۶ (28/۱۴)	۱۳ (4/۲۱)	۲۰ (11/۲۸)	۲۷ (18/۶)
۵شنبه		۷ (29/۱۵)	۱۴ (5/۲۲)	۲۱ (12/۲۹)	۲۸ (19/۷)
جمعه	۱ (23/۹)	۸ (30/۱۶)	۱۵ (6/۲۳)	۲۲ (13/۱)	۲۹ (20/۸)

۱ – تاسوعای حسینی (تعطیل) ۲ – عاشورای حسینی (تعطیل)

آذر
صفر / ربیع‌الاول ۱۴۳۷ — November - December 2015

شنبه		۷ (28/۱۶)	۱۴ (5/۲۳)	۲۱ (12/۳۰)	۲۸ (19/۷)
۱شنبه	۱ (22/۱۰)	۸ (29/۱۷)	۱۵ (6/۲۴)	۲۲ (13/۱)	۲۹ (20/۸)
۲شنبه	۲ (23/۱۱)	۹ (30/۱۸)	۱۶ (7/۲۵)	۲۳ (14/۲)	۳۰ (21/۹)
۳شنبه	۳ (24/۱۲)	۱۰ (1/۱۹)	۱۷ (8/۲۶)	۲۴ (15/۳)	
۴شنبه	۴ (25/۱۳)	۱۱ (2/۲۰)	۱۸ (9/۲۷)	۲۵ (16/۴)	
۵شنبه	۵ (26/۱۴)	۱۲ (3/۲۱)	۱۹ (10/۲۸)	۲۶ (17/۵)	
جمعه	۶ (27/۱۵)	۱۳ (4/۲۲)	۲۰ (11/۲۹)	۲۷ (18/۶)	

۱۱ – اربعین حسینی (تعطیل) ۱۹ – رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) (تعطیل) ۲۱ – شهادت حضرت امام رضا علیه السلام (تعطیل)

دی
ربیع‌الاول / ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ — December-January 2015-2016

شنبه		۵ (26/۱۴)	۱۲ (2/۲۱)	۱۹ (9/۲۸)	۲۶ (16/۵)
۱شنبه		۶ (27/۱۵)	۱۳ (3/۲۲)	۲۰ (10/۲۹)	۲۷ (17/۶)
۲شنبه		۷ (28/۱۶)	۱۴ (4/۲۳)	۲۱ (11/۳۰)	۲۸ (18/۷)
۳شنبه	۱ (22/۱۰)	۸ (29/۱۷)	۱۵ (5/۲۴)	۲۲ (12/۱)	۲۹ (19/۸)
۴شنبه	۲ (23/۱۱)	۹ (30/۱۸)	۱۶ (6/۲۵)	۲۳ (13/۲)	۳۰ (20/۹)
۵شنبه	۳ (24/۱۲)	۱۰ (31/۱۹)	۱۷ (7/۲۶)	۲۴ (14/۳)	
جمعه	۴ (25/۱۳)	۱۱ (1/۲۰)	۱۸ (8/۲۷)	۲۵ (15/۴)	

۸– ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام موسس مذهب جعفری (تعطیل)

بهمن
ربیع‌الثانی / جمادی‌الاولی ۱۴۳۷ — January - February 2016

شنبه		۳ (23/۱۲)	۱۰ (30/۱۹)	۱۷ (6/۲۶)	۲۴ (13/۴)
۱شنبه		۴ (24/۱۳)	۱۱ (31/۲۰)	۱۸ (7/۲۷)	۲۵ (14/۵)
۲شنبه		۵ (25/۱۴)	۱۲ (1/۲۱)	۱۹ (8/۲۸)	۲۶ (15/۶)
۳شنبه		۶ (26/۱۵)	۱۳ (2/۲۲)	۲۰ (9/۲۹)	۲۷ (16/۷)
۴شنبه		۷ (27/۱۶)	۱۴ (3/۲۳)	۲۱ (10/۱)	۲۸ (17/۸)
۵شنبه	۱ (21/۱۰)	۸ (28/۱۷)	۱۵ (4/۲۴)	۲۲ (11/۲)	۲۹ (18/۹)
جمعه	۲ (22/۱۱)	۹ (29/۱۸)	۱۶ (5/۲۵)	۲۳ (12/۳)	۳۰ (19/۱۰)

۲۲– پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام شاهنشاهی (تعطیل)

اسفند
جمادی‌الاولی / جمادی‌الثانیه ۱۴۳۷ — February - March 2016

شنبه	۱ (20/۱۱)	۸ (27/۱۸)	۱۵ (5/۲۵)	۲۲ (12/۲)	۲۹ (19/۹)
۱شنبه	۲ (21/۱۲)	۹ (28/۱۹)	۱۶ (6/۲۶)	۲۳ (13/۳)	
۲شنبه	۳ (22/۱۳)	۱۰ (29/۲۰)	۱۷ (7/۲۷)	۲۴ (14/۴)	
۳شنبه	۴ (23/۱۴)	۱۱ (1/۲۱)	۱۸ (8/۲۸)	۲۵ (15/۵)	
۴شنبه	۵ (24/۱۵)	۱۲ (2/۲۲)	۱۹ (9/۲۹)	۲۶ (16/۶)	
۵شنبه	۶ (25/۱۶)	۱۳ (3/۲۳)	۲۰ (10/۳۰)	۲۷ (17/۷)	
جمعه	۷ (26/۱۷)	۱۴ (4/۲۴)	۲۱ (11/۱)	۲۸ (18/۸)	

۲۳– شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (تعطیل) ۲۹– روز ملی شدن صنعت نفت ایران (تعطیل)



بانکی اجتماعی با خدماتی نوین



صدور بلیت کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی

تخفیف ویژه گروه‌ها و ارگانها

رزرو هتل در سراسر ایران و جهان

ارسال مدارک رایگان

بهترین تورهای داخلی

تور * هتل * بلیط

کیش
مشهد
قشم
شیراز
اصفهان
هوایی
زمینی



دبی
آنتالیا
استانبول
اروپا
تایلند
چین
هند
مالزی
سنگاپور



برگزارکننده بهترین تورهای فصلی تورهای ۳-۲-۱ روزه
با بهترین خدمات و مجرب‌ترین لیدرها

تنوع بیش از ۲۰۰ هتل در سراسر دنیا

اخذ ویزای کلیه کشورها / وقت سفارت / پیکاپ پاسپورت

تهران ـ بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری، خیابان نازآفرین
برج مادر، طبقه سوم، واحد ۱۴

تلفن : ۲۶۴۲۱۹۷۷ (خط ویژه)

h/p: 0936 636 00 33

www.NiloofaranehGasht.ir

خدمات ویژه مشتریان سازمانی رایتل

استفاده از امکانات ویژه نسل‌های جدید مخابرات سیار در ارتقای کسب و کار

نیاز سازمان‌ها و صنایع به بهینه‌سازی و اثربخشی عملیاتی، به‌عنوان یکی از دلایل و محرک‌های اصلی پیشرفت شبکه‌های مخابراتی تلقی می‌شود. بهبود مستمر سطح کیفی و کمی خدمات، به‌ویژه خدمات مبتنی بر داده، باعث پیدایش نسل‌های پیشرفته مخابراتی گردیده است که در آن‌ها کیفیت ارایه خدمات صوتی و داده‌ای به مراتب بهتر از نسل‌های پیشین شده است به‌طوری که در این بین، سازمان‌ها بیشترین استفاده را از چنین قابلیت‌هایی خواهند برد.

یکی از اهداف عمده شرکت خدمات ارتباطی رایتل ارایه خدمات برتر به سازمان‌ها است. در این راستا رایتل با گسترش شبکه مخابراتی پیشرفته خود و تجهیز آن به آخرین فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، گامی مهم در جهت ارتقای سطح خدمت‌رسانی به سازمان‌ها فراهم آورده است. ارایه خدمات پیشرفته مخابراتی همراه مخصوص سازمان‌ها از قبیل شبکه امن سازمانی همراه (APN) ، شبکه تلفن سازمانی همراه (MVPN) و خدمات بین ماشینی (M2M) از جمله خدماتی هستند که هریک به نحوی پاسخگوی نیاز سازمان‌های پویای فعلی می باشند.

در پی غنی‌سازی سبد محصولات و خدمات سازمانی و در پاسخ به نیازهای ویژه مشتریان سازمانی در اندازه‌ها و زمینه‌های کاری مختلف، رایتل با ارایه راهکارهای سازمانی و بومی‌سازی هر یک از محصولات خود، مسیر جدیدی را پیش روی سازمان‌ها قرار داده است.

اطلاعات بیشتر در www.rightel.ir



توصیه‌های پلیس یزد به مردم و مسافران نوروزی



حلول سال نو ، تولد دوباره طبیعت، عید فرخنده و کهن نوروز باستانی، یادگار نیاکان و پیام‌آور دوستی، عشق و محبت، و تحول به مراحل نیکوتر و برتر است.
بی شک یکی از بزرگترین نعمت های الهی امنیت است و این مهم حاصل نمی شود مگر با همکاری و همدلی آحاد جامعه ، لذا همکاری شما عزیزان با این فرماندهی و بکار بستن توصیه های پلیس قطعاً از بروز زمینه های جرم می کاهد و لازم است در جهت تحقق همه جانبه امنیت اجتماعی و اخلاقی در محیطی توأم با آرامش و آسایش گام برداریم.
امید است با توجه و عنایت به توصیه های پلیس ، ما را در انجام وظایف جهت خدمت هرچه بیشتر به شما عزیزان یاری فرمایید.

فرمانده انتظامی استان یزد ـ سرتیپ دوم ایرج کاکاوند

توصیه های لازم در خصوص پیشگیری از کیف قاپی:

۱-از حمل کیف خود در مواقع غیرضروری بپرهیزید.
۲- هنگام دریافت پول ازبانک حرکات اطرافیان خود به ویژه راکبین موتورسیکلت ها را در داخل و خارج بانک، دقیقاً زیر نظر بگیرید.
۳-هرگز وجوه نقد واشیاء گران قیمت خود را با کیسه های نایلونی روشن یا ساک های غیراستاندارد حمل نکنید.
۴-حتی الامکان جهت تردد از وسائط نقلیه عمومی استفاده نمائید.
۵-به هنگام سوار شدن به اتوبوس های شهری و در اماکن شلوغ بجای گرفتن بند کیف، دهانه آنرا در دست گرفته وحتی الامکان کیف را در مقابل سینه خود قرار دهید.
۶-بهتر است بدانید که کیف قاپ ها معمولاً با موتورسیکلت های تندرو و یک نفر ترک نشین با کلاه اقدام به کیف قاپی می کنند.
۷- به هیچ وجه محتویات داخل کیف خود را درمعرض دید افرادناشناس قرارندهید.
۸-کیف خود را با دستی که مجاور دیوار یا جوی آب است حمل نموده واز حرکت در سطح خیابان جداً بپرهیزید.
۹-هنگام دریافت پول از بانک حرکات اطرافیان خود را در داخل و خارج بانک زیر نظر بگیرید.

پیشگیری سرقت از چادر مسافران نوروزی:

۱-دراماکن خلوت و کم تردد و حواشی شهر شهروندان محترم حتی الامکان از اتراق و چادرزدن برای تأمین امنیت خودداری نمایند.
۲-در صورت استفاده از چادرهای مسافرتی اموال خود را بیرون از چادر مسافرتی حتی الامکان نگهداری ننمایند.
۳-درمحل های که اتراق نموده اید در صورت برخورد با افراد مظنون و مشکوک به مأمورین انتظامی یا فوریت های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهید.
۴- چادرهای مسافرتی مکان مناسبی برای اموال با ارزش نمی باشد لذا در صورتی که قصد ترک نمودن چادر را حتی برای لحظاتی دارید اموال با ارزش را درون آن جا نگذارید.
۵-همیشه یکی از افراد همراه در زمان رها نمودن چادر در محل حضور داشته باشد.
۶-چادرهای خود را درمحل های که از سوی مبادی ذیربط برای اقامت تعیین شده و حفاظت آن از سوی پلیس تأمین می شود نصب شود.
۷-از خوردن هرگونه خوراکی که توسط افراد ناشناس به شما تعارف می شود جدا" خودداری نمایید.

عوامل تأثیرگذار در رواج بدحجابی:

-تأثیرگذاری رسانه ها،ماهواره و موبایل
-کاهش قدرت انتقال ارزشها از نسلی به نسل دیگر
-عدم توجه فرد به خانواده
-عدم ازدواج به موقع نسل جوان
-عدم اشتغال و رواج بیکاری
-عدم فرهنگ سازی مناسب
-عدم ارائه الگوهای مناسب توسط رسانه ها
-رواج تحمیل گرایی و رفاه طلبی
-عدم رعایت خانواده‌ها در برپایی برخی مهمانی‌ها و شب نشینی‌ها
-اختلاط زنان و مردان در محافل، جشن ها و عروسی‌ها
-عدم ارضای خواسته ها و نیازمندیهای افرادبطور معمول

بطور کل بدحجابی در عصرما منشاء بسیاری از معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می نماید و رعایت پوشش اسلامی می تواند مانع بسیاری از انحرافات گردد از جمله:

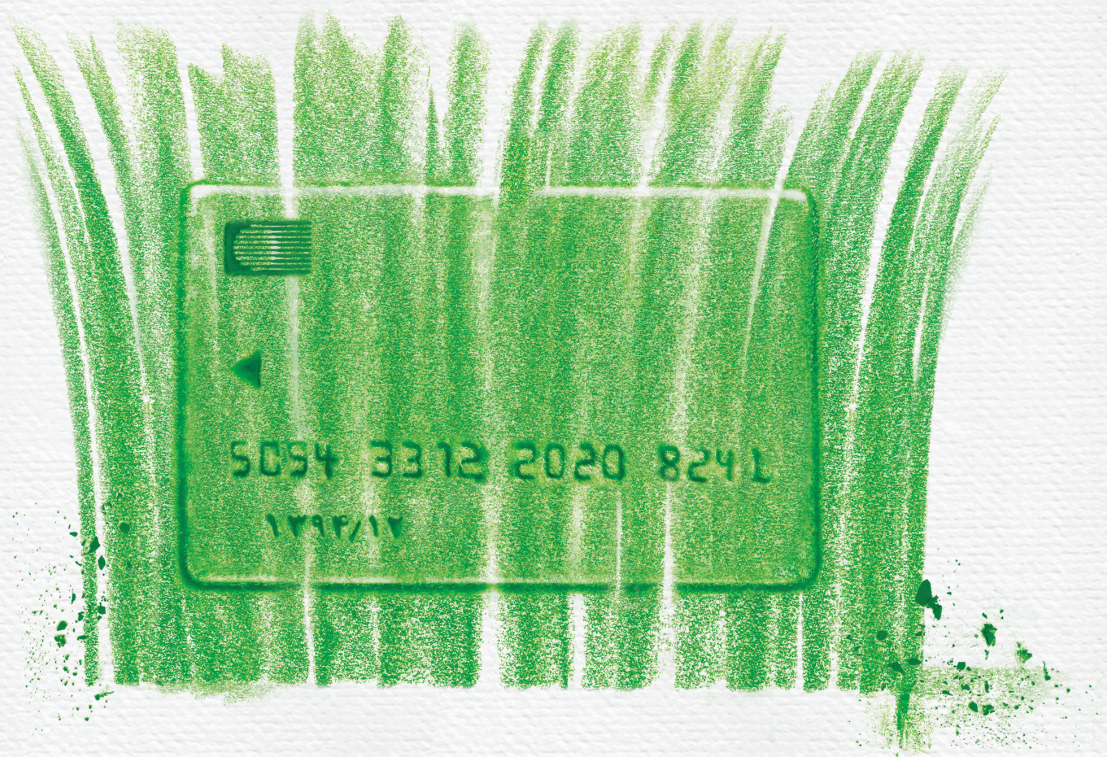
-اینکه انسان بفهمد و بداند که حجاب مصونیت است نه محدودیت
-جامعه را از انحطاط اخلاقی و فردپاشی خانواده‌ها مصون می دارد.
-جوانان و افراد مجرد جامعه را از آشفتگی های ذهنی مصون نگه می دارد.
-جوامع را از بیماریهای ذهنی رهایی می دهد.
- سبب ایجاد امنیت فردی و اجتماعی در جامعه گردیده و موجبات احترام به قوانین و مقررات حاکم را فراهم می کند.
-آراستگی روحی برای افراد جامعه را فراهم می کند.

(چرا سرقت از منزل اتفاق می‌افتد)

از علل و عوامل اصلی زمینه ساز سرقت منزل میتوان به موارد زیر اشاره کرد.
۱-عدم نکات ایمنی درراه های ورودی ساختمان
۲-دسترسی افراد نا مطمئن به کلیدهای ساختمان
۳-عدم نصب دزدگیر مناسب در ساختمان
۴-خالی گذاشتن منزل بدون رعایت اصول ایمنی
احتیاط: از بروز اتفاق جلوگیری کنید.
هنگام ساخت وساز، به استحکام و ایمنی ساختمان به اندازه زیبایی آن اهمیت دهید.
برای ایمنی بیشتر منزل خود، از سیستم های دزدگیر استفاده کنید.
راه های ورودی ساختمان را ایمن سازید
۱-چنانچه از آژیر خطر استفاده می کنید، محل نصب آن را جایی قرار دهید که سارقان نتوانند به راحتی آن را تشخیص دهند.
۲-اگراز سیستم دزدگیر برقی استفاده می کنید، به طورمرتب کارکرد آنرا کنترل کنید.
۳-هنگام خروج از منزل دزدگیر را روشن کنید.

راهــــور

هر ساله با فرا رسیدن ایام عید نوروز و تعطیلات پایان سال بسیاری از مردم تصمیم به مسافرت و گردش می گیرند که در این میان استفاده از خودرو شخصی در این مسافرتها طرفدار بیشتری دارد. شاید بتوان گفت رکن اصلی مسافرتهای نوروزی، اتومبیل می باشد.
به همین جهت در طول ایام تعطیلات با نوعی ترافیک مواجه هستیم که حالتی خاص و ویژه دارد که در هیچ کدام از ایام سال حتی روزهای تعطیل دیگر شاهد این چنین ترافیکی نمی باشیم. لذا از کلیه رانندگان عزیز درخواست داریم که توصیه های زیر را مد نظر قرار داده تا بتوانند سفری آرام، لذت بخش، همراه با ایمنی را برای خود و همسفران به ارمغان بیاوریم:
۱-داشتن برنامه ریزی از ابتدا تا انتهای سفر
۲-اطمینان از سالم بودن وسیله نقلیه و نداشتن نقص فنی
۳-همراه داشتن وسایل ضروری در سفر
۴-در هیچ زمانی و تحت هیچ شرایطی نباید عجله و شتاب کرد و همیشه صبر و حوصله پیشه کنید.
۵-خود را پایبند به رعایت کلیه قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی بدانید.
۶-در صورت بروز تصادف خسارتی حتماً راه را باز نمایید.
۷-هنگام تردد داخل شهرها حتماً مواظب عابرین پیاده باشید.
۸-سطح شهر دارای دوربین های کنترل ترافیک می باشد که در طول ایام عید نیز تخلفات را ثبت می نماید.
۹-مادر تمام حوادث رانندگی سرعت های غیرمجاز می باشد، پس با سرعت مطمئنه حرکت کنید.
هنگام رانندگی داخل شهر حتماً حق تقدم عبور را مد نظر قرار دهید و به یکدیگر احترام بگذارید.



کارتتون سکه

کارت‌های هدیه، ویژه‌ی نوروز

ضمن تبریک فرا رسیدن سال نو، به منظور رفاه حال هموطنان گرامی و نیز تسهیل و تسریع در ارایه‌ی خدمات بانکی و خدمت‌رسانی مطلوب‌تر به مشتریان در روزهای پایانی سال و تعطیلات نوروزی، ساعت کار تمامی شعب بانک در تهران و شهرستان‌ها به شرح زیر می‌باشد:

ایام	ساعت
شنبه ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ لغایت پنج‌شنبه ۱۳۹۳/۱۲/۲۸	۷:۳۰ تا ۱۸
پنج‌شنبه ۱۳۹۳/۱۲/۲۱	۷:۳۰ تا ۱۳
سه‌شنبه ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ (شب چهارشنبه آخر سال)	۷:۳۰ تا ۱۵
یکشنبه ۱۳۹۴/۰۱/۲	۹ تا ۱۳
دوشنبه ۱۳۹۴/۰۱/۳	۹ تا ۱۳

● **لازم به توضیح است، باجه‌ی عصر از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۵ لغایت ۱۳۹۴/۱/۱۴ در روزهای کاری، تعطیل خواهد بود.**

بانک گردشگری
TOURISM BANK
www.tourismbank.ir





www.sarmadins.ir

شادیت ممتد...